

به نام خداوند بخشنده مهربان

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.

۲ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

خدایی که بخشنده و مهربان است.

۳ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

مالک (و پادشاه) روز جزاست (روز کیفر نیک و بد خلق).

۴ مَلِكِ يَوْمِ الدِّينِ

پروردگارا) تنها تو را می‌پرستیم، و از تو یاری می‌جوییم و بس.

۵ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

تو ما را به راه راست هدایت فرما.

۶ أِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

راه آنان که به آنها انعام فرمودی، نه راه کسانی که بر آنها خشم فرمودی (قوم یهود) و نه گمراهان (چون اغلب نصاری).

۷ صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 ا  
 ۲  
 اَلَمْ

الم (از رموز قرآن است).

۲  
 ذَلِكَ الْكِتَابُ لَا رَيْبَ فِيهِ هُدًى لِّلْمُتَّقِينَ

این کتاب که هیچ شک در آن نیست، راهنمای پرهیزگاران است.

۳  
 الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْغَيْبِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ  
 يُنْفِقُونَ

آن کسانی که به جهان غیب ایمان آرند و نماز به پا دارند و از هر چه روزیشان کردیم به فقیران انفاق کنند.

۴  
 وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ  
 وَبِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

و آنان که ایمان آرند به آنچه به تو و آنچه به (پیغمبران) پیش از تو فرستاده شده و آنها خود به عالم آخرت یقین دارند.

۵  
 أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

آنان از لطف پروردگار خویش به راه راستند و آنها به حقیقت، رستگاران عالمند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

خَتَمَ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَعَلَىٰ سَمْعِهِمْ وَعَلَىٰ أَبْصَارِهِمْ غِشْوَةٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَبِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَا هُمْ بِمُؤْمِنِينَ

يُخَادِعُونَ اللَّهَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَمَا يَخْدَعُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ فَزَادَهُمُ اللَّهُ مَرَضًا وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ لَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ قَالُوا إِنَّمَا نَحْنُ مُصْلِحُونَ

أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْمُفْسِدُونَ وَلَٰكِن لَّا يَشْعُرُونَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا كَمَا ءَامَنَ النَّاسُ قَالُوا أَنُؤْمِنُ كَمَا ءَامَنَ السُّفَهَاءُ ۗ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ السُّفَهَاءُ وَلَٰكِن لَّا يَعْلَمُونَ

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا إِلَىٰ شَيْطَانِهِمْ قَالُوا إِنَّا مَعَكُمْ إِنَّمَا نَحْنُ مُسْتَهْزَءُونَ

اللَّهُ يَسْتَهْزِئُ بِهِمْ وَيَمُدُّهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ فَمَا رَبِحَت تِّجَرَتُهُمْ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

(ای رسول ما) کافران را یکسان است که ایشان را بترسانی یا تترسانی، ایمان نخواهند آورد.

خدا مهر نهاد بر دلها و گوشهای ایشان، و بر چشمهای ایشان پرده افتاده، و ایشان را عذابی سخت خواهد بود.

و گروهی از مردم (یعنی منافقان) گویند: ما ایمان آورده‌ایم به خدا و به روز قیامت، و حال آنکه ایمان نیاورده‌اند.

می‌خواهند خدا و اهل ایمان را فریب دهند و حال آنکه فریب ندهند مگر خود را، و این را نمی‌دانند.

در دلهای ایشان بیماری (جهل و عناد) است، خدا بر بیماری آنها بیفزاید، و برای ایشان است عذابی دردناک، به سبب آنکه پیوسته دروغ می‌گفتند.

و چون آنان را گویند که فساد در زمین نکنید، گویند: تنها ما کار به صلاح کنیم.

آگاه باشید آنها خود مفسدند ولی نمی‌دانند.

و چون به ایشان گویند: ایمان آورید چنانکه دیگران ایمان آوردند؛ گویند: چگونه ایمان آوریم مانند بیخردان؟! آگاه باشید که ایشان خود بی‌خردند ولی نمی‌دانند.

و چون به اهل ایمان برسند گویند: ما ایمان آوردیم؛ و وقتی با شیاطین خود خلوت کنند گویند: ما با شما هستیم، جز این نیست که (مؤمنان را) مسخره می‌کنیم.

خدا به ایشان استهزا کند و در سرکشی مهلتشان دهد که حیران بمانند.

آنانند که گمراهی را به راه راست خریدند، پس تجارت ایشان سود نکرد و راه هدایت نیافتند.

مَثَلُهُمْ كَمَثَلِ الَّذِي اسْتَوْقَدَ نَارًا فَلَمَّا أَضَاءَتْ مَا حَوْلَهُ  
ذَهَبَ اللَّهُ بِنُورِهِمْ وَتَرَكَهُمْ فِي ظُلْمَةٍ لَا يُبْصِرُونَ

صُمُّ بُكُمْ عُمَىٰ فَهُمْ لَا يَرْجِعُونَ

أَوْ كَصَيْبٍ مِّنَ السَّمَاءِ فِيهِ ظُلْمَةٌ وَرَعْدٌ وَبَرْقٌ يَجْعَلُونَ  
أَصْبِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ مِّنَ الصَّوَاعِقِ حَذَرَ الْمَوْتِ وَاللَّهُ  
مُخِيطٌ بِالْكَافِرِينَ

يَكَادُ الْبَرْقُ يَخْطَفُ أَبْصَارَهُمْ كُلَّمَا أَضَاءَ لَهُمْ مَشَوْا فِيهِ  
وَإِذَا أَظْلَمَ عَلَيْهِمْ قَامُوا وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَذَهَبَ بِسَمْعِهِمْ  
وَأَبْصَارِهِمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اعْبُدُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالَّذِينَ مِنْ  
قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ فِرَاشًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً وَأَنْزَلَ مِنَ  
السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجَ بِهِ مِنَ الثَّمَرَاتِ رِزْقًا لَّكُمْ فَلَا  
تَجْعَلُوا لِلَّهِ أَنْدَادًا وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

وَإِنْ كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّمَّا نَزَّلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا فَأْتُوا بِسُورَةٍ مِّنْ  
مِّثْلِهِ ۚ وَادْعُوا شُهَدَاءَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

فَإِنْ لَّمْ تَفْعَلُوا وَلَنْ تَفْعَلُوا فَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي وَقُودُهَا  
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ ۖ أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

مثل ایشان مانند کسی است که آتشی بیفزورد، و همین که روشن کند پیرامون او را، خدا روشنی آنان را ببرد و رها کند ایشان را در تاریکیی که هیچ نبینند.

آنها کر و گنگ و کورند و (از ضلالت خود) بر نمی‌گردند.

یا مثل آنان چون کسانی است که در بیابان، بارانی تند که در آن تاریکی و رعد و برق است بر آنان ببارد، و آنان انگشتانشان را از ترس مرگ در گوش نهند مبادا از شدت صدای صاعقه بمیرند، و خدا بر کافران احاطه دارد.

نزدیک است برق روشنی چشمهایشان را ببرد، هرگاه روشنی بینند می‌روند در آن، و چون تاریک شود بایستند، و اگر خدا می‌خواست گوش آنها را کر و چشم آنان را کور می‌ساخت، که خداوند بر هر چیز تواناست.

ای مردم، پرستید خدایی را که آفریننده شما و پیشینیان شماست، باشد که پارسا و منزّه شوید.

آن خدایی که برای شما زمین را گسترده و آسمان را برافراشت و فرو بارید از آسمان آبی که به سبب آن بیرون آورد میوه‌های گوناگون برای روزی شما، پس کسی را مثل و مانند او قرار ندهید در حالی که می‌دانید (که بی‌مانند است).

و اگر شما را شکّی است در قرآنی که بر بنده خود (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) فرستادیم، پس بیاورید یک سوره مانند آن، و گواهان خود را بخوانید به جز خدا، اگر راست می‌گویید.

و اگر این کار را نکردید و هرگز نتوانید کرد پس بپرهیزید از آتشی که هیزم آن مردم بدکار و سنگهای خارا است که (از قهر خدا) برای کافران مهیا شده است.

وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ كُلَّمَا رُزِقُوا مِنْهَا مِنْ ثَمَرَةٍ رِزْقًا  
قَالُوا هَذَا الَّذِي رُزِقْنَا مِنْ قَبْلُ وَأُتُوا بِهِ مُتَشَابِهًا وَلَهُمْ  
فِيهَا أَزْوَاجٌ مُطَهَّرَةٌ وَهُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَضْرِبَ مَثَلًا مَّا بَعُوضَةً فَمَا فَوْقَهَا  
فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَأَمَّا الَّذِينَ  
كَفَرُوا فَيَقُولُونَ مَاذَا أَرَادَ اللَّهُ بِهَذَا مَثَلًا يُضِلُّ بِهِ  
كَثِيرًا وَيَهْدِي بِهِ كَثِيرًا وَمَا يُضِلُّ بِهِ إِلَّا الْفَاسِقِينَ

الَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا  
أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَٰئِكَ هُمُ  
الْخَاسِرُونَ

كَيْفَ تَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَكُنْتُمْ أَمْوَاتًا فَأَحْيَاكُمْ ثُمَّ  
يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

هُوَ الَّذِي خَلَقَ لَكُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ أَسْتَوَىٰ إِلَىٰ  
السَّمَاءِ فَسَوَّاهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

و مژده ده کسانی را که ایمان آوردند و نیکوکاری پیشه کردند که جایگاه آنان باغهایی است که نهرها در آن جاری است، و چون از میوه‌های گوناگون آن بهره‌مند شوند گویند: این مانند همان میوه‌هایی است که پیش از این در دنیا ما را نصیب بود، و از نعمتهایی مانند یکدیگر بر آنان آورند، و آنها را در آن جایگاههای خوش، جفتهایی پاک و پاکیزه است و در آن بهشت، جاوید خواهند زیست.

و خدا را شرم و ملاحظه از آن نیست که به پشه و چیزی بزرگتر از آن مثل زند، پس آنهایی که به خدا ایمان آورده‌اند میدانند که آن مثل حق است از جانب او، و اما آنهایی که کافرند می‌گویند: خدا را از این مثل چه مقصود است؟ گمراه می‌کند به آن مثل بسیاری را و هدایت می‌کند بسیاری را! و گمراه نمی‌کند به آن مگر فاسقان را.

کسانی که عهد خدا را پس از محکم بستن می‌شکنند و رشته‌ای را که خدا امر به پیوند آن کرده می‌گسلند و در میان اهل زمین فساد می‌کنند، ایشان به حقیقت زیانکارند.

چگونه کافر می‌شوید به خدا و حال آنکه مرده بودید و خدا شما را زنده کرد و دیگر بار بمیراند و باز زنده کند و عاقبت به سوی او باز گردانده می‌شوید؟!!

او خدایی است که همه موجودات زمین را برای شما خلق کرد، و پس از آن به خلقت آسمانها نظر گماشت و هفت آسمان را بر فراز یکدیگر برافراشت و او به همه چیز داناست.

وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلٰٓئِكَةِ إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً ۗ قَالُوا أَتَجْعَلُ فِيهَا مَن يُفْسِدُ فِيهَا وَيَسْفِكُ الدِّمَآءَ وَنَحْنُ نُسَبِّحُ بِحَمْدِكَ وَنُقَدِّسُ لَكَ ۗ قَالَ إِنِّي أَعْلَمُ مَا لَا تَعْلَمُونَ

وَعَلَّمَ ءَادَمَ الْأَسْمَآءَ كُلَّهَا ثُمَّ عَرَضَهُمْ عَلَى الْمَلٰٓئِكَةِ فَقَالَ أَنْبِئُونِي بِأَسْمَآءِ هٰٓؤُلَآءِ إِن كُنْتُمْ صٰٓدِقِينَ

قَالُوا سُبْحٰنَكَ لَا عِلْمَ لَنَا بِهٰٓذَا مَا عَلَّمْتَنَا ۗ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

قَالَ يٰٓءَادَمُ أَنْبِئْهُمْ بِأَسْمَآئِهِمْ ۗ فَلَمَّآ أَنْبَأَهُمْ بِأَسْمَآئِهِمْ قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ غَيْبَ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَأَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلٰٓئِكَةِ اسْجُدُوا لِءَادَمَ فَسَجَدُوا ۗ اِلَّآ اِبْلِيسَ اَبٰٓى وَاسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكٰفِرِيْنَ

وَقُلْنَا يٰٓءَادَمُ اَسْكُنْ اَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ وَكُلَا مِنْهَا رَغَدًا حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هٰذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُوْنَا مِنَ الظَّٰلِمِيْنَ

فَاَزَلَّهُمَا الشَّيْطٰنُ عَنْهَا فَاَخْرَجَهُمَا مِمَّا كَانَا فِيْهِ ۗ وَقُلْنَا اٰهْبِطُوْا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْاَرْضِ مُسْتَقَرُّوْا وَمَتَعُ اِلٰى حِيْنَ

فَتَلَقٰٓى ءَادَمُ مِنْ رَّبِّهٖٓ كَلِمٰتٍ فَتَابَ عَلَيْهِ ۗ اِنَّهٗ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيْمُ

و (به یاد آر) وقتی که پروردگارت فرشتگان را فرمود که من در زمین خلیفه‌ای خواهم گماشت، گفتند: آیا کسانی در زمین خواهی گماشت که در آن فساد کنند و خونها بریزند و حال آنکه ما خود تو را تسبیح و تقدیس می‌کنیم؟! خداوند فرمود: من چیزی (از اسرار خلقت بشر) می‌دانم که شما نمی‌دانید.

و خدا همه اسماء را به آدم یاد داد، آن گاه حقایق آن اسماء را در نظر فرشتگان پدید آورد و فرمود: اسماء اینان را بیان کنید اگر شما در دعوی خود صادقید.

گفتند: منزهی تو، ما نمی‌دانیم جز آنچه تو خود به ما تعلیم فرمودی، که تویی دانا و حکیم.

فرمود: ای آدم، ملائکه را به اسماء این حقایق آگاه ساز. چون آگاه ساخت، خدا فرمود: آیا شما را نگفتم که من بر غیب آسمانها و زمین دانا و بر آنچه آشکار و پنهان دارید آگاهم؟

و چون فرشتگان را فرمان دادیم که بر آدم سجده کنید، همه سجده کردند مگر شیطان که ابا و تکبر ورزید و از فرقه کافران گردید.

و گفتیم: ای آدم تو با جفت خود در بهشت جای گزین و در آنجا از هر نعمت که بخواهید فراوان برخوردار شوید، ولی به این درخت نزدیک نشوید که از ستمکاران خواهید بود.

پس شیطان آنها را به لغزش افکند (تا از آن درخت خوردند) و (بدین عصیان) آنان را از آن مقام بیرون آورد، و گفتیم که (از بهشت) فرود آید که برخی از شما برخی را دشمنید، و شما را در زمین تا روز مرگ قرارگاه و بهره خواهد بود.

پس آدم از خدای خود کلماتی آموخت و خداوند توبه او را پذیرفت، زیرا خدا بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

قُلْنَا أَهْبِطُوا مِنْهَا جَمِيعًا ۖ فَإِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدًى فَمَنْ تَبِعَ هُدَايَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

گفتیم: همه از بهشت فرود آید، تا آن گاه که از جانب من راهنمایی برای شما آید، آنان که پیروی او کنند هرگز بیمناک و اندوهگین نخواهند شد.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

و آنان که کافر شدند و تکذیب آیات ما کردند اهل دوزخند و در آتش آن همیشه معذب خواهند بود.

يٰۤاَيُّهَا اِسْرَائِيْلُ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ ۗ وَاَوْفُوا بِعَهْدِي اَوْفِ بِعَهْدِكُمْ وَاِيَّيْ فَاَرْهَبُوْنَ

ای بنی اسرائیل، به یاد آرید نعمتهایی که به شما عطا کردم، و به عهد من وفا کنید تا به عهد شما وفا کنم، و تنها از من بر حذر باشید.

وَعَامِنُوا بِمَا اَنْزَلْتُ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ ۗ وَلَا تَكُونُوا اَوَّلَ كٰفِرٍ بِهٖ ۗ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيْلًا وَاِيَّيْ فَاَتَّقُوْنَ

و به قرآنی که فرستادم ایمان آورید که تورات شما را تصدیق می‌کند، و اول کافر به آن نباشید، و آیات مرا به بهای اندک نفروشید، و تنها از قهر من بپرهیزید.

وَلَا تَلْبَسُوا الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُوا الْحَقَّ وَاَنْتُمْ تَعْلَمُوْنَ

و حق را به باطل میپوشانید و حقیقت را پنهان نسازید و حال آنکه (به حقانیت آن) واقفید.

وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَعَاتُوا الزَّكَاةَ وَاَرْكَعُوا مَعَ الرَّٰكِعِيْنَ

و نماز به پا دارید و زکات بدهید و با خدا پرستان حق را پرستش کنید.

أَتَاْمُرُوْنَ النَّاسَ بِالْبِرِّ وَتَنْسَوْنَ اَنْفُسَكُمْ وَاَنْتُمْ تَتْلُوْنَ الْكِتٰبَ ۗ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ

چگونه شما مردم را به نیکوکاری دستور می‌دهید و خود را فراموش می‌کنید و حال آنکه کتاب خدا را می‌خوانید، چرا اندیشه نمی‌کنید؟

وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ وَاِنَّهَا لَكَبِيْرَةٌ اِلَّا عَلَى الْخٰشِعِيْنَ

و یاری جویید از خدا به صبر و نماز، که نماز (با حضور قلب) امری بسیار بزرگ و دشوار است مگر بر خداپرستان فروتن.

الَّذِيْنَ يُّظُنُّوْنَ اَنْهُمْ مُّلَقُوْا رَبِّهٖمْ وَاَنْهُمْ اِلَيْهٖ رٰجِعُوْنَ

آنان که می‌دانند به پیشگاه خدا حاضر خواهند شد و بازگشتشان به سوی او خواهد بود.

يٰۤاَيُّهَا اِسْرَائِيْلُ اذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي اَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَاِنِّيْ فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعٰلَمِيْنَ

ای بنی اسرائیل، یاد کنید از نعمتهایی که به شما عطا کردم (به نعمت کتاب و رسول) شما را بر عالمیان برتری دادم.

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِيْ نَفْسٌ عَن نَّفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا شَفَعَةٌ وَلَا يُؤْخَذُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُوْنَ

و حذر کنید از آن روزی که هیچ کس به کار دیگری نیاید، و شفاعت هیچ کس پذیرفته نشود، و فدا و عوض از کسی قبول نکنند، و هیچ یاری کننده و فریاد رسی نخواهند داشت.

وَإِذْ نَجَّيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ  
يُذَبِّحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ  
بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

۵۰

وَإِذْ فَرَقْنَا بِكُمْ الْبَحْرَ فَأَنْجَيْنَاكُمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ  
وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

۵۱

وَإِذْ وَعَدْنَا مُوسَىٰ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِنْ  
بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ

۵۲

ثُمَّ عَفَوْنَا عَنْكُمْ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۵۳

وَإِذْ آتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَالْفُرْقَانَ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

۵۴

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِ إِنَّكُمْ ظَلَمْتُمْ أَنْفُسَكُمْ  
بِاتِّخَاذِكُمُ الْعِجْلَ فَتُوبُوا إِلَىٰ بَارِيكُمْ فَاقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ  
ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ عِنْدَ بَارِيكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ إِنَّهُ هُوَ  
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

۵۵

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نُؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ نَرَىٰ اللَّهُ جَهْرَةً  
فَأَخَذْتُمْ الصَّعِيقَةَ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

۵۶

ثُمَّ بَعَثْنَاكُمْ مِنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۵۷

وَوَهَبْنَا لَكُمْ الْأَنْعَامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّاءَ وَالسَّلْوَىٰ  
كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلَكِنْ كَانُوا  
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

و (به یاد آرید) هنگامی که شما را از ستم فرعونیان نجات دادیم که از آنها سخت در شکنجه بودید، (به حدی که) پسران شما را کشته و زنان را زنده نگاه می‌داشتند، و آن بلا و امتحانی بزرگ بود که خدا شما را بدان می‌آزمود.

و (یاد کنید) هنگامی که دریا را شکافتیم و شما را نجات دادیم و فرعونیان را غرق کردیم و شما مشاهده می‌کردید.

و (یاد آورید) موقعی که با موسیٰ چهل شب وعده نهادیم، پس شما (در غیبت او) گوساله پرستی اختیار کرده ستمکار و بیدادگر شدید.

آن گاه شما را پس از چنین کار زشت بخشیدیم، شاید سیاست‌گزار شوید.

و (به یاد آورید) وقتی که به موسیٰ کتاب و فرقان عطا کردیم، باشد که به راه حق هدایت یابید.

و (یاد کنید) وقتی که موسیٰ به قوم خود گفت: ای قوم، شما به نفس خود ستم کردید که (به جهالت) گوساله پرست شدید، اکنون به سوی آفریدگارتان باز گردید و (به کیفر جهالت خود) به کشتن یکدیگر تیغ برکشید، این برای شما در پیشگاه آفریدگارتان بهترین (کفاره عمل) است. آن گاه از شما در گذشت که او بسیار توبه‌پذیر و مهربان است.

و (یاد آرید) وقتی که گفتید: ای موسیٰ ما به تو ایمان نمی‌آوریم تا آنکه خدا را آشکار ببینیم، پس صاعقه سوزان بر شما فرود آمد و آن را مشاهده می‌کردید.

سپس شما را بعد از مرگ برانگیختیم شاید خدا را شکر گزارید.

و ابر را سایبان شما ساختیم و مرغ بریان و ترانگین را بر شما فرستادیم (و گفتیم) از این روزیهای پاک که به شما دادیم تناول کنید، ولی (شکر این نعمت را به جا نیاوردند) نه به ما بلکه به خود ستم کردند.



وَإِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَدًا  
وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا وَقُولُوا حِطَّةٌ نَّغْفِرْ لَكُمْ  
خَطَايَاكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى  
الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

وَإِذِ اسْتَسْقَىٰ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ  
فَانفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ  
مَّشْرَبَهُمْ<sup>ط</sup> كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللَّهِ وَلَا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ  
مُفْسِدِينَ

وَإِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَىٰ لَنْ نَّصْبِرَ عَلَىٰ طَعَامٍ وَاحِدٍ فَادْعُ لَنَا  
رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِهَا وَقِثَّائِهَا  
وَفُومِهَا وَعَدَسِيهَا وَبَصَلِهَا<sup>ط</sup> قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَىٰ  
بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ أَهْبِطُوا مِصْرًا فَإِنَّ لَكُمْ مَّا سَأَلْتُمْ<sup>ط</sup>  
وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ  
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّ  
بِعَيْرِ الْحَقِّ<sup>ط</sup> ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

و (به یاد آرید) وقتی که گفتیم: وارد این قریه (بیت المقدس) شوید و از نعمتهای آن فراوان تناول کنید و از آن در، سجده کنان داخل شوید و بگویید: (خدایا) گناهان ما فرو ریز، تا از خطای شما درگذریم؛ و بر ثواب نیکوکاران خواهیم افزود.

پس از آن، ستمکاران حکم خدا را به غیر آن که به آنها گفته بودند تبدیل نمودند، و ما بر آن ستمکاران به کیفر بدکاری و نافرمانی آنها عذابی سخت از آسمان نازل کردیم.

و (به یاد آرید) وقتی که موسی برای قوم خود طلب آب کرد، به او گفتیم: عصای خود را بر سنگ زن، پس دوازده چشمه آب از آن سنگ جوشید و هر سبطی آبشخور خود را دانست (و گفتیم) از آنچه خدا روزی شما ساخته بخورید و بیاشامید و در زمین به فتنه‌انگیزی و فساد نپردازید.

و (به یاد آرید) وقتی که به موسی اعتراض کردید که ما بر یک نوع طعام صبر نخواهیم کرد، از خدای خود بخواه تا برای ما از زمین نباتاتی برآورد مانند سبزی و خیار و سیر و عدس و پیاز. موسی گفت: آیا می‌خواهید غذای بهتری را که دارید به پست‌تر از آن تبدیل کنید؟ (حال که تقاضای شما این است) به شهر مصر فرود آید که در آنجا آنچه درخواست کردید مهیاست. و بر آن‌ها ذلت و خواری مقدر گردید، و چون دست از ستمکاری و عصیان برداشته و به آیات خدا کافر می‌گشتند و انبیا را به ناحق کشتند دیگر بار به خشم و قهر خدا گرفتار شدند.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّٰلِحِينَ مِنَ ءَامَنَ بِاللّٰهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلْ صَالِحًا فَلَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَٰلِكَ فَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَكُنْتُمْ مِنَ الْخٰسِرِينَ

وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ الَّذِينَ ءَاعْتَدُوا مِنكُمْ فِي السَّبْتِ فَقُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خٰسِئِينَ

فَجَعَلْنَاهَا نَكَالًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهَا وَمَا خَلْفَهَا وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَذْبَحُوا بَقَرَةً قَالُوا أَتَتَّخِذُنَا هُزُوًا قَالَ أَعُوذُ بِاللَّهِ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا فَارِضٌ وَلَا بِكْرٌ عَوَانُ بَيْنَ ذَٰلِكَ فَافْعَلُوا مَا تُؤْمَرُونَ

قَالُوا ادْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا لَوْهَاهُ قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَّوْنُهَا تَسُرُّ النَّاظِرِينَ

هر یک از مسلمانان و یهود و نصاری و صابئان (پیروان حضرت یحیی) که از روی حقیقت به خدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکاری پیشه کند، البته آنها از خدا پاداش نیک یابند و هیچ گاه بیمناک و اندوهگین نخواهند بود.

و (ای بنی اسرائیل یاد آرید) وقتی که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بالای سر شما برافراشتیم، (و دستور دادیم که) احکام تورات را با عقیده محکم پیروی کنید و پیوسته آن را در نظر بگیرید، باشد که پرهیزگار شوید.

بعد از آن همه عهد و پیمان (از خدا) روی گردانیدید؛ و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما نمی‌شد البته در شمار زیانکاران بودید.

و محققا دانسته‌اید جماعتی از شما را که عصیان ورزیده حرمت شنبه را نگاه نداشتند، گفتیم: بوزینه شوید و راندگانی (دور از قرب حق).

و این عقوبت مسخ را کیفر آنها و عبرت اخلاف آنها و پند پرهیزکاران گردانیدیم.

و (به یاد آرید) وقتی که موسی به قوم خود فرمود که به امر خدا گاوی را ذبح کنید، گفتند: ما را به تمسخر گرفته‌ای؟ موسی گفت: پناه می‌برم به خدا از آنکه (سخن به تمسخر گویم و) از مردم نادان باشم.

گفتند: از خدایت بخواه که خصوصیت گاو را برای ما معین کند. موسی گفت: خدا می‌فرماید: گاوی نه پیر از کار افتاده و نه جوان کار نکرده، بلکه میانه این دو حال باشد، حال انجام دهید آنچه مأمورید.

گفتند: از خدایت بخواه که رنگ آن گاو را معین کند. موسی گفت: خدا می‌فرماید گاو زرد زرینی باشد که بینندگان را فرح بخشد.

قَالُوا أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ يُبَيِّنْ لَنَا مَا هِيَ إِنَّ الْبَقَرَ تَشَبَهَ عَلَيْنَا وَإِنَّا إِن شَاءَ اللَّهُ لَمُهْتَدُونَ

باز گفتند: از خدایت بخواه چگونگی آن گاو را کاملا برای ما روشن گرداند که هنوز بر ما مشتبه است و (چون رفع اشتباه شود) البته به خواست خدا راه هدایت پیش گیریم.

قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ لَا ذَلُولٌ تُثِيرُ الْأَرْضَ وَلَا تَسْقِي الْحَرْثَ مُسَلَّمَةٌ لَا شِيَةَ فِيهَا قَالُوا أَلَكِن جِئْتَ بِالْحَقِّ فَذَبْحُوهَا وَمَا كَادُوا يَفْعَلُونَ

موسی گفت: خدا می‌فرماید آن گاو هم آن قدر به کار رام نباشد که زمین شیار کند و آب به کشتزار دهد و هم بی‌عیب و یکرنگ باشد. گفتند: اکنون حقیقت را روشن ساختی. و گاوی بدان اوصاف کشتند، لیکن نزدیک بود باز نافرمانی کنند.

وَإِذ قَتَلْتُمْ نَفْسًا فَادَّرَأْتُمْ فِيهَا وَاللَّهُ مُخْرِجٌ مَّا كُنْتُمْ تَكْتُمُونَ

و (به یاد آرید) وقتی که نفسی را کشتید و یکدیگر را درباره آن متهم کرده و نزاع برانگیختید، و خداوند می‌خواست راز پنهانی شما را آشکار کند.

فَقُلْنَا أَضْرِبُوهُ بِبَعْضِهَا كَذَلِكَ يُحْيِي اللَّهُ الْمَوْتَى وَيُرِيكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

پس دستور دادیم بعضی از اعضا گاو را بر بدن کشته زیند (تا زنده شود و قاتل را معرفی کند). این گونه خداوند مردگان را زنده خواهد فرمود، و قدرت کامله خویش را به شما آشکار می‌نماید، باشد که عقل خود را به کار برید.

ثُمَّ قَسَتْ قُلُوبُكُمْ مِّنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَهِيَ كَالْحِجَارَةِ أَوْ أَشَدُّ قَسْوَةً وَإِن مِّن الْحِجَارَةِ لَمَا يَتَفَجَّرُ مِنْهُ الْأَنْهَارُ وَإِن مِّنْهَا لَمَا يَشَّقُّ فَيَخْرُجُ مِنْهُ الْمَاءُ وَإِن مِّنْهَا لَمَا يَهْبِطُ مِنْ حَشِيَّةِ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِيلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

پس با این معجزه باز چنان سخت دل شدید، که دل‌هایتان چون سنگ یا سخت‌تر از آن شد، چه آنکه از پاره‌ای سنگها نهرها بجوشد و برخی دیگر از سنگها بشکافتد و آب از آن بیرون آید و پاره‌ای از ترس خدا فرود آید. و (ای سنگدلان بترسید که) خدا از کردار شما غافل نیست.

أَفَتَطْمَعُونَ أَن يُؤْمِنُوا لَكُمْ وَقَدْ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ يَسْمَعُونَ كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ يُحَرِّفُونَهُ مِن بَعْدِ مَا عَقَلُوهُ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

آیا طمع دارید که یهودان به (دین) شما بگروند در صورتی که گروهی از آنان کلام خدا را شنیده و به دلخواه خود تحریف می‌کنند با آنکه در کلام خود تعقل کرده و معنی آن را دریافته‌اند.

وَإِذَا لَقُوا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَا بِبَعْضِهِمْ إِلَى بَعْضٍ قَالُوا أَتُحَدِّثُونَهُم بِمَا فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ لِيُحَاجُّوكُمْ بِهِ عِنْدَ رَبِّكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

و هرگاه با مؤمنان روبرو شوند گویند: ما نیز ایمان آورده‌ایم؛ و چون با یکدیگر خلوت کنند گویند: چرا دری که خدا از علوم به روی شما گشوده به روی مسلمانان باز می‌کنید تا به کمک همان علوم با شما نزد خدایان محابه کنند؟ چرا راه عقل و اندیشه نمی‌پویید؟

أَوْ لَا يَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

آیا نمی‌دانند که خدا بر آنچه پنهان داشته و یا آشکار کنند آگاه است؟

وَمِنْهُمْ أُمِّيُونَ لَا يَعْلَمُونَ الْكِتَابَ إِلَّا أَمَانِيٍّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

و بعضی عوام بی‌هوش که خواندن و نوشتن هم ندانند تورات را جز آمال باطل خود نپندارند و تنها پابست خیالات خام و بی‌هوشه خویشند.

فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ يَكْتُمُونَ الْكِتَابَ بِأَيْدِيهِمْ ثُمَّ يَقُولُونَ هَذَا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ لَيْسَتْ رُءُوسُهُمْ بِهِ ثُمَّ قَلِيلًا فَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا كَتَبَتْ أَيْدِيهِمْ وَوَيْلٌ لَهُمْ مِمَّا يَكْسِبُونَ

پس وای بر آن کسانی که از پیش خود کتاب را نوشته و به خدای متعال نسبت دهند تا به بهای اندک بفروشند، پس وای بر آنها از آن نوشته‌ها و آنچه از آن به دست آرند.

وَقَالُوا لَنْ تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَعْدُودَةً قُلْ أَتَّخَذْتُمْ عِنْدَ اللَّهِ عَهْدًا فَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ عَهْدَهُمْ أَمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

و یهود گفتند که هیچ وقت آتش عذاب به ما نرسد مگر چند روزی معدود. به آنان بگو: آیا بر آنچه دعوی می‌کنید عهد و پیمانی از خدا گرفته‌اید که خدا هم از آن عهد هرگز تخلف نکند یا چیزی به خیال جاهلانه خود به خدا نسبت می‌دهید؟

بَلَىٰ مَنْ كَسَبَ سَيِّئَةً وَأَحَاطَتْ بِهِ خَطِيئَتُهُ فَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

آری، هر کس اعمالی زشت اندوخت و کردار بدش به او احاطه نمود چنین کسانی اهل دوزخاند و در آن آتش پیوسته معذب خواهند بود.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

و کسانی که ایمان آوردند و کارهای شایسته کردند آنان اهل بهشتند و پیوسته در بهشت جاوید متنعّم خواهند بود.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ لَا تَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَقُولُوا لِلنَّاسِ حُسْنًا وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ ثُمَّ تَوَلَّيْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْكُمْ وَأَنْتُمْ مُّعْرِضُونَ

و (یاد آرید) هنگامی که از بنی اسرائیل عهد گرفتیم که جز خدای را نپرستید و نیکی کنید درباره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران، و به زبان خوش با مردم تکلم کنید و نماز به پای دارید و زکات (مال خود) بدهید، پس شما عهد شکسته و روی گردانیدید جز چند نفری، و شما باید که از حکم خدا برگشتید.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ لَا تَسْفِكُونَ دِمَاءَكُمْ وَلَا تُخْرِجُونَ  
أَنْفُسَكُمْ مِنْ دِيَارِكُمْ ثُمَّ أَقْرَرْتُمْ وَأَنْتُمْ تَشْهَدُونَ

و (به یاد آرید) هنگامی که از شما عهد گرفتیم که خون یکدیگر را نریزید و یکدیگر را از خانه و دیار خود نرانید، پس بر آن عهد اقرار کرده و خود شما بر آن گواه می‌باشید.

(با این عهد و اقرار) باز شما (به همان خوی زشت) خون یکدیگر می‌ریزید و گروهی از خودتان را از دیارشان می‌رانید و در بدکرداری و ستم بر ضعیفان همدست و پشتیبان یکدیگرید، و چون اسیر شوند برای آزادی آنها فدیة می‌دهید، در صورتی که به حکم تورات، اخراج کردن آنها بر شما حرام شده است! چرا به برخی از احکام ایمان آورده و به بعضی کافر می‌شوید؟ پس جزای چنین مردم بدکردار چیست به جز ذلت و خواری در زندگانی این جهان و بازگشتن به سخت‌ترین عذاب در روز قیامت؟ و خدا غافل از کردار شما نیست.

ثُمَّ أَنْتُمْ هَؤُلَاءِ تَقْتُلُونَ أَنْفُسَكُمْ وَتُخْرِجُونَ فَرِيقًا  
مِنْكُمْ مِنْ دِيَارِهِمْ تَظَاهَرُونَ عَلَيْهِم بِالْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَإِنْ  
يَأْتُوكُمْ أُسْرَى تَفْلُدُوهُمْ وَهُوَ مُحْرَمٌ عَلَيْكُمْ إِخْرَاجُهُمْ  
أَفْتُومِنُونَ بَعْضُ الْكِتَابِ وَتَكْفُرُونَ بِبَعْضٍ فَمَا جَزَاءُ  
مَنْ يَفْعَلُ ذَلِكَ مِنْكُمْ إِلَّا خِزْيٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ  
الْقِيَامَةِ يُرَدُّونَ إِلَىٰ أَشَدِّ الْعَذَابِ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا  
تَعْمَلُونَ

اینان همان کسانی که (متاع دو روزه) دنیا را خریده و ملک ابدی آخرت را فروختند، پس (در آخرت) عذاب آنها تخفیف نیابد و هیچ یآوری نخواهند داشت.

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ فَلَا يُخَفَّفُ  
عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

و ما به موسی کتاب تورات عطا کردیم و از پی او پیغمبران فرستادیم و عیسی پسر مریم را به معجزات و ادله روشن، حجتها دادیم و او را به واسطه روح القدس توانایی بخشیدیم. آیا هر پیغمبری که از جانب خدا اوامری بر خلاف هوای نفس شما آرد گردنفرازی و سرپیچی نموده و (از راه حسد) گروهی را تکذیب کرده و جمعی را به قتل می‌رسانید؟!

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَقَفَّيْنَا مِنْ بَعْدِهِ بِالرُّسُلِ  
وَأَتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ  
فَلَمَّا جَاءَكُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُكُمْ اسْتَكْبَرْتُمْ  
فَفَرِيقًا كَذَّبْتُمْ وَفَرِيقًا تَقْتُلُونَ

و (آن گروه به پیغمبران) گفتند: دل‌های ما در حجاب (غفلت) است (چیزی از سخنان شما در نمی‌یابد). (چنین نیست که گفتند) بلکه خدا بر آنها لعن فرمود، زیرا کافر شدند و میانشان اهل ایمان کم بود.

وَقَالُوا قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ لَعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَقَلِيلًا مَّا  
يُؤْمِنُونَ

وَلَمَّا جَاءَهُمْ كِتَابٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ وَكَانُوا  
مِن قَبْلُ يَسْتَفْتِحُونَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَمَّا جَاءَهُمْ مَّا  
عَرَفُوا كَفَرُوا بِهِ فَلَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الْكَافِرِينَ

بِئْسَمَا اشْتَرَوْا بِهِ أَنْفُسَهُمْ أَنْ يَكْفُرُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ بَغِيًّا  
أَنْ يُنَزَّلَ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ عَلَى مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ فَبَاءُوا  
بِغَضَبٍ عَلَى غَضَبٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ ءَامِنُوا بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا نُؤْمِنُ بِمَا أَنْزَلَ  
عَلَيْنَا وَيَكْفُرُونَ بِمَا وَرَاءَهُ وَهُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَهُمْ  
قُلْ فَلِمَ تَقْتُلُونَ أَنْبِيَاءَ اللَّهِ مِنْ قَبْلُ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ اتَّخَذْتُمُ الْعِجْلَ مِن  
بَعْدِهِ وَأَنْتُمْ ظَالِمُونَ

وَإِذْ أَخَذْنَا مِيثَاقَكُمْ وَرَفَعْنَا فَوْقَكُمُ الطُّورَ خُذُوا مَا  
ءَاتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَأَسْمِعُوا قَالُوا سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأُشْرِبُوا فِي  
قُلُوبِهِمُ الْعِجْلَ بِكُفْرِهِمْ قُلْ بِئْسَمَا يَأْمُرُكُم بِهِ  
إِيمَانُكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

و چون کتاب آسمانی قرآن از نزد خدا برای هدایت آنها آمد با وجودی که کتاب (تورات) آنان را تصدیق می‌کرد و با آنکه خود آنها پیش از بعثت (پیامبر اسلام) انتظار غلبه بر کافران داشتند، آن گاه که آمد و شناختند (که همان پیغمبر موعود است) باز به او کافر شدند (و از نعمت وجود او ناسپاسی کردند)، پس خشم خدا بر کافران باد.

بد معامله‌ای با خود کردند که به نعمت قرآن که خداوند بر آنها نازل کرد کافر شدند از روی حسد و ستمگری که چرا خدا فضل خود را مخصوص بعضی از بندگان گرداند (چرا پیامبری از غیر بنی اسرائیل برانگیخته؟! و به واسطه این حسد باز خشم دیگری از خدای برای خود گرفتند، و برای کافران عذاب خواری مهیاست.

و چون به یهود گویند: به قرآن که خدا فرستاده ایمان آرید، پاسخ دهند که تنها به تورات که بر ما نازل شده ایمان آوریم، و به غیر تورات کافر می‌شوند، در صورتی که قرآن کتاب حق است و کتاب آنها را تصدیق می‌کند. بگو: اگر شما در دعوی ایمان به تورات راستگویید پس چرا پیغمبران پیشین را می‌کشید؟

و با آن همه آیات و معجزات روشن که موسی برای شما آشکار نمود باز گوساله پرستی اختیار کردید، و شما مردمی سخت ظالم و ستمکارید.

و (به یاد آرید) وقتی که از شما پیمان گرفتیم و کوه طور را بر فراز شما بداشتیم که باید آنچه را به شما فرستادیم با ایمان محکم بپذیرید و (سخن حق) بشنوید، شما گفتید: خواهیم شنید و (در نیت گرفتید که در عمل) عصیان خواهیم کرد. و دل‌های آنان از عشق به گوساله پر شد از آن رو که به خدا کافر بودند. بگو: ایمان شما سخت شما را به کار بد و کردار زشت می‌گمارد، اگر ایمان داشته باشید.

قُلْ إِنْ كَانَتْ لَكُمْ الدَّارُ الْآخِرَةُ عِنْدَ اللَّهِ خَالِصَةً مِّنْ دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

بگو: اگر سرای آخرت را (با آن همه نعمت) خدا به شما اختصاص داده دون سایر مردم، بایستی همیشه به مرگ آرزومند باشید اگر راست می‌گویید.

وَلَنْ يَتَمَنَّوْهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْت أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

و هرگز آرزوی مرگ نخواهند کرد، (زیرا عذاب سخت) به واسطه کردار بد خود (برای خود در آخرت مهیا کرده‌اند)، و خدا آگاه به ستمکاران است.

وَلَتَجِدَنَّهُمْ أَحْرَصَ النَّاسِ عَلَى حَيَوٰةٍ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا يَوَدُّ أَحَدُهُمْ لَوْ يُعَمَّرَ أَلْفَ سَنَةٍ وَمَا هُوَ بِمُزَحِّزِهِ مِنَ الْعَذَابِ أَنْ يُعَمَّرَ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

و بر تو (و بر همه) پیداست که یهود به حیات مادی حریص‌تر از همه خلق‌اند، حتی از مشرکان، و از این رو هر یهودی آرزوی هزار سال عمر می‌کند، ولی عمر هزار سال هم او را از عذاب خدا نرهاند، و خدا به کردار ناپسند آنان بیناست.

قُلْ مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِجِبْرِيلَ فَإِنَّهُ نَزَّلَهُ عَلٰى قَلْبِكَ بِإِذْنِ اللَّهِ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

بگو: هر کس با جبرئیل دشمن است، او به فرمان خدا قرآن را به قلب تو رسانید در حالی که تصدیق سایر کتب آسمانی می‌کند و برای اهل ایمان هدایت و بشارت است.

مَنْ كَانَ عَدُوًّا لِلَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَرُسُلِهِ وَجِبْرِيلَ وَمِيكَالَ فَإِنَّ اللَّهَ عَدُوٌّ لِلْكَافِرِينَ

هر کس با خدا و فرشتگان و رسولان او و جبرئیل و میکائیل دشمن است (محققا کافر است و) خدا هم دشمن کافران است.

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَمَا يَكْفُرُ بِهَا إِلَّا الْفَاسِقُونَ

و ما (برای اثبات پیغمبری تو) آیات و دلایل روشن به تو فرستادیم، و بجز فاسقان (و اهل عناد) کسی انکار آن نخواهد کرد.

أَوْ كَلَّمَا عَاهَدُوا عَهْدًا نَّبَذَهُ فَرِيقٌ مِّنْهُمْ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

برای چه هر عهد و پیمان که بستند گروهی آن را می‌شکنند؟ (نه اینان) بلکه اکثر آنها اصلا ایمان نخواهند آورد.

وَلَمَّا جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُصَدِّقٌ لِّمَا مَعَهُمْ نَبَذَ فَرِيقٌ مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ كِتَابَ اللَّهِ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ كَأَنَّهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و چون پیغمبری از جانب خدا بر آنان آمد که به راستی کتب آسمانی آنها گواهی می‌داد، گروهی از اهل کتاب، کتاب خدا را پشت سر انداختند (و به حکم آن کتاب که امر به ایمان آوردن به قرآن می‌کرد رفتار نکردند) گویی (از آن کتاب) هیچ نمی‌دانند.

وَاتَّبِعُوا مَا تَتْلُوا الشَّيْطِينُ عَلَىٰ مُلْكٍ سَلِيمٍ ۗ وَمَا كَفَرُوا  
 سَلِيمًا وَلَكِنَّ الشَّيْطِينَ كَفَرُوا يُعَلِّمُونَ النَّاسَ  
 السِّحْرَ وَمَا أُنزِلَ عَلَى الْمَلَكَيْنِ بِبَابِلَ هَارُوتَ وَمَرْوَتَ ۗ  
 وَمَا يُعَلِّمَانِ مِنْ أَحَدٍ حَتَّى يَقُولَا إِنَّمَا نَحْنُ فِتْنَةٌ فَلَا  
 تَكْفُرْ ۖ فَيَتَعَلَّمُونَ مِنْهُمَا مَا يُفَرِّقُونَ بِهِ بَيْنَ الْمَرْءِ  
 وَزَوْجِهِ ۗ وَمَا هُمْ بِضَارِّينَ بِهِ مِنْ أَحَدٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ ۗ  
 وَيَتَعَلَّمُونَ مَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ ۗ وَلَقَدْ عَلِمُوا لَمَنِ  
 اشْتَرَاهُ مَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ وَلَبِئْسَ مَا شَرَوْا بِهِ  
 أَنفُسَهُمْ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

۲  
 بقره  
 ۱۰۲  
 ۲۸۶

وَلَوْ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَمَثُوبَةٌ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ خَيْرٌ لَّوْ كَانُوا  
 يَعْلَمُونَ

۱۰۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقُولُوا رَاعِنَا وَقُولُوا انظُرْنَا  
 وَاسْمَعُوا ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۰۴  
 ۱۴۳

مَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَلَا الْمُشْرِكِينَ  
 أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْكُمْ مِنْ خَيْرٍ مِّن رَّبِّكُمْ ۗ وَاللَّهُ يَخْتَصُّ  
 بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

۱۰۵

و پیروی کردند سخنانی را که (دیوان و) شیاطین در ملک  
 سلیمان (به افسون و جادوگری) می‌خواندند، و هرگز  
 سلیمان (با به کار بردن سحر به خدا) کافر نگشت و لکن  
 شیاطین کافر شدند که سحر به مردم می‌آموختند. و آنچه را  
 که بر دو فرشته هاروت و ماروت در بابل نازل شده بود  
 پیروی کردند، در صورتی که آن دو ملک به هیچ کس چیزی  
 نمی‌آموختند مگر آنکه بدو می‌گفتند که کار ما فتنه و امتحان  
 است، مبادا کافر شوی! اما مردم از آن دو ملک چیزی را که  
 ما بین زن و شوهر جدایی افکند می‌آموختند، البته به کسی  
 زیان نمی‌رسانیدند مگر آنکه خدا بخواهد، و چیزی که  
 می‌آموختند به خلق زیان می‌رسانید و سود نمی‌بخشید، و  
 محققا می‌دانستند که هر که چنین کند در عالم آخرت هرگز  
 بهره‌ای نخواهد یافت، و آنان به بهای بدی خود را فروختند،  
 اگر می‌دانستند.

و محققا اگر ایمان آورده و پرهیزکار می‌شدند بهره‌ای که از  
 خدا نصیب آنها می‌شد بهتر از هر چیز بود، چنانچه  
 می‌دانستند.

ای اهل ایمان (هنگام تکلم با رسول) به کلمه راعنا (ما را  
 رعایت کن) تعبیر مکنید، بلکه بگویید: انظرنا (ناظر احوال ما  
 باش)؛ و (سخن خدا را) بشنوید و (بدانید که) برای کافران  
 عذاب دردناک مهیا است.

هرگز کافران اهل کتاب و مشرکان مایل نیستند که بر شما  
 (مسلمین) خیری از جانب خدایان نازل شود، لیکن خدا هر  
 که را بخواهد به فضل و رحمت خویش مخصوص گرداند، و  
 خدا صاحب فضل عظیم است.



مَا نَنْسَخُ مِنْ آيَةٍ أَوْ نُنسِهَا نَأْتِ بِخَيْرٍ مِّنْهَا أَوْ مِثْلَهَا ۗ أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

هر چه از آیات قرآن را نسخ کنیم یا حکم آن را از خاطرها بریم (و متروک سازیم) بهتر از آن یا مانند آن بیاوریم. آیا نمی‌دانی که خدا بر هر چیز قادر است؟

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

آیا نمی‌دانی که پادشاهی آسمانها و زمین مختص خداوند است و شما را به جز خدا یار و یآوری نخواهد بود؟

أَمْ تُرِيدُونَ أَن تَسْأَلُوا رَسُولَكُمْ كَمَا سُئِلَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلِ ۗ وَمَن يَتَبَدَّلِ الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

آیا اراده آن دارید که شما نیز از پیغمبر خود در خواست کنید آنچه را که یهود در زمان گذشته از موسی خواستند؟ و هر که ایمان را مبدل به کفر گرداند، بی‌شک راه راست را گم کرده است.

وَدَّ كَثِيرٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يَرُدُّونَكُمْ مِّنْ بَعْدِ إِيمَانِكُمْ كُفَّارًا حَسَدًا مِّنْ عِنْدِ أَنفُسِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْحَقُّ ۖ فَاعْفُوا وَاصْفَحُوا حَتَّىٰ يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بسیاری از اهل کتاب آرزو دارند که شما را از ایمان به کفر برگردانند به سبب رشک و حسدی که در نفس خود بر ایمان شما برند بعد از آنکه حق بر آنها آشکار گردید، پس (اگر ستمی از آنها به شما رسید) در گذرید (و مدارا کنید) تا هنگامی که فرمان خدا برسد، که البته خدا بر هر چیز قادر و تواناست.

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و نماز به پا دارید و زکات بدهید و بدانید که هر چه از اطاعت حق و کار نیکو برای خود پیش می‌فرستید آن را در نزد خدا خواهید یافت، که محققا خداوند به هر کار شما بیناست.

وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصْرِيًّا ۗ تِلْكَ أَمَانِيُّهُمْ ۗ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و یهود گفتند: هرگز به بهشت نرود جز طایفه یهود، و نصاری گفتند: جز طایفه نصاری. این تنها آرزوی باطل آنهاست، بگو: بر این دعوی برهان آورید اگر راست می‌گویید.

بَلَىٰ ۗ مَنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَلَهُ أَجْرُهُ ۗ عِنْدَ رَبِّهِ ۗ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آری، هر که تسلیم حکم خدا گردید و نیکوکار گشت مسلم آن اجرش نزد خدا خواهد بود و آنان را هیچ خوف و اندیشه و هیچ اندوهی نخواهد بود.

۲  
بقره  
۱۱۳  
۲۸۶  
۱۵۲

وَقَالَتِ الْيَهُودُ لَيْسَتِ النَّصْرَىٰ عَلَىٰ شَيْءٍ وَقَالَتِ  
النَّصْرَىٰ لَيْسَتِ الْيَهُودُ عَلَىٰ شَيْءٍ وَهُمْ يَتْلُونَ الْكِتَابَ  
كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ مِثْلَ قَوْلِهِمْ فَاللَّهُ يَحْكُمُ  
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

۱۱۴

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّن مَّنَعَ مَسَاجِدَ اللَّهِ أَنْ يُذَكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ  
وَسَعَىٰ فِي خَرَابِهَا أُولَٰئِكَ مَا كَانَ لَهُمْ أَنْ يَدْخُلُوهَا إِلَّا  
خَافِينَ لَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَلَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ  
عَظِيمٌ

۱۱۵

وَلِلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ فَأَيْنَمَا تُولَّوْا فَثَمَّ وَجْهَ اللَّهِ إِنَّ  
اللَّهَ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۱۱۶

وَقَالُوا أَخَذَ اللَّهُ وِلْدَانًا سُبْحَانَهُ بَلْ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ كُلُّ لَّهُ قَنِينٌ

۱۱۷

بَدِيعُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ  
كُنْ فَيَكُونُ

۱۱۸

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ لَوْلَا يُكَلِّمُنَا اللَّهُ أَوْ تَأْتِينَا آيَةٌ  
كَذَلِكَ قَالَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِثْلَ قَوْلِهِمْ تَشَبَهَتْ قُلُوبُهُمْ  
قَدْ بَيَّنَّا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يُوقِنُونَ

۱۱۹

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَا تُسْأَلُ عَنْ  
أَصْحَابِ الْجَحِيمِ

یهود بر این دعویند که نصاری را از حق چیزی در دست نیست، و نصاری بر این دعوی که یهود را از حق چیزی در دست نیست، در صورتی که هر دو گروه در خواندن کتاب آسمانی یکسانند. این گونه دعویها نظیر گفتار و مجادلات مردمی است که از کتاب آسمانی بی‌بهره‌اند. و خداوند در این اختلافات روز قیامت میان آنها حکم خواهد فرمود.

و کیست ستمکارتر از آن که مردم را از ذکر نام خدا در مساجد منع کند و در خرابی آن اهتمام و کوشش نماید؟ چنین گروه را نشاید که در مساجد مسلمین در آیند جز آنکه (بر خود) ترسان باشند. این گروه را در دنیا ذلت و خواری نصیب است و در آخرت عذابی بزرگ.

مشرق و مغرب هر دو ملک خداست، پس به هر طرف روی کنید به سوی خدا روی آورده‌اید، که خدا (به همه جا) محیط و (به هر چیز) داناست.

گروهی گفتند: خدا دارای فرزند است. او پاک و منزه از آن است، بلکه هر چه در آسمانها و زمین است ملک اوست و همه فرمانبردار اویند.

او آفریننده آسمانها و زمین است و چون اراده آفریدن چیزی کند، به محض آنکه گوید: موجود باش، موجود خواهد شد.

مردم نادان اعتراض کردند که چرا خداوند با ما سخن نگوید، یا معجزه‌ای (و کتابی مطابق میل ما) بر ما نمی‌آید؟ پیشینیان هم به مانند اینان (به نادانی) چنین سخنان می‌گفتند؛ دلهاشان (در ناهمی) به هم شبیه است. ما ادله رسالت را برای اهل یقین روشن گردانیدیم.

(ای پیغمبر) ما تو را به حق فرستادیم که مردم را (به نعمت بهشت) مژده دهی و (از عذاب جهنم) بترسانی، و تو مسئول کافران که به راه جهنم رفتند نیستی.

وَلَنْ تَرْضَىٰ عَنْكَ الْيَهُودُ وَلَا النَّصَارَىٰ حَتَّىٰ تَتَّبِعَ مِلَّتَهُمْ ۗ قُلْ إِنْ هَدَىٰ اللَّهُ هُوَ الْهُدَىٰ ۗ وَلَئِن آتَبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ الَّذِي جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَٰئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ ۗ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ ۗ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

يَبْنَئِي إِسْرَائِيلَ أَذْكُرُوا نِعْمَتِيَ الَّتِي أَنْعَمْتُ عَلَيْكُمْ وَأَنِّي فَضَّلْتُكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

وَاتَّقُوا يَوْمًا لَا تَجْزِي نَفْسٌ عَنْ نَفْسٍ شَيْئًا وَلَا يُقْبَلُ مِنْهَا عَدْلٌ وَلَا تَنْفَعُهَا شَفَعَةٌ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

وَإِذْ أُنزِلَتْ إِبرَاهِيمَ رَبُّهُ بِكَلِمَاتٍ فَأَتَمَّهُنَّ ۗ قَالَ إِنِّي جَاعِلُكَ لِلنَّاسِ إِمَامًا ۗ قَالَ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۗ قَالَ لَا يَنَالُ عَهْدِي الظَّالِمِينَ

وَإِذْ جَعَلْنَا الْبَيْتَ مَثَابَةً لِّلنَّاسِ وَأَمْنًا وَاتَّخِذُوا مِن مَّقَامِ إِبرَاهِيمَ مُصَلًّى وَعَهِدْنَا إِلَىٰ إِبرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ أَن طَهِّرَا بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْعَاكِفِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

وَإِذْ قَالَ إِبرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا بَلَدًا آمِنًا وَارْزُقْ أَهْلَهُ مِنَ الثَّمَرَاتِ ۖ مَنْ آمَنَ مِنْهُمْ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ قَالَ وَمَنْ كَفَرَ فَأُمَتِّعُهُ قَلِيلًا ثُمَّ أَضْطَرُّهُ إِلَىٰ عَذَابِ النَّارِ ۗ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

هرگز یهود و نصاری از تو راضی نخواهند شد مگر آنکه پیروی از آیین آنها کنی. بگو: راهی که خدا بنماید به یقین راه حق تنها همان است؛ و البته اگر از میل و خواهش آنها پیروی کنی بعد از آنکه طریق حق را دریافتی، دیگر از سوی خدا یار و یابوری نخواهی داشت.

کسانی که کتاب بر آنها فرستادیم آن را خوانده و حق خواندن آن را (در مقام عمل نیز) بجا آورند، آنان اهل ایمانند و آنها که به کتاب خدا کافر شوند (و حق شناسی نکنند) آن گروه زیانکاران عالمند.

ای بنی اسرائیل، به یاد آرید نعمتی را که به شما عطا کردم و اینکه شما را بر همه مردم فضیلت و برتری دادم.

و بترسید از روزی که هیچ کس اندکی به کار دیگری نیاید و به حال او سودی نبخشد و از هیچ کس فدایی پذیرفته نشود و شفاعت کسی او را سودمند نبود و آنان را یابوری نباشد.

و (به یاد آر) هنگامی که خدا ابراهیم را به اموری امتحان فرمود و او همه را به جای آورد، خدا به او گفت: من تو را به پیشوایی خلق برگزینم، ابراهیم عرض کرد: به فرزندان من چه؟ فرمود: (اگر شایسته باشند می‌دهم، زیرا) عهد من به مردم ستمکار نخواهد رسید.

و (به یاد آر) هنگامی که ما خانه کعبه را مرجع امر دین خلق و مقام امن مقرر داشتیم و (دستور داده شد که) مقام ابراهیم را جایگاه پرستش خدا قرار دهید و به ابراهیم و اسماعیل سفارش کردیم که حرم مرا (از بت) بپزدازید و پاکیزه دارید برای اهل ایمان که به طواف و اعتکاف حرم آیند و در آن نماز و طاعت خدا به جای آرند.

و (به یاد آر) هنگامی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا، این شهر را محل امن و آسایش قرار ده و اهلیش را که ایمان به خدا و روز قیامت آورده‌اند از انواع روزیها بهره‌مند ساز، خدا فرمود: و هر که (با وجود این نعمت) سپاس نگذارد و راه کفر پیماید گر چه در دنیا او را اندکی بهره‌مند کنم، لیکن در آخرت ناچار معذب به آتش دوزخ گردانم که بد منزلگاهی است.

وَإِذْ يَرْفَعُ إِبْرَاهِيمُ الْقَوَاعِدَ مِنَ الْبَيْتِ وَإِسْمَاعِيلُ رَبَّنَا  
تَقَبَّلْ مِنَّا إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و (یاد آر) وقتی که ابراهیم و اسماعیل دیوارهای خانه کعبه را بر می‌افراشتند عرض کردند: پروردگارا (این خدمت) از ما قبول فرما، که تویی که (دعای خلق را) شنوا و (به اسرار همه) دانایی.

رَبَّنَا وَاجْعَلْنَا مُسْلِمِينَ لَكَ وَمِن ذُرِّيَّتِنَا أُمَّةً مُّسْلِمَةً لَّكَ  
وَأَرِنَا مَنَاسِكَنَا وَتُبْ عَلَيْنَا إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

پروردگارا، دل ما را تسلیم فرمان خود گردان و فرزندان ما را نیز امتی تسلیم و رضای خود بدار، و راه پرستش و طاعت را به ما بنما و بر ما (وظیفه بندگی را) سهل و آسان گیر، که تویی توبه‌پذیر و مهربان.

رَبَّنَا وَأَبْعَثْ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِكَ  
وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُزَكِّيهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ

پروردگارا، در میان آنان رسولی از خودشان برانگیز که بر آنان تلاوت آیات تو کند و آنان را علم کتاب و حکمت بیاموزد و روانشان را (از هر زشتی) پاک و منزه سازد، که تو بر هر کار که خواهی قدرت و علم کامل داری.

وَمَنْ يَّرْغَبْ عَن مِّلَّةِ إِبْرَاهِيمَ إِلَّا مَن سَفِهَ نَفْسَهُ وَلَقَدْ  
أَصْطَفَيْنَاهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

و چه کس از آیین پاک ابراهیم روی گرداند به جز مردم بیخرد؟! زیرا ما ابراهیم را در دنیا (به شرف رسالت) برگزیدیم و البته در آخرت هم از شایستگان است.

إِذْ قَالَ لَهُ رَبُّهُ أَسْلِمْ قَالَ أَسْلَمْتُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

آن گاه (برگزیده شد) که خدا به او فرمود: ای ابراهیم سر به فرمان خدا فرود آر، عرض کرد: پروردگار عالمیان را مطیع فرمانم.

وَوَصَّىٰ بِهَا إِبْرَاهِيمُ بَنِيهِ وَيَعْقُوبُ يٰبَنِيَّ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ  
لَكُمْ الدِّينَ فَلَا تَمُوتُنَّ إِلَّا وَأَنْتُمْ مُّسْلِمُونَ

و ابراهیم و یعقوب بدین گونه به فرزندان خود سفارش و توصیه نمودند که ای فرزندان من، خدا برای شما آیین پاک برگزید، پس (پیروی کنید و) تا گاه جان سپردن الا تسلیم رضای خدا نباشید.

أَمْ كُنْتُمْ شُهَدَاءَ إِذْ حَضَرَ يَعْقُوبَ الْمَوْتُ إِذْ قَالَ لِبَنِيهِ مَا  
تَعْبُدُونَ مِن بَعْدِي قَالُوا نَعْبُدُ إِلَهَكَ وَإِلَهَ آبَائِكَ  
إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِلَهًا وَاحِدًا وَنَحْنُ لَهُ  
مُسْلِمُونَ

شما کی و کجا حاضر بودید هنگامی که مرگ یعقوب در رسید و به فرزندان خود گفت که شما پس از مرگ من که را می‌پرستید؟ گفتند: خدای تو را و خدای پدران تو ابراهیم و اسماعیل و اسحاق را که معبود یگانه است و ما مطیع فرمان اویم.

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَّا كَسَبْتُمْ  
وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آنها گروهی بودند که درگذشتند، هر کار نیک و بد کردند برای خود کردند و شما هم هر چه کنید برای خویش خواهید کرد و شما مسئول کار آنها نخواهید بود.

وَقَالُوا كُونُوا هُودًا أَوْ نَصْرَى تَهْتَدُوا قُلْ بَلْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ  
حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

قُولُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ  
وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ  
وَعِيسَىٰ وَمَا أُوتِيَ النَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ  
مِّنْهُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

فَإِنَّ ءَامَنُوا بِمِثْلِ مَا ءَامَنْتُمْ بِهِ ۗ فَقَدِ اهْتَدَوْا وَإِنْ تَوَلَّوْا  
فَإِنَّمَا هُمْ فِي شِقَاقٍ ۖ فَسَيَكْفِيكَهُمُ اللَّهُ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ  
الْعَلِيمُ

صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً ۖ وَنَحْنُ لَهُ  
عَبِيدُونَ

قُلْ أَتُحَاجُّونَنَا فِي اللَّهِ وَهُوَ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ وَلَنَا أَعْمَلُنَا  
وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ وَنَحْنُ لَهُ مُخْلِصُونَ

أَمْ تَقُولُونَ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ  
وَالْأَسْبَاطَ كَانُوا هُودًا أَوْ نَصْرَى قُلْ ءَأَنْتُمْ أَعْلَمُ أَمْ اللَّهُ  
ۗ وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَتَمَ شَهَادَةً عِنْدَهُ مِنَ اللَّهِ وَمَا اللَّهُ  
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

تِلْكَ أُمَّةٌ قَدْ خَلَتْ ۖ لَهَا مَا كَسَبَتْ وَلَكُمْ مَا كَسَبْتُمْ  
وَلَا تُسْأَلُونَ عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

یهود و نصاری گفتند که به آیین ما درآیید تا راه راست یافته و طریق حق پویید. (ای پیغمبر در جواب آنها) بگو: بلکه ما آیین ابراهیم را پیروی می‌کنیم که به راه راست توحید بود و از مشرکان نبود.

بگوئید که ما (مسلمین) ایمان به خدا آورده‌ایم و به آن کتابی که بر پیغمبر ما فرستادند و به آنچه بر ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان او نازل شده و به آنچه به موسی و عیسی داده شده و هم به آنچه به پیغمبران از جانب خدا داده شده، به همه عقیده‌مندیم و میان هیچ یک از آنان فرق نگذاریم و تسلیم فرمان او هستیم.

پس اگر به آنچه شما ایمان آوردید یهود و نصاری نیز ایمان آوردند، راه حق یافته‌اند و اگر (از حق) روی بگردانند شک نیست که آنها در ستیز با حق خواهند بود و خداوند تو را از شر و آسیب آنها ننگه می‌دارد و خدا شنوا و داناست.

رنگ خداست (که به ما رنگ ایمان و سیرت توحید بخشیده) و چه رنگی بهتر از رنگ (ایمان به) خدا؟ و ما او را پرستش می‌کنیم.

(ای پیغمبر به اهل کتاب) بگو: در مورد خدا شما را با ما چه جای بحث و جدال است؟ در صورتی که او پروردگار ما و شماسست و ما مسئول کار خود و شما مسئول کردار خویش هستید، و ماییم که او را از روی خلوص پرستش می‌کنیم.

یا آنکه گوئید که ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان او بر آیین یهودیت یا نصرانیت بودند؟ (خدا مرا فرماید که در پاسخ) بگو: شما بهتر می‌دانید یا خدا؟ و کیست ستمکارتر از آن که شهادت خدا را (درباره این انبیا) کتمان کند؟ و خدا از آنچه می‌کنید غافل نیست.

آن گروه پیشین همه درگذشتند، هر چه کردند برای خود کردند و شما نیز هر چه کنید به سود خویش کنید و شما مسئول کار آنان نخواهید بود.

سَيَقُولُ السُّفَهَاءُ مِنَ النَّاسِ مَا وَلَّهُمْ عَن قِبَلَتِهِمُ الَّتِي  
كَانُوا عَلَيْهَا قُلٌ لِّلَّهِ الْمَشْرِقُ وَالْمَغْرِبُ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ  
إِلَى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

مردم بی‌خرد خواهند گفت: چه موجب شد که مسلمین از  
قبله‌ای که بر آن بودند (از بیت المقدس) روی به کعبه  
آوردند؟ بگو: مشرق و مغرب برای خداست و هر که را  
خواهد به راه راست هدایت می‌کند.

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَاكُمْ أُمَّةً وَسَطًا لِتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى  
النَّاسِ وَيَكُونَ الرَّسُولُ عَلَيْكُمْ شَهِيدًا وَمَا جَعَلْنَا  
الْقِبْلَةَ الَّتِي كُنْتَ عَلَيْهَا إِلَّا لِنَعْلَمَ مَنْ يَتَّبِعُ الرَّسُولَ مِمَّنْ  
يَنْقَلِبُ عَلَى عَقْبَيْهِ وَإِنْ كَانَتْ لَكَبِيرَةً إِلَّا عَلَى الَّذِينَ  
هَدَى اللَّهُ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِيعَ إِيمَانَكُمْ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ  
لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ

و ما همچنان شما (مسلمین) را به آیین اسلام هدایت کردیم  
و به سیرت نیکو بیاراستیم تا گواه مردم باشید و پیغمبر نیز  
گواه شما باشد (تا شما از وی بیاموزید). و (ای پیغمبر) ما  
قبله‌ای را که بر آن بودی تغییر ندادیم مگر برای اینکه  
بیازماییم و جدا سازیم گروهی را که از پیغمبر خدا پیروی  
می‌کنند از آنان که عقبگرد کنند و (به مخالفت او برخیزند)،  
و این تغییر قبله بسی بزرگ نمود جز در نظر هدایت  
یافتگان خدا. و خداوند اجر پایداری شما را در راه ایمان  
تباه نگرداند که خدا به خلق مشفق و مهربان است.

۱۴۳

قَدْ نَرَى تَقَلُّبَ وَجْهِكَ فِي السَّمَاءِ فَلَنُوَلِّيَنَّكَ قِبْلَةً  
تَرْضَاهَا فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَحَيْثُ مَا  
كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ وَإِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ  
لَيَعْلَمُونَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا  
يَعْمَلُونَ

ما توجه تو را بر آسمان (به انتظار وحی و تغییر قبله)  
بنگریم و البته روی تو را به قبله‌ای که به آن خشنود شوی  
گردانیم، پس روی کن به طرف مسجد الحرام و شما  
(مسلمین) نیز هر کجا باشید (در نماز) روی بدان جانب  
کنید. و گروه اهل کتاب به خوبی می‌دانند که این تغییر  
قبله به حق و راستی از جانب خداست (نه به دلخواه کس) و  
خدا از کردار آنها غافل نیست.

۱۴۴

وَلَيْنَ اتَّيَّتِ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ بِكُلِّ آيَةٍ مَا تَبِعُوا  
قِبْلَتَكَ وَمَا أَنْتَ بِتَابِعٍ قِبْلَتَهُمْ وَمَا بَعْضُهُمْ بِتَابِعٍ قِبْلَةَ  
بَعْضٍ وَلَيْنَ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ  
الْعِلْمِ إِنَّكَ إِذَا لَمِنَ الظَّالِمِينَ

و تو (ای پیغمبر) اگر هر قسم معجزه برای اهل کتاب بیاوری  
پیرو قبله تو نشوند و تو نیز تبعیت از قبله آنان نخواهی  
کرد و بعضی ملل تابع قبله برخی دیگر نشوند، و اگر تو تابع  
دلخواه و هوسهای جاهلانه آنها شوی بعد از آنکه از جانب  
خدا علم یافتی، در این صورت البته از گروه ستمکاران  
خواهی بود.

۱۴۵

الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ كَمَا يَعْرِفُونَ أَبْنَاءَهُمْ<sup>ط</sup>  
وَإِنَّ فَرِيقًا مِنْهُمْ لَيَكْتُمُونَ الْحَقَّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

وَلِكُلِّ وِجْهَةٍ هُوَ مُوَلِّيهَا<sup>ط</sup> فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ أَيْنَ مَا  
تَكُونُوا يَأْتِ بِكُمْ اللَّهُ جَمِيعًا إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ<sup>ط</sup>  
وَإِنَّهُ لَلْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ<sup>ط</sup> وَمَا اللَّهُ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

وَمِنْ حَيْثُ خَرَجْتَ فَوَلِّ وَجْهَكَ شَطْرَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ<sup>ط</sup>  
وَحَيْثُ مَا كُنْتُمْ فَوَلُّوا وُجُوهَكُمْ شَطْرَهُ<sup>ط</sup> لِئَلَّا يَكُونَ  
لِلنَّاسِ عَلَيْكُمْ حُجَّةٌ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ فَلَا  
تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنِي وَلَا تَمَّ نِعْمَتِي عَلَيْكُمْ وَلَعَلَّكُمْ  
تَهْتَدُونَ

كَمَا أَرْسَلْنَا فِيكُمْ رَسُولًا مِنْكُمْ يَتْلُوا عَلَيْكُمْ ءَايَاتِنَا  
وَيُزَكِّيكُمْ وَيُعَلِّمُكُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَيُعَلِّمُكُم مَّا  
لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

فَاذْكُرُونِي أَذْكُرْكُمْ وَاشْكُرُوا لِي وَلَا تَكْفُرُونِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ إِنَّ اللَّهَ  
مَعَ الصَّابِرِينَ

گروهی که ما بر آنها کتاب فرستادیم، (محمد صلی الله علیه و آله و سلم و حقانیت) او را به خوبی می‌شناسند همان گونه که فرزندان خود را، و لکن گروهی از آنان (از راه عناد) حق را کتمان می‌کنند در صورتی که علم به آن دارند.

حق همان است که از طرف خدا به سوی تو آمد، پس هیچ شبهه به دل راه مده.

هر کسی را راهی است به سوی حق که بدان راه یابد (یا قبله‌ای است که به آن روی آورد) پس بشتابید به خیرات که هر کجا باشید همه شما را خداوند (به عرصه محشر) خواهد آورد و محققا خدا بر همه چیز تواناست.

و از هر کجا و به سوی هر دیار بیرون شدی (در نماز) روی به طرف کعبه آور، و این دستور قبله بر وجه صواب و به امر خداست و خدا از کار شما غافل نیست.

و از هر جا و به هر دیار بیرون شدی روی به جانب کعبه کن و شما مسلمین هم به هر کجا بودید روی بدان جانب کنید تا مردم به حجت و مجادله بر شما زبان نگشایند-جز گروه ستمکار (معاند) که از (جدل و گفتگوی) آنان هم نیندیشید و از (نافرمانی) من بترسید-و تا نعمت و رحمتم را برای شما به حد کمال رسانم، و باشد که (به طریق صواب) راه یابید.

چنانکه در میان شما رسولی از خودتان فرستادیم که آیات ما را برای شما تلاوت می‌کند و نفوس شما را (از پلیدی جهل) پاک و منزّه می‌گرداند و به شما تعلیم کتاب و حکمت می‌دهد و آنچه را نمی‌دانید به شما می‌آموزد.

پس مرا یاد کنید تا شما را یاد کنم و شکر نعمت من به جای آرید و کفران نعمت من نکنید.

ای اهل ایمان، (در پیشرفت کار خود) از صبر و مقاومت کمک بگیرید و به ذکر خدا و نماز توسل جویید که خدا با صابران است.

وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمُوتَ بَلْ أَحْيَاءُ  
وَلَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ

و به آنان که در راه خدا کشته شوند مرده نگویید، بلکه زنده ابدی هستند و لیکن همه شما این حقیقت را در نخواهید یافت.

وَلَتَبْلُوتَنَّهُمْ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ مِّنَ الْحَوْفِ وَالْجُوعِ وَنَقْصٍ مِّنَ  
الْأَمْوَالِ وَالْأَنْفُسِ وَالثَّمَرَاتِ ۗ وَبَشِّرِ الصَّالِحِينَ

و البته شما را به پاره‌ای از سختی‌ها چون ترس و گرسنگی و نقصان اموال و نفوس و آفات زراعت بیازماییم، و صابران را بشارت و مژده بده.

الَّذِينَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ

آنان که چون به حادثه سخت و ناگواری دچار شوند (صبوری پیش گرفته و) گویند: ما به فرمان خدا آمده‌ایم و به سوی او رجوع خواهیم کرد.

أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ صَلَوَاتٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَرَحْمَةٌ وَأُولَئِكَ هُمُ  
الْمُهْتَدُونَ

آن گروهند که مخصوص به درود و الطاف الهی و رحمت خاص خدایند و آنها خود هدایت یافتگانند.

إِنَّ الصَّفَا وَالْمَرْوَةَ مِن شَعَائِرِ اللَّهِ ۗ فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ  
أَعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَطَّوَّفَ بِهِمَا ۗ وَمَن تَطَوَّعَ  
خَيْرًا فَإِنَّ اللَّهَ شَاكِرٌ عَلِيمٌ

سعی صفا و مروه از شعائر دین خداست، پس هر کس حج خانه کعبه یا اعمال مخصوص عمره به جای آورد باکی بر او نیست که سعی صفا و مروه نیز به جای آرد، و هر کس به راه خیر و نیکی شتابد (خدا پاداش وی خواهد داد که) خدا قدردان و (به همه امور خلق) عالم است.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنزَلْنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالْهُدَىٰ مِن  
بَعْدِ مَا بَيَّنَّهٖ لِلنَّاسِ فِي الْكِتَابِ ۗ أُولَئِكَ يَلْعَنُهُمُ اللَّهُ  
وَيَلْعَنُهُمُ اللَّعِينُونَ

آن گروه (از علمای اهل کتاب) که آیات واضح و هدایتی را که فرستادیم کتمان نمایند بعد از آنکه آن را برای (هدایت) مردم در کتاب آسمانی بیان کردیم، آنها را خدا و تمام لعن کنندگان (از جن و انس و ملک) نیز لعن می‌کنند.

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَبَيَّنُّوا فَأُولَئِكَ أَتُوبُ عَلَيْهِمْ  
وَأَنَا التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

مگر آنهایی که توبه کردند و به اصلاح مفسد اعمال خود پرداختند و بیان کردند (آنچه را که کتمان کردند)، پس توبه اینان را می‌پذیرم که منم توبه پذیر و مهربان.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارًا ۗ أُولَئِكَ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ  
اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

آنان که کافر شده و به عقیده کفر مردند البته بر آن گروه، خدا و فرشتگان و مردمان همه لعن می‌فرستند.

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

همیشه در جهنم (به عذاب و شکنجه) باشند، نه بر آنان تخفیف عذاب دهند و نه به نظر رحمت بنگرند.

وَاللَّهُمَّ إِلَهُ وَاحِدٌ ۗ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ

و خدای شما، خدای یکتاست، نیست خدایی مگر او که بخشاینده و مهربان است.



إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ  
وَالْفُلْكِ الَّتِي تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِمَا يَنْفَعُ النَّاسَ وَمَا أَنْزَلَ  
اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ مَّاءٍ فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا  
وَبَتَّ فِيهَا مِنْ كُلِّ دَابَّةٍ وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ وَالسَّحَابِ  
الْمُسَخَّرِ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَتَّخِذُ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَنْدَادًا يُحِبُّونَهُمْ  
كَحُبِّ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَشَدُّ حُبًّا لِلَّهِ وَلَوْ يَرَى الَّذِينَ  
ظَلَمُوا إِذْ يَرُونَ الْعَذَابَ أَنَّ الْقُوَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا وَأَنَّ اللَّهَ  
شَدِيدُ الْعَذَابِ

إِذْ تَبَرَّأَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا مِنَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا وَرَأَوْا الْعَذَابَ  
وَتَقَطَّعَتْ بِهِمُ الْأَسْبَابُ

وَقَالَ الَّذِينَ اتَّبَعُوا لَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَتَبَرَّأَ مِنْهُمْ كَمَا تَبَرَّءُوا  
مِنَّا كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ حَسْرَاتٍ عَلَيْهِمْ وَمَا هُمْ  
بِخَارِجِينَ مِنَ النَّارِ

يَأْتِيهَا النَّاسُ كُلُّوا مِمَّا فِي الْأَرْضِ حَلَالًا طَيِّبًا وَلَا تَتَّبِعُوا  
خُطَوَاتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُبِينٌ

إِنَّمَا يَأْمُرُكُمْ بِالسُّوءِ وَالْفَحْشَاءِ وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا  
لَا تَعْلَمُونَ

محققا در خلقت آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز، و کشتی‌ها که بر روی آب برای انتفاع خلق در حرکت است، و بارانی که خدا از بالا فرو فرستاد تا به آن آب، زمین را بعد از مردن زنده کرد و سبز و خرم گردانید، و در پراکندن انواع حیوانات در زمین، و گردانیدن بادها (به هر طرف) و در خلقت ابر که میان زمین و آسمان مسخر است، در همه این امور ادله‌ای واضح برای عاقلان است.

برخی از مردم (نادان) غیر خدا را همانند خدا گیرند و چنانکه خدا را بایست دوست داشت با آنها دوستی ورزند، لیکن آنها که اهل ایمانند کمال محبت و دوستی را فقط به خدا مخصوص دارند. و اگر فرقه مشرکین ستمکار وقتی که عذاب خدا را مشاهده کنند ببینند که قدرت خاص خدا است و عذاب خدا بسیار سخت است (از شرک خود سخت پیشیمان شوند).

هنگامی که بیزاری جویند رؤسا و پیشوایان (باطل) از پیروان خود و عذاب خدا را مشاهده کنند و هر گونه وسیله و اسباب از آنها قطع شود (و روابط باطل به جا نماند).

و آن پیروان گویند: کاش دیگر بار به دنیا باز می‌گشتیم و از (اطاعت) اینان بیزاری می‌جستیم چنان که اینها (گرهی از کار ما نگشودند) و از ما بیزاری جستند! این گونه خدا، کردار (زشت جاهلانه) آنها را مایه حسرت و پیشیمانی آنان کند و آنها از عذاب آتش جهنم بیرون شدنی نباشند.

ای مردم، از آنچه در زمین است حلال و پاکیزه را تناول کنید و پیروی نکنید و ساوس شیطان را، محققا شیطان از برای شما دشمنی آشکار است.

این دشمن است که به شما دستور زشتی و بدکاری می‌دهد و بر آن می‌گمارد که سخنانی از روی جهل و نادانی به خدا نسبت دهید.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا أَلْفَيْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أَوْلُو كَانْ ءَابَاؤُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

و چون کفار را گویند: پیروی از شریعت و کتابی که خدا فرستاده کنید، پاسخ دهند که ما پیرو کیش پدران خود خواهیم بود. آیا بایست آنها تابع پدران باشند گر چه آن پدران بی‌عقل و نادان بوده و هرگز به حق و راستی راه نیافته باشند؟

وَمَثَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا كَمَثَلِ الَّذِي يَنْعِقُ بِمَا لَا يَسْمَعُ إِلَّا دُعَاءً وَنِدَاءً صُمُّ بكم عُمى فَهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

و مثل کافران (در شنیدن سخن انبیاء و درک نکردن معنای آن) چون حیوانی است که آوازش کنند و او از آن آواز (معنایی درک نکرده و) جز صدایی نشنود، کفار هم (از شنیدن و دیدن حق) کر و گنگ و کورند، زیرا تعقل نمی‌کنند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُلُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَاشْكُرُوا لِلَّهِ إِن كُنتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

ای اهل ایمان، روزی حلال و پاکیزه‌ای که ما نصیب شما کرده‌ایم بخورید و شکر خدا به جای آرید اگر شما خالص خدا را می‌پرستید.

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالدَّمَ وَالْحَمَّ الْخَنِزِيرِ وَمَا أَهْلَ بِهِ لِعَيْرِ اللَّهِ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

به تحقیق، خدا حرام گردانید بر شما مردار و خون و گوشت خوک را و آنچه را که به اسم غیر خدا کشته باشند، پس هر کس که به خوردن آنها محتاج و مضطر شود در صورتی که به آن تمایل نداشته و (از اندازه رمق) تجاوز نکند گناهی بر او نخواهد بود (که به قدر احتیاج صرف کند که) محققا خدا آمرزنده و مهربان است.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْتُمُونَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ الْكِتَابِ وَيَشْتَرُونَ بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا أُولَئِكَ مَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ إِلَّا النَّارَ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

آنان که پنهان دارند آیاتی از کتاب آسمانی را که خدا فرستاده بود و آن را به بهای اندک فروشند، جز آتش جهنم در شکم نمی‌برند و در قیامت خدا با آنها سخن نگوید و (از پلیدی عصیان) پاکشان نگرداند، و هم آنان را در قیامت عذابی دردناک خواهد بود.

أُولَئِكَ الَّذِينَ اشْتَرُوا الضَّلَالََةَ بِالْهُدَىٰ وَالْعَذَابَ بِالْمَغْفِرَةِ فَمَا أَصْبَرَهُمْ عَلَى النَّارِ

آنها همان گروهند که اختیار کردند گمراهی را به جای هدایت، و عذاب را به جای آمرزش، پس چقدر بر آتش جهنم سخت جان و پرتاقتند!

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ نَزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِي الْكِتَابِ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

این عذاب از آن روست که خدا کتاب آسمانی را به راستی فرستاد و گروهی که در آن اختلاف و مکابره کردند در اختلافی دور (از حق) خواهند بود.

لَيْسَ الْبِرَّ أَنْ تُوَلُّوا وُجُوهَكُمْ قِبَلَ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ  
وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَالْمَلَائِكَةِ  
وَالْكِتَابِ وَالنَّبِيِّينَ وَءَاتَى الْمَالَ عَلَى حُبِّهِ ذَوِي الْقُرْبَىٰ  
وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَأَبْنَى السَّبِيلِ وَالسَّائِلِينَ وَفِي الرِّقَابِ  
وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَالْمُوفُونَ بِعَهْدِهِمْ إِذَا عَاهَدُوا<sup>ط</sup>  
وَالصَّابِرِينَ فِي الْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبَأْسِ<sup>ط</sup> أُولَئِكَ  
الَّذِينَ صَدَقُوا وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

۴  
بقره  
۱۷۷  
۲۸۶  
حزب  
۱۱  
۲۳ر

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِصَاصُ فِي الْقَتْلِ<sup>ط</sup>  
الْحُرِّ بِالْحُرِّ وَالْعَبْدُ بِالْعَبْدِ وَالْأُنثَىٰ بِالْأُنثَىٰ فَمَنْ عُفِيَ لَهُ  
مِنْ أَخِيهِ شَيْءٌ فَاتِّبَاعُ بِالْمَعْرُوفِ وَأَدَاءٌ إِلَيْهِ بِإِحْسَانٍ<sup>ط</sup>  
ذَلِكَ تَخْفِيفٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَرَحْمَةٌ<sup>ط</sup> فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَلِكَ  
فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۷۸

وَلَكُمْ فِي الْقِصَاصِ حَيَوةٌ يَأْتُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ  
تَتَّقُونَ

۱۷۹

كُتِبَ عَلَيْكُمُ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ إِنْ تَرَكَ خَيْرًا  
الْوَصِيَّةَ لِلْوَالِدَيْنِ وَالْأَقْرَبِينَ بِالْمَعْرُوفِ<sup>ط</sup> حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

۱۸۰

فَمَنْ بَدَّلَهُ وَبَعْدَ مَا سَمِعَهُ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى الَّذِينَ  
يُبَدِّلُونَهُ<sup>ج</sup> إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۱۸۱

نیکوکاری آن نیست که روی به جانب مشرق یا مغرب کنید (چه این چیز بی‌اثری است) لیکن نیکوکاری آن است که کسی به خدای عالم و روز قیامت و فرشتگان و کتاب آسمانی و پیغمبران ایمان آورد و دارایی خود را در راه دوستی خدا به خویشان و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان و گدایان بدهد و در آزاد کردن بندگان صرف کند، و نماز به پا دارد و زکات مال (به مستحق) بدهد، و نیز نیوکار آنانند که با هر که عهد بسته‌اند به موقع خود وفا کنند و در حال تنگدستی و سختی و هنگام کارزار صبور و شکیبا باشند. (کسانی که بدین اوصاف آراسته‌اند) آنها به حقیقت راستگویان و آنها به حقیقت پرهیزکارانند.

ای اهل ایمان بر شما حکم قصاص کشتگان چنین معین گشت که مرد آزاد در مقابل مرد آزاد، و بنده را به جای بنده، و زن را به جای زن قصاص شوید کرد. و چون صاحب خون از قاتل که برادر دینی اوست بخواهد درگذرد کاری است نیکو، پس قاتل دیه را در کمال خشنودی ادا کند. در این حکم، تخفیف (امر قصاص) و رحمت خداوندی است، و پس از این دستور، هر که تجاوز کند او را عذابی سخت خواهد بود.

ای عاقلان، حکم قصاص برای حفظ حیات شماست تا مگر (از قتل یکدیگر) بپرهیزید.

دستور داده شد که چون مرگ یکی از شما فرا رسد اگر دارای متاع دنیاست وصیت کند برای پدر و مادر و خویشان به چیزی شایسته عدل و به قدر متعارف. این کار سزاوار مقام پرهیزکاران است.

پس هرگاه کسی بعد از شنیدن وصیت، آن را تغییر دهد و (بر خلاف وصیت رفتار کند) گناه این کار بر آنهاست که عمل به خلاف وصیت کنند، و خدا (به گفتار و کردار خلق) شنوا و داناست.

فَمَنْ خَافَ مِنْ مُوسٍ جَنَفًا أَوْ إِثْمًا فَأَصْلَحَ بَيْنَهُمْ فَلَا  
إِثْمَ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ  
عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ  
فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ أُخَرَ وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ  
مِسْكِينٍ فَمَن تَطَوَّعَ خَيْرًا فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ وَأَن تَصُومُوا  
خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ تَعْلَمُونَ

شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنزِلَ فِيهِ الْقُرْءَانُ هُدًى لِّلنَّاسِ  
وَبَيِّنَاتٍ مِّنَ الْهُدَى وَالْفُرْقَانِ فَمَن شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ  
فَلْيَصُمْهُ وَمَن كَانَ مَرِيضًا أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِّنْ أَيَّامٍ  
أُخَرَ يُرِيدُ اللَّهُ بِكُمُ الْيُسْرَ وَلَا يُرِيدُ بِكُمُ الْعُسْرَ  
وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَىٰكُمْ  
وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

وَإِذَا سَأَلَكَ عِبَادِي عَنِّي فَإِنِّي قَرِيبٌ أُجِيبُ دَعْوَةَ الدَّاعِ  
إِذَا دَعَانِ فَلْيَسْتَجِيبُوا لِي وَلْيُؤْمِنُوا بِي لَعَلَّهُمْ يَرْشُدُونَ

و هر کس بیم دارد که از وصیت موسی (به وارث او) جفا و  
ستمی رفته باشد و به اصلاح میان آنان پردازد بر او گناهی  
نیست و محققا خدا آمرزنده و مهربان است.

ای اهل ایمان، بر شما هم روزه واجب گردید چنانکه امم  
گذشته را فرض شده بود، و این دستور برای آن است که  
پاک و پرهیزکار شوید.

روزهایی به شماره معین روزه دارید (تمام ماه رمضان)، و  
هر کسی از شما مریض باشد یا مسافر، به شماره آن از  
روزهای غیر ماه رمضان روزه دارد، و کسانی که روزه را به  
زحمت توانند داشت عوض هر روز فدا دهند آن قدر که  
فقیر گرسنه‌ای سیر شود، و هر کس بر نیکی بیفزاید آن  
برای او بهتر است. و (بی‌تعلل) روزه داشتن برای شما بهتر  
خواهد بود اگر (فواید آن را) بدانید.

ماه رمضان ماهی است که قرآن در آن نازل شده برای  
هدایت بشر و برای راهنمایی و امتیاز حق از باطل، پس هر  
که دریابد ماه رمضان را باید آن را روزه بدارد، و هر که  
ناخوش یا در سفر باشد (به شماره آنچه روزه خورده است)  
از ماهای دیگر روزه دارد، که خداوند برای شما حکم را  
آسان خواسته و تکلیف را مشکل نگرفته، و خواسته تا  
اینکه عدد روزه را تکمیل کرده و خدا را به عظمت یاد کنید  
که شما را هدایت فرمود، باشد که (از این نعمت بزرگ)  
سپاسگزار شوید.

و چون بندگان من (از دوری و نزدیکی) من از تو پرسند،  
(بدانند که) من به آنها نزدیکم، هرگاه کسی مرا خواند دعای  
او را اجابت کنم. پس باید دعوت مرا (و پیغمبران مرا)  
پذیرند و به من بگردند، باشد که (به سعادت) راه یابند.

أَحِلَّ لَكُمْ لَيْلَةَ الصِّيَامِ الرَّفَثُ إِلَى نِسَائِكُمْ هُنَّ لِبَاسٌ لَكُمْ وَأَنْتُمْ لِبَاسٌ لَهُنَّ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ كُنْتُمْ تَخْتَانُونَ أَنْفُسَكُمْ فَتَابَ عَلَيْكُمْ وَعَفَا عَنْكُمْ فَالآنَ بَاشِرُوهُنَّ وَأَبْتَغُوا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتُمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ وَلَا تُبَشِّرُوهُنَّ وَأَنْتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَقْرَبُوهَا كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

۲۰  
بقره  
۱۸۷  
۲۸۶

وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُمْ بَيْنَكُمْ بِالْبَاطِلِ وَتُدْلُوا بِهَا إِلَى الْحُكَّامِ لِتَأْكُلُوا فَرِيقًا مِّنْ أَمْوَالِ النَّاسِ بِالْإِثْمِ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۱۸۸

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَهْلِ قُلْ هِيَ مَوَاقِيتُ لِلنَّاسِ وَالْحَجِّ وَلَيْسَ الْبِرُّ بِأَنْ تَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ ظُهُورِهَا وَلَكِنَّ الْبِرَّ مَنِ اتَّقَى وَأْتُوا الْبُيُوتَ مِنْ أَبْوَابِهَا وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۱۸۹  
حزب  
۱۲  
۲۵۹

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يُقْتُلُونَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

۱۹۰

برای شما در شبهای ماه رمضان مباشرت با زنان خود حلال شد، که آنها جامه عفاف شما و شما نیز لباس عفت آنها هستید. و خدا دانست که شما (در کار مباشرت زنان به نافرمانی و اطاعت شهوت نفس) خود را به ورطه گناه می‌افکنید لذا از حکم حرمت درگذشت و گناه شما را بخشید، از اکنون (در شب رمضان) رواست که با زنه‌های خود (به حلال) مباشرت کنید و از خدا آنچه مقدر فرموده بخواهید. و بخورید و بیاشامید تا خط سفیدی روز از سیاهی شب در سپیده دم پدیدار گردد، پس از آن روزه را به پایان برسانید تا اول شب. و با زنان هنگام اعتکاف در مساجد مباشرت نکنید. این احکام، حدود دین خداست، زنه‌ها در آن راه مخالفت می‌یابند! خداوند این گونه آیات خود را برای مردم بیان فرماید، باشد که پرهیزکار شوند.

و مال یکدیگر را به ناحق مخورید و آن را به نزد قاضیان نیفکنید که (به وسیله رشوه و زور) پاره‌ای از اموال مردم را بخورید با آنکه (شما بطلان دعوی خود را) می‌دانید.

(ای پیغمبر) از تو سؤال کنند که سبب بدر و هلال ماه چیست؟ جواب ده که در آن تعیین اوقات عبادات حج و معاملات مردم است. و نیکوکاری بدان نیست که از پشت دیوار به خانه درآید (چه این کاری ناشایسته است) ولی نیکویی آن است که پارسا باشید و به خانه‌ها (و به هر کار) از راه آن داخل شوید، و تقوا پیشه کنید، باشد که رستگار شوید.

و در راه خدا با آنان که به جنگ و دشمنی شما برخیزند جهاد کنید، لکن از حد تجاوز نکنید که خدا متجاوزان را دوست ندارد.

۲  
بقره  
۱۹۱  
۲۸۶

وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأَخْرِجُوهُمْ مِّنْ حَيْثُ  
أَخْرَجُوكُمْ وَالْفِتْنَةُ أَشَدُّ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا تَقْتُلُوهُمْ عِنْدَ  
الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّىٰ يُقْتَلُوكُمْ فِيهِ ۖ فَإِن قَتَلُوكُمْ  
فَأَقْتُلُوهُمْ كَذَلِكَ جَزَاءُ الْكٰفِرِينَ

۱۹۲

فَإِنِ أَنْتَهُوْا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۱۹۳

وَقَتْلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِتْنَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ لِلَّهِ ۗ فَإِنِ  
أَنْتَهُوْا فَلَا عُدْوَانَ إِلَّا عَلَى الظَّالِمِينَ

۱۹۴

الشَّهْرُ الْحَرَامُ بِالشَّهْرِ الْحَرَامِ وَالْحُرُمَتُ قِصَاصٌ ۚ فَمَن  
أَعْتَدَىٰ عَلَيْكُمْ فَأَعْتَدُوا عَلَيْهِ بِمِثْلِ مَا أَعْتَدَىٰ  
عَلَيْكُمْ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

۱۹۵

وَأَنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ  
وَأَحْسِنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

۱۹۶

وَاتِمُوا الْحَجَّ وَالْعُمْرَةَ لِلَّهِ فَإِنْ أُحْصِرْتُمْ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ  
الْهَدْيِ ۗ وَلَا تَحْلِقُوا رُءُوسَكُمْ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْهَدْيُ مَحَلَّهُ ۚ  
فَمَن كَانَ مِنكُم مَّرِيضًا أَوْ بِهِ أَذًى مِّن رَّأْسِهِ ۖ فَفِدْيَةٌ  
مِّن صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٍ أَوْ نُسُكٍ ۚ فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَمَن تَمَتَّعَ  
بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ ۚ فَمَن لَّمْ يَجِدْ  
فَصِيَامٌ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ ۗ تِلْكَ عَشْرَةٌ  
كَامِلَةٌ ۗ ذَٰلِكَ لِمَن لَّمْ يَكُنْ أَهْلُهُ حَاضِرِي الْمَسْجِدِ  
الْحَرَامِ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

و هر کجا مشرکان را یافتید به قتل رسانید و آنان را از همان وطن که شما را آواره کردند برانید، و فتنه‌گری (آنان) سخت‌تر و فسادش بیشتر از جنگ و کشتار است، و در مسجد الحرام با آنها جنگ مکنید مگر آنکه پیشدستی کنند، در این صورت رواست که در حرم آنها را به قتل برسانید، چنین است کیفر کافران.

پس اگر دست (از شرک و ستم) بدارند (از آنها درگذرید (که) خدا آمرزنده و مهربان است.

و با کفار جهاد کنید تا فتنه و فساد از روی زمین برطرف شود و دین خدا حاکم باشد و بس، و اگر (از فتنه) دست کشیدند (با آنها عدالت کنید که) تجاوز جز بر ستمکاران روا نیست.

ماه‌های حرام را در مقابل ماه‌های حرام قرار دهید، که اگر حرمت آن را نگاه نداشته و با شما قتال کنند شما نیز قصاص کنید. هر که به ستم بر شما دست دراز کند او را از پای در آورید به قدر ستمی که به شما رسانده است، و از خدا پروا کنید و بدانید که خدا با پرهیزکاران است.

و (از مال خود) در راه خدا انفاق کنید (لیکن نه به حد اسراف)، و خود را به مهلکه و خطر در نیفکنید، و نیکویی کنید که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

و همه اعمال حج و عمره را برای خدا به پایان رسانید، و اگر ترس و منعی پیش آید قربانی کنید به آنچه مقدور و میسر است، و سر متراشید تا آن گاه که قربانی شما به محل ذبح برسد. و هر کس بیمار باشد یا سردرد بر او عارض شود (سر بتراشد و) از آن فدا دهد به روزه داشتن یا صدقه دادن یا کشتن گوسفند، و پس از آنکه ترس و منع بر طرف شود هر کس از عمره تمتع به حج باز آید هر چه میسر و مقدور است قربانی کند و هر کس به قربانی تمکن نیافت سه روز در ایام حج روزه بدارد و هفت روز هنگام مراجعت، که ده روز تمام شود. این عمل بر آن کس است که اهل شهر مکه نباشد. (به این احکام عمل کنید) و از نافرمانی خدا پروا کنید و بدانید که عذاب خدا سخت است.

۲۰  
بقره  
۱۹۷  
۲۸۶  
۲۶ر

الْحُجُّ أَشْهُرٌ مَّعْلُومَةٌ فَمَنْ فَرَضَ فِيهِنَّ الْحَجَّ فَلَا رَفَثَ  
وَلَا فُسُوقَ وَلَا جِدَالَ فِي الْحَجِّ وَمَا تَفَعَّلُوا مِنْ خَيْرٍ  
يَعْلَمُهُ اللَّهُ وَتَزَوَّدُوا فَإِنَّ خَيْرَ الزَّادِ التَّقْوَىٰ وَاتَّقُونِ  
يَأْتُوا لِيَأْتُوا الْأَلْبَابَ

حج (واجب) در ماههایی معین است، پس هر که در این  
ماهها حج می‌گذارد بایست آنچه میان زن و شوهر رواست  
ترک کند و کار ناروا (مانند دروغ و بدگویی) را ترک کند و  
مجادله نکند، و شما هر کار نیک کنید خدا بر آن آگاه است و  
توشه (تقوا برای راه آخرت) بگیرید که بهترین توشه این  
راه تقواست و از من پروا کنید ای صاحبان عقل.

۱۹۸

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ فَإِذَا  
أَفْضْتُمْ مِّنْ عَرَفَاتٍ فَأذْكُرُوا اللَّهَ عِنْدَ الْمَشْعَرِ الْحَرَامِ  
وَأذْكُرُوهُ كَمَا هَدَيْكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ مِّن قَبْلِهِ لَمِنَ  
الصَّالِينَ

باکی نیست که در هنگام حج کسب معاش کرده و از فضل  
خدا روزی طلبید، پس آن گاه که از عرفات بازگشتید در  
مشعر ذکر خدا کنید و به یاد خدا باشید که شما را پس از  
آنکه به ضلالت (کفر) بودید به راه هدایت آورد.

۱۹۹

ثُمَّ أَفِيضُوا مِنْ حَيْثُ أَفَاضَ النَّاسُ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ إِنَّ  
اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

بعد از آن به طریقی که همه مسلمین باز می‌گردند رجوع  
کنید و از خدا طلب آمرزش کنید که خدا آمرزنده و مهربان  
است.

۲۰۰

فَإِذَا قَضَيْتُمْ مَنَسِكَكُمْ فَادْكُرُوا اللَّهَ كَذِكْرِكُمْ  
ءَابَاءَكُمْ أَوْ أَشَدَّ ذِكْرًا فَمِنَ النَّاسِ مَن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا  
فِي الدُّنْيَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ خَلْقٍ

پس آن گاه که اعمال حج را به جا آوردید، همان گونه که  
پدران خود را یاد می‌کنید بلکه بیش از آن خدا را یاد کنید  
(و هر حاجت دنیا و آخرت را از خدا بخواهید) بعضی مردم  
(کوتاه نظر از خدا تمنای متاع دنیوی تنها کنند و) گویند:  
پروردگارا، ما را از نعمتهای دنیا بهره‌مند ساز؛ و آنان را از  
نعمت آخرت نصیبی نیست.

۲۰۱

وَمِنْهُمْ مَّن يَقُولُ رَبَّنَا ءَاتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ  
حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

و بعضی دیگر گویند: خدایا ما را از نعمتهای دنیا و آخرت هر  
دو بهره‌مند گردان و از عذاب آتش دوزخ نگاه دار.

۲۰۲

أُولَئِكَ لَهُمْ نَصِيبٌ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

هر یک از این دو فرقه از نتیجه اعمال خود بهره‌مند خواهند  
گشت و خدا به حساب همه زود رسیدگی کند.

وَأَذْكُرُوا اللَّهَ فِي أَيَّامٍ مَّعْدُودَاتٍ فَمَنْ تَعَجَّلَ فِي يَوْمَيْنِ  
فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ وَمَنْ تَأَخَّرَ فَلَا إِثْمَ عَلَيْهِ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَاتَّقُوا  
اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و خدا را یاد کنید (به ذکر تکبیر) در چند روزی معین (ایام  
تشریح) پس هر که شتاب کند و اعمال را در دو روز انجام  
دهد گناه نکرده، و هر که تأخیر کند نیز گناه نکرده. این  
حکم برای کسی است که (از هر گناه یا از محرّمات احرام)  
پرهیزکار بوده است، و از خدا بترسید و بدانید که به سوی  
خدا باز خواهید گشت.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُعْجِبُكَ قَوْلُهُ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَيُشْهَدُ  
اللَّهَ عَلَىٰ مَا فِي قَلْبِهِ ۖ وَهُوَ اللَّهُ الْخِصَامُ

و از مردم کس هست که تو را از گفتار دلفریب خود به  
شگفت آرد (تا از دروغ به متاع دنیا رسد) و خدا را به  
راستی نیت خود گواه گیرد حال آنکه این کس بدترین  
دشمن (اسلام) است.

وَإِذَا تَوَلَّىٰ سَعَىٰ فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ  
وَالنَّسْلَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْفُسَادَ

و چون از حضور تو دور شود کارش فتنه و فساد در زمین  
است و بکوشد تا حاصل خلق به باد فنا دهد و نسل (بشر)  
را قطع کند؛ و خدا فساد را دوست ندارد.

وَإِذَا قِيلَ لَهُ اتَّقِ اللَّهَ أَخَذَتْهُ الْعِزَّةُ بِالْإِثْمِ فَحَسْبُهُ ۗ جَهَنَّمُ  
وَلَبِئْسَ الْمِهَادُ

و چون او را (به نصیحت) گویند: از خدا بترس، خود پسندی  
او را به بدکاری برانگیزد (و پند نشنود). جهنّم او را کفایت  
کند که آرامگاه بدی است.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ  
رَءُوفٌ بِالْعِبَادِ

و بعضی از مردم از جان خود در راه رضای خدا درگذرند؛ و  
خدا با چنین بندگان رئوف و مهربان است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَدْخُلُوا فِي السَّلَامِ كَآفَّةً وَلَا تَتَّبِعُوا  
خُطُوَاتِ الشَّيْطَانِ ۗ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

ای اهل ایمان، همه متّفقا در مقام تسلیم خدا در آید و از  
سواوس شیطان پیروی مکنید که او همانا شما را دشمنی  
آشکار است.

فَإِنْ زَلَلْتُمْ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْكُمْ الْبَيِّنَاتُ فَأَعْلَمُوا أَنَّ  
اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

پس اگر باز به راه خطا رفتید با وجود آنکه ادلّه روشن از  
جانب خدا برای شما آمد، در این صورت بدانید که خدا (بر  
انتقام خطا کاران) توانا و دانا است.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَهُمُ اللَّهُ فِي ظُلَلٍ مِّنَ الْعَمَامِ  
وَالْمَلَائِكَةِ وَفُضِيَ الْأَمْرُ إِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

آیا کافران جز این انتظار دارند که خدا با ملائکه در پرده‌های  
ابر بر آنها در آید و حکم (قهر خدا به کیفر کافران) فرا  
رسد؟ و کارها همه به سوی خدا باز گردد.



سَلَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ كَمَا آتَيْنَهُمْ مِّنْ آيَةٍ بَيْنَهُ قُلٌّ وَمَنْ  
يُبَدِّلْ نِعْمَةَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ  
الْعِقَابِ

(ای پیغمبر) از بنی اسرائیل سؤال کن که ما چقدر آیات و  
ادله روشن بر آنها آوردیم! و هر کس پس از آنکه نعمت و  
هدایتی که خدا به او داد آن را به کفر مبدل کند (بداند  
که) عقاب خدا بر کافران بسیار سخت است.

زَيْنَ الَّذِينَ كَفَرُوا الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَيَسْخَرُونَ مِنَ الَّذِينَ  
ءَامَنُوا وَالَّذِينَ اتَّقَوْا فَوْقَهُمْ يَوْمَ الْقِيٰمَةِ ۗ وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَنْ  
يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

حیات (عاریت و متاع) دنیوی برای کافران جلوه نمود و آنها  
اهل ایمان را فسوس و مسخره می‌کنند ولی مقام تقوا  
پیشگان روز قیامت برتر از کافران است، و خدا به هر که  
خواهد روزی بی‌حساب بخشد.

كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّنَ مُبَشِّرِينَ  
وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيَحْكُمَ بَيْنَ  
النَّاسِ فِي مَا اُخْتَلَفُوا فِيهِ وَمَا اُخْتَلَفَ فِيهِ إِلَّا الَّذِينَ  
أُوتُوهُ مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ ۗ فَهَدَى  
اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَا اُخْتَلَفُوا فِيهِ مِنَ الْحَقِّ بِآذِنِهِ ۗ وَاللَّهُ  
يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

مردم یک گروه بودند، خدا رسولان را فرستاد که  
(نیکوکاران را) بشارت دهند و (بدان را) بترسانند، و با آنها  
کتاب به راستی فرستاد تا در موارد نزاع مردم تنها دین خدا  
به عدالت حکمفرما باشد؛ و در کتاب حق، اختلاف و شبهه  
نیفکندند مگر همان گروه که بر آنان کتاب آسمانی آمد،  
برای تعدی به حقوق یکدیگر، پس خداوند به لطف خود اهل  
ایمان را از آن ظلمت شبهات و اختلافات به نور حق هدایت  
فرمود، و خدا هر که را خواهد راه راست بنماید.

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَأْتِكُمْ مَثَلُ الَّذِينَ  
خَلَوْا مِنْ قَبْلِكُمْ ۗ مَسَّتْهُمُ الْبَأْسَاءُ وَالضَّرَّاءُ وَزُلْزِلُوا حَتَّى  
يَقُولَ الرَّسُولُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ مَتَى نَصُرَ اللَّهُ ۗ أَلَا إِنَّ  
نَصَرَ اللَّهِ قَرِيبٌ

آیا گمان کرده‌اید که به بهشت داخل شوید بدون امتحاناتی  
که پیش از شما بر گذشتگان آمد؟ که بر آنان رنج و سختیها  
رسید و همواره پریشان خاطر و هراسان بودند تا آن گاه که  
رسول و گروندگان با او (از خدا مدد خواستند و) گفتند: بار  
خدایا، کی ما را یاری کنی؟ (در آن حال خطاب شد: بشارت  
دهد که) هان! همانا یاری خدا نزدیک است.

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلْ مَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ خَيْرٍ فَلِلْوَالِدَيْنِ  
وَالْأَقْرَبِينَ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ ۗ وَمَا تَفَعَّلُوا  
مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

از تو سؤال کنند که چه انفاق کنند؟ بگو: هر چه از مال خود  
انفاق کنید درباره پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران  
و در راه ماندگان رواست، و آنچه نیکویی کنید خداوند بر  
آن آگاه است.

كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ وَهُوَ كُرْهُ لَكُمْ وَعَسَىٰ أَن تَكْرَهُوا شَيْئًا وَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَعَسَىٰ أَن تُحِبُّوا شَيْئًا وَهُوَ شَرٌّ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الشَّهْرِ الْحَرَامِ قِتَالٍ فِيهِ قُلْ قِتَالٌ فِيهِ كَبِيرٌ وَصَدٌّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَكُفْرٌ بِهِ وَالْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَإِخْرَاجُ أَهْلِهِ مِنْهُ أَكْبَرُ عِنْدَ اللَّهِ وَالْفِتْنَةُ أَكْبَرُ مِنَ الْقَتْلِ وَلَا يَزَالُونَ يُقْتَلُونَكُمْ حَتَّىٰ يَرُدُّوكُمْ عَن دِينِكُمْ إِنِ اسْتَطَعُوا وَمَن يَرْتَدِدْ مِنكُمْ عَن دِينِهِ فَيَمُتْ وَهُوَ كَافِرٌ فَأُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ يَرْجُونَ رَحْمَتَ اللَّهِ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْخَمْرِ وَالْمَيْسِرِ قُلْ فِيهِمَا إِثْمٌ كَبِيرٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَإِثْمُهُمَا أَكْبَرُ مِنْ نَّفْعِهِمَا وَيَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ

حکم جهاد بر شما مقرر گردید و حال آنکه بر شما ناگوار و مکروه است، لکن چه بسیار شود که چیزی را مکروه شمارید ولی به حقیقت خیر و صلاح شما در آن بوده، و چه بسیار شود چیزی را دوست دارید و در واقع شر و فساد شما در آن است، و خدا (به مصالح امور) داناست و شما نادانید.

(ای پیغمبر) از تو راجع به جنگ در ماه حرام سؤال کنند، بگو: گناهی است بزرگ، ولی بازداشتن خلق از راه خدا و کفر به خدا و پایمال کردن حرمت حرم خدا و بیرون کردن اهل حرم از آن (که مشرکان مرتکب شدند) نزد خدا بسیار گناه بزرگتری است و فتنه‌گری، فساد انگیزتر از قتل است. و کافران پیوسته با شما مسلمین کارزار کنند تا آنکه اگر بتوانند شما را از دین خود برگردانند، و هر کس از شما از دین خود برگردد و به حال کفر باشد تا بمیرد چنین اشخاص اعمالشان در دنیا و آخرت ضایع و باطل گردیده، و آنان اهل جهنمند و در آن همیشه (معدَّب) خواهند بود.

آنان که به دین اسلام گرویدند و از وطن خود هجرت نموده در راه خدا جهاد کردند اینان امیدوار و منتظر رحمت خدا باشند، که خدا بخشاینده و مهربان است.

(ای پیغمبر) از تو از حکم شراب و قمار می‌پرسند، بگو: در این دو کار گناه بزرگی است و سودهایی برای مردم، ولی زیان گناه آن دو بیش از منفعت آنهاست. و نیز سؤال کنند تو را که چه در راه خدا انفاق کنند؟ جواب ده: آنچه زائد (بر ضروری زندگانی) است. خداوند بدین روشنی آیات خود را برای شما بیان کند، باشد که تفکر نموده و عقل خود به کار بندید،

فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الَّتِي مَلَىٰ قُلُوبَهُمْ قُلْ إِصْلَاحٌ لَّهُمْ خَيْرٌ وَإِنْ تُخَالِطُوهُمْ فَإِخْوَانُكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ الْمُفْسِدَ مِنَ الْمُصْلِحِ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَعْنَتَكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

وَلَا تَنْكِحُوا الْمُشْرِكَةَ حَتَّىٰ تُؤْمِنَ وَلَا أُمَّةٌ مُّؤْمِنَةٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكَةٍ وَلَوْ أَعْجَبَتْكُمْ وَلَا تُنكِحُوا الْمُشْرِكِينَ حَتَّىٰ يُؤْمِنُوا وَلَعَبْدٌ مُّؤْمِنٌ خَيْرٌ مِّنْ مُّشْرِكٍ وَلَوْ أَعْجَبَكُمْ أُولَٰئِكَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ وَاللَّهُ يَدْعُو إِلَى الْجَنَّةِ وَالْمَغْفِرَةِ بِإِذْنِهِ وَيُبَيِّنُ آيَاتِهِ لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْمَحِيضِ قُلْ هُوَ أَذَىٰ فَأَعْتَزِلُوا النِّسَاءَ فِي الْمَحِيضِ وَلَا تَقْرَبُوهُنَّ حَتَّىٰ يَطْهَرْنَ فَإِذَا تَطَهَّرْنَ فَأْتُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ أَمَرَكُمُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ

نِسَاءَكُمْ حَرَّتْ لَكُمْ فَأْتُوا حَرَّتْكُمْ أَنْزِلْنَا سِتْرًا وَقَدِّمُوا لِأَنْفُسِكُمْ وَأَتَّقُوا اللَّهَ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ مُّلاقُوهُ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

وَلَا تَجْعَلُوا اللَّهَ عُرْضَةً لِأَيْمَانِكُمْ أَنْ تَبَرُّوا وَتَتَّقُوا وَتُصَلِّحُوا بَيْنَ النَّاسِ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

در کار دنیا و آخرت (تا از دنیا برای آخرت توشه بردارید). و سؤال کنند تو را که با یتیمان چگونه رفتار کنند؟ بگو: به اصلاح (حال و مصلحت مال) آنها کوشید بهتر است (تا آنها را بیسرپرست گذارید) و اگر با آنها آمیزش کنید رواست که برادر دینی شما هستند، و خدا آگاه است از آن کس که (در کار آنان) نادرستی کند و آن که اصلاح و درستی نماید. و اگر خدا می‌خواست کار را بر شما سخت می‌کرد چه آنکه خدا توانا و دانا است.

و با زنان مشرک ازدواج مکنید مگر آنکه ایمان آرند و همانا کنیزکی با ایمان بهتر از زن آزاد مشرک است هر چند از (حسن و جمال) او به شگفت آید، و زن به مشرکان مدهید مگر آنکه ایمان آرند و همانا بنده مؤمن بسی بهتر از آزاد مشرک است هر چند از (مال و حسن) او به شگفت آید. مشرکان (شما را از راه جهل) به آتش خوانند و خدا از راه لطف و مرحمت به بهشت و مغفرت دعوت کند و خداوند برای مردم آیات خویش بیان فرماید، باشد که هشیار و متذکر گردند.

و سؤال کنند تو را از عادت شدن زنان، بگو: آن رنجی است (برای زنان) در آن حال از مباشرت آنان دوری کنید و با آنان نزدیکی نکنید تا آنکه پاک شوند، چون خود را پاک کردند از آنجا که خدا دستور داده به آنها نزدیک شوید، که همانا خدا آنان را که پیوسته به درگاهش توبه کنند و هم پاکیزگان دور از هر آرایش را دوست می‌دارد.

زنان شما کشتزار شما نیستند، پس (برای کشت فرزند صالح) بدانها نزدیک شوید هرگاه (مباشرت آنان) خواهید، و چیزی برای خود پیش فرستید و خدا ترس باشید و بدانید که محققا نزد خدا خواهید رفت. و (ای رسول) اهل ایمان را بشارت ده.

و زنهار نام خدا را هدف سوگندهای خود مکنید تا (با این سوگندهای راست و دروغ) از حقوقی که مردم را بر شماست برانت جوئید و خود را نیکوکار و پرهیزکار قلمداد کنید و مصلح میان مردم جلوه دهید؛ و خدا (راست و دروغ و نیک و بد را) شنوا و داناست.

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَكِنْ يُؤَاخِذُكُمْ بِمَا كَسَبَتْ قُلُوبُكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

لِلَّذِينَ يُؤَلُّونَ مِنْ نِسَائِهِمْ تَرَبُّصُ أَرْبَعَةِ أَشْهُرٍ ۖ فَإِنْ فَاءُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

وَإِنْ عَزَمُوا الطَّلَاقَ فَإِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

وَالْمُطَلَّقَاتُ يَتَرَبَّصْنَ بِأَنْفُسِهِنَّ ثَلَاثَةَ قُرُوءٍ وَلَا يَحِلُّ لَهُنَّ أَنْ يَكْتُمَنَّ مَا خَلَقَ اللَّهُ فِي أَرْحَامِهِنَّ إِنْ كُنَّ يُؤْمِنَنَّ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَبُعُولَتُهُنَّ أَحَقُّ بِرَدِّهِنَّ فِي ذَلِكَ إِنْ أَرَادُوا إِصْلَاحًا وَلَهُنَّ مِثْلُ الَّذِي عَلَيْهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ وَلِلرِّجَالِ عَلَيْهِنَّ دَرَجَةٌ ۗ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

الطَّلَاقُ مَرَّتَانٍ ۖ فَإِمْسَاكٌ بِمَعْرُوفٍ أَوْ تَسْرِيحٌ بِإِحْسَانٍ ۗ وَلَا يَحِلُّ لَكُمْ أَنْ تَأْخُذُوا مِمَّا آتَيْتُمُوهُنَّ شَيْئًا إِلَّا أَنْ يَخَافَا أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا فِيمَا افْتَدَتْ بِهِ ۗ تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ فَلَا تَعْتَدُوهَا ۚ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا تَحِلُّ لَهُ مِنْ بَعْدِ حَتَّىٰ تَنْكِحَ زَوْجًا غَيْرَهُ ۗ فَإِنْ طَلَّقَهَا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يَتَرَاجَعَا إِنْ ظَنَّا أَنْ يُقِيمَا حُدُودَ اللَّهِ ۗ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ يُبَيِّنُهَا لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

خدا شما را به سوگندهای لغو مؤاخذه نکند و لیکن به آنچه در دل دارید مؤاخذه خواهد کرد و خدا بسیار آمرزنده و بردبار است.

آنان که با زنان خود ایلاء کنند (بر ترک مباشرت آنها قسم بخورند) چهار ماه انتظار کشند، اگر (از قسم خود) بازگشتند خداوند آمرزنده و مهربان است.

و اگر عزم طلاق نمودند خدا (به گفتار و کردارشان) شنوا و داناست.

و زنهایی که طلاق داده شدند از شوهر نمودن خودداری کنند تا سه پکی بر آنان بگذرد و آنچه را (حیض یا حملی) که خدا در رحم آنها آفریده کتمان نکنند اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارند. و شوهران آنها در زمان عدّه سزاوارترند که آنها را به زنی خود رجوع دهند اگر نیت سازش دارند، و زنان را بر شوهران حق مشروعی است چنانچه شوهران را بر زنان، لیکن مردان را بر زنان افزونی است، و خدا (بر هر چیز) توانا و داناست.

طلاق (طلاقی که شوهر در آن رجوع تواند کرد) دو مرتبه است، پس چون طلاق داد یا رجوع کند به سازگاری و یا رها کند به نیکی، و حلال نیست که چیزی از مهر آنان به جور بگیرید، مگر آنکه بترسید حدود دین خدا را راجع به احکام ازدواج نگاه ندارند، در چنین صورت زن هر چه از مهر خود به شوهر (برای طلاق) ببخشد بر آنان روا باشد. این احکام، حدود دین خداست، از آن سرکشی مکنید و کسانی که از احکام خدا سرپیچند آنها به حقیقت ستمکارند.

پس اگر زن را طلاق (سوم) داد دیگر آن زن بر او حلال نیست تا اینکه زن به دیگری شوهر کند، اگر آن شوهر دوم زن را طلاق داد زن با شوهر اول (که سه طلاق داده) توانند به زوجیت بازگردند اگر گمان برند که احکام خدا را (راجع به امر ازدواج) نگاه خواهند داشت. این است احکام خدا که برای مردم دانا بیان می‌کند.

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ  
أَوْ سَرِّحُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَلَا تُمْسِكُوهُنَّ ضِرَارًا لِّتَعْتَدُوا  
وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَتَّخِذُوا عَآيَاتِ  
اللَّهِ هُزُوعًا وَأَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ  
عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ ۚ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

وَإِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَبَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا تَعْضُلُوهُنَّ أَنْ  
يَنْكِحْنَ أَزْوَاجَهُنَّ إِذَا تَرَاضُوا بَيْنَهُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۗ ذَلِكَ  
يُوعِظُ بِهِ ۚ مَنْ كَانَ مِنْكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ  
ذَلِكَ أَرْكَى لَكُمْ وَأَطْهَرٌ ۚ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

وَالْوَالِدَاتُ يُرْضِعْنَ أَوْلَادَهُنَّ حَوْلَيْنِ كَامِلَيْنِ لِمَنْ أَرَادَ أَنْ  
يُتِمَّ الرَّضَاعَةَ وَعَلَى الْمَوْلُودِ لَهُ رِزْقُهُنَّ وَكِسْوَتُهُنَّ  
بِالْمَعْرُوفِ لَا تُكَلَّفُ نَفْسٌ إِلَّا وُسْعَهَا لَا تُضَارَّ وَالِدَةٌ  
بِوَالِدِهَا وَلَا مَوْلُودٌ لَهُ بِوَالِدَيْهِ وَعَلَى الْوَارِثِ مِثْلُ ذَلِكَ ۗ فَإِنْ  
أَرَادَا فِصَالًا عَنْ تَرَاضٍ مِنْهُمَا وَتَشَاوُرٍ فَلَا جُنَاحَ  
عَلَيْهِمَا ۗ وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَنْ تَسْرِضِعُوا أَوْلَادَكُمْ فَلَا جُنَاحَ  
عَلَيْكُمْ إِذَا سَلَّمْتُمْ مَا آتَيْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و هرگاه زنان را طلاق دادید بایستی تا نزدیک پایان زمان  
عده یا آنها را به سازگاری (در خانه) نگاه دارید و یا به نیکی  
رها کنید، و روا نیست آنان را به آزار نگاه داشته تا بر آنها  
ستم کنید. هر کس چنین کند همانا بر خود ظلم کرده است.  
و آیات خدا را به مسخره نگیرید و به یاد آرید نعمت خدا را  
که به شما لطف فرمود و (به خصوص نعمت بزرگ) کتاب  
آسمانی و حکمت الهی را که به شما فرستاد و شما را به  
اندرز آن بهره‌مند گرداند، و از خدا پروا کنید و بدانید که  
خدا به همه چیز آگاه است.

و چون زنان را طلاق دادید و زمان عده آن‌ها به پایان رسید،  
نباید آنها را از شوهر کردن منع کنید هرگاه به طریق  
مشروع به ازدواج با مردی تراضی کنند. بدین سخن پند  
داده شود هر کس به خدا و روز بازپسین ایمان آورده. این  
دستور برای تزکیه نفوس شما بهتر است و خدا (به مصلحت  
شما) داناست و شما (خیر و صلاح خود) نمی‌دانید.

و مادران بایستی دو سال کامل فرزندان خود را شیر دهند،  
البته آن کسی که خواهد فرزند را شیر تمام دهد؛ و به  
عهده صاحب فرزند است (یعنی پدر) که خوراک و لباس  
مادر را به حد متعارف بدهد، هیچ کس را تکلیف جز به  
اندازه طاقت نکنند، نه مادر باید در نگهداری فرزند به  
زحمت و زیان افتد و نه پدر بیش از حد متعارف برای کودک  
متضرر شود. و اگر کودک را پدر نبود وارث باید در  
نگهداری او به حد متعارف قیام کند. و اگر پدر و مادر به  
رضایت و مصلحت دید یکدیگر بخواهند فرزند را از شیر  
بگیرند هر دو را رواست، و اگر خواهید که برای فرزندان  
دایه بگیرید آن هم روا باشد در صورتی که دایه را حقوقی  
به متعارف بدهید. و از خدا پروا کنید و بدانید که خداوند  
به کردار شما بیناست.

وَالَّذِينَ يُتَوَقَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا يَتَرَبَّصْنَ  
بِأَنْفُسِهِنَّ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَعَشْرًا ۖ فَإِذَا بَلَغْنَ أَجَلَهُنَّ فَلَا  
جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ بِالْمَعْرُوفِ ۗ وَاللَّهُ  
بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا عَرَّضْتُمْ بِهِ مِنْ خِطْبَةِ النِّسَاءِ  
أَوْ أَكَنَنْتُمْ فِي أَنْفُسِكُمْ ۚ عَلِمَ اللَّهُ أَنَّكُمْ سَتَذْكُرُونَهُنَّ  
وَلَكِنَّ لَكُمْ لَّا تُوَاعِدُوهُنَّ سِرًّا إِلَّا أَنْ تَقُولُوا قَوْلًا مَعْرُوفًا ۚ  
وَلَا تَعْزِمُوا عُقْدَةَ النِّكَاحِ حَتَّىٰ يَبْلُغَ الْكِتَابُ أَجَلَهُ ۚ  
وَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي أَنْفُسِكُمْ فَاحْذَرُوهُ ۚ وَأَعْلَمُوا  
أَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

لَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ طَلَقْتُمْ النِّسَاءَ مَا لَمْ تَمْسُوهُنَّ أَوْ  
تَفْرِضُوا لَهُنَّ فَرِيضَةً ۚ وَمَتَّعُوهُنَّ عَلَىٰ الْمَوْسِعِ قَدَرَهُ ۚ وَعَلَىٰ  
الْمُقْتِرِ قَدَرَهُ مَتَّعًا بِالْمَعْرُوفِ ۗ حَقًّا عَلَىٰ الْمُحْسِنِينَ

وَإِنْ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ وَقَدْ فَرَضْتُمْ لَهُنَّ  
فَرِيضَةً فَنِصْفُ مَا فَرَضْتُمْ ۖ إِلَّا أَنْ يَعْفُونَ أَوْ يَعْفُوا الَّذِي  
بِيَدِهِ عُقْدَةُ النِّكَاحِ ۚ وَأَنْ تَعْفُوا أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ ۚ وَلَا تَنْسُوا  
الْفَضْلَ بَيْنَكُمْ ۚ إِنَّ اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و مردانی که بمیرند و زنانشان زنده مانند، آن زنان باید از شوهر کردن خودداری کنند تا مدت چهار ماه و ده روز بگذرد، پس از انقضای این مدت بر شما گناهی نیست که آنان در حق خویش کاری شایسته کنند (از زینت کردن و شوهر نمودن)، و خداوند از کردارتان آگاه است.

و باکی بر شما نیست که به فکر خواستگاری آن زنان برآید یا نیت ازدواج را در دل داشته بدون اظهار، تنها خدا داند که از این پس از دل به زبان خواهید آورد، ولیکن (در عده) با آنها پنهانی قرار و پیمانی نگذارید مگر آنکه سخنی به میزان شرع گویند، ولی عزم عقد و ازدواج مکنید تا زمان عده آنها منقضی شود، و بدانید که خداوند از نیت درونی شما آگاه است، پس از او بترسید و بدانید که خدا بسیار آمرزنده و بردبار است.

باکی بر شما نیست اگر طلاق دهید زانی را که با آنان مباشرت نکرده و مهری مقرر نداشته‌اید ولی آنها را به چیزی بهره‌مند سازید، دارا به قدر خود و نادار به قدر خویش به بهره‌ای شایسته او، که این سزاوار مقام نیکوکاران است.

و اگر زنها را قبل از مباشرت با آنها طلاق دهید، در صورتی که بر آنان مهر مقرر داشته‌اید بایستی نصف مهری را که تعیین شده به آنها بدهید مگر آنها خود گذشت کنند یا کسی که امر نکاح به دست اوست (مثل پدر یا جد) از آن حق در گذرند، و گذشت کردن به تقوا و خدا پرستی نزدیکتر است، و فضیلت‌هایی که در نیکی به یکدیگر است فراموش مکنید، (و بدانید) که خداوند به هر کار (نیک و بد) شما بیناست.

حَفِظُوا عَلَى الصَّلَوَاتِ وَالصَّلَاةِ الْوُسْطَىٰ وَقُومُوا لِلَّهِ قَانِتِينَ

بر نمازها مواظبت و توجه کامل داشته باشید و به خصوص نماز وسطی (صبح) و به طاعت خدا قیام کنید.

پس اگر شما را بیم خطری از دشمن باشد به هر حال که میسر است، پیاده یا سواره نماز به جای آرید و آن گاه که ایمنی یافتید خدا را یاد کنید که او شما را به آنچه نمی‌دانستید دانا گردانید.

فَإِنْ خِفْتُمْ فَرِجَالًا أَوْ رُكْبَانًا فَإِذَا أَمِنْتُمْ فَأَذْكُرُوا اللَّهَ كَمَا عَلَّمَكُم مَّا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ

۲۳۹

مردانی که بمیرند و زنانشان زنده مانند باید وصیت کنند که آن‌ها را تا یکسال نفقه دهند و از خانه شوهر بیرون نکنند، پس اگر زنها خود خارج شوند شما را گناهی نیست از آنچه آنها درباره خود در حدود شرع بگزینند، و خدا توانا و داناست.

وَالَّذِينَ يُتَوَفَّوْنَ مِنْكُمْ وَيَذَرُونَ أَزْوَاجًا وَصِيَّةً لِأَزْوَاجِهِمْ مَتَاعًا إِلَى الْحَوْلِ غَيْرِ إِخْرَاجٍ فَإِنْ خَرَجْنَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِي مَا فَعَلْنَ فِي أَنْفُسِهِنَّ مِنْ مَّعْرُوفٍ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

۲۴۰

مردان، زنانی را که طلاق دهند به چیزی بهره‌مند کنند، که این کار سزاوار مردم پرهیزکار است.

وَالْمُطَلَّقاتِ مَتَعًا بِالْمَعْرُوفِ حَقًّا عَلَى الْمُتَّقِينَ

۲۴۱

خدا آیات خود را برای شما این گونه روشن بیان می‌کند، شاید خردمندی کنید.

كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

۲۴۲

آیا ندیدید آنهایی را که از ترس مرگ از دیار خود بیرون رفتند که هزارها تن بودند، خدا فرمود که تمام بمیرید (همه مردند) سپس آنها را زنده کرد، زیرا خدا را در حق بندگان فضل و کرم بسیار است، و لیکن بیشتر مردم سپاسگزار نیستند.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَهُمْ أُلُوفٌ حَذَرَ الْمَوْتِ فَقَالَ لَهُمُ اللَّهُ مُوتُوا ثُمَّ أَحْيَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

۲۴۳  
حزب  
۱۶  
۳۳

جهاد کنید در راه خدا و بدانید که خدا (به گفتار و کردار خلق) شنوا و دانا است.

وَقَاتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۲۴۴

کیست که خدا را قرض الحسنه دهد تا خدا بر او به چندین برابر بیفزاید؟ و خداست که می‌گیرد و می‌دهد، و همه به سوی او باز گردانده می‌شوند.

مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ وَأَضعَافًا كَثِيرَةً وَاللَّهُ يَقْبِضُ وَيَبْصُطُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۲۴۵

۲  
بقره  
۲۴۶  
/۲۸۶

أَلَمْ تَرَ إِلَى الْمَلَأِ مِنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَى إِذْ قَالُوا لِنَبِيِّ لَهُمْ أُبْعَثْ لَنَا مَلِكًا نُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ قَالَ هَلْ عَسَيْتُمْ إِنْ كُتِبَ عَلَيْكُمُ الْقِتَالُ أَلَّا تُقَاتِلُوا قَالُوا وَمَا لَنَا أَلَّا نُقَاتِلَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَدْ أُخْرِجْنَا مِنْ دِيَارِنَا وَأَبْنَائِنَا فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ تَوَلَّوْا إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

۲۴۷

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللَّهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكًا قَالُوا أَأَتَىٰ يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ أُصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللَّهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۲۴۸

وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ آيَةَ مُلْكِهِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ التَّابُوتُ فِيهِ سَكِينَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَبَقِيَّةٌ مِّمَّا تَرَكَ ءَالُ مُوسَىٰ وَعَالُ هَارُونَ تَحْمِلُهُ الْمَلَائِكَةُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُم إِنْ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

آیا ندیدی آن گروه بنی اسرائیل را که پس از وفات موسی از پیغمبر وقت خود تقاضا کردند که پادشاهی برای ما برانگیز تا (به سرکردگی او) در راه خدا جهاد کنیم؛ پیغمبر آنها گفت: اگر جهاد فرض شود میادا به جنگ قیام نکرده، نافرمانی کنید! گفتند: چگونه شود که ما به جنگ نرویم در صورتی که (دشمنان ما) ما و فرزندان ما را (به ستم) از دیارمان بیرون کردند؟ پس چون (با درخواست آنها) جهاد مقرر گردید به جز اندکی همه روی گردانیدند، و خدا از کردار ستمکاران آگاه است.

پیغمبرشان به آنها گفت: خداوند طالوت را به پادشاهی شما برانگیخت. گفتند که از کجا او را بر ما بزرگی و شاهی رواست در صورتی که ما به پادشاهی شایسته‌تر از اویم و او را مال فراوان نیست. رسول گفت: خداوند او را برگزیده و در دانش و توانایی و قوت جسم فزونی بخشیده، و خدا ملک خود را به هر که خواهد بخشد، که خدا به حقیقت توانگر و داناست.

پیغمبرشان به آنها گفت که نشانه پادشاهی او این است که تابوتی که در آن سکینه خدا و الواح بازمانده از خانواده موسی و هارون است و فرشتگانش به دوش برند برای شما می‌آید، که در آن برای شما حجتی است روشن اگر اهل ایمان باشید.



فَلَمَّا فَصَلَ طَالُوتُ بِالْجُنُودِ قَالَ إِنَّ اللَّهَ مُبْتَلِيكُمْ بِنَهَرٍ  
فَمَنْ شَرِبَ مِنْهُ فَلَيْسَ مِنِّي وَمَنْ لَمْ يَطْعَمْهُ فَإِنَّهُ مِنِّي  
إِلَّا مَنْ أَغْتَرَفَ غُرْفَةً بِيَدِهِ فَشَرِبُوا مِنْهُ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ  
فَلَمَّا جَاوَزَهُ هُوَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ قَالُوا لَا طَاقَةَ لَنَا  
الْيَوْمَ بِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالَ الَّذِينَ يَظُنُونَ أَنَّهُمْ مُّلاقُوا  
اللَّهِ كَم مِّن فِئَةٍ قَلِيلَةٍ غَلَبَت فِئَةً كَثِيرَةً بِإِذْنِ اللَّهِ  
وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

۲۰  
بقره  
۲۴۹  
/۲۸۶  
۳۴ ر

وَلَمَّا بَرَزُوا لِجَالُوتَ وَجُنُودِهِ قَالُوا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا  
وَتَبَّتْ أَقْدَامُنَا وَأَنْصَرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

۲۵۰

فَهَزَمُوهُمْ بِإِذْنِ اللَّهِ وَقَتَلَ دَاوُدُ جَالُوتَ وَءَاتَاهُ اللَّهُ  
الْمُلْكَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَهُ مِمَّا يَشَاءُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ  
النَّاسَ بَعْضُهُمْ بِبَعْضٍ لَّفَسَدَتِ الْأَرْضُ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ ذُو  
فَضْلٍ عَلَى الْعَالَمِينَ

۲۵۱

تِلْكَ ءَايَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّكَ لَمِنَ  
الْمُرْسَلِينَ

۲۵۲

پس هنگامی که طالوت لشکر کشید، سپاه خود را گفت: خدا شما را به نهر آبی آزمایش کند، هر که از آن بیاشامد از من و هم آیین من نیست، و هر که هیچ نیاشامد یا کفی بیش برنگیرد از من و هم آیین من خواهد بود. پس همه سپاهش آشامیدند به جز عده قلیلی از آنها. و چون طالوت و سپاه مؤمنش از نهر گذشتند (و مواجه با دشمن شدند لشکر بیمناک گشته) گفتند: ما را تاب مقاومت جالوت و سپاه او نخواهد بود. آنان که به لقاء رحمت خدا و ثواب آخرت معتقد بودند (ثابت قدم مانده) گفتند: چه بسیار شده که گروهی اندک به یاری خدا بر سپاهی بسیار غالب آمده، و خدا با صابران است.

و چون آنها در میدان مبارزه جالوت و لشکریان او آمدند گفتند: پروردگارا، به ما صبر و استواری بخش و ما را ثابت قدم دار و بر شکست کافران یاری فرما.

پس به یاری خدا کافران را شکست دادند و داود (علیه السلام) امیر آنها جالوت را کشت و خدایش پادشاهی و فرزاندگی عطا فرمود و از آنچه میخواست بدو بیاموخت. و اگر خدا برخی مردم را در مقابل بعضی دیگر بر نمی‌انگیخت فساد روی زمین را فرا می‌گرفت، و لیکن خدا، خداوند فضل و کرم بر همه اهل عالم است.

این آیات خداست که به راستی بر تو می‌خوانیم و همانا تو از جمله پیغمبران مرسل هستی.

تِلْكَ الرُّسُلُ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ مِّنْهُمْ مَّن كَلَّمَ اللَّهُ<sup>ص</sup>  
وَرَفَعَ بَعْضَهُمْ دَرَجَاتٍ وَعَاتَيْنَا عِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ الْبَيِّنَاتِ  
وَأَيَّدْنَاهُ بِرُوحِ الْقُدُسِ<sup>ط</sup> وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَقْتَلْنَا الَّذِينَ مِنْ  
بَعْدِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ وَلَكِنْ اخْتَلَفُوا  
فَمِنْهُمْ مَّنْ ءَامَنَ وَمِنْهُمْ مَّنْ كَفَرَ<sup>ج</sup> وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا  
أَقْتَلُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنفِقُوا مِمَّا رَزَقْنَاكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ  
يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا بَيْعُ فِيهِ وَلَا خُلَّةٌ وَلَا شَفِيعَةٌ<sup>ط</sup> وَالْكَافِرُونَ هُمُ  
الظَّالِمُونَ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ لَا تَأْخُذُهُ سِنَّةٌ وَلَا نَوْمٌ<sup>ج</sup>  
لَّهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ<sup>ط</sup> مَن ذَا الَّذِي يَشْفَعُ  
عِنْدَهُ إِلَّا بِإِذْنِهِ<sup>ج</sup> يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ<sup>ط</sup> وَلَا  
يُحِيطُونَ بِشَيْءٍ مِّنْ عِلْمِهِ إِلَّا بِمَا شَاءَ<sup>ج</sup> وَسِعَ كُرْسِيُّهُ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ<sup>ط</sup> وَلَا يَئُودُهُ حِفْظُهُمَا وَهُوَ الْعَلِيُّ  
الْعَظِيمُ

لَا إِكْرَاهَ فِي الدِّينِ<sup>ط</sup> قَدْ تَبَيَّنَ الرُّشْدُ مِنَ الْغَيِّ<sup>ج</sup> فَمَن يَكْفُرْ  
بِالطَّاغُوتِ وَيُؤْمِنْ بِاللَّهِ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ لَا  
أَنْفِصَامَ لَهَا<sup>ط</sup> وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

این پیغمبران را برخی بر بعضی برتری و فضیلت دادیم، بعضی را خدا با او سخن گفته و بعضی را رفعت مقام داده، و عیسی پسر مریم را معجزات آشکار دادیم و او را به روح القدس نیرو بخشیدیم، و اگر خدا می‌خواست پس از فرستادن پیامبران و معجزات آشکار، مردم با یکدیگر در مقام خصومت و قتال بر نمی‌آمدند، ولیکن آنان برخلاف و دشمنی با هم برخاستند، برخی ایمان آورده و بعضی کافر شدند، و اگر خدا می‌خواست با هم بر سر جنگ نبودند، و لیکن خدا هر چه مشیتش قرار گیرد خواهد کرد.

ای اهل ایمان، از آنچه روزی شما کردیم انفاق کنید پیش از آنکه بیاید روزی که نه کسی (برای آسایش خود) چیزی تواند خرید و نه دوستی و شفاعتی به کار آید، و کافران (دریابند که) خود ستمکار بوده‌اند.

خدا یکتاست که جز او خدایی نیست، زنده و پاینده است، هرگز او را کسالت خواب فرا نگیرد تا چه رسد که به خواب رود، اوست مالک آنچه در آسمانها و زمین است، که را این جرات است که در پیشگاه او به شفاعت برخیزد مگر به فرمان او؟ علم او محیط است به آنچه پیش نظر خلق آمده و آنچه سپس خواهد آمد و خلق به هیچ مرتبه از علم او احاطه نتوانند کرد مگر به آنچه او خواهد، قلمرو علمش از آسمانها و زمین فراتر، و نگاهیانی زمین و آسمان بر او آسان و بی‌زحمت است، و او والا مرتبه و با عظمت است.

کار دین به اجبار نیست، تحقیقا راه هدایت و ضلالت بر همه کس روشن گردیده، پس هر که از راه کفر و سرکشی دیو رهنز برگردد و به راه ایمان به خدا گراید بی‌گمان به رشته محکم و استواری چنگ زده که هرگز نخواهد گسست، و خداوند (به هر چه خلق گویند و کنند) شنوا و داناست.

اللَّهُ وَلِيُّ الَّذِينَ ءَامَنُوا يُخْرِجُهُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ  
وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَوْلِيَآؤُهُمُ الظُّلُمَاتُ يُخْرِجُونَهُم مِّنَ النُّورِ  
إِلَى الظُّلُمَاتِ ۗ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّآرِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ حَآجَّ إِبرَاهِيمَ فِي رَبِّهٖ أَن ۖ ءَاتَهُ اللَّهُ  
الْمُلْكَ إِذْ قَالَ إِبرَاهِيمُ رَبِّىَ الَّذِى يُحِىءُ وَيُمِيتُ قَالَ أَنَا  
أَحِىءُ وَأُمِيتُ ۗ قَالَ إِبرَاهِيمُ فَإِنَّ اللَّهَ يَأْتِى بِالسَّمَسِ مِن  
الْمَشْرِقِ فَأْتِ بِهَا مِنَ الْمَغْرِبِ فَبُهِتَ الَّذِى كَفَرَ ۗ وَاللَّهُ  
لَا يَهْدِى الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

أَوْ كَالَّذِى مَرَّ عَلَى قَرْيَةٍ وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَى عُرُوشِهَا قَالَ أَنَّى  
يُحِىءُ هَٰذِهِ اللَّهُ بَعْدَ مَوْتِهَا ۗ فَأَمَاتَهُ اللَّهُ مِائَةَ عَامٍ ثُمَّ  
بَعَثَهُ ۗ قَالَ كَمْ لَبِثْتُ قَالَ لَبِثْتُ يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ ۗ قَالَ  
بَل لَّبِثْتُ مِائَةَ عَامٍ ۗ فَانظُرْ إِلَى طَعَامِكَ وَشَرَابِكَ لَمْ  
يَتَسَنَّهٗ ۗ وَانظُرْ إِلَى حِمَارِكَ وَلِنَجْعَلَكَ ءَايَةً لِلنَّاسِ ۗ وَانظُرْ  
إِلَى الْعِظَامِ كَيْفَ نُنشِزُهَا ثُمَّ نَكْسُوهَا لَحْمًا ۗ فَلَمَّا تَبَيَّنَ  
لَهُ قَالَ أَعْلَمُ أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

خدا یار اهل ایمان است که آنان را از تاریکیهای جهل بیرون  
آرد و به عالم نور برد، و آنان که راه کفر گزیدند یار ایشان  
شیاطین و دیوهایند که آنها را از عالم نور به تاریکیهای  
گمراهی در افکنند، این گروه اهل دوزخند و در آن همیشه  
خواهند بود.

آیا ندیدی که پادشاه زمان ابراهیم (علیه السلام) به دلیل  
حکومتی که خدا به او داده بود درباره (یکتایی) خدا با  
ابراهیم به جدل برخاست؟ چون ابراهیم گفت: خدای من آن  
است که زنده گرداند و بمیراند، او گفت: من نیز زنده  
میکنم و میمیرانم. ابراهیم گفت که خداوند خورشید را از  
طرف مشرق برآورد، تو اگر توانی از مغرب بیرون آر؛ آن  
نادان کافر در جواب عاجز ماند؛ و خدا راهنمای ستمکاران  
نخواهد بود.

یا به مانند آن کس (عزیر) که به دهکده‌ای گذر کرد که  
خراب و ویران شده بود، گفت: (به حیرتم که) خدا چگونه  
باز این مردگان را زنده خواهد کرد! پس خداوند او را صد  
سال میراند سپس زنده کرد و برانگیخت و بدو فرمود که  
چند مدت درنگ نمودی؟ جواب داد: یک روز یا پاره‌ای از یک  
روز درنگ نمودم، خداوند فرمود (نه چنین است) بلکه صد  
سال است که به خواب مرگ افتاده‌ای، نظر در طعام و شراب  
خود بنما که هنوز تغییر ننموده، و الاغ خود را بنگر (که  
اکنون زنده‌اش کنیم تا احوال بر تو معلوم شود) و تا تو را  
حجت و نشانه‌ای برای خلق قرار دهیم (که امر بعثت را انکار  
نکنند) و بنگر در استخوانهای آن که چگونه درهمش  
پیوسته و گوشت بر آن پوشانیم. چون این کار بر او روشن  
گردید، گفت: به یقین می‌دانم که خدا بر هر چیز قادر است.

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ أَرِنِي كَيْفَ تُحْيِي الْمَوْتَىٰ قَالَ أَوْ لَمْ تُؤْمِنْ قَالَ بَلَىٰ وَلَٰكِن لِّيَطْمَئِنَّ قَلْبِي قَالَ فَخُذْ أَرْبَعَةً مِّنَ الطَّيْرِ فَصُرْهُنَّ إِلَيْكَ ثُمَّ أَجْعَلْ عَلَىٰ كُلِّ جَبَلٍ مِّنْهُنَّ جُزْءًا ثُمَّ ادْعُهُنَّ يَأْتِيَنَّكَ سَعْيًا وَاعْلَمَنَّ أَنَّهُ اللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

و چون ابراهیم گفت: بار پروردگارا، به من بنما که چگونه مردگان را زنده خواهی کرد؟ خدا فرمود: باور نداری؟ گفت: آری باور دارم، لیکن خواهم (به مشاهده آن) دلم آرام گیرد. خدا فرمود: چهار مرغ بگیر و گوشت آنها را به هم در آمیز نزد خود، آن گاه هر قسمتی را بر سر کوهی بگذار، سپس آن مرغان را بخوان، که به سوی تو شتابان پرواز کنند؛ و بدان که خدا (بر همه چیز) توانا و داناست.

مَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَمَثَلِ حَبَّةٍ أَنبَتَتْ سَبْعَ سَنَابِلَ فِي كُلِّ سُنبُلَةٍ مِّائَةٌ حَبَّةٌ وَاللَّهُ يُضْعِفُ لِمَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَسِيعٌ عَلِيمٌ

مثل آنان که مالشان را در راه خدا انفاق می‌کنند به مانند دانه‌ای است که از آن هفت خوشه برآید و در هر خوشه صد دانه باشد، و خداوند از این مقدار نیز برای هر که خواهد بیفزاید، و خدا را رحمت بی‌متهاست و (به همه چیز) داناست.

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ لَا يُتَّبِعُونَ مَأْمَنَةً أَنفَقُوا مَنًّا وَلَا أَذَىٰ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آنان که مالشان را در راه خدا انفاق کنند و در پی انفاق متنی نگذارند و آزاری نکنند، آنها را پاداش نیکو نزد خدا خواهد بود و از هیچ پیشامدی بیمناک نباشند و هرگز اندوهناک نخواهند بود.

قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِّنْ صَدَقَةٍ يَتَّبِعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ

(فقیر سائل را به) زبان خوش و طلب آموزش (رد کردن) بهتر است از صدقه‌ای که پی آن آزار کند، و خداوند بی‌نیاز و بردبار است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَبْطُلُوا صَدَقَتِكُمْ بِالْمَنِّ وَالْأَذَىٰ كَالَّذِي يُنْفِقُ مَالَهُ رِثَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ صَفْوَانٍ عَلَيْهِ تُرَابٌ فَأَصَابَهُ وَابِلٌ فَتَرَكَهُ صَلْدًا لَا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّمَّا كَسَبُوا وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

ای اهل ایمان، صدقات خود را به سبب منت و آزار تباه نسازید مانند آن که مال خود را از روی ریا (برای جلب توجه دیگران) انفاق کند و ایمان به خدا و روز قیامت ندارد؛ مثل این ریاکاران بدان ماند که دانه را (به جای آنکه در زمین قابلی افشانند) بر روی سنگ صاف غبار گرفته‌ای ریزند و تند بارانی غبار آن بشوید و آن سنگ را همان طور صاف و بی‌گیاه به جای گذارد، که نتوانند هیچ حاصلی از آن به دست آورند. و خداوند گروه کافران را راه (سعادت) ننماید.

۲  
بقره  
۲۶۵  
۲۸۶

وَمَثَلُ الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ آتِبَعَاءَ مَرَضَاتٍ اللَّهُ وَتَثْبِيتًا  
مِّنْ أَنفُسِهِمْ كَمَثَلِ جَثَّةٍ بَرْبُورَةٍ أَصَابَهَا وَابِلٌ فَآتَتْ  
أَكْلَهَا ضِعْفَيْنِ فَإِن لَّمْ يُصِبْهَا وَابِلٌ فَطَلَّ وَاللَّهُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۲۶۶

أَيُّودٌ أَحَدُكُمْ أَن تَكُونَ لَهُ جَثَّةٌ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ  
تَجْرِي مِّنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُ فِيهَا مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ وَأَصَابَهُ  
الْكِبْرُ وَهُوَ ذَرِيَّةٌ ضِعْفَاءُ فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ  
فَأَحْتَرَقَتْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ  
تَتَفَكَّرُونَ

۲۶۷  
۳۸

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْفِقُوا مِن طَيِّبَاتِ مَا كَسَبْتُمْ وَمِمَّا  
أَخْرَجْنَا لَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَلَا تَيَمَّمُوا الْخَبِيثَ مِنْهُ  
تُنْفِقُونَ وَلَسْتُمْ بِآخِذِيهِ إِلَّا أَنْ تُغْمِضُوا فِيهِ وَاعْلَمُوا أَنَّ  
اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

۲۶۸

الشَّيْطَانُ يَعِدُكُمُ الْفَقْرَ وَيَأْمُرُكُم بِالْفَحْشَاءِ وَاللَّهُ  
يَعِدُكُم مَّغْفِرَةً مِّنْهُ وَفَضلاً وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۲۶۹

يُوتِي الْحِكْمَةَ مَن يَشَاءُ وَمَن يُؤْتَ الْحِكْمَةَ فَقَدْ أُوتِيَ  
خَيْرًا كَثِيرًا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

و مثل آنان که مالشان را در راه خشنودی خدا انفاق کنند و با کمال اطمینان خاطر، دل به لطف خدا شاد دارند مثل بوستانی است که در زمین بلندی باشد و بر آن باران زیادی به موقع ببارد و حاصلی دو چندان (که منتظرند) دهد، و اگر باران زیاد نیاید، اندک بارد (تا باز به ثمر رسد)، و خدا (به کار شما) بیناست.

آیا هیچ یک از شما خواهد که او را باغی باشد از درخت خرما و انگور و زیر آن درختان جویهای روان، و در آن هرگونه میوه موجود باشد، آن گاه ضعف و پیری بدو فرا رسد و او را فرزندان خرد و ناتوان باشد، پس در باغ او بادی آتشبار افتد و همه بسوزد؟ (حال کسی که به ریا انفاق کند بدین ماند). خداوند آیات خود را برای شما این چنین روشن بیان کند، باشد که (در مال کارها و حقیقت احوال) فکر کنید.

ای اهل ایمان، انفاق کنید از بهترین آنچه اندوخته‌اید، و از آنچه برای شما از زمین می‌رویانیم، و بدها را برای انفاق در نظر نگیرید، در صورتی که خود شما جنس بد را نستانید مگر آنکه از بدی آن چشم پوشی کنید؛ و بدانید که خدا بی‌نیاز و ستوده صفات است.

شیطان شما را وعده فقر و بی‌چیزی دهد و به کارهای زشت و بخل وادار کند، و خدا به شما وعده آمرزش و احسان دهد، و خدا را رحمت بی‌متهاست و (به همه امور جهان) داناست.

خدا فیض حکمت را به هر که خواهد عطا کند، و هر که را به حکمت و دانش رسانند در باره او مرحمت و عنایت بسیار کرده‌اند، و این حقیقت را جز خردمندان متذکر نشوند.

وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِّنْ نَّفَقَةٍ أَوْ نَذَرْتُمْ مِّنْ نَّذْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُهَا  
وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

إِنْ تُبْدُوا الصَّدَقَاتِ فَنِعِمَّا هِيَ وَإِنْ تُخْفُوهَا وَتُؤْتُوهَا  
الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَيُكَفِّرُ عَنْكُمْ مِّنْ  
سَيِّئَاتِكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

لَيْسَ عَلَيْكَ هُدَاهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا  
تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَأَنْفُسِكُمْ وَمَا تُنْفِقُونَ إِلَّا ابْتِغَاءَ وَجْهِ  
اللَّهِ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ خَيْرٍ يُؤَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

لِلْفُقَرَاءِ الَّذِينَ أَحْصَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَطِيعُونَ  
ضَرْبًا فِي الْأَرْضِ يَحْسَبُهُمُ الْجَاهِلُ أَغْنِيَاءَ مِنَ التَّعَفُّفِ  
تَعْرِفُهُمْ بِسِيمَاهُمْ لَا يَسْأَلُونَ النَّاسَ إِحْقَاقًا وَمَا تُنْفِقُوا  
مِنْ خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَالِمٌ

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ سِرًّا وَعَلَانِيَةً فَلَهُمْ  
أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

هر چه انفاق کنید و یا به نذر (و صدقه) دهید همانا خدا می‌داند، و (اگر در حق مسکینان ستم کنید) برای ستمکاران در دو جهان یار و معینی نخواهد بود.

اگر (به مستحقان) آشکارا صدقه دهید کاری نیکوست، لیکن اگر در پنهانی به فقیران (آبرومند) رسانید برای شما نیکوتر است و خدا (به پاداش آن) برخی از گناهان شما را محو و مستور دارد، و خداوند از (آشکارا و نهان) آنچه می‌کنید آگاه است.

(ای رسول بر تو دعوت خلق است و) هدایت خلق بر تو نیست، خدا هر که را خواهد هدایت کند. و هر قسم انفاق و احسان کنید درباره خویش کرده‌اید، و نبایست انفاق کنید جز در راه رضای خدا، و هر انفاق و احسانی کنید از خدا پاداش تمام به شما رسد و هرگز به شما ستم نخواهد رسید.

صدقات مخصوص فقیرانی است که در راه خدا بازمانده و ناتوان شده‌اند و توانایی آنکه در زمین بگردند (و کاری پیش گیرند) ندارند و از فرط عفاف چنانند که هر کس از حال آنها آگاه نباشد پندارد غنی و بی‌نیازند، به (فقر) آنها از سیمایشان پی می‌بری، هرگز چیزی از کسی درخواست نکنند. و هر مالی انفاق کنید خدا به آن آگاه است.

کسانی که مال خود را در شب و روز انفاق کنند نهان و آشکارا، آنان را نزد پروردگارش پاداش نیکو خواهد بود و هرگز (از حادثه آینده) بیمناک و (از امور گذشته) اندوهگین نخواهند گشت.

الَّذِينَ يَأْكُلُونَ الرِّبَا لَا يَقُومُونَ إِلَّا كَمَا يَقُومُ الَّذِي  
يَتَخَبَّطُهُ الشَّيْطَانُ مِنَ الْمَسِّ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا إِنَّمَا الْبَيْعُ  
مِثْلُ الرِّبَا وَأَحَلَّ اللَّهُ الْبَيْعَ وَحَرَّمَ الرِّبَا فَمَنْ جَاءَهُ  
مَوْعِظَةٌ مِنْ رَبِّهِ فَانْتَهَى فَلَهُ مَا سَلَفَ وَأَمْرُهُ إِلَى اللَّهِ  
وَمَنْ عَادَ فَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

يَمْحَقُ اللَّهُ الرِّبَا وَيُرِي الصَّدَقَاتِ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ  
كَفَّارٍ آثِيمٍ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ  
وَأَتَوْا الزَّكَاةَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ  
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَذَرُوا مَا بَقِيَ مِنَ الرِّبَا إِن  
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

فَإِن لَّمْ تَفْعَلُوا فَأْذَنُوا بِحَرْبٍ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِن تُبْتِمْ  
فَلََكُمْ رُءُوسُ أَمْوَالِكُمْ لَا تَظْلِمُونَ وَلَا تُظْلَمُونَ

وَإِن كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَىٰ مَيْسَرَةٍ وَأَن تَصَدَّقُوا خَيْرٌ  
لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

وَاتَّقُوا يَوْمًا تُرْجَعُونَ فِيهِ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ تُوَفَّىٰ كُلُّ نَفْسٍ مَّا  
كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

آن کسانی که ربا خورند (از قبر در قیامت) برنخیزند جز به  
مانند آن که به وسوسه شیطان مخبط و دیوانه شده. و آنان  
بدین سبب در این عمل زشت افتند که گویند فرقی بین  
تجارت و ربا نیست؛ حال آنکه خدا تجارت را حلال و ربا را  
حرام کرده. پس هر کس که اندرز (کتاب) خدا بدو رسد و  
از این عمل دست کشد خدا از گذشته او در گذرد و عاقبت  
کارش با خدا باشد، و کسانی که دست نکشند اهل جهنمند  
و در آن جاوید معذب خواهند بود.

خدا سود ربا را نابود گرداند و صدقات را افزونی بخشد، و  
خدا مردم بی‌ایمان گنه پیشه را دوست ندارد.

آنان که اهل ایمان و نیکوکارند و نماز به پا دارند و زکات  
دهند آنان را نزد پروردگارشان پاداش نیکو خواهد بود و  
هرگز ترس (از آینده) و اندوه (از گذشته) نخواهند داشت.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، از خدا بترسید و زیادی ربا را  
رها کنید اگر به راستی اهل ایمانید.

پس اگر ترک ربا نکردید آگاه باشید که به جنگ خدا و  
رسول او برخاسته‌اید. و اگر از این کار پشیمان گشتید  
اصل مال شما برای شماست، که در این صورت به کسی  
ستم نکرده‌اید و از کسی ستم نکشیده‌اید.

و اگر (کسی که از او طلبکار هستید) تنگدست شود به او  
مهلت دهید تا توانگر گردد، و بخشیدن آن (به هنگام  
تنگدستی وی) به رسم صدقه، برای شما بهتر است اگر (به  
مصلحت خود) دانایید.

و بترسید از روزی که شما را به سوی خدا باز گردانند، پس  
هر کس پاداش عمل خویش خواهد یافت و به هیچ کس  
ستمی نکنند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَدَايَنْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى  
فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدْلِ وَلَا يَأْب  
كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ  
الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا  
فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا  
يَسْتَطِيعُ أَنْ يُمِلَّ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَلِيُّهُ بِالْعَدْلِ وَاسْتَشْهِدُوا  
شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ  
وَأَمْرَأَتَانِ مِمَّن تَرْضَوْنَ مِنَ الشُّهَدَاءِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا  
فَتَذْكُرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْب الشُّهَدَاءُ إِذَا مَا دُعُوا  
وَلَا تَسْمُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ  
ذَٰلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمٌ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا  
إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجْرَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ  
عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا  
يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَعَّلُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ  
وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

:۲  
بقره  
۲۸۲  
/۲۸۶  
۴۵ر

ای اهل ایمان، چون به قرض و نسیه معامله کنید تا زمانی معین، سند و نوشته در میان باشد، و بایست نویسنده درستکاری معامله میان شما را بنویسد، و نباید کاتب از نوشتن خودداری کند، که خدا به وی نوشتن آموخته پس باید بنویسد، و مدیون باید مطالب را املأ کند، و از خدا بترسد و از آنچه مقرر شده چیزی نگاهد، و اگر مدیون سفیه یا ناتوان (صغیر) است و صلاحیت املأ ندارد ولی او به عدل و درستی املأ کند و دو تن از مردان خود (از مسلمانان عادل) گواه آرید، و اگر دو مرد نیابید یک مرد و دو زن، از هر که (به عدالت) قبول دارید گواه گیرید تا اگر یک نفر از آن دو زن فراموش کند دیگری به خاطرش آورد، و هرگاه شهود را (به محکمه) بخوانند امتناع از رفتن نکنند، و در نوشتن آن تا تاریخ معین مسامحه نکنید چه معامله کوچک و چه بزرگ باشد. این عادلانه‌تر است نزد خدا و محکمتر برای شهادت و نزدیکتر به اینکه شک و ریبی در معامله پیش نیاید (که موجب نزاع شود) مگر آنکه معامله نقد حاضر باشد که دست به دست میان شما برود، در این صورت باکی نیست که بنویسید، و گواه گیرید هرگاه معامله کنید، و نبایست به نویسنده و گواه ضرری رسد (و بی‌اجر مانند)، و اگر چنین کنید نافرمانی کرده‌اید. و از خدا بترسید و خداوند هم به شما تعلیم مصالح امور می‌کند و خدا به همه چیز داناست.



وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَلْنُمْ مَقْبُوضَةً فَإِنْ  
 أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمْنَتَهُ وَلْيَتَّقِ  
 اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ وَاثِمٌ  
 قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنْ تُبَدُّوا مَا فِي  
 أَنْفُسِكُمْ أَوْ تُخْفَوهُ يُحَاسِبْكُمْ بِهِ اللَّهُ فَيَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ  
 وَيُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

عَمَّا نَزَلَ إِلَيْهِ مِنَ رَبِّهِ وَالْمُؤْمِنُونَ كُلٌّ  
 عَمَّا بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ  
 أَحَدٍ مِّنْ رُّسُلِهِ وَقَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا غُفْرَانَكَ رَبَّنَا  
 وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا لَهَا مَا كَسَبَتْ وَعَلَيْهَا  
 مَا اكْتَسَبَتْ رَبَّنَا لَا تُؤَاخِذْنَا إِنْ نَسِينَا أَوْ أَخْطَأْنَا رَبَّنَا  
 وَلَا تَحْمِلْ عَلَيْنَا إِصْرًا كَمَا حَمَلْتَهُ عَلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِنَا  
 رَبَّنَا وَلَا تُحَمِّلْنَا مَا لَا طَاقَةَ لَنَا بِهِ وَاعْفُ عَنَّا وَاعْفِرْ  
 لَنَا وَارْحَمْنَا أَنْتَ مَوْلَانَا فَانصُرْنَا عَلَى الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

و اگر در سفر باشید و نویسندگانی نیابید برای وثیقه دین  
 گروی گرفته شود. و اگر برخی بعضی را امین داند (و به او  
 امانت بسپارد) پس باید ادا کند آن امین آنچه را که به  
 امانت گرفته است و از خدای خود بترسد (و به امانت  
 خیانت نکند)، و کتمان شهادت ننمایید، که هر کس کتمان  
 کند البته به دل گناهکار است و خدا از همه کار شما آگاه  
 است.

آنچه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست و اگر آنچه  
 در دل دارید آشکار و یا مخفی کنید همه را خدا در محاسبه  
 شما خواهد آورد، آن گاه هر که را خواهد ببخشد و هر که را  
 خواهد عذاب کند، و خدا بر هر چیز تواناست.

این رسول به آنچه خدا بر او نازل کرده ایمان آورده و  
 مؤمنان نیز همه به خدا و فرشتگان خدا و کتب و پیغمبران  
 خدا ایمان آوردند (و گفتند) ما میان هیچ یک از پیغمبران  
 خدا فرق نگذاریم، و (همه یک زبان و یک دل) اظهار کردند  
 که ما (فرمان خدا را) شنیده و اطاعت کردیم، پروردگارا، ما  
 آمرزش تو را خواهیم و (میدانیم) بازگشت همه به سوی  
 توست.

خدا هیچ کس را تکلیف نکند مگر به قدر توانایی او،  
 نیکیهای هر کس به سود او و بدیهایش نیز به زیان خود  
 اوست. پروردگارا، ما را بر آنچه به فراموشی یا به خطا  
 کرده ایم مؤاخذه مکن. بار پروردگارا، تکلیف گران و طاقت  
 فرسا که بر پیشینیان ما نهاده‌ای بر ما مگذار. پروردگارا، بار  
 تکلیفی فوق طاقت ما بر دوش ما منهد، و بیامرز و ببخش گناه  
 ما را، و بر ما رحمت فرما، تنها آقایی ما و یاور ما تویی، پس ما  
 را بر گروه کافران یاری فرما.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْم

الف، لام، میم (از حروف مقطعه و اسرار قرآن است).

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ

خدای یکتاست که جز او خدایی نیست که زنده و پاینده ابدی است.

نَزَّلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيْهِ وَأَنْزَلَ التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ

آن خدایی که قرآن را به راستی بر تو فرستاد که تصدیق کننده کتب آسمانی قبل از خود است و (پیش از قرآن) تورات و انجیل را فرستاد،

مِن قَبْلِ هُدَى لِلنَّاسِ وَأَنْزَلَ الْفُرْقَانَ إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَاللَّهُ عَزِيزٌ ذُو انْتِقَامٍ

برای هدایت مردم، و نیز کتاب جدا کننده میان حق و باطل (یعنی قرآن) را فرستاد. همانا آنان که به آیات خدا کافر شدند بر آنها عذاب سختی است، و خدا مقتدر و کیفر کننده ستمکاران است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَخْفَى عَلَيْهِ شَيْءٌ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

همانا چیزی در آسمان و زمین از خدا پنهان نیست.

هُوَ الَّذِي يُصَوِّرُكُمْ فِي الْأَرْحَامِ كَيْفَ يَشَاءُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

خداست آن که صورت شما را در رحم مادران می‌نگارد هر گونه اراده کند. خدایی جز آن ذات یکتا نیست که (به هر چیز) توانا و داناست.

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَيْكَ الْكِتَابَ مِنْهُ آيَاتٌ مُحْكَمَاتٌ هُنَّ أُمُّ الْكِتَابِ وَأُخَرُ مُتَشَابِهَاتٌ فَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ زَيْغٌ فَيَتَّبِعُونَ مَا تَشَبَهَ مِنْهُ ابْتِغَاءَ الْفِتْنَةِ وَابْتِغَاءَ تَأْوِيلِهِ وَمَا يَعْلَمُ تَأْوِيلَهُ إِلَّا اللَّهُ وَالرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ يَقُولُونَ آمَنَّا بِهِ كُلٌّ مِّنْ عِنْدِ رَبِّنَا وَمَا يَذَّكَّرُ إِلَّا أُولُو الْأَلْبَابِ

اوست خدایی که قرآن را بر تو فرستاد که برخی از آن کتاب آیات محکم است که اصل و مرجع سایر آیات کتاب خداست و برخی دیگر متشابه است، و آنان که در دلشان میل به باطل است از پی متشابه رفته تا به تأویل کردن آن در دین راه شبهه و فتنه‌گری پدید آرند، در صورتی که تأویل آن را کسی جز خداوند و اهل دانش نداند؛ گویند: ما به همه کتاب گرویدیم که همه از جانب پروردگار ما آمده، و به این (دانش) تنها خردمندان آگاهند.

رَبَّنَا لَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِن لَّدُنكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

بار پروردگارا، دل‌های ما را به باطل میل مده پس از آنکه به حق هدایت فرمودی و به ما از لطف خود رحمتی عطا فرما، که تویی بسیار بخشنده (بی‌منت).

رَبَّنَا إِنَّكَ جَامِعُ النَّاسِ لِيَوْمٍ لَّا رَيْبَ فِيهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ

پروردگارا، محققا تو تمام مردم را در روزی که هیچ شبهه در آن نیست جمع سازی، و هرگز خدا نقض وعده خویش نخواهد کرد.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ  
مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَأُولَٰئِكَ هُمُ وَقُودُ النَّارِ

کافران را هرگز مال و فرزندانشان از عذاب خدا نرهند، و آنان خود آتش افروز جهنمند.

این گروه هم به مانند فرعونیان و پیشینیان (کافر کیش)، آیات ما را تکذیب کردند، خدا هم آنها را به کیفر گناهانشان مجازات کرد و خدا بدکاران را سخت به کیفر رساند.

كَذَابِ ءَالِ فِرْعَوْنَ ۖ وَالَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا  
فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ ۗ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

بگو به آنان که کافر شدند که به زودی مغلوب شوید و به جهنم محشور گردید که بسیار بد جایگاهی است.

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا سَتُغْلَبُونَ وَتُحْشَرُونَ إِلَىٰ جَهَنَّمَ ۗ  
وَبَشِّرِ الْمَهَادُ

نشانه و آیتی (از لطف خدا) برای شما در این بود که چون دو گروه با یکدیگر روبرو شدند (در جنگ بدر) گروهی در راه خدا جهاد می‌کردند و گروه دیگر کافر بودند، و گروه کافر مؤمنان را دو برابر خود به چشم می‌دیدند، و خدا توانایی و یاری دهد به هر که خواهد، و بدین آیت الهی اهل بصیرت عبرت جویند.

قَدْ كَانَ لَكُمْ آيَةٌ فِي فِئَتَيْنِ الْتَقَتَا ۖ فِئَةٌ تُقَاتِلُ فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ وَأُخْرَىٰ كَافِرَةٌ يَرَوْنَهُم مِّثْلَيْهِمْ رَأَىٰ الْعَيْنُ ۗ وَاللَّهُ  
يُؤَيِّدُ بِنَصَرِهِ ۚ مَن يَشَاءُ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

مردم را حبّ شهوات نفسانی، از میل به زنها و فرزندان و همیان‌هایی از طلا و نقره و اسبهای نشان دار نیکو و چهارپایان و مزارع در نظر زیبا و دلفریب است، (لیکن) اینها متاع زندگانی (فانی) دنیاست و نزد خداست منزل بازگشت نیکو.

زِينٍ لِلنَّاسِ حُبُّ الشَّهَوَاتِ مِنَ النِّسَاءِ وَالْبَنِينَ  
وَالْقَنَاطِيرِ الْمُقَنْطَرَةِ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْخَيْلِ  
الْمُسَوَّمَةِ وَالْأَنْعَامِ وَالْحَرْثِ ۗ ذَٰلِكَ مَتَاعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ  
وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ الْمَآبِ

(ای پیغمبر) بگو: می‌خواهید شما را آگاه گردانم به بهتر از اینها؟ برای آنان که تقوا پیشه کنند نزد خدا باغهای بهشتی است که در زیر درختان آن نهرها جاری است و در آن جاوید و متنعم هستند و زنان پاکیزه و آراسته‌ای و (از همه بهتر) خشنودی خدا، و خداوند به حال بندگان بیناست.

قُلْ أُوْنِبْتُكُمْ بِخَيْرٍ مِّنْ ذَٰلِكُمْ ۗ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا عِندَ رَبِّهِمْ  
جَنَّاتٌ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَأَزْوَاجٌ  
مُّطَهَّرَةٌ وَرِضْوَانٌ مِّنَ اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا إِنَّنَا عَامِنَّا فَأَعْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَفِنَا  
عَذَابَ النَّارِ

آنان که (به درگاه الهی) عرضه دارند: پروردگارا: (به کرم خود) گناهان ما ببخش و ما را از عذاب جهنم نگاه دار.

الصَّابِرِينَ وَالصَّادِقِينَ وَالْقَانِتِينَ وَالْمُنْفِقِينَ  
وَالْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ

آنان صابران و راستگویان و فرمانبرداران و انفاق کنندگان و استغفار کنندگان در سحرگاهانند.

شَهِدَ اللَّهُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَالْمَلَائِكَةُ وَأُولُو الْعِلْمِ  
قَابِئًا بِالْقِسْطِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

خدا به یکتایی خود گواهی دهد که جز ذات اقدس او که نگهبان عدل و درستی است خدایی نیست، و فرشتگان و دانشمندان نیز به یکتایی او گواهی دهند؛ نیست خدایی جز او که (بر همه چیز) توانا و داناست.

إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ وَمَا اخْتَلَفَ الَّذِينَ أُوتُوا  
الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ وَمَنْ  
يَكْفُرْ بِآيَاتِ اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

همانا دین (پسندیده) نزد خدا آیین اسلام است، و اهل کتاب راه اختلاف نیمودند مگر پس از آگاهی به حقانیت آن، و این خلاف را از راه حسد در میان آوردند. و هر کس به آیات خدا کافر شود (بترسد که) محاسبه خدا زود خواهد بود.

فَإِنْ حَاجَّوكَ فَقُلْ أَسْلَمْتُ وَجْهِيَ لِلَّهِ وَمَنِ اتَّبَعَنِ وَقُلْ  
لِلَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْأُمِّيِّينَ أَسْلَمْتُمْ فَإِنْ أَسْلَمُوا  
فَقَدْ أَهْتَدُوا وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلَاغُ وَاللَّهُ بَصِيرٌ  
بِالْعِبَادِ

پس اگر با تو (برای مخالفت با دین حق، به باطل) احتجاج کنند، بگو: من و پیروانم خود را تسلیم امر خدا نموده‌ایم. و بگو با اهل کتاب و با امیّان: آیا شما هم (چون حق پدیدار شود) تسلیم حق شده و ایمان آرید؟ و چنانچه ایمان آرند هدایت یافته‌اند و اگر (از حق) روی گردانند بر تو چیزی جز تبلیغ (دین خدا) نیست و خداوند به حال بندگان بیناست.

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيَّكَ بِغَيْرِ  
حَقٍّ وَيَقْتُلُونَ الَّذِينَ يَأْمُرُونَ بِالْقِسْطِ مِنَ النَّاسِ  
فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

همانا آنان که به آیات خدا کافر شوند و انبیاء را بی‌جرم و به ناحق بکشند و آن مردمی را که (خلق را) به درستی و عدل خوانند به قتل رسانند، آنها را به عذاب دردناک بشارت ده.

أُولَئِكَ الَّذِينَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا  
لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

آنهایند که اعمالشان در دنیا و آخرت تباه گردیده و کسی آنها را (برای نجات از عذاب) یاری نخواهد کرد.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُدْعَوْنَ إِلَى كِتَابِ اللَّهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ يَتَوَلَّى فَرِيقٌ مِّنْهُمْ وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

آیا ننگریستی آنهایی را که بهره‌ای از کتاب داده‌اند که چون دعوت شوند تا کتاب خدا بر آنها حکم کند گروهی از آنان (از حکم حق) روی گردانند و از آن دوری گزینند؟

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَن تَمَسَّنَا النَّارُ إِلَّا أَيَّامًا مَّعْدُودَاتٍ وَغَرَّهُمْ فِي دِينِهِمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

بدین سبب که گویند: ما را هرگز در آتش جز روزهایی چند عذاب نکنند. و این سخنان باطل که به دروغ بر خود بسته‌اند آنها را در دین خود مغرور گردانیده است.

فَكَيْفَ إِذَا جَمَعْتَهُمْ لِيَوْمٍ لَا رَيْبَ فِيهِ وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

پس چگونه خواهد بود حال آنها هنگامی که جمع آوریم آنان را در روزی که هیچ شکی در آن نیست؟ و هر کس به تمام جزای اعمال خود خواهد رسید و به کسی ستم نخواهد شد.

قُلِ اللَّهُمَّ مَلِكُ الْمَلِكِ تُؤْتِي الْمُلْكَ مَن تَشَاءُ وَتَنْزِعُ الْمُلْكَ مِمَّن تَشَاءُ وَتُعِزُّ مَن تَشَاءُ وَتُذِلُّ مَن تَشَاءُ بِيَدِكَ الْخَيْرُ إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بگو (ای پیغمبر): بار خدایا، ای پادشاه ملک هستی، تو هر که را خواهی ملک و سلطنت بخشی و از هر که خواهی ملک و سلطنت بازگیری، و هر که را خواهی عزت دهی و هر که را خواهی خوار گردانی، هر خیر و نیکیی به دست توست و تنها تو بر هر چیز توانایی.

تُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَتُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَتُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَتُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَتَرْزُقُ مَن تَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

شب را در پرده روز نهد و روز را در حجاب شب ناپدید گردانی، زنده را از مرده و مرده را از زنده برانگیزی، و به هر که خواهی روزی بی‌حساب عطا کنی.

لَا يَتَّخِذِ الْمُؤْمِنُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ فَلَيْسَ مِنَ اللَّهِ فِي شَيْءٍ إِلَّا أَن تَتَّقُوا مِنْهُمْ تُقَنَّةً وَيُحَذِّرْكُمْ اللَّهُ نَفْسَهُ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

نباید اهل ایمان، مؤمنان را وا گذاشته و از کافران دوست گزینند، و هر که چنین کند رابطه او با خدا مقطوع است مگر برای در حذر بودن از شر آنها (تقیه کنند). و خدا شما را از عقاب) خود می‌ترساند و بازگشت همه به سوی خدا خواهد بود.

قُلْ إِن تَخَفُوا مَا فِي صُدُورِكُمْ أَوْ تُبْدُوهُ يُعَلِّمَهُ اللَّهُ وَيَعْلَمَ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

(ای پیغمبر) بگو: هر چه را در دل پنهان داشته و یا آشکار کنید خدا به همه آنها آگاه است و به هر چه در آسمانها و زمین است داناست، و خدا (به قدرت کامله) بر همه چیز تواناست.

يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا  
عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا  
وَيُحَذِرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَاللَّهُ رَعُوفٌ بِالْعِبَادِ

قُلْ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ اللَّهَ فَاتَّبِعُونِي يُحْبِبْكُمُ اللَّهُ وَيَغْفِرْ  
لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ  
الْكَافِرِينَ

إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَىٰ آدَمَ وَنُوحًا وَعِيسَىٰ ابْنِ مَرْيَمَ وَآلَ إِبْرَاهِيمَ وَعِيسَىٰ  
عَلَى الْعَالَمِينَ

ذُرِّيَّةً بَعْضُهَا مِنْ بَعْضٍ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

إِذْ قَالَتِ امْرَأَتُ عِمْرَانَ رَبِّ إِنِّي نَذَرْتُ لَكَ مَا فِي بَطْنِي  
مُحَرَّرًا فَتَقَبَّلْ مِنِّي إِنَّكَ أَنْتَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

فَلَمَّا وَضَعَتْهَا قَالَتْ رَبِّ إِنِّي وَضَعْتُهَا أُنْثَىٰ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا  
وَضَعَتْ وَلَيْسَ الذَّكَرُ كَالْأُنْثَىٰ وَإِنِّي سَمَّيْتُهَا مَرْيَمَ وَإِنِّي  
أَعِيدُهَا بِكَ وَذُرِّيَّتَهَا مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

فَتَقَبَّلَهَا رَبُّهَا بِقَبُولٍ حَسَنٍ وَأَنْبَتَهَا نَبَاتًا حَسَنًا وَكَفَّلَهَا  
زَكَرِيَّا كُلَّمَا دَخَلَ عَلَيْهَا زَكَرِيَّا الْمِحْرَابَ وَجَدَ عِنْدَهَا  
رِزْقًا قَالَ يَا مَرْيَمُ أَنَّىٰ لَكِ هَذَا قَالَتْ هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ  
إِنَّ اللَّهَ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

روزی که هر شخصی هر کار نیکو کرده همه را پیش روی  
خود حاضر بیند و نیز آنچه بد کرده؛ آرزو کند که ای کاش  
میان او و کار بدش به مسافتی دور جدایی بود! و خداوند  
شما را از (عقاب) خود می‌ترساند، و خداوند در حق بندگان  
بسی مهربان است.

بگو (ای پیغمبر): اگر خدا را دوست می‌دارید مرا پیروی  
کنید تا خدا شما را دوست دارد و گناه شما را ببخشد، و خدا  
آمرزنده و مهربان است.

بگو: فرمان خدا و رسول را اطاعت کنید و اگر (از آنان) روی  
گردانید (و کافر شوید) همانا خدا هرگز کافران را دوست  
ندارد.

به حقیقت خدا آدم و نوح و خاندان ابراهیم و خاندان  
عمران را بر جهانیان برگزید.

فرزندانی هستند برخی از نسل برخی دیگر، و خدا (به)  
اقوال و احوال همه) شنوا و داناست.

آن گاه که زن عمران گفت: پروردگارا، من عهد کردم  
فرزندی که در رحم دارم از فرزندی خود در راه خدمت تو  
آراد گردانم، این عهد من بپذیر که تویی شنوا و آگاه.

و چون او را بزاد (از روی حسرت) گفت: پروردگارا، فرزندم  
دختر است!-و خدا بر آنچه او زاییده داناتر است-و پسر  
مانند دختر نخواهد بود، و من او را مریم نام نهادم و او و  
فرزندانش را از شر شیطان رانده شده در پناه تو آوردم.

پس خدا او را به نیکویی پذیرفت و به تربیتی نیکو پرورش  
داد و زکریا را برای کفالت و نگهداری او برگماشت؛ هر وقت  
زکریا به صومعه عبادت مریم می‌آمد نزد او رزق شگفت  
آوری می‌یافت، گفت که ای مریم، این روزی از کجا برای تو  
می‌رسد؟ پاسخ داد که این از جانب خداست، همانا خدا به  
هر کس خواهد روزی بی‌حساب دهد.

هُنَالِكَ دَعَا زَكَرِيَّا رَبَّهُ <sup>ط</sup> قَالَ رَبِّ هَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ ذُرِّيَّةً طَيِّبَةً إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ

در آن هنگام زکریا (که کرامت مریم مشاهده کرد) پروردگار خود را بخواند، گفت: پروردگارا، مرا (به لطف خویش) فرزندی پاک سرشت عطا فرما، که همانا تویی اجابت کننده دعا.

پس فرشتگان زکریا را ندا کردند هنگامی که در محراب عبادت به نماز ایستاده بود که همانا خدا تو را بشارت می‌دهد به (ولادت) یحیی، در حالی که او به کلمه خدا (یعنی نبوت عیسی) گواهی دهد و او خود پیشوا و پارسا و پیغمبری از شایستگان است.

زکریا عرض کرد: پروردگارا، چگونه مرا پسری تواند بود در حالی که مرا سن پیری رسیده و عیالم عجوزی نازاست؟ گفت: چنین است، خدا هر آنچه بخواهد می‌کند.

گفت: پروردگارا، برای من (به شکرانه این نعمت) آیتی مقرر فرما، فرمود: تو را آیت این باشد که تا سه روز با مردم سخن جز به رمز نگویی، و پیوسته به یاد خدا باش و (او را) در صبحگاه و شبانگاه تسبیح گوی.

و (یاد کن) آن گاه که فرشتگان گفتند: ای مریم، همانا خدا تو را برگزید و پاکیزه گردانید و بر زنان جهانیان برتری بخشید.

ای مریم، فرمانبردار خدا باش و نماز را با اهل طاعت به جای آر.

این از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم، و تو حاضر نبودی آن زمان که قرعه برای نهبانی و کفالت مریم می‌زدند تا قرعه به نام کدام یک شود، و نبودی نزد ایشان وقتی که بر سر این کار نزاع می‌کردند.

چون فرشتگان مریم را گفتند که خدا تو را به کلمه خود بشارت می‌دهد که نامش مسیح (عیسی) پسر مریم است، که در دنیا و آخرت آبرومند و از مقربان (درگاه خدا) است.

۳۹

فَنَادَتْهُ الْمَلَائِكَةُ وَهُوَ قَائِمٌ يُصَلِّي فِي الْمِحْرَابِ أَنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكَ بِيَحْيَى مُصَدِّقًا بِكَلِمَةٍ مِنَ اللَّهِ وَسَيِّدًا وَحَصُورًا وَنَبِيًّا مِنَ الصَّالِحِينَ

۴۰

قَالَ رَبِّ أَنَّى يَكُونُ لِي غُلْمٌ وَقَدْ بَلَغَنِيَ الْكِبَرُ وَامْرَأَتِي عَاقِرٌ قَالَ كَذَلِكَ اللَّهُ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ

۴۱

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً <sup>ط</sup> قَالَ آيَتُكَ إِلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ إِلَّا رَمْرًا <sup>ط</sup> وَادْكُرْ رَبَّكَ كَثِيرًا وَسَبِّحْ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

۴۲  
 ۴۶ر

وَإِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَمْرِيْمُ إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَاكِ وَطَهَّرَكِ وَأَصْطَفَاكِ عَلَى نِسَاءِ الْعَالَمِينَ

۴۳

يَمْرِيْمُ أَقْنِي لِرَبِّكِ وَأَسْجُدِي وَارْكَعِي مَعَ الرَّاكِعِينَ

۴۴

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يُلْقُونَ أَقْلَمَهُمْ أَيُّهُمْ يَكْفُلُ مَرِيْمَ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

۴۵

إِذْ قَالَتِ الْمَلَائِكَةُ يَمْرِيْمُ إِنَّ اللَّهَ يُبَشِّرُكِ بِكَلِمَةٍ مِنْهُ اسْمُهُ الْمَسِيْحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ وَجِيهًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

وَيُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ وَكَهْلًا وَمِنَ الصَّالِحِينَ

و با خلق در گهواره سخن گوید بدان گونه که در سنین بزرگی، و او از جمله نیکویان جهان است.

مریم گفت: پروردگارا، مرا چگونه فرزندی تواند بود و حال آنکه با من مردی نزدیک نشده؟ گفت: چنین است (کار خدا) ، خدا هر آنچه بخواهد می‌آفریند؛ چون مشیت او به چیزی قرار گیرد، به محض اینکه گوید «موجود باش»، همان دم موجود می‌شود.

قَالَتْ رَبِّ أُنَّى يَكُونُ لِي وَلَدٌ وَلَمْ يَمَسِّنِي بَشَرٌ قَالَ  
 كَذَلِكَ اللَّهُ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ  
 كُن فَيَكُونُ

۴۷

و خدا به او تعلیم کتاب و حکمت کند و تورات و انجیل آموزد.

وَيُعَلِّمُهُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ وَالْإِنجِيلَ

۴۸

و او را به رسالت به سوی بنی اسرائیل فرستد که به آنان گوید: من از طرف خدا معجزی آورده‌ام، من از گل مجسمه مرغی ساخته و بر آن (نفس قدسی) بدمم تا به امر خدا مرغی گردد، و کور مادر زاد و مبتلای به پیسی را به امر خدا شفا دهم، و مردگان را به امر خدا زنده کنم، و به شما (از غیب) خبر دهم که در خانه‌هاتان چه می‌خورید و چه ذخیره می‌کنید. این معجزات برای شما حجت و نشانه (حقانیت من) است اگر اهل ایمان هستید.

وَرَسُولًا إِلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنِّي قَدْ جِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن  
 رَبِّكُمْ أَنِّي أَخْلُقُ لَكُمْ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ فَأَنْفُخُ  
 فِيهِ فَيَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُبْرِئُ الْأَكْمَهَ وَالْأَبْرَصَ  
 وَأُحْيِي الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِ اللَّهِ وَأُنَبِّئُكُم بِمَا تَأْكُلُونَ وَمَا  
 تَدَّخِرُونَ فِي بُيُوتِكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لَّكُمْ إِن كُنتُمْ  
 مُؤْمِنِينَ

۴۹

و (آمده‌ام) در حالی که کتاب تورات شما را تصدیق کنم و حلال گردانم بعض چیزهایی را که بر شما حرام شده بود، و از طرف خداوند برای شما معجزی آورده‌ام، پس (ای بنی اسرائیل) از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْ مِنَ التَّوْرَةِ وَلِأَجَلٍ لَّكُمْ بَعْضُ  
 الَّذِي حُرِّمَ عَلَيْكُمْ وَجِئْتُكُمْ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَاتَّقُوا  
 اللَّهَ وَأَطِيعُوا

۵۰

همانا خداست پروردگار من و شما، او را بپرستید، که همین است راه راست.

إِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

۵۱

پس چون عیسی به یقین دریافت که قوم ایمان نخواهند آورد، گفت: کیست که با من دین خدا را یاری کند؟ حواریون (شاگردان خاص او) گفتند: ما یاری کنندگان دین خداییم، به خدا ایمان آورده‌ایم، و گواهی ده که ما تسلیم فرمان اویم.

فَلَمَّا أَحَسَّ عِيسَىٰ مِنْهُمُ الْكُفْرَ قَالَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَىٰ  
 اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَأَشْهَدُ  
 بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

۵۲  
 حزب ۲۳



رَبَّنَا ءَامَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ

پروردگارا ما به کتابی که فرستادی ایمان آورده و از رسول تو پیروی کردیم، نام ما را در صحیفه اهل یقین ثبت فرما.

یهود با خدا مکر کردند و خدا هم در مقابل با آنها مکر کرد، و خدا از همه بهتر تواند مکر کرد.

۵۴ وَمَكْرُوا وَمَكَرَ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ

(به یاد آر) وقتی که خدا فرمود: ای عیسی، همانا من (روح) تو را قبض نموده و به سوی (آسمان قرب) خود بالا برم و تو را پاک و منزّه از (معاشرت و آرایش) کافران گردانم و پیروان تو را بر کافران تا روز قیامت برتری دهم، آن گاه بازگشت شما به سوی من خواهد بود، پس (به حق) حکم کنم در آنچه بر سر آن با هم به نزاع بر می‌خاستید.

إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَىٰ إِنِّي مُتَوَفِّيكَ وَرَافِعُكَ إِلَيَّ وَمُطَهِّرُكَ مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَجَاعِلُ الَّذِينَ اتَّبَعُوكَ فَوْقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ ۗ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأَحْكُمُ بَيْنَكُمْ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

پس آن گروهی را که کافر شدند به عذابی سخت در دنیا و آخرت معذب گردانم، و (برای نجاتشان) هیچ کس به آنها مدد و یاری نخواهد کرد.

۵۶ فَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَأَعَذَّبْنَاهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ مِّن نَّاصِرِينَ

اما آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند، خدا اجر تمام و کامل به آنها عطا کند، و خدا هرگز ستمکاران را دوست نمی‌دارد.

۵۷ وَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

این سخنان که بر تو می‌خوانیم از آیات الهی و ذکر حکمت آموز است.

۵۸ ذٰلِكَ نَتْلُوهُ عَلَيْكَ مِنَ الْآيٰتِ وَالذِّكْرِ الْحَكِيمِ

همانا مثل (خلقت) عیسی به امر خدا مثل خلقت آدم است که او را از خاک بساخت، سپس بدان خاک گفت: (بشری به حد کمال) باش، همان دم چنان گشت.

۵۹ إِنَّ مَثَلَ عِيسَىٰ عِنْدَ اللَّهِ كَمَثَلِ ءَادَمَ ۗ خَلَقَهُ مِن تُرَابٍ ثُمَّ قَالَ لَهُ ۖ كُنْ فَيَكُونُ

سخن حق همان است که از جانب خدا به تو رسید، مبادا هیچ گاه در آن شک کنی!

۶۰ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ فَلَا تَكُن مِّنَ الْمُمْتَرِينَ

پس هر کس با تو درباره عیسی در مقام مجادله برآید بعد از آنکه به احوال او آگاهی یافتی، بگو: بیایید ما و شما فرزندان و زنان و کسانی را که به منزله خودمان هستند بخوانیم، سپس به مباحله برخیزیم (در حق یکدیگر نفرین کنیم) تا دروغگویان (و کافران) را به لعن و عذاب خدا گرفتار سازیم.

۶۱ فَمَنْ حَاجَّكَ فِيهِ مِن بَعْدِ مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ فَقُلْ تَعَالَوْا نَدْعُ أَبْنَاءَنَا وَأَبْنَاءَكُمْ وَنِسَاءَنَا وَنِسَاءَكُمْ وَأَنفُسَنَا وَأَنفُسَكُمْ ۗ ثُمَّ نَبْتَهِلْ فَنَجْعَل لَّعْنَتَ اللَّهِ عَلَى الْكٰذِبِينَ

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْقَصَصُ الْحَقُّ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا اللَّهُ وَإِنَّ اللَّهَ  
لَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

این داستان به حقیقت سخن حق است، و جز آن خدای یکتا  
خدایی نیست، و همانا خداست که (بر همه کار) توانا و (به  
حقایق) داناست.

۶۳

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِالْمُفْسِدِينَ

پس اگر روی از حق بگردانند (باید بترسند که) خدا از  
(کردار) مفسدان آگاه است.

۶۴

۴۸۲

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ تَعَالَوْا إِلَى كَلِمَةٍ سَوَاءٍ بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ  
أَلَّا نَعْبُدَ إِلَّا اللَّهَ وَلَا نُشْرِكَ بِهِ شَيْئًا وَلَا يَتَّخِذَ بَعْضُنَا  
بَعْضًا أَرْبَابًا مِّنْ دُونِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُولُوا اشْهَدُوا بِأَنَّا  
مُسْلِمُونَ

بگو: ای اهل کتاب، بیایید از آن کلمه حق که میان ما و شما  
یکسان است پیروی کنیم که به جز خدای یکتا را نپرستیم،  
و چیزی را با او شریک قرار ندهیم، و برخی برخی را به جای  
خدا به ربوبیت تعظیم نکنیم. پس اگر از حق روی گردانند  
بگویید: شما گواه باشید که ما تسلیم فرمان خداوندیم.

۶۵

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تُحَاجُّونَ فِي إِبْرَاهِيمَ وَمَا أُنزِلَتْ  
التَّوْرَةُ وَالْإِنْجِيلُ إِلَّا مِنْ بَعْدِهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

ای اهل کتاب، چرا در آیین ابراهیم با یکدیگر مجادله  
می‌کنید (که هر یک او را به خود نسبت می‌دهید)؟! در  
صورتی که تورات و انجیل شما فرستاده نشد مگر بعد از  
ابراهیم؛ آیا تعقل نمی‌کنید؟

۶۶

هَآأَنْتُمْ هَآؤِلَآءِ حَاجَجْتُمْ فِيمَا لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ فَلِمَ  
تُحَاجُّونَ فِيمَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا  
تَعْلَمُونَ

گیرم در آنچه می‌دانید شما را مجادله روا باشد، چرا در  
آنچه علم ندارید جدل و گفتگو به میان آورید؟! و خدا (همه  
چیز را) می‌داند و شما نمی‌دانید.

۶۷

مَا كَانَ إِبْرَاهِيمَ يَهُودِيًّا وَلَا نَصْرَانِيًّا وَلَكِنْ كَانَ حَنِيفًا  
مُّسْلِمًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

ابراهیم به آیین یهود و نصاری نبود، لیکن به دین حنیف  
توحید و اسلام بود و هرگز از آنان که به خدا شرک آورند  
نبود.

۶۸

إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِإِبْرَاهِيمَ لَلَّذِينَ اتَّبَعُوهُ وَهَذَا النَّبِيُّ  
وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُؤْمِنِينَ

نزدیکترین مردم به ابراهیم کسانی هستند که از او پیروی  
کنند و این پیغمبر و امتش که اهل ایمانند؛ و خدا دوستدار  
و سرپرست مؤمنان است.

۶۹

وَدَّتْ طَّآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَوْ يُضِلُّوكُمْ وَمَا  
يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

گروهی از اهل کتاب انتظار و آرزوی آن دارند که شما را  
گمراه کنند، و گمراه نمی‌کنند مگر خودشان را، و (این را)  
نمی‌فهمند.

۷۰

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَأَنْتُمْ  
تَشْهَدُونَ

ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کافر شوید و حال آنکه شما  
به صدق آن گواهی؟!

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَلْبِسُونَ الْحَقَّ بِالْبَاطِلِ وَتَكْتُمُونَ  
الْحَقَّ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

وَقَالَتْ طَآئِفَةٌ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ ءَامِنُوا بِالَّذِي أُنزِلَ عَلَيَّ  
الَّذِينَ ءَامِنُوا وَجِهَ النَّهَارِ وَكَفَرُوا ءَاخِرَهُ لَعَلَّهُمْ  
يَرْجِعُونَ

وَلَا تُؤْمِنُوا إِلَّا لِمَنْ تَبِعَ دِينَكُمْ قُلْ إِنَّ الْهُدَىٰ هُدَىٰ  
اللَّهِ أَنْ يُؤْتَىٰ أَحَدٌ مِّثْلَ مَا أُوتِيتُمْ أَوْ يُحَاجُّوكُمْ عِنْدَ  
رَبِّكُمْ قُلْ إِنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ  
وَاسِعٌ عَلِيمٌ

يَخْتَصُّ بِرَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

وَمِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِقِنطَارٍ يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ  
وَمِنْهُمْ مَنْ إِنْ تَأْمَنَهُ بِدِينَارٍ لَا يُؤَدِّهِ إِلَيْكَ إِلَّا مَا دُمْتَ  
عَلَيْهِ قَائِمًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَالُوا لَيْسَ عَلَيْنَا فِي الْأُمِّيِّينَ  
سَبِيلٌ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

بَلَىٰ مَنْ أَوْفَىٰ بِعَهْدِهِ وَاتَّقَىٰ فَإِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

إِنَّ الَّذِينَ يَشْتَرُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَأَيْمَانِهِمْ ثَمَنًا قَلِيلًا  
أُولَٰئِكَ لَا خَلَاقَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ وَلَا يُكَلِّمُهُمُ اللَّهُ وَلَا  
يَنْظُرُ إِلَيْهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَلَا يُزَكِّيهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ای اهل کتاب، چرا حق را به باطل مشتبه سازید (تا چراغ  
حق را به باد شبهات خاموش کنید) و حق را پوشیده  
می‌دارید در صورتی که (به حقانیت آن) آگاهید!؟

و گروهی از اهل کتاب گفتند: به دین و کتابی که برای  
مسلمانان نازل شده اول روز ایمان آرید و آخر روز کافر  
شوید، شاید (به این حيله) آنها نیز (از اسلام) برگردند.

و ایمان نیاورید مگر به آن کس که پیرو دین شما باشد-  
بگو: راه سعادت آن است که خدا بنماید-تا مبدا معلوم  
شود که به امتی دیگر نیز مانند شریعت شما عطا می‌گردد، یا  
بتوانند با شما نزد پروردگار احتجاج کنند. بگو: فضل و  
رحمت به دست خداست، به هر که خواهد عطا کند، و خدا را  
رحمت بی‌متهاست و به همه امور داناست.

هر که را مشیت او تعلق بگیرد مخصوص به فضل و رحمت  
خود گرداند، و خدا را فضل و رحمت بی‌متهاست.

بعضی از اهل کتاب (به آن حد درستکارند که) اگر مال  
بسیار به آنها بسپاری ردّ امانت کنند، و برخی دیگر از اهل  
کتاب (تا آن اندازه نادرستند که) اگر یک دینار به او امانت  
دهی رد نکنند جز آنکه بر مطالبه آن سخت‌گیری کنی، از این  
رو که گویند: برای ما (پیروان تورات) به هر وسیله خوردن  
مال امیان (غیر اهل تورات) گناهی ندارد، و این سخن را به  
دروغ به خدا نسبت دهند در صورتی که می‌دانند (که به  
خدا نسبت دروغ می‌دهند).

آری، هر کس به عهد خود وفا کند و خدا ترس و پرهیزکار  
شود همانا خدا پرهیزکاران را دوست می‌دارد.

آنان که عهد خدا و سوگند خدا را به بهایی اندک بفروشدند  
اینان را در آخرت بهره‌ای نیست و خدا با آنها (از خشم)  
سخن نگوید و در قیامت (به نظر رحمت) بدانها ننگرد و (از  
پلیدی گناه) پاکیزه‌شان نگرداند، و آنان را عذابی دردناک  
خواهد بود.

وَإِنَّ مِنْهُمْ لَفَرِيقًا يَلُودُونَ أَلْسِنَتَهُم بِالْكِتَابِ لِتَحْسَبُوهُ  
مِنَ الْكِتَابِ وَمَا هُوَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَقُولُونَ هُوَ مِنْ عِنْدِ  
اللَّهِ وَمَا هُوَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَيَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ  
وَهُمْ يَعْلَمُونَ

و همانا برخی از اهل کتاب، قرائت کتاب آسمانی را تغییر و تبدیل می‌دهند تا شما آنچه آنها از پیش خود خوانده‌اند از کتاب خدا محسوب دارید، و هرگز آن تحریف شده از کتاب خدا نخواهد بود، و گویند: این از جانب خدا نازل شده، در صورتی که هرگز از خدا نیست. و با آنکه می‌دانند به خدا دروغ می‌بندند.

هیچ بشری را نرسد که خدا وی را به رسالت برگزیند و به او کتاب و حکمت و نبوت بخشد آن گاه به مردم گوید: مرا به جای خدا بپرستید، بلکه (پیغمبران بر حسب وظیفه خود به مردم گویند) خدانشناس و خداپرست باشید چنانکه این حقیقت را از کتاب به دیگران می‌آموزید و خود نیز می‌خوانید.

و هرگز خدا به شما امر نکند که فرشتگان و پیامبران را خدایان خود بگیرید؛ چگونه ممکن است شما را به کفر خواند پس از آنکه (به خدای یگانه) اسلام آورده باشید؟!

و (یاد کن) آن گاه که خدا از پیغمبران (و امت‌هایشان) پیمان گرفت که چون به شما کتاب و حکمت بخشیدم سپس بر شما (اهل کتاب) رسولی از جانب خدا آمد که گواهی به راستی کتاب و شریعت شما می‌داد به او ایمان آورده و یاری او کنید؛ خدا فرمود: آیا اقرار داشته و پیمان مرا بر این امر پذیرفتید؟ همه گفتند: اقرار داریم. خدا فرمود: گواه باشید، من هم با شما گواهم.

پس کسانی که بعد از آمدن آن رسولان روی (از حق) بگردانند، محققا آنان گروه فاسقان خواهند بود.

آیا کافران، دینی غیر دین خدا را می‌طلبند؟ و حال آنکه هر که در آسمانها و زمین است خواه ناخواه مطیع امر خداست و همه به سوی او رجوع خواهند کرد.

مَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُؤْتِيَهُ اللَّهُ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ  
ثُمَّ يَقُولَ لِلنَّاسِ كُونُوا عِبَادًا لِي مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَكِنْ  
كُونُوا رَبَّيْنَ بِمَا كُنْتُمْ تُعَلِّمُونَ الْكِتَابَ وَبِمَا كُنْتُمْ  
تَدْرُسُونَ

وَلَا يَأْمُرُكُمْ أَنْ تَتَّخِذُوا الْمَلَائِكَةَ وَالنَّبِيِّينَ أَرْبَابًا  
أَيَأْمُرُكُمْ بِالْكُفْرِ بَعْدَ إِذْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ النَّبِيِّينَ لَمَا آتَيْتُكُمْ مِنْ كِتَابٍ  
وَحِكْمَةٍ ثُمَّ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مُصَدِّقٌ لِمَا مَعَكُمْ لَتُؤْمِنُنَّ  
بِهِ ۗ وَلَتُنْصُرُنَّهُ ۗ قَالَ أَأَقْرَرْتُمْ وَأَخَذْتُمْ عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ  
إِصْرِي ۗ قَالُوا أَقْرَرْنَا قَالَ فَاشْهَدُوا ۗ وَأَنَا مَعَكُمْ مِنَ  
الشَّاهِدِينَ

فَمَنْ تَوَلَّىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

أَفَعَبِّرَ دِينَ اللَّهِ يَبْغُونَ وَلَهُ أَسْلَمَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَإِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

قُلْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ عَلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ  
وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَالْأَسْبَاطِ وَمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ  
وَعِيسَىٰ وَالنَّبِيُّونَ مِنْ رَبِّهِمْ لَا نُفَرِّقُ بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ  
وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

وَمَنْ يَبْتَغِ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَهُوَ فِي  
الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ

كَيْفَ يَهْدِي اللَّهُ قَوْمًا كَفَرُوا بَعَدَ إِيمَانِهِمْ وَشَهِدُوا أَنَّ  
الرَّسُولَ حَقٌّ وَجَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ  
الظَّالِمِينَ

أُولَٰئِكَ جَزَاءُهُمْ أَنْ عَلَيْهِمْ لَعْنَةُ اللَّهِ وَالْمَلَائِكَةِ وَالنَّاسِ  
أَجْمَعِينَ

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ الْعَذَابُ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ  
رَّحِيمٌ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بَعَدَ إِيمَانِهِمْ ثُمَّ أَزْدَادُوا كُفْرًا لَنْ  
تُقْبَلَ تَوْبَتُهُمْ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الضَّالُّونَ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَمَاتُوا وَهُمْ كُفَّارٌ فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْ  
أَحَدِهِمْ مِثْلُ الدُّمَيْانِ وَلَوْ أَقْتَدَىٰ بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ لَهُمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَّاصِرِينَ

۸۵

۸۶

۸۷

۸۸

۸۹

۹۰

۹۱

بگو: ما به خدای عالم و شریعت و کتابی که به خود ما نازل شده و آنچه به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و فرزندان نازل شده و آنچه به موسی و عیسی و پیغمبران دیگر از جانب پروردگارشان داده شده (به همه ایمان آورده‌ایم) فرقی میان هیچ یک از پیغمبران نگذاریم و ما مطیع فرمان خداییم.

هر کس غیر از اسلام دینی اختیار کند هرگز از وی پذیرفته نیست، و او در آخرت از زیانکاران است.

چگونه خداوند گروهی را که بعد از ایمان به خدا و گواهی دادن به راستی رسول او و بعد از ادله روشن باز کافر شدند، به راه راست هدایت کند؟ و خدا هرگز گروه ستمکاران را رهبری نخواهد کرد.

کیفر آن گروه کافر این است که خدا و فرشتگان و همه مردمان بر آنان لعنت کنند.

جاوید در جایگاه لعنت (که جهنم است) بمانند و بر آنها عذاب خدا تخفیف نیابد و هرگز نظر رحمت به آنها نکنند.

مگر آنهایی که بعد از عصیان و بدکاری توبه کنند و (هر بدی که کرده‌اند) اصلاح نمایند، که البته خدا بر آنها آمرزنده و مهربان است.

همانا آنان که بعد از ایمان کافر شدند و بر کفر خود افزودند، هرگز توبه آنها پذیرفته نشود، و همانا گمراهان هم آنان خواهند بود.

البته آنان که کافر شدند و بر کفر خویش مردند، اگر هر یک برای آزادی خویش (از عذاب خدا) برابر تمام زمین طلا به فدا آرند هرگز از ایشان پذیرفته نشود، آنها را عذاب دردناک مهیا باشد و یارانی نخواهند داشت.

لَنْ تَنَالُوا الْبِرَّ حَتَّى تُنْفِقُوا مِمَّا تُحِبُّونَ وَمَا تُنْفِقُوا مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ اللَّهَ بِهِ عَلِيمٌ

شما هرگز به مقام نیکوکاران و خاصان خدا نخواهید رسید مگر از آنچه دوست می‌دارید و محبوب شماست در راه خدا انفاق کنید، و آنچه انفاق کنید خدا بر آن آگاه است.

كُلُّ الطَّعَامِ كَانَ حِلالًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ إِلَّا مَا حَرَّمَ إِسْرَائِيلُ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ تُنزَلَ التَّوْرَةُ قُلْ فَأْتُوا بِالتَّوْرَةِ فَاتْلُوهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

همه طعامها بر بنی اسرائیل حلال بود مگر آن را که یعقوب پیش از نزول تورات بر خود حرام کرد. بگو: اگر راست می‌گویید حکم تورات را آورده، تلاوت کنید.

فَمَنْ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

پس کسانی که بعد از این حجت بر خدا دروغ بندند، البته ستمکاران هم آنها خواهند بود.

قُلْ صَدَقَ اللَّهُ فَاتَّبِعُوا مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

بگو: سخن خدا راست است، پس باید از آیین ابراهیم پیروی کنید که بر آیین پاک توحید بود و هرگز از مشرکان نبود.

إِنَّ أَوَّلَ بَيْتٍ وُضِعَ لِلنَّاسِ لَلَّذِي بِبَكَّةَ مُبَارَكًا وَهُدًى لِّلْعَالَمِينَ

اول خانه‌ای که برای عبادت خلق بنا شد همان خانه (کعبه) است که در بکه است که در آن برکت و هدایت خلیق است.

فِيهِ ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ مَّقَامُ إِبْرَاهِيمَ وَمَنْ دَخَلَهُ كَانَ ءَامِنًا وَلِلَّهِ عَلَى النَّاسِ حِجُّ الْبَيْتِ مَنِ اسْتَطَاعَ إِلَيْهِ سَبِيلًا وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنِ الْعَالَمِينَ

در آن خانه آیات (ربوبیت) هویداست، مقام ابراهیم خلیل است، و هر که در آنجا داخل شود ایمن باشد. و مردم را حج و زیارت آن خانه به امر خدا واجب است بر هر کسی که توانایی برای رسیدن به آنجا دارد، و هر که کافر شود (به خود زیان رسانده و) خدا از جهانیان بی‌نیاز است.

قُلْ يَٰأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَاللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا تَعْمَلُونَ

بگو: ای اهل کتاب، چرا به آیات خدا کافر می‌شوید حال آنکه خدا گواه اعمال شماست؟!

قُلْ يَٰأَهْلَ الْكِتَابِ لِمَ تَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ تَبِعُونَهَا عِوَجًا وَأَنْتُمْ شُهَدَاءُ وَمَا اللَّهُ بِغَفِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

بگو: ای اهل کتاب، چرا اهل ایمان را از راه خدا باز می‌دارید و اهل ایمان را به راه باطل می‌خوانید در صورتی که (به زشتی این عمل) آگاهید؟! و (بترسید که) خدا از کردار شما غافل نیست.

يَٰأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تُطِيعُوا فَرِيقًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ يَرُدُّوكُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ كَافِرِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، اگر پیروی بسیاری از اهل کتاب کنید شما را بعد از ایمان به کفر بر می‌گردانند.

وَكَيْفَ تَكْفُرُونَ وَأَنْتُمْ تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ آيَاتُ اللَّهِ  
وَفِيكُمْ رَسُولُهُ ۗ وَمَنْ يَعْتَصِم بِاللَّهِ فَقَدْ هُدِيَ إِلَىٰ  
صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ حَقَّ تُقَاتِهِ ۚ وَلَا تَمُوتُنَّ  
إِلَّا وَأَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

وَأَعْتَصِمُوا بِحَبْلِ اللَّهِ جَمِيعًا وَلَا تَفَرَّقُوا ۚ وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ  
اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ كُنْتُمْ أَعْدَاءً فَأَلَّفَ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ  
فَأَصْبَحْتُمْ بِنِعْمَتِهِ إِخْوَانًا وَكُنْتُمْ عَلَىٰ شَفَا حُفْرَةٍ مِّنَ  
النَّارِ فَأَنْقَذَكُمْ مِّنْهَا ۚ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ ۚ  
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

وَلَتَكُن مِّنكُمْ أُمَّةٌ يَدْعُونَ إِلَى الْخَيْرِ وَيَأْمُرُونَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ تَفَرَّقُوا وَاخْتَلَفُوا ۚ مِنْ بَعْدِ مَا  
جَاءَهُمُ الْبَيِّنَاتُ ۚ وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ ۚ فَأَمَّا الَّذِينَ أُسَوِّدَتْ  
وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا  
كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

وَأَمَّا الَّذِينَ أَبْيَضَتْ وُجُوهُهُمْ فَفِي رَحْمَةِ اللَّهِ هُمْ فِيهَا  
خَالِدُونَ

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ ۗ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ  
ظُلْمًا لِّلْعَالَمِينَ

و چگونه کافر خواهید شد در صورتی که آیات خدا بر شما تلاوت می‌شود و پیغمبر خدا میان شماست؟ و هر کس به دین خدا متمسک شود محققا به راه مستقیم هدایت یافته است.

ای اهل ایمان، از خدا بترسید چنانچه شایسته خدا ترس بودن است، و نمیرید جز به دین اسلام.

و همگی به رشته (دین) خدا چنگ زده و به راههای متفرق نروید، و به یاد آرید این نعمت بزرگ خدا را که شما با هم دشمن بودید، خدا در دل‌های شما الفت و مهربانی انداخت و به لطف و نعمت خدا همه برادر دینی یکدیگر شدید، و در پرتگاه آتش بودید، خدا شما را نجات داد. بدین گونه خدا آیاتش را برای (راهنمایی) شما بیان می‌کند، باشد که هدایت شوید.

و باید برخی از شما مسلمانان، خلق را به خیر و صلاح دعوت کنند و امر به نیکوکاری و نهی از بدکاری کنند، و اینها (که واسطه هدایت خلق هستند) رستگار خواهند بود.

و شما مسلمانان مانند مللی نباشید که پس از آنکه آیات روشن برای (هدایت) آنها آمد راه تفرقه و اختلاف پیمودند، که البته برای آنها عذاب بزرگ خواهد بود.

در روزی که گروهی روسفید و گروهی روسیاه باشند، اما سیاه رویان (را نکوهش کنند که) چرا بعد از ایمان باز کافر شدید؟ اکنون بچشید عذاب را به کیفر کفر و عمیان خود.

و اما روسفیدان در رحمت خدا (یعنی بهشت) درآیند و در آن جاوید متنعم باشند.

اینها آیات الهی است که برای تو به راستی می‌خوانیم، و خداوند هرگز اراده ستم به هیچ کس از مردم عالم نخواهد کرد.

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

كُنْتُمْ خَيْرَ أُمَّةٍ أُخْرِجَتْ لِلنَّاسِ تَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَتَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَتُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَوْ ءَامَنَ أَهْلُ الْكِتَابِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ مِّنْهُمْ الْمُؤْمِنُونَ وَأَكْثَرُهُمُ الْفٰلسِقُونَ

لَنْ يَضُرَّكُمْ إِلَّا أَذًى ۖ وَإِنْ يُقْتَلُوا كُمْ يُؤَلِّمُكُمْ الْأَدْبَارَ ثُمَّ لَا يُنصَرُونَ

ضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الدِّلَّةَ أَيْنَ مَا تَقِفُوا إِلَّا بِجَبَلٍ مِّنَ اللَّهِ وَحَبْلِ مِّنَ النَّاسِ وَبَاءُوا بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَضَرَبْتَ عَلَيْهِمُ الْمَسْكَنَةَ ۚ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانُوا يَكْفُرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَيَقْتُلُونَ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ ۚ ذَلِكَ بِمَا عَصَوْا وَكَانُوا يَعْتَدُونَ

لَيْسُوا سَوَاءً ۗ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ أُمَّةٌ قَائِمَةٌ يَتْلُونَ آيَاتِ اللَّهِ ءَانَاءَ اللَّيْلِ وَهُمْ يَسْجُدُونَ

يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَأْمُرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ ۗ وَأُولَٰئِكَ مِنَ الصَّٰلِحِينَ

وَمَا يَفْعَلُوا مِنْ خَيْرٍ فَلَنْ يُكْفَرُوهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

و هر آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه ملک خداست و بازگشت همه امور (و موجودات) به سوی اوست.

شما (مسلمانان حقیقی) نیکوترین امتی هستید که پدیدار گشته‌اید (برای اصلاح بشر، که مردم را) به نیکوکاری امر می‌کنید و از بدکاری باز می‌دارید و ایمان به خدا دارید. و اگر اهل کتاب همه ایمان می‌آوردند بر آنان چیزی بهتر از آن نبود، لیکن برخی از آنان با ایمان و بیشترشان فاسق و بدکارند.

هرگز (یهودان) به شما آسیب سخت نتوانند رسانید مگر آنکه شما را اندکی بیازارند، و اگر به کارزار شما آیند از جنگ خواهند گریخت و از آن پس هیچ وقت منصور نخواهند بود.

آنها محکوم به ذلت و خواری هستند به هر کجا که یافت شوند، مگر به دین خدا و عهد مسلمین درآیند. و آنان پیوسته مستحق خشم خدا و اسیر بدبختی و ذلت شدند از این رو که به آیات خدا کافر شده و پیغمبران حق را به ناحق می‌کشتند، و این ناپکاریها به خاطر نافرمانی و ستمگری همیشه آنها بود.

همه اهل کتاب یکسان نیستند، طایفه‌ای از آنها معتدل و به راه راست‌اند، در دل شب به تلاوت آیات خدا و نماز و طاعت حق مشغولند.

ایمان به خدا و روز قیامت می‌آورند و امر به نیکویی و نهی از بدکاری می‌کنند و در نکوکاری می‌شتابند و آنها خود مردمی نیکوکارند.

هر کار نیک کنند از ثواب آن محروم نخواهند شد و خدا دانا به حال پرهیزکاران است.



إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَنْ تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ  
مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۖ وَأُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا  
خَالِدُونَ

هرگز کافران را بسیاری مال و اولاد از عذاب خدا نتواند  
رهانید، و آنها اهل جهنم و جاوید در آن معذب خواهند بود.

مثل مالی که کافران برای پیشرفت مقاصد دنیوی خود صرف  
کنند (و از آن بهره نیابند) بدان ماند که باد سرد شدیدی  
به کشتزار ستمکاران برسد و همه را نابود کند (که حاصلی  
از آن به دست نیاید). و خدا ستمی بر آنها نکرده، لیکن آنها  
به خود ستم می‌کنند.

مَثَلُ مَا يُنْفِقُونَ فِي هَذِهِ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَثَلِ رِيحٍ فِيهَا  
صِرٌّ أَصَابَتْ حَرْثَ قَوْمٍ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَأَهْلَكَتُهُ ۗ وَمَا  
ظَلَمَهُمُ اللَّهُ ۖ وَلَكِنْ أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

۱۱۷

ای اهل ایمان، از غیر همدینان خود دوست صمیمی همراز  
نگیرید، چه آنکه آنها از خلل و فساد در کار شما ذره‌ای  
کوتاهی نکنند، آنها مایلند شما همیشه در رنج باشید،  
دشمنی شما را بر زبان هم آشکار سازند و محققا آنچه در  
دل دارند بیش از آن است. ما به خوبی برای شما بیان آیات  
کردیم اگر عقل را به کار بندید.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا بَطَانَةً مِّن دُونِكُمْ لَا  
يَأْلُونَكُمْ خَبَالًا وَدُّوا مَا عَنِتُّمْ قَدْ بَدَتِ الْبَغْضَاءُ مِنْ  
أَفْوَاهِهِمْ وَمَا تُخْفِي صُدُورُهُمْ أَكْبَرُ قَدْ بَيَّنَّا لَكُمُ  
الْآيَاتِ ۖ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

۱۱۸

آگاه باشید، چنانچه شما آنها را دوست می‌دارید آنان شما را  
دوست نمی‌دارند، و شما به همه کتب آسمانی ایمان دارید،  
و آنها در مجامع شما اظهار ایمان کرده و چون تنها شوند از  
شدت کینه بر شما سر انگشت خشم به دندان گیرند. بگو:  
بدین خشم بمیرید، همانا خدا از درون دلها آگاه است.

هَٰئَنتُمْ أَوْلَاءِ تُحِبُّونَهُمْ وَلَا يُحِبُّونَكُمْ وَتُؤْمِنُونَ  
بِالْكِتَابِ كُلِّهِ ۗ وَإِذَا لَقُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَإِذَا خَلَوْا عَضُّوا  
عَلَيْكُمْ الْأَنَامِلَ مِنَ الْغَيْظِ قُلْ مُوتُوا بِغَيْظِكُمْ ۗ إِنَّ  
اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

۱۱۹

اگر شما (مسلمین) را خوشحالی پیش آید از آن غمگین  
شوند، و اگر به شما حادثه ناگواری رسد خوشحال شوند. اما  
اگر شما صبر پیشه کنید و پرهیزکار باشید مکرر و عداوت  
آنان آسیبی به شما نرساند، که همانا خدا بر آنچه می‌کنید  
محیط و آگاه است.

إِن تَمَسَّكُمْ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ وَإِن تُصِبْكُمْ سَيِّئَةٌ  
يَفْرَحُوا بِهَا ۗ وَإِن تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا لَا يَضُرُّكُمْ كَيْدُهُمْ  
شَيْئًا ۗ إِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

۱۲۰

(و به یاد آرای پیغمبر) صبحگاهی که از خانه خود به جهت  
صف آرایی مؤمنان برای جنگ بیرون شدی، و خدا (به همه  
گفتار و کردار تو) شنوا و دانا بود.

وَإِذْ غَدَوْتَ مِنْ أَهْلِكَ تُبَوِّئُ الْمُؤْمِنِينَ مَقْعِدًا لِلْقِتَالِ  
وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۱۲۱  
۵۴ر

إِذْ هَمَّتْ طَّائِفَتَانِ مِنْكُمْ أَنْ تَفْشَلَا وَاللَّهُ وَلِيَهُمَا وَعَلَى  
اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

۱۲۳

وَلَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ بِبَدْرِ وَأَنْتُمْ أَذِلَّةٌ فَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ  
تَشْكُرُونَ

۱۲۴

إِذْ تَقُولُ لِلْمُؤْمِنِينَ أَلَنْ يَكْفِيَكُمْ أَنْ يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ  
بِثَلَاثَةِ آءَالِفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ مُنزَلِينَ

۱۲۵

بَلَىٰ إِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا وَيَأْتُوكُمْ مِنْ فُورِهِمْ هَذَا  
يُمِدَّكُمْ رَبُّكُمْ بِخَمْسَةِ آءَالِفٍ مِنَ الْمَلَائِكَةِ  
مُسَوِّمِينَ

۱۲۶

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ لَكُمْ وَلِتَطْمَئِنَّ قُلُوبُكُمْ بِهِ  
وَمَا النَّصْرُ إِلَّا مِنْ عِنْدِ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۱۲۷

لِيَقْطَعَ طَرَفًا مِّنَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَوْ يَكْبِتَهُمْ فَيَنْقَلِبُوا  
خَائِبِينَ

۱۲۸

لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ  
فَاتَّهُمْ ظَلِيمُونَ

۱۲۹

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ  
وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۱۳۰  
۵۵

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا الرِّبَا أَضْعَافًا مُّضَاعَفَةً  
وَاتَّقُوا اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۱۳۱

وَاتَّقُوا النَّارَ الَّتِي أُعِدَّتْ لِلْكَافِرِينَ

۱۳۲

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

آن‌گاه که دو طایفه از شما بد دل و ترسناک (و در اندیشه فرار از جنگ) شدند و خدا یار آنها بود، و همیشه باید اهل ایمان به خدا توکل کنند.

و خدا شما را در جنگ بدر یاری کرد با آنکه ضعیف بودید. پس پرهیزکار شوید، باشد که شکر نعمتهای او به جای آرید.

آن‌گاه که به مؤمنین می‌گفتی: آیا این شما را کفایت نمی‌کند که خدا سه هزار فرشته به یاری شما فرو فرستد؟!

بلی اگر صبر و مقاومت پیشه کنید و پرهیزکار باشید، چون کافران بر سر شما شتابان بیایند خدا پنج‌هزار فرشته را با پرچمی که نشان مخصوص سپاه اسلام است به مدد شما می‌فرستد.

و خدا آن وعده را نداد مگر آنکه به شما مژده فتح دهد و تا دل شما مطمئن شود؛ و فتح و پیروزی نصیب کسی نشود مگر از جانب خدای توانای دانا.

تا گروهی از کافران را هلاک گرداند یا خوار کند، تا (از مقصود خود) ناامید باز گردند.

(ای پیغمبر) به دست تو کاری نیست، اگر خدا بخواهد (به لطف خود) از آن کافران درگذرد و اگر بخواهد آنها را عذاب کند چون مردمی ستمکارند.

هر چه در آسمانها و هر چه در زمین است ملک خداست، هر که را خواهد ببخشد و هر که را خواهد عذاب کند، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، ربا نخورید که دائم سود بر سرمایه افزایش تا چند برابر شود، و از خدا بترسید، باشد که رستگاری یابید.

و پرهیزید از آتش عذابی که برای کافران مهیا ساخته‌اند.

و از خدا و رسول او فرمان برید، باشد که مشمول لطف و رحمت خدا شوید.

وَسَارِعُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا السَّمَاوَاتُ  
وَالْأَرْضُ أُعِدَّتْ لِلْمُتَّقِينَ

الَّذِينَ يُنْفِقُونَ فِي السَّرَّاءِ وَالضَّرَّاءِ وَالْكُظُمِينَ الْغَيْظِ  
وَالْعَافِينَ عَنِ النَّاسِ ۗ وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

وَالَّذِينَ إِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً أَوْ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ ذَكَرُوا اللَّهَ  
فَاسْتَعَفَرُوا لِذُنُوبِهِمْ وَمَن يَغْفِرِ الذُّنُوبَ إِلَّا اللَّهُ وَلَمْ  
يُصِرُّوا عَلَىٰ مَا فَعَلُوا وَهُمْ يَعْلَمُونَ

أُولَٰئِكَ جَزَاؤُهُمْ مَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَجَنَّاتٌ تَجْرِي مِن  
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

قَدْ خَلَتْ مِن قَبْلِكُمْ سُنَنٌ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا  
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكَذِّبِينَ

هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِن كُنتُم مُّؤْمِنِينَ

إِن يَمَسُّكُمْ قَرْحٌ فَقَدْ مَسَّ الْقَوْمَ قَرْحٌ مِّثْلُهُ ۗ وَتِلْكَ  
الْآيَاتُ نُدَاوِلُهَا بَيْنَ النَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا  
وَيَتَّخِذَ مِنْكُمْ شُهَدَاءَ ۗ وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الظَّالِمِينَ

۱۳۴

۱۳۵

۱۳۶

۱۳۷

۱۳۸

۱۳۹

۱۴۰

و بهشتابید به سوی مغفرت پروردگار خود و به سوی بهشتی  
که پهنای آن همه آسمانها و زمین را فرا گرفته و مهیا برای  
پرهیزکاران است.

آنهايي که از مال خود در حال وسعت و تنگدستی انفاق کنند  
و خشم خود فرونشانند و از (بدی) مردم درگذرند، و خدا  
دوستدار نیکوکاران است.

و آنان که اگر کار ناشایسته کنند و یا ظلمی به نفس خویش  
نمایند خدا را به یاد آرند و از گناه خود (به درگاه خدا) توبه  
کنند- و کیست جز خدا که گناه خلق را ببامرزد؟- و آنها که  
اصرار در کار زشت نکنند چون به زشتی معصیت آگاهند.

آنهايند که پاداش عملشان آموزش پروردگار است و باغهايي  
که زير درختان آنها نهرها جاري است، جاويدان در آن  
بهشت‌ها متنعم هستند، چه نيكو است پاداش نيكوکاران!

پيش از شما مللی بودند و رفتند، پس در اطراف زمين  
گردش کنيد تا ببينيد چگونه تکذيبکنندگان (وعده‌های  
خدا) هلاک شدند.

اين آيات حجت و بياني است برای (عموم) مردم، و راهنما و  
پندي برای پرهيزکاران.

شما هرگز سستی نکنيد و (از فوت متاع دنيا) اندوهناک  
نشويد، زيرا شما فيروزمندترين و بلندترين ملل دنياييد  
اگر در ايمان ثابت قدم باشيد.

اگر (در احد) به شما آسيبي رسيد، به دشمنان شما نيز (در)  
بدر) آسيب رسيد (پس مقاومت کنيد). اين روزگار را با  
(اختلاف احوال) ميان خلائق می‌گردانيم تا خداوند مقام اهل  
ايمان را معلوم کند و از شما مؤمنان (آن را که ثابت است)  
گواه ديگران گيرد. و خدا ستمکاران را دوست ندارد.

وَلِيْمِحِصَّ اللّٰهُ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا وَيَمَحِقَ الْكٰفِرِيْنَ

و تا آنکه اهل ایمان را (از هر عیب) پاک کند و کافران را نابود گرداند.

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تَدْخُلُوا الْجَنَّةَ وَلَمَّا يَعْلَمِ اللّٰهُ الَّذِيْنَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَيَعْلَمَ الصّٰبِرِيْنَ

آیا گمان می‌کنید به بهشت داخل خواهید شد حال آنکه هنوز خدا از شما آنان را که (در راه دین) جهاد کرده و (در سختی‌ها) مقاومت کنند معلوم نگردانیده است؟!

وَلَقَدْ كُنْتُمْ تَمَنَّوْنَ الْمَوْتَ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَلْقَوْهُ فَقَدْ رَأَيْتُمُوهُ وَأَنْتُمْ تَنْظُرُونَ

شما همانید که آرزوی کشته شدن (در راه دین) می‌کردید، پیش از آنکه با آن روبرو شوید، پس چگونه امروز که به آن مأمور شدید از مرگ نگران می‌شوید؟!

وَمَا مُحَمَّدٌ إِلَّا رَسُوْلٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ أَفَإِنْ مَاتَ أَوْ قُتِلَ أُنْقَلَبْتُمْ عَلَىٰٓ أَعْقَابِكُمْ وَمَنْ يَنْقَلِبْ عَلَىٰ عَقْبَيْهِ فَلَنْ يَضُرَّ اللّٰهَ شَيْئًا وَسَيَجْزِي اللّٰهُ الشّٰكِرِيْنَ

محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) جز یک پیامبر نیست که پیش از او نیز پیغمبرانی بودند و درگذشتند، آیا اگر او به مرگ یا شهادت درگذشت شما باز به دین جاهلیت خود رجوع خواهید کرد؟ پس هر که مرتد شود به خدا ضرری نخواهد رسانید، و البته خدا جزای نیک اعمال به شکرگزاران عطا کند.

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تَمُوْتَ إِلَّا بِإِذْنِ اللّٰهِ كِتَابًا مُّوجَّلاً وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَنْ يُرِدْ ثَوَابَ الْآخِرَةِ نُؤْتِهِ مِنْهَا وَسَنَجْزِي الشّٰكِرِيْنَ

و هیچ کس جز به فرمان خدا نخواهد مُرد، که اجل هر کس (در لوح قضای الهی) به وقت معین ثبت است، و هر که برای متاع دنیا کوشش کند از دنیا بهره‌مندش کنیم، و هر که ثواب آخرت خواهد از نعمت آخرت برخوردارش گردانیم، و البته سپاسگزاران را جزای نیک دهیم.

وَكَايْنٍ مِّنْ نَّبِيٍّ قَتَلَ مَعَهُ رَبِّيْونَ كَثِيْرًا فَمَا وَهَنُوْا لِمَا اَصَابَهُمْ فِيْ سَبِيْلِ اللّٰهِ وَمَا ضَعُفُوْا وَمَا اسْتَكَانُوْا وَاللّٰهُ يُحِبُّ الصّٰبِرِيْنَ

چه بسیار رخ داده که پیغمبری جمعیت بسیار (از پیروانش) همراه او جنگیدند و با این حال، اهل ایمان با سختی‌هایی که در راه خدا به آنها رسید هرگز بیمناک و زبون نشدند و سر زیر بار دشمن فرو نیاوردند و (صبر و ثبات پیش گرفتند، که) خدا صابران را دوست می‌دارد.

وَمَا كَانَ قَوْلُهُمْ اِلَّا اَنْ قَالُوْا رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا ذُنُوْبَنَا وَاِسْرَافَنَا فِيْ اَمْرِنَا وَثَبَّتْ اَقْدَامَنَا وَاَنْصَرْنَا عَلٰى الْقَوْمِ الْكٰفِرِيْنَ

و آنها جز این نمی‌گفتند که پروردگارا، از گناه و ستمی که ما درباره خود کرده‌ایم درگذر و ما را ثابت قدم بدار و بر (محو) گروه کافران مظفر و منصور گردان.

فَعَاتَلَهُمُ اللّٰهُ ثَوَابَ الدُّنْيَا وَحُسْنَ ثَوَابِ الْآخِرَةِ وَاللّٰهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِيْنَ

پس خدا پاداش (فتح و فیروزی) در دنیا، و ثواب نیکو در آخرت نصیبشان گردانید، که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَطِيعُوا الَّذِينَ كَفَرُوا يَرُدُّوكُمْ  
عَلَىٰ أَعْقَابِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

۱۵۰

بَلِ اللّٰهُ مَوْلَاكُمْ ۖ وَهُوَ خَيْرُ النَّصِيرِينَ

۱۵۱

سَأَلْتَنِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ بِمَا أَشْرَكُوا بِاللّٰهِ  
مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ سُلْطٰنًا ۖ وَمَأْوَهُمُ النَّارُ وَبِئْسَ مَثْوَى  
الظَّالِمِينَ

۱۵۲

وَلَقَدْ صَدَقَكُمُ اللّٰهُ وَعْدَهُ ۖ إِذْ تَحُسُونَهُمْ بِإِذْنِهِ ۖ حَتَّىٰ  
إِذَا فَشِلْتُمْ وَتَنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَعَصَيْتُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا  
أَرٰنَكُمْ مَا تُحِبُّونَ ۖ مِّنْكُمْ مَّن يُّرِيدُ الدُّنْيَا وَمِنْكُمْ مَّن  
يُّرِيدُ الْآخِرَةَ ۖ ثُمَّ صَرَفَكُمْ عَنْهُمْ لِيَبْتَلِيَكُمْ ۖ وَلَقَدْ عَفَا  
عَنْكُمْ ۗ وَاللّٰهُ ذُو فَضْلٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

۱۵۳  
حزب ۲۸

إِذْ تُصْعِدُونَ وَلَا تَلَوْنَهَا عَلَىٰ أَحَدٍ ۖ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي  
أَخْرٰجِكُمْ فَأَتْبَبِكُمْ غَمًّا بَعِيمًا لِّكَيْلًا تَحْزَنُوا عَلَىٰ مَا  
فَاتَكُمْ ۖ وَلَا مَا أَصَابَكُمْ ۗ وَاللّٰهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

ای اهل ایمان، اگر پیروی کافران کنید شما را (از دین اسلام) باز به کفر برمی‌گردانند، آن‌گاه شما هم از زیانکاران خواهید گشت.

(ای مسلمانان، کافران یار شما نیستند) بلکه خدا یار شماست و او بهترین یاری‌کنندگان است.

به زودی در دل کافران بیم و هراس افکنیم، زیرا که آنان برای خدا چیزی را شریک قرار دادند که خدا اصلاً بر آن دلیلی فرو نفرستاده است. و منزلگاه آنان آتش است و سرای ستمکاران بد منزلگاهی است.

و به حقیقت، خداوند صدق وعده خود را به شما نمود آن‌گاه که به فرمان خدا کافران را به خاک هلاک می‌افکنید تا وقتی که در کار جنگ (احد) سستی کرده و اختلاف برانگیختید و نافرمانی (حکم پیغمبر) نمودید پس از آنکه خدا آنچه آرزوی شما بود به شما نمود، متها برخی جهت دنیا و برخی جهت آخرت می‌کوشیدید، سپس شما را از پیشرفت بازداشت تا شما را بیازماید، و خدا از تقصیر شما درگذشت، که خدا را با اهل ایمان عنایت و رحمت است.

(به یاد آرید) هنگامی که به مکانهای دوردست می‌گریختید و توجه به احدی نداشتید در حالی که پیغمبر شما را به یاری دیگران در صف کارزار می‌خواند! پس خداوند (به کیفر این بی‌ثباتی) غمی بر شما افزود تا از این پس بر آنچه از دست رفت یا برای رنج و المی که به شما می‌رسد اندوهناک نشوید، و خدا به هر چه کنید آگاه است.

ثُمَّ أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِّنْ بَعْدِ الْغَمِّ أَمَنَةً نُّعَاسًا يَغْشَىٰ طَآئِفَةً مِّنْكُمْ وَطَآئِفَةٌ قَدْ أَهَمَّتْهُمْ أَنفُسُهُمْ يَظُنُّونَ بِاللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ ظَنَّ الْجَاهِلِيَّةِ يَقُولُونَ هَل لَّنَا مِنَ الْأَمْرِ مِن شَيْءٍ قُلْ إِنَّ الْأَمْرَ كُلَّهُ لِلَّهِ يُخْفُونَ فِي أَنفُسِهِم مَّا لَا يُبْدُونَ لَكَ يَقُولُونَ لَوْ كَانَ لَنَا مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ مَّا قُتِلْنَا هَاهُنَا قُلْ لَوْ كُنْتُمْ فِي بُيُوتِكُمْ لَبَرَزَ الَّذِينَ كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقَتْلُ إِلَىٰ مَضَاجِعِهِمْ وَلِيَبْتَلِيَ اللَّهُ مَا فِي صُدُورِكُمْ وَلِيُمَحِّصَ مَا فِي قُلُوبِكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

پس از آن غم، خدا شما را ایمنی بخشید که خواب آسایش، گروهی از شما را فرا گرفت و گروهی هنوز در غم جان خود بودند و از روی نادانی به خدا گمان ناحق می‌بردند (از روی انکار) می‌گفتند: آیا ممکن است ما را قدرتی به دست آید؟ بگو: تنها خداست که بر عالم هستی فرمانرواست. (منافقان از ترس مؤمنان) خیالات باطل خود را که در دل می‌پرورند با تو اظهار نمی‌دارند، (با خود) می‌گویند: اگر ما را قدرت و پیروزی بود (شکست نمی‌خوردیم) و در اینجا کشته نمی‌شدیم. بگو: اگر در خانه‌های خود هم بودید باز کسانی که سرنوشت آنان (در قضای الهی) کشته شدن است (از خانه‌ها) به پای خود به قتلگاه بیرون می‌آمدند، تا خدا آنچه در سینه دارید بیازماید و آنچه در دل دارید پاک و خالص گرداند، و خدا از راز درون سینه‌ها آگاه است.

إِنَّ الَّذِينَ تَوَلَّوْا مِنْكُمْ يَوْمَ الْتَقَى الْجَمْعَانِ إِنَّمَا اسْتَزَلَّهُمُ الشَّيْطَانُ بِبَعْضِ مَا كَسَبُوا وَلَقَدْ عَفَا اللَّهُ عَنْهُمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ حَلِيمٌ

کسانی از شما که در روز برخورد دو گروه (مسلمان و کافر در جنگ احد) پشت کردند و فراری شدند شیطان آنها را به سبب نافرمانی و بدکرداریشان به لغزش افکند، و همانا خدا از آنها درگذشت، که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ كَفَرُوا وَقَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ إِذَا ضَرَبُوا فِي الْأَرْضِ أَوْ كَانُوا غُرَىٰ لَوْ كَانُوا عِنْدَنَا مَا مَاتُوا وَمَا قُتِلُوا لِيَجْعَلَ اللَّهُ ذَٰلِكَ حَسْرَةً فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

ای گرویدگان (به دین اسلام)، شما مانند کسانی نباشید که راه کفر (و نفاق) پیمودند و درباره برادران و خویشان خود که به سفر رفته و یا به جنگ حاضر شدند (و مردند یا به شهادت رسیدند) گفتند: اگر نزد ما می‌ماندند به چنگ مرگ نمی‌افتادند و کشته نمی‌شدند. این آرزوهای باطل را خدا حسرت دلهای آنان خواهد کرد، و خداست که زنده می‌گرداند و می‌میراند و خدا به هر چه کنید آگاه است.

وَلَئِن قُتِلْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَوْ مُتُّمْ لَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَحْمَةٌ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

اگر در راه خدا کشته شده یا بمیرید (در آن جهان به آمرزش و رحمت خدا نائل شوید، که) همانا آمرزش و رحمت خدا بهتر از هر چیز است که (در حیات دنیا برای خود) فراهم آورند.

وَلَيْنَ مُتَمِّمٍ أَوْ قَاتِلْتُمْ لِإِلَى اللَّهِ تُحْشَرُونَ

و اگر (در راه خدا) بمیرید یا کشته شوید (به رحمت ایزدی در پیوسته و) به سوی خدا محشور خواهید شد.

فَبِمَا رَحْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ لِنْتَ لَهُمْ وَلَوْ كُنْتَ فَظًّا غَلِيظَ  
 الْقَلْبِ لَأَنْفَضُوا مِنْ حَوْلِكَ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ لَهُمْ  
 وَشَاوِرْهُمْ فِي الْأَمْرِ فَإِذَا عَزَمْتَ فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ  
 يُحِبُّ الْمُتَوَكِّلِينَ

به مرحمت خدا بود که با خلق مهربان گشتی و اگر تندخو و سختدل بودی مردم از گرد تو متفرق می‌شدند، پس از (بدی) آنان درگذر و برای آنها طلب آمرزش کن و (برای دلجویی آنها) در کار (جنگ) با آنها مشورت نما، لیکن آنچه تصمیم گرفتی با توکل به خدا انجام ده، که خدا آنان را که بر او اعتماد کنند دوست دارد.

۱۵۹

إِن يَنْصُرْكُمُ اللَّهُ فَلَا غَالِبَ لَكُمْ وَإِن يَخْذَلْكُمْ فَمَنْ  
 ذَا الَّذِي يَنْصُرْكُم مِّنْ بَعْدِهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ  
 الْمُؤْمِنُونَ

اگر خدا شما را یاری کند محال است کسی بر شما غالب آید، و اگر به خواری واگذارد آن کیست که بتواند بعد از آن شما را یاری کند؟ و اهل ایمان تنها به خدا باید اعتماد کنند.

۱۶۰

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَغُلَّ وَمَنْ يَغُلْ يَأْتِ بِمَا غَلَّ يَوْمَ  
 الْقِيَامَةِ ثُمَّ تُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

و هیچ پیغمبری خیانت نخواهد کرد، و هر کس خیانت کند روز قیامت با همان خیانت بیاید (و به کیفر آن برسد) و هر کس هر عمل به جا آرد به جزای کامل آن می‌رسد و به هیچ کس ستمی نخواهد شد.

۱۶۱

أَفَمَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَ اللَّهِ كَمَنْ بَاءَ بِسَخِطٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَا وَنُهُ  
 جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

آیا کسی که (به ایمان) در راه رضای خدا قدم بردارد مانند کسی است که (به کفر) راه غضب خدا پیماید؟ که منزلگاه او جهنم است و بسیار بد جایگاهی است.

۱۶۲

هُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

این دو گروه را (به مراتب ایمان و کفر) نزد خدا درجات (مختلفه) است و خدا به هر چه می‌کنند بیناست.

۱۶۳

لَقَدْ مَنَّ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ إِذْ بَعَثَ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ  
 أَنفُسِهِمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ  
 الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

خدا بر اهل ایمان منت گذاشت که رسولی از خودشان در میان آنان برانگیخت که بر آنها آیات او را تلاوت می‌کند و آنان را پاک می‌گرداند و به آنها علم کتاب (احکام شریعت) و حقایق حکمت می‌آموزد، و همانا پیش از آن در گمراهی آشکار بودند.

۱۶۴

أَوَلَمَّْا أَصَبْتَكُمْ مُصِيبَةً قَدْ أَصَبْتُمْ مِثْلَهَا قُلْتُمْ أِنَّا  
 هَذَا قُلْ هُوَ مِنْ عِنْدِ أَنفُسِكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
 قَدِيرٌ

آیا هر گاه به شما آسیبی رسد در صورتی که دو برابر آن آسیب را به دشمنان رساندید (باز از روی تعجب) گویید: این از کجاست؟ بگو: این مصیبت از دست خود کشیدید، همانا خدا بر هر چیز تواناست.

۱۶۵

وَمَا أَصَابَكُمْ يَوْمَ التَّقِي الْجَمْعَانِ فَيَاذَنِ اللَّهُ وَلِيَعْلَمَ  
الْمُؤْمِنِينَ

و آنچه در روز (أحد هنگام) مقابله دو صف کارزار به شما رسید به قضا و مشیت نافذ خدا بود (تا آنکه بیازماید اهل ایمان را) و تا معلوم کند چه کسانی ثابت‌قدم در ایمانند.

و تا معلوم کند حال آنان که نفاق و دورویی کردند و (چون) به آنها گفته شد بیایید در راه خدا جهاد و یا دفاع کنید (عذر آوردند و) گفتند که اگر ما به فنون جنگی دانا بودیم از شما تبعیت نموده و به کارزار می‌آمدیم. اینان به کفر نزدیکترند تا به ایمان؛ به زبان چیزی اظهار کنند که در دل خلاف آن پنهان داشته‌اند، و خدا بر آنچه پنهان می‌دارند آگاه‌تر از خود آنهاست.

آن کسانی که در جنگ با سپاه اسلام همراهی نکرده و درباره برادران خود گفتند: اگر آنان نیز سخنان ما را شنیده بودند (و به جنگ احد نرفته بودند) کشته نمی‌شدند، بگو: (شما که برای حفظ حیات دیگران چاره توانید کرد) مرگ را از خود دور کنید اگر راست می‌گویید.

البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده‌اند (به حیات ابدی و) در نزد خدا متنعم خواهند بود.

آنان به فضل و رحمتی که خدا نصیبشان گردانیده شادمانند، و دلشادند به حال آن مؤمنان که هنوز به آنها نپیوسته‌اند و بعداً در پی آنها به سرای آخرت خواهند شتافت که بیمی بر آنان نیست و غمی نخواهند داشت.

دلشادند به نعمت و فضل خدا و این که خداوند اجر اهل ایمان را هرگز ضایع نگذارد.

آنان که دعوت خدا و رسول را اجابت کنند پس از آنکه به آنها رنج و الم رسید، از آنها هر کس نیکوکار و پرهیزکار شد اجر عظیم خواهد یافت.

آن مؤمنانی که چون مردم (منافق) به آنها گفتند: لشکری بسیار بر علیه شما مؤمنان فراهم شده، از آنان در اندیشه و بر حذر باشید، (این تبلیغات) بر ایمانشان بیفزود و گفتند: تنها خدا ما را کفایت کند و او نیکو وکیل و کارساز است.

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ نَافَقُوا وَقِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا قَاتِلُوا فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ أَوْ ادْفَعُوا قَالُوا لَوْ نَعْلَمُ قِتَالًا لَاتَّبَعْنَاكُمْ هُمْ  
لِلْكَفْرِ يَوْمَئِذٍ أَقْرَبُ مِنْهُمْ لِلْإِيمَانِ يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا  
لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يَكْتُمُونَ

الَّذِينَ قَالُوا لِإِخْوَانِهِمْ وَقَعَدُوا لَوْ أَطَاعُونَا مَا قُتِلُوا قُلْ  
فَادْرَأُوا عَنْ أَنْفُسِكُمُ الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا بَلْ أحيَاءٌ  
عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرَزَقُونَ

فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَيَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ  
لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِّنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ  
يَحْزَنُونَ

يَسْتَبْشِرُونَ بِنِعْمَةِ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ  
أَجْرَ الْمُؤْمِنِينَ

الَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِلَّهِ وَالرَّسُولِ مِنْ بَعْدِ مَا أَصَابَهُمُ الْقَرْحُ  
لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا مِنْهُمْ وَاتَّقُوا أَجْرٌ عَظِيمٌ

الَّذِينَ قَالَ لَهُمُ النَّاسُ إِنَّ النَّاسَ قَدْ جَمَعُوا لَكُمْ  
فَاخْشَوْهُمْ فَزَادَهُمْ إِيمَانًا وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ



فَأَنْقَلِبُوا بِنِعْمَةٍ مِّنَ اللَّهِ وَفَضْلٍ لَّمْ يَمَسَّهُمْ سُوءٌ  
وَاتَّبَعُوا رِضْوَانَ اللَّهِ وَاللَّهُ ذُو فَضْلٍ عَظِيمٍ

۱۷۵

إِنَّمَا ذَلِكُمُ الشَّيْطَانُ يُخَوِّفُ أَوْلِيَاءَهُ فَلَا تَخَافُوهُمْ  
وَخَافُونِ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ

۱۷۶

وَلَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَن يَضُرُّوا  
اللَّهَ شَيْئًا يُرِيدُ اللَّهُ أَلَّا يَجْعَلَ لَهُمْ حِزًّا فِي الْآخِرَةِ وَلَهُمْ  
عَذَابٌ عَظِيمٌ

۱۷۷

إِنَّ الَّذِينَ اشْتَرُوا الْكُفْرَ بِالْإِيمَانِ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا  
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۷۸

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ خَيْرٌ لِّأَنْفُسِهِمْ  
إِنَّمَا نُمَلِّي لَهُمْ لِيُزَادُوا إِثْمًا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

۱۷۹

مَا كَانَ اللَّهُ لِيَذَرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَىٰ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ حَتَّىٰ يَمِيزَ  
الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُطْلِعَكُمْ عَلَى  
الْغَيْبِ وَلَكِنَّ اللَّهَ يَجْتَبِي مِن رُّسُلِهِ مَن يَشَاءُ فَآمِنُوا  
بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَإِن تُؤْمِنُوا وَتَتَّقُوا فَلَكُمْ أَجْرٌ عَظِيمٌ

۱۸۰

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخُلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ  
هُوَ خَيْرًا لَهُمْ بَلْ هُوَ شَرٌّ لَهُمْ سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ  
يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَاللَّهُ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

آن گروه مؤمنان با نعمت و فضل خدا در حالی بازگشتند که  
بر آنان هیچ الم و رنجی پیش نیامد و پیرو رضای خدا  
شدند، و خدا صاحب فضل و رحمتی بزرگ است.

تنها این شیطان است که می‌ترساند دوستداران خود را،  
شما مسلمانان از آنان بیم و اندیشه مکنید و از من بترسید  
اگر اهل ایمانید.

(ای پیغمبر) تو اندوهناک مباش که گروهی به راه کفر  
می‌شتابند، آنها هرگز زبانی به خدا نرسانند و خدا می‌خواهد  
آنها را در آخرت هیچ نصیبی ندهد، و نصیبشان عذاب بزرگ  
و سخت دوزخ خواهد بود.

آنان که خریدار کفر شدند به عوض ایمان، هرگز زبانی به  
خدا نمی‌رسانند، و آنان را عذابی دردناک است.

آنان که به راه کفر رفتند گمان نکنند که مهلتی که ما به آنها  
می‌دهیم به حال آنان بهتر خواهد بود، بلکه آنها را (برای  
امتحان) مهلت می‌دهیم تا بر گناه و سرکشی خود بیفزایند،  
و آنان را عذابی خوارکننده است.

خداوند هرگز مؤمنان را بدین حال کنونی که برآیند  
وانگذارد تا آنکه (با آزمایش خود) بدسرشت را از پاک  
گوهر جدا کند. و خدا همه شما را از سر غیب آگاه نسازد و  
لیکن (به این مقام) از پیغمبران خود هر که را مشیت او  
تعلق گرفت برگزیند، پس شما به خدا و پیغمبرانش  
بگروید، که هر گاه ایمان آرید و پرهیزکار شوید اجر عظیم  
خواهید یافت.

آنان که بخل نموده و از مالی که خدا از فضل خویش به آنها  
داده حقوق فقیران را ادا نمی‌کنند گمان نکنند این بخل به  
نفع آنها خواهد بود بلکه به ضرر آنهاست، چه آنکه مالی که  
در آن بخل ورزند در قیامت زنجیر گردن آنها شود، و تنها  
خدا وارث آسمانها و زمین است و خدا به کردار شما آگاه  
است.

لَقَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ فَقِيرٌ وَنَحْنُ أَغْنِيَاءُ سَنَكْتُبُ مَا قَالُوا وَقَتْلَهُمُ الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقٍّ وَنَقُولُ ذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

هر آینه خدا شنید سخن (جاهلانه) آن کسان را که گفتند: خدا فقیر است و ما دارا. البته ما گفتارشان را ثبت خواهیم کرد با این گناه بزرگشان که انبیاء را به ناحق کشتند، و گوییم: بچشید عذاب آتش سوزان را.

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَامٍ لِلْعَبِيدِ

این عذاب به خاطر کارهایی است که به دست خود پیش فرستادید، و خدا هرگز در حق بندگان ستم نخواهد کرد.

الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ عَهْدٌ إِلَيْنَا إِلَّا نُوْمِنَ لِرَسُولٍ حَتَّىٰ يَأْتِيَنَا بِقُرْبَانٍ تَأْكُلُهُ النَّارُ قُلْ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّن قَبْلِي بِالْبَيِّنَاتِ وَبِالذِّكْرِ قُلْتُمْ فَلِمَ قَتَلْتُمُوهُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

آنان که گفتند: خدا از ما پیمان گرفته که به هیچ پیغمبری ایمان نیاوریم تا آنکه او قربانی آورد که در آتش بسوزد. بگو که پیش از من رسولانی آمده و برای شما هر گونه معجزه آورده و این را هم که خواستید آوردند، پس اگر راست می‌گویید چرا آن پیامبران را کشتید؟!

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ رَسُولٌ مِّن قَبْلِكَ جَاءُوا بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

پس اگر تو را تکذیب کردند (غمگین مباش که) پیغمبران پیش از تو هم که معجزات و زبورها و کتاب آسمانی روشن آوردند نیز تکذیب کردند.

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفَّوْنَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ

هر نفسی شربت مرگ را خواهد چشید و محققاً روز قیامت همه شما به مزد اعمال خود کاملاً خواهید رسید، پس هر کس را از آتش جهنم دور دارند و به بهشت ابدی درآرند چنین کس سعادت ابد یافت، که زندگی دنیا جز متاعی فریبنده نیست.

لَتَبْلُوَنَّ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ وَلَتَسْمَعَنَّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَمِنَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا أَذَىٰ كَثِيرًا وَإِنْ تَصْبِرُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ ذَلِكَ مِن عَزْمِ الْأُمُورِ

محققاً شما را در مال و جان آزمایش خواهند کرد و از آنها که پیش از شما کتاب آسمانی به آنها داده شد و از مشرکان زخم زبان بسیار خواهید شنید، و اگر صبر پیشه کرده و پرهیزکار شوید (البته ظفر یابید) که ثبات و تقوا سبب قوت اراده در کارهاست.

وَإِذْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ لَتُبَيِّنُنَّهُ لِلنَّاسِ وَلَا تَكْتُمُونَهُ فَنَبَذُوهُ وَرَاءَ ظُهُورِهِمْ وَأَشْتَرُوا بِهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَبُئْسَ مَا يَشْتَرُونَ

و چون خدا از آنان که کتاب به آنها داده شد پیمان گرفت که حقایق کتاب آسمانی را برای مردم بیان کنید و کتمان نکنید، پس آنها عهد خدا را پشت سر انداخته و آیات الهی را به بهایی اندک فروختند، پس بد معامله‌ای کردند.

۱۸۸

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَفْرَحُونَ بِمَا أَتَوْا وَيُحِبُّونَ أَنْ يُحْمَدُوا بِمَا لَمْ يَفْعَلُوا فَلَا تَحْسَبَنَّهُمْ بِمَفَازَةٍ مِنَ الْعَذَابِ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

(ای پیغمبر) مپندار آنهایی که به کردار زشت خود شادمانند و دوست دارند که مردم به اوصاف پسندیده‌ای که هیچ در آنها نیست آنها را ستایش کنند، البته گمان مدار که از عذاب خدا رهایی دارند، که آنها را عذابی دردناک خواهد بود.

۱۸۹

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

خداست مالک آسمانها و زمین، و خدا بر هر چیز تواناست.

۱۹۰

إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ لَآيَاتٍ لِأُولِي الْأَلْبَابِ

محققا در خلقت آسمانها و زمین و رفت و آمد شب و روز دلایل روشنی است برای خردمندان عالم.

۶۱۲

۱۹۱

الَّذِينَ يَذْكُرُونَ اللَّهَ قِيَمًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِهِمْ وَيَتَفَكَّرُونَ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبَّنَا مَا خَلَقْتَ هَذَا بَطْلًا سُبْحَانَكَ فَقِنَا عَذَابَ النَّارِ

آنها که در هر حالت، ایستاده و نشسته و خفته خدا را یاد کنند و دائم در خلقت آسمان و زمین بیندیشند و گویند: پروردگارا، تو این دستگاه با عظمت را بیهوده نیافریده‌ای، پاک و منزهی، ما را به لطف خود از عذاب دوزخ نگاهدار؛

۱۹۲

رَبَّنَا إِنَّكَ مَنْ تُدْخِلِ النَّارَ فَقَدْ أَخْزَيْتَهُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

ای پروردگار ما، هر که را در آتش افکنی او را سخت خوار کرده‌ای، و ستمکاران هیچ یابوری ندارند؛

۱۹۳

رَبَّنَا إِنَّا سَمِعْنَا مُنَادِيًا يُنَادِي لِلْإِيمَانِ أَنْ ءَامِنُوا بِرَبِّكُمْ فَءَامَنَّا رَبَّنَا فَاغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا وَكَفِّرْ عَنَّا سَيِّئَاتِنَا وَتَوَفَّنَا مَعَ الْأَبْرَارِ

پروردگارا، ما صدای منادیی که خلق را به ایمان فرا می‌خواند که به پروردگارتان ایمان آورید، شنیدیم و ایمان آوردیم، پروردگارا، از گناهان ما درگذر و زشتی کردار ما بپوشان و هنگام جان سپردن ما را با نیکان و صالحان محشور گردان؛

۱۹۴

رَبَّنَا وَعَايَتِنَا مَا وَعَدْتَنَا عَلَىٰ رُسُلِكَ وَلَا تُخْزِنَا يَوْمَ الْقِيَمَةِ إِنَّكَ لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ

پروردگارا، ما را از آنچه به زبان رسولان خود وعده دادی نصیب فرما و ما را در روز قیامت محروم مگردان، که تو هرگز در وعده تخلف نمی‌ورزی.

فَأَسْتَجَابَ لَهُمْ رَبُّهُمْ أَنِّي لَا أُضِيعُ عَمَلَ عَمَلٍ مِّنْكُمْ  
مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنثَىٰ بَعْضُكُم مِّنْ بَعْضٍ ۖ فَالَّذِينَ هَاجَرُوا  
وَأُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأُودُوا فِي سَبِيلِي وَقَاتَلُوا وَقُتِلُوا  
لَأُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأُدْخِلَنَّهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ  
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ثَوَابًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ وَاللَّهُ عِنْدَهُ حُسْنُ  
الْثَوَابِ

۱۹۶

لَا يَعْزَّتْكَ قَلْبُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي الْبَلَدِ

۱۹۷

مَتَعٌ قَلِيلٌ ثُمَّ مَا لَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

۱۹۸

لَكِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نُزُلًا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ ۖ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ  
خَيْرٌ لِّلْأَبْرَارِ

۱۹۹

وَإِنَّ مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَمَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ  
وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ خَشِعِينَ لِلَّهِ لَا يَشْتَرُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا  
قَلِيلًا ۖ أُولَٰئِكَ لَهُمْ أَجْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۖ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ  
الْحِسَابِ

۲۰۰

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَصْبِرُوا وَصَابِرُوا وَرَابِطُوا وَاتَّقُوا  
اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

پس خدا دعاهای ایشان را اجابت کرد که البته من (که پروردگارم) عمل هیچ کس از مرد و زن را بی‌مزد نگذارم، زیرا شما از یکدیگرید (و همه در نظر من یکسانید)، پس آنان که از وطن خود هجرت نمودند و از دیار خویش بیرون رانده شدند و در راه من رنج کشیدند و جهاد کرده و کشته شدند همانا پدیه‌های آنان را بی‌پوشانم و آنها را به بهشتیابی درآورم که زیر درختانش نهرها جاری است. این پاداشی است از جانب خدا، و نزد خدا است پاداش نیکو.

(دنیا) تو را نفریبید چون بینی که کافران در شهرها به راحتی می‌گردند.

این متاعی اندک است و پس از این جهان منزلگاه آنان جهنم است و بد آرامگاهی است.

لیکن آنان که خداترس و با تقوایند منزلگاهشان بهشت‌هایی است که در زیر درختانش نهرها جاری است و در آن جاودانند، در حالتی که خدا بر آنها خوان احسان خود گسترده، و آنچه نزد خداست برای نیکان بهتر است.

همانا برخی از اهل کتاب کسانی‌اند که به خدا و کتاب آسمانی شما و کتاب آسمانی خودشان ایمان آورند در حالی که مطیع فرمان خدا بوده و آیات خدا را به بهای اندک نفروشد، آن طایفه را نزد خدا پاداش نیکوست، و البته خدا حساب خلق را سریع و آسان خواهد رسید.

ای اهل ایمان، (در کار دین) صبور باشید و یکدیگر را به صبر و مقاومت سفارش کنید و مهیا و مراقب کار دشمن بوده و خداترس باشید، باشد که فیروز و رستگار گردید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ  
وَاحِدَةٍ وَخَلَقَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَبَثَّ مِنْهُمَا رِجَالًا كَثِيرًا وَنِسَاءً  
وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي تَسَاءَلُونَ بِهِ وَالْأَرْحَامَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ  
عَلَيْكُمْ رَقِيبًا

۱  
حزب  
۳۱  
۶۲

ای مردم، بترسید از پروردگار خود، آن خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و هم از آن، جفت او را خلق کرد و از آن دو تن خلقی بسیار در اطراف عالم از مرد و زن پراکند، و بترسید از آن خدایی که به نام او از یکدیگر مسئلت و درخواست می‌کنید و درباره ارحام کوتاهی نکنید، که خدا مراقب اعمال شماست.

و اموال یتیمان را پس از بلوغ به دست آنها دهید، و مال بد و نامرغوب خود را به مرغوب (آنها) تبدیل نکنید و اموال آنان را به ضمیمه اموال خود مخورید، که این گناهی بس بزرگ است.

وَأْتُوا الْيَتَامَىٰ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَتَبَدَّلُوا الْخَبِيثَ بِالطَّيِّبِ وَلَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَهُمْ إِلَىٰ أَمْوَالِكُمْ إِنَّهُ كَانَ حُوبًا كَبِيرًا

و اگر بترسید که مبدا درباره یتیمان (ازدواج با دختران یتیم) مراعات عدل نکنید پس آن کس از زنان را به نکاح خود درآرید که شما را نیکو (و مناسب با عدالت) است: دو یا سه یا چهار (نه بیشتر) و اگر بترسید که (چون زنان متعدّد گیرید) راه عدالت نپیموده و به آنها ستم می‌کنید پس تنها یک زن اختیار کنید و یا چنانچه کنیزی دارید به آن اکتفا کنید، که این نزدیکتر به عدالت و ترک ستمکاری است.

وَأِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تُقْسِطُوا فِي الْيَتَامَىٰ فَانكِحُوا مَا طَابَ لَكُمْ مِنَ النِّسَاءِ مَثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبْعَ فَإِنْ خِفْتُمْ أَلَّا تَعْدِلُوا فَوَاحِدَةً أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ذَٰلِكَ أَدْنَىٰ أَلَّا تَعُولُوا

و مهر زنان را در کمال رضایت به آنها بپردازید، پس اگر چیزی از مهر خود را از روی رضا و خشنودی به شما بخشیدند، از آن برخوردار شوید که شما را حلال و گوارا خواهد بود.

وَأْتُوا النِّسَاءَ صَدُقَاتِهِنَّ نِحْلَةً فَإِنْ طِبْنَ لَكُمْ عَنْ شَيْءٍ مِّنْهُ نَفْسًا فَكُلُوهُ هَنِيئًا مَّرِيئًا

و اموالی که خدا قوام زندگی شما را به آن مقرر داشته به تصرف سفیهان ندهید و از مالشان نفقه و لباس به آنها دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گویند.

وَلَا تُؤْتُوا السُّفَهَاءَ أَمْوَالَكُمُ الَّتِي جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ قِيَمًا وَارْزُقُوهُمْ فِيهَا وَاكْسُوهُمْ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا

یتیمان را آزمایش کنید تا هنگامی که بالغ شده و قدرت بر نکاح پیدا کنند آن‌گاه اگر آنها را دانا به درک مصالح زندگی خود یافتید اموالشان را به آنها باز دهید، و به اسراف و عجله مال آنها را حیف و میل مکنید بدین اندیشه که مبدا بزرگ شوند (و اموالشان را از شما بگیرند). و هر کس (از اولیاء یتیم) داراست (از تصرف در مال او) خودداری کند، و هر که فقیر است (در مقابل نگرانی او از مال یتیم) به قدر متعارف ارتزاق کند، پس آن‌گاه که مالشان را به آنها رد کردید باید بر رد مال بر آنها گواه بگیرید، و گواهی خدا برای محاسبه خلق کافی است.

وَأَبْتَلُوا الْيَتَامَىٰ حَتَّىٰ إِذَا بَلَغُوا النِّكَاحَ فَإِنْ آنَسْتُمْ مِنْهُمْ رُشْدًا فَادْفَعُوا إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ وَلَا تَأْكُلُوهَا إِسْرَافًا وَبِدَارًا أَنْ يَكْبَرُوا وَمَنْ كَانَ غَنِيًّا فَلْيَسْتَعْفِفْ وَمَنْ كَانَ فَقِيرًا فَلْيَأْكُلْ بِالْمَعْرُوفِ فَإِذَا دَفَعْتُمْ إِلَيْهِمْ أَمْوَالَهُمْ فَأَشْهَدُوا عَلَيْهِمْ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ حَسِيبًا

۳

۴

۵

۶

لِّلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ  
نَصِيبٌ مِّمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ  
نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

وَإِذَا حَضَرَ الْقِسْمَةَ أُولُو الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينُ  
فَارْزُقُوهُمْ مِنْهُ وَقُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا

وَلْيَخْشَ الَّذِينَ لَوْ تَرَكَوْا مِنْ خَلْفِهِمْ ذُرِّيَّةً ضِعْفًا خَافُوا  
عَلَيْهِمْ فَلْيَتَّقُوا اللَّهَ وَلْيَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَىٰ ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي  
بُطُونِهِمْ نَارًا وَسَيَصْلُونَ سَعِيرًا

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنثِيَيْنِ فَإِن  
كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِن كَانَتْ  
وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا السُّدُسُ  
مِمَّا تَرَكَ إِن كَانَ لَهُ وَوَلَدٌ فَإِن لَّمْ يَكُنْ لَهُ وَوَلَدٌ وَوَرِثَةٌ  
أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِن كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِن  
بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ ۗ لِأَبَائِكُمْ وَلِأُمَّاتِكُمْ لَا  
تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفَعًا فَرِيضَةٌ مِّنَ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ  
كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

برای فرزندان پسر، سهمی از ترکه ابویین و خویشان است و  
برای فرزندان دختر نیز سهمی از ترکه ابویین و خویشان  
است، چه مال اندک باشد یا بسیار، نصیب هر کس از آن  
معین گردیده.

و چون در تقسیم (ترکه میت، اشخاصی از) خویشان و  
یتیمان و فقیران حاضر آیند، به چیزی از آن مال آنها را  
روزی دهید و با آنان سخن نیکو و دلپسند گویند.

و باید بترسند (از مکافات عمل خود) کسانی که اگر کودکان  
ناتوان از خود باقی می‌گذارند بر آنان بیم دارند، پس باید  
از خدا بترسند و (در حق ایتام مردم) سخن به اصلاح و  
درستی گویند.

آنان که اموال یتیمان را به ستمگری می‌خورند، در حقیقت  
آنها در شکم خود آتش جهنم فرو می‌برند و به زودی در  
آتش فروزان خواهند افتاد.

حکم خدا در حق فرزندان شما این است که پسر دو برابر  
دختر ارث برد، پس اگر همه دختر و بیش از دو تن باشند  
فرض همه دو ثلث [فرض‌ها یعنی سهمیه‌های معین ارث،  
شش نوع است: نصف، ربع (یک چهارم)، ثمن (یک هشتم)،  
سدس (یک ششم)، ثلث (یک سوم)، ثلثان (دو سوم)].  
ترکه است، و اگر یک دختر باشد نصف، و فرض هر یک از  
پدر و مادر یک سدس ترکه است در صورتی که میت را  
فرزند باشد و اگر فرزند نباشد و وارث منحصر به پدر و  
مادر بود، در این صورت مادر یک ثلث می‌برد (باقی را پدر)،  
و اگر میت را برادرانی باشد در این فرض مادر یک سدس  
خواهد برد، پس از آنکه حق وصیت و بدهی که به مال میت  
تعلق گرفته جدا شود. شما این را که پدران و فرزندان  
کدام یک به خیر و صلاح (و به ارث بردن) به شما  
نزدیکترند نمی‌دانید. (این احکام) فریضه‌ای است که خدا  
معین فرموده، که خدا به هر چیز دانا و آگاه است.

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ  
فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمْ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَنَّ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ  
يُوصِيَنَّ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبْعُ مِمَّا تَرَكَتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ  
لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكَتُمْ مِنْ  
بَعْدِ وَصِيَّتِ تُوْصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ  
كَلَلَةً أَوْ امْرَأَةً وَوَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا  
السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ  
مِنْ بَعْدِ وَصِيَّتِ يُوصَى بِهَا أَوْ دَيْنٍ غَيْرَ مُضَارٍّ وَصِيَّةً مِّنَ  
اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ

تِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَتَعَدَّ حُدُودَهُ يُدْخِلْهُ نَارًا  
خَالِدًا فِيهَا وَلَهُ عَذَابٌ مُّهِينٌ

سهم ارث شما مردان از ترکه زانتان نصف است در صورتی که آنها را فرزند نباشد و اگر فرزند باشد برای شما ربع خواهد بود، پس از خارج کردن حق وصیت و بدهی که به دارایی آنها تعلق گرفته است. و سهم ارث زنان ربع ترکه شما مردان است اگر دارای فرزند نباشید، و چنانچه فرزند داشته باشید هشت یک خواهد بود از ترکه شما، پس از اداء حق وصیت و بدهی شما. و اگر مردی یا زنی بمیرد که وارثش کلاله او باشند (یعنی پدر و مادر و فرزند نداشته باشد) و یک برادر و یا خواهر (امی) داشته باشد در این فرض سهم ارث هر یک نفر از آنها یک سدس خواهد بود و اگر بیش از یک نفر باشد همه آنها ثلث ترکه را به اشتراک ارث برند، بعد از خارج کردن بدهی و حق وصیت میت در صورتی که وصیت یا بدهی زیان آور نباشد. این حکمی است که خدا سفارش فرموده، و خدا (به همه احوال بندگان) دانا و (به هر چه ناروا کنند) بردبار است.

اینها اوامر و احکام خداست، و هر کس پیرو امر خدا و رسول اوست او را به بهشتی درآورد که در زیر درختانش نهرها جاری است و آنجا منزل ابدی مطیعان خواهد بود، این است سعادت و فیروزی عظیم.

و هر که نافرمانی خدا و رسول او کند و تجاوز از حدود و احکام الهی نماید او را به آتش درافکند که همیشه در آن (معدّب) است و همواره در عذاب خواری خواهد بود.

وَالَّتِي يَأْتِيَنَّ الْفَحِشَةَ مِنْ نِسَائِكُمْ فَاسْتَشْهِدُوا عَلَيْهِنَّ  
أَرْبَعَةً مِّنْكُمْ فَإِنْ شَهِدُوا فَأَمْسِكُوهُنَّ فِي الْبُيُوتِ حَتَّىٰ  
يَتَوَفَّيَهُنَّ الْمَوْتُ أَوْ يَجْعَلَ اللَّهُ لَهُنَّ سَبِيلًا

زنانی از (جامعه) شما که عمل ناشایسته کنند چهار شاهد  
مسلمان بر آنها بخواهید، چنانچه شهادت دادند آن زنان را  
در خانه نگه دارید تا عمرشان به پایان رسد یا خدا برای آنها  
راهی پدیدار گرداند.

و هر کس از شما (مسلمانان) عمل ناشایست مرتکب شود،  
چه زن و چه مرد، آنان را (به سرزنش و توبیخ) ببازارید،  
چنانچه توبه کردند و به کار شایسته پرداختند متعرض آنها  
نشوید، که خدا توبه‌پذیر و مهربان است.

وَالَّذَانِ يَأْتِيَنَّهَا مِنْكُمْ فَاعْذُوهُمَا فَإِنْ تَابَا وَأَصْلَحَا  
فَاعْرِضْهُمَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ تَوَّابًا رَّحِيمًا

محققا خدا توبه آنهایی را می‌پذیرد که عمل ناشایسته را از  
روی نادانی مرتکب شوند و پس از آن به زودی توبه کنند،  
البته خدا آنها را می‌بخشد و خدا (به مصالح خلق) دانا و آگاه  
است.

إِنَّمَا التَّوْبَةُ عَلَى اللَّهِ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ  
يَتُوبُونَ مِنْ قَرِيبٍ فَأُولَٰئِكَ يَتُوبُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ  
عَلِيمًا حَكِيمًا

و کسانی که (تمام عمر) به اعمال زشت اشتغال ورزند تا  
آن‌گاه که یکی‌شان مشاهده مرگ کند در آن ساعت پشیمان  
شود و گوید: اکنون توبه کردم، توبه چنین کسی پذیرفته  
نخواهد شد، و آنان که به حال کفر بمیرند (توبه آنها نیز  
قبول نشود)، بر اینان عذابی دردناک مهیا ساختیم.

وَلَيْسَتِ التَّوْبَةُ لِلَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ حَتَّىٰ إِذَا حَضَرَ  
أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ إِنِّي تُبْتُ الْعَنَ وَلَا الَّذِينَ يَمُوتُونَ وَهُمْ  
كُفَّارٌ أُولَٰئِكَ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

ای اهل ایمان، برای شما حلال نیست که زنان را به اکراه و  
جبر به میراث گیرید (مانند جاهلیت)، و بر آنان سخت‌گیری  
و بهانه‌جویی مکنید که قسمتی از آنچه مهر آنها کرده‌اید به  
جور بگیرید، مگر آنکه عمل زشتی از آنها آشکار شود. و در  
زندگانی به آنها به انصاف رفتار نمایید، و چنانچه دلپسند  
شما نباشند (اظهار کراهت مکنید) چه بسا چیزها ناپسند  
شماست و حال آنکه خدا در آن خیر بسیار مقدر فرماید.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَجِلُّ لَكُمْ أَنْ تَرْتُوا النِّسَاءَ كَرِهًا  
وَلَا تَعْضُلُوهُنَّ لِتَذْهَبُوا بِبَعْضِ مَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ  
بِفَحِشَةٍ مُّبِينَةٍ وَعَاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ فَإِنْ كَرِهْتُمُوهُنَّ  
فَعَسَىٰ أَنْ تَكْرَهُوا شَيْئًا وَيَجْعَلَ اللَّهُ فِيهِ خَيْرًا كَثِيرًا



وَإِنْ أَرَدْتُمْ أَسْتَبْدَالَ زَوْجٍ مَّكَانَ زَوْجٍ وَعَآتَيْتُمْ إِحْدَهُنَّ  
فِنْظَارًا فَلَا تَأْخُذُوا مِنْهُ شَيْئًا أَتَأْخُذُونَهُ بِهْتِنًا وَإِنَّمَا  
مُبِينًا

و اگر خواستید زنی را رها کرده و زنی دیگر اختیار نمایید و  
مال بسیار مهر او کرده‌اید نباید چیزی از مهر او بازگیرید،  
آیا به وسیله تهمت زدن به زن و گناهی آشکار مهر او را  
می‌گیرید؟!

وَكَيْفَ تَأْخُذُونَهُ وَقَدْ أَفْضَى بَعْضُكُمْ إِلَى بَعْضٍ وَأَخَذْنَ  
مِنْكُمْ مِيثَاقًا غَلِيظًا

و چگونه مهر آنان را خواهید گرفت در حالی که هر کدام به  
حق خود رسیده‌اید و آن زنان (مهر را در مقابل عقد زوجیت  
و) عهد محکم از شما گرفته‌اند.

وَلَا تَنْكِحُوا مَا نَكَحَ آبَاؤُكُمْ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا قَدْ  
سَلَفَ إِنَّهُ كَانَ فَحِشَةً وَمَقْتًا وَسَاءَ سَبِيلًا

و نکاح مکنید زن پدر را (بعد از این حکم) الا آنچه از پیش  
کرده‌اید، زیرا این کاری است زشت و مبغوض (خدا) و بد  
راه و رسمی است.

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أُمَّهَاتُكُمْ وَبَنَاتُكُمْ وَأَخَوَاتُكُمْ  
وَعَمَّاتُكُمْ وَخَالَاتُكُمْ وَبَنَاتُ الْأَخِ وَبَنَاتُ الْأُخْتِ  
وَأُمَّهَاتُكُمُ اللَّاتِي أَرْضَعْنَكُمْ وَأَخَوَاتُكُم مِّنَ الرَّضَاعَةِ  
وَأُمَّهَاتُ نِسَائِكُمْ وَرَبِّبَاتِكُمُ اللَّاتِي فِي حُجُورِكُم مِّن  
نِّسَائِكُمُ اللَّاتِي دَخَلْتُم بِهِنَّ فَإِن لَّمْ تَكُونُوا دَخَلْتُم بِهِنَّ  
فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ وَحَلَائِلُ أَبْنَائِكُمُ الَّذِينَ مِنْ  
أَصْلَابِكُمْ وَأَن تَجْمَعُوا بَيْنَ الْأُخْتَيْنِ إِلَّا مَا قَدْ سَلَفَ إِنَّ  
اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَّحِيمًا

حرام شد بر شما (ازدواج با) مادران و دختران و خواهران و  
عمه‌ها و خاله‌ها و دختران برادر و دختران خواهر و مادران  
رضاعی و خواهران رضاعی و مادران زن و دختران زن که در  
دامن شما تربیت شده‌اند اگر با آن زن مباشرت کرده  
باشید، و اگر دخول با آن زن نکرده (طلاق دهید) باکی  
نیست (که با دختر او ازدواج کنید). و نیز حرام شد زن  
فرزندان صلبی و نیز حرام شد جمع میان دو خواهر مگر  
آنچه پیش از نزول این حکم کرده‌اید (که خدا از آن  
درگذشت) که خدا (در حق بندگان) بخشنده و مهربان است.

وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ النِّسَاءِ إِلَّا مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ كِتَابَ  
 اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَأُحِلَّ لَكُمْ مَّا وَرَاءَ ذَٰلِكُمْ أَن تَبْتَغُوا  
 بِأَمْوَالِكُمْ مُحْصِنِينَ غَيْرَ مُسْفِحِينَ فَمَا اسْتَمْتَعْتُمْ بِهِ  
 مِنْهُنَّ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ فَرِيضَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ فِيمَا  
 تَرَاضِيْتُمْ بِهِ مِنْ بَعْدِ الْفَرِيضَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا  
 حَكِيمًا

وَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ مِنْكُمْ طَوْلًا أَن يَنْكِحَ الْمُحْصَنَاتِ  
 الْمُؤْمِنَاتِ فَمِنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّن فَتْيَتِكُمْ  
 الْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَيْمَانِكُمْ بَعْضُكُمْ مِّن بَعْضٍ  
 فَانكِحُوهُنَّ بِإِذْنِ أَهْلِهِنَّ وَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ  
 مُحْصَنَاتٍ غَيْرَ مُسْفِحَاتٍ وَلَا مُتَّخِذَاتِ أَخْدَانٍ فَإِذَا  
 أَحْصِنْتُمْ فَإِنَّ أْتَيْنَ بِفَحِشَةٍ فَعَلَيْهِنَّ نِصْفُ مَا عَلَى  
 الْمُحْصَنَاتِ مِنَ الْعَذَابِ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَشِيَ الْعَنَتَ مِنْكُمْ  
 وَأَن تَصْبِرُوا خَيْرٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

يُرِيدُ اللَّهُ لِيُبَيِّنَ لَكُمْ وَيَهْدِيَكُمْ سُنَنَ الَّذِينَ مِنْ  
 قَبْلِكُمْ وَيَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و نکاح زنان شوهردار نیز (برای شما حرام شد) مگر آن  
 زنانی که (در جنگهای با کفار، به حکم خدا) متصرف شده‌اید.  
 این حکم خدا بر شماست، و هر زنی غیر آنچه ذکر شد شما  
 را حلال است که به مال خود به طریق زناشویی بگیرید نه  
 آنکه زنا کنید، پس چنانچه از آنها بهره‌مند شوید آن مهر  
 معین که حق آنهاست به آنان بپردازید، و باکی نیست بر  
 شما که بعد از تعیین مهر هم به چیزی با هم تراضی کنید (و  
 بدانید که) البته خدا دانا و آگاه است.

و هر که را توانایی آن نباشد که زنان پارسای با ایمان (و  
 آزاد) گیرد پس، از کنیزان مؤمنه که مالک آن شدید به زنی  
 اختیار کند. خدا آگاه‌تر است به (مراتب) ایمان شما که شما  
 اهل ایمان بعضی از جنس بعضی دیگری (و همه مؤمن و در  
 رتبه یکسانید)، پس با کنیزان مؤمنه با اذن مالکشان  
 ازدواج کنید و مهر آنها را به طرز پسندیده بدهید، کنیزانی  
 که عقیف باشند نه زناکار و رفیق و دوست‌باز، پس چون  
 شوهر کردند چنانچه عمل زشتی از آنها سر زند بر آنها نصف  
 عذاب (یعنی حد) زنان پارسای آزاد است. این حکم درباره  
 کسی است که بترسد مبدا به رنج افتد، و صبر کردن برای  
 شما بهتر است، و خدا بخشنده و مهربان است.

خدا می‌خواهد (راه سعادت را) برای شما بیان کند و شما را  
 به آداب (ستوده) آنان که پیش از شما بودند رهبر گردد و  
 بر شما ببخشد، که خدا دانا و به حقایق امور آگاه است.

وَاللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يَتُوبَ عَلَيْكُمْ وَيُرِيدُ الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ  
الشَّهَوَاتِ أَنْ تَمِيلُوا مَيْلًا عَظِيمًا

و خدا می‌خواهد بر شما (به رحمت و مغفرت) بازگشت  
فرماید، و مردم هوسناک پیرو شهوات می‌خواهند که شما  
(از راه حق و رحمت) دور و منحرف گردید.

يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُخَفِّفَ عَنْكُمْ وَخَلَقَ الْإِنْسَانَ ضَعِيفًا

خدا می‌خواهد کار بر شما آسان کند، که انسان ضعیف خلق  
شده است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَأْكُلُوا أَمْوَالَكُم بَيْنَكُم  
بِالْبَاطِلِ إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً عَنْ تَرَاضٍ مِّنْكُمْ وَلَا  
تَقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

ای اهل ایمان، مال یکدیگر را به ناحق مخورید مگر آنکه  
تجارتی باشد که از روی رضا و رغبت کرده (و سودی برید)،  
و یکدیگر را نکشید، که البته خدا به شما بسیار مهربان  
است.

وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ عُدْوَانًا وَظُلْمًا فَسَوْفَ نُصَلِّيهِ نَارًا وَكَانَ  
ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

و هر کس از روی دشمنی و ستمگری چنین کند، پس او را  
به زودی در آتش دوزخ درآوریم، و این کار (انتقام کشیدن  
از ظالمان) برای خدا آسان است.

إِنْ تَجْتَنِبُوا كَبَائِرَ مَا تُنْهَوْنَ عَنْهُ نُكَفِّرْ عَنْكُمْ  
سَيِّئَاتِكُمْ وَنُدْخِلَكُمْ مُدْخَلًا كَرِيمًا

(ای اهل ایمان) چنانکه از گناهان بزرگی که شما را از آن  
نهی کرده‌اند دوری گزینید، ما از گناهان دیگر شما درگذریم  
و شما را به مقامی نیکو برسانیم.

وَلَا تَتَمَنَّوْا مَا فَضَّلَ اللَّهُ بِهِ بَعْضَكُمْ عَلَى بَعْضٍ لِّلرِّجَالِ  
نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبُوا وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِّمَّا أَكْتَسَبْنَ  
وَسَأَلُوا اللَّهَ مِنْ فَضْلِهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

آرزو (و توقع بیجا) در فضیلت و مزیتی که خدا به آن بعضی  
را بر بعضی برتری داده مکنید؛ که هر یک از مرد و زن از  
آنچه اکتساب کنند بهره‌مند شوند. و هر چه می‌خواهید از  
فضل خدا درخواست کنید (نه از خلق) که خدا به همه چیز  
دانا است.

وَلِكُلِّ جَعَلْنَا مَوَالِي مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَالَّذِينَ  
عَقَدْتُمْ أَيْمَانَكُمْ فَعَاتُوهُمْ نَصِيبَهُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَى كُلِّ  
شَيْءٍ شَهِيدًا

و ما برای هر چیزی از آنچه پدر و مادر و خویشان به جای  
گذاشته‌اند وارثانی قرار داده‌ایم، و با هر که عهد و پیمان  
(حقوقی) بسته‌اید بهره آنان را بدهید (و نقض عهد نکنید)  
که خدا بر هر چیز گواه است.

الرِّجَالُ قَوَّامُونَ عَلَى النِّسَاءِ بِمَا فَضَّلَ اللَّهُ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ وَبِمَا أَنْفَقُوا مِنْ أَمْوَالِهِمْ فَالصَّالِحَاتُ قَنَتَاتٌ حَافِظَاتٌ لِّلْغَيْبِ بِمَا حَفِظَ اللَّهُ وَالَّتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ وَأَهْجُرُوهُنَّ فِي الْمَضَاجِعِ وَأَضْرِبُوهُنَّ فَإِنِ اطَّعْنَكُمْ فَلَا تَبْغُوا عَلَيْهِنَّ سَبِيلًا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا كَبِيرًا

۴  
نساء،  
۳۴  
۱۷۶/  
۶۷ ر

وَإِنِ خِفْتُمْ شِقَاقَ بَيْنِهِمَا فَأَبْعَثُوا حَكَمًا مِّنْ أَهْلِهِ وَحَكَمًا مِّنْ أَهْلِهَا إِن يُرِيدَا إِصْلَاحًا يُوَفِّقِ اللَّهُ بَيْنَهُمَا ۗ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا خَبِيرًا

۳۵

وَأَعْبُدُوا اللَّهَ وَلَا تُشْرِكُوا بِهِ شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَبِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْجَارِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَالْجَارِ الْجُنُبِ وَالصَّاحِبِ بِالْجَنبِ وَابْنِ السَّبِيلِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ مَن كَانَ مُخْتَالًا فَخُورًا

۳۶  
حزب  
۳۴

الَّذِينَ يَبْخُلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ وَيَكْتُمُونَ مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُّهِينًا

۳۷

مردان را بر زنان تسلط و حق نگهبانی است به واسطه آن برتری که خدا برای بعضی بر بعضی مقرر داشته و هم به واسطه آنکه مردان از مال خود نفقه دهند، پس زنان شایسته مطیع شوهران و در غیبت آنان حافظ (حقوق آنها) باشند از آن رو که خدا هم (حقوق زنان را) حفظ فرموده است. و زنانی که از نافرمانی آنان (در حقوق همسری) بیمناکید باید نخست آنان را موعظه کنید و (اگر مطیع نشدند) از خوابگاه آنان دوری گزینید و (اگر باز مطیع نشدند) آنان را به زدن تنبیه کنید، چنانچه اطاعت کردند دیگر راهی بر آنها مجوید، که همانا خدا بزرگوار و عظیم الشأن است.

و چنانچه بیم آن دارید که نزاع سخت بین آنها پدید آید، از طرف کسان مرد و کسان زن داوری برگزینید، که اگر مقصود اصلاح داشته باشند خدا میان ایشان موافقت و سازگاری برقرار کند، که خدا دانا و آگاه است.

و خدای یکتا را پرستید و هیچ چیزی را شریک وی نگیرید و نسبت به پدر و مادر و خویشان و یتیمان و فقیران و همسایه دور و نزدیک و دوستان موافق و رهگذران و بندگان که زیردست تصرف شمایند نیکی کنید، که خدا مردم متکبر خودپسند را دوست ندارد.

همان گروه که بخل می‌ورزند و مردم را به بخل وادار می‌کنند و آنچه را که خدا از فضل خود به آنها بخشیده (از آیات و احکام آسمانی) کتمان می‌کنند. و ما برای کافران عذابی خوارکننده مهیا داشته‌ایم.

وَالَّذِينَ يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ رِئَاءَ النَّاسِ وَلَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَكُنِ الشَّيْطَانُ لَهُ وَ قَرِينًا فَسَاءَ قَرِينًا

و هم آنان که اموال خود را به قصد ریا و خودنمایی به مردم می‌بخشند و به خدا و روز قیامت نمی‌گروند. و هر که را شیطان یار است بسیار بد یاری است.

وَمَاذَا عَلَيْهِمْ لَوْ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَنْفَقُوا مِمَّا رَزَقَهُمُ اللَّهُ وَكَانَ اللَّهُ بِهِمْ عَلِيمًا

چه زبانی به آنها می‌رسید اگر به خدا و روز قیامت ایمان آورده و از بهره‌ای که خدا به آنان داده چیزی انفاق می‌کردند؟! و خدا به (احوال و نیات) آنان دانا است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ وَإِنْ تَكَ حَسَنَةً يُّضَعِفْهَا وَيُؤْتِ مِنْ لَدُنْهُ أَجْرًا عَظِيمًا

خداوند به مقدار ذره‌ای به کسی ستم نکند، و اگر عمل نیکی باشد زیاد گرداند و (به نیکان) جانب خود مزدی بزرگ عطا کند.

فَكَيْفَ إِذَا جِئْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ بِشَهِيدٍ وَجِئْنَا بِكَ عَلَى هَؤُلَاءِ شَهِيدًا

پس چگونه است (حال آنان) آن‌گاه که از هر طایفه‌ای گواهی آریم و تو را بر این امت به گواهی خواهیم؟

يَوْمَئِذٍ يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَعَصَوُا الرَّسُولَ لَوْ تُسَوَّىٰ بِهِمُ الْأَرْضُ وَلَا يَكْتُمُونَ اللَّهَ حَدِيثًا

در آن روز آنان که به راه کفر رفته و نافرمانی رسول کردند آرزو کنند که ای کاش با خاک زمین یکسان بودند، و از خدا سخنی پنهان نتوانند کرد.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَرَىٰ حَتَّىٰ تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ وَلَا جُنُبًا إِلَّا عَابِرِي سَبِيلٍ حَتَّىٰ تَغْتَسِلُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَايِبِ أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَفُورًا غَفُورًا

ای اهل ایمان، هرگز در حال مستی به نماز نیایید تا بدانید چه می‌گویید (و چه می‌کنید) و نه در حال جنابت (به مساجد آیید) مگر آنکه رهگذر باشید تا وقتی که غسل کنید. و اگر بیمار بودید یا آنکه در سفر باشید یا قضاء حاجتی دست داده باشد یا با زنان مباشرت کرده‌اید و آب برای تطهیر و غسل نیافتید پس به خاک پاک تیمم کنید، آن‌گاه صورت و دستها را (بدان) مسح کنید، که خدا بخشنده و آمرزنده است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يَشْتَرُونَ الضَّلَالََةَ وَيُرِيدُونَ أَنْ تَضِلُّوا السَّبِيلَ

آیا ندیدی و ننگریستی به (حال) آنان که اندک بهره‌ای از علم کتاب یافتند که خریدار ضلالت هستند و همی خواهند که شما (اهل ایمان) نیز گمراه شوید؟!!

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِأَعْدَائِكُمْ وَكَفَى بِاللَّهِ وَلِيًّا وَكَفَى بِاللَّهِ نَصِيرًا

و خدا داناتر است به دشمنان شما، و همین بس که خدا دوستدار و یاور (شما) باشد.

مِنَ الَّذِينَ هَادُوا يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهِ وَيَقُولُونَ سَمِعْنَا وَعَصَيْنَا وَأَسْمَعُ غَيْرَ مُسْمِعٍ وَرَاعِنَا لَيًّا بِالسِّنْتِهِمْ وَطَعْنَا فِي الدِّينِ وَلَوْ أَنَّهُمْ قَالُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَأَسْمَعُ وَأَنْظُرْنَا لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَقْوَمَ وَلَٰكِن لَّعَنَهُمُ اللَّهُ بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا

گروهی از یهود کلمات (خدا) را از جای خود تغییر داده و گویند: (فرمان خدا را) شنیدیم و (از آن) سرپیچیم و (به جسارت گویند) بشنو که (کاش) ناشنوا باشی؛ و گویند ما را رعایت کن. و گفتار ایشان زبان‌بازی و طعنه و تمسخر به دین است. و اگر (به احترام) می‌گفتند که ما (فرمان حق را) شنیدیم و (تو را) اطاعت کنیم و تو نیز (سخن ما) بشنو و به حال ما بنگر، هر آینه آنان را نیکوتر بود و به صواب نزدیکتر، لیکن چون کافر شدند خدا آنها را لعنت کرد، و به جز اندکی ایمان نخواهند آورد.

يَتَّيْنُهَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ ءَامِنُوا بِمَا نَزَّلْنَا مُصَدِّقًا لِّمَا مَعَكُمْ مِّن قَبْلِ أَنْ نَطْمِسَ وُجُوهًا فَنَرُدَّهَا عَلَىٰ أَدْبَارِهَا أَوْ نَلْعَنَهُمْ كَمَا لَعَنَّا أَصْحَابَ السَّبْتِ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

ای کسانی که به شما کتاب آسمانی داده شد، به قرآنی که فرستادیم که مصدق تورات و انجیل شماست ایمان آورید پیش از آنکه بر چهره‌هایی (از اثر ضلالت) خط خذلان کشیم و آنها را واژگون کنیم یا مانند اصحاب سبت بر آنها لعنت و عذاب فرستیم، و (بترسید که) قضای خدا واقع‌شدنی است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَنْ يَشَاءُ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدِ افْتَرَىٰ إِثْمًا عَظِيمًا

محققاً خدا گناه شرک را نخواهد بخشید و سوای شرک را برای هر که خواهد می‌بخشد، و هر کس که شرک به خدا آورد به دروغی که بافته گناهی بزرگ مرتکب شده است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُزَكُّونَ أَنفُسَهُمْ بَلِ اللَّهُ يُزَكِّي مَن يَشَاءُ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا

نمی‌بینی آنان را که دعوی پاکدلی کنند؟ خداست که هر که را خواهد از رذائل پاک و منزه دارد، و به قدر فتیلی (رشته خرما) به کسی ستم نشود.

أَنْظُرْ كَيْفَ يَقْتُرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَكَفَىٰ بِهِ إِثْمًا مُّبِينًا

بنگر چگونه بر خدا دروغ می‌بافند! و همین (افترا) بس گناهی آشکار است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ أُوتُوا نَصِيبًا مِّنَ الْكِتَابِ يُؤْمِنُونَ بِالْجِبْتِ وَالطَّاغُوتِ وَيَقُولُونَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا هَؤُلَاءِ أَهْدَىٰ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا سَبِيلًا

ندیدی آنان که بهره‌ای از کتاب آسمانی داشتند (یعنی جهودان) چگونه به (بتان) جبت و طاغوت می‌گروند و درباره کافران مشرک می‌گویند که راه آنان به صواب نزدیکتر از طریقه اهل ایمان است؟!

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَعَنَهُمُ اللَّهُ وَمَنْ يَلْعَنِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ  
نَصِيرًا

این گروهند که خدا آنان را لعنت کرد، و هر که را خدا لعن کند دیگر مددکار و یاورى برای او نتوانى یافت.

أَمْ لَهُمْ نَصِيبٌ مِنَ الْمُلْكِ فَإِذَا لَا يُؤْتُونَ النَّاسَ نَقِيرًا

مگر آنان که از احسان به خلق به هسته خرمایی بخل می‌ورزند بهره‌ای از ملک خدا خواهند یافت؟

أَمْ يَحْسُدُونَ النَّاسَ عَلَى مَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ فَقَدْ  
آتَيْنَا آلَ إِبْرَاهِيمَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَاتَيْنَاهُمْ مُلْكًا  
عَظِيمًا

بلکه حسد می‌ورزند با مردم (یعنی پیامبر و مسلمین) چون آنها را خدا به فضل خود برخوردار نمود. که البته ما به آل ابراهیم کتاب و حکمت دادیم و به آنها ملک و سلطنتی بزرگ عطا کردیم.

فَمِنْهُمْ مَنْ آمَنَ بِهِءِ وَمِنْهُمْ مَنْ صَدَّ عَنْهُ وَكَفَىٰ بِجَهَنَّمَ  
سَعِيرًا

آن‌گاه برخی بدو گرویدند و برخی مانع ایمان به او شدند؛ پس (آنان را) کیفر آتش افروخته دوزخ بس است.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا سَوْفَ نُصَلِّيهِمْ نَارًا كَلَّمَآ  
نَضِجَتْ جُلُودُهُمْ بَدَلْنَاهُمْ جُلُودًا غَيْرَهَا لِيَذُوقُوا الْعَذَابَ  
إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَزِيزًا حَكِيمًا

آنان که به آیات ما کافر شدند به زودی در آتش دوزخشان درافکنیم که هر چه پوست تن آنها بسوزد آنان را پوست دیگری جایگزین کنیم تا (سختی) عذاب را بچشند، که همانا خدا مقتدر و کارش از روی حکمت است.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا لَهُمْ فِيهَا أَرْوَاحٌ  
مُطَهَّرَةٌ وَنُدْخِلُهُمْ ظِلًّا ظَلِيلًا

آنان را که ایمان آوردند و نیکوکار شدند به زودی در بهشتی درآوریم که نهرها از زیر درختانش جاری است و در آن زندگانی جاوید کنند و برای آنها در بهشت جفتهای پاکیزه است و آنان را به سایه رحمت ابدی خود درآوریم.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَنْ تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا وَإِذَا  
حَكَمْتُمْ بَيْنَ النَّاسِ أَنْ تَحْكُمُوا بِالْعَدْلِ إِنَّ اللَّهَ نِعِمَّا  
يَعْظُمُكُمْ بِهِءِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ سَمِيعًا بَصِيرًا

همانا خدا به شما امر می‌کند که امانتها را به صاحبانش باز دهید و چون حاکم بین مردم شوید به عدالت داوری کنید. همانا خدا شما را پند نیکو می‌دهد، که خدا شنوا و بیناست.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأُولِي  
الْأَمْرِ مِنْكُمْ فَإِن تَنَزَعْتُمْ فِي شَيْءٍ فَرُدُّوه إِلَى اللَّهِ  
وَالرَّسُولِ إِن كُنتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ذَلِكَ خَيْرٌ  
وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

ای اهل ایمان، فرمان خدا و رسول و فرمانداران (از طرف خدا و رسول) که از خود شما هستند اطاعت کنید، پس اگر در چیزی کار به نزاع کشد آن را به حکم خدا و رسول بازگردانید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید. این کار برای شما بهتر و خوش‌عاقبت‌تر خواهد بود.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يَزْعُمُونَ أَنَّهُمْ ءَامَنُوا بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا  
أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ يُرِيدُونَ أَنْ يَتَحَاكَمُوا إِلَى الطَّاغُوتِ وَقَدْ  
أُمِرُوا أَنْ يَكْفُرُوا بِهِ ۗ وَيُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُضِلَّهُمْ ضَلَالًا  
بَعِيدًا

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ رَأَيْتَ  
الْمُنَافِقِينَ يُصَدُّونَ عَنْكَ صُدُودًا

فَكَيْفَ إِذَا أَصَابَتْهُمُ مُصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ ثُمَّ  
جَاءُوكَ يَخْفُونَ بِاللَّهِ إِنَّ أَرْدَنَّا إِلَّا إِحْسَنًا وَتَوْفِيقًا

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ  
وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَسُولٍ إِلَّا لِيُطَاعَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ  
ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ جَاءُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللَّهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمْ  
الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللَّهَ تَوَّابًا رَحِيمًا

فَلَا وَرَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ حَتَّىٰ يُحَكِّمُوكَ فِي مَا شَجَرَ بَيْنَهُمْ ثُمَّ  
لَا يَجِدُوا فِي أَنفُسِهِمْ حَرَجًا مِّمَّا قَضَيْتَ وَيُسَلِّمُوا تَسْلِيمًا

آیا ننگری به حال آنان که به گمان (و دعوی) خود ایمان به  
قرآن تو و کتبی که پیش از تو فرستاده شده آورده‌اند،  
چگونه باز می‌خواهند داوری به طاغوت برند در صورتی که  
مأمورند که به طاغوت کافر شوند؟! و شیطان خواهد که آنان  
را گمراه کند گمراهی دور (از هر سعادت).

و چون به آنها گفته شود که به حکم خدا و رسول بازآیید،  
گروه منافق را بینی که مردم را از گرویدن به تو منع  
می‌کنند.

پس چگونه خواهد بود (حال آنها) چون مصیبتی از کردار  
زشت خود به آنان رسد؟ آن‌گاه نزد تو آیند و به خدا سوگند  
خورند که ما (در کار خود) قصدی جز نیکویی و موافقت  
نداشتیم!

اینانند که خدا از قلب آنها آگاه است، تو (ای رسول) از آنان  
روی بگردان و آنها را نصیحت کن و به گفتار دلنشین و مؤثر  
با ایشان سخن بگو.

ما رسولی نفرستادیم مگر بر این مقصود که خلق به امر خدا  
اطاعت او کنند. و اگر هنگامی که آنان (گروه منافق) بر خود  
ستم کردند به تو رجوع می‌کردند و از کردار خود به خدا  
توبه نموده و تو هم برای آنها استغفار می‌کردی و از خدا  
آمرزش می‌خواستی، در این حال البته خدا را توبه‌پذیر و  
مهربان می‌یافتند.

نه چنین است، قسم به خدای تو که اینان (به حقیقت) اهل  
ایمان نمی‌شوند مگر آنکه در خصومت و نزاعشان تنها تو را  
حکم کنند و آن‌گاه به هر حکمی که کنی اعتراض نداشته،  
کاملاً (از دل و جان) تسلیم (فرمان تو) باشند.



وَلَوْ أَنَّا كَتَبْنَا عَلَيْهِمْ أَنْ اقْتُلُوا أَنْفُسَكُمْ أَوْ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِكُمْ مَا فَعَلُوهُ إِلَّا قَلِيلٌ مِّنْهُمْ وَلَوْ أَنَّهُمْ فَعَلُوا مَا يُوعَظُونَ بِهِ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَأَشَدَّ تَثْبِيتًا

وَإِذَا لَا تَأْتِيَهُمْ مِّنْ لَّدُنَّا أَجْرًا عَظِيمًا

وَأَهْدِيَنَّهُمْ صِرَاطًا مُّسْتَقِيمًا

وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَالرَّسُولَ فَأُولَئِكَ مَعَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ وَالصِّدِّيقِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصَّالِحِينَ وَحَسُنَ أُولَئِكَ رَفِيقًا

ذَٰلِكَ الْفَضْلُ مِنَ اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ عَليمًا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا خُذُوا حِذْرَكُمْ فَانفِرُوا ثُبَاتٍ أَوْ انفِرُوا جَمِيعًا

وَإِنَّ مِنْكُمْ لَمَنْ لَّيَبْطِئَنَّ فَإِنْ أَصَابَكُمْ مُّصِيبَةٌ قَالْ قَدْ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيَّ إِذْ لَمْ أَكُنْ مَعَهُمْ شَهِيدًا

وَلَئِنْ أَصَابَكُمْ فَضْلٌ مِّنَ اللَّهِ لَيَقُولَنَّ كَأَنْ لَّمْ تَكُنْ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُ مَوَدَّةٌ يَلْبِئْتَنِي كُنْتُ مَعَهُمْ فَأَفُوزَ فَوْزًا عَظِيمًا

فَلْيُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ الَّذِينَ يَشْرُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا بِالْآخِرَةِ وَمَنْ يُقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيُقْتَلْ أَوْ يَغْلِبْ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

و اگر ما به آنها حکم می‌کردیم که خود (یعنی یکدیگر) را بکشید یا از دیار خود (برای جهاد) بیرون روید به جز اندکی اطاعت امر نمی‌کردند، و اگر به آنچه پندشان می‌دهند عمل می‌کردند البته نیکوتر و کاری محکم و با اساس‌تر برای آنها بود.

و در آن صورت محققا ما آنها را از نزد خود مزدی بزرگ (به پاداش طاعت) عطا می‌کردیم.

و بیشک آنان را به راه راست هدایت می‌نمودیم.

و آنان که اطاعت خدا و رسول کنند البته با کسانی که خدا به آنها لطف فرموده یعنی با پیغمبران و صدیقان و شهیدان و نیکوکاران محشور خواهند شد، و اینان نیکو رفیقانی هستند.

این فضل و بخشش از سوی خداست، و علم (ازلی) خدا کفایت کند.

ای اهل ایمان سلاح جنگ بگیرید و آنگاه دسته دسته یا همه یکباره متفق (برای جهاد) بیرون روید.

و همانا گروهی از شما (در کار جنگ) کندی و درنگ می‌کنند، اگر برای شما حادثه ناگواری پیش آید (به شماست) گویند: خدا ما را مورد لطف خود قرار داد که با آنان حاضر نشدیم.

و اگر فضل خدا شامل حال شما گردد آن‌چنان که گویی میان شما و آنان ابدأ دوستی نبوده (با تأسف) گویند: ای کاش ما نیز با آنان به جهاد رفته بودیم تا (از غنیمت) نصیب فراوان می‌بردیم.

پس کسانی باید در راه خدا جهاد کنند که (دست از جان شسته‌اند و) زندگی این جهان را به آن جهان می‌فروشند. و هر کس در راه خدا جهاد کند و کشته شود یا فاتح گردد، زود باشد که او را اجر عظیم دهیم.

وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ الَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْ هَذِهِ الْقَرْيَةِ الظَّالِمِ أَهْلُهَا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا وَاجْعَل لَنَا مِنْ لَدُنْكَ نَصِيرًا

چرا در راه خدا جهاد نمی‌کنید و در راه (آزادی) جمعی ناتوان از مرد و زن و کودک که (در مکه اسیر ظلم کفارند و) دائم می‌گویند: بار خدایا، ما را از این شهری که مردمش ستمکارند بیرون آر و از جانب خود برای ما (بیچارگان) نگهدار و یاور فرست.

الَّذِينَ ءَامَنُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ الطَّاغُوتِ فَقَاتِلُوا أَوْلِيَاءَ الشَّيْطَانِ إِنَّ كَيْدَ الشَّيْطَانِ كَانَ ضَعِيفًا

اهل ایمان در راه خدا، و کافران در راه طاغوت (شیطان) جهاد می‌کنند، پس (شما مؤمنان) با دوستان شیطان بجنگید (و از آنها بیم و اندیشه مکنید) که مکر و سیاست شیطان بسیار سست و ضعیف است.

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ قِيلَ لَهُمْ كُفُّوا أَيْدِيَكُمْ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ فَلَمَّا كُتِبَ عَلَيْهِمُ الْقِتَالُ إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ يَخْشَوْنَ النَّاسَ كَخَشْيَةِ اللَّهِ أَوْ أَشَدَّ خَشْيَةً وَقَالُوا رَبَّنَا لِمَ كَتَبْتَ عَلَيْنَا الْقِتَالَ لَوْلَا أَخَّرْتَنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ قُلْ مَتَاعُ الدُّنْيَا قَلِيلٌ وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ لِمَنِ اتَّقَىٰ وَلَا تُظْلَمُونَ فَتِيلًا

آیا نمی‌نگری به حال مردمی که (گفتند: به ما اجازه جنگ ده (و) به آنها گفته شد: اکنون از جنگ خودداری کرده، به نماز و زکات قیام کنید؛ پس آن‌گاه که بر آنها حکم جهاد آمد در آن هنگام گروهی از آنان به همان اندازه که باید از خدا ترسند یا بیش از آن، از مردم ترسیدند و گفتند: ای خدا، چرا بر ما حکم جنگ را فرض کردی؟ چرا عمر ما را تا اجل نزدیک طبیعی به تأخیر نیفکندی؟ بگو: زندگانی دنیا متاعی اندک است و جهان آخرت برای هر کس که خداترس باشد بهتر از دنیاست، و (در آنجا) کمترین ستمی به شما نخواهد شد.

أَيُّنَمَا تَكُونُوا يُدْرِكْكُمُ الْمَوْتُ وَلَوْ كُنْتُمْ فِي بُرُوجٍ مُّشِيدَةٍ وَإِنْ تُصِبْهُمْ حَسَنَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَإِنْ تُصِبْهُمْ سَيِّئَةٌ يَقُولُوا هَذِهِ مِنْ عِنْدِكَ قُلْ كُلُّ مَنْ عِنْدَ اللَّهِ فَمَالٍ هَوَآءٍ أَلقَوْمِ لَا يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ حَدِيثًا

هر کجا باشید اگر چه در کاخهای بسیار محکم، شما را مرگ فرا رسد. و آنان را اگر خوشی و نعمتی فرا رسد گویند: این از جانب خداست، و اگر زحمتی پیش آید گویند: این از جانب توست! بگو: همه از جانب خدا است. چرا این قوم (جاهل) از فهم هر سخن دورند؟!

مَا أَصَابَكَ مِنْ حَسَنَةٍ فَمِنَ اللَّهِ وَمَا أَصَابَكَ مِنْ سَيِّئَةٍ فَمِنَ نَفْسِكَ وَأَرْسَلْنَاكَ لِلنَّاسِ رَسُولًا وَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا

هر چه از انواع نیکویی به تو رسد از جانب خداست و هر بدی رسد از خود توست، و ما تو را به رسالت برای مردم فرستادیم، و تنها گواهی خدا کافی است.

مَنْ يُطِيعِ الرَّسُولَ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهَ وَمَنْ تَوَلَّىٰ فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا

هر که رسول را اطاعت کند خدا را اطاعت کرده، و هر که مخالفت کند (کیفر مخالفتش با خداست و) ما تو را به نگهبانی آنها نفرستاده‌ایم.

و (منافقان، روز) نزد تو به زبان اظهار فرمانبرداری کنند و چون از حضور تو دور شوند شبانه گروهی خلاف گفته تو را در دل گیرند، و خدا اندیشه شبانه آنها را خواهد نوشت. پس (ای پیغمبر) از آنها روی بگردان و به خدا اعتماد کن، که تنها خدا تو را نگهبان کافی است.

وَيَقُولُونَ طَاعَةٌ فَإِذَا بَرَزُوا مِنْ عِنْدِكَ بَيَّتَ طَائِفَةٌ مِّنْهُمْ غَيْرَ الَّذِي تَقُولُ وَاللَّهُ يَكْتُبُ مَا يُبَيِّتُونَ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

۸۱

آیا در قرآن از روی فکر و تأمل نمی‌نگرند؟ و اگر از جانب غیر خدا بود در آن اختلافی بسیار می‌یافتند.

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُرْعَانَ وَلَوْ كَانَ مِنْ عِنْدِ غَيْرِ اللَّهِ لَوَجَدُوا فِيهِ اخْتِلَافًا كَثِيرًا

۸۲

و (منافقان) چون امری به آنان برسد که باعث ایمنی یا ترس (مسلمین) است (و باید پنهان داشت) آن را منتشر می‌سازند، در صورتی که اگر آن را به رسول و به صاحبان حکم که از خودشان هستند گزارش می‌دادند همانا آنان که اهل بصیرتند در آن واقعه صلاح‌اندیشی می‌کردند. و اگر نه این بود که فضل خدا شامل حال شماست، همانا به جز اندکی همه شیطان را پیروی می‌کردید.

وَإِذَا جَاءَهُمْ أَمْرٌ مِنَ الْأَمْنِ أَوْ الْخَوْفِ أَذَاعُوا بِهِ وَلَوْ رَدُّوهُ إِلَى الرَّسُولِ وَإِلَىٰ أُولِي الْأَمْرِ مِنْهُمْ لَعَلِمَهُ الَّذِينَ يَسْتَنْبِطُونَهُ مِنْهُمْ وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ لَاتَّبَعْتُمُ الشَّيْطَانَ إِلَّا قَلِيلًا

۸۳

پس (ای پیغمبر) تو خود تنها در راه خدا به کارزار برخیز، که جز بر خودت مکلف نیستی و مؤمنان را نیز ترغیب کن، باشد که خدا آسیب کافران را از شما بازدارد، که قدرت خدا بیشتر و عذابش سخت‌تر است.

فَقَاتِلْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا تُكَلَّفُ إِلَّا نَفْسَكَ وَحَرِّضْ الْمُؤْمِنِينَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَكُفَّ بَأْسَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَاللَّهُ أَشَدُّ بَأْسًا وَأَشَدُّ تَنكِيلًا

۸۴

هر که سبب کار نیکویی شود هم او نصیبی کامل از آن برد، و هر که وسیله کار قبیحی گردد از آن سهمی بسزا خواهد یافت، و خدا بر همه چیز (از نیک و بد اعمال خلق) مراقبی تواناست.

مَنْ يَشْفَعْ شَفْعَةً حَسَنَةً يَكُنْ لَهُ نَصِيبٌ مِّنْهَا وَمَنْ يَشْفَعْ شَفْعَةً سَيِّئَةً يَكُنْ لَهُ كِفْلٌ مِّنْهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقِيتًا

۸۵

هر گاه شما را تحیت و سلامی گفتند شما نیز باید به تحیت و سلامی بهتر از آن یا مانند آن پاسخ دهید، که خدا به حساب هر چیزی کاملاً خواهد رسید.

وَإِذَا حُيِّتُمْ بِتَحِيَّةٍ فَحَيُّوا بِأَحْسَنَ مِنْهَا أَوْ رُدُّوهَا إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ حَسِيبًا

۸۶

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ حَدِيثًا

فَمَا لَكُمْ فِي الْمُنَافِقِينَ فِئَتَيْنِ وَاللَّهُ أَرْكَسَهُمْ بِمَا كَسَبُوا أَتُرِيدُونَ أَنْ تَهْدُوا مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَنْ يُضِلِّ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

وَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ كَمَا كَفَرُوا فَتَكُونُونَ سَوَاءً فَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ أَوْلِيَاءَ حَتَّى يُهَاجِرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ وَجَدْتُمُوهُمْ وَلَا تَتَّخِذُوا مِنْهُمْ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

إِلَّا الَّذِينَ يَصِلُونَ إِلَى قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ أَوْ جَاءُوكُمْ حَصِرَتْ صُدُورُهُمْ أَنْ يَقْتُلُوكُمْ أَوْ يُقْتَلُوا قَوْمَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَسَلَّطَهُمْ عَلَيْكُمْ فَلَقَاتِلُوكُمْ فَإِنْ اعْتَزَلُوكُمْ فَلَمْ يُقَاتِلُوكُمْ وَالْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ فَمَا جَعَلَ اللَّهُ لَكُمْ عَلَيْهِمْ سَبِيلًا

سَتَجِدُونَ ءَاخِرِينَ يُرِيدُونَ أَنْ يَأْمَنُوكُمْ وَيَأْمَنُوا قَوْمَهُمْ كُلًّا مَا رُدُّوا إِلَى الْفِتْنَةِ أُرْكَسُوا فِيهَا فَإِنْ لَمْ يَعْتَزِلُوكُمْ وَيُلْقُوا إِلَيْكُمُ السَّلَامَ وَيَكْفُرُوا أَيْدِيَهُمْ فَخُذُوهُمْ وَأَقْتُلُوهُمْ حَيْثُ ثَقِفْتُمُوهُمْ وَأُولَئِكَ جَعَلْنَا لَكُمْ عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا مُبِينًا

خداى یگانه، هیچ خدایى جز او نیست؛ محققاً همه شما را در روز قیامت که شک در آن نیست جمع آورد، و کیست که راستتر از خدا سخن گوید؟

چرا شما درباره منافقین دو فرقه شدید؟ با آنکه خدا آنها را به کیفر اعمال زشتشان (به حکم کفار) بازگرداند، آیا شما می‌خواهید کسی را که خدا گمراه کرده هدایت کنید؟ در حالی که هر که را خدا گمراه کرد (یعنی هدایت خدا را نپذیرفت) هرگز تو بر هدایت او راهی نخواهی یافت.

(کافران) آرزو کنند که شما (مسلمین) هم به مانند آنها کافر شوید تا همه برابر (در کفر) باشید. پس از آنان تا در راه خدا هجرت نکنند دوست نگیرید، و اگر مخالفت کردند آنها را در هر کجا یافتید به قتل رسانید و از آنها یاور و دوستی نباید اختیار کنید.

مگر کسانی که به قومی که بین شما با آنها عهد و پیمانی است در پیوسته باشند یا (بر این عهد نزد شما آیند) که از جنگ با شما و با قوم خودشان (که دشمنان شما هستند) هر دو خودداری کنند و از جنگ دل‌تنگ باشند، (با این دو طایفه از کافران که در حقیقت به شما پناهنده‌اند نباید قتال کنید.) و اگر خدا می‌خواست آنها را بر شما مسلط می‌کرد تا با شما قتال می‌کردند، پس هر گاه از شما کناره گرفتند و با شما نجنگیدند و تسلیم شما شدند خدا برای شما راهی بر علیه آنها نگشوده است.

گروهی دیگر را خواهید یافت که می‌خواهند از شما و از قوم خود ایمنی یابند، هرگاه که راه فتنه‌گری بر آنها باز شود به کفر خود بازگردند. پس اگر از شما کناره نگرفتند و تسلیم شما نشدند و از اذیت شما دست نکشیدند در این صورت آنها را هر جا یافتید بگیرید و به قتل رسانید، ما شما را بر (جان و مال) این گروه تسلطی کامل بخشیدیم.

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ أَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا إِلَّا خَطَاً وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا  
 خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ إِلَّا أَنْ  
 يَصَّدَّقُوا فَإِنْ كَانَ مِنَ قَوْمٍ عَدُوٍّ لَكُمْ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَتَحْرِيرُ  
 رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَإِنْ كَانَ مِنَ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِيثَاقٌ  
 فَدِيَةٌ مُسَلَّمَةٌ إِلَىٰ أَهْلِهِ وَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ  
 فَصِيَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِّنَ اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا  
 حَكِيمًا

وَمَنْ يَقتُلَ مُؤْمِنًا مُتَعَمِّدًا فَجَزَاؤُهُ جَهَنَّمُ خَالِدًا فِيهَا  
 وَغَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَلَعَنَهُ وَأَعَدَّ لَهُ عَذَابًا عَظِيمًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا ضَرَبْتُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَتَبَيَّنُوا وَلَا  
 تَقُولُوا لِمَنْ أَلْفَىٰ إِلَيْكُمْ أَلْسَلَمَ لَسْتَ مُؤْمِنًا تَبَتُّعُونَ  
 عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ مَغَانِمٌ كَثِيرَةٌ كَذَلِكَ كُنْتُمْ  
 مِّن قَبْلُ فَمَنْ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَتَبَيَّنُوا إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا  
 تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

هیچ مؤمنی را نرسد که مؤمن دیگری را به قتل رساند مگر آنکه به اشتباه و خطا مرتکب آن شود، و در صورتی که به خطا هم مؤمنی را مقتول ساخت باید (به کفار آن) بنده مؤمنی را آزاد کند و خونهای آن را به صاحبش تسلیم نماید مگر آنکه دیه را ورثه (به قاتل) ببخشند. و اگر مقتول مؤمن از قومی باشد که با شما دشمن و محاربند، قاتل دیه ندهد، لیکن بر او است که بنده مؤمنی را آزاد کند، و اگر مقتول از قومی است که بین شما با آنها پیمان برقرار بوده پس خونها را به صاحب خون پرداخته و بنده مؤمنی (به کفار آن) آزاد کند، و اگر (بنده‌ای) نیابد بایستی دو ماه متوالی روزه دارد. این توبه‌ای است که از طرف خدا پذیرفته است و خدا دانا و حکیم است.

و هر کس مؤمنی را به عمد بکشد مجازات او (آتش) جهنم است، که در آن جاوید (معدّب) خواهد بود و خدا بر او خشم و لعن کند و عذابی بسیار شدید بر او مهیا سازد.

ای اهل ایمان، چون در راه خدا (برای جهاد با کفار) بیرون روید (در کار دشمن) تحقیق و جستجو کنید و به آن کس که اظهار اسلام کند و به شما سر تسلیم فرود آورد نسبت کفر مدهید تا (مال و جانش را بر خود حلال کنید و) از متاع ناچیز دنیا چیزی غنیمت برید، که غنایم بی‌شمار نزد خداست. اسلام شما هم اول امر همچنین اظهار و تسلیمی بیش نبود تا وقتی که خدا بر شما منت گذاشت، پس اکنون باید تحقیق کنید که خدا به هر چه کنید آگاه است.

لَا يَسْتَوِي الْقَاعِدُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ غَيْرُ أُولِي الضَّرَرِ  
وَالْمُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فَضَّلَ اللَّهُ  
الْمُجَاهِدِينَ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ عَلَى الْقَاعِدِينَ دَرَجَةً وَكُلًّا  
وَعَدَ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ وَفَضَّلَ اللَّهُ الْمُجَاهِدِينَ عَلَى الْقَاعِدِينَ  
أَجْرًا عَظِيمًا

دَرَجَاتٍ مِّنْهُ وَمَغْفِرَةً وَرَحْمَةً وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

إِنَّ الَّذِينَ تَوَفَّيْتُمُ الْمَلَائِكَةَ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ قَالُوا فِيمَ  
كُنْتُمْ قَالُوا كُنَّا مُسْتَضْعَفِينَ فِي الْأَرْضِ قَالُوا أَلَمْ تَكُنْ  
أَرْضَ اللَّهِ وَسِعَةً فَتُهَاجِرُوا فِيهَا فَأُولَئِكَ مَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ  
وَسَاءَتْ مَصِيرًا

إِلَّا الْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانَ لَا  
يَسْتَطِيعُونَ حِيلَةً وَلَا يَهْتَدُونَ سَبِيلًا

فَأُولَئِكَ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَعْفُوَ عَنْهُمْ وَكَانَ اللَّهُ عَفُورًا  
غَفُورًا

وَمَنْ يُهَاجِرْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يَجِدْ فِي الْأَرْضِ مُرَاعِمًا كَثِيرًا  
وَسِعَةً وَمَنْ يَخْرُجْ مِنْ بَيْتِهِ مُهَاجِرًا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ  
يُدْرِكُهُ الْمَوْتُ فَقَدْ وَقَعَ أَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا  
رَّحِيمًا

وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ  
تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنَّ خِفْتُمْ أَنْ يُفْتِنَكُمْ الَّذِينَ  
كَفَرُوا إِنَّ الْكَافِرِينَ كَانُوا لَكُمْ عَدُوًّا مُّبِينًا

هرگز مؤمنانی که بدون عذر از جهاد بازنشستند با آنان که  
به مال و جان در راه خدا جهاد کنند یکسان نخواهند بود،  
خدا مجاهدان (فداکار) به مال و جان را بر بازنشستگان (از  
جهاد) بلندی و برتری بخشیده و همه (اهل ایمان) را وعده  
پاداش نیکو فرموده، و خداوند مجاهدان را بر بازنشستگان  
به اجر و ثوابی بزرگ برتری داده است.

(این) درجات و بخشایش و رحمت اوست و خدا آمرزنده و  
مهربان است.

آنان که فرشتگان، جانشان را در حالی که ظالم به خود  
بوده‌اند می‌گیرند، از آنها پرسند که در چه کار بودید؟ پاسخ  
دهند که ما در روی زمین مردمی ضعیف و ناتوان بودیم.  
فرشتگان گویند: آیا زمین خدا پهناور نبود که در آن هجرت  
کنید؟! و ماوای ایشان جهنم است و آن بد جایگاه بازگشتی  
است.

مگر آن گروه از مردان و زنان و کودکان که ناتوان بودند و  
گریز و چاره‌ای برایشان میسر نبود و راهی (به نجات خود)  
نمی‌یافتند.

آنها امیدوار به عفو و بخشش خدا باشند، که خدا گناهشان  
را می‌بخشد و خدا بخشنده و آمرزنده است.

و هر کس در راه خدا (از وطن خویش) هجرت کند در زمین  
برای آسایش و گشایش امورش جایگاه بسیار خواهد یافت،  
و هر گاه کسی از خانه خویش برای هجرت به سوی خدا و  
رسول بیرون آید و در سفر، مرگ وی فرا رسد اجر و ثواب  
چنین کسی بر خداست و خدا پیوسته آمرزنده و مهربان  
است.

و هنگامی که در سفر باشید باکی بر شما نیست که نماز را  
کوتاه به جای آرید (چهار رکعت را دو رکعت کنید) هر گاه  
بیم آن داشته باشید که کافران شما را به رنج و هلاکت  
اندازند، که دشمنی کفار نسبت به شما کاملاً آشکار است.

وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقَمْتَ لَهُمُ الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَدَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ تَغْفُلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذَى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرَضَى أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا

۴  
تساء  
۱۰۲  
۱۷۶

فَإِذَا قَضَيْتُمُ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَمًا وَقُعودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا

۱۰۳

وَلَا تَهِنُوا فِي ابْتِغَاءِ الْقَوْمِ إِنْ تَكُونُوا تَأْلَمُونَ فَإِنَّهُمْ يَأْلَمُونَ كَمَا تَأْلَمُونَ وَتَرْجُونَ مِنَ اللَّهِ مَا لَا يَرْجُونَ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

۱۰۴

إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِتَحْكُمَ بَيْنَ النَّاسِ بِمَا أَرْنَاكَ اللَّهُ وَلَا تَكُن لِلْخَائِنِينَ خَصِيمًا

۱۰۵  
۷۷

و هرگاه شخص تو در میان سپاه اسلام باشی و نماز بر آنان به پا داری باید آنها با تو مسلح به نماز ایستند، و چون سجده نماز به جای آوردند (و نماز را فرادی تمام کردند) در پشت سر شما رفته و گروهی که نماز نخوانده ببینند و با تو نماز گزارند و البته با لباس جنگ و اسلحه، زیرا کافران آرزو و انتظار دارند که شما از اسلحه و اسباب خود غفلت کنید تا ناگهان یکباره بر شما حمله ور شوند. و چنانچه بارانی یا مرضی شما را از برگرفتن سلاح به رنج اندازد باکی نیست که اسلحه را فروگذارید ولی از دشمن برحذر باشید؛ خدا برای کافران عذابی سخت خوارکننده مهیا ساخته است.

پس آن‌گاه که از نماز فراغت یافتید باز در همه احوال، ایستاده یا نشسته یا بر پهلو خفته (در هر حال که توانید) یاد خدا کنید، سپس که (از آسیب دشمن) ایمن شدید در این حال نماز (کامل) به جای آرید، که برای اهل ایمان، حکمی معین و واجب و لازم است.

و نباید در کار دشمن سستی و کاهلی کنید؛ که اگر شما به رنج و زحمت می‌افتید آنها نیز (از دست شما) رنج می‌کشند با این فرق که شما به لطف خدا امیدوارید و آنها امیدی ندارند. و خدا دانا و حکیم است (و امیدواران را محروم نمی‌سازد).

(ای پیغمبر) ما قرآن را به حق به سوی تو فرستادیم تا به آنچه خدا (به وحی خود) بر تو پدید آورده میان مردم حکم کنی، و نباید به نفع خیانتکاران (با مؤمنان) به خصومت برخیزی.

وَأَسْتَغْفِرِ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

و از خدا آمرزش طلب، که خدا آمرزنده و مهربان است.

۱۰۷

وَلَا تُجَادِلْ عَنِ الَّذِينَ يَخْتَانُونَ أَنفُسَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ  
مَنْ كَانَ خَوَّانًا أَثِيمًا

و هرگز به خاطر مردمی که با نفوس خود خیانت می‌کنند (با اهل ایمان) جدال مکن، که همانا خدا آن را که خیانتکار و بد عمل است دوست نمی‌دارد.

۱۰۸

يَسْتَخْفُونَ مِنَ النَّاسِ وَلَا يَسْتَخْفُونَ مِنَ اللَّهِ وَهُوَ مَعَهُمْ  
إِذْ يُبَيِّتُونَ مَا لَا يَرْضَىٰ مِنَ الْقَوْلِ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ  
مُحِيطًا

(مردم خیانتکار در کار خیانت) از مردم شرم می‌کنند ولی از خدا شرم نمی‌کنند و حال آنکه او با آنهاست هنگامی که شبانگاه سخنانی ناپسند در دل می‌اندیشند، و خدا (در آن حال هم) به هر چه کنند آگاه است.

۱۰۹

هَآأَنْتُمْ هَآؤُلَآءِ جَدَلْتُمْ عَنْهُمْ فِي الْحَيَوةِ الدُّنْيَا فَمَنْ  
يُجَادِلُ اللَّهَ عَنْهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَمْ مَن يَكُونُ عَلَيْهِمْ  
وَكِيلًا

به فرض که شما خود از طرف آنها در زندگانی دنیا دفاع توانید کرد، کدام کس طرفداری آنها را روز قیامت خواهد نمود؟ و چه کس به وکالت آنها تواند برخاست؟

۱۱۰

وَمَن يَعْمَلْ سُوءًا أَوْ يَظْلِمْ نَفْسَهُ ثُمَّ يَسْتَغْفِرِ اللَّهَ يَجِدِ  
اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

و هر که عمل زشتی از او سرزند یا به خویشتن ستم کند سپس از خدا طلب آمرزش و عفو نماید خدا را بخشنده و مهربان خواهد یافت.

۱۱۱

وَمَن يَكْسِبْ إِثْمًا فَإِنَّمَا يَكْسِبُهُ عَلَىٰ نَفْسِهِ وَكَانَ  
اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا

هر که گناهی کند به خود زیان رسانده، و خدا دانا و کارش از روی حکمت است.

۱۱۲

وَمَن يَكْسِبْ خَطِيئَةً أَوْ إِثْمًا ثُمَّ يَرْمِ بِهِ بَرِيئًا فَقَدِ  
أَحْتَمَلَ بُهْتَانًا وَإِثْمًا مُّبِينًا

و هر کس خطا یا گناهی از او سر زند و تهمت به بی‌گناهی بدهد مرتکب بهتان و گناه بزرگ و آشکاری شده است.

۱۱۳  
۷۸

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَرَحْمَتُهُ لَهَمَّت طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ أَن  
يُضِلُّوكَ وَمَا يُضِلُّونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ وَمَا يَضُرُّونَكَ مِن شَيْءٍ  
وَأَنزَلَ اللَّهُ عَلَيْكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَعَلَّمَكَ مَا لَمْ  
تَكُن تَعْلَمُ وَكَانَ فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكَ عَظِيمًا

و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال تو نبود گروهی از آنان (دشمنان اسلام) همت بر آن گماشته بودند که تو را از راه صواب دور سازند، حال آنکه آنها خود را از راه حق و صواب دور ساخته و به تو هیچ زبانی نتوانند رسانند و خدا به تو این کتاب (قرآن مجید) و (مقام) حکمت (و نبوت) را عطا کرده و آنچه را که نمی‌دانستی به تو پیاموخت، و خدا را با تو لطف عظیم و عنایت بی‌اندازه است.



لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِّنْ نَّجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ وَمَن يَفْعَلْ ذَلِكَ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ فَسَوْفَ نُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

هیچ فایده و خیری در سخنان سری آنها نیست مگر آنکه کسی به صدقه دادن و نیکویی کردن و اصلاح میان مردم امر کند؛ و هر که در طلب رضای خدا چنین کند به زودی به او اجر عظیم کرامت کنیم.

وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصَلِّهِ ۗ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

و هر کس پس از روشن بودن راه حق بر او، با رسول او به مخالفت برخیزد و راهی غیر طریق اهل ایمان پیش گیرد وی را به همان (طریق باطل و راه ضلالت) که برگزیده و واگذاریم و او را به جهنم درافکنیم، که آن مکان بسیار بد منزلگاهی است.

إِنَّ اللَّهَ لَا يَغْفِرُ أَنْ يُشْرَكَ بِهِ وَيَغْفِرُ مَا دُونَ ذَلِكَ لِمَن يَشَاءُ ۗ وَمَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

خدا گناه شرک را نخواهد بخشید و ما دون شرک را بر هر که مشیتش تعلق گیرد می‌بخشد. و هر که به خدا شرک آرد به گمراهی سخت و دور (از سعادت) در افتاده است.

إِن يَدْعُونَ مِن دُونِهِ ۖ إِلَّا إِنثًا وَإِن يَدْعُونَ إِلَّا شَيْطَانًا مَّرِيدًا

(مشرکان) نمی‌خوانند غیر خدای عالم جز دخترانی را (بتهایی را که نام دختران بر آنها نهاده‌اند) و نمی‌خوانند جز شیطان سرکش را.

لَعَنَهُ اللَّهُ وَقَالَ لَأَتَّخِذَنَّ مِنْ عِبَادِكَ نَصِيبًا مَّفْرُوضًا

خدا آن (شیطان) را از درگاه رحمت خود دور کرده (زیرا به مجادله با خدا برخاست) و گفت: من از بندگان تو قسمتی معین را زیر بار طاعت خود خواهم کشید.

وَلَا ضَلَّتْهُمْ وَلَا مَنِينَهُمْ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَبْتِكُنَّ ۗ عَادَانَ الْأَنْعَمِ وَلَا مَرْنَهُمْ فَلْيَغِيرَنَّ خَلْقَ اللَّهِ وَمَن يَتَّخِذِ الشَّيْطَانَ وَلِيًّا مِّن دُونِ اللَّهِ فَقَدْ خَسِرَ خُسْرَانًا مُّبِينًا

و سخت گمراهشان کنم و به آرزو (های باطل و دور و دراز) درافکنم و دستور دهم تا گوش حیوانات ببرند (که اینها نصیب بتهاست) و امر کنم تا خلقت خدا را تغییر دهند، و (ای بندگان بدانید) هر کس شیطان را دوست گیرد نه خدا را، سخت زیان کرده زبانی آشکار.

يَعِدُّهُمْ وَيَمَيِّتُهُمْ ۖ وَمَا يَعِدُهُمُ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

(شیطان) آنان را بسیار وعده دهد و آرزومند و امیدوار کند، ولی آنان را چیزی به جز غرور و فریب وعده نمی‌دهد.

أُولَٰئِكَ مَا أَوْلَاهُمُ جَهَنَّمَ وَلَا يَجِدُونَ عَنْهَا مَحِيصًا

ایشان را منزلگاه جهنم است و از آن مفرّ و گریزگاهی نخواهند یافت.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَنُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا  
وَمَنْ أَصْدَقُ مِنَ اللَّهِ قِيلًا

لَيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِي أَهْلِ الْكِتَابِ مَنْ يَعْمَلْ  
سُوءًا يُجْزَ بِهِ وَلَا يَجِدْ لَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ  
فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ نَقِيرًا

وَمَنْ أَحْسَنُ دِينًا مِمَّنْ أَسْلَمَ وَجْهَهُ لِلَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ  
وَاتَّبَعَ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَاتَّخَذَ اللَّهُ إِبْرَاهِيمَ خَلِيلًا

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ  
شَيْءٍ مُحِيطًا

وَيَسْتَفْتُونَكَ فِي النِّسَاءِ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِيهِنَّ وَمَا يُتْلَىٰ  
عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ فِي يَتْلَىٰ النِّسَاءِ الَّتِي لَا تُوْتُونَهُنَّ  
مَا كُتِبَ لَهُنَّ وَتَرْغَبُونَ أَنْ تَنْكِحُوهُنَّ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ  
مِنَ الْوَالِدَانِ وَأَنْ تَقُومُوا لِلْيَتَامَىٰ بِالْقِسْطِ وَمَا تَفْعَلُوا مِنْ  
خَيْرٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِهِ عَلِيمًا

و آنان که به خدا گرویدند و کارهای شایسته کردند به  
زودی آنها را به بهشتی درآوریم که زیر درختانش نهرها  
جاری است و همیشه برای ابد در آن باشند. وعده خدا حق  
است، و کیست در گفتار راستگوتر از خدا؟!

کار به آمال و آرزوی شما و آرزوی اهل کتاب (یهود و  
نصاری) درست نشود؛ هر آن که کار بد کند کیفر آن را  
خواهد دید و به جز خدا احدی را یار و یاور خود نتواند  
یافت.

و هر که از زن و مرد کاری شایسته کند با ایمان به خدا،  
چنین کسان به بهشت درآیند و به قدر نقیری (پرده هسته  
خرمایی) به آنان ستم نکنند.

دین چه کس بهتر از آن کسی است که خود را تسلیم (حکم)  
خدا نموده و هم نیکوکار است و پیروی از آیین ابراهیم  
حنیف نموده؟! آن ابراهیمی که خدا او را به مقام دوستی  
خود برگزیده است.

هر چه در آسمانها و زمین است ملک خداست و او به همه  
چیز احاطه و آگاهی دارد.

(ای پیغمبر) درباره زنان از تو فتوا خواهند، بگو: خدا و آنچه  
از آیات کتاب او بر شما تلاوت شود هم در حق زنان و  
دختران یتیمی که مهر و حقوق لازم آنها را ادا نکرده و میل  
به نکاح آنان هستید و هم در حق فرزندان ناتوان فتوا  
خواهد داد، و نیز (دستور می‌دهد که) درباره یتیمان عدالت  
پیشه گیرید، و (در نیکی کوشید که) هر کار نیک به جای  
آرید خدا بر آن آگاه است.

:۴  
نساء،  
۱۲۸  
/۱۷۶

وَإِنِ امْرَأَةٌ خَافَتْ مِنْ بَعْلِهَا نُشُوزًا أَوْ إِعْرَاضًا فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُصْلِحَا بَيْنَهُمَا صُلْحًا وَالصُّلْحُ خَيْرٌ وَأُحْضِرَتِ الْأَنْفُسُ الشُّحَّ وَإِن تُحْسِنُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

و اگر زنی بیم داشت که شوهرش با وی مخالفت و بد سلوکی کند یا از او دوری گزیند باکی نیست که هر دو تن به گونه‌ای به راه صلح و سازش باز آیند، که صلح به هر حال بهتر است، و نفوس را بخل و حرص فرا گرفته. و اگر (درباره یکدیگر) نیکویی کرده و پرهیزکار باشید، خدا به هر چه کنید آگاه است.

۱۲۹

وَلَنْ تَسْتَطِيعُوا أَنْ تَعْدِلُوا بَيْنَ النِّسَاءِ وَلَوْ حَرَصْتُمْ فَلَا تَمِيلُوا كُلَّ الْمِيلِ فَتَدْرُوهَا كَالْمُعَلَّقَةِ وَإِن تُصْلِحُوا وَتَتَّقُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

شما هرگز نتوانید میان زنان به عدالت رفتار کنید هر چند راغب و حریص (بر عدل و درستی) باشید، پس به تمام میل خود یکی را بهره‌مند و آن دیگر را محروم نکنید تا او را معلق و بلا تکلیف گذارید. و اگر سازش کنید و پرهیزکار باشید همانا خدا بخشنده و مهربان است.

۱۳۰

وَإِن يَتَفَرَّقَا يُغْنِ اللَّهُ كُلًّا مِّن سَعَتِهِ وَكَانَ اللَّهُ وَاسِعًا حَكِيمًا

و اگر از یکدیگر جدا شوند، باز خدا هر یک را از دیگری به رحمت واسع خود بی‌نیاز خواهد کرد، و خدا را رحمت بی‌متهاست و (به حقیقت هر چیز) داناست.

۱۳۱

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَقَدْ وَصَّيْنَا الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ وَإِيَّاكُمْ أَنْ اتَّقُوا اللَّهَ وَإِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ غَنِيًّا حَمِيدًا

و هر چه در آسمانها و زمین است ملک خداست، و ما هم به آنان که پیش از شما به آنها کتاب داده شد و هم به شما سفارش اکید کردیم که پرهیزکار و خدا ترس باشید، و اگر هم کافر شوید ملک آسمان و زمین او راست (به طاعت شما محتاج نیست) و خدا بی‌نیاز و ستوده است.

۱۳۲

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

و آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه ملک اوست، و تنها خدا به نگهبانی (خلق) کافی است.

۱۳۳

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ أَيُّهَا النَّاسُ وَيَأْتِ بِآخَرِينَ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ ذَٰلِكَ قَدِيرًا

ای مردم، خدا اگر بخواهد همه شما را (به کلی از دنیا) می‌برد و قومی دیگر می‌آورد؛ و البته خدا بر این کار مقتدر و تواناست.

۱۳۴

مَنْ كَانَ يُرِيدُ ثَوَابَ الدُّنْيَا فَعِنْدَ اللَّهِ ثَوَابُ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَكَانَ اللَّهُ سَمِيعًا بَصِيرًا

هر که ثواب و نعمت دنیا را طالب است (از خدا بخواهد که) ثواب دنیا و آخرت نزد خداست، و خدا شنوا و بیناست.

۴  
نساء  
۱۳۵  
۱۷۶  
حزب  
۴۰  
۸۱ر

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ بِالْقِسْطِ شُهَدَاءَ لِلَّهِ  
وَلَوْ عَلَىٰ أَنفُسِكُمْ أَوِ الْوَالِدِينَ وَالْأَقْرَبِينَ ۚ إِن يَكُنْ غَنِيًّا  
أَوْ فَقِيرًا فَاللَّهُ أَوْلَىٰ بِهِمَا ۖ فَلَا تَتَّبِعُوا الْهَوَىٰ أَن تَعْدِلُوا  
وَإِن تَلَوُا أَوْ تَعْرِضُوا فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرًا

ای اهل ایمان، نگهدار عدالت باشید و برای خدا گواهی  
دهید هر چند بر ضرر خود یا پدر و مادر و خویشان شما  
باشد، (برای هر کس شهادت می‌دهید) اگر فقیر باشد یا  
غنی، خدا به (رعایت حقوق) آنها اولی است، پس شما (در  
حکم و شهادت) پیروی هوای نفس نکنید تا مبادا عدالت  
نگاه ندارید. و اگر زبان را (در شهادت به نفع خود)  
بگردانید یا (از بیان حق) خودداری کنید خدا به هر چه کنید  
آگاه است.

۱۳۶

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ وَالْكِتَابِ  
الَّذِي نَزَّلَ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۚ وَالْكِتَابِ الَّذِي أَنْزَلَ مِن قَبْلُ  
وَمَن يَكْفُرْ بِاللَّهِ وَمَلَائِكَتِهِ وَكُتُبِهِ وَرُسُلِهِ ۖ وَالْيَوْمِ  
الْآخِرِ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا

ای کسانی که (به زبان) ایمان آورده‌اید، (به حقیقت و از دل  
هم) ایمان آورید به خدا و رسول او و کتابی که به رسول  
خود فرستاده و کتابی که پیش از او فرستاده (تورات و  
انجیل). و هر که به خدا و فرشتگان و کتابها (ی آسمانی) و  
رسولان او و روز قیامت کافر شود به گمراهی سخت و دور  
(از سعادت) در افتاده است.

۱۳۷

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا ثُمَّ  
أَزْدَادُوا كُفْرًا لَّمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرْ لَهُمْ وَلَا لِيَهْدِيَهُمْ  
سَبِيلًا

آنان که نخست ایمان آورده سپس کافر شدند، باز ایمان  
آورده دیگر بار کافر شدند، پس بر کفر خود افزودند، اینان  
را خدا نخواهد بخشید و به راهی هدایت نخواهد فرمود.

۱۳۸

بَشِيرِ الْمُنَافِقِينَ بِأَنَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

منافقان را بشارت ده که بر آنان عذابی دردناک خواهد بود.

۱۳۹

الَّذِينَ يَتَّخِذُونَ الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ الْمُؤْمِنِينَ ۚ  
أَيَّبَتُّغُونَ عِنْدَهُمُ الْعِزَّةَ فَإِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا

آن گروه که کافران را دوست گیرند و مؤمنان را ترک  
گویند، آیا نزد کافران عزت می‌طلبند؟ عزت همه نزد  
خداست.

۱۴۰

وَقَدْ نَزَّلَ عَلَيْكُمْ فِي الْكِتَابِ أَن إِذَا سَمِعْتُمْ ءَايَاتِ اللَّهِ  
يُكْفَرُ بِهَا وَيُسْتَهْزَأُ بِهَا فَلَا تَعْدُوا مَعَهُمْ حَتَّىٰ يَخُوضُوا  
فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ ۚ إِنَّكُمْ إِذَا مِثْلُهُمْ ۗ إِنَّ اللَّهَ جَامِعُ  
الْمُنَافِقِينَ وَالْكَافِرِينَ فِي جَهَنَّمَ جَمِيعًا

و محققاً خداوند در کتاب خود این حکم را بر شما فرستاد که  
چون آیات خدا را شنیدید که بدان کافر شوند و استهزا  
کنند پس با آن گروه (منافق) مجالست نکنید تا در حدیثی  
دیگر داخل شوند، که (اگر با آنان همنشین شوید) آن گاه  
شما هم مانند آنان هستید. و خدا منافقان را با کافران در  
جهنم جمع خواهد کرد.

الَّذِينَ يَتَرَبَّصُونَ بِكُمْ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ فِتْحٌ مِّنَ اللَّهِ قَالُوا أَلَمْ نَكُن مَّعَكُمْ وَإِنْ كَانَ لِلْكَافِرِينَ نَصِيبٌ قَالُوا أَلَمْ نَسْتَحِذْ عَلَيْكُمْ وَنَمْنَعُكُم مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ فَاللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَلَنْ يَجْعَلَ اللَّهُ لِلْكَافِرِينَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ سَبِيلًا

منافقان آنانی هستند که نگران و مراقب حال شمايند، چنانچه برای شما فتح و ظفري پيش آيد (برای اخذ غنيمت) گويند: نه آخر ما با شما بوديم؟! و اگر کافران را فتح و بهره‌ای رسد به آنها گويند: نه ما شما را به اسرار مسلمانان آگاه کرديم و شما را از آسيب مؤمنان نگهداری نموديم؟! پس خدا فردای قيامت میان شما و آنان حکم کند، و خداوند هيچ گاه برای کافران نسبت به اهل ايمان راه تسلط باز نخواهد نمود.

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ يُخَدِعُونَ اللَّهَ وَهُوَ خَدِيعُهُمْ وَإِذَا قَامُوا إِلَى الصَّلَاةِ قَامُوا كُسَالَى يُرَاءُونَ النَّاسَ وَلَا يَذْكُرُونَ اللَّهَ إِلَّا قَلِيلًا

همانا منافقان با خدا مکر و حيله می‌کنند و خدا نیز با آنان مکر می‌کند، و چون به نماز آیند با حال بی‌میلی و کسالت نماز کنند و برای ریاکاری آیند و ذکر خدا را جز اندک نکنند.

مُذَبِّبِينَ بَيْنَ ذَلِكَ لَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَلَا إِلَى هَؤُلَاءِ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَنْ تَجِدَ لَهُ سَبِيلًا

دو دل و مردّد باشند، نه به سوی مؤمنان بیکدل می‌روند و نه به جانب کافران. و هر که را خدا گمراه کند پس هرگز برای او راه هدایتی نخواهی یافت.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْكَافِرِينَ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ أَتُرِيدُونَ أَنْ تَجْعَلُوا لِلَّهِ عَلَيْكُمْ سُلْطَانًا مُّبِينًا

ای اهل ايمان، مبدا کافران را به دوستی گرفته و مؤمنان را رها کنید! آیا می‌خواهيد برای خدا بر (عقاب و کفر و عصیان) خود حجتی آشکار قرار دهید!؟

إِنَّ الْمُنْفِقِينَ فِي الدَّرَكِ الْأَسْفَلِ مِنَ النَّارِ وَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ نَصِيرًا

البته منافقان را در جهنم پست‌ترین جایگاه است و برای آنان هرگز یاری نخواهی یافت.

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا وَأَصْلَحُوا وَاعْتَصَمُوا بِاللَّهِ وَأَخْلَصُوا دِينَهُمْ لِلَّهِ فَأُولَٰئِكَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَوْفَ يُؤْتِ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ أَجْرًا عَظِيمًا

مگر آنها که توبه نموده و تباھکاری خود را اصلاح کردند و به (دین) خدا در آویختند (و به کتاب حق متوسل شدند) و دین خود را برای خدا خالص گردانیدند، پس این گروه در صف مؤمنان باشند و به زودی خدا به مؤمنان اجر بزرگ عطا خواهد فرمود.

مَا يَفْعَلُ اللَّهُ بِعَذَابِكُمْ إِنْ شَكَرْتُمْ وَعَامَنْتُمْ وَكَانَ اللَّهُ شَاكِرًا عَلِيمًا

خداوند چه غرضی دارد که شما را عذاب کند اگر (لطف خدا را) شکر گزارید و (به او) ايمان آرید؟! خدا شکر نعمت از شما می‌پذیرد و علمش (به صلاح خلق) محیط است.

لَا يُحِبُّ اللَّهُ الْجَهْرَ بِالسُّوِّءِ مِنَ الْقَوْلِ إِلَّا مَنْ ظَلِمَ وَكَانَ  
اللَّهُ سَمِيعًا عَلِيمًا

خدا دوست نمی‌دارد که کسی به گفتار زشت (به عیب خلق) صدا بلند کند مگر آن که ظلمی به او رسیده باشد، همانا که خدا شنوا و داناست.

۱۴۹

إِنْ تُبَدُّوا خَيْرًا أَوْ تُخَفُّوهُ أَوْ تَعْفُوا عَنْ سُوءٍ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ  
عَفُورًا قَدِيرًا

اگر (درباره خلق) آشکارا یا پنهانی نیکی کنید یا از بدی دیگران درگذرید خدا همیشه از بدیها در می‌گذرد با آنکه در انتقام تواناست.

۱۵۰

إِنَّ الَّذِينَ يَكْفُرُونَ بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيُرِيدُونَ أَنْ يُفَرِّقُوا  
بَيْنَ اللَّهِ وَرُسُلِهِ وَيَقُولُونَ نُؤْمِنُ بِبَعْضٍ وَنَكْفُرُ بِبَعْضٍ  
وَيُرِيدُونَ أَنْ يَتَّخِذُوا بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

آنان که به خدا و رسولان او کافر شوند و خواهند که میان خدا و پیغمبرانش جدایی اندازند و گویند: ما به برخی (از انبیاء) ایمان آورده و به پاره‌ای ایمان نیاوریم و خواهند که میان کفر و ایمان راهی اختیار کنند؛

۱۵۱

أُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ حَقًّا وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا  
مُهِينًا

به حقیقت کافر اینهايند و ما برای کافران عذابی خوار کننده مهیا ساخته‌ایم.

۱۵۲

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِ وَلَمْ يُفَرِّقُوا بَيْنَ أَحَدٍ مِّنْهُمْ  
أُولَئِكَ سَوْفَ يُؤْتِيهِمْ أَجْرُهُمْ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

و آنان که ایمان به خدا و رسولانش آوردند و تفرقه میان خدا و هیچ یک از پیغمبران نیفکندند، اینها را خدا به زودی اجرشان را عطا کند و خدا پیوسته بخشنده و مهربان است.

۱۵۳  
۸۳ر

يَسْأَلُكَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَنْ تُنزِلَ عَلَيْهِمْ كِتَابًا مِّنَ السَّمَاءِ  
فَقَدْ سَأَلُوا مُوسَىٰ أَكْبَرَ مِنْ ذَلِكَ فَقَالُوا أَرِنَا اللَّهَ جَهْرَةً  
فَأَخَذَتْهُمُ الصَّعِقَةُ بِظُلْمِهِمْ ثُمَّ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ مِنْ بَعْدِ  
مَا جَاءَتْهُمْ الْبَيِّنَاتُ فَعَفَوْنَا عَنْ ذَلِكَ وَعَاتَيْنَا مُوسَىٰ  
سُلْطَانًا مُّبِينًا

(ای پیغمبر) اهل کتاب از تو درخواست کنند که از آسمان کتابی (یکجا) برای آنان فرود آوری، همانا از موسی نیز درخواستی بالاتر از این کردند و گفتند: خدا را به چشم ما آشکار بنما، پس به سبب این جهل و سرکشی صاعقه سوزان آنها را درگرفت، و پس از آن همه آیات روشن، باز گوساله‌پرستی اختیار کردند، باز ما از این کار (زشت آنان) درگذشتیم و به موسی حجتی آشکار بخشیدیم.

۱۵۴

وَرَفَعْنَا فَوْقَهُمُ الطُّورَ بِمِيثَاقِهِمْ وَقُلْنَا لَهُمْ ادْخُلُوا الْبَابَ  
سُجَّدًا وَقُلْنَا لَهُمْ لَا تَعْدُوا فِي السَّبْتِ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ  
مِيثَاقًا غَلِيظًا

و کوه طور را برای (اتمام حجت و اخذ) پیمان بر فراز سر آنها بلند گردانیدیم و آنها را گفتیم به حال سجده بدین درگاه درآیید و گفتیم از حکم روز شنبه تعدی نکنید، و از آنها پیمانی سخت گرفتیم.

فَمَا نَقْضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ وَكُفْرِهِمْ بِآيَاتِ اللَّهِ وَقَتْلِهِمْ  
الْأَنْبِيَاءَ بِغَيْرِ حَقِّ وَقَوْلِهِمْ قُلُوبُنَا غُلْفٌ بَلْ طَبَعَ اللَّهُ  
عَلَيْهَا بِكُفْرِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُونَ إِلَّا قَلِيلًا

پس چون پیمان شکستند و به آیات خدا کافر شدند و پیغمبران را به ناحق کشتند و (همه این قبایح به جای آوردند) بدین عذر که گفتند: دل‌های ما در پرده است (و دروغ گفتند) بلکه خدا به سبب کفر، آنها را مهر بر دل نهاد، که به جز اندکی ایمان نیاورند؛

وَبِكُفْرِهِمْ وَقَوْلِهِمْ عَلَىٰ مَرْيَمَ بُهْتَنًا عَظِيمًا

و هم به واسطه کفرشان و بهتان بزرگشان بر مریم؛

وَقَوْلِهِمْ إِنَّا قَتَلْنَا الْمَسِيحَ عِيسَىٰ ابْنَ مَرْيَمَ رَسُولَ اللَّهِ  
وَمَا قَتَلُوهُ وَمَا صَلَبُوهُ وَلَٰكِن شُبِّهَ لَهُمْ وَإِنَّ الَّذِينَ  
أَخْتَلَفُوا فِيهِ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِلَّا  
اتِّبَاعَ الظَّنِّ وَمَا قَتَلُوهُ يَقِينًا

و هم از این رو که گفتند: ما مسیح عیسی بن مریم رسول خدا را کشتیم، در صورتی که او را نه کشتند و نه به دار کشیدند بلکه امر بر آنها مشتبه شد؛ و همانا آنان که درباره او عقاید مختلف اظهار داشتند از روی شک و تردید سخنی گفتند و عالم به او نبودند جز آنکه از پی گمان خود می‌رفتند؛ و به طور یقین مسیح را نکشتند؛

بَلْ رَفَعَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

بلکه خدا او را به سوی خود بالا برد، و پیوسته خدا مقتدر و کارش از روی حکمت است؛

وَإِنَّ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ إِلَّا لَيُؤْمِنَنَّ بِهِ قَبْلَ مَوْتِهِ ۗ وَيَوْمَ  
الْقِيَامَةِ يَكُونُ عَلَيْهِمْ شَهِدًا

و هیچ کس از اهل کتاب نیست جز آنکه پیش از مرگ به وی (عیسی) ایمان خواهد آورد و در روز قیامت او بر آنان گواه خواهد بود؛

فَظُلْمٍ مِّنَ الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ طَيِّبَاتٍ أُحِلَّتْ  
لَهُمْ وَبَصَدْتَهُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ كَثِيرًا

پس به جهت (این همه) ظلمی که یهود کردند و هم بدین جهت که بسیاری مردم را از راه خدا منع کردند، ما نعمت‌های پاکیزه‌ای را که بر آنها حلال بود حرام گردانیدیم؛

وَأَخَذَهُمُ الرَّبُّوْا وَقَدْ نُهُوا عَنْهُ وَأَكْلِهِمْ أَمْوَالَ النَّاسِ  
بِالْبَطْلِ وَأَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

و هم بدین جهت که ربا می‌گرفتند، در صورتی که از ربا خوردن نهی شده بودند، و هم از آن رو که اموال مردم را به باطل می‌خوردند. و ما برای کافران آنها عذابی دردناک مهیا ساخته‌ایم.

لَٰكِنِ الرَّاسِخُونَ فِي الْعِلْمِ مِنْهُمْ وَالْمُؤْمِنُونَ يُؤْمِنُونَ بِمَا  
أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمَا أُنزِلَ مِنْ قَبْلِكَ ۗ وَالْمُقِيمِينَ الصَّلَاةَ  
وَالْمُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَالْمُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ ۗ أُولَٰئِكَ  
سَنُؤْتِيهِمْ أَجْرًا عَظِيمًا

لیکن کسانی از آنها که در علم قدمی ثابت دارند و به آنچه بر تو و پیغمبران پیش از تو نازل شده می‌گروند و به ویژه مؤمنان دیگر آنان که نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به خدا و روز قیامت ایمان می‌آورند، به زودی خدا آنان را اجر و ثواب عظیم عطا خواهد کرد.

إِنَّا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ كَمَا أَوْحَيْنَا إِلَى نُوحٍ وَالنَّبِيِّينَ مِنْ  
بَعْدِهِ وَأَوْحَيْنَا إِلَى إِبْرَاهِيمَ وَإِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ  
وَالْأَسْبَاطِ وَعِيسَى وَأَيُّوبَ وَيُونُسَ وَهَارُونَ وَسُلَيْمَانَ  
وَعَاتَيْنَا دَاوُودَ زَبُورًا

ما به تو وحی کردیم چنانکه به نوح و پیغمبران بعد از او و همچنین به ابراهیم و اسماعیل و اسحاق و یعقوب و اسباط (فرزندان یعقوب) و عیسی و ایوب و یونس و هارون و سلیمان وحی نمودیم و به داود هم زبور عطا کردیم.

و رسولانی هم که شرح حال آنها را از پیش بر تو حکایت کردیم و آنهایی را که حکایت نمودیم (به همه خدا وحی فرستاد) و خدا با موسی (در طور) آشکار و روشن سخن گفت.

وَرُسُلًا قَدْ قَصَصْنَاهُمْ عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَرُسُلًا لَمْ  
نَقْصُصْهُمْ عَلَيْكَ وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا

رسولانی را فرستاد که (نیکان را) بشارت دهند و (بدان را) بترسانند تا آنکه پس از فرستادن رسولان، مردم را بر خدا حجتی نباشد، و خدا همیشه مقتدر و کارش بر وفق حکمت است.

رُسُلًا مُبْتَلِينَ وَمُنذِرِينَ لئَلَّا يَكُونَ لِلنَّاسِ عَلَى اللَّهِ  
حُجَّةٌ بَعْدَ الرُّسُلِ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

(اگر اینان به نبوت تو گواهی نمی‌دهند) لیکن خدا به آنچه بر تو فرستاده گواهی دهد، که آن را به علم خود فرستاده و فرشتگان نیز گواهی دهند، و گواهی خدا کفایت است.

لَٰكِنِ اللَّهُ يَشْهَدُ بِمَا أَنْزَلَ إِلَيْكَ أَنْزَلَهُ بِعِلْمِهِ  
وَالْمَلَائِكَةُ يَشْهَدُونَ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا

آنان که کافر شده (و مردم را) از راه خدا باز داشتند همانا سخت به گمراهی افتاده و از راه نجات دورند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا  
ضَلَالًا بَعِيدًا

آنان که کافر و ستمگر شدند هیچ گاه خدا آنان را نخواهد آمرزید و به راهی هدایت نخواهد نمود؛

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَظَلَمُوا لَمْ يَكُنِ اللَّهُ لِيَغْفِرَ لَهُمْ وَلَا  
لِيَهْدِيَهُمْ طَرِيقًا

مگر به راه دوزخ، که در آن جاوید خواهند بود و خدا را این کار (انتقام از ستمکاران) آسان است.

إِلَّا طَرِيقَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ  
يَسِيرًا

ای مردم، همانا این پیغمبر به حق (برای هدایت شما) از جانب پروردگارتان آمده، پس ایمان آرید که برای شما بهتر است، و اگر کافر شوید پس (از این کفر به خود زبان رسانیده‌اید و خدا از کفرتان بی‌زبان و از اطاعت شما بی‌نیاز است، زیرا) هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست و خدا (به احوال هر مؤمن و کافر) دانا و (در ثواب و عقاب آنان) درستکار است.

يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمُ الرَّسُولُ بِالْحَقِّ مِنْ رَبِّكُمْ  
فَأَمِنُوا خَيْرًا لَكُمْ وَإِنْ تَكْفُرُوا فَإِنَّ لِلَّهِ مَا فِي  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَكِيمًا



يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَا تَغْلُوا فِي دِينِكُمْ وَلَا تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ  
 إِلَّا الْحَقَّ إِنَّمَا الْمَسِيحُ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ رَسُولُ اللَّهِ  
 وَكَلِمَتُهُ أَلْقَاهَا إِلَى مَرْيَمَ وَرُوحٌ مِّنْهُ فَآمِنُوا بِاللَّهِ  
 وَرُسُلِهِ وَلَا تَقُولُوا ثَلَاثَةٌ انْتَهُوا خَيْرًا لَّكُمْ إِنَّمَا اللَّهُ إِلَهُ  
 وَاحِدٌ سُبْحَانَهُ أَنْ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ  
 وَمَا فِي الْأَرْضِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

۴  
 نسا،  
 ۱۷۱  
 ۱۷۶

لَنْ يَسْتَنْكِفَ الْمَسِيحُ أَنْ يَكُونَ عَبْدًا لِلَّهِ وَلَا  
 الْمَلَائِكَةُ الْمُقَرَّبُونَ وَمَنْ يَسْتَنْكِفْ عَنْ عِبَادَتِهِ  
 وَيَسْتَكْبِرْ فَسَيَحْشُرُهُمْ إِلَيْهِ جَمِيعًا

۱۷۲  
 ۸۵ر

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُوَفِّيهِمْ أُجُورَهُمْ  
 وَيَزِيدُهُمْ مِّنْ فَضْلِهِ وَأَمَّا الَّذِينَ اسْتَنكَفُوا وَاسْتَكْبَرُوا  
 فَيُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَلَا يَجِدُونَ لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ  
 وَلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

۱۷۳

يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُم بُرْهَانٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَأَنْزَلْنَا  
 إِلَيْكُمْ نُورًا مُّبِينًا

۱۷۴

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَأَعْتَصَمُوا بِهِ فَيَسْجُدْ لَهُمْ فِي  
 رَحْمَةِ مِّنْهُ وَفَضْلِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمًا

۱۷۵

ای اهل کتاب، در دین خود اندازه نگه دارید، و درباره خدا  
 جز به راستی سخن نگویند؛ در حق مسیح عیسی بن مریم  
 جز این نشاید گفت که او رسول خداست و کلمه الهی است  
 که به مریم فرستاده و روحی از عالم الوهیت است؛ پس به  
 خدا و همه فرستادگانش ایمان آورید و به تثلیث قائل  
 نشوید (اب و ابن و روح القدس را خدا نخوانید)، از این  
 گفتار شرک باز ایستید که برای شما بهتر است، جز خدای  
 یکتا خدایی نیست و منزّه و برتر از آن است که او را  
 فرزندی باشد، هر چه در آسمان و زمین است همه ملک او  
 است و خدا تنها به نگاهیانی (همه موجودات) کافی است.

هرگز مسیح از بنده خدا بودن ابا و استنکاف ندارد و  
 فرشتگان مقرب نیز (به بندگی او معترفند). و هر کس از  
 بندگی خدا سر پیچد و دعوی برتری کند، زود باشد که خدا  
 همه را به سوی خود محشور سازد.

پس آنان را که ایمان آورده و نیکوکار شده اجر و ثواب تمام  
 و کامل می‌دهد و به فضل خود بر آن می‌افزاید، و آنان را  
 که سرپیچی و سرکشی کرده به عذابی دردناک معذب  
 خواهد فرمود و آنان (بر نجات خود) جز خدا هیچ کس را  
 دوست و یاور نخواهند یافت.

ای مردم، برای هدایت شما از جانب خدا برهانی (محکم)  
 آمد، و نوری تابان به شما فرستادیم.

پس آنان که به خدا گرویدند و به او متوسل شدند به  
 زودی آنها را به جایگاه رحمت و فضل خود درآورده و به  
 راهی راست به سوی خود رهبری نماید.

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنَّ أَمْرًا هَلَكَ  
لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا  
إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا أُثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الشُّلْثَانِ مِمَّا  
تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلَّذَكَرِ مِثْلُ حِظِّ  
الْأُنثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ  
عَلِيمٌ

۵. مائده المآیة: سفره غذا مدنی ۱۲۰ آیه ۲۲ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا ءَوْفُوا بِالْعُقُودِ أُحِلَّتْ لَكُمْ بَهِيمَةُ  
الْأَنْعَامِ إِلَّا مَا يُنْتَلَىٰ عَلَيْكُمْ غَيْرَ مُحِلِّي الصَّيْدِ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ  
إِنَّ اللَّهَ يُحْكُمُ مَا يُرِيدُ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُحْلُوا شَعِيرَ اللَّهِ وَلَا الشَّهْرَ الْحَرَامَ  
وَلَا الْهَدْيَ وَلَا الْقَلَئِدَ وَلَا ءَامِينَ الْبَيْتِ الْحَرَامِ يَبْتَغُونَ  
فَضْلًا مِّن رَّبِّهِمْ وَرِضْوَانًا وَإِذَا حَلَلْتُمْ فَاصْطَادُوا وَلَا  
يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ أَن صَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ  
أَن تَعْتَدُوا وَتَعَاوَنُوا عَلَى الْبِرِّ وَالتَّقْوَىٰ وَلَا تَعَاوَنُوا عَلَى  
الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

(ای پیغمبر) از تو درباره کلاله (یعنی برادر و خواهر پدری یا پدری و مادری) فتوا خواهند، بگو: خدا چنین فتوا می‌دهد که هر گاه کسی بمیرد در حالی که فرزند نداشته باشد و او را خواهری باشد، وی را نصف ترکه است و او نیز از خواهر ارث برد اگر خواهر را فرزند نباشد. و اگر میت را دو خواهر باشد آنها را دو ثلث ترکه است. و اگر میت را چندین برادر و خواهر است در این صورت ذکور دو برابر اناث ارث برند. خدا (احکام خود را) برای شما بیان می‌کند تا گمراه نشوید، و خدا به همه چیز دانا است.

ای اهل ایمان، (هر عهد که با خدا و خلق بستید) به عهد و پیمان خود وفا کنید (و بدانید) بهائم بسته زبان برای شما حلال گردید جز آنچه (بعداً) برایتان تلاوت خواهد شد و جز آن میدی که بر شما در حال احرام حلال نیست. همانا خدا به هر چه خواهد حکم کند.

ای اهل ایمان، حرمت شعائر خدا (مناسک حج) و ماه حرام را نگه دارید و متعرض هدی و قلاند (قربانیان حاجیان چه علامت‌دار و چه بدون علامت) نشوید و تعرض زائران خانه محترم کعبه را که در طلب فضل خدا و خشنودی او آمده‌اند حلال نشمارید، و چون از احرام بیرون شدید (می‌توانید) صید کنید. و عداوت گروهی که از مسجد الحرام منع‌تان کردند شما را بر ظلم و بی‌عدالتی وادار نکنند، و باید با یکدیگر در نیکوکاری و تقوا کمک کنید نه بر گناه و ستمکاری. و از خدا بترسید که عقاب خدا سخت است.

حُرِّمَتْ عَلَيْكُمْ أَلْمَيْتَةُ وَالْدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنزِيرِ وَمَا أَهَلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبْعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصَبِ وَأَنْ تَسْتَقْسِمُوا بِالْأَزْلَمِ ذَلِكُمْ فِسْقٌ الْيَوْمَ يَيسُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ دِينِكُمْ فَلَا تَخْشَوْهُمْ وَاخْشَوْنَ الْيَوْمَ أَكْمَلْتُ لَكُمْ دِينَكُمْ وَأَتَمَمْتُ عَلَيْكُمْ نِعْمَتِي وَرَضِيْتُ لَكُمْ الْإِسْلَامَ دِينًا فَمَنْ اضْطُرَّ فِي مَخْمَصَةٍ غَيْرِ مُتَجَانِفٍ لِإِثْمٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أُحِلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ أَلْطَيْبَاتُ وَمَا عَلَّمْتُمْ مِنَ الْجَوَارِحِ مُكَلَّبِينَ تُعَلِّمُونَهُنَّ مِمَّا عَلَّمَكُمُ اللَّهُ فَكُلُوا مِمَّا أَمْسَكْنَ عَلَيْكُمْ وَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

الْيَوْمَ أُحِلَّ لَكُمْ أَلْطَيْبَاتُ وَطَعَامُ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حِلٌّ لَكُمْ وَطَعَامُكُمْ حِلٌّ لَهُمْ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُحْصَنَاتُ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكُمْ إِذَا آتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ مُحْصِنِينَ غَيْرِ مُسْلِفِينَ وَلَا مُتَّخِذِي أَعْدَانٍ وَمَنْ يَكْفُرْ بِالْإِيمَانِ فَقَدْ حَبِطَ عَمَلُهُ وَهُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَسِرِينَ

برای شما مؤمنان گوشت مردار و خون و گوشت خوک و آن ذبیح‌های که به نام غیر خدا کشتند و همچنین هر حیوانی که به خفه کردن یا به چوب زدن یا از بلندی افکندن یا به شاخ زدن به هم بمیرند و نیم‌خورده درندگان جز آن را که قبلاً تذکیه کرده باشید حرام است و نیز آن را که برای بتان می‌کشند و آن را که به تیرها قسمت می‌کنید، که این کار فسق است- امروز کافران از این که به دین شما دستبرد زنند و اختلالی رسانند طمع بریدند، پس شما از آنها بیمناک نگشته و از من بترسید. امروز (به عقیده امامیه و برخی اهل سنت روز غدیر خم و خلافت علی (ع) است) دین شما را به حد کمال رسانیدم و بر شما نعمتم را تمام کردم و بهترین آیین را که اسلام است برایتان برگزیدم- پس هر گاه کسی در ایام قحطی و سختی از روی اضطرار نه به قصد گناه از آنچه حرام شده مرتکب شود، خدا بخشنده و مهربان است.

(ای پیغمبر) از تو سؤال می‌کنند که چه چیز بر آنها حلال گردیده؟ بگو: برای شما هر چه پاکیزه است حلال شده، و صیدی که به سگان شکاری از آنچه خدا به شما آموخته است آموخته‌اید که برای شما نگاه دارند و نام خدا را بر آن صید یاد کنید و بخورید حلال شده. و از خدا بترسید که زود به حساب (خلق) می‌رسد.

امروز هر چه پاکیزه است شما را حلال شد و طعام اهل کتاب برای شما و طعام شما برای آنها حلال است. و نیز حلال شد نکاح زنان پارسای مؤمنه و زنان پارسای اهل کتاب در صورتی که شما اجرت و مهر آنان را بدهید و پاکدامن باشید نه زناکار و رفیق‌باز. و هر کس به ایمان (دین اسلام) کافر شود عمل او تباه شده و در آخرت از زیانکاران خواهد بود.

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قُمْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ فَاغْسِلُوا  
وُجُوهَكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ إِلَى الْمَرَافِقِ وَامْسَحُوا بِرُءُوسِكُمْ  
وَأَرْجُلَكُمْ إِلَى الْكَعْبَيْنِ وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ  
كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِّنْكُمْ مِنَ الْغَايِطِ  
أَوْ لَمَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا  
فَأَمْسَحُوا بِوُجُوهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ  
عَلَيْكُمْ مِنْ حَرْجٍ وَلَٰكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ وَلِيُتِمَّ نِعْمَتَهُ  
وَعَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

۵:  
مانده  
۶  
/۱۲۰  
۸۷۹

وَأذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمِيثَاقَهُ الَّذِي وَاثَقَكُمْ بِهِ  
إِذْ قُلْتُمْ سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ  
الصُّدُورِ

۷

يَتَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا قَوَّامِينَ لِلَّهِ شُهَدَاءَ بِالْقِسْطِ  
وَلَا يَجْرِمَنَّكُمْ شَنَاٰنُ قَوْمٍ عَلَىٰ ءَلَّا تَعْدِلُوا اَعْدِلُوا هُوَ  
أَقْرَبُ لِلتَّقْوَىٰ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

۸

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ  
وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

۹

ای اهل ایمان، چون خواهید برای نماز برخیزید صورت و دستها را تا مرفق (آرنج) بشویید و سر و پاها را تا برآمدگی پا مسح کنید، و اگر جنب هستید پاکیزه شوید (غسل کنید) و اگر بیمار یا مسافرید یا یکی از شما را قضاء حاجتی دست داده و یا با زنان مباشرت کرده‌اید و آب نیابید در این صورت به خاک پاک و پاکیزه‌ای روی آرید و به آن خاک صورت و دستها را مسح کنید (تیمم کنید). خدا نمی‌خواهد هیچ گونه سختی برای شما قرار دهد، و لیکن می‌خواهد تا شما را پاکیزه گرداند و نعمت خود را بر شما تمام کند، باشد که شکر او به جای آرید.

و یاد کنید نعمت خدا را که به شما ارزانی داشت و عهد او را که با شما استوار کرد آن گاه که گفتید: (اگر تو را) شنیدیم و اطاعت کردیم. و از خدا بترسید که خدا به نیت قلبی (شما) آگاه است.

ای اهل ایمان، برای خدا پایدار و استوار بوده و به عدالت و راستی و درستی گواه باشید، و البته شما را نباید عداوت گروهی بر آن دارد که از راه عدل بیرون روید، عدالت کنید که به تقوا نزدیکتر (از هر عمل) است، و از خدا بترسید، که البته خدا به هر چه می‌کنید آگاه است.

خدا به آنان که ایمان آورده و کار شایسته کردند وعده آمرزش و اجر عظیم فرموده است.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

و آنان که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند اهل جهنم خواهند بود.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ هُمْ قَوْمٌ أَن يَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ أَيْدِيَهُمْ فَكَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنكُمْ ۗ وَاتَّقُوا اللَّهَ ۗ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

ای اهل ایمان، یاد آرید نعمت خدا را بر خود آن گاه که گروهی همت گماشتند که بر شما دست یازند و خدا دست (ستم) آنها را از شما کوتاه نمود. و از خدا بترسید، و باید اهل ایمان تنها بر خدا توکل کنند.

وَلَقَدْ أَخَذَ اللَّهُ مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَبَعَثْنَا مِنْهُمُ اثْنَيْ عَشَرَ نَقِيبًا وَقَالَ اللَّهُ إِنِّي مَعَكُمْ ۖ لَئِن أَقَمْتُمُ الصَّلَاةَ وَءَاتَيْتُمُ الزَّكَاةَ وَءَامَنْتُمْ بِرُسُلِي وَعَزَّرْتُمُوهُمْ وَأَقْرَضْتُمُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا لَأُكَفِّرَنَّ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَلَأُدْخِلَنَّكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ فَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ مِنكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

و همانا خدا از بنی اسرائیل عهد گرفت و از میان آنها دوازده نفر بزرگ برانگیختیم (که پیشوای هر سبطی باشند) و خدا بنی اسرائیل را گفت که من با شمایم هر گاه نماز به پا دارید و زکات بدهید و به فرستادگان من ایمان آورید و آنها را اعزاز و یاری کنید و خدا را قرض نیکو دهید، در این صورت گناهان شما ببامرزم و شما را در بهشتی داخل گردانم که زیر درختانش نهرها جاری است. پس هر کس از شما پس از عهد خدا کافر شد سخت از راه راست دور افتاده است.

فِيمَا نَقَضِهِمْ مِيثَاقَهُمْ لَعَنَّاهُمْ وَجَعَلْنَا قُلُوبَهُمْ قَاسِيَةً يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ عَن مَّوَاضِعِهَا وَتَسُوا حَظًّا مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ ۗ وَلَا تَزَالُ تَطَّلِعُ عَلَى خَائِنَةٍ مِّنْهُمْ إِلَّا قَلِيلًا مِّنْهُمْ ۗ فَاعْفُ عَنْهُمْ وَأَصْفَحْ ۗ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

پس چون پیمان شکستند، آنان را لعنت کردیم و دل‌هایشان سخت گردانیدیم (که موعظه در آن اثر نکرد)، کلمات خدا را از جای خود تغییر می‌دهند و از آن کلمات که به آنها پند داده شد نصیب بزرگی را از دست دادند. و دائم بر خیانتکاری آن قوم مطلع می‌شوی جز خیلی از ایشان (که با ایمان و نیکوکارند)، پس تو از آنها درگذر و (کار بدشان را) عفو کن، که خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد.

وَمِنَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّا نَصْرِي أَخَذْنَا مِيثَقَهُمْ فَنَسُوا حَظًّا  
مِمَّا ذُكِّرُوا بِهِ فَأَغْرَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعَدَاوَةَ وَالْبَغْضَاءَ إِلَى يَوْمِ  
الْقِيَامَةِ وَسَوْفَ يُنَبِّئُهُمُ اللَّهُ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ كَثِيرًا  
مِمَّا كُنْتُمْ تُخْفُونَ مِنَ الْكِتَابِ وَيَعْفُو عَنْ كَثِيرٍ قَدْ  
جَاءَكُمْ مِنَ اللَّهِ نُورٌ وَكِتَابٌ مُبِينٌ

يَهْدِي بِهِ اللَّهُ مَنِ اتَّبَعَ رِضْوَانَهُ سُبُلَ السَّلَامِ وَيُخْرِجُهُمُ  
مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ بِإِذْنِهِ وَيَهْدِيهِمْ إِلَى صِرَاطٍ  
مُسْتَقِيمٍ

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ قُلْ  
فَمَنْ يَمْلِكُ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ أَنْ يُهْلِكَ الْمَسِيحُ ابْنُ  
مَرْيَمَ وَأُمَّهُ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ

و از آنان که گفتند: ما به کیش عیسی هستیم عهد گرفتیم  
(که پیرو کتاب و رسول خدا باشند) آنان نیز از آنچه (در  
انجیل) پند داده شدند نصیب بزرگی را از دست دادند، ما  
هم (به کیفر عملشان) آتش جنگ و دشمنی را تا قیامت  
میان آنها افروختیم، و به زودی خدا آنها را بر (عاقبت بد)  
آنچه می‌کنند آگاه خواهد ساخت.

ای اهل کتاب، تحقیقاً رسول ما به سوی شما آمده که حقایق  
و احکام بسیاری از آنچه از کتاب آسمانی را پنهان می‌دارید  
برای شما بیان می‌کند و از سر بسیاری (از خطاهای شما)  
درمی‌گذرد. همانا از جانب خدا برای (هدایت) شما نوری  
(عظیم) و کتابی آشکار آمد.

خدا بدان کتاب هر کس را که از پی خشنودی او رود به  
راههای سلامت هدایت کند و آنان را از تاریکی‌های (جهل و  
گناه) بیرون آورد و به عالم نور داخل گرداند و به راه راست  
رهبری کند.

همانا آنان که گفتند: «خدا همان مسیح بن مریم است» کافر  
شدند. بگو (ای پیغمبر): کدام قدرت می‌تواند در برابر خدا  
کمترین مانعی ایجاد کند اگر خدا بخواهد عیسی بن مریم و  
مادرش و هر که در روی زمین است همه را هلاک گرداند؟ و  
مُلک آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست همه از آن  
خداست، هر چه را بخواهد خلق می‌کند و او بر (ایجاد و  
هلاک) همه چیز تواناست.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ وَالنَّصْرَىٰ نَحْنُ أَبْنَاءُ اللَّهِ وَأَحِبَّوهُ قُلْ فَلِمَ يُعَذِّبُكُمْ بِذُنُوبِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بَشَرٌ مِّمَّنْ خَلَقَ يَغْفِرُ لِمَن يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَن يَشَاءُ وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

یهود و نصاری گفتند: ما پسران خدا و دوستان اویم. بگو (ای پیغمبر): اگر چنین است پس او چرا شما را به گناهاتتان عذاب می‌کند؟ بلکه شما هم بشری هستید از آنها که خدا خلق کرده، هر که را بخواهد می‌بخشد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند، و فرمانروایی آسمانها و زمین و آنچه بین آنها است از آن خداست و بازگشت همه به سوی اوست.

يَا أَهْلَ الْكِتَابِ قَدْ جَاءَكُمْ رَسُولُنَا يُبَيِّنُ لَكُمْ عَلَىٰ فَتْرَةٍ مِّنَ الرَّسُلِ أَن تَقُولُوا مَا جَاءَنَا مِن بَشِيرٍ وَلَا نَذِيرٍ فَقَدْ جَاءَكُمْ بَشِيرٌ وَنَذِيرٌ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

ای اهل کتاب، تحقیقاً رسول ما به سوی شما آمد که برای شما (حقایق دین را) بیان می‌کند در روزگاری که پیغمبری نبود، تا نگویید: رسولی که بشارت و بیم (به ثواب و عقاب) دهد بر ما نیامد. پس آن رسول بشارت ده و بیم‌آور به سوی شما آمد؛ و خدا بر هر چیز تواناست.

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِ ادْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ جَعَلَ فِيكُمْ أَنْبِيَاءَ وَجَعَلَكُمْ مُلُوكًا وَعَآتَاكُمْ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِّنَ الْعَالَمِينَ

و (یاد کن) هنگامی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم، نعمت خدا را به خاطر آرید آن گاه که در میان شما پیغمبران فرستاد و شما را پادشاهی داد و به شما آنچه را که به هیچ یک از اهل عالم نداد عطا کرد.

يَتَقَوْمِ ادْخُلُوا الْأَرْضَ الْمُقَدَّسَةَ الَّتِي كَتَبَ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَرْتَدُّوا عَلَىٰ أَدْبَارِكُمْ فَتَنْقَلِبُوا خَاسِرِينَ

ای قوم، به سرزمین مقدسی که خدا سرنوشت شما کرد داخل شوید و پشت (به حکم خدا) نکنید، که زیانکار می‌شوید.

قَالُوا يَا مُوسَىٰ إِنَّ فِيهَا قَوْمًا جَبَّارِينَ وَإِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا حَتَّىٰ يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِن يَخْرُجُوا مِنْهَا فَإِنَّا دَاخِلُونَ

گفتند: ای موسی، در آن سرزمین مقدس گروهی مقتدر و قاهر و ستمکار هستند و هرگز تا آنها از آنجا بیرون نشوند ما داخل نخواهیم شد، هر گاه آنان بیرون شدند ما داخل می‌شویم.

قَالَ رَجُلَانِ مِنَ الَّذِينَ يَخْفَوْنَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِنَّ ادْخُلُوا عَلَيْهِمُ الْبَابَ فَإِذَا دَخَلْتُمُوهُ فَإِنَّكُمْ غَالِبُونَ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَتَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

دو نفر مرد خدا ترس (یوشع و کالب) که مورد لطف خدا بودند گفتند: شما بر آنها از این در درآیید، چون در آمدید آن گاه محققاً (بر آنها) غالب خواهید شد، و بر خدا توکل کنید اگر به او گرویده‌اید.

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِنَّا لَن نَّدْخُلَهَا أَبَدًا مَّا دَامُوا فِيهَا فَاذْهَبْ  
أَنْتَ وَرَبُّكَ فَقَتِلَا إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ

باز قوم گفتند: ای موسی، هرگز ما در آنجا مادامی که آنها باشند ابداً در نیاییم، پس تو برو به اتفاق پروردگارت با آنها قتال کنی ما اینجا خواهیم نشست.

قَالَ رَبِّ إِنِّي لَا أَمْلِكُ إِلَّا نَفْسِي وَأَخِي ۖ فَافْرُقْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ  
الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

موسی گفت: خدایا، من جز بر خود و برادرم مالک و فرمانروا نیستم، پس تو میان ما و این قوم فاسق جدایی انداز.

قَالَ فَإِنَّهَا مُحَرَّمَةٌ عَلَيْهِمْ أَرْبَعِينَ سَنَةً يَتِيهُونَ فِي الْأَرْضِ  
فَلَا تَأْسَ عَلَى الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

خدا گفت: (چون مخالفت امر کردند) شهر را بر آنها حرام کرده، چهل سال بایستی در بیابان حیران و سرگردان باشند، پس تو بر این گروه فاسق متأسف و اندوهگین مباش.

وَاتْلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ ابْنَيْ آدَمَ بِالْحَقِّ إِذْ قَرَّبَا قُرْبَانًا فَتُقُبِّلَ  
مِنْ أَحَدِهِمَا وَلَمْ يُتَقَبَّلْ مِنَ الْآخَرِ قَالَ لَأَقْتُلَنَّكَ ۗ قَالَ إِنَّمَا  
يَتَقَبَّلُ اللَّهُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

و بخوان بر آنها به حقیقت حکایت دو پسر آدم (قابیل و هابیل) را، که چون تقرب به قربانی جستند از یکی پذیرفته شد و از دیگری پذیرفته نشد. (قابیل به برادرش هابیل) گفت: البته تو را خواهم کشت. (هابیل) گفت: بی‌تردید خدا (قربانی را) از متقیان خواهد پذیرفت.

لَئِن بَسَطْتَ إِلَيَّ يَدَكَ لِتَقْتُلَنِي مَا أَنَا بِبَاسِطٍ يَدِيَ إِلَيْكَ  
لَأَقْتُلَنَّكَ ۗ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

سوگند که اگر تو به کشتن من دست برآوری من هرگز به کشتن تو دست دراز نخواهم کرد، که من از خدای جهانیان می‌ترسم.

إِنِّي أُرِيدُ أَنْ تَبُوءَ بِإِثْمِي وَإِثْمِكَ فَتَكُونَ مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ  
وَذَلِكَ جَزَاءُ الظَّالِمِينَ

من خواهم که گناه (کشتن) من و گناه (مخالفت) تو هر دو به تو باز گردد تا تو اهل آتش جهنم شوی، که آن آتش جزای ستمکاران است.

فَطَوَّعَتْ لَهُ نَفْسُهُ قَتْلَ أَخِيهِ فَقَتَلَهُ ۗ فَأَصْبَحَ مِنَ  
الْخَاسِرِينَ

آن گاه (پس از این گفتگو) هوای نفس او را بر کشتن برادرش ترغیب نمود تا او را به قتل رساند و بدین سبب از زیانکاران گردید.

فَبَعَثَ اللَّهُ غُرَابًا يَبْحَثُ فِي الْأَرْضِ لِيُرِيَهُ ۗ كَيْفَ يُورِي  
سَوْءَةَ أَخِيهِ ۗ قَالَ يُؤَيِّلَتِي ۙ أَعَجَزْتُ أَنْ أَكُونَ مِثْلَ هَذَا  
الْغُرَابِ فَأُورِيَ سَوْءَةَ أَخِي ۗ فَأَصْبَحَ مِنَ النَّادِمِينَ

آن گاه خدا کلاغی را برانگیخت که زمین را به چنگال حفر نماید تا به او بنماید چگونه بدن مرده برادر را زیر خاک پنهان کند. (قابیل) گفت: وای (بر من) آیا من از آن عاجزترم که مانند این کلاغ باشم تا جسد برادر را زیر خاک پنهان کنم؟ پس (برادر را به خاک سپرد و) از این کار سخت پشیمان گردید.



مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ كَتَبْنَا عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَنَّهُ مَنْ قَتَلَ نَفْسًا  
بِغَيْرِ نَفْسٍ أَوْ فَسَادٍ فِي الْأَرْضِ فَكَأَنَّمَا قَتَلَ النَّاسَ جَمِيعًا  
وَمَنْ أَحْيَاهَا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ  
رُسُلُنَا بِالْبَيِّنَاتِ ثُمَّ إِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ بَعَدَ ذَلِكَ فِي الْأَرْضِ  
لَمُسْرِفُونَ

إِنَّمَا جَزَاءُ الَّذِينَ يُحَارِبُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَسْعَوْنَ فِي  
الْأَرْضِ فَسَادًا أَنْ يُقَتَّلُوا أَوْ يُصَلَّبُوا أَوْ تُقَطَّعَ أَيْدِيهِمْ  
وَأَرْجُلُهُمْ مِّنْ خَلْفٍ أَوْ يُنْفَوْا مِنَ الْأَرْضِ ذَلِكَ لَهُمْ خِزْيٌ  
فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ فِي الآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن قَبْلِ أَنْ تَقْدِرُوا عَلَيْهِمْ فَاعْلَمُوا أَنَّ  
اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَابْتَغُوا إِلَيْهِ الْوَسِيلَةَ  
وَجَاهِدُوا فِي سَبِيلِهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ  
مَعَهُ لَيَفْتَدُوا بِهِ مِنْ عَذَابِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَا تُقْبَلُ مِنْهُمْ  
وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

بدین سبب بر بنی اسرائیل حکم نمودیم که هر کس نفسی را بدون حق و یا بی‌آنکه فساد و فتنه‌ای در زمین کرده، بکشد مثل آن باشد که همه مردم را کشته، و هر کس نفسی را حیات بخشد (از مرگ نجات دهد) مثل آن است که همه مردم را حیات بخشیده. و هر آینه رسولان ما به سوی آنان با معجزات روشن آمدند سپس بسیاری از مردم بعد از آمدن رسولان باز روی زمین بنای فساد و سرکشی را گذاشتند.

همانا کیفر آنان که با خدا و رسول به جنگ برخیزند و در زمین به فساد کوشند جز این نباشد که آن‌ها را به قتل رسانده، یا به دار کشند و یا دست و پایشان به خلاف یکدیگر ببرند و یا به نفی و تبعید از سرزمین (صالحان) دور کنند. این ذلت و خواری عذاب دنیوی آنهاست و اما در آخرت به عذابی بزرگ معذب خواهند بود.

مگر آنان که توبه کنند پیش از آنکه بر آنها دست یابید، پس بدانید که خداوند بخشنده و مهربان است.

ای اهل ایمان، از خدا بترسید و به سوی او وسیله جویید و در راه او جهاد کنید، باشد که رستگار شوید.

آنان که کافر شدند اگر دو برابر آنچه در زمین است فدا آرند تا به آن خود را از عذاب قیامت رهانند هرگز از آنها قبول نشود و آنان را عذاب دردناک خواهد بود.

يُرِيدُونَ أَنْ يُخْرِجُوا مِنَ النَّارِ وَمَا هُمْ بِخَارِجِينَ مِنْهَا وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

وَالسَّارِقُ وَالسَّارِقَةُ فَاقْطَعُوا أَيْدِيَهُمَا جِزَاءً بِمَا كَسَبَا نَكَالًا مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

فَمَنْ تَابَ مِنْ بَعْدِ ظُلْمِهِ وَأَصْلَحَ فَإِنَّ اللَّهَ يَتُوبُ عَلَيْهِ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَغْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

يَأْتِيهَا الرَّسُولُ لَا يَحْزُنكَ الَّذِينَ يُسْرِعُونَ فِي الْكُفْرِ مِنَ الَّذِينَ قَالُوا آمَنَّا بِأَفْوَاهِهِمْ وَلَمْ تُؤْمِن قُلُوبُهُمْ وَمِنَ الَّذِينَ هَادُوا سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ سَمَّعُونَ لِقَوْمٍ ءَاخِرِينَ لَمْ يَأْتُوكَ يُحَرِّفُونَ الْكَلِمَ مِنْ بَعْدِ مَوَاضِعِهِ يَقُولُونَ إِنْ أُوتِيتُمْ هَذَا فَخُذُوهُ وَإِنْ لَمْ تُؤْتَوْهُ فَاحْذَرُوا وَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ فِتْنَتَهُ فَلَنْ تَمْلِكَ لَهُ مِنْ اللَّهِ شَيْئًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ لَمْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يُطَهِّرَ قُلُوبَهُمْ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و آنها دائم آرزو کنند که از آتش دوزخ بیرون شوند و هرگز بخر نخواهند شد، که عذاب آنها دائم و پایدار است.

دست زن و مرد دزد را به کیفر اعمالشان ببرید، این عقوبتی است که خدا مقرر کرده و خدا مقتدر و به مصالح خلق داناست.

پس هر که پس از ستمی که کرده توبه نمود و کار خود را اصلاح کرد از آن پس خدا او را خواهد بخشید، که خدا بخشنده و مهربان است.

آیا ندانستی که ملک آسمان و زمین خدا راست؟ هر که را خواهد عذاب کند و از هر که خواهد درگذرد، و خدا بر همه چیز تواناست.

ای پیغمبر، غمگین مباش از آنان که به زبان اظهار ایمان کنند و به دل ایمان ندارند و به راه کفر شتابند، و اندوهناک مباش از آن یهودانی که جاسوسی کنند و سخنان دروغ (و فتنه‌خیز به جای کلمات حق) به آن قومی که (از کبر) نزد تو نیامدند می‌رسانند؛ کلمات حق را بعد از آنکه به جای خود مقرر گشت تغییر دهند و گویند: اگر حکم قرآن این گونه آورده شد بپذیرید و الا دوری گزینید. و هر کس را خدا به آزمایش و رسوایی افکند هرگز تو او را از (قهر) خدا نتوانی رهانید، آنها کسانی هستند که خدا نخواستہ دلهاشان را پاک گرداند، و آنان را در دنیا ذلت و خواری و در آخرت عذاب بزرگ مهیاست.

سَمَّعُونَ لِلْكَذِبِ أَكَلُونَ لِلسُّحْتِ فَإِنْ جَاءُوكَ فَآحْكُمْ  
بَيْنَهُمْ أَوْ أَعْرِضْ عَنْهُمْ وَإِنْ تُعْرِضْ عَنْهُمْ فَلَنْ يَضُرُّوكَ  
شَيْئًا وَإِنْ حَكَمْتَ فَآحْكُمْ بَيْنَهُمْ بِالْقِسْطِ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ  
الْمُقْسِطِينَ

۵:  
مانده  
۴۲  
/۱۲۰

وَكَيفَ يُحْكِمُونَكَ وَعِنْدَهُمُ التَّورَةُ فِيهَا حُكْمُ اللَّهِ ثُمَّ  
يَتَوَلَّوْنَ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

۴۳

إِنَّا أَنْزَلْنَا التَّورَةَ فِيهَا هُدًى وَنُورٌ يُحْكَمُ بِهَا النَّبِيُّونَ  
الَّذِينَ اسْلَمُوا لِلَّذِينَ هَادُوا وَالرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ بِمَا  
اسْتُحْفِظُوا مِنْ كِتَابِ اللَّهِ وَكَانُوا عَلَيْهِ شُهَدَاءَ فَلَا تَخْشَوُا  
النَّاسَ وَأَخْشَوْنَ اللَّهَ وَلَا تَشْتَرُوا بِآيَاتِي ثَمَنًا قَلِيلًا وَمَنْ لَمْ  
يُحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الْكَافِرُونَ

۴۴  
۹۲

وَكَتَبْنَا عَلَيْهِمْ فِيهَا أَنْ النَّفْسَ بِالنَّفْسِ وَالْعَيْنَ بِالْعَيْنِ  
وَالْأَنْفَ بِالْأَنْفِ وَالْأُذُنَ بِالْأُذُنِ وَالسِّنَّ بِالسِّنِّ وَالْجُرُوحَ  
قِصَاصٌ فَمَنْ تَصَدَّقَ بِهِ فَهُوَ كَفَّارَةٌ لَهُ وَمَنْ لَمْ يُحْكَمْ  
بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

۴۵

آنها جاسوسان دروغزن و خورندگان مال حرامند، اگر به نزد  
تو آمدند خواهی میان آنها حکم کن یا روی از آنها بگردان، و  
چنانچه روی از آنها بگردانی هرگز کوچکترین زیان به تو  
توانند رسانید، و اگر حکم کردی میان آنها به عدالت حکم  
کن، که خدا دوست می‌دارد آنان را که حکم به عدل کنند.

و چگونه آنها به حکم تو سر فرود آرند در صورتی که تورات  
نزد آنها است و حکم خدا در آن است و با این حال از آن  
روی می‌گردانند؟ (پس چنانچه تو نیز از تورات حکم کنی  
بدان راضی نشوند) چه آنکه اینان به خدا ایمان ندارند.

ما تورات را فرستادیم که در آن هدایت و روشنایی است و  
پیغمبرانی که تسلیم امر خدا هستند بدان کتاب بر یهودان  
حکم کنند و نیز خداشناسان و علمایی که مأمور نگهداری  
(احکام) کتاب خدا هستند و بر (صدق) آن گواهی دادند.  
پس هرگز (در اجرای احکام) از کسی تترسید و از (انتقام)  
من بترسید و آیات مرا به بهای اندک معامله نکنید، که هر  
کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از  
کافران خواهد بود.

و در تورات بر بنی اسرائیل حکم کردیم که نفس را در  
مقابل نفس قصاص کنید و چشم را مقابل چشم و بینی را  
به بینی و گوش را به گوش و دندان را به دندان، و هر  
زخمی را قصاص خواهد بود. پس هر گاه کسی حق قصاص  
را ببخشد (نیکی کرده و) کفاره (گناه) او خواهد شد، و هر  
کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از  
ستمکاران خواهد بود.

وَقَفَّيْنَا عَلَىٰ آثَرِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ ۖ وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْرَةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

و از پی آن رسولان باز عیسی پسر مریم را فرستادیم که تصدیق به درستی توراتی که پیش او بود داشت و انجیل را نیز به او دادیم که در آن هدایت و روشنی (دلها) است، و تصدیق به درستی تورات که پیش از او بود دارد و راهنمایی خلق و اندرز برای پرهیزکاران عالم است.

وَلِيَحْكُمَ أَهْلَ الْإِنجِيلِ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فِيهِ ۖ وَمَنْ لَّمْ يَحْكَمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

و اهل انجیل باید به آنچه خدا در آن کتاب فرستاد حکم کنند، و هر کس به خلاف آنچه خدا فرستاده حکم کند چنین کس از فاسقان خواهد بود.

وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ الْكِتَابِ وَمُهَيْمِنًا عَلَيْهِ ۖ فَاحْكُم بَيْنَهُم بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۗ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ عَمَّا جَاءَكَ مِنَ الْحَقِّ لِكُلِّ جَعَلْنَا مِنْكُمْ شِرْعَةً وَمِنْهَاجًا ۚ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً ۚ وَلَٰكِن لِّيَبْلُوَكُمْ فِي مَا آتَاكُمْ ۗ فَاسْتَبِقُوا الْخَيْرَاتِ ۚ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

و ما این (قرآن عظیم) را به حق بر تو فرستادیم که تصدیق به درستی و راستی همه کتب که در برابر اوست نموده و بر حقیقت کتب آسمانی پیشین گواهی می‌دهد. پس حکم کن میان آنها به آنچه خدا فرستاد و در اثر پیروی از خواهش‌های ایشان حکم حقی که بر تو آمده وامگذار، ما برای هر قومی از شما شریعت و طریقه‌ای مقرر داشتیم، و اگر خدا می‌خواست همه شما را یک امت می‌گردانید، و لیکن (این نکرد) تا شما را به احکامی که در کتاب خود به شما فرستاد بیازماید. پس به کارهای نیک سبقت گیرید، که بازگشت همه شما به سوی خداست و در آنچه اختلاف می‌نمایید شما را به (حقیقت) آن آگاه خواهد ساخت.

وَأَنَّ أَحْكَمَ بَيْنَهُمْ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ ۗ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَأَحْذَرَهُمْ أُنْ يَفْتِنُوكَ عَنْ بَعْضِ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكَ ۗ فَإِنْ تَوَلَّوْا فَاعْلَمْنَا أَنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُصِيبَهُمْ بِبَعْضِ ذُنُوبِهِمْ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ لَفَاسِقُونَ

و (تو ای پیغمبر) به آنچه خدا فرستاده میان آنان حکم کن و پیرو خواهش‌های ایشان مباش، و بیندیش که مبدا تو را فریب دهند و در بعض احکام که خدا به تو فرستاده تقاضای تغییر کنند. پس اگر از حکم خدا روی گردانیدند (باک مدار) بدان که خدا می‌خواهد آنها را به عقوبت بعض گناهانشان گرفتار سازد، و همانا بسیاری از مردم فاسق و بدکارند.

أَفْحُكْمَ الْجَاهِلِيَّةِ يَبْغُونَ ۚ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ حُكْمًا لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

آیا باز تقاضای تجدید حکم زمان جاهلیت را دارند؟ و کدام حکم از احکام خدا برای اهل یقین نیکوتر خواهد بود؟!

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الْيَهُودَ وَالنَّصَرَىٰ أَوْلِيَاءَ  
بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنْكُمْ فَإِنَّهُ مِنْهُمْ إِنَّ  
اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

ای اهل ایمان، یهود و نصاری را به دوستی مگیرید، آنان بعضی دوستدار بعضی دیگرند، و هر که از شما مؤمنان با آنها دوستی کند به حقیقت از آنها خواهد بود؛ همانا خدا ستمکاران را هدایت نخواهد نمود.

گروهی منافق را که دلهاشان ناپاک است خواهی دید که در (راه دوستی) ایشان می‌شتابند و می‌گویند: ما از آن می‌ترسیم که (در گردش روزگار) مبدا آسیبی از آنها به ما رسد. باشد که خدا فتوحی پیش آورد و یا امری دیگر از طرف خود، تا منافقان از آنچه (به نفاق) در دل نهان کردند سخت پشیمان شوند.

و اهل ایمان گویند: آیا اینان هستند که با جدیت و مبالغه بسیار به خدا سوگند یاد می‌کردند که ما از شما هستیم؟! اعمالشان باطل گردید و سخت زیانکار شدند.

ای گروهی که ایمان آورده‌اید، هر که از شما از دین خود مُرْتَد شود به زودی خدا قومی را که بسیار دوست دارد و آنها نیز خدا را دوست دارند و نسبت به مؤمنان سرافکننده و فروتن و به کافران سرافراز و مقتدرند (به نصرت اسلام) برانگیزد که در راه خدا جهاد کنند و (در راه دین) از نکوهش و ملامت احدی باک ندارند. این است فضل خدا، به هر که خواهد عطا کند و خدا را رحمت وسیع بی‌متهاست و (به احوال همه) دانا است.

ولی امر و یاور شما تنها خدا و رسول و مؤمنانی خواهند بود که نماز به پا داشته و به فقرا در حال رکوع زکات می‌دهند (به اتفاق مفسران مراد علی علیه السلام است).

و هر کس که خدا و رسول و اهل ایمان را ولی و فرمانروای خود داند (فیروز است) که تنها لشکر خدا فاتح و غالب خواهد بود.

ای اهل ایمان، با آن گروه از اهل کتاب و کافران که دین شما را به فسوس و بازیچه گرفتند دوستی مکنید و از خدا بترسید اگر به او ایمان آورده‌اید.

فَتَرَى الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يُسْرِعُونَ فِيهِمْ يَقُولُونَ  
نَحْشَىٰ أَنْ تُصِيبَنَا دَآئِرَةٌ فَعَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَ بِالْفَتْحِ أَوْ أَمْرٍ  
مِّنْ عِنْدِهِ فَيُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا أَسْرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ نَادِمِينَ

۵۲

وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَهَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ  
أَيْمَانِهِمْ إِنَّهُمْ لَمَعَكُمْ حَبِطَتْ أَعْمَلُهُمْ فَأَصْبَحُوا  
خَاسِرِينَ

۵۳

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَنْ يَرْتَدَّ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ  
يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَيُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٍ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٍ  
عَلَى الْكٰفِرِينَ يُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ  
لَآئِمٍ ذٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ

۵۴

إِنَّمَا وَلِيُّكُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ  
الصَّلٰوةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكٰوةَ وَهُمْ رَٰكِعُونَ

۵۵

وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ  
الْغٰلِبُونَ

۵۶

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَكُمْ  
هُزُؤًا وَلَعِبًا مِّنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِن قَبْلِكُمْ وَالْكَفَّارَ  
أَوْلِيَاءَ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ كُنْتُمْ مُّؤْمِنِينَ

۵۷  
۹۴

وَإِذَا نَادَيْتُمْ إِلَى الصَّلَاةِ اتَّخَذُوهَا هُزُوعًا وَلَعِبًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

و چون شما ندای نماز بلند کنید آن را مسخره و بازی فرض کنند، زیرا آن قوم مردمی بی‌خرد و نادانند.

بگو: ای اهل کتاب، آیا جز آنکه ما مسلمین به خدا و کتاب خودمان و کتاب شما ایمان آوردیم و شما (ایمان نیاورده و) اکثر فاسقید چیز دیگری موجب کینه و انکار شما بر ما هست؟

بگو (ای پیغمبر): آیا شما را آگاه سازم که کدام قوم را نزد خدا بدترین پاداش است؟ کسانی که خدا بر آنها لعن و غضب کرده و برخی از آنان را به بوزینه و خوک مسخ نموده و آن کس که بندگی طاغوت (شیطان) کرده. این گروه را (نزد خدا) بدترین منزلت است و آنها گمراهترین مردم از راه راستند.

و چون آنان در نزد شما آیند اظهار کنند ما ایمان آورده‌ایم و حال آنکه با همان کفر و انکار که (به اسلام) در آمدند باز (از اسلام) بیرون شدند، و خدا به کفر و نفاق که در درون دل پنهان می‌دارند داناتر است.

بسیاری از آنها را بنگری که در گناه و ستمکاری و خوردن حرام می‌شتابند؛ بسیار بد کاری را پیشه خود نمودند.

چرا علما و روحانیون آنها را از گفتار زشت و خوردن مال حرام باز نمی‌دارند؟ همانا کاری بسیار زشت را پیشه خود نمودند.

یهود گفتند: دست (قدرت) خدا بسته است! به واسطه این گفتار (دروغ) دست آنها بسته شده و به لعن خدا گرفتار گردیدند، بلکه دو دست (قدرت) خدا گشاده است و هر گونه بخواهد (بر خلق) انفاق می‌کند. و همانا قرآنی که به تو نازل گشت بر کفر و طغیان بسیاری از اهل کتاب بیفزاید و ما (به کیفر آن) تا قیامت آتش کینه و دشمنی را در میان آنها برافروختیم، هر گاه برای جنگ (با مسلمانان) آتشی برافروختند خدا آن آتش را خاموش ساخت، و آنها در روی زمین به فسادکاری می‌کوشند، و هرگز خدا مردم ستمکار مفسد را دوست نمی‌دارد.

۵۹

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ هَلْ تَنْقِمُونَ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْنَا وَمَا أُنزِلَ مِن قَبْلُ وَأَنَّ أَكْثَرَكُمْ فَاسِقُونَ

۶۰

قُلْ هَلْ أُنَبِّئُكُمْ بِشَرِّ مِمَّنْ ذَٰلِكَ مَثُوبَةً عِنْدَ اللَّهِ مَن لَعَنَهُ اللَّهُ وَغَضِبَ عَلَيْهِ وَجَعَلَ مِنْهُمْ الْقِرَدَةَ وَالْخَنَازِيرَ وَعَبَدَ الطَّاغُوتِ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا وَأَضَلُّ عَن سَوَاءِ السَّبِيلِ

۶۱

وَإِذَا جَاءُوكُمْ قَالُوا ءَامَنَّا وَقَدْ دَخَلُوا بِالْكُفْرِ وَهُمْ قَدْ خَرَجُوا بِهِ ؕ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا كَانُوا يَكْتُمُونَ

۶۲

وَتَرَىٰ كَثِيرًا مِّنْهُمْ يُسْرِعُونَ فِي الْإِثْمِ وَالْعُدْوَانِ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۶۳

لَوْلَا يَنْهَاهُمُ الرَّبَّانِيُّونَ وَالْأَحْبَارُ عَن قَوْلِهِمُ الْإِثْمَ وَأَكْلِهِمُ السُّحْتَ لَبِئْسَ مَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

۶۴

وَقَالَتِ الْيَهُودُ يَدُ اللَّهِ مَغْلُولَةٌ غُلَّتْ أَيْدِيهِمْ وَلُعِنُوا بِمَا قَالُوا بَلْ يَدَاهُ مَبْسُوطَتَانِ يُنفِقُ كَيْفَ يَشَاءُ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا وَالْقَيْنَا بَيْنَهُمُ الْعُدَاةَ وَالْبَغِضَاءَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ كُلَّمَا أَوْقَدُوا نَارًا لِلْحَرْبِ أَطْفَأَهَا اللَّهُ وَيَسْعَوْنَ فِي الْأَرْضِ فَسَادًا وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْكِتَابِ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَكَفَّرْنَا عَنْهُمْ  
سَيِّئَاتِهِمْ وَلَأَدْخَلْنَاهُمْ جَنَّاتِ النَّعِيمِ

و چنانچه اهل کتاب ایمان آرند و تقوا پیشه کنند ما البته گناهانشان را محو و مستور می‌سازیم و آنها را در بهشت پر نعمت داخل می‌گردانیم.

وَلَوْ أَنَّهُمْ أَقَامُوا التَّوْرَةَ وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِمْ مِنْ رَبِّهِمْ لَأَكَلُوا مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِن تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ مِّنْهُمْ أُمَّةٌ مُّقْتَصِدَةٌ وَكَثِيرٌ مِّنْهُمْ سَاءَ مَا يَعْمَلُونَ

و چنانچه آنها به دستور تورات و انجیل خودشان و قرآنی که از سوی پروردگارشان به سوی آنها نازل شده قیام می‌کردند البته به هر گونه نعمت از بالا و پایین برخوردار می‌شدند، (لیکن) برخی از آنان مردمی میانه‌رو و معتدل، و بسیاری از آنها بسی زشتکار و بد عملند.

يَا أَيُّهَا الرَّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَإِنْ لَّمْ تَفْعَلْ  
فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَاللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ لَا  
يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

ای پیغمبر، آنچه از خدا بر تو نازل شد (به خلق) برسان که اگر نرسانی تبلیغ رسالت و اداء وظیفه نکرده‌ای، و خدا تو را از (شر) مردمان محفوظ خواهد داشت، (و دل قوی دار که) خدا کافران را (به هیچ راه موفقیتی) راهنمایی نخواهد کرد.

قُلْ يَا أَهْلَ الْكِتَابِ لَسْتُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ حَتَّىٰ تُقِيمُوا التَّوْرَةَ  
وَالْإِنْجِيلَ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ وَلَيَزِيدَنَّ كَثِيرًا  
مِّنْهُمْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ طُغْيَانًا وَكُفْرًا فَلَا تَأْسَ عَلَى  
الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

(ای پیغمبر) بگو: ای اهل کتاب، شما ارزشی ندارید تا آنکه به دستور تورات و انجیل و قرآنی که به شما از جانب خدا فرستاده شده قیام کنید. و همانا قرآنی که به تو از سوی پروردگارت نازل شد (به جای آنکه به آن ایمان آرند) بر کفر و سرکشی بسیاری از آنان خواهد افزود، در این صورت (تو ای پیغمبر) بر حال کافران نباید تأسف خوری.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّالِحِينَ وَالنَّصْرَىٰ مَنْ  
ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ  
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

البته هر کس از گرویدگان به اسلام و یهودان و ستاره‌پرستان و نصاری که به خدا و روز قیامت ایمان آورد و نیکوکار شود هرگز آنان را ترسی و اندوهی (در عالم آخرت) نخواهد بود.

لَقَدْ أَخَذْنَا مِيثَاقَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَارْسَلْنَا إِلَيْهِمْ رَسُولًا قُلْنَا  
إِذَا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنفُسُهُمْ فَرِيقًا كَذَّبُوا وَفَرِيقًا  
يَقْتُلُونَ

ما از بنی اسرائیل پیمان گرفتیم و پیغمبرانی بر آنها فرستادیم؛ اما هر گاه رسولی آمد که بر خلاف هوای نفس آنها سخن گفت، گروهی را تکذیب کرده و گروهی را می‌کشتند.

وَحَسِبُوا أَلَّا تَكُونَ فِتْنَةً فَعَمُوا وَصَمُوا ثُمَّ تَابَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ ثُمَّ عَمُوا وَصَمُوا كَثِيرٌ مِنْهُمْ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

و گمان کردند که بر آنها فتنه و امتحانی نخواهد بود، پس (از دیدن و شنیدن امر خدا) کور و کر شدند، (و پس از آن همه اعمال زشت) باز خدا توبه آنها را پذیرفت، اما باز هم بسیاری دیگر کور و کر شدند؛ و خدا به هر چه می‌کنند آگاه است.

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَبْنِي إِسْرَائِيلَ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَن يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ

آنان که قائل به خدایی مسیح پسر مریم شدند محققاً کافر گشتند، در حالی که خود مسیح گفت: ای بنی اسرائیل، خدایی را که آفریننده من و شماست بپرستید، که هر کس به خدا شرک آرد خدا بهشت را بر او حرام گرداند و جایگاهش آتش دوزخ باشد، و ستمکاران را هیچ کس یاری نخواهد کرد.

لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِن لَّمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

البته آنان که گفتند خدا یکی از سه (عنصر تشکیل دهنده خدا) است کافر گردیدند، و حال آنکه جز خدای یگانه خدایی نیست. و اگر از این گفتار (تثلیث) زبان نبندند البته آن کافران را عذابی دردناک خواهد رسید.

أَفَلَا يَتُوبُونَ إِلَى اللَّهِ وَيَسْتَغْفِرُونَهُ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

آیا نبایستی به سوی خدا بازگشته و توبه کنند و از او طلب آمرزش نمایند؟ حال آنکه خدا بخشنده و مهربان است.

مَا الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ إِلَّا رَسُولٌ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِ الرُّسُلُ وَأُمُّهُ وَصِدِّيقَةٌ كَانَا يَأْكُلَانِ الطَّعَامَ أَنْظِرْ كَيْفَ نُبَيِّنُ لَهُمُ الْآيَاتِ ثُمَّ أَنْظِرْ أَلَيْ يُؤْفَكُونَ

مسیح پسر مریم پیغمبری بیش نبود که پیش از او پیغمبرانی آمده‌اند و مادرش هم زنی راستگو و با ایمان بود و هر دو (به حکم بشریت) غذا تناول می‌کردند. بنگر چگونه ما آیات خود را روشن بیان می‌کنیم، آن گاه بنگر که آنان چگونه از حق برگردانیده می‌شوند؟

قُلْ أَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَاللَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

بگو: آیا شما کسی را غیر از خدا می‌پرستید که مالک هیچ سود و زیانی نسبت به شما نخواهد بود؟! و خداست که شنوا و داناست.



قُلْ يَٰٓأَهْلَ ٱلْكِتَٰبِ لَا تَغْلُواْ فِي دِينِكُمْ غَيْرَ ٱلْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعُواْ أَهْوَآءَ قَوْمٍ قَدْ ضَلُّواْ مِن قَبْلُ وَأَضَلُّواْ كَثِيرًا وَضَلُّواْ عَن سَوَآءِ ٱلسَّبِيلِ

لَعْنِ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ مِن بَنِي إِسْرَآءِيلَ عَلَى لِسَانِ دَاوُدَ وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ ذَٰلِكَ بِمَا عَصَوْاْ وَكَانُواْ يَعْتَدُونَ

كَانُواْ لَا يَتَنَاهَوْنَ عَن مُّنْكَرٍ فَعَلُوهُ لَبِئْسَ مَا كَانُواْ يَفْعَلُونَ

تَرَى كَثِيرًا مِّنْهُمْ يَتَوَلَّوْنَ ٱلَّذِينَ كَفَرُواْ لَبِئْسَ مَا قَدَّمَتْ لَهُمْ أَنفُسُهُمْ أَن سَخِطَ ٱللَّهُ عَلَيْهِمْ وَفِي ٱلْعَذَابِ هُمْ خَالِدُونَ

وَلَوْ كَانُواْ يُؤْمِنُونَ بِٱللَّهِ وَٱلتَّيَّبِ وَمَا أُنزِلَ إِلَيْهِ مَا ٱتَّخَذُوهُمْ أَوْلِيَآءَ وَلَٰكِنَّ كَثِيرًا مِّنْهُمْ فَٰسِقُونَ

لَتَجِدَنَّ أَشَدَّ ٱلنَّاسِ عَدَاوَةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلْيَهُودَ وَٱلَّذِينَ أَشْرَكُواْ وَلَتَجِدَنَّ أَقْرَبَهُم مَّوَدَّةً لِّلَّذِينَ ءَامَنُواْ ٱلَّذِينَ قَالُواْ إِنَّا نَصْرَىٰ ذَٰلِكَ بِأَنَّ مِنْهُمْ قِسِيَسِينَ وَرَهْبَانًا وَآنَّهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ

بگو: ای اهل کتاب، در دین خود به ناحق غلو نکنید و از پی خواهش‌های آن گروه که خود پیش از این گمراه شدند و بسیاری را گمراه کردند و از راه راست دور افتادند نروید.

کافران بنی اسرائیل به زبان داود و عیسی پسر مریم از آن رو لعنت کرده شدند که نافرمانی (خدا) نموده و (از حکم حق) سرکشی می‌کردند.

آنها هیچ گاه یکدیگر را از کار زشت خود نهی نمی‌کردند، و آنچه می‌کردند بسی قبیح و ناشایسته بود.

بسیاری از آنها را خواهی دید که با کافران دوستی می‌کنند. ذخیره‌ای که برای خود پیش می‌فرستند و آن غضب خداست بسیار بد ذخیره‌ای است و آنها در عذاب جاوید خواهند بود.

و اگر به خدا و پیغمبر و کتابی که بر او نازل شده ایمان آورده بودند البته کافران را دوست خود نمی‌گرفتند، ولیکن بسیاری از آنها فاسق و بدکردارند.

هر آینه دشمن‌ترین مردم نسبت به مسلمانان، یهود و مشرکان را خواهی یافت، و با محبت‌تر از همه کس به اهل ایمان آنان را که گویند: ما نصرانی هستیم. این (دوستی نصاری نسبت به مسلمین) بدین سبب است که برخی از آنها دانشمند و پارسا هستند و تکبر و گردنکشی (بر حکم خدا) نمی‌کنند.

وَإِذَا سَمِعُوا مَا أُنزِلَ إِلَى الرَّسُولِ تَرَىٰ أَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ  
الدَّمْعِ مِمَّا عَرَفُوا مِنَ الْحَقِّ يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَأَمَنَّا فَاكْتُبْنَا  
مَعَ الشَّاهِدِينَ

وَمَا لَنَا لَا نُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَمَا جَاءَنَا مِنَ الْحَقِّ وَنَطْمَعُ أَنْ  
يُدْخِلَنَا رَبَّنَا مَعَ الْقَوْمِ الصَّالِحِينَ

فَأَتَبَهُمُ اللَّهُ بِمَا قَالُوا جَنَّتِ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
خَالِدِينَ فِيهَا ۚ وَذَلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَأْمَنُوا لَا تُحَرِّمُوا طَيِّبَاتٍ مَّا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ  
وَلَا تَعْتَدُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

وَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي أَنْتُمْ  
بِهِ ءَ مُؤْمِنُونَ

لَا يُؤَاخِذُكُمُ اللَّهُ بِاللَّغْوِ فِي أَيْمَانِكُمْ وَلَٰكِنْ  
يُؤَاخِذُكُم بِمَا عَقَدْتُمُ الْأَيْمَانَ فَكَفَّرْتُهُ ۗ وَإِطْعَامُ عَشْرَةِ  
مَسْكِينٍ مِنْ أَوْسَطِ مَا تُطْعَمُونَ أَهْلِيكُمْ أَوْ كِسْوَتُهُمْ أَوْ  
تَحْرِيرُ رَقَبَةٍ ۗ فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ۚ ذَٰلِكَ كَفَّرَةٌ  
أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ ۗ وَاحْفَظُوا أَيْمَانَكُمْ ۚ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ  
لَكُمْ ءَايَاتِهِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و چون آیاتی را که به رسول فرستاده شده استماع کنند  
میبینی اشک از دیده آنها جاری می‌شود، زیرا حقانیت آن را  
شناخته‌اند؛ گویند: بارالها، ما ایمان آوردیم، پس نام ما را  
در زمره گواهان صدق (او) بنویس.

و (گویند) چرا ما ایمان به خدا و کتاب حق که ما را آمده  
است نیاوریم در صورتی که امید آن داریم که خدا ما را  
داخل در زمره صالحان گرداند؟

پس خدا بر آنچه گفتند پاداش نیکو به آنها داد؛ بهشت‌هایی  
که از زیر درختانش نهرها جاری است که در آن زندگانی  
جاوید خواهند داشت، و این پاداش نیکوکاران است.

و آنان که کافر شدند و تکذیب آیات ما نمودند ایشان اهل  
جهنمند.

ای اهل ایمان، حرام نکنید طعامهای پاکیزه‌ای که خدا بر شما  
حلال نموده، و (از حدود و احکام خدا) تجاوز نکنید، که خدا  
تجاوزکنندگان را دوست نمی‌دارد.

هر چیز حلال و پاکیزه که خدا روزی شما کرده از آن بخورید،  
و بپرهیزید از (مخالفت) آن خدایی که به او گرویده‌اید.

خدا به قسمهای لغو بیهوده، شما را مؤاخذه نخواهد کرد،  
ولیکن بر (شکستن) آن قسمی که از روی عقیده قلبی یاد  
کنید مؤاخذه خواهد نمود. و کفاره آن قسم طعام دادن ده  
فقیر است از آن طعام متوسط که بر اهل خود غالباً تهیه  
می‌کنید، یا جامه بر آنها پوشانده و یا یک بنده آزاد کنید، و  
هر کس توانایی آن ندارد سه روز روزه بدارد. این است  
کفاره (شکستن) سوگندهایی که یاد می‌کنید؛ و باید  
(حرمت) سوگندهای خود را نگاه دارید. خدا بدین گونه  
روشن آیات خود را برای شما بیان می‌کند، شاید که شکر او  
به جای آرید.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْحُمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ  
وَالْأَزْلَمُ رِجْسٌ مِّنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ  
تُفْلِحُونَ

ای اهل ایمان، شراب و قمار و بتپرستی و تیره‌های  
گرویندی همه اینها پلید و از عمل شیطان است، از آن البته  
دوری کنید تا رستگار شوید.

إِنَّمَا يُرِيدُ الشَّيْطَانُ أَنْ يُوقِعَ بَيْنَكُمْ الْعَدَاةَ وَالْبَغْضَاءَ فِي  
الْحُمْرِ وَالْمَيْسِرِ وَيُضِدَّكُمْ عَنِ ذِكْرِ اللَّهِ وَعَنِ الصَّلَاةِ  
فَهَلْ أَنْتُمْ مُنْتَهُونَ

شیطان قصد آن دارد که به وسیله شراب و قمار، میان شما  
عداوت و کینه بر انگیزد و شما را از ذکر خدا و نماز باز  
دارد، پس شما آیا از آن دست برمی‌دارید؟

و خدا و رسول خدا را اطاعت کنید و بترسید، که هر گاه  
روی (از طاعت خدا) بگردانید پس بدانید که بر رسول ما  
جز آنکه به آشکار حکم خدا را ابلاغ کند تکلیفی نخواهد  
بود.

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَأَحْذَرُوا فَإِن تَوَلَّيْتُمْ  
فَاعْلَمُوا أَنَّمَا عَلَى رَسُولِنَا الْبَلْغُ الْمُبِينُ

بر آنان که ایمان آوردند و نیکوکار شدند باکی نیست در  
آنچه از مأكولات خوردند، هر گاه تقوا پیشه گرفته و ایمان  
آرند و کارهای نیک کنند، باز پرهیزکار شوند و ایمان آورند،  
باز پرهیزکار و نیکوکار شوند؛ و خدا نیکوکاران را دوست  
می‌دارد.

لَيْسَ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جُنَاحٌ فِيمَا  
طَعَمُوا إِذَا مَا اتَّقَوْا وَءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ ثُمَّ اتَّقَوْا  
وَءَامَنُوا ثُمَّ اتَّقَوْا وَأَحْسَنُوا وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ

ای اهل ایمان، خدا شما را به چیزی از صید می‌آزماید که در  
دسترس شما و تیره‌های شما آیند تا بدانند که چه کسی از  
خدا در باطن می‌ترسد. پس هر که از این به بعد (از حدود  
الهی) تجاوز کند او را عذابی سخت دردناک خواهد بود.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِيَلْبُوتَكُمْ اللَّهُ بِشَيْءٍ مِّنَ الصَّيْدِ  
تَنَالَهُ أَيْدِيكُمْ وَرِمَاحُكُمْ لِيَعْلَمَ اللَّهُ مَن يَخَافُهُ  
وَبِالْغَيْبِ فَمَنِ اعْتَدَىٰ بَعْدَ ذَٰلِكَ فَلَهُ عَذَابٌ أَلِيمٌ

ای مؤمنان، در حال احرام صید را نکشید و هر کس آن را  
عمداً کشت مثل آن صید را از جنس چهارپایان، که به  
مثلیت آن دو مؤمن عادل حکم کنند، به عنوان هدای به کعبه  
رساند یا چند مسکین را طعام دهد یا معادل آن روزه بدارد،  
تا بچشد عقوبت مخالفتش را. و خدا از گذشته درگذشت،  
ولی هر که دیگر بار (به مخالفت) باز گردد خدا از وی انتقام  
می‌کشد، و خدا مقتدر و انتقام‌کشنده است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَقْتُلُوا الصَّيْدَ وَأَنْتُمْ حُرْمٌ وَمَن  
قَتَلَهُ مِنكُمْ مُتَعَمِّدًا فَجَزَاءٌ مِّثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعْمِ  
يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ هَدْيًا بَلِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَرَةٌ  
طَعَامُ مَسْكِينٍ أَوْ عَدْلٌ ذَٰلِكَ صِيَامًا لِّيَذُوقَ وَبَالَ أَمْرِهِ  
عَفَا اللَّهُ عَمَّا سَلَفَ وَمَنْ عَادَ فَيَنْتَقِمُ اللَّهُ مِنْهُ وَاللَّهُ  
عَزِيزٌ ذُو انتِقَامٍ

أَحِلَّ لَكُمْ صَيْدُ الْبَحْرِ وَطَعَامُهُ مَتَعًا لَكُمْ وَلِلسَّيَّارَةِ  
وَحُرْمَ عَلَيْكُمْ صَيْدُ الْبَرِّ مَا دُمْتُمْ حُرْمًا وَاتَّقُوا اللَّهَ  
الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

جَعَلَ اللَّهُ الْكَعْبَةَ الْبَيْتَ الْحَرَامَ قِيَمًا لِلنَّاسِ وَالشَّهْرَ  
الْحَرَامَ وَالْهَدْيَ وَالْقَلْبَدَّ ذَلِكُمْ لِيَتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا  
فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ وَأَنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

مَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا  
تَكْتُمُونَ

قُلْ لَا يَسْتَوِي الْخَبِيثُ وَالطَّيِّبُ وَلَوْ أَعْجَبَكَ كَثْرَةُ  
الْخَبِيثِ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِي الْأَلْبَابِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَسْأَلُوا عَنْ أَشْيَاءَ إِنْ تُبَدَّ لَكُمْ  
تَسْؤُكُمْ وَإِنْ تَسْأَلُوا عَنْهَا حِينَ يُنزَلُ الْقُرْءَانُ تُبَدَّ  
لَكُمْ عَفَا اللَّهُ عَنْهَا وَاللَّهُ غَفُورٌ حَلِيمٌ

قَدْ سَأَلَهَا قَوْمٌ مِّن قَبْلِكُمْ ثُمَّ أَصْبَحُوا بِهَا كَافِرِينَ

مَا جَعَلَ اللَّهُ مِنْ بَحِيرَةٍ وَلَا سَائِبَةٍ وَلَا وَصِيلَةٍ وَلَا حَامٍ  
وَالَكِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكُذِبَ  
وَأَكْثَرُهُمْ لَا يَعْقِلُونَ

بر شما صید دریا و طعام آن حلال گردید تا شما و کاروانان  
از آن بهره‌مند شوید، ولی صید بیابان تا زمانی که مُحْرِم  
هستید بر شما حرام است. و بترسید از آن خدایی که به  
سوی او محشور می‌شوید.

خدا کعبه را خانه حرام قرار داد برای نهبانی مردم، و نیز  
ماه حرام را قرار داد و نیز هَدْي و قلاند (قربانی نشان‌دار و  
بی‌نشان) را قرار داد، تا بدانید که خدا به هر چه در  
آسمانها و زمین است آگاه است و خدا به همه چیز داناست.

بدانید که خدا هم عقابش بسیار سخت و دشوار است و هم  
خدا بسیار بخشنده و مهربان است.

بر پیغمبر جز تبلیغ (احکام الهی) وظیفه‌ای نیست، و خدا هر  
چه را آشکار داشته و یا پنهان دارید همه را می‌داند.

بگو (ای پیغمبر): هرگز مردم پاک و ناپاک یکسان نخواهند  
بود هر چند (در جهان) بسیاری پلیدان تو را به شگفت آورد.  
پس ای خردمندان از خدا بترسید، باشد که رستگار شوید.

ای اهل ایمان، هرگز از چیزهایی مپرسید که اگر فاش گردد  
شما را زشت و بد می‌آید و غمناک می‌کند، و اگر پرسش آن  
را به هنگام نزول آیات قرآن واگذارید برای شما (هر چه  
مصلحت است) آشکار می‌گردد. خدا از عقاب سؤالات بی‌جای  
شما درگذشت، و خدا بخشنده و بردبار است.

قومی پیش از شما هم سؤال از آن امور نمودند، آن گاه که  
برایشان بیان شد به آن کافر شدند.

خدا برای بحیره و سائبه و وصیله و حام (نام شتران و  
گوسفندانی که مشرکان با شرایط خاصی آزاد می‌کردند)  
حکمی مقرر نفرموده، لیکن کافران بر خدا دروغ می‌بندند،  
چه آنکه بیشتر آنان عقل را به کار نمی‌بندند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا إِلَىٰ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَإِلَى الرَّسُولِ قَالُوا  
حَسْبُنَا مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ عَابَاعْنَا أَوْلُو كَان عَابَاؤُهُمْ لَا  
يَعْلَمُونَ شَيْئًا وَلَا يَهْتَدُونَ

و چون به آنها گفته شود: بیایید از حکم کتابی که خدا فرستاده و از دستور رسول او پیروی کنید، گویند: آن دینی که پدران خود را بر آن یافتیم ما را کفایت است. آیا باید از پدران خود هر چند مردمی جاهل بوده و به حق راه نیافته باشند باز پیروی کنند؟

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَيْكُمْ أَنْفُسَكُمْ لَا يَضُرُّكُمْ مِّنْ ضَلَّ إِذَا اهْتَدَيْتُمْ إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

ای اهل ایمان، شما (ایمان) خود را محکم نگاه دارید، که اگر همه عالم گمراه شوند و شما به راه هدایت باشید زیانی از آنها به شما نرسد. بازگشت همه شما به سوی خداست و همه شما را به آنچه کردید آگاه می‌سازد.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا شَهَادَةٌ بَيْنَكُمْ إِذَا حَضَرَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ حِينَ الْوَصِيَّةِ اثْنَانِ ذَوَا عَدْلٍ مِّنكُمْ أَوْ ءَاخِرَانِ مِّنْ غَيْرِكُمْ إِنْ أَنْتُمْ ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَأَصَابَتْكُمْ مُصِيبَةُ الْمَوْتِ تَحْسِبُونَهُمَا مِنْ بَعْدِ الصَّلَاةِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ إِنْ أَرْتَبْتُمْ لَا نَشْتَرِي بِهِ ثَمَنًا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ وَلَا نَكُتُمْ شَهَادَةَ اللَّهِ إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الْآثِمِينَ

ای اهل ایمان، چون یکی از شما را هنگام مرگ فرا رسید، برای وصیت خود دو شاهد عادل را گواه بگیرید که از خودتان باشند، یا دو تن دیگر از غیر خودتان (از غیر مسلمانان) گواه بگیرید اگر در سفر به شما مصیبت مرگ رسد (و شاهد خودی نیابید)؛ آن دو شاهد را نگاه دارید اگر از آنها بدگمانید، تا بعد از نماز سوگند خورند که ما برای شهادت خود هرگز بهایی نمی‌خواهیم هر چند شهادت بر خویشانمان باشد و گواهی خود را که به امر خداست کتمان نخواهیم کرد، که اگر کتمان شهادت کنیم البته از گنهکاران خواهیم بود.

فَإِنْ عَثَرَ عَلَىٰ أَنَّهُمَا اسْتَحَقَّا إِثْمًا فَءَاخِرَانِ يُقْرَمَانِ مَقَامَهُمَا مِنَ الَّذِينَ اسْتَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْأَوْلَٰئِنِ فَيُقْسِمَانِ بِاللَّهِ لَشَهَدَتْنَا أَحَقُّ مِنْ شَهَادَتِهِمَا وَمَا أَعْتَدْنَا إِنَّا إِذًا لَّمِنَ الظَّالِمِينَ

پس اگر بر احوال آن دو شاهد اطلاعی حاصل شد که مرتکب گناهی شده‌اند (و در شهادت خیانت کرده‌اند) دو شاهد دیگر که احق (به ارث یا شهادت) باشند به جای آنها قیام کنند و به خدا سوگند یاد کنند که شهادت ما راست‌تر از شهادت آن دو شاهد پیشین است و ما (از حق اصلاً) تجاوز نکردیم، که در آن صورت از ستمکاران باشیم.

ذَٰلِكَ أَدَّبْنَا أَن يَأْتُوا بِالشَّهَادَةِ عَلَىٰ وَجْهَهَا أَوْ يَخَافُوا أَن تُرَدَّ أَيْمَنٌ بَعْدَ أَيْمَنِهِمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَسْمَعُوا ۗ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَٰسِقِينَ

این گونه که بیان شد نزدیکتر به آن است که شهادت را بر وجه خود ادا کنند، یا از اینکه باز قسم را (اوصیاء بر ورثه) رد کنند بیمناک باشند. و از خدا بترسید و (سخن حق را) بشنوید، و خدا مردم بدکار را هدایت نخواهد کرد.

يَوْمَ يَجْمَعُ اللَّهُ الرُّسُلَ فَيَقُولُ مَاذَا أُجِبْتُمْ قَالُوا لَا عِلْمَ لَنَا  
إِنَّكَ أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ

روزی که خدا همه پیغمبران را جمع گرداند و آن گاه گوید: چگونه امت از دعوت شما اجابت کردند؟ گویند: ما نمی‌دانیم، تویی که به باطن همه کاملاً دانایی.

إِذْ قَالَ اللَّهُ يٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ اذْكُرْ نِعْمَتِي عَلَيْكَ وَعَلَىٰ  
وَالِدَتِكَ إِذْ أَيَّدتُّكَ بِرُوحِ الْقُدُسِ تُكَلِّمُ النَّاسَ فِي الْمَهْدِ  
وَكَهَلًا وَإِذْ عَلَّمْتُكَ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَالتَّوْرَةَ  
وَالْإِنْجِيلَ وَإِذْ تَخْلُقُ مِنَ الطِّينِ كَهَيْئَةِ الطَّيْرِ بِإِذْنِي  
فَتَنْفُخُ فِيهَا فَتَكُونُ طَيْرًا بِإِذْنِي وَتُبْرِئُ الْأَكْمَةَ  
وَالْأَبْرَصَ بِإِذْنِي وَإِذْ تُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ بِإِذْنِي وَإِذْ كَفَفْتُ بَنِي  
إِسْرَائِيلَ عَنْكَ إِذْ جِئْتَهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا  
مِنْهُمْ إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

و (یاد کن) هنگامی که به حواریین وحی کردیم که به من و به رسول من ایمان آورید، گفتند: ایمان آوردیم، (خدایا) گواه باش که ما تسلیم امر توایم.

وَإِذْ أَوْحَيْتُ إِلَى الْحَوَارِيِّينَ أَنْ ءَامِنُوا بِي وَبِرَسُولِي قَالُوا  
ءَامِنًا وَأَشْهَدُ بِأَنَّا مُسْلِمُونَ

(یاد آر) هنگامی که حواریین گفتند: ای عیسی مریم، آیا خدای تو تواند که برای ما از آسمان مائده‌ای فرستد؟ عیسی در جواب گفت: اگر ایمان آورده‌اید از خدا بترسید (و شک در قدرت خدا نکنید).

إِذْ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ يٰعِيسَى ابْنَ مَرْيَمَ هَلْ يَسْتَطِيعُ رَبُّكَ  
أَنْ يُنْزِلَ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ السَّمَاءِ قَالُوا اللَّهُ إِنْ  
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

گفتند: می‌خواهیم هم از آن مائده آسمانی تناول کنیم و هم دل‌های ما مطمئن شود و هم به راستی عهدهای تو پی بریم و بر آن (به مشاهده) از گواهان باشیم.

قَالُوا نُرِيدُ أَنْ نَأْكُلَ مِنْهَا وَتَطْمَئِنَّ قُلُوبُنَا وَنَعْلَمَ أَنْ قَدْ  
صَدَقْتَنَا وَنَكُونَ عَلَيْهَا مِنَ الشَّاهِدِينَ

قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ اللَّهُمَّ رَبَّنَا أَنْزِلْ عَلَيْنَا مَائِدَةً مِنَ  
السَّمَاءِ تَكُونُ لَنَا عِيدًا لِأَوَّلِنَا وَآخِرِنَا وَآيَةً مِنْكَ  
وَأَرْزُقْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

قَالَ اللَّهُ إِنِّي مُنَزَّلُهَا عَلَيْكُمْ فَمَنْ يَكْفُرْ بَعْدَ مِنْكُمْ  
فَإِنِّي أُعَذِّبُهُ عَذَابًا لَّا أُعَذِّبُهُ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ

وَإِذْ قَالَ اللَّهُ يَعْيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ءَأَنْتَ قُلْتَ لِلنَّاسِ  
أُخَذُونِي وَأُمِّي إِلَهَيْنِ مِنْ دُونِ اللَّهِ قَالَ سُبْحَانَكَ مَا  
يَكُونُ لِي أَنْ أَقُولَ مَا لَيْسَ لِي بِحَقِّ إِنْ كُنْتَ قُلْتُهُ فَقَدْ  
عَلِمْتَهُ تَعَلَّمَ مَا فِي نَفْسِي وَلَا أَعْلَمُ مَا فِي نَفْسِكَ إِنَّكَ  
أَنْتَ عَلَّمُ الْغُيُوبِ

مَا قُلْتَ لَهُمْ إِلَّا مَا أَمَرْتَنِي بِهِ أَنْ أَعْبُدُوا اللَّهَ رَبِّي  
وَرَبَّكُمْ وَكُنْتُ عَلَيْهِمْ شَهِيدًا مَا دُمْتُ فِيهِمْ فَلَمَّا  
تَوَفَّيْتَنِي كُنْتَ أَنْتَ الرَّقِيبَ عَلَيْهِمْ وَأَنْتَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
شَهِيدٌ

إِنْ تُعَذِّبُهُمْ فَإِنَّهُمْ عَبَادُكَ وَإِنْ تُعْفِرْ لَهُمْ فَإِنَّكَ أَنْتَ  
الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

قَالَ اللَّهُ هَذَا يَوْمُ يَنْفَعُ الصَّادِقِينَ صِدْقُهُمْ لَهُمْ جَنَّاتٌ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ  
عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا فِيهِنَّ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ  
قَدِيرٌ

عیسی مریم گفت: بارالها، ای پروردگار ما، تو بر ما از آسمان  
مائده‌ای فرست تا (این روز) برای ما و کسانی که پس از ما  
آیند روز عید مبارکی گردد و آیت و حجتی از جانب تو برای  
ما باشد، و ما را روزی ده، که تو بهترین روزی دهندگانی.

خدا گفت: من آن مائده را برای شما می‌فرستم، ولی هر که  
بعد از نزول مائده کافر شود وی را عذابی کنم که هیچ یک  
از جهانیان را چنان عذاب نکنم.

و (یاد کن) آن گاه که (در قیامت) خدا گوید: ای عیسی  
مریم، آیا تو مردم را گفتی که من و مادرم را دو خدای دیگر  
سوی خدای عالم اختیار کنید؟ عیسی گوید: خدایا، تو  
منزه‌ای، هرگز مرا نرسد که چنین سخنی به ناحق گویم،  
چنانچه من این گفته بودمی تو می‌دانستی، که تو از سرائر  
من آگاهی و من از سر تو آگاه نیستم، همانا تویی که به همه  
اسرار غیب جهانیان کاملاً آگاهی.

من به آنها هرگز چیزی نگفتم جز آنچه تو مرا بدان امر  
کردی، که خدای را پرستید که پروردگار من و شماست، و  
من بر آن مردم گواه و ناظر اعمال بودم مادامی که در میان  
آنها بودم، و چون روح مرا گرفتی تو خود نگهبان و ناظر  
اعمال آنان بودی، و تو بر همه چیز عالم گواهی.

اگر آنان را عذاب کنی باز (خدایا) همه بندگان تو هستند، و  
اگر از گناه آنها درگذری باز توانا و درست کرداری.

خدا گوید: این روزی است که صادقان از راستی خود  
بهره‌مند می‌شوند، برای آنها بهشتهایی است که از زیر  
درختانش نهرها جاری است و در آن به نعمت ابدی متنعمند؛  
خدا از آنها خشنود و آنها از خدا خشنودند. این است  
فیروزی و سعادت بزرگ.

فرمانروایی آسمانها و زمین و هر چه در آنهاست خدای  
راست، و او بر هر چیز تواناست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱  
۱۰۲۲  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ  
وَالنُّورَ ۗ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

۲  
هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ طِينٍ ثُمَّ قَضَىٰ أَجَلًا ۗ وَأَجَلٌ مُّسَمًّى  
عِنْدَهُ ۗ ثُمَّ أَنْتُمْ تَمْتَرُونَ

۳  
وَهُوَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ وَفِي الْأَرْضِ يَعْلَمُ سِرَّكُمْ وَجَهْرَكُمْ  
وَيَعْلَمُ مَا تَكْسِبُونَ

۴  
وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا  
مُعْرِضِينَ

۵  
فَقَدْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَسَوْفَ يَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا  
كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

۶  
أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ قَرْنٍ مَكَّنَّاهُمْ فِي  
الْأَرْضِ مَا لَمْ نُمَكِّنْ لَكُمْ وَأَرْسَلْنَا السَّمَاءَ عَلَيْهِمْ  
مِدْرَارًا وَجَعَلْنَا الْأَنْهَارَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ  
بِذُنُوبِهِمْ وَأَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا آخَرِينَ

۷  
وَلَوْ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ كِتَابًا فِي قِرْطَابٍ فَلَمَسُوهُ بِأَيْدِيهِمْ لَقَالَ  
الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

۸  
وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ مَلَكٌ ۖ وَلَوْ أَنْزَلْنَا مَلَكًا لَقُضِيَ الْأَمْرُ  
ثُمَّ لَا يُنظَرُونَ

ستایش خدای راست که آسمانها و زمین را آفرید و تاریکی‌ها و روشنائی را مقرر داشت (و با آنکه نظم آسمان و زمین دلیل یکتایی اوست) باز کافران به پروردگار خود شرک می‌آورند.

اوست خدایی که شما را از گلی آفرید، پس فرمان اجل و مرگ را بر همه کس معین کرد، و اجلی که معین و معلوم است به نزد اوست، باز شما شک در آیات او می‌کنید.

و اوست خدا در همه آسمانها و در زمین، که از نهان و آشکار شما با خبر است و بدانچه می‌کنید آگاه است.

و هیچ آیتی از آیات الهی بر اینان نیامد جز آنکه (از روی جهل و عناد) از آن روی گردانیدند.

حق را که بر آنها آمد جداً تکذیب کردند، پس به زودی خبر آنچه که آن را به سخریه گرفتند به آنان می‌رسد.

آیا ندیدند پیش از ایشان چه بسیار گروهی را هلاک نمودیم و حال آنکه در زمین به آنها قدرت و تمکینی داده بودیم که شما را نداده‌ایم؟ و از آسمان بر آنها باران (رحمت ظاهر و رحمت باطن که کتاب آسمانی است) پیوسته فرستادیم و نهرها در زمین جاری ساختیم، پس چون نافرمانی کردند آن‌ها را هلاک نمودیم و گروهی دیگر بعد از آنها پدید آوردیم.

و اگر ما کتابی بر تو فرستیم در کاغذی که آن را به دست خود لمس کنند، باز کافران گویند: این نیست مگر سحری آشکار.

و گفتند: چرا (اگر محمد صلی الله علیه و آله و سلم رسول است) بر او فرشته‌ای نازل نشد؟ و چنانچه فرشته‌ای بفرستیم کار تمام شود و دیگر لحظه‌ای آنها مهلت نخواهند یافت.



وَلَوْ جَعَلْنَاهُ مَلَكًا لَجَعَلْنَاهُ رَجُلًا وَلَلَبَسْنَا عَلَيْهِم مَّا يَلْبَسُونَ

وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئُ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا مِنْهُمْ مَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

قُل سِيرُوا فِي الْأَرْضِ ثُمَّ أَنْظِرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

قُل لِّمَن مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُل لِّلَّهِ كَتَبَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ لِيَجْمَعَنَّكُمْ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

وَلَهُ مَا سَكَنَ فِي اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَتَّخِذُ وَلِيًّا فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ يُطْعِمُ وَلَا يُطْعَمُ قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَسْلَمَ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

مَنْ يُصِرْ فَعَنْهُ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمَهُ وَذَلِكَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

وَإِن يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِن يَمَسُّكَ بِخَيْرٍ فَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

و چنانچه رسول را فرشته‌ای قرار می‌دادیم باز هم او را به صورت مردی در می‌آوردیم و بیشک سبب می‌شدیم که همان اشتباهی که برای دیگران پیش می‌آوردند برای خودشان پیش آید.

(ای پیغمبر) پیش از تو هم امام گذشته پیغمبران خود را سخت استهزاء کردند، پس آنان را کیفر این عمل دامنگیر شد.

بگو (ای پیغمبر) که در روی زمین بگردید آن گاه بنگرید که عاقبت سخت آنها که تکذیب کردند چگونه بود!

(به مشرکان) بگو که آنچه در آسمانها و زمین است ملک کیست؟ (اگر آنها نگویند) تو باز گو همه ملک خداست که بر خویش رحمت و بخشایش را فرض و لازم کرده، البته شما را در روز قیامت که بی‌هیچ شک خواهد آمد جمع می‌گرداند، ولی کسانی که خود را به زیان افکندند ایمان نمی‌آورند.

و هر چه در شب و روز آرامش یافته همه ملک خداست و او شنوا و داناست.

بگو: آیا غیر خدا را به یاری و دوستی برگزینم؟ در صورتی که آفریننده آسمان و زمین خداست و او روزی می‌بخشد و خود از طعام بی‌نیاز است. بگو: من مأمورم که اول شخصی که تسلیم حکم خداست باشم. و البته از گروهی که به خدا شرک آورند نباش.

بگو: من اگر نافرمانی خدای خود کنم از عذاب آن روز بزرگ سخت می‌ترسم.

هر کس در آن روز از عذاب برهد همانا به رحمت خدا نائل گردیده است، و این فیروزی و سعادت آشکار است.

و اگر از خدا به تو ضرری رسد هیچ کس جز خدا نتواند تو را از آن ضرر برهاند، و اگر از او به تو خیری رسد (هیچ کس تو را از آن منع نتواند کرد) که او بر هر چیز تواناست.

بگو: خداست که کمال اقتدار و توانایی را بر بندگان دارد و اوست که درستکار و آگاه است.

قُلْ أَى شَىءٍ أَكْبَرُ شَهَدَةً ۖ قُلِ اللَّهُ شَهِيدٌ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ ۗ  
وَأُوحِيَ إِلَىٰ هَذَا الْقُرْآنِ لِأُنذِرْكُمْ بِهِ ۗ وَمَنْ بَلَغَ أَئِنَّكُمْ  
لَتَشْهَدُونَ أَنَّ مَعَ اللَّهِ ءَالِهَةً أُخْرَىٰ قُلْ لَا أَشْهَدُ ۚ قُلْ إِنَّمَا  
هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ وَإِنِّى بَرِىءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

الَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْرِفُونَهُ ۖ كَمَا يَعْرِفُونَ آبْنَآءَهُمْ  
الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۗ  
إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا أَيْنَ  
شُرَكَآؤُكُمْ الَّذِينَ كُنتُمْ تَزْعُمُونَ

ثُمَّ لَمْ تَكُن فِتْنَتُهُمْ إِلَّا أَنْ قَالُوا وَاللَّهِ رَبَّنَا مَا كُنَّا  
مُشْرِكِينَ

أَنْظِرْ كَيْفَ كَذَبُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ ۗ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا  
يَفْتَرُونَ

وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ ۗ وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ  
يَفْقَهُوهُ وَفَىٰ ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا ۗ وَإِنْ يَرَوْا كَلَّ ءَايَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا  
حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ يُجَادِلُونَكَ يَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ هَذَا  
إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

وَهُمْ يَنْهَوْنَ عَنْهُ وَيَنْعَوْنَ عَنْهُ ۗ وَإِنْ يُهْلِكُونَ إِلَّا أَنفُسَهُمْ  
وَمَا يُشْعُرُونَ

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ وَقَفُوا عَلَى النَّارِ فَقَالُوا يَلَيْتَنَا نُرَدُّ وَلَا  
نُكَذِّبُ بِآيَاتِ رَبِّنَا وَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

بگو: گواهی کدام چیز بزرگتر است (از گواهی خدا)؟ بگو:  
خدا میان من و شما گواه است و وحی شده به من آیات این  
قرآن تا به آن شما و هر کس را که خبر این قرآن به او  
رسد بترسانم. آیا شما به راستی گواهی دهید که با خدای  
یکتا خدایان دیگری وجود دارد؟ بگو: من گواهی ندهم. بگو:  
محققاً او خدایی یکتاست و من بیزارم از آنچه شما شریک  
خدا قرار می‌دهید.

آنان که ما کتاب به آنها فرستادیم، او را (یعنی محمد صلی  
الله علیه و آله و سلم را) به مانند فرزندان خود  
می‌شناسند. آنان که خود را به زیان انداختند (به او) ایمان  
نمی‌آورند.

و کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدا دروغ بست یا آیات  
او را تکذیب کرد؟ هرگز ستمکاران را رستگاری نخواهد  
بود.

و (یاد کن) روزی که همه آنها را جمع آوریم پس به آنها که  
شرک آوردند گوییم: به کجا شدند آنها که به گمان شما  
شریک خدا بودند؟

آن گاه پس از آن همه فریفتگی به بتان، در پیشگاه حق  
عذری نیابند جز آنکه (از بتان بیزاری جسته و) گویند:  
سوگند به خدا، پروردگاران، که هرگز شرک نیاوردیم.

بنگر که چگونه بر خود دروغ بستند و آنچه به دروغ به خدا  
بسته و شریک قرار می‌دادند همه از دست آنها رفت و محو  
و نابود شد.

و بعضی از آنان به سخن تو گوش فرا دارند، ولی ما پرده بر  
دلهاشان نهاده‌ایم که فهم آن نتوانند کرد و در گوشهای آنها  
سنگینی نهاده‌ایم، و اگر همه آیات الهی را مشاهده کنند باز  
بدان ایمان نمی‌آورند تا آنجا که چون نزد تو آیند در مقام  
مجادله بر آمده، آن کافران گویند: این آیات چیزی جز  
افسانه‌های پیشینیان نیست.

همین کسانی که هم مردم را از (فیض) آن منع می‌کنند و  
هم خود را محروم می‌دارند و غافل از آنند که تنها خود را  
به هلاکت می‌افکنند.

و اگر ببینی حال آنها را هنگامی که بر آتش دوزخشان  
بازدارند که در آن حال (با نهایت حسرت) گویند: ای کاش ما  
را به دنیا باز می‌گردانیدند تا دیگر آیات خدا را تکذیب  
نکرده و ایمان می‌آوردیم!

بَلْ بَدَا لَهُمْ مَا كَانُوا يُخْفُونَ مِنْ قَبْلُ وَلَوْ رُدُّوا لَعَادُوا لِمَا نُهُوا عَنْهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

بلکه (وبال) آنچه پیش از این پنهان می‌داشتند بر آنها آشکار شده و اگر بار دیگر هم (به دنیا) برگردند باز همان اعمال زشتی را که از آن نهی شدند اعاده خواهند کرد، و آنان دروغ می‌گویند.

و کافران گفتند: جز همین زندگی دنیایی ما دیگر زندگی دیگری نخواهد بود و ما هرگز (بعد از مرگ) زنده نخواهیم شد.

۲۹ وَقَالُوا إِن هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

و اگر سختی حال آنها را آن‌گاه که در پیشگاه (عدل) خدا بازداشته شوند مشاهده کنی! که خدا به آنها خطاب کند: آیا این (عذاب قیامت) حق نبود؟ جواب دهند: چرا، سوگند به ذات پروردگاران (که حق بود) پس خدا گوید که اینک عذاب را به کیفر کفرتان بچشید.

۳۰ وَلَوْ تَرَى إِذْ وَقِفُوا عَلَى رَبِّهِمْ قَالَ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

آنان که لقاء خدا را تکذیب کردند البته زیانکار شدند، تا آن گاه که ساعت قیامت ناگهان آنها را فرا رسد گویند: دریغا که در این باره کوتاهی کردیم! پس بار گناهان خویش را بر پشت گیرند. زنهار که بد بار گرانی به دوش می‌گیرند.

۳۱ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ السَّاعَةُ بَغْتَةً قَالُوا يَحْسِرْتَنَا عَلَىٰ مَا فَرَطْنَا فِيهَا وَهُمْ يَحْمِلُونَ أَوْزَارَهُمْ عَلَىٰ ظُهُورِهِمْ أَلَا سَاءَ مَا يَزُرُونَ

و زندگی دنیا جز بازی و هوسرانی هیچ نیست و همانا سرای دیگر برای اهل تقوا نیکوتر است، آیا تعقل نمی‌کنید؟

۳۲ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَعِبٌ وَلَهُمْ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

ما به تحقیق می‌دانیم که کافران در تکذیب تو سخنانی می‌گویند که تو را افسرده و غمگین می‌سازد. (دل شاد دار) که آن ستمکاران نه تو را تکذیب می‌کنند بلکه آیات خدا را انکار می‌کنند.

۳۳ قَدْ نَعْلَمُ إِنَّهُ لَيَحْزُنُكَ الَّذِي يَقُولُونَ فَإِنَّهُمْ لَا يُكَذِّبُونَكَ وَلَٰكِنَّ الظَّالِمِينَ بَيَّاتٍ اللَّهُ يَجْحَدُونَ

و همانا پیغمبران پیش از تو را هم تکذیب کردند و آنها بر همه تکذیبها و اذیت‌های منکران صبر و تحمل کردند تا آن گاه که یاری ما شامل حال آنها شد. و (دل قوی‌دار که) هیچ کس کلمات خدا را تغییر نتواند داد و تحقیقاً اخبار پیغمبران پیش به تو رسیده است.

۳۴ وَلَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِنْ قَبْلِكَ فَصَبَرُوا عَلَىٰ مَا كُذِّبُوا وَأَوْدُوا حَتَّىٰ أَتَاهُمْ نَصْرُنَا وَلَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ وَلَقَدْ جَاءَكَ مِنْ نَبِيِّ الْمُرْسَلِينَ

و چنانچه انکار و اعتراض آنها تو را سخت و گران می‌آید اگر توانی نقبی در زمین بساز یا نردبانی بر آسمان برافراز تا آیتی بر آنها آوری! و اگر خدا می‌خواست همه را مجتمع بر هدایت می‌کرد؛ پس تو البته از جاهلان مباش.

۳۵ وَإِنْ كَانَ كَبُرَ عَلَيْكَ إِعْرَاضُهُمْ فَإِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تَبْتَغِيَ نَفَقًا فِي الْأَرْضِ أَوْ سُلَّمًا فِي السَّمَاءِ فَتَأْتِيَهُمْ بِآيَةٍ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَمَعَهُمْ عَلَى الْهُدَىٰ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْجَاهِلِينَ

إِنَّمَا يَسْتَجِيبُ الَّذِينَ يَسْمَعُونَ وَالْمَوْتَى يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ ثُمَّ إِلَيْهِ يُرْجَعُونَ

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ إِنَّ اللَّهَ قَادِرٌ عَلَى أَنْ يُنَزِّلَ آيَةً وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا طَيْرٍ يَطِيرُ بِجَنَاحَيْهِ إِلَّا أُمَّةٌ أَمْثَلُكُمْ مَا فَرَقْنَا فِي الْكِتَابِ مِنْ شَيْءٍ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يُحْشَرُونَ

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا صُومُوا بِكُمْ فِي الظُّلُمَاتِ مَنْ يَشَاءُ اللَّهُ يُضِلِّهِ وَمَنْ يَشَاءُ يُجْعَلْهُ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ أَوْ أَتَتْكُمْ السَّاعَةُ أَغَيْرَ اللَّهِ تَدْعُونَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

بَلْ إِلَٰهَآ تَدْعُونَ فَيَكْشِفُ مَا تَدْعُونَ إِلَيْهِ إِنْ شَاءَ وَتَنْسَوْنَ مَا تُشْرِكُونَ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّنْ قَبْلِكَ فَأَخَذْنَاهُمْ بِالْبَأْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَتَضَرَّعُونَ

فَلَوْلَا إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا تَضَرَّعُوا وَلَٰكِنْ قَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ فَتَحْنَا عَلَيْهِمُ أَبْوَابَ كُلِّ شَيْءٍ حَتَّىٰ إِذَا فَرِحُوا بِمَا أُوتُوا أَخَذْنَاهُمْ بَغْتَةً فَإِذَا هُمْ مُبْلِسُونَ

–تنها زنده دلان عالم که گوش شنوا دارند اجابت می‌کنند، و مردگان را خدا برمی‌انگیزد، آن گاه خلائق به سوی حق بازگردانده می‌شوند.

–و کافران گفتند: چرا بر او معجزه‌ای از خدا فرو نیامد؟ بگو: خدا بر اینکه آیتی فرستد قادر است، و لیکن بیشتر آنان نمی‌دانند.

–و هر جنبنده‌ای در زمین و هر پرنده‌ای در هوا که به دو بال پرواز می‌کند همگی طایفه‌هایی مانند شما (نوع بشر) هستند. ما در کتاب (آفرینش، بیان) هیچ چیز را فرو گذار نکردیم، آن گاه همه به سوی پروردگار خود محشور می‌شوند.

–و آنان که تکذیب آیات ما کردند کر و گنگ در ظلمات (جهل) به سر برند. مشیت الهی هر کس را خواهد گمراه سازد و هر که را خواهد به راه راست هدایت کند.

–بگو: اگر راست می‌گویید، مرا گوئید که اگر عذاب خدا یا ساعت مرگ بر شما فرا رسد آیا (در آن ساعت سخت) غیر خدا را می‌خوانید؟!

–بلکه در آن هنگام تنها خدا را می‌خوانید تا اگر مشیت او قرار گرفت شما را از سختی برهاند، و آنچه را که با خدا شریک قرار می‌دهید به کلی فراموش می‌کنید.

–و همانا ما پیغمبرانی به سوی امتان پیش از تو فرستادیم، پس (چون اطاعت نکردند) به بلاها و مصیبتها گرفتارشان ساختیم، شاید به درگاه خدا گریه و زاری کنند.

–پس چرا وقتی که بلای ما به آنها رسید تضرع و زاری نکردند (تا نجات یابند)؟ ولی (بدین سبب که نکردند) دلهاشان را قساوت فرا گرفت و شیطان کردار زشت آنان را در نظرشان زیبا نمود.

–پس چون آنچه به آنها تذکر داده شد همه را فراموش کردند ما هم ابواب هر چیز را به روی آنها گشودیم تا چون به نعمتی که به آنها داده شد شادمان و مغرور شدند ناگاه آنها را (به کیفر اعمالشان) گرفتار کردیم و آن هنگام (خوار و) نا امید گردیدند.

فَقُطِعَ دَابِرُ الْقَوْمِ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

-پس ریشه گروه ظالمان کنده شد، و ستایش خدای را که پروردگار جهانیان است.

۴۶

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَخَذَ اللَّهُ سَمْعَكُمْ وَأَبْصَارَكُمْ وَخَتَمَ عَلَى قُلُوبِكُمْ مَنْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُمْ بِهِ أَنْظِرْ كَيْفَ نُصْرَفُ الْأَيَاتِ ثُمَّ هُمْ يَصْدِفُونَ

-بگو: مرا گویند، اگر خدا گوش و چشمهای شما را گرفت و مهر بر دل شما نهاد (تا کور و کر و جاهل شدید) کدام خدایی غیر از خدا هست که این نعمتها را به شما باز دهد؟! بنگر که ما چگونه آیات را به انواع گوناگون بیان می‌کنیم باز آنها اعراض می‌کنند!

۴۷

قُلْ أَرَأَيْتَكُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُ اللَّهِ بَغْتَةً أَوْ جَهْرَةً هَلْ يُهْلِكُ إِلَّا الْقَوْمَ الظَّالِمُونَ

-بگو: چه خواهید کرد اگر عذاب خدا شما را به ناگاه، پنهان یا آشکار در رسد، آیا کسی به جز گروه ستمکار هلاک خواهد شد؟

۴۸

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ ط فَمَنْ ءَامَنَ وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

و ما پیغمبران را جز برای آنکه مژده دهند و بترسانند نفرستادیم، پس هر کس ایمان آورد و کار شایسته کرد هرگز بر آنان بیمی نیست و ابدا اندوهگین نخواهند بود.

۴۹

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا يَمَسُّهُمُ الْعَذَابُ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

و هر که آیات ما را تکذیب کرد به آنان در اثر فسق و زشتکاری عذاب خواهد رسید.

۵۰

قُلْ لَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا أَقُولُ لَكُمْ إِنِّي مَلَكٌ ط إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ أَفَلَا تَتَفَكَّرُونَ

-بگو: من شما را نمی‌گویم که گنج‌های خدا نزد من است و نه آنکه از غیب (الهی) آگاهم و نمی‌گویم که من فرشته‌ام، من پیروی نمی‌کنم جز آنچه را که به من وحی می‌رسد. بگو: آیا کور و بینا برابرند؟ آیا فکر و اندیشه نمی‌کنید؟

۵۱  
۱۰۷۲

وَأَنْذِرْ بِهِ الَّذِينَ يَخَافُونَ أَنْ يُحْشَرُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ لَيْسَ لَهُمْ مِنْ دُونِهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

-و آنان را که از احضار در پیشگاه عدل خدا ترسانند به آیات قرآن متنبه ساز و بترسان که جز خدا آنها را یاور و شفיעی نیست، باشد که پرهیزکار شوند.

۵۲

وَلَا تَطْرُدِ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدَاةِ وَالْعَشِيِّ يُرِيدُونَ وَجْهَهُ ط مَا عَلَيْكَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِنْ شَيْءٍ وَمَا مِنْ حِسَابِكَ عَلَيْهِمْ مِنْ شَيْءٍ فَتَطْرُدَهُمْ فَتَكُونَ مِنَ الظَّالِمِينَ

و آنان را که صبح و شام خدا را می‌خوانند و قصدشان فقط خداست از خود مران، که نه چیزی از حساب آنها بر تو و نه چیزی از حساب تو بر آنهاست، پس اگر آن خداپرستان را از خود برانی از ستمکاران خواهی بود.

وَكَذَلِكَ فَتَنَّا بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لِيَقُولُوا أَهَؤُلَاءِ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا مِّنْ بَيْنِنَا أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِالشَّاكِرِينَ

وَإِذَا جَاءَكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِنَا فَقُلْ سَلَّمَ عَلَيْكُمْ عَلَىٰ رُبُّكُمْ عَلَىٰ نَفْسِهِ الرَّحْمَةَ أَنَّهُ مَن عَمِلَ مِنْكُمْ سُوءًا بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابَ مِنْ بَعْدِهِ وَأَصْلَحَ فَأَنَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَكَذَلِكَ نَفِصِلُ الْآيَاتِ وَلِتَسْتَبِينَ سَبِيلُ الْمُجْرِمِينَ

قُلْ إِنِّي نُهِيتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ قُلْ لَّا أَتَّبِعُ أَهْوَاءَكُمْ قَدْ ضَلَلْتُ إِذًا وَمَا أَنَا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

قُلْ إِنِّي عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّي وَكَذَّبْتُمْ بِهِ مَا عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ إِنْ أَحْكُمُ إِلَّا لِلَّهِ يَقُضُ الْحَقُّ وَهُوَ خَيْرُ الْفَاصِلِينَ

قُلْ لَوْ أَنَّنِي عِنْدِي مَا تَسْتَعْجِلُونَ بِهِ لَقُضِيَ الْأَمْرُ بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِالظَّالِمِينَ

وَعِنْدَهُ مَفَاتِحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبُرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلْمَتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٍ وَلَا يَابِسٍ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

و همچنین ما برخی را به برخی دیگر بیازمودیم تا آنکه به (طعن) گویند: آیا بر این فقیران، خدا در میان ما (به نعمت اسلام) منت نهاد؟! آیا خدا (از این منکران) به احوال سپاسگزاران (فقرا) داناتر نیست؟!

هرگاه آنان که به آیات ما می‌گروند نزد تو آیند بگو: سلام بر شما باد، خدا بر خود رحمت و مهربانی را فرض نمود، که هر کس از شما کار زشتی به نادانی کرد و بعد از آن توبه کند و اصلاح نماید البته خدا بخشنده و مهربان است.

و همچنین ما آیات را مفصل بیان کنیم (تا حق روشن شود) و تا راه گنهکاران معین و آشکار شود.

بگو که مرا از پرستش آن خدایان باطل که شما می‌پرستید منع فرموده‌اند. بگو: من پیروی هوسهای شما نکنم تا مبادا گمراه شده و راه هدایت نیابم.

بگو: من هر چه می‌گویم با برهانی از سوی پروردگارم است و شما تکذیب آن می‌کنید. عذابی که شما بدان تعجیل می‌کنید امر آن به دست من نیست، فرمان جز خدا را نخواهد بود، که به حق دستور می‌دهد و او بهترین حکم فرمایان است.

بگو: اگر به دست من بود عذابی که به تعجیل می‌طلبید کار میان من و شما خاتمه می‌یافت، و خدا به احوال ظالمان داناتر است.

و کلیدهای خزائن غیب نزد اوست، کسی جز او بر آن آگاه نیست و نیز آنچه در خشکی و دریاست همه را می‌داند و هیچ برگه‌ای از درخت نمی‌افتد مگر آنکه او آگاه است و نه هیچ دانه‌ای در زیر تاریکی‌های زمین و نه هیچ تر و خشکی، جز آنکه در کتابی مبین مسطور است.

وَهُوَ الَّذِي يَتَوَفَّاكُم بِاللَّيْلِ وَيَعْلَمُ مَا جَرَحْتُم بِالنَّهَارِ ثُمَّ يَبْعَثُكُمْ فِيهِ لِيُقْضَىٰ أَجَلٌ مُّسَمًّى ثُمَّ إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ ثُمَّ يُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

وَهُوَ الْقَاهِرُ فَوْقَ عِبَادِهِ وَيُرْسِلُ عَلَيْكُمْ حَفَظَةً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَكُمْ الْمَوْتُ تَوَفَّتْهُ رُسُلُنَا وَهُمْ لَا يُفْرِطُونَ

ثُمَّ رُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمُ الْحَقِّ أَلَا لَهُ الْحُكْمُ وَهُوَ أَسْرَعُ  
الْحَاسِبِينَ

قُلْ مَنْ يُنَجِّيكُمْ مِّنْ ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ تَدْعُونَهُ  
تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً لَّئِن أَنْجَلْنَا مِنْ هَذِهِ لَنَكُونَنَّ مِنَ  
الشَّاكِرِينَ

قُلِ اللَّهُ يُنَجِّيكُمْ مِّنْهَا وَمِن كُلِّ كَرْبٍ ثُمَّ أَنْتُمْ تُشْرِكُونَ

قُلْ هُوَ الْقَادِرُ عَلَىٰ أَنْ يَبْعَثَ عَلَيْكُمْ عَذَابًا مِّنْ فَوْقِكُمْ  
أَوْ مِنْ تَحْتِ أَرْجُلِكُمْ أَوْ يَلْبَسَكُمْ شِيْعًا وَيُذِيقَ  
بَعْضَكُمْ بَأْسَ بَعْضٍ أَنْظُرْ كَيْفَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ  
يَفْقَهُونَ

وَكَذَّبَ بِهِ قَوْمُكَ وَهُوَ الْحَقُّ قُلْ لَسْتُ عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

لِكُلِّ نَبِيٍّ مُّسْتَقَرٌّ وَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

وَإِذَا رَأَيْتَ الَّذِينَ يَخُوضُونَ فِي آيَاتِنَا فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ حَتَّىٰ  
يَخُوضُوا فِي حَدِيثٍ غَيْرِهِ وَإِمَّا يُنسِيَنَّكَ الشَّيْطَانُ فَلَا  
تَقْعُدْ بَعْدَ الذِّكْرِىٰ مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

– و اوست خدایی که چون شب (به خواب می‌روید) جان شما را برمی‌گیرد (و نزد خود می‌برد) و کردار شما را در روز می‌داند، و پس از آن (خواب) شما را بر می‌انگیزد تا اجلی که در قضا و قدر او معین است به پایان رسد، سپس (هنگام مرگ) به سوی او باز می‌گردید آن گاه به نتیجه آنچه کرده‌اید شما را آگاه گرداند.

و اوست خدایی که قهر و اقتدارش مافوق بندگان است و فرشتگانی را به نگهبانی بر شما می‌فرستد، تا آن گاه که هنگام مرگ یکی از شما فرا رسد رسولان ما او را می‌برانند و در قبض روح شما هیچ کوتاهی نخواهند کرد.

سپس به سوی خدای عالم که به حقیقت مولای بندگان است بازگردانده می‌شوند. آگاه باشید حکم (خلق) با خداست و او زودترین حساب‌رسان است.

بگو: آن کیست که شما را از تاریکی‌های بیابان و دریا نجات می‌دهد گاهی که او را به تضرع و زاری و از باطن قلب می‌خوانید که اگر ما را از این مهلکه نجات داد پیوسته شکرگزار او خواهیم بود؟

بگو: خداست که شما را از آن تاریکی‌ها نجات می‌دهد و از هر اندوهی می‌رهاند، باز هم به او شرک می‌آورید.

بگو: او تواناست که بر شما عذابی از آسمان یا زمین فرستد یا شما را به اختلاف کلمه و پراکندگی درافکند و بعضی را به عذاب بعضی گرفتار کند بنگر چگونه ما آیات خود را به طرق مختلف بیان می‌کنیم، شاید مردم چیزی بفهمند.

و قوم تو آن را تکذیب کردند در صورتی که حق محض همان بود. بگو: من نگهبان شما نیستم.

برای هر خبری وقت معینی است و به زودی آگاه می‌شوید.

و چون گروهی را دیدی که برای خرده گیری و طعن زدن در آیات ما گفتگو می‌کنند از آنان دوری گزین تا در سخنی دیگر وارد شوند، و چنانچه شیطان البته فراموشت ساخت بعد از آنکه متذکر (کلام خدا) شدی دیگر با گروه ستمکاران مجالست مکن.

وَمَا عَلَى الَّذِينَ يَتَّقُونَ مِنْ حِسَابِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ وَلَٰكِن ذِكْرَىٰ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

بر کسانی که پرهیزکارند عقوبت حساب بدکاران نخواهد بود، لیکن بر آنهاست که (بدان را پند داده و) متذکر سازند، شاید پرهیز کنند.

وَذَرِ الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَعِبًا وَلَهْوًا وَعَرَّتْهُمْ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَذَكِّرْ بِهِ ۚ أَن تَبْسَلَ نَفْسٌ بِمَا كَسَبَتْ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلِيٌّ وَلَا شَفِيعٌ وَإِن تَعْدِلْ كُلُّ عَدْلٍ لَّا يُؤْخَذُ مِنْهَا ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ أُبْسِلُوا بِمَا كَسَبُوا ۗ لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

و آنان را که دین خود را بازیچه و سرگرمی گرفتند و زندگانی دنیا آنها را فریب داد به حال خود واگذار، همین قدر (آنها را) به این قرآن تذکر ده، تا مبدا کسی به عمل خود عاقبت گرفتار شود و او را جز خدا دادرس و شفیع نباشد، و اگر هر چه (برای آسایش خود از عذاب) فدا دهد از او نپذیرند. آنها همان کسانی هستند که عاقبت به کیفر اعمالشان به هلاکت می‌رسند و به کیفر کفرشان شرابی از حمیم جهنم و عذابی دردناک دارند.

۷۰

قُلْ أَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُنَا وَلَا يَضُرُّنَا وَنُرَدُّ عَلَىٰ أَعْقَابِنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْنَا اللَّهُ كَالَّذِي اسْتَهْوَتْهُ الشَّيَاطِينُ فِي الْأَرْضِ حَيْرَانَ لَهُ ۖ أَصْحَابٌ يَدْعُونَهُ ۖ إِلَى الْهُدَىٰ أُثْنِتْنَا ۗ قُلْ إِنَّ هُدَىٰ اللَّهِ هُوَ الْهُدَىٰ ۗ وَأَمْرًا لِّنُسَلِّمَ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

بگو: آیا ما خدا را رها کرده و چیزی را (مانند بتان) که هیچ قادر به نفع و ضرر ما نباشد به خدایی بخوانیم و بعد از آنکه خدا ما را هدایت نمود باز به خوی جاهلیت برگردانده شویم؟! مانند کسی که فریب و اغوای شیطان او را در زمین سرگردان ساخته است در حالی که او را یارانی است که او را به راه راست می‌خوانند که نزد ما بیا! بگو: هدایت خدا به حقیقت هدایت است و ما مأموریم که تسلیم فرمان خدای جهانیان باشیم.

۷۱  
۱۱۰

وَأَن أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَاتَّقُوهُ وَهُوَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

و نماز به پا دارید و از خدا بترسید و اوست که به سوی او محشور می‌شوید.

۷۲

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۗ وَيَوْمَ يَقُولُ كُن فَيَكُونُ ۗ قَوْلُهُ الْحَقُّ ۚ وَلَهُ الْمُلْكُ يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ۗ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

و اوست خدایی که آسمانها و زمین را به حق آفرید و روزی که بگوید: موجود باش، آن چیز بی‌درنگ موجود خواهد شد. سخن او حق است و پادشاهی و فرمان عالم روزی که در صور بدمند تنها با اوست و دانای نهان و آشکار است و هم او به تدبیر خلق دانا و (بر همه چیز) آگاه است.

۷۳



وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ عَازِرْ أَتَّخِذُ اصْنَامًا ءَالِهَةً إِنِّي  
أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

و (یاد کن) وقتی که ابراهیم به پدرش آزر (عمو و مربیش بود) گفت: آیا بتها را به خدایی اختیار کرده‌ای؟! من تو و پیروانت را در گمراهی آشکار می‌بینم.

وَكَذَلِكَ نُرِيّ إِبْرَاهِيمَ مَلَكَوَتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلِيَكُونَ  
مِنَ الْمُوقِنِينَ

و این چنین ما به ابراهیم ملکوت و باطن آسمانها و زمین را ارائه دادیم (تا یکتایی پروردگارش را دریابد) و تا به مقام اهل یقین رسد.

فَلَمَّا جَنَّ عَلَيْهِ اللَّيْلُ رَأَىٰ كَوْكَبًا ۖ قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ  
قَالَ لَا أُحِبُّ الْآفِلِينَ

پس چون شب بر او نمودار شد ستاره درخشانی دید، گفت: این پروردگار من است. چون آن ستاره غروب کرد گفت: من چیزهای غروب کردنی و ناپدید شدنی را دوست ندارم (به خدایی نخواهم گرفت).

فَلَمَّا رَأَى الْقَمَرَ بَازِعًا قَالَ هَذَا رَبِّي فَلَمَّا أَفَلَ قَالَ لَئِن لَّمْ  
يَهْدِنِي رَبِّي لَأَكُونَنَّ مِنَ الْقَوْمِ الضَّالِّينَ

پس چون ماه تابان را دید گفت: این خدای من است. وقتی آن هم ناپدید گردید گفت: اگر خدای من مرا هدایت نکند همانا من از گمراهانم.

فَلَمَّا رَأَى الشَّمْسَ بَازِعَةً قَالَ هَذَا رَبِّي هَذَا أَكْبَرُ فَلَمَّا  
أَفَلَتْ قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

پس چون خورشید درخشان را دید گفت: این است خدای من، این بزرگتر است. چون آن هم ناپدید گردید گفت: ای قوم من، من از آنچه شما شریک خدا قرار می‌دهید بیزارم.

إِنِّي وَجَّهْتُ وَجْهِيَ لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ حَنِيفًا  
وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

من با ایمان خالص روی به سوی خدایی آوردم که آفریننده آسمانها و زمین است و من هرگز از مشرکان نیستم.

وَحَاجَّهُ قَوْمُهُ قَالَ أَتُحَاجُّونِي فِي اللَّهِ وَقَدْ هَدَانِ وَلَا  
أَخَافُ مَا تُشْرِكُونَ بِهِ إِلَّا أَن يُشَاءَ رَبِّي شَيْئًا وَسِعَ رَبِّي  
كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

قوم ابراهیم با او در مقام خصومت و احتجاج برآمدند، گفت: آیا با من درباره خدا محاجه می‌کنید؟ و حال آنکه خدا مرا هدایت کرده و هیچ از آنچه شما شریک خدا می‌خوانید بی‌می‌دارم مگر آنکه خدا بر من چیزی بخواهد، پروردگار من علمش به همه موجودات محیط است، آیا متذکر نمی‌شوید؟!

وَكَيفَ أَخَافُ مَا أَشْرَكْتُمْ وَلَا تَخَافُونَ أَنَّكُمْ أَشْرَكْتُمُ  
بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ بِهِ ءَعَلَيْكُمْ سُلْطَانًا فَأَيُّ الْفَرِيقَيْنِ  
أَحَقُّ بِالْأَمْنِ ۗ إِنَّ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

و من چگونه از آنچه شما شریک خدا قرار می‌دهید بترسم در حالی که شما از شرک آوردن به خدا نمی‌ترسید با آنکه هیچ برهان و حجتی را بر آن شرک بر شما نازل نکرده است؟! آیا کدام یک از ما دو گروه به ایمنی سزاوارتریم اگر شما فهم سخن می‌کنید؟!

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يَلْبِسُوا اٰیْمَنَهُمْ بِظُلْمٍ اُولٰٓئِكَ لَهُمُ الْاٰمَنُ  
وَهُمْ مُّهْتَدُونَ

آنان که ایمان آورده و ایمان خود را به ستمی نیالودند  
ایمنی آنها راست و هم آنها حقیقتا هدایت یافته‌اند.

وَتِلْكَ حُجَّتُنَا اَتَيْنَهَا اِبْرٰهٖمَ عَلٰی قَوْمِهٖ نَرْفَعُ دَرَجٰتٍ  
مِّنْ نَّشَآءٍ اِنَّ رَبَّكَ حَكِيْمٌ عَلِيْمٌ

این است حجّتی که ما ابراهیم را بر قومش دادیم. ما هر که  
را بخواهیم به درجات رفیع بالا می‌بریم، که خدای تو به نظام  
و صلاح عالمیان آگاه و داناست.

وَوَهَبْنَا لَهُوَ اِسْحٰقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا هَدَيْنَا وَنُوْحًا هَدَيْنَا مِنْ  
قَبْلُ وَمِنْ ذُرِّيَّتِهٖ دَاوُدَ وَسُلَيْمٰنَ وَاَيُّوبَ وَيُوسُفَ وَمُوسٰى  
وَهٰرُونَ وَكَذٰلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِيْنَ

و ما به ابراهیم، اسحاق و یعقوب را عطا کردیم و همه را به  
راه راست بداشتیم و نوح را پیش از ابراهیم و فرزندانش  
داود و سلیمان و ایوب و یوسف و موسی و هارون را هدایت  
نمودیم و این چنین نیکوکاران را پاداش می‌دهیم.

وَزَكَرِيَّا وَيَحْيٰى وَعِيسٰى وَإِلْيَاسَ كُلٌّ مِّنَ الصّٰلِحِيْنَ

و هم زکریّا و یحیی و عیسی و الیاس را (هدایت کردیم) که  
همه از نیکوکارانند.

وَإِسْمٰعِيْلَ وَالْيَسَعَ وَيُونُسَ وَلُوطًا وَكُلًّا فَضَلْنَا عَلٰى  
الْعٰلَمِيْنَ

و نیز اسماعیل و یسع و یونس و لوط را (هدایت کردیم) و  
ما همه آن پیغمبران را بر عالمیان شرافت و برتری دادیم.

وَمِنْ اَبَآبٰهٖمُ وَذُرِّيَّتِهِمْ وَاِخْوَانِهِمْ وَاَجْتَبَيْنٰهُمْ وَهَدَيْنٰهُمْ  
اِلٰى صِرَاطٍ مُّسْتَقِيْمٍ

و نیز برخی از پدران و فرزندان و برادران آنها را فضیلت  
داده و آنان را بر دیگران برگزیدیم و به راه راست هدایت  
نمودیم.

ذٰلِكَ هُدٰى اللّٰهٖ يَهْدِيْ بِهٖءَ مَنْ يَّشَآءُ مِنْ عِبَادِهٖءَ وَلَوْ  
اَشْرَكُوْا لَحَبِطَ عَنْهُمْ مَّا كَانُوْا يَعْمَلُوْنَ

این است راهنمایی خدا که به آن هر یک از بندگانش را  
بخواهد هدایت می‌کند، و اگر به خدا شرک می‌آوردند اعمال  
آنها نابود می‌شد.

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ اَتَيْنٰهُمْ الْكِتٰبَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ فَاِنْ  
يَكْفُرْ بِهَا هٰؤُلَآءِ فَقَدْ وَكَلْنَا بِهَا قَوْمًا لَّيْسُوْا بِهَا  
بِكٰفِرِيْنَ

آنها کسانی بودند که ما به آنها کتاب و فرمان و مقام نبوت  
عطا کردیم، پس اگر این قوم به اینها کافر شوند ما قومی را  
که هرگز کافر نشوند (مانند علی و شیعیانش که در دل و  
جان ایمان دارند) بدینها برگمارده‌ایم.

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ هَدٰى اللّٰهُ فَبِهَدٰىهِمْ اُقْتَدِهٖءَ قُلْ لَا اَسْأَلُكُمْ  
عَلَيْهٖ اَجْرًا اِنْ هُوَ اِلَّا ذِكْرٰى لِّلْعٰلَمِيْنَ

آنها کسانی بودند که خدا خود آنها را هدایت نمود، تو نیز از  
راه آنها پیروی نما، و (امت را) بگو که من مزد رسالت از شما  
نمی‌خواهم، این نیست جز یاد آوری و پندی برای اهل عالم  
(که به یاد خدا متذکر شوند).

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِذْ قَالُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَى بَشَرٍ  
مِّن شَيْءٍ ۗ قُلْ مَنْ أَنْزَلَ الْكِتَابَ الَّذِي جَاءَ بِهِ مُوسَىٰ  
نُورًا وَهُدًى لِلنَّاسِ ۗ تَجْعَلُونَهُ قَرَاطِيسَ تُبْدُونَهَا وَتُخْفُونَ  
كَثِيرًا ۗ وَعَلِمْتُمْ مَا لَمْ تَعْلَمُوا أَنْتُمْ وَلَا ءَابَاؤُكُمْ ۗ قُلِ اللَّهُ  
ثُمَّ ذَرَهُمْ فِي خَوْضِهِمْ يَلْعَبُونَ

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ مُّصَدِّقُ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ  
وَلِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ حَوْلَهَا ۗ وَالَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ  
يُؤْمِنُونَ بِهِ ۗ وَهُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ قَالَ أُوحِيَ إِلَيَّ  
وَلَمْ يُوْحَ إِلَيْهِ شَيْءٌ وَمَنْ قَالَ سَأُنزِلُ مِثْلَ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ وَلَوْ  
تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ فِي غَمْرَاتِ الْمَوْتِ وَالْمَلَائِكَةُ بَاسِطُوْا  
أَيْدِيَهُمْ أَخْرِجُوا أَنْفُسَكُمُ الْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ الْهُونِ بِمَا  
كُنْتُمْ تَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ غَيْرَ الْحَقِّ وَكُنْتُمْ عَنْ ءَايَاتِهِ  
تَسْتَكْبِرُونَ

وَلَقَدْ جِئْتُمُونَا فُرَادَىٰ كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَتَرَكْتُمْ  
مَا خَوَّلْنَاكُمْ وَرَاءَ ظُهُورِكُمْ وَمَا نَرَىٰ مَعَكُمْ  
شُفَعَاءَكُمُ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ أَنَّهُمْ فِيكُمْ شُرَكَاءُ ۗ لَقَدْ  
تَقَطَّعَ بَيْنَكُمْ وَضَلَّ عَنْكُمْ مَا كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

۹۲

۹۳

۹۴

و آنها خدا را آن گونه که باید، نشناختند که گفتند: خدا بر  
هیچ کس از بشر کتابی نفرستاده. بگو: کتاب توراتی را که  
موسی آورد و در آن نور (علم) و هدایت خلق بود چه کسی  
بر او فرستاد که شما آیات آن را در اوراق نگاهشته، بعضی را  
آشکار می‌نمایید و بسیاری را پنهان می‌دارید و آنچه را شما  
و پدرانتان نمی‌دانستید به شما آموختند؟ بگو: خداست (که  
رسول و کتاب فرستد)، سپس آنها را بگذار تا به بازیچه  
خود فرو روند.

و این (قرآن) کتابی است که ما فرستادیم با خیر و برکت  
بسیار و گواه صدق سایر کتب آسمانی که در مقابل اوست  
(تا مردم را به پاداش الهی مزده دهی) و تا خلق را از اهل  
مکه و هر که به اطراف آن است بیم دهی. و آنان که به  
آخرت ایمان آوردند به این کتاب نیز ایمان خواهند آورد و  
آنها (اوقات) نمازشان را محافظت می‌نمایند.

و کیست ستمکارتر از آن که بر خدا دروغی بزند و یا وحی  
به او نرسیده گوید: به من وحی می‌رسد، و نیز گوید: من  
هم محققا مانند آن (کتاب) که خدا فرستاده خواهم آورد. و  
اگر (فضاحت و سختی حال) ستمکاران را ببینی آن گاه که  
در سكرات موت گرفتار می‌شوند! و فرشتگان (برای قبض  
روح آنها) دست (قهر و قدرت) بر آورند و گویند: جان از تن  
به در کنید، امروز کيفر عذاب و خواری می‌کشید چون بر  
خدا سخن به ناحق می‌گفتید و از (حکم) آیات او گردنکشی و  
تکبر می‌نمودید.

و محققا شما یکایک به سوی ما باز آمدید آن گونه که اول بار  
شما را بیافریدیم و آنچه را که (از مال و جاه) به شما داده  
بودیم همه را پشت سر وانهادید و آن شفیعان را که به  
خیال باطل شریک ما در خود می‌پنداشتید با شما نمی‌بینیم!  
همانا میان شما و آنان جدایی افتاد و آنچه (شفیع خود)  
می‌پنداشتید از دست شما رفت.

إِنَّ اللَّهَ فَالِقُ الْحَبِّ وَالنَّوَىٰ ۗ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ  
وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ ۗ ذَٰلِكُمْ اللَّهُ فَالِي ۗ تُوَفَّكُونَ

خداست که (در جوف زمین) دانه و هسته را می‌شکافد، زنده را از مرده و مرده را از زنده پدید می‌آورد، آن (که چنین تواند کرد) خداست، پس به کجا گردانیده می‌شوید (و نسبت خدایی را به آنان که نتوانند می‌دهید).

فَالِقُ الْإِصْبَاحِ وَجَعَلَ اللَّيْلَ سَكَنًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ  
حُسْبَانًا ۚ ذَٰلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

خداست شکافنده پرده صبحگاهان، و شب را برای آسایش (خلق) مقرر داشته و خورشید و ماه را به نظمی معین (او به گردش) درآورده، این تقدیر خدای مقتدر داناست.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ النُّجُومَ لِتَهْتَدُوا بِهَا فِي ظُلُمَاتِ  
الْبَرِّ وَالْبَحْرِ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

و نیز اوست که چراغ ستارگان را برای رهیابی شما در تاریکی‌های بیابان و دریا قرار داده است. همانا ما آیات خود را برای مردم دانا به تفصیل بیان کردیم.

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ فَمُسْتَقَرٌّ  
وَمُسْتَوْدَعٌ ۗ قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَفْقَهُونَ

و هم اوست خدایی که همه شما را از یک تن در آرامگاه (رحم) و ودیعتگاه (مלב) بیافرید. ما نیکو آیات خود را برای اهل بصیرت مفصل بیان نمودیم.

وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ نَبَاتَ كُلِّ  
شَيْءٍ فَأَخْرَجْنَا مِنْهُ خَضِرًا نُّخْرِجُ مِنْهُ حَبًّا مُّتَرَاكِبًا وَمِنَ  
التَّخْلِ مِنَ طَلْعِهَا قِنْوَانٌ دَانِيَةٌ وَجَنَّاتٍ مِّنْ أَعْنَابٍ  
وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ مُشْتَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ ۗ انظُرُوا إِلَىٰ  
ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَيَنْعِهِ ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكُمْ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ  
يُؤْمِنُونَ

و هم اوست خدایی که از آسمان آبی فرو بارید پس هر نبات را بدان رویاندیم و سبزه‌ها را از زمین برون آوردیم و از آن سبزه‌ها دانه‌هایی که بر روی هم چیده شده بیرون آریم و از شکوفه نخل خوشه‌هایی است به هم پیوسته، و باغهای انگور و زیتون و انار که برخی شبیه و برخی نامشابه به هم است (خلق کنیم)، شما در آن باغها هنگامی که میوه آن پدید آید و برسد (با چشم تعقل) بنگرید، که در آن آیات و نشانه‌هایی (از قدرت خدا) برای اهل ایمان هویداست.

وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ الْجِنَّ وَخَلَقَهُمْ ۗ وَخَرَقُوا لَهُ بَنِينَ  
وَبَنَاتٍ بِغَيْرِ عِلْمٍ ۗ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُصِفُونَ

و گروهی از کافران اهریمنان را شریک خدا شمردند در حالی که آن‌ها آفریده خدا هستند و گروهی (عزیر و مسیح و فرشتگان را) از روی نادانی پسران و دخترانی برای او تراشیدند، در صورتی که او از همه این نسبت‌ها برتر و منزه است.

بَدِيعُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَنَّىٰ يَكُونُ لَهُ وَلَدٌ وَلَمْ تَكُنْ  
لَهُ صَاحِبَةٌ ۗ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

اوست پدید آورنده آسمانها و زمین، چگونه وی را فرزندی تواند بود در حالی که او را جفتی نیست؟! و او همه چیز را آفریده و به همه چیز داناست.

ذَٰلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ خَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ  
فَاعْبُدُوهُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

این است (وصف) پروردگار شما، که جز او هیچ خدایی نیست، آفریننده هر چیز است، پس او را پرستش کنید، و او نگهبان همه موجودات است.

لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَرَ وَهُوَ اللَّطِيفُ  
الْخَبِيرُ

او را هیچ چشمی درک ننماید و او همه بینندگان را مشاهده می‌کند و او لطیف و نامرئی و (به همه چیز خلق) آگاه است.

قَدْ جَاءَكُمْ بَصَائِرٌ مِّن رَّبِّكُمْ فَمَنْ أَبْصَرَ فَلِنَفْسِهِ  
وَمَنْ عَمِيَ فَعَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِحَفِيظٍ

آیات الهی و کتب آسمانی که سبب بصیرت شماست البته از طرف پروردگارتان آمد، پس هر کس بصیرت یافت خود به سعادت رسید و هر کس که کور بماند خود در زیان افتاد، و من نگهبان شما نیستم.

وَكَذَٰلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِيُقُولُوا وَلْيُبَيِّنَهُ لِقَوْمٍ  
يَعْلَمُونَ

و این چنین ما آیات قرآن را به انواع گوناگون بیان کنیم (تا وسیله هدایت شود) ولی عاقبت کافران نادان گویند: تو (اینها را) به درس آموخته‌ای! و تا آن را برای اهل دانش بیان کنیم.

اتَّبِعْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَأَعْرِضْ عَنِ  
الْمُشْرِكِينَ

ای پیغمبر هر چه از خدا به تو وحی شد از آن پیروی کن، که خدایی جز آن ذات یکتا نیست و از مشرکان روی بگردان.

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكُوا وَمَا جَعَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا وَمَا  
أنتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

و اگر خدا می‌خواست آنها شرک نمی‌آوردند، و ما تو را نگهبان ایشان نکردیم و تو وکیل آنها نیستی.

وَلَا تَسُبُّوا الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ فَيَسُبُّوا اللَّهَ عَدْوًا  
بِغَيْرِ عِلْمٍ كَذَٰلِكَ زَيْنًا لِّكُلِّ أُمَّةٍ عَمَلُهُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّهِمْ  
مَرْجِعُهُمْ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و (شما مؤمنان) به آنچه مشرکان غیر از خدا می‌خوانند دشنام ندهید تا مبادا آنها از روی ظلم و جهالت خدا را دشنام دهند. این چنین ما عمل هر قومی را در نظرشان زینت داده‌ایم، سپس بازگشت آنها به سوی پروردگارشان است و خدا آنان را به کردارشان آگاه می‌گرداند.

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَتْهُمْ آيَةٌ لِّيَوْمِنَ  
بِهَا قُلٌ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُشْعِرُكُمْ أَنَّهَا إِذَا  
جَاءَتْ لَا يُؤْمِنُونَ

و به خدا به سخت ترین سوگندهای خود قسم یاد کردند که البته اگر آیتی بیاید ایمان آرند. بگو: آیات از طرف خداست، و شما مؤمنان چه می‌دانید؟ (و چگونه به گفته این کافران مطمئن می‌شوید؟ آنها همان مردم معاندند که) اگر آیتی هم آید هرگز ایمان نمی‌آورند.

وَنُقَلِّبُ أَفْئِدَتَهُمْ وَأَبْصَرَهُمْ كَمَا لَمْ يُؤْمِنُوا بِهِ أَوَّلَ مَرَّةٍ  
وَنَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

و ما دل و دیده ایشان را چنانکه اول بار ایمان نیاوردند اکنون نیز از ایمان بگردانیم و آنها را به حال طغیان و سرکشی واگذاریم تا در ورطه ضلالت فرومانند.

وَلَوْ أَنَّا نَزَّلْنَا إِلَيْهِمُ الْمَلَكَةَ وَكَلَّمَهُمُ الْمَوْتَى وَحَشَرْنَا عَلَيْهِمْ كُلَّ شَيْءٍ قُبُلًا مَا كَانُوا لِيَوْمِنَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ يَجْهَلُونَ

و اگر فرشتگان را بر آنها می‌فرستادیم و مردگان با آنان سخن می‌گفتند و هر چیزی را رویارویشان فراهم می‌آوردیم باز ایمان نمی‌آوردند مگر به مشیت خدا، لیکن اکثرشان (مشیت نافذ حق را) نمی‌دانند.

و همچنین ما هر پیغمبری را از شیطانهای انس و جن دشمنی در مقابل برانگیختیم که آنها برخی با برخی دیگر برای اغفال مؤمنان سخنان آراسته ظاهر فریب اظهار کنند. و اگر پروردگار تو می‌خواست چنین نمی‌کردند، پس اینها را با دروغشان واگذار.

(تا بیازمایمشان) و تا به گفتار (فریبنده) آن اهریمنان آنان که به آخرت ایمان نیاورند دل سپرده و بدان خشنود باشند و تا آنچه می‌توانند به گناه و تبهکاری آلوده شوند.

آیا من غیر خدا حاکم و داورى بجویم و حال آنکه او خدایی است که کتابی (چون قرآن) که همه چیز در آن بیان شده به شما فرستاد؟ و آنان که به آنها کتاب فرستادیم (یهود و نصاری) می‌دانند که این قرآن از خدای تو به حق بر تو فرستاده شده، پس در آن البته هیچ شک و تردید راه مده.

کلام خدای تو از روی راستی و عدالت به حد کمال رسید و هیچ کس تبدیل و تغییر آن کلمات نتواند کرد و او خدای شنا و داناست.

و اگر پیروی از اکثر مردم روی زمین کنی تو را از راه خدا گمراه خواهند کرد، که اینان جز از پی گمان (و هوا و هوس) نمی‌روند و جز اندیشه باطل و دروغ چیزی در دست ندارند.

محققا خدای تو خود داناتر است به حال آن که از راه او گمراه است و آن که به راه او هدایت یافته است.

پس شما مؤمنان چنانچه به آیات خدا ایمان دارید از آنچه نام خدا بر آن ذکر شده تناول کنید.

وَكَذَٰلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنسِ وَالْجِنِّ يُوحى بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غُرُورًا وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ مَا فَعَلُوهُ ۗ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

وَلِتَصْغَىٰ إِلَيْهِ أَفْعَدَةُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَلِيَرْضَوْهُ وَلِيَقْتَرِفُوا مَا هُمْ مُّقْتَرِفُونَ

أَفَعَيَّرَ اللَّهُ أَبْتَغَىٰ حَكَمًا وَهُوَ الَّذِي أَنْزَلَ إِلَيْكُمُ الْكِتَابَ مُفَصَّلًا وَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُنَزَّلٌ مِّن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ ۖ فَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ صِدْقًا وَعَدْلًا ۗ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ ۗ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

وَإِنْ تُطِيعْ أَكْثَرَ مَنْ فِي الْأَرْضِ يُضِلُّوكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۗ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ مَنْ يَضِلُّ عَن سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

فَكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ بِآيَاتِهِ مُؤْمِنِينَ

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تَأْكُلُوا مِمَّا ذُكِرَ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَقَدْ  
فَصَّلَ لَكُمْ مَا حَرَّمَ عَلَيْكُمْ إِلَّا مَا اضْطُرِرْتُمْ إِلَيْهِ وَإِنَّ  
كَثِيرًا لَيُضِلُّونَ بِأَهْوَائِهِمْ بَغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ  
بِالْمُعْتَدِينَ

وَذَرُوا ظَهْرَ الْأِثْمِ وَبَاطِنَهُ إِنَّ الَّذِينَ يَكْسِبُونَ الْأِثْمَ  
سَيُجْزَوْنَ بِمَا كَانُوا يَقْتَرِفُونَ

وَلَا تَأْكُلُوا مِمَّا لَمْ يُذْكَرِ اسْمُ اللَّهِ عَلَيْهِ وَإِنَّهُ لَفِسْقٌ  
وَإِنَّ الشَّيْطَانَ لِيُوحِيَ إِلَىٰ أَوْلِيَآئِهِمْ لِيُجَدِّلُكُمْ وَإِنَّ  
أَظْعَمُهُمْ إِنَّكُمْ لَمُشْرِكُونَ

أَوْ مَنْ كَانَ مِيثًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَجَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي  
النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِّنْهَا  
كَذَلِكَ زَيْنَ لِّلْكَافِرِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ أَكْبَرًا مُّجْرِمِيهَا لِيَمْكُرُوا فِيهَا  
وَمَا يَمْكُرُونَ إِلَّا بِأَنْفُسِهِمْ وَمَا يَشْعُرُونَ

وَإِذَا جَاءَتْهُمْ آيَةٌ قَالُوا لَنْ نُؤْمِنَ حَتَّىٰ نُؤْتَىٰ مِثْلَ مَا أُوتِيَ  
رُسُلُ اللَّهِ اللَّهُ أَعْلَمُ حَيْثُ يَجْعَلُ رِسَالَتَهُ سَيُصِيبُ  
الَّذِينَ أَجْرَمُوا صَغَارٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا كَانُوا  
يَمْكُرُونَ

چرا از آنچه نام خدا بر آن ذکر شده نمی‌خورید (و بر خود حرام می‌کنید)؟ در صورتی که آنچه خدا بر شما حرام کرده به تفصیل بیان نموده جز آنچه به آن ناگزیر می‌شوید که باز حلال است. و بسیاری از مردم به هوای نفس خود از روی جهل (دیگران را) به گمراهی کشند. همانا خدا به تجاوز کنندگان (از حدود) داناتر است.

و هر گناه و عمل زشت را در ظاهر و باطن ترک کنید، که محققا کسانی که کسب گناه کنند به زودی به کیفر آن خواهند رسید.

و از آنچه نام خدا بر آن ذکر نشده نخورید که آن فسق و تبه کاری است. و اهریمنان سخت به دوستان و پیروان خود وسوسه کنند تا با شما به جدل و منازعه برخیزند. و اگر شما هم از آنان پیروی کنید (مانند آنها) مشرک خواهید شد.

و آیا کسی که مرده (جهل و ضلالت) بود ما او را زنده کردیم و به او روشنی (علم و دیانت) دادیم تا به آن روشنی میان مردم (سرافراز) رود مثل او مانند کسی است که در تاریکی‌ها (ی جهل) فرو رفته و از آن به در نتواند گشت؟ (آری) کردار بد کافران در نظرشان چنین جلوه‌گر شده است.

و همچنین ما قرار دادیم که در هر دیاری رؤسای بدکار ستمگر (با مردم آنجا) مکر اندیشند، و در حقیقت مکر جز با خویشتن نمی‌کنند و به این هم آگاه نیستند.

و چون آیتی برای (هدایت) آنها آمد گفتند: ما ایمان نیاوریم تا مانند آنچه به رسولان خدا داده شد به ما نیز داده شود. خدا بهتر می‌داند که در کجا رسالت خود را مقرر دارد. به زودی مجرمان را خدا خوار سازد و عذابی سخت به واسطه مکری که می‌اندیشیدند بر آنان فرو فرستد.

۶  
انعام  
۱۲۵  
۱۶۵

فَمَنْ يُرِدِ اللَّهُ أَنْ يَهْدِيَهُ وَيُشْرِحْ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ وَمَنْ يُرِدْ أَنْ يُضِلَّهُ وَيَجْعَلَ صَدْرَهُ ضَيْقًا حَرَجًا كَأَتَمَّا يَصْعَدُ فِي السَّمَاءِ كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

۱۲۶

وَهَذَا صِرَاطُ رَبِّكَ مُسْتَقِيمًا قَدْ فَصَّلْنَا الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

۱۲۷  
حزب  
۵۸

لَهُمْ دَارُ السَّلَامِ عِنْدَ رَبِّهِمْ وَهُوَ وَلِيُّهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۲۸

وَيَوْمَ يُحْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَمْعَشَرُ الْجِنَّ قَدْ أَسْتَكْثَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَقَالَ أَوْلِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَبَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مَثْوَاكُمْ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

۱۲۹

وَكَذَلِكَ نُؤَلِّي بَعْضَ الظَّالِمِينَ بَعْضًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

۱۳۰  
۱۱۷

يَمْعَشَرُ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَشَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ

۱۳۱

ذَلِكَ أَنْ لَّمْ يَكُنْ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَى بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا غَافِلُونَ

پس هر که را خدا هدایت او خواهد قلبش را برای پذیرش اسلام باز و روشن گرداند و هر که را خواهد گمراه نماید (به حال گمراهی واگذارد) دل او را از پذیرفتن ایمان تنگ و سخت گرداند که گویی می‌خواهد از زمین بر فراز آسمان رود. این چنین خدا آنان را که به حق نمی‌گروند مردود و پلید می‌گرداند.

و این راه خدای توست که مستقیم است. ما آیات (خود) را برای گروهی که بدان پند می‌گیرند به خوبی روشن ساختیم.

آنها را نزد خدا دار سلامت و خانه آسایش است و خدا دوستدار و سرپرست آنهاست برای آنکه نیکوکار بودند.

و (یاد آر) روزی که همه آنها را محشور می‌کند (و به شیاطین خطاب کند که) ای گروه جن، شما بسیاری از انسانها را پیرو خود ساختید. در آن حال دوستداران شیاطین از جنس بشر گویند: پروردگارا، ما بعضی از (اضلال) بعضی دیگر بهره‌مند گردیده و به اجلی که معین نموده‌ای رسیدیم. خدا گوید: آتش منزلگاه شماست و همیشه در آن خواهید بود مگر آنچه خدا بخواهد (که برخی را بیرون آورد)، که پروردگار تو درست کردار و داناست.

و همچنین ما برخی ستمکاران را بر بعض دیگر (به مخالفت) برگماریم به سبب آنچه کسب می‌کردند.

(آن گاه خدا گوید) ای گروه جن و انس، مگر برای هدایت شما از جنس خود شما رسولانی نیامدند که آیات مرا برای شما می‌خواندند و شما را از مواجه شدن با این روز سخت می‌ترساندند؟ آنها (با نهایت پشیمانی) جواب دهند که ما (به جهالت و بدی) بر خود گواهی می‌دهیم. و زندگانی دنیا آنها را مغرور ساخت و در آن حال (می‌فهمند و) بر خود گواهی می‌دهند که به راه کفر می‌رفتند.

این (فرستادن رسل) برای این است که خدا اهل دیاری را تا (اتمام حجت نکرده و) آنها غافل و جاهل باشند به ستم هلاک نگردانند.



وَلِكُلِّ دَرَجَاتٌ مِّمَّا عَمِلُوا وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا يَعْمَلُونَ

و هر کس (از بندگان) به عملی که کرده رتبه خواهد یافت، و خدای تو از عمل هیچ کس غافل نخواهد بود.

وَرَبُّكَ الْغَنِيُّ ذُو الرَّحْمَةِ إِنْ يَشَأْ يُدْهِبْكُمْ وَيَسْتَخْلِفْ  
مِنْ بَعْدِكُمْ مَا يَشَاءُ كَمَا أَنْشَأَكُمْ مِنْ ذُرِّيَّةٍ قَوْمٍ  
ءَاخِرِينَ

و خدای تو از خلق بی‌نیاز و (به همه) مهربان است و اگر  
بخواهد، شما را ببرد (و همه را فانی گرداند) آن گاه هر که  
را بخواهد جانشین شما کند چنان که شما را از نسل گروهی  
دیگر پدید آورد.

۱۳۳

إِنَّ مَا تُوْعَدُونَ لَأَتِيٌ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

هر چه به شما وعده دادند محققا خواهد آمد و شما (بر  
قدرت و مقدرات خدا) غالب نخواهید شد.

۱۳۴

قُلْ يَتَقَوْمِ اعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَامِلٌ فَسَوْفَ  
تَعْلَمُونَ مَنْ تَكُونُ لَهُ عَقِيبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ  
الظَّالِمُونَ

بگو: ای قوم من، شما را هر چه در خور است و بر آن  
توانایی دارید عمل کنید، من نیز در خور خویش عمل (نیک)  
می‌کنم، آن گاه البته (من به اجر خود رسم و) شما به زودی  
آگاه خواهید شد که آن کس که عاقبت منزلگاه خوش دارد  
کیست، البته ستمکاران را رستگاری نیست.

۱۳۵

وَجَعَلُوا لِلَّهِ مِمَّا ذَرَأَ مِنَ الْحَرْثِ وَالْأَنْعَامِ نَصِيبًا فَقَالُوا  
هَذَا لِلَّهِ بِزَعْمِهِمْ وَهَذَا لِشُرَكَائِنَا فَمَا كَانَ لِشُرَكَائِهِمْ فَلَا  
يَصِلُ إِلَى اللَّهِ وَمَا كَانَ لِلَّهِ فَهُوَ يَصِلُ إِلَىٰ شُرَكَائِهِمْ سَاءَ مَا  
يَحْكُمُونَ

و برای خدا از رویدنیها و چهارپایانی که آفریده نصیبی  
معین کردند و به گمان خودشان گفتند: این سهم برای خدا  
و این سهم برای دیگر شریکان و بتان ما. پس آن سهمی که  
شریکانشان را بود به خدا نمی‌رسید و آن که برای خدا بود  
به شریکان می‌رسید! حکمی سخت (جاهلانه و) ناشایسته  
می‌کنند.

۱۳۶

وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِكَثِيرٍ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ قَتَلَ أَوْلَادِهِمْ  
شُرَكَاءُهُمْ لِيُرْدُوهُمْ وَلِيَلْبَسُوا عَلَيْهِمْ دِينَهُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ  
مَا فَعَلُوهُ فَذَرْهُمْ وَمَا يَفْتَرُونَ

و همچنین در نظر بسیاری از مشرکان، عمل کشتن فرزندان  
را بتهای ایشان نیکو جلوه داده تا آنکه آنان را با این عمل  
هلاک سازند و در دین فطریشان به غلط و اشتباه اندازند. و  
اگر خدا می‌خواست چنین نمی‌کردند، پس آنها را با آنچه (از  
خرافات) می‌بافند واگذار.

۱۳۷

۰۶  
انعام  
۱۳۸  
۱۶۵

وَقَالُوا هَذِهِ أَنْعَمٌ وَحَرَّتْ حِجْرٌ لَا يَطْعَمُهَا إِلَّا مَنْ نَشَاءُ  
بِزَعْمِهِمْ وَأَنْعَمٌ حُرِّمَتْ ظُهُورُهَا وَأَنْعَمٌ لَا يَذْكُرُونَ أَسْمَ  
اللَّهِ عَلَيْهَا افْتِرَاءً عَلَيْهِ سَيَجْزِيهِمْ بِمَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

۱۳۹

وَقَالُوا مَا فِي بُطُونِ هَذِهِ الْأَنْعَمِ خَالِصَةٌ لِّذُكُورِنَا وَمُحَرَّمٌ  
عَلَىٰ أَزْوَاجِنَا وَإِنْ يَكُن مَّيْتَةً فَهُمْ فِيهِ شُرَكَاءُ سَيَجْزِيهِمْ  
وَصَفَهُمْ إِنَّهُ وَحَكِيمٌ عَلِيمٌ

۱۴۰

قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ قَتَلُوا أَوْلَادَهُمْ سَفَهًا بِغَيْرِ عِلْمٍ وَحَرَّمُوا  
مَا رَزَقَهُمُ اللَّهُ افْتِرَاءً عَلَى اللَّهِ قَدْ ضَلُّوا وَمَا كَانُوا  
مُهْتَدِينَ

۱۴۱  
حزب  
۵۹  
۱۱۸

وَهُوَ الَّذِي أَنْشَأَ جَنَّاتٍ مَّعْرُوشَاتٍ وَغَيْرَ مَعْرُوشَاتٍ  
وَالنَّخْلَ وَالزَّرْعَ مُخْتَلِفًا أَكْلُهُ وَالزَّيْتُونَ وَالرُّمَّانَ  
مُتَشَبِهًا وَغَيْرَ مُتَشَبِهٍ كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَعَآتُوا  
حَقَّهُ وَيَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

۱۴۲

وَمِنَ الْأَنْعَمِ حَمُولَةٌ وَفَرَسَاتٌ كُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ وَلَا  
تَتَّبِعُوا خُطواتِ الشَّيْطَانِ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

و به پندار (جاهلانه) خویش گفتند: اینها چهار پایان و  
زراعتی است که بر همه ممنوع (و مخصوص بتان) است،  
نباید از آن بخورد مگر آن کس که ما بخواهیم، و چهارپایانی  
است که سواری آنها حرام است، و چهارپایانی را نیز بدون  
ذکر نام خدا ذبح می‌کنند. چون در این احکام به خدا دروغ  
بستند خدا به زودی آنها را مجازات خواهد کرد.

و گفتند: آنچه در شکم این چهارپایان است مخصوص مردان  
ماست و بر زنان ما حرام است، و اگر مرده باشد همه  
(مردان و زنان) در آن شریک باشند. خداوند آنها را به  
مجازات این گفتار به زودی می‌رساند و خدا درست کردار و  
داناست.

البته آنان که فرزندان خود را به سفاقت و نادانی کشتند و  
آنچه را که خدا نصیبشان کرد با افترا به خدا حرام شمردند  
زیانکارند. اینان سخت گمراه شدند و هدایت نیافتند.

و او آن خدایی است که برای شما بستانها از درختان  
داربستی و درختان آزاد و درختان خرما و زراعتها که میوه و  
دانه‌های گوناگون آرند و زیتون و انار و میوه‌های مشابه و  
نامشابه آفرید. شما هم از آن میوه‌ها هرگاه برسد تناول  
کنید و حق آن را (زکات فقیران را) در روز درو و جمع‌آوری  
آن بدهید و اسراف نکنید، که خدا مسرفان را دوست  
نمی‌دارد.

و از بعضی چهارپایان استفاده باربری و سواری کنید. از آنچه  
روزی شما کرده بخورید و از پی اغوای شیطان نروید، که او  
شما را دشمنی آشکار است.

:۶  
انعام  
۱۴۳  
/۱۶۵

ثَمَنِيَّةَ أَزْوَاجٍ مِّنَ الضَّانِّ أَثْنَيْنِ وَمِنَ الْمَعَزِ أَثْنَيْنِ قُلْ  
عَالِدَ كَرِينٍ حَرَّمَ أُمَّ الْأَنْثِيَيْنِ أَمَّا أَشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ  
الْأَنْثِيَيْنِ نَبِّئُونِي بِعِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

۱۴۴

وَمِنَ الْإِبِلِ أَثْنَيْنِ وَمِنَ الْبَقَرِ أَثْنَيْنِ قُلْ عَالِدَ كَرِينٍ حَرَّمَ أُمَّ  
الْأَنْثِيَيْنِ أَمَّا أَشْتَمَلَتْ عَلَيْهِ أَرْحَامُ الْأَنْثِيَيْنِ أُمَّ كُنْتُمْ  
شُهَدَاءَ إِذْ وَصَّيْتُمْ اللَّهُ بِهَذَا فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَى  
عَلَى اللَّهِ كَذِبًا لِّيُضِلَّ النَّاسَ بِغَيْرِ عِلْمٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي  
الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

۱۴۵  
۱۱۹۶

قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا  
أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَّسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ  
رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهِلَّ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ فَمَنْ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ  
وَلَا عَادٍ فَإِنَّ رَبَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۱۴۶

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا كُلَّ ذِي ظُفْرٍ وَمِنَ الْبَقَرِ وَالْغَنَمِ  
حَرَّمْنَا عَلَيْهِمْ شُحُومَهُمَا إِلَّا مَا حَمَلَتْ ظُهُورُهُمَا أَوْ  
الْحَوَايَا أَوْ مَا اخْتَلَطَ بِعَظْمٍ ذَلِكَ جَزَيْنَاهُمْ بِبَغْيِهِمْ وَإِنَّا  
لَصَادِقُونَ

(برای شما بندگان) هشت جفت، از جنس بره دو صنف (نر و ماده) و از جنس بز دو صنف (آفرید و حلال کرد). بگو: آیا از این دو جنس نر یا ماده یا بچه‌ای که در شکم ماده‌هاست کدام یک را خدا حرام کرده است؟ شما به من مدرک قطعی ارائه دهید اگر راست می‌گویید.

و نیز از جنس شتر دو صنف (نر و ماده) و از جنس گاو دو صنف (آفرید و حلال نمود). به آنها بگو: آیا از این دو جنس نر یا ماده یا بچه‌ای که در شکم ماده‌هاست کدام را حرام کرده است؟ مگر شما حاضر بودید که خدا بر این حرمت به شما توصیه نموده؟ کیست ستمکارتر از آن کس که به خدا دروغ بست تا به جهل خود مردم را گمراه کند؟! البته خدا ستمکاران را هدایت نخواهد کرد.

بگو: در احکامی که به من وحی شده من چیزی را که برای خوردندگان طعام حرام باشد نمی‌یابم جز آنکه میته باشد یا خون ریخته (جهنده) یا گوشت خوک که پلید است و یا حیوانی که بدون ذکر نام خدا از روی فسق و نافرمانی ذبح کنند. و (در همین‌ها که حرام شده) هرگاه کسی به خوردن آنها مضطر گردید صرف کند، در صورتی که از روی ستم و از راه تعدی (از فرمان خدا) نباشد، همانا خدای تو بسیار بخشنده و مهربان است.

و بر یهودان، هر حیوان ناخن دار و از جنس گاو و گوسفند نیز پیه آنها را حرام کردیم مگر آنچه در پشت آنهاست یا به بعض روده‌ها یا به استخوانها آمیخته است. آنها چون ستم کردند ما به آن حکم آنها را مجازات کردیم، و البته سخنان ما راست است.

فَإِنْ كَذَّبُوكَ فَقُلْ رَبُّكُمْ ذُو رَحْمَةٍ وَاسِعَةٍ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُهُ  
عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

پس اگر تو را تکذیب کنند بگو: خدای شما با آنکه دارای رحمت بی انتها است عذابش از بدکاران باز داشته نخواهد شد.

آنان که شرک آوردند خواهند گفت: اگر خدا می‌خواست ما و پدرانمان مشرک نمی‌شدیم و چیزی را حرام نمی‌کردیم. بدین گفتار، پیشینیان ایشان نیز تکذیب (رسل) کردند تا آنکه طعم عذاب ما را چشیدند. بگو: آیا شما بر این سخن مدرک قطعی دارید تا به ما ارائه دهید؟ همانا شما پیروی جز از خیالات باطل نمی‌کنید و جز به گزافه و دروغ سخن نمی‌گویید.

بگو: برای خدا حجت بالغه و رساست، اگر می‌خواست همه شما را هدایت می‌کرد.

بگو: گواهان خود را بیاورید بر اینکه خدا این را و آن را حرام کرده. پس هرگاه گواهی دادند (چون دروغ می‌گویند) تو با آنها گواهی مده و پیروی مکن از هوای نفس آنها که آیات خدا را تکذیب کردند و به قیامت ایمان نمی‌آورند و برای خدای خود همنا قرار می‌دهند.

بگو: بیایید تا آنچه خدا بر شما حرام کرده همه را بر شما بخوانم، و آن اینکه به هیچ وجه شرک به خدا نیاورید، و به پدر و مادر احسان کنید، و دیگر اولاد خود را از بیم فقر نکشید، ما شما و آنها را روزی می‌دهیم، و دیگر به کارهای زشت آشکار و نهان نزدیک نشوید و نفسی را که خدا حرام کرده (محترم شمرده) جز به حق به قتل نرسانید. خدا شما را به این اندرزا سفارش نموده، باشد که تعقل کنید.

۱۴۸

سَيَقُولُ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا أَشْرَكْنَا وَلَا آبَاؤُنَا  
وَلَا حَرَمْنَا مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ  
حَتَّىٰ ذَاقُوا بَأْسَنَا قُلْ هَلْ عِنْدَكُمْ مِنْ عِلْمٍ فَتُخْرِجُوهُ  
لَنَا إِنْ تَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَخْرُصُونَ

۱۴۹

قُلْ فَلِلَّهِ الْحُجَّةُ الْبَلِيغَةُ فَلَوْ شَاءَ لَهَدَيْكُمْ أَجْمَعِينَ

۱۵۰

قُلْ هَلُمَّ شُهَدَاءَكُمْ الَّذِينَ يَشْهَدُونَ أَنَّ اللَّهَ حَرَّمَ هَذَا  
فَإِنْ شَهِدُوا فَلَا تَشْهَدْ مَعَهُمْ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ كَذَّبُوا  
بِآيَاتِنَا وَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ وَهُمْ بِرَبِّهِمْ يَعْدِلُونَ

۱۵۱  
حزب  
۶۰  
۱۲۰هـ

قُلْ تَعَالَوْا أَتْلُ مَا حَرَّمَ رَبُّكُمْ عَلَيْكُمْ إِلَّا تَشْرِكُوا بِهِ  
شَيْئًا وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ مِمَّنْ إِمْلَاقٍ  
مَنْ نَرَزَقُكُمْ وَإِيَّاهُمْ وَلَا تَقْرَبُوا الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ  
مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا  
بِالْحَقِّ ذَلِكُمْ وَصَدِّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ  
أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْكَيْلِ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ لَا نُكَلِّفُ  
نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا وَإِذَا قُلْتُمْ فَاعْدِلُوا وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ  
وَبِعَهْدِ اللَّهِ أَوْفُوا ذَٰلِكُمْ وَصَلِّكُمْ بِهِ لَعَلَّكُمْ  
تَذَكَّرُونَ

و هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید جز به آن وجه که نیکوتر  
است تا آنکه به حد رشد و کمال رسد. و به راستی و  
عدالت، کیل و وزن را تمام بدهید. ما هیچ کس را جز به  
قدر توانایی او تکلیف نکرده‌ایم. و هرگاه سخنی گویید به  
عدالت گرایید هر چند درباره خویشاوندان باشد، و به عهد  
خود وفا کنید. این است سفارش خدا به شما، باشد که  
متذکر و هوشمند شوید.

و این است راه راست من، از آن پیروی کنید و از راههای  
دیگر که موجب تفرقه شما از راه اوست متابعت نکنید. این  
است سفارش خدا به شما، شاید پرهیزکار شوید.

وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ  
فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ ذَٰلِكُمْ وَصَلَّكُمْ بِهِ  
لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

آن گاه به موسی کتاب دادیم برای تکمیل نفس هر نیکوکار  
و برای تفصیل و بیان حکم هر چیز و برای هدایت و رحمت  
بر خلق، باشد که (مردم) به لقاء خدا ایمان آورند.

و این (قرآن) کتابی است که ما با برکت و خیر بسیار  
فرستادیم، از آن پیروی کنید و پرهیزکار شوید، شاید  
مشمول مرحمت خدا گردید.

ثُمَّ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ تَمَامًا عَلَى الَّذِي أَحْسَنَ  
وَتَفْصِيلًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ  
يُؤْمِنُونَ

(قرآن را برای این فرستادیم) تا نگویند تورات و انجیل تنها  
بر دو طایفه یهود و نصاری پیش از ما فرستاده شد و ما از  
تعلیم درس (کتابهای الهی) آنان غافل و بی بهره ماندیم.

وَهَذَا كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ مُبَارَكٌ فَاتَّبِعُوهُ وَاتَّقُوا لَعَلَّكُمْ  
تُرْحَمُونَ

یا گویید: اگر کتاب بر ما فرستاده می‌شد ما بهتر از آنان به  
راه هدایت می‌شناختیم. پس به شما هم از طرف  
پروردگارتان حجت آشکار و هدایت و رحمت رسید، اکنون  
کیست ستمکارتر از آن که آیات الهی را تکذیب کند و از  
آنها روی گرداند؟! به زودی آنان را که از آیات ما روی  
گردانیده و مخالفت کنند به عذاب سخت مجازات کنیم به  
کیفر آنکه از آیات ما اعراض می‌کردند.

أَن تَقُولُوا إِنَّمَا أَنْزَلَ الْكِتَابَ عَلَىٰ طَائِفَتَيْنِ مِن قَبْلِنَا وَإِن  
كُنَّا عَنْ دِرَاسَتِهِمْ لَغَافِلِينَ

أَوْ تَقُولُوا لَوْ أَنَّا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْكِتَابُ لَكُنَّا أَهْدَىٰ مِنْهُمْ  
فَقَدْ جَاءَكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ فَمَنْ أَظْلَمُ  
مِمَّن كَذَّبَ بِآيَاتِ اللَّهِ وَصَدَفَ عَنْهَا سَنَجْزِي الَّذِينَ  
يَصْدِفُونَ عَن آيَاتِنَا سُوءَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يَصْدِفُونَ

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَائِكَةُ أَوْ يَأْتِيَ رَبُّكَ أَوْ يَأْتِيَ بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ يَوْمَ يَأْتِي بَعْضُ آيَاتِ رَبِّكَ لَا يَنْفَعُ نَفْسًا إِيْمَانُهَا لَمْ تَكُنْ ءَامَنَتْ مِنْ قَبْلُ أَوْ كَسَبَتْ فِي إِيْمَانِهَا خَيْرًا قُلِ انْتَضِرُوا إِنَّا مُنْتَظِرُونَ

آیا (منکران) انتظاری دارند جز آنکه فرشتگان (قهر) بر آنها درآیند و یا (امر) خدا (و یا قضای الهی) بر آنان فرا رسد (و همه هلاک شوند) یا برخی دلایل و آیات خدا آشکار شود؟ روزی که بعضی آیات (قهر) خدای تو بر آنها برسد آن روز هیچ کس را ایمانش نفع نبخشد اگر قبل از آن ایمان نیاورده و یا در ایمان خود کسب خیر و سعادت نکرده باشد. بگو: شما در انتظار (نتیجه اعمال زشت خود) باشید ما هم در انتظار هستیم.

إِنَّ الَّذِينَ فَرَقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا لَسْتَ مِنْهُمْ فِي شَيْءٍ إِنَّمَا أَمْرُهُمْ إِلَى اللَّهِ ثُمَّ يُنَبِّئُهُم بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

آنان که دین را پراکنده نمودند و (در آن) فرقه فرقه شدند (چشم از آنها بیوش) چنین کسان به کار تو نیابند، (و از دست آنها غمگین مباش که مجازات) کار آنها با خداست و بعد از این به آنچه می‌کردند آگاهشان می‌گرداند.

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

هر کس کار نیکو کند او را ده برابر آن خواهد بود و هر کس کار زشت کند به قدر کار زشتش مجازات شود و بر آنها اصلا ستم نخواهد شد.

قُلْ إِنِّي هَدَيْتَنِي رَبِّيَ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ دِينًا قِيَمًا مِثْلَ آبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

بگو: محققا مرا خدایم به راه راست هدایت کرده، به دینی استوار، همان آیین پاک ابراهیم که وجودش از لوث شرک و عقاید باطل مشرکین منزّه بود.

قُلْ إِنْ صَلَاتِي وَنُسُكِي وَمَحْيَايَ وَمَمَاتِي لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

بگو: همانا نماز و طاعت و تمام اعمال من و حیات و ممات من همه برای خداست که پروردگار جهانیان است.

لَا شَرِيكَ لَهُ ۗ وَبِذَلِكَ أُمِرْتُ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُسْلِمِينَ

که او را شریک نیست و به همین (اخلاص کامل) مرا فرمان داده‌اند و من اول کسی هستم که تسلیم امر خدایم.

قُلْ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِي رَبًّا وَهُوَ رَبُّ كُلِّ شَيْءٍ ۗ وَلَا تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ إِلَّا عَلَيْهَا ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُم مَّرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

بگو: آیا غیر از خدا را به ربوبیت گزینم در صورتی که خدا پرورنده همه موجودات است؟ و هیچ کس چیزی نیندوخت مگر بر خود، و هیچ نفسی بار (گناه) دیگری را بر دوش نگیرد. سپس بازگشت همه شما به سوی پروردگارتان است و او شما را به آنچه خلاف در آن می‌کردید آگاه خواهد ساخت.

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَكُمْ خَلَائِفَ الْأَرْضِ وَرَفَعَ بَعْضَكُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِيُبْلُوَكُمْ فِي مَا ءَاتَاكُمْ ۗ إِنَّ رَبَّكَ سَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

و او خدایی است که شما را جانشین گذشتگان اهل زمین مقرر داشت و رتبه بعضی را از بعضی بالاتر قرار داد تا شما را در آنچه به شما داده (در این تفاوت رتبه‌ها) بیازماید، که همانا خدا زود کیفر و بسیار بخشنده و مهربان است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْمَصِّ

كُتِبَ أَنْزَلَ إِلَيْكَ فَلَا يَكُنْ فِي صَدْرِكَ حَرَجٌ مِّنْهُ لِتُنذِرَ  
بِهِ ۚ وَذِكْرَىٰ لِلْمُؤْمِنِينَ

اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ إِلَيْكُم مِّن رَّبِّكُمْ وَلَا تَتَّبِعُوا مِن دُونِهِ  
أَوْلِيَاءَ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

وَكَمْ مِّن قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا فَجَاءَهَا بَأْسُنَا بَيِّنًا أَوْ هُمْ قَائِلُونَ

فَمَا كَانَ دَعْوَاهُمْ إِذْ جَاءَهُمْ بَأْسُنَا إِلَّا أَنْ قَالُوا إِنَّا كُنَّا  
ظَالِمِينَ

فَلَنَسْأَلَنَّ الَّذِينَ أُرْسِلَ إِلَيْهِمْ وَلَنَسْأَلَنَّ الْمُرْسَلِينَ

فَلَنَقْصَنَّ عَلَيْهِمْ بِعِلْمٍ وَمَا كُنَّا غَائِبِينَ

وَأَلْوَزُنُ يَوْمَئِذٍ الْحُقُوفُ فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ  
الْمُفْلِحُونَ

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ بِمَا  
كَانُوا بِآيَاتِنَا يُظْلِمُونَ

وَلَقَدْ مَكَّنَّاكُمْ فِي الْأَرْضِ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَةً  
قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

وَلَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ ثُمَّ صَوَّرْنَاكُمْ ثُمَّ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ  
اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ لَمْ يَكُن مِّن  
السَّاجِدِينَ

المص (بعضی در تفسیر آن گفته‌اند: خدای مهربان صاحب اقتدار بردبار).

این کتابی است که به تو نازل شد، پس تو دلتنگ و رنج‌خاطر (از انکار مردم) نسبت به آن مباش، تا (مردمان را) به (آیات عذاب) آن بترسانی، و اهل ایمان را سبب یادآوری باشد.

(ای اهل ایمان) از آنچه از خدایتان به سوی شما فرستاده شده پیروی کنید و پیرو دستورهای غیر او نباشید و جز خدا را به دوستی مگیرید. اما اندکی بدین پند متذکر می‌گردید.

و چه بسیار اهالی شهرها را که هلاک کردیم و آنها را عذاب ما آمد آن گاه که در آسایش شب یا به خواب راحت نیمروز بودند.

پس در هنگامی که عذاب ما به آنان رسید جز این اعتراف نکردند که گفتند: ما خود ستمکار و مستحق عذاب بودیم.

البته ما هم از امتهای که پیامبران به سویشان آمدند و هم از پیغمبران آنها باز خواست خواهیم کرد.

پس بر آنان (حکایت حال آنها را تماما) به علم و بصیرت کامل بیان کنیم، و ما از کردار آنان غایب و غافل نبوده‌ایم.

و روز محشر حقا روز سنجیدن اعمال است، پس آنان که در آن میزان حق وزین و نیکوکار بودند البته رستگار خواهند بود.

و آنان که در آن میزان سبک وزن بودند (یعنی بی ایمان و بد عملند) آنان کسانی هستند که به حقیقت به خود زیان رسانیده‌اند چون به آیات ما ستم می‌کردند.

و همانا ما شما (فرزندان آدم) را در زمین تمکین و اقتدار بخشیدیم و در آن بر شما معاش و روزی مقرر داشتیم، لیکن اندک شکر نعمتهای خدای را به جا می‌آرید.

و همانا شما آدمیان را بیافریدیم و آن گاه که بدین صورت کامل آراستیم، فرشتگان را به سجده آدم مأمور کردیم، همه سجده کردند جز شیطان که از جمله سجده‌کنندگان نبود.

قَالَ مَا مَنَعَكَ إِلَّا تَسْجُدَ إِذْ أَمَرْتُكَ ۗ قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِنْ نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِنْ طِينٍ

قَالَ فَاهْبِطْ مِنْهَا فَمَا يَكُونُ لَكَ أَنْ تَتَكَبَّرَ فِيهَا فَاخْرُجْ إِنَّكَ مِنَ الصَّاغِرِينَ

قَالَ أَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

قَالَ إِنَّكَ مِنَ الْمُنظَرِينَ

قَالَ فِيمَا أُغْوَيْتَنِي لَأَقْعُدَنَّ لَهُمْ صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ

ثُمَّ لَآتِيَنَّهُمْ مِّنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ وَعَنْ أَيْمَانِهِمْ وَعَنْ شَمَائِلِهِمْ ۗ وَلَا تَجِدُ أَكْثَرَهُمْ شَاكِرِينَ

قَالَ أَخْرَجْ مِنْهَا مَذْعُومًا مَّدْحُورًا ۗ لَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكُمْ أَجْمَعِينَ

وَيَعَادِمُ أُسْكُنُ أَنْتَ وَزَوْجُكَ الْجَنَّةَ فَكُلَا مِنْ حَيْثُ شِئْتُمَا وَلَا تَقْرَبَا هَذِهِ الشَّجَرَةَ فَتَكُونَا مِنَ الظَّالِمِينَ

فَوَسْوَسَ لَهُمَا الشَّيْطَانُ لِيُبْدِيَ لَهُمَا مَا وُورِيَ عَنْهُمَا مِنْ سَوْءَاتِهِمَا وَقَالَ مَا نَهَاكُمَا رَبُّكُمَا عَنْ هَذِهِ الشَّجَرَةِ إِلَّا أَن تَكُونَا مَلَكَتَيْنِ أَوْ تَكُونَا مِنَ الْخَالِدِينَ

وَقَاسَمَهُمَا إِنِّي لَكُمَا لَمِنَ النَّاصِحِينَ

فَدَلَّلَهُمَا بِغُرُورٍ فَلَمَّا ذَاقَا الشَّجَرَةَ بَدَتْ لَهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ ۗ وَنَادَاهُمَا رَبُّهُمَا أَلَمْ أَنْهَكُمَا عَنْ تِلْكَمَا الشَّجَرَةِ وَأَقُل لَّكُمَا إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمَا عَدُوٌّ مُّبِينٌ

۱۳

۱۴

۱۵

۱۶

۱۷

۱۸

۱۹

۲۰

۲۱

۲۲

خدای متعال بدو فرمود: چه چیز تو را مانع از سجده (آدم) شد که چون تو را امر کردم نافرمانی کردی؟ پاسخ داد که من از او بهترم، که مرا از آتش و او را از خاک آفریده‌ای.

خدا به شیطان فرمود: از این مقام فرود آ، که تو را نرسد که در این مقام بزرگی و نخوت ورزی، بیرون شو که تو از زمره پست ترین فرومایگانی.

شیطان گفت: (حال که رانده درگاه شدم) مرا تا به روزی که خلائق برانگیخته شوند مهلت ده.

خدا فرمود: البته مهلت خواهی داشت.

شیطان گفت که چون تو مرا گمراه کردی من نیز البته در کمین بندگان در سر راه راست تو می‌نشینم.

آن گاه از پیش روی و از پشت سر و طرف راست و چپ آنان در می‌آیم (و هر یک از قوای عامله و ادراکی آنها را به میل باطل می‌کشم)، و بیشتر آنان را شکر گزار نعمت نخواهی یافت.

خدا گفت: از این مقام بیرون شو که تو نکوهیده و رانده درگاه مایی، هر که از فرزندان آدم تو را پیروی کند جهنم را از تو و آنان به یقین پر می‌گردانم.

و ای آدم، تو با جفتت در بهشت منزل گزینید و از هر جا (و هر چه) بخواهید تناول کنید و لیکن نزدیک این درخت نروید (درخت گندم یا انگور یا سیب یا غیره) که از ستمکاران خواهید گشت.

آن گاه شیطان، آدم و حوا هر دو را به وسوسه فریب داد تا زشتیهایشان را که از آنان پوشیده بود بر ایشان پدیدار کند و گفت: خدایان شما را از این درخت نهی نکرد جز برای اینکه مبدا (در بهشت) دو فرشته شوید یا عمر جاودان یابید.

و بر آنان سوگند یاد کرد که من خیر خواه شما هستم.

پس آنان را به فریب و دروغی (از آن مقام بلند) فرود آورد، پس چون از آن درخت تناول کردند زشتیهایشان (مانند عورات و سایر زشتیهای پنهان) بر آنان آشکار گردید و بر آن شدند که از برگ درختان بهشت خود را بیوشانند، و پروردگارشان آنها را ندا کرد که آیا من شما را از این درخت منع نکردم و نگفتم که شیطان دشمن آشکار شماست؟



قَالَ رَبَّنَا ظَلَمْنَا أَنفُسَنَا وَإِن لَّمْ تَغْفِرْ لَنَا وَتَرْحَمْنَا لَنَكُونَنَّ  
مِنَ الْخَاسِرِينَ

قَالَ أَهْبِطُوا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ وَلَكُمْ فِي الْأَرْضِ  
مُسْتَقَرٌّ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

قَالَ فِيهَا تَحْيَوْنَ وَفِيهَا تَمُوتُونَ وَمِنْهَا تُخْرَجُونَ

يَبْنَیٰٓءَادَمَ قَدْ أَنْزَلْنَا عَلَيْكُمْ لِبَاسًا يُورِي سَوَآءَاتِكُمْ  
وَرِيشًا ۗ وَلِبَاسُ التَّقْوَىٰ ذَٰلِكَ خَيْرٌ ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَاتِ اللَّهِ  
لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

يَبْنَیٰٓءَادَمَ لَا يَفْتِنَنَّكُمُ الشَّيْطَانُ كَمَا أَخْرَجَ أَبَوَيْكُمُ  
مِّنَ الْجَنَّةِ يَنْزِعُ عَنْهُمَا لِبَاسَهُمَا لِيُرِيَهُمَا سَوَآءَاتِهِمَا ۗ إِنَّهُ  
يُرِيكُم هُوَ وَقَبِيلُهُ مِمَّنْ حَيْثُ لَا تَرَوْنَهُمْ ۗ إِنَّا جَعَلْنَا  
الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ

وَإِذَا فَعَلُوا فَحِشَةً قَالُوا وَجَدْنَا عَلَيْهَا ءَابَاءَنَا وَاللَّهُ أَمَرَنَا  
بَهَا ۗ قُلْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَأْمُرُ بِالْفَحْشَآءِ ۗ اتَّقُوا اللَّهَ عَلَىٰ إِلَٰهِ مَا لَا  
تَعْلَمُونَ

قُلْ أَمَرَ رَبِّي بِالْقِسْطِ ۗ وَأَقِيمُوا وُجُوهَكُمْ عِندَ كُلِّ مَسْجِدٍ  
وَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ ۗ كَمَا بَدَأَكُمْ تَعُودُونَ

فَرِيقًا هَدَىٰ وَفَرِيقًا حَقَّ عَلَيْهِمُ الضَّلَالَةُ ۗ إِنَّهُمْ اتَّخَذُوا  
الشَّيَاطِينَ أَوْلِيَاءَ مِن دُونِ اللَّهِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ

گفتند: خدایا، ما بر خویش ستم کردیم و اگر تو ما را نبخشی و به ما رحمت و رأفت نفرمایی سخت از زیانکاران خواهیم بود.

خدا گفت: (از بهشت) فرود آید که برخی با برخی دیگر مخالف و دشمنید، و زمین تا هنگامی معین (یعنی وقت مرگ و قیامت) جایگاه شماست.

خدا گفت: در این زمین زندگانی کنید و در آن بمیرید و هم از آن باز برانگیخته گردید.

ای فرزندان آدم، محققا ما لباسی که ستر عورات شما کند و جامه‌هایی که به آن تن را بیارایید برای شما فرستادیم، و لباس تقوا نیکوترین جامه است. این سخنان همه از آیات خداست (که به بندگان فرستادیم) شاید خدا را یاد آرند.

ای فرزندان آدم، مبادا شیطان شما را فریب دهد چنان که پدر و مادر شما را از بهشت بیرون کرد، در حالی که جامه از تن آنان بر می‌کند تا قبایح آنان را در نظرشان پدیدار کند، همانا آن شیطان و بستگانش شما را می‌بینند از جایی که شما آنها را نمی‌بینید. ما نوع شیطان را دوستدار و سرپرست کسانی قرار داده‌ایم که ایمان نمی‌آورند.

و چون کار زشتی کنند گویند: ما پدران خود را بدین کار یافته‌ایم و خدا ما را به آن امر نموده. بگو: هرگز خدا امر به اعمال زشت نکند. آیا چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت می‌دهید؟!

بگو: پروردگار من شما را به عدل و درستی امر کرده (نه به اعمال زشت)، و (نیز فرموده که) در هر عبادت روی به حضرت او آرید و خدا را از سر اخلاص در دین بخوانید چنانکه شما را در اول بیافرید دیگر بار (در محشر) به سویش باز آید.

گروهی را (به طاعت خود) رهنورد هدایت کرد، و گروهی (به پیروی شیطان) گمراهی بر آنان حتمی شد، چون خدا را گذارده و شیطانها را به دوستی اختیار کردند و گمان می‌کنند که به راه راست هدایت یافته‌اند.

يَبْنِي عَادَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ وَكُلُوا وَاشْرَبُوا  
وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ

قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ  
الرِّزْقِ قُلْ هِيَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا خَالِصَةً يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ ۗ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

قُلْ إِنَّمَا حَرَّمَ رَبِّي الْفَوَاحِشَ مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَمَا بَطَّنَ  
وَالْإِثْمَ وَالْبَغْيَ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَأَنْ تُشْرِكُوا بِاللَّهِ مَا لَمْ يُنَزَّلْ  
بِهِ سُلْطَانًا وَأَنْ تَقُولُوا عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ فَإِذَا جَاءَ أَجَلُهُمْ لَا يَسْتَأْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا  
يَسْتَقْدِمُونَ

يَبْنِي عَادَمَ إِمَّا يَأْتِيَنَّكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ  
ءَايَاتِي فَمَنْ أَتَّقَى وَأَصْلَحَ فَلَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ  
يَحْزَنُونَ

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ  
النَّارِ ۗ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ  
أُولَٰئِكَ يَنَالُهُمْ نَصِيبُهُمْ مِنَ الْكِتَابِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا جَاءَتْهُمْ  
رُسُلُنَا يَتَوَفَّوْنَهُمْ قَالُوا أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ ۗ  
قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا وَشَهِدُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَانُوا كَافِرِينَ

ای فرزندان آدم، زیورهای خود را در مقام هر عبادت به خود بگیرید و بخورید و بیاشامید و اسراف مکنید، که خدا مسرفان را دوست نمی‌دارد.

بگو: چه کسی زینت‌های خدا را که برای بندگان خود آفریده حرام کرده و از صرف رزق حلال و پاکیزه منع کرده؟ بگو: این نعمتها در دنیا برای اهل ایمان است و خالص اینها (یعنی لذات کامل بدون الم، و نیکوتر از اینها) در آخرت برای آنان خواهد بود. ما آیات خود را برای اهل دانش چنین مفصل و روشن بیان می‌کنیم.

بگو که خدای من هر گونه اعمال زشت را چه در آشکار و چه در نهان و گناهکاری و ظلم به ناحق و شرک به خدا را که بر آن شرک هیچ دلیلی نفرستاده است و این که چیزی را که نمی‌دانید به خدا نسبت دهید، همه را حرام کرده است.

و هر قومی را دوره‌ای و اجل معینی است که چون اجلشان فرا رسد لحظه‌ای پس و پیش نخواهند شد.

ای فرزندان آدم، چون پیغمبرانی از جنس شما بیایند و آیات مرا بر شما بخوانند، پس هر که تقوا پیشه کرد و به کار شایسته شتافت هیچ ترس و اندوهی بر آنها نخواهد بود.

و آنان که آیات ما را تکذیب کرده و از سرکشی و تکبر سر بر آن فرود نیاوردند آنها اهل دوزخند و در آن جاوید (معذب) خواهند بود.

پس کیست ستمکارتر از آن کس که بر خدای دروغ بندد یا آیات او را تکذیب کند؟ آنان از کتاب (قضا و قدر الهی یا از نامه اعمال) به بهره خویش خواهند رسید، تا هنگامی که فرستادگان ما (ملک الموت و فرشتگان قبض روح) بر آنان فرا رسند که قبض روح آنان کنند به آنان گویند: چه شدند آنهایی که به جای خدا به ربوبیت می‌خواندید (مانند بتان جمادی و غیر جمادی و هواهای نفسانی)؟ پاسخ دهند که آنها همه از نظر ما ناپدید و نابود شدند. و آنها بر زیان خویش گواهی دهند که کافر بوده‌اند.

قَالَ ادْخُلُوا فِي أُمَمٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِكُمْ مِنَ الْجِنِّ  
وَالْإِنْسِ فِي النَّارِ كُلَّمَا دَخَلَتْ أُمَّةٌ لَعَنَتْ أُخْتَهَا حَتَّى إِذَا  
أَدَارَكُوا فِيهَا جَمِيعًا قَالَتْ أُخْرَاهُمْ لِأَوْلِهِمْ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ  
أَضَلُّونَا فَعَاتِهِمْ عَذَابًا ضِعْفًا مِنَ النَّارِ قَالَ لِكُلِّ ضِعْفٍ  
وَلَكِنْ لَا تَعْلَمُونَ

وَقَالَتْ أَوْلَهُمْ لِأُخْرَاهُمْ فَمَا كَانَ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ  
فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

إِنَّ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَاسْتَكْبَرُوا عَنْهَا لَا تُفَتَّحُ لَهُمْ  
أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَلَا يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ حَتَّى يَلِجَ الْجَمَلُ فِي سَمِّ  
الْحَيَاظِ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُجْرِمِينَ

لَهُمْ مِنْ جَهَنَّمَ مِهَادٌ وَمِنْ فَوْقِهِمْ غَوَاشٍ وَكَذَلِكَ نَجْزِي  
الظَّالِمِينَ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا  
وُسْعَهَا أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِمْ مِنْ غَلٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ  
وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا  
أَنْ هَدَانَا اللَّهُ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلٌ رَبَّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَنْ  
تِلْكَمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

خداوند گوید: شما هم با آن گروه از جن و انس که پیش از  
شما بودند به دوزخ داخل شوید. در آن وقت هر قومی که  
به دوزخ شوند قوم دیگر (از همکیشان خود) را لعن کنند، تا  
آن گاه که همه در آتش دوزخ فراهم شوند زمره آخرین  
درباره فرقه اول (یا مرنوسان درباره رئیسان) گویند که  
خدایا، اینان ما را گمراه کردند، پس عذابشان را از آتش  
افزون و مضاعف گردان. خدا گوید: همه را عذاب مضاعف  
است و لیکن شما آگاه نیستید.

و گروه مقدم به طایفه مؤخر پاسخ دهند که شما را بر ما  
برتری نباشد (ما و شما در گناه یکسانیم). پس (به آنها  
خطاب کنند که) بچشید عذاب را به کیفر آنچه از اعمال  
ناشایسته مرتکب می‌شدید.

همانا آنان که آیات ما را تکذیب کردند و از کبر و نخوت سر  
بر آن فرود نیاوردند هرگز درهای آسمان به روی آنان باز  
نشود و به بهشت در نیایند تا آنکه شتر در چشمه سوزن در  
آید (یعنی داخل شدنشان به بهشت بدان ماند که شتر به  
چشمه سوزن رود و این در عادت محال باشد). و این گونه  
گنهکاران (متکبر) را مجازات سخت خواهیم کرد.

بر آنان از آتش دوزخ بسترها گسترده و سراپرده‌ها  
افراشته‌اند و ستمکاران را چنین مجازات سخت خواهیم  
کرد.

و آنان که ایمان آوردند و (به قدر وسع) در کار نیک و  
شایسته کوشیدند-زیرا ما کسی را بیش از وسع تکلیف  
نکنیم-آنها اهل بهشت و جاودان در آن متنعمند.

و زنگار هر کینه (و حسد و خوی زشت) را از آینه دل آنان  
بزداییم و در بهشت بر زیر قصرهایشان نهرها جاری شود و  
گویند: ستایش خدای را که ما را بر این مقام رهنمایی کرد،  
که اگر هدایت و لطف الهی نبود ما به خود به این مقام راه  
نمی‌یافتیم، همانا رسولان خدایمان به حق آمدند (و ما را بر  
این مقام رهبری کردند). و اهل بهشت را ندا کنند که این  
است بهشتی که از اعمال صالح شما را به ارث داده‌اند.

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابَ النَّارِ أَنْ قَدْ وَجَدْنَا مَا  
وَعَدْنَا رَبَّنَا حَقًّا فَهَلْ وَجَدْتُمْ مَا وَعَدَ رَبُّكُمْ حَقًّا قَالُوا  
نَعَمْ فَأَذَّنَ مُؤَذِّنٌ بَيْنَهُمْ أَنْ لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ  
بِالْآخِرَةِ كَافِرُونَ

وَبَيْنَهُمَا حِجَابٌ وَعَلَى الْأَعْرَافِ رِجَالٌ يَعْرِفُونَ كُلًّا  
بِسِيمَتِهِمْ وَنَادَوْا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ سَلِّمُوا عَلَيْنَا لَمْ  
يَدْخُلُوهَا وَهُمْ يَطْمَعُونَ

وَإِذَا صُرِفَتْ أَبْصَارُهُمْ تِلْقَاءَ أَصْحَابِ النَّارِ قَالُوا رَبَّنَا لَا  
تَجْعَلْنَا مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ الْأَعْرَافِ رِجَالًا يَعْرِفُونَهُمْ بِسِيمَتِهِمْ قَالُوا  
مَا أَغْنَىٰ عَنْكُمْ جَمْعُكُمْ وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ

أَهْوَلَاءِ الَّذِينَ أَقْسَمْتُمْ لَا يَنَالُهُمُ اللَّهُ بِرَحْمَةٍ أَدْخُلُوا الْجَنَّةَ  
لَا خَوْفٌ عَلَيْكُمْ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ

وَنَادَىٰ أَصْحَابُ النَّارِ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ أَنْ أَفِيضُوا عَلَيْنَا  
مِنَ الْمَاءِ أَوْ مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالُوا إِنَّ اللَّهَ حَرَّمَهَا عَلَى  
الْكَافِرِينَ

الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ لَهْوًا وَلَعِبًا وَغَرَّتْهُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا  
فَالْيَوْمَ نَنسَهُمْ كَمَا نَسُوا لِقَاءَ يَوْمِهِمْ هَذَا وَمَا كَانُوا  
بَيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

و بهشتیان دوزخیان را ندا کنند که آنچه پروردگاران به ما  
وعده داد (از مقامات بهشتی) ما به حق و حقیقت یافتیم، آیا  
شما نیز بدانچه پروردگارتان وعده داد (از عذاب دوزخ) به  
حقیقت رسیدید؟ گویند: بلی. آن گاه میان آنها منادی ندا  
کند که لعنت خدا بر ستمکاران باد.

آتهایی که از راه خدا باز می‌دارند و آن را کج می‌طلبند (به  
شبهه راه راست مردم را کج می‌کنند) و آنها به قیامت ایمان  
ندارند.

و میان این دو گروه حجاب و پرده‌ای است (از سرشت نیک  
و بد که مانع دیدار یکدیگر است) و بر اعراف (یعنی  
جایگاهی میان دوزخ و بهشت) مردانی هستند که همه را به  
سیمایشان می‌شناسند و بهشتیان را که هنوز داخل بهشت  
نشده و چشم امید به دخول آن دارند ندا کنند که سلام بر  
شما باد.

و چون نظر آنها بر اهل دوزخ افتد گویند: پروردگارا، ما را با  
این ستمکاران به یک جای قرار مده.

و اهل اعراف مردانی را که به سیمایشان می‌شناسند آواز  
دهند و گویند: (دیدید که) جمع مال و جاه و آن فخر و  
تکبرتان به حال شما اصلا سودمند نبود!

آیا آتهایی (از مؤمنان) که سوگند یاد می‌کردید که خدا آنان  
را مشمول عنایت و رحمت خود نمی‌گرداند اکنون مقامشان  
را می‌بینید؟ (به همانها امروز خطاب شود که) در بهشت بی  
هیچ خوف و اندیشه و بی هیچ گونه حزن و اندوه داخل  
شوید.

و اهل دوزخ بهشتیان را آواز کنند که ما را از آبهای گوارا یا  
از نعم بهشتی که خدا روزی شما کرده بهره‌مند کنید. آنها  
پاسخ دهند که خدا این آب و طعام را بر کافران حرام  
گردانیده است.

آتهایی که دین خدا را فسوس و بازیچه گرفتند و (متاع)  
حیات دنیا آنها را مغرور و غافل کرد، امروز ما هم آنها را (به  
رحمت) در نظر نمی‌آوریم چنانکه آنان دیدار چنین روزشان  
را به خاطر نیاوردند و آیات ما را انکار می‌کردند.

وَلَقَدْ جِئْتَهُمْ بِكِتَابٍ فَصَّلْنَاهُ عَلَىٰ عِلْمٍ هُدًى وَرَحْمَةً  
لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

و محققا ما برای ایشان کتابی آوردیم که در آن هر چیز را بر اساس علم و دانش تفصیل دادیم برای هدایت و رحمت آن گروه که ایمان می‌آورند.

آیا جز این انتظار دارند که تأویل آن (آیات و مآل اعمال آنها هنگام مرگ یا ظهور قیامت) به آنان برسد؟ آن روز که تأویل آن فرا رسد کسانی که آن را پیش از این فراموش کرده بودند خواهند گفت: همانا رسولان پروردگاران حق را برای ما آوردند (کاش مخالفت نمی‌کردیم) آیا کسی به شفاعت ما بر خواهد خاست یا بار دیگر به دنیا باز می‌گردیم تا غیر از این اعمال زشت به اعمال صالحی بپردازیم؟ راستی که آن کافران خود را در زیان سخت افکنده‌اند و آنچه به دروغ می‌یافتند همه نابود شده و از دستشان رفته است.

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا تَأْوِيلَهُ يَوْمَ يَأْتِي تَأْوِيلَهُ يَقُولُ الَّذِينَ  
نَسُوهُ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَبِّنَا بِالْحَقِّ فَهَلْ لَنَا مِنْ  
شُفَعَاءَ فَيَشْفَعُوا لَنَا أَوْ نُرَدُّ فَنَعْمَلْ غَيْرَ الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ  
قَدْ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

۵۳

پروردگار شما آن خدایی است که آسمانها و زمین را در شش روز خلق کرد، آن گاه بر عرش (فرمانروایی) قرار گرفت، روز را به پرده شب (و به عکس) در پوشاند که با شتاب در پی آن پویید، و نیز خورشید و ماه و ستارگان را مسخر فرمان خود آفرید. آگاه باشید که ملک آفرینش خاص خداست و حکم نافذ فرمان اوست، بس منزّه و بلند مرتبه است خدای یکتا که پروردگار عالمیان است.

إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ  
أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ  
حَثِيثًا وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالنُّجُومَ مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ ۗ أَلَا لَهُ  
الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

۵۴  
۱۲۸

خدای خود را به تضرع و زاری و نهانی (به صدای آهسته که به اخلاص نزدیک است) بخوانید (و از اندازه مگذرید) که خدا هرگز متجاوزان را دوست نمی‌دارد.

أَدْعُوا رَبَّكُمْ تَضَرُّعًا وَخُفْيَةً إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُعْتَدِينَ

۵۵

و هرگز در زمین پس از آنکه کار آن (به امر حق و شرع رسول حق) نظم و صلاح یافت به فساد و تباهکاری برنخیزید، و خدا را هم از راه ترس و هم از روی امید بخوانید، که البته رحمت خدا به نیکوکاران نزدیک است.

وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا وَادْعُوهُ خَوْفًا  
وَطَمَعًا ۗ إِنَّ رَحْمَتَ اللَّهِ قَرِيبٌ مِّنَ الْمُحْسِنِينَ

۵۶

و او خدایی است که بادها را به بشارت باران رحمت خویش در پیش فرستد، تا چون بار ابرهای سنگین را بر دارند ما آنها را به شهر و دیاری که (از بی آبی) مرده است برانیم و بدان سبب باران فرو فرستیم و هرگونه ثمر و حاصل از آن بر آوریم، همین گونه مردگان را هم از خاک برانگیزیم، باشد که (بر احوال قیامت خود) متذکر گردید.

وَهُوَ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ حَتَّىٰ إِذَا  
أَقَلَّتْ سَحَابًا ثِقَالًا سُقْنَهُ لِبَلَدٍ مَّيِّتٍ فَأَنْزَلْنَا بِهِ الْمَاءَ  
فَأَخْرَجْنَا بِهِ مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ ۗ كَذَٰلِكَ نُخْرِجُ الْمَوْتَىٰ  
لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

۵۷

وَالْبَلَدُ الطَّيِّبُ يَخْرُجُ نَبَاتُهُ بِإِذْنِ رَبِّهِ وَالَّذِي خَبثَ لَا يَخْرُجُ إِلَّا نَكِدًا كَذَلِكَ نُصَرِّفُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَشْكُرُونَ

زمین پاک نیکو گیاهش به اذن خدایش (نیکو) بر آید، و از زمین خشن ناپاک بیرون نیاید جز گیاه اندک و کم‌ثمر. این گونه ما آیات (قدرت) را به هر بیان توضیح می‌دهیم برای قومی که شکر خدا به جای آرند.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

همانا نوح را به قومش فرستادیم، گفت: ای قوم، خدای یکتا را پرستید که جز او شما را خدایی نیست، من بر شما از عذاب روزی بزرگ (یعنی قیامت) می‌ترسم.

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرُّكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

مهرتران قومش گفتند که ما تو را در گمراهی آشکاری می‌بینیم.

قَالَ يَتَقَوْمِ لَيْسَ بِي ضَلَالَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

نوح گفت: ای قوم، من اصلا در گمراهی نیستم لیکن من رسولی از سوی رب العالمینم.

أُبَلِّغُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي وَأَنْصَحُ لَكُمْ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

پیغام خدایم را به شما می‌رسانم و به شما نصیحت و خیرخواهی می‌کنم و از سوی خدا به اموری آگاهم (مانند قیامت و حساب و کیفر اعمال) که شما آگاه نیستید.

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَلِتَتَّقُوا وَلَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

آیا تعجب کرده و در نظر شما شگفت‌انگیز است که مردی از خودتان از جانب خدا به یادآوری شما فرستاده شده تا مگر شما را (از عذاب قیامت) بترساند و تا پرهیزکار شوید و باشد که مورد لطف خدا گردید؟

فَكَذَّبُوهُ فَأَنْجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَأَعْرَفْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا عَمِينَ

پس آن رسول را تکذیب کردند، ما هم او و پیروانش را که با او در کشتی بودند نجات بخشیدیم و آنان را که آیات ما را تکذیب کردند غرق کردیم، که مردمی کوردل بودند.

وَإِلَىٰ عَادِ أَخَاهُمْ هُودًا قَالَ يَتَقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ أَفَلَا تَتَّقُونَ

و به قوم عاد برادرشان (یعنی مردی از آن قوم) هود را فرستادیم، بدانها گفت: ای قوم، خدای یکتا را پرستید که جز او شما را خدایی نیست، آیا پرهیزکار نمی‌شوید؟

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ إِنَّا لَنَرُّكَ فِي سَفَاهَةٍ وَإِنَّا لَنَظُنُّكَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

مهرتران قومش که کافر شدند گفتند: ما تو را سفیه و بی‌خرد می‌پاییم و گمان می‌کنیم که تو سخت از دروغگویان باشی.

قَالَ يَتَقَوْمِ لَيْسَ بِي سَفَاهَةٌ وَلَكِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

پاسخ داد که ای قوم، مرا سفاhti نیست لیکن من (راستگو و) رسولی از سوی رب العالمینم.

أَبْلَغُكُمْ رَسُولَ رَبِّي وَأَنَا لَكُمْ نَاصِحٌ أَمِينٌ

پیغام خدایم را به شما می‌رسانم و من برای شما ناصح و خیرخواهی امینم.

آیا تعجب کرده‌اید که مردی از جانب خدا به یادآوری شما فرستاده شده تا شما را (از هول و عذاب قیامت) بترساند؟ و متذکر باشید که خدا شما را پس از هلاک قوم نوح جانشین آن گروه کرد و در خلقت (و نعمت) شما بیفزود، پس انواع نعمتهای خدا را به یاد آرید، شاید که رستگار شوید.

أَوْعَجِبْتُمْ أَنْ جَاءَكُمْ ذِكْرٌ مِّن رَّبِّكُمْ عَلَى رَجُلٍ مِّنكُمْ لِيُنذِرَكُمْ وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِن بَعْدِ قَوْمِ نُوحٍ وَزَادَكُمْ فِي الْخَلْقِ بَصۜطَةً ۖ فَأَذْكُرُوا ءَالَآءَ اللَّهِ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۶۹

قوم هود گفتند: آیا تو بر آن به سوی ما آمده‌ای که خدا را به یکتایی پرستیم و از بتهایی که پدران ما می‌پرستیدند دست برداریم؟ (این کار نخواهیم کرد) تو اگر راست می‌گویی هر عذابی که به ما وعده می‌دهی زود به انجام رسان.

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَعْبُدَ اللَّهَ وَحَدَهُ وَنَذَرَ مَا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

۷۰

هود پاسخ داد که (در این صورت) پلیدی و خبثت، و غضب خدایتان بر شما حتم گردید، آیا با من (که شما را به خدای یکتا می‌خوانم) درباره الفاظ بی‌معنی و اسماء بی‌مسمایی که خود و پدرانتان (بر آن بتان) نهاده‌اید مجادله می‌کنید و حال آنکه خدا در آن بتان هیچ حقیقت و برهانی نهاده؟ پس شما بایستی در انتظار (عذاب خدا) باشید که من نیز با شما انتظار (عذابتان) دارم.

قَالَ قَدْ وَقَعَ عَلَيْكُمْ مِّن رَّبِّكُمْ رِجْسٌ وَغَضَبٌ ۖ أَتُجَادِلُونَنِي فِي أَسْمَاءٍ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ وَءَابَاؤُكُمْ مَّا نَزَّلَ اللَّهُ بِهَا مِن سُلْطٰنٍ ۖ فَانظُرُوا إِلَيَّ مَعَكُمْ مِّنَ الْمُنتَظِرِينَ

۷۱

پس (موقع عذاب که رسید) ما هود و پیروانش را به رحمت خود (از عذاب) رها کردیم و آنان که آیات (و رسول) ما را تکذیب کردند و ایمان نیاوردند همه را بنیادشان برانداختیم.

فَأَنجَيْنَاهُ وَالَّذِينَ مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَقَطَعْنَا دَابِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَمَا كَانُوا مُؤْمِنِينَ

۷۲

و بر قوم ثمود برادرشان صالح را فرستادیم، گفت: ای قوم، خدای یکتا را پرستید که جز او شما را خدایی نیست، اکنون معجزی واضح و آشکار از طرف خدایتان آمده، این ناقه خداست که شما را آیت و معجزی است بزرگ، او را واگذارید تا در زمین خدا چرا کند و قصد سوئی درباره او نکنید که به عذابی دردناک گرفتار خواهید شد.

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ أَعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلٰهٍ غَيْرُهُ ۖ قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ ءَايَةٌ ۖ فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ ۖ وَلَا تَمَسُّوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابُ أَلِيمٍ

۷۳  
۱۳۱

وَأَذْكُرُوا إِذْ جَعَلَكُمْ خُلَفَاءَ مِنْ بَعْدِ عَادٍ وَبَوَّأَكُمْ فِي الْأَرْضِ تَتَّخِذُونَ مِنْ سُهُولِهَا قُصُورًا وَتَنْحِتُونَ الْجِبَالَ بُيُوتًا فَاذْكُرُوا آيَاتَ اللَّهِ وَلَا تَعْتَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

متذکر باشید و فراموش نکنید که خدا شما را پس از (هلاک) قوم عاد جانشین اقوام سلف نمود و در زمین منزل داد که از اراضی سهله (خاک نرم) قصرهای عالی و از کوه سخت به تراشیدن سنگ، منزلهای محکم بنا می‌کنید، پس نعمتهای خدا را یاد کنید و در زمین به فساد و تبهکاری برنخیزید.

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِمَنْ آمَنَ مِنْهُمْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ صَلِحًا مُرْسَلٌ مِّن رَّبِّهِ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلَ بِهِء مُؤْمِنُونَ

رؤسا و گردنکشان قوم صالح با ضعفا و فقیرانی که به او ایمان آوردند (به تمسخر) گفتند: آیا شما اعتقاد دارید که صالح را خدا به رسالت فرستاده؟ مؤمنان جواب دادند: بلی (ما بر این عالم و مطمئنیم و) ما بی‌هیچ شک به آیینی که او (از طرف خدا) بدان فرستاده شده ایمان داریم.

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا بِالَّذِي آمَنْتُمْ بِهِء كَافِرُونَ

گردنکشان بی‌ایمان گفتند: ما هم بی‌هیچ شک به آنچه شما ایمان دارید کافریم.

فَعَقَرُوا الطَّاقَةَ وَعَتَوْا عَنْ أَمْرِ رَبِّهِمْ وَقَالُوا يُصَلِّحُ اتِّبْنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

آن گاه ناقه صالح را پی کردند و از امر خدای خود سرباز زدند و (با پیغمبرشان صالح از روی تهکم و تمسخر) گفتند که ای صالح، اگر تو از رسولان خدایی اکنون عذابی که (بر پی کردن ناقه و نافرمانی خدا) ما را وعده کردی بیار.

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ

پس زلزله‌ای آنها را درگرفت تا آنکه همه در خانه‌های خود از پای درآمدند (برخی مفسرین گفتند: علامات عذاب بر آنها آمد و پس از سه روز هلاک شدند).

فَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَاقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَةَ رَبِّي وَنَصَحْتُ لَكُمْ وَلَكِنْ لَا تُحِبُّونَ النَّصِيحِينَ

پس (چون علایم عذاب رسید) صالح از آنان روی گردانید و (از ایمان آنها ناامید شد) و گفت: ای قوم، من ابلاغ رسالت از خدای خود نمودم و شما را نصیحت کردم لیکن شما (از جهل و غرور) ناصحان را دوست نمی‌دارید.

وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ

و لوط را (به رسالت فرستادیم) که به قوم خود گفت: آیا عمل زشتی که پیش از شما هیچ کس بدان مبادرت نکرده به جا می‌آورید؟!

إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّن دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ

شما زنان را ترک کرده و با مردان سخت شهوت می‌رانید! آری شما قومی (در فساد و بزهکاری) اسرافکارید.



وَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوهُمْ مِّنْ قَرْيَتِكُمْ<sup>ط</sup> إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ وَكَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا<sup>ط</sup> فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ

وَالِى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَاقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِّنْ إِلَهٍ غَيْرُهُ<sup>ط</sup> قَدْ جَاءَتْكُمْ بَيِّنَةٌ مِّنْ رَبِّكُمْ<sup>ط</sup> فَأَوْفُوا<sup>ط</sup> الْكَيْلَ وَالْمِيزَانَ وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ بَعْدَ إِصْلَاحِهَا ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

وَلَا تَقْعُدُوا بِكُلِّ صِرَاطٍ تُوعِدُونَ وَتَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِهِ<sup>ط</sup> وَتَبْغُونَهَا عِوَجًا<sup>ط</sup> وَأَذْكُرُوا<sup>ط</sup> إِذْ كُنْتُمْ قَلِيلًا فَكَثَرْتُمْ<sup>ط</sup> وَأَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

وَإِنْ كَانَ طَآئِفَةٌ مِّنْكُمْ ءَامَنُوا بِالَّذِي أُرْسِلْتُ بِهِ<sup>ط</sup> وَطَآئِفَةٌ لَّمْ يُؤْمِنُوا فَاصْبِرُوا حَتَّى يَحْكُمَ اللَّهُ بَيْنَنَا وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

آن قوم، پیغمبر خود لوط را پاسخی ندادند جز آنکه گفتند: او و پیروانش را از شهر بیرون کنید که آنان مردمی هستند که (این کار را پلید دانسته و از آن) تنزه می‌جویند.

ما هم او و اهل بیتش همه را (از بلای قومش) نجات دادیم مگر زن او را که (بی‌ایمان و) از بازماندگان (در عذاب) بود.

و بر آن قوم بارانی (از سنگریزه) فرو باریدیم، بنگر که مال کار بدکاران چیست.

و به اهل مدین برادر آنها شعیب را فرستادیم، گفت: ای قوم، خدای یکتا را بپرستید که شما را جز او خدایی نیست، اکنون از جانب پروردگارتان بر شما برهانی روشن آمد پس در سنجش، کیل و وزن را تمام دهید و به مردم کم‌فروشی نکنید، و در زمین پس از نظم و اصلاح آن (با آمدن قوانین آسمانی)، به فساد برنخیزید. این کار (یعنی خدا را به یگانگی پرستیدن و با خلق به عدالت کوشیدن و در وزن خیانت نکردن) برای شما بسیار بهتر است اگر (به خدا و روز قیامت) ایمان دارید.

و به هر طریق در کمین گمراه کردن خلق و ترسانیدن و بازداشتن مردم با ایمان از راه خدا منشینید و راه خدا را کج مجوید (و آن را وارونه جلوه دهید) و به یاد آرید زمانی را که عده قلیلی بودید (و دشمنانتان بسیار) و خدا بر عده شما افزود، و بنگرید عاقبت حال مفسدان چگونه بود!

و اگر به آنچه من از طرف خدا مأمور به تبلیغ آن شده‌ام گروهی ایمان آوردند و گروهی ایمان نیاوردند (و به خصومت برخاستند) شما مؤمنان که ایمان آورده‌اید صبر پیشه کنید تا خدا میان ما و آنها داوری کند که او بهترین داوران است.

قَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَنُخْرِجَنَّكَ  
يَشْعِيبَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَكَ مِنْ قَرْيَتِنَا أَوْ لَتَعُوذُنَّ فِي  
مِلَّتِنَا قَالَ أُولَٰئِكَ كَفَرُوا لَنَا

قَدْ أَفْتَرْنَا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا إِنْ عُدْنَا فِي مِلَّتِكُمْ بَعْدَ إِذْ  
نَجَّيْنَا اللَّهُ مِنْهَا وَمَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَعُودَ فِيهَا إِلَّا أَنْ يَشَاءَ  
اللَّهُ رَبُّنَا وَسِعَ رَبُّنَا كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا  
أَفْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ

وَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ لَبِئْسَ أَتَّبَعْتُمْ شُعَيْبًا  
إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ

فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جَلِيمِينَ

الَّذِينَ كَذَّبُوا شُعَيْبًا كَأَنْ لَمْ يَغْنَوْا فِيهَا الَّذِينَ كَذَّبُوا  
شُعَيْبًا كَانُوا هُمُ الْخَاسِرِينَ

فَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَٰقَوْمِ لَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ رِسَالَاتِ رَبِّي  
وَنَصَحْتُ لَكُمْ فَكَيْفَ ءَأَسَىٰ عَلَىٰ قَوْمٍ كَافِرِينَ

وَمَا أَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّن نَّبِيٍّ إِلَّا أَخَذْنَا أَهْلَهَا بِالْبَأْسَاءِ  
وَالضَّرَّاءِ لَعَلَّهُمْ يَضَّرَّعُونَ

ثُمَّ بَدَّلْنَا مَكَانَ السَّيِّئَةِ الْحَسَنَةَ حَتَّىٰ عَفَوْا وَقَالُوا قَدْ مَسَّ  
ءَابَاءَنَا الضَّرَّاءُ وَالسَّرَّاءُ فَأَخَذْنَاهُمْ بَعْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

رؤسا و گردنکشان قوم او گفتند: ای شعیب ما تو و پیروانت را از شهر خویش بیرون می‌کنیم مگر آنکه به کیش ما برگردید. شعیب گفت: اگر چه با این نفرت که ما از آیین شما داریم (باز هم به آن بازگردیم).

اگر ما به دین شما برگردیم با وجود آنکه خدا ما را از آن نجات داده همانا به خدا افترا و دروغ بسته‌ایم، و هرگز نشود که ما به آیین شما رجوع کنیم مگر آنکه مشیت خدا قرار گیرد، که او پروردگار ماست، پروردگار ما بر همه چیز کاملا آگاه است، ما بر خدا توکل کردیم، پروردگارا، تو بین ما و امت، به حق داوری کن که تو بهترین داورانی.

سران کافر امتش گفتند: اگر پیروی شعیب کنید البته در زیان خواهید افتاد.

پس زلزله آن منکران را درگرفت، پس شب را صبح کردند در حالی که در خانه‌های خود به خاک هلاک افتادند.

آنان که شعیب را تکذیب کردند هلاک شدند و اثری از آنها باقی نماند، گویی در آن دیار نبودند. آنان که شعیب را تکذیب کردند خود زیانکار شدند.

آن گاه شعیب از آن مردم بی‌ایمان روی گردانید و گفت: ای قوم، من به شما ابلاغ رسالت‌های خدای خود کردم و شما را اندرز و نصیحت نمودم، اکنون من چگونه بر هلاک کافران غمگین باشم!

و ما هیچ پیغمبری به هیچ شهر و دیاری نفرستادیم مگر آنکه اهلش را به شداید و محن مبتلا ساختیم تا به درگاه خدا تضرع و زاری کنند.

سپس آن سختی‌ها را به آسایش و خوشی مبدل کردیم تا به کلی حال خود را فراموش کرده و گفتند: آن رنج و خوشیها به پدران ما نیز رسید (و این عادت روزگار است که گاهی خوش و گاهی ناخوش است)، ما هم به ناگاه آنان را گرفتیم در حالی که (از توجه به آن عقاب) غافل بودند.

وَلَوْ أَنَّ أَهْلَ الْقُرَىٰ ءَامَنُوا وَاتَّقَوْا لَفَتَحْنَا عَلَيْهِم بَرَكَاتٍ  
مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَلَٰكِن كَذَّبُوا فَأَخَذْنَاهُم بِمَا كَانُوا  
يَكْسِبُونَ

۹۷

أَفَأَمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا بَيِّنًا وَهُمْ نَائِمُونَ

۹۸

أَوْ آمِنَ أَهْلُ الْقُرَىٰ أَن يَأْتِيَهُمْ بَأْسُنَا ضُحًى وَهُمْ يَلْعَبُونَ

۹۹

أَفَأَمِنُوا مَكْرَ اللَّهِ فَلَا يُأْمَنُ مَكْرَ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ  
الْخَاسِرُونَ

۱۰۰  
۱۳۴

أَوْ لَمْ يَهْدِ لِلَّذِينَ يَرِثُونَ الْأَرْضَ مِن بَعْدِ أَهْلِهَا أَن لَّوْ  
نَشَاءُ أَصَبْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَنَطْبَعُ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا  
يَسْمَعُونَ

۱۰۱

تِلْكَ الْقُرَىٰ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنبِيَآئِهَا ۖ وَلَقَدْ جَاءَتْهُمْ  
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا مِن قَبْلُ ۗ  
كَذَٰلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الْكَافِرِينَ

۱۰۲

وَمَا وَجَدْنَا لِأَكْثَرِهِمْ مِّنْ عَهْدٍ ۗ وَإِن وَجَدْنَا أَكْثَرَهُمْ  
لَفَاسِقِينَ

۱۰۳

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُّوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۗ  
فَظَلَمُوا بِهَا ۗ فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

۱۰۴

وَقَالَ مُوسَىٰ يَٰفِرْعَوْنُ إِنِّي رَسُولٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

و چنانچه مردم شهر و دیارها همه ایمان آورده و پرهیزکار  
می‌شدند همانا ما درهای برکاتی از آسمان و زمین را بر روی  
آنها می‌گشودیم و لیکن (چون آیات و پیغمبران ما را)  
تکذیب کردند ما هم آنان را سخت به کیفر کردار زشتشان  
رسانیدیم.

آیا اهل شهر و دیارها (که به نافرمانی خدا و اعمال نکوهیده  
مشغولند) از آن ایمنند که شبانگاه که در خوابند عذاب ما  
آنها را فرا گیرد؟

آیا اهل شهر و دیارها (که از یاد خدا و طاعت او غافلند) از  
آن ایمنند که به روز که سرگرم بازیچه دنیا هستند عذاب ما  
آنان را فرا رسد؟

آیا از مکر خدا (یعنی آزمایش و مجازات خدا) غافل و ایمن  
گردیده‌اند؟ که از آن مکر و انتقام البته کسی غافل نشود  
مگر مردم زیانکار.

آیا این مردمی را که بعد از اقوامی که همه مردند وارث  
زمین شدند (خدا) آگاه نفرموده که اگر ما بخواهیم به کیفر  
گناهانشان می‌رسانیم و بر دل‌هایشان مهر می‌نهمیم که دیگر  
(به گوش دل چیزی) نشنوند؟

این است شهرهایی که ما بر تو از اخبار اهلش بیان کردیم،  
همه را رسولان حق با ادله روشن آمدند اما بر آن نبودند که  
به آنچه پیش از آن تکذیب کرده بودند ایمان بیاورند. این  
چنین خدا دل‌های کافران را مهر می‌زند.

و اکثر مردمان را در عهد استوار ندیدیم بلکه بیشترشان را  
عهدشکن و بزهکار یافتیم.

بعد از آن رسولان، باز ما موسی را با آیات و ادله روشن خود  
به سوی فرعون و مهران قومش فرستادیم، آنها هم با آن  
آیات مخالفت و به آنها ستم کردند بنگر تا عاقبت به روزگار  
آن تبهکاران چه رسید!

و موسی خطاب کرد که ای فرعون، محققا من فرستاده‌ای از  
خدای عالمیانم.

حَقِيقٌ عَلَىٰ أَنْ لَا أَقُولَ عَلَىٰ اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ قَدْ جِئْتُكُمْ  
بِبَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ فَأَرْسِلْ مَعِيَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

قَالَ إِن كُنتَ جِئْتَ بِآيَةٍ فَأْتِ بِهَا إِن كُنتَ مِنَ  
الصَّادِقِينَ

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

وَنَزَعَ يَدَهُ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّاظِرِينَ

قَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأَرْسِلْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سِحْرِ عَلِيمٍ

وَجَاءَ السَّحَرَةُ فِرْعَوْنَ قَالُوا إِنَّ لَنَا لَأَجْرًا إِن كُنَّا نَحْنُ  
الْغَالِبِينَ

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقَىٰ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ نَحْنُ الْمُلْقِينَ

قَالَ الْقَوْمُ فَلَمَّا آلَقُوا سَحَرُوا أَعْيُنَ النَّاسِ وَاسْتَرْهَبُوهُمْ  
وَجَاءُوا بِسِحْرِ عَظِيمٍ

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَلِقِ عَصَاكَ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا  
يَأْفِكُونَ

فَوَقَعَ الْحَقُّ وَبَطَلَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

فَغُلِبُوا هُنَالِكَ وَانْقَلَبُوا صَغِيرِينَ

وَأَلْقَى السَّحَرَةُ سَجِدِينَ

سزاوار آنم که از طرف خدا چیزی جز به حق نگویم، همانا  
دلیلی بس روشن (معجزه بسیار آشکار و حجتی محکم و  
استوار) از جانب پروردگارتان برای شما آورده‌ام، پس  
بنی‌اسرائیل را با من بفرست.

فرعون پاسخ داد که اگر دلیلی برای صدق خود داری بیار  
اگر از راستگویانی.

موسی هم عصای خود را بیفکند به ناگاه آن عصا اژدهایی  
عظیم پدیدار گردید.

و دست (از گریبان خود) برآورد که ناگاه بینندگان را سپید  
و رخشان بود.

مهتران قوم فرعون گفتند که این شخص ساحری سخت  
ماهر و داناست.

اراده آن دارد که شما را از سرزمین خود بیرون کند، اکنون  
در کار او چه دستور می‌دهید؟

قوم به فرعون گفتند که موسی و برادرش (هارون) را  
زمانی بازدار و گردآورانی به شهرها بفرست.

تا ساحران زبردست دانا را به حضور تو جمع آورند.

و عده بسیاری ساحران به حضور فرعون گرد آمده، فرعون  
را گفتند: اگر بر موسی غالب آییم برای ما اجر و مزد شایان  
خواهد بود؟

فرعون پاسخ داد: بلی و علاوه بر آن نزد من از مقربان  
خواهید گشت.

ساحران به موسی گفتند: اکنون خواهی نخست تو عصای  
خود بیفکن یا ما بساط سحر خویش بیندازیم.

موسی گفت: شما اول اسباب خود بیفکنید. چون بساط خود  
انداختند به جادوگری چشم خلق بر بستند و مردم را سخت  
به هراس افکندند، و سحری بس عظیم و هول‌انگیز  
برانگیختند.

و ما به موسی وحی نمودیم که عصای خود را بیفکن، (چون  
عصا انداخت) ناگاه معجزه او هر چه ساحران بافته بودند  
یکباره همه را ببلعید.

پس حق ثابت شد و اعمال ساحران همه باطل گردید.

عاقبت فرعونیان در آنجا مغلوب شده و خوار و سرشکسته  
بازگشتند.

و ساحران بی‌اختیار به سجده افتادند.

قَالُوا ءَامَنَّا بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

گفتند: ما ایمان آوردیم به خدای عالمیان،

۱۲۲

رَبِّ مُوسَى وَهَارُونَ

خدای موسی و هارون.

۱۲۳

قَالَ فِرْعَوْنُ ءَامَنْتُمْ بِهِ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّ هَذَا لَمَكْرٌ مَّكْرْتُمُوهُ فِي الْمَدِينَةِ لِتُخْرِجُوا مِنْهَا أَهْلَهَا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

فرعون گفت: چگونه پیش از دستور و اجازه من به او ایمان آوردید؟ همانا این مکرری است که در این شهر اندیشیده‌اید که مردم این شهر را از آن بیرون کنید، پس به زودی خواهید دانست!

۱۲۴

لَأُقَطِّعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خَلْفٍ ثُمَّ لَأُصَلِّبَنَّكُمْ أَجْمَعِينَ

همانا دست و پای شما را یکی از راست و یکی از چپ بریده و آن گاه همه را به دار خواهم آویخت.

۱۲۵

قَالُوا إِنَّا إِلَى رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

ساحران گفتند: ما به سوی خدای خود باز می‌گردیم.

۱۲۶

وَمَا تَنْقِمُ مِنَّا إِلَّا أَنْ ءَامَنَّا بِآيَاتِ رَبِّنَا لَمَّا جَاءَتْنَا رَبَّنَا أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا وَتَوَفَّنَا مُسْلِمِينَ

و کینه و انتقام تو از ما تنها به جرم آن است که ما به آیات خدا چون برای (هدایت) ما آمد ایمان آوردیم، بار خدایا، به ما صبر و شکنجایی ده و ما را به آیین اسلام (یعنی با تسلیم و رضای به حکم خدا) بمیران.

۱۲۷  
۱۳۶ر

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِ فِرْعَوْنَ أَتَدْرُ مُوسَى وَقَوْمَهُ لِيُفْسِدُوا فِي الْأَرْضِ وَيَذُرْكُ وَعَالِهَتِكَ قَالَ سَنَقْتِلُ أَبْنَاءَهُمْ وَنَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ وَإِنَّا فَوْقَهُمْ قَاهِرُونَ

و سران قوم فرعون گفتند: آیا موسی و قومش را واگذاری تا در این سرزمین فساد کنند و تو و خدایان تو را رها سازند؟ فرعون گفت: به زودی پسرانشان را کشته و زنانشان را زنده گذاریم (و در رنج و عذاب خدمت و اسارت نگاه داریم) و ما بر آنها غالب و مقتدریم.

۱۲۸

قَالَ مُوسَى لِقَوْمِهِ اسْتَعِينُوا بِاللَّهِ وَأَصْبِرُوا إِنَّ الْأَرْضَ لِلَّهِ يُورِثُهَا مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

موسی به قوم خود گفت: از خدا یاری خواهید و صبر کنید که زمین ملک خداست، آن را به هر کس از بندگان خود خواهد به میراث دهد، و حسن عاقبت مخصوص اهل تقواست.

۱۲۹

قَالُوا أُوذِينَا مِنْ قَبْلِ أَنْ تَأْتِيَنَا وَمِنْ بَعْدِ مَا جِئْتَنَا قَالَ عَسَى رَبُّكُمْ أَنْ يُهْلِكَ عَدُوَّكُمْ وَيَسْتَخْلِفَكُمْ فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرَ كَيْفَ تَعْمَلُونَ

قوم موسی به او گفتند که ما هم پیش از آمدن تو (به رسالت) و هم بعد از آنکه آمدی به رنج و شکنجه (دشمن) بوده‌ایم، موسی گفت: امید است که خدا دشمن شما را هلاک نماید و شما را در زمین جانشین کند آن‌گاه بنگرد تا شما چه خواهید کرد.

۱۳۰  
۱۳۷ر

وَلَقَدْ أَخَذْنَا آلَ فِرْعَوْنَ بِالسِّنِينَ وَنَقْصِ مِنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَذَّكَّرُونَ

و فرعونیان را سخت به قحط و تنگی معاش و نقص و آفت برکشت و زرع مبتلا کردیم تا شاید متذکر شوند.

فَإِذَا جَاءَتْهُمْ الْحُسْنَةُ قَالُوا لَنَا هَذِهِ وَإِنْ تُصِبُّهُمْ سَيِّئَةٌ يَطَّيَّرُوا بِمُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُٓ أَلَّا إِنَّمَا طَّيَّرَهُمْ عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

پس هرگاه که نیکویی (و پیشامد خوشی) بدانها می‌رسید به شایستگی خود نسبت می‌دادند، و هرگاه بدی (و پیشامد ناگواری مانند قحط و سختی) بر آنها می‌آمد فال بد به موسی و همراهانش می‌زدند. آگاه باشند که فال بد آنها نزد خداست (یعنی رنج و سختی‌ها که بر آنان پیش آید کیفر از جانب خداست) لیکن اکثر آنها بر این آگاه نیستند.

وَقَالُوا مَهْمَا تَأْتِنَا بِهِ مِنْ آيَةٍ لِّتَسْحَرَنَا بِهَا فَمَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِينَ

و گفتند: هر آیه و معجزه‌ای که برای ما بیاوری که ما را بدان سحر کنی هرگز ما به تو ایمان نخواهیم آورد.

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفَانَ وَالْجُرَادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفَادِعَ وَالِدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلَاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

پس بر آنها طوفان و ملخ و شپشک و وزغ و خون (خون شدن آب) آن نشانه‌های آشکار (قهر و غضب) را فرستادیم، باز طریق کبر و گردنکشی پیش گرفتند و قومی گناهکار بودند.

وَلَمَّا وَقَعَ عَلَيْهِمُ الرِّجْزُ قَالُوا يَمُوسَىٰ أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ لِنِ كَشَفْتَنَا عَنَّا الرِّجْزَ لَنُؤْمِنَنَّ لَكَ وَلَنُرْسِلَنَّ مَعَكَ بَنِي إِسْرَائِيلَ

و چون بلا بر آنها واقع شد گفتند که ای موسی، خدایت را به عهدی که با تو دارد بخوان (تا این عذاب و بلا را از ما دور کند)، که اگر رفع بلا کردی البته ایمان به تو می‌آوریم و بنی اسرائیل را به همراهی تو می‌فرستیم.

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الرِّجْزَ إِلَىٰ أَجَلٍ هُمْ بَلِغُوهُ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ

پس چون بلا را تا مدتی که متعهد شدند ایمان آورند از سر آنها رفع کردیم، باز پیمان را شکستند.

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ

ما هم از آنان انتقام کشیدیم و آنها را به دریا غرق کردیم به کیفر آنکه آیات ما را تکذیب کرده و از آن غفلت نمودند.

وَأَوْرَثْنَا الْقَوْمَ الَّذِينَ كَانُوا يُسْتَضْعَفُونَ مَشْرِقَ الْأَرْضِ وَمَغْرِبَهَا الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا وَتَمَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ الْحُسْنَىٰ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ بِمَا صَبَرُوا وَدَمَّرْنَا مَا كَانَ يَصْنَعُ فِرْعَوْنُ وَقَوْمُهُ وَمَا كَانُوا يَعْرِشُونَ

و طایفه‌ای را که فرعونیان ذلیل و ناتوان می‌داشتند وارث مشرق و مغرب زمین با برکت (مصر و شامات) گردانیدیم و آن سخن و وعده نیکوی خدای تو بر بنی اسرائیل تحقق یافت به پاداش صبری که (در مصائب) کردند، و آنچه را فرعون و قومش می‌ساختند و می‌افراشتند (از صنایع و عمارات و کاخ‌های با عظمت) ویران نمودیم.

وَجَوَزْنَا بِبَنِي إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَأَتَوْا عَلَى قَوْمٍ يَعْكُفُونَ  
عَلَىٰ أَصْنَامٍ لَهُمْ قَالُوا يَا مُوسَىٰ اجْعَلْ لَنَا إِلَهًا كَمَا لَهُمْ  
آِلِهَةٌ قَالِ إِنَّكُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

إِنَّ هَؤُلَاءِ مُتَّبِعُونَ مَا هُم فِيهِ وَبِطِلٌ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

قَالَ أَغَيْرَ اللَّهِ أَبْغِيكُمْ إِلَهًا وَهُوَ فَضَّلَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ

وَإِذْ أَنْجَيْنَاكُمْ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ  
الْعَذَابِ يُقْتُلُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي  
ذَلِكَ بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

وَوَاعَدْنَا مُوسَىٰ ثَلَاثِينَ لَيْلَةً وَأَتَمَمْنَا بِعَشْرِ فِتْمٍ مِيقَاتِ  
رَبِّهِ أَرْبَعِينَ لَيْلَةً وَقَالَ مُوسَىٰ لِأَخِيهِ هَارُونَ اخْلُفْنِي فِي  
قَوْمِي وَأَصْلِحْ وَلَا تَتَّبِعْ سَبِيلَ الْمُفْسِدِينَ

وَلَمَّا جَاءَ مُوسَىٰ لِمِيقَاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِي أَنْظُرْ  
إِلَيْكَ قَالَ لَنْ نَرِنِي وَلَكِنِ أَنْظُرْ إِلَى الْجَبَلِ فَإِنِ اسْتَقَرَّ  
مَكَانَهُ فَسَوْفَ تَرِنِي فَلَمَّا تَجَلَّى رَبُّهُ لِلْجَبَلِ جَعَلَهُ  
دَكًّا وَخَرَّ مُوسَىٰ صَعِقًا فَلَمَّا أَفَاقَ قَالَ سُبْحَانَكَ تُبْتُ  
إِلَيْكَ وَأَنَا أَوَّلُ الْمُؤْمِنِينَ

و بنی اسرائیل را از دریا به ساحل رسانیدیم، پس به قومی  
که بر پرستش بتان خود متوقف بودند برخورد، گفتند: ای  
موسی برای ما خدایی مثل خدایانی که این بتپرستان  
راست مقرر کن. موسی گفت: شما سخت مردم نادانی  
هستید.

خدایانی که این جماعت بتپرستان راست فانی، و آیین و  
کارهایشان باطل و تباه است.

موسی گفت: آیا غیر خدا را برای شما به خدایی طلبم در  
صورتی که خداست که شما را بر عالمیان برتری و فضیلت  
بخشید!

و (یاد آرید) هنگامی که شما را از چنگ فرعونیان نجات  
دادیم که شما را سخت به عذاب و شکنجه می‌داشتند،  
پسران را کشته و زنان را زنده (به اسارت و خدمتکاری)  
می‌داشتند و این شما را از جانب خدا امتحان و تنبیه بزرگی  
بود.

و ما با موسی سی شب وعده قرار دادیم و ده شب دیگر بر  
آن افزودیم تا آنکه زمان وعده پروردگارش به چهل شب  
تکمیل شد. و موسی به برادر خود هارون گفت: تو اکنون  
جانشین من در قوم من باش و راه صلاح پیش گیر و پیرو  
راه اهل فساد مباش.

و چون (قوم تقاضای دیدن خدا کردند) موسی (با هفتاد نفر  
بزرگان قومش که انتخاب شده بودند) وقت معین به  
وعده‌گاه ما آمد و خدایش با وی سخن گفت، موسی (به  
تقاضای جاهلانه قوم خود) عرض کرد که خدایا خود را به من  
آشکار بنما که جمال تو را مشاهده کنم. خدا در پاسخ او  
فرمود که مرا تا ابد نخواهی دید ولیکن به کوه بنگر، اگر  
کوه طور (بدان صلابت، هنگام تجلی) به جای خود برقرار  
ماند تو نیز مرا خواهی دید. پس آن‌گاه که تجلی خدایش بر  
کوه تابش کرد کوه را مندک و متلاشی ساخت و موسی  
بی‌هوش افتاد. سپس که به هوش آمد عرض کرد: خدایا تو  
منزه و برتری (از رویت و حس جسمانی، از چنین اندیشه)  
به درگاه تو توبه کردم و من (از قوم خود) اول کسی هستم  
که (به تو و تنزه ذات پاک تو از هر آلیش جسمانی) ایمان  
دارم.

قَالَ يَمُوسَىٰٓ إِنِّي أَصْطَفَيْتُكَ عَلَى النَّاسِ بِرِسَالَتِي  
وَبِكَأْمِي فَخُذْ مَا آتَيْتُكَ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ

خدا فرمود: ای موسی من تو را به مقام پیام‌رسانی خود و همصحبتی خویش بر سایر مردم برگزیدم، پس آنچه را که به تو دادم کاملاً فراگیر و از شکرگزاران باش.

و در الواح (تورات آسمانی) از هر موضوع برای نصایح و پند و هم تحقیق هر چیز (برای علم و معرفت) به موسی نوشتیم (و دستور دادیم) که (حقایق و احکام) آن را به قوت (عقل و ایمان) فراگیر و قوم را دستور ده که نیکوتر مطالب آن را اخذ کنند، که (پستی) مقام و منزلت فاسقان را به زودی به شما نشان خواهم داد.

وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَاحِ مِن كُلِّ شَيْءٍ مَّوْعِظَةً وَتَفْصِيلًا  
لِّكُلِّ شَيْءٍ فَخُذْهَا بِقُوَّةٍ وَأْمُرْ قَوْمَكَ يَأْخُذُوا بِأَحْسَنِهَا  
سَأُورِيكُمْ دَارَ الْفَاسِقِينَ

من آنان را که در زمین به ناحق کبر و بزرگمنشی کنند از آیات خود رو گردان و معرض خواهم ساخت، و اگر هر آیتی بینند به آن ایمان نیاورند و اگر راه رشد و هدایت یابند آن را نپیمایند و اگر راه جهل و گمراهی یابند آن را پیش گیرند. این (فضالت آنها) بدین جهت است که آیات ما را تکذیب کردند و از آنها غافل و معرض بودند.

سَأَصْرِفُ عَنْ آيَاتِيَ الَّذِينَ يَتَكَبَّرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ  
الْحَقِّ وَإِن يَرَوْا كُلَّ آيَةٍ لَا يُؤْمِنُوا بِهَا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ  
الرُّشْدِ لَا يَتَّخِذُوهُ سَبِيلًا وَإِن يَرَوْا سَبِيلَ الْغَيِّ يَتَّخِذُوهُ  
سَبِيلًا ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا عَنْهَا غَافِلِينَ

و آنان که آیات (آسمانی) ما و لقاء عالم آخرت را تکذیب کردند اعمالشان (که جز برای دنیا نبود) تباه و باطل شود، آیا جز آنچه می‌کردند کیفر بینند؟

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْأٰخِرَةِ حَبِطَتْ اَعْمَالُهُمْ هَلْ  
يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و قوم موسی بعد از او (یعنی بعد از رفتن او به طور برای وعده حق) مجسمه گوساله‌ای که صدایی و خواری داشت از طلا و زیورهای خود ساخته و پرستیدند. آیا ندیدند که آن مجسمه بی‌روح با آنها سخنی نمی‌گوید و آنها را به راهی هدایت نمی‌کند؟ (آری دیدند و از جهل و عناد باز) پی آن گوساله گرفتند و مردمی ستمکار بودند.

وَآخَذَ قَوْمُ مُوسَىٰ مِنۢ بَعْدِهِۦ مِنۢ حُلِيِّهِمْ عِجْلًا جَسَدًا  
لَّهُۥ خُوَارٌ اَلَمْ يَرَوْا اَنَّهُۥ لَا يُكَلِّمُهُمْ وَلَا يَهْدِيهِمْ سَبِيلًا  
اتَّخَذُوهُ وَكَانُوا ظٰلِمِيْنَ

و چون به خود آمدند و از آن عمل پشیمان شدند و دیدند که درست گمراهند (با خود) گفتند: اگر خدا ما را نبخشد و از ما نگذرد سخت از زیانکاران خواهیم بود.

وَلَمَّا سَقَطَ فِيۢ اَيْدِيهِمْ وَّرَاوْا اَنَّهُمْ قَدْ ضَلُّوْا قَالُوْا لَئِن لَّمْ  
يَرْحَمْنَا رَبُّنَا وَيَغْفِرْ لَنَا لَنَكُوْنَنَّ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ



وَلَمَّا رَجَعَ مُوسَىٰ إِلَىٰ قَوْمِهِ غَضْبَانَ أَسِفًا قَالَ بِئْسَمَا خَلَفْتُمُونِي مِنْ بَعْدِي ۖ أَعْجَلْتُمُ أَمْرَ رَبِّكُمْ ۖ وَأَلْقَى الْأُلُوحَ وَأَخَذَ بِرَأْسِ أَخِيهِ يَجُرُّهُ إِلَيْهِ ۚ قَالَ ابْنَ أُمَّ إِنَّ الْقَوْمَ اسْتَضَعُّوْنِي وَكَادُوا يَقْتُلُونِي ۖ فَلَا تَكُنْ لِي مِنَ الْأَعْدَاءِ وَلَا تَجْعَلْنِي مَعَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِإِخِي وَأَدْخِلْنَا فِي رَحْمَتِكَ ۖ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

إِنَّ الَّذِينَ اتَّخَذُوا الْعِجْلَ سَيَنَالُهُمْ غَضَبٌ مِّن رَّبِّهِمْ وَذِلَّةٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۚ وَكَذَلِكَ نَجْزِي الْمُفْتِرِينَ

وَالَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ ثُمَّ تَابُوا مِن بَعْدِهَا وَعَامَنُوا ۖ إِنَّ رَبَّكَ مِن بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَلَمَّا سَكَتَ عَن مُّوسَىٰ الْغَضَبُ أَخَذَ الْأُلُوحَ ۖ وَفِي نُسُخَتِهَا هُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلَّذِينَ هُمْ لِرَبِّهِمْ يَرْتَبُونَ

وَاخْتَارَ مُوسَىٰ قَوْمَهُ سَبْعِينَ رَجُلًا لِّمِيقَاتِنَا ۖ فَلَمَّا أَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ قَالَ رَبِّ لَوْ شِئْتَ أَهْلَكْتَهُم مِّن قَبْلِ وَإِيَّيَّ ۖ أَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ السُّفَهَاءُ مِنَّا ۖ إِنَّ هِيَ إِلَّا فِتْنَتُكَ تُضِلُّ بِهَا مَن تَشَاءُ وَتَهْدِي مَن تَشَاءُ ۖ أَنْتَ وَلِيْنَا ۖ فَاعْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا ۖ وَأَنْتَ خَيْرُ الْغَافِرِينَ

و چون موسی به حال خشم و تأسف به سوی قوم خود بازگشت، به آنان گفت: شما پس از من بسیار بد حفظ الغیب من کردید! آیا در امر خدای خود عجله کردید! و الواح را به زمین انداخت و (از فرط غضب) سر برادرش (هارون) را گرفته به سوی خود می‌کشید، هارون گفت: ای فرزند مادرم، این قوم مرا خوار و زبون داشتند تا آنجا که نزدیک بود مرا به قتل رسانند، پس تو دشمنان را بر من شاد مگردان و مرا در عداد مردم ستمکار مشمار.

موسی (بر او شفقت کرد و) گفت: پروردگارا، من و برادرم را بیامرز و ما را در ظل رحمت خود داخل گردان، و تو مهربان‌ترین مهربانانی.

آنان که گوساله را به پرستش گرفتند (آتش قهر و) غضب خدا (در آخرت) و ذلت و خواری در حیات دنیا محققاً به آنها خواهد رسید، و این چنین ما دروغ‌پردازان را کیفر خواهیم کرد.

و آنان که مرتکب عمل زشت شدند و پس از آن عمل بد توبه کردند و (به اخلاص) ایمان آوردند، خدای تو بر آنها بعد از توبه، به یقین بخشنده و مهربان است.

و چون غضب موسی فرو نشست الواح تورات را بر گرفت، و در صحیفه آن تورات هدایت و رحمت الهی بود بر آن گروهی که از (قهر) خدای خود می‌ترسند.

و موسی هفتاد مرد از قوم خود برای وعده‌گاه ما انتخاب کرد، پس چون لرزشی سخت (به جرم درخواست دیدن خدا به چشم) آنها را در گرفت، موسی گفت: پروردگارا، اگر مشیت نافذت تعلق گرفته بود که همه آنها و مرا هلاک کنی (کاش) پیشتر (از این وعده) می‌کردی، آیا ما را به فعل سفیهان ما هلاک خواهی کرد؟ این کار جز فتنه و امتحان تو نیست، که به این امتحان هر که را خواهی گمراه و هر که را خواهی هدایت می‌کنی، تویی مولای ما، پس بر ما ببخش و ترحم کن، که تویی بهترین آمرزندگان.

وَكَتُبْنَا لَنَا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ إِنَّا هُدْنَا  
إِلَيْكَ قَالَ عَذَابِي أُصِيبُ بِهِ مَنْ أَشَاءُ وَرَحْمَتِي وَسِعَتْ  
كُلَّ شَيْءٍ فَسَأَكْتُبُهَا لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ  
وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِنَا يُؤْمِنُونَ

الَّذِينَ يَتَّبِعُونَ الرَّسُولَ النَّبِيَّ الْأُمِّيَّ الَّذِي يَجِدُونَهُ  
مَكْتُوبًا عِنْدَهُمْ فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ يَأْمُرُهُمْ بِالْمَعْرُوفِ  
وَيَنْهَاهُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ  
الْحَبَائِثَ وَيَضَعُ عَنْهُمْ إِصْرَهُمْ وَالْأَغْلَالَ الَّتِي كَانَتْ  
عَلَيْهِمْ فَاَلَّذِينَ ءَامَنُوا بِهِ وَعَزَّرُوهُ وَنَصَرُوهُ وَاتَّبَعُوا النُّورَ  
الَّذِي أُنزِلَ مَعَهُ أُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ جَمِيعًا الَّذِي لَهُ  
مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ  
فَآمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ النَّبِيِّ الْأُمِّيِّ الَّذِي يُؤْمِنُ بِاللَّهِ  
وَكَلِمَاتِهِ وَاتَّبِعُوهُ لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

وَمِنْ قَوْمِ مُوسَى أُمَّةٌ يَهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ

و سرنوشت ما را هم در این دنیا و هم در عالم آخرت  
نیکی و ثواب مقدر فرما، که ما به سوی تو بازگشته‌ایم.  
خدا فرمود: عذابم را به هر که خواهم رسانم، و رحمت من  
همه موجودات را فرا گرفته و البته آن را برای آنان که راه  
تقوا پیش گیرند و زکات می‌دهند و به آیات ما می‌گروند  
حتم و لازم خواهم کرد.

هم آنان که پیروی کنند از آن رسول (ختمی) و پیغمبر امی  
که در تورات و انجیلی که در دست آنهاست (نام و نشان و  
اوصاف) او را نگاشته می‌یابند که آنها را امر به هر نیکی و  
نهی از هر زشتی خواهد کرد و بر آنان هر طعام پاکیزه و  
مطبوع را حلال، و هر پلید منفور را حرام می‌گرداند، و احکام  
پر رنج و مشقتی را که چون زنجیر به گردن خود نهاده‌اند از  
آنان برمی‌دارد (و دین آسان و موافق فطرت بر خلق  
می‌آورد). پس آنان که به او گرویدند و از او حرمت و عزت  
نگاه داشتند و یاری او کردند و نوری را که به او نازل شد  
پیروی نمودند آن گروه به حقیقت رستگاران عالمند.

(ای رسول ما به خلق) بگو که من بر همه شما جنس بشر  
رسول خدایم، آن خدایی که فرمانروایی آسمانها و زمین از  
آن اوست، هیچ خدایی جز او نیست که زنده می‌کند و  
می‌میراند، پس باید ایمان به خدا آرید و هم به رسول او  
پیغمبر امی (که از هیچ کس جز خدا تعلیم نگرفته) آن  
پیغمبری که بس به خدا و سخنان او ایمان دارد، و پیرو او  
شوید، باشد که هدایت یابید.

و جماعتی از قوم موسی هستند که به دین حق هدایت کنند  
و به آن دین حکم و دادگری نمایند.

وَقَطَعْنَاهُمْ أَثْنَتَيْ عَشْرَةَ أَسْبَاطًا أُمَمًا وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ  
 إِذِ اسْتَسْقَاهُ قَوْمُهُۥ أَنِ اضْرِبْ بِعَصَاكَ الْحَجَرَ<sup>ط</sup>  
 فَانْبَجَسَتْ مِنْهُ أَثْنَتَا عَشْرَةَ عَيْنًا قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ  
 مَّشْرَبَهُمْ<sup>ط</sup> وَظَلَّلْنَا عَلَيْهِمُ الْغَمَمَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْهِمُ الْمَنَّ  
 وَالسَّلْوَىٰ<sup>ط</sup> كُلُوا مِنْ طَيِّبَاتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا  
 وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

۰۷  
 اعراف  
 ۱۶۰  
 /۲۰۶

وَإِذْ قِيلَ لَهُمْ اسْكُنُوا هَذِهِ الْقَرْيَةَ وَكُلُوا مِنْهَا حَيْثُ شِئْتُمْ  
 وَقُولُوا حِطَّةٌ وَادْخُلُوا الْبَابَ سُجَّدًا نَّغْفِرْ لَكُمْ  
 خَطِيئَتَكُمْ سَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ

۱۶۱

فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ قَوْلًا غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ  
 فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا كَانُوا يَظْلِمُونَ

۱۶۲

وَسَأَلَهُمْ عَنِ الْقَرْيَةِ الَّتِي كَانَتْ حَاضِرَةَ الْبَحْرِ إِذْ يَعْدُونَ  
 فِي السَّبْتِ إِذْ تَأْتِيهِمْ حِيتَانُهُمْ يَوْمَ سَبْتِهِمْ شُرَّعًا وَيَوْمَ لَا  
 يَسْبِتُونَ لَا تَأْتِيهِمْ<sup>ط</sup> كَذَلِكَ نَبْلُوهُمْ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

۱۶۳  
 ۱۴۲ ر

و قوم موسی را به دوازده سبط منشعب کردیم که هر سبطی  
 طایفه‌ای باشند. و چون امت موسی (در آن بیابان بی‌آب) از  
 او آب طلبیدند به موسی وحی کردیم که عصای خود را بر  
 سنگ زن، پس دوازده چشمه آب از آن سنگ جوشید و  
 جاری شد، هر قبیله آبشخور خود را دانستند. و ما به  
 واسطه ابر بر سر آنها سایه افکندیم و نیز بر آنها من و  
 سلوی (مرغ و ترنجبین) فرستادیم (تا تغذیه کنند، و گفتیم)  
 از لذیذ و پاکیزه قوتی که روزیتان کردیم تناول کنید. و آنها  
 نه بر ما بلکه بر خویش ستم می‌کردند.

و چون به قوم موسی امر شد که در این شهر (بیت  
 المقدس) مسکن کنید و از هر چه خواستید از طعامهای این  
 شهر تناول کنید و در دعا بگویید که پروردگارا، گناهان ما را  
 بریز، و به این در به تواضع و سجده درآیید تا از خطاهای  
 شما درگذریم، که ما نیکوکاران را فزون‌تر احسان می‌کنیم.

آن گاه ستمکاران آنها این امر و گفتاری را که به آنها گفته  
 شده بود به گفتار دیگری تبدیل کردند، ما هم به کيفر  
 مخالفت و ستمکاری بر آنها از آسمان عذابی سخت فرود  
 آوردیم.

و (ای رسول ما) بنی اسرائیل را از آن قریه که در ساحل  
 دریا بود (ده ایله و مدین) بازپرس آن گاه که از حکم  
 (تعطیل روز) شنبه تجاوز کردند، آن‌گاه که (برای امتحان) به  
 روز شنبه ماهیان در مشارع پیرامون دریا پدیدار شده و در  
 غیر آن روز اصلا پدید نمی‌آمدند. بدین گونه ما آنان را به  
 سبب فسق و نافرمانی آزمایش می‌کردیم.

وَإِذْ قَالَتْ أُمَّةٌ مِّنْهُمْ لِمَ تَعِظُونَ قَوْمًا اللَّهُ مُهْلِكُهُمْ أَوْ  
مُعَذِّبُهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا قَالُوا مَعذِرَةٌ إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَلَعَلَّهُمْ  
يَتَّقُونَ

فَلَمَّا نَسُوا مَا ذُكِّرُوا بِهِ أَنجَيْنَا الَّذِينَ يَنْهَوْنَ عَنِ السُّوءِ  
وَأَخَذْنَا الَّذِينَ ظَلَمُوا بِعَذَابٍ بَئِيسٍ بِمَا كَانُوا يَفْسُقُونَ

فَلَمَّا عَتَوْا عَن مَّا نُهَوُّوا عَنْهُ قُلْنَا لَهُمْ كُونُوا قِرَدَةً خَاسِئِينَ

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكَ لِيُبْعَثَنَّ عَلَيْهِمْ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَن  
يَسُومُهُمْ سُوءَ الْعَذَابِ إِنَّ رَبَّكَ لَسَرِيعُ الْعِقَابِ وَإِنَّهُ  
لَغَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَقَطَّعْنَاهُمْ فِي الْأَرْضِ أُمَّمًا مِّنْهُمْ الْأَصْلِحُونَ وَمِنْهُمْ دُونَ  
ذَلِكَ وَبَلَّوْنَاهُمْ بِالْحَسَنَاتِ وَالسَّيِّئَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ وَرِثُوا الْكِتَابَ يَأْخُذُونَ  
عَرَضَ هَذَا الْأَدْنَىٰ وَيَقُولُونَ سَيُغْفَرُ لَنَا وَإِن يَأْتِهِمْ عَرَضٌ  
مِّثْلَهُ يَأْخُذُوهُ أَلَمْ يُؤْخَذْ عَلَيْهِمْ مِيثَاقُ الْكِتَابِ أَن لَا  
يَقُولُوا عَلَى اللَّهِ إِلَّا الْحَقَّ وَدَرَسُوا مَا فِيهِ وَاللَّذَّارُ الْأَخْرَةُ  
خَيْرٌ لِلَّذِينَ يَتَّقُونَ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

وَالَّذِينَ يُمَسِّكُونَ بِالْكِتَابِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ إِنَّا لَا نَضِيعُ  
أَجْرَ الْمُصْلِحِينَ

و چون (پند و موعظه ناصحین در آنها اثری نکرد) جمعی از  
آن گروه گفتند: چرا قومی را که از جانب خدا به هلاک و یا  
به عذاب سخت محکومند باز موعظه می‌کنید؟ ناصحان  
گفتند: پند ما معذرت (و اتمام حجت) است از جانب  
پروردگارتان، و دیگر آنکه شاید (اثر کند و) تقوا پیشه  
کنند.

و چون هر چه به آنها تذکر داده شد در آن غفلت ورزیدند  
ما هم آن جماعت را که از کار بد منع می‌نمودند نجات  
بخشیدیم و آنان را که ظلم و ستمکاری کردند به کیفر  
فسقشان به عذابی سخت گرفتار کردیم.

پس چون سرکشی و تکبر کرده و آنچه ممنوع بود مرتکب  
شدند به آنها گفتیم به شکل بوزینه شوید و بسی دور و  
بازمانده از رحمت خدا باشید.

و آن‌گاه که خدای تو اعلام نمود که تا روز قیامت کسی را به  
عقوبت و عذاب سخت بر آنها برانگیزد، که پروردگار تو همانا  
زود کیفر کننده (ستمکاران) و (به خلق) بسیار بخشنده و  
مهربان است.

و بنی اسرائیل را در روی زمین به شعبی متفرق ساختیم،  
بعضی از آنها صالح و درستکارند و برخی فروتر از آنان (در  
درجه و منزلت)، و آنها را به خوشی‌ها و ناخوشی‌ها  
بیازمودیم، باشد که (به حکم حق) بازگردند.

پس از آنکه پیشینیانشان درگذشتند اخلاف و  
بازماندگانشان وارث کتاب آسمانی شدند در حالی که متاع  
پست این دنیا را برمی‌گزینند و گویند ما بخشیده خواهیم  
شد، و چنانچه مثل آن مال از متاع دنیا که یافتند باز (از هر  
راه حرام و خیانت) بیابند برگیرند. آیا از آنان پیمان کتاب  
آسمانی گرفته نشد که به خدا جز حرف حق و سخن راست  
نسبت ندهند و آنچه در کتاب است درس گیرند؟ و منزل  
ابدی آخرت برای مردم پرهیزکار بسی بهتر است، آیا تعقل  
نمی‌کنید؟

و آنان که متوسل به کتاب آسمانی شوند و نماز به پا دارند،  
ما اجر درستکاران را ضایع نخواهیم گذاشت.

وَإِذْ نَتَقْنَا الْجَبَلَ فَوْقَهُمْ كَأَنَّهُ ظُلَّةٌ وَظَنُوا أَنَّهُ وَاقِعٌ بِهِمْ خُذُوا مَا آتَيْنَاكُمْ بِقُوَّةٍ وَاذْكُرُوا مَا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ

و آن‌گاه که کوه طور را از جای برکندیدم و مانند قطعه ابری بر فراز سر آنها برآوردیم که پنداشتند بر آنها فرو خواهد افتاد (و امر کردیم) دستور توراتی که به شما آمد با قوت (ایمان و عقیده محکم) اخذ کنید و آنچه در آن مذکور است متذکر شوید، باشد که پرهیزکار شوید.

وَإِذْ أَخَذَ رَبُّكَ مِنْ بَنِي آدَمَ مِنْ ظُهُورِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَأَشْهَدَهُمْ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ أَلَسْتُ بِرَبِّكُمْ قَالُوا بَلَىٰ شَهِدْنَا أَن تَقُولُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّا كُنَّا عَنْ هَذَا غَافِلِينَ

و به یاد آر هنگامی که خدای تو از پشت فرزندان آدم ذریه آنها را برگرفت و آنها را بر خودشان گواه ساخت که آیا من پروردگار شما نیستم؟ همه گفتند: بلی، ما گواهی دهیم. (برخی مفسرین گفتند: مراد ظهور ارواح فرزندان آدم است در نشأه ذر و عالم روح و گواهی آنها به نور تجرد و شهود به توحید خدا و ربانیت او در عوالم ملک و ملکوت.) (و ما این گواهی گرفتیم) که دیگر در روز قیامت نگویید: ما از این واقعه غافل بودیم.

أَوْ تَقُولُوا إِنَّمَا أَشْرَكَ آبَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ وَكُنَّا ذُرِّيَّةً مِّنْ بَعْدِهِمْ أَفَتُهْلِكُنَا بِمَا فَعَلَ الْمُبْطِلُونَ

یا آنکه نگویید که منحصرآ پدران ما به دین شرک بودند و ما هم فرزندان بعد از آنها بودیم، آیا به عمل زشت اهل باطل ما را به هلاکت خواهی رسانی؟

وَكَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

و بدین گونه ما آیات خود را تفصیل می‌دهیم (تا آیات ما را بفهمند) و باشد که بازگردند.

وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ الَّذِي آتَيْنَاهُ آيَاتِنَا فَانْسَلَخَ مِنْهَا فَاتَّبَعَهُ الشَّيْطَانُ فَكَانَ مِنَ الْعَاوِينَ

و بخوان بر این مردم (بر قوم یهود) حکایت آن کس (بلعم باعور) را که ما آیات خود را به او عطا کردیم، و او از آن آیات بیرون رفت و شیطان او را تعقیب کرد تا از گمراهان عالم گردید.

وَلَوْ شِئْنَا لَرَفَعْنَاهُ بِهَا وَلَكِنَّهُ أَخْلَدَ إِلَى الْأَرْضِ وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَمَثَلُهُ كَمَثَلِ الْكَلْبِ إِنْ تَحْمِلَ عَلَيْهِ يَلْهَثْ أَوْ تَرَكَهْ يَلْهَثْ ذَلِكَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَاقْصِصْ الْقِصَصَ لَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

و اگر می‌خواستیم به آن آیات او را رفعت مقام می‌بخشیدیم، لیکن او به زمین (تن) فروماند و پیرو هوای نفس گردید، و در این صورت مثل و حکایت حال او به سگی ماند که اگر بر او حمله کنی و یا او را به حال خود واگذاری به عوعو زبان کشد. این است مثل مردمی که آیات ما را بعد از علم به آن تکذیب کردند. پس این حکایت بگو، باشد که به فکر آیند.

سَاءَ مَثَلًا الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَأَنفُسَهُمْ كَانُوا يَظْلِمُونَ

مثل حال گروهی که آیات ما را تکذیب کردند و به خویش ستم می‌کردند بسیار بد مثلی است.

مَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِيٌّ وَمَنْ يُضِلِّ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

هر که را خدا هدایت فرماید هم اوست که هدایت یافته، و آنها را که به گمراهی واگذارد هم آنان زیانکاران عالمند.

وَلَقَدْ ذَرَأْنَا لِجَهَنَّمَ كَثِيرًا مِّنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ لَهُمْ قُلُوبٌ لَّا يَفْقَهُونَ بِهَا وَلَهُمْ أَعْيُنٌ لَّا يُبْصِرُونَ بِهَا وَلَهُمْ آذَانٌ لَّا يَسْمَعُونَ بِهَا أُولَئِكَ كَالْأَنْعَمِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ أُولَئِكَ هُمُ الْعَافِلُونَ

و محققا بسیاری از جن و انس را برای جهنم آفریدیم، چه آنکه آنها را دلهایی است بی‌ادراک و معرفت، و دیده‌هایی بی‌نور و بصیرت، و گوشهایی ناشنوای حقیقت، آنها مانند چهارپایانند بلکه بسی گمراه‌ترند، آنها همان مردمی هستند که غافل‌اند.

وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا وَذَرُوا الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي أَسْمَائِهِ سَيُجْزَوْنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و خدا را نیکوترین نامهاست، بدانها خدا را بخوانید، و آنان را که در نامهای او به انحراف می‌گیرایند به خود واگذارید، که به زودی کردار بدشان را مجازات خواهند دید.

وَمِمَّنْ خَلَقْنَا أُمَّةٌ يَّهْدُونَ بِالْحَقِّ وَبِهِ يَعْدِلُونَ

و از خلقی که آفریده‌ایم فرقه‌ای به حق هدایت می‌کنند و به حق حکم و دادگری می‌کنند.

وَالَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا سَنَسْتَدْرِجُهُم مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

و آنان که آیات ما را تکذیب کردند به زودی آنها را به عذاب و هلاکت می‌افکنیم از جایی که فهم آن نکنند.

وَأْمَلِي لَهُمْ إِنْ كِيدِي مَتِينٌ

روزی چند به آنها مهلت دهیم، که همانا مکر و عقاب من بس شدید است.

أَوَلَمْ يَتَفَكَّرُوا مَا بِصَاحِبِهِم مِّنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

آیا این مردم فکر نکردند که صاحب آنها (یعنی پیامبر) هرگز جنونی در او نیست؟ او فقط ترساننده خلق است (از احوال قیامت) به بیانی روشن.

أَوَلَمْ يَنْظُرُوا فِي مَلَكُوتِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ وَأَنْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ قَدِ اقْتَرَبَ أَجَلُهُمْ فَبِآيٍ حَدِيثٍ بَعْدَهُ يُؤْمِنُونَ

آیا فکر و نظر در ملکوت آسمانها و زمین و در هر چه خدا آفریده نکردند و در این که اجل و مرگ آنها بسا باشد که به آنان بسیار نزدیک شده باشد؟ پس به چه حدیثی بعد از این (کتاب مبارک آسمانی) ایمان خواهند آورد؟

مَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَلَا هَادِيَ لَهُ وَيَذَرُهُمْ فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

هر که را خدا گمراه خواست هیچ کس رهنمای او نباشد، و چنین گمراهان را خدا در طغیان و سرکشی خود به حیرت و ضلالت واگذارد.

يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَاهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ رَبِّي لَّا يُجَلِّيهَا لِوَقْتِهَا إِلَّا هُوَ ثَقُلَتْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَّا تَأْتِيكُمُ إِلَّا بَعْتَةٌ يَّسْأَلُونَكَ كَأَنَّكَ حَفِيٌّ عَنْهَا قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

(ای رسول ما) از تو احوال و ساعت قیامت را سؤال خواهند کرد که چه وقت فراخواهد رسید؟ پاسخ ده که علم آن منحصر نزد ربّ و خدای من است، کسی به جز او آن را به هنگامش آشکار نکند، (شان) آن ساعت در آسمانها و زمین بسی سنگین و عظیم است، نیاید شما را مگر ناگهانی. از تو می‌پرسند گویی تو کاملا بدان آگاهی. بگو: علم آن ساعت محققا نزد خداست، لیکن اکثر مردم آگاه نیستند.

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي نَفْعًا وَلَا ضَرًّا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ وَلَوْ  
كُنْتُ أَعْلَمُ الْغَيْبِ لَأَسْتَكْثَرْتُ مِنَ الْخَيْرِ وَمَا مَسَّنِيَ  
السُّوءُ إِنِّ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا  
لِيَسْكُنَ إِلَيْهَا فَلَمَّا تَغَشَّاهَا حَمَلَتْ حَمْلًا خَفِيًّا فَمَرَّتْ  
بِهِ فَلَمَّا أَثْقَلَتْ دَعَا اللَّهَ رَبَّهُمَا لَئِن آتَيْتَنَا صَالِحًا  
لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

فَلَمَّا آتَاهُمَا صَالِحًا جَعَلَا لَهُ شُرَكَاءَ فِيمَا آتَاهُمَا  
فَتَعَالَى اللَّهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

أَيُّشْرِكُونَ مَا لَا يَخْلُقُ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ

وَلَا يَسْتَطِيعُونَ لَهُمْ نَصْرًا وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَتَّبِعُوكُمْ سَوَاءَ عَلَيْكُمْ  
أَدْعَاؤُهُمْ أَمْ أَنْتُمْ صَلْمُونَ

إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ عِبَادٌ أَمْثَلُكُمْ فَادْعُوهُمْ  
فَلْيَسْتَجِيبُوا لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

أَلَهُمْ أَرْجُلٌ يَمْشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ أَيْدٍ يَبْطِشُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ  
أَعْيُنٌ يُبْصِرُونَ بِهَا أَمْ لَهُمْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا قُلِ ادْعُوا  
شُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ كِيدُوا فَلَا تُنظِرُونَ

بگو که من مالک نفع و ضرر خویش نیستم مگر آنچه خدا  
خواسته، و اگر من از غیب (جز آنچه به وحی می‌دانم) آگاه  
بودم بر خیر و نفع خود همیشه می‌افزودم و هیچ‌گاه زیان و  
رنج نمی‌دیدم، من نیستم مگر رسولی ترساننده، و بشارت  
دهنده گروهی که اهل ایمانند.

اوست خدایی که همه شما را از یک تن بیافرید و از (نوع)  
او نیز جفتش را مقرر داشت تا به او انس و آرام گیرد، و  
چون با او خلوت کرد باری سبک برداشت، پس با آن بار حمل  
چندی بزیست تا سنگین شد، آن‌گاه هر دو خدا و پروردگار  
خود را خواندند که اگر به ما فرزندی صالح (و تندرست) عطا  
کردی البته از شکرگزاران خواهیم بود.

پس چون به آن پدر و مادر فرزندی صالح (و تندرست) عطا  
کرد مشرک شدند و برای خدا در آنچه به آنها عطا کرد  
شریک قرار دادند (یعنی فرزندان خود را به نام بتها  
نامیدند مثل عبد اللات و عبد العزی)، و خدای تعالی برتر  
است از آنچه شریک او سازند.

آیا این چیزهایی را که هیچ موجود را خلق نتوانند کرد و  
خود مخلوق (خدا) هستند شریک خدا قرار می‌دهند؟

در صورتی که آنها نه هرگز به مشرکان و نه به خود یاری  
توانند کرد.

و اگر آنها را (یعنی بت‌پرستان را) به راه هدایت بخوانید  
پیروی شما (مؤمنان) نخواهند کرد، بر شما یکسان است که  
آنها را بخوانید یا خاموش بمانید.

غیر خدا هر آن کس را که شما (مشرکان و یهود و نصاری)  
به خدایی می‌خوانید (مانند بتان و عیسی و عزیر و غیره) به  
حقیقت همه مثل شما بندگانی هستند، اگر راستگویید آنها  
را بخوانید تا مشکلات و حوائج شما را روا کنند.

آیا آن بتان را پایی است که راهی پیمایند یا دستی که از  
آستین قدرت بیرون آرند، یا چشم و گوشی که به آن ببینند  
و بشنوند؟ بگو: شریکان (باطل) خود را بخوانید و هر حیلت  
که با من می‌توانید به کار برید بی‌آنکه هیچ مرا مهلت  
بدهید.

إِنَّ وَلِيََّ اللَّهُ الَّذِي نَزَّلَ الْكِتَابَ ۖ وَهُوَ يَتَوَلَّى الصَّالِحِينَ

مرا دوست و یاور به حقیقت خدایی است که این کتاب (قرآن) را فرستاده و اوست که نیکوکاران را دوستی و سرپرستی می‌کند.

۱۹۷

وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ نَصْرَكُمْ وَلَا أَنْفُسَهُمْ يَنْصُرُونَ

و آنهایی را که شما خدا می‌خوانید جز خدای یکتا هیچ یک قدرت بر یاری شما بلکه بر یاری خود ندارند.

۱۹۸

وَإِنْ تَدْعُوهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ لَا يَسْمَعُوا ۖ وَتَرَاهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ وَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

و اگر آنها را به راه هدایت خوانید نخواهند شنید (یعنی بتان چون گوش و بتپرستان چون هوش ندارند دعوت اسلام را نپذیرند. و ای رسول ما یا ای اهل عقل و بینش) تو می‌بینی که آنها (بتان یا بتپرستان) در تو می‌نگرند ولی نمی‌بینند.

۱۹۹

خُذِ الْعَفْوَ وَأْمُرْ بِالْعُرْفِ وَأَعْرِضْ عَنِ الْجَاهِلِينَ

طریقه عفو و بخشش پیش‌گیر و امت را به نیکوکاری امر کن و از مردم نادان روی بگردان.

۲۰۰

وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ ۚ إِنَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

و چنانچه بخواهد از طرف شیطان (انس و جن) در تو وسوسه و جنبشی پدید آید به خدا پناه بر که او به حقیقت شنوا و داناست.

۲۰۱

إِنَّ الَّذِينَ اتَّقَوْا إِذَا مَسَّهُمْ طَآئِفٌ مِّنَ الشَّيْطَانِ تَذَكَّرُوا فَإِذَا هُمْ مُبْصِرُونَ

چون اهل تقوا را از شیطان وسوسه و خیالی به دل فرا رسد همان دم خدا را به یاد آرند و همان لحظه بصیرت و بینایی پیدا کنند.

۲۰۲

وَإِخْوَانُهُمْ يَمُدُّوْنَهُمْ فِي الْعَٰغِي ۚ ثُمَّ لَا يُقْصِرُونَ

و مشرکان را برادرانشان (یعنی شیاطین انس و جن) به راه ضلالت و گمراهی می‌کشند و هیچ کوتاهی نمی‌کنند.

۲۰۳

وَإِذَا لَمْ تَأْتِهِمْ بَيَّآةٌ قَالُوا لَوْلَا اجْتَبَيْتَهَا قُلْ إِنَّمَا أَتَّبِعُ مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ مِنْ رَبِّي ۚ هَذَا بَصَائِرٌ مِّنْ رَبِّكُمْ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

و هر زمان که تو آیتی بر آنها نیاوری بر تو اعتراض کنند که چرا آیتی فراهم نساختی؟ بگو: من تنها پیروی از آنچه از خدایم به من وحی رسد خواهم کرد، این آیات قرآن است مایه بصیرت‌هایی از جانب پروردگار شما و هدایت و رحمتی برای گروهی که ایمان آورند.

۲۰۴

وَإِذَا قُرِئَ الْقُرْءَانُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

و چون قرآن قرائت شود همه گوش بدان فرا دهید و سکوت کنید، باشد که مورد لطف و رحمت حق شوید.

۲۰۵

وَأذْكَرُ رَبِّكَ فِي نَفْسِكَ تَضَرَّعًا وَخِيفَةً وَدُونَ الْجَهْرِ مِنَ الْقَوْلِ بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ وَلَا تَكُن مِّنَ الْغَافِلِينَ

خدای خود را با تضرع و پنهانی و بی‌آنکه آواز برکشی در صبح و شام یاد کن و از غافلان مباش.

۲۰۶

إِنَّ الَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ لَا يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِهِ ۖ وَيُسَبِّحُونَهُ ۖ وَ لَهُ يُسْجُدُونَ ﴿١٧٦﴾

آنان (یعنی ارواح و فرشتگانی) که در حضور پروردگار تواند هیچ‌گاه از بندگی او سرکشی نکنند و پیوسته به تسبیح و تنزیه ذات احدیت و به سجده او مشغولند.

سجده  
مستحب



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ قُلِ الْأَنْفَالُ لِلَّهِ وَالرَّسُولِ فَأَتَقُوا  
اللَّهَ وَأَصْلِحُوا ذَاتَ بَيْنِكُمْ وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنْ  
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَإِذَا  
تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُهُ زَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ

أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ دَرَجَاتٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ  
وَمَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

كَمَا أَخْرَجَكَ رَبُّكَ مِنْ بَيْتِكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّ فَرِيقًا مِّنَ  
الْمُؤْمِنِينَ لَكَاذِبُونَ

يُجَادِلُونَكَ فِي الْحَقِّ بَعْدَ مَا تَبَيَّنَ كَأَنَّمَا يُسَاقُونَ إِلَى  
الْمَوْتِ وَهُمْ يَنْظُرُونَ

وَإِذْ يَعِدُكُمُ اللَّهُ إِحْدَى الطَّائِفَتَيْنِ أَنَّهَا لَكُمْ وَتَوَدُّونَ  
أَنَّ غَيْرَ ذَاتِ الشَّوْكَةِ تَكُونُ لَكُمْ وَيُرِيدُ اللَّهُ أَن يُحَقِّقَ  
الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَيَقْطَعَ دَابِرَ الْكَافِرِينَ

لِيُحَقِّقَ الْحَقَّ وَيُبْطِلَ الْبَاطِلَ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ

(ای رسول ما) امت از تو حکم انفال را سؤال کنند (یعنی غنایمی که بدون جنگ از دشمنان به دست مسلمانان آید و زمینهای خراب بی‌مالک، معادن، بیشه‌ها، فراز کوهها، کف رودها، ارث کسی که وارث ندارد، قطابع ملوک، خلاصه ثروتی که بیرنج مردم حاصل شود) جواب ده که انفال مخصوص خدا و رسول است (که رسول و جانشینانش به هر کس و هر قدر صلاح دانند ببخشند) پس شما مؤمنان باید از خدا بترسید و در رضایت و مسالمت و اتحاد بین خودتان بکوشید و خدا و رسول او را اطاعت کنید اگر اهل ایمانید.

مؤمنان حقیقی آنانند که چون ذکری از خدا شود دلهاشان ترسان و لرزان شود و چون آیات خدا را بر آنها تلاوت کنند بر مقام ایمانشان بیفزاید و به خدای خود در هر کار توکل می‌کنند.

آنان که نماز را به پا می‌دارند و از هر چه روزی آنها کرده‌ایم انفاق می‌کنند.

آنها به راستی و حقیقت اهل ایمانند که نزد خدا مراتب بلند و آمرزش و روزی نیکو دارند.

همان گونه که خدا تو را از خانه خود به حق (در جنگ بدر) بیرون آورد و گروهی از مؤمنان، سخت رأی خلاف و کراهت اظهار کردند (و تو به مخالفت آنها از حکم حق بازنگشتی، در امر انفال و غیر آن هم به خواهش مردم توجه مکن، پیرو امر خدا باش و از خلق ابدانندیشه مدار).

(مردم نادان) در حکم حق با آنکه حق آشکار و روشن گردید با تو جدل و نزاع خواهند کرد (و چنان حکم حق و طاعت خدا بر آنها دشوار و سخت است) که گویی معاینه می‌نگرند که آنها را به جانب مرگ می‌کشند.

به یاد آر هنگامی که خدا به شما وعده فتح بر یکی از دو طایفه را می‌داد (غلبه بر سپاه قریش یا کاروان تجاری شام) و شما مسلمین مایل بودید که آن طایفه که شوکت و سلاحی همراه ندارند نصیب شما شود، و خدا می‌خواست که حق را با سخنان خود (که وعده پیروزی حق را داده است) ثابت گرداند و از بیخ و بن ریشه کافران را برکند.

تا حق را محقق و پایدار کند و باطل را محو و نابود سازد هر چند بدکاران را خوش نیاید.

إِذْ تَسْتَغِيثُونَ رَبَّكُمْ فَاسْتَجَابَ لَكُمْ أَنِّي مُمِدُّكُمْ  
بِأَلْفٍ مِّنَ الْمَلَائِكَةِ مُرَدِّينَ

۱۰

وَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ إِلَّا بُشْرَىٰ وَلِتَطْمَئِنَّ بِهِ قُلُوبُكُمْ وَمَا  
النَّصْرُ إِلَّا مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

۱۱  
۱۴۷۲

إِذْ يُغَشِّيكُمُ الْتُّعَاسَ أَمَنَةً مِّنْهُ وَيُنزِلُ عَلَيْكُمْ مِّنَ  
السَّمَاءِ مَاءً لِّيُطَهِّرَكُم بِهِ وَيُذْهِبَ عَنْكُم رِجْسَ الشَّيْطَانِ  
وَلِيَرْبِطَ عَلَى قُلُوبِكُمْ وَيُثَبِّتَ بِهِ الْأَقْدَامَ

۱۲

إِذْ يُوحِي رَبُّكَ إِلَى الْمَلَائِكَةِ أَنِّي مَعَكُمْ فَثَبِّتُوا الَّذِينَ  
ءَامَنُوا سَأُلْقِي فِي قُلُوبِ الَّذِينَ كَفَرُوا الرُّعْبَ فَاضْرِبُوا  
فَوْقَ الْأَعْنَاقِ وَاضْرِبُوا مِنْهُمْ كُلَّ بَنَانٍ

۱۳

ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُّوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ  
فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

۱۴

ذَٰلِكُمْ فَذُوقُوهُ وَأَنَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابَ النَّارِ

۱۵

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا زَحْفًا فَلَا  
تُوَلُّوهُمْ إِلَّا دُبَارَ

۱۶

وَمَنْ يُؤَلِّهِمْ يَوْمَئِذٍ دُبْرَهُوَ إِلَّا مُتَحَرِّفًا لِّقِتَالٍ أَوْ مُتَحَيِّرًا إِلَى  
فِئَةٍ فَقَدْ بَاءَ بِغَضَبٍ مِّنَ اللَّهِ وَمَأْوَاهُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ  
الْمَصِيرُ

(به یاد آرید) هنگامی که استغاثه و زاری به پروردگار خود می‌کردید، پس دعای شما را اجابت کرد که من سپاهی منظم از هزار فرشته به مدد شما می‌فرستم.

و این مدد فرشتگان را خدا نفرستاد مگر آنکه بشارت و مژده فتح باشد و تا دل‌های شما (به وعده خدا) مطمئن شود و (بدانید که) نصرت و فیروزی نیست مگر از جانب خدا، که خدا را کمال قدرت و حکمت است.

(یاد آرید) هنگامی که خواب راحت را بر شما فرو پوشاند برای اینکه از جانب او ایمنی یابید و از آسمان آبی می‌فرستاد که شما را به آن آب پاک گرداند و وسوسه و کید شیطان را از شما دور سازد و دل‌های شما را محکم و استوار گرداند و گام‌های شما را استوار بدارد.

(و یاد آر ای رسول) آن‌گاه که پروردگار تو به فرشتگان وحی کرد که من با شمایم، پس مؤمنان را ثابت قدم بدارید، که همانا من ترس در دل کافران می‌افکنم، پس گردن‌ها را بزنید و همه انگشتان را قطع کنید.

این کیفر کافران برای آن است که با خدا و رسول او سخت ضدیت و مخالفت کردند و هر کس با خدا و رسول او راه شقاق و مخالفت پیماید (بترسد که) عقاب خدا بسیار سخت است.

این (عذاب مختصر قتل و اسارت) را بچشید و (بدانید که) برای کافران در قیامت عذاب سخت آتش دوزخ مهیاست.

ای اهل ایمان، هرگاه با گروه مهاجم کافران در میدان کارزار روبرو شوید مبادا پشت به آنها کرده و از جنگ بگریزید.

و هر که در روز جنگ به آنها پشت نماید و فرار کند به طرف غضب و خشم خدا روی آورده و جایگاهش دوزخ که بدترین منزل است خواهد بود مگر آنکه از میمنه به میسر و یا از قلب به جناح برای مصالح جنگی رود یا از فرقه‌ای به یاری فرقه‌ای دیگر شتابد.

فَلَمْ تَقْتُلُوهُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ قَتَلَهُمْ وَمَا رَمَيْتَ إِذْ رَمَيْتَ  
وَلَكِنَّ اللَّهَ رَمَىٰ وَلِيُبْلِيَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْهُ بَلَاءً حَسَنًا إِنَّ  
اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ذَلِكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ مُوهِنُ كَيْدِ الْكَافِرِينَ

إِن تَسْتَفْتِحُوا فَقَدْ جَاءَكُمْ الْفَتْحُ وَإِن تَنْتَهُوا فَهُوَ خَيْرٌ  
لَّكُمْ وَإِن تَعُودُوا نَعُدْ وَلَنْ تُغْنِيَ عَنْكُمْ فِئَتُكُمْ شَيْئًا  
وَلَوْ كَثُرَتْ وَأَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُؤْمِنِينَ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَوَلَّوْا عَنْهُ  
وَأَنْتُمْ تَسْمَعُونَ

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ قَالُوا سَمِعْنَا وَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الصُّمُّ الْبُكْمُ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

وَلَوْ عَلِمَ اللَّهُ فِيهِمْ خَيْرًا لَّأَسْمَعَهُمْ وَلَوْ أَسْمَعَهُمْ لَتَوَلَّوْا  
وَهُمْ مُعْرِضُونَ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اسْتَجِيبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ  
لِمَا يُحْيِيكُمْ وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحُولُ بَيْنَ الْمَرْءِ وَقَلْبِهِ  
وَأَنَّهُ إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

وَاتَّقُوا فِتْنَةً لَا تُصِيبَنَّ الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْكُمْ خَاصَّةً  
وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

(ای مؤمنان) نه شما بلکه خدا کافران را کشت و (ای رسول) چون تو تیر (یا خاک) افکندی نه تو بلکه خدا افکند (تا کافران را شکست دهد) و برای آنکه مؤمنان را به آزمونی نیکو از سوی خود بیازماید، که خدا شنوا و داناست.

این (فتح و غلبه در جنگ به خواست خدا) شما را نصیب شد و محققا خدا بی‌اثر کننده مکر کفار است.

(ای کافران) اگر شما از خدا فتح و نصرت می‌طلبید اینک فتح کامل شما را رسید (دین اسلام و قرآن که بهترین فتح و فیروزی و کاملترین وسیله سعادت خلق است از جانب خدا آمد) اکنون اگر (از کفر و عناد با حق) دست بردارید شما را بهتر است و اگر دیگر بار بازآیید ما هم شما را باز کیفر و عذاب کنیم و هرگز جمعیت و سپاه شما هر چند بسیار باشد شما را سودمند نخواهد بود، و خدا البته با اهل ایمان است.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خدا و رسول را اطاعت کنید و از او سرنپیچید در حالی که شما (سخنان حق را) می‌شنوید.

و شما مؤمنان چون کسانی (منافقان) نباشید که گفتند شنیدیم، و به حقیقت نمی‌شنوند.

بدترین جانوران نزد خدا کسانی هستند که (از شنیدن و گفتن حرف حق) کر و لالند که اصلا تعقل نمی‌کنند.

اگر خدا در آنها خیر و صلاحی می‌دید آنها را شنوا می‌کرد و اگر هم شنوا کند باز رو گردانند و اعراض کنند.

ای اهل ایمان، چون خدا و رسول شما را به آنچه مایه حیات ابدی شماست (یعنی ایمان) دعوت کنند اجابت کنید و بدانید که خدا در میان شخص و قلب او حایل می‌شود (و از اسرار درونی همه آگاه است) و همه به سوی او محشور خواهید شد.

و بترسید از بلایی که چون آید تنها مخصوص ستمکاران شما نباشد (بلکه ظالمان و مظلومان همه را فرا گیرد) و بدانید که عقاب خدا بسیار سخت است.

وَأَذْكُرُوا إِذْ أَنْتُمْ قَلِيلٌ مُسْتَضْعَفُونَ فِي الْأَرْضِ تَخَافُونَ أَنْ يَتَخَطَّفَكُمُ النَّاسُ فَآوَاكُمْ وَأَيَّدَكُمْ بِنَصْرِهِ  
وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَخُونُوا اللَّهَ وَالرَّسُولَ وَتَخُونُوا  
أَمْنَتِكُمْ وَأَنْتُمْ تَعْلَمُونَ

وَأَعْلَمُوا أَنَّ مَا أَمْوَالِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ فَتَنَةٌ وَأَنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ  
أَجْرٌ عَظِيمٌ

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنْ تَتَّقُوا اللَّهَ يَجْعَلْ لَكُمْ فُرْقَانًا  
وَيُكَفِّرْ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ ذُو  
الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

وَإِذْ يَمْكُرُ بِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِيُثْبِتُوكَ أَوْ يَقْتُلُوكَ أَوْ  
يُخْرِجُوكَ وَيَمْكُرُونَ وَيَمْكُرُ اللَّهُ وَاللَّهُ خَيْرُ الْمَكْرِينَ

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ ءَايَاتُنَا قَالُوا قَدْ سَمِعْنَا لَوْ نَشَاءُ لَقُلْنَا  
مِثْلَ هَذَا إِنْ هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

وَإِذْ قَالُوا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ فَأَمْطِرْ  
عَلَيْنَا حِجَارَةً مِنَ السَّمَاءِ أَوْ ائْتِنَا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ وَأَنْتَ فِيهِمْ وَمَا كَانَ اللَّهُ مُعَذِّبَهُمْ  
وَهُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

و به یاد آرید زمانی که عده قلیلی بودید که شما را ضعیف و خوار در زمین (مکه) می‌شمردند و از مردم (مشرك) بر خود ترسان بودید که مبادا شما را (از روی زمین) برچینند، بعد از آن خدا شما را در پناه خود آورد و به یاری خود نیرومندی و نصرت به شما عطا کرد و از پاکیزه‌ترین (غنائم و) طعامها روزی شما فرمود، باشد که شکر به جای آرید.

ای کسانی که ایمان آوردید، زنده (در کار دین) با خدا و رسول و در امانتهای خود با یکدیگر خیانت مکنید در صورتی که می‌دانید.

و محققا بدانید که شما را اموال و فرزندان، فتنه و ابتلائی بیش نیست و در حقیقت اجر عظیم نزد خداست.

ای اهل ایمان، اگر خدا ترس و پرهیزکار شوید خدا به شما فرقان بخشد (یعنی دیده بصیرت دهد تا به نور باطن حق را از باطل فرق گذارید) و گناهان شما را بپوشاند و شما را بیمارزد، که خدا دارای فضل و رحمت بزرگ است.

و (به یاد آر) وقتی که کافران با تو مکر می‌کردند تا تو را به بند کشند یا به قتل رسانند یا از شهر بیرون کنند، و آنها (با تو) مکر می‌کنند خدا هم (با آنها) مکر می‌کند و خدا بهتر از هر کس مکر تواند کرد.

و چون بر آنان آیات ما تلاوت شود گویند: شنیدیم، اگر ما هم می‌خواستیم مانند آن می‌گفتیم، این چیزی جز افسانه پیشینیان نیست.

و آن‌گاه که گفتند: خدایا اگر این قرآن به راستی بر حق و از جانب توست پس یا بر سرمان سنگهایی از آسمان ببار یا ما را به عذابی دردناک گرفتار ساز!

ولی خدا تا تو (پیغمبر رحمت) در میان آنها هستی آنان را عذاب نخواهد کرد و نیز مادامی که به درگاه خدا توبه و استغفار کنند باز خدا آنها را عذاب نکند.

وَمَا لَهُمْ إِلَّا يُعَذِّبَهُمُ اللَّهُ وَهُمْ يَصُدُّونَ عَنِ الْمَسْجِدِ  
الْحَرَامِ وَمَا كَانُوا أَوْلِيَاءَهُمْ إِنْ أَوْلِيَاؤُهُمْ إِلَّا الْمُتَّقُونَ وَلَكِنَّ  
أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

وَمَا كَانَ صَلَاتُهُمْ عِنْدَ الْبَيْتِ إِلَّا مُكَاءً وَتَصَدِيَةً فَذُوقُوا  
الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنْفِقُونَ أَمْوَالَهُمْ لِيَصُدُّوا عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ  
فَسَيُنْفِقُونَهَا ثُمَّ تَكُونُ عَلَيْهِمْ حَسْرَةً ثُمَّ يُغْلَبُونَ وَالَّذِينَ  
كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ يُحْشَرُونَ

لِيَمِيزَ اللَّهُ الْخَبِيثَ مِنَ الطَّيِّبِ وَيَجْعَلَ الْخَبِيثَ بَعْضُهُ  
عَلَىٰ بَعْضٍ فَيَرْكُمَهُ جَمِيعًا فَيَجْعَلُهُ فِي جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ هُمُ  
الْخَاسِرُونَ

قُلْ لِلَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَنْتَهُوا يُغْفَرْ لَهُمْ مَا قَدْ سَلَفَ وَإِنْ  
يَعُودُوا فَقَدْ مَضَتْ سُنَّتُ الْأَوَّلِينَ

وَقَتَلُوهُمْ حَتَّىٰ لَا تَكُونَ فِئْتَةٌ وَيَكُونَ الدِّينُ كُلُّهُ لِلَّهِ  
فَإِنْ أَنْتَهُوا فَإِنَّ اللَّهَ بِمَا يَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

وَإِنْ تَوَلَّوْا فَأَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَوْلَاكُمْ نِعَمَ الْمَوْلَىٰ وَنِعَمَ  
التَّصِيرُ

و آنها چه کردند که خدا عذابشان نکند؟! در صورتی که راه  
مسجد الحرام را (به روی بندگان خدا) می‌بندند و آنها  
سرپرستان (شایسته تولیت) آن نیستند، سرپرستان آن به خدا  
جز اهل تقوا نباشند، لیکن اکثر مردم آگاه نیستند.

و نماز آنها در خانه کعبه جز صغیر و کفزدنی (که خلق را از  
خانه خدا منع می‌کند) چیزی دیگر نیست، پس (در آخرت به  
آنها خطاب شود) بجشید طعم عذاب را به کیفر آنکه به خدا  
کافر بودید.

کافران اموالشان را انفاق می‌کنند برای این مقصود که راه  
خدا را ببندند پس به زودی مالهایشان بر سر این خیال  
باطل برود و حسرتش بر دل آنها بماند و آن‌گاه مغلوب نیز  
خواهند شد، و کافران را به سوی جهنم جمعاً رهسپار  
سازند.

تا آنکه خدا پلید را از پاکیزه جدا سازد و پلیدان را بعضی با  
بعضی دیگر درآمیزد و با هم گرد آورد آن‌گاه همه را در  
آتش دوزخ افکند، که آنها زیانکاران عالمند.

(ای رسول ما) کافران را بگو که اگر (از کفر خود) دست  
کشیده و به راه ایمان بازآیند هر چه از پیش کرده‌اند  
بخشیده شود، و اگر باز (به کفر و عصیان) روی آرند سنت  
الهی درباره پیشینیان در گذشته است (یعنی حکم ازلی بر  
این قرار گرفته که مؤمنان را عزیز و بهشتی کند و کافران  
را ذلیل و دوزخی گرداند).

و (ای مؤمنان) با کافران بجنگید تا دیگر فتنه و فساد  
نماند و آیین همه دین خدا گردد، و چنانچه دست (از کفر)  
کشیدند خدا به اعمالشان بیناست.

و اگر پشت کردند، پس بدانید که البته خدا یار شماست،  
که بهترین یار و بهترین یاور است.

وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِّن شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَ لِلرَّسُولِ  
وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ إِن كُنْتُمْ  
ءَامَنْتُمْ بِاللَّهِ وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَىٰ عَبْدِنَا يَوْمَ الْفُرْقَانِ يَوْمَ التَّقَىٰ  
الْجُمُعَانَ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

إِذْ أَنْتُمْ بِالْعُدْوَةِ الدُّنْيَا وَهُمْ بِالْعُدْوَةِ الْقُصْوَىٰ وَالرَّكُوبُ  
أَسْفَلَ مِنْكُمْ وَلَوْ تَوَاعَدْتُمْ لِاخْتَلَفْتُمْ فِي الْمِيعَادِ وَلَكِن  
لِّيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا لِّيَهْلِكَ مَن هَلَكَ عَن بَيْتَةِ  
وَيَحْيَىٰ مَن حَيَّ عَن بَيْتَةِ وَإِنَّ اللَّهَ لَسَمِيعٌ عَلِيمٌ

إِذْ يُرِيكُهُمُ اللَّهُ فِي مَنَايِكَ قَلِيلًا وَلَوْ أَرْنٰكُهُمْ كَثِيرًا  
لَّفَشَلْتُمْ وَالتَّنَزَعْتُمْ فِي الْأَمْرِ وَلَكِنَّ اللَّهَ سَلَّمَ إِنَّهُ وَعَلِيمٌ  
بِذَاتِ الصُّدُورِ

وَإِذْ يُرِيكُمُوهُمْ إِذِ التَّقَيْتُمْ فِي أَعْيُنِكُمْ قَلِيلًا  
وَيُقَلِّلُكُمْ فِي أَعْيُنِهِمْ لِيَقْضِيَ اللَّهُ أَمْرًا كَانَ مَفْعُولًا وَإِلَىٰ  
اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا لَقِيتُمْ فِئَةً فَاثْبُتُوا وَاذْكُرُوا اللَّهَ  
كَثِيرًا لَّعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

۴۲

۴۳

۴۴

۴۵  
۱۵۱

و (ای مؤمنان) بدانید که هر چه غنیمت و فایده برید خمس آن خاص خدا و رسول و خویشان او و یتیمان و فقیران و در راه سفر ماندگان (از خاندان او) است، اگر به خدا و به آنچه بر بنده خود (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) در روز فرقان، روزی که دو سپاه (اسلام و کفر در جنگ بدر) روبرو شدند نازل کرده‌ایم ایمان آورده‌اید، و خدا بر هر چیز تواناست.

همان زمانی که سپاه شما در وادی نزدیک و دشمن به مکانی دور (از شهر مدینه) بود و آن کاروان (تجاری ابو سفیان) فرو دست شما قرار داشتند، و اگر این کارزار به وعده و قرار شما با دشمن مقرر می‌شد در وعده‌گاه (از خوف و اندیشه در جنگ) اختلاف می‌کردید لیکن برای آنکه حکم ازلی و قضای حتمی را که خدا مقدر فرموده اجرا سازد (این رویارویی رخ داد) تا هر که هلاک شدنی است بعد از اتمام حجت هلاک شود و هر که لایق حیات ابدی است به اتمام حجت به حیات ابدی رسد و همانا خدا شنوا و داناست.

و (یاد آر ای رسول) آن‌گاه که خدا دشمنانت را در خواب به تو اندک نشان داد (تا قویدل باشی) و اگر سپاه دشمن را بسیار به چشم تو نشان داده بود (شما مسلمانان) کاملاً هراسان و بددل شده و در امر (رفتن به جنگ) جدل و مخالفت می‌کردید، لیکن خدا (شما را از آسیب دشمن) به سلامت داشت، که او دانا و متصرف در اندیشه‌های درونی دلهای خلق است.

و (یاد آر) زمانی که خدا دشمنان را هنگامی که مقابل شدید در چشم شما کم نمودار کرد (تا از آنها نیندیشید) و شما را نیز در چشم دشمن کم نمود (تا تجهیز کامل نکنند) تا خداوند آن را که در قضای حتمی خود مقدر نموده (یعنی غلبه اسلام) اجرا فرماید، و به سوی اوست بازگشت امور.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه با فوجی (از دشمن) مقابل شدید پایداری کنید و خدا را پیوسته یاد آرید، باشد که فیروزمند و فاتح گردید.

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَا تَنزَعُوا فَتَفْشَلُوا وَتَذْهَبَ رِيحُكُمْ وَأَصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ خَرَجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ بَطْرًا وَرِئَاءَ النَّاسِ وَيَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَاللَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

وَإِذْ زَيْنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ وَقَالَ لَا غَالِبَ لَكُمْ الْيَوْمَ مِنَ النَّاسِ وَإِنِّي جَارٌ لَكُمْ فَلَمَّا تَرَأَتِ الْفِئَتَانِ نَكَصَ عَلَى عَقَبَيْهِ وَقَالَ إِنِّي بَرِيءٌ مِّنْكُمْ إِنِّي أَرَىٰ مَا لَا تَرَوْنَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ وَاللَّهُ شَدِيدُ الْعِقَابِ

إِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ غَرَّ هَؤُلَاءِ دِينُهُمْ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَإِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ يَتَوَفَّى الَّذِينَ كَفَرُوا الْمَلَائِكَةُ يَضْرِبُونَ وُجُوهَهُمْ وَأَدْبَارَهُمْ وَذُوقُوا عَذَابَ الْحَرِيقِ

ذَٰلِكَ بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيكُمْ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ

كَذَّابٍ ءَالَ فِرْعَوْنَ وَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

و همه پیرو فرمان خدا و رسول باشید و هرگز راه اختلاف و تنازع نبویید که در اثر تفرقه ترسناک و ضعیف شده و قدرت و عظمت شما نابود خواهد شد، بلکه همه باید یکدل، پایدار و صبور باشید، که خدا همیشه با صابران است.

و شما مؤمنان مانند آن کسان (یعنی کافران) نباشید که برای هوس و غرور و ریا و تظاهر از دیار خویش خارج شدند و از راه خدا منع می‌کنند. و (بترسند که) علم خدا به هر چه کنند محیط است.

و (یاد آر) آن گاه که شیطان کردار (زشت) آنان را در نظرشان زیبا نمود و گفت: امروز احدی از مردم بر شما غالب نخواهد گشت و من هنگام سختی یار و فریادرس شما خواهم بود (و بدین سخنان کفار قریب را مغرور کرد) تا آن‌گاه که دو سپاه (اسلام و کفر) روبرو شدند شیطان پای به فرار گذاشت و گفت که من از شما بیزارم، من قوایی (از فرشتگان آسمان) می‌بینم که شما نمی‌بینید و من از خدا می‌ترسم، و عقاب خداوند بسیار سخت است.

و (یاد آر) آن‌گاه که منافقان و بیماردلان با هم می‌گفتند که این مسلمین به دین خود مغرور و فریفته‌اند، و حال آنکه هر کس بر خدا توکل کند خدا غالب مقتدر و داناست.

و اگر بنگری سختی حال کافران را هنگامی که فرشتگان جان آنها را می‌گیرند و بر روی و پشت آنها می‌زنند و (می‌گویند) بچشید طعم عذاب سوزنده را!!

این عقوبت اعمال زشتی است که به دست خویش فرستادید و خدا به هیچ یک از بندگان هرگز کمترین ستم نخواهد کرد.

همان‌طور که خوی فرعونیان و کافران پیش از زمان آنها بر این بود که به آیات خدا کافر شدند، خدا هم آنان را به کیفر گناهانشان بگرفت، که همانا خدا توانا و سخت‌کیفر است.

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ لَمْ يَكُ مُغَيِّرًا نِعْمَةً أَنْعَمَهَا عَلَىٰ قَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

این (عذاب) از آن جهت است که خدا بر آن نیست که نعمتی را که به قومی عطا کرد تغییر دهد تا وقتی که آن قوم حال خود را تغییر دهند، و خدا شنوا و داناست.

همانطور که خوی فرعونیان و کافران پیش از آنان بر این بود که آیات خدای خود را تکذیب کردند ما هم آنها را به کیفر گناهانشان هلاک نمودیم و فرعونیان را غرق کردیم و همه آنان که هلاک نمودیم ظالم و ستمکار بودند.

بدترین جانوران نزد خدا آنان هستند که کافر شدند و ابدایمان نخواهند آورد.

کسانی از آنان که با آنان عهد بستنی (مانند یهود بنی قریظه) آنگاه عهد خود را در هر مرتبه می‌شکنند و راه تقوا نمی‌یابند.

پس چون بر آنان دست یابی چندان به تهدید و مجازات آنان پرداز که پیروانشان را پراکنده سازی، باشد که متذکر شوند.

و چنانچه از خیانتکاری گروهی (از معاهدین خود) سخت می‌ترسی در این صورت تو نیز با حفظ عدل و درستی، عهد آنها را نقض کن، که خدا خیانتکاران را دوست نمی‌دارد.

کافران هرگز نپندارند که پیش افتادند، (نه) هرگز (خدا و رسول خدا را) زبون نتوانند کرد.

و شما (ای مؤمنان) در مقام مبارزه با آن کافران خود را مهیا کنید و تا آن حد که بتوانید از آذوقه و تسلیحات و آلات جنگی و اسبان سواری زمین کرده برای تهدید و تخویف دشمنان خدا و دشمنان خودتان فراهم سازید و نیز برای قوم دیگری که شما بر (دشمنی) آنان مطلع نیستید (مراد منافقانند که ظاهراً مسلم و باطنا کافر محض‌اند) و خدا بر آنها آگاه است. و آنچه در راه خدا صرف می‌کنید خدا تمام و کامل به شما عوض خواهد داد و هرگز به شما ستم نخواهد شد.

و اگر دشمنان به صلح و مسالمت تمایل داشتند تو نیز مایل به صلح باش و کار خود به خدا واگذار که خدا شنوا و داناست.

كَذَابِ آلِ فِرْعَوْنَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَذَّبُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ فَأَهْلَكْنَاهُمْ بِذُنُوبِهِمْ وَأَغْرَقْنَا آلَ فِرْعَوْنَ وَكُلُّ كَاثِرٍ ظَلِيمٍ

إِنَّ شَرَّ الدَّوَابِّ عِنْدَ اللَّهِ الَّذِينَ كَفَرُوا فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

الَّذِينَ عَاهَدتَّ مِنْهُمْ ثُمَّ يَنْقُضُونَ عَهْدَهُمْ فِي كُلِّ مَرَّةٍ وَهُمْ لَا يَتَّقُونَ

فَمَا تَتَّقَتَّهُمْ فِي الْحَرْبِ فَشَرِدْ بِهَم مِّن خَلْفَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَدْكُرُونَ

وَمَا تَخَافَنَّ مِن قَوْمٍ خِيَانَةً فَأَنْبِذْ إِلَيْهِمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْخَائِبِينَ

وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا سَبَقُوا إِنَّهُمْ لَا يُعْجِزُونَ

وَأَعِدُّوا لَهُمْ مَا اسْتَطَعْتُمْ مِّن قُوَّةٍ وَمِن رِّبَاطِ الْخَيْلِ تُرْهَبُونَ بِهِ ۚ عَدُوُّ اللَّهِ وَعَدُوُّكُمْ وَعَدُوِّكُمْ مِّن دُونِهِمْ لَا تَعْلَمُونَهُمُ اللَّهُ يَعْلَمُهُمْ ۚ وَمَا تُنْفِقُوا مِن شَيْءٍ فِي سَبِيلِ اللَّهِ يُوَفَّ إِلَيْكُمْ وَأَنْتُمْ لَا تُظْلَمُونَ

وَإِن جَنَحُوا لِلسَّلْمِ فَاجْنَحْ لَهَا وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ



وَإِنْ يُرِيدُوا أَنْ يَخْدَعُوكَ فَإِنَّ حَسْبَكَ اللَّهُ هُوَ الَّذِي أَيْدَكَ  
بِنَصْرِهِ وَبِالْمُؤْمِنِينَ

و اگر دشمنان به فکر فریب دادن تو باشند البته خدا تو را  
کفایت خواهد کرد، اوست که به نصرت خود و یاری مؤمنان  
تو را مؤید و منصور گردانید.

وَأَلْفَ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ لَوْ أَنْفَقْتَ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مَّا  
أَلْفَتْ بَيْنَ قُلُوبِهِمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ أَلْفَ بَيْنَهُمْ إِنَّهُ عَزِيزٌ  
حَكِيمٌ

و الفت داد دل‌های مؤمنان را، دل‌هایی که اگر تو با تمام ثروت  
روی زمین می‌خواستی میان آنها الفت دهی نتوانستی، لیکن  
خدا تألیف قلوب آنها کرد که او مقتدر و داناست.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَسْبُكَ اللَّهُ وَمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ای رسول، خدا تو را کفایت است و مؤمنانی که پیروان  
تواند.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ حَرِّضَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى الْقِتَالِ إِنْ يَكُنْ  
مِنْكُمْ عَشْرُونَ صَبِرُونَ يَغْلِبُوا مِائَتِينَ وَإِنْ يَكُنْ  
مِنْكُمْ مِائَةٌ يَغْلِبُوا أَلْفًا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا  
يَفْقَهُونَ

ای رسول، مؤمنان را بر جنگ ترغیب کن که اگر بیست نفر  
از شما صبور و پایدار باشند بر دویست نفر غالب خواهند  
شد و اگر صد نفر بوده بر هزار نفر از کافران غلبه خواهند  
کرد، زیرا آنها گروهی بی‌دانشند.

أَلَكُنْ خَفَّفَ اللَّهُ عَنْكُمْ وَعَلِمَ أَنَّ فِيكُمْ ضَعْفًا فَإِنْ  
يَكُنْ مِنْكُمْ مِائَةٌ صَابِرَةٌ يَغْلِبُوا مِائَتَيْنِ وَإِنْ يَكُنْ  
مِنْكُمْ أَلْفٌ يَغْلِبُوا أَلْفِينَ بِإِذْنِ اللَّهِ وَاللَّهُ مَعَ الصَّابِرِينَ

اکنون (پس از جنگ بدر) خدا بر شما تخفیف داد و معلوم  
کرد که در شما ضعف (ایمان) راه یافته، پس اگر صد نفر از  
شما صبور و پایدار باشند بر دویست نفر و اگر هزار، بر دو  
هزار آنان به اذن خدا غالب خواهند شد، و خدا با صابران  
است.

مَا كَانَ لِنَبِيِّ أَنْ يَكُونَ لَهُ سَرَى لَهُ حَتَّى يُثَخِّنَ فِي الْأَرْضِ  
تُرِيدُونَ عَرَضَ الدُّنْيَا وَاللَّهُ يُرِيدُ الْآخِرَةَ وَاللَّهُ عَزِيزٌ  
حَكِيمٌ

هیچ پیغمبری را روا نباشد که اسیران جنگی بگیرد (تا از  
آنان فدا گرفته و آنان را رها کند) مگر تا زمانی که خون  
(ناپاکان را) در زمین بسیار بریزد. شما (ای اصحاب رسول)  
متاع دنیا را می‌خواهید و خدا آخرت را می‌خواهد، و خدا  
مقتدر و کارش همه از روی حکمت است.

لَوْلَا كِتَابٌ مِنَ اللَّهِ سَبَقَ لَمَسَّكُمْ فِيمَا أَخَذْتُمْ عَذَابٌ  
عَظِيمٌ

اگر نبود حکم سابق از خدا (که بر پیغمبر اسلام فدا و غنایم  
را روا دانست) همانا در آنچه (از آن اسیران) گرفتید به  
شما عذاب سخت رسیده بود.

فَكُلُوا مِمَّا غَنِمْتُمْ حَلَالًا طَيِّبًا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ  
رَحِيمٌ

پس اکنون از هر چه غنیمت گرفتید بخورید حلال و گوارای  
شما باد، و خداترس و پرهیزکار باشید، که خدا آمرزنده و  
مهربان است.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلُوبًا لِّمَن فِي أَيْدِيكُمْ مِّنَ الْأَسْرَىٰ إِن يَعْلَمِ  
اللَّهُ فِي قُلُوبِكُمْ خَيْرًا يُؤْتِكُمْ خَيْرًا مِّمَّا أَخَذَ مِنْكُمْ  
وَيَغْفِرَ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَإِن يُرِيدُوا خِيَانَتَكَ فَقَدْ خَانُوا اللَّهَ مِن قَبْلُ فَأَمْكَنَ  
مِنْهُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ ءَاوُوا وَالَّذِينَ ءَوْلَيْكَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ  
بَعْضٍ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَمْ يُهَاجِرُوا مَا لَكُمْ مِّنْ وَلِيَّتِهِم  
مِّن شَيْءٍ حَتَّىٰ يُهَاجِرُوا ۚ وَإِنِ اسْتَنْصَرُوكُمْ فِي الدِّينِ  
فَعَلَيْكُمْ النَّصْرُ ۗ إِلَّا عَلَىٰ قَوْمٍ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَهُمْ مِّيثَاقٌ ۗ وَاللَّهُ  
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۗ إِلَّا تَفْعَلُوهُ تَكُنْ  
فِتْنَةٌ فِي الْأَرْضِ وَفَسَادٌ كَبِيرٌ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ  
ءَاوُوا وَنَصَرُوا أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُؤْمِنُونَ حَقًّا لَهُمْ مَّغْفِرَةٌ  
وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْ بَعْدِ وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا مَعَكُمْ  
فَأُولَٰئِكَ مِنْكُمْ وَأُولُوا الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي  
كِتَابِ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

۷۱

۷۲

۷۳

۷۴

۷۵

ای رسول، به اسیرانی که در دست شما مسلمین اند بگو که اگر خدا در دل شما خیر و هدایتی مشاهده کند (و ایمان آرید) در مقابل آنچه از شما گرفته شده بهتر از آن را عطا می‌کند و از گناهان شما می‌گذرد که خدا آمرزنده و مهربان است.

و اگر قصد خیانت با تو دارند پیش از این با خدا هم خیانت کردند و خدا (تو را) بر آنها تمکین و تسلط داد و خدا دانا و درستکار است.

آنان که به خدا ایمان آوردند و از وطن خود هجرت نمودند و در راه خدا با مال و جانشان کوشش و فداکاری کردند (یعنی مهاجرین مکه) و هم آنان که (به مهاجرین) منزل دادند و یاری کردند (یعنی انصار مدینه) آنها دوستدار و مددکار یکدیگرند و آنهایی که ایمان آورده‌اند لیکن مهاجرت نکرده‌اند هرگز شما دوستدار و طرفدار آنها نباشید تا وقتی که هجرت گزینند، ولی اگر از شما در کار دین و پیشرفت اسلام مدد خواستند بر شماست که آنها را یاری کنید مگر آنکه با قومی که با شما عهد و پیمان (مسالمت) بسته‌اند به خصومت برخیزند. و خدا به هر چه می‌کنید بیناست.

آنان که کافر شدند نیز دوستدار و مددکار یکدیگرند و شما مسلمین اگر آن را (که خدا دستور داده از اتفاق و اخوت و غیره) کار نبندید همانا فتنه و فساد بزرگ روی زمین رخ خواهد داد.

و آنان که ایمان آوردند و هجرت گزیدند و در راه خدا کوشش و جانفشانی کردند و هم آنان که (مهاجران را با فداکاری) منزل دادند و یاری کردند آنها به حقیقت اهل ایمانند و هم آمرزش خدا و روزی نیکوی بهشتی مخصوص آنهاست.

و آنان که بعد از شما ایمان آوردند و (یا بعد از صلح حدیبیه) هجرت گزیدند و به اتفاق شما جهاد کردند آنها نیز از شما مؤمنان هستند، و ارث مراتب خویشاوندان در کتاب خدا بعضی بر بعضی دیگر مقدم شده [یعنی قانون ارث بردن برادران دینی از یکدیگر، نسخ شده است. (۴)]، که خدا به هر چیز داناست.

بَرَاءَةٌ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

فَسِيحُوا فِي الْأَرْضِ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ وَاعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ  
مُعْجِزِي اللَّهِ وَأَنَّ اللَّهَ مُحْزِي الْكَافِرِينَ

وَأَذِّنْ مِّنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ إِلَى النَّاسِ يَوْمَ الْحَجِّ الْأَكْبَرِ أَنَّ  
اللَّهَ بَرِيءٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ وَرَسُولُهُ فَإِنْ تُبْتُمْ فَهُوَ خَيْرٌ  
لَّكُمْ وَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّكُمْ غَيْرُ مُعْجِزِي اللَّهِ  
وَبَشِّرِ الَّذِينَ كَفَرُوا بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ثُمَّ لَمْ يَنْقُصُوكُمْ شَيْئًا  
وَلَمْ يُظَاهِرُوا عَلَيْكُمْ أَحَدًا فَأَتِمُّوا إِلَيْهِمْ عَهْدَهُمْ إِلَى  
مُدَّتِهِمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

فَإِذَا أُنْسِلَخَ الْأَشْهُرُ الْحُرْمُ فَاقْتُلُوا الْمُشْرِكِينَ حَيْثُ  
وَجَدْتُمُوهُمْ وَخُذُوهُمْ وَأَحْصُرُوهُمْ وَأَقْعُدُوا لَهُمْ كُلَّ مَرْصَدٍ  
فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ فَخَلُّوا سَبِيلَهُمْ إِنَّ  
اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَإِنْ أَحَدٌ مِّنَ الْمُشْرِكِينَ اسْتَجَارَكَ فَأَجِرْهُ حَتَّى يَسْمَعَ  
كَلِمَ اللَّهِ ثُمَّ ابْلِغْهُ مَأْمَنَهُ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْلَمُونَ

این اعلام بیزاری خدا و رسول اوست به مشرکانی که شما  
مسلمین با آنان عهد بسته‌اید (و آنان عهد شکستند).

پس به شما مشرکان تا چهار ماه دیگر مهلت داده می‌شود که  
در زمین (مکه) گردش و آسایش کنید، و بدانید که شما بر  
قدرت خدا غالب نخواهید شد و همانا خدا کافران را خوار و  
ذلیل خواهد کرد.

و در بزرگترین روز حج (روز عرفه یا روز عید که همه در  
مکه جمعند یا در آن روز که مؤمنان و مشرکان همه به مکه  
حاضرند) خدا و رسولش به مردم اعلام می‌دارند که خدا و  
رسول از مشرکین بیزارند. پس اگر شما مشرکان توبه  
کردید برایتان بسی بهتر خواهد بود، و اگر رو بگردانید  
بدانید که شما بر قدرت خدا غالب نیایید، و مژده عذابی  
دردناک به آن کافران برسان.

مگر آن گروه از مشرکان که با آنها عهد بسته‌اید و هیچ عهد  
شما نشکستند و هیچ یک از دشمنان شما را یاری نکرده  
باشند، پس با آنها تا مدتی که مقرر داشته‌اید عهد نگاه  
دارید، که خدا متقیان را دوست می‌دارد.

پس چون ماههای حرام (ذیقعه، ذیحجه، محرم و رجب که  
مدت امان است) درگذشت آن‌گاه مشرکان را هر جا یابید به  
قتل برسانید و آنها را دستگیر و محاصره کنید و هر سو در  
کمین آنها باشید، چنانچه توبه کرده و نماز به پا داشتند و  
زکات دادند پس از آنها دست بردارید، که خداوند بسیار  
آمرزنده و مهربان است.

و اگر یکی از مشرکان به تو پناه آورد (که از دین آگاه شود)  
بدو پناه ده تا کلام خدا بشنود و پس از شنیدن سخن خدا  
او را به مأمن و منزلش برسان، زیرا که این مشرکان مردمی  
نادانند.

كَيْفَ يَكُونُ لِلْمُشْرِكِينَ عَهْدٌ عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ رَسُولِهِ  
إِلَّا الَّذِينَ عَاهَدْتُمْ عِنْدَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ فَمَا اسْتَقَمُوا  
لَكُمْ فَاسْتَقِيمُوا لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُتَّقِينَ

كَيْفَ وَإِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ لَا يَرْقُبُوا فِيكُمْ إِلَّا وَلَا  
ذِمَّةً يُرْضُونَكُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ وَتَأْبَىٰ قُلُوبُهُمْ وَأَكْثَرُهُمْ  
فَلْسِقُونَ

أَشْتَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا فَصَدَّوْا عَنْ سَبِيلِهِ إِنَّهُمْ  
سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

لَا يَرْقُبُونَ فِي مُؤْمِنٍ إِلَّا وَلَا ذِمَّةً وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُعْتَدُونَ

فَإِنْ تَابُوا وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَعَآتُوا الزَّكَاةَ فَإِخْوَانُكُمْ فِي  
الدِّينِ وَنُفِصِلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

وَإِنْ نَكَثُوا أَيْمَانَهُمْ مِّنْ بَعْدِ عَهْدِهِمْ وَطَعَنُوا فِي دِينِكُمْ  
فَقَتَلُوا أَيْمَةَ الْكُفْرِ إِنَّهُمْ لَا أَيْمَانَ لَهُمْ لَعَلَّهُمْ يَنْتَهُونَ

أَلَا تَقْتُلُونَ قَوْمًا نَّكَثُوا أَيْمَانَهُمْ وَهَمُّوا بِإِخْرَاجِ الرَّسُولِ  
وَهُمْ بَدَءُوكُمْ أُولَٰئِكَ أَلَّخَشُونَهُمْ فَأَلَلَّ اللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَوْهُ إِنْ  
كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

۸

۹

۱۰

۱۱

۱۲

۱۳

چگونه با مشرکانی که عهد خدا و رسول شکستند خدا و رسولش عهد آنان نگه دارند؟ لیکن با آن مشرکان که در مسجد الحرام عهد بسته‌اید تا زمانی که آنها بر عهد خود پایدارند شما هم عهد آنها را بپایید، که خدا متقیان را دوست می‌دارد.

چگونه (با مشرکان عهدشکن وفای به عهد توان کرد) در صورتی که آنها اگر بر شما ظفر یابند مراعات هیچ علاقه خویشی و عهد و پیمان را نخواهند کرد! به زبان‌بازی و سخنان فریبنده شما را خشنود می‌سازند در صورتی که در دل جز کینه شما ندارند و بیشتر آنان فاسق و نابکارند.

آنان آیات کتاب خدا را به بهایی اندک فروختند تا آنکه راه خدا را (به روی خلق) بستند، همانا بسیار بد می‌کرده‌اند.

آنان در حق اهل ایمان هیچ مراعات حق خویشی یا عهد و پیمان را نمی‌کنند و هم آنها بسیار متعدی و ستمکارند.

پس اگر توبه کرده و نماز به پا داشتند و زکات مال دادند در این صورت برادر دینی شما نیستند. و ما آیات خود را برای اهل دانش و معرفت مفصلاً بیان می‌کنیم.

و اگر آنها سوگند خود را بعد از عهدی که بسته‌اند بشکنند و در دین شما تمسخر و طعن زنند در این صورت با آن پیشوایان کفر و ضلالت کارزار کنید که آنها را عهد و سوگند استواری نیست، باشد که بس کنند.

آیا با قومی که عهد و پیمان خود را شکستند و اهتمام کردند که رسول خدا را (از شهر و وطن خود) بیرون کنند قتال و کار زار نمی‌کنید؟ در صورتی که آنها اول بار به دشمنی و قتال شما برخاستند، آیا از آنها ترس و اندیشه دارید؟ و حال آنکه سزاوارتر آن است که از خدا بترسید اگر اهل ایمانید.

قَتَلُوهُمْ يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ بِأَيْدِيكُمْ وَيُخْزِهِمْ وَيَنْصُرْكُمْ عَلَيْهِمْ وَيَشْفِ صُدُورَ قَوْمٍ مُّؤْمِنِينَ

وَيَذْهَبُ غَيْظُ قُلُوبِهِمْ وَيَتُوبُ اللَّهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

أَمْ حَسِبْتُمْ أَنْ تُتْرَكُوا وَلَمَّا يَعْلَمِ اللَّهُ الَّذِينَ جَاهَدُوا مِنْكُمْ وَلَمْ يَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ وَلَا رَسُولِهِ وَلَا الْمُؤْمِنِينَ وَلِيجَةً وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

مَا كَانَ لِلْمُشْرِكِينَ أَنْ يَعْمُرُوا مَسْجِدَ اللَّهِ شَاهِدِينَ عَلَىٰ أَنْفُسِهِم بِالْكَفْرِ أُولَٰئِكَ حَبِطَتْ أَعْمَالُهُمْ فِي النَّارِ هُمْ خَالِدُونَ

إِنَّمَا يَعْمُرُ مَسْجِدَ اللَّهِ مَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَأَقَامَ الصَّلَاةَ وَءَاتَى الزَّكَاةَ وَلَمْ يَخْشَ إِلَّا اللَّهَ فَعَسَىٰ أُولَٰئِكَ أَنْ يَكُونُوا مِنَ الْمُهْتَدِينَ

أَجَعَلْتُمْ سِقَايَةَ الْحَاجِّ وَعِمَارَةَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ كَمَنْ ءَامَنَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَجَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهَاجَرُوا وَجَاهَدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَائِزُونَ

شما (ای اهل ایمان) با آن کافران به قتال و کارزار برخیزید تا خدا آنان را به دست شما عذاب کند و خوار گرداند و شما را بر آنها منصور و غالب نماید و دلهای (پر درد و غم) گروهی اهل ایمان را (به فتح و ظفر بر کافران) شفا بخشد.

و تا خشم دلهای آنان فرونشاند، و خدا بر هر که می‌خواهد به لطف و رحمت باز می‌گردد و خداوند دانا و درستکار است.

آیا چنین می‌پندارید که شما را (بدون آزمایش) به حال خود رها می‌کنند در صورتی که هنوز خدا معلوم نگردانیده که از شما چه کسانی اهل مجاهده‌اند و جز خدا و رسول و مؤمنان را هرگز دوست خود و همراز خویش نگزیده‌اند، و خدا از همه کردار شما آگاه است.

مشرکان را نرسد که مساجد خدا را تعمیر کنند در صورتی که بر کفر خود گواهند. اینانند که اعمالشان نابود خواهد شد و در آتش دوزخ جاوید معذب خواهند بود.

منحصراً تعمیر مساجد خدا به دست کسانی است که به خدا و روز قیامت ایمان آورده و نماز به پا دارند و زکات مال خود بدهند و از غیر خدا ترسند، پس امید است که از هدایت‌یافتگان راه خدا باشند.

آیا رتبه سقایت و آب دادن به حاجیان (یعنی مقام عباس) و تعمیر کردن مسجد الحرام (یعنی مقام شیبه) را با (مقام) آن کس که به خدا و به روز قیامت ایمان آورده و در راه خدا جهاد کرده (چون علی علیه السلام) یکسان شمیرید؟ هرگز آنان نزد خدا یکسان نخواهند بود، و خدا ظالمان را هدایت نخواهد کرد.

آنان که ایمان آوردند و از وطن هجرت گزیدند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند آنها را نزد خدا مقام بلندتری است و آنان بالخصوص رستگاران و سعادت‌مندان دو عالمند.

يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُم بِرَحْمَةٍ مِّنْهُ وَرِضْوَانٍ وَجَنَّتِ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُّقِيمٌ

پروردگارشان آنان را به رحمت بی‌منتهای خود و به مقام رضا و خشنودی خویش و به بهشت‌هایی که در آنجا آنها را نعمت جاودانی است بشارت دهد.

۲۲

خَلِيدِينَ فِيهَا أَبَدًا إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

در آن بهشت ابدی همیشه متنعم خواهند بود، که نزد خدا پاداشی بزرگ است.

۲۳

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَتَّخِذُوا آبَاءَكُمْ وَإِخْوَانَكُمْ أَوْلِيَاءَ إِنِ اسْتَحَبُّوا الْكُفْرَ عَلَى الْإِيمَانِ وَمَنْ يَتَوَلَّهُمْ مِنكُمْ فَأُولَئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

ای اهل ایمان، شما پدران و برادران خود را نباید دوست بگیرید اگر که آنها کفر را بر ایمان بگزینند، و هر کس از شما آنان را دوست گیرد چنین کسانی بی‌شک ستمکارند.

۲۴

قُلْ إِن كَانَ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ وَإِخْوَانُكُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ وَعَشِيرَتُكُمْ وَأَمْوَالٌ أُقْتَرَفْتُمُوهَا وَتِجَارَةٌ تَخْشَوْنَ كَسَادَهَا وَمَسَاكِينُ تَرْضَوْنَهَا أَحَبَّ إِلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَرَسُولِهِ وَجِهَادٍ فِي سَبِيلِهِ فَتَرَبَّصُوا حَتَّى يَأْتِيَ اللَّهُ بِأَمْرٍ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

(ای رسول ما امت را) بگو که اگر شما پدران و پسران و برادران و زنان و خویشاوندان خود و اموالی که جمع آورده‌اید و مال‌التجاره‌ای که از کسادی آن بیمناکید و منازلی را که به آن دل خوش داشته‌اید بیش از خدا و رسول و جهاد در راه او دوست می‌دارید منتظر باشید تا خدا امر خود را جاری سازد (و اسلام را بر کفر غالب و فاتح گرداند و شما دنیاطلبان بدکار از فعل خود پشیمان و زیانکار شوید) و خدا فساق و بدکاران را هدایت نخواهد کرد.

۲۵  
۱۵۹۹

لَقَدْ نَصَرَكُمُ اللَّهُ فِي مَوَاطِنَ كَثِيرَةٍ وَيَوْمَ حُنَيْنٍ إِذْ أَعْجَبْتَكُمْ كَثَرْتُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَضَاقَتْ عَلَيْكُمُ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَلَّيْتُم مُّدْبِرِينَ

همانا خدا شما مسلمین را در مواقعی بسیار یاری کرد و نیز در جنگ حنین که فریفته و مغرور بسیاری لشکر اسلام شدید و آن لشکر زیاد اصلا به کار شما نیامد و زمین بدان فراخی بر شما تنگ شد تا آنکه همه رو به فرار نهادید.

۲۶

ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَنْزَلَ جُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا وَعَذَّبَ الَّذِينَ كَفَرُوا وَذَلِكَ جَزَاءُ الْكَافِرِينَ

آن‌گاه خدا وقار و سکینه خود را (یعنی شکوه و سطوت و جلال ربّانی را) بر رسول خود و بر مؤمنان نازل فرمود و لشکرهایی (از فرشتگان) که شما نمی‌دیدید (به مدد شما) فرستاد و کافران را (پس از آنکه غالب و قاهر بودند) به عذاب و ذلت افکند، و این است کیفر کافران.

ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

آن‌گاه خدا بعد از آن واقعه (جنگ حنین) از سر تقصیر هر که می‌خواهد (از مؤمنانی که فرار کرده هر که توبه نمود، و از کافران هر که ایمان آورد) در می‌گذرد و خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا ۖ وَإِنْ خِفْتُمْ عَيْلَةً فَسَوْفَ يُغْنِيكُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ إِنْ شَاءَ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، محققا بدانید که مشرکان نجس و پلیدند و بعد از این سال (که عهدشان به پایان می‌رسد) نباید قدم به مسجد الحرام گذارند و اگر (در اثر دور شدن تجارت و ثروت آنها از شما) از فقر می‌ترسید خدا اگر بخواهد شما را به فضل خود (از خلق و از مشرکان) بی‌نیاز خواهد کرد، که خدا دانا و در کمال عنایت و حکمت است.

قَاتِلُوا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَلَا بِالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَا يُحَرِّمُونَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ ۖ وَلَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ مِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ حَتَّىٰ يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَن يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ

(ای اهل ایمان) با هر که از اهل کتاب (یهود و نصاری) که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و آنچه را خدا و رسولش حرام کرده حرام نمی‌دانند و به دین حق (و آیین اسلام) نمی‌گروند قتال و کارزار کنید تا آن‌گاه که با دست خود با ذلت و تواضع جزیه دهند.

وَقَالَتِ الْيَهُودُ عُزَيْرٌ ابْنُ اللَّهِ وَقَالَتِ النَّصْرَى الْمَسِيحُ ابْنُ اللَّهِ ۗ ذَٰلِكَ قَوْلُهُمْ بِأَفْوَاهِهِمْ ۗ يُضْلَهُونَ قَوْلَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ قَتَلَهُمُ اللَّهُ ۗ أَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ

و یهود گفتند: عَزْرِي پسر خداست و نصاری گفتند: مسیح پسر خداست! این سخنی است که تنها بر زبان می‌رانند و با گفتار و کیش کافران مشرک پیشین نزدیکی و مشابهت دارند، خدا آنها را هلاک و نابود کند! آنان را (از حق) به کجا می‌گردانند؟!

اتَّخَذُوا أَحْبَابَهُمْ وَرُهْبَانَهُمْ أَرْبَابًا مِّن دُونِ اللَّهِ وَالْمَسِيحَ ابْنَ مَرْيَمَ وَمَا أُمُّرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا إِلَهًا وَاحِدًا ۗ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ سُبْحٰنَهُ عَمَّا يُشْرِكُونَ

علماء و راهبان خود را (از نادانی) به مقام ربوبیت شناخته و خدا را نشناختند و نیز مسیح پسر مریم را (که متولد از مادر معین و حادث و مخلوق خداست) به الوهیت گرفتند در صورتی که مأمور نبودند جز آنکه خدای یکتایی را پرستش کنند که جز او خدایی نیست، که منزّه و برتر از آن است که با او شریک قرار می‌دهند.

يُرِيدُونَ أَنْ يُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَيَأْبَى اللَّهُ إِلَّا أَنْ يُتِمَّ نُورَهُ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَىٰ وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ كَثِيرًا مِّنَ الْأَحْبَارِ وَالرُّهْبَانِ لِيَآكُلُونَ أَمْوَالَ النَّاسِ بِالْبَاطِلِ وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالَّذِينَ يَكْنِزُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَنْفِقُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

يَوْمَ يُحْمَىٰ عَلَيْهَا فِي نَارِ جَهَنَّمَ فَتُكْوَىٰ بِهَا جِبَاهُهُمْ وَجُنُوبُهُمْ وَظُهُورُهُمْ هَذَا مَا كَنَزْتُمْ لِأَنفُسِكُمْ فَذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْنِزُونَ

إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ مِنْهَا أَرْبَعَةٌ حُرْمٌ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ فَلَا تَظْلِمُوا فِيهِنَّ أَنفُسِكُمْ وَقَتِلُوا الْمُشْرِكِينَ كَافَّةً كَمَا يُقْتَلُونَكُم كَافَّةً وَعَلِمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

کافران می‌خواهند که نور خدا را با دهانشان (به نفس تیره و گفتار جاهلانه خود) خاموش کنند و خدا نگذارد تا آنکه نور خود را در منتهای ظهور و حد اعلای کمال برساند هر چند کافران ناراضی و مخالف باشند.

اوست خدایی که رسول خود را به هدایت و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان عالم تسلط و برتری دهد هر چند مشرکان ناراضی و مخالف باشند.

ای اهل ایمان، بسیاری از علماء و راهبان (یهود و نصاری) اموال مردم را به باطل طعمه خود می‌کنند و (خلق را) از راه خدا منع می‌کنند و کسانی که طلا و نقره را گنجینه و ذخیره می‌کنند و در راه خدا انفاق نمی‌کنند آنها را به عذابی دردناک بشارت ده.

روزی که آن طلا و نقره ذخائرشان در آتش دوزخ گداخته شود و پیشانی و پشت و پهلویشان را به آن داغ کنند (و فرشتگان عذاب به آنها گویند) این است نتیجه آنچه بر خود ذخیره کردید، اکنون بچشید (آتش حسرت و عذاب) همان سیم و زری که اندوخته می‌کردید.

همانا عدد ماههای سال نزد خدا در کتاب (تکوین و تشریح) خدا دوازده ماه است از آن روزی که خدا آسمان و زمین را بیافرید و از آن دوازده ماه چهار ماه ماههای حرام است (نزد اکثر مفسرین آن چهار ماه ذیقعد و ذیحجه و محرم و رجب است) این است دین استوار و محکم، پس در آن ماهها ظلم و ستم (به جنگ و خونریزی) در حق خود و یکدیگر مکنید و متفقا همه با مشرکان قتال و کارزار کنید چنانکه مشرکان نیز همه متفقا با شما به جنگ و خصومت برمی‌خیزند و بدانید که خدا با اهل تقواست.



إِنَّمَا النَّسِيءُ زِيَادَةٌ فِي الْكُفْرِ يُضَلُّ بِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا  
يُحِلُّونَهُ عَامًا وَيُحَرِّمُونَهُ عَامًا لِيُوَاطِّئُوا عِدَّةَ مَا حَرَّمَ اللَّهُ  
فِيحِلُّوا مَا حَرَّمَ اللَّهُ زَيْنَ لَهُمْ سُوءَ أَعْمَلِهِمْ وَاللَّهُ لَا  
يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا مَا لَكُمْ إِذَا قِيلَ لَكُمْ أَنْفِرُوا فِي  
سَبِيلِ اللَّهِ أَتَأْقَلْتُمْ إِلَى الْأَرْضِ أَرْضَيْتُمْ بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا مِنَ  
الْآخِرَةِ فَمَا مَتَعُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا فِي الْآخِرَةِ إِلَّا قَلِيلٌ

إِلَّا تَنْفِرُوا يُعَذِّبْكُمْ عَذَابًا أَلِيمًا وَيَسْتَبَدِلَ قَوْمًا غَيْرَكُمْ  
وَلَا تَصْرُوهُ شَيْئًا وَاللَّهُ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

إِلَّا تَنْصُرُوهُ فَقَدْ نَصَرَهُ اللَّهُ إِذْ أَخْرَجَهُ الَّذِينَ كَفَرُوا ثَانِيًا  
أَثْنَيْنِ إِذْ هُمَا فِي الْغَارِ إِذْ يَقُولُ لِصَاحِبِهِ لَا تَحْزَنْ إِنَّ اللَّهَ  
مَعَنَا فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَيْهِ وَأَيَّدَهُ بِجُنُودٍ لَمْ تَرَوْهَا  
وَجَعَلَ كَلِمَةَ الَّذِينَ كَفَرُوا السُّفْلَىٰ وَكَلِمَةُ اللَّهِ هِيَ الْعُلْيَا  
وَاللَّهُ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

نسیء (یعنی ماهی را تغییر و تبدیل کردن به ماهی دیگر و حکم ماه حرامی را در هر سه سال، سالی ده روز به ماهی متأخر انداختن که بدعت زمان جاهلیت بود) افزایش در کفر است که کافران را بدان به جهل و گمراهی کشند، سالی ماه حرام را حلال می‌شمردند و سالی دیگر حرام تا بدین وسیله با عده ماههایی که خدا حرام کرده سازگاری و برابری داشته باشند و حرام خدا را حلال گردانند. اعمال زشت آنها در نظرشان زیبا نمود، و خدا هرگز کافران را هدایت نخواهد کرد.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، جهت چیست که چون به شما امر شود که برای جهاد در راه خدا بی‌درنگ خارج شوید (چون بار گران) به خاک زمین سخت دل بسته‌اید؟ آیا راضی به زندگانی دنیا عوض آخرت شده‌اید؟ در صورتی که متاع دنیا در پیش عالم آخرت اندکی بیش نیست.

اگر بیرون نشوید خدا شما را به عذابی دردناک معذب خواهد کرد و قومی دیگر به جای شما برمی‌گمارد و شما به خدا زبانی نمی‌رسانید، و خدا بر هر چیز تواناست.

اگر شما او را (یعنی رسول خدا را) یاری نکنید البته خداوند او را یاری کرد هنگامی که کافران او را که یکی از دو تن بود (از مکه) بیرون کردند، آن‌گاه که در غار بودند (و خدا بر در غار کوه پرده عنکبوتان و آشیانه کبوتران گماشت تا دشمنان که به عزم کشتنش آمده بودند او را نیافتند) و آن‌گاه که او به رفیق و همسفر خود (ابو بکر که پریشان و مضطرب بود) می‌گفت: مترس که خدا با ماست. آن زمان خدا وقار و آرامش خاطر خود را بر او فرستاد و او را به سپاه و لشکرهای غیبی خود که شما آنان را ندیدید مدد فرمود و ندای کافران را پست گردانید و ندای خداست که مقام بلند دارد، و خدا را کمال قدرت و دانایی است.

أَنْفِرُوا خِفَافًا وَثِقَالًا وَجَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

لَوْ كَانَ عَرَضًا قَرِيبًا وَسَفَرًا قَاصِدًا لَاتَّبَعُوكَ وَلَٰكِن بَعَدَتْ عَلَيْهِمُ الشُّقَّةُ وَسَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَوِ اسْتَطَعْنَا لَخَرَجْنَا مَعَكُمْ يُهْلِكُونَ أَنْفُسَهُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

عَفَا اللَّهُ عَنْكَ لِمَ أَذْنَتْ لَهُمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَكَ الَّذِينَ صَدَقُوا وَتَعْلَمَ الْكَاذِبِينَ

لَا يَسْتَعِذُكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالْمُتَّقِينَ

إِنَّمَا يَسْتَعِذُكَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَارْتَابَتْ قُلُوبُهُمْ فَهُمْ فِي رَيْبِهِمْ يَتَرَدَّدُونَ

وَلَوْ أَرَادُوا الْخُرُوجَ لَأَعَدُّوا لَهُ عُدَّةً وَلَٰكِن كَرِهَ اللَّهُ انْبِعَاثَهُمْ فَثَبَّطَهُمْ وَقِيلَ اقْعُدُوا مَعَ الْقَاعِدِينَ

لَوْ خَرَجُوا فِيكُمْ مَا زَادُوكُمْ إِلَّا خَبَالًا وَلَا وُضْعُوا خَلَالَكُمْ يَبْغُونَكُمُ الْفِتْنَةَ وَفِيكُمْ سَمَّعُونَ لَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِالظَّالِمِينَ

برای جنگ با کافران، سبکبار و مجهز بیرون شوید و در راه خدا به مال و جان جهاد کنید، این کار شما را بسی بهتر خواهد بود اگر مردمی با فکر و دانش باشید.

– (ای رسول) اگر این مردم را برای منفعت آتی و فوری و سفر کوتاه (تفریحی) دعوت کنی البته تو را پیروی خواهند کرد و لیکن این سفر (به تبوک برای جنگ با روم) بر آنان دراز و دشوار آمد، و مؤکد به خدا سوگند می‌خورند که اگر توانایی داشتیم همانا با شما بیرون می‌آمدیم، اینان خود را به دست هلاکت می‌سپارند و خدا می‌داند که آنها به حقیقت دروغ می‌گویند.

– (ای رسول) خدا تو را ببخشد چرا پیش از آنکه دروغگویان از راستگویان بر تو معلوم شوند به آنها اجازه دادی؟ (بهتر آن بود که رخصت در ترک جهاد ندهی تا آن را که به راستی ایمان آورده از آن که دروغ می‌گوید امتحان کنی).

–مسلمانانی که به حقیقت به خدا و روز قیامت ایمان دارند از تو رخصت ترک جهاد نخواهند تا به مال و جان خود در راه خدا جهاد کنند، و خدا به احوال متقیان آگاه است.

–تنها آنهایی که ایمان به خدا و روز قیامت نیاورده و دلهایشان در شک و ریب است از تو اجازه معافی از جهاد می‌خواهند، و آن منافقان پیوسته در شک و تردید مانده و سرگردانند.

–و اگر آنان قصد سفر جهاد داشتند درست مهیای آن می‌شدند لیکن خدا هم از برانگیختن آنها کراهت داشت پس آنها را باز داشت و حکم شد (که ای منافقان نالایق) شما هم با معذوران (کور عاجز در خانه خود) بنشینید.

–اگر این منافق مردم هم در میان شما مؤمنان بیرون می‌آمدند جز خیانت و مکر در سپاه شما چیزی نمی‌افزودند و هر چه می‌توانستند در کار شما اخلال و خرابی می‌کردند، برای شما از هر سو در جستجوی فتنه برمی‌آمدند، و هم در میان لشکر شما از آنان جاسوسهایی وجود دارد، و خدا به احوال ظالمان داناست.

لَقَدْ ابْتَغُوا الْفِتْنَةَ مِنْ قَبْلُ وَقَلَّبُوا لَكَ الْأُمُورَ حَتَّىٰ جَاءَ الْحَقُّ وَظَهَرَ أَمْرُ اللَّهِ وَهُمْ كَارِهُونَ

وَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أُنذُن لِي وَلَا تَفْتِنِي ۗ أَلَا فِي الْفِتْنَةِ سَقَطُوا ۗ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

إِن تُصِيبَكَ حَسَنَةٌ تَسُؤْهُمْ ۖ وَإِن تُصِيبَكَ مُصِيبَةٌ يَقُولُوا قَدْ أَخَذْنَا أَمْرَنَا مِنْ قَبْلُ وَيَتَوَلَّوْا وَهُمْ فَرِحُونَ

قُلْ لَن يُصِيبَنَا إِلَّا مَا كَتَبَ اللَّهُ لَنَا هُوَ مَوْلَانَا وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

قُلْ هَلْ تَرَبَّصُونَ بِنَا إِلَّا إِحْدَى الْحُسَيْنَيْنِ ۖ وَنَحْنُ نَتَرَبَّصُ بِكُمْ أَن يُصِيبَكُمْ اللَّهُ بِعَذَابٍ مِّنْ عِنْدِهِ ۗ أَوْ بِأَيْدِينَا ۖ فَتَرَبَّصُوا إِنَّا مَعَكُمْ مُتَرَبَّصُونَ

قُلْ أَنْفِقُوا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا لَّن يُتَقَبَلَ مِنْكُمْ إِنَّا لَنَكُونُ قَوْمًا فَاسِقِينَ

وَمَا مَنَعَهُمْ أَن تُقَبَلَ مِنْهُمْ نَفَقَتُهُمْ إِلَّا أَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَلَا يَأْتُونَ الصَّلَاةَ إِلَّا وَهُمْ كُسَالَىٰ وَلَا يُنْفِقُونَ إِلَّا وَهُمْ كَارِهُونَ

از این پیش (در جنگ خندق و احد) هم آنان در صدد فتنه‌گری بودند و کارها را به تو برعکس می‌نمودند تا آن گاه که حق روی آورد و امر خدا آشکار گردید (یعنی اسلام را فتح نصیب کرد) در صورتی که آنها کمال کراهت را داشتند.

و برخی از آن مردم منافق با تو گویند که به ما در جهاد اجازه معافی ده و ما را در آتش فتنه (و گناه نافرمانی) میفکن، آگاه باش که آنها خود به فتنه و امتحان در افتادند و همانا دوزخ به آن کافران احاطه دارد.

اگر تو را حادثه‌ای خوش نصیب شود سخت بر آنها ناگوار آید و اگر تو را زحمتی و رنجی پیش آید (خوشحال شده و) گویند: ما در کار خود پیش‌بینی کردیم (که به جنگ نرفتیم) ، و آنها باز می‌گردند در حالی که شادند.

بگو: هرگز جز آنچه خدا برای ما خواسته به ما نخواهد رسید، اوست مولای ما، و البته اهل ایمان در هر حال باید بر خدا توکل کنند.

بگو که آیا شما منافقان جز یکی از دو نیکویی (بهشت و یا فتح) چیزی می‌توانید بر ما انتظار برید؟ ولی ما درباره شما منتظریم که از جانب خدا به عذابی سخت گرفتار شوید یا به دست ما هلاک شوید، بنابراین شما در انتظار باشید که ما هم مترصد و منتظر هستیم.

بگو که شما (هر چه خواهید) انفاق کنید (مصرف مخارج جنگ و تبلیغات مزورانه کنید) چه از روی میل و چه کراهت، هرگز از شما پذیرفته نخواهد شد، زیرا (کار شما خودنمایی است و) شما مردمی بوده که سخت به فسق خو گرفته‌اید.

و هیچ مانعی از قبول نفقات آنها نبود جز آنکه آنها به خدا و رسول او (باطنا) کافرند و نماز نگزارند جز به حال کسالت و انفاق نکنند جز آنکه سخت کراهت دارند.

فَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُعَذِّبَهُمْ  
بِهَا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

وَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ إِنَّهُمْ لَمِنكُمْ وَمَا هُمْ مِّنكُمْ وَلَكِنَّهُمْ  
قَوْمٌ يَفْرُقُونَ

لَوْ يَجِدُونَ مَلَجًا أَوْ مَعْرَتًا أَوْ مَدَّخَلًا لَوَلَّوْا إِلَيْهِ وَهُمْ  
يَجْمَحُونَ

وَمِنْهُمْ مَّن يَلْمِزُكَ فِي الصَّدَقَاتِ فَإِنْ أُعْطُوا مِنْهَا رِضًا  
وَإِنْ لَّمْ يُعْطُوا مِنْهَا إِذَا هُمْ يَسْخَطُونَ

وَلَوْ أَنَّهُمْ رَضُوا مَا آتَاهُمُ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَقَالُوا حَسْبُنَا اللَّهُ  
سَيُوتِينَا اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَرَسُولُهُ إِنَّا إِلَى اللَّهِ رَاغِبُونَ

إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسْكِينِ وَالْعَمِلِينَ عَلَيْهَا  
وَالْمَوْلَافَةِ قُلُوبِهِمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَرَمِينَ وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ  
وَأَبْنِ السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِّنَ اللَّهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

وَمِنْهُمْ الَّذِينَ يُؤْذُونَ النَّبِيَّ وَيَقُولُونَ هُوَ أُذُنٌ قُلْ أُذُنٌ خَيْرٌ  
لَّكُمْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَيُؤْمِنُ لِلْمُؤْمِنِينَ وَرَحْمَةٌ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا  
مِنكُمْ وَالَّذِينَ يُؤْذُونَ رَسُولَ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

مبادا تو از کثرت اموال و اولاد آنها در شگفت آیی! خدا می‌خواهد آنها را به همان مال و فرزند در زندگانی دنیا به عذاب افکند و ساعت مرگ جان آنها به درآید در حالتی که کافر باشند.

و آنها (برای آنکه نفاق خود را پنهان کنند) دائم به خدا قسم یاد می‌کنند که ما هم به راستی از شما مؤمنانیم و حال آنکه از شما و هم عقیده شما نیستند و لیکن این قوم (از قدرت اسلام) می‌ترسند.

اگر پناهگاهی یا سنگری در مغار کوهها یا هر گریزگاهی دیگر بیابند (که از تسلط مسلمانان ایمن باشند) البته بدان جا با کمال تعجیل می‌گریزند.

و بعضی از آن مردم منافق در (تقسیم) صدقات بر تو اعتراض و خرده‌گیری کنند، اگر به آنها از آن عطا شود رضایت داشته و اگر از آن چیزی به آنها داده نشود سخت خشمگین شوند.

و چقدر بهتر بود اگر آنها به آنچه خدا و رسول به آنها عطا کردند راضی بودند و می‌گفتند که خدا ما را کفایت است، او و هم رسولش از لطف عمیم به ما عطا خواهند کرد، ما تنها به خدا مشتاقیم.

(مصرف) صدقات منحصرًا مختص است به (این هشت طایفه): فقیران و عاجزان و متصدیان اداره صدقات و کسانی که باید تألیف قلوب آنها کرد (یعنی برای متمایل کردن بیگانگان به دین اسلام) و آزادی بندگان و قرض‌داران و در راه خدا (یعنی در راه تبلیغ و رواج دین خدا) و به راه درماندگان. این مصارف هشتگانه فرض و حکم خداست، که خدا دانا و بر تمام مصالح خلق آگاه است.

و بعضی (از منافقان) هستند که دائم پیغمبر را می‌آزارند و (چون عذر دروغ آنها به حلم خود می‌پذیرد) می‌گویند: او شخص ساده و زودباوری است. بگو زودباوری او لطفی به نفع شماست، که به خدا ایمان آورده و به مؤمنان هم اطمینان دارد و برای مؤمنان (حقیقی) شما وجودش رحمت است، و برای آنها که رسول را آزار دهند عذابی دردناک مهیاست.

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ لِيُرْضَوْكُمْ وَاللَّهُ وَرَسُولُهُ أَحَقُّ أَنْ يُرْضَوْهُ إِنْ كَانُوا مُؤْمِنِينَ

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّهُ مَنْ يُحَادِدِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَأَنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَلِيدًا فِيهَا ذَلِكَ الْخِزْيُ الْعَظِيمُ

يَحْذَرُ الْمُنَافِقُونَ أَنْ تُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ سُورَةٌ تُنَبِّئُهُمْ بِمَا فِي قُلُوبِهِمْ قُلِ اسْتَهِزَّؤْا إِنْ أَلَّ اللَّهُ مُخْرِجٌ مَا تَحْذَرُونَ

وَلَيْن سَأَلْتَهُمْ لَيَقُولُنَّ إِنَّمَا كُنَّا نَخُوضُ وَنَلْعَبُ قُلْ أَبِاللَّهِ وَعَائِيَتِهِ وَرَسُولِهِ كُنْتُمْ تَسْتَهْزِءُونَ

لَا تَعْتَذِرُوا قَدْ كَفَرْتُمْ بَعْدَ إِيمَانِكُمْ إِنْ نَعْفَ عَنْ طَآئِفَةٍ مِّنْكُمْ نُعَذِّبْ طَآئِفَةً بِأَنَّهُمْ كَانُوا مُجْرِمِينَ

الْمُنَافِقُونَ وَالْمُنَافِقَاتُ بَعْضُهُمْ مِّنْ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ بِالْمُنْكَرِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمَعْرُوفِ وَيَقْبِضُونَ أَيْدِيَهُمْ نَسُوا اللَّهَ فَنَسِيَهُمْ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

وَعَدَ اللَّهُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْكُفَّارَ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا هِيَ حَسْبُهُمْ وَلَعْنَهُمُ اللَّهُ وَلَهُمْ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

منافقان) برای اغفال و خشنود کردن شما مؤمنان به نام خدا سوگند می‌خورند در صورتی که اگر ایمان داشتند سزاوارتر این بود که خدا و رسول را از خود خشنود کنند.

آیا ندانسته‌اند که هر کس با خدا و رسولش به عداوت برخیزد آتش دوزخ کیفر دائمی اوست؟ و این به حقیقت ذلت و خواری بزرگ است.

منافقان از آن روزی می‌ترسند که خدا سوره‌ای بفرستد که آنها را از آنچه در درون آنهاست آگاه کند. بگو: اکنون تمسخر کنید، خدا آنچه را که از آن می‌ترسید آشکار خواهد ساخت.

و اگر از آنها بپرسی (که چرا سخریه و استهزاء می‌کنید؟) پاسخ دهند که ما به مزاح و مطایبه سخن می‌رانندیم. بگو: آیا با خدا و آیات و رسول او تمسخر می‌کردید؟!

عذر نیاورید، که شما بعد از ایمان کافر شدید، اگر از برخی نادانان و ساده لوحان) شما درگذریم گروهی (فتنه‌گر) را نیز عذاب خواهیم کرد که مردمی بسیار زشتکار بوده‌اند.

مردان و زنان منافق، متفق با همدیگر و طرفدار یکدیگرند، مردم را به کار بد و می‌دارند و از کار نیکو منع می‌کنند و دست خود را (از انفاق در راه خدا) می‌بندند، و چون خدا را فراموش کردند خدا نیز آنها را فراموش کرد (یعنی به خود وا گذاشت تا از هر سعادت محروم شوند)، در حقیقت منافقان بدترین زشتکاران عالمند.

خدا مرد و زن از منافقان و کافران را وعده آتش دوزخ و خلود در آن داده، همان دوزخ برای (کیفر) آنها کافی است و خدا آنها را لعن کرده و عذابی ابدی دارند.

كَالَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْكُمْ قُوَّةً وَأَكْثَرَ أَمْوَالًا  
وَأَوْلَادًا فَاسْتَمْتَعُوا بِخَلْقِهِمْ فَاسْتَمْتَعْتُمْ بِخَلْقِكُمْ كَمَا  
اسْتَمْتَعَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ بِخَلْقِهِمْ وَخُضْتُمْ كَالَّذِي  
خَاضُوا أُولَئِكَ حِطَّتْ أَعْمَلُهُمْ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ  
وَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

(شما هم دنیا پرستید) به مانند آنهایی که پیش از شما بودند در صورتی که پیشینیان از شما قوی‌تر بودند و مال و اولادشان بیشتر بود، پس به سهم خود (از متاع فانی دنیا دو روزی) متمتع بودند، اکنون هم که نوبت به شما رسید به تمتع دنیا به سهم خود مانند آنها سرگرم شدید و هم (در شهوات دنیا) به مانند آنها فرو رفتید! آنان مردمی هستند که اعمالشان در دنیا و آخرت نابود و باطل گشت و هم آنان به حقیقت زیانکاران عالمند.

أَلَمْ يَأْتِهِمْ نَبَأُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَقَوْمِ  
إِبْرَاهِيمَ وَأَصْحَابِ مَدْيَنَ وَالْمُؤْتَفِكَاتِ أَتَتْهُمُ رُسُلُهُمْ  
بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ  
يَظْلِمُونَ

آیا اخبار پیشینیانشان مانند قوم نوح و عاد و ثمود و قوم ابراهیم و اهل مدین و مؤتفکات (یعنی شهرهای ویران شده قوم لوط) به آنها نرسید که رسولان الهی آیات و معجزات آشکار بر آنها آوردند (ولی آنها نپذیرفتند و هلاک شدند؟ آری) خدا هیچ ستمی بر آنها نکرد بلکه آنها خود در حق خویش ستم می‌کردند.

وَالْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ يَأْمُرُونَ  
بِالْمَعْرُوفِ وَيَنْهَوْنَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَيُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ  
الزَّكَاةَ وَيُطِيعُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَئِكَ سَيَرْحَمُهُمُ اللَّهُ إِنَّ  
اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

و مردان و زنان مؤمن همه یاور و دوستدار یکدیگرند، خلق را به کار نیکو وادار و از کار زشت منع می‌کنند و نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و حکم خدا و رسول او را اطاعت می‌کنند، آنان را البته خدا مشمول رحمت خود خواهد گردانید، که خدا صاحب اقتدار و درست کردار است.

وَعَدَّ اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَمَسْكِنٍ طَيِّبَةٍ فِي جَنَّتٍ عَدْنٍ  
وَرِضْوَانٍ مِّنَ اللَّهِ أَكْبَرَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

خدا اهل ایمان را از مرد و زن وعده فرموده که در بهشت خلد ابدی که زیر درختانش نهرها جاری است درآورد و در عمارات نیکو و پاکیزه بهشت عدن منزل دهد و برتر و بزرگتر از هر نعمت، مقام رضا و خشنودی خداست و آن به حقیقت فیروزی بزرگ است.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ جَهْدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَأَعْلَظْ عَلَيْهِمْ  
وَمَا وَنَهُمْ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

ای پیغمبر با کافران و منافقان جهاد و مبارزه کن و بر آنها بسیار سخت‌گیر، و مسکن و مأوی آنها دوزخ است که بسیار بد بازگشتگاه و منزلگاهی است.

(منافقان) قسم به خدا یاد می‌کنند که (حرف کفر) بر زبان نیاورده‌اند، و (چنین نیست) البته سخن کفر گفته و پس از اظهار اسلام کافر شدند و همت بر آنچه موفق بر آن نشدند گماشتند (یعنی همت بر قتل رسول و اخراج او و هر گونه فساد در دین او گماشتند ولی موفق نشدند) آنها به جای آنکه از آن بی‌نیازی که به فضل خدا و رسول نصیب آنها شد شکر گویند در مقام انتقام و دشمنی برآمدند، اکنون هم اگر باز توبه کنند برای آنها بهتر است و اگر روی بگردانند آنها را خدا در دنیا و آخرت به عذابی دردناک معذب خواهد فرمود و دیگر در همه روی زمین یک نفر دوستدار و یآوری برای آنها نخواهد بود.

يَحْلِفُونَ بِاللَّهِ مَا قَالُوا وَلَقَدْ قَالُوا كَلِمَةَ الْكُفْرِ وَكَفَرُوا  
بَعْدَ إِسْلَامِهِمْ وَهَمُّوا بِمَا لَمْ يَنَالُوا وَمَا نَقَمُوا إِلَّا أَنْ أَغْنَاهُمُ  
اللَّهُ وَرَسُولُهُ مِنْ فَضْلِهِ ۚ فَإِنْ يَتُوبُوا يَكُ خَيْرًا لَهُمْ ۗ وَإِنْ  
يَتَوَلَّوْا يُعَذِّبُهُمُ اللَّهُ عَذَابًا أَلِيمًا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمَا لَهُمْ  
فِي الْأَرْضِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

و بعضی از آنها این گونه با خدا عهد بستند که اگر نعمت و رحمتی نصیب ما کند البته صدقه (یعنی زکات) پردازیم و از نیکان می‌شویم.

وَمِنْهُمْ مَن عَاهَدَ اللَّهُ لَيْنٍ ؕ ءَاتَيْنَا مِنْ فَضْلِهِ ۖ لَنَصَّدَّقَنَّ  
وَلَنَكُونَنَّ مِنَ الصَّالِحِينَ

و (با این عهد) باز چون خدا از فضل و نعمت خود نصیب آنها کرد بر آن بخل ورزیدند و (از آن عهد) روی گردانیده و (از حق) اعراض کردند.

فَلَمَّا ءَاتَاهُمْ مِّن فَضْلِهِ ۖ بَخِلُوا بِهِ ۖ وَتَوَلَّوْا وَهُمْ مُّعْرِضُونَ

در نتیجه (این تکذیب و نقض عهد) خدا هم دل آنها را ظلمتکده نفاق گردانید تا روزی که به کیفر بخل و اعمال زشت خود برسند، زیرا با خدا خلف وعده کرده و دروغ می‌گفتند.

فَأَعْقَبَهُمْ نِفَاقًا فِي قُلُوبِهِمْ إِلَى يَوْمِ يَلْقَوْنَهُ ۚ بِمَا أَخْلَفُوا اللَّهَ  
مَا وَعَدُوهُ وَبِمَا كَانُوا يَكْذِبُونَ

آیا ندانستند که خدا از باطن آنها و سخنان سرّی ایشان آگاه است و خدا دانای غیب و عالم به اسرار پنهانی است؟!

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ وَأَنَّ اللَّهَ عَلَّامُ  
الْغُيُوبِ

آن کسانی که عیب‌جویی می‌کنند بر آن مؤمنانی که به صدقات مستحب فقیران را دستگیری می‌کنند و همچنین مسخره می‌کنند مؤمنانی را که از اندک چیزی که مقدور آنهاست هم (در راه خدا) مضایقه نمی‌کنند، خدا هم آنها را البته مسخره و مجازات می‌کند و به آنها عذابی دردناک خواهد رسید.

الَّذِينَ يَلْمِزُونَ الْمُطَّوِّعِينَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ فِي الصَّدَقَاتِ  
وَالَّذِينَ لَا يَجِدُونَ إِلَّا جُهْدَهُمْ فَيَسْخَرُونَ مِنْهُمْ سَخِرَ اللَّهُ  
مِنْهُمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

أَسْتَغْفِرَ لَهُمْ أَوْ لَا تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ إِنْ تَسْتَغْفِرَ لَهُمْ سَبْعِينَ مَرَّةً فَلَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

(ای پیغمبر) تو بر آن مردم منافق خواهی طلب مغفرت بکن یا نکن، اگر هفتاد مرتبه هم بر آنها (از خدا) آمرزش طلبی خدا هرگز آنان را نخواهد بخشید، زیرا آنها (از راه فسق و سرکشی) به خدا و رسول او کافر شدند و خدا فاسقان را هرگز هدایت نخواهد کرد.

فَرِحَ الْمُخَلَّفُونَ بِمَقْعَدِهِمْ خِلْفَ رَسُولِ اللَّهِ وَكَرِهُوا أَنْ يُجَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَقَالُوا لَا تَنْفِرُوا فِي الْحَرِّ قُلْ نَارُ جَهَنَّمَ أَشَدُّ حَرًّا لَوْ كَانُوا يَفْقَهُونَ

آنهايي که از جهاد در رکاب رسول خدا باز نهاده شدند از اين بازماندنشان خوشحالند و مجاهده به مال و جانشان در راه خدا را خوش نداشتند و (مؤمنان را هم از جهاد منع کرده و به آنها) گفتند: شما در اين هواي سوزان از وطن خود بيرون نرويد! آنان را بگو: آتش دوزخ بسيار سوزان‌تر است، اگر می‌فهميدند.

فَلْيَضْحَكُوا قَلِيلًا وَلْيَبْكُوا كَثِيرًا جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

اکنون آنها باید خنده کم و گریه بسیار کنند به کیفر اعمالی که می‌کردند.

فَإِنْ رَجَعَكَ اللَّهُ إِلَى طَائِفَةٍ مِنْهُمْ فَاسْتَعَذَنُوكَ لِلْخُرُوجِ فَقُلْ لَنْ تَخْرُجُوا مَعِيَ أَبَدًا وَلَنْ تُقَاتِلُوا مَعِيَ عَدُوًّا إِنَّكُمْ رَضِيتُمْ بِالْقُعُودِ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَاقْعُدُوا مَعَ الْخَالِفِينَ

پس اگر خدا تو را به سوی گروهی از آن بازماندگان (به مدینه) برگرداند و آنها (به ملاقات تو آمده و) اجازه جهاد خواهند، به آنها بگو: ابدًا شما با من به جنگ نخواهید آمد و با هیچ کس از دشمنان من جهاد نخواهید کرد، شما هستید که اول بار برای تخلفتان از سفر جهاد اظهار مسرت می‌کردید، اکنون هم با بازماندگان به جای خود بنشینید.

وَلَا تُصَلِّ عَلَى أَحَدٍ مِنْهُمْ مَاتَ أَبَدًا وَلَا تَقُمْ عَلَى قَبْرِهِ إِنَّهُمْ كَفَرُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَمَاتُوا وَهُمْ فَاسِقُونَ

و هیچ گاه به نماز میت آن منافقان حاضر مشو و بر (جنازه و) قبر آنها (به دعا) مایست، که آنها به خدا و رسولش کافر شدند و در حال فسق و بدکاری مردند.

وَلَا تُعْجِبْكَ أَمْوَالُهُمْ وَأَوْلَادُهُمْ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهَا فِي الدُّنْيَا وَتَزْهَقَ أَنْفُسُهُمْ وَهُمْ كَافِرُونَ

و بسیاری اموال و اولاد آن منافقان تو را به شگفت نیارد، که خدا خواهد آنها را به آن مال و اولاد در دنیا معذب گرداند و جانیشان به حال کفر به درآید.

وَإِذَا أَنْزَلَتْ سُورَةٌ أَنْ ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَجَاهِدُوا مَعَ رَسُولِهِ اسْتَعْذَنَكَ أُولُو الطَّوْلِ مِنْهُمْ وَقَالُوا ذَرْنَا نَكُنْ مَعَ الْقَاعِدِينَ

و هرگاه سوره‌ای نازل شود که امر به ایمان به خدا و جهاد با رسول (در راه دین خدا) کند ثروتمندان آن منافقان از حضور تو تقاضای معافی از جهاد کرده و گویند: ما را از معاف‌شدگان محسوب دار.



رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

لَكِنَّ الرِّسُولَ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ جَاهِدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ وَأَوْلِيَّتِكَ لَهُمُ الْخَيْرَاتُ وَأَوْلِيَّتِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

وَجَاءَ الْمُعَذِّرُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ لِيُؤْذَنَ لَهُمْ وَقَعَدَ الَّذِينَ كَذَبُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ سَيُصِيبُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

لَيْسَ عَلَى الضُّعَفَاءِ وَلَا عَلَى الْمَرْضَى وَلَا عَلَى الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ مَا يُنْفِقُونَ حَرَجٌ إِذَا نَصَحُوا لِلَّهِ وَرَسُولِهِ مَا عَلَى الْمُحْسِنِينَ مِنْ سَبِيلٍ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

وَلَا عَلَى الَّذِينَ إِذَا مَا أَتَوْكَ لِتَحْمِلَهُمْ قُلْتَ لَا أَجِدُ مَا أَحْمِلُكُمْ عَلَيْهِ تَوَلَّوْا وَأَعْيُنُهُمْ تَفِيضُ مِنَ الدَّمْعِ حَزَنًا أَلَّا يَجِدُوا مَا يُنْفِقُونَ

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَسْتَعِدُّونَكَ وَهُمْ أَغْنِيَاءَ رَضُوا بِأَنْ يَكُونُوا مَعَ الْخَوَالِفِ وَطَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

بدان راضی بودند که با زنان و کودکان و عجزه در خانه بنشینند (و به جهاد حاضر نشوند)، و دلهای آنها نقش کفر و ظلمت گرفته و دیگر هیچ درک حقایق نکنند.

اما رسول و مؤمنان اصحابش به مال و جانشان در راه خدا جهاد کردند و آنهاست که همه خیرات و نیکوییها (ی دو عالم) مخصوص آنهاست و هم آنان سعادت‌مندان عالمند.

خدا بر آنها باغهایی که به زیر درختانش نهرها جاری است مهیا فرموده که در آن تا ابد متنعم باشند و این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است.

و گروهی از اعراب بادیه (نزد تو) آمده و عذر می‌آورند که اجازه معافی از جهاد یابند و نیز گروهی که تکذیب خدا و رسول را کرده (بدون هیچ عذری) از جهاد بازنشستند، به زودی کافران از این دو طایفه را عذابی دردناک خواهد رسید.

بر ناتوانان و بیماران و فقیران که خرج سفر (و نفقه عیال خود را) ندارند گناهی بر ترک جهاد نیست هرگاه که با خدا و رسول او خیرخواهی و اخلاص ورزند (که این کار نیکوست و) بر نیکوکاران عالم از هیچ راه حرج و زحمتی نیست و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

و همچنین بر آن مؤمنانی که چون مہیای جهاد شده و نزد تو آیند که زاد و لوازم سفر آنها را مهیا سازی و تو پاسخ دهی که من مالی که به شما مساعدت کنم ندارم برمی‌گردند در حالی که از شدت حزن اشک از چشمانشان جاری است که چرا نمی‌توانند مخارج سفر خود فراهم سازند (بر آنها هم حرج و گناهی بر ترک جهاد نیست).

منحصرا گناه و عقوبت آنها راست که با وجود تمکن و دارایی از تو رخصت معافیت از جنگ می‌طلبند و خوش دارند که با بازماندگان (یعنی زنان و کودکان) در خانه بنشینند (و به جهاد حاضر نشوند) و خدا بر دل آنها نقش کفر و ظلمت زده به طوری که هیچ درک نکنند.

يَعْتَذِرُونَ إِلَيْكُمْ إِذَا رَجَعْتُمْ إِلَيْهِمْ قُلْ لَا تَعْتَذِرُوا لَنْ  
تُؤْمِنَ لَكُمْ قَدْ نَبَأْنَا اللَّهُ مِنْ أَخْبَارِكُمْ وَسَيَرَى اللَّهُ  
عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ ثُمَّ تُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ  
فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

وقتی که شما (از جنگ سالم و فاتح) به سوی آنها بر  
می‌گردید آنها به عذرهای بی‌جا می‌پردازند، به آنها پاسخ ده  
که ما هرگز به این عذر تراشی‌ها تصدیق شما نکنیم،  
بی‌شک خدا حقیقت حال شما را بر ما روشن گردانید، و به  
زودی خدا و رسولش کردار شما را دیده، آن گاه به سوی  
خدایی که دانای غیبت و شهود است بازتان گردانند پس  
شما را به کردارتان واقف کند.

سَيَحْلِفُونَ بِاللَّهِ لَكُمْ إِذَا انْقَلَبْتُمْ إِلَيْهِمْ لِتُعْرِضُوا عَنْهُمْ  
فَاعْرِضُوا عَنْهُمْ إِنَّهُمْ رَجُوسٌ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ جَزَاءُ بِمَا  
كَانُوا يَكْسِبُونَ

چون شما به سوی آنها بازگردید قسم‌های مؤکد به خدا برای  
شما یاد کنند که از آنها چشم‌پوشی کنید. از آنها اعراض  
کنید که مردمی پلیدند و به کیفر کردار خود به آتش دوزخ  
ماوی خواهند یافت.

يَحْلِفُونَ لَكُمْ لِتَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِن تَرْضَوْا عَنْهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ  
لَا يَرْضَىٰ عَنِ الْقَوْمِ الْفَاسِقِينَ

(آن مردم منافق) برای اینکه شما از آنها راضی شوید  
قسمها یاد می‌کنند، پس اگر شما مؤمنان هم از آنها راضی  
شوید خدا هرگز از آن گروه فاسق راضی نخواهد شد.

الْأَعْرَابُ أَشَدُّ كُفْرًا وَنِفَاقًا وَأَجْدَرُ أَلَّا يَعْلَمُوا حُدُودَ مَا  
أَنْزَلَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

اعراب بادیه‌نشین در کفر و نفاق از دیگران سخت‌تر و به  
جهل و نادانی احکام خدا که بر رسولش فرستاده  
سزاوارترند، و خدا دانا و حکیم است.

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يَتَّخِذُ مَا يُنْفِقُ مَغْرَمًا وَيَتَرَبَّصُّ بِكُمْ  
الدَّوَابِرَ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

و برخی از اعراب بادیه‌نشین مخارجی را که (در راه جهاد  
دین) می‌کنند بر خود ضرر و زبانی می‌پندارند و برای شما  
مسلمین مترصد حوادث و عواقب ناگوارند و حال آنکه  
عواقب و حوادث بد بر خود آنها خواهد بود و خدا شنوا و  
دانا است.

وَمِنَ الْأَعْرَابِ مَنْ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَيَتَّخِذُ مَا  
يُنْفِقُ قُرْبَتٍ عِنْدَ اللَّهِ وَصَلَوَاتِ الرَّسُولِ ۗ أَلَا إِنَّهَا قُرْبَةٌ لَّهُمْ  
سَيَدْخِلُهمُ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

و برخی دیگر از همان اعراب بادیه‌نشین ایمان واقعی به  
خدا و قیامت آورده و آنچه را در راه خدا انفاق می‌کنند  
موجب تقرب نزد خدا و دعای خیر رسول دانند، آری آگاه  
شوید که انفاق آنها موجب قربشان به خداست، و البته خدا  
آنان را در (سرای) رحمت خود داخل می‌گرداند، که خدا  
بسیار آمرزنده و مهربان است.

:۹  
توبه  
۱۰۰  
/۱۲۹  
۱۶۸

وَالسَّابِقُونَ الْأَوَّلُونَ مِنَ الْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ وَالَّذِينَ  
اتَّبَعُوهُمْ بِإِحْسَانٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ وَأَعَدَّ لَهُمْ  
جَنَّاتٍ تَجْرِي تَحْتَهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَلِكَ الْفَوْزُ  
الْعَظِيمُ

۱۰۱

وَمِمَّنْ حَوْلَكُم مِّنَ الْأَعْرَابِ مُنْفِقُونَ وَمِنْ أَهْلِ  
الْمَدِينَةِ مَرَدُوا عَلَى النِّفَاقِ لَا تَعْلَمُهُمْ نَحْنُ نَعْلَمُهُمْ  
سَنُعَذِّبُهُمْ مَّرَّتَيْنِ ثُمَّ يُرَدُّونَ إِلَىٰ عَذَابٍ عَظِيمٍ

۱۰۲

وَأَخْرُونَ اعْتَرَفُوا بِذُنُوبِهِمْ خَلَطُوا عَمَلًا صَالِحًا وَآخَرَ  
سَيِّئًا عَسَىٰ اللَّهُ أَن يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۱۰۳

خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا وَصَلِّ  
عَلَيْهِمْ إِنَّ صَلَاتَكَ سَكَنٌ لَهُمْ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

۱۰۴

أَلَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ هُوَ يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَنْ عِبَادِهِ وَيَأْخُذُ  
الْصَّدَقَاتِ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

۱۰۵

وَقُلِ اعْمَلُوا فَسَيَرَى اللَّهُ عَمَلَكُمْ وَرَسُولُهُ وَالْمُؤْمِنُونَ  
وَسَتُرَدُّونَ إِلَىٰ عِلْمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ  
تَعْمَلُونَ

۱۰۶

وَأَخْرُونَ مُرْجُونَ لِأَمْرِ اللَّهِ إِمَّا يُعَذِّبُهُمْ وَإِمَّا يَتُوبُ  
عَلَيْهِمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و آنان که سبقت به ایمان گرفتند از مهاجر و انصار (و در  
دین ثابت ماندند) و آنان که به نیکی پیروی آنان کردند،  
خدا از آنها خشنود است و آنها از خدا خشنودند، و خدا برای  
همه آنها بهشت‌هایی که از زیر درختان آنها نهرها جاری  
است مهیا ساخته که در آن بهشت تا ابد منتعم باشند، این  
به حقیقت سعادت بزرگ است.

و بعضی از اعراب بادیه‌نشین اطراف شما (اطراف مدینه)  
منافقند و بعضی اهل شهر مدینه هم منافق و بر نفاق ماهر  
و ثابتند که تو از آنها آگاه نیستی، ما از آنها آگاهیم، آنان را  
دو بار عذاب خواهیم کرد (در دنیا قبل از مرگ و در برزخ  
بعد از مرگ) و عاقبت هم به عذاب سخت ابدی دوزخ  
بازگردانیده می‌شوند.

و بعضی دیگر از آنها به گناهان خود اعتراف کردند که عمل  
صالح و فعل قبیح هر دو به جای آوردند، امید باشد که  
خداوند توبه آنان بپذیرد که البته خدا بسیار آمرزنده و  
مهربان است.

تو از اموال مؤمنان صدقات را دریافت دار که بدان صدقات  
نفوس آنها را پاک و پاکیزه می‌سازی و رشد و برکت می‌دهی،  
و آنها را به دعای خیر یاد کن که دعای تو در حق آنان موجب  
تسلای خاطر آنها شود و خدا شنوا و داناست.

آیا مؤمنان هنوز ندانسته‌اند که محققا خداست که توبه  
بندگان را می‌پذیرد و صدقه آنها را قبول می‌فرماید و  
خداست که بسیار توبه‌پذیر و بر خلق مهربان است؟

و بگو که هر عمل کنید خدا آن عمل را می‌بیند و هم رسول  
و مؤمنان بر آن آگاه می‌شوند، آن گاه به سوی خدایی که  
دانای عوالم غیب و شهود است بازگردانیده شوید و او شما  
را به کردارتان واقف سازد.

و برخی دیگر (از گناهکاران) آنهایی هستند که کارشان بر  
مشیت خدا موقوف است یا آنان را عذاب کنید و یا از  
گناهشان درگذرد، و خدا دانا و حکیم است.

:۹  
توبه  
۱۰۷  
/۱۲۹

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مَسْجِدًا ضِرَارًا وَكُفْرًا وَتَفْرِيقًا بَيْنَ  
الْمُؤْمِنِينَ وَإِرْصَادًا لِمَنْ حَارَبَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ مِنْ قَبْلُ  
وَلِيَحْلِفُنَّ إِنْ أَرَدْنَا إِلَّا الْحُسْنَىٰ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّهُمْ  
لَكَاذِبُونَ

۱۰۸

لَا تَقُمْ فِيهِ أَبَدًا لَمَسْجِدٍ أُسِّسَ عَلَى التَّقْوَىٰ مِنْ أَوَّلِ يَوْمٍ  
أَحَقُّ أَنْ تَقُومَ فِيهِ فِيهِ رِجَالٌ يُحِبُّونَ أَنْ يَتَطَهَّرُوا وَاللَّهُ  
يُحِبُّ الْمُطَهَّرِينَ

۱۰۹

أَفَمَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى تَقْوَىٰ مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانٍ خَيْرٌ أَمْ  
مَنْ أُسِّسَ بُنْيَانُهُ عَلَى شَفَا جُرْفٍ هَارٍ فَأَنْهَارُ بِهِ فِي نَارٍ  
جَهَنَّمَ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

۱۱۰

لَا يَزَالُ بُنْيَانُهُمُ الَّذِي بَنَوْا رِيبَةً فِي قُلُوبِهِمْ إِلَّا أَنْ تَقَطَّعَ  
قُلُوبُهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

۱۱۱  
حزب  
۸۲  
۱۶۹

إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَىٰ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمْ  
الْجَنَّةَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعَدَا  
عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَىٰ  
بِعَهْدِهِ مِنْ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بَبَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ  
وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

و (گروهی دیگر از منافقانند) آنان که مسجدی برای زیان به اسلام برپا کردند و مقصودشان کفر و عناد و تفرقه کلمه بین مسلمین و ساختن کمینگاهی برای دشمنان دیرینه خدا و رسول بود، و با این همه قسم‌های مؤکد یاد می‌کنند که ما جز قصد خیر غرضی نداریم، و خدا گواهی می‌دهد که محققا دروغ می‌گویید.

تو (ای رسول ما) هرگز در مسجد آنها (به نماز) مایست که همان مسجد (قبا) که بنیانش از اول بر پایه تقوای محکم بنا گردیده سزاوارتر است به اینکه در آن اقامه نماز کنی، که در آن مسجد مردان پاکی که مشتاق تهذیب نفوس خودند در آیند، و خدا مردان پاک مهذب را دوست می‌دارد.

آیا کسی که مسجدی به نیت تقوا تأسیس کرده و رضای حق را طالب است مانند کسی است که بنایی سازد بر پایه سستی در کنار مسیل (لبه پرتگاه دوزخ) که زود به ویرانی کشد و عاقبت او را به آتش دوزخ درافکند؟! و خدا هرگز ستمکاران را هدایت نخواهد فرمود.

بنیانی که آنها بنا کردند دلهای ایشان را همیشه به حیرت و شک و ریب افکند تا آنکه از آن دل برکنند، و خدا دانا و حکیم است.

همانا خدا جان و مال اهل ایمان را به بهای بهشت خریداری کرده، آنها در راه خدا جهاد می‌کنند پس (دشمنان دین را) به قتل می‌رسانند و (یا خود) کشته می‌شوند، این وعده قطعی است بر خدا و عهدی است که در تورات و انجیل و قرآن یاد فرموده، و از خدا با وفاتر به عهد کیست؟ پس از این معامله‌ای که کردید بسی شاد باشید که این به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است.

التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ  
السَّاجِدُونَ الْأَمْرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

اینان همان از گناه پشیمانان، خداپرستان، حمد و شکر  
نعمت‌گزاران، روزه‌داران، نماز با خضوع‌گزاران، امر به  
معروف و نهی از منکر کنندگان، و نگهبانان حدود الهی‌اند، و  
مؤمنان را بشارت ده.

مَا كَانَ لِلنَّبِيِّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ يَسْتَغْفِرُوا لِلْمُشْرِكِينَ وَلَوْ  
كَانُوا أَوْلَىٰ قُرْبَىٰ مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُمْ أَصْحَابُ  
الْجَحِيمِ

پیغمبر و گرویدگان به او نباید برای مشرکان هر چند  
خویشان آنها باشند از خدا آمرزش طلبند بعد از آنکه آنها را  
اهل دوزخ شناختند.

و ابراهیم [چون در آیه قبل فرمود که مؤمن نباید بر  
خویشانش هم اگر مشرک و کافرند ترحم و شفقت کند  
ممکن است کسی از جهل اعتراض کند که پس ابراهیم  
خلیل چرا بر عمویش آزر طلب آمرزش از خدا کرد با آنکه  
مشرک و کافر بود و در این آیه جواب این اشکال داده شده  
که دعا و استغفار ابراهیم برای عموی کافرش طبق عهده  
بود که با او کرد که اگر ایمان آورد در حقش از خدا طلب  
رحمت و مغفرت کند و چون بر کفر و شرک باقی ماند  
ابراهیم هم بر او طلب رحمت و آمرزش نکرد.] هم که برای  
پدرش (یعنی عمویش) از خدا آمرزش خواست این نبود  
مگر به موجب عهده‌ی که با او کرده بود (که ایمان آورد) و  
چون بر او محقق شد که وی دشمن خداست از او بی‌زاری  
جست، که ابراهیم شخصی بسیار خداترس و بردبار بود.

وَمَا كَانَ اسْتِغْفَارُ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ إِلَّا عَن مَّوْعِدَةٍ وَعَدَّهَا  
إِيَّاهُ فَلَمَّا تَبَيَّنَ لَهُ أَنَّهُ عَدُوٌّ لِلَّهِ تَبَرَّأَ مِنْهُ إِنَّ إِبْرَاهِيمَ  
لَأَوَّاهٌ حَلِيمٌ

و خدا بعد از آنکه قومی را هدایت کرد دیگر گمراه نکند تا  
بر آنها آنچه را باید از آن بپرهیزند معین و روشن بیان کند،  
که خدا محققا به همه چیز داناست.

وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُضِلَّ قَوْمًا بَعْدَ إِذْ هَدَاهُمْ حَتَّىٰ يُبَيِّنَ لَهُمْ  
مَا يَتَّقُونَ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

محققا و منحصرأ ملک و پادشاهی آسمانها و زمین از آن  
خداست که خلق را زنده کند و بمیراند، و شما را جز خدا  
سرپرست و یاورى نیست.

إِنَّ اللَّهَ لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يُحْيِي وَيُمِيتُ وَمَا  
لَكُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

همانا خدا بر پیغمبر و اصحابش از مهاجر و انصار که در  
ساعت سختی-که نزدیک بود دلهای فرقه‌ای از آنها (از رنج و  
تعبد در سختیهای جنگ تبوک و غیره) بلغزد-پیروی از  
رسولش کردند باز لطف فرمود و از لغزشهایشان درگذشت،  
که او درباره رسول و مؤمنان به یقین مشفق و مهربان  
است.

لَقَدْ تَابَ اللَّهُ عَلَى النَّبِيِّ وَالْمُهَاجِرِينَ وَالْأَنْصَارِ الَّذِينَ  
اتَّبَعُوهُ فِي سَاعَةِ الْعُسْرَةِ مِنْ بَعْدِ مَا كَادَ يَزِيغُ قُلُوبُ  
فَرِيقٍ مِّنْهُمْ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ إِنَّهُ بِهِمْ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

:۹  
توبه  
۱۱۸  
/۱۲۹

وَعَلَى الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ خُلِفُوا حَتَّىٰ إِذَا ضَاقَتْ عَلَيْهِمُ الْأَرْضُ  
بِمَا رَحُبَّتْ وَضَاقَتْ عَلَيْهِمُ أَنفُسُهُمْ وَظَنُّوا أَن لَّا مَلْجَأَ  
مِنَ اللَّهِ إِلَّا إِلَيْهِ ثُمَّ تَابَ عَلَيْهِمْ لِيَتُوبُوا إِنَّ اللَّهَ هُوَ  
التَّوَّابُ الرَّحِيمُ

۱۱۹  
۱۷۰۹

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَكُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ

۱۲۰

مَا كَانَ لِأَهْلِ الْمَدِينَةِ وَمَنْ حَوْلَهُمْ مِنَ الْأَعْرَابِ أَن  
يَتَخَلَّفُوا عَن رَّسُولِ اللَّهِ وَلَا يَرْعَبُوا بِأَنفُسِهِمْ عَن  
نَفْسِهِ ذَٰلِكَ بِأَنَّهُمْ لَا يُصِيبُهُمْ ظَمَأٌ وَلَا نَصَبٌ وَلَا  
مُحْمَصَةٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَطَّئُونَ مَوْطِئًا يَغِيظُ الْكُفَّارَ  
وَلَا يَنَالُونَ مِنَ عَدُوِّ نَيْلًا إِلَّا كُتِبَ لَهُم بِهِ عَمَلٌ صَالِحٌ  
إِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

۱۲۱

وَلَا يُنْفِقُونَ نَفَقَةً صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً وَلَا يَقْطَعُونَ وَادِيًا  
إِلَّا كُتِبَ لَهُم لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۲۲  
حزب  
۸۳

وَمَا كَانَ الْمُؤْمِنُونَ لِيَنفِرُوا كَآفَّةً فَلَوْلَا نَفَرَ مِن كُلِّ فِرْقَةٍ  
مِّنْهُمْ طَائِفَةٌ لِّيَتَفَقَّهُوا فِي الدِّينِ وَلِيُنذِرُوا قَوْمَهُمْ إِذَا  
رَجَعُوا إِلَيْهِمْ لَعَلَّهُمْ يَحْذَرُونَ

و بر آن سه تن [آن سه نفر مراراً بن ربیع و هلال بن امیه و کعب بن مالک بودند که از زحمت جنگ و سختی حال و رنج و تعب و گرما از رفتن به جنگ در تبوک خودداری کردند و بعد در حضور پیغمبر آمدند و عذرخواهی کردند و توبه آنها پذیرفته شد.] که (از جنگ تبوک) باز نهاده شدند (و مردم به دستور پیامبر صلی الله علیه و آله و سلم از آنان بریدند) تا آنکه زمین با همه پهناوری بر آنها تنگ شد و بلکه از خود دلتنگ شدند و دانستند که از (غضب) خدا جز به (لطف) او ملجأ و پناهی نیست، پس خدا بر آنها باز لطف فرمود تا توبه کنند، که خداوند بسیار توبه‌پذیر و مشفق و مهربان است.

ای اهل ایمان، خداترس باشید و با مردان راستگوی با ایمان بییونید.

اهل مدینه و بادیه‌نشینان اطرافشان نباید هرگز از (همراهی) پیغمبر تخلف کنند و نه هرگز جان خود را از جان او عزیزتر شمارند، زیرا هیچ رنج تشنگی و خستگی و گرسنگی در راه خدا نکشند و هیچ قدمی در جایی که کفار را خشمگین کند نهند و هیچ دست‌زدی به دشمنان نرسانند جز آنکه در مقابل هر یک از این رنج و آلام عمل صالحی در نامه اعمالشان نوشته شود که خدا هرگز اجر نیکوکاران را ضایع نخواهد گذاشت.

و هیچ مالی کم یا زیاد (در راه خدا) انفاق نکنند و هیچ وادیی نیمایند جز آنکه در نامه عمل آنها نوشته شود تا خداوند بسیار بهتر از آنچه کردند اجر به آنها عطا فرماید.

و (هنگامی که رسول فرمان خروج برای جنگ دهد) نباید مؤمنان همگی بیرون روند (و رسول را تنها گذارند) پس چرا از هر طایفه‌ای جمعی برای جنگ و گروهی نزد رسول برای آموختن علم دین مهیا نباشند تا قوم خود را چون به نزدشان بازگشتند بیم رسانند، باشد که (از نافرمانی خدا) حذر کنند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قَتِلُوا الَّذِينَ يَلُونَكُمْ مِنَ الْكُفَّارِ  
وَلْيَجِدُوا فِيكُمْ غِلْظَةً وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ مَعَ الْمُتَّقِينَ

ای اهل ایمان، با کافران از آنان که با شما نزدیکترند شروع به جهاد کنید و باید کفار در شما درشتی و نیرومندی و قوت و پایداری حس کنند، و بدانید که خدا همیشه با پرهیزکاران است.

وَإِذَا مَا أَنْزِلَتْ سُورَةٌ فَمِنْهُمْ مَن يَقُولُ أَيُّكُمْ زَادَتْهُ هَذِهِ إِيمَانًا فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا فَزَادَتْهُمْ إِيمَانًا وَهُمْ يَسْتَبْشِرُونَ

و هرگاه سوره‌ای نازل شود برخی (از همین منافقان) هستند که به دیگران می‌گویند: این سوره بر ایمان کدام یک از شما افزود؟ آنان که به حقیقت اهل ایمانند همه را بر ایمان بیفزود و شادمان و مسرور شدند.

وَأَمَّا الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ فَزَادَتْهُمْ رِجْسًا إِلَىٰ رِجْسِهِمْ وَمَاتُوا وَهُمْ كَافِرُونَ

و اما آنان که دلهاشان به مرض (شک و نفاق) مبتلاست هم بر خبث ذاتی آنها خبثاتی افزود تا به حال کفر جان دادند.

أُولَٰئِكَ يَرْوَنَ أَنَّهُمْ يَفْتَنُونَ فِي كُلِّ عَامٍ مَّرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ ثُمَّ لَا يَتُوبُونَ وَلَا هُمْ يَذَّكَّرُونَ

آیا (منافقان) نمی‌بینند که آنها در هر سالی یک بار یا دو بار البته امتحان می‌شوند؟ باز هم پشیمان نشده و (خدا را) یاد نمی‌کنند.

وَإِذَا مَا أَنْزِلَتْ سُورَةٌ نَّظَرَ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ هَلْ يَرَيْنَاكُم مِّنْ أَحَدٍ ثُمَّ أَنْصَرَفُوا صَرَفَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَفْقَهُونَ

و هرگاه سوره‌ای نازل شود بعضی از آنها به بعضی دیگر نگاه و اشاره کرده، گویند: آیا شما را کسی (از مؤمنان در محضر پیغمبر) دیده و شناخته (یا نه)؟ آن گاه همه بر می‌گردند. خدا دلهاشان را برگرداند، که مردمی بسیار بی‌شعور و نادانند.

لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِّنْ أَنفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَءُوفٌ رَّحِيمٌ

همانا رسولی از جنس شما برای (هدایت) شما آمد که فقر و پریشانی و جهل و فلاکت شما بر او سخت می‌آید و بر (آسایش و نجات) شما بسیار حریص و به مؤمنان رئوف و مهربان است.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَهُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

پس (ای رسول) هرگاه مردم روگردانیدند بگو: خدا مرا کفایت است که جز او خدایی نیست، من بر او توکل کرده‌ام و او رب عرش بزرگ است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

أَكَانَ لِلنَّاسِ عَجَبًا أَنْ أَوْحَيْنَا إِلَى رَجُلٍ مِّنْهُمْ أَنْ أَنْذِرِ  
النَّاسَ وَبَشِّرِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَنَّ لَهُمْ قَدَمَ صِدْقٍ عِنْدَ رَبِّهِمْ  
قَالَ الْكٰفِرُونَ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُّبِينٌ

إِنَّ رَبَّكُمْ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ  
أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ يُدِيرُ الْأَمْرَ مَا مِنْ شَفِيعٍ إِلَّا  
مِنْ بَعْدِ إِذْنِهِ ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ أَفَلَا  
تَذَكَّرُونَ

إِلَيْهِ مَرْجِعُكُمْ جَمِيعًا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا إِنَّهُ يَبْدُوهُ الْخَلْقَ ثُمَّ  
يُعِيدُهُ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ بِالْقِسْطِ  
وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ شَرَابٌ مِّنْ حَمِيمٍ وَعَذَابٌ أَلِيمٌ بِمَا  
كَانُوا يَكْفُرُونَ

هُوَ الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً وَالْقَمَرَ نُورًا وَقَدَّرَهُ مَنَازِلَ  
لِتَعْلَمُوا عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ مَا خَلَقَ اللَّهُ ذَلِكَ إِلَّا  
بِالْحَقِّ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

إِنَّ فِي اخْتِلَافِ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَمَا خَلَقَ اللَّهُ فِي السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ لآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَّقُونَ

الر (از اسرار وحی الهی است) این است آیات الهی که به حق و راستی گویاست.

آیا مردم تعجب کردند از اینکه ما یکی از افراد آنها را به وحی و رسالت خود برگزیدیم (و گفتیم) که خلق را (از عذاب قیامت) بترسان و مؤمنان را بشارت ده که به راستی مقامشان نزد خدا رفیع است! کافران گفتند: این شخص ساحری آشکار است.

خالق و پروردگار شما به حقیقت خداست که جهان را از آسمانها و زمین در شش روز (یعنی مقدار زمان شش روز یا شش مرتبه وجودی) خلق فرمود. آن گاه ذات مقدسش بر عرش فرمانروایی قرار گرفت، امر آفرینش را نیکو ترتیب می‌دهد، هیچ کس شفیع و واسطه جز به رخصت او نخواهد بود، چنین خدایی به حقیقت پروردگار شماس، او را به یگانگی پرستید، چرا متذکر نمی‌شوید؟

بازگشت شما همه به سوی او خواهد بود، این به حقیقت وعده خداست که او در اول، خلق را می‌آفریند و آن‌گاه (به سوی خود) بر می‌گرداند تا آنان را که ایمان آورده و عمل صالح کردند به عدل و احسان، ثواب و جزای خیر دهد و آنان که کافر شدند به کیفر کفرشان به شرابی از آب جوشان دوزخ و عذابی دردناک معذب خواهند گشت.

اوست خدایی که آفتاب را رخشان و ماه را تابان فرمود و سیر ماه را در منازلی معین کرد تا بدین واسطه شماره سنوات و حساب ایام را بدانید. اینها را خدا جز به حق نیافریده. خدا آیات خود را برای اهل علم و معرفت مفصل بیان می‌کند.

به حقیقت در رفت و آمد شب و روز و در هر چیزی که خدا در آسمانها و زمین خلق فرموده برای اهل خرد و تقوا علامت و نشانه‌ها (ی قدرت خدا) پدیدار است.



إِنَّ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا وَرَضُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَاطْمَأَنَّنُوا  
بِهَا وَالَّذِينَ هُمْ عَنْ آيَاتِنَا غَافِلُونَ

أُولَئِكَ مَا لَهُمْ أَلْتَارُ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ يَهْدِيهِمْ رَبُّهُمْ  
بِأَيْمَانِهِمْ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

دَعْوَاهُمْ فِيهَا سُبْحَانَكَ اللَّهُمَّ وَتَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ وَعَآخِرُ  
دَعْوَاهُمْ أَنْ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَلَوْ يُعَجِّلُ اللَّهُ لِلنَّاسِ الشَّرَّ اسْتِعْجَالَهُمْ بِالْخَيْرِ لَقَضَىٰ  
إِلَيْهِمْ أَجْلَهُمْ فَتَذَرُ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا فِي طُغْيَانِهِمْ  
يَعْمَهُونَ

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ الضُّرُّ دَعَانَا لِجَنبِهِ أَوْ قَاعِدًا أَوْ قَائِمًا  
فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُ ضُرَّهُ مَرَّ كَأَنْ لَمْ يَدْعُنَا إِلَىٰ ضُرِّ مَسَّهُ  
كَذَلِكَ زُيِّنَ لِلْمُسْرِفِينَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ مِنَ قَبْلِكُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَاءَتْهُمْ  
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ  
الْمُجْرِمِينَ

ثُمَّ جَعَلْنَاكُمْ خَلَائِفَ فِي الْأَرْضِ مِنْ بَعْدِهِمْ لِنَنْظُرَ  
كَيْفَ تَعْمَلُونَ

البته آنهایی که به لقاء ما دل نسبته و امیدوار نیستند و به  
زندگی پست دنیا دلخوش و دلبسته‌اند و آنهایی که از آیات  
و نشانه‌های ما غافلند.

هم اینانند که عاقبت به کردار زشت خود در آتش دوزخ  
ماوی گیرند.

آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند پروردگارشان به سبب  
همان ایمان آنها را (به راه سعادت و طریق بهشت) رهبری  
کند، در آن بهشت‌های پر نعمت نهرها از زیر پای آنان جاری  
است.

و در آن بهشت زبان شوق به تقدیس خدا گشایند که بار  
الها تو از هر نقص و آلایش پاک و منزهی و درود آنها در  
بهشت «سلام» است و آخرین سخنشان حمد پروردگار  
عالمان است.

و اگر خدا به عقوبت عمل زشت مردم و دعای شری که در  
حق خود می‌کنند به مانند خیرات تعجیل می‌فرمود مردم  
همه محکوم مرگ و هلاک می‌شدند و لیکن ما آنان را که به  
لقای ما امیدوار نیستند به همان حال سرگردانی در کفر و  
طغیان رها می‌سازیم.

و هرگاه آدمی را رنج و زبانی رسد همان لحظه به هر حالت  
باشد از خفته و نشسته و ایستاده فوراً ما را به دعا  
می‌خواند و آن گاه که رنج و زیانش را بر طرف سازیم باز به  
حال غفلت و غرور چنان باز می‌گردد که گویی هیچ ما را برای  
دفع ضرر و رنجی که به او رسیده بود نخوانده است! اعمال  
زشت تبهکاران این چنین در نظرشان زیبا جلوه داده شده  
است.

و محققاً ما اقوام و مللی را پیش از شما به کیفر ظلمشان  
سخت به دست هلاک سپردیم و نیز به کیفر آنکه پیغمبرانی  
با آیات و معجزات بر آنها آمد باز هیچ ایمان نیاوردند. ما این  
گونه مردم بد عمل را به کیفر می‌رسانیم.

سپس ما بعد از آنها شما را در زمین جانشین کردیم تا  
بنگریم که چگونه عمل خواهید کرد.

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا آتَتْ بِقُرْءَانٍ غَيْرِ هَذَا أَوْ بَدَّلَهُ قُلْ مَا يَكُونُ لِي أَنْ أُبَدِّلَهُ مِنْ تِلْقَائِي نَفْسِي ۚ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ ۖ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

قُلْ لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا تَلَوْتُهُ عَلَيْكُمْ وَلَا أَدْرَاكُمْ بِهِ ۖ فَقَدْ لَبِثْتُ فِيكُمْ عُمُرًا مِّن قَبْلِهِ ۚ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِآيَاتِهِ ۚ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْمُجْرِمُونَ

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُمْ وَلَا يَنْفَعُهُمْ وَيَقُولُونَ هَؤُلَاءِ شَفَعَتُونَا عِنْدَ اللَّهِ قُلْ أَتَنْبِئُونَ اللَّهَ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

وَمَا كَانَ النَّاسُ إِلَّا أُمَّةً وَاحِدَةً فَاخْتَلَفُوا وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ فِيمَا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

وَيَقُولُونَ لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۖ فَقُلْ إِنَّمَا الْغَيْبُ لِلَّهِ فَانْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

و هرگاه آیات روشن ما بر خلق تلاوت شود منکران معاد که امیدوار به لقاء ما نیستند گویند که قرآنی غیر از این بیاور یا همین را مبدل ساز. بگو: مرا نرسد که از پیش خود قرآن را تبدیل کنم من جز آنچه را که به من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم، من اگر عصیان پروردگارم کنم از عذاب روز بزرگ قیامت سخت می‌ترسم.

بگو اگر خدا نمی‌خواست هرگز بر شما تلاوت این قرآن نمی‌کردم و او هم شما را به آن آگاه نمی‌ساخت، زیرا من عمری پیش از این میان شما زیستم (که دعوی رسالت نداشتم) آیا عقل و فکرتان را کار نمی‌بندید؟

پس کیست ستمکارتر از آن که به خدا نسبت دروغ دهد یا آیات او را تکذیب کند؟ و البته بدکاران هرگز به فلاح و رستگاری نخواهند رسید.

و بتهایی را به جای خدا پرستش می‌کنند که آن بتان به آنها هیچ ضرر و نفعی نمی‌رسانند، و می‌گویند که این بتان شفیع ما نزد خدا هستند بگو: شما می‌خواهید خدا را یاد آور سازید به چیزی که خدا در همه آسمانها و زمین علم به آن ندارد؟ خدا از آنچه شریک او قرار می‌دهند منزّه و برتر است.

و مردم (در فطرت توحید) یک طایفه بیش نبودند پس از آن فرقه فرقه شدند (و به انواع شرک و دینهای باطل گرویدند) و اگر کلمه‌ای که در ازل از حق سبقت یافته (که برای آزمایش مهلت یابند) نبود البته اختلافاتشان خاتمه یافته و حکم به هلاکت کافران داده می‌شد.

و گویند: چرا بر او آیت و معجزی از جانب خدایش نیامد (که قهرا مردم مطیع شوند)؟ پاسخ ده که دانای غیب خداست و بس، اینک شما منتظر (عذاب خدا) باشید من هم با شما منتظر (نصرت او) می‌باشم.

وَإِذَا أَدْفَنَّا النَّاسَ رَحْمَةً مِّنْ بَعْدِ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُمْ إِذَا لَهُمْ  
مَكْرٌ فِي آيَاتِنَا قُلِ اللَّهُ أَسْرَعُ مَكْرًا إِنَّ رُسُلَنَا يَكْتُبُونَ  
مَا تَمْكُرُونَ

هُوَ الَّذِي يُسَيِّرُكُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ حَتَّى إِذَا كُنْتُمْ فِي  
الْفُلِكِ وَجَرَيْنَ بِهِم بِرِيحٍ طَيِّبَةٍ وَفَرِحُوا بِهَا جَاءَتْهَا رِيحٌ  
عَاصِفٌ وَجَاءَهُمُ الْمَوْجُ مِنْ كُلِّ مَكَانٍ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ أُحِيطَ  
بِهِمْ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ لَئِنِ أَنْجَيْتَنَا مِنْ هَذِهِ  
لَنَكُونَنَّ مِنَ الشَّاكِرِينَ

فَلَمَّا أَنْجَاهُمْ إِذَا هُمْ يَبْغُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ يَأْتِيهَا  
النَّاسُ إِنَّمَا بَغْيُكُمْ عَلَى أَنْفُسِكُمْ مَتَّعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ثُمَّ  
إِلَيْنَا مَرْجِعُكُمْ فَنُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّمَا مَثَلُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا كَمَاءٍ أَنْزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ  
بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ مِمَّا يَأْكُلُ النَّاسُ وَالْأَنْعَامُ حَتَّى إِذَا  
أَخَذَتِ الْأَرْضُ زُخْرُفَهَا وَأُزِينَتْ وَظَنَّ أَهْلُهَا أَنَّهُمْ قَدِرُونَ  
عَلَيْهَا أَتَاهَا أَمْرُنَا لَيْلًا أَوْ نَهَارًا فَجَعَلْنَاهَا حَصِيدًا كَأَن  
لَّمْ تَعْنِ بِالْأَمْسِ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

وَاللَّهُ يَدْعُوا إِلَى دَارِ السَّلَامِ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ إِلَى صِرَاطٍ  
مُسْتَقِيمٍ

۲۲

۲۳

۲۴

۲۵

و ما هرگاه بر آدمیان بعد از آنکه آنان را رنج و زبانی رسید  
رحمتی فرستیم آن‌گاه در محو آیات ما مکر و سیاست به کار  
می‌برند. بگو: مکر و سیاست الهی سریعتر است، همانا  
رسولان ما (فرشتگان و قوای عالم) مکرهای شما را  
می‌نویسند.

اوست آن که شما را در بر و بحر سیر می‌دهد تا آن‌گاه که  
در کشتی نشینید و کشتی با باد ملایمی سرنشینان را به  
حرکت آرد و آنها بدان شادمان و خوشوقت باشند ناگاه باد  
تندی بر کشتی بوزد و سرنشینان از هر جانب به امواج خطر  
در افتند و خود را در ورطه هلاکت ببینند آن زمان خدا را  
به اخلاص و دین فطرت بخوانند که (بار الها) اگر ما را از این  
خطر نجات بخشی دیگر همیشه شکر و سپاس تو خواهیم  
کرد.

اما پس از آنکه خدا از غرق نجاتشان داد باز در زمین به نا  
حق ظلم و ستمگری آغاز کنند. ای مردم شما هر ظلم و ستم  
کنید منحصرًا به نفس خویش کنید در پی متاع فانی دنیا،  
آن‌گاه در آخرت به سوی ما باز می‌گردید و شما را به آنچه  
می‌کرده‌اید آگاه می‌سازیم.

محققا در مثل، زندگانی دنیا به آبی ماند که از آسمانها فرو  
فرستادیم تا به آن باران انواع مختلف گیاه زمین از آنچه  
آدمیان و حیوانات تغذیه کنند در هم رویند تا آن‌گاه که  
زمین (از خرمی و سبزی) به خود زیور بسته و آرایش کند و  
مردمش خود را بر آن قادر و متصرف پندارند ناگهان فرمان  
ما به شب یا روز در رسد و آن همه زیب و زیور زمین را  
دور کند و چنان خشک شود که گویی دیروز هیچ نبوده  
است. این گونه آیات خود را به تفصیل برای اهل فکرت  
بیان می‌کنیم.

و خدا به سر منزل سعادت و سلامت می‌خواند و هر که را  
می‌خواهد به راه مستقیم هدایت می‌کند.

لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا الْحُسْنَىٰ وَزِيَادَةٌ وَلَا يَرْهَقُ وُجُوهَهُمْ قَتَرٌ  
وَلَا ذِلَّةٌ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

مردم نیکوکار به نیکوترین پاداش عمل خود و زیادتی (از لطف خدا) نایل شوند و هرگز بر رخسار آنها گرد خجلت و ذلت ننشیند، آنانند اهل بهشت و در آنجا تا ابد متنعمند.

و کسانی که مرتکب اعمال بد شدند به قدر همان اعمال زشت مجازات شوند و گرد خواری و رسوایی بر رخسارشان نشیند، و نهبانی از (عذاب) خدا نیابند، گویی روی آنها را قطعه‌هایی از شب ظلمانی پوشانده‌اند، آنان اهل آتش دوزخ و در آن همیشه معذبند.

وَالَّذِينَ كَسَبُوا السَّيِّئَاتِ جَزَاءُ سَيِّئَةٍ بِمِثْلِهَا وَتَرْهَقُهُمْ ذِلَّةٌ مَّا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ كَأَنَّمَا أُغْشِيَتْ وُجُوهُهُمْ قِطْعًا مِّنَ اللَّيْلِ مُظْلِمًا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

و ما روزی همه خلق را جمع آریم آن‌گاه به مشرکان گوییم: شما و بتهاتان در مکان خود بایستید، سپس میانشان جدایی افکنیم، و بتان و سایر معبودان باطل زبان گشوده گویند: شما هرگز ما را پرستش نمی‌کردید.

وَيَوْمَ نَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ نَقُولُ لِلَّذِينَ أَشْرَكُوا مَكَانَكُمْ أَنْتُمْ وَشُرَكَائِكُمْ فزَيْلَنَا بَيْنَهُمْ وَقَالَ شُرَكَائُهُمْ مَا كُنْتُمْ إِلَّا نَا تَعْبُدُونَ

پس شهادت و حکم خدا میان ما و شما کفایت کند که ما از پرستش شما غافل بودیم.

فَكَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ إِنْ كُنَّا عَنْ عِبَادَتِكُمْ لَغْفِيلِينَ

در آن روز هر شخصی جزاء اعمال نیک و بدی که پیش از این کرده خواهد دید و همه به سوی خدا معبود و مولای حقیقی خود بازگردانده شوند، و خدایان باطل که به دروغ به خدایی می‌بستند همه از دستشان برود.

هُنَالِكَ تَبْلُغُوا كُلُّ نَفْسٍ مَّا أَسْلَفَتْ وَرُدُّوْا إِلَى اللَّهِ مَوْلَاهُمْ الْحَقِّ وَصَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

مشرکان را بگو: کیست که از آسمان و زمین به شما روزی می‌دهد؟ یا کیست که گوش و چشمها عطا می‌کند؟ و کیست که از مرده زنده و از زنده مرده برمی‌انگیزد؟ و کیست که فرمانش عالم آفرینش را منظم می‌دارد؟ پس خواهند گفت: خدای یکتاست. به آنها بگو: پس چرا خدا ترس نمی‌شوید؟

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أَمَّن يَمْلِكُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَمَنْ يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَمَنْ يُدَبِّرُ الْأَمْرَ فَسَيَقُولُونَ اللَّهُ فَقُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

چنین خدای قادر یکتایی به حقیقت پروردگار شماسست و بعد از حق و حقیقت چه باشد غیر گمراهی؟ پس به کجا می‌برندتان؟

فَذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمُ الْحَقُّ فَمَاذَا بَعَدَ الْحَقِّ إِلَّا الضَّلَالُ فَأَلَىٰ تَصْرَفُونَ

این چنین حکم شقاوت و کلمه عذاب بر فاسقان محقق شد که دیگر ایمان نمی‌آورند.

كَذَٰلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ فَسَقُوا أَنَّهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَن يَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهُۥ قُلْ  
اللّٰهُ يَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهُۥۗ فَاَنۢىۡ تُوْفَكُوْنَ

قُلْ هَلْ مِنْ شُرَكَائِكُمْ مَن يَهْدِيۡ اِلَى الْحَقِّۗ قُلِ اللّٰهُ  
يَهْدِيۡ لِلْحَقِّۗۙ اَفَمَنۡ يَهْدِيۡۤ اِلَى الْحَقِّۗ اَحَقُّۙ اَنۡ يُتَّبَعَۙ اَمَّنۡ لَا  
يَهْدِيۡۤ اِلَّاۤ اَنۡ يُهْدٰىۗۙ فَمَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُوْنَ

وَمَا يَتَّبِعُ اَكْثَرُهُمْۗ اِلَّا ظَنًّاۙ اِنَّ الظَّنَّ لَا يُغْنِيۡ مِنَ الْحَقِّ  
شَيْۢءًاۙ اِنَّ اللّٰهَ عَلِيْمٌۢ بِمَا يَفْعَلُوْنَ

وَمَا كَانَ هٰذَا الْقُرْءَانُۙ اَنۡ يُفْتَرٰىۙ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِۗ وَلٰكِن  
تَّصَدِيْقَ الَّذِيۡ بَيْنَ يَدَيْهِۗ وَتَفْصِيْلَ الْكِتٰبِۗ لَا رَيْبَ فِيْهِ  
مِنۡ رَّبِّ الْعٰلَمِيْنَ

اَمْ يَقُوْلُوْنَ افْتَرٰىهُۗۙ قُلْ فَاْتُوْا بِسُوْرَةٍ مِّثْلِهٖۗ وَاَدْعُوْاۙ مَنْ  
اَسْتَطَعْتُمْۙ مِنْ دُوْنِ اللّٰهِۗ اِنۡ كُنْتُمْ صٰدِقِيْنَ

بَلۡ كَذَّبُوْاۙ بِمَا لَمْ يُحِيْطُوْا بِعِلْمِهٖۗۙ وَلَمَّا يَأْتِهِمْ تٰوِيْلُهُۥ  
كَذٰلِكَ كَذَّبَ الَّذِيْنَ مِنْ قَبْلِهِمْۗ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ  
الظّٰلِمِيْنَ

وَمِنْهُمْۙ مَنْ يُؤْمِنُۙ بِهِۗۙ وَمِنْهُمْۙ مَنْ لَا يُؤْمِنُۙ بِهِۗۙ وَرَبُّكَۙ اَعْلَمُ  
بِالْمُفْسِدِيْنَ

وَ اِنۡ كَذَّبُوْكَ فَقُلۡ لِّيۡ عَمَلِيۙ وَ لَكُمْ عَمَلُكُمْۗۙ اَنْتُمْۗۙ بَرِيْعُوْنَ  
مِمَّاۙ اَعْمَلُۙ وَاَنَاۙۙ بَرِيْعٌۙۙ مِّمَّاۙ تَعْمَلُوْنَ

وَمِنْهُمْۙ مَنْ يَسْتَمِعُوْنَۙ اِلَيْكَۗۙ اَفَاَنْتَۙ تَسْمِعُۙ الصُّمَّۙ وَلَوْۙ كَانُوْا  
لَا يَعْقِلُوْنَ

بگو که آیا هیچ یک از بتان و خدایان شما بر این کار قادر  
است که در آغاز خلق را بیافریند و سرانجام برگرداند؟ بگو:  
تنها خدای یکتاست که در اول خلایق را خلق کرده آن گاه  
همه را (به سوی خود) بازمی‌گرداند، پس کجا  
می‌گردانندتان؟

باز بگو: آیا هیچ یک از بتان و خدایان شما مشرکان (کسی  
را) به راه حق هدایت تواند کرد؟ بگو: تنها خداست که به  
راه حق هدایت می‌کند، آیا آن که به راه حق رهبری می‌کند  
سزاوارتر به پیروی است یا آن که خود هدایت نیابد مگر  
آنکه هدایتش کنند؟ پس شما مشرکان را چه شده، چگونه  
قضاوت می‌کنید؟

و اکثر این مردم جز از خیال و گمان باطل خود از چیزی  
پیروی نمی‌کنند در صورتی که گمان و خیالات موهوم هیچ از  
حق بی‌نیاز نمی‌گرداند (و به علم یقین نمی‌رساند) و خدا به  
هر چه این کافران می‌کنند آگاه است.

و این قرآن نه بدان پایه است که کسی جز به وحی خدا  
تواند بافت، لیکن سایر کتب آسمانی را تصدیق می‌کند و  
کتاب الهی را به تفصیل بیان می‌کند که بی‌هیچ شک نازل از  
جانب خدای عالمیان است.

بلکه کافران می‌گویند قرآن را (محمد) خود بافته است.  
بگو: اگر راست می‌گویید شما خود و هم از هر کس نیز  
می‌توانید کمک بطلبید و یک سوره مانند آن بیاورید.

بلکه انکار چیزی را می‌کنند که علمشان به آن احاطه نیافته  
و حقیقت و باطن آن هنوز به آنان نرسیده است، پیشینیان  
هم این چنین رسل و آیات خدا را تکذیب کردند، پس بنگر  
عاقبت کار ستمکاران عالم به کجا کشید!

و برخی از مردم به قرآن ایمان می‌آورند و برخی ایمان  
نمی‌آورند، و خدای تو حال تبهکاران را بهتر می‌داند.

و اگر تو را تکذیب کردند بگو: عمل من برای من و عمل شما  
برای شما (هر کس جزای خود را خواهد یافت) شما بری از  
کردار من هستید و من بیزار از کردار شما.

برخی از این منکران (چون قرائت قرآن کنی) به ظاهر به تو  
گوش کنند (ولی به معنی نمی‌شنوند) آیا تو کران را گر چه  
هیچ عقل و ادراکی ندارند از کلام خدا توانی چیزی  
بشنوانی؟

وَمِنْهُمْ مَّن يَنْظُرُ إِلَيْكَ أَفَأَنْتَ تَهْدِي الْعُمْىَ وَلَوْ كَانُوا لَا يُبْصِرُونَ

إِنَّ اللَّهَ لَا يَظْلِمُ النَّاسَ شَيْئًا وَلَكِنَّ النَّاسَ أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمْ كَأَن لَّمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّنَ النَّهَارِ يَتَعَارَفُونَ بَيْنَهُمْ قَدْ خَسِرَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِلِقَاءِ اللَّهِ وَمَا كَانُوا مُهْتَدِينَ

وَأَمَّا نُرْيَتِكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيْتِكَ فَالْيَنَّا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ اللَّهُ شَهِيدٌ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ رَّسُولٌ فَإِذَا جَاءَ رَسُولُهُمْ قُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

قُلْ لَا أَمْلِكُ لِنَفْسِي ضَرًّا وَلَا نَفْعًا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ لِكُلِّ أُمَّةٍ أَجَلٌ إِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَلَا يَسْتَعْجِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَتَاكُمْ عَذَابُهُ بَيِّنَاتٍ أَوْ نَهَارًا مَّاذَا يَسْتَعْجِلُ مِنْهُ الْمُجْرِمُونَ

أَنتُمْ إِذَا مَا وَقَعَ ءَامَنْتُمْ بِهِ ءَأَلَّكَنَ وَقَدْ كُنْتُمْ بِهِء تَسْتَعْجِلُونَ

ثُمَّ قِيلَ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ هَلْ تُجْزَوْنَ إِلَّا بِمَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

وَيَسْتَنْبِئُونَكَ أَحَقُّ هُوَ قُلْ إِي وَرَبِّي إِنَّهُوَ لَحَقُّ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

و برخی از منکران (هنگام تلاوت قرآن به چشم ظاهر) در تو می‌نگرند (ولی به مقام باطن تو پی نمی‌برند) آیا تو کوران را گر چه هیچ نبینند هدایت توانی کرد؟

خدا هرگز به مردم ستم نمی‌کند ولی مردم خود در حق خویش ستم می‌کنند.

و روزی که همه خلایق را جمع آرد گویا (در دنیا) ساعتی از روز بیش درنگ نکرده‌اند، (در آن روز) یکدیگر را کاملا می‌شناسند، آنان که لقای خدا را انکار کردند بسیار زیان کرده‌اند و هرگز راه نیافته‌اند.

و اگر ما بعضی از عقاب آن منکران را که وعده کردیم (در حیات دنیا) به تو نشان دهیم یا (به تأخیر افکنده و پیشتر از عقاب آنها) قیض روح تو کنیم باز بازگشت آنان در قیامت به سوی ماست، آن گاه خدا بر اعمال آنها گواه و آگاه است.

و برای هر امتی رسولی است که هرگاه رسول آنها آمد (و حجت بر آنان تمام شد) میان آنها حکم به عدل شود و بر هیچ کس (در کیفر و پاداش) ستم نخواهد شد.

و (کافران) گویند: پس این وعده قیامت کی خواهد بود اگر شما راست‌گویید؟

پاسخ ده که من مالک نفع و ضرر خود نیستم (تا چه رسد به دیگران) مگر هر چه خدا خواهد، برای هر امتی اجل معینی است که چون فرا رسد ساعتی پس و پیش نخواهند شد.

بگو: مرا خبر دهید که اگر شب یا روز عذاب خدا شما را فرا رسد (چه راه مفری دارید و) گناهکاران چه چیزی را از او به تعجیل می‌طلبند؟

آیا آن گاه که عذاب واقع شد به او ایمان می‌آورید؟ آآن (ایمان آوردید و به جزع و توبه برخاستید)؟ و حال آنکه قبل عذاب را به تعجیل می‌خواستید.

آن گاه به ستمکاران گویند: بچشید عذاب ابدی را، آیا این عذاب جز نتیجه اعمال زشت شماست؟

کافران از تو می‌پرسند که آیا این (وعده عذاب) حق است؟ بگو: آری قسم به خدای من که البته حق است و شما از آن هیچ مفری ندارید.

وَلَوْ أَنَّ لِكُلِّ نَفْسٍ ظَلَمَتْ مَا فِي الْأَرْضِ لَافْتَدَتْ بِهِ ۗ  
وَأَسْرَوْا التَّدَامَةَ لَمَّا رَأَوُا الْعَذَابَ ۗ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْقِسْطِ  
وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

و اگر در (آن روز) مردم ستمکار مالک روی زمین باشند  
آرزو کنند که همه دارایی خود را فدا دهند (تا مگر  
خویشتن را از عذاب برهانند و نتوانند) و چون عذاب را  
مشاهده کنند حسرت و پشیمانی خود را پنهان دارند (که  
شماست از مردم نکشند) و در حق آنها حکم به عدل شود و  
به آنان هیچ ستمی نخواهد شد.

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ أَلَا إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ  
وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

آگاه باشید که هر چه در آسمانها و زمین است ملک خداست  
و هم آگاه باشید که وعده خدا همه حق محض است، ولی  
اکثر خلق از آن آگه نیستند.

هُوَ يُحْيِي ۖ وَيُمِيتُ ۖ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

خداست که زنده می‌کند و می‌میراند و باز همه به سوی او  
بازگردانده می‌شویید.

يَأْتِيهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَتْكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ ۖ وَشِفَاءٌ  
لِّمَا فِي الصُّدُورِ ۖ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ

ای مردم عالم، به حقیقت نامه‌ای که همه پند و اندرز و  
شفای دلها و هدایت و رحمت بر مؤمنان است از جانب  
خدایتان آمد.

قُلْ بِفَضْلِ اللَّهِ وَبِرَحْمَتِهِ ۖ فَبِذَلِكَ فَلْيَفْرَحُوا هُوَ خَيْرٌ مِّمَّا  
يَجْمَعُونَ

بگو که باید منحصرأ به فضل و رحمت خدا شادمان شوند (و  
به نزول قرآن مسرور باشند) که آن بهتر و مفیدتر از ثروتی  
است که می‌اندوزند.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ لَكُمْ مِّن رِّزْقٍ فَجَعَلْتُم مِّنْهُ  
حَرَامًا وَحَلَالًا قُلْ ءَآلِلَّهِ أَذِنَ لَكُمْ ۗ أَمْ عَلَى اللَّهِ تَفْتَرُونَ

باز (به مشرکان عرب) بگو: با من بگویید که آیا رزقی که  
خدا برای شما فرستاده (و حلال فرموده) و شما از پیش خود  
بعضی را حرام و بعضی را حلال می‌کنید، آیا این به دستور  
خداست یا بر خدا افترا می‌بندید؟

وَمَا ظَنُّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ إِنَّ  
اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَشْكُرُونَ

و آنان که بر خدا دروغ می‌بندند مگر چه گمان دارند به روز  
قیامت؟! البته خدا را با بندگان فضل و احسان بسیار است  
ولی اکثر مردم شکر نمی‌کنند.

وَمَا تَكُونُ فِي شَأْنٍ وَمَا تَتْلُوا مِنْهُ مِن قُرْآنٍ وَلَا تَعْمَلُونَ  
مِنْ عَمَلٍ إِلَّا كُنَّا عَلَيْكُمْ شُهُودًا إِذْ تُفِيضُونَ فِيهِ ۗ وَمَا  
يَعْزُبُ عَن رَّبِّكَ مِن مِّثْقَالِ ذَرَّةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ  
وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

و تو در هیچ حالی نباشی و هیچ آیه‌ای از قرآن تلاوت نکنی و  
به هیچ عملی تو و امت وارد نشویید جز آنکه ما همان لحظه  
شما را مشاهده می‌کنیم و هیچ چیز به وزن ذره‌ای در همه  
زمین و آسمان از خدای تو پنهان نیست و کوچکتر از ذره و  
بزرگتر از آن هر چه هست همه در کتاب مبین حق (و لوح  
علم الهی) مسطور است.

أَلَا إِنَّ أَوْلِيَاءَ اللَّهِ لَا خَوْفَ عَلَيْهِمْ وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

آگاه باشید که دوستان خدا هرگز هیچ ترسی (از حوادث آینده عالم) و هیچ حسرت و اندوهی (از وقایع گذشته جهان) در دل آنها نیست.

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

آنان که اهل ایمان و خداترسند.

لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ لَا تَبْدِيلَ لِكَلِمَاتِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

آنها را پیوسته بشارت است هم در حیات دنیا (به مکاشفات در عالم خواب) و هم در آخرت (به نعمتهای بهشت). سخنان خدا را تغییر و تبدیلی نیست، این است فیروزی بزرگ.

وَلَا يَحْزَنكَ قَوْلُهُمْ إِنَّ الْعِزَّةَ لِلَّهِ جَمِيعًا هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

و سخن منکران خاطرت را غمگین نسازد، که هر عزت و اقتداری مخصوص خداست و او شنوا و داناست.

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَتَّبِعُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ شُرَكَاءَ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

آگاه باش که هر که در همه آسمانها و هر که در زمین است ملک خداست و مشرکان که غیر از خدا را میخوانند چه چیزی را پیروی میکنند؟ آنچه پیروی میکنند گمان باطلی بیش نیست و جز آنکه دروغی بافند و تخمینی زنند کاری ندارند.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لَتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

اوست خداوندی که شب تاری را برای آسایش شما و روز را روشن (برای امر معاش) مقرر فرمود، که در آن نشانه‌هایی (از قدرت خدا) برای مردمی که بشنوند پدیدار است.

قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا سُبْحٰنَهُ هُوَ الْغَنِيُّ لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ إِنَّ عِنْدَكُمْ مِنْ سُلْطٰنٍ بِهٰذَا أَتَقُولُونَ عَلَى اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

کافران قائل شدند که خدا فرزندی اتخاذ کرده (چنین نیست) او منزّه است و هم‌بی‌نیاز که هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک اوست، و شما کافران و مشرکان بر این قول خود هیچ دلیلی ندارید، آیا بی‌دلیل و از روی جهالت نسبت به خدا چنین دروغ سخن می‌گویید؟!

قُلْ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ

بگو: هرگز آنان که به خدا نسبت دروغ دهند نجات و رستگاری ندارند.

مَتَّعُ فِي الدُّنْيَا ثُمَّ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ ثُمَّ نَذِيقُهُمُ الْعَذَابَ الشَّدِيدَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

(این گفتار باطل، همه برای طمع) متاع دنیاست، سپس بازگشتشان به سوی ما خواهد بود و ما آنها را به کیفر کفرشان عذابی سخت بچشانیم.



وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ نُوحٍ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمِ إِنْ كَانَ كَبْرَ  
عَلَيْكُمْ مَقَامِي وَتَذَكِيرِي بِآيَاتِ اللَّهِ فَعَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْتُ  
فَأَجْمِعُوا أَمْرَكُمْ وَشُرَكَاءَكُمْ ثُمَّ لَا يَكُنْ أَمْرَكُمْ  
عَلَيْكُمْ غُمَّةً ثُمَّ أَقْضُوا إِلَيَّ وَلَا تُنظِرُونِ

و حکایت نوح را بر اینان باز خوان که به امتش گفت: ای قوم اگر مقام رسالت و اندرز من به آیات خدا بر شما گران می‌آید، من تنها به خدا توکل کردم، شما هم به اتفاق بتان و خدایان باطل خود هر مکر و تدبیری (بر آزار من) دارید انجام دهید تا امر بر شما پوشیده نباشد و درباره من هر مکر و اندیشه دارید به کار برید و مهلتم ندهید.

پس اگر شما روی گردانیده (و نصیحت مرا نپذیرفتید) من از شما اجری نخواسته بلکه اجر من تنها بر خداست و من خود از جانب حق مأمورم که از اهل اسلام و تسلیم حکم او باشم.

قوم نوح باز او را تکذیب کردند، ما هم او و پیروانش را که با او در کشتی بودند نجات داده و خلفای روی زمین قرار دادیم و آنان که آیات ما را تکذیب کردند همه را غرق کردیم، بنگر تا عاقبت انذار شدگان به کجا کشید!

آن گاه بعد از نوح پیغمبرانی را به امتان نشان فرستادیم، آنها با آیات و معجزات بر آن امته آمدند و آنان هم همان آیاتی را که پیشینیان تکذیب کردند، تکذیب کرده و ایمان نیاوردند. این چنین ما هم بر دل‌های سرکشان مهر برنهمیم.

آن‌گاه بعد از آن رسولان، موسی و هارون را با معجزات خود به سوی فرعون و اشراف مملکت او فرستادیم، آنها هم گردنکشی کردند و مردمی تبهکار بودند.

و چون حق از جانب ما بر آنها آمد گفتند: این سحر بودنش بر همه آشکار است.

موسی به آنان گفت: آیا به آیات حق که برای شما آمد نسبت سحر می‌دهید؟ آیا این سحر است و حال آنکه ساحران را هرگز فلاح و فیروزی نخواهد بود؟!

پاسخ دادند که آیا تو آمده‌ای که ما را از عقاید و آدابی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم بازگردانی تا خود و برادرت هارون در زمین سلطنت یابید و بر ما حکمفرما شوید؟ ما هرگز به شما ایمان نخواهیم آورد.

فَإِنْ تَوَلَّيْتُمْ فَمَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى اللَّهِ  
وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

فَكَذَّبُوهُ فَجَعَلْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِكِ وَجَعَلْنَاهُمْ  
خَلْقًا غَيْرًا وَاعْرَقْنَا الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَانظُرْ كَيْفَ كَانَ  
عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِ رُسُلًا إِلَى قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ  
فَمَا كَانُوا لِيُؤْمِنُوا بِمَا كَذَّبُوا بِهِ مِنْ قَبْلُ كَذَلِكَ نَطْبَعُ  
عَلَى قُلُوبِ الْمُعْتَدِينَ

ثُمَّ بَعَثْنَا مِنْ بَعْدِهِم مُوسَى وَهَارُونَ إِلَى فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ  
بِآيَاتِنَا فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا مُجْرِمِينَ

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ مُبِينٌ

قَالَ مُوسَى أَتَقُولُونَ لِلْحَقِّ لَمَّا جَاءَكُمْ أَسِحْرٌ هَذَا وَلَا  
يُفْلِحُ السَّاحِرُونَ

قَالُوا أَجِئْنَا لِنَتْلِفَتَنَا عَمَّا وَجَدْنَا عَلَيْهِ ءَابَاءَنَا وَتَكُونَ  
لَكُمْ الْكِبْرِيَاءُ فِي الْأَرْضِ وَمَا نَحْنُ لَكُمْ بِمُؤْمِنِينَ

وَقَالَ فِرْعَوْنُ أَتُنُونِي بِكُلِّ سَاحِرٍ عَلِيمٍ

و فرعون (به اتباعش) گفت: هر کجا ساحری ماهر و داناست همه را نزد من حاضر کنید.

آن گاه که ساحران همه حاضر شدند موسی به ساحران گفت که شما اول بساط سحر خود را بیندازید.

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ أَلْقُوا مَا أَنْتُمْ مُّلقُونَ

آن گاه که ساحران بساط جادو انداختند، موسی گفت: خدا البته سحر شما را باطل خواهد کرد، که خدا هرگز عمل مفسدان را اصلاح نکند.

فَلَمَّا أَلْقَوْا قَالَ مُّوسَىٰ مَا جِئْتُمْ بِهِ السَّحْرُ إِنَّ اللَّهَ سَيُبْطِلُهُ إِنَّ اللَّهَ لَا يُصْلِحُ عَمَلَ الْمُفْسِدِينَ

و خدا به (آیات و) کلمات خود حق را تا ابد پایدار گرداند هر چند بدکاران عالم راضی نباشند.

وَيُحِقُّ اللَّهُ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُجْرِمُونَ

پس کسی به موسی ایمان نیاورد جز قبیله او آن هم با حال خوف و تقیه از فرعون و مهتران اتباعش که مبدا فرعون در سدد فتنه و قتلشان برآید که فرعون در سرزمین مصر بسیار علو و سرکشی داشت و سخت متعدی و ستمکار بود.

فَمَا ءَامَنَ لِمُوسَىٰ إِلَّا ذُرِّيَّةٌ مِّن قَوْمِهِ عَلَىٰ خَوْفٍ مِّن فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِمْ أَن يَفْتِنَهُمْ وَإِنَّ فِرْعَوْنَ لَعَالٍ فِي الْأَرْضِ وَإِنَّهُ لَمِنَ الْمُسْرِفِينَ

و موسی گفت که ای قوم من، شما اگر به حقیقت ایمان به خدا آورده و اگر به راستی تسلیم فرمان او هستید بر او توکل کنید.

وَقَالَ مُوسَىٰ يَاقَوْمِ إِن كُنْتُمْ ءَامِنْتُمْ بِاللَّهِ فَعَلَيْهِ تَوَكَّلُوا إِن كُنْتُمْ مُّسْلِمِينَ

پیروان موسی نیز همه گفتند: ما بر خدا توکل کردیم، بار الها ما را دستخوش فتنه اشرار و قوم ستمکار مگردان.

فَقَالُوا عَلَى اللَّهِ تَوَكَّلْنَا رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِّلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

و ما را به رحمت و لطف خود از شر کافران نجات ده.

وَنَجِّنَا بِرَحْمَتِكَ مِنَ الْقَوْمِ الْكَافِرِينَ

و به موسی و برادرش (هارون) وحی کردیم که شما برای پیروانتان در شهر مصر منزل گیرید و (اکنون که از بیم فرعونیان به مساجد نتوانید رفت)، خانه‌هایتان را قبله و معبد خود قرار دهید و نماز به پا دارید و (تو هم ای رسول) مؤمنان را (به فتح در دنیا و بهشت در آخرت) بشارت ده.

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ وَأَخِيهِ أَن تَبَوَّءَا لِقَوْمِكُمَا بِمِصْرَ بُيُوتًا وَاجْعَلُوا بُيُوتَكُمْ قِبْلَةً وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ

و موسی عرض کرد: بار الها تو به فرعون و فرعونیان در حیات دنیا ملک و اموال و زیورهای بسیار بخشیدی که- پروردگارا-بدین وسیله بندگان را از راه تو گمراه کنند، بار خدایا، اموال آنها را نابود گردان و دل‌هایشان را سخت ببرند که ایمان نیاورند تا هنگامی که عذاب دردناک را مشاهده کنند.

وَقَالَ مُوسَىٰ رَبَّنَا إِنَّكَ ءَاتَيْتَ فِرْعَوْنَ وَمَلَئَهُ زِينَةً وَأَمْوَالًا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا رَبَّنَا لِيُضِلُّوا عَن سَبِيلِكَ رَبَّنَا اطْمِسْ عَلَىٰ أَمْوَالِهِمْ وَاشْدُدْ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَلَا يُؤْمِنُوا حَتَّىٰ يَرُوا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

قَالَ قَدْ أُجِيبَت دَعْوَتُكُمْ فَاَسْتَقِيمَا وَلَا تَتَّبِعَانِ سَبِيلَ  
الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

وَجَوْرَنَا بِنِيِّ إِسْرَائِيلَ الْبَحْرَ فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ وَجُنُودُهُ  
بَغِيًّا وَعَدُوًّا حَتَّى إِذَا أَدْرَكَهُ الْغَرَقُ قَالَ ءَأَمَنْتُ أَنَّهُ لَا إِلَهَ  
إِلَّا الَّذِي ءَأَمَنْتُ بِهِ بَنُو إِسْرَائِيلَ وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمِينَ

ءَأَلَسْنَا وَقَدْ عَصَيْتَ قَبْلُ وَكُنْتَ مِنَ الْمُفْسِدِينَ

فَالْيَوْمَ نُنَجِّيكَ بِبَدَنِكَ لِتَكُونَ لِمَنْ خَلَقَكَ ءَايَةً وَإِنَّ  
كَثِيرًا مِنَ النَّاسِ عَنُ ءَايَاتِنَا لَغَافِلُونَ

وَلَقَدْ بَوَّأْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ مَبُوءًا صِدْقٍ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ  
الطَّيِّبَاتِ فَمَا اخْتَلَفُوا حَتَّى جَاءَهُمُ الْعِلْمُ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي  
بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

فَإِنْ كُنْتَ فِي شَكِّ مِمَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ فَسْئَلِ الَّذِينَ يُقْرَأُونَ  
الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِكَ لَقَدْ جَاءَكَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَلَا  
تَكُونَنَّ مِنَ الْمُمْتَرِينَ

وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ فَتَكُونَنَّ مِنَ  
الْخَاسِرِينَ

إِنَّ الَّذِينَ حَقَّتْ عَلَيْهِمْ كَلِمَتُ رَبِّكَ لَا يُؤْمِنُونَ

وَلَوْ جَاءَتْهُمْ كُلُّ ءَايَةٍ حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

خدا فرمود: دعای شما مستجاب شد، پس هر دو استوار و پا  
برجا باشید و از راه مردم جاهل پیروی مکنید.

و ما بنی اسرائیل را از دریا گذرانیدیم پس آنکه فرعون و  
سپاهش به ظلم و ستمگری آنها را تعقیب کردند تا چون  
هنگام غرق فرعون فرا رسید گفت: اینک من ایمان آوردم  
که حقا جز آن کسی که بنی اسرائیل به او ایمان دارند  
خدایی در عالم نیست و من هم از مسلمانان و اهل تسلیم  
فرمان او هستم.

اکنون باید ایمان بیاوری؟ در صورتی که از این پیش عمری  
به (کفر و) نافرمانی زیستی و از مردم ظالم بدکار بودی.

پس ما امروز (تو را غرق دریای هلاک کرده و) بدنت را برای  
عبرت آیندگان به ساحل نجات می‌رسانیم با آنکه بسیاری از  
مردم از آیات قدرت ما غافل هستند.

و محققا ما بنی اسرائیل را (پس از هلاک دشمنان) به مقام  
صدق (و منزل آسایش) مسکن دادیم و از نعمتهای پاکیزه  
(در ملک شام و مصر) روزی آنها کردیم، و همیشه بنی  
اسرائیل (در ایمان به رسول خاتم) اتفاق داشتند تا زمانی  
که آن رسول با قرآن آسمانی برای هدایت آنها آمد آن‌گاه  
آغاز اختلاف کردند (و رسالت پیغمبر بزرگ را از عناد و لجاج  
منکر شدند. ای رسول ما) خدای تو روز قیامت میان آنها در  
آنچه اختلاف می‌کردند حکم خواهد کرد.

پس اگر شک و ریبی از آنچه به تو فرستادیم در دل داری  
از خود علمای اهل کتاب که کتاب آسمانی پیش از تو را  
می‌خوانند بپرس. همانا (کتاب آسمانی) حق از جانب خدایت  
بر تو آمد و ابدا نباید شک و ریبی در دل راه دهی.

و نباید هرگز از آنان که تکذیب آیات خدا کردند باشی که از  
زیانکاران عالم خواهی شد.

البته آنان که حکم عذاب خدا بر آنها حتم است ایمان  
نمی‌آورند.

اگر چه هر گونه معجزه و آیتی از جانب خدا بر آنان بیاید، تا  
وقتی که عذاب دردناک را به چشم مشاهده کنند.

فَلَوْلَا كَانَتْ قَرِيَّةٌ ءَامَنَتْ فَنَفَعَهَا إِيمَانُهَا إِلَّا قَوْمٌ يُونُسَ  
لَمَّا ءَامَنُوا كَشَفْنَا عَنْهُمْ عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
وَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَأَمَنَّ مَن فِي الْأَرْضِ كُلَّهُمْ جَمِيعًا أَفَأَنْتَ  
تُكْرَهُ النَّاسَ حَتَّىٰ يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

وَمَا كَانَ لِنَفْسٍ أَنْ تُوْمِنَ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَيَجْعَلُ الرَّجْسَ  
عَلَىٰ الَّذِينَ لَا يَعْقِلُونَ

قُلْ أَنْظِرُوا مَاذَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا تُغْنِي الْآيَاتُ  
وَالنُّذُرُ عَن قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ

فَهَلْ يَنْتَظِرُونَ إِلَّا مِثْلَ أَيَّامِ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِهِمْ قُلْ  
فَأَنْتَظِرُوا إِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُنْتَظِرِينَ

ثُمَّ نُنَجِّي رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ حَقًّا عَلَيْنَا نُنَجِّ  
الْمُؤْمِنِينَ

قُلْ يَأَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنتُمْ فِي شَكٍّ مِّن دِينِي فَلَا أَعْبُدُ  
الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ وَلَكِن أَعْبُدُ اللَّهَ الَّذِي  
يَتَوَفَّنَا وَأَمَرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

وَأَنْ أَقِمَّ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

وَلَا تَدْعُ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكَ وَلَا يَضُرُّكَ فَإِن  
فَعَلْتَ فَإِنَّكَ إِذَا مِّنَ الظَّالِمِينَ

پس چرا باید از هیچ شهری در وقتی که ایمانشان سود  
می‌بخشد ایمان نیاورند (و تا زمان معاینه عذاب لجاجت  
کنند) و تنها قوم یونس باشند که چون ایمان آوردند ما  
عذاب ذلت را در دنیا از آنها برداشتیم و تا زمانی معین (که  
وقت مرگ طبیعی بود) آنها را متمتع و بهره‌مند گردانیدیم.

و اگر خدای تو (در مشیت ازل) می‌خواست اهل زمین همه  
یکسره ایمان می‌آوردند، آیا تو می‌خواهی تا به جبر و اکراه  
همه را مؤمن و خداپرست گردانی؟

و هیچ یک از نفوس بشر را تا خدا رخصت ندهد ایمان  
نیاورد و پلیدی (کفر و جهالت) را خدا برای مردم بی‌خرد که  
عقل را کار نبندند مقرر می‌دارد.

بگو: در آسمانها و زمین بنگرید تا چه مشاهده می‌کنید. و  
(گر چه) مردمی را که نخواهند ایمان آورند دلایل و آیات و  
بیم دادند الهی هرگز سودمند نمی‌افتد.

پس مردمی که ایمان نمی‌آورند منتظر چیستند جز آنکه  
روزگار هلاکت و عذابی که پیشینیان دیدند به چشم  
ببینند؟ بگو که شما (نزول عذاب را)، منتظر باشید که من  
هم با شما منتظر (نزول فتح و نصرت خدا) می‌باشم.

آن گاه ما رسولان خود و مؤمنان را نجات می‌دهیم، ما بر خود  
فرض کردیم که این چنین اهل ایمان را نجات بخشیم.

بگو که ای مردم، اگر شما به آیین من شک دارید پس  
(یقین دارید که) من هرگز خدایان باطلی را که شما  
می‌پرستید نخواهم پرستید، بلکه تنها خدای یکتایی را که  
مرگ (و زندگانی) همه شما خلائق به امر اوست می‌پرستم و  
مأمورم که خود از اهل ایمان باشم.

و (خدا مرا امر کرده به) این که روی به جانب دین حنیف  
(اسلام و آیین پاک توحید) آور و هرگز هم آیین مشرکان  
مباش.

و غیر از خدای یکتا هیچ یک از این خدایان باطل را که به  
حال تو نفع و ضرری ندارند به خدایی مخوان و گر نه از  
ستمکاران خواهی بود.

وَإِنْ يَمَسُّكَ اللَّهُ بِضُرٍّ فَلَا كَاشِفَ لَهُ إِلَّا هُوَ وَإِنْ يُرِدْكَ بِخَيْرٍ فَلَا رَادَّ لِفَضْلِهِ يُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَهُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكُمْ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ بِوَكِيلٍ

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَأَصْبِرْ حَتَّىٰ يَحْكُمَ اللَّهُ وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الرَّ كِتَبٌ أَحْكَمْتُ آيَاتُهُ ثُمَّ فُصِّلَتْ مِنْ لَدُنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ

أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنَّنِي لَكُم مِّنْهُ نَذِيرٌ وَبَشِيرٌ

وَأَنْ أَسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ يُمَتِّعْكُمْ مَتَاعًا حَسَنًا إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَيُؤْتِ كُلَّ ذِي فَضْلٍ فَضْلَهُ وَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ كَبِيرٍ

إِلَى اللَّهِ مَرْجِعُكُمْ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

أَلَا إِنَّهُمْ يَثْنُونَ صُدُورَهُمْ لِيَسْتَخْفُوا مِنْهُ أَلَا حِينٍ يَسْتَعْشُونَ ثِيَابَهُمْ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُوَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

و اگر خدا بر تو ضرری خواهد هیچ کس جز او دفع آن ضرر نتواند، و اگر خیر و رحمتی خواهد باز احدی منع فضل او نتواند، که فضل و رحمت خود را به هر کس از بندگان بخواهد البته می‌رساند و اوست خدای بسیار آمرزنده و مهربان.

بگو: ای مردم به حقیقت (کتاب و رسول) حق از جانب خدایتان برای شما آمد، پس هر کس هدایت یافت نفعش بر خود اوست و هر کس به راه گمراهی شتافت زیانش بر خود اوست و من نگهبان شما (از مواخذه خدا) نیستم.

و تو خود از وحی خدای که بر تو می‌رسد پیروی کن و راه صبر پیش گیر تا وقتی که خدا (میان تو و مخالفت) حکم کند و او بهترین حکمفرمایان عالم است.

الر (اسرار این حرف نزد خدا و رسول است)، این قرآن کتابی است دارای آیاتی محکم که از جانب خدایی حکیم و آگاه به تفصیل و بسیار روشن بیان گردیده است.

(تا تذکر دهد به خلق) که جز خدای یکتا هیچ کس را نپرستید، که من حقا برای اندرز و بشارت شما امت آمده‌ام.

و (تا به شما بگویم که از گناهاتان) آمرزش از خدا طلبید و به درگاه او توبه و انابه کنید تا شما را تا اجل معین و هنگام مرگ لذت و بهره نیکو بخشید و در حق هر مستحق رحمتی تفضل فرماید، و اگر روی بگردانید سخت از عذاب روز بزرگ قیامت بر شما می‌ترسم.

رجوع شما به سوی خداست و او بر همه چیز تواناست.

آگه باشید که آنان (یعنی منافقان امت) روی دلها از خدا می‌گردانند (و از حضور رسول و استماع کلام خدا دوری جسته و احتراز می‌کنند) تا خود را از او پنهان دارند، آگه باش که هر گه سر در جامه خود بپیچند (که از حق پنهان شوند) خدا هر چه پنهان یا آشکار کنند همه را می‌داند، که او بر درون دلها محققا آگاه است.

وَمَا مِنْ دَابَّةٍ فِي الْأَرْضِ إِلَّا عَلَى اللَّهِ رِزْقُهَا وَيَعْلَمُ  
مُسْتَقَرَّهَا وَمُسْتَوْدَعَهَا كُلٌّ فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَكَانَ  
عَرْشُهُ عَلَى الْمَاءِ لِيَبْلُوكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا ۗ وَلَئِنْ  
قُلْتُمْ إِنَّكُمْ مَبْعُوثُونَ مِنْ بَعْدِ الْمَوْتِ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ  
كَفَرُوا إِنْ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُبِينٌ

وَلَئِنْ أَخَّرْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِلَىٰ أُمَّةٍ مَّعْدُودَةٍ لَيَقُولَنَّ مَا  
يَجْبِسُهُ ۗ أَلَا يَوْمَ يَأْتِيهِمْ لَيْسَ مَصْرُوفًا عَنْهُمْ وَحَاقَ بِهِمْ  
مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

وَلَئِنْ أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً ثُمَّ نَزَعْنَاهَا مِنْهُ إِنَّهُ  
لَيَكْفُرُ

وَلَئِنْ أَذَقْنَاهُ نِعْمَاءَ بَعْدَ ضَرَاءٍ مَسَّتْهُ لَيَقُولَنَّ ذَهَبَ  
السَّيِّئَاتُ عَنِّي ۗ إِنَّهُ لَفَرِحٌ فَخُورٌ

إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ  
وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

فَلَعَلَّكَ تَارِكٌ بَعْضُ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَضَائِقٌ بِهِ ۗ صَدْرُكَ أَنْ  
يَقُولُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ جَاءَ مَعَهُ مَلَكٌ ۗ إِنَّمَا أَنْتَ  
نَذِيرٌ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

۷

۸

۹  
۱۸۴

۱۰

۱۱

۱۲

و هیچ جنبنده در زمین نیست جز آنکه روزیش بر خداست  
و خدا قرارگاه (منزل دائمی) و آرامشگاه (جای موقت) او را  
می‌داند، و همه احوال خلق در دفتر علم ازلی خدا ثبت  
است.

و اوست خدایی که آسمانها و زمین را در فاصله شش روز  
آفرید و عرش با عظمت او (شاید یک معنی عرش که روح و  
حقیقت انسان است اینجا مراد باشد) بر آب قرار داشت  
(شاید مراد از آب علم باشد) تا شما را بیازماید که عمل  
کدام یک از شما نیکوتر است. و محققا اگر به این مردم  
بگویی که پس از مرگ زنده خواهید شد، همانا کافران  
خواهند گفت که این سخن را هرگز حقیقتی جز سحر آشکار  
نیست.

و اگر ما عذاب را از آن منکران معاد تا وقت معین (هنگام  
مرگ) به تعویق اندازیم آنها گویند: چه موجب تأخیر عذاب  
شده؟ آگه باشند که چون هنگام عذاب برسد هرگز از آنان  
بازگردانده نشود و آنچه بدان تمسخر می‌کردند سخت آنان  
را فرا گیرد.

و اگر ما بشر را به نعمت و رحمتی برخوردار کنیم، سپس  
(چون کفران کرد) آن نعمت را از او بازگیریم او سخت به  
خوی نومیدی و کفران در افتد.

و اگر آدمی را به نعمتی پس از محتنی که به او رسیده باشد  
رسانیم (مغرور و غافل شود) گوید که دیگر روزگار زحمت  
و رنج من سرآمده، سرگرم شادمانی و مفاخرت گردد.

مگر آنان که دارای ملکه صبر و عمل صالحند که بر آنها  
آمرزش حق و اجری بزرگ است.

(ای رسول ما) مبدا بعض آیاتی را که به تو وحی شده  
(درباره کافران به ملاحظاتی) تبلیغ نکنی و از قول مخالفان  
که می‌گویند (اگر این مرد پیغمبر است) چرا گنج و مالی  
ندارد و یا فرشته آسمان همراه او نیست دلتنگ شوی، که  
وظیفه تو تنها نصیحت و اندرز خلق است، و حاکم و نگهبان  
هر چیز خداست.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ فَأْتُوا بِعَشْرِ سُوْرٍ مِّثْلِهِ مُفْتَرِيَاتٍ  
وَادْعُوا مَنْ اسْتَطَعْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

فَإِلَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكُمْ فَأَعْلَمُوا أَنَّمَا أُنزِلَ بِعِلْمِ اللَّهِ وَأَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَهَلْ أَنْتُمْ مُسْلِمُونَ

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزِينَتَهَا نُوفِّ إِلَيْهِمْ أَعْمَالَهُمْ فِيهَا وَهُمْ فِيهَا لَا يُبْخَسُونَ

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَيْسَ لَهُمْ فِي الْآخِرَةِ إِلَّا النَّارُ وَحَبِطَ مَا صَنَعُوا فِيهَا وَبِطُلَّ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

أَفَمَنْ كَانَ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِّن رَّبِّهِ وَيَتْلُوهُ شَاهِدٌ مِّنْهُ وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ مِنَ الْأَحْزَابِ فَالنَّارُ مَوْعِدُهُ فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ إِنَّهُ الْحَقُّ مِن رَّبِّكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أُولَئِكَ يُعْرَضُونَ عَلَىٰ رَبِّهِمْ وَيَقُولُ الْأَشْهَادُ هَؤُلَاءِ الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَىٰ رَبِّهِمْ أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَى الظَّالِمِينَ

الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

آیا کافران می‌گویند این قرآن را خود او به هم بافته و به خدا نسبت می‌دهد؟! بگو: اگر راست می‌گویید شما هم با کمک همه فصحای عرب بدون وحی خدا ده سوره بربافته مانند این قرآن بیاورید.

پس هرگاه کافران جواب شما را ندادند در این صورت بدانید که این کتاب به علم خدا نازل شده و دعوتش این است که هیچ خدایی جز آن ذات یکتای الهی نیست، پس آیا شما مردم تسلیم (حکم خدا و رسول) خواهید شد؟

کسانی که طالب تعیش مادی و زینت دنیوی هستند ما مزد سعی آنها را در همین دنیا کاملا می‌دهیم و هیچ از اجر عملشان در دنیا کم نخواهد شد.

ولی هم اینان هستند که دیگر در آخرت نصیبی جز آتش دوزخ ندارند و همه اعمالشان در راه دنیا (پس از مرگ) ضایع و باطل می‌گردد.

آیا پیغمبری که از جانب خدا دلیلی روشن (مانند قرآن) دارد و گواهی صادق (مانند علی علیه السلام) در پی اوست و به علاوه کتاب تورات موسی هم که پیشوا و رحمت حق بر خلق بود پیش از او بوده و اینان (از اهل کتاب) به آن ایمان دارند (به آمدن آن پیامبر بشارت داده، چنین پیامبری مانند آن کس است که این امتیازات را ندارد)؟ و هر کس از طوایف بشر به او کافر شود وعده گاهش البته آتش دوزخ است، پس در آن هیچ شک مدار که این حق و درست از سوی پروردگار توست و لیکن اکثر مردم (به آن) ایمان نمی‌آورند.

و در جهان از آنهایی که به خدا نسبت دروغ دادند ستمکارتر کیست؟ آنان بر خدای خود عرضه داشته شوند و گواهان (محشر) گویند: اینان هستند که بر خدای خود دروغ بستند، آگاه باشید که لعن خدا بر ستمکاران عالم است.

آن ستمکاران که (بندگان را) از راه خدا باز می‌دارند و سعی می‌کنند که راه حق را کج کنند (و خلق را به راه باطل کشند) و هم آنها که منکر قیامتند.

أُولَئِكَ لَمْ يَكُونُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ  
دُونِ اللَّهِ مِنْ أَوْلِيَاءَ يُضْعَفُ لَهُمُ الْعَذَابُ مَا كَانُوا  
يَسْتَطِيعُونَ السَّمْعَ وَمَا كَانُوا يُبْصِرُونَ

أُولَئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا  
يَفْتَرُونَ

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْأَخْسَرُونَ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَأَخْبَتُوا إِلَىٰ رَبِّهِمْ  
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

مَثَلُ الْفَرِيقَيْنِ كَالْأَعْمَىٰ وَالْأَصْمَىٰ وَالْبَصِيرِ وَالسَّمِيعِ هَلْ  
يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ إِذْ قَالَ لِقَوْمِ رَبِّي  
إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

أَنْ لَا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمِ  
الْأَلَمِ

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا نَرَاكَ إِلَّا بَشَرًا  
مِثْلَنَا وَمَا نَرَاكَ أَتْبَعَكَ إِلَّا الَّذِينَ هُمْ أَرَادُوا بِادِّئِ الرَّأْيِ  
وَمَا نَرَىٰ لَكُمْ عَلَيْنَا مِنْ فَضْلٍ بَلْ نَظُنُّكُمْ كَاذِبِينَ

قَالَ يَقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي وَعَآتَنِي رَحْمَةٌ  
مِّنْ عِنْدِهِ فَعَمِيَتِ عَلَيْكُمْ أَنْزَلِمُكُمْوهَا وَأَنْتُمْ لَهَا  
كَرِهُونَ

اینها هیچ قدرت و راه مفری در زمین (از قهر خدا) ندارند و  
جز خدا یار و مددکاری نخواهند یافت، عذابشان دو چندان  
شود، و هرگز گوششان هم در شنوایی (سخن راست) و  
چشمشان در بینایی (حق و حقیقت) به آنها مدد نتواند کرد.

همین مردم هستند که نفوس خود را سخت در زیان  
افکندند و هر دروغی که می‌بسته همه از دستشان برود و  
محو و نابود شود.

ناگزیر در عالم آخرت زیانکارترین مردم آنها هستند.

اما آنان که به خدا ایمان آورده و به اعمال صالح پرداختند و  
به درگاه خدای خود خاضع و خاشع گردیدند آنها البته اهل  
بهشت جاویدند که در آن بهشت متنعم ابدی خواهند بود.

حال این دو گروه (کفر و ایمان) در مثل به شخص کور و کر  
و شخص شنوا و بینا مانند است، آیا حال این هر دو شخص  
یکسان است؟! پس چرا متذکر نمی‌شوید!؟

و به حقیقت ما نوح را به سوی قومش به رسالت فرستادیم  
(او قومش را گفت) که من با بیان روشن برای نصیحت و  
هشدار شما آمدم.

که غیر خدای یکتا کسی را نپرستید، که من از عذاب روز  
سخت و دردناک قیامت بر شما می‌ترسم.

سران کافران قومش پاسخ دادند که ما تو را مانند خود  
بشری بیشتر نمی‌دانیم و در بادی نظر، آنان که پیرو تو  
اشخاصی پست و بی‌قدر بیش نیستند و ما هیچ‌گونه مزیتی  
برای شما نسبت به خود نمی‌بینیم، بلکه شما را دروغگو  
می‌پنداریم.

نوح قومش را پاسخ داد که ای قوم، شما چه می‌گویید، اگر  
مرا دلیل روشن و رحمت مخصوص از جانب پروردگار عطا  
شده باشد ولی حقیقت حال بر شما پوشیده مانده باشد آیا  
(جهالت نیست که) ما شما را (به رحمت و سعادت) اجبار  
کنیم با آنکه شما تنفر اظهار می‌کنید؟



وَيَقَوْمٍ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مَالًا إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى اللَّهِ وَمَا  
أَنَا بِطَارِدِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّهُمْ مُلَقَوْنَ رَبَّهُمْ وَلِكِيتِي أَرْبُكُمْ  
قَوْمًا تَجْهَلُونَ

وَيَقَوْمٍ مَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ طَرَدْتُهُمْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

وَلَا أَقُولُ لَكُمْ عِنْدِي خَزَائِنُ اللَّهِ وَلَا أَعْلَمُ الْغَيْبَ وَلَا  
أَقُولُ إِنِّي مَلَكٌ وَلَا أَقُولُ لِلَّذِينَ تَزْدَرِي أَعْيُنُكُمْ لَنْ  
يُؤْتِيَهُمُ اللَّهُ خَيْرًا اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا فِي أَنْفُسِهِمْ إِنِّي إِذَا لَمِنَ  
الظَّالِمِينَ

قَالُوا يَنْبُوحُ قَدْ جَدَلْتَنَا فَأَكْثَرْتَ جِدْلَنَا فَاْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا  
إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

قَالَ إِنَّمَا يَأْتِيكُمْ بِهِ اللَّهُ إِنْ شَاءَ وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ

وَلَا يَنْفَعُكُمْ نُصْحِي إِنْ أَرَدْتُ أَنْ أَنْصَحَ لَكُمْ إِنْ كَانَ  
اللَّهُ يُرِيدُ أَنْ يُغْوِيَكُمْ هُوَ رَبُّكُمْ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَيْنَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَعَلَىٰ إِجْرَامِي وَأَنَا  
بَرِيءٌ مِمَّا تُجْرِمُونَ

وَأَوْحَىٰ إِلَىٰ نُوحٍ أَنَّهُ لَنْ يُؤْمِنَ مِنْ قَوْمِكَ إِلَّا مَنْ قَدْ ءَامَنَ  
فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

وَأَصْنَعِ الْفُلَكَ بِأَعْيُنِنَا وَّوْحَيْنَا وَلَا تَخْطُبِنِي فِي الَّذِينَ  
ظَلَمُوا إِنَّهُمْ مُّعْرَقُونَ

ای قوم، من از شما در عوض هدایت ملک و مالی نمی‌خواهم، اجر من تنها بر خداست و من هرگز آن مردم با ایمان را از خود دور نمی‌کنم، که آنها به شرف ملاقات خدا می‌رسند، ولی به نظر من شما خود مردم نادانی هستید.

و ای قوم، اگر من آن مردم (پاک خداپرست) را از خود برانم (و خدا از من برنجد) به مدد که از خشم خدا نجات یابم؟ آیا پند نمی‌گیرید؟

من شما را نمی‌گویم که خزائن خدا نزد من است و نه مدعیم که از علم غیب حق آگاهم و نه دعوی کنم که فرشته آسمانم و هرگز مؤمنان پاکی را که به چشم شما خوارند نخواهم گفت که خدا آنها را هیچ خیری نرساند، که خدا بر دلهای با اخلاص آنها داناتر است که (آنها را عزیز و گرامی داشته و) اگر من آنها را خوار شمارم از ستمکاران عالم به شمار باشم.

قوم گفتند: ای نوح، تو با ما جدل و گفتگوی بسیار کردی، اکنون اگر راست می‌گویی بر ما عذابی که وعده می‌دهی بیار.

نوح گفت: آن وعده را اگر خدا خواهد به شما می‌رساند و هیچ از آن مفری ندارید.

و اگر بخواهم شما را پند دهم دیگر پند و نصایح من سود نکند اگر خدا خواهد که شما را گمراه کند (یعنی پس از اتمام حجت به تعلیمات رسالت به حال گمراهی خود واگذارد)، او خدای شماست و به سوی او بازگردانده می‌شوید.

آیا باز خواهند گفت که او از پیش خود این سخنان (قرآن) را فرا بافته؟ بگو: اگر چنین باشد عقوبت آن گناه بر من است (نه بر شما) و من از (کفر و) گناه شما بیزارم.

و به نوح وحی شد که جز همین عده که ایمان آورده‌اند دیگر ابدا هیچ کس از قومت ایمان نخواهد آورد، پس تو بر کفر و عصیان این مردم لجوج محزون مباش.

و به ساختن کشتی در حضور و مشاهده ما و به دستور ما مشغول شو و درباره ستمکاران که البته باید غرق شوند دیگر با من سخن مگوی.

وَيَصْنَعُ الْفُلْكَ وَكَلَّمَا مَرَّ عَلَيْهِ مَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ سَخِرُوا  
مِنْهُ قَالَ إِنْ تَسْخَرُوا مِنَّا فَإِنَّا نَسْخَرُ مِنْكُمْ كَمَا  
تَسْخَرُونَ

فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُجْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ  
عَذَابٌ مُّقِيمٌ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُّورُ قُلْنَا احْمِلْ فِيهَا مِنْ كُلِّ  
زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ وَمَنْ ءَامَنَ  
وَمَا ءَامَنَ مَعَهُ إِلَّا قَلِيلٌ

وَقَالَ ارْكَبُوا فِيهَا بِسْمِ اللَّهِ حَجَّ رَبُّهَا وَمُرْسَاهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ  
رَّحِيمٌ

وَهِيَ تَجْرِي بِهِمْ فِي مَوْجٍ كَالْجِبَالِ وَنَادَىٰ نُوحٌ أَبْنَاهُ وَكَانَ  
فِي مَعْزِلٍ يُبْنِي أَرْكَبَ مَعَنَا وَلَا تَكُن مَعَ الْكَافِرِينَ

قَالَ سَآوِيَ إِلَىٰ جِبَلٍ يَْعَصِمُنِي مِنَ الْمَاءِ قَالَ لَا عَاصِمَ  
الْيَوْمَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِلَّا مَنْ رَحِمَ وَحَالَ بَيْنَهُمَا الْمَوْجُ فَكَانَ  
مِنَ الْمُعْرَقِينَ

وَقِيلَ يَا رَأْسُ أَبِ لَعْنَةُ مَاءِكُ وَيَسْمَاءُ أَقْلَعِي وَغِيضَ الْمَاءِ  
وَقُضِيَ الْأَمْرُ وَأَسْتَوَتْ عَلَىٰ الْجُودِيِّ وَقِيلَ بُعْدًا لِلْقَوْمِ  
الظَّالِمِينَ

وَنَادَىٰ نُوحٌ رَبَّهُ فَقَالَ رَبِّ إِنَّ ابْنِي مِنْ أَهْلِي وَإِنَّ وَعْدَكَ  
الْحَقُّ وَأَنْتَ أَحْكَمُ الْحَاكِمِينَ

و نوح به ساختن کشتی پرداخت و هرگاه گروهی از قومش  
بر او می‌گذشتند وی را مسخره و استهزاء می‌کردند و نوح  
در جواب آنها می‌گفت: اگر (امروز) شما ما را مسخره می‌کنید  
ما هم (روزی) شما را مسخره کنیم همان‌گونه که شما  
مسخره می‌کنید.

و به زودی معلوم شما شود که کدام یک به عذاب ذلت و  
خواری گرفتار و عذاب دائم خدا را مستوجب خواهد شد.

(نوح به ساختن کشتی و قوم به تمسخر پرداختند) تا وقتی  
که فرمان (قهر) ما فرا رسید و از تنور آتش آب بجوشید،  
در آن هنگام به نوح خطاب کردیم که از هر جفت حیوان دو  
فرد (نر و ماده) با جمیع خانواده‌ات-جز آن (پسرت کنعان و  
زنت) که وعده هلاکش در علم ازلی گذشته-و هر که ایمان  
آورده همه را در کشتی سوار کن (که از غرقاب برهند). و  
گرویدگان به نوح عده قلیلی بیش نبودند.

و نوح دستور داد که شما مؤمنان به کشتی در آید تا به نام  
خدا کشتی هم روان شود و هم به ساحل نجات رسد، که  
خدای من البته بسیار آمرزنده و مهربان است.

و آن کشتی آنان را در میان امواجی مانند کوه گردش می‌داد  
که در آن حال نوح فرزندش را که به کناری رفته بود ندا  
کرد که ای پسر، تو هم با ما بدین کشتی در آی و با کافران  
همراه مباش.

آن پسر (نادان نااهل) پدر را پاسخ داد که من به زودی بر  
فراز کوهی روم که از خطر آبم نگه دارد، نوح گفت: امروز  
هیچ کس را از (قهر) خدا جز لطف او پناه نیست. و موج میان  
آنها جدایی افکند و پسر با کافران به دریا غرق شد.

و به زمین خطاب شد که ای زمین، فوراً آب خود را فرو بر، و  
به آسمان امر شد که باران را قطع کن، و آب (به یک لحظه)  
خشک شد و حکم (قهر الهی) انجام یافت و کشتی بر کوه  
جودی قرار گرفت، و فرمان هلاک ستمکاران در رسید.

و نوح به درگاه خدا عرض کرد: بار پروردگارا، فرزند من از  
اهل بیت من است (که وعده لطف و نجات به آنها دادی) و  
وعده تو هم حتمی است و قادرترین حکمفرمایانی.

قَالَ يٰنُوْحُ اِنَّهُ لَيْسَ مِنْ اَهْلِكَ اِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرٌ صٰلِحٌ  
فَلَا تَسْئَلْنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ اِنِّيْ اَعْظَمُكَ اَنْ تَكُوْنَ  
مِنَ الْجٰهِلِيْنَ

قَالَ رَبِّ اِنِّيْ اَعُوْذُ بِكَ اَنْ اَسْئَلَكَ مَا لَيْسَ لِيْ بِهِ عِلْمٌ  
وَ اِلَّا تَغْفِرْ لِيْ وَ تَرْحَمْنِيْ اَكُنْ مِنَ الْخٰسِرِيْنَ

قِيْلَ يٰنُوْحُ اَهْبِطْ بِسَلٰمٍ مِّنَّا وَبَرَكَاتٍ عَلَيْكَ وَ عَلٰى اُمَّةٍ  
مِّمَّنْ مَّعَكَ وَ اُمَّةٌ سَنَمِتُّهُمْ ثُمَّ يَمْسُهُمْ مِّنَّا عَذَابٌ اَلِيْمٌ

تِلْكَ مِنْ اَنْبَآءِ الْغَيْبِ نُوْحِيْهَا اِلَيْكَ مَا كُنْتَ تَعْلَمُهَا اَنْتَ  
وَ لَا قَوْمَكَ مِنْ قَبْلِ هٰذَا فَاصْبِرْ اِنَّ الْعَقِبَةَ لِلْمُتَّقِيْنَ

وَ اِلٰى عَادٍ اٰخَاهُمْ هُوْدًا قَالَ يٰقَوْمِ اَعْبُدُوْا اللّٰهَ مَا لَكُمْ مِّنْ  
اِلٰهٍ غَيْرُهُ اِنْ اَنْتُمْ اِلَّا مُفْتَرُوْنَ

يٰقَوْمِ لَا اَسْئَلُكُمْ عَلَيْهِ اَجْرًا اِنْ اَجْرِيْ اِلَّا عَلٰى الَّذِيْ  
فَطَرَنِيْ اَفَلَا تَعْقِلُوْنَ

وَ يٰقَوْمِ اَسْتَغْفِرُوْا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوْا اِلَيْهِ يُرْسِلِ السَّمٰوٰتَ  
عَلَيْكُمْ مِّدْرٰرًا وَ يَزِدُّكُمْ قُوَّةً اِلٰى قُوَّتِكُمْ وَ لَا تَتَوَلَّوْا  
مُجْرِمِيْنَ

قَالُوْا يٰهُودُ مَا جِئْتَنَا بِبَيِّنَةٍ وَ مَا نَحْنُ بِتَارِكِيْ ءَالِهَتِنَا عَن  
قَوْلِكَ وَ مَا نَحْنُ لَكَ بِمُؤْمِنِيْنَ

خدا خطاب کرد که ای نوح، فرزند تو هرگز با تو اهلیت ندارد، زیرا او را عمل بسیار ناشایسته است، پس تو از من تقاضای امری که هیچ از حال آن آگه نیستی مکن، من تو را پند می‌دهم که از مردم جاهل مباش.

نوح عرض کرد: بار الها، من پناه می‌برم به تو که دیگر چیزی که نمی‌دانم از تو تقاضا کنم، و اگر گناه مرا نبخشی و بر من ترحم نفرمایی من از زیانکاران عالم خواهم بود.

و خطاب شد که ای نوح، از کشتی فرود آی که سلام ما و برکات و رحمت ما بر تو و بر آن امم و قبایلی که همیشه (در خدایپرستی) با تو انداخته‌اند اختصاص یافته، و امتیاهی دیگر هستند که (خودسر و ستمگر شوند و) ما به آنها بهره‌ای (از دنیا) دهیم سپس عذابی سخت (در قیامت) از ما به آنان خواهد رسید.

این (حکایت نوح) از اخبار غیب است که به تو وحی می‌کنیم و پیش از آنکه ما به تو وحی کنیم تو و قومت هیچ از آن آگه نبودید، پس تو در طاعت حق راه صبر پیش گیر که عاقبت نیکو اهل تقوا راست.

و ما برای (هدایت) قوم عاد برادرشان (یعنی مردی از طایفه آنها) هود را فرستادیم، گفت که ای مردم، خدای یکتا را پرستش کنید که جز او شما را خدایی نیست و شما (در گفتاری که از بتان و خدایان باطل به میان آورده‌اید بدانید که) افترا زنده‌ای بیش نیستید.

ای قوم، من از شما مزد رسالت نمی‌خواهم، اجر من جز بر خدا که مرا آفریده، نیست، آیا فکر و عقل را کار نمی‌بندید؟

و ای قوم، از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاه او توبه کنید تا از آسمان بر شما رحمت فراوان نازل گرداند و بر قوت و توانایی شما بیفزاید، و زهار به نابکاری و عصیان روی مگردانید.

قوم هود وی را پاسخ دادند که ای هود، تو برای ما دلیلی (روشن بر دعوی رسالت خود) نیاوردی و ما هرگز از خدایان خود به مجرد حرف تو دست نمی‌کشیم و ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد.

إِنْ نَقُولُ إِلَّا أَعْتَرْنَاكَ بِبَعْضِ آيَاتِنَا بِسُوءٍ ۖ قَالَ إِنِّي أُشْهِدُ  
اللَّهَ وَأَشْهَدُونَ أَنِّي بَرِيءٌ مِّمَّا تُشْرِكُونَ

مِنْ دُونِهِ ۖ فَكَيْدُونِي جَمِيعًا ثُمَّ لَا تُنظِرُونَ

إِنِّي تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ رَّبِّي وَرَبِّكُمْ ۚ مَا مِنْ دَابَّةٍ إِلَّا هُوَ  
ءَاخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا ۚ إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقَدْ أَبْلَغْتُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ ۚ إِلَيْكُمْ  
وَيَسْتَخْلِفُ رَبِّي قَوْمًا غَيْرَكُمْ وَلَا تَضُرُّونَهُ ۚ شَيْئًا إِنَّ رَبِّي  
عَلَى كُلِّ شَيْءٍ حَفِيظٌ

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا هُودًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا  
وَنَجَّيْنَاهُمْ مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

وَتِلْكَ عَادٌ جَحَدُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَعَصَوْا رُسُلَهُ وَاتَّبَعُوا  
أَمْرَ كُلِّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

وَاتَّبَعُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ ۗ أَلَا إِنَّ عَادًا  
كَفَرُوا رَبَّهُمْ ۗ أَلَا بُعْدًا لِّعَادٍ قَوْمِ هُودٍ

وَإِلَى ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ  
مِّنْ إِلَهِ غَيْرُهُ ۗ هُوَ أَنشَأَكُمْ مِّنَ الْأَرْضِ وَأَسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا  
فَاسْتَغْفِرُوهُ ثُمَّ تَوَبُّوا إِلَيْهِ ۚ إِنَّ رَبِّي قَرِيبٌ مُّجِيبٌ

قَالُوا يَا صَالِحُ قَدْ كُنْتَ فِينَا مَرْجُوًّا قَبْلَ هَذَا ۗ أَتَنْهَانَا أَنْ  
تَعْبُدَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا وَإِنَّنَا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ  
مُرِيبٍ

تنها چیزی که (درباره تو) می‌گوییم این است که برخی از  
خدایان ما تو را آسیب جنون رسانیده است. هود به آنها  
گفت: من خدا را گواه می‌گیرم و شما هم گواه باشید که من  
از خدایانی که غیر خدای یکتا می‌پرستید بیزارم.

شما هم هر فکر و تدبیری در کار من دارید بیندیشید و  
هیچ مهلتم ندهید.

من بر خدا که پروردگار من و شماست توکل کرده‌ام، که  
زمام اختیار هر جنبنده‌ای به دست اوست و البته پروردگار  
من (در کار بندگان) به راه راست است.

پس اگر شما روی بگردانید من به وظیفه خود که ابلاغ  
رسالت (و اتمام حجت) بر شماست قیام کردم، و خدای من  
قومی دیگر را جانشین شما خواهد کرد و به او هیچ ضرری  
نتوانید رسانید، که پروردگار من بر هر چیز نگهبان است.

و چون فرمان (قهر) ما (به هلاکت قوم) در رسید ما به فضل  
و رحمت خود هود و کسانی را که با او ایمان آوردند نجات  
بخشیدیم و آنها را از عذاب بسیار سختی ایمن ساختیم.

و همین قوم عاد (امت هود) هستند که آیات خدا را انکار و  
پیغمبران او را نافرمانی کردند و پیرو امر هر شخصی جبار و  
عنودی شدند.

و آنها به لعن خدا هم در حیات دنیا و هم در قیامت گرفتار  
گردیدند، آگاه باشید که قوم عاد به خدای خود کافر شدند،  
بدانید که قوم عاد، امت هود از رحمت خدا دورند.

و باز ما به سوی قوم ثمود برادرشان صالح را به رسالت  
فرستادیم، صالح به قوم خود گفت: ای قوم، خدای یگانه را  
که شما را جز او خدایی نیست پرستش کنید، او خدایی  
است که شما را از زمین بیافرید و برای عمارت و آباد  
ساختن آن برگماشت، پس شما از خدای خود آموزش طلبید  
و به درگاه او توبه کنید که البته خدای من (به همه) نزدیک  
است و شنونده و اجابت کننده است.

قوم گفتند: ای صالح، تو پیش از آنکه دعوی نبوت کنی در  
میان ما مورد امیدواری بودی، آیا می‌خواهی ما را از پرستش  
خدایانی که پدران ما می‌پرستیدند منع کنی؟ ما به دعوی  
نبوتت سخت بدگمان و بی‌عقیده هستیم.

قَالَ يَاقَوْمِ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كُنْتُ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّي وَعَآئِدُنِي مِنْهُ رَحْمَةً فَمَنْ يَنْصُرُنِي مِنَ اللَّهِ إِنْ عَصَيْتُهُ<sup>ط</sup> فَمَا تَزِيدُونَنِي غَيْرَ تَخْسِيرٍ

وَيَقَوْمِ هَذِهِ نَاقَةُ اللَّهِ لَكُمْ آيَةٌ<sup>ط</sup> فَذَرُوهَا تَأْكُلْ فِي أَرْضِ اللَّهِ وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ قَرِيبٌ

فَعَقَرُوهَا فَقَالَ تَمَتَّعُوا فِي دَارِكُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ<sup>ط</sup> ذَلِكَ وَعَدُّ غَيْرِ مَكْذُوبٍ

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا صَالِحًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ مِنَّا وَمِنْ خِزْيِ يَوْمِئِذٍ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

وَأَخَذَ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيَرِهِمْ جَاثِمِينَ

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا<sup>ط</sup> آلَآ إِنَّ ثَمُودًا كَفَرُوا رَبَّهُمْ<sup>ط</sup> آلَا بُعْدًا لِثَمُودَ

وَلَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَىٰ قَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَّمَ<sup>ط</sup> فَمَا لَبِثَ أَنْ جَاءَ بِعِجْلٍ حَنِيذٍ

فَلَمَّا رَأَىٰ أَيْدِيَهُمْ لَا تَصِلُ إِلَيْهِ نَكِرَهُمْ وَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً<sup>ط</sup> قَالُوا لَا تَخَفْ إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمِ لُوطٍ

وَأَمْرَأَتُهُ قَائِمَةٌ فَضَحِكَتْ فَبَشَّرْنَاهَا بِإِسْحَاقَ وَمِنْ وَرَاءِ إِسْحَاقَ يَعْقُوبَ

صالح گفت: آیا رأی شما چیست اگر من بر دعوی خود معجز و دلیلی از طرف خدا در دست داشته باشم و او مرا از نزد خود رحمتی (مقام نبوت) داده باشد، اگر باز هم فرمان او نبرم در این صورت مرا در برابر (قهر) خدا که یاری تواند داد؟ که شما بر من جز ضرر و زیان چیزی نخواهید افزود.

و ای قوم، این ناقه آیت خداست و معجز برای شماست، او را به حال خود آزاد گذارید تا در زمین خدا چرا کند و قصد آزار او مکنید و گر نه شما را به زودی عذابی در خواهد گرفت.

قوم ناقه را پی کردند، صالح هم گفت که تا سه روز دیگر در منازل خود از زندگی تمتع برید که (سپس همه هلاک خواهید شد و) این وعده البته دروغ نیست.

چون وقت فرمان (قهر) ما فرا رسید تنها صالح و مؤمنان به او را به رحمت خاص خود از بلا و از خواری و رسوایی آن روز نجات دادیم، که خدای تو مقتدر و تواناست.

و آن گاه ستمکاران را (شب) صیحه عذاب آسمانی بگرفت و صبحگاه در دیارشان بی‌حس و حرکت و خاموش ابدی شدند.

چنان هلاک شدند که گویی هرگز در آن دیار نبودند. آگاه باشید که قوم ثمود، به خدای خود کافر شدند، آگاه باشید که قوم ثمود دور از رحمت ابدی خدا گردیدند.

و محققا فرستادگان ما (فرشتگان آسمان) بر ابراهیم (خلیل) بشارت آورده و او را سلام گفته و او پاسخ سلام بداد، آن گاه ابراهیم بی‌درنگ از گوشت گوساله کبابی آورد.

و چون دید که آنان به طعام دست دراز نمی‌کنند آنان را بیگانه شمرد و در حال از آنها دلش متوحش و بیمناک گردید، آنان گفتند: مترس که ما فرستاده خدا به قوم لوط می‌باشیم.

و زن ابراهیم ایستاده بود که (از فرط شوق) متبسم (یا حائض) گردید، پس ما آن زن را به فرزندی به نام اسحاق و سپس (فرزندش) یعقوب بشارت دادیم.

قَالَتْ يَوَيْلَتِي ءَأَلِدُ وَأَنَا عَجُوزٌ وَهَذَا بَعْلِي شَيْخًا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ عَجِيبٌ

۷۳

قَالُوا أَتَعْجَبِينَ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ رَحِمْتُ اللَّهَ وَبَرَكَتُهُ وَعَلَيْكُمْ أَهْلَ الْبَيْتِ إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ

۷۴

فَلَمَّا ذَهَبَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ الرَّوْعُ وَجَاءَتْهُ الْبُشْرَى يُجْدِلْنَا فِي قَوْمِ لُوطٍ

۷۵

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ لَحَلِيمٌ أَوَّاهٌ مُنِيبٌ

۷۶

يَتَابِرَاهِيمُ أَعْرِضْ عَنْ هَذَا إِنَّهُ قَدْ جَاءَ أَمْرُ رَبِّكَ وَإِنَّهُمْ آتِيهِمْ عَذَابٌ غَيْرُ مَرْدُودٍ

۷۷

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلُنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ وضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا وَقَالَ هَذَا يَوْمٌ عَصِيبٌ

۷۸

وَجَاءَهُمْ قَوْمُهُمْ يُهْرَعُونَ إِلَيْهِ وَمِنْ قَبْلُ كَانُوا يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ قَالَ يَاقَوْمِ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي هُنَّ أَطْهَرُ لَكُمْ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ فِي ضَيْفِي أَلَيْسَ مِنْكُمْ رَجُلٌ رَشِيدٌ

۷۹

قَالُوا لَقَدْ عَلِمْتَمَا لَنَا فِي بَنَاتِكَ مِنْ حَقٍّ وَإِنَّكَ لَتَعْلَمُ مَا نُرِيدُ

۸۰

قَالَ لَوْ أَنَّ لِي بِكُمْ قُوَّةٌ أَوْ آوَى إِلَيَّ رُكْنٍ شَدِيدٍ

۸۱

قَالُوا يَلُوطُ إِنَّا رُسُلُ رَبِّكَ لَنْ يَصِلُوا إِلَيْكَ فَاسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِنَ اللَّيْلِ وَلَا يَلْتَفِتْ مِنْكُمْ أَحَدٌ إِلَّا أَمْرَاتَكَ إِنَّهُ مُصِيبُهَا مَا أَصَابَهُمْ إِنَّ مَوْعِدَهُمُ الصُّبْحُ أَلَيْسَ الصُّبْحُ بِقَرِيبٍ

زن گفت: ای وای! آیا می‌شود من بزایم با آنکه پیری سالخورده‌ام و شوهرم نیز مردی پیر و فرتوت است؟ این چیزی بسیار شگفت‌انگیز است.

فرشتگان با او گفتند: آیا از کار خدا عجب داری؟ (عجب مدار) که رحمت و برکات خدا مخصوص شما اهل بیت است، زیرا خدا بسیار ستوده صفات و بزرگوار است.

چون ابراهیم را وحشت از دل برفت و بشارت (فرزند) بیامد در آن حال برای خلاص قوم لوط با ما به گفتگو و التماس در آمد.

که همانا ابراهیم بسیار بردبار بود و بسیار دعا و تضرع داشت و بسیار مغفرت و آمرزش می‌طلبید.

(خطاب شد) ای ابراهیم از این خواهش درگذر که هنگام حکم (قهر) الهی بر این قوم فرا رسیده و بر آنها عذابی که حتمی است و بازگشت ندارد خواهد رسید.

و چون فرستادگان ما (فرشتگان قهر) به لوط وارد شدند به آمدن آنان پریشان خاطر و دل‌تنگ شد و گفت: این روز بسیار سختی است.

و (چون فرشتگان به صورت جوانان زیبا به خانه لوط درآمدند) قوم لوط به قصد عمل زشتی که در آن سابقه داشتند به سرعت به درگاه او وارد شدند، لوط به آنها گفت: این دختران من (جنس زنان امتم که به منزله دختران منند) برای شما پاکیزه و نیکوترند، از خدا بترسید و مرا نزد مهمانانم خوار و سرشکسته مکنید، آیا در میان شما یک مرد رشید نیست؟

قوم لوط گفتند: تو خود می‌دانی که ما را رغبت و میلی به آن دختران نیست و تو به خوبی می‌دانی که مطلب ما چیست.

لوط گفت: ای کاش مرا بر منع شما اقتداری بود یا (حالی که بر معنتان قدرت ندارم از شر شما) به رکن محکمی پناه می‌بردم.

فرشتگان به لوط گفتند: ما رسولان پروردگار توایم و هرگز دست آزار قوم به تو نرسد، تو اهل بیت خود را در پاسی از شب از این دیار بیرون بر و از شما هیچ کس نباید وابماند جز آن زن (کافر) تو که آن هم با قوم تو باید هلاک شود. همانا وعده عذاب صبحگاه است، آیا صبح نزدیک نیست؟!

فَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا جَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهَا  
حِجَارَةً مِّن سَجِيلٍ مَّنْضُودٍ

مَسْؤَمَةً عِنْدَ رَبِّكَ وَمَا هِيَ مِنَ الظَّالِمِينَ بَبَعِيدٍ

وَإِلَى مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا قَالَ يَا قَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ  
مِنَ إِلَهٍ غَيْرُهُ وَلَا تَتَّقُوا الْمَكِّيَالَ وَالْمِيزَانَ إِنِّي أَرَبُّكُمْ  
بِخَيْرٍ وَإِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ مُّحِيطٍ

وَيَقَوْمِ أَوْفُوا الْمَكِّيَالَ وَالْمِيزَانَ بِالْقِسْطِ وَلَا تَبْخَسُوا  
النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

بَقِيَّتُ اللَّهِ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنتُمْ مُؤْمِنِينَ وَمَا أَنَا عَلَيْكُمْ  
بِخَفِيضٍ

قَالُوا يَشْعَيْبُ أَصَلَوْتِكَ تَأْمُرُكَ أَنْ نَتْرَكَ مَا يَعْبُدُ آبَاؤُنَا  
أَوْ أَنْ نَفْعَلَ فِي أَمْوَالِنَا مَا نَشَاءُ إِنَّكَ لَأَنْتَ الْحَلِيمُ الرَّشِيدُ

قَالَ يَقَوْمِ أَرَعَيْتُمْ إِن كُنتُ عَلَىٰ بَيْتَةٍ مِّن رَّبِّي وَرَزَقَنِي مِنْهُ  
رِزْقًا حَسَنًا وَمَا أُرِيدُ أَنْ أُخَالِفَكُمْ إِلَىٰ مَا أَنهَكُمْ عَنْهُ  
إِن أُرِيدُ إِلَّا الْإِصْلَاحَ مَا اسْتَطَعْتُ وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ  
عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

چون فرمان (قهر) ما در رسید دیار آن قوم نابکار را ویران و  
زیر و زبر ساختیم و بر سر آنها مرتب سنگ گل (هلاکت  
کننده) فرو ریختیم.

که آن سنگها از امر خدا نشاندار و معین بود و البته چنین  
هلاکتی از ظالمان عالم دور نخواهد بود.

و ما به سوی اهل مدین برادرشان شعیب را (به رسالت  
فرستادیم)، وی گفت: ای قوم، خدای یکتا را که شما را جز  
او خدایی نیست پرستش کنید و در کیل و وزن کم‌فروشی  
مکنید، من خیر شما را در آن می‌بینم (که با همه عدل و  
انصاف کنید) و (اگر ظلم کنید) من می‌ترسم از روزی که  
عذابی سخت شما را فراگیرد.

ای قوم، در سنجش وزن و کیل اجناس عدالت کنید و آن را  
تمام دهید و به مردم کم ن فروشید و در زمین به فساد  
برنخیزید.

(و بدانید که) آنچه خدا بر شما باقی گذارد برای شما بهتر  
است (از آن زیادتی که به خیانت و کم و گران فروشی به  
دست می‌آورید) اگر واقعا به خدا ایمان دارید. و من نگهبان  
شما (از عذاب خدا) نیستم.

قوم گفتند: ای شعیب، آیا این نماز تو، تو را مأمور می‌کند  
که ما دست از پرستش خدایان پدرانمان و از تصرف در  
اموال به دلخواه خودمان برداریم؟ (آفرین) تو بسیار مرد  
بردبار خردمندی هستی!

شعیب گفت: ای قوم، رأی و نظریه شما چیست؟ آیا اگر مرا  
از جانب پروردگارم حجت روشن و دلیل قاطع باشد و از خود  
بر من رزق نیکو رسانده باشد (باز اطاعت او نکنم)؟ و  
(بدانید که) غرض من در آنچه شما را نهی می‌کنم ضدیت و  
مخالفت با شما نیست بلکه تا بتوانم تنها مقصودم اصلاح امر  
شماست و از خدا در هر کار توفیق می‌طلبم و بر او توکل  
کرده و به درگاه او انابه و بازگشت دارم.

وَيَقَوْمٌ لَا يَجْرِمَنَّكُمْ شِقَاقِي أَنْ يُصِيبَكُمْ مِثْلُ مَا أَصَابَ  
قَوْمَ نُوحٍ أَوْ قَوْمَ هُودٍ أَوْ قَوْمَ صَالِحٍ وَمَا قَوْمَ لُوطٍ مِّنْكُمْ  
بَبَعِيدٍ

شعیب باز گفت: ای قوم، ضدیت با من شما را بر آن وادار  
نکند که بر شما هم بلایی مانند قوم نوح یا قوم هود یا صالح  
از جانب خدا نازل شود و (به خصوص که) قوم لوط  
دورانشان دور از شما نیست.

وَاسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ ثُمَّ تُوبُوا إِلَيْهِ إِنَّ رَبِّي رَحِيمٌ وَدُودٌ

و از خدای خود آمرزش طلبید و به درگاهش توبه و انابه  
کنید که خدای من بسیار مهربان و دوستدار بندگان است.

قَالُوا يَشْعِيبُ مَا نَفَقَهُ كَثِيرًا مِّمَّا تَقُولُ وَإِنَّا لَنَرُكَ فِينَا  
ضَعِيفًا وَّلَوْلَا رَهْطُكَ لَرَجَمْنَاكَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْنَا بَعِزِيزٌ

قوم پاسخ دادند که ای شعیب، ما بسیاری از آنچه می‌گویی  
نمی‌فهمیم و تو را در میان خود شخصی بی‌ارزش و ناتوان  
می‌بینیم و اگر (ملاحظه) طایفه تو نبود سنگسارت می‌کردیم،  
که تو را نزد ما عزت و احترامی نیست.

قَالَ يَقَوْمِ أَرْهَطِي أَعَزُّ عَلَيْكُمْ مِنَ اللَّهِ وَاتَّخَذْتُمُوهُ  
وَرَاءَكُمْ ظَهْرِيًّا إِنَّ رَبِّي بِمَا تَعْمَلُونَ مُحِيطٌ

شعیب گفت: ای قوم، آیا طایفه من عزتش نزد شما بیش از  
خداست؟ و خدا را به کلی فراموش کردید؟ همانا خدای من  
به هر چه شما می‌کنید کاملا آگاه است.

وَيَقَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ سَوْفَ تَعْلَمُونَ  
مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَمَنْ هُوَ كَذِبٌ وَأُرْتَقَبُوا إِنِّي  
مَعَكُمْ رَقِيبٌ

ای قوم، شما هر کار می‌توانید انجام دهید من هم هر چه  
موظفم خواهم کرد، به زودی شما خواهید دانست که عذاب  
خواری و رسوایی بر کدام یک از من و شما می‌آید و دروغگو  
کیست، پس شما منتظر (نزول عذاب خدا) باشید که من هم  
(بر خود لطف و بر شما قهر حق را) منتظرم.

وَلَمَّا جَاءَ أَمْرُنَا نَجَّيْنَا شُعَيْبًا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ بِرَحْمَةٍ  
مِّنَّا وَأَخَذَتِ الَّذِينَ ظَلَمُوا الصَّيْحَةَ فَأَصْبَحُوا فِي دِيرِهِمْ  
جَاثِمِينَ

و هنگامی که حکم (قهر) ما فرا رسید، ما شعیب و کسانی را  
که با او ایمان آوردند به لطف و مرحمت خود نجات دادیم، و  
ستمکاران را صیحه عذاب فرا گرفت که صبحگاه همه در  
دیار خود هلاک شدند.

كَأَن لَّمْ يَغْنَوْا فِيهَا ۗ أَلَا بُعْدًا لِّمَدْيِنَ كَمَا بَعَدَتِ ثَمُودُ

چنان هلاک شدند که گویی هرگز در آن دیار نبودند، آگاه  
باشید که اهل مدین هم مانند کافران قوم ثمود از رحمت  
خدا دور شدند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ

آن گاه موسی عمران را با آیات خود و حجت روشن (به  
رسالت) فرستادیم.

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ ۗ فَاتَّبَعُوا أَمْرَ فِرْعَوْنَ وَمَا أَمْرُ فِرْعَوْنَ  
بِرَشِيدٍ

به سوی فرعون و اشراف قومش، و آنان پیرو حکم و امر  
فرعون شدند با آنکه هیچ هدایت و رشدی در اطاعت امر  
فرعون نبود.



يَقْدُمُ قَوْمَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَأَوْرَدَهُمُ النَّارَ وَبِئْسَ الْوَرْدُ  
الْمَوْرُودُ

وَأَتَّبِعُوا فِي هَذِهِ لَعْنَةَ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ بِئْسَ الرِّفْدُ الْمَرْفُودُ

ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْفُرَى نَفْصُهُ عَلَيْكَ مِنْهَا قَائِمٌ وَحَصِيدٌ

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ فَمَا أَغْنَتْ عَنْهُمْ  
ءَالِهَتُهُمُ الَّتِي يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ لَمَّا جَاءَ  
أَمْرُ رَبِّكَ وَمَا زَادُوهُمْ غَيْرَ تَتْبِيبٍ

وَكَذَلِكَ أَخْذُ رَبِّكَ إِذَا أَخَذَ الْفُرَى وَهِيَ ظَلِيمَةٌ إِنَّ أَخْذَهُ  
أَلِيمٌ شَدِيدٌ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِمَنْ خَافَ عَذَابَ الْآخِرَةِ ذَلِكَ يَوْمٌ  
مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ

وَمَا نُؤَخِّرُهُ إِلَّا لِأَجَلٍ مَعْدُودٍ

يَوْمَ يَأْتِ لَا تَكَلَّمُ نَفْسٌ إِلَّا بِإِذْنِهِ فَمِنْهُمْ شَقِيٌّ وَسَعِيدٌ

فَأَمَّا الَّذِينَ شَقُوا فَمِنَ النَّارِ لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَشَهِيقٌ

خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ  
رَبُّكَ إِنَّ رَبَّكَ فَعَّالٌ لِمَا يُرِيدُ

وَأَمَّا الَّذِينَ سَعِدُوا فَمِنَ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا مَا دَامَتِ  
السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ إِلَّا مَا شَاءَ رَبُّكَ عَطَاءٌ غَيْرٌ مَجْذُودٍ

فرعون پیروان خود را در قیامت پیشوایی کند و آنها را (با خود) به آتش دوزخ در افکند، که بسیار بد ورودگاه و منزلگاهی است.

و فرعونیان را در این جهان بد لعنتی در پی است و آن بد عطا و بخششی است.

(ای رسول ما) این بعضی از اخبار دیار ستمکاران است که بر تو حکایت می‌کنیم که برخی از آن دیار هنوز معمور است و برخی دیگر شهرها داس مرگ اهلش را درو کرد.

و آنها که به هلاکت رسیدند نه ما بر آنها بلکه خود بر خویشتن ستم کردند و هنگامی که امر (قهر) خدای تو بر هلاکشان در رسید همه خدایان باطلی که غیر خدا می‌پرستیدند هیچ دفع هلاکت از آنان ننمودند و جز بر خسران و تباهی آنها نیفزودند.

و این گونه است مؤاخذه پروردگارت هرگاه بخواهد دیار ستمکاران را ویران کند، که انتقام و مؤاخذه خدا بسیار دردناک و شدید است.

همانا در این هلاک بدکاران آیت و عبرتی است بر آن کس که از عذاب روز محشر بترسد که روز محشر روزی است که همه خلق را در آن جمع آورند و آن روز، روز حضور همگان است.

و ما آن روز را به تأخیر نیفکنیم جز تا وقتی که (در علم ما) معین است.

در آن روز که فرا رسد هیچ کس جز به فرمان خدا سخن نگوید، پس برخی شقی و بد روزگارند و بعضی سعید و خوشوقت.

اما اهل شقاوت همه در آتش دوزخند در حالی که سخت آه و ناله حسرت و عریبه می‌کشند.

آنها در آتش دوزخ تا آسمان و زمین باقی است مخلدند مگر آنچه مشیت پروردگار تو باشد، که البته خدا هر چه خواهد می‌کند.

و اما اهل سعادت هم تمام در بهشت ابد تا آسمان و زمین باقی است مخلدند مگر آنچه مشیت پروردگار تو باشد، که عطایی ابدی و نامقطوع است.

فَلَا تَكُ فِي مِرْيَةٍ مِّمَّا يَعْبُدُ هَؤُلَاءِ مَا يَعْبُدُونَ إِلَّا كَمَا  
يَعْبُدُ ءَابَاؤُهُمْ مِنْ قَبْلُ وَإِنَّا لَمُوفُونَ نَصِيبُهُمْ غَيْرَ  
مَنْقُوصٍ

پس تو شک نداشته باش که اینان عبادت بتها را جز به پیروی و تقلید (جاهلانه) پدرانشان نمیکنند و ما آنچه سهم (عذاب) این مشرکان است بی کم و کاست خواهیم داد.

و محققا ما کتاب تورات را برای موسی فرستادیم آن‌گاه در آن اختلاف کردند، و اگر کلمه سابقه الهی و مشیت ازلی خدا (بر تأخیر عذاب خلق تا قیامت) نبود همانا میان آنها حکم (به عذاب) می‌شد. و این مردم از این گونه وعد و وعیدها همیشه بدگمان و در شکند و بر خود ریب و شبهه می‌کنند.

و محققا خدای تو همه خلق را به جزای همه اعمالشان می‌رساند، که او بر همه کردار خلق آگاه است.

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَاخْتَلَفَ فِيهِ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ  
سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكِّ مِّنْهُ  
مُرِيبٍ

وَإِنَّ كَلَّا لَمَا لَيُؤْفِنِيَنَّهُمْ رَبُّكَ أَعْمَلَهُمْ إِنَّهُ بِمَا يَعْمَلُونَ  
خَبِيرٌ

پس تو چنان که مأموری استقامت و پایداری کن و کسی که با همراهی تو به خدا رجوع کند نیز پایدار باشد، و (هیچ از حدود الهی) تجاوز نکنید که خدا به هر چه شما می‌کنید بصیر و داناست.

فَأَسْتَقِمَّ كَمَا أَمَرْتُ وَمَنْ تَابَ مَعَكَ وَلَا تَطْغَوْا إِنَّهُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

و (شما مؤمنان) هرگز نباید با ظالمان همدست و دوست و بدانها دلگرم باشید و گر نه آتش (کیفر آنان) در شما هم خواهد گرفت و در آن حال جز خدا هیچ دوستی نخواهید داشت و هرگز کسی یاری شما نخواهد کرد.

وَلَا تَرْكَبُوا إِلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا فتمسككم النار وما لكم  
من دون الله من أولياء ثم لا تنصرون

و نماز را در دو طرف (اول و آخر) روز به پا دار و نیز در ساعات آغازین شب، که البته حسنات و نکوکاریها، سیئات و بدکاریها را نابود می‌سازد، این (نماز یا این سخن که حسنات شما سیئات را محو می‌کند) یادآوری است برای اهل ذکر و پندی بر مردم آگاه است.

وَأَقِمِ الصَّلَاةَ طَرْفِي النَّهَارِ وَزُلْفًا مِّنَ اللَّيْلِ إِنَّ الْحَسَنَاتِ  
يُذْهِبْنَ السَّيِّئَاتِ ذَلِكَ ذِكْرِي لِلذَّكِرِينَ

و صبر کن که خدا هرگز اجر نیکوکاران را ضایع نگذارد.

وَأَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

پس چرا در امم گذشته مردمی با عقل و ایمان وجود نداشت که (خلق را) از فساد و اعمال زشت نهی کنند مگر عده قلیلی که نجاتشان دادیم، و ستمکاران از پی تعیش به نعمتهای دنیوی رفتند و مردمی فاسق بدکار بودند.

فَلَوْلَا كَانَ مِنَ الْقُرُونِ مِنْ قَبْلِكُمْ أُولُوا بَقِيَّةَ يَنَّهُونَ  
عَنِ الْفَسَادِ فِي الْأَرْضِ إِلَّا قَلِيلًا مِّمَّنْ أَنْجَيْنَا مِنْهُمْ وَاتَّبَعَ  
الَّذِينَ ظَلَمُوا مَا أَتَرَفُوا فِيهِ وَكَانُوا مُجْرِمِينَ

و خدا بر آن نیست که هیچ قومی و هیچ اهل دیاری را در صورتی که آنها مصلح و نیکوکار باشند به ظلم هلاک کند.

وَمَا كَانَ رَبُّكَ لِيُهْلِكَ الْقُرَىٰ بِظُلْمٍ وَأَهْلُهَا مُصْلِحُونَ

وَلَوْ شَاءَ رَبُّكَ لَجَعَلَ النَّاسَ أُمَّةً وَاحِدَةً ۗ وَلَا يَزَالُونَ  
مُخْتَلِفِينَ

و اگر خدای تو می‌خواست همه (ملل و مذاهب) خلق را یک امت می‌گردانید و لیکن دائم با هم در اختلاف خواهند بود.

مگر آن کس که خدای تو بر او رحم آورد و برای همین آفریدشان، و کلمه (قهر) خدای تو به حتم و لزوم پیوست که فرموده دوزخ را از کافران جن و انس پر خواهم ساخت.

و ما از همه این حکایات و اخبار انبیا بر تو بیان می‌کنیم از آنچه که قلب تو را به آن قوی و استوار گردانیم، و در این شرح حال رسولان آنچه حق و صواب است بر تو آمده و اهل ایمان را نیز پند و عبرت و تذکر باشد.

و با آنان که ایمان نمی‌آورند بگو که شما هر چه بتوانید به زشتکاری و معصیت خدا بپردازید ما هم به کار اطاعت مشغول خواهیم بود.

و شما (جزای کردار خود را) منتظر باشید ما هم (پاداش عمل خود را از حق) منتظریم.

و هر چه در آسمانها و زمین پنهان است همه برای خداست و امور عالم همه به خدا بازگردانده می‌شود (و به دست قدرت اوست)، او را بپرست و بر او توکل کن، و پروردگار تو از آنچه می‌کنید غافل نیست.

إِلَّا مَنْ رَحِمَ رَبُّكَ ۚ وَلِذَلِكَ خَلَقَهُمْ ۗ وَتَمَّتْ كَلِمَةُ رَبِّكَ  
لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

۱۱۹

وَكَلَّا تَقْصُ عَلَيكَ مِنْ أُنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُنَبِّئُ بِهِ ۗ فُؤَادَكَ  
وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ ۗ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرٌ لِلْمُؤْمِنِينَ

۱۲۰

وَقُلْ لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنَّا عَمِلُونَ

۱۲۱

وَأَنْتَظِرُونَ

۱۲۲

وَلِلَّهِ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَإِلَيْهِ يُرْجَعُ الْأُمُورُ كُلُّهَا  
فَاعْبُدْهُ وَتَوَكَّلْ عَلَيْهِ ۗ وَمَا رَبُّكَ بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

۱۲۳

## ۱۲ . یوسف

یوسف: یوسف

مکی

۱۱۱ آیه

۱۴ صفحه

الر (این حروف مقطعه رموز خدا و رسول است) این است آیات کتاب الهی که حقایق را آشکار می‌سازد.

این قرآن مجید را ما به عربی فصیح فرستادیم، باشد که شما (به تعلیمات او) عقل و هوش یابید.

ما به بهترین روش به وحی این قرآن بر تو حکایت می‌کنیم و تو پیش از این وحی هیچ از آن آگاه نبودی.

(اکنون متذکر شو خواب یوسف را) آن‌گاه که یوسف به پدر خود گفت: ای پدر در عالم رؤیا دیدم که یازده ستاره و خورشید و ماه مرا سجده می‌کردند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الرَّتِلْكَ ءَايَةُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

۱  
۱۹۳

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

۲

نَحْنُ نَقُصُّ عَلَيْكَ أَحْسَنَ الْقَصَصِ بِمَا أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ هَذَا  
الْقُرْءَانَ وَإِنْ كُنْتَ مِنْ قَبْلِهِ لَمِنَ الْغَافِلِينَ

۳

إِذْ قَالَ يُوسُفُ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ إِنِّي رَأَيْتُ أَحَدَ عَشَرَ كَوْكَبًا  
وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ رَأَيْتُهُمْ لِي سَاجِدِينَ

۴

قَالَ يَبْنِي لَا تَقْصُصْ رُءْيَاكَ عَلَيَّ إِخْوَتِكَ فَيَكِيدُوا لَكَ كَيْدًا إِنَّ الشَّيْطَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

وَكَذَلِكَ يَجْتَبِيكَ رَبُّكَ وَيُعَلِّمُكَ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَيُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكَ وَعَلَىٰ آئِلٍ يَعْقُوبَ كَمَا أَتَمَّهَا عَلَىٰ أَبَوَيْكَ مِنْ قَبْلِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبَّكَ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

لَقَدْ كَانَ فِي يُوسُفَ وَإِخْوَتِهِ آيَاتٌ لِلْسَّالِفِينَ

إِذْ قَالُوا لِيُوسُفُ وَأَخُوهُ أَحَبُّ إِلَيْنَا مِمَّا نَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّ أَبَانَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

أَقْتُلُوا يُوسُفَ أَوْ اطْرَحُوهُ أَرْضًا يَخْلُ لَكُمْ وَجْهَ أَبِيكُمْ وَتَكُونُوا مِنْ بَعْدِهِ قَوْمًا صَالِحِينَ

قَالَ قَائِلٌ مِنْهُمْ لَا تَقْتُلُوا يُوسُفَ وَالْقَوْهَ فِي غَيْبَتِ الْجُبِّ يَلْتَقِطُهُ بَعْضُ السَّيَّارَةِ إِنْ كُنْتُمْ فَاعِلِينَ

قَالُوا يَا أَبَانَا مَا لَكَ لَا تَأْمَنَّا عَلَىٰ يُوسُفَ وَإِنَّا لَهُو لَنَصِحُونَ

أَرْسَلَهُ مَعَنَا غَدًا يَرْتَعُ وَيَلْعَبُ وَإِنَّا لَهُو لَحَافِظُونَ

قَالَ إِنِّي لَيَحْزُنُنِي أَنْ تَذْهَبُوا بِهِ وَأَخَافُ أَنْ يَأْكُلَهُ الذِّئْبُ وَأَنْتُمْ عَنْهُ غَافِلُونَ

قَالُوا لَئِنْ أَكَلَهُ الذِّئْبُ وَنَحْنُ عُصْبَةٌ إِنَّا إِذًا لَخَسِرُونَ

يعقوب گفت: ای فرزند عزیز، زهار خواب خود را بر برادران حکایت مکن که (به اغوای شیطان) بر تو مکر (و حسد) خواهند ورزید، زیرا دشمنی شیطان بر آدمی بسیار آشکار است.

و این (تعبیر خواب تو) چنین است که خدا تو را برگزیند و از علم تأویل خوابها بیاموزد و نعمت و لطفش را در حق تو و آل یعقوب مانند پدران ابراهیم و اسحاق تمام گرداند، که خدای تو دانا و حکیم است.

همانا در حکایت یوسف و برادرانش برای دانش طلبان و اهل تحقیق عبرت و حکمت بسیار مندرج است.

(پس حکایت را بر امت بگو) هنگامی که برادران یوسف گفتند ما با آنکه چندین برادر نیرومندیم پدر چنان دلبسته یوسف و برادر اوست که آنها را تنها بیش از همه ما برادران دوست می‌دارد، همانا ضلالت پدرمان (در حب یوسف) نیک پدیدار است.

باید یوسف را بکشید یا در دیاری (دور از پدر) بیفکنید تا روی پدر یک جهت به طرف خودتان باشد و بعد از این عمل (توبه کرده و) مردمی صالح و درستکار باشید.

یکی از برادران یوسف اظهار داشت که اگر ناچار سو، قصدی دارید البته باید از کشتن وی صرف نظر کنید ولی او را به چاهی درافکنید تا کاروانی او را برگیرد (و با خود به دیار دور برد).

(بعد از این رأی و تصمیم نزد پدر رفته و) گفتند: ای پدر، چرا تو بر یوسف از ما ایمن نیستی در صورتی که ما برادران همه خیرخواه یوسفیم؟

فردا او را با ما فرست که در چمن و مراتع بگردد و بازی کند و البته ما همه نگهبان اویم.

یعقوب گفت: من از آن دلتنگ می‌شوم که او را ببرید و ترسان و پریشان خاطر که از او غفلت کنید و طعمه گرگان شود.

برادران گفتند اگر با آنکه ما چند مرد نیرومند به همراه اویم باز گرگ او را بخورد پس ما بسیار مردم ضعیف زیانکاری خواهیم بود.

فَلَمَّا ذَهَبُوا بِهِ وَأَجْمَعُوا أَنْ يَجْعَلُوهُ فِي غَيْبَتِ الْجُبِّ  
وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ لَتُنَبِّئَنَّهُمْ بِأَمْرِهِمْ هَذَا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

وَجَاءُوا أَبَاهُمْ عِشَاءً يَبْكُونَ

قَالُوا يَا أَبَانَا إِنَّا ذَهَبْنَا نَسْتَبِقُ وَتَرَكْنَا يُوسُفَ عِنْدَ مَتَاعِنَا  
فَأَكَلَهُ الذِّبُّ وَمَا أَنْتَ بِمُؤْمِنٍ لَنَا وَلَوْ كُنَّا صَادِقِينَ

وَجَاءُوا عَلَى قَمِيصِهِ بِدَمٍ كَذِبٍ قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ  
أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ وَاللَّهُ الْمُسْتَعَانُ عَلَى مَا  
تَصِفُونَ

وَجَاءَتْ سَيَّارَةٌ فَأَرْسَلُوا وَارِدَهُمْ فَأَدْلَى دَلْوَهُ قَالَ يَبُشْرَى  
هَذَا غُلَامٌ وَأَسَرُّهُ بِضَعَّةٍ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا يَعْمَلُونَ

وَشَرَوْهُ بِثَمَنٍ بَخْسٍ دَرَاهِمَ مَعْدُودَةٍ وَكَانُوا فِيهِ مِنَ  
الزَّاهِدِينَ

وَقَالَ الَّذِي اشْتَرَاهُ مِنْ مِصْرَ لِأُمْرَأَتِهِ أَكْرِمِي مَثْوَاهُ  
عَسَى أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ  
فِي الْأَرْضِ وَلِنُعَلِّمَهُ مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ وَاللَّهُ غَالِبٌ  
عَلَى أَمْرِهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَلِكَ نَجِّزِي  
الْمُحْسِنِينَ

چون او را به صحرا بردند و بر این عزم متفق شدند که او را به قعر چاه درافکنند (چنین کردند) و ما به او وحی نمودیم که البته تو روزی برادران را به کار بدشان آگاه می‌سازی و آنها تو را نشناخته و درک مقام تو نمی‌کنند.

و برادران شبانگاه با چشم گریان نزد پدر بازگشتند.

گفتند: ای پدر، قصه این است که ما به صحرا رفته و سرگرم مسابقه بودیم و یوسف را بر سر متاع خود گذاردیم و او را گرگ طعمه خود ساخت، و هر چند ما راست بگوییم تو باز از ما باور نخواهی کرد.

و پیراهن یوسف را آلوده به خون دروغ نمودند (و نزد پدر آوردند) یعقوب گفت: بلکه امری (زشت قبیح) را نفس مگار در نظر شما بسیار زیبا جلوه داده، در هر صورت صبر جمیل کنم، که بر رفع این بلیه که شما اظهار می‌دارید بس خداست که مرا یاری تواند کرد.

باری کاروانی آنجا رسید و سقای قافله را برای آب فرستادند، دلو را به چاه فرستاد (همین که از آن چاه برآورد) گفت: به به از این بشارت و خوشبختی که رخ داده، این پسری است (که نصیب ما شده است). و او را پنهان داشتند که سرمایه تجارت کنند و خدا به آنچه می‌کردند آگاه بود.

و او را به بهایی اندک و درهمی ناچیز فروختند و در او زهد و بیرغبتی نمودند.

و عزیز مصر که او را خریداری کرد به زن خویش سفارش غلام را نمود که مقامش بسیار گرامی دار که این غلام امید است به ما نفع بسیار بخشد یا او را به فرزندی بگیریم. و ما این چنین یوسف را به تمکین و اقتدار رسانیدیم و برای آنکه او را از علم تعبیر خوابها بیاموزیم، و خدا بر کار خود غالب است ولی بسیاری مردم (بر این حقیقت) آگه نیستند.

و چون یوسف به سن رشد و کمال رسید او را مقام حکمت و نبوت (یا مسند حکمفرمایی) و مقام دانش عطا کردیم و این چنین ما نکوکاران عالم را پاداش می‌بخشیم.

وَرَاوَدْتُهُ الَّتِي هُوَ فِي بَيْتِهَا عَنِ نَفْسِهِ ۖ وَعَلَقَتِ الْأَبْوَابَ  
وَقَالَتْ هَيْتَ لَكَ قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ إِنَّهُ رَبِّي أَحْسَنَ مَثْوَايَ  
إِنَّهُ لَا يَفْلِحُ الظَّالِمُونَ

وَلَقَدْ هَمَّتْ بِهِ ۖ وَهَمَّ بِهَا لَوْلَا أَنْ رَعَا بُرْهَانَ رَبِّهِ ۚ كَذَلِكَ  
لِنَصْرِفَ عَنْهُ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا  
الْمُخْلِصِينَ

وَأَسْتَبَقَا الْبَابَ وَقَدَّتْ قَمِيصَهُ مِنْ دُبُرٍ وَأَلْفَيَا سَيِّدَهَا لَدَا  
الْبَابِ قَالَتْ مَا جَزَاءُ مَنْ أَرَادَ بِأَهْلِكَ سُوءًا إِلَّا أَنْ يُسْجَنَ  
أَوْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

قَالَ هِيَ رَاوَدْتَنِي عَنْ نَفْسِي ۖ وَشَهِدَ شَاهِدٌ مِّنْ أَهْلِهَا إِنْ  
كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ قُبُلٍ فَصَدَقَتْ وَهُوَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

وَإِنْ كَانَ قَمِيصُهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ فَكَذَبَتْ وَهُوَ مِنَ  
الصَّادِقِينَ

فَلَمَّا رَعَا قَمِيصَهُ قُدَّ مِنْ دُبُرٍ قَالَ إِنَّهُ مِنْ كَيْدِكُنَّ إِنَّ  
كَيْدَكُنَّ عَظِيمٌ

يُوسُفُ أَعْرَضَ عَنْ هَذَا ۖ وَاسْتَغْفِرِي لِذَنْبِكِ ۖ إِنَّكِ كُنْتِ  
مِنَ الْخَاطِئِينَ

وَقَالَ نِسْوَةٌ فِي الْمَدِينَةِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ تُرَاوِدُ فَتْلَهَا عَنِ  
نَفْسِهِ ۖ قَدْ شَغَفَهَا حُبًّا إِنَّا لَنَرُنَّهَا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰  
حزب  
۹۶  
۱۹۶ر

و بانوی خانه به میل نفس خود با او بنای مراوده گذاشت و (روزی) درها را بست و یوسف را به خود دعوت کرد و اشاره کرد که من برای تو آماده‌ام، یوسف جواب داد: به خدا پناه می‌برم، او خدای من است، مرا مقامی منزّه و نیکو عطا کرده (چگونه خود را به ستم و عصیان آلوده کنم)، که هرگز ستمکاران رستگار نمی‌گردند.

آن زن باز در وصل او اصرار و اهتمام کرد و یوسف هم اگر لطف خاص خدا و برهان روشن حق را ندیده بود (به میل طبیعی) در وصل آن زن اهتمام کردی، ولی ما این چنین کردیم تا قصد بد و عمل زشت را از او بگردانیم که همانا او از بندگان برگزیده ما بود.

و هر دو (برای گریختن) به جانب در شتافتند و زن پیراهن یوسف را از پشت بردید و در آن حال آقای آن زن (یعنی شوهرش) را بر در منزل یافتند، زن گفت: جزای آن که با اهل تو قصد بد کند جز آنکه یا به زندانش برند یا به عقوبت سخت کیفر کنند چه خواهد بود؟

یوسف جواب داد: این زن خود (با وجود انکار من) با من قصد مراوده کرد. و بر صدق دعوی‌ش شاهدهی از بستگان زن گواهی داد گفت: اگر پیراهن یوسف از پیش دریده، زن راستگو و یوسف از دروغگویان است.

و اگر پیراهن او از پشت سر دریده، زن دروغگو و یوسف از راستگویان است.

چون شوهر دید که پیراهن از پشت سر دریده است گفت: این از مکر شما زنان است، که مکر و حيله شما زنان بسیار بزرگ و حیرت‌انگیز است.

ای یوسف، از این درگذر (یعنی قضیه را از همه پنهان دار) و (زن را گفت) تو هم از گناه خود توبه کن که سخت از خطاکاران بوده‌ای.

و زنانی در شهر مصر گفتند: زن عزیز مصر قصد مراوده با غلام خویش داشته و حب او وی را شیفته و فریفته خود ساخته و ما او را (از فرط محبت) کاملا در ضلالت می‌بینیم.

فَلَمَّا سَمِعَتْ بِمَكْرِهِنَّ أَرْسَلَتْ إِلَيْهِنَّ وَأَعْتَدَتْ لَهُنَّ  
مُتَّكِنًا وَعَآتَتْ كُلَّ وَاحِدَةٍ مِّنْهُنَّ سِكِّينًا وَقَالَتِ اخْرُجْ  
عَلَيْهِنَّ فَلَمَّا رَأَيْنَهُ أَكْبَرْنَهُ وَقَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ وَقُلْنَ  
حَسَّ لِلَّهِ مَا هَذَا بَشَرًا إِنْ هَذَا إِلَّا مَلَكٌ كَرِيمٌ

قَالَتْ فَذَلِكُنَّ الَّذِي لُمْتُنِّي فِيهِ وَلَقَدْ رَودْتُهُ وَ عَنْ  
نَفْسِي فَاسْتَعْصَمْتُ وَلِئِن لَّمْ يَفْعَلْ مَا ءَامُرُهُ لَيُسْجَنَنَّ  
وَلَيَكُونَا مِنَ الصَّغِيرِينَ

قَالَ رَبِّ السِّجْنُ أَحَبُّ إِلَيَّ مِمَّا يَدْعُونَنِي إِلَيْهِ وَإِلَّا  
تَصْرِفْ عَنِّي كَيْدَهُنَّ أَصْبُ إِلَيْهِنَّ وَأَكُن مِّنَ الْجَاهِلِينَ

فَاسْتَجَابَ لَهُ رَبُّهُ فَصَرَفَ عَنْهُ كَيْدَهُنَّ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ  
الْعَلِيمُ

ثُمَّ بَدَأَ لَهُمْ مِّنْ بَعْدِ مَا رَأَوْا الْآيَاتِ لَيْسَجُنَّهُمْ وَ حَتَّىٰ حِينٍ

وَدَخَلَ مَعَهُ السِّجْنَ فَتَيَانٍ قَالَ أَحَدُهُمَا إِنِّي أَرَنِىٰ أُعْصِرُ  
خَمْرًا وَقَالَ الْآخَرُ إِنِّي أَرَنِىٰ أَحْمِلُ فَوْقَ رَأْسِىٰ خُبْرًا تَأْكُلُ  
الظَّيْرُ مِنْهُ نَبِئْنَا بِتَأْوِيلِهِ إِنَّا نَرَاكَ مِنَ الْمُحْسِنِينَ

قَالَ لَا يَأْتِيكُمَا طَعَامٌ تُرْزَقَانِهِ إِلَّا نَبَّأْتُكُمَا بِتَأْوِيلِهِ  
قَبْلَ أَنْ يَأْتِيَكُمَا ذَلِكُمَا مِمَّا عَلَّمَنِىٰ رَبِّىَّ إِنَّىٰ تَرَكْتُ مِلَّةَ  
قَوْمٍ لَا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

۳۶  
۱۹۷

۳۷

چون (زلیخا) ملامت زنان مصری را درباره خود شنید فرستاد و از آنها دعوت کرد و (مجلسی بیاراست و) به احترام هر یک بالش و تکیه‌گاهی بگسترد و به دست هر یک کاردی (و ترنجی) داد و (آن گاه با زیب و زیور یوسف را بیاراست و) به او گفت که به مجلس این زنان درآ، چون زنان مصری یوسف را دیدند بس بزرگش یافتند و دستهای خود (به جای ترنج) بریدند و گفتند حاش لله که این پسر نه آدمی است بلکه فرشته بزرگ حسن و زیبایی است.

گفت: این است غلامی که مرا در محبتش ملامت کردید! آری من خود از وی تقاضای مراوده کردم و او عفت ورزید و اگر از این پس هم خواهش مرا رد کند البته زندانی شود و از خوارشدگان گردد.

یوسف گفت: ای خدا، مرا رنج زندان خوشتر از این کار زشتی است که اینان از من تقاضا دارند و اگر تو حيله این زنان را از من دفع نفرمایی به آنها میل کرده و از اهل جهل (و شقاوت) گردم.

خدایش هم دعای او را مستجاب کرده و مکر و دسایس آن زنان را از او بگردانید، که خداوند شنوا و داناست.

و با آنکه دلایل روشن (پاکدامنی و عصمت یوسف) را دیدند باز چنین صلاح دانستند که وی را چندی زندانی کنند.

و با یوسف دو جوان دیگر هم (از ندیمان و خاصان شاه) زندانی شدند. یکی از آنها گفت: من در خواب دیدم که انگور برای شراب می‌افشرم، و دیگری گفت: من در خواب دیدم که بر بالای سر خود طبق نانی می‌برم و مرغان هوا از آن به منقار می‌خورند، (یوسفا) ما را از تعبیر آن آگاه کن، که تو را از نیکوکاران (و دانشمندان عالم) می‌بینیم.

یوسف در پاسخ آنها گفت: من شما را پیش از آنکه طعام آید و تناول کنید به تعبیر خوابتان آگاه می‌سازم، که این علم از چیزهایی است که خدای به من آموخته است، زیرا که من آیین گروهی را که به خدا بی‌ایمان و به آخرت کافرند ترک گفتم.

وَاتَّبَعْتُ مِلَّةَ آبَائِي إِبْرَاهِيمَ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ مَا كَانَ لَنَا  
أَنْ نُشْرِكَ بِاللَّهِ مِنْ شَيْءٍ ذَلِكَ مِنْ فَضْلِ اللَّهِ عَلَيْنَا وَعَلَى  
النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَشْكُرُونَ

و از آیین پدرانم ابراهیم (خلیل) و اسحاق و یعقوب (که  
دین توحید و خداپرستی است) پیروی کردم، در آیین ما  
هرگز نباید چیزی را با خدا شریک گردانیم، این از فضل و  
عطای خداست بر ما و بر همه مردم لیکن اکثر مردمان شکر  
به جا نمی‌آورند.

يَصَلِحِي السِّجْنِ ءَأَرْبَابٌ مُتَفَرِّقُونَ خَيْرٌ أَمْ اللَّهُ الْوَاحِدُ  
الْقَهَّارُ

ای دو رفیق زندان من، آیا خدایان متفرق (بی‌حقیقت مانند  
بتان و فراعنه و غیره) بهترند یا خدای یکتای قاهر و غالب؟

مَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا أَسْمَاءَ سَمَّيْتُمُوهَا أَنْتُمْ  
وَأَبَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ بِهَا مِنْ سُلْطَانٍ إِنْ أَحْكُمُ إِلَّا  
لِلَّهِ أَمْرٌ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ  
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

(و بدانید که) آنچه غیر از خدا می‌پرستید، جز اسمائی  
(بی‌حقیقت و الفاظی بی‌معنی) نیست که شما خود و پدرانتان  
نامیده (و ساخته) اید، خدا هیچ حجتی بر آن نفرستاده، تنها  
حکمفرمای عالم وجود خداست، امر فرموده که جز آن ذات  
پاک یکتا کسی را نپرستید، این توحید آیین محکم است  
لیکن اکثر مردم بر این حقیقت آگه نیستند.

يَصَلِحِي السِّجْنِ أَمَّا أَحَدُكُمَا فَيَسْقِي رَبَّهُ وَخَمْرًا وَأَمَّا  
الْآخَرَ فَيُصَلِّبُ فَتَأْكُلُ الطَّيْرُ مِنْ رَأْسِهِ قُضِيَ الْأَمْرُ  
الَّذِي فِيهِ تَسْتَفْتِيَانِ

ای دو رفیق زندان من، اما یکی از شما ساقی شراب شاه  
خواهد شد و اما آن دیگری به دار آویخته شود و مرغان مغز  
سر او را بخورند. در قضای الهی راجع به امری که سؤال  
کردید چنین حکم شده است.

وَقَالَ لِلَّذِي ظَنَّ أَنَّهُ نَاجٍ مِّنْهُمَا اذْكُرْنِي عِنْدَ رَبِّكَ  
فَأَنْسَاهُ الشَّيْطَانُ ذِكْرَ رَبِّهِ فَلَبِثَ فِي السِّجْنِ بِضْعَ سِنِينَ

آن گاه از رفیقی که اهل نجاتش یافت درخواست کرد که  
مرا نزد خواجه خود یاد کن (باشد که چون بی‌تقصیرم بیند  
از زندانم برهاند) اما شیطان از خاطر آن یار زندانی برد که  
یوسف را نزد خواجه‌اش یاد کند، بدین سبب در زندان  
چندین سال محبوس بماند.

وَقَالَ الْمَلِكُ إِنِّي أَرَى سَبْعَ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ يَأْكُلُهُنَّ سَبْعٌ  
عِجَافٌ وَسَبْعَ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ يَابِسَاتٍ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ  
أَفْتُونِي فِي رُءْيَايَ إِنْ كُنْتُمْ لِلرُّءْيَا تَعْبُرُونَ

و پادشاه مصر (با ملازمان و دانشمندان دربار خود) گفت:  
من خوابی دیدم که هفت گاو فربه را هفت گاو لاغر  
می‌خورند و هفت خوشه سبز دیدم و هفت خوشه خشک (که  
خوشه‌های سبز را نابود کردند)، ای بزرگان ملک مرا به  
تعبیر این خوابم اگر علم خواب می‌دانید آگاه گردانید.



قَالُوا أَضْغَتْ أَحْلَمٌ وَمَا نَحْنُ بِتَأْوِيلِ الْأَحْلَمِ بِعَلَمِينَ

۴۵

وَقَالَ الَّذِي نَجَا مِنْهُمَا وَادَّكَرَ بَعْدَ أُمَّةٍ أَنَا أُنَبِّئُكُمْ  
بِتَأْوِيلِهِ فَأَرْسِلُونِ

۴۶

يُوسُفُ أَيُّهَا الصِّدِّيقُ أَفْتِنَا فِي سَبْعِ بَقَرَاتٍ سِمَانٍ  
يَأْكُلُهُنَّ سَبْعُ عِجَافٍ وَسَبْعِ سُنبُلَاتٍ خُضْرٍ وَأُخَرَ  
يَابِسَتٍ لَعَلِّي أَرْجِعُ إِلَى النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَعْلَمُونَ

۴۷

قَالَ تَزْرَعُونَ سَبْعَ سِنِينَ دَأَبًا فَمَا حَصَدْتُمْ فَذَرُوهُ فِي  
سُنْبُلِهِ إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَأْكُلُونَ

۴۸

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ سَبْعُ شِدَادٍ يَأْكُلْنَ مَا قَدَّمْتُمْ لَهُنَّ  
إِلَّا قَلِيلًا مِمَّا تَحْصِنُونَ

۴۹

ثُمَّ يَأْتِي مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَامٌ فِيهِ يُغَاثُ النَّاسُ وَفِيهِ  
يَعْصِرُونَ

۵۰  
۱۹۹

وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُتُونِي بِهِ فَلَمَّا جَاءَهُ الرَّسُولُ قَالَ أَرْجِعْ إِلَى  
رَبِّكَ فَسَأَلَهُ مَا بَأْسَ النِّسْوَةِ الَّتِي قَطَّعْنَ أَيْدِيَهُنَّ إِنَّ رَبِّي  
بِكَيْدِهِنَّ عَلِيمٌ

۵۱

قَالَ مَا خَطْبُكُنَّ إِذْ رَاوَدْتُنَّ يُوسُفَ عَنِ نَفْسِهِ قُلْنَ  
حَشَ لِلَّهِ مَا عَلِمْنَا عَلَيْهِ مِنْ سُوءٍ قَالَتِ امْرَأَتُ الْعَزِيزِ  
أَلَنْ حَصَحَصَ الْحَقُّ أَنَا رَاوَدْتُهُ عَنْ نَفْسِهِ وَإِنَّهُ لَمِنَ  
الصَّادِقِينَ

۵۲

ذَلِكَ لِيَعْلَمَ أَنِّي لَمْ أَخُنْهُ بِالْغَيْبِ وَأَنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي كَيْدَ  
الْخَائِنِينَ

آنها گفتند: خوابهای پریشان است و ما تعبیر خوابهای  
پریشان نمی‌دانیم.

و آن (رفیق زندانی یوسف) که نجات یافته بود و بعد از  
چندین سال به یاد یوسف افتاد گفت: من شما را به تعبیر  
این خواب آگاه می‌سازم، مرا (نزد یوسف زندانی) فرستید.

(در زندان رفت و گفت) یوسفا! ای که هر چه گویی همه  
راست گویی، ما را به تعبیر این خواب که هفت گاو فریه را  
هفت گاو لاغر می‌خوردند و هفت خوشه سبز و هفت خوشه  
خشک (که آنها را نابود ساختند) آگاه گردان. باشد که نزد  
مردم بازگردم و (شاه و دیگران همه تعبیر خواب و مقام تو  
را) بدانند.

یوسف گفت: باید هفت سال متوالی زراعت کنید و هر  
خرمن را که درو کنید جز کمی که قوت خود می‌سازید همه  
را با خوشه در انبار ذخیره کنید.

که چون این هفت سال بگذرد هفت سال قحطی پیش آید  
که ذخیره شما را بخورند جز اندکی که (برای تخم کاشتن)  
در انبار نگه دارید.

آن گاه بعد از سنوات قحط و شدت مجاعه باز سالی آید که  
مردم در آن به آسایش و وسعت و فراوانی نعمت می‌رسند.

شاه گفت: زود او را نزد من بیاورید. چون فرستاده شاه نزد  
یوسف آمد یوسف به او گفت: باز گرد و شاه را بپرس چه  
شد که زنان مصری همه دست خود بریدند؟ آری خدای من  
به مکر آنان (و بی‌گناهی من) آگاه است.

شاه (با زنان مصر) گفت: حقیقت حال خود را که خواهان  
مراوده با یوسف بودید بگویید، همه گفتند: حاش لله که ما  
از یوسف هیچ بدی ندیدیم. در این حال زن عزیز مصر اظهار  
کرد که الآن حقیقت آشکار شد، من با یوسف عزم مراوده  
داشتم و او البته از راستگویان است.

(یوسف در ادامه سخن خود به فرستاده شاه گفت) من این  
کشف حال برای آن خواستم تا عزیز مصر بداند که من هرگز  
در نهانی به او خیانت نکردم و بدانند که خدا هرگز مکر و  
خدعه خیانتکاران را به مقصود نمی‌رساند.

وَمَا أُبْرِي نَفْسِي إِنَّ النَّفْسَ لَأَمَّارَةٌ بِالسُّوءِ إِلَّا مَا رَحِمَ رَبِّي إِنَّ رَبِّي غَفُورٌ رَحِيمٌ

۵۴

وَقَالَ الْمَلِكُ أَتُتُونِي بِهِ ۖ اسْتَخْلِصْهُ لِنَفْسِي ۖ فَلَمَّا كَلَّمَهُ وَقَالَ إِنَّكَ الْيَوْمَ لَدَيْنَا مَكِينٌ أَمِينٌ

۵۵

قَالَ أَجْعَلْنِي عَلَىٰ خَزَائِنِ الْأَرْضِ ۗ إِنِّي حَفِيظٌ عَلِيمٌ

۵۶

وَكَذَلِكَ مَكَّنَّا لِيُوسُفَ فِي الْأَرْضِ يَتَّبِعُوا مِنْهَا حَيْثُ يَشَاءُ ۚ نُصِيبُ بِرَحْمَتِنَا مَن نَّشَاءُ وَلَا نُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

۵۷

وَلَا جُرْ الْأَخْرَةَ خَيْرٌ لِّلَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

۵۸

۲۰۰۰

وَجَاءَ إِخْوَةُ يُوسُفَ فَدَخَلُوا عَلَيْهِ فَعَرَفَهُمْ وَهُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ

۵۹

وَلَمَّا جَهَّزَهُم بِجَهَّازِهِمْ قَالَ أَتُتُونِي بِأَخٍ لَّكُم مِّنْ أَبِيكُمْ ۚ أَلَا تَرَوْنَ أَنِّي أُوفِي الْكَيْلَ وَأَنَا خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ

۶۰

فَإِن لَّمْ تَأْتُونِي بِهِ ۖ فَلَا كَيْلَ لَكُمْ عِنْدِي وَلَا تَقْرَبُونِ

۶۱

قَالُوا سَنُرَوِّدُ عَنْهُ أَبَاهُ وَإِنَّا لَفَاعِلُونَ

۶۲

وَقَالَ لِفَتْيَانِهِ أَجْعَلُوا بِضَعَتَهُمْ فِي رِحَالِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَعْرِفُونَهَا إِذَا أُنْقَلِبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

۶۳

فَلَمَّا رَجَعُوا إِلَىٰ أَبِيهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مُنِعَ مِنَّا الْكَيْلُ فَأَرْسِلْ مَعَنَا آخَانًا نَّكَتَلُ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

و من (خودستایی نکرده و) نفس خویش را از عیب و تقصیر میرا نمی‌دانم، زیرا نفس اماره انسان را به کارهای زشت و ناروا سخت وا می‌دارد جز آنکه خدای من رحم کند، که خدای من بسیار آمرزنده و مهربان است.

شاه گفت: او را نزد من آرید تا او را از خاصان خود گردانم. چون با او هرگونه سخن به میان آورد به او گفت: تو امروز نزد ما صاحب منزلت و امین هستی.

(یوسف به شاه) گفت: در این صورت مرا به خزانه‌داری مملکت منصوب دار که من در حفظ دارایی و مصارف آن دانا و بصیرم.

و این چنین ما یوسف را در زمین (مصر) بدین منزلت رسانیدیم که هر جا خواهد جای گزیند و فرمان براند، که هر کس را ما بخواهیم به لطف خاص خود مخصوص می‌گردانیم و اجر هیچ کس از نیکوکاران را (در دنیا) ضایع نمی‌گذاریم.

و البته اجر عالم آخرت برای اهل ایمان و مردم پرهیزکار بسیار بهتر (از اجر و مقام دنیوی) است.

و برادران یوسف (که در کنعان به قحطی مبتلا شدند) چهار سال بعد از فروختن یوسف، به مصر) نزد وی آمدند در حالی که او برادران را شناخت ولی آنها وی را نشناختند.

(برادران از یوسف در مقابل متاعی که آورده بودند طعام خواستند) و یوسف چون بار غله آنها را بست گفت: می‌خواهم در سفر دیگر برادر پدری خود (بنیامین) را نزد من بیاورید، نمی‌بینید که من پیمانہ را تمام می‌دهم و بهترین میزبانم؟

و اگر آن برادر را همراه نیاورید نزد من پیمانہ خواربار نخواهید داشت و نزدیک من نشوید.

برادران گفتند: تا بتوانیم می‌کوشیم که پدرش را راضی کنیم و حتما چنین خواهیم کرد.

آن گاه یوسف به غلامانش گفت: متاع این کنعانیان را در میان بارهاشان بگذارید که چون نزد کسان خود رفته (و متاع خود را دیدند) آن را بازشناسند، شاید که (این احسان موجب شود) باز نزد من مراجعه کنند.

چون برادران نزد پدر بازگشتند گفتند: ای پدر (با همه کرم و سخای خدیو مصر) غله (بسیار) به ما عطا نشد (و وعده داد که اگر برادر خود را همراه آورید به شما گندم فراوان خواهیم داد) پس برادرمان را با ما فرست تا مقدار کافی غله تهیه کنیم و البته ما کاملا نگهبان او خواهیم بود.

قَالَ هَلْ ءَامَنُكُمْ عَلَيْهِ إِلَّا كَمَا أَمِنْتُكُمْ عَلَىٰ أَخِيهِ مِنْ قَبْلُ فَاللَّهُ خَيْرٌ حَافِظًا وَهُوَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

یعقوب گفت: آیا من همان قدر درباره این برادر به شما مطمئن و ایمن باشم که پیش از این درباره برادرش (یوسف) مطمئن بودم؟ البته خدا بهترین نگهبان و مهربانترین مهربانان است.

وَلَمَّا فَتَحُوا مَتَعَهُمْ وَجَدُوا بِضِعَتِهِمْ رُدَّتْ إِلَيْهِمْ قَالُوا يَا أَبَانَا مَا نَبِغِي هَذِهِ بِضِعْتَنَا رُدَّتْ إِلَيْنَا وَنَمِيرُ أَهْلَنَا وَنَحْفَظُ أَخَانَا وَنَزِدَادُ كَيْلٍ بَعِيرٍ ذَلِكَ كَيْلٌ يَسِيرٌ

چون برادران بارها را گشوده و متاعشان را به خود رد شده یافتند گفتند: ای پدر، ما دیگر چه می‌خواهیم؟ این سرمایه ماست که به ما بازگردانده شده (با همین مال التجاره باز به مصر می‌رویم) و غله برای اهل بیت خود تهیه کرده و برادر خود را هم در کمال مراقبت حفظ می‌کنیم و بار شتری بر این قوت کم که اکنون آورده‌ایم می‌افزاییم.

قَالَ لَنْ أُرْسِلَهُو مَعَكُمْ حَتَّىٰ تُؤْتُونِ مَوْثِقًا مِّنَ اللَّهِ لَتَأْتُنَّنِي بِهِ إِلَّا أَن يُحَاطَ بِكُمْ فَلَمَّا ءَاتَوْهُ مَوْثِقَهُمْ قَالَ اللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ

یعقوب گفت: تا شما برای من به خدا عهد و قسم یاد نکنید که او را برگردانید مگر آنکه (به قهر خدا) گرفتار و هلاک شوید من هرگز او را همراه شما نخواهم فرستاد. پس چون برادران عهد و قسم به خدا یاد کردند یعقوب گفت: خدا بر قول ما وکیل و گواه است (و او را فرستاد).

وَقَالَ يَبْنَئِي لَا تَدْخُلُوا مِن بَابٍ وَاحِدٍ وَادْخُلُوا مِنْ أَبْوَابٍ مُّتَفَرِّقَةٍ وَمَا أُغْنِي عَنْكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِنْ أَحْكَمْتُ إِلَّا لِلَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَعَلَيْهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

و گفت: ای پسران من (سفارش می‌کنم که چون به مصر برسید) همه از یک در وارد نشوید بلکه از درهای مختلف درآیید و (بدانید که) من در برابر (قضا و قدر) خدا هیچ سودی به حال شما نخواهم داشت، که فرمانروایی عالم جز خدا را نیست، بر او توکل کردم و باید همه صاحبان مقام توکل هم بر او اعتماد کنند.

وَلَمَّا دَخَلُوا مِنْ حَيْثُ أَمَرَهُمْ أَبُوهُم مَّا كَانَ يُغْنِي عَنْهُمْ مِّنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا حَاجَةً فِي نَفْسِ يَعْقُوبَ قَضَاهَا وَإِنَّهُ لَدُوٌّ عَلِيمٌ لِّمَا عَلَّمَنَّهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

چون آنها به ملک مصر به طریقی که پدر دستور داده بود وارد شدند البته این کار هیچ سودی برایشان در برابر (قضا و قدر) خدا نداشت جز آنکه در دل یعقوب غرضی بود که (از چشم بد گزندى نبینند) ادا نمود، و او بسیار دانشمند بود، زیرا ما او را (به وحی خود) علم آموختیم و لیکن اکثر مردم نمی‌دانند.

وَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ ءَاوَىٰ إِلَيْهِ أَخَاهُ قَالَ إِنِّي أَنَا أَخُوكَ فَلَا تَبْتَئِسْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

و چون برادران بر یوسف وارد شدند او برادر خود را در کنار خویش جای داد و به او اظهار داشت که همانا من برادر توام و دیگر بر آنچه برادران (بر یوسف) می‌کردند محزون مباش.

فَلَمَّا جَهَّزَهُمْ بِجَهَّازِهِمْ جَعَلَ السَّقَايَةَ فِي رَحْلِ أَخِيهِ ثُمَّ  
أَذَّنَ مُؤَذِّنٌ أَتَيْهَا الْعَيْرُ إِنَّكُمْ لَسَّرِقُونَ

چون بار آن قافله را مهیا ساخت جام (زرین شاه) را در رحل  
برادر نهاد و آن‌گاه از غلامان منادیی ندا کرد که ای اهل  
قافله، شما بی‌شک دزدید.

۷۱

قَالُوا وَأَقْبَلُوا عَلَيْهِمْ مَّاذَا تَفْقِدُونَ

آنها رو به غلامان کرده گفتند که مگر چه چیز از شما مفقود  
شده است؟

۷۲

قَالُوا نَفَقِدُ صُوعَ الْمَلِكِ وَلِمَنْ جَاءَ بِهِ حِمْلُ بَعِيرٍ وَأَنَا  
بِهِ زَعِيمٌ

غلامان گفتند: جام شاه ناپیداست و من (که رئیس انبارم)  
یک بار شتر طعام ضمانت کنم بر آن کس که جام را پیدا  
کرده بیاورد.

۷۳

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَّا جِئْنَا لِنُفْسِدَ فِي الْأَرْضِ وَمَا كُنَّا  
سَارِقِينَ

برادران گفتند: به خدا سوگند که شما به خوبی حال ما را  
دانسته و شناخته‌اید که برای فساد در این سرزمین نیامده  
و دزد نبوده‌ایم.

۷۴

قَالُوا فَمَا جَزَاؤُهُوَ إِنْ كُنْتُمْ كَاذِبِينَ

غلامان گفتند: اگر کشف شد که دروغ می‌گویید کیفر آن  
چیست؟

۷۵

قَالُوا جَزَاؤُهُوَ مَنْ وُجِدَ فِي رَحْلِهِ فَهُوَ جَزَاؤُهُوَ كَذَلِكَ  
نَجْزِي الظَّالِمِينَ

گفتند: جزاء آن کس که این جام در رحل او یافت شود آن  
است که هم او را به بندگی برگیرند، که ما (دزدان و)  
ستمکاران را چنین به کیفر می‌رسانیم.

۷۶

فَبَدَأَ بِأَوْعِيَّتِهِمْ قَبْلَ وَعَاءِ أَخِيهِ ثُمَّ أَسْتَحْرَجَهَا مِنْ وَعَاءِ  
أَخِيهِ كَذَلِكَ كِدْنَا لِيُوسُفَ مَا كَانَ لِيَأْخُذَ أَخَاهُ فِي دِينِ  
الْمَلِكِ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ نَرْفَعُ دَرَجَاتٍ مَن نَّشَاءُ وَفَوْقَ كُلِّ  
ذِي عِلْمٍ عَلِيمٌ

پس (یوسف یا مأمور او) شروع در تحقیق از بارهای ایشان  
پیش از بار برادر کرد، آخر آن مشربه را از بار برادر خود  
(بنیامین) بیرون آورد. این تدبیر را ما به یوسف آموختیم،  
که در آیین ملک این نبود که بتوان آن برادر را به گرو  
بگیرد، جز آنکه خدا بخواهد (و دستوری از طریق وحی به  
یوسف بیاموزد. و ما که خدای جهانیم) هر کس را بخواهیم  
به مراتب بلند می‌رسانیم و (تا مردم بدانند که) فوق هر  
دانشمندی دانشمندتری وجود دارد.

۷۷  
حزب  
۹۸

قَالُوا إِنْ يَسْرِقْ فَقَدْ سَرَقَ أَخٌ لَهُ مِنْ قَبْلُ فَأَسْرَهَا يُوسُفُ  
فِي نَفْسِهِ وَلَمْ يُبْدِهَا لَهُمْ قَالَ أَنْتُمْ شَرُّ مَكَانًا وَاللَّهُ أَعْلَمُ  
بِمَا تَصِفُونَ

برادران گفتند که اگر این دزدی کند (بعید نیست که)  
برادرش (یوسف) نیز از این پیش دزدی کرد. یوسف باز  
قضیه را در دل پنهان کرد و به آنها اظهار نکرد (و در دل)  
گفت: شما بسیار مردم بدتری هستید و خدا به حقیقت آنچه  
نسبت می‌دهید آگاه‌تر است.

۷۸

قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ إِنَّ لَهُوَ أَبَا شَيْخًا كَبِيرًا فَخُذْ أَحَدَنَا  
مَكَانَهُوَ إِنْ نَرْنَا نَرْنَا مِنَ الْمُحْسِنِينَ

برادران گفتند: ای عزیز مصر، او را پدر پیری است (که به  
او علاقه شدیدی دارد، لطفی کن و) یکی از ما را به جای او  
نگاه دار، که تو به چشم دل ما از نیکان عالمی.

قَالَ مَعَاذَ اللَّهِ أَنْ نَأْخُذَ إِلَّا مَنْ وَجَدْنَا مَتَلَعْنَا عِنْدَهُ إِنَّآ إِذَا لَظَلِمُونَ

فَلَمَّا أَسْتَيْسُوا مِنْهُ خَلَصُوا نَجِيًّا قَالَ كَبِيرُهُمْ أَلَمْ تَعْلَمُوا أَنَّ آبَاكُمْ قَدْ أَخَذَ عَلَيْكُمْ مَوْتِقًا مِّنَ اللَّهِ وَمِن قَبْلُ مَا فَرَّطْتُمْ فِي يُوسُفَ فَلَن أَبْرَحَ الْأَرْضَ حَتَّى يَأْذَنَ لِي أَبِي أَوْ يَحْكَمَ اللَّهُ لِي وَهُوَ خَيْرُ الْحَاكِمِينَ

أَرْجِعُوا إِلَىٰ آبَائِكُمْ فَقُولُوا يَا أَبَانَا إِنَّ أَبْنَكَ سَرَقَ وَمَا شَهِدْنَا إِلَّا بِمَا عَلِمْنَا وَمَا كُنَّا لِلْغَيْبِ حَافِظِينَ

وَسَأَلَ الْقَرْيَةَ الَّتِي كُنَّا فِيهَا وَالْعِيرَ الَّتِي أَقْبَلْنَا فِيهَا وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَىٰ اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

وَتَوَلَّىٰ عَنْهُمْ وَقَالَ يَا سَفَىٰ عَلَىٰ يُوسُفَ وَأَبْيَضَّتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزْنِ فَهُوَ كَظِيمٌ

قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتُوْا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ

قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَحُزْنِي إِلَى اللَّهِ وَأَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

یوسف گفت: معاذ الله که ما جز آن که متاع خود را نزد او یافته‌ایم دیگری را بگیریم، که اگر چنین کنیم بسیار مردم ستمکاری هستیم.

چون برادران از او مایوس شدند با خود خلوت کرده و در سخن، سر خود به میان آوردند، برادر بزرگ گفت: آیا نه این است که پدر از شما عهد و سوگند به نام خدا گرفته است و از این پیش هم درباره یوسف مقصر بودید؟ (ما دیگر با چه آبرو نزد پدر رویم؟) من که هرگز از این سرزمین برنخیزم تا پدرم اجازه دهد یا خدای عالم حکمی درباره من فرماید، که او بهترین حکمفرمایان است.

شما نزد پدر باز شوید و بگویید که فرزندان (بنیامین در مصر) سرقت کرد (و بدین جرم گرفتار شد) و ما جز بر آنچه دانستیم گواهی ندادیم و (لیکن حقیقت امر هر چه بود) ما حافظ اسرار غیب نبودیم.

و از مردم آن شهر و از آن قافله که ما با آن آمدیم حقیقت را جویا شو تا صدق دعوی ما کاملا بر تو معلوم گردد.

(آنها نزد پدر آمده و قضیه را اظهار داشتند) یعقوب گفت (این قضیه هم مانند یوسف و گرگ حقیقت ندارد) بلکه چیزی از اوهام عالم نفس بر شما جلوه نموده، پس من باز هم راه صبر نیکو پیش گیرم، که امید است خدا همه ایشان را به من باز رساند، که او خدایی دانا و درستکار است.

آن گاه یعقوب (از شدت حزن) روی از آنها بگردانید و گفت: وا اسفا بر فراق یوسف! و از گریه غم چشمانش سفید شد و سوز هجران و داغ دل بنهفت.

فرزندانش (به ملامت) گفتند: به خدا سوگند که تو آن قدر دائم یوسف یوسف کنی تا از غصه فراقش مریض شوی و یا خود را به دست هلاک سپاری.

یعقوب گفت: من با خدا غم و درد دل خود گویم و از (لطف بی‌حساب) خدا چیزی دانم که شما نمی‌دانید.

يَبْنِي أَذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ يُوسُفَ وَأَخِيهِ وَلَا تَأْيَسُوا  
مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَأْيِسُ مِنَ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا الْقَوْمُ  
الْكَافِرُونَ

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَأَهْلَنَا الضُّرُّ  
وَجِئْنَا بِبِضْعَةٍ مُزَجَّجَةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَتَصَدَّقْ عَلَيْنَا  
إِنَّ اللَّهَ يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ

قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَأَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ جَاهِلُونَ

قَالُوا أَءِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَهَذَا أَخِي قَدْ  
مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَيَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ  
أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ

قَالُوا تَاللَّهِ لَقَدْ عَآثَرَكُ اللَّهُ عَلَيْنَا وَإِنْ كُنَّا لَخَطِئِينَ

قَالَ لَا تَثْرِبَ عَلَيْكُمْ الْيَوْمَ يَعْفِرُ اللَّهُ لَكُمْ وَهُوَ أَرْحَمُ  
الرَّحِيمِينَ

أَذْهَبُوا بِقَمِيصِي هَذَا فَأَلْقُوهُ عَلَى وَجْهِ أَبِي يَأْتِ بَصِيرًا  
وَأُنَوِّنِي بِأَهْلِكُمْ أَجْمَعِينَ

وَلَمَّا فَصَلَتِ الْعِيرُ قَالَ أَبُوهُمْ إِنِّي لَأَجِدُ رِيحَ يُوسُفَ لَوْلَا  
أَنْ تُفَنِّدُونِ

قَالُوا تَاللَّهِ إِنَّكَ لَفِي ضَلَالِكَ الْقَدِيمِ

ای فرزندان من، بروید (به ملک مصر) و از حال یوسف و برادرش تحقیق کرده و جویا شوید و از رحمت خدا نومید مباشید که هرگز جز کافران هیچ کس از رحمت خدا نومید نیست.

برادران (به امر پدر باز به مصر نزد یوسف آمده) چون بر او وارد شدند گفتند: ای عزیز مصر، ما با همه اهل بیت خود به فقر و قحطی و بیچارگی گرفتار شدیم و با متاعی ناچیز و بی‌قدر (حضور تو) آمدیم، پس بر قدر احسانت نسبت به ما بیغزا و از ما به صدقه دستگیری کن، که خدا صدقه بخشندگان را نیکو پاداش می‌دهد.

گفت: شما برادران یوسف در دوران جهل و نادانی فهمیدید که با یوسف و برادرش چه کردید؟

آنان گفتند: آیا تو همان یوسف هستی؟ پاسخ داد که آری من همان یوسفم و این برادر من (بنیامین) است، خدا بر ما منت نهاد (و ما را به دیدار هم پس از چهل سال رسانید) که البته هر کس تقوا و صبر پیشه کند خدا اجر نیکوکاران را ضایع نگذارد.

برادران گفتند: به خدا که خدا تو را بر ما (به ملک و عزت و عقل و حسن و کمال) برگزید و ما (در حق تو) مقصر و خطاکار بودیم.

یوسف گفت: امروز هیچ خجل و متاثر نباشید، که خدا گناه شما ببخشد و او مهربان‌ترین مهربانان است.

اکنون این پیراهن مرا نزد پدرم (یعقوب) برده و به روی او افکنید تا دیدگانش باز بینا شود آن‌گاه (او و همه اهل بیت و خویشان خود را (از کنعان به مصر) نزد من آرید.

و چون کاروان از مصر بیرون آمد یعقوب گفت: اگر مرا تخطئه نکنید من بوی یوسف را می‌شنوم.

شنوندگان گفتند: قسم به خدا که تو از قدیم الایام تا کنون (از شوق یوسف) حواست پریشان و عقلت مشوش است (که هنوز بوی یوسف می‌شنوی).

فَلَمَّا أَنْ جَاءَ الْبَشِيرُ أَلْقَاهُ عَلَىٰ وَجْهِهِ ۖ فَارْتَدَّ بَصِيرًا ۗ قَالَ  
أَلَمْ أَقُلْ لَكُمْ إِنِّي أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ

قَالُوا يَا أَبَانَا اسْتَغْفِرْ لَنَا ذُنُوبَنَا إِنَّا كُنَّا خَاطِئِينَ

قَالَ سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي ۗ إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَىٰ يُوسُفَ عَاوَىٰ إِلَيْهِ أَبْوِيهِ وَقَالَ ادْخُلُوا  
مِصْرَ إِن شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ

وَرَفَعَ أَبْوِيهِ عَلَىٰ الْعَرْشِ وَخَرُّوا لَهُ سُجَّدًا وَقَالَ يَا أَبَتِ  
هَذَا تَأْوِيلُ رُءْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّي حَقًّا وَقَدْ  
أَحْسَنَ بِي إِذْ أَخْرَجَنِي مِنَ السِّجْنِ وَجَاءَ بِكُم مِّنَ الْبَدْوِ  
مِن بَعْدِ أَنْ نَزَغَ الشَّيْطَانُ بَيْنِي وَبَيْنَ إِخْوَتِي ۗ إِنَّ رَبِّي  
لَطِيفٌ لِّمَا يَشَاءُ ۗ إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

رَبِّ قَدْ ءَاتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَعَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ  
الْأَحَادِيثِ ۗ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّ فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ ۗ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَأَلْحَقْنِي بِالصَّالِحِينَ

ذَٰلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ ۗ وَمَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ  
أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَهُمْ يَمْكُرُونَ

وَمَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ بِمُؤْمِنِينَ

پس از آنکه بشیر آمد (و بشارت یوسف آورد) پیراهن او را به رخسارش افکند و دیده انتظارش (به وصل) روشن شد، گفت: به شما نگفتم که از (لطف) خدا به چیزی آگاهم که شما آگه نیستید؟!

در آن حال برادران یوسف عرضه داشتند: ای پدر بر تقصیراتمان از خدا آمرزش طلب که ما خطای بزرگ مرتکب شده‌ایم.

پدر گفت: به زودی از درگاه خدا برای شما آمرزش می‌طلبم که او بسیار آمرزنده و مهربان است.

پس چون بر یوسف وارد شدند، یوسف پدر و مادر خود را در آغوش آورد و (از آنجا که به استقبالشان آمده بود) گفت: به شهر مصر در آید که ان شاء الله ایمن خواهید بود.

و پدر و مادر را بر تخت بنشانند و آنها همگی پیش او (به شکرانه دیدار او، خدا را) سجده کردند، و یوسف در آن حال گفت: ای پدر، این بود تعبیر خوابی که از این پیش دیدم، که خدای من آن خواب را واقع و محقق گردانید و درباره من احسان فراوان فرمود که مرا از تاریکی زندان نجات داد و شما را از بیابان دور به اینجا آورد پس از آنکه شیطان میان من و برادرانم فساد کرد، که خدای من لطف و کرمش به آنچه مشیتش تعلق گیرد شامل شود و هم او دانا و محکم کار است.

بار الها، تو مرا از سلطنت (و عزت) بهره‌داری و از علم رؤیا و تعبیر خوابها بیاموختی، ای آفریننده زمین و آسمان، تویی ولی نعمت و محبوب من در دنیا و آخرت، مرا به تسلیم و رضای خود بمیران و به صالحانم بپیوند.

(ای رسول ما) این حکایت از اخبار غیب بود که بر تو به وحی می‌رسانیم و (گر نه) تو آنجا که برادران یوسف بر مکر و حيله تصمیم گرفتند حاضر نبودی.

و تو هر چند جهد و ترغیب در ایمان مردم کنی باز اکثر آنان ایمان نخواهند آورد (دل پاکت را زیاد رنجه مدار).

وَمَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

و تو از امت خود اجر رسالت نمی‌خواهی، این کتاب غرضی جز آنکه اهل عالم را متذکر و بیدار سازد ندارد.

وَكَأَيِّنْ مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَهُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ

و (این مردم بی‌خرد) چه بسیار بر آیات و نشانه‌ها (ی قدرت حق) در آسمانها و زمین می‌گذرند و از آن روی می‌گردانند.

وَمَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَهُمْ مُشْرِكُونَ

و اکثر خلق به خدا ایمان نمی‌آورند مگر آنکه مشرک باشند (و جز خدا امور دیگر را نیز مؤثر در انتظام عالم دانند).

أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَشِيَةٌ مِّنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

آیا (مردم کافر) ایمن از آنند که عذابی از (قهر) خدا بر آنها احاطه کند یا آنکه ساعت مرگ و قیامتشان ناگهان فرا رسد که در آن حال غافل باشند؟

قُلْ هَذِهِ سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَىٰ بَصِيرَةٍ أَنَا وَمَنِ اتَّبَعَنِي ۖ وَسُبْحٰنَ اللَّهِ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

بگو: طریقه من و پیروانم همین است که خلق را به خدا با بینایی و بصیرت دعوت کنیم، و خدا را از شرک و شریک منزه دانم و هرگز به خدای یکتا شرک نیاورم.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ ۗ أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ ۗ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ

و ما هیچ کس را پیش از تو به رسالت نفرستادیم جز آنکه رسولان همه (مانند تو) مردانی بودند از اهل شهرهای دنیا که به وحی ما مؤید شدند، (اینان که به انکار رسول به راه کفر و باطل می‌روند) آیا در روی زمین سیر نکرده‌اند تا عاقبت حال پیشینیانشان را (که چگونه هلاک شدند) بنگرند؟ و محققا سرای آخرت برای اهل تقوا (از حیات دنیا) بسیار نیکوتر است، آیا تعقل نمی‌کنید؟!

حَتَّىٰ إِذَا اسْتَيْسَسَ الرُّسُلُ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ ۗ وَلَا يُرَدُّ بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ

(مردم با انبیاء چندان ضدیت کردند) تا آنجا که رسولان مأیوس شده و گمان کردند که وعده نصرت خدا خلاف خواهد شد (با گمان کردند که دیگر هیچ کس تصدیق آنها نخواهد کرد) در آن حال یاری ما بدیشان فرا رسید تا هر که ما خواستیم نجات داده شد، و نیز قهر و انتقام ما از بدکاران عالم باز گردانده نخواهد شد.

لَقَدْ كَانَ فِي قَصصِهِمْ عِبْرَةٌ لِأُولِي الْأَلْبَابِ ۗ مَا كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَتَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

همانا در حکایت آنان برای صاحبان عقل عبرت کامل خواهد بود. این قرآن نه سخنی است که فرا توان بافت لیکن کتب آسمانی پیش از خود را هم تصدیق کرده و هر چیزی را (که راجع به سعادت دنیا و آخرت خلق است) مفصل بیان می‌کند و برای اهل ایمان هدایت و (سعادت و) رحمت خواهد بود.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْمَرَّةَ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ  
الْحَقُّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يُؤْمِنُونَ

۱  
۲۰۵۵

اللَّهُ الَّذِي رَفَعَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا ثُمَّ أَسْتَوَى  
عَلَى الْعَرْشِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ  
مُسَمًّى يُدَبِّرُ الْأَمْرَ يُفَصِّلُ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ بِلِقَاءِ رَبِّكُمْ  
تُوقِنُونَ

۲

وَهُوَ الَّذِي مَدَّ الْأَرْضَ وَجَعَلَ فِيهَا رَواسِيَ وَأَنْهَارًا وَمِنْ كُلِّ  
الْثَمَرَاتِ جَعَلَ فِيهَا زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ يُغْشَى اللَّيْلَ النَّهَارَ إِنَّ  
فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

۳

وَفِي الْأَرْضِ قِطْعٌ مُتَجَاوِرَاتٌ وَجَنَّاتٌ مِنْ أَعْنَابٍ وَزَرْعٌ  
وَنَخِيلٌ صِنْوَانٌ وَغَيْرُ صِنْوَانٍ يُسْقَى بِمَاءٍ وَاحِدٍ وَنُفِصِلُ  
بَعْضَهَا عَلَى بَعْضٍ فِي الْأَكْلِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ  
يَعْقِلُونَ

۴

وَإِنْ تَعْجَبْ فَعَجَبٌ قَوْلُهُمْ أَإِذَا كُنَّا تُرَابًا أَعْنَابًا لَفِي خَلْقٍ  
جَدِيدٍ أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ وَأُولَئِكَ الْأَغْلَالُ فِي  
أَعْنَاقِهِمْ وَأُولَئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

۵  
حزب  
۱۰۰

المر (رمزی بین خدا و رسول است) این است آیات کتاب  
خدا و قرآنی که به حق و راستی بر تو از جانب پروردگارت  
نازل گردید و لیکن اکثر مردمان به آن ایمان نمی‌آورند.

خداست آن ذات پاکی که آسمانها را چنان که می‌نگرید  
بیستون برافراشت آن‌گاه بر عرش (قدرت بر وجود کل)  
قرار گرفت و خورشید و ماه را مسخر اراده خود ساخت که  
هر کدام در وقت خاص به گردش آیند، امر عالم را منظم  
می‌سازد و آیات (قدرت) را با دلایلی مفصل بیان می‌دارد،  
باشد که شما به ملاقات پروردگار خود یقین کنید.

و اوست خدایی که بساط زمین را بگسترده و در آن کوهها  
برافراشت و نهرها جاری ساخت و از هرگونه میوه یک جفت  
پدید آورد، شب تار را به روز روشن بپوشاند، همانا در این  
امور متفکران را دلایلی روشن (بر قدرت آفریدگار) است.

و در زمین قطعاتی مجاور و متصل است (که آثار هر قطعه  
مابین قطعه دیگر است) زمینی برای تاکستان و باغ انگور  
قابل است، و یک جا برای زراعت غلات، و زمینی برای  
نخلستان آن هم نخلهای گوناگون که همه با یک آب مشروب  
می‌شوند ولی ما بعضی را در نوع میوه بر بعضی برتری  
می‌دهیم، و این امور عاقلان را ادله واضحی (بر حکمت  
صانع) است.

و اگر تو را جای تعجب (به کار منکران) است عجب قول  
منکران معاد است که می‌گویند: آیا ما چون خاک شدیم باز  
از نو خلق خواهیم شد؟ اینان هستند که به خدای خود کافر  
شدند و هم اینان زنجیرها (ی قهر و عذاب) بر گردن دارند  
و هم اینان اصحاب دوزخند و در آن همیشه معذبند.

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ وَقَدْ خَلَتْ مِنْ  
قَبْلِهِمُ الْمَثَلُتُّ وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو مَغْفِرَةٍ لِلنَّاسِ عَلَى ظُلْمِهِمْ  
وَإِنَّ رَبَّكَ لَشَدِيدُ الْعِقَابِ

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ إِنَّمَا  
أَنْتَ مُنذِرٌ وَلِكُلِّ قَوْمٍ هَادٍ

اللَّهُ يَعْلَمُ مَا تَحْمِلُ كُلُّ أُنْثَىٰ وَمَا تَغِيضُ الْأَرْحَامُ وَمَا تَزْدَادُ  
وَكُلُّ شَيْءٍ عِنْدَهُ بِمِقْدَارٍ

عَلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْكَبِيرِ الْمُتَعَالِ

سَوَاءٌ مِنْكُمْ مَنْ أَسَرَ الْقَوْلَ وَمَنْ جَهَرَ بِهِ وَمَنْ هُوَ  
مُسْتَخْفٍ بِاللَّيْلِ وَسَارِبٌ بِالنَّهَارِ

لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ  
اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ  
وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ بِقَوْمٍ سُوءًا فَلَا مَرَدَّ لَهُ وَمَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ  
مِنْ وَالٍ

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنْشِئُ السَّحَابَ  
الثِّقَالَ

وَيُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ وَيُرْسِلُ  
الصَّوَاعِقَ فَيُصِيبُ بِهَا مَنْ يَشَاءُ وَهُمْ يُجَادِلُونَ فِي اللَّهِ  
وَهُوَ شَدِيدُ الْمِحَالِ

(ای رسول ما) کافران پیش از تقاضای آموزش و احسان (به  
تمسخر) از تو تقاضای تعجیل در عذاب می‌کنند؟ در صورتی  
که چه عقوبت‌های عبرت‌آموز بر امتان کافر گذشته رسید! و  
خدا بر ظلم خلق هم بسیار صاحب عفو و مغفرت است و هم  
صاحب قهر و انتقام سخت است.

و باز کافران (به طعنه) می‌گویند که چرا از خدایش بر او  
آیت و معجزه‌ای فرستاده نشد؟ (باید بدانند که) تنها وظیفه  
تو اندرز و ترسانیدن (خلق از نافرمانی خدا) است و هر  
قومی را (از طرف خدا) رهنمایی است.

تنها خدا می‌داند که بار حمل آبستنان عالم چیست و بار  
رحمها چه نقصان و چه زیادت آرند، و مقدار همه چیز در علم  
ازلی خدا معین است.

اوست عالم به عوالم غیب و شهود و بزرگ خدای متعال  
(برتر از هر وصف و ادراک عقول).

در پیشگاه علم ازلی آن کس از شما که سخن به سر گوید یا  
آشکار و آن که در ظلمت شب پنهان است یا در روشنی روز  
به کار و فعالیت مشغول است، همه یکسانند (و خدا بر همه  
آگاه است).

برای هر کس پاسبانه از پیش رو و پشت سر برگماشته  
شده که به امر خدا او را نگهداری کنند. خدا حال هیچ قومی  
را دگرگون نخواهد کرد تا زمانی که خود آن قوم حالشان را  
تغییر دهند (و از نیکی به بدی شتابند)، و هرگاه خدا اراده  
کند که قومی را (به بدی اعمالشان) عقاب کند هیچ راه  
دفاعی نباشد و برای آنان هیچ کس را جز خدا یارای آنکه آن  
بلا بگرداند نیست.

اوست که برای بیم (از قهر) و امید (به رحمت) خود برق را  
به شما می‌نماید و ابرهای سنگین را پدید می‌آورد.

و رعد (و برق و همه قوای عالم غیب و شهود) و جمیع  
فرشتگان همه از بیم (قهر) خدا به تسبیح و ستایش او  
مشغولند، و صاعقه‌ها را بر سر هر قومی بخواهد می‌فرستد،  
باز هم کافران در (قدرت) خدا جدل می‌کنند با آنکه او  
سخت انتقام است.

لَهُ دَعْوَةُ الْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَسْتَجِيبُونَ لَهُمْ بِشَيْءٍ إِلَّا كَبْسِطٍ كَفَّيْهِ إِلَى الْمَاءِ لِيَبْلُغَ فَاهُ وَمَا هُوَ بِبَالِغِهِ وَمَا دُعَاءُ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي ضَلَالٍ

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ طَوْعًا وَكَرْهًا وَظِلَالُهُم بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ ﴿۱۵﴾

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ قُلْ أَفَأَخَذْتُمْ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ لَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الْأَعْمَى وَالْبَصِيرُ أَمْ هَلْ تَسْتَوِي الظُّلُمَاتُ وَالنُّورُ أَمْ جَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ خَلَقُوا كَخَلْقِهِ فَتَشَبَهَ الْخَلْقُ عَلَيْهِمْ قُلِ اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَالَتْ أوديةً بِقَدَرِهَا فَاحْتَمَلَ السَّيْلُ زَبَدًا رَابِيًا وَمِمَّا يُوقِدُونَ عَلَيْهِ فِي النَّارِ ابْتِغَاءَ حَلِيَّةٍ أَوْ مَتَاعٍ زَبَدٌ مِثْلَهُ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْحَقَّ وَالْبَاطِلَ فَأَمَّا الزَّبَدُ فَيَذْهَبُ جُفَاءً وَأَمَّا مَا يَنْفَعُ النَّاسَ فَيَمْكُتُ فِي الْأَرْضِ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَالَ

لِلَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمُ الْحُسْنَى وَالَّذِينَ لَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُ وَلَا أَنَّ لَهُمْ مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَا فُتَدُوا بِهِ أُولَئِكَ لَهُمْ سُوءُ الْحِسَابِ وَمَأْوَاهُمْ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمِهَادُ

دعوت خدا (و رسولانش) به حق و حقیقت است و بتهایی که مشرکان به جای خدا می‌خوانند هیچ حاجتی را از آنها برنیاورند و تنها مانند آن کسانند که به سوی آبی دست دراز کند که بیاشامد ولی آب به دهانش نرسد، و دعای کافران جز در (حرمان و) ضلالت نیست.

هر که در آسمانها و زمین است با همه آثار وجودیش به رغبت و اشتیاق و به اکراه و الزام، شب و روز به سجده (و طاعت) خدا مشغول است.

بگو که آفریننده آسمانها و زمین کیست؟ بگو: خداست، پس بگو: آیا شما خدا را گذارده و غیر خدا (مانند بتان و فرعونان) را برای نگهبانی و یاری خود برگزفتید در صورتی که آنها بر سود و زیان خود هم قادر نیستند؟ آن گاه بگو: آیا چشم نابینا (ی جاهل) و دیده بینا (ی عالم) یکسان است؟ یا ظلمات (شرک و بت پرستی) با نور (معرفت و خدا پرستی) مساوی است؟ یا آنکه این مشرکان شریکانی برای خدا قرار دادند که آنها هم مانند خدا چیزی خلق کردند و بر مشرکان، خلق خدا و خلق شریکان خدا مشتبه گردید؟ (هرگز چنین نیست) بگو: تنها خدا خالق هر چیز است و او خدای یکتایی است که همه عالم مقهور اراده اوست.

خدا از آسمان آبی نازل کرد که در هر رودی به قدر وسعت و ظرفیتش سیل آب جاری شد و بر روی سیل کفی بر آمد چنانکه فلزاتی را نیز که برای تجمل و زینت (مانند طلا و نقره) یا برای اثاث و ظروف (مانند آهن و مس) در آتش ذوب کنند مثل آب کفی برآورد، خدا به مثل این (آب و فلزات و کف روی آنها) برای حق و باطل مثل می‌زند که (باطل چون) آن کف به زودی نابود می‌شود و اما (حق چون) آن آب و فلز که به خیر و منفعت مردم است در زمین درنگ می‌کند. خدا مثلها را بدین روشنی بیان می‌کند.

آنان که دعوت حق را اجابت کرده و به خدا ایمان آوردند بر آنها بهترین پاداش و خوش‌ترین زندگانی است، و آنان که اجابت نکردند اگر مالک همه آنچه در روی زمین است باشند هر آینه آن را فدای آسایش خود کنند (مگر از عذاب برهند و هرگز نجات نیابند)، آنها را حساب سخت و جایگاه دوزخ باشد که بسیار بد آرامگاهی است.

أَفَمَنْ يَعْلَمُ أَنَّمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ الْحَقُّ كَمَنْ هُوَ  
أَعْمَىٰ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

۲۰

الَّذِينَ يُوفُونَ بِعَهْدِ اللَّهِ وَلَا يَنْقُضُونَ الْمِيثَاقَ

۲۱

وَالَّذِينَ يَصِلُونَ مَا أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ  
وَيَخَافُونَ سُوءَ الْحِسَابِ

۲۲

وَالَّذِينَ صَبَرُوا ابْتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنفَقُوا  
مِمَّا رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ  
أُولَئِكَ لَهُمْ عُقْبَى الدَّارِ

۲۳

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا وَمَنْ صَلَحَ مِنْ آبَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ  
وَذُرِّيَّتِهِمْ وَالْمَلَائِكَةُ يَدْخُلُونَ عَلَيْهِمْ مِنْ كُلِّ بَابٍ

۲۴

سَلَّمَ عَلَيْكُمْ بِمَا صَبَرْتُمْ فَنِعَمَ عُقْبَى الدَّارِ

۲۵

وَالَّذِينَ يَنْقُضُونَ عَهْدَ اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مِيثَاقِهِ وَيَقْطَعُونَ مَا  
أَمَرَ اللَّهُ بِهِ أَنْ يُوصَلَ وَيُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ أُولَئِكَ لَهُمْ  
الْعَنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ الدَّارِ

۲۶

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَفَرِحُوا بِالْحَيَاةِ الدُّنْيَا  
وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فِي الْأَخِرَةِ إِلَّا مَتَعٌ

۲۷

۲۰۸۲

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ آيَةٌ مِنْ رَبِّهِ قُلْ  
إِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ أُنَابَ

۲۸

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَطْمَئِنُّ قُلُوبُهُمْ بِذِكْرِ اللَّهِ أَلَا بِذِكْرِ اللَّهِ  
تَطْمَئِنُّ الْقُلُوبُ

آیا مسلمانی که به یقین می‌داند که این قرآن به حق از  
جانب خدا بر تو نازل شده است با کافر نابینای جاهل یکسان  
است؟ تنها عاقلان متذکر این حقیقتند.

عاقلان آنهاییند که به عهد خدا وفا می‌کنند و پیمان حق را  
نمی‌شکنند.

و هم به آنچه خدا امر به پیوند آن کرده (مانند صلح و رحمت و  
محبت اهل ایمان و علم) می‌پیوندند و از خدای خود  
می‌ترسند و از سختی هنگام حساب می‌اندیشند.

و هم در طلب رضای خدا راه صبر پیش می‌گیرند و نماز به  
پا می‌دارند و از آنچه نصیبشان کردیم پنهان و آشکار انفاق  
می‌کنند و در عوض بدهیهای مردم نیکی می‌کنند، اینان  
هستند که عاقبت منزلگاه نیکو یابند.

که آن منزل بهشتهای عدن است که در آن بهشتهای خود و  
همه پدران و زنان و فرزندان شایسته آنها داخل می‌شوند  
در حالی که فرشتگان بر (تهنیت) آنها از هر در وارد  
می‌گردند.

(و می‌گویند) سلام و تحیت بر شما باد که صبر پیشه کردید،  
و بس نیک است سرانجام این سرای.

و آنان که پس از پیمان بستن (با خدا و رسول) عهد خدا را  
می‌شکنند و هم از آنچه خدا امر به پیوند آن کرده پاک  
می‌گسلند و در روی زمین فساد و فتنه بر می‌انگیزند اینان  
را لعن (خدا) و منزلگاه عذاب سخت دوزخ نصیب است.

خدا هر که را خواهد فراخ روزی و هر که را خواهد تنگ  
روزی می‌گرداند، و (این مردم کافر) به زندگانی و متاع دنیا  
دلشاندند در صورتی که دنیا در قبال آخرت متاعی (موقت و  
ناقابل) بیش نیست.

و کافران (مکه) می‌گویند: چرا آیت و حجت قاطعی از خدا بر  
(اثبات نبوت) او نازل نشد؟ تو به آنها بگو که (حجت قاطعی  
مانند قرآن و معجزات دیگر آمد اکنون) خدا هر که را  
خواهد گمراه و هر که را که به درگاه او تضرع و انابه کند  
هدایت می‌کند.

آنها که به خدا ایمان آورده و دلهاشان به یاد خدا آرام  
می‌گیرد، آگاه شوید که تنها یاد خدا آرام‌بخش دلهاست.

الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ طُوبَىٰ لَهُمْ وَحَسَنُ مَّآبٍ

آنان که به خدا ایمان آورده و به کار نیکو پرداختند خوشا بر احوال آنها، و بازگشت و مقام نیکو آنها راست.

ما تو را میان خلقی به رسالت فرستادیم که پیش از این هم (پیغمبران و) امت‌های دیگر به جایشان بوده و در گذشتند (امر تازه‌ای نیست که تو را به رسالت فرستادیم) تا بر آنها آنچه از ما به وحی بر تو رسد تلاوت کنی در حالی که آنها به خدای مهربان کافر می‌شوند، بگو: او خدای من است و جز او خدایی نیست، من بر او توکل کرده‌ام و روی امیدم همه به سوی اوست.

كَذَٰلِكَ أَرْسَلْنَاكَ فِي أُمَّةٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهَا أُمَمٌ لِّتَتْلُوَ عَلَيْهِمُ الَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ وَهُمْ يَكْفُرُونَ بِالرَّحْمَنِ قُلْ هُوَ رَبِّي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ مَتَابٍ

و اگر قرآنی بود که با (اعجاز بیان) آن کوهها به رفتار می‌آمد و زمین از هم می‌شکافت و با مردگان سخن گفته می‌شد (همین قرآن با عظمت است که با وجود آن باز ایمان نمی‌آورند). بلکه فرمان همه عالم با خداست (هر چه خواهد به مشیت ازلی می‌کند) آیا مؤمنان هنوز ندانسته‌اند که خدا اگر بخواهد همه مردم را (به الزام و جبر) هدایت می‌کند؟ و (این نه مصلحت است زیرا باید) کافران پیوسته از کردار زشتشان به کیفر و سرکوبی رسند یا مصیبتی نزدیک دیار آنها فرود آید تا آن‌گاه که (در محشر هم) وعده خدا (بر هلاک آنها) فرا رسد، که خدا خلاف وعده نخواهد کرد.

وَلَوْ أَنَّ قُرْعَانًا سُيِّرَتْ بِهِ الْجِبَالُ أَوْ قُطِعَتْ بِهِ الْأَرْضُ أَوْ كَلِمَ بِهِ الْمَوْتَىٰ بَل لِّلَّهِ الْأَمْرُ جَمِيعًا أَفَلَمْ يَأْتِيسِ الَّذِينَ ءَامَنُوا أَن لَّو يَشَاءُ اللَّهُ لَهْدَى النَّاسَ جَمِيعًا وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا تُصِيبُهُم بِمَا صَنَعُوا قَارِعَةٌ أَوْ تَحُلُّ قَرِيبًا مِّن دَارِهِمْ حَتَّىٰ يَأْتِيَ وَعْدُ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُخْلِفُ الْمِيعَادَ

و مردم به رسولان پیش از تو هم استهزاء بسیار کردند من هم به کافران فرصت دادم آن گاه ایشان را به عقوبت گرفته و با چه عقاب سخت به کیفر رسانیدم.

وَلَقَدْ اسْتَهْزَيْتَ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَأَمَلَيْتَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا ثُمَّ أَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

آیا خدایی که نگهبان همه نفوس عالم با آثارشان است (فراموش کردند)؟ و برای خدا شریکانی جعل کردند، بگو که نام خدایان خود برگویید (که اینها کیستند و اثر ایشان چیست و از چه رو مستحق پرستش شدند؟) یا این که شما مردم نادان می‌خواهید خدا را به چیزی که در زمین از آن آگاه نیست آگه سازید؟! یا آنکه به ظاهر سخنی (که خود هم حقیقتی بر آن قائل نیستید) می‌گویید؟ بلکه کافران را مکر و فسونشان در نظر زیبا آمده و از راه خدا باز ماندند، و هر کس را خدا به گمراهی واگذارد دیگر هیچ کس وی را هدایت نتواند کرد.

أَفَمَنْ هُوَ قَائِمٌ عَلَىٰ كُلِّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَجَعَلُوا لِلَّهِ شُرَكَاءَ قُلْ سَمُّوهُمْ أَمْ تُنَبِّئُونَهُ بِمَا لَا يَعْلَمُ فِي الْأَرْضِ أَمْ بَظَهَرِ مِّنَ الْقَوْلِ بَلْ زَيْنَ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مَكْرُهُمْ وَصُدُّوا عَنِ السَّبِيلِ وَمَن يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ

چنین گمراهان در زندگانی دنیا (به انواع بلا) معذبند و البته عذاب عالم آخرت سخت‌تر است، و از (قهر) خدا ابدان نگهداری ندارند.

لَهُمْ عَذَابٌ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَقُّ وَمَا لَهُم مِّنَ اللَّهِ مِن وَّاقٍ

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وَعَدَ الْمُتَّقُونَ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
أُكُلُهَا دَائِمٌ وَظِلُّهَا تِلْكَ عُقْبَى الَّذِينَ اتَّقَوْا وَعُقْبَى  
الْكَافِرِينَ النَّارُ

وصف بهشتی که متقیان را وعده دادند چنان است که نهرا  
زیر درختانش جاری است و ماکولاتش همیشگی و سایه آن  
برقرار است، این بهشت سرانجام اهل تقواست و سرانجام  
کافران آتش دوزخ است.

و آنان که ما بر آنها کتاب فرستادیم (یعنی مؤمنان اهل کتاب  
و مسلمانان) به این (کتاب با عظمت قرآن) که بر تو نازل  
شد بسیار خوشوقتند، و جماعتی از آنها (مانند کفار اهل  
کتاب و قریش) برخی آیات را انکار می‌کنند. بگو: من مأمورم  
که خدای یکتا را پرستم و هرگز به او شرک نیاورم، به سوی  
او دعوت می‌کنم و بازگشت من به سوی اوست.

و همچنین ما قرآن را کتابی با حکمت و فصاحت عربی  
فرستادیم، و اگر با این علم و دانش که بر تو آمد باز پیرو  
میل جاهلانه آنها شدی دیگر مدد و نگهداری از (قهر) خدا  
نخواهی داشت.

و محققا ما رسولانی پیش از تو فرستادیم و برای همه آنان  
(مانند تو) زنان و فرزندان مقرر نمودیم (یعنی همه رسل  
بشر بودند، یکی فرشته نبود که از لوازم بشری بی‌نیاز  
باشد) و هیچ پیغمبری را نرسد که بی اذن خدا آیت و  
معجزی آورد، که هر امری را وقتی معین مرقوم است.

خدا هر چه را خواهد (از احکام یا حوادث عالم) محو و هر  
چه را خواهد اثبات می‌کند و اصل کتاب (آفرینش) نزد  
اوست.

و اگر ما (در حیات تو) بر تو برخی از آن وعده عذابی که به  
کافران دادیم پدیدار کنیم یا آنکه (پیش از آن وقت) تو را  
به دیدار آخرت برریم، به هر حال بر تو تبلیغ (حکم خدا) و بر  
ما حساب (خلق) است (و تعیین وقت عذاب و حساب یا عفو  
بندگان از وظایف نبوت نیست).

آیا مردم ندیدند که ما (به فرستادن رسولان) عزم سرزمین  
(کافران جاهل) کرده و از هر طرف آن می‌کاهیم (و بر بلاد و  
قدرت اهل ایمان می‌افزاییم)؟ و تنها خداست که در جهان  
فرمان می‌دهد و هیچ کس بر رد حکمش قادر نیست  
اوست که در یک لحظه حساب همه خلق بی‌شمار را می‌کند.

و پیش از اینان هم بسیاری کافران مکرها (بر ضد رسولان)  
کردند (و عاقبت همه هلاک شدند) که همه مکر و تدبیرها  
نزد خداست، او می‌داند هر کس به چه کار و اندیشه است،  
و کافران به زودی خواهند یافت که عاقبت خوش و منزل  
سعادت برای کیست.

وَالَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَفْرَحُونَ بِمَا أُنزِلَ إِلَيْكَ وَمِنَ  
الْأَحْزَابِ مَنْ يُنْكِرُ بَعْضَهُ قُلْ إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ  
وَلَا أُشْرِكَ بِهِ إِلَيْهِ أَدْعُوا وَإِلَيْهِ مَعَابُ

۳۶

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ حُكْمًا عَرَبِيًّا وَلَئِنِ اتَّبَعْتَ أَهْوَاءَهُمْ بَعْدَ  
مَا جَاءَكَ مِنَ الْعِلْمِ مَا لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا وَاقٍ

۳۷

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ وَجَعَلْنَا لَهُمْ أَزْوَاجًا وَذُرِّيَّةً  
وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ بِآيَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ لِكُلِّ أَجَلٍ  
كِتَابٌ

۳۸  
۲۱۰

يَمْحُوا اللَّهُ مَا يَشَاءُ وَيُثَبِّتُ وَعِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ

۳۹

وَإِن مَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِنَّمَا  
عَلَيْكَ الْبَلْغُ وَعَلَيْنَا الْحِسَابُ

۴۰

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا وَاللَّهُ  
يَحْكُمُ لَا مُعَقِّبَ لِحُكْمِهِ وَهُوَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

۴۱

وَقَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَلِلَّهِ الْمَكْرُ جَمِيعًا يَعْلَمُ مَا  
تَكْسِبُ كُلُّ نَفْسٍ وَسَيَعْلَمُ الْكُفْرُ لِمَنِ عُقْبَى الدَّارِ

۴۲

وَيَقُولُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَسْتَ مُرْسَلًا قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا  
بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ وَمَنْ عِنْدَهُ عِلْمُ الْكِتَابِ

صفحه ۷

۵۲ آیه

مکی

ابراهیم: ابراهیم

۱۴. ابراهیم

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّ كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ لِتُخْرِجَ النَّاسَ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى  
النُّورِ بِإِذْنِ رَبِّهِمْ إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

۱  
۲۱۱

اللَّهُ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ۗ وَوَيْلٌ  
لِّلْكَافِرِينَ مِنْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

۲

الَّذِينَ يَسْتَحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَيَصُدُّونَ عَن  
سَبِيلِ اللَّهِ وَيَبْغُونَهَا عِوَجًا أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

۳

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ رَّسُولٍ إِلَّا بِلِسَانِ قَوْمِهِ ۗ لِيُبَيِّنَ لَهُمْ فَيُضِلُّ  
اللَّهُ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۴

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا أَنْ أَخْرِجْ قَوْمَكَ مِنَ الظُّلُمَاتِ  
إِلَى النُّورِ وَذَكِّرْهُمْ بِآيَاتِنَا ۗ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ  
صَبَّارٍ شَكُورٍ

۵

و کافران بر تو اعتراض کنند که تو رسول خدا نیستی، بگو:  
تنها گواه بین من و شما خدا و عالمان حقیقی به کتاب (خدا  
که انبیاء و اولیا، و علماء ربانیند) کافی خواهد بود.

الر (حروف مقطعه و اسرار الهی است) این قرآن کتابی است  
که ما به تو فرستادیم تا مردم را به امر خدایشان از ظلمات  
(جهل و کفر) بیرون آری و به عالم نور رسانی و به راه خدای  
مقتدر ستوده صفات رهسپار گردانی.

خدایی که هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک اوست،  
و وای بر کافران از عذابی سخت.

یعنی آنان که زندگانی دنیا را بر آخرت مقدم و محبوبتر  
دارند و خلق را از راه خدا باز دارند و آن راه راست را (به  
شک و شبهات) کج کنند، آنان در گمراهی بسیار دورند.

و ما هیچ رسولی در میان قومی نفرستادیم مگر به زبان آن  
قوم تا بر آنها (معارف و احکام الهی را) بیان کند، آن‌گاه خدا  
هر که را خواهد به ضلالت وا می‌گذارد و هر که را خواهد  
به مقام هدایت می‌رساند و او خدای مقتدر داناست.

و ما موسی عمران را با آیات خود (با تورات و معجزات، بر  
فرعونیان) فرستادیم که قومت را از ظلمات (جهل و  
گمراهی) بیرون آور و به عالم نور رسان و روزهای خدا را به  
یاد آنها آور، که در این یادآوری بر هر شخصی که صبور و  
شکرگزار است دلایل روشنی نهفته است (ایام الله را برخی  
به ایام عهد الست و روزگار عالم ذر، و برخی به ایام ظهور  
پیغمبران و برخی حوادث عظیم لطف بر مؤمنان و قهر بر  
کافران تفسیر کرده‌اند).

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ لِقَوْمِهِ اذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ  
أَنْجَاكُمْ مِنْ عَالِ فِرْعَوْنَ يَسُومُونَكُمْ سُوءَ الْعَذَابِ  
وَيَذَّبِحُونَ أَبْنَاءَكُمْ وَيَسْتَحْيُونَ نِسَاءَكُمْ وَفِي ذَلِكُمْ  
بَلَاءٌ مِنْ رَبِّكُمْ عَظِيمٌ

وَإِذْ تَأَذَّنَ رَبُّكُمْ لَئِن شَكَرْتُمْ لَأَزِيدَنَّكُمْ<sup>ط</sup> وَلَئِن  
كَفَرْتُمْ إِنَّ عَذَابِي لَشَدِيدٌ

وَقَالَ مُوسَىٰ إِنْ تَكْفُرُوا أَنْتُمْ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا فَإِنَّ  
اللَّهَ لَغَنِيٌّ حَمِيدٌ

أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبُؤُا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ  
وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا اللَّهُ جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُمْ  
بِالْبَيِّنَاتِ فَرَدُّوا أَعْيُنَهُمْ فِي آفْوَاهِهِمْ وَقَالُوا إِنَّا كَفَرْنَا بِمَا  
أُرْسِلْتُمْ بِهِء وَإِنَّا لَفِي شَكِّ مِمَّا تَدْعُونَنَا إِلَيْهِ مُرِيبٌ

قَالَتْ رُسُلُهُمْ أَلِى اللَّهِ شَكٌّ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ<sup>ط</sup>  
يَدْعُوكُمْ لِيَغْفِرَ لَكُمْ مِنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُؤَخِّرَكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ  
مُسَمًّى قَالُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا تُرِيدُونَ أَنْ تَصُدُّونَا  
عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاؤُنَا فَأْتُونَا بِسُلْطَنِ مُبِينٍ

و (ای رسول ما) یاد کن وقتی که موسی به قوم خود گفت: به خاطر آورید این نعمت بزرگ خدا را بر خودتان که شما را از فرعونیان نجات داد که آنها شما را به ظلم و شکنجه سخت می‌افکندند و پسرانتان را کشته و دخترانتان را (به ذلت و بیچارگی) زنده می‌گذاشتند و در این امور ابتلا و امتحان بزرگی از جانب خدایتان بر شما بود.

و (باز به خاطر آرید) وقتی که خدا اعلام فرمود که شما بندگان اگر شکر نعمت به جای آرید بر نعمت شما می‌افزایم و اگر کفران کنید عذاب من بسیار سخت است.

و (باز به یاد آرید که) موسی گفت: اگر شما و همه اهل زمین یک مرتبه کافر شوید خدا (از همه) بی‌نیاز و ستوده صفات است.

آیا اخبار بسیاری از پیشینیان شما مانند قوم نوح و عاد و ثمود و اقوام بعد از اینها که جز خدا کسی بر احوالشان آگاه نیست به شما نرسیده که پیغمبران ایشان آیات و معجزات روشن بر آنها آوردند و آنها (از تعجب و خشم) دست به دهان فرو برده می‌گفتند که ما به هر چه شما پیغمبران مأمور تبلیغ آن هستید کافریم و هم در آنچه شما ما را بدان دعوت می‌کنید شک و تردید داریم.

رسولان در جواب آنها گفتند: آیا در خدا که آفریننده آسمانها و زمین است شک توانید کرد؟ خدایی که شما را به مغفرت و آمرزش از گناهانتان می‌خواند و می‌خواهد به اجل معین و عمر طبیعی برساند. باز کافران گفتند: ما شما (پیغمبران) را مثل خود بشری بیشتر نمی‌دانیم که می‌خواهید ما را از آنچه پدران ما می‌پرستیدند منع کنید، پس (اگر به راستی پیغمبر هستید) برای ما حجت و معجزی آشکار (که ما را مجبور به ایمان کند) بیاورید.



قَالَتْ لَهُمْ رُسُلُهُمْ إِنْ نَحْنُ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ  
يَمُنُّ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ ۗ وَمَا كَانَ لَنَا أَنْ نَأْتِيَكُمْ  
بِسُلْطَانٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

وَمَا لَنَا أَلَّا نَتَوَكَّلَ عَلَىٰ اللَّهِ وَقَدْ هَدَانَا سُبُلَنَا وَلَنَصْبِرَنَّ  
عَلَىٰ مَا آذَيْتُمُونَا وَعَلَىٰ اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُتَوَكِّلُونَ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِرُسُلِهِمْ لَنُخْرِجَنَّكُمْ مِّنْ أَرْضِنَا أَوْ  
لَتَعُوذُنَّ فِي مِلَّتِنَا فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ رَبُّهُمْ لَنُهْلِكَنَّ الظَّالِمِينَ

وَلَنُسَكِّنَنَّكُمْ الْأَرْضَ مِنْ بَعْدِهِمْ ۚ ذَٰلِكَ لِمَنْ خَافَ  
مَقَامِي وَخَافَ وَعِيدِ

وَأَسْتَفْتِحُوا وَخَابَ كُلُّ جَبَّارٍ عَنِيدٍ

مِّنْ وَرَائِهِ جَهَنَّمُ وَيُسْقَىٰ مِنْ مَّاءٍ صَدِيدٍ

يَتَجَرَّعُهُ وَلَا يَكَادُ يُسِيغُهُ وَيَأْتِيهِ الْمَوْتُ مِنْ كُلِّ  
مَكَانٍ وَمَا هُوَ بِمَيِّتٍ ۗ وَمِنْ وَرَائِهِ عَذَابٌ غَلِيظٌ

مَثَلُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ ۖ أَعْمَلُهُمْ كَرَمَادٍ اشْتَدَّتْ بِهِ  
الرِّيحُ فِي يَوْمٍ عَاصِفٍ ۖ لَا يَقْدِرُونَ مِمَّا كَسَبُوا عَلَىٰ شَيْءٍ ۚ  
ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ

رسولان باز به کافران پاسخ دادند که آری ما هم مانند شما  
بشری بیش نیستیم لیکن خدا بر هر کس از بندگان که  
بخواهد (به نعمت بزرگ نبوت) منت می‌گذارد، و ما را نرسد  
که برای شما آیت و معجزی الا به اذن و دستور خدا بیآوریم،  
و مؤمنان (در هر حال) باید تنها به خدا توکل کنند.

و چرا ما بر خدا توکل نکنیم در صورتی که خدا ما را به راه  
راستمان هدایت فرموده؟ و البته (در راه اطاعت و رضای  
خدا) بر آزار و ستمهای شما صبر خواهیم کرد، و ارباب توکل  
باید (در همه حال خوش و ناخوش) تنها بر خدا توکل کنند.

باز کافران به رسولان پاسخ دادند که ما البته شما را از شهر  
و دیار خود بیرون می‌کنیم مگر آنکه به آیین ما برگردید، در  
این حال (که رسولان مایوس از ایمان کافران شدند) خدا به  
آنها وحی فرمود که (غم مخورید) البته ما ستمکاران را هلاک  
خواهیم کرد.

و محققا ما شما رسولان (و پیروانتان) را در سرزمین کافران  
پس از هلاک آنها (با آسایش و ایمنی) ساکن می‌گردانیم و  
این (آسایش) نصیب کسی است که از مقام من خائف است  
و از وعده قهر و عقاب من می‌ترسد.

و (از خدا) فتح و پیروزی خواستند (و البته فتح و پیروزی  
بر حسب وعده ما نصیب رسولان خداست) و نصیب هر  
ستمگر جبار هلاکت و حرمان است.

از پی گردنکش عنود آتش دوزخ خواهد بود و آبی که به او  
آشامند (در دوزخ) آب پلید چرکین است.

که آن آب پلید را جرعه جرعه می‌آشامد و هیچ گوارای او  
نشود، و از هر جانب مرگ به وی روی آور شود ولی نمیرد و  
فراروی او عذابی سخت خواهد بود.

مثل اعمال کسانی که به خدا کافر شدند به خاکستری  
می‌ماند که در روز تند باد شدید همه به باد فنا رود، که از  
همه کوشش خود هیچ نتیجه نبرند. این همان ضلالت (و  
حسرت) دور (از طریق نجات) است.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنْ يَشَاءُ يُدْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

وَمَا ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

و این کار اصلا بر خدا دشوار نیست.

وَبَرَزُوا لِلَّهِ جَمِيعًا فَقَالَ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا مِنْ عَذَابِ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ قَالُوا لَوْ هَدَّيْنَا اللَّهُ لَهَدَيْنَاكُمْ سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَجْرَعْنَا أَمْ صَبَرْنَا مَا لَنَا مِنْ مَّحِيصٍ

و (روزی که) مردم از قبرها برانگیخته و به پیشگاه خدا حاضر شوند آن گاه ضعیفان به گردنکشان گویند: ما (در دنیا) تابع رأی شما بودیم آیا (امروز) شما هیچ از عذاب خدا ما را کفایت خواهید کرد؟ جواب دهند که اگر ما را از خدا سعادت هدایت بود ما هم شما را هدایت می‌کردیم، اکنون هر چه جزع و التماس کنیم یا صبر و تحمل، یکسان است و هیچ (از عذاب) گریزگاهی نداریم.

وَقَالَ الشَّيْطَانُ لَمَّا قُضِيَ الْأَمْرُ إِنَّ اللَّهَ وَعَدَكُمْ وَعَدَّ الْحَقُّ وَوَعَدْتُّكُمْ فَأَخْلَفْتُمُ وَمَا كَانَ لِي عَلَيْكُمْ مِنْ سُلْطَانٍ إِلَّا أَنْ دَعَوْتُكُمْ فَاسْتَجَبْتُمْ لِي فَلَا تَلُمُونِي وَلُومُوا أَنْفُسَكُمْ مَا أَنَا بِمُصْرِخِكُمْ وَمَا أَنْتُمْ بِمُصْرِخِيَّ إِنِّي كَفَرْتُ بِمَا أَشْرَكْتُمُونِ مِنْ قَبْلُ إِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

و چون حکم (قیامت) به پایان رسید (و اهل بهشت از اهل دوزخ جدا شدند) در آن حال شیطان (برای نکوهش و تمسخر کافران) گوید: خدا به شما به حق و راستی وعده داد و من به خلاف حقیقت شما را وعده دادم و خلف وعده کردم و بر شما (برای وعده دروغ خود) هیچ حجت و دلیل قطعی نیاوردم و تنها شما را فراخواندم و شما اجابت مرا کردید، پس (امروز شما ابلهان که سخن بی‌دلیل مرا پذیرفتید) مرا ملامت مکنید بلکه نفس (پر طمع) خود را ملامت کنید، که امروز نه من فریادرس شما خواهم بود و نه شما فریادرس من توانید بود، من به شرکی که شما به (اغوای) من آوردید معتقد نیستم، آری (در این روز) ستمکاران عالم را عذابی دردناک خواهد بود.

وَأَدْخِلَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ تَحِيَّتُهُمْ فِيهَا سَلَامٌ

و آنان را که به خدا ایمان آورده و عمل صالح کردند در بهشتهایی برند که زیر درختانش نهرها جاری است و همیشه به فرمان خدای خود در آن بهشت مغلند و تحیت آنان در آنجا سلام است.

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا كَلِمَةً طَيِّبَةً كَشَجَرَةٍ طَيِّبَةٍ أَصْلُهَا ثَابِتٌ وَفَرْعُهَا فِي السَّمَاءِ

(ای رسول) آیا ندیدی که چگونه خدا کلمه پاکیزه را به درخت پاک و زیبایی مثل زده که اصل ساقه آن برقرار باشد و شاخه آن به آسمان (رفعت و سعادت) بر شود؟

تُوْتِيْ اٰكْلَهَا كُلِّ حِيْنٍ بِاِذْنِ رَبِّهَا وَيَضْرِبُ اللّٰهُ الْاَمْثَالَ  
لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُوْنَ

و آن درخت پاک و زیبا به اذن خدا همه اوقات میوه‌های  
مأکول و خوش دهد (مثل جان پاک با دانش و معرفت و  
افکار و کردار نیکو در منفعت دائم برای خود و دیگران  
بدان درخت زیبای پر ثمر ماند). و خدا (این گونه) مثل‌های  
واضح برای تذکر مردم می‌آورد.

وَمَثَلُ كَلِمَةٍ خَبِيْثَةٍ كَشَجَرَةٍ خَبِيْثَةٍ اُجْتُثَّتْ مِنْ فَوْقِ  
الْاَرْضِ مَا لَهَا مِنْ قَرَارٍ

و مثل کلمه کفر (و روح پلید) مانند درخت پلیدی است که  
ریشه‌اش به قلب زمین نرود بلکه بالای زمین افتد و (زود  
خشک شود و) هیچ ثبات و بقایی ندارد.

يُثَبِّتُ اللّٰهُ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا  
وَفِي الْاٰخِرَةِ وَيُضِلُّ اللّٰهُ الظّٰلِمِيْنَ وَيَفْعَلُ اللّٰهُ مَا يَشَآءُ

خدا اهل ایمان را با عقیده ثابت در حیات دنیا و در آخرت  
پایدار می‌دارد و خداوند ستمکاران را به حال گمراهی وا  
می‌گذارد و خدا هر چه بخواهد (به اختیار مطلق) می‌کند.

اَلَمْ تَرَ اِلَى الَّذِيْنَ بَدَلُوْا نِعْمَتَ اللّٰهِ كُفْرًا وَّاحْلَوْا قَوْمَهُمْ  
دَارَ الْبَوَارِ

هیچ ندیدی حال مردمی را که نعمت خدا را به کفر مبدل  
ساختند و (خود و) قوم خود را به دیار هلاکت رهسپار  
کردند؟

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا وِبئْسَ الْقَرَارُ

یعنی به دوزخ که بدترین جایگاه است در آیند.

وَجَعَلُوْا لِلّٰهِ اٰنْدَادًا لِّيُضِلُّوْا عَنْ سَبِيْلِهِ ۗ قُلْ تَمَتَّعُوْا فَاِنَّ  
مَصِيْرَكُمْ اِلَى النَّارِ

و در مقابل خدا امثال و اضدادی (مانند فرعونان و بتان)  
جعل کردند که (خود و خلق را) از راه خدا گمراه کنند. (ای  
رسول ما، به این مردم بت‌تراش و بت پرست) بگو که (این  
دو روزه دنیا) به لذات دنیوی مشغول باشید که بازگشت  
شما به آتش دوزخ خواهد بود.

قُلْ لِّعِبَادِيْ الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا يُقِيْمُوْا الصَّلٰوةَ وَيُنْفِقُوْا مِمَّا  
رَزَقْنٰهُمْ سِرًّا وَعَٰلٰنِيَةً مِّنْ قَبْلِ اَنْ يَّآتِيَ يَوْمٌ لَا بِيْعُ فِيْهِ  
وَلَا خِيْلٌ

به آن بندگان من که ایمان آوردند بگو نماز به پا دارند و از  
آنچه روزی آنها کردیم در نهان و آشکار انفاق کنند پیش از  
آنکه بیاید روزی که نه چیزی توان خرید و نه دوستی کسی  
(جز خدا) به کار آید.

اللّٰهُ الَّذِيْ خَلَقَ السَّمٰوٰتِ وَالْاَرْضَ وَاَنْزَلَ مِنَ السَّمَآءِ مَآءً  
فَاَخْرَجَ بِهٖ مِنْ الشَّجَرٰتِ رِزْقًا لَّكُمْ وَسَخَّرَ لَكُمْ  
الْفُلْكَ لِتَجْرِيَ فِي الْبَحْرِ بِاَمْرِهٖ ۗ وَسَخَّرَ لَكُمْ الْاَنْهٰرَ

خداست آن که آسمانها و زمین را آفرید و باران را از  
آسمان فرو بارید تا بدان انواع ثمرات و حیوانات را برای  
روزی شما برآورد، و کشتی‌ها را مسخر شما کرد تا به امر او  
به روی آب دریا روان شود و نهرها را (به روی زمین) به  
اختیار شما جاری گردانید.

وَسَخَّرَ لَكُمْ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ دَآبِّيْنِ ۗ وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ  
وَالنَّهَارَ

و خورشید و ماه گردنده و شب و روز را برای شما مسخر  
کرد.

وَعَاتِكُمْ مِّنْ كُلِّ مَا سَأَلْتُمُوهُ وَإِن تَعُدُّوا نِعْمَتَ اللَّهِ لَا تَحْصُوهَا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَظَلُومٌ كَفَّارٌ

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ رَبِّ اجْعَلْ هَذَا الْبَلَدَ ءَامِنًا وَاجْنُبْنِي وَبَنِيَّ أَنْ نَعْبُدَ الْأَصْنَامَ

رَبِّ إِنَّهُنَّ أَضْلَلْنَ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ ۗ فَمَنْ تَبِعَنِي فَإِنَّهُ مِنِّي ۗ وَمَنْ عَصَانِي فَإِنَّكَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

رَبَّنَا إِنِّي أَسْكَنْتُ مِنْ ذُرِّيَّتِي بُوَادٍ غَيْرِ ذِي زَرْعٍ عِنْدَ بَيْتِكَ الْمُحَرَّمِ رَبَّنَا لِيُقِيمُوا الصَّلَاةَ فَاجْعَلْ أَفْعِدَةً مِّنَ النَّاسِ تَهْوِي إِلَيْهِمْ وَارْزُقْهُمْ مِّنَ الثَّمَرَاتِ لَعَلَّهُمْ يَشْكُرُونَ

رَبَّنَا إِنَّكَ تَعْلَمُ مَا نُخْفِي وَمَا نُعْلِنُ وَمَا يَخْفَىٰ عَلَى اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ ۚ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ الدُّعَاءِ

رَبِّ اجْعَلْنِي مُقِيمَ الصَّلَاةِ وَمِنْ ذُرِّيَّتِي ۚ رَبَّنَا وَتَقَبَّلْ دُعَاءِ

رَبَّنَا اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِلْمُؤْمِنِينَ يَوْمَ يَقُومُ الْحِسَابُ

وَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ غَافِلًا عَمَّا يَعْمَلُ الظَّالِمُونَ إِنَّمَا يُؤَخِّرُهُمْ لِيَوْمٍ تَشْخَصُ فِيهِ الْأَبْصَارُ

و از انواع نعمتهایی که از او درخواست کردید به شما عطا فرمود، و اگر نعمتهای (بی انتهای) خدا را بخواهید به شماره آورید هرگز حساب آن نتوانید کرد، (با این همه لطف و رحمت خدا) باز انسان سخت ستمگر و کفر کیش و ناسپاس است.

و (یادآر) وقتی که ابراهیم عرض کرد: پروردگارا، این شهر (مکه) را مکان امن و امان قرار ده و من و فرزندانم را از پرستش بتان دور دار.

پروردگارا، این بتان (و بت‌ترانشان) بسیاری از مردم را گمراه کردند، پس هر کس (در راه توحید و خداپرستی) پیرو من است او از من است و هر که مخالفت من کند (و راه شرک و عصیان پویید اختیارش با توست که) تو خدای بسیار بخشنده و مهربانی.

پروردگارا، من برخی از ذریّه و فرزندان خود را به وادی بی‌کشت و زرعى نزد بیت‌الحرام تو مسکن دادم، پروردگارا، تا نماز را به پا دارند، پس تو دلهایی از مردمان را به سوی آنها مایل گردان و به انواع ثمرات آنها را روزی ده، باشد که شکر تو به جای آرند.

پروردگارا، تو به هر چه ما پنهان و آشکار کنیم بر همه آگاهی (که تو خدایی) و بر خدا البته هیچ چیز در زمین و آسمان پنهان نیست.

ستایش خدای را که به من در زمان پیری دو فرزندم اسماعیل و اسحاق را عطا فرمود (و درخواست مرا اجابت کرد) که پروردگار من البته دعای بندگان را شنواست.

پروردگارا، مرا و از ذریّه‌ام نیز کسانی را نمازگزار گردان، و بار الها دعای مرا بپذیر.

بار الها، روزی که (میزان عدل و) حساب به پا می‌شود (تو در آن روز سخت) بر من و والدین من و همه مؤمنان (از کرم) ببخشا.

و (ای رسول ما) هرگز مپندار که خدا از کردار ستمکاران غافل است، بلکه (کیفر) ظالمان را به تأخیر می‌افکند تا آن روزی که چشمها (یشان) در آن روز خیره و حیران است.

مُهْطِعِينَ مُقْنِعِي رُءُوسِهِمْ لَا يَرْتَدُّ إِلَيْهِمْ طَرْفُهُمْ وَأَفْئِدَتُهُمْ هَوَاءٌ

(در آن روز سخت آن ستمکاران) همه شتابان و هراسان سر به بالا کرده و چشمها واله مانده و دلهاشان به دهشت و اضطراب است.

و (ای رسول ما) مردم را از روزی که هنگام عذاب (و کیفر اعمالشان) فرا می‌رسد بترسان (و آگاهشان ساز) که ستمکاران خلق (چون سختی عذاب را بنگرند از حسرت و پشیمانی) خواهند گفت: پروردگارا (عذاب) ما را اندک مدتی به تأخیر افکن تا دعوت تو را اجابت کنیم و پیرو رسولان (تو) شویم (و از هر کار بد بازگردیم. به آنها پاسخ آید که) آیا شما بارها پیش از این سوگند یاد نمی‌کردید که ما را ابدًا زوال و هلاکی نخواهد بود؟

و شما (ستمکاران بودید که) در منازل ستمگران پیش از خود مسکن گزیدید و مشاهده کردید که عاقبت ما چه بر سر آنها آوردیم و بر شما سرگذشت آنها را مثل آوردیم (تا مگر عبرت گیرید و از کار زشت و ستمگری دست کشید، ولی هرگز پند نگرفته و بیدار نشدید).

و آن ستمکاران بزرگترین مکر و مهمترین سیاست خویش را به کار بردند ولی مکر آنها پیش (قدرت و تقدیر) خدا (هیچ) است هر چند مکر (و سیاست) آنها به پایه‌ای باشد که کوهها بدان از جای کنده شوند.

پس هرگز مپندار که خدا وعده خود با رسولانش را خلاف کند که البته خدا مقتدر و انتقام کشنده است.

روزی که زمین (به امر خدا) به غیر این زمین مبدل شود و هم آسمانها دگرگون شوند و تمام خلق در پیشگاه (حکم) خدای یکتای قادر قاهر حاضر شوند.

و (در آن روز) بدکاران را زیر زنجیر (قهر خدا) مشاهده خواهی کرد.

(و بینی که) پیراهنهای از مس گداخته آتشین بر تن دارند و در شعله آتش چهره آنها پنهان است.

(این گونه عذاب برای آن است) تا خدا هر شخص را به کیفر کردارش برساند، که خدا در یک لحظه به حساب خلق خواهد رسید.

این (قرآن عظیم) حجت بالغ برای جمیع مردم است (تا خلائق از آن پند گرفته) و تا بدان وسیله خداشناس و خداترس شوند و تا عموم بشر خدا را به یگانگی بشناسند و صاحبان عقل، متذکر و هوشیار گردند.

وَأَنْذِرِ النَّاسَ يَوْمَ يَأْتِيهِمُ الْعَذَابُ فَيَقُولُ الَّذِينَ ظَلَمُوا رَبَّنَا أَخْرِنَا إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ نُّحِبُّ دَعْوَتَكَ وَنَتَّبِعُ الرَّسُولَ ۚ أَوْ لَمْ تَكُونُوا أَقْسَمْتُمْ مِّنْ قَبْلِ مَا لَكُم مِّنْ زَوَالٍ

وَسَاكِنْتُمْ فِي مَسَاكِنِ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ وَتَبَيَّنَ لَكُمْ كَيْفَ فَعَلْنَا بِهِمْ وَضَرَبْنَا لَكُمْ الْأَمْثَالَ

وَقَدْ مَكَرُوا مَكَرَهُمْ وَعِنْدَ اللَّهِ مَكَرُهُمْ وَإِن كَانَ مَكْرُهُمْ لِتَزُولَ مِنْهُ الْجِبَالُ

فَلَا تَحْسَبَنَّ اللَّهَ مُخْلِيفَ وَعْدِهِ ۚ رُسُلَهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ ذُو أَنْتِقَامٍ

يَوْمَ تُبَدَّلُ الْأَرْضُ غَيْرَ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتُ ۖ وَبَرَزُوا لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

وَتَرَى الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ مُّقْرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

سَرَابِيلُهُمْ مِّنْ قَطِرَانٍ وَتَغْشَىٰ وُجُوهُهُمُ النَّارُ

لِيَجْزِيَ اللَّهُ كُلَّ نَفْسٍ مَّا كَسَبَتْ ۚ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

هَذَا بَلَاغٌ لِلنَّاسِ وَلِيُنذَرُوا بِهِ ۚ وَلِيَعْلَمُوا أَنَّمَا هُوَ إِلَهٌُ وَاحِدٌ وَلِيَذَّكَّرَ أُولُو الْأَلْبَابِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الرَّ تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ وَقُرْآنٍ مُّبِينٍ

الر (اسرار این حروف نزد خدا و رسول است) این است آیات کتاب خدا و قرآنی که (راه حق و باطل را) روشن و آشکار می‌گرداند.

رُبَّمَا يَوَدُّ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْ كَانُوا مُسْلِمِينَ

کافران (چون چشم حقیقت بین بگشایند) ای بسا آرزو کنند که کاش مسلم و خداپرست بودند.

ذَرَّهُمْ يَأْكُلُوا وَيَتَمَتَّعُوا وَيُلْهِمُهُمُ الْأَمْلُ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

(ای رسول ما) این کافران (لجوج) را واگذار تا به خورد و خواب طبیعت و لذات حیوانی سرگرم باشند و آمال و اوهام دنیوی آنان را غافل گرداند، پس (نتیجه این کامرانی بیهوده را) به زودی خواهند یافت.

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا وَلَهَا كِتَابٌ مَّعْلُومٌ

و ما هیچ ملک و ملتی را هلاک نکردیم جز به هنگامی معین.

مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَخِرُونَ

هیچ قومی از اجل خود (از آنچه در علم حق معین است یک لحظه) پس و پیش نخواهند افتاد.

وَقَالُوا يَا أَيُّهَا الَّذِي نُزِّلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ إِنَّكَ لَمَجْنُونٌ

و کافران گفتند: ای کسی که (مدعی آنی که) قرآن از جانب خدا بر تو نازل شده تو (به عقیده ما) محققا دیوانه‌ای.

لَوْ مَا تَأْتِينَا بِالْمَلَكَةِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

اگر راست می‌گویی (و بر تو فرشتگان خدا نازل می‌شوند) چرا فرشتگان را نزد ما نمی‌آری؟

مَا نُنَزِّلُ الْمَلَكَةَ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَا كَانُوا إِذَا مُنْظَرِينَ

ما فرشتگان را جز به حق (و حکمت و مصلحت) نمی‌فرستیم، و آن گاه که بفرستیم دیگر کافران مهلتی نخواهند یافت.

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَحَافِظُونَ

البته ما قرآن را بر تو نازل کردیم و ما هم آن را محققا محفوظ خواهیم داشت.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي شِعَابِ الْأَوَّلِينَ

و ما پیش از تو هم رسولانی بر امم سالفه فرستادیم.

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و هیچ رسولی بر آن مردم نمی‌آمد جز آنکه به استهزای او می‌پرداختند.

كَذَلِكَ نَسْلُكُهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ

این گونه ما قرآن را (روشن) در دل زشتکاران وارد سازیم،

لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ وَقَدْ خَلَتْ سُنَّةُ الْأَوَّلِينَ

لیکن به آن ایمان نمی‌آورند، و البته عادت امم سابقه هم (مانند امت تو بر همین انکار و استهزا نسبت به رسولان و کتب آسمانی) گذشت.

وَلَوْ فَتَحْنَا عَلَيْهِمْ بَابًا مِنَ السَّمَاءِ فَظَلُّوا فِيهِ يَعْرُجُونَ

و اگر ما بر این کافران امتت دری از آسمان بگشاییم تا دائم بر آسمانها عروج (یا فرشتگان بر آنها نزول) کنند،

لَقَالُوا إِنَّمَا سُكِّرَتْ أَبْصَارُنَا بَلْ نَحْنُ قَوْمٌ مَسْحُورُونَ

باز هم خواهند گفت: چشمان ما را فرو بسته‌اند، بلکه در ما سحر و جادویی به کار برده‌اند.

وَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ

۱۷ وَحَفِظْنَاهَا مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ

۱۸ إِلَّا مَنْ أَسْرَقَ أَلْسَمَع فَأَتْبَعَهُ شِهَابٌ مُبِينٌ

۱۹ وَالْأَرْضَ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَّوْزُونٍ

۲۰ وَجَعَلْنَا لَكُمْ فِيهَا مَعِيشَ وَمَنْ لَسْتُمْ لَهُوَ بِرَازِقِينَ

۲۱ وَإِنْ مِنْ شَيْءٍ إِلَّا عِنْدَنَا خَزَائِنُهُ وَمَا نُنزِّلُهُ إِلَّا بِقَدَرٍ مَّعْلُومٍ

۲۲ وَأَرْسَلْنَا الرِّيحَ لَوَاحٍ فَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَسْقَيْنَاكُمُوهُ وَمَا أَنْتُمْ لَهُوَ بِخَزَنِينَ

۲۳ وَإِنَّا لَنَحْنُ نُحْيِء وَنُمِيتُ وَنَحْنُ الْوَارِثُونَ

۲۴ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَقْدِمِينَ مِنْكُمْ وَلَقَدْ عَلِمْنَا الْمُسْتَشْخِرِينَ

۲۵ وَإِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَحْشُرُهُمْ إِنَّهُوَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ

۲۶ وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ

۲۷ وَالْجَبَّانَ خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ مِنْ نَّارِ السَّمُومِ

۲۸ وَإِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقُ بَشَرًا مِّنْ صَلْصَلٍ مِّنْ حَمَإٍ مَّسْنُونٍ

۲۹ فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُوَ سَاجِدِينَ

۳۰ فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

۳۱ إِلَّا إِبْلِيسَ أَبَى أَنْ يَكُونَ مَعَ السَّاجِدِينَ

و همانا ما در آسمان کاخهای بلند برافراشتیم و بر چشم بینایان عالم آن کاخها را به زیب و زیور بیاراستیم.

و آن را از (دستبرد) هر شیطان مردودی محفوظ داشتیم.

لیکن هر شیطانی برای سرقت سمع (یعنی برای دزدیدن و دریافتن سخن فرشتگان عالم بالا) به آسمان نزدیک شود تیر شهاب و شعله آسمانی او را تعقیب کند.

و زمین را هم ما بگسترديم و در آن کوههای عظیم بر نهادیم و در آن از هر گیاه و هر نبات مناسب و موافق حکمت و عنایت برویانیدیم.

و در این زمین هم لوازم معاش و زندگانی شما را مهیا کردیم و هم بر سایر حیوانات که شما به آنها روزی نمی‌دهید قوت و غذا فراهم ساختیم.

و هیچ چیز در عالم نیست جز آنکه منبع و خزانه آن نزد ماست ولی ما از آن بر عالم خلق الّا به قدر معین (که مصلحت است) فرو نمی‌فرستیم.

و ما بادهای باردار کننده (رحم طبیعت) را فرستادیم، آن‌گاه باران را از آسمان فرود آوردیم تا به آن آب، شما را سیراب گردانیدیم و گر نه شما نمی‌توانستید آبیایی (برای وقت حاجت خود در هر جای زمین از کوه و دره و بیابان و صحرا) منبع ساخته و جاری سازید.

و محققا ماییم که زنده می‌کنیم و می‌میرانیم و وارث (همه خلق که فانی می‌شوند) ما هستیم.

و البته ما به همه گذشتگان و آیندگان شما آگاهی کامل داریم.

و البته خدای تو همه خلائق را در قیامت محشور خواهد کرد، که کار او از روی علم و حکمت است.

و همانا ما انسان را از گل و لای کهنه متغیر بیافریدیم.

و طایفه دیوان را پیشتر از آتش گدازنده، خلق کردیم.

و (یاد آر) آن گاه که پروردگارت به فرشتگان عالم اظهار فرمود که من بشری از ماده گل و لای کهنه متغیر، خلق خواهم کرد.

پس چون آن (عنصر) را معتدل بیارایم و در آن از روح خویش بدمم همه (از جهت حرمت و عظمت آن روح الهی) بر او سجده کنید.

پس همه فرشتگان سجده کردند.

مگر ابلیس که از همراهی با سجده کنندگان امتناع ورزید.

قَالَ يٰٓإِبْلِيسُ مَا لَكَ اَلَّا تَكُوْنَ مَعَ السَّٰجِدِيْنَ

۳۳

قَالَ لَمْ اَكُنْ لِاسْجُدَ لِبَشَرٍ خَلَقْتَهُ وَاِنِ صَلَّيْتَ مِنْ حَمَإٍ مَّسْنُوْنٍ

۳۴

قَالَ فَاخْرُجْ مِنْهَا فَاِنَّكَ رَجِيْمٌ

۳۵

وَإِنَّ عَلَيْكَ اَلْلَعْنَۃَ اِلَى يَوْمِ الدِّيْنِ

۳۶

قَالَ رَبِّ فَاَنْظِرْنِيْ اِلَى يَوْمِ يُبْعَثُوْنَ

۳۷

قَالَ فَاِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِيْنَ

۳۸

اِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُوْمِ

۳۹

قَالَ رَبِّ بِمَا اَعْوَيْتَنِيْ لَأَزِيْنَنَّ لَهُمْ فِى الْاَرْضِ وَلَا اُعْوِيَنَّهُمْ اَجْمَعِيْنَ

۴۰

اِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلِصِيْنَ

۴۱

قَالَ هٰذَا صِرَاطٌ عَلَيَّ مُسْتَقِيْمٌ

۴۲

اِنَّ عِبَادِيْ لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطٰنٌ اِلَّا مَنِ اتَّبَعَكَ مِنْ اَلْعٰوِيْنَ

۴۳

وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمَوْعِدُهُمْ اَجْمَعِيْنَ

۴۴

لَهَا سَبْعَةُ اَبْوَابٍ لِكُلِّ بَابٍ مِّنْهُمْ جُزْءٌ مَّقْسُوْمٌ

۴۵

اِنَّ الْمُتَّقِيْنَ فِى جَنَّٰتٍ وَعُيُوْنٍ

۴۶

اَدْخُلُوْهَا بِسَلٰمٍ ؕ اٰمِيْنَ

۴۷

وَنَزَعْنَا مَا فِى صُدُوْرِهِمْ مِّنْ غَلِيٍّ اِخْوَانًا عَلٰى سُرُرٍ مُّتَقَابِلِيْنَ

۴۸

لَا يَمَسُّهُمْ فِيْهَا نَصَبٌ وَّمَا هُمْ مِنْهَا بِمُخْرَجِيْنَ

۴۹

نَبِيُّ عِبَادِيْ اَتٰى اَنَا الْغَفُوْرُ الرَّحِيْمُ

۵۰

وَأَنَّ عَذَابِيْ هُوَ الْعَذَابُ الْاَلِيْمُ

حزب  
۱۰۶

۵۱

وَنَبِّئُهُمْ عَن ضَيْفِ اِبْرٰهِيْمَ

خدا فرمود که ای شیطان، برای چه تو با ساجدان عالم سر فرود نیاوردی؟

۳۳

شیطان پاسخ داد که من هرگز به بشری که از گل و لای کهنه متغیر خلقت کرده‌ای سجده نخواهم کرد.

۳۴

خدا هم (به او قهر و عتاب) فرمود که از صف ساجدان (و از بهشت مطیعان) خارج شود که تو رانده درگاه ما شدی.

۳۵

و لعنت ما تا روز جزا بر تو محقق و حتمی گردید.

۳۶

شیطان از خدا درخواست کرد که پروردگارا، پس مرا تا روز قیامت که خلق مبعوث می‌شوند مهلت و طول عمر عطا فرما.

۳۷

خدا فرمود: آری تو را مهلت خواهد بود.

۳۸

تا به وقت معین و روز معلوم (شاید مرا تا قیامت یا نفخه صور اول یا ظهور دولت ولی عصر یا ظهور حکومت عقل انسان بر نفس و هوای او باشد).

۳۹

شیطان گفت: خدایا، چنانکه مرا به گمراهی و هلاکت کشاندی من نیز در زمین (هر باطلی را) در نظر فرزندان آدم جلوه می‌دهم (تا از یاد تو غافل شوند) و همه آنها را به گمراهی و هلاکت خواهم کشاند.

۴۰

به جز بندگان پاک و برگزیده تو را.

۴۱

خدا فرمود: همین (اخلاص و پاکی سریرت) راه مستقیم به (درگاه رضای) من است.

۴۲

و هرگز تو را بر بندگان (برگزیده) من تسلط و غلبه نخواهد بود لیکن اقتدار و سلطه تو بر مردم گمراهی است که پیرو تو شوند.

۴۳

و البته وعده‌گاه جمیع آن مردم گمراه نیز آتش دوزخ خواهد بود.

۴۴

که آن دوزخ را هفت در است که هر دری برای ورود دسته‌ای از گمراهان معین گردیده است.

۴۵

البته اهل تقوا در باغها و نه‌های جاری خواهند بود.

۴۶

(به آنها خطاب شود که) شما با درود و سلام و با کمال ایمنی و احترام به بهشت ابد وارد شوید.

۴۷

و ما آیینه دل‌های پاک آنها را از کدورت کینه و حسد و هر خلق ناپسند به کلی پاک و پاکیزه ساختیم و همه برادروار روبروی یکدیگر بر تخت‌های عزت بنشینند.

۴۸

در حالتی که هیچ رنج و زحمت در آنجا به آنها نرسد و هرگز از آن بهشت ابد بیرونشان نکنند.

۴۹

(ای رسول ما) بندگان مرا آگاه ساز که من بسیار آمرزنده و مهربانم.

۵۰

و نیز عذاب من بسیار سخت و دردناک است.

۵۱

و هم بندگانم را از حکایت (فرشتگان) مهمانان ابراهیم آگاه ساز.



إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلِّمًا قَالَ إِنَّا مِنْكُمْ وَجِلُونَ

۵۳

قَالُوا لَا تَوْجَلْ إِنَّا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ عَلِيمٍ

۵۴

قَالَ أَبَشِّرْتُمُونِي عَلَىٰ أَنْ مَسَّنِيَ الْكِبَرُ فِيمَ تَبَشِّرُونَ

۵۵

قَالُوا بَشِّرْنَاكَ بِالْحَقِّ فَلَا تَكُن مِّنَ الْقَانِطِينَ

۵۶

قَالَ وَمَنْ يَقْنَطُ مِن رَّحْمَةِ رَبِّهِ ۖ إِلَّا الضَّالُّونَ

۵۷

قَالَ فَمَا خَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

۵۸

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ

۵۹

إِلَّا عَالِ لُوطٍ إِنَّا لَمُنَجِّوهُمْ أَجْمَعِينَ

۶۰

إِلَّا أَمْرًا تَهُوَ قَدَرْنَا إِنِّهَا لَمِنَ الْغَابِرِينَ

۶۱

فَلَمَّا جَاءَ عَالِ لُوطٍ الْمُرْسَلُونَ

۲۲۲ر

۶۲

قَالَ إِنَّكُمْ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ

۶۳

قَالُوا بَلْ جِئْنَاكَ بِمَا كَانُوا فِيهِ يَمْتَرُونَ

۶۴

وَأَتَيْنَكَ بِالْحَقِّ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

۶۵

فَأَسْرِ بِأَهْلِكَ بِقِطْعٍ مِّنَ اللَّيْلِ وَاتَّبِعْ أَدْبَارَهُمْ وَلَا يَلْتَفِتْ

مِنْكُمْ أَحَدٌ وَأَمْضُوا حَيْثُ تُؤْمَرُونَ

۶۶

وَقَضَيْنَا إِلَيْهِ ذَلِكَ الْأَمْرَ أَنَّ دَابِرَ هَوْلَاءِ مَقْطُوعٌ

مُصْبِحِينَ

۶۷

وَجَاءَ أَهْلَ الْمَدِينَةِ يَسْتَبْشِرُونَ

۶۸

قَالَ إِنَّ هَؤُلَاءِ ضَيْفِي فَلَا تَفْضَحُونِ

۶۹

وَاتَّقُوا اللَّهَ وَلَا تُخْزُونِ

۷۰

قَالُوا أَوَلَمْ نَنْهَكَ عَنِ الْعَالَمِينَ

که چون آن مهمانان بر ابراهیم وارد شدند و بر او سلام دادند ابراهیم (مضطرب شده) گفت: ما از شما (که بدون اذن و بی‌موقع بر ما در آمدید) بیمناکیم.

فرشتگان گفتند: هیچ مترس که ما آمده‌ایم تو را به پسری دانا بشارت دهیم.

ابراهیم گفت: آیا مرا در این سن پیری مژده فرزند می‌دهید؟ نشانه این مژده چیست؟

گفتند: ما تو را به حق و حقیقت بشارت دادیم و تو هرگز نومید باش.

ابراهیم گفت: به جز مردم گمراه چه کسی از لطف خدای خود نومید می‌شود؟

آن گاه ابراهیم پرسش کرد که ای رسولان حق، باز گویند که بر چه کار مبعوث شده‌اید؟

فرشتگان پاسخ دادند که ما بر هلاک قومی زشتکار فرستاده شده‌ایم.

(که آن قوم مجرم لوطند که به جرم عمل بد هلاک شوند) مگر اهل بیت لوط که همه آنها را از بلا نجات خواهیم داد.

جز زن لوط که آن هم (چون با بدان همدست است) چنین مقرر داشتیم که از بازماندگان باشد (و با زشتکاران هلاک شود).

و چون فرشتگان بر لوط و خانواده او وارد شدند.

لوط با فرشتگان گفت: شما اشخاصی نا آشناید!

فرشتگان پاسخ دادند که ما بر انجام چیزی (یعنی وعده عذاب) که قومت در آن به شک و انکار بودند فرستاده شدیم.

و به حق و راستی به سوی تو آمده‌ایم و آنچه گوییم صدق محض است.

پس تو ای لوط، خانوادهات را در پاسی از شب از این دیار بیرون بر و خود از پی آنان روانه شو و هیچ یک از شما باز پس ننگرد بلکه بدان سو که مأمورید به سرعت روان شوید.

و بر او این فرمان را وحی کردیم که قومت تا آخرین افراد، صبحگاه هلاک می‌شوند.

و (در آن شب که فرشتگان به شکل جوانهای زیبا به خانه لوط در آمدند) قوم لوط آگاه شده خوشحال (به خیال کامرانی به خانه او) آمدند.

لوط به قوم خود گفت: این جوانان در منزل من مهمانند، مرا شرمسار مکنید.

و از خدا بترسید و مرا خجل مگردانید.

قوم گفتند: مگر ما تو را از (میزبانی و حمایت) عالمان منع نکردیم؟

قَالَ هَؤُلَاءِ بَنَاتِي إِنْ كُنْتُمْ فَعَلِينَ

۷۲

لَعَمْرُكَ إِنَّهُمْ لَفِي سَكْرَتِهِمْ يَعْمَهُونَ

۷۳

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ مُشْرِقِينَ

۷۴

فَجَعَلْنَا عَلَيْهَا سَافِلَهَا وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّنْ سِجِّيلٍ

۷۵

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّلْمُتَوَسِّمِينَ

۷۶

وَإِنَّهَا لِبِسْبِيلٍ مُّقِيمٍ

۷۷

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

۷۸

وَإِنْ كَانَ أَصْحَابُ الْأَيْكَةِ لظَالِمِينَ

۷۹

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ وَإِنَّهُمَا لَبِإِمَامٍ مُّبِينٍ

۸۰

۲۲۳ر

وَلَقَدْ كَذَّبَ أَصْحَابُ الْحِجْرِ الْمُرْسَلِينَ

۸۱

وَعَاتَيْنَاهُمْ آيَاتِنَا فَكَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

۸۲

وَكَانُوا يَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا ءَامِنِينَ

۸۳

فَأَخَذْتَهُمُ الصَّيْحَةَ مُصْبِحِينَ

۸۴

فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

۸۵

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَإِنَّ السَّاعَةَ لَآتِيَةٌ فَاصْفَحِ الصَّفْحَ الْجَمِيلَ

۸۶

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ

۸۷

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَاكَ سَبْعًا مِّنَ الْمَثَانِي وَالْقُرْءَانَ الْعَظِيمَ

۸۸

لَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِنْهُمْ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَأخْفِضْ جَنَاحَكَ لِّلْمُؤْمِنِينَ

۸۹

وَقُلْ إِنِّي أَنَا النَّذِيرُ الْمُبِينُ

۹۰

كَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى الْمُقْتَسِمِينَ

لوط به قوم خود گفت: من این دخترانم را به نکاح شما می‌دهم تا اگر خیال عملی دارید انجام دهید.

(ای محمد) به جان تو قسم که این مردم دنیا همیشه مست شهوات نفسانی و به حیرت و غفلت و گمراهی خواهند بود.

باری، قوم لوط هنگام طلوع آفتاب به صیحه آسمانی همه هلاک شدند.

و شهر و دیار آنها را زیر و زبر ساخته و آن قوم را سنگباران عذاب کردیم.

و در این عذاب هوشمندان را عبرت و بصیرت بسیار است.

و این ویرانه اکنون بر سر راهی است بر قرار.

همانا در این عقوبت بدکاران عالم، اهل ایمان را آیت و عبرتی است.

و اهل شهر ایکه (قوم شعیب) هم بسیار مردم ستمکاری بودند.

آنها را نیز به کیفر رسانیدیم، و این هر دو شهر (یعنی شهر سدوم و ایکه یا مدین که دیار قوم لوط و شعیب بود، برای اهل اعتبار) بر رهگذری آشکار قرار دارند.

و اصحاب حجر (قوم صالح) هم رسولان را به کلی تکذیب کردند.

و از آیاتی که ما بر آنان فرستادیم رو گردانیدند.

و در کوهها منزل می‌ساختند تا از خطر ایمن باشند.

پس صبحگاهی صیحه عذاب (قهر ما) همه آنها را نابود کرد.

و به فراز کوه با همه ذخائر و ثروت از هلاک ایمن نگردیدند.

و ما آسمانها و زمین و هر چه را که در بین آنهاست جز به حق (و برای مقصودی صحیح و حکمتی بزرگ) خلق نکرده‌ایم، و البته ساعت قیامت (که غرض و مقصود اصلی خلقت شماسست) خواهد آمد، اکنون تو (ای رسول ما، از این منکران) نیکو در گذر (یعنی با خلق خوش آنها را به حق دعوت کن و اگر نپذیرند دلتنگ مباش).

محققا پروردگار تو آفریننده دانایی است (که بی‌مقصود خلق را نیافریده، البته هر کسی به نتیجه عملش خواهد رسید).

(ای محمد) همانا هفت آیت با ثنا (و دعا که قسمت بین خدا و عبد شده و در هر نماز دو بار خوانده می‌شود، یعنی سوره حمد) و این قرآن با عظمت را بر تو فرستادیم.

توبه این ناقابل متاع دنیوی که به طایفه‌ای از مردم کافر دادیم البته چشم مدوز و بر اینان اندوه مخور و اهل ایمان را زیر پر و بال خود گیر (و با کمال حسن خلق بی‌پروان).

و بگو: من همان رسولم که برای اندرز و ترسانیدن (خلق از عذاب قهر خدا) با دلیلی روشن آمده‌ام.

آن گونه عذابی که بر کسانی که آیات خدا را قسمت کردند (یعنی یهود و نصاری) نازل نمودیم.

الَّذِينَ جَعَلُوا الْقُرْءَانَ عِضِينَ

۹۲

فَوَرَبِّكَ لَنَسْأَلَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

۹۳

عَمَّا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۹۴

فَأَصْدَعْ بِمَا تُؤْمَرُ وَأَعْرِضْ عَنِ الْمُشْرِكِينَ

۹۵

إِنَّا كَفَيْنَاكَ الْمُسْتَهْزِئِينَ

۹۶

الَّذِينَ يَجْعَلُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

۹۷

وَلَقَدْ نَعْلَمُ أَنَّكَ يَضِيقُ صَدْرَكَ بِمَا يَقُولُونَ

۹۸

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَكُن مِّنَ السَّاجِدِينَ

۹۹

وَأَعْبُدْ رَبَّكَ حَتَّىٰ يَأْتِيَكَ الْيَقِينُ

صفحه ۱۵

آیه ۱۲۸

مکی

التَّحْلُ: زنبور عسل

۱۶. نحل

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَتَىٰ أَمْرُ اللَّهِ فَلَا تَسْتَعْجِلُوهُ سُبْحَانَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

يُشْرِكُونَ

۲

يُنزِلُ الْمَلَكَةَ بِالرُّوحِ مِنْ أَمْرِهِ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ مِنْ

عِبَادِهِ أَنْ أَنْذِرُوا أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاتَّقُونِ

۳

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ تَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

۴

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ مُّبِينٌ

۵

وَاللَّائِمَةَ خَلَقَهَا لَكُمْ فِيهَا دِفْءٌ وَمَنْفَعٌ وَمِنْهَا

تَأْكُلُونَ

۶

وَلَكُمْ فِيهَا جَمَالٌ حِينَ تُرِيحُونَ وَحِينَ تَسْرَحُونَ

آنان که قرآن را (به میل خود و غرض فاسد خویش) جزء جزء و پاره پاره کردند (بعضی را قبول و بعضی را رد کردند).

قسم به خدای تو که از همه آنها سخت مؤاخذه خواهیم کرد.

از آنچه می‌کرده‌اند.

پس تو آشکارا آنچه مأموری (به خلق) برسان و از مشرکان روی بگردان.

همانا ما تو را از شر استهزا کنندگان محفوظ نمودیم.

آنان که با خدای یکتا خدایی دیگر قرار دهند، پس به زودی خواهند دانست.

و ما محققا می‌دانیم که تو از آنچه امت (در طعنه و تکذیب تو) می‌گویند سخت دلتنگ می‌شوی.

پس به ذکر اوصاف کمال پروردگارت تسبیح گو و از نمازگزاران باش (تا به یاد خدا شاد خاطر شوی).

و دایم به پرستش خدای خود مشغول باش تا یقین (ساعت مرگ و هنگام لقای ما) بر تو فرا رسد.

فرمان خدا (به ظهور قیامت و یا به عذاب شمشیر بر مشرکان) به زودی فرا می‌رسد پس (هان ای کافران، شما به تمسخر و هزل) تقاضای تعجیل آن مکنید، خدای یکتا متعالی و منزّه از شرک مشرکان است.

خدا فرشتگان را با روح به امر خود بر هر یک از بندگان که خواهد می‌فرستد که خلق را (اندرز داده و از عقوبت شرک به خدا) بترسانید (و به بندگان بفهمانید) که خدایی جز من نیست، پس از من بترسید.

خدا آسمانها و زمین را به حق (و برای غرضی محقق و حکمتی بزرگ) آفرید، او از آنچه مشرکان شرک آرند متعالی و منزّه است.

خدا انسان را از آب نطفه‌ای (بی قدر و ضعیف) بیافرید، آنگاه او (اصل خلقت خود را فراموش کرده و با خالق) آشکارا به خصومت می‌خیزد.

و چهارپایان را خلقت کرد که به (موی و پشم) آنها گرم می‌شوید و از آنها فواید بسیار دیگر برده و از (شیر و گوشت) آنها غذای مأكول می‌سازید.

و هنگامی که آنها را شبانگاه از چرا برمی‌گردانید یا صبحگاه به چرا بیرون می‌برید زیب و افتخار شما باشند.

وَتَحْمِلُ أَثْقَالَكُمْ إِلَىٰ بَلَدٍ لَّمْ تَكُونُوا بَلِغِيهِ إِلَّا بِشِقِّ  
الْأَنْفُسِ إِنَّ رَبَّكُمْ لَرَعُوفٌ رَّحِيمٌ

وَالْخَيْلِ وَالْبِغَالِ وَالْحَمِيرِ لَتَرْكَبُوهَا وَزِينَةً وَيَخْلُقُ مَا لَا  
تَعْلَمُونَ

وَعَلَىٰ اللَّهِ قَصْدُ السَّبِيلِ وَمِنْهَا جَائِرٌ وَلَوْ شَاءَ لَهَدَاكُمْ  
أَجْمَعِينَ

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً لَكُمْ مِنْهُ شَرَابٌ وَمِنْهُ  
شَجَرٌ فِيهِ تُسِيمُونَ

يُنْبِتُ لَكُمْ بِهِ الزَّرْعَ وَالزَّيْتُونَ وَالنَّخِيلَ وَالْأَعْنَبَ وَمِنْ  
كُلِّ الثَّمَرَاتِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

وَسَخَّرَ لَكُمْ الَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ وَالسَّجُومَ  
مُسَخَّرَاتٍ بِأَمْرِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

وَمَا ذَرَأَ لَكُمْ فِي الْأَرْضِ مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً  
لِّقَوْمٍ يَذَّكَّرُونَ

وَهُوَ الَّذِي سَخَّرَ الْبَحْرَ لِتَأْكُلُوا مِنْهُ لَحْمًا طَرِيًّا  
وَتَسْتَخْرِجُوا مِنْهُ حِلْيَةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَىٰ الْفُلْكَ مَوَاحِرَ  
فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

و بارهای شما را (به آسانی) از شهری به شهر دیگر برند که  
خود شما (بدون بار) جز با مشقت بسیار بدان جا نتوانید  
رسید (چه رسد با بار)؛ راستی که پروردگار شما رئوف و  
مهربان است.

و اسبان و استران و خران را برای سواری و تجمل شما  
آفرید و چیز دیگری هم که شما هنوز نمی‌دانید (برای  
سواری شما) خواهد آفرید.

و بر خداست بیان راه عدل و راستی، و بعضی راهها جور و  
ناراستی است. و اگر خدا می‌خواست (بدون آزمایش بلکه  
به جبر) شما را همگی به راه هدایت (و جنت) می‌کشید  
(لیکن این خلاف مصلحت و نظام الهی است).

اوست خدایی که آب باران را از آسمان فرو فرستاد که هم  
از آن می‌آشامید و هم درخت و گیاه از آن می‌روید که به  
میوه آن شما، و به برگش حیوانات شما، برخوردار می‌شوید.

و هم زراعتهای شما را از آن آب باران برویاند و درختان  
زیتون و خرما و انگور و از هر گونه میوه بیورود؛ همانا در  
این کار آیت و نشانه‌ای (از رحمت و قدرت الهی) برای اهل  
فکرت پدیدار است.

و هم شب و روز و خورشید و ماه را برای زندگی شما در  
گردون مسخر ساخت، و ستارگان آسمان هم به فرمان او  
مسخرند؛ همانا در این کار آیتها و نشانه‌هایی (از قدرت  
خدا) برای اهل خرد پدیدار است.

و نیز آنچه در زمین برای شما آفرید و به انواع گوناگون و  
اشکال رنگارنگ در آورد (همه را مسخر شما کرد)؛ همانا در  
این کار هم آیت و نشانه‌ای (از الهیت) بر مردم هشیار  
پدیدار است.

و هم او خدایی است که دریا را برای شما مسخر کرد تا از  
گوشت تر و تازه (ماهیان حلال) آن تغذیه کنید و از  
زیورهای آن (مانند در و مرجان) استخراج کرده و تن را  
بیاریبید، و کشتی‌ها را در آن روان بینی که سینه آب را  
می‌شکافند (تا به تجارت و سفر رفته) و تا از فضل خدا  
روزی طلبید، و باشد که شکر خدا به جای آرید.

وَأَلْقَى فِي الْأَرْضِ رَوْسِي أَنْ تَمِيدَ بِكُمْ وَأَنْهَرَ وَسْبَلًا  
لَعَلَّكُمْ تَهْتَدُونَ

وَعَلَّمَتْ وَيَالْتَجِمُ هُمْ يَهْتَدُونَ

أَفَمَنْ يَخْلُقُ كَمَنْ لَا يَخْلُقُ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

وَإِنْ تَعُدُّوا نِعْمَةَ اللَّهِ لَا تُحْصُوهَا إِنَّ اللَّهَ لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ  
يُخْلَقُونَ

أَمْوَاتٌ غَيْرٌ أَحْيَاءٍ وَمَا يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ

إِلَهُكُمْ إِلَهٌُ وَاحِدٌ فَالَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ قُلُوبُهُمْ  
مُنْكَرَةٌ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

لَا جَرَمَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ  
الْمُسْتَكْبِرِينَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

لِيَحْمِلُوا أَوْزَارَهُمْ كَامِلَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَمِنْ أَوْزَارِ الَّذِينَ  
يُضِلُّونَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ أَلَا سَاءَ مَا يَزِرُونَ

قَدْ مَكَرَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَآتَى اللَّهُ بُنْيَانَهُمْ مِنَ الْقَوَاعِدِ  
فَحَرَّ عَلَيْهِمُ السَّقْفُ مِنَ فَوْقِهِمْ وَأَتَتْهُمُ الْعَذَابُ مِنْ  
حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

و نیز کوههای بزرگ را در زمین بنهاد تا زمین شما را به لرزه  
و اضطراب نیفکند و نهرها جاری کرد و راهها پدیدار ساخت  
تا مگر هدایت شوید.

و نشانه‌هایی (در زمین مانند کوهها و دریاها و رودها و  
جنگلها مقرر داشت) و آنان به ستارگان (در شبها) هدایت  
یابند.

آیا آن خدایی که خلق می‌کند مانند آن کس (از فراعنه و  
بتان) است که هیچ چیز در عالم خلق نمی‌کند؟ آیا متذکر و  
هوشیار نمی‌شوید؟

و اگر بخواهید که نعمتهای خدا را شماره کنید هرگز نتوانید،  
که خدا در حق بندگان بسیار آمرزنده و مهربان است.

و خدا هر چه را پنهان و آشکار دارید به همه آگاه است.

و آنچه که مشرکان غیر از خدا (چون بتها و فراعنه) به  
خدایی می‌خوانند چیزی خلق نکنند و خود نیز مخلوقند.

اینها مرده و از حیات بی‌بهره‌اند و هیچ حس و شعور ندارند  
که در چه هنگام مبعوث می‌شوند (و که آنها را برمی‌انگیزد).

خدای شما خدایی یکتاست، و آنان که به عالم آخرت ایمان  
ندارند (اگر هم به زبان گویند) به دل منکر (مبدأ متعال)  
اند و (از اطاعت حکم خدا) تکبر و سرپیچی می‌کنند.

محققا خدا بر کارهای باطن و ظاهر آنها آگاه است (و به کیفر  
اعمالشان می‌رساند) که او هرگز متکبران و گردنکشان را  
دوست نمی‌دارد.

و هرگاه به این مردم (مستکبر) گفته شود که خدایتان چه  
فرستاده؟ گویند: این آیات همه افسانه‌های پیشینیان  
است.

تا آنکه آنان (در نتیجه انکار روز قیامت) بار سنگین گناه  
خود را کاملا با برخی از بار گناه کسانی که از جهل گمراهشان  
کردند به دوش نهند، (عاقلان) آگاه باشند که آن بار وزر و  
گناه بسیار بد عاقبت است.

آن کافرانی که پیش از اینان بودند نیز (مانند اینها) مکرها  
(برای پامال کردن حق) اندیشیدند لیکن خدا بنای آنها را از  
پایه ویران کرد و سقف بر سرشان فرو ریخت و عذاب خدا  
از جایی که نمی‌فهمیدند آنها را فرا رسید.

ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يُخْزِيهِمْ وَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَاءِ الَّذِينَ كُنْتُمْ تُشْتَقُونَ فِيهِمْ قَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ إِنَّ الْخِزْيَ الْيَوْمَ وَالسُّوءَ عَلَى الْكَافِرِينَ

الَّذِينَ تَتَوَفَّوهُمْ الْمَلَكَةُ ظَالِمِي أَنْفُسِهِمْ فَأَلْقَوْا السَّلَامَ مَا كُنَّا نَعْمَلُ مِنْ سُوءٍ بَلَىٰ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

فَادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا فَلَئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ

وَقِيلَ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا مَاذَا أَنْزَلَ رَبُّكُمْ قَالُوا خَيْرًا لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَلَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ وَلَنِعْمَ دَارُ الْمُتَّقِينَ

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ لَهُمْ فِيهَا مَا يَشَاءُونَ كَذَلِكَ يَجْزِي اللَّهُ الْمُتَّقِينَ

الَّذِينَ تَتَوَفَّوهُمْ الْمَلَكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمُ الْمَلَكَةُ أَوْ يَأْتِيَ أَمْرُ رَبِّكَ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا ظَلَمَهُمُ اللَّهُ وَلَكِنْ كَانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

آن گاه روز قیامت هم آنان را خوار و ذلیل خواهد کرد و آن روز خواهد گفت: کجایند شریکان من که برای طرفداری آنها خصومت و جنگ به پا می‌کردید؟ (در آن هنگام) اهل علم و دانش اظهار کنند که امروز ذلت و خواری و عذاب به کافران اختصاص دارد.

آنها که فرشتگان در حالی جانشان را می‌گیرند که (در دنیا) به نفس خود ستم کردند، در آن حال مرگ (اجباراً) سر تسلیم پیش دارند (و گویند) که ما ابداً کار بد نمی‌کردیم؛ چرا، خدا به هر چه می‌کردید آگاه است.

پس (فرشتگان خطاب کنند که) از هر در به دوزخ داخل شوید که در آنجا همیشه معذب خواهید بود. و جایگاه متکبران (که دوزخ است) بسیار بد منزلگاهی است.

و چون به اهل تقوا گفته شود که خدای شما چه آیاتی فرستاد؟ گویند: نیکو آیاتی فرستاد. آنان که نیکوکارند هم در حیات دنیا نیکی و خوشی بینند و هم دار آخرت (آنها را) بهترین منزل است و البته خانه اهل تقوا بسیار مجلل و نیکو خواهد بود.

که باغهای بهشت عدن باشد که در زیر درختانش نهرها جاری است، متقیان در آن داخل شوند در حالی که هر چه بخواهند و میل کنند در آنجا بر ایشان حاضر است. باری این است اجر و جزایی که خدا به اهل تقوا عطا خواهد کرد.

آنان که در حال پاکیزگی (از شرک) فرشتگان قبض روحشان کنند به آنها گویند که شما به موجب اعمال نیکویی که در دنیا به جا آوردید اکنون به بهشت ابدی درآیید.

این کافران منکر جز آنکه فرشتگان (غضب خدا) بر سر آنها بیایند (و ترسان و لرزان شوند) یا (به هلاک آنان) حکم خدا در رسد دیگر چه انتظار می‌برند؟ منکران پیشین هم مانند اینان عمل کردند (که همه هلاک شدند) و خدا اصلاً به آنها ستم نکرد بلکه آنها خود به نفس خویش ستم می‌کردند.

تا آنکه به کیفر اعمال زشت خود رسیدند و آن عذابی که به آن تمسخر می‌کردند آنها را احاطه کرد.

وَقَالَ الَّذِينَ أَشْرَكُوا لَوْ شَاءَ اللَّهُ مَا عَبَدْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ مَحْنٌ وَلَا آبَاؤُنَا وَلَا حَرَمْنَا مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ كَذَلِكَ فَعَلَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَهَلْ عَلَى الرُّسُلِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

وَلَقَدْ بَعَثْنَا فِي كُلِّ أُمَّةٍ رَسُولًا أَنْ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاجْتَنِبُوا الطَّاغُوتَ فَمِنْهُمْ مَنْ هَدَى اللَّهُ وَمِنْهُمْ مَنْ حَقَّتْ عَلَيْهِ الضَّلَالَةُ فَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكذِبِينَ

إِنْ تَحَرَّصَ عَلَى هُدَاهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ يُضِلُّ وَمَا لَهُمْ مِنْ نَاصِرِينَ

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَا يَبْعَثُ اللَّهُ مَنْ يَمُوتُ بَلَى وَعَدَّا عَلَيْهِ حَقًّا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

لِيُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي يُخْتَلِفُونَ فِيهِ وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ كَانُوا كَازِبِينَ

إِنَّمَا قَوْلُنَا لِشَيْءٍ إِذَا أَرَدْنَاهُ أَنْ نَقُولَ لَهُ وَكُنْ فَيَكُونُ

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا لَنُبَوِّئَنَّهُمْ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَلَا جَزَاءَ لِأَخِرَةٍ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَى رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

و مشرکان گویند: اگر خدا می‌خواست هرگز نه ما و نه پدرانمان چیزی جز آن خدای یکتا نمی‌پرستیدیم و بی‌خواست او چیزی را حرام نمی‌کردیم. مشرکان پیش از اینان هم کردار و گفتارشان همین بود (که به در جبر و انکار عمل خویش می‌زدند) پس در این صورت آیا برای رسولان ما جز تبلیغ رسالت (و اتمام حجت) تکلیفی هست؟

و همانا ما در میان هر امتی پیغمبری فرستادیم که خدای یکتا را پرستید و از بتان و فرعونان دوری کنید، پس بعضی مردم را خدا هدایت کرد و بعضی دیگر ضلالت و گمراهی بر آنان حتمی شد، اکنون در روی زمین گردش کنید تا بنگرید عاقبت آنان که (انبیاء را) تکذیب کردند به کجا رسید (و آنها چگونه هلاک ابدی شدند).

(ای رسول ما) تو اگر چه بسیار حریص و مشتاق هدایت خلق هستی و لیکن (بدان که) خدا آنان را که (پس از اتمام حجت) گمراه کرده دیگر هدایت نکند و آنها را یآوری نخواهد بود.

و کافران با مبالغه و تأکید کامل به خدا قسم یاد می‌کنند که هرگز کسی که مرد خدا او را زنده نخواهد کرد (و قیامتی وجود نخواهد داشت) چرا، البته قیامت وعده حتمی خداست و لیکن اکثر مردم از آن آگاه نیستند.

تا (در آن روز محشر) آنچه را که در آن اختلاف می‌کنند آشکار و مبین گرداند و تا کافران کاملا به دروغ و اندیشه غلط خود آگاه شوند.

ما به امر نافذ خود هر چه را اراده کنیم همین که گوییم موجود باش، همان لحظه موجود خواهد شد.

و آنان که در راه خدا مهاجرت کردند پس از آنکه ستمها (در وطن خود از کافران) کشیدند ما در دنیا به آنها جایگاه آسایش و نیکو می‌دهیم در صورتی که اگر بدانند اجری که در آخرت به آنها عطا خواهیم کرد بزرگتر (و بسیار بهتر و نیکوتر) است.

(این اجر بزرگ در دنیا و عقبی به) آن کسانی (عطا می‌شود) که (در راه دین) صبر کردند و بر خدای خود در کارها توکل می‌نمایند.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوْحِيَ إِلَيْهِمْ <sup>ط</sup> فَسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ <sup>ظ</sup> وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ

أَفَأَمِنَ الَّذِينَ مَكَرُوا السَّيِّئَاتِ أَنْ يَخْسِفَ اللَّهُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ مِنْ حَيْثُ لَا يَشْعُرُونَ

أَوْ يَأْخُذَهُمْ فِي تَقْلُبِهِمْ فَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ

أَوْ يَأْخُذَهُمْ عَلَى تَخَوُّفٍ فَإِنَّ رَبَّكُمْ لَرَءُوفٌ رَحِيمٌ

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا خَلَقَ اللَّهُ مِنْ شَيْءٍ يَتَفَيَّؤُا ظِلَالُهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَائِلِ سُجَّدًا لِلَّهِ وَهُمْ دَاخِرُونَ

وَلِلَّهِ يَسْجُدُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ مِنْ دَابَّةٍ وَالْمَلَائِكَةِ وَهُمْ لَا يُسْتَكْبِرُونَ

يَخَافُونَ رَبَّهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ <sup>ل</sup>

وَقَالَ اللَّهُ لَا تَتَّخِذُوا إِلَهَيْنِ اثْنَيْنِ <sup>ط</sup> إِنَّمَا هُوَ إِلَهُ وَاحِدٌ فَإِنِّي فَارْهَبُونَ

وَلَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَهُ الدِّينُ وَاصِبًا أَفَغَيْرَ اللَّهِ تَتَّقُونَ

وَمَا بِكُمْ مِّنْ نِّعْمَةٍ فَمِنَ اللَّهِ <sup>ط</sup> ثُمَّ إِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فَإِلَيْهِ تَجْعَرُونَ

ثُمَّ إِذَا كَشَفَ الضُّرَّ عَنْكُمْ إِذَا فَرِيقٌ مِّنْكُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ

و ما پیش از تو غیر رجال مؤیّد به وحی خود کسی را به رسالت نفرستادیم، پس اگر نمی‌دانید از اهل ذکر (یعنی علما و دانشمندان هر امت) سؤال کنید.

(ما هر رسولی را) با معجزات و کتب و آیات وحی فرستادیم و بر تو این ذکر (یعنی قرآن) را نازل کردیم تا برای مردم آنچه را که به آنان فرستاده شده بیان کنی و برای آنکه عقل و فکرت کار بندند.

آنان که بر کردار زشت خود مکرها می‌اندیشند آیا از این بلا ایمنند که خدا ناگاه همه را به زمین فرو برد یا از جایی که پی نبرند عذابی به آنان رسد؟

یا آنکه در سفر که سرگرم رفت و آمدند ناگاه به مواخذه سخت بگیرد؟ و آنان البته (بر قدرت حق) غالب نتوانند شد.

یا آنکه دایم آنها را به حال ترس بگیرد (خدا که این زشتکاران را به این انواع بلاها گرفتار نکرد بدین جهت است) که پروردگار شما بسیار مشفق و مهربان است.

آیا چشم نگشودند تا ببینند که هر موجودی که خدا آفریده چگونه آثار وجودی و سایه‌های آن به هر جانب از راست و چپ (مستقیم یا غیر مستقیم) روانه می‌شود و همه به سجده خدا با کمال فروتنی مشغولند؟

و هر چه در آسمانها و زمین است از جنبندگان و نیز فرشتگان همه بی‌هیچ تکبر به سجده و عبادت خدا مشغولند.

و از قهر خدا که فوق همه آنهاست می‌ترسند و هر چه مأمورند اطاعت می‌کنند.

و خدای یکتای عالم فرموده که به راه شرک و دو خدایی نروید، که خدا یکی است پس تنها از من بترسید و بس.

و هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست و دین و اطاعت همیشه مخصوص اوست، آیا شما بندگان از کسی غیر از خدای مقتدر می‌ترسید؟

و شما بندگان با آنکه هر نعمت که دارید همه از خداست و چون بلایی به شما رسد به درگاه او پناه جسته و به او (در رفع بلا) استغاثه می‌کنید.

باز وقتی که بلا را از سر شما رفع کرد گروهی از شما به خدای خود شرک می‌آورند.



لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

تا با وجود آن همه نعمت که به آنها دادیم باز به راه کفر و کفران روند. باری (این دو روزه دنیا) به کامرانی بپردازید که به زودی خواهید دانست.

۵۶

وَيَجْعَلُونَ لِمَا لَا يَعْلَمُونَ نَصِيبًا مِّمَّا رَزَقْنَاهُمْ تَاللَّهِ لَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنتُمْ تَفْتَرُونَ

و این مشرکان برای بتان از روی جهل نصیبی از رزقی که ما به آنها دادیم قرار می‌دهند [مثل آنچه در سوره انعام آیه ۱۳۶ آمده]، سوگند به خدای یکتا که البته از این دروغ (و عقاید باطل) بازخواست خواهید شد.

۵۷

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ الْبَنَاتِ سُبْحَانَهُ وَلَهُمْ مَا يَشْتَهُونَ

و این مشرکان، فرشتگان را با آنکه خدا منزّه از فرزند است دختران خدا دانسته و حال آنکه برای خود پسران را که خوشایندشان است قرار می‌دهند.

۵۸

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُم بِالْأُنثَىٰ ظَلَّ وَجْهُهُ مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ

و چون یکی از آنها را به فرزند دختری مژده آید (از شدت غم و حسرت) رخسارش سیاه شده و سخت دل‌تنگ و خشمگین می‌شود.

۵۹

يَتَوَارَىٰ مِنَ الْقَوْمِ مِنْ سُوءِ مَا بُشِّرَ بِهِ أَيُمْسِكُهُ عَلَىٰ هُونٍ أَمْ يَدُسُّهُ فِي التُّرَابِ أَلَا سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

و از عار این مژده روی از قوم خود پنهان می‌دارد (و به فکر می‌افتد) که آیا آن دختر را با ذلت و خواری نگه دارد و یا زنده به خاک گور کند؟ آگاه باشید که آنها بسیار بد حکم می‌کنند.

۶۰

لِلَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ مَثَلُ السَّوِّءِ وَلِلَّهِ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

اوصاف کسانی که (به خدا و) به قیامت ایمان ندارند زشت است (و اعمالشان مانند زنده به گور کردن دختران هم از روی قساوت و جهالت و خودخواهی و بی‌رحمی است) اما خدا (و خداشناسان) را پسندیده و عالیترین اوصاف کمال است و او مقتدر و داناست.

۶۱  
۲۳۱ ر

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِظُلْمِهِم مَّا تَرَكَ عَلَيْهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ لَا يَسْتَشْخِرُونَ سَاعَةً وَلَا يَسْتَقْدِمُونَ

و اگر خدا از ظلم و ستمگریهای خلق انتقام نکشد جنبنده‌ای در زمین نخواهد گذاشت و لیکن او (عذاب) آنها را تأخیر می‌افکند تا وقتی معین (که مقتضای مصلحت و حکمت است) ولی آن گاه که اجل آنها در رسید دیگر یک لحظه پس و پیش نخواهند شد.

۶۲

وَيَجْعَلُونَ لِلَّهِ مَا يَكْرَهُونَ وَتَصِفُ أَلْسِنَتُهُمُ الْكَذِبَ أَنَّ لَهُمُ الْحُسْنَىٰ لَا جَرَمَ أَنَّ لَهُمُ النَّارَ وَأَنَّهُمْ مُّفْرَطُونَ

و این مشرکان آنچه را که بر خود نمی‌پسندند (چون داشتن فرزند دختر) به خدا نسبت می‌دهند و به دروغ می‌گویند که عاقبت نیکو دارند در صورتی که محققا کیفر آنها آتش دوزخ است و زودتر از دیگران هم به دوزخ می‌روند.

۶۳

تَاللَّهِ لَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ أُمَمٍ مِّن قَبْلِكَ فَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَالَهُمْ فَهُوَ وَلِيُّهُمْ الْيَوْمَ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

به خدا سوگند که ما رسولانی پیش از تو بر امم سابقه فرستادیم (تا مگر سعادت یابند) ولی شیطان اعمال (زشت) آنها را در نظرشان زیبا جلوه داد، پس امروز (یعنی روز محشر) شیطان یار آنهاست و به عذاب دردناک گرفتار خواهند بود.

۶۴

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ إِلَّا لِتُبَيِّنَ لَهُمُ الَّذِي اخْتَلَفُوا فِيهِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

و ما این کتاب را بر تو نفرستادیم مگر برای این که حقیقت را در آنچه (از توحید خدا و معاد و رسالت و غیره) مردم اختلاف می‌کنند روشن کنی و برای اهل ایمان هدایت و رحمت باشد.

وَاللَّهُ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا  
إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهِ مِنْ  
بَيْنِ فَرْثٍ وَدَمٍ لَبَنًا خَالِصًا سَائِغًا لِلشَّرِيبِينَ

وَمِنْ ثَمَرَاتِ النَّخِيلِ وَالْأَعْنَابِ تَتَّخِذُونَ مِنْهُ سَكَرًا  
وَرِزْقًا حَسَنًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

وَأَوْحَىٰ رَبُّكَ إِلَى النَّحْلِ أَنْ اتَّخِذِي مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا وَمِنَ  
الشَّجَرِ وَمِمَّا يَعْرِشُونَ

ثُمَّ كُلِي مِنْ كُلِّ الثَّمَرَاتِ فَاسْلُكِي سُبُلَ رَبِّكِ ذُلُلًا يَخْرُجُ مِنْ  
بُطُونِهَا شَرَابٌ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ فِيهِ شِفَاءٌ لِلنَّاسِ إِنَّ فِي  
ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ ثُمَّ يَتَوَفَّاكُمْ وَمِنْكُمْ مَنْ يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْضِ  
الْعُمُرِ لِكَيْ لَا يَعْلَمَ بَعْدَ عِلْمٍ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ قَدِيرٌ

وَاللَّهُ فَضَّلَ بَعْضَكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ فِي الرِّزْقِ فَمَا الَّذِينَ  
فُضِّلُوا بِرَأْدِي رِزْقِهِمْ عَلَىٰ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَهُمْ فِيهِ  
سَوَاءٌ أَفَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِنْ  
أَزْوَاجِكُمْ بَنِينَ وَحَفَدَةً وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ  
أَفِيَالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَتِ اللَّهِ هُمْ يَكْفُرُونَ

و خدا از آسمان باران را فرستاد تا زمین را پس از مرگ  
زنده کرد، البته در این کار آیتی (از قدرت و حکمت الهی)  
بر آنان که بشنوند پدیدار است.

و البته برای شما ملاحظه حال چهار پایان (از شتر و گاو و  
گوسفند) همه عبرت و حکمت است، که ما از آنچه در شکم  
آن است از میان (دو جسم ناپاک) سرگین و خون، شما را  
شیر پاک می‌نوشانیم که در طبع همه نوشندگان گوار است.

و هم از میوه‌های درخت خرما و انگور که از آن نوشابه‌های  
شیرین و رزق حلال نیکو به دست آرید، که در این کار نیز  
آیتی (از قدرت حق) برای خردمندان پدیدار است.

و خدایت به زنبور عسل وحی کرد که از کوهها و درختان و  
سقفهای رفیع، منزل گیر.

و سپس از انواع میوه‌های شیرین (و از حلاوت و شهد گل‌های  
خوشبو) تغذیه کن و راه پروردگارت را به اطاعت بی‌پوی،  
آن‌گاه از درون آن، شربت شیرینی به رنگ‌های مختلف بیرون  
آید که در آن شفاء مردمان است. در این کار نیز آیتی (از  
قدرت خدا) برای متفکران پیداست.

و خدا شما را آفریده و سپس می‌میراند؛ و بعضی از شما را  
به سن انحطاط پیری می‌رساند که هر چه دانسته همه را  
فراموش می‌کند. همانا خداست که همیشه دانا و تواناست.

و خدا رزق بعضی از شما را بر بعضی دیگر فزونی داده، آنان  
که رزقشان افزون شده (زیادی) رزقشان را به زیردستان و  
غلامان نمی‌دهند تا باهم مساوی شوند (لیکن مقام خدایی را  
به بتی یا بشری می‌دهند تا با خدا شریک و مساوی دانند،  
زهی جهل و ناسپاسی!) آیا نعمت ایمان به خدا را (به عصیان  
و شرک) باید انکار کنند؟!

و خدا از جنس خودتان برای شما جفت‌هایی آفرید و از آن  
جفتها پسران و دختران و دامادان و نوادگان بر شما خلق  
فرمود، و از نعمتهای پاکیزه لذیذ روزی داد؛ آیا مردم باز به  
باطل می‌گروند و به نعمت خدا کافر می‌شوند؟!

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَمْلِكُ لَهُمْ رِزْقًا مِّنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْئًا وَلَا يَسْتَطِيعُونَ

فَلَا تَضْرِبُوا لِلَّهِ الْأَمْثَالَ إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا عَبْدًا مَمْلُوكًا لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَمَنْ رَزَقْنَاهُ مِنَّا رِزْقًا حَسَنًا فَهُوَ يُنْفِقُ مِنْهُ سِرًّا وَجَهْرًا هَلْ يَسْتَوُونَ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا أَبْكَمُ لَا يَقْدِرُ عَلَى شَيْءٍ وَهُوَ كَلٌّ عَلَى مَوْلَاهُ أَيْنَمَا يُوَجِّههُ لَا يَأْتِ بِخَيْرٍ هَلْ يَسْتَوِي هُوَ وَمَنْ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَهُوَ عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

وَاللَّهُ أَخْرَجَكُمْ مِنْ بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ لَا تَعْلَمُونَ شَيْئًا وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

أَلَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ مُسَخَّرَاتٍ فِي جَوْ السَّمَاءِ مَا يُمَسِّكُهُنَّ إِلَّا اللَّهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

و بتپرستان خدا را (که نعمتهای بی‌شمار به آنها داده) نمی‌پرستند و به جای او بتهایی را پرستش می‌کنند که از آسمان و زمین مالک چیزی که روزی به مشرکان دهند اصلا نیستند و توانایی (بر هیچ کار) ندارند.

پس برای خدا مثل و مانند شمارید (و به خدای یکتا بگروید) که خدا داناست و شما نادانید.

خدا مثلی زده (بشنوید): آیا بنده مملوکی که قادر بر هیچ چیز (حتی بر نفس خود) نیست با مردی آزاد که ما به او رزقی نیکو (و مال حلال بسیار) عطا کردیم که پنهان و آشکار هر چه خواهد از آن انفاق می‌کند، این دو یکسانند؟ (هرگز یکسان نیستند. مثل بت و خدا و بت‌پرست و خداپرست بدین مثال ماند). ستایش مخصوص خداست و لیکن اکثر مردم آگاه نیستند.

و خدا مثلی زده (بشنوید): دو نفر مرد یکی بنده‌ای باشد گنگ و از هر جهت عاجز و کلّ بر مولای خود که از هیچ راه، خیری به مالک خویش نرساند و دیگری مردی (آزاد و مقتدر) که به عدالت و احسان فرمان دهد و خود هم به راه مستقیم باشد، آیا این دو نفر یکسانند؟ (هرگز یکسان نیستند. مثل کافر و مؤمن بدین مثال ماند).

و تنها خدا بر غیب آسمانها و زمین آگاه است و بس، و کار ساعت قیامت (در سرعت و آسانی) مانند چشم بر هم زدن یا نزدیکتر بیش نیست، که خدا البته بر هر چیز تواناست.

و خدا شما را از بطن مادران بیرون آورد در حالی که هیچ نمی‌دانستید و به شما گوش و چشم و قلب اعطا کرد تا مگر (دانا شوید و) شکر (این نعمتها) به جای آرید.

آیا در مرغان هوا نمی‌نگرند که در جو آسمان مسخرند و به جز خدا کسی نگهبان آنها نیست؟! در این امر برای اهل ایمان نشانه‌هایی (از قدرت حق) پدیدار است.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِّنْ بُيُوتِكُمْ سَكَنًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنْ جُلُودِ الْأَنْعَامِ بُيُوتًا تَسْتَخِفُّونَهَا يَوْمَ ظَعْنِكُمْ وَيَوْمَ إِقَامَتِكُمْ وَمِنْ أَصْوَابِهَا وَأَوْبَارِهَا وَأَشْعَارِهَا أَثْنَا وَمِثْعًا إِلَىٰ حِينٍ

و خدا برای سکونت (دائم) شما منزلهایتان را مقرر داشت و (برای سکونت موقت سفر) از پوست و موی چهارپایان خیمه‌ها را برای شما قرار داد تا وقت حرکت و سکون سبک وزن و قابل انتقال باشد، و از پشم و کرک و موی آنها اثاثیه منزل (مانند گلیم و نمد و قالی) و متاع و اسباب زندگانی (و لباسهای فاخر) برای شما خلق فرمود که تا هنگامی معین از آن استفاده کنید.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ مِمَّا خَلَقَ ظِلَالًا وَجَعَلَ لَكُمْ مِّنَ الْجِبَالِ أَكْنَانًا وَجَعَلَ لَكُمْ سَرَابِيلَ تَقِيكُمُ الْحَرَّ وَسَرَابِيلَ تَقِيكُم بَأْسَكُمْ كَذَلِكَ يُتِمُّ نِعْمَتَهُ عَلَيْكُمْ لَعَلَّكُمْ تُسْلِمُونَ

و خدای عالم برای شما سایبانها از آنچه آفریده (از درختان و سقف و دیوار و کوهها) مهیا ساخت و از غارهای کوه پوشش و اتاقها برایتان قرار داد (تا از سرما و گرما پناهی گیرید) و نیز لباسی که شما را از گرمای آفتاب (و سرمای زمستان) بپوشاند خلق کرد و نیز برای آنکه در جنگ محفوظ مانید لباسی (از آهن) مقرر گردانید. این چنین نعمت‌های خود را بر شما تمام و کامل می‌کند تا مگر (منعم را بشناسید و) مطیع و تسلیم (امر او) باشید.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْكَ الْبَلْغُ الْمُبِينُ

پس اگر باز روی بگردانند (ای رسول ما) بر تو تبلیغ روشن رسالت (و اتمام حجت) بیش نیست.

يَعْرِفُونَ نِعْمَتَ اللَّهِ ثُمَّ يُنْكِرُونَهَا وَأَكْثَرُهُمُ الْكَافِرُونَ

نعمت خدا را دانسته و شناخته باز انکار می‌کنند و اکثر اینان کافرند.

وَيَوْمَ نَبَعَثُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا ثُمَّ لَا يُؤْذَنُ لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

و (به یاد خلق آور) روزی که (در قیامت) ما از هر امتی (رسول و) شاهدهی برانگیزیم آن‌گاه به کافران اجازه سخن و اعتذار داده نشود و نه توبه و انابه و عذری از آنان پذیرند.

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ ظَلَمُوا الْعَذَابَ فَلَا يُخَفِّفُ عَنْهُمْ وَلَا هُمْ يُنظَرُونَ

و روزی که ستمکاران عذاب خدا را به چشم ببینند دیگر هیچ نه تخفیف عذاب و نه مهلت (آسایش) خواهند یافت.

وَإِذَا رَأَى الَّذِينَ أَشْرَكُوا شُرَكَاءَهُمْ قَالُوا رَبَّنَا هَؤُلَاءِ شُرَكَائُنَا الَّذِينَ كُنَّا نَدْعُوا مِنْ دُونِكَ ۗ قَالِقُوا إِلَيْهِمُ الْقَوْلُ إِنَّكُم لَكَاذِبُونَ

و چون مشرکان شریکان خود را مشاهده کنند گویند: بارالها، اینانند که ما به جای تو پرستش می‌کردیم (آنها را که ما را فریب دادند به جای ما مجازات کن)، شریکان جواب دهند که شما البته دروغ می‌گویید (ما هرگز شما را به پرستش خود نخواندیم).

وَالْقَوْلُ إِلَى اللَّهِ يَوْمَئِذٍ السَّلَامُ ۗ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

و در آن روز همه کفار و مشرکین تسلیم فرمان خدا شوند و هر چه غیر از خدا جعل کرده و می‌پرستیدند همه از نظرشان محو و نابود شود.

الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ زِدْنَاهُمْ عَذَابًا فَوْقَ الْعَذَابِ بِمَا كَانُوا يُفْسِدُونَ

آنان که خود کافر شدند و راه خدا را نیز به روی خلق بستند ما آنها را به کیفر افساد و اخلال (در کار خلق) عذابی فوق عذاب (کافران دیگر) بیفزاییم.

وَيَوْمَ نَبْعَثُ فِي كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا عَلَيْهِمْ مِّنْ أَنْفُسِهِمْ وَجِئْنَا بِكَ شَهِيدًا عَلَىٰ هَٰؤُلَاءِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ تِبْيَانًا لِّكُلِّ شَيْءٍ وَهُدًى وَرَحْمَةً وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

و روزی که ما در میان هر امتی از (رسولان) خودشان گواهی بر آنان برانگیزیم و تو را (ای محمد) بر این امت گواه آریم (آن روز سخت را یاد کن و امت را متذکر ساز)، و ما بر تو این کتاب (قرآن عظیم) را فرستادیم تا حقیقت هر چیز را روشن کند و برای مسلمین هدایت و رحمت و بشارت باشد.

إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَايَ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

همانا خدا (خلق را) فرمان به عدل و احسان می‌دهد و به بذل و عطاء، خویشاوندان امر می‌کند و از افعال زشت و منکر و ظلم نهی می‌کند و به شما پند می‌دهد، باشد که موعظه خدا را بپذیرید.

وَأَوْفُوا بِعَهْدِ اللَّهِ إِذَا عَاهَدْتُمْ وَلَا تَنْقُضُوا الْأَيْمَانَ بَعْدَ تَوْكِيدِهَا وَقَدْ جَعَلْتُمُ اللَّهَ عَلَيْكُمْ كَفِيلًا إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ

و چون با خدا (و رسول و بندگان) عهدی بستید بدان عهد وفا کنید و هرگز سوگند و پیمان را که مؤکد و استوار کردید مشکنید، چرا که خدا را بر خود ناظر و گواه گرفته‌اید؛ همانا خدا به هر چه می‌کنید آگاه است.

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِي نَقَضَتْ غَزْلَهَا مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ أَنْكَا تَتَّخِذُونَ أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ أَنْ تَكُونَ أُمَّةٌ هِيَ أَرْبَىٰ مِنْ أُمَّةٍ إِنَّمَا يَبْلُوكُمُ اللَّهُ بِهِ ۗ وَلَيُبَيِّنَنَّ لَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

و (در مثل) مانند زنی که رشته خود را پس از تابیدن محکم وا تایید نباشید، که عهد و قسم‌های استوار و محکم خود را برای فریب یکدیگر و فسادکاری به کار برید برای آنکه قومی بر قوم دیگر تفوق دارند، زیرا خدا شما را به این عهد و قسمها می‌آزماید و در روز قیامت همه (تقلیها و) اختلافات شما را بر شما آشکار خواهد ساخت.

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِن يُضِلُّ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي مَنْ يَشَاءُ ۗ وَلَتُسْأَلُنَّ عَمَّا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و اگر خدا می‌خواست (به مشیت ازلی) همه بشر را یک امت قرار می‌داد (و هیچ‌گونه اختلافات نژاد و زبان و ملیت در بشر نمی‌گذاشت) و لیکن (این اختلافات برای امتحان است و پس از امتحان) هر که را بخواهد به گمراهی وا می‌گذارد و هر که را بخواهد هدایت می‌کند، و البته آنچه می‌کرده‌اید از همه سؤال خواهید شد.

وَلَا تَتَّخِذُوا أَيْمَانَكُمْ دَخَلًا بَيْنَكُمْ فَتَزِلَّ قَدَمٌ بَعْدَ ثُبُوتِهَا وَتَذُوقُوا السُّوَاءَ بِمَا صَدَدْتُمْ عَنِ سَبِيلِ اللَّهِ لَكُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

وَلَا تَشْتَرُوا بِعَهْدِ اللَّهِ ثَمَنًا قَلِيلًا إِنَّمَا عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

مَا عِنْدَكُمْ يَنْفَدُ وَمَا عِنْدَ اللَّهِ بَاقٍ وَلَنَجْزِيَنَّ الَّذِينَ صَبَرُوا أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيٰوةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

فَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطٰنِ الرَّجِيمِ

إِنَّهٗ لَيْسَ لَهُ سُلْطٰنٌ عَلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

إِنَّمَا سُلْطٰنُهُ عَلَى الَّذِينَ يَتَوَلَّوْنَهُ وَالَّذِينَ هُمْ بِهِ مُشْرِكُونَ

وَإِذَا بَدَّلْنَا آيَةً مَّكَانَ آيَةٍ وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُنزِلُ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مُفْتَرٍ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

قُلْ نَزَّلَهُ رُوحُ الْقُدُسِ مِن رَّبِّكَ بِالْحَقِّ لِيُثَبِّتَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَهُدًى وَبُشْرَىٰ لِلْمُسْلِمِينَ

و عهد و سوگندهای خود را برای فریب یکدیگر به کار مبرید تا آن که ثابت قدم است نیز (به فریب و سوگند دروغ) بلغزد و از این که راه خدا را (بر خلق) بستید همه به سختی مبتلا شوید و به عذابی بزرگ گرفتار گردید.

و عهد خدا را به بهایی اندک معامله نکنید؛ که آنچه (از نعمت ابد) نزد خداست اگر بفهمید بسیار شما را بهتر است (از آن منفعتی که به نقض عهد بیابید).

آنچه نزد شماست همه نابود خواهد شد و آنچه نزد خداست (از ذخائر اعمال نیک و ثواب آخرت، تا ابد) باقی خواهد بود و البته اجری که به صابران بدهیم اجری است بسیار بهتر از عملی که به جا می‌آوردند.

هر کس از مرد و زن کار نیکی به شرط ایمان به خدا به جای آرد ما او را به زندگانی خوش و با سعادت زنده ابد می‌گردانیم و اجری بسیار بهتر از عمل نیکی که می‌کردند به آنان عطا می‌کنیم.

(ای رسول ما) چون خواهی تلاوت قرآن کنی اول از شر وسوسه شیطان مردود به خدا پناه بر.

که البته شیطان را هرگز بر کسانی که به خدا ایمان آورده و بر پروردگارشان توکل و اعتماد می‌کنند تسلط نخواهد بود.

تنها تسلط شیطان بر آن نفوسی است که او را دوست گرفته‌اند و کسانی که (به اغوای او) به خدا شرک می‌آورند.

و ما هرگاه آیتی را (از راه مصلحت) نسخ کرده و به جای آن آیتی دیگر آوریم—در صورتی که خدا بهتر داند تا چه چیز (به صلاح خلق) نازل کند— (کافران اعتراض بر نسخ آیه کرده و) می‌گویند تو (بر خدا) همیشه افترا می‌بندی. (چنین نیست) بلکه اکثر اینها نمی‌دانند (که این نزول آسمانی است).

بگو که این آیات را روح القدس از جانب پروردگارت به حقیقت و راستی نازل کرده تا اهل ایمان را ثابت قدم گرداند و برای مسلمین هدایت و بشارت باشد.

وَلَقَدْ نَعَلْمُ أَنَّهُمْ يَقُولُونَ إِنَّمَا يُعَلِّمُهُ بَشَرٌ لِّسَانُ الَّذِي  
يُذَكِّرُونَ إِلَيْهِ أَعْجَمِيٌّ وَهَذَا لِسَانٌ عَرَبِيٌّ مُبِينٌ

و ما کاملا آگاهیم که کافران (معاند) می‌گویند: آن کس که مطالب این قرآن را به رسول می‌آموزد بشری است، (مقصودشان بلعام ترسا یا عیش یا یعیش یا غلام رومی یا سلمان فارسی بود) در صورتی که زبان آن کس که این قرآن را به او نسبت می‌دهند اعجمی (غیر فصیح) است و این قرآن به زبان عربی فصیح و روشن است.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ لَا يَهْدِيهِمُ اللَّهُ وَلَهُمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ

البته آنان که به آیات خدا ایمان نمی‌آورند (پس از اتمام حجت کامل) خدا هرگز هدایتشان نخواهد کرد و آنها را عذابی دردناک خواهد رسید.

إِنَّمَا يَفْتَرِي الْكَذِبَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ  
وَأُولَئِكَ هُمُ الْكَاذِبُونَ

دروغ را آن کسانی به خدا می‌بندند که ایمان به آیات خدا ندارند و این کافران البته خود مردمی دروغگویند.

مَنْ كَفَرَ بِاللَّهِ مِنْ بَعْدِ إِيمَانِهِ إِلَّا مَنْ أُكْرِهَ وَقَلْبُهُ  
مُطْمَئِنٌّ بِالْإِيمَانِ وَلَكِنْ مَنْ شَرَحَ بِالْكُفْرِ صَدْرًا  
فَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ مِنَ اللَّهِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

هر کس بعد از آنکه به خدا ایمان آورده باز کافر شد-نه آنکه به زبان از روی اجبار کافر شود و دلش در ایمان ثابت باشد (مانند عمار یاسر) بلکه به اختیار کافر شد و با رضا و رغبت و هوای نفس، دلش آکنده به ظلمت کفر گشت-بر آنها خشم و غضب خدا و عذاب بزرگ دوزخ خواهد بود.

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ اسْتَحَبُّوا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا عَلَى الْآخِرَةِ وَأَنَّ اللَّهَ  
لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْكَافِرِينَ

این غضب و عذاب بر آنها بدین سبب است که حیات (فانی) دنیا را بر (حیات ابدی) آخرت برگزیدند و این که خدا هرگز کافران را هدایت نخواهد کرد.

أُولَئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَسَمِعِهِمْ وَأَبْصَرِهِمْ  
وَأُولَئِكَ هُمُ الْغَافِلُونَ

همین‌ها هستند که خدا بر دلها و گوش و چشمهایشان مهر (قهر) زده است و اینها همان مردمند که (از خدا و قیامت) غافلند.

لَا جَرَمَ أَنَّهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمُ الْخَسِرُونَ

بی‌گمان آنان در عالم آخرت بسیار زیانکارند.

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ هَاجَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا فُتِنُوا ثُمَّ جَاهَدُوا  
وَصَبَرُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

آن‌گاه محققا خدا بر مؤمنانی که از شهر و دیار خود چون به شر و فتنه کفار مبتلا شدند ناگزیر هجرت کردند و در راه دین جهاد و صبر بسیار نمودند، آری خدا از این پس بر آنها بسیار آمرزنده و مهربان خواهد بود.

يَوْمَ تَأْتِي كُلُّ نَفْسٍ تُجَدِلُ عَن نَّفْسِهَا وَتُوَفَّى كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

(یاد کن بر امت) آن روزی که (از شدت ابتلاء و سختی) هر نفسی می‌آید در حالی که (برای رفع عذاب) به جدل و دفاع از خود برمی‌خیزد، و هر کس را به جزاء عمل او کاملاً می‌رسانند و بر آنها ستم نمی‌کنند.

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا قَرْيَةً كَانَتْ ءَامِنَةً مُّطْمَئِنَّةً يَأْتِيهَا رِزْقُهَا رَغَدًا مِّن كُلِّ مَكَانٍ فَكَفَرَتْ بِأَنْعُمِ اللَّهِ فَأَذَقَهَا اللَّهُ لِيَاسَ الْجُوعِ وَالْخَوْفِ بِمَا كَانُوا يَصْنَعُونَ

و خدا بر شما حکایت کرد و مثل آورد مثل شهری را که در آن امنیت کامل حکمفرما بود و اهلش در آسایش و اطمینان زندگی می‌کردند و از هر جانب روزی فراوان به آنها می‌رسید تا آنکه اهل آن شهر نعمتهای خدا را کفران کردند، خدا هم به موجب آن کفران و معصیت طعم گرسنگی و بیمناکی را به آنها چشانید و چون لباس، سراپای وجودشان را پوشاند.

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مِّنْهُمْ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ وَهُمْ ظَالِمُونَ

و رسولی از خود آنها بر آنها آمد ولی او را تکذیب کردند، و عذاب بر آنها فرا رسید در حالی که ستمکار بودند.

فَكُلُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ حَلَالًا طَيِّبًا وَاشْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ إِن كُنْتُمْ إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

پس شما (مؤمنان از حال آنها عبرت بگیرید و) از آنچه خدا روزی حلال و طیب شما قرار داده تناول کنید و شکر نعمت خدا به جای آرید اگر حقیقتاً خدا را می‌پرستید.

إِنَّمَا حَرَّمَ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةَ وَالْدَّمَ وَالْحَمَّ الْخَنِزِيرِ وَمَا أَهْلًا لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ ۖ فَمَنِ اضْطُرَّ غَيْرَ بَاغٍ وَلَا عَادٍ فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

خدا بر شما بندگان تنها مردار و خون و گوشت خوک و آنچه را که به نام غیر خدا ذبح کنند حرام گردانید، و اگر کسی مضطر و ناچار شود بی‌آنکه قصد تجاوز (از اندازه) و تعدی (از حکم خدا) نماید (باز از همین حرامها به قدر ضرورت تناول کند) خدا البته بسیار آمرزنده و مهربان است.

وَلَا تَقُولُوا لِمَا تَصِفُ أَلْسِنَتَكُمُ الْكَذِبَ هَذَا حَلَلٌ وَهَذَا حَرَامٌ لِّتَفْتَرُوا عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ إِنَّ الَّذِينَ يَفْتَرُونَ عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ لَا يُفْلِحُونَ

و شما نباید از پیش خود به دروغ چیزی را حلال و چیزی را حرام گویند و به خدا نسبت دهید تا بر خدا دروغ بندید، که آنان که بر خدا دروغ بندگان هرگز روی رستگاری نخواهند دید.

مَتَّعٌ قَلِيلٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

(آنچه از این طریق به دست آورند) متاعی قلیل است و (در آخرت) عذابی دردناک خواهند داشت.

وَعَلَى الَّذِينَ هَادُوا حَرَّمْنَا مَا قَصَصْنَا عَلَيْكَ مِنْ قَبْلُ وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

و ما همان چیزها که بر تو پیش از این شرح کردیم (از مردار و خون و خنزیر و ذبیحه به نام غیر خدا) بر یهودیان حرام کردیم، و ما بر آنان ستم نکردیم لیکن آنها خود بر نفس خویش ستم می‌کردند (که حلال خدا را حرام کردند).



۱۱۶  
نحل  
۱۱۹  
۱۲۸

ثُمَّ إِنَّ رَبَّكَ لِلَّذِينَ عَمِلُوا السُّوءَ بِجَهْلَةٍ ثُمَّ تَابُوا مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ وَأَصْلَحُوا إِنَّ رَبَّكَ مِنْ بَعْدِهَا لَغَفُورٌ رَحِيمٌ

باز هم خدا بر آنان که از روی جهالت و نادانی عمل زشتی انجام داده و سپس به درگاه او توبه کرده و (فساد آن عمل زشت را) اصلاح کنند، بعد از توبه خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

۱۲۰  
۲۳۹

إِنَّ إِبْرَاهِيمَ كَانَ أُمَّةً قَانِتًا لِلَّهِ حَنِيفًا وَلَمْ يَكُ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

همانا ابراهیم (خلیل) امتی مطیع و فرمانبردار و یکتاپرست بود و هرگز به خدای یکتا شرک نیاورد.

۱۲۱

شَاكِرًا لِأَنْعَمِهِ أَجْتَبَلَهُ وَهَدَانُهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ

همیشه شکرگزار نعمتهای خدا بود که خدا او را (به رسالت) برگزید و به راه مستقیمش هدایت فرمود.

۱۲۲

وَعَاتَيْنَهُ فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ الصَّالِحِينَ

و او را در دنیا نیکویی (و سعادت) عطا کردیم و در آخرت از صالحان و نیکان خواهد بود.

۱۲۳

ثُمَّ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ أَنْ اتَّبِعْ مِلَّةَ إِبْرَاهِيمَ حَنِيفًا وَمَا كَانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

آن گاه بر تو وحی کردیم که (در دعوت به خدایپرستی و توحید و بسط معارف الهی) آیین ابراهیم را تعقیب کن که پاک و یکتا پرست بود و هرگز به خدای یکتا شرک نیاورد.

۱۲۴

إِنَّمَا جُعِلَ السَّبْتُ عَلَى الَّذِينَ اخْتَلَفُوا فِيهِ وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَحْكُمُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

(حکم حرمت) روز شنبه تنها بر یهود که در آن راه اختلاف پیمودند (و حرمتش نگاه نداشتند) مقرر گردید، و خدای تو البته روز قیامت در آنچه (خلق) در آن اختلاف و نزاع برپا می‌کردند حکم خواهد کرد.

۱۲۵

ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَدِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

(ای رسول ما خلق را) به حکمت (و برهان) و موعظه نیکو به راه خدایت دعوت کن و با بهترین طریق با اهل جدل مناظره کن (وظیفه تو بیش از این نیست) که البته خدای تو (عاقبت حال) کسانی را که از راه او گمراه شده و آنان را که هدایت یافته‌اند بهتر می‌داند.

۱۲۶

وَإِنْ عَاقَبْتُمْ فَعَاقِبُوا بِمِثْلِ مَا عُوقِبْتُمْ بِهِ وَلَئِنْ صَبَرْتُمْ لَهُوَ خَيْرٌ لِلصَّابِرِينَ

و اگر به شما مسلمانان کسی عقوبت و ستمی رسانید شما باید به قدر آن در مقابل انتقام کشید (نه بیشتر) و اگر صبوری کنید البته برای صابران بهتر خواهد بود.

۱۲۷

وَاصْبِرْ وَمَا صَبْرُكَ إِلَّا بِاللَّهِ وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُ فِي ضَيْقٍ مِمَّا يَمْكُرُونَ

و تو (ای رسول) صبر و تحمل پیشه کن که صبر تو تنها به (توفیق) خداست، و بر آنها (که ترک کفر و عناد نمی‌کنند) غمگین مشو و از مکر و حيله آنان دلتنگ مباش.

۱۲۸

إِنَّ اللَّهَ مَعَ الَّذِينَ اتَّقَوْا وَالَّذِينَ هُمْ مُحْسِنُونَ

محققا خدا یار و یاور متقیان و نیکوکاران عالم است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُبْحَانَ الَّذِي أَسْرَى بِعَبْدِهِ لَيْلًا مِّنَ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ إِلَى  
الْمَسْجِدِ الْأَقْصَا الَّذِي بَرَكْنَا حَوْلَهُ لِنُرِيَهُ مِنْ آيَاتِنَا  
إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

پاک و منزه است خدایی که در (مبارک) شبی بنده خود (محمد) را از مسجد حرام (مکه معظمه) به مسجد اقصایی که پیرامونش را مبارک و پر نعمت ساختیم سیر داد تا آیات و اسرار غیب خود را به او بنماییم که او (خدا) به حقیقت شنا و بیناست.

و به موسی کتاب (تورات) را فرستادیم و آن را وسیله هدایت بنی اسرائیل قرار دادیم (و گفتیم) که غیر من هیچ کس را حافظ و کارساز فرا نگیرید.

(ای) فرزندان کسانی که به کشتی نوحشان بردیم (و از هلاک نجاتشان دادیم، چنانکه) نوح بسیار بنده شکرگزاری بود (شما هم مانند او شاکر باشید تا نجات یابید).

و در کتاب (تورات، یا در لوح محفوظ و کتاب تکوین الهی) خبر دادیم و چنین مقدر کردیم که شما بنی اسرائیل دو بار حتما در زمین فساد و خونریزی می‌کنید و تسلط و سرکشی سخت ظالمانه می‌یابید (یک بار به قتل اشعیا و مخالفت ارمیا، و بار دیگر به قتل زکریا و یحیی).

پس چون وقت انتقام اول فرا رسد بندگان سخت جنگجو و نیرومند خود را (چون بخت النصر) بر شما برانگیزیم تا آنجا که در درون خانه‌های شما نیز جستجو کنند. و این وعده (انتقام خدا) حتمی است.

آن‌گاه شما را به روی آنها برگردانیم و بر آنها غلبه دهیم و به مال و فرزندان مدد بخشیم و عده (جنگجویان) شما را بیشتر (از دشمن) گردانیم.

اگر نیکی و احسان کردید به خود کرده‌اید و اگر بدی و ستم کردید باز به خود کرده‌اید. و آن‌گاه که وقت (انتقام ظلم) دیگر شما (که کشتن یحیی و زکریاست یا عزم قتل عیسی) فرا رسید (باز بندگان قوی و جنگ آور را بر شما مسلط می‌کنیم) تا اثر بیچارگی و خوف و اندوه بر رخسار شما نشانند و به مسجد بیت المقدس (معبد بزرگ شما) مانند بار اول در آیند و به هر چه رسند نابود سازند.

وَعَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ أَلاَّ  
تَتَّخِذُوا مِن دُونِي وَكِيلاً

ذُرِّيَّةَ مَنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ إِنَّهُ كَانَ عَبْدًا شَكُورًا

وَقَضَيْنَا إِلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ فِي الْكِتَابِ لَتُفْسِدُنَّ فِي الْأَرْضِ  
مَرَّتَيْنِ وَلَتَعْلُنَّ عُلُوقًا كَبِيرًا

فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ أُولَاهُمَا بَعَثْنَا عَلَيْكُمْ عِبَادًا لَنَا أُولِي  
بَأْسٍ شَدِيدٍ فَجَاسُوا خِلَالَ الدِّيَارِ وَكَانَ وَعْدًا مَّفْعُولًا

ثُمَّ رَدَدْنَا لَكُمُ الْكَرَّةَ عَلَيْهِمْ وَأَمْدَدْنَاكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَنِينَ  
وَجَعَلْنَاكُمْ أَكْثَرَ نَفِيرًا

إِن أَحْسَنْتُمْ أَحْسَنْتُمْ لِأَنْفُسِكُمْ وَإِنْ أَسَأْتُمْ فَلَهَا فَإِذَا  
جَاءَ وَعْدُ الْآخِرَةِ لِيَسْتَوْأُوا وُجُوهَكُمْ وَلِيَدْخُلُوا الْمَسْجِدَ  
كَمَا دَخَلُوهُ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَلِيُتَبِّرُوا مَا عَلَوْا تَتْبِيرًا

عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يَرْحَمَكُمْ وَإِنْ عُدتُّمْ عُدْنَا وَجَعَلْنَا  
جَهَنَّمَ لِلْكَافِرِينَ حَصِيرًا

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَهْدِي لِلَّتِي هِيَ أَقْوَمُ وَيُبَشِّرُ الْمُؤْمِنِينَ  
الَّذِينَ يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا كَبِيرًا

وَأَنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ أَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

وَيَدْعُ الْإِنْسَانَ بِالشَّرِّ دُعَاءَهُ بِالْخَيْرِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ  
عَجُولًا

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ آيَاتَيْنِ ۗ فَمَحَوْنَا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلْنَا  
آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِّتَبْتَغُوا فَضْلًا مِّن رَّبِّكُمْ وَلِتَعْلَمُوا  
عَدَدَ السِّنِينَ وَالْحِسَابَ ۗ وَكُلُّ شَيْءٍ فَصَلْنَاهُ تَفْصِيلًا

وَكُلُّ إِنْسَانٍ لِّزَمَانِهِ طَبِيعُهُ ۗ فِي عُنُقِهِ ۗ وَنُخْرِجُ لَهُ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ كِتَابًا يَلْقَاهُ مَنشُورًا

أَقْرَأُ كِتَابِكَ كَفَىٰ بِنَفْسِكَ الْيَوْمَ عَلَيْكَ حَسِيبًا

مِّنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ وَمَن ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ  
عَلَيْهَا ۗ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَمَا كُنَّا مُعَذِّبِينَ حَتَّىٰ  
نَبْعَثَ رَسُولًا

وَإِذَا أَرَدْنَا أَن نُّهْلِكَ قَرْيَةً أَمَرْنَا مُتْرَفِيهَا فَفَسَقُوا فِيهَا  
فَحَقَّقْنَا عَلَيْهَا الْقَوْلَ فَدَمَّرْنَاهَا تَدْمِيرًا

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنَ الْقُرُونِ مِن بَعْدِ نُوحٍ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ  
بِدُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

امید است خدا به شما (اگر توبه کرده و صالح شوید) باز  
مهربان گردد و اگر (به عصیان و ستمگری) برگردید ما هم  
(به عقوبت و مجازات شما) باز می‌گردیم و جهنم را زندان  
کافران قرار داده‌ایم.

همانا این قرآن (خلق را) به راست و استوارترین طریقه  
هدایت می‌کند و اهل ایمان را که نیکوکار باشند به اجر و  
ثواب بزرگ بشارت می‌دهد.

و بر آنان که به عالم آخرت ایمان نمی‌آورند البته عذاب  
دردناک مهیا ساخته‌ایم.

انسان با شوق و رغبتی که خیر و منفعت خود را می‌جوید  
(چه بسا به نادانی) با همان شوق و رغبت شر و زیان خود را  
می‌طلبد، و انسان بسیار بی‌صبر و شتاب‌کار است.

و ما شب و روز را دو آیت و نشانه‌ای (از قدرت خود) قرار  
دادیم آن‌گاه آیت شب (روشنی ماه) را زدودیم و آیت روز  
(خورشید) را تابان ساختیم تا شما در روز (روزی حلال) از  
فضل خدا طلب کنید و تا آنکه شمار سالها و حساب (اوقات)  
را عموماً بدانید و ما (برای پند و صلاح بندگان) هر چیزی را  
مفصل بیان کردیم.

و ما مقدرات و نتیجه اعمال هر انسانی را طوق گردن او  
ساختیم (که ملازم و قرین همیشگی او باشد) و روز قیامت  
کتابی (که نامه اعمال اوست) بر او بیرون آریم در حالی که  
آن نامه چنان باز باشد که همه اوراق آن را یک مرتبه  
ملاحظه کند.

تو خود کتاب اعمالت را بخوان (و بنگر تا در دنیا چه کرده‌ای)  
که تو خود تنها برای رسیدگی به حساب خویش کافی هستی.

هر کس راه هدایت یافت تنها به نفع و سعادت خود یافته، و  
هر که به گمراهی شتافت آن هم به زیان و شقاوت خود  
شتافته، و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد، و ما  
تا رسول نفرستیم (و بر خلق اتمام حجت نکنیم) هرگز کسی  
را عذاب نخواهیم کرد.

و ما چون اهل دیاری را خواهیم به کیفر گناه هلاک سازیم  
پیشوایان و متنعمان آن شهر را امر کنیم (به طاعت، لیکن)  
آنها راه فسق (و تبهکاری و ظلم) در آن دیار پیش گیرند (و  
مردم هم به راه آنها روند) پس آنجا تنبیه و عقاب لزوم  
خواهد یافت، آن گاه همه را هلاک می‌سازیم.

و چه بسیاری از ملل و اقوامی را بعد از نوح هلاک کردیم و  
تنها خدای تو که بر گناهان بندگان آگاه و با خبر است  
کفایت می‌کند (که به مصلحت هر که را خواهد عفو و هر که  
را خواهد عقاب کند).

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعَاجِلَةَ عَجَلْنَا لَهُ فِيهَا مَا نَشَاءُ لِمَنْ نُرِيدُ  
ثُمَّ جَعَلْنَا لَهُ جَهَنَّمَ يَصْلَحُهَا مَذْمُومًا مَدْحُورًا

وَمَنْ أَرَادَ الْآخِرَةَ وَسَعَىٰ لَهَا سَعْيَهَا وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ  
كَانَ سَعْيُهُمْ مَشْكُورًا

كُلَّا نُمِدُّ هَتُوْلًا وَهَتُوْلًا مِّنْ عَطَاءِ رَبِّكَ وَمَا كَانَ عَطَاءُ  
رَبِّكَ مَحْظُورًا

أَنْظُرْ كَيْفَ فَضَّلْنَا بَعْضَهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ وَلِلْآخِرَةِ أَكْبَرُ  
دَرَجَاتٍ وَأَكْبَرُ تَفْضِيلًا

لَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَتَقْعُدَ مَذْمُومًا مَّخْذُومًا

وَقَضَىٰ رَبُّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا إِيَّاهُ وَبِالْوَالِدَيْنِ إِحْسَانًا إِمَّا  
يَبُلُغَنَّ عِنْدَكَ الْكِبَرَ أَحَدُهُمَا أَوْ كِلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا  
أُفٍ وَلَا تَنْهَرْهُمَا وَقُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا

وَأَخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلِيلِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَقُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا  
كَمَا رَبَّيَانِي صَغِيرًا

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا فِي نُفُوسِكُمْ إِنْ تَكُونُوا صَالِحِينَ  
فَإِنَّهُ كَانَ لِلْأَوَّابِينَ غَفُورًا

وَعَاتِ ذَا الْقُرْبَىٰ حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ وَلَا تُبْدِرْ  
تَبْدِيرًا

إِنَّ الْمُبْدِرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيْطَانِ ط وَكَانَ الشَّيْطَانُ لِرَبِّهِ  
كُفُورًا

هر کس متاع عاجل و زودگذر دنیا را طالب است متاع دنیا را به او می‌دهیم (لیکن باز) به هر که خواهیم و هر چه مشیت ازلی ما باشد، سپس (در عالم آخرت به کیفر کردارش) دوزخ را نصیب او کنیم که با نکوهش و مردودی به جهنم درآید.

و هر که طالب حیات آخرت باشد و برای آن به قدر لزوم و طاقت بکوشد البته به شرط ایمان (به خدا) سعی چنین کسانی مقبول و مأجور خواهد بود.

و ما به هر دو فرقه (از دنیا طلبان و آخرت طلبان) به لطف پروردگارت مدد خواهیم داد، که لطف و عطای پروردگار تو از هیچ‌کس دریغ نخواهد شد.

بنگر تا ما چگونه (در دنیا) بعضی مردم را بر بعضی فضیلت و برتری بخشیدیم (تا بدانی که) البته مراتب آخرت بسیار بیش از درجات دنیاست و برتری خلیق بر یکدیگر به مراتب افزون از حد تصور است.

هرگز با خدای یکتا شرک و شریک میاور و گر نه به نکوهش و خذلان ابدی خواهی نشست.

و خدای تو حکم فرموده که جز او را نپرستید و درباره پدر و مادر نیکویی کنید و چنانکه یکی از آنها یا هر دو در نزد تو پیر و سالخورده شوند (که موجب رنج و زحمت تو باشند) زنهار کلمه‌ای که رنجیده خاطر شوند مگو و بر آنها بانگ مزین و آنها را از خود مران و با ایشان به اکرام و احترام سخن‌گو.

و همیشه پر و بال تواضع و تکریم را با کمال مهربانی نزدشان بگستران و بگو: پروردگارا، چنانکه پدر و مادر، مرا از کودکی (به مهربانی) بیورددند تو در حق آنها رحمت و مهربانی فرما.

خدایتان به آنچه در دلهای شماست دانانتر است، اگر همانا در دل اندیشه صلاح دارید خدا هر که را با نیت پاک به درگاه او تضرع و توبه کند البته خواهد بخشید.

و (ای رسول ما) تو خود حقوق خویشاوندان و ارحام خود را ادا کن و نیز فقیران و رهگذران بیچاره را به حق خودشان برسان و هرگز (در کارها) اسراف روا مدار.

که مبدّران و مسرفان برادران شیطانهایند، و شیطان است که سخت کفران (نعمت) پروردگار خود کرد.

وَمَا تُعْرِضَنَّ عَنْهُمْ أَبْتِغَاءَ رَحْمَةٍ مِّن رَّبِّكَ تَرْجُوهَا فَقُلْ لَّهُمْ قَوْلًا مَّيْسُورًا

وَلَا تَجْعَلْ يَدَكَ مَغْلُولَةً إِلَىٰ عُنُقِكَ وَلَا تَبْسُطْهَا كُلَّ الْبَسِطِ فَتَقْعُدَ مَلُومًا مَّحْسُورًا

إِنَّ رَبَّكَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

وَلَا تَقْتُلُوا أَوْلَادَكُمْ خَشْيَةَ إِمْلَاقٍ مَّن نَّزَرْتَهُمْ وَإِيَّاكُمْ إِنَّ قَتْلَهُمْ كَانَ خِطْئًا كَبِيرًا

وَلَا تَقْرَبُوا الرِّزْقَ الَّذِي آتَاهُ وَكَانَ فَرِحَةً وَرِزْقًا سَبِيلًا

وَلَا تَقْتُلُوا النَّفْسَ الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَمَن قُتِلَ مَظْلُومًا فَقَدْ جَعَلْنَا لَوْلِيَيْهِ سُلْطٰنًا فَلَا يُسْرِفُ فِي الْقَتْلِ إِنَّهُ كَانَ مَنْصُورًا

وَلَا تَقْرَبُوا مَالَ الْيَتِيمِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ حَتَّىٰ يَبْلُغَ أَشُدَّهُ وَأَوْفُوا بِالْعَهْدِ إِنَّ الْعَهْدَ كَانَ مَسْئُولًا

وَأَوْفُوا الْكَيْلَ إِذَا كُنْتُمْ وَرِنًا بِالْقِسْطِ الْمُسْتَقِيمِ ذَلِكَ خَيْرٌ وَأَحْسَنُ تَأْوِيلًا

وَلَا تَقْفُ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنَّ السَّمْعَ وَالْبَصَرَ وَالْفُؤَادَ كُلُّ أُولَٰئِكَ كَانَ عَنْهُ مَسْئُولًا

وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا إِنَّكَ لَن تَخْرِقَ الْأَرْضَ وَلَن تَبْلُغَ الْجِبَالَ طُولًا

كُلُّ ذَلِكَ كَانَ سَيِّئُهُ عِندَ رَبِّكَ مَكْرُوهًا

و چنانچه از ارحام و فقیران ذوی الحقوق مذکور چون فعلا نادر هستی ولی در آتیه به لطف خدا میدواری اکنون اعراض کرده و توجه به حقوقشان نتوانی کرد باز گفتار خوش به آنان بگو.

و نه هرگز دست خود (در احسان به خلق) محکم به گردنت بسته‌دار، و نه بسیار باز و گشاده‌دار، که (هر کدام کنی) به نکوهش و درماندگی خواهی نشست.

همانا خدای تو هر که را خواهد روزی وسیع دهد و هر که را خواهد تنگ روزی گرداند، که او به (صلاح کار) بندگان خود کاملا آگاه و بصیر است.

هرگز فرزندان خود را از ترس فقر به قتل مرسانید (زنده به گور مکنید) که ما رازق آنها و شما هستیم، زیرا این قتل فرزندان بسیار گناه بزرگی است.

و هرگز به عمل زنا نزدیک نشوید، که کاری بسیار زشت و راهی بسیار ناپسند است.

و هرگز نفس محترمی که خدا قتلش را حرام کرده مکشید مگر آنکه به حکم حق مستحق قتل شود، و کسی که خونش به مظلومی و ناحق ریخته شود ما به ولی او حکومت و تسلط (بر قاتل) دادیم پس (در مقام انتقام) آن ولی در قتل و خونریزی اسراف نکند که او از جانب ما مؤید و منصور خواهد بود.

و هرگز به مال یتیم نزدیک نشوید مگر آنکه راه خیر و طریق بهتری (به نفع یتیم) منظور دارید، تا آنکه به حد بلوغ و رشد خود برسد، و همه به عهد خود باید وفا کنید که البته (در قیامت) از عهد و پیمان سؤال خواهد شد.

و هر چه را به پیمانہ (یا وزن) می‌سنجید تمام بپیمایید (و کم و گران نفرشید) و (همه چیز را) با ترازوی درست و عادلانه بسنجید، که این کاری بهتر و عاقبتش نیکوتر است.

و (ای انسان) هرگز آنچه را که بدان علم و اطمینان نداری دنبال مکن که چشم و گوش و دل همه مسئولند.

و هرگز در زمین به کبر و ناز مرو و غرور و نخوت مفروش، که به نیرو زمین را نتوانی شکافت و به کوه در سربلندی نخواهی رسید.

که این قبیل کارها و اندیشه‌های بد گناهِش نزد خدا ناپسند است.

ذَٰلِكَ مِمَّا أَوْحَىٰ إِلَيْكَ رَبُّكَ مِنَ الْحِكْمَةِ وَلَا تَجْعَلْ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ فَتُلْقَىٰ فِي جَهَنَّمَ مَلُومًا مَّدْحُورًا

۴۰

أَفَأَصْفَاكُمْ رَبُّكُم بِالْبَنِينَ وَاتَّخَذَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ إِنثًا ۚ إِنَّكُمْ لَتَقُولُونَ قَوْلًا عَظِيمًا

۴۱

۲۴۴ر

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَٰذَا الْقُرْءَانِ لِيَذَّكَّرُوا وَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا نُفُورًا

۴۲

قُلْ لَوْ كَانَ مَعَهُ ءَالِهَةٌ كَمَا يَقُولُونَ إِذَا لَبَّتَغَوْا إِلَىٰ ذِي الْعَرْشِ سَبِيلًا

۴۳

سُبْحٰنَهُۥ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُقُولُونَ ؕ عَلُوًّا كَبِيرًا

۴۴

تُسَبِّحُ لَهُ السَّمَوٰتُ السَّبْعُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ۚ وَإِنْ مِّن شَيْءٍ إِلَّا يُسَبِّحُ بِحَمْدِهِۦ وَلَٰكِن لَّا تَفْقَهُونَ تَسْبِيحَهُمْ ۚ إِنَّهُۥ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

۴۵

وَإِذَا قَرَأْتَ الْقُرْءَانَ جَعَلْنَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ حِجَابًا مَّسْتُورًا

۴۶

وَجَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَن يَفْقَهُوهُ وَفِي ءَاذَانِهِمْ وَقْرًا ۚ وَإِذَا ذَكَرْتَ رَبَّكَ فِي الْقُرْءَانِ وَحْدَهُۥ وَلَوُا۟ عَلَىٰ أَدْبَارِهِمْ نُفُورًا

۴۷

تَحْنُ أَعْلَمَ بِمَا يَسْتَمِعُونَ بِهِ ۚ إِذْ يَسْتَمِعُونَ إِلَيْكَ وَإِذْ هُمْ نَجْوَىٰٓ إِذْ يَقُولُ الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَّسْحُورًا

۴۸

أَنْظُرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَالَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ سَبِيلًا

۴۹

وَقَالُوا ءَأِذَا كُنَّا عِظْمًا وَّرُفَاتًا ؕ أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

اینها پاره‌ای از حکمتهاست که پروردگارت به تو وحی کرد، و هرگز با خدای یکتا کسی را به خدایی می‌پرست و گر نه ملامت زده و مردود به دوزخ درخواهی افتاد.

آیا خدا شما را به فرزندان پسر برگزیده و خود از فرشتگان دخترانی برگرفته است؟! این رأی و گفتار شما (مشرکان، افتراپی عظیم و گناهی) بسیار بزرگ است.

و ما در این قرآن انواع سخنان را نیکو بیان کردیم تا خلق متذکر شوند و از آن پند گیرند و لیکن بدان را به جز نفرت حاصلی نمی‌افزاید.

بگو: اگر با خدای یکتا چنانکه آنها می‌گویند خدایان دیگری بود در این صورت آن خدایان بر خدای عرش (به تنازع) راه می‌گرفتند (و تمناع آنان موجب اختلال نظام عالم می‌شد. پس چون عالم را نظام ثابتی است دلیل است که با خدای یگانه خدایان دیگری نیست).

خدا از آنچه (مشرکان نادان) می‌گویند بسیار برتر و منزهرتر است.

هفت آسمان و زمین و هر که در آنهاست همه به ستایش و تنزیه خدا مشغولند و موجودی نیست در عالم جز آنکه ذکرش تسبیح و ستایش حضرت اوست و لیکن شما تسبیح آنها را فهم نمی‌کنید. همانا او بسیار بردبار و آمرزنده است.

و چون تو قرآن تلاوت کنی ما میان تو و آنها که به قیامت ایمان ندارند حجابی بداریم که آنها از فهم حقایق آن دور و مستور مانند.

و ما بر دل‌های تیره آن کافران پرده‌ای افکندیم که قرآن را فهم نکنند و در گوشه‌هایشان هم سنگینی نهادیم، و چون تو در قرآن خدایت را به وحدانیت و یگانگی یاد کنی آنان روی گردانیده و به پشت گریزان می‌شوند.

ما به خیالات باطلی که وقت شنیدن گفتار تو در دل خود می‌کنند (از خود آنها) آگاه‌تریم و آن‌گاه که به رازگویی می‌پردازند و آن مردم ستمکار گویند که شما جز شخصی مفتون و سحرزده را پیروی نمی‌کنید.

بنگر تا چه نسبتها به تو می‌دهند! پس گمراه شدند و هیچ راه خلاصی نمی‌یابند.

و (کافران به معاد) گفتند: آیا ما چون استخوان پوسیده و غبار پراکنده شویم باز روزی از نو زنده و برانگیخته خواهیم شد؟!

قُلْ كُونُوا حِجَارَةً أَوْ حَدِيدًا

بگو که شما سنگ باشید یا آهن.

۵۱

أَوْ خَلْقًا مِّمَّا يَكْبُرُ فِي صُدُورِكُمْ فَسَيَقُولُونَ مَن يُعِيدُنَا  
قُلِ الَّذِي فَطَرَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ فَسَيُنْغِضُونَ إِلَيْكَ رُءُوسَهُمْ  
وَيَقُولُونَ مَتَى هُوَ قُلْ عَسَىٰ أَن يَكُونَ قَرِيبًا

یا خلقتی (سخت‌تر از سنگ و آهن) از آنچه در دلتان بزرگ  
می‌نماید (باز به امر خدا زنده می‌شوید)، پس خواهند گفت:  
که ما را دوباره زنده می‌کند؟ بگو: همان خدایی که هم اول  
بار شما را آفرید؛ آن‌گاه آنها سر به سوی تو جنبانده گویند:  
پس این وعده کی خواهد بود؟ بگو: شاید که از حوادث  
نزدیک باشد (زیرا مرگ به هر کس نزدیک است و قیامتش  
به مرگ برپا می‌شود).

۵۲

يَوْمَ يَدْعُوكُمْ فَتَسْتَجِيبُونَ بِحَمْدِهِ ۖ وَتَظُنُّونَ إِن لَّبِئْتُمْ إِلَّا  
قَلِيلًا

روزی که خدا شما را بخواند و شما (سر از خاک بیرون کرده  
و) با حمد و ستایش او را اجابت کنید و تصور می‌کنید که جز  
اندک زمانی (در گورها) درنگ نکرده‌اید.

۵۳  
۲۴۵ر

وَقُلْ لِعِبَادِي يَقُولُوا الَّتِي هِيَ أَحْسَنُ ۚ إِنَّ الشَّيْطَانَ يَنْزِعُ  
بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلْإِنْسَانِ عَدُوًّا مُّبِينًا

و بندگانم را بگو که همیشه سخن بهتر را بر زبان آرند، که  
شیطان (بسیار شود به یک کلمه زشت) میان آنان دشمنی و  
فساد برمی‌انگیزد، زیرا دشمنی شیطان با آدمیان واضح و  
آشکار است.

۵۴

رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِكُمْ ۗ إِنَّ يَشَأْ يَرْحَمَكُم ۖ أَوْ إِن يَشَأْ  
يُعَذِّبِكُمْ ۗ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ وَكِيلًا

خدا صلاح حال شما را بهتر می‌داند، اگر بخواهد (و صلاح  
بداند) به شما لطف و مهربانی کند یا اگر بخواهد (و مصلحت  
باشد) مجازات و عذاب فرماید، و ما تو را وکیل و نگهبان  
بندگان نفرستاده‌ایم (بر تو تنها رسالت و اتمام حجت  
است).

۵۵

وَرَبُّكَ أَعْلَمُ بِمَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَلَقَدْ فَضَّلْنَا  
بَعْضَ النَّبِيِّينَ عَلَىٰ بَعْضٍ ۗ وَعَاتَيْنَا دَاوُودَ زُبورًا

و خدای تو به آن که در آسمانها و زمین است داناتر (و به  
قابلیت هر موجودی آگاه‌تر) است، و همانا ما بعضی از انبیاء  
را بر بعضی دیگر برتری دادیم و به داوود زبور را عطا  
کردیم.

۵۶

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّنْ دُونِهِ ۖ فَلَا يَمْلِكُونَ كَشْفَ  
الضَّرِّ عَنْكُمْ وَلَا تَحْوِيلًا

بگو: این بتها را که به جز خدا (مؤثر در حوائج خود)  
می‌پندارید بخوانید تا ببینید که نه دفع ضرری از شما  
توانند کرد و نه تغییر حالی به شما توانند داد.

۵۷

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يَدْعُونَ يَبْتَغُونَ إِلَىٰ رَبِّهِمُ الْوَسِيلَةَ أَيُّهُمْ  
أَقْرَبُ وَيَرْجُونَ رَحْمَتَهُ وَيَخَافُونَ عَذَابَهُ ۚ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ  
كَانَ مَحْدُورًا

آنهايي که (کافران به خدایی) می‌خوانند آنان خود به درگاه  
خدا وسیله تقرب می‌جویند، تا که مقرب‌تر باشد؟ و امیدوار  
به رحمت و ترسان از عذاب اویند، که البته از عذاب  
پروردگارت باید سخت هراسان بود.

۵۸

وَإِن مِّن قَرْيَةٍ إِلَّا نَحْنُ مُهْلِكُوهَا قَبْلَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ أَوْ  
مُعَذِّبُوهَا عَذَابًا شَدِيدًا ۚ كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

و هیچ شهر و دیاری نیست جز آنکه ما پیش از ظهور روز  
قیامت اهل آن شهر را یا هلاک کرده یا به عذاب سخت  
معذب می‌کنیم. این حکم در کتاب (علم ازلی حق) مسطور  
است.

وَمَا مَنَعَنَا أَنْ نُرْسِلَ بِالْآيَاتِ إِلَّا أَنْ كَذَّبَ بِهَا الْأَوَّلُونَ  
وَعَاتَيْنَا ثَمُودَ النَّاقَةَ مُبْصِرَةً فَظَلَمُوا بِهَا وَمَا نُرْسِلُ بِالْآيَاتِ  
إِلَّا تَخْوِيفًا

وَإِذْ قُلْنَا لَكَ إِنَّ رَبَّكَ أَحَاطَ بِالنَّاسِ وَمَا جَعَلْنَا الرَّعْيَا  
الَّتِي أَرَيْنَكَ إِلَّا فِتْنَةً لِلنَّاسِ وَالشَّجَرَةَ الْمَلْعُونَةَ فِي  
الْقُرْآنِ وَنُحُوفُهُمْ فَمَا يَزِيدُهُمْ إِلَّا طُغْيَانًا كَبِيرًا

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ قَالَ  
عَاسُجِدُ لِمَنْ خَلَقْتَ طِينًا

قَالَ أَرَأَيْتَكَ هَذَا الَّذِي كَرَّمْتَ عَلَيَّ لَئِنْ أَخَّرْتَنِ إِلَى يَوْمِ  
الْقِيَامَةِ لَأَحْتَنِكَنَّ ذُرِّيَّتَهُ إِلَّا قَلِيلًا

قَالَ أَذْهَبُ فَمَنْ تَبِعَكَ مِنْهُمْ فَإِنَّ جَهَنَّمَ جَزَاؤُكُمْ جَزَاءً  
مَوْفُورًا

وَأَسْتَفْزِرُ مِنْ أَسْتَطَعْتَ مِنْهُمْ بِصَوْتِكَ وَأَجْلِبُ عَلَيْهِمْ  
بِخَيْلِكَ وَرَجِلِكَ وَشَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ وَعِدَّهُمْ وَمَا  
يَعِدُّهُمْ الشَّيْطَانُ إِلَّا غُرُورًا

إِنَّ عِبَادِي لَيْسَ لَكَ عَلَيْهِمْ سُلْطَانٌ وَكَفَى بِرَبِّكَ وَكِيلًا

رَبُّكُمْ الَّذِي يُزِيحُ لَكُمْ الْفُلْكَ فِي الْبَحْرِ لِتَبْتَغُوا مِنْ  
فَضْلِهِ إِنَّهُ وَكَانَ بِكُمْ رَحِيمًا

و ما را از فرستادن آیات و معجزات (دلخواه آنان) جز  
تکذیب پیشینیان چیزی مانع نبود، و به ثمود (قوم صالح)  
آن ناقه را که آیتنی روشن بود (و همه مشاهده کردند)  
بدادیم، اما درباره آن ظلم کردند (و ناقه را پی نمودند)، و  
ما معجزات و آیات را جز برای آنکه (مردم از خدا) بترسند  
(و هدایت شوند) نمی‌فرستیم.

و (ای رسول ما، به یاد آر) وقتی که به تو گفتیم خدا البته  
به (همه افعال و افکار) مردم محیط است، و ما رویایی را که  
به تو ارائه دادیم و درختی را که به لعن در قرآن یاد شده  
(درخت تژاد بنی امیه و همه ظالمان عالم) قرار ندادیم جز  
برای آزمایش و امتحان مردم. و ما آنها را می‌ترسانیم و  
لیکن آیات بر آنها (از فرط شقاوت) جز طغیان بزرگ چیزی  
نیفزاید.

و (یاد آر) وقتی که فرشتگان را امر به سجده آدم کردیم  
پس همه سجده کردند جز شیطان که گفت: آیا من سجده به  
آدمی که از گل آفریدی فرود آم؟!

گفت: با من بگو آیا این آدم خاکی را بر من فضیلت و برتری  
دادی؟ (ای خدا) اگر اجل مرا تا قیامت به تأخیر افکنی به جز  
قلیلی (چون معصومین و خواص مؤمنین) همه اولاد آدم را  
مهار می‌کنم (و به دار هلاک می‌کشانم).

خدا به شیطان گفت: برو که هر کس از اولاد آدم پیرو تو  
گردد با تو به دوزخ که پاداش کامل شماسست کیفر خواهد  
شد.

(برو) و هر که را توانستی با آواز خود تحریک کن و به  
لغزش افکن، و با جمله لشکر سوار و پیاده‌ات بر آنها بتاز و  
در اموال و اولاد هم با ایشان شریک شو و به آنها وعده  
(های دروغ و فریبنده) بده، و (ای بندگان بدانید که) وعده  
شیطان چیزی جز غرور و فریب نخواهد بود.

همانا تو را بر بندگان (خاص) من تسلط نیست و تنها  
محافظت و نگهداری خدای تو (ای رسول، از شیطان آنها را)  
کافی است.

پروردگار شما همان است که به دریا برای شما کشتی‌ها را  
به حرکت می‌آورد تا از فضل خدا (یعنی روزی) تولید، که او  
درباره شما بسیار مهربان است.



وَإِذَا مَسَّكُمُ الضُّرُّ فِي الْبَحْرِ ضَلَّ مَنْ تَدْعُونَ إِلَّا إِلَٰهًا  
فَلَمَّا نَجَّكُم إِلَى الْبَرِّ أَعْرَضْتُمْ وَكَانَ الْإِنْسَانُ كَفُورًا

أَفَأَمِنْتُمْ أَنْ يُخْسِفَ بِكُمْ جَانِبَ الْبَرِّ أَوْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ  
حَاصِبًا ثُمَّ لَا تَجِدُوا لَكُمْ وَكِيلًا

أَمْ أَمِنْتُمْ أَنْ يُعِيدَكُمْ فِيهِ تَارَةً أُخْرَى فَيُرْسِلَ عَلَيْكُمْ  
قَاصِفًا مِّنَ الرِّيحِ فَيُغْرِقَكُم بِمَا كَفَرْتُمْ ثُمَّ لَا تَجِدُوا  
لَكُمْ عَلَيْنَا بِهِ تَبِيعًا

وَلَقَدْ كَرَّمْنَا بَنِي آدَمَ وَحَمَلْنَاهُمْ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَرَزَقْنَاهُمْ  
مِّنَ الطَّيِّبَاتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَى كَثِيرٍ مِّمَّنْ خَلَقْنَا تَفْضِيلًا

يَوْمَ نَدْعُوا كُلَّ أُنَاسٍ بِإِمْهَمِّمْ فَمَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَبِئْمِينِهِ  
فَأُولَٰئِكَ يَقْرَءُونَ كِتَابَهُمْ وَلَا يُظْلَمُونَ فَتِيلًا

وَمَنْ كَانَ فِي هَذِهِ أَعْمَىٰ فَهُوَ فِي الْآخِرَةِ أَعْمَىٰ وَأَضَلُّ  
سَبِيلًا

وَإِنْ كَادُوا لَيَفْتِنُونَكَ عَنِ الَّذِي أُوحِيَٰنَا إِلَيْكَ لِصَفَرِي  
عَلَيْنَا غَيْرُهُ وَإِذَا لَا تَأْخُذُوكَ حَلِيلًا

وَلَوْلَا أَنْ ثَبَّتْنَاكَ لَقَدْ كِدْتَ تَرْكَنُ إِلَيْهِمْ شَيْئًا قَلِيلًا

إِذَا لَأَذَقْنَاكَ ضِعْفَ الْحَيَاةِ وَضِعْفَ الْمَمَاتِ ثُمَّ لَا تَجِدُ  
لَكَ عَلَيْنَا نَصِيرًا

و چون در دریا به شما خوف و خطری رسد در آن حال به جز خدا همه آنهایی که به خدایی می‌خوانید از یاد شما بروند، و آن‌گاه که خدا شما را به ساحل سلامت رسانید باز از خدا روی می‌گردانید، و انسان بسیار کفر کیش و ناسپاس است.

آیا مگر ایمنید از این که شما را در خشکی زمین فرو برد یا (تندباد غضبش) بر سرتان سنگ بارد، آن‌گاه بر خود پناه و نگهبانی نیابید؟!

یا مگر از آن ایمنید که بار دیگر خدا شما را به اراده خود به دریا برگرداند و تندبادی بفرستد تا همه را به کیفر کفر به دریا غرق سازد؟ آن‌گاه کسی را از (قهر) ما بدان غرقه کردن دادخواه و فریادرس خود نیابید؟!

و محققا ما فرزندان آدم را بسیار گرامی داشتیم و آنها را (بر مرکب) در بر و بحر سوار کردیم و از هر غذای لذیذ و پاکیزه آنها را روزی دادیم و آنها را بر بسیاری از مخلوقات خود برتری و فضیلت کامل بخشیدیم.

(به یاد آر) روزی که ما هر گروهی از مردم را با پیشوایشان (به پیشگاه حقیقت) می‌خوانیم، پس هر کس نامه عملش را به دست راست دهند آنها نامه خود را قرائت کنند و کمترین ستمی به آنها نخواهد شد.

هر کس در این جهان نابینا (ی کفر و جهل و ضلالت) است در عالم آخرت نیز (از مشاهده بهشتیان و شهود و جمال حق) نابینا و گمراه‌تر خواهد بود.

و نزدیک بود که کافران تو را فریب داده و از آنچه به تو وحی کردیم (که به بتان هیچ اعتنا مکن) غافل شوی و چیز دیگر بر ما فرابندی، آن‌گاه یقینا مشرکان تو را دوست خود می‌گرفتند.

و اگر ما تو را ثابت قدم نمی‌گردانیدیم نزدیک بود که به آن مشرکان اندک تمایل و اعتمادی پیدا کنی.

و در آن صورت به تو جزاء این عمل را می‌چشانیدیم و عذاب تو را در حیات دنیا و پس از مرگ مضاعف می‌گردانیدیم و آن‌گاه از (قهر و خشم) ما بر خود هیچ یآوری نمی‌یافتی.

وَإِنْ كَادُوا لَيَسْتَفْرِزُونَكَ مِنَ الْأَرْضِ لِيُخْرِجُوكَ مِنْهَا وَإِذَا لَا يَلْبَثُونَ خِلافَكَ إِلَّا قَلِيلًا

سُنَّةَ مَنْ قَدْ أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنْ رُسُلِنَا وَلَا تَجِدُ لِسُنَّتِنَا تَحْوِيلًا

أَقِمِ الصَّلَاةَ لِذُلُوكِ الشَّمْسِ إِلَى غَسَقِ اللَّيْلِ وَقُرْءَانَ الْفَجْرِ ۗ إِنَّ قُرْءَانَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُودًا

وَمِنَ اللَّيْلِ فَتَهَجَّدْ بِهِ ۗ نَافِلَةً لَكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَحْمُودًا

وَقُلْ رَبِّ أَدْخِلْنِي مُدْخَلَ صِدْقٍ وَأَخْرِجْنِي مُخْرَجَ صِدْقٍ  
وَأَجْعَلْ لِي مِنْ لَدُنْكَ سُلْطٰنًا نَصِيرًا

وَقُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَزَهَقَ الْبَاطِلُ ۗ إِنَّ الْبَاطِلَ كَانَ زَهُوقًا

وَنُنزِّلُ مِنَ الْقُرْءَانِ مَا هُوَ شِفَاءٌ وَرَحْمَةٌ لِّلْمُؤْمِنِينَ وَلَا يَزِيدُ الظَّالِمِينَ إِلَّا خَسَارًا

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَأَىٰ بِجَانِبِهِ ۗ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ كَانَ يَئُوسًا

قُلْ كُلُّ يَعْمَلُ عَلَىٰ شَاكِلَتِهِ ۗ فَرَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَنْ هُوَ أَهْدَىٰ سَبِيلًا

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الرُّوحِ ۗ قُلِ الرُّوحُ مِنْ أَمْرِ رَبِّي وَمَا أُوتِيتُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِلَّا قَلِيلًا

وَلَيْنَ شِئْنَا لَنُدْهَبَنَّ بِالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ ثُمَّ لَا تَجِدُ لَكَ بِهِ عَلَيْنَا وَكِيلًا

و نزدیک بود که کافران تو را از سرزمین خود جنبانده تا از آنجا بیرونت کنند، و در این صورت پس از آن اندک زمانی بیش زیست نمی‌کردند (که به عذاب ما همه هلاک می‌شدند).

ما آیین همه پیامبرانی را که پیش از تو فرستادیم نیز همین (توحید و خدایپرستی و هلاک کافران و نجات اهل ایمان) قرار دادیم، و این طریقه ما را تغییرپذیر نخواهی یافت.

نماز را وقت زوال آفتاب تا اول تاریکی شب به پا دار (یعنی نماز ظهرین را از اول ظهر و نماز عشاءین را از بدو تاریکی شب به پا دار) و نماز صبح را نیز به جای آر که آن نماز به حقیقت مشهود (نظر فرشتگان شب و فرشتگان روز) است.

و بعضی از شب را به خواندن قرآن (در نماز) بیدار و متهدّ باش، که نماز شب خاص توست، باشد که خدایت تو را به مقام محمود (شفاعت کبری) مبعوث گرداند.

و بگو که بارالها مرا (همیشه به هر جا روم به مکه یا مدینه یا عالم قبر و محشر) به قدم صدق داخل و به قدم صدق خارج گردان و به من از جانب خود حجت روشنی که دائم یار و مددکار باشد عطا فرما.

و (به امت) بگو که (دین) حق آمد و باطل نابود شد، که باطل خود لایق محو نابودی ابدی است.

و ما آنچه از قرآن فرستیم شفا (ی دل) و رحمت (الهی) برای اهل ایمان است و ظالمان را به جز زیان (و شقاوت) چیزی نخواهد افزود.

و ما هرگاه به انسان نعمتی عطا کنیم از آن رو بگرداند و دوری جوید، و هرگاه شر و بلایی به او روی آورد به کلی مایوس و ناامید شود.

بگو که هر کس بر حسب ذات و طبیعت خود عملی انجام خواهد داد، و خدای شما به آن که راهیافته‌تر است (از همه کس) آگاهتر است.

و تو را از حقیقت روح می‌پرسند، جواب ده که روح از (عالم) امر خداست (و بی‌واسطه جسمانیات به امر الهی به بدنها تعلق می‌گیرد) و (شما پی به حقیقت آن نمی‌برید زیرا) آنچه از علم به شما دادند بسیار اندک است.

و اگر ما بخواهیم آنچه را که به وحی بر تو آوردیم (از قرآن و علم و آیین) همه را باز می‌بریم و آن‌گاه تو بر (قهر) ما هیچ کارساز و مددکاری در این باره نخواهی یافت.

إِلَّا رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ إِنَّ فَضْلَهُ كَانَ عَلَيْكَ كَبِيرًا

مگر رحمت و لطف پروردگار (از تو مدد کند) که فضل (و رحمت) او بر تو بزرگ و بسیار است.

۸۸

قُل لِّئِنِ اجْتَمَعَتِ الْإِنْسُ وَالْجِنُّ عَلَىٰ أَن يَأْتُوا بِمِثْلِ هَذَا الْقُرْآنِ لَا يَأْتُونَ بِمِثْلِهِ ۚ وَلَوْ كَانَ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ ظَهِيرًا

بگو که اگر جن و انس متفق شوند که مانند این قرآن کتابی بیاورند هرگز نتوانند مثل آن آورند هر چند همه پشتیبان یکدیگر باشند.

۸۹

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِن كُلِّ مَثَلٍ فَأَبَىٰ أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

و همانا ما در این قرآن برای مردم هر گونه مثال آوردیم (تا مگر هدایت شوند) لیکن اکثر مردم به جز از کفر و عناد از هر چیز امتناع کردند.

۹۰

وَقَالُوا لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّىٰ تَفْجُرَ لَنَا مِنَ الْأَرْضِ يَنْبُوعًا

و گفتند: ما هرگز به تو ایمان نخواهیم آورد تا آنکه از زمین برای ما (به اعجاز) چشمه آبی بیرون آری.

۹۱

أَوْ تَكُونَ لَكَ جَنَّةٌ مِّن نَّخِيلٍ وَعِنَبٍ فَتُفَجِّرَ الْأَنْهَارَ خِلَالَهَا تَفْجِيرًا

یا آنکه تو را باغی از خرما و انگور باشد که در میان آن باغ نهرهای آب جاری گردانی.

۹۲

أَوْ تُسْقِطَ السَّمَاءَ كَمَا زَعَمَتَ عَلَيْنَا كَيْسَفًا أَوْ تَأْتِي بِلُحَاهٍ أَوْ تَمَلِكَةِ قَبِيلًا

یا آنکه بنا بر پندار و دعوی خودت پاره‌ای از آسمان را بر سر ما فرود آوری یا آنکه خدا را با فرشتگانش مقابل ما حاضر آری.

۹۳

أَوْ يَكُونَ لَكَ بَيْتٌ مِّن زُرْحٍ أَوْ تَرْقَىٰ فِي السَّمَاءِ وَلَن نُؤْمِنَ لِرُقِيِّكَ حَتَّىٰ تُنَزَّلَ عَلَيْنَا كِتَابًا نَّقْرُؤُهُ ۗ قُل سُبْحَانَ رَبِّي هَلْ كُنْتُ إِلَّا بَشَرًا رَسُولًا

یا آنکه خانه‌ای از زر (و کاخی زرنگار) دارا باشی یا آنکه بر آسمان بالا روی و باز هم هرگز ایمان به آسمان رفتنت نیاوریم تا آنکه بر ما کتابی نازل کنی که آن را قرائت کنیم. بگو: خدای من منزّه است (از آنکه من، او یا فرشتگان او را حاضر سازم) آیا من فرد بشری بیشترم که (از جانب خدا) به رسالت آمده‌ام؟

۹۴

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَن يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ إِلَّا أَن قَالُوا أَبَعَثَ اللَّهُ بَشَرًا رَسُولًا

و مردم را چیزی از (هدایت و) ایمان باز نداشت وقتی که هدایت (قرآن) بر آنان آمد جز این (خیال باطل) که گفتند: آیا خدا بشری را به رسالت فرستاده است؟

۹۵

قُل لَّوْ كَانَ فِي الْأَرْضِ مَلَائِكَةٌ يَّمشُونَ مُطْمَئِنِّينَ لَنزَلْنَا عَلَيْهِم مِّن السَّمَاءِ مَلَكًا رَسُولًا

بگو: اگر فرشتگان را در زمین مسکن و قرارگاه بودی ما هم فرشته‌ای را از آسمان به رسالت بر آنها می‌فرستادیم (که رسول باید از جنس امت باشد و گرنه حجت و معجزش پذیرفته نشود).

۹۶

قُل كَفَىٰ بِاللَّهِ شَهِيدًا بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ إِنَّهُ كَانَ بِعِبَادِهِ خَبِيرًا بَصِيرًا

(ای پیغمبر، پس از اتمام حجت به امت) بگو: خدا شاهد میان من و شما کافی است که او به (احوال) بندگانش آگاه و بصیر است.

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ ۖ وَمَنْ يُضِلِّ فَلَنْ تَجِدَ لَهُمْ  
أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِهِ ۗ وَنَحْشُرُهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ  
عُمِيًّا ۖ وَبُكْمًا ۖ وَصُمًّا ۖ مَّاوَلَهُمْ جَهَنَّمَ ۖ كُلَّمَا حَبَتِ زِدْنَاهُمْ  
سَعِيرًا

ذَٰلِكَ جَزَاءُهُمْ بِأَنَّهُمْ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا وَقَالُوا أَإِذَا كُنَّا  
عِظَمًا وَرُفَاتًا أَءِنَّا لَمَبْعُوثُونَ خَلْقًا جَدِيدًا

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ قَادِرٌ  
عَلَىٰ أَنْ يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ وَجَعَلَ لَهُمْ أَجَلًا لَا رَيْبَ فِيهِ فَأَبَى  
الظَّالِمُونَ إِلَّا كُفُورًا

قُلْ لَوْ أَنْتُمْ تَمْلِكُونَ خَزَائِنَ رَحْمَةِ رَبِّي إِذًا لَأَمْسَكْتُمْ  
خَشِيَةَ الْإِنْفَاقِ وَكَانَ الْإِنْسَانُ قَتُورًا

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَىٰ تِسْعَ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ فَسَّأَلَ بَنِي  
إِسْرَائِيلَ إِذْ جَاءَهُمْ فَقَالَ لَهُ فِرْعَوْنُ إِنِّي لَأَظُنُّكَ يَمُوسَىٰ  
مَسْحُورًا

قَالَ لَقَدْ عَلِمْتُمْ مَا أَنزَلَ هَٰؤُلَاءِ إِلَّا رَبُّ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ بَصَائِرَ وَإِنِّي لَأَظُنُّكَ يَفِرْعَوْنُ مَثْبُورًا

فَأَرَادَ أَنْ يَسْتَفِزَّهُمْ مِنَ الْأَرْضِ فَأَغْرَقْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ  
جَمِيعًا

وَقُلْنَا مِنْ بَعْدِهِ لِبَنِي إِسْرَائِيلَ اسْكُنُوا الْأَرْضَ فَإِذَا جَاءَ  
وَعْدُ الْآخِرَةِ جِئْنَا بِكُمْ لَفِيفًا

و هر که را خدا رهنمایی کند آن کس به حقیقت هدایت یافته و هر که را به گمراهی واگذارد دیگر جز خدا هیچ (رهنما و) دوست و نگهبانی بر آنها نخواهی یافت و چون روز قیامت شود بر روی صورت (بکشانیم و) کور و گنگ و کر محشورشان خواهیم کرد؛ به دوزخ مسکن کنند که هرگه آن دوزخ آتشش خاموش شود باز شدیدتر بر آنها سوزان و فروزانش کنیم.

این است کیفر آن کافران چون به آیات ما کافر شدند و گفتند: آیا پس از آنکه ما استخوانی پوسیده و غباری پراکنده شویم از نو باز برانگیخته می‌شویم؟

آیا ندیدند که آن خدایی که آسمانها و زمین را آفرید قادر است که مانند اینها را باز خلق کند و بر آنها وقت روز موعودی که بی‌شک خواهد آمد مقرر گرداند؟! (آری با این همه آیات و حجت قاطع) باز ستمکاران جز راه کفر و عناد نپیمودند.

بگو که شما اگر دارای گنجهای رحمت (بی‌انتهای) خدای من شوید باز هم از ترس فقر و خوف درویشی، بخل از انفاق خواهید کرد، که انسان طبعاً بسیار ممسک و بخیل است.

و همانا ما به موسی نه آیت روشن و معجز آشکار عطا کردیم، این حکایت را از بنی اسرائیل سؤال کن که موسی بر آنها آمد، پس فرعون به او گفت: ای موسی، من تو را سحرزده (یا ساحر و سحر آموز) می‌پندارم.

موسی به فرعون پاسخ داد که تو خود کاملاً دانسته‌ای که این آیات را برای هدایت و بینایی (خلق) جز خدای آسمانها و زمین نفرستاده و من ای فرعون، تو را شخصی جاهل و لایق هلاک می‌پندارم.

آن‌گاه فرعون اراده آن کرد که موسی و قومش را از زمین (مصر) براندازد، ما هم او و همدستانش را تمام به دریا غرق کردیم.

و بعد از آن بنی اسرائیل را فرمان دادیم که در آن زمین ساکن شوید تا از آن پس که وعده آخرت فرا رسد همه شما را باز جمعا مبعوث گردانیم (و هر کس را به کیفر و پاداش عمل خود برسانیم).

وَبِالْحَقِّ أَنْزَلْنَاهُ وَبِالْحَقِّ نَزَلَ وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا  
وَنَذِيرًا

وَقُرْءَانًا فَرَقْنَاهُ لِتَقْرَأَهُ عَلَى النَّاسِ عَلَى مُكْثٍ وَنَزَّلْنَاهُ  
تَنْزِيلًا

قُلْ ءَامِنُوا بِهِ أَوْ لَا تُؤْمِنُوا إِنَّ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مِنْ  
قَبْلِهِ إِذَا يُتْلَى عَلَيْهِمْ يَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ سُجَّدًا

وَيَقُولُونَ سُبْحَانَ رَبِّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبِّنَا لَمَفْعُولًا

وَيَخِرُّونَ لِلأَذْقَانِ يَبْكُونَ وَيَزِيدُهُمْ خُشُوعًا ۝

قُلِ ادْعُوا اللَّهَ أَوْ ادْعُوا الرَّحْمَنَ أَيًّا مَا تَدْعُوا فَلَهُ  
الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ وَلَا تَجْهَرْ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتْ بِهَا  
وَابْتَغِ بَيْنَ ذَلِكَ سَبِيلًا

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ يَكُن لَّهُ  
شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَلَمْ يَكُن لَّهُ وِئٌ مِّنَ الدُّلِّ وَكَبِيرُهُ  
تَكْبِيرًا

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَنْزَلَ عَلَىٰ عَبْدِهِ الْكِتَابَ وَلَمْ يَجْعَلْ لَّهُ  
عِوَجًا

قَيِّمًا لِّيُنذِرَ بَأْسًا شَدِيدًا مِّن لَّدُنْهُ وَيُبَشِّرَ الْمُؤْمِنِينَ الَّذِينَ  
يَعْمَلُونَ الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ أَجْرًا حَسَنًا

مَّا كَثِيرٍ فِيهِ أَبَدًا

وَيُنذِرَ الَّذِينَ قَالُوا اتَّخَذَ اللَّهُ وَلَدًا

و ما این آیات (قرآن عظیم) را به حق فرستادیم و به حق و  
راستی هم نازل شد، و نفرستادیم تو را جز برای آنکه  
بشارت دهی و بترسانی.

و قرآنی را جزء جزء (و به تدریج) بر تو فرستادیم که تو نیز  
بر مردم به تدریج قرائت کنی (و با صبر و تآنی به هدایت  
خلق پردازی)، و این قرآن کتابی از تنزیلات بزرگ ماست.

بگو که شما به این کتاب ایمان بیاورید یا نیاورید (مرا  
یکسان است که) البته آنها که پیش از این به مقام علم و  
دانش رسیدند هرگاه این آیات بر ایشان تلاوت شود همه با  
کمال خضوع و فروتنی سر طاعت بر حکم آن فرود آورند.

و گویند: پروردگار ما پاک و منزّه است، البته وعده خدای ما  
محققا واقع خواهد شد.

و آنها با چشم گریان همه سر به خاک عبودیت نهاده، و  
پیوسته بر فروتنی و ترسشان (از خدا) می‌افزاید.

بگو که خواه خدا را به اسم الله یا به اسم رحمان بخوانید،  
به هر اسمی بخوانید اسما، نیکو همه مخصوص اوست. و تو  
در نماز نه صدا را بسیار بلند و نه بسیار آهسته گردان  
بلکه حدّ وسط را اختیار کن.

و بگو: ستایش مخصوص خداست که نه هرگز فرزندی  
برگرفته و نه شریکی در ملک خود دارد و نه هرگز عزت و  
اقتدار او را نقصی رسد که به دوست و مددکاری نیازمند  
شود، و پیوسته ذات الهی را به بزرگترین اوصاف کمال  
ستایش کن.

ستایش و سپاس مخصوص خداست که بر بنده خاص خود  
(محمد صلی الله علیه و آله و سلم) این کتاب بزرگ (قرآن)  
را نازل کرد و در آن هیچ نقص و کژی ننهاد.

کتابی است در نهایت استواری تا (به این کتاب بزرگ خلق  
را) از عذاب سخت خود بترساند و اهل ایمان را که اعمال  
آنها نیکوست به اجر بسیار نیکو بشارت دهد.

که در آن سر منزل پر نعمت بهشتی زندگانی ابدی خواهند  
داشت.

و بترساند آنان را که گفتند: خدا فرزندی (برای خود)  
برگرفته است.

مَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ وَلَا لِآبَائِهِمْ كَبُرَتْ كَلِمَةً تَخْرُجُ مِنْ أَفْوَاهِهِمْ إِنْ يَقُولُونَ إِلَّا كَذِبًا

آنها نه خود و نه پدرانشان از روی علم و دانش سخن نمی‌گویند، این کلمه بزرگی است که از دهانشان خارج می‌شود و جز دروغ چیزی نمی‌گویند.

فَلَعَلَّكَ بَخِيعُ نَفْسِكَ عَلَىٰ آثَرِهِمْ إِنْ لَمْ يُؤْمِنُوا بِهَذَا الْحَدِيثِ أَسَفًا

نزدیک است که اگر امت تو به این سخن (قرآن) ایمان نیاورند جان عزیزت را از شدت حزن و تأسف بر آنان هلاک سازی!

إِنَّا جَعَلْنَا مَا عَلَى الْأَرْضِ زِينَةً لَّهَا لِنَبْلُوهُمْ أَيُّهُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا

ما آنچه را که در زمین جلوه‌گر است زینت و آرایش ملک زمین قرار دادیم تا مردم را امتحان کنیم که کدام یک عملشان نیکوتر خواهد بود.

وَإِنَّا لَجَاعِلُونَ مَا عَلَيْهَا صَعِيدًا جُرُزًا

و ما آنچه را زیور زمین گردانیدیم باز همه را به دست ویرانی و فنا می‌دهیم و زمین را دشتی خشک و بی‌گیاه خواهیم ساخت.

أَمْ حَسِبْتَ أَنَّ أَصْحَابَ الْكَهْفِ وَالرَّقِيمِ كَانُوا مِنْ آيَاتِنَا عَجَبًا

تو پنداری که (قصه) اصحاب کهف و رقیم (در مقابل این همه آیات قدرت و عجایب حکمتهای ما) از آیات عجیب ماست؟!

إِذْ أَوَى الْفِتْيَةُ إِلَى الْكَهْفِ فَقَالُوا رَبَّنَا آتِنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً وَهَيِّئْ لَنَا مِنْ أَمْرِنَا رَشَدًا

آن‌گاه که آن جوانمردان (از بیم دشمن) در غار کوه پنهان شدند و از درگاه خدا مسئلت کردند بار الها، تو در حق ما به لطف خاص خود رحمتی عطا فرما و بر ما وسیله رشد و هدایتی کامل مهیا ساز.

فَضْرَبْنَا عَلَىٰ آذَانِهِمْ فِي الْكَهْفِ سِنِينَ عَدَدًا

پس ما (در آن غار از خواب) بر گوش و هوش آنها تا چند سالی پرده بیهوشی زدیم.

ثُمَّ بَعَثْنَاهُمْ لِنَعْلَمَ أَيُّ الْحِزْبَيْنِ أَحْصَىٰ لِمَا لَبِثُوا أَمَدًا

پس از آن خواب آنان را برانگیختیم تا معلوم گردانیم کدام یک از آن دو گروه (مؤمنان اهل کتاب که در خواب اصحاب کهف اختلاف داشتند) مدت درنگ در آن غار را بهتر احصا خواهند کرد (و پی به قدرت خدا می‌برند).

ثَخُنْ نَفْصُ عَلِيكَ نَبَاهُمْ بِالْحَقِّ إِنَّهُمْ فِتْيَةٌ آمَنُوا بِرَبِّهِمْ وَزِدْنَاهُمْ هُدًى

ما قصه آنان را بر تو به درستی حکایت خواهیم کرد. آنها جوانمردانی بودند که به خدای خود ایمان آوردند و ما بر مقام (ایمان و) هدایتشان بیفزودیم.

وَرَبَطْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ إِذْ قَامُوا فَقَالُوا رَبُّنَا رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَنْ نَدْعُوَ مِنْ دُونِهِ إِلَّا هَا لَقَدْ فَلْنَا إِذَا شَطَطًا

و دل‌های (پاک) آنها را سخت استوار و دلیر ساختیم آن‌گاه که آنها قیام کرده و گفتند: خدای ما پروردگار آسمانها و زمین است و ما هرگز جز خدای یکتا هیچ کس را به خدایی نمی‌خوانیم، که اگر بخوانیم سخت راه خطا و ظلم پیموده‌ایم.

هَؤُلَاءِ قَوْمُنَا اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ آلِهَةً لَوْلَا يَأْتُونَ عَلَيْهِمْ بِسُلْطَانٍ بَيِّنٍ فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

این قوم ما که خدایانی غیر خدای یگانه برگرفتند چرا هیچ دلیلی روشن بر خدایی آنها نمی‌آورند؟ پس چه کسی ستمکارتر از آن کس که افترا و دروغ بر خدا می‌بندد؟!

۱۸  
کَهِف  
۱۶  
/۱۱۰

وَإِذْ أَعْتَزَلْتُمُوهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ إِلَّا اللَّهَ فَأَوْرَأُوا إِلَى الْكَهْفِ  
يَنْشُرْ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِّن رَّحْمَتِهِ وَيَهَيِّئْ لَكُمْ مِّنْ أَمْرِكُمْ  
مَّرْفَقًا

۱۷  
حزب  
۱۱۸

وَتَرَى الشَّمْسَ إِذَا طَلَعَتْ تَزْوُرُ عَن كَهْفِهِمْ ذَاتَ الْيَمِينِ  
وَإِذَا غَرَبَتْ تَقْرِضُهُمْ ذَاتَ الشِّمَالِ وَهُمْ فِي فَجْوَةٍ مِّنْهُ  
ذَٰلِكَ مِنْ ءَايَاتِ اللَّهِ مَن يَهْدِ اللَّهُ فَهُوَ الْمُهْتَدِ وَمَن  
يُضِلِّ فَلَن تَجِدَ لَهُ وَلِيًّا مُّرْشِدًا

۱۸  
۲۵۴ر

وَتَحْسَبُهُمْ أَيْقَاظًا وَهُمْ رُقُودٌ وَنُقَلِّبُهُمْ ذَاتَ الْيَمِينِ وَذَاتَ  
الشِّمَالِ وَكَلْبُهُم بَاسِطٌ ذِرَاعَيْهِ بِالْوَصِيدِ لَوِ اطَّلَعْتَ  
عَلَيْهِمْ لَوَلَّيْتَ مِنْهُمْ فِرَارًا وَلَمَلِئْتَ مِنْهُمْ رُعْبًا

۱۹

وَكَذَٰلِكَ بَعَثْنَاهُمْ لِيَتَسَاءَلُوا بَيْنَهُمْ قَالَ قَائِلٌ مِّنْهُمْ كَمْ  
لَبِئْتُمْ قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ قَالُوا رَبُّكُمْ أَعْلَمُ بِمَا  
لَبِئْتُمْ فَأَبْعَثُوا أَحَدَكُمْ بِوَرِقِكُمْ هَذِهِ إِلَى الْمَدِينَةِ  
فَلْيَنْظُرْ أَيُّهَا أَزْكَى طَعَامًا فَلْيَأْتِكُمْ بِرِزْقٍ مِّنْهُ وَلْيَتَلَطَّفْ  
وَلَا يُشْعِرَنَّ بِكُمْ أَحَدًا

۲۰

إِنَّهُمْ إِنْ يَظْهَرُوا عَلَيْكُمْ يَرْجُمُوكُمْ أَوْ يُعِيدُوكُمْ فِي مِلَّتِهِمْ  
وَلَنْ تُفْلِحُوا إِذًا أَبَدًا

و آن‌گاه اصحاب کَهِف با یکدیگر گفتند که شما چون از این  
مشرکان و خدایان باطلشان که جز خدا می‌پرستند دوری  
جستید باید به غار کوه گریخته و پنهان شوید تا خدا از  
رحمت خود به شما گشایش و توسعه بخشد و اسباب کار  
شما را با (روزی حلال و) آسایش مهیا سازد. (آن‌گاه به غار  
کوه رفته و به خواب شدند..

و گردش آفتاب را چنان مشاهده می‌کنی که هنگام طلوع از  
سمت راست غار آنها برکنار و هنگام غروب نیز از جانب چپ  
ایشان به دور می‌گردد و آنها در فضای گسترده غار قرار  
دارند (و کاملا از حرارت خورشید در آسایشند). این حکایت  
جوانمردان کَهِف یکی از آیات الهی است؛ هر کس را خدا  
راهنمایی کند او به حقیقت هدایت یافته و هر که را در  
گمراهی واگذارد دیگر هرگز برای چنین کس هیچ یار  
راهنمایی نخواهی یافت.

و آنها را بیدار پنداری و حال آنکه در خوابند و ما (برای رفع  
خستگی) آنان را به پهلوی راست و چپ می‌گردانیدیم و  
سگ آنها دو دست بر در آن غار گسترده داشت، و اگر بر  
حال ایشان مطلع شدی از آنها گریختی و از هیبت و عظمت  
آنان بسیار هراسان گردیدی.

و همچنین (که خوابشان کردیم) آنان را از خواب  
برانگیختیم تا (از زمان خوابشان که بر خود آنها مشتبه و  
نامعلوم بود) از یکدیگر بپرسند، یکی پرسید: چند مدت (در  
غار) درنگ کردید؟ جواب دادند: یک روز تمام یا که برخی از  
روز. دیگر بار گفتند: خدایتان داناتر است که چند مدت در  
غار بوده‌اید، باری شما یکی را با این درهمهاتان به شهر  
بفرستید و باید بنگرد که کدامشان طعام پاکیزه‌تر و حلال‌تر  
دارند تا از آن روزی برایتان فراهم آرد و باید با دقت و  
ملاحظه این کار را انجام دهد و نباید هیچ‌کس را از حال شما  
آگاه سازد.

زیرا که اگر (این مردم کافر) بر شما آگهی و ظفر یابند شما  
را یا سنگسار خواهند کرد یا به آیین خودشان برمی‌گردانند  
و در آن صورت دیگر روی رستگاری نخواهید دید.

وَكَذَلِكَ أَغْتَرْنَا عَلَيْهِمْ لِيَعْلَمُوا أَن وَعَدَ اللَّهُ حَقُّهُ وَأَنَّ  
السَّاعَةَ لَا رَيْبَ فِيهَا إِذْ يَتَنَزَّعُونَ بَيْنَهُمْ أَمْرَهُمْ فَقَالُوا  
أَبْنُوا عَلَيْهِم بُنْيَانًا رَبُّهُمْ أَعْلَمُ بِهِمْ قَالَ الَّذِينَ غَلَبُوا عَلَىٰ  
أَمْرِهِمْ لَمَتَّخِذِينَ عَلَيْهِمْ مَسْجِدًا

سَيَقُولُونَ ثَلَاثَةٌ رَّابِعُهُمْ كَلْبُهُمْ وَيَقُولُونَ خَمْسَةٌ سَادِسُهُمْ  
كَلْبُهُمْ رَجْمًا بِالْغَيْبِ وَيَقُولُونَ سَبْعَةٌ وَثَامِنُهُمْ كَلْبُهُمْ قُلْ  
رَبِّي أَعْلَمُ بِعَدَّتِهِمْ مَا يَعْلَمُهُمْ إِلَّا قَلِيلٌ فَلَا تُمَارِ فِيهِمْ إِلَّا  
مِرَاءً ظَهْرًا وَلَا تَسْتَفْتِ فِيهِمْ مِنْهُمْ أَحَدًا

وَلَا تَقُولَنَّ لِشَايٍ إِنِّي فَاعِلٌ ذَٰلِكَ غَدًا

إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ وَادْكُرْ رَبَّكَ إِذَا نَسِيتَ وَقُلْ عَسَىٰ أَنْ  
يَهْدِيَنِّي رَبِّي لِأَقْرَبَ مِنْ هَٰذَا رَشَدًا

وَلَبِثُوا فِي كَهْفِهِمْ ثَلَاثَ مِائَةٍ سِنِينَ وَازْدَادُوا تِسْعًا

قُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا لَبِثُوا لَهُ غَيْبُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ  
أَبْصَرُ بِهِ وَأَسْمِعُ مَا لَهُمْ مِنْ دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا يُشْرِكُ فِي  
حُكْمِهِ أَحَدًا

وَأْتِلْ مَا أُوحِيَ إِلَيْكَ مِنْ كِتَابِ رَبِّكَ لَا مُبَدِّلَ لِكَلِمَاتِهِ  
وَلَنْ تَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا

و این چنین ما مردم را بر حال اصحاب کهف آگاه ساختیم تا خلق بدانند که وعده خدا (به روز معاد و زنده کردن مردگان) به حق بوده و ساعت قیامت البته بی‌هیچ شک خواهد آمد، آن‌گاه که میانشان تنازع و خلاف در امر آنها بود (یعنی در عدد یا آیین آنها که قائل به معاد و قیامت بودند) پس بعضی گفتند: باید گرد آنها حصار و بنایی بسازیم (که در حبس از خلق مستور و ممنوع شوند) خدا به احوال آنها آگاه‌تر است و آنان که بر واقع احوال آنها ظفر و اطلاع یافتند (یعنی خدایپرستان و نیکان امت با خود) گفتند: البته بر ایشان مسجدی بنا کنیم.

بعضی خواهند گفت که عده آن اصحاب کهف سه نفر بود چهارمین هم سگ آنها، و برخی دیگر از روی خیالبافی و غیب‌گویی می‌گویند عده آنها پنج نفر بود ششمین سگ آنها، و برخی دیگر گویند: هفت نفر بودند و هشتمین سگ آنها. بگو: خدای من به عده آنها آگاه‌تر است، که بر عدد آنها به جز افراد قلیلی (مانند انبیاء و اولیاء که از طرف حق به وحی دانسته‌اند) هیچ کس آگاه نیست، پس تو (با اهل کتاب) درباره آنها مجادله مکن جز آنکه هر چه به ظاهر وحی دانستی اظهار کن و دیگر هرگز فتوا از احدی در این باب مپرس.

و تو هرگز درباره چیزی مگو که من این کار را فردا خواهم کرد.

مگر آنکه بگویی (ان شاء الله) اگر خدا بخواهد، و چون فراموش کنی باز خدا را به یاد آر و به خلق بگو (این قدر بر سر قصه یاران کهف بحث و جدل بر پا نکنید که) امید است خدای من مرا به حقایقی بهتر و علومی برتر از این قصه هدایت فرماید.

و آنها در کهف کوه سیصد سال، نه سال هم افزون درنگ کردند (یهود بر علی علیه السلام در این آیه اعتراض کردند که نه سال زیاده در تورات ما نیست. حضرت پاسخ داد که این نه سال بر این است که سال شما شمسی و سال ما قمری است).

بگو: خدا به زمان اقامت آنان (در غار کوه) داناتر است که او به همه اسرار غیب آسمانها و زمین محیط است، و چقدر هم بینا و شنواست! و هیچ کس جز او سرپرست و نگهبان خلق نیست و احدی را در حکم خود شریک نمی‌سازد.

و آنچه از کتاب خدا بر تو وحی شد (بر خلق) تلاوت کن، که کلمات او را هیچ کس تغییر نتواند داد، و هرگز جز درگاه او پناهی نخواهی یافت.



وَأَصْبِرْ نَفْسَكَ مَعَ الَّذِينَ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ بِالْغَدْوَةِ وَالْعَشيِّ  
يُرِيدُونَ وَجْهَهُ<sup>ط</sup> وَلَا تَعْدُ عَيْنَاكَ عَنْهُمْ تُرِيدُ زِينَةَ الْحَيَاةِ  
الدُّنْيَا وَلَا تُطِعْ مَنْ أَغْفَلْنَا قَلْبَهُ عَن ذِكْرِنَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ  
وَكَانَ أَمْرُهُ فُرْطًا

وَقُلِ الْحَقُّ مِن رَّبِّكُمْ<sup>ط</sup> فَمَن شَاءَ فَلْيُؤْمِن وَمَن شَاءَ  
فَلْيُكْفُرْ إِنَّا أَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ نَارًا أَحَاطَ بِهِمْ سُرَادِقُهَا<sup>ج</sup>  
وَإِن يَسْتَغِيثُوا يُغَاثُوا بِمَاءٍ كَالْمُهْلِ يَشْوِي الْوُجُوهَ<sup>ج</sup> بِئْسَ  
الْشَّرَابُ وَسَاءَتْ مُرْتَفَقًا

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ إِنَّا لَا نُضِيعُ أَجْرَ مَنْ  
أَحْسَنَ عَمَلًا

أُولَئِكَ لَهُمْ جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ يُجَلَّوْنَ  
فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِن ذَهَبٍ وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِّن  
سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَّكِعِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرَآئِكِ نِعْمَ الثَّوَابُ  
وَحَسَنَتْ مُرْتَفَقًا

وَأَضْرِبْ لَهُم مَّثَلًا رَّجُلَيْنِ جَعَلْنَا لِأَحَدِهِمَا جَنَّتَيْنِ مِّنْ  
أَعْنَبٍ وَحَفَفْنَاهُمَا بِنَخْلٍ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمَا زُرْعًا

كِلْتَا الْجَنَّتَيْنِ ءَاتَتْ أُكْلَهَا وَلَمْ تَظْلِم مِّنْهُ شَيْئًا وَفَجَّرْنَا  
خِلَالَهُمَا نَهْرًا

وَكَانَ لَهُ ثَمْرٌ فَقَالَ لِصَاحِبِهِ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَنَا أَكْثَرُ  
مِنكَ مَالًا وَأَعَزُّ نَفَرًا

و همیشه خویش را با کمال شکیبایی به محبت آنان که صبح و شام خدای خود را می‌خوانند و رضای او را می‌طلبند و ادب و مبادا دیدگانت از آنان بگردد از آن رو که به زیبتهای دنیا مایل باشی، و هرگز از آن که ما دل او را از یاد خود غافل کرده‌ایم و تابع هوای نفس خود شده و به تبهکاری پرداخته متابعت مکن.

و بگو: دین حق همان است که از جانب پروردگار شما آمد، پس هر که می‌خواهد ایمان آورد و هر که می‌خواهد کافر شود، ما برای کافران ستمکار آتشی مهیا ساخته‌ایم که شعله‌های آن مانند خیمه‌های بزرگ گرد آنها احاطه کند و اگر (از شدت عطش) شربت آبی درخواست کنند آبی مانند مس گداخته سوزان به آنها دهند که رویها را بسوزاند و آن آب بسیار بد شربتی و آن دوزخ بسیار بد آسایشگاهی است.

آنان که ایمان آوردند و نیکوکار شدند ما هم اجر نیکوکاران را ضایع نخواهیم گذاشت.

آنهایند که بهشتهای عدن که نهرها زیر درختانش جاری است خاص آنهاست در حالی که آنان را در آن بهشت به دستبندها و زیورهای زرین بیارایند و لباس‌های سبز حریر و دیبا درپوشند و بر تخت‌ها تکیه زنند، که آن بهشت نیکو اجری و خوش آرامگاهی است.

و دو مرد (مؤمن و کافر) را برای امت مثل آر که به یکی از آنها دو باغ انگور دادیم و به نخل خرما اطرافش را پوشاندیم و عرصه میان آنها را کشتزار (برای گندم و سایر حبوبات) قرار دادیم.

آن دو باغ کاملا میوه‌های خود را بی‌هیچ آفت و نقصان بداد و در وسط آنها جوی آبی نیز روان ساختیم.

و این مرد که دو باغ میوه بسیار داشت با رفیق خود (که مردی مؤمن و فقیر بود) در مقام گفتگو و مفاخرت برآمد و گفت: من از تو به دارایی بیشتر و از حیث خدم و حشم نیز عزیزتر و توانمندترم.

وَدَخَلَ جَنَّتَهُ وَهُوَ ظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ قَالَ مَا أَظُنُّ أَن تَبِيدَ هَذِهِ أَبَدًا

وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّدِدْتُ إِلَىٰ رَبِّي لَأَجِدَنَّ حَيْرًا مِّنْهَا مُنْقَلَبًا

قَالَ لَهُ صَاحِبُهُ وَهُوَ يُحَاوِرُهُ أَكَفَرْتَ بِالَّذِي خَلَقَكَ مِن تُرَابٍ ثُمَّ مِن نُّطْفَةٍ ثُمَّ سَوَّكَ رَجُلًا

لَكِنَّا هُوَ اللَّهُ رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِرَبِّي أَحَدًا

وَلَوْلَا إِذْ دَخَلْتَ جَنَّتَكَ قُلْتَ مَا شَاءَ اللَّهُ لَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ إِن تَرَنِ أَنَا أَقَلَّ مِنْكَ مَالًا وَوَلَدًا

فَعَسَىٰ رَبِّي أَن يُؤْتِيَنِي حَيْرًا مِّن جَنَّتِكَ وَيُرْسِلَ عَلَيْهَا حُسْبَانًا مِّنَ السَّمَاءِ فَتُصْبِحُ صَعِيدًا زَلَقًا

أَوْ يُصْبِحُ مَأْوَاهَا غَوْرًا فَلَن تَسْتَطِيعَ لَهُوَ طَلَبًا

وَأَحِيطَ بِثَمَرِهِ فَأَصْبَحَ يُقَلِّبُ كَفَّيْهِ عَلَىٰ مَا أَنفَقَ فِيهَا وَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَيَقُولُ يَا لَيْتَنِي لَمْ أُشْرِكْ بِرَبِّي أَحَدًا

وَلَمْ تَكُن لَّهُ فِئَةٌ يَنْصُرُونَهُ مِن دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مُنتَصِرًا

هُنَالِكَ الْوَلِيَّةُ لِلَّهِ الْحَقِّ هُوَ خَيْرٌ ثَوَابًا وَخَيْرٌ عُقْبًا

وَأَضْرَبَ لَهُم مَّثَلًا الْحَيَاةَ الدُّنْيَا كَمَا إِذَا أَنزَلْنَاهُ مِنَ السَّمَاءِ فَاخْتَلَطَ بِهِ نَبَاتُ الْأَرْضِ فَأَصْبَحَ هَشِيمًا تَذْرُوهُ الرِّيحُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ مُّقْتَدِرًا

و روزی به باغ خود در حالی که به نفس خود ستمکار بود (چون عمر را به کفر و گناه و غفلت از خدا می‌گذرانید با کمال غرور) داخل شد، گفت: گمان ندارم هرگز این باغ نابود شود.

و نیز گمان نمی‌کنم که روز قیامتی به پا شود و اگر (به فرض هم خدا و قیامتی باشد و) من به سوی خدای خود بازگردم البته (در آن جهان نیز) از این باغ دنیا منزلی بهتر خواهم یافت.

رفیق (با ایمان و فقیر) او در مقام گفتگو (و اندرز) بدو گفت: آیا به خدایی که نخست از خاک و بعد از نطفه تو را آفرید و آن‌گاه مردی کامل و آراسته خلقت ساخت کافر شدی؟!

لیکن من پروردگارم آن خدای یکتاست و هرگز به خدای خود احدی را شریک نخواهم ساخت.

و تو چرا وقتی به باغ خود درآمدی نگفتی که همه چیز به خواست خداست و جز قدرت خدا قوه‌ای نیست؟ اگر تو مرا از خود به مال و فرزند کمتر دانی (به خود مغرور مشو که).

امید است خدا مرا بهتر از باغ تو (در آخرت و دنیا) بدهد و بر بوستان تو آتشی فرستد که باغت یکسره نابود و با خاک صرف یکسان گردد.

یا آبش به زمین فرو رود و دیگر هرگز نتوانی آب به دست آری (و باغت از بی‌آبی خشک شود).

و ثمره و میوه‌هایش همه نابود گردید و او (از شدت حزن و اندوه) بر آنچه در باغ خرچ کرده بود دست بر دست می‌زد که بنا و اشجارش همه ویران و خشک شده بود، و می‌گفت: ای کاش من احدی را به خدای خود شریک نمی‌ساختم.

و ابدًا جز خدا هیچ گروهی نبود که آن گنهکار کافر را از قهر و خشم خدا یاری و حمایت کند و نه خود مدافع خویش بود.

آنجا ولایت و حکمفرمایی خاص خداست که به حق فرمان دهد و بهترین اجر و ثواب و عاقبت نیکو را هم او عطا کند.

و برای امت، زندگانی دنیا را چنین مثل زن که ما آب بارانی از آسمان نازل کنیم و به آن آب، درختان و نباتات گوناگون زمین درهم پیچیده و خرم بروید، سپس همه درهم شکسته و خشک شود و به دست بادهای زیر و زبر و پراکنده گردد، و خدا بر هر چیز اقتدار کامل دارد.

الْمَالُ وَالْبَنُونَ زِينَةُ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَالْبَاقِيَاتُ الصَّالِحَاتُ خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ أَمَلًا

وَيَوْمَ نَسِيتُ الْجِبَالَ وَتَرَى الْأَرْضَ بَارِزَةً وَحَشَرْنَاهُمْ فَلَمْ نُغَادِرْ مِنْهُمْ أَحَدًا

وَعَرِضُوا عَلَىٰ رَبِّكَ صَفًّا لَقَدْ جِئْتُمُونَا كَمَا خَلَقْنَاكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ بَلْ زَعَمْتُمْ أَلَّنْ نَجْعَلَ لَكُمْ مَوْعِدًا

وَوُضِعَ الْكِتَابُ فَتَرَى الْمُجْرِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا فِيهِ وَيَقُولُونَ يَا وَيْلَتَنَا مَالِ هَذَا الْكِتَابِ لَا يُغَادِرُ صَغِيرَةً وَلَا كَبِيرَةً إِلَّا أَحْصَاهَا وَوَجَدُوا مَا عَمِلُوا حَاضِرًا وَلَا يَظْلِمُ رَبُّكَ أَحَدًا

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ فَفَسَقَ عَنْ أَمْرِ رَبِّهِ أَفَتَتَّخِذُونَهُ وَذُرِّيَّتَهُ أَوْلِيَاءَ مِنْ دُونِي وَهُمْ لَكُمْ عَدُوٌّ بِئْسَ لِلظَّالِمِينَ بَدَلًا

مَا أَشْهَدْتُهُمْ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَا خَلْقَ أَنْفُسِهِمْ وَمَا كُنْتَ مَتَّخِذًا الْمُضِلِّينَ عَضُدًا

وَيَوْمَ يَقُولُ نَادُوا شُرَكَاءِيَ الَّذِينَ زَعَمْتُمْ فَدَعَوْهُمْ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَجَعَلْنَا بَيْنَهُم مَّوْبِقًا

وَرَعَا الْمُجْرِمُونَ النَّارَ فَظَنُّوا أَنَّهُمْ مُوَاقِعُوهَا وَلَمْ يَجِدُوا عَنْهَا مَصْرِفًا

مال و فرزندان زیب و زینت حیات دنیاست و اعمال صالح که (تا قیامت) باقی است نزد پروردگار از نظر ثواب بهتر و از نظر امیدمندی نیکوتر است.

و (یاد کن) روزی که ما کوهها را به رفتار آریم و زمین را صاف و بدون پست و بلندی آشکارا ببینی و همه را (در صف محشر از قبرها) برانگیزیم و یکی را فرو نگذاریم.

و خلائق را در صفی بر خدا عرضه کنند (و به کافران گفته شود: دیدید) همان گونه که اول بار شما را آفریدیم باز به سوی ما باز آمدید، اما شما (به خیال باطل) پنداشتید که هرگز برای شما وعده گاهی نمی‌نهییم (و معادی در کار نیست).

و کتاب اعمال نیک و بد خلق را پیش نهند، آن گاه اهل عصیان را از آنچه در نامه عمل آنهاست ترسان و هراسان بینی در حالی که (با خود) گویند: ای وای بر ما، این چگونه کتابی است که اعمال کوچک و بزرگ ما را سر مویی فرو گذاشته جز آنکه همه را احصا کرده است؟! و در آن کتاب همه اعمال خود را حاضر بینند و خدا به هیچ کس ستم نخواهد کرد.

و (یاد آر) وقتی که به فرشتگان فرمان دادیم که بر آدم همه سجده کنید، و آنها تمام سر به سجده فرود آوردند جز شیطان که از جنس جن (دیو) بود بدین جهت از طاعت خدای خود سرپیچید، پس آیا (شما فرزندان آدم) مرا فراموش کرده و شیطان و فرزندانش را دوست خود می‌گیرید در صورتی که آنها شما را سخت دشمنند؟ ظالمان را (که به جای خدا شیطان را به طاعت برگزیدند) بسیار بد بدلی است.

من در وقت آفرینش آسمانها و زمین و یا خلقت خود این مردم آنها را حاضر و گواه ساختم (و کمک از کسی نخواستم) و هرگز گمراه کنندگان را به مددکاری نگرفتم.

و (یاد آر) روزی که خدا به کافران گوید: اکنون آنان را که شریک من گمان داشتید بخوانید (تا به فریاد شما رسند)، آنها بخوانند و هیچ یک اجابت نکنند، و میان همه آنها (یعنی مشرکان و معبودانشان) جایگاهی سخت مهلک مقرر سازیم.

و آن‌گاه مردم بدکار آتش دوزخ را به چشم مشاهده کنند و بدانند که در آن خواهند افتاد و از آن ابدای مفری ندارند.

وَلَقَدْ صَرَّفْنَا فِي هَذَا الْقُرْآنِ لِلنَّاسِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَكَانَ  
الْإِنْسَانُ أَكْثَرَ شَيْءٍ جَدَلًا

۵۵

وَمَا مَنَعَ النَّاسَ أَنْ يُؤْمِنُوا إِذْ جَاءَهُمُ الْهُدَىٰ وَيَسْتَغْفِرُوا  
رَبَّهُمْ إِلَّا أَنْ تَأْتِيَهُمْ سُنَّةٌ الْأَوَّلِينَ أَوْ يَأْتِيَهُمُ الْعَذَابُ قُبُلًا

۵۶

وَمَا نُرْسِلُ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَيُجَادِلُ  
الَّذِينَ كَفَرُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ وَاتَّخَذُوا آيَاتِي  
وَمَا أَنْذِرُوا هُزُورًا

۵۷

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ فَأَعْرَضَ عَنْهَا وَنَسِيَ  
مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ إِنَّا جَعَلْنَا عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ أَكِنَّةً أَنْ يَفْقَهُوهُ  
وَفِي آذَانِهِمْ وَقْرًا وَإِنْ تَدْعُهُمْ إِلَى الْهُدَىٰ فَلَنْ يَهْتَدُوا إِذًا  
أَبَدًا

۵۸

وَرَبُّكَ الْغَفُورُ ذُو الرَّحْمَةِ لَوْ يُؤَاخِذُهُمْ بِمَا كَسَبُوا لَعَجَلَلَّ  
لَهُمُ الْعَذَابُ بَلْ لَهُمْ مَوْعِدٌ لَّنْ يَجِدُوا مِنْ دُونِهِ مَوْيلًا

۵۹

وَتِلْكَ الْقُرَىٰ أَهْلَكْنَاهُمْ لَمَّا ظَلَمُوا وَجَعَلْنَا لِمَهْلِكِهِمْ  
مَوْعِدًا

۶۰  
۲۶۰ر

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِفَتَاهُ لَا أَبْرَحُ حَتَّىٰ أَبْلُغَ مَجْمَعَ الْبَحْرَيْنِ  
أَوْ أَمْضِيَ حُقُبًا

۶۱

فَلَمَّا بَلَغَا مَجْمَعَ بَيْنِهِمَا نَسِيَا حُوتَهُمَا فَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي  
الْبَحْرِ سَرَبًا

و ما در این قرآن هرگونه مثال و بیان برای (هدایت) خلق  
آوردیم و لیکن آدمی بیشتر از هر چیز (با سخن حق) به  
جدال و خصومت برخیزد.

و چون هدایت (الهی قرآن) به خلق رسید چیزی مردم را  
منع نکرد که آن هدایت را بپذیرند و به درگاه پروردگار  
خود توبه و استغفار کنند به جز آنکه (خواستند مستحق  
شوند تا) سنت (عقوبت و هلاک) پیشینیان به اینان هم  
برسد و یا با مجازات و عذاب خدا روبرو شوند.

و ما رسولان را جز برای بشارت (نیکان) و ترسانیدن (بدان)  
نمی‌فرستیم و کافران با سخنان بیهوده باطل می‌خواهند  
جدل کرده و حق را پایمال کنند، و آیات مرا و آنچه برای  
تنبیه و انذارشان آمد به استهزاء گرفتند.

و کیست ستمکارتر از آن کسی که متذکر آیات خدایش  
ساختند و بدانها پندش دادند و باز از آنها اعراض کرد و از  
اعمال زشتی که کرده بود به کلی فراموش کرد و ما (پس از  
اتمام حجت) بر دل‌هایشان پرده‌ها (ی جهل و قساوت)  
انداختیم تا دیگر آیات ما را فهم نکنند، و گوش آنها را (از  
شنیدن سخن حق) سنگین ساختیم و اگر به هدایتشان  
بخوانی دیگر ابدای هدایت نخواهند یافت.

و خدای تو بسیار آمرزنده و بی‌نهایت دارای کرم و رحمت  
است، اگر خواهد تا خلق را به کردارشان مؤاخذه کند همانا  
در عذابشان تعجیل و تسریع کند و لیکن برای (عذاب) آنان  
وقت معین (در عالم قیامت) مقرر است که از آن هرگز پناه  
و گریزگاهی نخواهند یافت.

و این است شهر و دیارهایی که اهل آن را چون ظلم و ستم  
کردند هلاک ساختیم و بر وقت هلاکشان موعدی معلوم مقرر  
گردانیدیم.

و (به یاد آر) وقتی که موسی به شاگردش (یوشع که وصی و  
خلیفه او بود) گفت: من دست از طلب بردارم تا به مجمع  
البحرین (به محل برخورد دو دریا) برسم یا سالها عمر در  
طلب بگذرانم.

و چون موسی و شاگردش بدان مجمع البحرین رسیدند  
ماهی غذای خود را فراموش کردند و آن ماهی راه به دریا  
برگرفت و رفت.

فَلَمَّا جَاوَزَا قَالَ لِفَتْنِهِ ءَاتِنَا غَدَاءَنَا لَقَدْ لَقِينَا مِنْ سَفَرِنَا هَذَا نَصَبًا

قَالَ أَرَأَيْتَ إِذْ أَوَيْنَا إِلَى الصَّخْرَةِ فَإِنِّي نَسِيتُ الْحُوتَ وَمَا أَذْسَنِيهِ إِلَّا الشَّيْطَانُ أَنْ أَذْكُرَهُ وَاتَّخَذَ سَبِيلَهُ فِي الْبَحْرِ عَجَبًا

۶۳

قَالَ ذَلِكَ مَا كُنَّا نَبْغُ فَارْتَدَّ عَلَى ءِثَارِهِمَا قَصَصًا

۶۴

فَوَجَدَا عَبْدًا مِنْ عِبَادِنَا ءَاتِيْنَهُ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَعَلَّمْنَاهُ مِنْ لَّدُنَّا عِلْمًا

۶۵

قَالَ لَهُ مُوسَىٰ هَلْ أَتَّبِعُكَ عَلَىٰ أَنْ تُعَلِّمَني مِمَّا عَلَّمْتَ رُشْدًا

۶۶

قَالَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

۶۷

وَكَيفَ تَصْبِرُ عَلَىٰ مَا لَمْ تُحِطْ بِهِ ۗ خُبْرًا

۶۸

قَالَ سَتَجِدُنِي إِن شَاءَ اللَّهُ صَابِرًا وَلَا أَعْصِي لَكَ أَمْرًا

۶۹

قَالَ فَإِنِ اتَّبَعْتَنِي فَلَا تَسْأَلْنِي عَن شَيْءٍ حَتَّىٰ أُحْدِثَ لَكَ مِنْهُ ذِكْرًا

۷۰

فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا رَكِبَا فِي السَّفِينَةِ خَرَقَهَا قَالَ أَخَرَقْتَهَا لِتُغْرِقَ أَهْلَهَا لَقَدْ جِئْتَ شَيْئًا إِمْرًا

۷۱  
۲۶۱ ر

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

۷۲

قَالَ لَا تُؤَاخِذْنِي بِمَا نَسِيتُ وَلَا تُرْهِقْنِي مِنْ أَمْرِي عُسْرًا

۷۳

فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا لَقِيَا غُلَامًا فَقَتَلَهُ قَالَ أَقْتَلْتَنِي نَفْسًا زَكِيَّةً بِغَيْرِ نَفْسٍ لَّقَدْ جِئْتَ شَيْئًا نُكْرًا

۷۴

پس چون که از آن مکان بگذشتند موسی به شاگردش گفت: چاشت ما را بیاور که ما در این سفر رنج بسیار دیدیم.

وی گفت: در نظر داری آنجا که بر سر سنگی منزل گرفتیم؟ من (آنجا) ماهی را فراموش کردم و آن را جز شیطان از یادم نبرد و شگفت آنکه ماهی بریان راه دریا گرفت و برفت.

موسی گفت: آنجا همان مقصدی است که ما در طلب آن بودیم، و از آن راهی که آمدند به آنجا برگشتند.

در آنجا بنده‌ای از بندگان خاص ما را یافتند که او را رحمت و لطف خاصی از نزد خود عطا کردیم و هم از نزد خود وی را علم (لدنی و اسرار غیب الهی) آموختیم.

موسی به آن شخص دانا (و خضر زمان) گفت: آیا من تبعیت (و خدمت) تو کنم تا از علم لدنی خود مرا بیاموزی؟

آن عالم پاسخ داد که تو هرگز نمی‌توانی که (تحمل اسرار کرده و) با من صبر پیشه کنی.

و چگونه صبر توانی کرد بر چیزی که از علم آن آگهی کامل نیافته‌ای؟

موسی گفت: به خواست خدا مرا با صبر و تحمل خواهی یافت و هرگز در هیچ امر با تو مخالفت نخواهم کرد.

آن عالم گفت: پس اگر تابع من شدی دیگر از هر چه من کنم هیچ سؤال مکن تا وقتی که من خود تو را از آن راز آگاه سازم.

سپس هر دو با هم برفتند تا وقتی که در کشتی سوار شدند. آن عالم کشتی را بشکست، موسی گفت: ای مرد، آیا کشتی شکستی تا اهل آن را به دریا غرق کنی؟! بسیار کار منکر و شگفتی به جای آوردی.

گفت: آیا من نگفتم که هرگز ظرفیت و توانایی آنکه با من صبر کنی نداری؟

موسی گفت: (این یک بار) بر من مگیر که شرط خود را فراموش کردم و مرا تکلیف سخت طاقت فرسا نفرما.

و باز هم روان شدند تا به پسری برخوردند، او پسر را (بی‌گفتگو) به قتل رسانید. باز موسی گفت: آیا نفس محترمی که کسی را نکشته بود بی‌گناه کشتی؟ همانا کار بسیار منکر و ناپسندی کردی.

قَالَ أَلَمْ أَقُلْ لَكَ إِنَّكَ لَنْ تَسْتَطِيعَ مَعِيَ صَبْرًا

۷۶

قَالَ إِنْ سَأَلْتُكَ عَنْ شَيْءٍ بَعْدَهَا فَلَا تُصَحِّبْنِي ۖ قَدْ بَلَغْتَ  
مِنَ لُدْنِي عُذْرًا

۷۷

فَأَنْطَلَقَا حَتَّىٰ إِذَا أَتَيَا أَهْلَ قَرْيَةٍ اسْتَطَعَمَا أَهْلَهَا فَأَبَوْا أَنْ  
يُضَيِّفُوهُمَا فَوَجَدَا فِيهَا جِدَارًا يُرِيدُ أَنْ يَنْقَضَ فَأَقَامَهُ ۗ  
قَالَ لَوْ شِئْتَ لَتَّخَذْتَ عَلَيْهِ أَجْرًا

۷۸

قَالَ هَذَا فِرَاقُ بَيْنِي وَبَيْنِكَ ۚ سَأُنَبِّئُكَ بِتَأْوِيلِ مَا لَمْ  
تَسْتَطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

۷۹

أَمَّا السَّفِينَةُ فَكَانَتْ لِمَسْكِينٍ يَعْمَلُونَ فِي الْبَحْرِ فَأَرَدْتُ  
أَنْ أَعِيبَهَا وَكَانَ وَرَاءَهُمْ مَلِكٌ يَأْخُذُ كُلَّ سَفِينَةٍ غَصْبًا

۸۰

وَأَمَّا الْغُلَامُ فَكَانَ أَبَوَاهُ مُؤْمِنَيْنِ فَخَشِينَا أَنْ يُرْهِقَهُمَا  
طُغْيَانًا وَكُفْرًا

۸۱

فَأَرَدْنَا أَنْ يُبَدِّلَهُمَا رَبُّهُمَا خَيْرًا مِّنْهُ زَكَاةً وَأَقْرَبَ رُحْمًا

۸۲

وَأَمَّا الْجِدَارُ فَكَانَ لِغُلَامَيْنِ يَتِيمَيْنِ فِي الْمَدِينَةِ وَكَانَ تَحْتَهُ  
كَنْزٌ لَهُمَا وَكَانَ أَبُوهُمَا صَالِحًا فَأَرَادَ رَبُّكَ أَنْ يَبْلُغَا  
أَشُدَّهُمَا وَيَسْتَخْرِجَا كَنْزَهُمَا رَحْمَةً مِّنَ رَبِّكَ ۗ وَمَا فَعَلْتُهُ  
عَنْ أَمْرِي ۗ ذَٰلِكَ تَأْوِيلُ مَا لَمْ تَسْطِعْ عَلَيْهِ صَبْرًا

۸۳  
۲۶۲

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ ذِي الْقُرْنَيْنِ ۗ قُلْ سَأَتْلُوا عَلَيْكُمْ مِنْهُ  
ذِكْرًا

گفت: آیا با تو نگفتم که تو هرگز ظرفیت و مقام آنکه با من  
صبر کنی نخواهی داشت؟

موسی گفت: اگر بار دیگر از تو مؤاخذه و اعتراضی کردم از  
آن بعد با من ترک صحبت و رفاقت کن که از (تقصیر) من  
عذر موجه (بر متارکه دوستی) به دست خواهی داشت.

باز با هم روان شدند تا وارد بر شهری شدند و از اهل آن  
شهر طعام خواستند، مردم از طعام دادن و مهمانی آنها ابا  
کردند (آنها هم از آن شهر به عزم خروج رفتند تا) در  
(نزدیکی دروازه آن) شهر به دیواری که نزدیک به انهدام  
بود رسیدند و آن عالم به استحکام و تعمیر آن پرداخت. باز  
موسی گفت: روا بود که بر این کار اجرتی می‌گرفتی.

آن عالم گفت: این (سه بار کم‌ظرفی و بی‌صبری و اعتراض،  
عذر) مفارقت بین من و توست، من همین ساعت تو را بر  
اسرار کارهایم که بر فهم آن صبر و ظرفیت نداشتی آگاه  
می‌سازم.

اما آن کشتی، صاحبش خانواده فقیری بود که در دریا کار  
می‌کردند (و از آن کشتی کسب و ارتزاق می‌نمودند)  
خواستیم چون کشتی‌ها (ی بی‌عیب) را پادشاه در سر راه به  
غصب می‌گرفت این کشتی را ناقص کنم (تا برای آن فقیران  
باقی بماند).

و اما آن پسر (کافر بود و) پدر و مادر او مؤمن بودند، از آن  
باک داشتیم که آن پسر آنها را به خوی کفر و طغیان خود  
درآورد.

خواستیم تا به جای او خدایشان فرزندی بهتر و صالح‌تر و  
مهدب‌تر و نزدیک‌تر به ارحام پرستی به آن پدر و مادر  
بخشد.

و اما آن دیوار از آن دو طفل یتیمی در آن شهر بود که  
پدری صالح داشتند و زیر آن گنجی برای آن دو نهفته بود،  
خدایت خواست تا به لطف خود آن اطفال به حد رشد رسند  
و خودشان گنج را استخراج کنند. و من این کارها نه از پیش  
خود (بلکه به امر خدا) کردم. این است مال و باطن کارهایی  
که تو طاقت و ظرفیت بر انجام آن نداشتی.

و از تو (ای رسول) سؤال از ذوالقرنین می‌کنند، پاسخ ده  
که من به زودی حکایتی از او بر شما خواهم خواند.

إِنَّا مَكَّنَّا لَهُو فِي الْأَرْضِ وَعَآتَيْنَهُ مِن كُلِّ شَيْءٍ سَبَبًا

۸۵ فَأَتَّبَعَ سَبَبًا

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَغْرِبَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَغْرُبُ فِي عَيْنٍ حَمِئَةٍ

۸۶ وَوَجَدَ عِنْدَهَا قَوْمًا قُلْنَا يَبْدَأُ الْقُرْنَيْنِ بِمَا آَن تَعَذِّبَ وَإِمَّا

أَن تَتَّخِذَ فِيهِمْ حُسْنًا

۸۷ قَالَ أَمَا مَن ظَلَمَ فَسَوْفَ نَعَذِّبُهُ ثُمَّ يُرَدُّ إِلَىٰ رَبِّهِۦ فَيُعَذِّبُهُ

عَذَابًا نُّكَرًا

۸۸ وَأَمَّا مَن ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَلَهُ جَزَاءُ الْحُسْنَىٰ وَسَنَقُولُ

لَهُ مِن أَمْرِنَا يُسْرًا

۸۹ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ مَطْلِعَ الشَّمْسِ وَجَدَهَا تَطَّلُعُ عَلَىٰ قَوْمٍ لَّمَّ

نَجْعَل لَّهُم مِّن دُونِهَا سِتْرًا

۹۱ كَذَٰلِكَ ۖ وَقَدْ أَحَطْنَا بِمَا لَدَيْهِ خُبْرًا

۹۲ ثُمَّ أَتْبَعَ سَبَبًا

حَتَّىٰ إِذَا بَلَغَ بَيْنَ السَّدَّيْنِ وَجَدَ مِن دُونِهِمَا قَوْمًا لَّا

يَكَادُونَ يَفْقَهُونَ قَوْلًا

۹۴ قَالُوا يَبْدَأُ الْقُرْنَيْنِ إِنَّ يَأْجُوجَ وَمَأْجُوجَ مُفْسِدُونَ فِي

الْأَرْضِ فَهَلْ نَجْعَلُ لَكَ خَرْجًا عَلَىٰ أَن تَجْعَلَ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُم

سَدًّا

۹۵ قَالَ مَا مَكَّنِّي فِيهِ رَبِّي خَيْرٌ فَأَعِينُونِي بِقُوَّةٍ أَجْعَلْ بَيْنَكُمْ

وَبَيْنَهُمْ رَدْمًا

۹۶ ءَاتُونِي زُبَرَ الْحَدِيدِ ۖ حَتَّىٰ إِذَا سَاوَىٰ بَيْنَ الصَّدَفَيْنِ قَالَ

أَنْفُخُوا ۖ حَتَّىٰ إِذَا جَعَلَهُ نَارًا قَالَ ءَاتُونِي أُفْرِغْ عَلَيْهِ قِطْرًا

۹۷ فَمَا اسْطَلَعُوا أَن يَظْهَرُوهُ وَمَا اسْتَطَلَعُوا لَهُو نَقَبًا

ما او را در زمین تمکن و قدرت بخشیدیم و از هر چیزی رشته‌ای به دست او دادیم.

او هم رشته‌ای را پی گرفت.

تا هنگامی که (در سیر خود) به مغرب رسید خورشید را (که در دریای محیط غروب می‌کرد) چنین یافت که در چشمه آب تیره‌ای رخ نھان می‌کند و آنجا قومی را یافت که (چون کافر بودند) به ذوالقرنین دستور دادیم که درباره این قوم یا قهر و عذاب (اگر ایمان نیاوردند) یا لطف و رحمت (اگر ایمان آرند) به جای آور.

ذو القرنین به آن قوم گفت: اما هر کس (از شما) ظلم و ستم کرده او را به کیفر خواهیم رسانید و سپس هم که (بعد از مرگ) به سوی خدا بازگردد خدا او را به عذابی بسیار سخت کیفر خواهد کرد.

و اما هر کس به خدا ایمان آورد و نیکو کردار باشد نیکوترین اجر خواهد یافت و هم ما امر را بر او سهل و آسان گیریم.

و باز وسیله و رشته‌ای را پی گرفت (و سفر را ادامه داد).

تا چون به مشرق زمین رسید آنجا دید که خورشید بر قومی می‌تابد که ما میان آنها و آفتاب ساتری قرار نداده‌ایم (یعنی لباس و خیمه و مسکنی که از حرارت خورشید سایبان کنند نداشتند).

همچنین بود، و البته ما از احوال او کاملا باخبر بودیم.

باز وسیله و رشته‌ای را پی گرفت (و به سمت شمال سفر را ادامه داد).

تا چون رسید میان دو سد (دو کوه بین دو کشور در شمال یا جنوب خاک ترکستان) آنجا قومی را یافت که سخنی فهم نمی‌کردند (و سخت وحشی و زبان نفهم بودند)

آنان گفتند: ای ذوالقرنین، قومی به نام یأجوج و ماجوج در این سرزمین (پشت این کوه) فساد (و خونریزی و وحشیگری) بسیار می‌کنند، آیا چنانچه ما خرج آن را به عهده گیریم سدی میان ما و آنها می‌بندی (که ما از شر آنان آسوده شویم).

ذوالقرنین گفت: تمکن و ثروتی که خدا به من عطا فرموده (از هزینه شما) بهتر است (نیازی به کمک مادی شما ندارم) اما شما با من به قوت بازو کمک کنید (مرد و کارگر از شما، وسایل و هزینه آن با من) تا سدی محکم برای شما بسازم (که به کلی مانع دستبرد آنها شود).

برایم قطعات آهن بیاورید. (آن‌گاه دستور داد که زمین را تا به آب بکنند و از عمق زمین تا مساوی دو کوه از سنگ و آهن دیواری بسازند) تا چون میان آن دو کوه را برابر ساخت گفت: در آتش بدمید؛ تا چون آهن را بسان آتش بگذاخت، گفت: برایم مس گداخته آورید تا بر آن فرو ریزم.

از آن پس آن قوم نه هرگز بر بالای آن سد شدن و نه بر شکستن آن سد و رخنه در آن توانایی یافتند.

قَالَ هَذَا رَحْمَةٌ مِّن رَّبِّيٰ فَإِذَا جَاءَ وَعْدُ رَبِّيٰ جَعَلَهُ دَكَّآةً  
 وَكَانَ وَعْدُ رَبِّيٰ حَقًّا

وَتَرَكْنَا بَعْضَهُمْ يَوْمَئِذٍ يَمُوجُ فِي بَعْضٍ وَنُفِخَ فِي الصُّورِ  
 فَجَمَعْنَاهُمْ جَمْعًا

وَعَرَضْنَا جَهَنَّمَ يَوْمَئِذٍ لِّلْكَافِرِينَ عَرْضًا

الَّذِينَ كَانَتْ أَعْيُنُهُمْ فِي غِطَاءٍ عَن ذِكْرِي وَكَانُوا لَا  
 يَسْتَطِيعُونَ سَمْعًا

أَفَحَسِبَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَن يَتَّخِذُوا عِبَادِي مِّن دُونِي  
 أَوْلِيَاءَ إِنَّا أَعْتَدْنَا جَهَنَّمَ لِّلْكَافِرِينَ نُزُلًا

قُلْ هَلْ نُنَبِّئُكُمْ بِالْأَخْسَرِينَ أَعْمَالًا

الَّذِينَ ضَلَّ سَعِيَّهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ يَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ  
 يُحْسِنُونَ صُنْعًا

أُولَئِكَ الَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ وَلِقَائِهِ فَحَبِطَتْ  
 أَعْمَالُهُمْ فَلَا نُقِيمُ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَزَنًا

ذَٰلِكَ جَزَاؤُهُمْ جَهَنَّمَ بِمَا كَفَرُوا وَاتَّخَذُوا آيَاتِي وَرُسُلِي  
 هُزُوًا

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَانَتْ لَهُمْ جَنَّاتُ  
 الْفِرْدَوْسِ نُزُلًا

خَالِدِينَ فِيهَا لَا يَبْغُونَ عَنْهَا حِوَلًا

قُل لَّوْ كَانَ الْبَحْرُ مِدَادًا لِّلْكَلِمَاتِ رَبِّي لَنَفِدَ الْبَحْرُ قَبْلَ أَن  
 تَنفَدَ كَلِمَاتُ رَبِّي وَلَوْ جِئْنَا بِمِثْلِهِ مَدَدًا

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ  
 وَاحِدٌ فَمَن كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ رَبِّهِ فَلْيَعْمَلْ عَمَلًا صَالِحًا  
 وَلَا يُشْرِكْ بِعِبَادَةِ رَبِّهِ ۚ أَحَدًا

ذو القرنین گفت که این (قدرت و تمکن بر بستن سد) لطف و رحمتی از خدای من است و آن‌گاه که وعده خدای من فرا رسد (که روز قیامت یا روز ظهور حضرت ولی الله اعظم است) آن سد را متلاشی و هموار با زمین گرداند و البته وعده خدای من محقق و راست است.

و روز آن وعده که فرا رسد (طایفه یاجوج و ماجوج یا) همه خلیق محشر چون موج مضطرب و سرگردان باشند و درهم آمیزند، و نفخه صور دمیده شود و همه خلق را در صحرای قیامت جمع آریم.

و در آن روز دوزخ را (که انکار می‌کردند) آشکار به کافران بنماییم.

آن کافرانی که بر چشم (قلب) شان پرده (غفلت) بود و از یاد من غافل بودند و (از فرط هوای نفس) هیچ توانایی بر شنیدن (آیات و کلمه الهی) نداشتند.

آیا کافران پندارند که بندگان من (چون فرشتگان و حضرت مسیح) را به جای من دوست و یاور خود می‌گیرند؟! ما برای کافران دوزخ را منزلگاه قرار داده‌ایم.

بگو که آیا می‌خواهید شما را بر زیانکارترین مردم آگاه سازیم؟

(زیانکارترین مردم) آنها هستند که (عمر و) سعی‌شان در راه دنیای فانی تباه گردید و به خیال باطل می‌پنداشتند که نیکوکاری می‌کنند.

همین دنیا طلبانند که به آیات خدای خود کافر شدند و (روز) ملاقات خدا را انکار کردند، لذا اعمالشان همه تباه گشته و روز قیامت آنها را هیچ وزن و ارزشی نخواهیم داد.

این است که اینان چون کافر شده و آیات و پیمبران مرا استهزاء کردند به آتش دوزخ کیفر خواهند یافت.

آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند البته آنها در بهشت فردوس منزل خواهند یافت.

همیشه در آن بهشت ابد منزل یافته و هرگز از آنجا انتقال نخواهند یافت.

بگو که اگر دریا برای (نوشتن) کلمات پروردگار من مرکب شود پیش از آنکه کلمات پروردگارم به آخر رسد دریا خشک خواهد شد هر چند دریایی دیگر باز ضمیمه آن کنیم (یعنی عوالم وجود که کلمات تکوینی الهی است بی‌حد و نامتناهی است).

بگو: جز این نیست که من مانند شما بشری هستم (دعوی احاطه به جهان‌های نامتناهی و کلیه کلمات الهی نکنم، تنها فرق من با شما این است) که به من وحی می‌رسد که خدای شما خدای یکتاست، پس هر کس به لقای (رحمت) پروردگارش امیدوار است باید نیکوکار شود و هرگز در پرستش خدایش احدی را با او شریک نگرداند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
كَهَيْعَصَ

۱  
۲۶۴

ذِكْرُ رَحْمَتِ رَبِّكَ عَبْدَهُ وَزَكْرِيَّا

۲

إِذْ نَادَى رَبَّهُ وَنِدَاءً خَفِيًّا

۳

قَالَ رَبِّ إِنِّي وَهَنَ الْعَظْمُ مِنِّي وَاسْتَعَلَ الرَّأْسُ شَيْبًا وَلَمْ  
أَكُنْ بِدُعَائِكَ رَبِّ شَقِيًّا

۴

وَإِنِّي خِفْتُ الْمَوْلَىٰ مِنْ وَرَائِي وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا فَهَبْ  
لِي مِنْ لَدُنْكَ وَلِيًّا

۵

يَرِثُنِي وَيَرِثُ مِنْ عَالِ يَعْقُوبَ ۗ وَأَجْعَلْهُ رَبِّ رَضِيًّا

۶

يَزَكِّرِيًّا إِنَّنَا نُبَشِّرُكَ بِغُلَامٍ أَسمُهُو يَحْيَىٰ لَمْ نَجْعَلْ لَهُ مِنْ  
قَبْلُ سَمِيًّا

۷

قَالَ رَبِّ أُنِّي يَكُونُ لِي غُلَامٌ وَكَانَتِ امْرَأَتِي عَاقِرًا وَقَدْ  
بَلَغْتُ مِنَ الْكِبَرِ عِتِيًّا

۸

قَالَ كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلَيَّ هَيِّنٌ وَقَدْ خَلَقْتُكَ مِنْ قَبْلُ  
وَلَمْ تَكُ شَيْئًا

۹

قَالَ رَبِّ اجْعَلْ لِي آيَةً ۗ قَالَ آيَتُكَ إِلَّا تُكَلِّمَ النَّاسَ  
ثَلَاثَ لَيَالٍ سَوِيًّا

۱۰

فَخَرَجَ عَلَى قَوْمِهِ مِنَ الْمِحْرَابِ فَأَوْحَىٰ إِلَيْهِمْ أَنْ سَبِّحُوا  
بُكْرَةً وَعَشِيًّا

۱۱

کهیعیص (این حروف رموز و اسراری است در میان خدا و رسول صلی الله علیه و آله و سلم).

در این آیات پروردگار تو از رحمتش بر بنده خاص خود زکریا سخن می‌گوید.

(یاد کن حکایت او را) وقتی که خدای خود را پنهانی (و از صمیم قلب) ندا کرد.

عرض کرد که پروردگارا، استخوان من سست گشت و فروغ پیری بر سرم بتافت و با وجود این من از دعا به درگاه کرم تو خود را هرگز محروم ندانسته‌ام.

و من از این وارثان کنونی (که پسر عموهای من هستند) برای پس از خود بیمناکم (مبادا که پس از من در مال و مقامم خلف صالح نباشند و راه باطل پویند) و زوجه من هم نازا و عقیم است، تو از لطف خاص خود فرزندی به من عطا فرما.

که او وارث من و همه آل یعقوب باشد و تو ای خدا او را وارثی پسندیده و صالح مقرر فرما.

ای زکریا همانا تو را به فرزندی که نامش یحیی است و از این پیش همنام و همانندش (در تقوا) نیافریدیم بشارت می‌دهیم.

زکریا (از فرط شوق و شگفتی و برای حصول اطمینان) عرض کرد: اله، مرا از کجا پسری تواند بود در صورتی که زوجه من نازاست و من هم از شدت پیری خشک و فرتوت شده‌ام!؟

(فرشته‌ای از زبان خدا) گفت: چنین خواهد شد؛ پروردگارت گوید: این کار برای من بسیار آسان است و منم که تو را پس از هیچ و معدوم صرف بودن، نعمت وجود بخشیدم.

زکریا باز عرضه داشت: بارالها، برای من نشانه و حجتی بر این بشارت قرار ده. خدا فرمود: بدین نشان که تا سه شبانه‌روز با مردم تکلم نکنی (و بر سخن قادر نباشی) با آنکه تندرست هستی.

پس زکریا در حالی که از محراب (عبادت) بر قومش بیرون آمد به آنان اشاره کرد که صبح و شام به تسبیح و نماز قیام کنید.

يٰۤيَحْيٰى خُذِ الْكِتٰبَ بِقُوَّةٍ ۗ وَّءَاتَيْنٰهُ الْحُكْمَ صَبِيًّا

وَحَنَانًا مِّن لَّدُنَّا وَزَكٰوَةً ۗ وَكَانَ تَقِيًّا

وَبَرًّا بِوَالِدَيْهِ وَلَمْ يَكُن جَبَّارًا عَصِيًّا

وَسَلَّمَ عَلَيْهِ يَوْمَ وُلِدَ وَيَوْمَ يَمُوتُ وَيَوْمَ يُبْعَثُ حَيًّا

وَاذْكُرْ فِي الْكِتٰبِ مَرْيَمَ اِذِ اُنْتَبَذَتْ مِّنْ اٰهْلِهَا مَكَانًا شَرْقِيًّا

فَاتَّخَذَتْ مِّنْ دُوْنِهِمْ حِجَابًا ۗ فَاَرْسَلْنَا اِلَيْهَا رُوْحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا

قَالَتْ اِنِّيْٓ اَعُوْذُ بِالرَّحْمٰنِ مِنْكَ اِن كُنْتَ تَقِيًّا

قَالَ اِنَّمَا اَنَا رَسُوْلُ رَبِّكَ لِاَهْبَ لَكَ غُلٰمًا زَكِيًّا

قَالَتْ اَنْىٰٓ يَكُوْنُ لِيْ غُلٰمٌ وَلَمْ يَمَسِّنِيْ بَشْرٌ ۗ وَلَمْ اَكْ بِغِيًّا

قَالَ كَذٰلِكَ قَالَ رَبُّكَ هُوَ عَلٰى هٰٓئِيْنٍ ۗ وَلِنَجْعَلَهُۥٓ ؕ اٰيَةً لِّلنَّاسِ وَرَحْمَةً مِّنَّا ۗ وَكَانَ اَمْرًا مَّقْضِيًّا

فَحَمَلَتْهُۗ فَانْتَبَذَتْۢ بِهٖٓ مَكَانًا قَصِيًّا

فَاَجَآءَهَا الْمَخَاضُ اِلٰى جِذْعِ النَّخْلَةِ ۗ قَالَتْ يٰلَيْتَنِيْٓ مِتُّ قَبْلَ هٰذَا وَكُنْتُ نَسِيًّا مَّنْسِيًّا

فَنَادٰهَا مِّن تَحْتِهَا اَلَا تَحْزَنِىْ قَدْ جَعَلَ رَبُّكِ تَحْتَكِ سَرِيًّا

وَهٰزِيْٓ اِلَيْكَ بِجِذْعِ النَّخْلَةِ تُسْقِطُ عَلَيْكَ رُطْبًا جَنِيًّا

(چون زکریا ذکر تسبیح و نماز کرد ما به او یحیی را عطا کردیم و چون سه ساله شد به وی خطاب کردیم که) ای یحیی، تو کتاب آسمانی ما را به قوت (نبوت) فراگیر، و به او در همان سن کودکی مقام نبوت بخشیدیم.

و نیز او را به لطف خاص خود رحمت و مهربانی و پاکی و پارسایی دادیم و او طریق تقوا پیش گرفت.

و هم در حق پدر و مادر خود بسیار نیکوکار بود و هرگز به احدی ستم نکرد و معصیت خدا را مرتکب نگردید.

و سلام حق بر او باد در روز ولادتش و روز وفاتش و روزی که زنده برانگیخته خواهد شد.

و یاد کن در کتاب خود احوال مریم را آن‌گاه که از اهل خانه خویش کنار گرفته به مکانی به مشرق (بیت المقدس برای عبادت) روی آورد.

و آن‌گاه که از همه خویشانش به کنج تنهایی محتجب و پنهان گردید ما روح خود را (روح القدس که فرشته اعظم است) بر او فرستادیم و او در صورت بشری زیبا و راست اندام بر او ظاهر شد.

مریم گفت: من از تو پناه به خدای رحمان می‌برم اگر مرد پرهیزکاری هستی.

گفت: من فرستاده خدای توام، آمده‌ام تا تو را پسری بخشم بسیار پاکیزه و پاک سیرت.

مریم گفت: از کجا مرا پسری تواند بود در صورتی که دست بشری به من نرسیده و کار ناشایسته‌ای هم نکرده‌ام؟

گفت: این چنین کار البته خواهد شد، خدایت فرموده که بسیار بر من آسان است (تا قدرت ما را بر آن دریابی) و تا این پسر را آیت بزرگ و رحمت واسع خود برای خلق گردانیم؛ و قضای الهی بر این کار رفته است.

پس مریم (به مشاهده جبرئیل، در گریبانش نسیم اهتزازی یافت و) به آن پسر بار برداشت و (برای آنکه از سرزنش قوم جاهل برکنار باشد) با آن به مکانی دور خلوت گزید.

آن‌گاه درد زاییدن او را به کنار درخت خرمایی کشانید (و از شدت حزن و اندوه با خود) گفت: ای کاش من از این پیش مرده بودم و از صفحه عالم به کلی نامم فراموش شده بود.

پس از زیر آن درخت (روح القدس یا فرزندش عیسی) او را ندا کرد که غمگین مباش که خدای تو از زیر قدم تو چشمه آبی جاری کرد.

شاخ درخت را به سوی خود حرکت ده تا از آن بر تو رطب تازه فرو ریزد.

فَكُلِي وَأَشْرَبِي وَقَرِّي عَيْنًا ۖ فَمَا تَرَيْنَ مِنَ الْبَشَرِ أَحَدًا  
فَقُولِي إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا فَلَنْ أُكَلِّمَ الْيَوْمَ إِنْسِيًّا

فَأَتَتْ بِهِ قَوْمَهَا تَحْمِلُهُ ۗ قَالُوا يَا مَرْيَمُ لَقَدْ جِئْتِ شَيْئًا  
فَرِيًّا

يَأْتُحَتَّ هَرُونَ مَا كَانَ أَبُوكَ أَمْرًا سَوِيًّا وَمَا كَانَتْ أُمَّكَ  
بَغِيًّا

فَأَشَارَتْ إِلَيْهِ ۗ قَالُوا كَيْفَ نُكَلِّمُ مَنْ كَانَ فِي الْأَمْهِدِ صَبِيًّا

قَالَ إِنِّي عَبْدُ اللَّهِ ۖ آتَانِي الْكِتَابَ وَجَعَلَنِي نَبِيًّا

وَجَعَلَنِي مُبَارَكًا أَيْنَ مَا كُنْتُ وَأَوْصَانِي بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ مَا  
دُمْتُ حَيًّا

وَبَرًّا بِوَالِدَتِي وَلَمْ يَجْعَلْنِي جَبَّارًا شَقِيًّا

وَالسَّلَامُ عَلَيَّ يَوْمَ وُلِدْتُ وَيَوْمَ أَمُوتُ وَيَوْمَ أُبْعَثُ حَيًّا

ذَٰلِكَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ ۗ قَوْلَ الْحَقِّ الَّذِي فِيهِ يَمْتَرُونَ

مَا كَانَ لِلَّهِ أَنْ يَتَّخِذَ مِنْ وَلَدٍ ۗ سُبْحٰنَهُ ۗ إِذَا قَضَىٰ أَمْرًا  
فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ ۖ كُنْ فَيَكُونُ

وَإِنَّ اللَّهَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَأَعْبُدُوهُ هٰذَا صِرَاطٌ مُسْتَقِيمٌ

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ ۗ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ  
مَّشْهَدِ يَوْمٍ عَظِيمٍ

أَسْمِعْ بِهِمْ وَأَبْصِرْ يَوْمَ يَأْتُونَنَا لَكِنِ الظَّالِمُونَ الْيَوْمَ فِي  
ضَلٰلٍ مُّبِينٍ

پس (از این رطب) تناول کن و (از این چشمه آب) بیاشام و چشم خود (به عیسی) روشن دار، و هر کس از جنس بشر را که ببینی (به اشاره) با او بگو: برای خدای رحمن نذر روزه (سکوت) کرده‌ام و امروز با هیچ انسانی سخن نخواهم گفت.

آن‌گاه کودک را برداشته نزد قوم خود آورد گفتند: ای مریم عجب کاری منکر و شگفت‌آور کردی!

ای خواهر هارون، تو را نه پدری نامالح بود و نه مادری بدکار (پس تو دختر بکر از کجا فرزند یافتی).

مریم به اشاره حواله به طفل کرد، آنها گفتند: ما چگونه با طفل گهواره‌ای سخن گوییم؟

آن طفل (به امر خدا به زبان آمد و) گفت: همانا من بنده خاص خدایم که مرا کتاب آسمانی و شرف نبوت عطا فرمود.

و مرا هر کجا که باشم مایه برکت (و رحمت) گردانید، و تا زنده‌ام به عبادت نماز و زکات سفارش کرد.

و مرا نیکوکار به مادرم ساخت و مرا ستمکار و شقی نگردانید.

و سلام حق بر من است روزی که به دنیا آمدم و روزی که از جهان بروم و روزی که (برای زندگانی ابدی) باز زنده برانگیخته شوم.

این است (قضیه) عیسی بن مریم که مردم در امر خلقتش شک و ریب دارند، اکنون به سخن حق و صواب، حقیقت حالش بیان گردید.

خدا را هرگز نشاید که فرزندی اتخاذ کند، که وی منزله از آن است، (او قادری است که) چون حکم نافذش به ایجاد چیزی تعلق گیرد همین که گوید: «موجود باش» بی‌درنگ آن چیز موجود می‌شود.

خدای یکتا پروردگار من و شماست، او را پرستید که راه راست همین راه خداپرستی است.

آن‌گاه طوایف مردم (یعنی نصاری) در میان خود (درباره مسیح پسر مریم) اختلاف کردند (برخی او را از کفر و جهل، خدا دانستند و برخی پسر خدا و برخی پسر یوسف نجارش خواندند)، پس وای بر این مردم کافر از حضور در آن روز بزرگ قیامت.

روز محشر که خلق به سوی ما بازآیند چقدر شنوا و بینا شوند! ولی امروز (که باید حقیقت را بشنوند و ببینند) مردم ستمکار همه به گمراهی و ضلالت آشکار فرو رفته‌اند.

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْحَسْرَةِ إِذْ قُضِيَ الْأَمْرُ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ وَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

۴۵

إِنَّا نَحْنُ نَرِثُ الْأَرْضَ وَمَنْ عَلَيْهَا وَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ

۴۱  
۲۶۶ر

وَأذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا

۴۲

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ يَا أَبَتِ لِمَ تَعْبُدُ مَا لَا يَسْمَعُ وَلَا يُبْصِرُ وَلَا يُغْنِي عَنْكَ شَيْئًا

۴۳

يَا أَبَتِ إِنِّي قَدْ جَاءَنِي مِنَ الْعِلْمِ مَا لَمْ يَأْتِكَ فَاتَّبِعْنِي أَهْدِكَ صِرَاطًا سَوِيًّا

۴۴

يَا أَبَتِ لَا تَعْبُدِ الشَّيْطَانَ إِنَّ الشَّيْطَانَ كَانَ لِلرَّحْمَنِ عَصِيًّا

۴۵

يَا أَبَتِ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يَمَسَّكَ عَذَابٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ فَتَكُونَ لِلشَّيْطَانِ وَلِيًّا

۴۶

قَالَ أَرَاغِبٌ أَنْتَ عَنْ ءَالِهَتِي يَا إِبْرَاهِيمُ لَئِن لَّمْ تَنْتَهِ لَأَرْجُمَنَّكَ وَاهْجُرْنِي مَلِيًّا

۴۷

قَالَ سَلَّمَ عَلَيْكَ سَأَسْتَعْفِرُ لَكَ رَبِّي إِنَّهُ كَانَ بِي حَفِيًّا

۴۸

وَأَعْتَزِلْكُمْ وَمَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَأَدْعُوا رَبِّي عَسَىٰ أَلَّا أَكُونَ بِدُعَاءِ رَبِّي شَقِيًّا

۴۹

فَلَمَّا أَعْتَزَلْتَهُمْ وَمَا يَعْבُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَهَبْنَا لَهُوَ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ كُلًّا جَعَلْنَا نَبِيًّا

۵۰

وَوَهَبْنَا لَهُمْ مِّن رَّحْمَتِنَا وَجَعَلْنَا لَهُمْ لِسَانَ صِدْقٍ عَلِيًّا

۵۱  
۲۶۷ر

وَأذْكُرْ فِي الْكِتَابِ مُوسَىٰ إِنَّهُ كَانَ مُخْلَصًا وَكَانَ رَسُولًا نَّبِيًّا

و (ای رسول ما) امت را از روز غم و حسرت (یعنی روز مرگ و قیامت) بترسان که آن روز دیگر کارشان گذشته است و آنها سخت از آن روز غافلند و به آن ایمان نمی‌آورند.

تنها ماییم که (پس از فنای خلق و انتقالشان به عالم آخرت) زمین و اهلش را وارث می‌شویم و همه به سوی ما بازگردانده خواهند شد.

و یاد کن در کتاب خود شرح حال ابراهیم را که او شخص بسیار راستگو و پیغمبری بزرگ بود.

هنگامی که با پدر خود (یعنی عموی خویش آزر) گفت: ای پدر، چرا بتی جماد را که چشم و گوش (و حس و هوشی) ندارد و هیچ رفع حاجتی از تو نتواند کرد پرستش می‌کنی؟

ای پدر، مرا (از وحی خدا) علمی آموختند که تو را آن علم نیاموخته‌اند، پس تو مرا پیروی کن تا به راه راستت هدایت کنم.

ای پدر، هرگز شیطان را نپرست که شیطان سخت با خدای رحمان مخالفت و عصیان کرد.

ای پدر، از آن سخت می‌ترسم که از خدای مهربان بر تو قهر و عذاب رسد و (به دوزخ) با شیطان یار و یاور باشی.

گفت: ای ابراهیم، تو مگر از خدایان من روگردان و بی‌عقیده شدی؟ چنانچه دست (از مخالفت بتان) برنداری بی‌گمان تو را سنگسار کنم، و گرنه سالها از من به دور باش.

باز ابراهیم گفت: سلامت باشی، من از خدای خود برای تو آمرزش خواهم خواست، که او بسیار در حق من مهربان است.

من از شما و بتانی که به جای خدا می‌پرستید دوری کرده و خدای یکتایم را می‌خوانم و امیدوارم که چون او را بخوانم از درگاه لطفش محروم نمانم (و مرا از شرّ مشرکان حفظ کند).

و چون ابراهیم از آن قوم و بتانی که به جای خدا می‌پرستیدند دوری گزید ما هم (به لطف و رحمت خود) به او اسحاق و (فرزند او) یعقوب را عطا کردیم و به همه شرف نبوت بخشیدیم.

و آنها را از رحمت خود بهره‌مند ساختیم و بر زبان عالمی آوازه نکونامی‌شان را بلند گردانیدیم.

و یاد کن در کتاب خود شرح حال موسی را که او بنده‌ای برگزیده و رسولی بزرگ و مبعوث به پیمبری بود.

وَنَدَيْتَهُ مِنْ جَانِبِ الطُّورِ الْأَيْمَنِ وَقَرَّبْنَاهُ نَجِيًّا

۵۳

وَوَهَبْنَا لَهُ مِنْ رَحْمَتِنَا أَخَاهُ هَارُونَ نَبِيًّا

۵۴

وَأذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِسْمَاعِيلَ إِنَّهُ كَانَ صَادِقَ الْوَعْدِ وَكَانَ رَسُولًا نَبِيًّا

۵۵

وَكَانَ يَأْمُرُ أَهْلَهُ بِالصَّلَاةِ وَالزَّكَاةِ وَكَانَ عِنْدَ رَبِّهِءَ مَرْضِيًّا

۵۶

وَأذْكُرْ فِي الْكِتَابِ إِدْرِيسَ إِنَّهُ كَانَ صِدِّيقًا نَبِيًّا

۵۷

وَرَفَعْنَاهُ مَكَانًا عَلِيًّا

۵۸

سجده

مستحب

أُولَئِكَ الَّذِينَ أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مِنَ النَّبِيِّينَ مِنْ ذُرِّيَةِ آدَمَ وَمِمَّنْ حَمَلْنَا مَعَ نُوحٍ وَمِنْ ذُرِّيَةِ إِبْرَاهِيمَ وَإِسْرَائِيلَ وَمِمَّنْ هَدَيْنَا وَاجْتَبَيْنَا إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُ الرَّحْمَنِ خَرُّوا سُجَّدًا وَبُكِيًّا ۝

۵۹

حزب

۱۲۴

فَخَلَفَ مِنْ بَعْدِهِمْ خَلْفٌ أَضَاعُوا الصَّلَاةَ وَاتَّبَعُوا الشَّهْوَاتِ ۖ فَسَوْفَ يَلْقَوْنَ غِيًّا

۶۰

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَأُولَئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ وَلَا يُظْلَمُونَ شَيْئًا

۶۱

جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدَ الرَّحْمَنُ عِبَادَهُ بِالْغَيْبِ ۚ إِنَّهُ كَانَ وَعْدُهُ مَأْتِيًّا

۶۲

لَّا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا إِلَّا سَلَامًا ۖ وَلَهُمْ رِزْقُهُمْ فِيهَا بُكْرَةً وَعَشِيًّا

۶۳

تِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي نُورِثُ مِنْ عِبَادِنَا مَنْ كَانَ تَقِيًّا

۶۴

وَمَا نَنْزِلُ إِلَّا بِأَمْرِ رَبِّكَ ۖ لَهُوَ مَا بَيْنَ أَيْدِينَا وَمَا خَلْفَنَا وَمَا بَيْنَ ذَلِكَ ۚ وَمَا كَانَ رَبُّكَ نَسِيًّا

و ما او را از جانب راست (وادی مقدس) طور ندا کردیم و به مقام قرب خود برای استماع کلام خویش برگزیدیم.

و از لطف و مرحمتی که داشتیم برادرش هارون پیامبر را نیز (برای مشارکت و مساعدت او) به او عطا کردیم.

و یاد کن در کتاب خود شرح حال اسماعیل را که بسیار در وعده صادق و رسول و پیغمبری بزرگوار بود.

و همیشه اهل بیت خود را به ادای نماز و زکات امر می‌کرد و او نزد خدایش بنده‌ای پسندیده بود.

و یاد کن در کتاب خود احوال ادریس را که او شخصی بسیار راستگو و پیغمبری عظیم الشان بود.

و مقام او را بلند و مرتبه‌اش را رفیع گردانیدیم.

اینان (که از زکریا تا ادریس اوصافشان یاد شد) همان رسولانی هستند که خدا از میان همه اولاد آدم و اولاد آنان که با نوح در کشتی نشان‌دیم و اولاد ابراهیم و یعقوب و دیگر کسان که هدایت کرده و برگزیدیم، آنها را به لطف و انعام خود مخصوص گردانید (و حال آنها در بندگی چنان است) که هرگاه آیات خدای رحمن بر آنها تلاوت شود با گریه (شوق و محبت) روی اخلاص بر خاک نهند.

سپس جانشین آن مردم خداپرست قومی شدند که نماز را ضایع گذارده و شهوتهای نفس را پیروی کردند و اینها به زودی کیفر گمراهی را خواهند دید.

مگر آن کس که توبه کند و ایمان آرد و نیکوکار شود، که آنان در این صورت بی‌هیچ ستم به بهشت ابد داخل خواهند شد.

آن بهشت‌های عدنی که خدای مهربان برای بندگان (صالح) خود در غیب این جهان وعده فرمود، و البته وعده خدا یقین به انجام می‌رسد.

در آن بهشت هرگز سخن لغوی نشنوند بلکه همه گفتارشان سلام (و ستایش یکدیگر) است و در آنجا روزی آنها صبح و شام (بی‌هیچ رنج) به آنها می‌رسد.

این همان بهشتی است که ما بندگان پاک متقی خود را بالخصوص وارث آن می‌گردانیم.

و ما (رسولان و فرشتگان خدا) جز به امر خدای تو از عالم بالا نازل نمی‌شویم، اوست که بر همه جهانهای پیش رو و پشت سر ما و بین آنها هر چه هست به احاطه علمی آگاه است و پروردگارت هرگز چیزی را فراموش نخواهد کرد.

رَّبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا فَاعْبُدْهُ وَاصْطَبِرْ  
لِعِبَادَتِهِ هَلْ تَعْلَمُ لَهُ سَمِيًّا

وَيَقُولُ الْإِنْسَانُ أَإِذَا مَا مِتُّ لَسَوْفَ أُخْرَجُ حَيًّا

أَوْ لَا يَذْكُرُ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ قَبْلُ وَلَمْ يَكُ شَيْئًا

فَوَرَبِّكَ لَنَحْشُرَنَّهُمْ وَالشَّيَاطِينَ ثُمَّ لَنُحْضِرَنَّهُمْ حَوْلَ  
جَهَنَّمَ جِثِيًّا

ثُمَّ لَنَنْزِعَنَّ مِنْ كُلِّ شِيعَةٍ أَيُّهُمْ أَشَدُّ عَلَى الرَّحْمَنِ عِتِيًّا

ثُمَّ لَنَحْنُ أَعْلَمُ بِالَّذِينَ هُمْ أَوْلَىٰ بِهَا صِلِيًّا

وَإِنْ مِنْكُمْ إِلَّا وَارِدُهَا كَانَ عَلَىٰ رَبِّكَ حَتْمًا مَّقْضِيًّا

ثُمَّ نُنَجِّي الَّذِينَ اتَّقَوْا وَنَذَرُ الظَّالِمِينَ فِيهَا جِثِيًّا

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ  
آمَنُوا أَيُّ الْفَرِيقَيْنِ خَيْرٌ مَقَامًا وَأَحْسَنُ نَدِيًّا

وَكَم أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّن قَرْنٍ هُمْ أَحْسَنُ أَثْنًا وَرِعِيًّا

قُلْ مَنْ كَانَ فِي الضَّلَالَةِ فَلْيَمْدُدْ لَهُ الرَّحْمَنُ مَدًّا حَتَّىٰ إِذَا  
رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ إِمَّا الْعَذَابَ وَإِمَّا السَّاعَةَ فَسَيَعْلَمُونَ مَنْ  
هُوَ شَرُّ مَكَانًا وَأَضْعَفُ جُنْدًا

وَيَزِيدُ اللَّهُ الَّذِينَ اهْتَدَوْا هُدًى وَالْبَاقِيَتُ الصَّالِحَاتُ  
خَيْرٌ عِنْدَ رَبِّكَ ثَوَابًا وَخَيْرٌ مَّرَدًّا

همان خدایی که آفریننده آسمانها و زمین است و هر چه  
بین آنهاست، پس باید همان خدای یکتا را پرستش کنی و  
البته در راه بندگی او صبر و تحمل کن (که اگر او را به  
خدایی نپرستی) آیا دیگری را مانند او به نام خدا (بی لایق  
پرستش) خواهی یافت؟

و انسان (بیچاره در امر معاد شک کند و) گوید: آیا چون من  
بمیرم باز به زودی مرا از قبر بیرون آورده و زنده خواهند  
کرد؟!

آیا آدمی (برای ایمان به معاد) متذکر آن نمی‌شود که اول که  
هیچ محض و معدوم صرف بود ما او را ایجاد کردیم؟

قسم به خدای تو که البته آنها را با شیاطین در قیامت  
محشور می‌گردانیم، آن‌گاه همه را احضار خواهیم کرد تا گرد  
آتش جهنم به زانو در آیند.

سپس هر که عتو و سرکشی بر فرمان خدای مهربان بیشتر  
کرده یک یک را از هر فرقه بیرون آریم (تا به دوزخ  
درافکنیم).

آن‌گاه ما آنهایی را که سزاوارتر به درآمدن به آتش دوزخند  
بهنتر می‌شناسیم.

و هیچ یک از شما (نوع بشر) باقی نماند جز آنکه به دوزخ  
وارد شود؛ این حکم حتمی پروردگار توست.

پس از ورود همه در دوزخ، ما افرادی را که خداترس و  
باتقوا بوده‌اند نجات خواهیم داد و ستمکاران را فرو  
گذاریم تا در آن آتش به زانو در افتند.

و هرگاه (در فضیلت مؤمن بر کافر) آیات واضحه ما بر مردم  
تلاوت شود کافران (غنی و متکبر) به مؤمنان (در مقام  
مفاخره) گویند: کدام یک از ما دو فرقه مقاماتمان بهتر و  
مجلس و انجمنمان نیکوتر خواهد بود؟

در صورتی که ما پیش از این کافران چه گروه‌های بسیاری  
را که از اینها دارا تر و خوشتر بودند همه را هلاک  
گردانیدیم.

بگو که هر کس که به راه کفر و ضلالت رفت خدای مهربان  
به او مهلت می‌دهد تا آن ساعت که وعده عذاب را به چشم  
خود ببیند که یا عذاب (قتل و اسیری) چشد یا ساعت  
قیامت وی را فرا رسد، پس کافران به زودی خواهند  
دانست که (از مؤمن و کافر) کدام یک روزگارش بدتر و  
سپاهش ضعیفتر است!

و خدا هدایت یافتگان را بر هدایت می‌افزاید و اعمال  
صالحی که (اجرش نعمت) ابدی است نزد پروردگار تو بهتر  
(از مال و جاه فانی دنیا) است هم از جهت ثواب الهی و هم  
از جهت حسن عاقبت اخروی.

أَفْرَعَيْتَ الَّذِي كَفَرَ بِآيَاتِنَا وَقَالَ لَأُوتِيَنَّ مَالًا وَوَلَدًا

۷۸

أَطَّلَعَ الْغَيْبِ أَمِ اتَّخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

۷۹

كَلَّا سَنَكْتُبُ مَا يَقُولُ وَنَمُدُّ لَهُ مِنَ الْعَذَابِ مَدًّا

۸۰

وَنَرِيئُهُ مَا يَقُولُ وَيَأْتِينَا فَرْدًا

۸۱

وَأَتَّخِذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ عَالِهَةً لَّيَكُونُوا لَهُمْ عِزًّا

۸۲

كَلَّا سَيَكْفُرُونَ بِعِبَادَتِهِمْ وَيَكُونُونَ عَلَيْهِمْ ضِدًّا

۸۳

۲۶۹۸

أَلَمْ تَرَ أَنَّا أَرْسَلْنَا الشَّيَاطِينَ عَلَى الْكَافِرِينَ تَؤُزُّهُمْ أَزًّا

۸۴

فَلَا تَعْجَلْ عَلَيْهِمْ إِنَّمَا نَعُدُّ لَهُمْ عَدًّا

۸۵

يَوْمَ نَحْشُرُ الْمُتَّقِينَ إِلَى الرَّحْمَنِ وَفْدًا

۸۶

وَنَسُوقُ الْمُجْرِمِينَ إِلَى جَهَنَّمَ وِرْدًا

۸۷

لَا يَمْلِكُونَ الشَّفْعَةَ إِلَّا مَنْ أَخَذَ عِنْدَ الرَّحْمَنِ عَهْدًا

۸۸

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا

۸۹

لَقَدْ جِئْتُمْ شَيْئًا إِدًّا

۹۰

تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْهُ وَتَنْشَقُّ الْأَرْضُ وَتَخِرُّ  
الْجِبَالُ هَدًّا

۹۱

أَنْ دَعَوْا لِلرَّحْمَنِ وَلَدًا

۹۲

وَمَا يَنْبَغِي لِلرَّحْمَنِ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا

۹۳

إِنْ كُلُّ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِلَّا آتِيَ الرَّحْمَنِ عَبْدًا

۹۴

لَقَدْ أَحْصَاهُمْ وَعَدَّهُمْ عَدًّا

۹۵

وَكُلُّهُمْ آتِيهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَرْدًا

(ای رسول) دیدی حال آن کس را که به آیات ما کافر شد  
(مانند عاص بن وائل کافر) و (به خباب بن ارت مؤمن به  
استهزاء و مسخره) گفت: من البته مال و فرزند بسیار (در  
بهشت هم) خواهم داشت (و آنجا طلب تو را می‌دهم)؟!

آیا بر عالم غیب آگاهی یافته یا از خدای رحمن (بر خود)  
عهدی گرفته است (که در عالم آخرت هم دارای نعمت و  
ثروت باشد).

هرگز چنین نیست، ما البته آنچه گوید خواهیم نوشت و  
سخت بر عذابش خواهیم افزود.

و آنچه (از مال و متاع و فرزند) که (به مفاخرت و غرور  
دایم) در گفتار داشت ما وارث آن شویم و او بی‌کس و تنها  
به جانب ما باز آید.

و مشرکان، خدای بیگانه را ترک گفته و خدایان باطل (مانند  
بتها و فراعنه) را برای عزت و احترام دنیوی برگرفتند.

چنین نیست، بلکه به زودی پرستش آن خدایان باطل را  
انکار کنند و به خصومت آنها برخیزند.

آیا ندیدی که ما شیاطین را بر سر کافران فرستادیم تا  
سخت آنها را تحریک کنند (و به وهم و خیالات باطل دنیا  
آنان را به گناه اندازند و از سعادت ابد محرومشان سازند).

پس تعجیل در کار آنها مکن که ما حساب (روز و ساعت  
عذاب) آنان را کاملا در نظر داریم.

(یاد آور) روزی که متقیان را به سوی خدای مهربان به  
اجتماع محشور گردانیم.

و بدکاران را تشنه لب به سوی آتش دوزخ برانیم.

در آن روز هیچ کس مالک شفاعت نباشد مگر کسی که (به  
پرستش حق) از خدای مهربان عهدنامه (توحید کامل و  
شفاعت) دریافت کرده است.

و کافران گفتند که خدای رحمان فرزند برگرفته!

(ای کافران) همانا شما سخنی بسیار زشت و منکر بر زبان  
آوردید.

نزدیک است از این گفته زشت و عقیده باطل آسمانها از هم  
فرو ریزد و زمین بشکافتد و کوهها متلاشی گردد.

چرا که برای خدای مهربان فرزندی (مسیح و عزیر و ملایک  
را) دعوی کردند.

در صورتی که هرگز خدای رحمن را (که منزه از مثل و مانند  
است) فرزند داشتن سزاوار نخواهد بود.

بلکه هیچ موجودی در آسمانها و زمین نیست جز اینکه خدا  
را بنده فرمانبردار است.

محققا او به شماره همه موجودات کاملا آگاه است.

و تمام آنها روز قیامت منفرد و تنها به پیشگاه حضرتش  
حضور می‌یابند.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَيَجْعَلُ لَهُمُ الرَّحْمَنُ وُدًّا

فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لِتُبَشِّرَ بِهِ الْمُتَّقِينَ وَتُنذِرَ بِهِ قَوْمًا لُدًّا

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هَلْ تُحِسُّ مِنْهُمْ مِّنْ أَحَدٍ أَوْ تَسْمَعُ لَهُمْ رِكْزًا

۲۰ . طه	طه: طه	مکی	۱۳۵ آیه	۱۰ صفحه
---------	--------	-----	---------	---------

۱	بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ	۱۹ حزب ۱۲۵ ۲۷۰ ر
طه		
۲		
۳		
۴		
۵		
۶		
۷		
۸		
۹		
۱۰		
۱۲		

طه (ای مشتاق حق و هادی خلق).

ما قرآن را از آن بر تو نازل نکردیم که (از کثرت عبادت خدا و جهد و کوشش در هدایت خلق) خویشتن را به رنج درافکنی.

تنها غرض از نزول قرآن آن است که مردم خداترس را متذکر و بیدار سازی.

این کتاب بزرگ فرستاده آن کسی است که زمین و آسمانهای بلند را آفرید.

آن خدای مهربانی که بر عرش (عالم وجود و کلیه جهان آفرینش به علم و قدرت) مستولی و محیط است.

هر چه در آسمانها و زمین و بین آنها و زیر کره خاک موجود است همه ملک اوست.

و اگر به آواز بلند یا آهسته سخن گویی (یکسان است که) همانا خدا بر نهان و مخفی‌ترین امور جهان کاملا آگاه است.

به جز خدای یکتا که همه اسماء و صفات نیکو مخصوص اوست خدایی نیست.

و آیا داستان موسی به تو رسیده است؟

آن‌گاه که آتشی مشاهده کرد و به اهل بیت خود (که در بیابان سرد به آتش محتاج بودند) گفت: اندکی مکث کنید که از دور آتشی به چشم دیدم، باشد که یا پاره‌ای از آن آتش بر شما بیاورم یا از آن (به جایی) راه یابم.

چون موسی به آن آتش نزدیک شد (در میان درختی آتشی روشن دید و از آنجا) ندا شد که ای موسی،

منم پروردگار تو، نعلین (همه علیق غیر مرا) از خود به دور کن که اکنون در وادی مقدس طوی (و مقام قرب ما) قدم نهاده‌ای.



وَأَنَا أَخْتَرْتُكَ فَاسْتَمِعْ لِمَا يُوحَىٰ

إِنِّي أَنَا اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدْنِي وَأَقِمِ الصَّلَاةَ لِذِكْرِي

إِنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ أَكَادُ أُخْفِيهَا لِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا تَسْعَىٰ

فَلَا يَصُدُّكَ عَنْهَا مَنْ لَّا يُؤْمِنُ بِهَا وَاتَّبَعَ هَوَاهُ فَتَرْدَىٰ

وَمَا تِلْكَ بِيَمِينِكَ يَمُوسَىٰ

قَالَ هِيَ عَصَايَ أَتَوَكَّوْا عَلَيَّهَا وَهَشُّ بِهَا عَلَىٰ غَنَمِي وَإِنِّي فِيهَا مَثَآرِبٌ أُخْرَىٰ

قَالَ أَلْقَهَا يَمُوسَىٰ

فَأَلْقَاهَا فَإِذَا هِيَ حَيَّةٌ تَسْعَىٰ

قَالَ خُذْهَا وَلَا تَخَفْ سَنُعِيدُهَا سِيرَتَهَا الْأُولَىٰ

وَأَضْمَمْ يَدَكَ إِلَىٰ جَنَاحِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِثْلَ خَيْلٍ سَوِيَّةٍ أُولَىٰ

لِنُرِيكَ مِنْ آيَاتِنَا الْكُبْرَىٰ

أَذْهَبُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

قَالَ رَبِّ اشْرَحْ لِي صَدْرِي

وَيَسِّرْ لِي أَمْرِي

وَأَحْلَلْ عُقْدَةً مِّنْ لِّسَانِي

يَفْقَهُوا قَوْلِي

وَأَجْعَلْ لِّي وَزِيرًا مِّنْ أَهْلِي

هَارُونَ أَخِي

أَشَدُّ بِهِ أَرْزِي

وَأَشْرِكُهُ فِي أَمْرِي

كَيْ نُسَبِّحَكَ كَثِيرًا

وَنَذْكُرَكَ كَثِيرًا

إِنَّكَ كُنْتَ بِنَا بَصِيرًا

قَالَ قَدْ أُوتِيتَ سُؤْلَكَ يَمُوسَىٰ

وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰكَ مَرَّةً أُخْرَىٰ

و من تو را (به رسالت خود) برگزیدم، در این صورت به سخن وحی گوش فرا ده.

منم خدای یکتا که هیچ خدایی جز من نیست، پس مرا (به یگانگی) بپرست و نماز را مخصوصا برای یاد من به پادار.

و محققا ساعت قیامت خواهد رسید و من خواهم که آن ساعت را پنهان دارم تا (مردم آزمایش شوند و) هر نفسی به پاداش اعمالش در (آن روز) برسد.

پس زنهار مردمی که به قیامت ایمان ندارند و پیرو هوای نفسند تو را از یاد آن (روز هولناک) بازندارند و غافل نکنند و گرنه هلاک خواهی شد.

و ای موسی، اینک بازگو تا چه به دست راست داری؟

موسی عرضه داشت: این عصای من است که بر آن تکیه می‌زنم و با آن از درختان بر گوسفندانم برگ می‌ریزم و حوائجی دیگر (چون مدد راه رفتن و دفع دشمن و غیره) نیز به آن انجام می‌دهم.

خدا فرمود: ای موسی این عصا بیفکن.

موسی چون آن را به زمین افکند عصا ازدهایی مهیب شد که (به هر سو) می‌شتافت.

باز (حضرت احدیت) فرمود: عصا را برگیر و از آن مترس که ما آن را به حالت اولش برمی‌گردانیم.

و دست به زیر بغل خود بر تا دستی بی‌هیچ عیب سپید و رخشان بیرون آید و این معجزه دیگر تو خواهد بود.

تا باز هم از آیات بزرگ خود به تو ارائه دهیم.

اینک (به رسالت) به جانب فرعون روانه شو که وی سخت طغیان کرده است.

موسی عرضه داشت: پروردگارا، شرح صدرم عطا فرما (که از جفا و آزار مردم تنگدل نشوم).

و کار مرا برایم آسان گردان.

و عقده را از زبانم بگشا.

تا مردم سخنم را نیکو فهم کنند.

و نیز از اهل بیت من یکی را وزیر و معاون من فرما.

برادرم هارون را (وزیر من گردان).

پشت مرا به او محکم کن.

و او را در امر (رسالت با) من شریک ساز.

تا دائم به ستایش و سپاس تو پردازیم.

و تو را بسیار یاد کنیم.

که همانا بس تویی بصیر به احوال ما.

پروردگار فرمود: ای موسی آنچه از ما خواستی همه به تو اعطا گردید.

و همانا ما بر تو بار دیگر نیز منت بزرگی نهادیم.

إِذْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّكَ مَا يُوحَىٰ

أَنْ أَقْذِفِيهِ فِي التَّابُوتِ فَأَقْذِفِيهِ فِي الْيَمِّ فَلْيُلْقِهِ الْيَمُّ بِالسَّاحِلِ يَأْخُذْهُ عَدُوٌّ لِي وَعَدُوٌّ لَهُۥ وَأَلْقَيْتُ عَلَيْكَ مَحَبَّةً مِّنِّي وَلِتُصْنَعَ عَلَىٰ عَيْنِي

إِذْ تَمْشِي أُخْتُكَ فَتَقُولُ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ مَن يَكْفُلُهُۥٓ فَرَجَعْنَاكَ إِلَىٰ أُمِّكَ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۗ وَفَتَلَّتْ نَفْسًا فَنَجَّيْنَاكَ مِنَ الْغَمِّ وَفَتَنَّاكَ فُتُونًا ۚ فَلَبِثْتَ سِنِينَ فِي أَهْلِ مَدْيَنَ ثُمَّ جِئْتَ عَلَىٰ قَدَرٍ يٰمُوسَىٰ

وَأَصْطَنَعْتُكَ لِنَفْسِي

أَذْهَبُ أَنْتَ وَأَخُوكَ بِآيَاتِي وَلَا تَنِيَا فِي ذِكْرِي

أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

فَقُولَا لَهُۥ قَوْلًا لَّيْسَ لَعَلَّهُۥ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَحْشَىٰ

قَالَا رَبَّنَا إِنَّنَا نَخَافُ أَنْ يَفْرُطَ عَلَيْنَا أَوْ أَنْ يَطْغَىٰ

قَالَ لَا تَخَافَا ۖ إِنَّنِي مَعَكُمْ ۗ أَسْمَعُ وَأَرَىٰ

فَأْتِيَاهُ فَقَوْلَا إِنَّا رَسُولَا رَبِّكَ فَأَرْسِلْ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَا تُعَذِّبْهُمْ ۗ قَدْ جِئْنَاكَ بِآيَةٍ مِّن رَّبِّكَ ۗ وَالسَّلَامُ عَلَيَّ مَنِ اتَّبَعَ الْهُدَىٰ

إِنَّا قَدْ أُوحِيَ إِلَيْنَا أَنَّ الْعَذَابَ عَلَىٰ مَن كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

قَالَ فَمَنْ رَّبُّكُمْ يٰمُوسَىٰ

قَالَ رَبُّنَا الَّذِي أَعْطَىٰ كُلَّ شَيْءٍ خَلْقَهُ ۗ ثُمَّ هَدَىٰ

قَالَ فَمَا بَالُ الْقُرُونِ الْأُولَىٰ

آن هنگام که (برای حفظ جان تو از بلای فرعونیان) به مادرت وحی مهمی نمودیم.

که کودک خود را در صندوقی گذار و به دریا افکن و باید که امواج دریا کودک را به ساحل رساند تا دشمن من و آن طفل (یعنی فرعون) از دریا طفل را برگیرد؛ و من به لطف خود از تو بر دلها (ی دشمن و دوست) محبت افکندم (تا تو را دوست بدارند) و تا تربیت و پرورشت زیر نظر من انجام گیرد.

آن‌گاه که (از مادر دور افتادی) خواهرت (در پی تو) روان بود (تا تو را نزد فرعونیان یافت) و می‌گفت: می‌خواهید یکی را که (شیر و تربیت) این طفل را تکفل کند به شما معرفی کنم؟ پس ما (بدین وسیله) تو را به مادرت برگردانیدیم تا به دیدار تو دیده‌اش روشن گردد و دیگر اندوه نخورد. و (باز منت دیگر آنکه) یک نفر (از فرعونیان) را کشتی و ما از غم آن نیز تو را نجات دادیم و بارها تو را به امتحان و ابتلای سخت بیازمودیم، پس چند سالی در میان مردم مدین زیستی تا آنکه حال ای موسی به موقع آمدی (تا به مقام نبوت برسی).

و تو را برای (مقام رسالت و محبت) خود پروردم.

اکنون تو و برادرت با معجزات و آیاتی که به شما دادم (از پی رسالت خود) بروید و سستی در ذکر من (در نزد فرعون) روا مدارید.

بروید به سوی فرعون که او سخت به راه طغیان شتافته است.

و با او کمال آرامی و نرمی سخن گویند، باشد که متذکر شود یا (از خدا) بترسد (و ترک ظلم کند).

موسی و هارون عرض کردند: بارالها، می‌ترسیم که فرعون بی‌درنگ بر ما ظلم و عقوبت کند یا بر کفر و سرکشی خود بیفزاید.

خدا فرمود: هیچ نترسید که من با شمایم (و همه گفتار و رفتار شما را با او) می‌شنوم و می‌بینم.

اینک هر دو به جانب فرعون رفته و بگویند که ما دو رسول پروردگار توایم، پس بنی اسرائیل را با ما فرست و (بیش از این) عذاب به آنها نکن، که همانا ما با آیت و معجزه‌ای از جانب خدای آفریننده تو نزد تو آمده‌ایم، و سلام (حق) بر آن کس که طریق هدایت را پیروی کند.

به ما چنین وحی شده که همانا عذاب (سخت خدا) بر آن کس است که (خدا و رسولانش را) تکذیب کند و (از حق) روی بگرداند.

فرعون گفت: ای موسی، خدای شما کیست؟

موسی پاسخ داد که خدای ما آن کسی است که همه موجودات عالم را نعمت وجود خاص خودش بخشیده و سپس (به راه کمالش) هدایت کرده است.

فرعون گفت: پس حال اقوام سلف (که خدانشاس و خداپرست نبودند) چیست؟

قَالَ عَلِمَهَا عِنْدَ رَبِّي فِي كِتَابٍ لَا يَضِلُّ رَبِّي وَلَا يَنْسَى

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا وَسَلَكَ لَكُمْ فِيهَا سُبُلًا  
وَأَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ أَزْوَاجًا مِّنْ نَّبَاتٍ  
شَتَّىٰ

۵۳  
۵۴  
۵۵  
حزب  
۱۲۶  
۲۷۲

كُلُوا وَارْعَوْا أَنْعَمَكُمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

مِنْهَا خَلَقْنَاكُمْ وَفِيهَا نُعِيدُكُمْ وَمِنْهَا نُخْرِجُكُمْ تَارَةً  
أُخْرَىٰ

۵۶

وَلَقَدْ أَرَيْنَاهُ آيَاتِنَا كُلَّهَا فَكَذَّبَ وَأَبَىٰ

۵۷

قَالَ أَجِئْتَنَا لِتُخْرِجَنَا مِنْ أَرْضِنَا بِسِحْرِكَ يَا مُوسَىٰ

فَلَنَأْتِيَنَّكَ بِسِحْرٍ مِّثْلِهِ ۚ فَاجْعَلْ بَيْنَنَا وَبَيْنَكَ مَوْعِدًا لَا  
تُخْلِفُهُ ۖ وَنَحْنُ وَلَا أَنْتَ مَكَانًا سَوَىٰ

۵۸  
۵۹

قَالَ مَوْعِدُكُمْ يَوْمَ الزَّيْنَةِ وَأَنْ يُحْشَرَ النَّاسُ ضُحَىٰ

۶۰

فَتَوَلَّىٰ فِرْعَوْنُ فَجَمَعَ كَيْدَهُ ثُمَّ أَتَىٰ

قَالَ لَهُم مُّوسَىٰ وَيَلَكُمْ لَا تَقْتُلُوا عَلَى اللَّهِ كَذِبًا  
فَيُسْحِتَكُمْ بِعَذَابٍ ۖ وَقَدْ خَابَ مَنِ افْتَرَىٰ

۶۱  
۶۲

فَتَنَزَّعُوا أَمْرَهُم بَيْنَهُمْ وَأَسْرُوا النَّجْوَىٰ

قَالُوا إِنْ هَٰذَانِ لَسَاحِرَانِ يُرِيدَانِ أَنْ يُخْرِجَاكُم مِّنْ  
أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِمَا وَيَذْهَبَا بِطَرِيقَتِكُمُ الْمُثَلَىٰ

۶۳  
۶۴

فَأَجْمِعُوا كَيْدَكُمْ ثُمَّ اتُّوُوا صَفًّا وَقَدْ أَفْلَحَ الْيَوْمَ مَنِ  
اسْتَعْلَىٰ

موسی پاسخ داد که احوالشان به علم ازلی خدای من در کتاب (لوح محفوظ) ثبت است؛ هرگز از حال احدی خدای مرا خطا و فراموشی نیست.

همان خدایی که زمین را آسایشگاه شما قرار داد و در آن راهها برای شما پدید آورد؛ و هم از آسمان آب نازل کرد تا به آن آب آسمانی انواع نباتات مختلف از زمین برویانیدیم.

شما از آن نعمتها تناول کنید و چهارپایاتان را هم بچرانید، که همانا در این کار آیاتی (از ربوبیت) برای خردمندان پدیدار است.

ما شما را هم از این خاک آفریدیم و هم به این خاک بازمی‌گردانیم و هم بار دیگر (روز قیامت) از این خاک بیرون می‌آوریم.

و همانا ما به فرعون (به واسطه موسی) همه آیات روشن خود را نمودیم و او همه را تکذیب کرد و از آنها سرباز زد.

فرعون گفت: ای موسی، تو آمده‌ای به طمع آنکه ما را از کشورمان به سحر و شعبده خود بیرون کنی؟

ما هم در مقابل سحر تو سحری البته خواهیم آورد پس میان ما و خودت موعدی معین کن که بی‌آنکه هیچ‌یک از ما خلف وعده کنیم در سرزمین مسطحی (که خلائق ببینند، برای سحر و ساحری) مهیا شویم.

موسی گفت: وعده ما و شما روز زینت (یعنی روز عید قبطیان) باشد و مردم پیش از ظهر (به موعد برای مشاهده) همه گرد آورده شوند.

آن‌گاه فرعون (از موسی) رو گردانید و به تدبیر جمع آوری سحر و ساحران پرداخت، سپس (با ساحران بسیار به وعده‌گاه) آمد.

موسی ساحران را گفت: وای بر شما! زهار بر خدا (به سحر) دروغ مبندید که به عذابی بنیاد شما را بر باد هلاک دهد، و هر کس به خدا افترا بست سخت زیانکار شد.

پس آنها در کارشان به گفت و شنید پرداختند و (در نتیجه گفتند که کار موسی سحر و ساحری نیست ولی) راز خود را پنهان داشتند.

فرعونیان گفتند: این دو تن (موسی و هارون) دو ساحرنند که می‌خواهند به سحرانگیزی خود، شما مردم را از سرزمین خود بیرون کنند و طریقه نیگوی شما را (که اطاعت فرعون است) از میان ببرند.

پس (ای ساحران) باید شما با هر مکر و تدبیری توانید مهیا شده و (مقابل این دو ساحر) صف آرایی کنید، که امروز آن‌کس که غلبه و برتری یابد محققا او فیروزی یافته است.

قَالُوا يَمُوسَىٰ إِمَّا أَنْ تُلْقِيَ وَإِمَّا أَنْ نَكُونَ أَوَّلَ مَنْ أَلْقَىٰ

۶۶

قَالَ بَلْ أَلْقُوا ۖ فَإِذَا حِبَالُهُمْ وَعِصِيُّهُمْ يُخَيَّلُ إِلَيْهِ مِنْ سِحْرِهِمْ أَنَّهَا تَسْعَىٰ

۶۷

فَأَوْجَسَ فِي نَفْسِهِ خِيفَةً مُوسَىٰ

۶۸

قُلْنَا لَا تَخَفْ إِنَّكَ أَنْتَ الْأَعْلَىٰ

۶۹

وَأَلْقَىٰ مَا فِي يَمِينِكَ تَلَقَّفَ مَا صَنَعُوا ۖ إِنَّمَا صَنَعُوا كَيْدُ سِحْرٍ ۖ وَلَا يُفْلِحُ السَّاحِرُ حَيْثُ أَتَىٰ

۷۰

فَأَلْقَىٰ السَّحْرَةَ سُجَّدًا قَالُوا ءَأَمِنَّا بِرَبِّ هَارُونَ وَمُوسَىٰ

۷۱

قَالَ ءَأَمِنْتُمْ لَهُوَ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ ۖ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ ۖ فَلَأَقْطِعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِنْ خَلْفٍ ۖ وَلَأُصَلِّبَنَّكُمْ فِي جُذُوعِ النَّخْلِ وَلَتَعْلَمَنَّ أَنِنَا أَشَدُّ عَذَابًا وَأَبْقَىٰ

۷۲

قَالُوا لَنْ نُؤْتِيكَ عَلَىٰ مَا جَاءَنَا مِنَ الْبَيِّنَاتِ وَالَّذِي فَطَرَنَا ۖ فَاقْضِ مَا أَنْتَ قَاضٍ ۖ إِنَّمَا تَقْضِي هَذِهِ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا

۷۳

إِنَّا ءَأَمِنَّا بِرَبِّنَا لِيَغْفِرَ لَنَا خَطَايَنَا وَمَا أَكْرَهْتَنَا عَلَيْهِ مِنَ السِّحْرِ ۗ وَاللَّهُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

۷۴

إِنَّهُ مَنْ يَأْتِ رَبَّهُ مُجْرِمًا فَإِنَّ لَهُ جَهَنَّمَ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ

۷۵

وَمَنْ يَأْتِهِ مُؤْمِنًا قَدْ عَمِلَ الصَّالِحَاتِ فَأُولَٰئِكَ لَهُمُ الدَّرَجَاتُ الْعُلَىٰ

۷۶

جَنَّاتُ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ وَذَٰلِكَ جَزَاءُ مَنْ تَزَكَّىٰ

ساحران گفتند: ای موسی تو نخست به کار خواهی پرداخت یا ما اول بساط خود بیفکنیم؟

موسی گفت: شما اول بساط خود درافکنید، (آنها بساط خویش افکندند) که ناگاه در اثر سحر آنان رسنها و چوبهاشان پنداشتی در نظر به جنبش و رفتار آمد.

در آن حال موسی در دل خویش سخت بترسید (که مبدا امر بر مردم مشتبه شود و میان سحر ساحران با معجز موسی فرق نگذارند و حجت او بر خلق آشکار نگردد).

ما گفتیم: مترس که تو البته همیشه غلبه و برتری خواهی داشت.

و اینک عصایی که در دست داری بیفکن تا (اژدها شود و یکباره) بساط سحر و ساحری اینان را فرو بلعد، که کار اینان حيله ساحری بیش نیست و ساحر هر جا رود (و هر چه کند) هرگز فلاح و فیروزی نخواهد یافت.

پس همه ساحران به سجده افتاده و گفتند: ما به خدای موسی و هارون ایمان آوردیم.

فرعون گفت: شما چرا پیش از آنکه من اجازه دهم به موسی ایمان آوردید؟ معلوم است که او در سحر معلم شما بوده، باری من شما را دست و پا بر خلاف یکدیگر می‌برم و بر تنه نخلهای خرما به دار می‌آویزم و خواهید دانست که عذاب (من و موسی) کدام سختتر و پاینده‌تر است.

ساحران به فرعون پاسخ دادند که ما تو را هرگز بر این معجزات آشکار که به ما آمده و بر خدایی که ما را آفریده مقدم نخواهیم داشت، پس در حق ما هر چه توانی بکن که هر ظلمی کنی همین حیات دو روزه دنیاست.

ما به راستی به خدای خود ایمان آوردیم تا از خطاهای ما درگذرد و گناه سحری که تو ما را به اجبار بر آن داشتی ببخشد، و (لطف و مغفرت) خدا بهتر و پاینده‌تر (از حیات فانی دنیا) است.

که همانا هر کس به خدای خود طافی و گنهکار وارد شود جزاء او جهنم است که در آنجا نه بمیرد (تا از عذاب برهد) و نه زنده شود (که از لذت زندگی برخوردار باشد).

و هر کس به خدای خود مؤمن باشد و با اعمال صالح بر او وارد شود اجر آنها هم عالی‌ترین درجات بهشتی است.

آن بهشتهای عدنی که دائم زیر درختانش نهرها جاری است و تا ابد در آنجا (از نعمت و حیات برخوردار) هستند و آن بهشت پاداش کسی است که خود را (از کفر و عصیان و شرک و طغیان) پاک و پاکیزه گرداند.

وَلَقَدْ أَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي فَاصْرَبْ لَهُمْ  
طَرِيقًا فِي الْبَحْرِ يَبَسًا لَا تَخَفْ دَرَكًا وَلَا تَخْشَىٰ

۷۸

فَاتَّبَعَهُمْ فِرْعَوْنُ بِجُنُودِهِ ۖ فَغَشِيَهُمْ مِّنَ الْيَمِّ مَا غَشِيَهُمْ

۷۹

وَأَضَلَّ فِرْعَوْنُ قَوْمَهُ ۖ وَمَا هَدَىٰ

۸۰

يَبْنَئِٰٓءِٓ اِسْرَائِيْلَ قَدْ اَنْجَيْنَاكُمْ مِّنْ عَدُوِّكُمْ وَاَعَدْنَاكُمْ  
جَانِبَ الطُّورِ الْاَيْمَنِ وَنَزَّلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّٰٓءَ وَالسَّلٰوٰٓءِ

۸۱

كُلُوْا مِنْ طَيِّبٰتِ مَا رَزَقْنَاكُمْ وَلَا تَطْعَوْا فِيْهِ فَيَحِلَّ  
عَلَيْكُمْ غَضَبِيْ ۗ وَمَنْ يَحِلِّلْ عَلَيْهِ غَضَبِيْ فَقَدْ هَوٰٓءِ

۸۲

وَإِنِّي لَغَفَّارٌ لِّمَنْ تَابَ وَعَٰمَنَ وَعَمِلَ صٰلِحًا ثُمَّ اٰهْتَدٰٓءِ

۸۳  
حزب  
۱۲۷

وَمَا اَعْجَلٰكَ عَنِ قَوْمِكَ يٰمُوسٰٓءِ

۸۴

قَالَ هُمْ اَوْلٰٓءِٓ عَلٰٓى اٰثْرِى وَعَجَلْتُ اِلَيْكَ رَبِّ لِتَرْضٰٓءِ

۸۵

قَالَ فَاِنَّا قَدْ فِتْنٰٓا قَوْمَكَ مِّنْۢ بَعْدِكَ وَاَضَلَّهُمُ السّٰمِرِيُّ

۸۶

فَرَجَعَ مُوسٰٓءِٓ اِلٰٓى قَوْمِهٖ غَضِبْنَ اَسْفًا قَالَ يٰقَوْمِ اَلَمْ  
يَعِدْكُمْ رَبُّكُمْ وَعَدًّا حَسَنًا اَفَطَالَ عَلَیْكُمْ الْعَهْدُ اَمْ  
اَرَدْتُمْ اَنْ يَّحِلَّ عَلَیْكُمْ غَضَبٌ مِّنْ رَبِّكُمْ فَاٰخَلَفْتُمْ  
مَّوْعِدِى

۸۷

قَالُوْا مَا اٰخَلَفْنَا مَّوْعِدَكَ بِمَلِكِنَا وَلٰكِنَّا حُمِلْنَا اَوْزَارًا مِّنْ  
زِيْنَةِ الْقَوْمِ فَقَدَفْنٰٓهَا فَاَكْذَلِكِ اَلْقٰٓى السّٰمِرِيُّ

و همانا به موسی وحی کردیم که بندگان (مؤمن) مرا شبانه  
(از شهر مصر) بیرون برو (به اعجاز و لطف ما) راهی خشک  
از میان دریا بر آنها پدید آور که نه از تعقیب و رسیدن  
فرعونیان ترسناک باشی و نه (از غرق شدن) اندیشه داری.

و فرعون با سپاهش از پی آنها تاختند پس موج دریا چنان  
آنها را فرو برد که از آنان اثری باقی نگذاشت.

و فرعون پیروان خود را علاوه بر اینکه هدایت نکرد سخت  
به ضلالت و بدبختی افکند.

ای بنی اسرائیل، محققا ما شما را از شر دشمن نجات دادیم  
و با شما در جانب راست کوه طور وعده نهادیم (تا به مناجات  
موسی کلام حق را بشنوید) و (در بیابان که سرگردان  
شدید) برای قوت شما ترنجبین و مرغ بریان فرستادیم.

(و دستور دادیم که) از این رزق حلال و پاکیزه که نصیبتان  
کردیم تناول کنید و در آن (به کفر نعمت و ترک  
شکرگزاری) طغیان و سرکشی مکنید وگرنه مستحق غضب و  
خشم من می‌شوید، و هر کس مستوجب خشم من گردید  
همانا خوار و هلاک خواهد شد.

و البته بر آن کس که (از کفر) توبه کند و (به خدا) ایمان  
آرد و نکوکار گردد و درست به راه هدایت رود مغفرت و  
آمرزش من بسیار است.

و ای موسی بازگو که بر قومت چرا سبقت گرفته و با شتاب  
به وعده‌گاه آمدی؟

موسی عرضه داشت: هم اینک قوم از پی من هستند و من  
خود برای خشنودی تو تعجیل کرده و بر آنها تقدم جستم.

خدا فرمود: همانا ما قوم تو را پس از آمدن تو آزمایش  
کردیم و سامری آنان را گمراه کرد.

موسی (که از فتنه سامری آگاه شد) متأسف و غضبناک به  
سوی قوم بازگشت و گفت: ای قوم من، مگر خدای شما به  
شما وعده احسان نداد (که شما را نعمت کتاب بزرگ تورات  
عطا کند)؟ آیا وعده خدا بر شما طولانی شد، یا مایل شدید  
که مستوجب قهر و غضب خدای خود شوید، که وعده مرا  
خلاف کردید (و عهد من شکستید).

قوم به موسی گفتند: ما به میل و اختیار خود خلاف وعده تو  
نکردیم و لیکن اسباب تجمل و زینت بسیاری (از فرعونیان)  
بار دوش ما نهادند و ما آنها را در آتش افکندیم و چنین  
سامری (فتنه‌انگیز بر ما) القا کرد.

فَأَخْرَجَ لَهُمْ عِجْلًا جَسَدًا لَهُ خُورٌ فَقَالُوا هَذَا إِلَهُكُمْ  
وَإِلَهُ مُوسَىٰ فَنَسِي

أَفَلَا يَرَوْنَ إِلَّا يَرْجِعُ إِلَيْهِمْ قَوْلًا وَلَا يَمْلِكُ لَهُمْ ضَرًّا وَلَا  
نَفْعًا

وَلَقَدْ قَالَ لَهُمْ هَارُونُ مِنْ قَبْلِ يَوْمِ إِتْمَا فُتِنْتُمْ بِهِ <sup>ط</sup> وَإِنَّ  
رَبَّكُمْ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَأَطِيعُوا أَمْرِي

قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّىٰ يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَىٰ

قَالَ يَهْرُونَ مَا مَنَعَكَ إِذْ رَأَيْتَهُمْ ضَلُّوا

أَلَا تَتَّبِعَنِ <sup>ط</sup> أَفَعَصَيْتَ أَمْرِي

قَالَ يَبْنَؤُمَّ لَا تَأْخُذْ بِلِحْيَتِي وَلَا بِرَأْسِي <sup>ط</sup> إِنِّي خَشِيتُ أَنْ  
تَقُولَ فَرَّقْتَ بَيْنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَلَمْ تَرْقُبْ قَوْلِي

قَالَ فَمَا خَطْبُكَ يَا سَمِرِيُّ

قَالَ بَصُرْتُ بِمَا لَمْ يَبْصُرُوا بِهِ <sup>ط</sup> فَقَبَضْتُ قَبْضَةً مِّنْ أَثَرِ  
الرَّسُولِ فَنَبَذْتُهَا وَكَذَلِكَ سَوَّلَتْ لِي نَفْسِي

قَالَ فَأَذْهَبُ فَإِنَّ لَكَ فِي الْحَيَاةِ أَنْ تَقُولَ لَا مِسَاسَ <sup>ط</sup> وَإِنَّ  
لَكَ مَوْعِدًا لَّنْ تُخْلَفُهُ <sup>ط</sup> وَأَنْظُرْ إِلَىٰ إِلَهِكَ الَّذِي ظَلْتَ عَلَيْهِ  
عَاكِفًا <sup>ط</sup> لَنْ نَحْرِقَ قَتْلَهُ <sup>ط</sup> ثُمَّ لَنْ نَسِفَنَّهُ <sup>ط</sup> فِي الْيَمِّ نَسْفًا

إِنَّمَا إِلَهُكُمُ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَسِعَ كُلَّ شَيْءٍ عِلْمًا

آن‌گاه سامری با آن زر و زیورها مجسمه گوساله‌ای بساخت  
که صدایی شگفت داشت و (با این شعبده سامری و  
پیروانش) گفتند: خدای شما و خدای موسی همین گوساله  
است که موسی فراموش کرده است.

آیا این گوساله‌پرستان نمی‌نگرند که آن گوساله هیچ حرف و  
اثری و هیچ خیر و شری به آنها عاید نمی‌سازد؟

و هارون هم پیش از آنکه موسی باز آید به آنان گفت: ای  
قوم، این گوساله اسباب فتنه و امتحان شما گردیده و محققا  
آفریننده شما خدای مهربان است (نه این گوساله سامری)  
پس شما پیرو من شوید و امر مرا فرمان برید.

قوم گفتند: ما بر این پرستش گوساله ثابت هستیم تا وقتی  
که موسی به سوی ما بازگردد.

موسی (چون بازگشت با عتاب به هارون) گفت: ای هارون  
مانع تو چه بود که چون دیدی که قوم گمراه شدند،

از پی من نیامدی؟ آیا نافرمانی امر من کردی؟!

هارون گفت: ای برادر مهربان (بر من قهر و عتاب مکن و)  
سر و ریش من مگیر، ترسیدم بگویی تو میان بنی اسرائیل  
تفرقه انداختی و به سخنم وقعی ننهادی.

آن‌گاه موسی گفت: ای سامری این فتنه چه بود که تو برپا  
کردی؟

سامری گفت: من چیزی را دیدم که قوم ندیدند، من مشتی  
خاک از اثر قدم رسول (حق، جبرئیل) برگرفته و (در  
گوساله) ریختم و نفس من چنین (فتنه انگیزی را) به نظرم  
جلوه داد.

موسی گفت: از میان ما برو که تو در زندگانی دنیا (به مرضی  
معذب خواهی شد که همه از تو متنفر شوند و) دایم گویی  
کسی مرا نزدیک نشود، و (در آخرت) هم وعده‌گاهی (در  
دوزخ) داری که با تو تخلف نخواهد شد، و اکنون این خدایت  
را که بر پرستش و خدمتش ایستادی بنگر که آن را در  
آتش می‌سوزانیم و خاکسترش را به آب دریا می‌دهیم.

تنها خدای شما آن یگانه خدایی است که جز او هیچ خدایی  
نیست و علمش به همه ذرات عوالم هستی محیط است.

كَذَٰلِكَ نَقُصُّ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ مَا قَدْ سَبَقَ ۚ وَقَدْ آتَيْنَاكَ مِنْ لَدُنَّا ذِكْرًا

۱۰۰

مَنْ أَعْرَضَ عَنْهُ فَإِنَّهُ يَحْمِلُ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وِزْرًا

۱۰۱

خَالِدِينَ فِيهِ ۗ وَسَاءَ لَهُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ حِمْلًا

۱۰۲

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ ۚ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا

۱۰۳

يَتَخَفَتُونَ بَيْنَهُمْ إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا عَشْرًا

۱۰۴

مَنْ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ إِذْ يَقُولُ أَمْثَلُهُمْ طَرِيقَةً إِنْ لَبِثْتُمْ إِلَّا يَوْمًا

۱۰۵  
۲۷۵ر

وَيَسْأَلُونَكَ عَنِ الْجِبَالِ فَقُلْ يَنْسِفُهَا رَبِّي نَسْفًا

۱۰۶

فَيَذَرُهَا قَاعًا صَفْصَفًا

۱۰۷

لَا تَرَىٰ فِيهَا عِوَجًا وَلَا أَمْتًا

۱۰۸

يَوْمَئِذٍ يَتَّبِعُونَ الدَّاعِيَ لَا عِوَجَ لَهُ ۗ وَخَشَعَتِ الْأَصْوَاتُ لِلرَّحْمَنِ فَلَا تَسْمَعُ إِلَّا هَمْسًا

۱۰۹

يَوْمَئِذٍ لَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ إِلَّا مَنْ أِذِنَ لَهُ الرَّحْمَنُ وَرَضِيَ لَهُ قَوْلًا

۱۱۰

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يُحِيطُونَ بِهِ ۗ عِلْمًا

۱۱۱  
حزب  
۱۳۸

وَعَنَتِ الْوُجُوهُ لِلْحَيِّ الْقَيُّومِ ۗ وَقَدْ خَابَ مَنْ حَمَلَ ظُلْمًا

۱۱۲

وَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا يَخَافُ ظُلْمًا وَلَا هَضْمًا

۱۱۳

وَكَذَٰلِكَ أَنْزَلْنَاهُ قُرْآنًا عَرَبِيًّا وَصَرَّفْنَا فِيهِ مِنَ الْوَعِيدِ لَعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ أَوْ يُحْدِثُ لَهُمْ ذِكْرًا

و ما اخبار گذشتگان ديگر را اين چنين بر تو حكايت خواهيم كرد و از نزد خود اين ذكر (يعنى كتاب عظيم الشان قرآن) را به تو عطا كرديم.

هر كس از اين ذكر اعراض كند روز قيامت بار سنگيني از گناه را به دوش خواهد داشت.

اينان در عذاب آن اعمال زشت مخلصند و سخت است بسي در قيامت بار اعمال زشتى كه به دوش گرفته‌اند.

روزي كه در صور دميده شود و (در آن روز) بدكاران را كبود چشم محشور كنيم (و چشم كبودشان نشانه جرم خواهد بود).

و آنها (از هول و هراس آن روز) با يكديگر آهسته زير لب گويند كه (اى افسوس) ده روزى بيش (در زندگى دنيا) درنگ نكرديد (و نعمت ابدى بهشت را براى دنياى فانى از دست بدديد).

ما به آنچه مى‌گويند بهتر آگاهيم، كه از آن بدكاران بهتر و درست‌ترينشان به آنها خواهد گفـت: شما روزى بيش درنگ نكرديد (دريغا چه زود عمر در شهوت و معصيت بگذشت و جرم و عقابش بماند!)

و (اى رسول) از تو پرسند كه كوهها (در روز قيامت) چه مى‌شود؟ جواب ده كه خداى من كوهها را چنان از بنياد بركنند كه خاك شده و خاكش بر باد دهد.

آن‌گاه پست و بلنديهاى زمين را چنان هموار گرداند.

كه در آن ابداء هيچ بلندى و پستى نخواهى ديد.

در آن روز خلائق همه از پى كسى كه آنها را به راه مستقيم به عرصه قيامت دعوت كند (يعنى اسرافيل) ناچار خواهند رفت، و صداها پيش خداى رحمان خاشع و خاموش گردد كه جز زير لب و آهسته صدايى نخواهى شنيد.

در آن روز، شفاعت هيچ‌كس سود نبخشد جز آن‌كس كه خداى رحمان به او رخصت شفاعت داده و سخنش را پسنديده باشد.

و خدا (به علم ازلى) بر همه آينده و گذشته خلائق آگاه است و خلق را ابداء به او احاطه و آگاهى نيست.

و بزرگان عالم همه در پيشگاه عزت آن خداى حى توانا دليل و خاضعند و (در آن روز) هر كه بار ظلم و ستم به دوش دارد سخت زبون و زيانكار است.

و هر كس اعمالش نيكو است و (به خدا هم) ايمان دارد از هيچ ستم و آسيبى بيمناك نخواهد بود.

و ما اين‌گونه اين (قرآن عظيم) را قرآنى با فصاحت كامل عربى بر تو فرستاديم و در آن وعده‌ها و احوال قيامت را به انواع گوناگون تذكر داديم، باشد كه مردم پرهيزكار شوند يا پندى از نو بر ايشان آورد.

فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ وَلَا تَعْجَلْ بِالْقُرْآنِ مِنْ قَبْلِ  
أَنْ يُقْضَىٰ إِلَيْكَ وَحْيُهُ وَقُل رَّبِّ زِدْنِي عِلْمًا

۱۱۵

وَلَقَدْ عَهِدْنَا إِلَىٰ آدَمَ مِنْ قَبْلِ فَتَنَىٰ وَلَمْ يُحِدْ لَهُو عَزْمًا

۱۱۶  
۲۷۶ر

وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ  
أَبَىٰ

۱۱۷

فَقُلْنَا يَا آدَمُ إِنَّ هَذَا عَدُوٌّ لَكَ وَلِزَوْجِكَ فَلَا يُخْرِجَنَّكَ  
مِنَ الْجَنَّةِ فَتَشْقَىٰ

۱۱۸

إِنَّ لَكَ أَلَّا تَجُوعَ فِيهَا وَلَا تَعْرَىٰ

۱۱۹

وَأَنَّكَ لَا تَظْمَأُ فِيهَا وَلَا تَصْحَىٰ

۱۲۰

فَوَسْوَسَ إِلَيْهِ الشَّيْطَانُ قَالَ يَا آدَمُ هَلْ أَدُلُّكَ عَلَىٰ شَجَرَةِ  
الْخُلْدِ وَمُلْكٍ لَّا يَبْلَىٰ

۱۲۱

فَأَكَلَا مِنْهَا فَبَدَتَ لهُمَا سَوْءَاتُهُمَا وَطَفِقَا يَخْصِفَانِ  
عَلَيْهِمَا مِنْ وَرَقِ الْجَنَّةِ وَعَصَىٰ آدَمُ رَبَّهُ فَغَوَىٰ

۱۲۲

ثُمَّ اجْتَبَاهُ رَبُّهُ فَتَابَ عَلَيْهِ وَهَدَىٰ

۱۲۳

قَالَ أَهْبِطَا مِنْهَا جَمِيعًا بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ فِيمَا  
يَأْتِيَنَّكُمْ مِنِّي هُدَىٰ فَمَنِ اتَّبَعَ هُدَايَ فَلَا يَضِلُّ وَلَا  
يَشْقَىٰ

۱۲۴

وَمَنْ أَعْرَضَ عَن ذِكْرِي فَإِنَّ لَهُو مَعِيشَةً ضَنْكًا وَنَحْشُرُهُو  
يَوْمَ الْقِيَمَةِ أَعْمَىٰ

۱۲۵

قَالَ رَبِّ لِمَ حَشَرْتَنِي أَعْمَىٰ وَقَدْ كُنْتُ بَصِيرًا

پس بلند مرتبه است و بزرگوار خدایی که به حق و راستی  
پادشاه ملک وجود است و تو (ای رسول) پیش از آنکه وحی  
قرآن تمام و کامل به تو رسد تعجیل در (تلاوت و تعلیم) آن  
مکن و دائم بگو: پروردگارا بر علم من بیفزای.

و همانا ما پیش از این با آدم عهدی بستیم (که فریب  
شیطان نخورد) و او فراموش کرد و در آن عهد او را استوار  
و ثابت قدم نیافتیم.

و (یاد آر) هنگامی که فرشتگان را گفتیم به آدم سجده  
کنید، همه سجده کردند جز ابلیس که امتناع ورزید.

آن‌گاه گفتیم: ای آدم محققا این شیطان با تو و جفتت دشمن  
است، مبادا شما را از بهشت بیرون آرد و از آن پس به  
شقاوت و بدبختی گرفتار شوی.

همانا برای تو این هست که نه هرگز آنجا گرسنه شوی و نه  
برهنه و عریان مانی.

و نه هرگز در آنجا به تشنگی و به گرمای آفتاب آزار بینی.

باز شیطان در او وسوسه کرد، گفت: ای آدم آیا (میل داری)  
تو را بر درخت ابدیت و ملک جاودانی دلالت کنم؟

پس آدم و حوا (فریب خوردند و) از آن درخت تناول  
کردند، بدین جهت (لباسهای بهشتی از تنشان دور و عیوب  
و) عورت آنها در نظرشان پدیدار شد و شروع کردند به  
ساتری از برگ درختان بهشت خود را پوشاندن. و آدم  
نافرمانی خدای کرد و گمراه شد.

سپس خدا او را (به مقام نبوتش) برگزید و توبه او را  
پذیرفت و هدایتش فرمود.

آن‌گاه خدا (به آدم و حوا) فرمود: اکنون از عالی رتبه بهشت  
فرود آیید که برخی از شما با برخی دیگر دشمنید، پس اگر  
از جانب من برای شما راهنمایی بیاید آن هنگام هر که از  
راه من پیروی کند نه هرگز گمراه شود و نه شقی و بدبخت  
گردد.

و هر کس از یاد من اعراض کند همانا (در دنیا) معیشتش  
تنگ شود و روز قیامتش نابینا محشور کنیم.

گوید: الهی، چرا مرا نابینا محشور کردی و حال آنکه من بینا  
بودم؟



قَالَ كَذَلِكَ أَتَتْكَ آيَاتُنَا فَنَسِيْتَهَا ۖ وَكَذَلِكَ الْيَوْمَ تُنسى

وَكَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ أَسْرَفَ وَلَمْ يُؤْمِنِ بِآيَاتِ رَبِّهِ ۗ  
وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَشَدُّ وَأَبْقَى

أَفَلَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُونِ يَمْشُونَ  
فِي مَسْكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّأُولِي الْأَلْبَابِ

وَلَوْلَا كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِن رَّبِّكَ لَكَانَ لِزَامًا وَأَجَلٌ مُّسَمًّى

فَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ  
الشَّمْسِ وَقَبْلَ غُرُوبِهَا ۖ وَمِنْ ءَانَآئِ اللَّيْلِ فَسَبِّحْ وَأَطْرَافِ  
النَّهَارِ لَعَلَّكَ تَرْضَىٰ

وَلَا تَمُدَّنَّ عَيْنَيْكَ إِلَىٰ مَا مَتَّعْنَا بِهِ ۖ أَزْوَاجًا مِّنْهُمْ زَهْرَةَ  
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا لِنَفْتِنَهُمْ فِيهِ ۗ وَرِزْقُ رَبِّكَ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

وَأْمُرْ أَهْلَكَ بِالصَّلَاةِ وَاصْطَبِرْ عَلَيْهَا ۖ لَا نَسْأَلُكَ رِزْقًا  
نَّحْنُ نَرْزُقُكَ ۗ وَالْعَاقِبَةُ لِلتَّقْوَىٰ

وَقَالُوا لَوْلَا يَأْتِينَا بِآيَةٍ مِّن رَّبِّهِ ۗ أَوَلَمْ تَأْتِهِم بَيِّنَةٌ مَّا فِي  
الصُّحُفِ الْأُولَىٰ

وَلَوْ أَنَّا أَهْلَكْنَاهُمْ بِعَذَابٍ مِّن قَبْلِهِ لَقَالُوا رَبَّنَا لَوْلَا  
أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ آيَاتِكَ مِن قَبْلِ أَنْ نَذِلَّ  
وَنَخْزَىٰ

قُلْ كُلُّ مُتَرَبِّصٍ فَتَرَبَّصُوا ۗ فَسَتَعْلَمُونَ مَن أَصْحَابُ  
الصِّرَاطِ السَّوِيِّ وَمَنِ اهْتَدَىٰ

خدا به او فرماید: (آری) بدین گونه آیات ما برای هدایت تو آمد و همه را به طاق فراموشی و غفلت نهادی، و امروز هم تو فراموش (و بی‌بهره) خواهی شد.

و این چنین ما هر کس را که ظلم و نافرمانی کند و ایمان به آیات پروردگارش نیاورد مجازات سخت می‌کنیم با آنکه عذاب آخرتش سخت‌تر و پاینده‌تر خواهد بود.

آیا این کفار قریش را از مشاهده حال طوایف بسیاری از گذشتگان که ما همه را هلاک کردیم و اینان در منازل و عمارات آنها می‌روند (عبرت و پند و) هدایت نبود؟ بی‌شک احوال گذشتگان برای خردمندان بسیار مایه عبرت و آیه هدایت است.

اگر نه این بود که کلمه پروردگار (و تقدیر ازلیش بر این کار) سبقت یافته (که کافران و بدکاران این امت در قیامت به کیفر رسند) همانا عذاب (در دنیا بر آنها) لزوم می‌یافت و آن اجل معین فرا می‌رسید.

پس تو بر آنچه (امت جاهل بر انکار و طعن تو) می‌گویند صبر و تحمل پیش گیر و خدای را پیش از طلوع خورشید و بعد از غروب آن و ساعاتی از شب تار و اطراف روز روشن ستایش و تسبیح گو، باشد که (به مقام رفیع شفاعت) خشنود شوی.

و هرگز به متاع ناچیزی که به قومی از آنان (قومی کافر و جاهل) در جلوه حیات دنیای فانی برای امتحان داده‌ایم چشم آرزو مگشا، و رزق خدای تو بسیار بهتر و پاینده‌تر است.

تو اهل بیت خود را به نماز و طاعت خدا امر کن و خود نیز بر نماز و ذکر حق صبور باش، ما از تو روزی (کسی را) نمی‌طلبیم بلکه ما به تو (و دیگران) روزی می‌دهیم، و عاقبت نیکو مخصوص (اهل) پرهیزکاری و تقواست.

و کافران گفتند: چرا (محمد) آیت و دلیلی روشن از جانب خدا برای ما نمی‌آورد؟ آیا آیات بی‌نهایت پیشین (چون تورات و انجیل و صحف که در همه ذکر اوصاف نبوت هست) بر آنان نیامد؟

و اگر ما پیش از فرستادن پیغمبر، کافران (و مشرکان قریش) را همه به نزول عذاب هلاک می‌کردیم البته آنها می‌گفتند: پروردگارا چرا بر ما رسولی نفرستادی تا از آیات تو پیروی کنیم پیش از آنکه به این عذاب و ذلت و خواری گرفتار شویم؟

بگو: هر یک (از ما و شما) منتظریم، پس مترصد و منتظر (امر خدا) باشید که به زودی خواهید دانست (ما و شما) کدام به راه مستقیم سعادت رفته و طریق هدایت یافته‌ایم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْتَرَبَ لِلنَّاسِ حِسَابُهُمْ وَهُمْ فِي غَفْلَةٍ مُّعْرِضُونَ

روز حساب مردم بسیار نزدیک شده و مردم سخت غافلند و اعراض می‌کنند.

این مردم غافل را هیچ پند و موعظه تازه‌ای از جانب پروردگارشان نباید جز آنکه آن پند را شنیده و باز به بازی دنیا و لهو و لعب عمر می‌گذرانند.

مَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّن رَّبِّهِمْ مُّحَدِّثٍ إِلَّا أَسْتَمَعُوهُ وَهُمْ يَلْعَبُونَ

دلهاشان به لهو و بازیچه دنیا متوجه است؛ و مردم ستمکار پنهان و آهسته با یکدیگر می‌گویند: آیا این شخص جز آن است که بشری مانند شماست؟ چرا شما که مردمی بصیر و دانا هستید سحر او را می‌پذیرید؟

لَا هِيَةَ قُلُوبُهُمْ وَأَسْرَأُ السَّجْوَى الَّذِينَ ظَلَمُوا هَلْ هَذَا إِلَّا بَشْرٌ مِّثْلُكُمْ أَفَتَأْتُونَ السَّحَرَ وَأَنْتُمْ تَبْصُرُونَ

پیامبر گفت: خدای من هر حرفی که خلق در آسمان و زمین گویند همه را می‌داند، که او خدای شنوا و داناست.

قَالَ رَبِّي يَعْلَمُ الْقَوْلَ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

بلکه این مردم (غافل نادان) گفتند که سخنان قرآن خواب و خیالی بی‌اساس است، بلکه این کلمات را خود فرابافته بلکه شاعر بزرگی است و گرنه باید مانند پیغمبران گذشته آیت و معجزه‌ای برای ما بیاورد.

بَلْ قَالُوا أَضْغَتْ أَحْلَمِ بَلِ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ شَاعِرٌ فَلْيَأْتِنَا بَيِّنَاتٍ كَمَا أُرْسِلَ الْأَوْلُونَ

پیش از اهل مکه هم ما اهل هر شهری که ایمان (به خدا و روز قیامت) نیاوردند همه را هلاک کردیم آیا اهل مکه ایمان خواهند آورد؟

مَا ءَامَنْتَ قَبْلَهُمْ مِّنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَفَهُمْ يُؤْمِنُونَ

و ما پیش از تو کسی را به رسالت نفرستادیم جز مردانی (پاک) را که به آنها (هم مانند تو) وحی می‌فرستادیم؛ شما اگر خود نمی‌دانید بروید و از اهل ذکر (و دانشمندان امت) سؤال کنید.

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ إِلَّا رِجَالًا نُّوحِي إِلَيْهِمْ فَسْأَلُوا أَهْلَ الدِّكْرِ إِنْ كُنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

و ما پیغمبران را (چون فرشته) بدون بدن دنیوی قرار ندادیم تا به غذا و طعام محتاج نباشند و در دنیا هم همیشه زنده نماندند.

وَمَا جَعَلْنَاهُمْ جَسَدًا لَا يَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَمَا كَانُوا خَالِدِينَ

آن‌گاه ما به وعده‌ای که به آنها دادیم وفا کردیم و آنان را با هر که خواستیم (از شر دشمنان) نجات دادیم و مسرفان ظالم را هلاک گردانیدیم.

ثُمَّ صَدَقْنَاهُمُ الْوَعْدَ فَأَنْجَيْنَاهُمْ وَمَنْ نَّشَاءُ وَأَهْلَكْنَا الْمُسْرِفِينَ

همانا ما به سوی شما امت کتابی که مایه شرافت و عزت شماست فرستادیم، آیا نباید در این کتاب بزرگ تعقل کرده و حقایق آن را فهم کنید؟

لَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ كِتَابًا فِيهِ ذِكْرُكُمْ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

وَكَمْ قَصَمْنَا مِنْ قَرْيَةٍ كَانَتْ ظَالِمَةً وَأَنْشَأْنَا بَعْدَهَا قَوْمًا  
ءَاخِرِينَ

فَلَمَّا أَحْسُوا بَأْسَنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَرْكُضُونَ

لَا تَرْكُضُوا وَارْجِعُوا إِلَىٰ مَا أُتْرِفْتُمْ فِيهِ وَمَسْكِنِكُمْ  
لَعَلَّكُمْ تَسْأَلُونَ

قَالُوا يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

فَمَا زَالَتْ تِلْكَ دَعْوَاهُمْ حَتَّىٰ جَعَلْنَاهُمْ حَصِيدًا خَمِدِينَ

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعِبِينِ

لَوْ أَرَدْنَا أَنْ نَتَّخِذَ لَهَوًا لَّاتَّخَذْنَاهُ مِنْ لَدُنَّا إِنْ كُنَّا فَاعِلِينَ

بَلْ نَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَى الْبَاطِلِ فَيَدْمَغُهُ فَإِذَا هُوَ زَاهِقٌ  
وَلَكُمْ الْوَيْلُ مِمَّا تَصِفُونَ

وَلَهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَنْ عِنْدَهُ لَا يَسْتَكْبِرُونَ  
عَنْ عِبَادَتِهِ وَلَا يَسْتَحْسِرُونَ

يُسَبِّحُونَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لَا يَفْتُرُونَ

أَمْ اتَّخَذُوا ءَالِهَةً مِّنَ الْأَرْضِ هُمْ يُنْشِرُونَ

لَوْ كَانَ فِيهِمَا ءَالِهَةٌ إِلَّا اللَّهُ لَفَسَدَتَا فَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ  
الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

لَا يُسْأَلُ عَمَّا يَفْعَلُ وَهُمْ يُسْأَلُونَ

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ هَذَا ذِكْرُ  
مَنْ مَعِيَ وَذِكْرُ مَنْ قَبْلِي بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ الْحَقَّ

فَهُمْ مُّعْرِضُونَ

و چه بسیار مردم ستمگری در شهر و دیارها بودند که ما آنها را درهم شکسته و هلاک ساختیم و قومی دیگر به جای آنها بیافریدیم.

پس هنگامی که آن ستمکاران عذاب ما را به چشم مشاهده کردند از آن دیار رو به فرار نهادند.

(در آن حال به آنها خطاب شد که) مگریزید و رو به کامرانها و خانه‌های خود آرید (و به اصلاح فسادکاری خویش پردازید) که روزی ممکن است از آن بازخواست شوید.

ظالمان به حسرت و ندامت گفتند: وای بر ما که سخت ستمکار بودیم.

و پیوسته همین گفتار (حسرت بار) بر زبانشان بود تا آنکه ما همه را طعمه شمشیر مرگ و خاموش هلاکت ساختیم.

و ما آسمان و زمین و آنچه را که بین زمین و آسمان است به بازیچه نیافریدیم.

اگر می‌خواستیم جهان را به بازی گرفته و کاری بیهوده انجام دهیم می‌کردیم.

بلکه ما همیشه حق را بر باطل غالب و فیروز می‌گردانیم تا باطل را محو و نابود سازد و باطل بی‌درنگ نابود می‌شود، و وای بر شما که خدا را به وصف کار باطل و بازیچه متصف می‌گردانید.

و هر چه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست، و فرشتگان و ارواح قدسی که در پیشگاه حضرتش مقربند هیچ‌گاه از بندگیش گردنکشی و سرپیچی نکنند و (از عبادتی که به شوق و رغبت می‌کنند) هرگز خسته و ملول نشوند.

همه به شب و روز بی‌آنکه هیچ سستی کنند به تسبیح و ستایش او مشغولند.

مگر این مردم (مشرک نادان) خدایانی از همین زمین برگرفته‌اند که جان آفرین باشند؟

اگر در آسمان و زمین غیر از خدای یکتا خدایانی وجود داشت همانا خلل و فساد در آسمان و زمین راه می‌یافت، پس (از نظم ثابت عالم) بدانید که پادشاه ملک وجود خدای یکتاست و از توصیف و اوهام مشرکان پاک و منزّه است.

و او بر هر چه می‌کند بازخواست نشود ولی خلق از کردارشان بازخواست می‌شوند.

آیا خدا را رها کرده و خدایان باطل بی‌اثر را برگرفتند؟ بگو: برهاتتان چیست؟ بیاورید. این ذکر (خدای یکتا و دعوت به توحید، سخن من و عالمان) امت من است و همه انبیاء و دانشمندان پیش از من، اما بیشتر این مشرکان به حق دانا نیستند که از آن اعراض می‌کنند.

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا نُوحِيَ إِلَيْهِ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنَا فَاعْبُدُونِ

وَقَالُوا اتَّخَذَ الرَّحْمَنُ وَلَدًا سُبْحَانَهُ بَلْ عِبَادٌ مُّكْرَمُونَ

لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَلَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْتَضَىٰ وَهُمْ مِنَ خَشْيَتِهِ مُشْفِقُونَ

وَمَنْ يَقُلْ مِنْهُمْ إِنِّي إِلَهٌ مِنْ دُونِهِ فَذَلِكِ نَجْرِيهِ جَهَنَّمَ كَذَلِكَ نَجْزِي الظَّالِمِينَ

أَوَلَمْ يَرِ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ كَانَتَا رَتْقًا فَفَتَقْنَاهُمَا ۖ وَجَعَلْنَا مِنَ الْمَاءِ كُلَّ شَيْءٍ حَيٍّ أَفَلَا يُؤْمِنُونَ

وَجَعَلْنَا فِي الْأَرْضِ رَوَاسِيَ أَنْ تَمِيدَ بِهِمْ وَجَعَلْنَا فِيهَا فِجَاجًا سُبُلًا لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

وَجَعَلْنَا السَّمَاءَ سَقْفًا مَحْفُوظًا وَهُمْ عَنْ آيَاتِهَا مُعْرِضُونَ

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَالشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

وَمَا جَعَلْنَا لِبَشَرٍ مِنْ قَبْلِكَ الْخُلْدَ ۖ أَفَأَيْنَ مِتَّ فَهُمْ الْخَالِدُونَ

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ۗ وَنَبْلُوكُمْ بِالشَّرِّ وَالْخَيْرِ فِتْنَةً ۗ وَإِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

و ما هیچ رسولی را پیش از تو به رسالت نفرستادیم جز آنکه به او وحی کردیم که به جز من خدایی نیست، پس مرا به یکتایی پرستش کنید و بس.

و مشرکان گفتند که خدای رحمان دارای فرزند است، (حاشا) خدا پاک و منزّه از آن است، بلکه (کسانی را که مشرکان فرزند خدا پنداشتند از فرشتگان و مسیح و عزیر) همه بندگان گرامی و مقرب خدا هستند.

که هرگز پیش از امر خدا کاری نخواهند کرد و هر چه کنند به فرمان او کنند.

هر چه آنان از ازل کرده و تا ابد می‌کنند همه را خدا می‌داند و هرگز از احدی جز آن کسی که خدا از او راضی است شفاعت نکنند و آنها دائم از خوف (قهر) خدا هراسانند.

و هر کس از آنها بگوید که من خدای عالمم دون خدای به حق، ما او را به آتش دوزخ کیفر خواهیم کرد، که سرکشان و ستمکاران را البته چنین مجازات می‌کنیم.

آیا کافران ندیدند که آسمانها و زمین بسته بود ما آنها را بشکافتیم و از آب هر چیز زنده‌ای را آفریدیم؟ پس چرا باز (مردم طبیعت و ماده‌پرست) به خدا ایمان نمی‌آورند؟

و در روی زمین کوههای استوار قرار دادیم تا خلق را از اضطراب زمین حفظ کند، و نیز راهها در کوه و جاده‌های پهناور در زمین برای هدایت و راهیابی مردم مقرر فرمودیم.

و آسمان را سقفی محفوظ و طاقی محکم آفریدیم، و این کافران از مشاهده آیات آن اعراض می‌کنند.

و اوست خدایی که شب و روز و خورشید و ماه را بیافرید که هر یک در مدار معینی سیر می‌کنند.

و ما به هیچ کس پیش از تو عمر ابد ندادیم (تا به تو دهیم) آیا اگر تو بمیری آنان ابدًا به دنیا زنده مانند؟!

هر نفسی مرگ را می‌چشد، و ما شما را به بد و نیک و خیرات و شرور عالم مبتلا کنیم تا شما را بیازماییم و (هنگام مرگ) به سوی ما بازگردانده می‌شوید.

وَإِذَا رَأَاكَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُؤًا أَهْذَاءَ  
الَّذِي يَذْكُرُ آيَاتِكَ وَهُمْ بِذِكْرِ الرَّحْمَنِ هُمْ كَافِرُونَ

و کافران هنگام ملاقات تو، تو را جز به استهزاء نگرفته (و گویند) آیا این شخص است که بتان را که خدایان شما هستند (به اهانت و بدی) یاد می‌کند؟ (ای رسول ما بدان که) محققا آنها به ذکر خدای مهربان (و کتاب و آیات او) کافر هستند.

خُلِقَ الْإِنْسَانُ مِنْ عَجَلٍ سَأُورِيكُمْ آيَاتِي فَلَا تَسْتَعْجِلُونِ

آدمی در خلقت و طبیعت بسیار شتابکار است، (ای مردم) ما آیات (قدرت و حکمت بالغه) خود را به زودی به شما می‌نمایانیم (و شما را عذاب می‌کنیم) پس تعجیل مدارید.

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

و کافران می‌گویند: این وعده قیامت اگر راست می‌گویید کی خواهد بود؟

لَوْ يَعْلَمُ الَّذِينَ كَفَرُوا حِينَ لَا يَكْفُونُ عَنْ وُجُوهِهِمْ  
النَّارَ وَلَا عَنْ ظُهُورِهِمْ وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

اگر کافران بدانند وقتی که آتش دوزخ هر طرف از پیش روی و پشت سر به آنها احاطه می‌کند که نه خود دفع آن توانند و نه از سوی کسی یاری شوند (آن وقت از قیامت آگاه می‌شوند و دیگر درخواست عذاب نکنند).

بَلْ تَأْتِيهِمْ بَغْتَةً فَتَبْهَتُهُمْ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ رَدَّهَا وَلَا هُمْ  
يُنظَرُونَ

بلکه واقعه مرگ و قیامت ناگهانی فرا رسد و آنها را مبهوت و حیران کند که نه قدرت بر رد آن داشته و نه بر تأخیر آن مهلتی توانند یافت.

وَلَقَدْ أَسْتَهْزِئُ بِرُسُلٍ مِّن قَبْلِكَ فَحَاقَ بِالَّذِينَ سَخِرُوا  
مِنْهُمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِئُونَ

و همانا به رسولان پیش از تو نیز بسیار تمسخر و استهزاء شد تا آنکه کیفر آن استهزاء به آن استهزا کنندگان احاطه کرد.

قُلْ مَنْ يَكْفُرْكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مِنَ الرَّحْمَنِ بَلْ هُمْ عَنْ  
ذِكْرِ رَبِّهِمْ مُّعْرِضُونَ

بگو: کیست که شما را در شب و روز از (قهر) خدای مهربان محافظت می‌کند؟ بلکه این مردم از یاد خدای خود اعراض می‌کنند.

أَمْ لَهُمْ آلِهَةٌ تَمْنَعُهُمْ مِّن دُونِنَا لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَ  
أَنْفُسِهِمْ وَلَا هُمْ مِمَّنْ يُصْحَبُونَ

آیا برای این مشرکان غیر ما خدایانی هست که بتوانند عذاب ما را از اینان منع کنند در صورتی که نه آن خدایان قدرت بر دفاع از خود دارند و نه آنها از سوی ما همراهی و حمایت شوند؟

بَلْ مَتَّعْنَا هَؤُلَاءِ وَءَابَاءَهُمْ حَتَّى طَالَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ أَفَلَا  
يَرَوْنَ أَنَّا نَأْتِي الْأَرْضَ نَنْقُصُهَا مِنْ أَطْرَافِهَا أَفَهُمُ الْغَالِبُونَ

بلکه تنها ماییم که این مردم و پدران پیشینشان را متمتع (به نعمتهای دنیا) کردیم تا آنکه عمر دراز کردند، آیا مردم نمی‌بینند که ماییم که اراده کنیم و زمین (و اهلش) را از هر طرف (به مرگ و فنا) می‌کاهیم، آیا این خلق (عاجز بر ما) غلبه توانند کرد؟

قُلْ إِنَّمَا أُنذِرُكُم بِالْوَحْيِ وَلَا يَسْمَعُ الصُّمُّ الدُّعَاءَ إِذَا مَا يُنذِرُونَ

۴۶

وَلَيْنَ مَسَّتْهُمُ نَفْحَةٌ مِّنْ عَذَابِ رَبِّكَ لَيَقُولُنَّ يَوَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

۴۷

وَنَضَعُ الْمَوَازِينَ الْقِسْطَ لِيَوْمِ الْقِيَمَةِ فَلَا تُظْلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَإِنْ كَانَ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ أَتَيْنَا بِهَا وَكَفَى بِنَا حَاسِبِينَ

۴۸

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ وَهَارُونَ الْفُرْقَانَ وَضِيَآءَ وَذِكْرًا لِّلْمُتَّقِينَ

۴۹

الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَهُمْ مِّنَ السَّاعَةِ مُشْفِقُونَ

۵۰

وَهَذَا ذِكْرٌ مُّبَارَكٌ أَنْزَلْنَاهُ أَفَأَنْتُمْ لَهُ مُنْكَرُونَ

۵۱  
حزب  
۱۳۱  
۲۸۲۲

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا إِبْرَاهِيمَ رُشْدَهُ مِن قَبْلُ وَكُنَّا بِهِ عَالِمِينَ

۵۲

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَا هَذِهِ التَّمَاثِيلُ الَّتِي أَنْتُمْ لَهَا عَاكِفُونَ

۵۳

قَالُوا وَجَدْنَا ءَابَاءَنَا لَهَا عَابِدِينَ

۵۴

قَالَ لَقَدْ كُنْتُمْ أَنْتُمْ وَعَآبَاؤُكُمْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۵۵

قَالُوا أَجِئْتَنَا بِالْحَقِّ أَمْ أَنْتَ مِنَ اللَّاعِبِينَ

۵۶

قَالَ بَلْ رَبُّكُمْ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الَّذِي فَطَرَهُنَّ وَأَنَا عَلَىٰ ذَٰلِكُمْ مِنَ الشَّاهِدِينَ

۵۷

وَتَاللَّهِ لَأَكِيدَنَّ أَصْنَامَكُمْ بَعْدَ أَنْ تُوَلُّوا مُدْبِرِينَ

بگو که من شما را به وحی خدا (از عذابش) می‌ترسانم ولی گوش کر هنگام وعظ و اندرز، سخن و دعوت حق را نمی‌شنود.

و اگر از جانب خدای تو بر این کافران شمه‌ای از عذاب فرا رسد در آن حال (به حسرت و پشیمانی) خواهند گفت: ای وای بر ما که مردم ستمکاری بودیم.

و ما ترازوهای عدل را به روز قیامت خواهیم نهاد و هیچ ستمی به هیچ نفسی نخواهد شد و اگر عملی به قدر دانه خردلی باشد در حساب آریم و تنها علم ما برای حسابگری کفایت خواهد کرد.

و همانا ما به موسی و برادرش هارون کتاب تورات را عطا کردیم که جدا سازنده میان حق و باطل و روشنی‌بخش (دلها) و یادآور متقیان است.

متقیان همانهایی هستند که از خدای خود در نهان می‌ترسند و از ساعت قیامت و روز جزا سخت هراسانند.

و این قرآن کتابی است با اندرز و تذکر و برکت بسیار که ما آن را فرستادیم، آیا شما آن را انکار خواهید کرد؟

و همانا ما پیش از این ابراهیم را کاملا به رشد و کمال خود رسانیدیم (تا بیرق توحید و خداپرستی را در عالم برافرازد) و ما به شایستگی او بر این مقام دانا بودیم.

هنگامی که با پدرش (یعنی عمویش) و با قومش گفت: این مجسمه‌های بی‌روح و بت‌های بی‌اثر چیست که شما به خدایی می‌پرستید و بر آن عمری متوقف شده‌اید؟

آنها ابراهیم را پاسخ دادند که ما پدران خود را بر پرستش این بتان یافته‌ایم (و ما پیروی آنها خواهیم کرد).

ابراهیم گفت: همانا شما خود و پدرانتان همه سخت در گمراهی بوده و هستید.

قوم به ابراهیم گفتند: آیا تو (بر علیه شرک و اثبات توحید) حرف حق و حجت قاطعی برای ما آورده‌ای یا سخنی به بازیچه و هزل می‌رانی؟

ابراهیم پاسخ داد که خدای شما همان خدایی است که آفریننده آسمانها و زمین است و من بر این سخن به یقین گواهی می‌دهم.

و به خدا قسم که من این بت‌های شما را چاره‌ای کنم (و با هر تدبیری توانم درهم می‌شکنم) بعد از آنکه شما (برای تفرج و رسوم عید به صحرا روید و از بتخانه) روی گردانید.

فَجَعَلَهُمْ جُذَذًا إِلَّا كَبِيرًا لَهُمْ لَعَلَّهُمْ إِلَيْهِ يَرْجِعُونَ

۵۹

قَالُوا مَنْ فَعَلَ هَذَا بِآلِهَتِنَا إِنَّهُ لَمِنَ الظَّالِمِينَ

۶۰

قَالُوا سَمِعْنَا فَتَىٰ يَدُكُرُّهُمْ يُقَالُ لَهُ وَابْرَاهِيمُ

۶۱

قَالُوا فَأَتُوا بِهِ عَلَىٰ أَعْيُنِ النَّاسِ لَعَلَّهُمْ يَشْهَدُونَ

۶۲

قَالُوا ءَأَنْتَ فَعَلْتَ هَذَا بِآلِهَتِنَا يَا اِبْرَاهِيمُ

۶۳

قَالَ بَلْ فَعَلَهُ كَبِيرُهُمْ هَذَا فَسْأَلُوهُمْ إِنْ كَانُوا يَنْطِقُونَ

۶۴

فَرَجَعُوا إِلَىٰ أَنفُسِهِمْ فَقَالُوا إِنَّكُمْ أَنْتُمُ الظَّالِمُونَ

۶۵

ثُمَّ نَكِسُوا عَلَىٰ رُءُوسِهِمْ لَقَدْ عَلِمْتَ مَا هَؤُلَاءِ يَنْطِقُونَ

۶۶

قَالَ أَفَتَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُكُمْ شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ

۶۷

أَفِ لَكُمْ وَلِمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

۶۸

قَالُوا حَرِّقُوهُ وَانصُرُوا آلِهَتَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ فاعِلِينَ

۶۹

قُلْنَا يَنَارُ كُونِي بَرْدًا وَسَلَامًا عَلَىٰ اِبْرَاهِيمَ

۷۰

وَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَخْسَرِينَ

۷۱

وَنَجَّيْنَاهُ وَلُوطًا إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي بَارَكْنَا فِيهَا لِلْعَالَمِينَ

۷۲

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ نَافِلَةً ۗ وَكُلًّا جَعَلْنَا صَالِحِينَ

(در آن موقع به بتخانه شد) و همه بتها را درهم شکست به جز بت بزرگ آنها را تا (در مقام شکایت) به او رجوع کنند.

قوم ابراهیم گفتند: کسی که چنین کاری با خدایان ما کرده همانا بسیار ستمکار است.

(آنان که لعن بتان را از ابراهیم شنیده بودند) گفتند که ما جوانی ابراهیم نام را شنیده‌ایم که بتان را (به بدی و زشتی) یاد می‌کرد.

قوم گفتند: او را حاضر سازید در حضور جماعت تا بر این کار او گواهی دهند.

به او گفتند: ای ابراهیم آیا تو با خدایان ما چنین کردی؟

ابراهیم (در مقام احتجاج) گفت: بلکه این کار را بزرگ آنها کرده است، شما از این بتان سؤال کنید اگر سخن می‌گویند.

آن‌گاه با خود فکر کردند و باهم گفتند: البته شما ستمکارید (که این بتان عاجز و بی‌اثر را می‌پرستید نه ابراهیم که آنها را درهم شکسته است).

و سپس همه سر به زیر شدند و گفتند: تو می‌دانی که این بتان را نطق و گویایی نیست.

ابراهیم گفت: پس چرا خدا را (که هر نفعی به دست اوست) رها کرده و بتهایی را می‌پرستید که هیچ نفع و ضرری برای شما ندارند؟

اف بر شما و بر آنچه به جز خدای یکتا می‌پرستید، آیا شما عقل خود را هیچ‌کار نمی‌بندید؟

قوم گفتند: ابراهیم را بسوزانید و خدایان خود را یاری کنید اگر (بر رضای خدایان) کاری خواهید کرد.

(پس آن قوم آتشی سخت افروختند و ابراهیم را در آن افکندند) ما خطاب کردیم که ای آتش سرد و سالم برای ابراهیم باش (آتش به خطاب خدا گل و ریحان گردید).

و قوم در مقام کید و کینه او برآمدند و ما (کیدشان را باطل کرده) آنها را به سخت‌ترین زیان و حسرت انداختیم.

و ما ابراهیم را با (برادرزاده‌اش) لوط (از شر نمرودیان) برهانیدیم و به (شام) سرزمینی که مایه برکت جهانیان قرار دادیم آنها را بفرستادیم.

و به او اسحاق و افزون بر آن (فرزندزاده‌اش) یعقوب را عطا کردیم و همه را صالح و شایسته (مقام نبوت) گردانیدیم.

وَجَعَلْنَاهُمْ أَيْمَةً يَهْدُونَ بِأَمْرِنَا وَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِمْ فِعْلَ  
الْخَيْرَاتِ وَإِقَامَ الصَّلَاةِ وَإِيتَاءَ الزَّكَاةِ وَكَانُوا لَنَا عَبِيدِينَ

وَلَوْطًا ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْقَرْيَةِ الَّتِي  
كَانَتْ تَعْمَلُ الْخَبِيثَاتِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ سَوْءٍ فَاسِقِينَ

وَأَدْخَلْنَاهُ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُ مِنَ الصَّالِحِينَ

وَنُوحًا إِذْ نَادَى مِنْ قَبْلُ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ  
مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

وَنَصْرْنَاهُ مِنَ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمَ  
سَوْءٍ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ

وَدَاوُدَ وَسُلَيْمَانَ إِذْ يَحْكُمَانِ فِي الْحَرْثِ إِذْ نَفَشَتْ فِيهِ  
غَنَمَ الْقَوْمِ وَكُنَّا لِحُكْمِهِمْ شَاهِدِينَ

فَفَهَّمْنَاهَا سُلَيْمَانَ وَكُلًّا ءَاتَيْنَا حُكْمًا وَعِلْمًا وَسَخَّرْنَا مَعَ  
دَاوُدَ الْجِبَالَ يُسَبِّحْنَ وَالطَّيْرَ وَكُنَّا فَاعِلِينَ

وَعَلَّمْنَاهُ صَنْعَةَ لَبُوسٍ لَكُمْ لِتُحْصِنَكُمْ مِنْ بَأْسِكُمْ  
فَهَلْ أَنْتُمْ شَاكِرُونَ

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ عَاصِفَةً تَجْرِي بِأَمْرِهِ إِلَى الْأَرْضِ الَّتِي  
بَرَكَنَا فِيهَا وَكُنَّا بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمِينَ

۷۴

۷۵

۷۶  
۲۸۳

۷۷

۷۸

۷۹

۸۰

۸۱

و آنان را پیشوای مردم ساختیم تا (خلق را) به امر ما هدایت کنند و هر کار نیکو را (از انواع عبادات و خیرات) و خصوص اقامه نماز و اداء زکات را به آنها وحی کردیم و آنها هم به عبادت ما پرداختند.

و لوط را هم مقام حکمفرمایی (و یا حکمت و نبوت) و علم عطا نمودیم و او را از شهری که اهلیش به اعمال زشت (و کار پلید لواط) می‌پرداختند نجات دادیم که آنها بسیار بدکار و فاسق مردمی بودند.

و او را در رحمت خود داخل کردیم زیرا که از مردم بسیار صالح و نیکوکار به شمار بود.

و (یاد کن حکایت) نوح را که پیش از این (خدا را به یاری خود) خواند، ما هم او را پاسخ دادیم و او و اهل بیتش (و گرویدگانش) را از اندوه و بلای سخت (طوفان) نجات دادیم.

و او را بر دفع آن قومی که آیات ما را تکذیب کردند نصرت دادیم، که آن قوم بسیار بدکار (و کافر) بودند و ما همه آنها را یکسر (به طوفان) غرق کردیم.

و (یاد کن احوال) داود و سلیمان را وقتی که درباره گوسفندان بی‌شبابی که در مزرعی چریدند (و آن را تباہ کردند) قضاوت می‌نمودند (که از شیرشان صاحب زرع به قدر زراعتش استفاده کند) و ما بر حکم آنها گواه بودیم.

و ما آن قضاوت را به سلیمان به وحی آموختیم و به هر یک (از سلیمان و داود) مقام حکمفرمایی و دانش عطا کردیم و کوهها و مرغان را مسخر داود گردانیدیم که با (آهنگ تسبیح و نغمه) او تسبیح می‌کردند، و ما این معجزات را از او پدید آوردیم.

و ما به داود صنعت زره ساختن برای شما آموختیم تا شما را از زخم شمشیر و آزار یکدیگر محفوظ دارد، آیا شکر به جای می‌آورید؟

و باد تند سیر صرصر را ما مسخر سلیمان گردانیدیم که به امر او بدان سرزمین (سرزمین شامات) که با برکت برای جهانیان کردیم حرکت می‌کرد، و ما به همه امور عالم داناییم.



وَمِنَ الشَّيْطَانِ مَنْ يُعُوصُونَ لَهُ وَيَعْمَلُونَ عَمَلًا دُونَ ذَلِكَ وَكُنَّا لَهُمْ حَافِظِينَ

و نیز برخی از دیوان را مسخر سلیمان کردیم که به دریا برای او غواصی کنند و یا به کارهای دیگر در دستگاه او بپردازند، و ما نگهبان دیوان (برای حفظ ملک سلیمان) بودیم.

وَأَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أَنِّي مَسَّنِيَ الضُّرُّ وَأَنْتَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ

و (یاد کن حال) ایوب را وقتی که پروردگار خود را خواند که مرا بیماری و رنج سخت رسیده و تو (بر بندگان) از همه مهربانان عالم مهربان‌تری.

فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَكَشَفْنَا مَا بِهِ مِنْ ضُرٍّ وَعَآتَيْنَاهُ أَهْلَهُ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِّنْ عِنْدِنَا وَذِكْرَىٰ لِلْعَابِدِينَ

پس ما دعای او را مستجاب کردیم و درد و رنجش را برطرف ساختیم و اهل و فرزندان او را (که از او گرفته بودیم) با عده دیگر به مثل آنها باز به او عطا کردیم تا هم لطف و رحمتی در حق او کرده باشیم و هم اهل عبادت متذکر (لطف و احسان ما) شوند.

وَإِسْمَاعِيلَ وَإِدْرِيسَ وَذَا الْكِفْلِ كُلٌّ مِّنَ الصَّابِرِينَ

و (نیز یاد آر حال) اسماعیل و ادريس و ذو الکفل را که همه بندگان صابر ما بودند.

وَأَدْخَلْنَاهُمْ فِي رَحْمَتِنَا إِنَّهُمْ مِّنَ الصَّالِحِينَ

و ما آنها را به رحمت (خاص) خود درآوردیم، زیرا آنان از نیکان عالم به شمار بودند.

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغْلُظًا فَلَمْ يَأْتِ الْفُلَ فَأَنزَلْنَاهُ وَإِن يَدْعُنِي إِلَىٰ سَبْحٍ فَلْنَبِّئْهُنَّ حَقَّ بَشِيرٍ وَلَا نُنزِلُ الْعَذَابَ إِلَّا الْفَاسِقِينَ

و (یاد آر حال) ذو النون (یعنی یونس) را هنگامی که (از میان قوم خود) غضبناک بیرون رفت و چنین پنداشت که ما هرگز او را در مضیقه و سختی نمی‌افکنیم (تا آنکه به ظلمات دریا و شکم ماهی در شب تار گرفتار شد) آن گاه در آن ظلمتها فریاد کرد که خدایی به جز ذات یکتای تو نیست، تو (از شریک و هر عیب و آلابش) پاک و منزهی و من از ستمکاران بودم (که بر نفس خود ستم کردم).

فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَنَجَّيْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُخْرِجُ الْمُؤْمِنِينَ

پس ما دعای او را مستجاب کردیم و او را از گرداب غم نجات دادیم و اهل ایمان را هم این گونه نجات می‌دهیم.

وَزَكَرِيَّا إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

و (یاد آر حال) زکریا را هنگامی که خدای خود را ندا کرد که بار الها، مرا یک تن و تنها وامگذار (و به من فرزندی که وارث من باشد عطا فرما) که تو بهترین وارث اهل عالم هستی.

فَأَسْتَجِبْنَا لَهُ وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَاهُمْ نَبِيًّا وَوَضَعْنَاهُ فِي الْوَدَّاعِ وَكَانَ آيَاتِنَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ وَالْبِحَارِ وَالشَّجَرِ الْأَعْلَىٰ وَالسَّائِغَاتِ وَالْأَنْجَامِ كُلِّ ذِي عِلْمٍ إِنَّ آيَاتِنَا لَخَشِيعَةً لِّعِبَادٍ لَّا خَشْيَةَ إِبْرَاهِيمَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ رَبِّ لَا تَذَرْنِي فَرْدًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْوَارِثِينَ

ما هم دعای او را مستجاب کردیم و یحیی و یحیی را به او عطا فرمودیم و جفتش را (که نازا بود) برای او شایسته (همسری و قابل ولادت) گردانیدیم، زیرا آنها در کارهای خیر تعجیل می‌کردند و در حال بیم و امید ما را می‌خواندند و همیشه به درگاه ما خاضع و خاشع بودند.

وَالَّتِي أَحْصَنْتَ فَرَجَهَا فَنفَخْنَا فِيهَا مِنْ رُوحِنَا وَجَعَلْنَاهَا  
وَأَبْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ

و (یاد کن حال) آن زن (یعنی مریم) را که دامنش را پاکیزه نگاه داشت و ما در آن از روح خود بدمیدیم و او را با فرزندش (عیسی) معجز و آیتی بزرگ برای اهل عالم قرار دادیم.

این طریقه شما آیین یگانه (و پاک اسلام) است و من یکتا پروردگار و آفریننده شما هستم، پس تنها مرا پرستش کنید.

إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاعْبُدُونِ

و امت (با این سفارش) باز در کار دین، بین خود تفرقه و اختلاف انداختند (و ملت واحد را پریشان و متفرق ساختند ولی) باز رجوع همه به سوی ما خواهد بود.

وَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ كُلُّ إِلَيْنَا رَاجِعُونَ

پس هر کس اعمالش نیکو و دارای ایمان است سعیش (در راه دین) ضایع نخواهد شد و ما آن را کاملاً می‌نویسیم.

فَمَنْ يَعْمَلْ مِنَ الصَّالِحَاتِ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَا كُفْرَانَ  
لِسَعْيِهِ وَإِنَّا لَهُ وَكَاتِبُونَ

و اهل دیاری را که ما هلاک گردانیم دیگر زندگانی بر آنها حرام است و هرگز (به دنیا یا به ایمان) باز نخواهند گشت.

وَحَرَامٌ عَلَىٰ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ

تا روزی که راه یاجوج و ماجوج باز شود و آنان از هر جانب (پست و) بلند زمین شتابان درآیند (که روز قیامت یا قیام ولی عصر علیه السلام مقصود است).

حَتَّىٰ إِذَا فُتِحَتْ يَأْجُوجُ وَمَأْجُوجُ وَهُمْ مِمَّنْ كُلِّ حَدَبٍ  
يَنْسِلُونَ

و وعده (ثواب و عقاب) حق بسیار نزدیک شود و ناگهان چشم کافران از حیرت بی‌حرکت فرو ماند (و فریاد کنند) ای وای بر ما که از این روز غافل بودیم بلکه سخت به راه ستمکاری شتافتیم.

وَأَقْتَرَبَ الْوَعْدُ الْحَقُّ فَإِذَا هِيَ شَاخِصَةٌ أَبْصَرُ الَّذِينَ  
كَفَرُوا يَتُوبِلَنَا قَدْ كُنَّا فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا بَلْ كُنَّا  
ظَالِمِينَ

(و به آن کافران خطاب شود) البته شما و آنچه غیر خدا می‌پرستید امروز همه آتش افروز دوزخید و در آن آتش وارد می‌شوید.

إِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ حَصَبُ جَهَنَّمَ أَنْتُمْ لَهَا  
وَارِدُونَ

اگر این بتان (که شما می‌پرستید) به راستی خدایان بودند به دوزخ نمی‌شدند در صورتی که (شما و بتاتان) همه در آتش مخلد خواهید بود.

لَوْ كَانَ هَؤُلَاءِ آءَالِهَةً مَّا وَرَدُّوهَا كُلُّ فِيهَا خَالِدُونَ

آن کافران را در دوزخ زفیر و ناله بسیار دردناکی است و در آنجا هیچ سخنی (که مایه امید و نشاط شود) نخواهند شنید.

لَهُمْ فِيهَا زَفِيرٌ وَهُمْ فِيهَا لَا يَسْمَعُونَ

و البته (مؤمنان) آنان که توفیق و وعده نیکوی ما (در سرنوشت ازلی) بر آنها سبقت یافته از آن دوزخ به دور خواهند بود.

إِنَّ الَّذِينَ سَبَقَتْ لَهُم مِّنَّا الْحُسْنَىٰ أُولَٰئِكَ عَنْهَا مُبْعَدُونَ

لَا يَسْمَعُونَ حَسِيسَهَا وَهُمْ فِي مَا أُشْتَهَتْ أَنْفُسُهُمْ  
خَالِدُونَ

آنها هرگز آواز جهنم را نخواهند شنید و به آنچه مشتاق و مایل آتند تا ابد متعتمدند.

و هیچ گاه فزع اکبر و هنگامه بزرگ قیامت آنها را محزون نخواهد ساخت و با آنان فرشتگان (رحمت) ملاقات کنند (و گویند) این است آن روز (سعادت) شما که در دنیا به شما وعده می‌دادند.

لَا يَحْزَنُهُمُ الْفَزَعُ الْأَكْبَرُ وَتَتَلَقَّيْنَهُمُ الْمَلَائِكَةُ هَذَا  
يَوْمَكُمْ الَّذِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

روزی که آسمانها را مانند طومار در هم پیچیم و به حال اول که آفریدیم باز برگردانیم، این وعده ماست که البته انجام خواهیم داد.

يَوْمَ نَطْوِي السَّمَاءَ كَطَيِّ السِّجْلِ لِلْكِتَابِ كَمَا بَدَأْنَا أَوَّلَ  
خَلْقِ نُعِيدُهُ وَوَعْدًا عَلَيْنَا إِنَّا كُنَّا فَاعِلِينَ

و ما بعد از تورات در زبور (داود) نوشتیم که البته بندگان نیکوکار من ملک زمین را وارث و متصرف خواهند شد.

وَلَقَدْ كَتَبْنَا فِي الزَّبُورِ مِنْ بَعْدِ الذِّكْرِ أَنَّ الْأَرْضَ يَرِثُهَا  
عِبَادِي الصَّالِحُونَ

بی‌شک در این قرآن برای اهل عبادت مایه وصول به مقصد حق نهفته است.

إِنَّ فِي هَذَا لَبَلَاغًا لِقَوْمٍ عَبْدِينَ

و (ای رسول) ما تو را نفرستادیم مگر آنکه رحمت برای اهل عالم باشی.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا رَحْمَةً لِّلْعَالَمِينَ

بگو که بر من به یقین و درست این وحی می‌رسد که خدای شما خدایی است یکتا، پس آیا شما تسلیم (امر او) خواهید شد؟

قُلْ إِنَّمَا يُوحِي إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُهُ وَاحِدٌ فَهَلْ أَنْتُمْ  
مُسْلِمُونَ

و چنانچه کافران (از حق) رو گردانیدند به آنان بگو: من (بر حسب وظیفه رسالت) شما را یکسان آگاه کردم و دیگر نمی‌دانم که آن وعده روز سخت قیامت که به شما دادند دور یا نزدیک خواهد بود.

فَإِنْ تَوَلَّوْا فَقُلْ ءَاذَنْتُكُمْ عَلَىٰ سَوَاءٍ وَإِنْ أَدْرِي أَقْرِبُ أَمْ  
بَعِيدٌ مَّا تُوعَدُونَ

همانا خدا به همه سخنان آشکار و اندیشه‌های پنهان شما آگاه است.

إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ مِنَ الْقَوْلِ وَيَعْلَمُ مَا تَكْتُمُونَ

و خود ندانم شاید این (تأخیر عذاب) برای شما امتحانی باشد و تمتعی (در دنیا) تا به هنگامی (که مرگ فرا رسد).

وَإِنْ أَدْرِي لَعَلَّهُ فِتْنَةٌ لَّكُمْ وَمَتَاعٌ إِلَىٰ حِينٍ

رسول گفت: الها، تو به حق (میان ما) حکم کن، و پروردگار ما همان خدای مهربان است و بر ابطال آنچه شما بر خلاف حق می‌گویید تنها از او یاری باید خواست.

قُلْ رَبِّ أَحْكُم بِالْحَقِّ وَرَبُّنَا الرَّحْمَنُ الْمُسْتَعَانُ عَلَىٰ مَا  
تَصِفُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ إِنَّ زَلْزَلَةَ السَّاعَةِ شَيْءٌ عَظِيمٌ

ای مردمان، خدا ترس و پرهیزکار باشید که زلزله روز قیامت بر خلائق بسیار حادثه بزرگ و واقعه سختی خواهد بود.

آن روز که آن هنگامه بزرگ را مشاهده کنید خواهید دید که هر زن شیرده طفل خود را (از هول) فراموش کند و هر آبستن بار رحم را بیفکند، و مردم را (از وحشت آن روز) بیخود و مست بنگری در صورتی که مست نیستند و لیکن عذاب خدا سخت است.

يَوْمَ تَرُونَهَا تَذْهَلُ كُلُّ مُرْضِعَةٍ عَمَّا أَرْضَعَتْ وَتَضَعُ كُلُّ ذَاتِ حَمْلٍ حَمْلَهَا وَتَرَى النَّاسَ سُكَرَىٰ وَمَا هُمْ بِسُكَرَىٰ وَلَٰكِنَّ عَذَابَ اللَّهِ شَدِيدٌ

و از مردم کسی هست که از جهل و نادانی در کار خدا جدل کند و از پی هر شیطان گمراه کننده‌ای رود.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّبِعُ كُلَّ شَيْطَانٍ مَّرِيدٍ

(در لوح تقدیر) بر آن شیطان چنین فرض و لازم شده که هر کس او را دوست و پیشوای خود سازد وی او را گمراه کند و به عذاب سوزان دوزخش رهبر شود.

كُتِبَ عَلَيْهِ أَنَّهُ مَن تَوَلَّاهُ فَأَنَّهُ يُضِلُّهُ وَيَهْدِيهِ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ

ای مردم، اگر شما در (روز قیامت و قدرت خدا بر) بعث مردگان شک و ریبی دارید (برای رفع شک خود بدین دلیل توجه کنید که) ما شما را نخست از خاک آفریدیم آن گاه از آب نطفه، آن گاه از خون بسته، آنگاه از پاره‌ای گوشت با آفرینشی تمام و ناتمام، تا (در این انتقال و تحولات قدرت خود را) بر شما آشکار سازیم و (از نطفه‌ها) آنچه را مشیت ما تعلق گیرد در رحما قرار می‌بخشیم تا به وقتی معین، آن گاه شما را به صورت طفلی (چون گوهر از صدف رحم) بیرون آریم تا (زیست کرده و) سپس به حد بلوغ و رشد خود برسید و برخی از شما (در این بین) بمیرد و برخی به سن پیری و دوران ضعف و ناتوانی رسد تا آنجا که پس از دانش و هوش خرف شود و هیچ فهم نکند، و (دلیل دیگر از ادله قدرت خدا بر معاد آن که) زمین را بنگری وقتی خشک و بی‌گیاه باشد آن گاه چون باران بر آن فرو باریم سبز و خرم شود و (تخم‌ها در آن) نمو کند و از هر نوع گیاه زیبا برویاند.

يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِن كُنْتُمْ فِي رَيْبٍ مِّنَ الْبَعْثِ فَإِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّنْ عَلَقَةٍ ثُمَّ مِّنْ مُّضْغَةٍ مُّخَلَّقَةٍ وَغَيْرِ مُخَلَّقَةٍ لِّنُبَيِّنَ لَكُمْ وَنُقِرُّ فِي الْأَرْحَامِ مَا نَشَاءُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ نُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِتَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّىٰ وَمِنْكُمْ مَّن يُرَدُّ إِلَىٰ أَرْذَلِ الْعُمُرِ لِكَيْلَا يَعْلَمَ مِن بَعْدِ عِلْمٍ شَيْئًا وَتَرَى الْأَرْضَ هَامِدَةً فَإِذَا أَنزَلْنَا عَلَيْهَا الْمَاءَ اهْتَزَّتْ وَرَبَتْ وَأُنْبَتَتْ مِن كُلِّ زَوْجٍ بَهِيجٍ

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّهُ يُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَأَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ

ثَانِي عِطْفِهِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُ فِي الدُّنْيَا خِزْيٌ وَنُذِيقُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَذَابَ الْحَرِيقِ

ذَلِكَ بِمَا قَدَّمْتَ يَدَاكَ وَأَنَّ اللَّهَ لَيْسَ بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَعْبُدُ اللَّهَ عَلَىٰ حَرْفٍ فَإِنْ أَصَابَهُ خَيْرٌ اطْمَأَنَّ بِهِ وَإِنْ أَصَابَتْهُ فِتْنَةٌ انْقَلَبَ عَلَىٰ وَجْهِهِ خَسِرَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ ذَٰلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

يَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَضُرُّهُ وَمَا لَا نَبْعُهُ ذَٰلِكَ هُوَ الضَّلَالُ الْبَعِيدُ

يَدْعُوا لَمَن ضَرُّهُ أَقْرَبُ مِن نَّفْعِهِ لَبِئْسَ الْمَوْلَىٰ وَلِبِئْسَ الْعَشِيرُ

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يُرِيدُ

مَنْ كَانَ يَظُنُّ أَن لَّن يَنْصُرَهُ اللَّهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ فَلْيَمْدُدْ بِسَبَبٍ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ لِيَقْطَعْ فَلْيَنْظُرْ هَلْ يُذْهِبَنَّ كَيْدُهُ مَا يَغِيظُ

این (آثار قدرت) دلیل است که خدا حق است و هم او البته مردگان را زنده خواهد کرد و او محققا بر هر چیز تواناست.

و محققا ساعت قیامت بی‌هیچ شک بیاید و خدا به یقین مردگان را از قبرها برانگیزد.

و از مردم کس هست که از روی جهل و گمراهی و بی‌هیچ هدایت و کتاب و حجت روشن در کار خدا جدل می‌کند.

با تکبر و نخوت از حق اعراض کرده تا (خلق را) از راه خدا گمراه گرداند، چنین کسی را در دنیا ذلت و خواری نصیب باشد و در آخرت عذاب آتش سوزانش خواهیم چشاند.

این عذاب آتش به سزای همان اعمال زشتی است که با دست خود پیش فرستادی و این که خدا هرگز کمترین ستم در حق بندگان نخواهد کرد.

و از مردم کس هست که خدا را به زبان و به ظاهر می‌پرستد (نه از باطن و حقیقت) از این رو هرگاه خیر و نعمتی به او رسد اطمینان خاطر پیدا کند و اگر آزمونی (از شر و فقر و آفتی) به او رسد (از دین خدا) رو بگرداند. چنین کس در دنیا و آخرت زیانکار است و این (نفاق و دورویی) زبانی است که بر همه کس آشکار است.

(این کافر نگون‌بخت) خدا را رها کرده و چیزی را می‌خواند (و می‌پرستد) که هیچ نفع و ضرری به حال او ندارد، و این حقا همان گمراهی دور (از هر سعادت) است.

چیزی را که به ضرر نزدیکتر از نفع است می‌خواند (و می‌پرستد)، وی بسیار بد یاوری یافته و بسیار بد دمساز و پشتیبانی اختیار کرده است.

همانا خدا آنان را که اهل ایمان و نیکوکارند داخل بهشت‌هایی کند که زیر درختانش نهرها جاری است، که خدا هر چه اراده کند خواهد کرد.

آن کس که پندارد خدا هرگز او را (یعنی رسولش را) در دنیا و آخرت یاری نخواهد کرد (و اینک نصرت‌های الهی را در حق او می‌بیند) پس طنابی به سقف بندد و خود را از آن بیاویزد تا خفه شود، آن گاه بنگرد که آیا این حيله و کید او خشمش را از بین می‌برد؟

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَاهُ آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَأَنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يُرِيدُ

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِغِينَ وَالنَّصْرَى  
وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللَّهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَمَن فِي  
الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ  
وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِّنَ النَّاسِ ۗ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ  
وَمَن يُهِنِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن مُّكْرِمٍ ۗ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ ۗ

هَذَانِ خَصْمَانِ اخْتَصَمُوا فِي رَبِّهِمْ ۚ فَالَّذِينَ كَفَرُوا  
قُطِعَتْ لَهُمْ ثِيَابٌ مِّن تَارٍ يُصَبُّ مِن فَوْقِ رُءُوسِهِمُ  
الْحَمِيمُ

يُصْهَرُ بِهِ ۗ مَا فِي بُطُونِهِمْ وَالْجُلُودُ

وَلَهُمْ مَقْعٌ مِّنْ حَدِيدٍ

كَلَّمَآ أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا مِنْهَا مِنْ غَمٍّ أُعِيدُوا فِيهَا وَذُوقُوا  
عَذَابَ الْحَرِيقِ

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يُحَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِّنْ ذَهَبٍ  
وَلُؤْلُؤًا ۖ وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

و ما همچنین (مانند سایر کتب آسمانی) این قرآن بزرگ را به صورت آیاتی روشن فرستادیم، و خدا (به این آیات) هر که را بخواهد هدایت می‌کند.

البتّه خدا بین اهل ایمان و یهود و صابئان و نصاری و گبران و آنان که به خدا شرک آوردند محققاً روز قیامت جدایی افکند (و هر کس را به جایگاه استحقاقش برد) که خدا بر (احوال و پاداش) همه موجودات عالم (بصیر و) گواه است.

آیا (ای هوشمند به چشم بصیرت) مشاهده نکردی که هر که در آسمانها و هر که در زمین است و خورشید و ماه و ستارگان و کوهها و درختان و جنبندگان و بسیاری از آدمیان همه (با کمال شوق) به سجده خدا (و اطاعت او) مشغولند و بسیاری از مردم هم (در اثر کفر و عصیان) مستوجب عذاب حق شدند؟ و هر که را خدا خوار و ذلیل گرداند دیگر کسی او را عزیز و گرامی نتواند کرد که البتّه خدا هر چه مشیت کامله‌اش تعلق گیرد خواهد کرد.

این دو گروه (مؤمن و کافر) مخالف و دشمن یکدیگرند که در (دین) خدای خود باهم به جدال برخاستند، و کافران را لباسی از آتش دوزخ به قامت بریده‌اند و بر سر آنان آب سوزان جهنم فرو ریزند.

که آنچه در درون آنهاست (از امعاء و احشاء همه) و پوست بدنشان به آن آب سوزان گداخته شود.

و گرزگران و عمودهای آهنین بر (سر) آنها مهیا باشد.

هرگاه خواهند از دوزخ به درآیند تا از غم و اندوه آن نجات یابند باز (فرشتگان عذاب) آنان را به دوزخ برگردانند و (گویند باز باید) عذاب آتش سوزان را بچشید.

البتّه خداوند آنان را که ایمان آوردند و نیکوکار شدند همه را در بهشت‌هایی داخل گرداند که زیر درختانش نهرها جاری است و در آنجا طلا و مروارید بر دست زیور بندند و تن به جامه حریر بیارایند.

وَهُدُوا إِلَى الطَّيِّبِ مِنَ الْقَوْلِ وَهُدُوا إِلَى صِرَاطِ الْحَمِيدِ

و به گفتار خوش و طریق خدای ستوده هدایت شوند.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَيَصُدُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمَسْجِدِ  
الْحَرَامِ الَّذِي جَعَلْنَاهُ لِلنَّاسِ سَوَاءً الْعَاكِفُ فِيهِ وَالْبَادِ  
وَمَن يُرِدْ فِيهِ بِالْحَادِ بِظُلْمٍ نُّذِقْهُ مِن عَذَابِ أَلِيمٍ

۲۵

وَإِذْ بَوَّأْنَا لِإِبْرَاهِيمَ مَكَانَ الْبَيْتِ أَن لَّا تُشْرِكْ بِي شَيْئًا  
وَطَهِّرْ بَيْتِيَ لِلطَّائِفِينَ وَالْقَائِمِينَ وَالرُّكَّعِ السُّجُودِ

۲۶  
۲۸۸

وَأَذِّنْ فِي النَّاسِ بِالْحَجِّ يَأْتُوكَ رِجَالًا وَعَلَى كُلِّ ضَامِرٍ يَأْتِينَ  
مِن كُلِّ فَجٍّ عَمِيقٍ

۲۷

لِيَشْهَدُوا مَنَافِعَ لَهُمْ وَيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ فِي أَيَّامٍ مَّعْلُومَاتٍ  
عَلَىٰ مَا رَزَقَهُم مِّن بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ ۖ فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعَمُوا  
الْبَائِسَ الْفَقِيرَ

۲۸

ثُمَّ لِيَقْضُوا تَفَثَهُمْ وَلِيُوفُوا نُدُورَهُمْ ۖ وَلِيَطَّوَّفُوا بِالْبَيْتِ  
الْعَتِيقِ

۲۹

ذَٰلِكَ ۖ وَمَنْ يُعْظَمِ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ خَيْرٌ لَهُ ۖ وَعِنْدَ رَبِّهِ ۚ  
وَأَحَلَّتْ لَكُمْ الْأَنْعَامَ إِلَّا مَا يُتَلَّىٰ عَلَيْكُمْ ۖ فَاجْتَنِبُوا  
الرَّجَسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ

۳۰

آنان که کافر شده و (مردم را) از راه خدا منع می‌کنند و نیز از مسجد الحرامی که (ما حرمت احکام) آن را برای اهل آن شهر و بادیه‌نشینان یکسان قرار دادیم مانع می‌شوند، و هر کسی که در آنجا اراده الحاد و تعدی کرده و (به خلق) ظلم و ستم کند همه را (به کیفر کفر و ظلمشان) از عذابی دردناک می‌چشانیم.

و (یاد آر) آن گاه که ما ابراهیم را در آن بیت الحرام تمکین دادیم (و به او وحی کردیم) که با من هیچ کس را شریک و انباز نگیر و خانه مرا برای طواف حاجیان و نمازگزاران و رکوع و سجود کنندگان (از لوث بتان و بت پرستان) پاک و پاکیزه دار.

و در میان مردم به (اداء مناسک) حج اعلام کن تا خلق پیاده و سواره بر شتران لاغر اندام تیزرو از هر راه دور به سوی تو جمع آیند.

تا (در آنجا) بر سر منافع (دنیوی و اخروی بسیار) خود حضور یابند و نام خدا را در ایامی معین یاد کنند که آنها را از حیوانات بهائم (یعنی شتر و گاو و گوسفند) روزی داده است. پس از آن تناول کرده و فقیران بیچاره را نیز (از قربانیا) طعام دهید.

آن گاه باید مناسک حج و حلق و تقصیر را به جای آرند (یعنی سر بتراشند و ناخن و موی بسترند تا از احرام به درآیند) و به هر نذر و عهدی که (در حج) کردند (یا به هر پیمانی که با خدا و خلق بسته‌اند) وفا کنند و طواف را گرد خانه عتیق (بیت الحرام کعبه) به جای آرند.

این است (احکام حج) و هر کس اموری را که خدا حرمت نهاده بزرگ و محترم شمارد البته این برایش نزد خدا بهتر خواهد بود. و چهارپایان غیر آنچه تلاوت خواهد شد [در سوره مائده آیه ۳ آمده است. (۴)] همه برای شما حلال گردید، پس از پلید حقیقی یعنی بتها اجتناب کنید و نیز از قول باطل (مانند دروغ و شهادت ناحق و سخنان لهو و غنا) دوری گزینید.

حُنَفَاءَ لِلَّهِ غَيْرَ مُشْرِكِينَ بِهِ وَمَنْ يُشْرِكْ بِاللَّهِ فَكَأَنَّمَا  
خَرَّ مِنَ السَّمَاءِ فَتَخَظَفُهُ الظُّيُورُ أَوْ تَهْوَى بِهِ الرِّيحُ فِي  
مَكَانٍ سَحِيقٍ

ذَلِكَ وَمَنْ يُعَظِّمْ شَعَائِرَ اللَّهِ فَإِنَّهَا مِنْ تَقْوَى الْقُلُوبِ

لَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ثُمَّ مَحِلُّهَا إِلَىٰ الْبَيْتِ  
الْعَتِيقِ

وَلِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنَسَكًا لِّيَذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَىٰ مَا رَزَقَهُمْ  
مِّنْ بَهِيمَةٍ الْأَنْعَامِ ۖ فَالْهَيْكُمُ إِلَهُةٌ وَاحِدٌ فَلَهُ أَسْلِمُوا وَبَشِّرِ  
الْمُخْبِتِينَ

الَّذِينَ إِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَجِلَتْ قُلُوبُهُمْ وَالصَّابِرِينَ عَلَىٰ مَا  
أَصَابَهُمْ وَالْمُقِيمِي الصَّلَاةِ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

وَالْبُدْنَ جَعَلْنَاهَا لَكُمْ مِّنْ شَعَائِرِ اللَّهِ لَكُمْ فِيهَا خَيْرٌ ۗ  
فَاذْكُرُوا اسْمَ اللَّهِ عَلَيْهَا صَوَافٍ ۗ فَإِذَا وَجَبَتْ جُنُوبُهَا  
فَكُلُوا مِنْهَا وَأَطْعِمُوا الْقَانِعَ وَالْمُعْتَرَّ ۚ كَذَلِكَ سَخَّرْنَاهَا  
لَكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

لَنْ يَنَالَ اللَّهُ لُحُومَهَا وَلَا دِمَآؤُهَا وَلَكِنْ يَنَالُهُ التَّقْوَىٰ  
مِنْكُمْ ۚ كَذَلِكَ سَخَّرَهَا لَكُمْ لِتَكْبِرُوا لِلَّهِ عَلَىٰ مَا  
هَدَيْنَاكُمْ ۗ وَبَشِّرِ الْمُحْسِنِينَ

إِنَّ اللَّهَ يُدْفِعُ عَنِ الَّذِينَ ءَامَنُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ خَوَّانٍ  
كَفُورٍ

و خاص و خالص بی‌هیچ شائبه شرک خدا را پرستید، و هر  
کس به خدا شرک آرد (در عجز و بیچارگی) بدان ماند که از  
آسمان درافتد و مرغان (در فضا) بدنش را به منقار (قطعه  
قطعه) بربایند یا بادی تند او را به مکانی دور (از هر وسیله  
نجات) درافکند.

این است (سخن حق) و هر کس شعائر (دین) خدا را بزرگ  
و محترم دارد این از صفت دل‌های باتقواست.

شما را در این شعائر و احکام الهی (یا این شتران یا  
تجارات) تا وقتی معین منفعت‌هاست، آن گاه محل هدی و  
سایر مناسک حج، حرم و بیت العتیق است (که پرستشگاه  
دیرین و معبد محترم خداست).

و ما برای هر امتی شریعت و معبدی مقرر فرمودیم تا به ذکر  
نام خدا پردازند که آنها را از بهائم (یعنی گاو و گوسفند و  
شتر) روزی داد پس خدای شما خدایی است یکتا، همه  
تسلیم (فرمان) او باشید، و تو (ای رسول ما) متواضعان و  
مطیعان را (به سعادت ابدی) بشارت ده.

آنهایی که چون یاد خدا شود دل‌هاشان هراسان شود و (در  
راه او) هر چه مصیبت بینند صبور باشند و نماز به پا دارند  
و از آنچه روزیشان کردیم انفاق کنند.

و (نحر) شتران فربه را برای شما از شعائر خدا (و احکام  
حج) مقرر داشتیم که در آن قربانی شما را خیر و صلاح  
است، پس هنگام ذبح آنها تا برپا ایستاده‌اند نام خدا را یاد  
کنید و چون پهلویشان به زمین افتد (و نحر کامل شوند) از  
گوشت آنها تناول نموده و به فقیر و سائل هم اطعام کنید. ما  
این چنین این بهائم را مسخر و مطیع شما ساختیم تا شکر  
(نعمتهای ما را) به جای آرید.

(بدانید که) هرگز گوشت و خون این قربانیها نزد خدا (به  
درجه قبول) نمی‌رسد لیکن تقوای شماست که به (پیشگاه  
قبول) او خواهد رسید. این چنین این بهایم را مسخر شما  
ساخته تا خدا را به پاس آنکه شما را هدایت فرمود تکبیر و  
تسبیح گویند (و شکر نعمتش به جای آرید) و تو (ای رسول)  
نیکوکاران را (به سعادت ابد) بشارت ده.

خدا مؤمنان را از هر مکر و شر دشمن نگاه می‌دارد، که خدا  
هرگز خیانتکار کافر ناسپاس را دوست نمی‌دارد.



أُذِنَ لِلَّذِينَ يُقْتَلُونَ بِإِنْتِهَابِ ظُلْمِمْ وَإِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ نَصْرِهِمْ لَقَدِيرٌ

به مسلمانان که مورد قتل (و غارت) قرار گرفته‌اند رخصت (جنگ با دشمنان) داده شد، زیرا آنها از دشمن سخت ستم کشیدند و همانا خدا بر یاری آنها قادر است.

آن مؤمنانی که به ناحق از خانه‌هایشان آواره شده (و جرمی نداشتند) جز آنکه می‌گفتند: پروردگار ما خدای یکتاست. و اگر خدا (رخصت جنگ ندهد و) دفع شر بعضی از مردم را به بعضی دیگر نکند همانا صومعه‌ها و دیرها و کنش‌ها و مساجدی که در آن (نماز و) ذکر خدا بسیار می‌شود همه خراب و ویران شود. و هر که خدا را یاری کند البته خدا او را یاری خواهد کرد، که خدا را منتهای اقتدار و توانایی است.

(آنان که خدا را یاری می‌کنند) آنهایی هستند که اگر در روی زمین به آنان اقتدار و تمکین دهیم نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند (از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند چون می‌دانند که) عاقبت کارها به دست خداست.

و اگر کافران امت، تو را تکذیب کنند (افسرده خاطر مباش که) پیش از اینان قوم نوح و عاد و ثمود نیز (رسولان حق را) تکذیب کردند.

و همچنین قوم ابراهیم و قوم لوط.

و نیز (قوم شعیب) اصحاب مدین (همه رسولان خود را تکذیب نمودند) و موسی نیز تکذیب شد و من هم کافران را (برای امتحان) مهلت دادم سپس آنها را (به عقوبت) گرفتم، و چقدر مواخذه و عقاب من (بر کافران) سخت است!

پس چه بسیار شهر و دیاری که ما اهلش را در آن حال که به ظلم و ستم مشغول بودند به خاک هلاک نشانیدیم و اینک آن شهرها از بنیاد ویران است و چه چاه و قناتهای آب که معطل بماند و چه قصرهای عالی بی‌صاحب گشت.

آیا (این کافران) در روی زمین به سیر و تماشا نرفتند تا دلهایشان بینش و هوش یابد و گوششان به حقیقت شنوا گردد؟ که (این کافران را) چشمهای سر گرچه کور نیست لیکن چشم باطن و دیده دلهای کور است.

الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَرِهِمْ بِغَيْرِ حَقٍّ إِلَّا أَنْ يَقُولُوا رَبُّنَا اللَّهُ وَلَوْلَا دَفْعُ اللَّهِ النَّاسَ بَعْضَهُمْ بِبَعْضٍ لَهَدَمَتْ صَوَامِعُ وَبِيَعٌ وَصَلَوَاتٌ وَمَسَاجِدُ يُذْكَرُ فِيهَا اسْمُ اللَّهِ كَثِيرًا وَلَيَنْصُرَنَّ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

۴۰

الَّذِينَ إِنْ مَكَّنَّاهُمْ فِي الْأَرْضِ أَقَامُوا الصَّلَاةَ وَآتَوُا الزَّكَاةَ وَأَمَرُوا بِالْمَعْرُوفِ وَنَهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ وَلِلَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

۴۱

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَثَمُودٌ

۴۲

وَقَوْمُ إِبْرَاهِيمَ وَقَوْمُ لُوطٍ

۴۳

وَأَصْحَابُ مَدْيَنَ وَكُذِّبَ مُوسَىٰ فَأَمَلَيْتُ لِلْكَافِرِينَ ثُمَّ أَخَذْتُهُمْ فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

۴۴

فَكَأَيِّنْ مِنْ قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ فَهِيَ خَاوِيَةٌ عَلَىٰ عُرُوشِهَا وَبِئْرٍ مُعَطَّلَةٍ وَقَصْرٍ مَشِيدٍ

۴۵

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَتَكُونَ لَهُمْ قُلُوبٌ يَعْقِلُونَ بِهَا أَوْ آذَانٌ يَسْمَعُونَ بِهَا فَإِنَّهَا لَا تَعْمَىٰ الْأَبْصَارُ وَلَكِن تَعْمَىٰ الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّدُورِ

۴۶

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَنْ يُخْلِفَ اللَّهُ وَعْدَهُ وَإِنَّ يَوْمًا  
عِنْدَ رَبِّكَ كَأَلْفِ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

وَكَايِنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ أَمَلَيْتُ لَهَا وَهِيَ ظَالِمَةٌ ثُمَّ أَخَذْتُهَا وَإِلَى  
الْمَصِيرِ

قُلْ يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّمَا أَنَا لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ  
الْجَحِيمِ

وَمَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رَسُولٍ وَلَا نَبِيٍّ إِلَّا إِذَا تَمَتَّى  
أَلْقَى الشَّيْطَانُ فِي أُمْنِيَّتِهِ فَيَنْسَخُ اللَّهُ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ  
ثُمَّ يُحْكِمُ اللَّهُ ءَايَاتِهِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

لِيَجْعَلَ مَا يُلْقِي الشَّيْطَانُ فِتْنَةً لِلَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ  
وَالْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَفِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

وَلِيَعْلَمَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ أَنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ فَيُؤْمِنُوا بِهِ  
فَتُخْبِتَ لَهُ قُلُوبُهُمْ وَإِنَّ اللَّهَ لَهَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِلَى صِرَاطٍ  
مُسْتَقِيمٍ

وَلَا يَزَالُ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي مِرْيَةٍ مِّنْهُ حَتَّى تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ  
بَغْتَةً أَوْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَقِيمٍ

و کافران (به سخریه) از تو تقاضای تعجیل در عذاب می‌کنند و هرگز خدا در وعده خود (به عذاب آنان) خلف نخواهد کرد، و همانا یک روز نزد خدا (و از نظر حلم او) چون هزار سال به حساب شماست.

و بسا شهر و دیاری که به اهلش با آنکه ستمکار بودند مهلت دادم تا روزی آنها را به انتقام گرفتم و بازگشت (خلق) به سوی من است (و هر نیک و بد را جزا خواهم داد).

بگو که ای مردم، من برای شما رسول ترساننده مشفق آشکار بیش نیستم.

پس آنان که ایمان آوردند و نیکوکار گردیدند بر آنها آمرزش حق و رزق با لطف و کرامت عالی است.

و آنان که در رد و انکار آیات ما سعی و کوشش کردند تا ما را به زانو درآوردند آنها اهل آتش دوزخند.

و ما پیش از تو هیچ رسول و پیمبری نفرستادیم جز آنکه چون آیاتی (برای هدایت خلق) تلاوت کرد شیطان (جن و انس) در آن آیات الهی القاء دسیسه کرد، آن گاه خدا آنچه شیطان القاء می‌کند محو و نابود می‌سازد سپس آیات خود را محکم و استوار می‌گرداند، و خدا دانا (به حقایق امور) و درستکار (در نظام عالم) است.

تا خدا به آن القانات شیطان کسانی را که دلهایشان مبتلا به مرض (نفاق و شک یا کفر) و قساوت است بیازماید (و باطن آنها را پدیدار سازد) و همانا (کافران و) ستمکاران عالم سخت در ستیزه و دشمنی دور (از حق) می‌باشند.

و تا آنکه اهل علم و معرفت به یقین بدانند که این آیات قرآن به حق از جانب پروردگار تو نازل گردیده که بدان ایمان آورند و دلهایشان پیش او خاضع و خاشع شود، و البته خدا اهل ایمان را به راهی راست هدایت خواهد کرد.

و آنان که کافرند در (اینکه نزول) قرآن (از جانب خداست) یا در وعد و وعید قرآن) همیشه شک دارند تا وقتی که ناگهان ساعت مرگ (یا قیامت) فرا رسد یا عذاب روز عقیم بی‌خیر (که شب آسایش و خیر و سعادت در پی ندارد) بر آنها فرود آید.

الْمَلِكِ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي جَنَّاتِ النَّعِيمِ

در آن روز سلطنت و حکمفرمایی تنها مخصوص خداست، که میان آنان حکم می‌کند، پس آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند در بهشت پر نعمتند.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

و آنان که کافر شده و تکذیب آیات ما کردند آنها را عذابی خوار کننده و ذلت بار است.

وَالَّذِينَ هَاجَرُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ قُتِلُوا أَوْ مَاتُوا لَيَرْزُقَنَّهُمُ اللَّهُ رِزْقًا حَسَنًا وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

و آنان که در راه خدا از وطن خود هجرت گزیده و کشته شدند یا مرگشان فرا رسید البته خدا رزق و روزی نیکویی (در بهشت ابد) نصیبشان می‌گرداند، و همانا خداوند بهترین رزق و روزی بخشنده است.

لَيَدْخُلَنَّهُمْ مُّدْخَلًا يَرْضَوْنَهُ وَإِنَّ اللَّهَ لَعَلِيمٌ حَلِيمٌ

و بی‌گمان آنها را (در بهشت) منزلی عنایت کند که بسیار بدان خوشنود باشند، و همانا خدا (بر احوال خلق) دانا و (بر گناهانشان) بردبار است.

ذَٰلِكَ وَمَنْ عَاقَبَ بِمِثْلِ مَا عُوقِبَ بِهِ ثُمَّ بُغِيَ عَلَيْهِ لَيَنْصُرَنَّهُ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَعَفُؤٌ غَفُورٌ

(سخن حق) این است، و هر کس به همان قدر ظلمی که به او شده در مقام انتقام برآید و باز بر او ظلم شود البته خدا او را یاری می‌کند (در این آیه ترغیب خلق است برگرفتن حق مظلوم از ظالم)، همانا خدا را عفو و آمرزش بسیار است.

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُولِجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَأَنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

این است (برهان حق) که خدا شب تار را در روز روشن پنهان می‌کند و روز روشن را در شب تار، و خدا (به صدای اهل عالم) شنوا و (به دقیق امور خلق) بیناست.

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ هُوَ الْبَاطِلُ وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

حقیقت این است که خدای یکتا حق مطلق است و هر چه جز او خوانند باطل صرف است، و علو مقام و بزرگی شأن مخصوص ذات پاک خداست.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

(ای بشر) آیا ندیدی که خدا از آسمان آبی فرو بارد و زمین سبز و خرم گردد؟ (این دلیل قدرت و رحمت آفریننده است)، همانا خدا را (با خلق) عنایت و لطف بسیار است و (به دقیق‌ترین امور عالم) آگاه است.

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَإِنَّ اللَّهَ لَهُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه ملک خداست و تنها خداست که بی‌نیاز و به همه اوصاف کمال آراسته است.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي الْأَرْضِ وَالْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِأَمْرِهِ وَيُمْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ إِنَّ اللَّهَ بِالنَّاسِ لَرُءُوفٌ رَحِيمٌ

(ای بشر) آیا ندیدی که هر چه در زمین است خدا مسخر شما گردانید و کشتی به فرمان او در دریا سیر می‌کند و آسمان را (دستور) او نگاه می‌دارد که بر زمین نیفتد مگر به اذن او؟ همانا خدا به مردم بسیار رئوف و مهربان است.

وَهُوَ الَّذِي أَحْيَاكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يُحْيِيكُمْ إِنَّ الْإِنْسَانَ لَكَفُورٌ

و اوست خدایی که شما را اول بار زنده کرد و دیگر بار بمیراند و باز دوباره زنده کند، (با وجود این آیت قدرت و نعمت بزرگ) باز انسان بسیار ناسپاس و کافر کیش است.

لِكُلِّ أُمَّةٍ جَعَلْنَا مَنْسَكًا هُمْ نَاسِكُوهُ فَلَا يُنْزِعُ عَنْكَ فِي الْأَمْرِ وَاذْعُ إِلَىٰ رَبِّكَ إِنَّكَ لَعَلَىٰ هُدًى مُسْتَقِيمٍ

ما برای هر امتی پرستشگاهی مقرر کردیم تا به خدا توجه کنند (و آنجا جهت وحدت و انس و الفت آن امت شود) پس (ای رسول) نباید مردم (در امر کعبه و قربانگاه و سایر دستورهای الهی) با تو به منازعت برخیزند و تو (خلق را) به سوی خدا دعوت کن که خود به راهی راست و هدایتی کامل هستی.

وَإِنْ جَدَلُوكَ فَقُلِ اللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

و اگر (کافران) با تو (در اوامر حق) جدل و خصومت کنند آنها را بازگو که خدا به آنچه می‌کنید بهتر آگاه است.

اللَّهُ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ فِيمَا كُنْتُمْ فِيهِ تَخْتَلِفُونَ

خدا در روز قیامت میان شما در آنچه (با من) خلاف و نزاع می‌کردید حکم خواهد فرمود.

أَلَمْ تَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّ ذَٰلِكَ فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَىٰ اللَّهِ يَسِيرٌ

(ای بشر) آیا ندانستی که خدا از آنچه در آسمان و زمین است آگاه است؟ و این (جهان و همه حوادث آن) در کتابی (کتاب علم خدا) محفوظ و مسطور است و این (حفظ و نگهداری) بر خدا کاری بسیار سهل است.

وَيَعْبُدُونَ مِن دُونِ اللَّهِ مَا لَمْ يُنْزَلْ بِهِ سُلْطَانًا وَمَا لَيْسَ لَهُمْ بِهِ عِلْمٌ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِن تَصْوِيرٍ

و (این مشرکان) خدا را رها کرده و چیزی غیر او را می‌پرستند که بر پرستش آن هیچ دلیل و برهانی نفرستاده و نه خود علم و بصیرتی بدان دارند، (مشرکان، نادان و ستمکارند) و هرگز ستمکاران را یار و یآوری نخواهد بود.

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِ الَّذِينَ كَفَرُوا الْمُنْكَرَ يَكَادُونَ يَسْطُونَ بِالَّذِينَ يَتُلُونَ عَلَيْهِمْ آيَاتِنَا قُلْ أَفَأَنْبِئُكُمْ بِشَرٍّ مِّن ذَٰلِكُمُ النَّارُ وَعَدَهَا اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

و هرگاه بر این کافران معاند آیات روشن ما تلاوت شود در چهره آن کافران به حدی اثر مخالفت و انکار مشاهده کنی که نزدیک است (از فرط غضب) بر مؤمنانی که آیات ما را بر آنان قرائت می‌کنند حمله‌ور شوند، (به آنها) بگو: آیا شما را به عذابی بدتر از این خبر دهم؟ آن آتش دوزخ است که خدا آن را به کافران وعده داده است و آنجا بسیار بد بازگشتگاهی خواهد بود.

يَأْتِيهَا النَّاسُ ضَرْبَ مَثَلٍ فَاسْتَمِعُوا لَهُ إِنَّ الَّذِينَ تَدْعُونَ  
مِن دُونِ اللَّهِ لَن يَخْلُقُوا ذُبَابًا وَلَوْ اجْتَمَعُوا لَهُ وَإِن  
يَسْلُبُهُمُ الذُّبَابُ شَيْئًا لَّا يَسْتَنْقِذُوهُ مِنْهُ ضَعْفَ الطَّالِبِ  
وَالْمَطْلُوبِ

مَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ إِنَّ اللَّهَ لَقَوِيٌّ عَزِيزٌ

اللَّهُ يَصْطَفِي مِنَ الْمَلَائِكَةِ رُسُلًا وَمِنَ النَّاسِ إِنَّ اللَّهَ  
سَمِيعٌ بَصِيرٌ

يَعْلَمُ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَرْكَعُوا وَاسْجُدُوا وَاعْبُدُوا رَبَّكُمْ  
وَأَفْعَلُوا الْخَيْرَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

وَجَاهِدُوا فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ هُوَ اجْتَبَاكُمْ وَمَا جَعَلَ  
عَلَيْكُمْ فِي الدِّينِ مِنْ حَرَجٍ مِّلَّةَ أَبِيكُمْ إِبْرَاهِيمَ هُوَ  
سَمَّكُمْ الْمُسْلِمِينَ مِنْ قَبْلُ وَفِي هَذَا لِيَكُونَ الرَّسُولُ  
شَهِيدًا عَلَيْكُمْ وَتَكُونُوا شُهَدَاءَ عَلَى النَّاسِ فَأَقِيمُوا  
الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَاعْتَصِمُوا بِاللَّهِ هُوَ مَوْلَاكُمْ  
فَنِعْمَ الْمَوْلَى وَنِعْمَ النَّصِيرُ

ای مردم (مشرك كافر) مثلى زده شده بدان گوش فرا  
داريد (تا حقيقت حال خود بدانيد): آن بتهاى جماد كه به  
جای خدا (معبود خود) می‌خوانید هرگز بر خلقت مگسى هر  
چند همه اجتماع کنند قادر نیستند، و اگر مگس (ناتوان)  
چیزی از آنها بگیرد قدرت بر باز گرفتن آن ندارند، (بدانید  
كه) طالب و مطلوب (یعنی بت و بت‌پرست یا عابد و معبود یا  
مگس و بتان) هر دو ناچیز و ناتوانند.

(این مشركان) مقام خدا را آن گونه كه شایسته اوست  
نشناختند، (و گرنه جماد ناتوانی را خدا نمی‌خواندند) خدا  
ذاتی است بی‌نهایت توانا و بی‌همتای شكست ناپذیر.

خداست كه از میان فرشتگان و آدمیان رسولانی  
برمی‌گزیند، كه همانا خدا (به سخن عالمیان) شنوا و (به  
لیاقت آنان) بیناست.

او به علم ازلی آنچه در نظر این مردم پیدا و آنچه  
ناپیداست همه را می‌داند و بازگشت کلیه امور به سوی  
خداست.

ای اهل ایمان، در برابر خدا ركوع و سجود آرید و (با توجه و  
بیریا و خالص) پروردگار خود را پرستید و كار نيكو كنید،  
باشد كه رستگار شوید.

و حق جهاد در راه او را (با دشمنان دین و با نفس آماره) به  
جای آرید (و در طلب رضای او به قدر طاقت بكوشید) او  
شما را برگزیده (و به دین خود سرافراز کرده) و در مقام  
تكلیف بر شما مشقت و رنج ننهاده (و این آیین اسلام) مانند  
آیین پدر شما ابراهیم (خلیل است)، او (خدا) شما امت را  
پیش از این (در صحف او) و در این قرآن مسلمان نامیده تا  
این رسول بر شما و شما بر سایر خلق گواه (خداپرستی)  
باشید، پس نماز به پا دارید و زكات بدهید و به خدا (و  
كتاب او) متوسل شوید، كه او مولی (و پادشاه و نگهبان و  
حافظ و ناصر) شماست و نيكو مولی و نيكو ناصری است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قَدْ أَفْلَحَ الْمُؤْمِنُونَ

همانا اهل ایمان به فیروزی و رستگاری رسیدند.

الَّذِينَ هُمْ فِي صَلَاتِهِمْ خَاشِعُونَ

آنان که در نماز خود خاضع و خاشعند.

وَالَّذِينَ هُمْ عَنِ اللَّغْوِ مُعْرِضُونَ

و آنان که از لغو و سخن باطل اعراض و احتراز می‌کنند.

وَالَّذِينَ هُمْ لِلزَّكَاةِ فَاعِلُونَ

و آنان که زکات (مال خود را به فقرا) می‌دهند.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ

و آنان که فروج و اندامشان را از عمل حرام نگاه می‌دارند.

إِلَّا عَلَىٰ أَزْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ  
مَلُومِينَ

مگر بر جفت‌هایشان (که زنان عقدی آنها باشند) یا کنیزان  
ملکی متصرفی آنها که هیچ‌گونه ملامتی (در مباشرت این  
زنان) بر آنها نیست.

فَمَنِ ابْتَغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

و کسی که غیر این (زنان حلال) را به مباشرت طلبد البته  
چنین کسانی ستمکار و متعدی خواهند بود.

وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْتِنِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

و آنان که به امانت‌ها و عهد و پیمان خود کاملا وفا می‌کنند.

وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

و آنان که بر نماز‌هایشان (و همه اوقات و شرایط ظاهر و باطن  
نماز) محافظت دارند.

أُولَٰئِكَ هُمُ الْوَارِثُونَ

چنین کسان وارث (مقام عالی بهشت) اند.

الَّذِينَ يَرِثُونَ الْفِرْدَوْسَ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

که بهشت فردوس ارث آن خوبان و منزلگاه ابدی آن پاکان  
است.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنسَانَ مِن سُلَالَةٍ مِّن طِينٍ

و همانا ما آدمی را از گل خالص آفریدیم.

ثُمَّ جَعَلْنَاهُ نُطْفَةً فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ

آن‌گاه او را نطفه گردانیده و در جای استوار (صلب و رحم)  
قرار دادیم.

ثُمَّ خَلَقْنَا النُّطْفَةَ عَلَقَةً فَخَلَقْنَا الْعَلَقَةَ مُضْغَةً فَخَلَقْنَا  
الْمُضْغَةَ عِظْمًا فَكَسَوْنَا الْعِظْمَ لَحْمًا ثُمَّ أَنْشَأْنَاهُ خَلْقًا  
عَآخِرَ فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ

آن‌گاه نطفه را علقه و علقه را گوشت پاره و باز آن گوشت را  
استخوان ساختیم و سپس بر استخوانها گوشت پوشانیدیم  
(و پیکری کامل کردیم) پس از آن (به دمیدن روح پاک  
مجرد) خلقتی دیگرش انشا نمودیم؛ آفرین بر (قدرت کامل)  
خدای که بهترین آفرینندگان است.

ثُمَّ إِنَّكُمْ بَعَدَ ذَلِكَ لَمَيِّتُونَ

باز شما آدمیان همه خواهید مرد.

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ تُبْعَثُونَ

و آن‌گاه روز قیامت به یقین تمام مبعوث خواهید شد.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعَ طَرَآئِقٍ وَمَا كُنَّا عَنِ الْخَلْقِ  
غَافِلِينَ

و همانا مافوق شما (خاکیان) هفت آسمان (عالم پاک) را فراز  
یکدیگر آفریدیم و لحظه‌ای از توجه به خلق غافل نبوده و  
نخواهیم بود.

وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَسْكَنَهُ فِي الْأَرْضِ ط وَإِنَّا  
عَلَىٰ ذَهَابٍ بِهٖ لَقَدِيرُونَ

فَأَنْشَأْنَا لَكُمْ بِهِ جَنَّتٍ مِّنْ نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ لَّكُمْ فِيهَا  
فَوَاكِهُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

وَشَجَرَةً تَخْرُجُ مِنْ طُورِ سَيْنَاءَ تَنْبُتُ بِالذُّهْنِ وَصِبْغٍ  
لِّللَّاكِلِينَ

وَإِنَّ لَكُمْ فِي الْأَنْعَامِ لَعِبْرَةً ۗ نُّسْقِيكُم مِّمَّا فِي بُطُونِهَا  
وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ كَثِيرَةٌ وَمِنْهَا تَأْكُلُونَ

وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِ فَقَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا  
لَكُمْ مِّنْ إِلٰهٍ غَيْرُهُ ۗ أَفَلَا تَتَّقُونَ

فَقَالَ الْمَلَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَوْمِهِ مَا هَذَا إِلَّا بَشَرٌ  
مِّثْلُكُمْ يُرِيدُ أَنْ يَتَفَضَّلَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَأَنْزَلَ  
مَلَائِكَةً ۗ مَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي ءَابَائِنَا الْأَوْلِينَ

إِنْ هُوَ إِلَّا رَجُلٌ بِهِ جِنَّةٌ فترَبَّصُوا بِهِ ۗ حَتَّىٰ حِينٍ

قَالَ رَبِّ انصُرْنِي بِمَا كَذَّبُونَ

فَأَوْحَيْنَا إِلَيْهِ أَنْ اصْنَعِ الْفُلْكَ بِأَعْيُنِنَا ۖ وَوَحَيْنَا إِذَا جَاءَ  
أَمْرُنَا وَفَارَ التَّنُورُ فَاسْلُكْ فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجَيْنِ اثْنَيْنِ  
وَأَهْلَكَ إِلَّا مَن سَبَقَ عَلَيْهِ الْقَوْلُ مِنْهُمْ ۗ وَلَا تُخَاطِبُنِي فِي  
الَّذِينَ ظَلَمُوا ۖ إِنَّهُمْ مُّعْرَقُونَ

و ما آب را به قدر معین از آسمان نازل و در زمین ساکن  
ساختیم و محققا بر بردن و نابود ساختن آن نیز قادریم.

آن‌گاه ما به آن آب برای شما باغها و نخلستانهای خرما و انگور  
ایجاد کردیم که شما را در آنها میوه‌های گوناگون بسیاری  
است که از آن تناول می‌کنید.

و نیز درختی که از طور سینا برآید و روغن زیت بار آورد و  
نان خورش مردم گردد.

و بیشک برای شما در (مطالعه حال) چهارپایان و حیوانات  
اهلی عبرت خواهد بود که از شیر آنها به شما می‌آشامانیم و  
در آنها برای شما منافع بسیاری است (مانند فرشها و لباسها  
و اثاثیه و باربری و فواید بسیار دیگر) و از گوشت آنها نیز  
تناول می‌کنید.

و بر آن چهارپایان و نیز بر کشتیها سوار می‌شوید.

و همانا ما پیغمبر خود نوح را (به رسالت) به سوی امتش  
فرستادیم. نوح به قوم خود گفت که خدا را پرستید که جز  
آن ذات یکتا شما را خدایی نیست، آیا شما مردم خداترس و  
باتقوا نمی‌شوید؟

اشراف قوم او که کافر شدند (به مردم) گفتند که این  
شخص جز آنکه بشری است مانند شما که می‌خواهد بر شما  
برتری یابد فضیلت دیگری ندارد و اگر خدا می‌خواست  
(رسول بر بشر بفرستد) همانا از جنس فرشتگان  
می‌فرستاد، ما این سخنانی که این شخص می‌گوید در میان  
پدران پیشین خود هیچ نشنیده‌ایم.

این شخص جز مردی دیوانه به شمار نیست، پس باید تا  
مدتی با او (مدارا کنید و) انتظار برید (تا یا از مرض جنون  
بهبود یابد یا بمیرد).

نوح عرض کرد: خدایا، تو مرا بر اینان که تکذیب من کردند  
یاری فرما.

ما هم به او وحی کردیم که در حضور ما و به وحی و دستور  
ما به ساختن کشتی پرداز، تا آن‌گاه که فرمان (طوفان از  
جانب) ما آمد و آب از تنور فوران کرد پس در آن کشتی با  
خود از هر نوع جفتی (نر و ماده) همراه بر و اهل بیت خود  
را هم جز آن کس که در علم ازلی ما هلاک او گذشته (یعنی  
زن و فرزند ناهلت را) تمام به کشتی بنشان، و به شفاعت  
ستمکاران با من سخن مگو، که البته آنها باید همه غرق  
شوند.

فَإِذَا أَسْتَوَيْتِ أَنْتَ وَمَنْ مَعَكَ عَلَى الْفُلِكِ فَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي نَجَّنا مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

۲۶

وَقُلْ رَبِّ أَنْزِلْنِي مُنْزَلًا مُّبَارَكًا وَأَنْتَ خَيْرُ الْمُنْزِلِينَ

۲۷

۲۸

۲۹

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ وَإِن كُنَّا لَمُبْتَلِينَ

۳۰

۳۱

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قَرْنًا ءآخِرِينَ

۳۲

فَأَرْسَلْنَا فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْهُمْ أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ مَا لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرُهُ ؕ أَفَلَا تَتَّقُونَ

۳۳

وَقَالَ الْمَلَأُ مِنْ قَوْمِهِ الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِلِقَاءِ الْآخِرَةِ وَأَتْرَفْنَاهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا مَا هَذَا إِلاَّ بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يَأْكُلُ مِمَّا تَأْكُلُونَ مِنْهُ وَيَشْرَبُ مِمَّا تَشْرَبُونَ

۳۴

وَلَئِن أَطَعْتُمْ بَشْرًا مِّثْلَكُمْ إِنَّكُمْ إِذَا لَخَسِرُونَ

۳۵

أَيَعِدْكُمْ أَنْكُمْ إِذَا مِتُّمْ وَكُنْتُمْ تُرَابًا وَعِظْمًا أَنَّكُمْ مُّخْرَجُونَ

۳۶

حزب

۱۳۸

هِيَاهَاتَ هِيَاهَاتَ لِمَا تُوعَدُونَ

۳۷

إِن هِيَ إِلاَّ حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا نَحْنُ بِمَبْعُوثِينَ

۳۸

إِن هُوَ إِلاَّ رَجُلٌ أَفْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا وَمَا نَحْنُ لَهُوِ بِمُؤْمِنِينَ

۳۹

قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي بِمَا كَدَّبُونِ

۴۰

قَالَ عَمَّا قَلِيلٍ لَّيُصْبِحُنَّ نَادِمِينَ

۴۱

فَأَخَذَتْهُمُ الصَّيْحَةُ بِالْحَقِّ فَجَعَلْنَاهُمْ غُثَاءً فَبُعَدًا لِلْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

۴۲

ثُمَّ أَنْشَأْنَا مِنْ بَعْدِهِمْ قُرُونًا ءآخِرِينَ

پس چون با همراهانت در کشتی نشستى بگو: ستایش خدای را که ما را از (ظلم) ستمکاران نجات داد.

و باز بگو: پروردگارا، مرا به منزلى مبارک فرود آور که تو

بهترین کسى هستى که به منزل خیر و سعادت توانى فرود آورد.

همانا در این حکایت آیت و عبرتهاست و البته ما (بندگان را

به این‌گونه حوادث) آزمایش کننده‌ایم.

پس از هلاک قوم نوح باز قوم دیگری ایجاد کردیم.

و در میان آن قوم باز رسولى از خودشان (یعنى هود را)

فرستادیم که خدای یکتا را پرستش کنید که جز او شما را خدایى نیست، آیا خداترس و باتقوا نمى‌شوید؟

و باز اشراف و اعیان قوم وى که کافر شدند و عالم آخرت را

تکذیب کردند و ما منتعمشان در حیات دنیا کرده بودیم (به مردم) گفتند که این شخص بشرى مانند شما بیش نیست که از هر چه شما بشر مى‌خورید و مى‌آشامید او هم مى‌خورد و مى‌آشامد.

و شما مردم اگر بشرى مانند خود را اطاعت کنید بسیار

زیانکار خواهید بود.

آیا به شما نوید مى‌دهد که پس از آنکه مرید و

استخوانهای شما هم پوسید و خاک شد باز (از گور) بیروتتان آرند؟!

هیئات، هیئات که این وعده‌ها که به شما مى‌دهند راست

باشد!

زندگانی جز این چند روزه حیات دنیایمان بیش نیست که

زنده شده و خواهیم مرد و دیگر هرگز برانگیخته نخواهیم شد.

و این شخص جز آنکه مردى است که دروغ و افترا بر خدا

مى‌بندد هیچ مزیت ندارد و ما هرگز به او ایمان نخواهیم آورد.

آن رسول هم عرض کرد: خدایا، مرا بر این قوم که تکذیب

من کردند یارى فرما.

خدا فرمود: اندک زمانى نگذرد که این قوم سخت پشیمان

خواهند شد.

تا آن‌گاه که صیحه و بانگ آسمانى (عذاب) آنها را بگرفت و

ما آنان را خار و خاشاک بیابان ساختیم، که ستمکاران را (از رحمت الهى) دورى باد.

پس از هلاک اینان باز اقوامى دیگر پدید آوردیم.



مَا تَسْبِقُ مِنْ أُمَّةٍ أَجَلَهَا وَمَا يَسْتَعْرِضُونَ

ثُمَّ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا تَتْرًا كُلًّا مَا جَاءَ أُمَّةً رَّسُولَهَا كَذَّبُوهُ<sup>ط</sup> فَاتَّبَعْنَا بَعْضَهُمْ بَعْضًا وَجَعَلْنَاهُمْ أَحَادِيثَ<sup>ج</sup> فَبُعْدًا لِقَوْمٍ لَّا يُؤْمِنُونَ

ثُمَّ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ وَأَخَاهُ هَارُونَ بِآيَاتِنَا وَسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ<sup>هـ</sup> فَاسْتَكْبَرُوا وَكَانُوا قَوْمًا عَالِينَ

فَقَالُوا أَنُؤْمِنُ لِبَشَرَيْنِ مِثْلِنَا وَقَوْمُهُمَا لَنَا عٰبِدُونَ

فَكَذَّبُوهُمَا فَكَانُوا مِنَ الْمُهْلَكِينَ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

وَجَعَلْنَا ابْنَ مَرْيَمَ وَأُمَّهُ<sup>هـ</sup> ءَايَةً<sup>هـ</sup> وَعَآوَيْنَهُمَا<sup>هـ</sup> إِلَىٰ رَبِّوَةٍ ذَاتِ قَرَارٍ<sup>هـ</sup> وَمَعِينٍ

يَأْتِيهَا الرُّسُلُ كُلُّوًا مِنَ الطَّيِّبَاتِ<sup>ط</sup> وَأَعْمَلُوا صٰلِحًا<sup>ط</sup> إِنِّي بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

وَإِنَّ هٰذِهِ<sup>هـ</sup> أُمَّتُكُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَأَنَا رَبُّكُمْ فَاتَّقُونَ

فَتَقَطَّعُوا أَمْرَهُمْ بَيْنَهُمْ زُبُرًا<sup>ط</sup> كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

فَذَرَهُمْ فِي عَمَرَتِهِمْ<sup>ط</sup> حَتَّىٰ حِينٍ

أَيَحْسَبُونَ أَنَّمَا نُمِدُّهُم بِهِ<sup>هـ</sup> مِنْ مَّالٍ وَبَيْنَ

نُسَارِعُ لَهُمْ فِي الْخَيْرَاتِ<sup>ط</sup> بَلْ لَّا يَشْعُرُونَ

إِنَّ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَشِيَةِ رَبِّهِمْ<sup>ط</sup> مُشْفِقُونَ

وَالَّذِينَ هُمْ بِآيَاتِ رَبِّهِمْ<sup>ط</sup> يُؤْمِنُونَ

وَالَّذِينَ هُمْ بِرَبِّهِمْ<sup>ط</sup> لَّا يُشْرِكُونَ

هیچ قومی از اجل خود پس و پیش نخواهند افتاد.

سپس پیغمبران خود را پی در پی فرستادیم و هر قومی که رسول بر آنها آمد آن رسول را تکذیب و انکار کردند، ما هم آنها را از پی یکدیگر همه را هلاک کردیم و داستانهای هلاک آن اقوام را عبرت دیگران ساختیم، که قوم بی‌ایمان را (از رحمت خدا) دوری باد.

آن‌گاه موسی و برادرش هارون را فرستادیم با آیات و معجزات خود و حجت روشن.

به سوی فرعون و اشراف قومش، آنها هم تکبر و نخوت کردند، زیرا آنان مردمی متکبر و سرکش بودند.

از این رو گفتند: چرا ما به دو بشر مثل خودمان ایمان آریم در صورتی که طایفه این دو مرد ما را اطاعت و بندگی می‌کنند؟

پس موسی و هارون را تکذیب کرده و بدین سبب همه هلاک شدند.

و همانا ما به موسی کتاب تورات را فرستادیم، باشد که آنها هدایت شوند.

و ما پسر مریم و مادرش را آیت و معجزه بزرگ گردانیدیم و هر دو را به سرزمین بلندی که آنجا مکانی هموار و چشمه‌سار بود (شام و بیت المقدس) منزل دادیم.

ای رسولان، از غذاهای پاکیزه (حلال) تناول کنید و به نیکوکاری و اعمال صالح پردازید که من به هر چه می‌کنید آگاهم.

و این مردم همه یک دین و متفق الکلمه یک امت شمایند و من یگانه خدای شما هستم، پس از من بترسید.

آن‌گاه مردم (با وجود این سفارش خدا) امر (دین) خود را پاره پاره کردند (و در آیین، فرقه فرقه شدند) و هر گروهی به آنچه نزد خود پسندیدند دلخوش گشتند.

پس بگذار که این بی‌خبران در جهل و غفلت خود به سر برند تا هنگامی معین (که روز مرگ و قیامت باشد).

آیا این مردم کافر می‌پندارند این که ما آنها را مدد به مال و فرزندان می‌کنیم،

برای آن است که می‌خواهیم در حق ایشان مساعدت و تعجیل به خیرات دنیا کنیم؟ (نه چنین است) بلکه (برای امتحان است و) آنها نمی‌فهمند.

همانا آن مؤمنانی که از خوف خدا ترسان و هراسانند.

و آنان که به آیات خدای خود ایمان می‌آورند.

و آنان که هرگز به پروردگارشان مشرک نمی‌شوند.

وَالَّذِينَ يُؤْتُونَ مَا آتَوْا وَقُلُوبُهُمْ وَجِلَةٌ أَنَّهُمْ إِلَىٰ رَبِّهِمْ رَاجِعُونَ

أُولَٰئِكَ يُسْرِعُونَ فِي الْخَيْرَاتِ وَهُمْ لَهَا سَابِقُونَ

وَلَا نُكَلِّفُ نَفْسًا إِلَّا وُسْعَهَا ۗ وَلَدَيْنَا كِتَابٌ يَنْطِقُ بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

بَلْ قُلُوبُهُمْ فِي غَمْرَةٍ مِّنْ هَٰذَا وَلَهُمْ أَعْمَلٌ مِّنْ دُونِ ذَٰلِكَ هُمْ لَهَا عَمِلُونَ

حَتَّىٰ إِذَا أَخَذْنَا مُتْرَفِيهِم بِالْعَذَابِ إِذَا هُمْ يَجْعَرُونَ

لَا تَجْعَرُوا أَلْيَوْمَ ۖ إِنَّكُمْ مِنَّا لَا تُنصَرُونَ

قَدْ كَانَتْ ءَايَاتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ عَلَىٰٰٓ أَعْقَابِكُمْ تَنْكِبُونَ

مُسْتَكْبِرِينَ بِهِ ۗ سَمِرًا تَهْجُرُونَ

أَفَلَمْ يَدَّبَّرُوا الْقَوْلَ أَمْ جَاءَهُمْ مَا لَمْ يَأْتِ ءَابَاءَهُمُ الْأَوَّلِينَ

أَمْ لَمْ يَعْرِفُوا رَسُولَهُمْ فَهُمْ لَهُۥ مُنْكَرُونَ

أَمْ يَقُولُونَ بِهِ ۗ جِنَّةٌ ۗ بَلْ جَاءَهُم بِالْحَقِّ وَأَكْثَرُهُم لِلْحَقِّ كَارِهُونَ

وَلَوْ أَتَّبَعَ الْحَقُّ أَهْوَاءَهُمْ لَفَسَدَتِ السَّمَوَاتُ وَالْأَرْضُ وَمَنْ فِيهِنَّ ۗ بَلْ أَتَيْنَاهُم بِذِكْرِهِمْ فَهُمْ عَنِ ذِكْرِهِمْ مُّعْرِضُونَ

أَمْ تَسْأَلُهُمْ خَرْجًا فَخَرَّاجُ رَبِّكَ خَيْرٌ ۖ وَهُوَ خَيْرُ الرَّزِقِينَ

وَإِنَّكَ لَتَدْعُوهُمْ إِلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

وَإِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ عَنِ الصِّرَاطِ لَنُكَيِّبُونَ

و آنان که آنچه وظیفه بندگی و ایمان است به جای آورده و باز از این که (روزی) به خدای خود رجوع می‌کنند دلهاشان ترسان است.

چنین بندگانی تعجیل در خیرات می‌کنند و اینان هستند که به کارهای نیکو سبقت می‌جویند.

و ما هیچ نفسی را بیش از وسع و توانایی او تکلیف نمی‌کنیم و نزد ما کتابی است (از لوح محفوظ الهی) که آن کتاب سخن به حق گوید و به هیچ کس هرگز ستم نخواهد شد.

بلکه دل‌های کافران از این (کتاب حق) در جهل و غفلت است و اعمالی که این کافران عامل آنند غیر اعمال آن اهل ایمان است (که در آیات سابق ذکر شد).

(این کافران به همین کردار بد مشغولند) تا آن‌گاه که ما منتعمان آنها را به عذاب بگیریم در آن حال فریاد آنها بلند شود.

(و ما فرماییم که) امروز فریاد مکنید، که از ما به شما هیچ مدد و یاری نخواهد رسید.

زیرا همانا آیات من بر شما تلاوت می‌شد و شما واپس می‌رفتید (و بر کفر می‌افزودید).

در حالتی که به هذیان و افسانه‌های شبانه خود (از شنیدن کلام خدا) تکبر و دوری می‌کردید.

آیا در این سخن (خدا و قرآن بزرگ) فکر و اندیشه نمی‌کنند (تا حقانیت آن را درک کنند) یا آنکه کتاب و رسول تنها بر اینان آمده و بر پدران پیشین آنها نیامده؟

یا آنکه اینان رسول خود را نشناخته‌اند که او را انکار و تکذیب می‌کنند.

یا آنکه می‌گویند که این رسول را جنونی عارض شده (که دعوی رسالت می‌کند)؟ (چنین نیست) بلکه دین حق را بر آنها آورده و لیکن اکثر آنها از حق روگردان و متنفرند.

و اگر حق تابع هوای نفس آنان شود همانا آسمانها و زمین و هر که در آنهاست فاسد خواهد شد. (و کافران از جهل نسبت جنون به رسول ما دادند؛ چنین نیست) بلکه ما اندرز قرآن بزرگ را بر آنها فرستادیم و آنان از این اندرز خود اعراض کنند.

مگر تو از این امت خرج و مزد رسالت می‌خواهی؟ (هرگز!) مزدی که خدا به تو دهد (از هر چیز) بهتر است، که خدا بهترین روزی دهنده است.

و البته تو خلق را به راه راست می‌خوانی.

و لیکن آنان که به آخرت ایمان نمی‌آورند از آن راه راست برمی‌گردند.

وَلَوْ رَحِمْنَاهُمْ وَكَشَفْنَا مَا بِهِمْ مِّنْ ضُرٍّ لَّلَجُوا فِي طُغْيَانِهِمْ يَعْمَهُونَ

وَلَقَدْ أَخَذْنَاهُم بِالْعَذَابِ فَمَا اسْتَكَانُوا لِرَبِّهِمْ وَمَا يَتَضَرَّعُونَ

حَتَّىٰ إِذَا فَتَحْنَا عَلَيْهِم بَابًا ذَا عَذَابٍ شَدِيدٍ إِذَا هُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ

وَهُوَ الَّذِي أَنشَأَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

وَهُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

وَهُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ وَلَهُ اخْتَلَفَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

بَلْ قَالُوا مِثْلَ مَا قَالَ الْأَوْلُونَ

قَالُوا أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعْنَا لَمَبْعُوثُونَ

لَقَدْ وَعَدْنَا نَحْنُ وَعَآبَاؤُنَا هَذَا مِنْ قَبْلُ إِنْ هَذَا إِلَّا أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

قُلْ لِمَنِ الْأَرْضُ وَمَنْ فِيهَا إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

قُلْ مَنْ رَبُّ السَّمَوَاتِ السَّبْعِ وَرَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ أَفَلَا تَتَّقُونَ

قُلْ مَنْ بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَهُوَ يُجِيرُ وَلَا يُجَارُ عَلَيْهِ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

سَيَقُولُونَ لِلَّهِ قُلْ فَأَنَّى تُسْحَرُونَ

و اگر ما با آنها مهربانی کرده و هر گونه الم و رنج و عذابی که دارند برطرف سازیم آنها سخت‌تر در طغیان و سرکشی خود فرو می‌روند.

و همانا ما آنها را به عذاب سخت گرفتار کردیم و باز آن کافران به تضرع و توبه و ناله رو به درگاه خدای خود نیاوردند.

تا آنکه بر آنها دری از بلا و عذاب سخت گشودیم که دیگر ناگاه در آن عذاب (از هر سو) نومید شدند.

و اوست خدایی که برای شما گوش و چشمها و قلبها آفرید (ولی) عده بسیار کمی از شما شکر او به جای می‌آورید.

و اوست خدایی که شما را در زمین پدید آورد و باز (روز قیامت) رجوع و حشر شما به سوی او خواهد بود.

و اوست خدایی که زنده گرداند و بمیراند و اختلاف و حرکت شب و روز به امر اوست، آیا شما عقل خود را کار نمی‌بندید (تا خداشناس شوید و اطاعت امر او کنید).

بلکه این مردم کافر هم همان سخن کافران پیشین را گفتند.

که گفتند: از کجا که چون ما مردیم و استخوانی پوسیده و خاک شدیم باز مبعوث و زنده شویم؟!

از این وعده‌ها بسیار به ما و پیش از این به پدران ما داده شد ولی اینها جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

بگو که زمین و هر کس که در او موجود است از کیست اگر شما فهم و دانش دارید؟

البته جواب خواهند داد که از خداست، بگو: پس چرا متذکر (قدرت خدا) نمی‌شوید (تا به عالم آخرت ایمان آرید).

باز به آنها بگو: پروردگار آسمانهای هفتگانه و خداوند عرش بزرگ کیست؟

البته باز جواب دهند که آنها از خداست، بگو: پس چرا متقی و خداترس نمی‌شوید؟

باز بگو: آن کیست که (ملک و) ملکوت همه عالم به دست اوست و او به همه پناه دهد و از همه حمایت کند ولی از (عذاب) او کسی پناه نتواند داد؟ اگر می‌دانید (کیست باز گوید).

محققا خواهند گفت که اینها همه از خداست. بگو: پس چرا به فریب و فسون مفتون می‌شوید؟ (و از خدا غافل می‌گردید؟)

بَلْ أَتَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

مَا اتَّخَذَ اللَّهُ مِنْ وَلَدٍ وَمَا كَانَ مَعَهُ مِنْ إِلَهٍ إِذًا لَذَهَبَ كُلُّ إِلَهٍ بِمَا خَلَقَ وَلَعَلَّا بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ

عَلِيمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

قُلْ رَبِّ إِمَّا تُرِيئِي مَا يُوعَدُونَ

رَبِّ فَلَا تَجْعَلْنِي فِي الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

وَإِنَّا عَلَىٰ أَنْ تُرِيكَ مَا نَعِدُهُمْ لَقَدِيرُونَ

أَدْفَعِ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ السَّيِّئَةِ نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَصِفُونَ

وَقُلْ رَبِّ أَعُوذُ بِكَ مِنْ هَمَزَاتِ الشَّيَاطِينِ

وَأَعُوذُ بِكَ رَبِّ أَنْ يَحْضُرُونَ

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ

لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ فَلَا أَنْسَابَ بَيْنَهُمْ يَوْمَئِذٍ وَلَا يَتَسَاءَلُونَ

فَمَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَمَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ فَأُولَٰئِكَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ فِي جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

تَلْفَحُ وُجُوهَهُمُ النَّارُ وَهُمْ فِيهَا كَالِحُونَ

بلکه ما حق را به ایشان فرستادیم و آنها دروغ می‌گویند.

خدا هرگز فرزندی اتخاذ نکرده و هرگز خدایی با او شریک نبوده، که اگر شریکی بود در این صورت هر خدایی مخلوق خود را به سویی بردی (و نظم وحدانی عالم از هم گسیختی) و بعضی از خدایان بر بعضی دیگر علو و برتری جستی! خدا از آنچه مشرکان گویند پاک و منزه است.

او دانا به عالم غیب و شهود است و ذات پاکش از شرک و شریک که برایش آرند برتر و والاتر است.

بگو: بارالها، اگر وعده‌های عذاب این کافران را به من بنمایانی،

پس مرا در میان قوم ستمکار وامگذار.

و البته ما قادریم عذابی را که به کافران وعده می‌دهیم به تو بنمایانیم.

تو آزار و بدیهای امت را به آنچه نیکوتر است دفع کن ما (جزای) گفتار آنها را بهتر می‌دانیم.

و بگو: بارالها، من از وسوسه و فریب شیاطین (انس و جن) به تو پناه می‌آورم.

و هم به تو پناه می‌برم بار خدایا از آنکه شیاطین به مجلسم حضور به هم رسانند (و مرا از یاد تو غافل سازند).

(کافران در جهل و غفلتند) تا آن گاه که وقت مرگ هر یک از آنها فرا رسد، در آن حال گوید: بارالها، مرا به دنیا بازگردانید.

تا شاید به تدارک گذشته عملی صالح به جای آرم. (به او خطاب شود که) هرگز نخواهد شد، این کلمه‌ای است که (از حسرت) همی بگوید (و ثمری نمی‌بخشد) و در برابر آنها عالم برزخ است تا روزی که برانگیخته شوند.

پس آن‌گاه که نفخه صور قیامت دمیده شد دیگر نسب و خویشی در میانشان نماند و کسی از کس دیگر حال نپرسد.

پس (در آن روز) هر که اعمالش سنگین و وزین است آنان رستگارانند.

و هر که اعمالش سبک وزن است آنان کسانی هستند که نفس خویش را در زیان افکنده، به دوزخ مخلد خواهند بود.

آتش دوزخ صورتهای آنها را می‌سوزاند و در جهنم، زشت منظر خواهند زیست.

أَلَمْ تَكُنْ عَائِيَّتِي تُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَكُنْتُمْ بِهَا تُكْذِبُونَ

۱۰۶

قَالُوا رَبَّنَا غَلَبَتْ عَلَيْنَا شِقْوَتُنَا وَكُنَّا قَوْمًا ضَالِّينَ

۱۰۷

رَبَّنَا أَخْرِجْنَا مِنْهَا فَإِنْ عُدْنَا فَإِنَّا ظَالِمُونَ

۱۰۸

قَالَ أَحْسَبُوا فِيهَا وَلَا تُكَلِّمُونِ

۱۰۹

إِنَّهُوَ كَانَ فَرِيقٌ مِّنْ عِبَادِي يَقُولُونَ رَبَّنَا ءَامَنَّا فَاغْفِرْ لَنَا

وَأَرْحَمْنَا وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

۱۱۰

فَاتَّخَذْتُمُوهُمْ سِخْرِيًّا حَتَّىٰ أَنْسَوْكُمْ ذِكْرِي وَكُنْتُمْ مِّنْهُمْ

تَضَحِكُونَ

۱۱۱

إِنِّي جَزَيْتُهُمُ الْيَوْمَ بِمَا صَبَرُوا إِنَّهُمْ هُمُ الْفَاقِزُونَ

۱۱۲

قَالَ كَمْ لَبِئْتُمْ فِي الْأَرْضِ عَدَدَ سِنِينَ

۱۱۳

قَالُوا لَبِئْنَا يَوْمًا أَوْ بَعْضَ يَوْمٍ فَسَلِّ الْعَادِينَ

۱۱۴

قَالَ إِنْ لَّبِئْتُمْ إِلَّا قَلِيلًا لَّوْ أَنْتُمْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

۱۱۵

أَفَحَسِبْتُمْ أَنْمَّا خَلَقْنَاكُمْ عَبَثًا وَأَنْتُمْ إِلَيْنَا لَا

تُرْجَعُونَ

۱۱۶

فَتَعَلَىٰ اللَّهُ الْمَلِكُ الْحَقُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ

الْكَرِيمِ

۱۱۷

وَمَنْ يَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ لَا بُرْهَانَ لَهُ بِهِ فَإِنَّمَا

حِسَابُهُ عِنْدَ رَبِّهِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الْكَافِرُونَ

۱۱۸

وَقُلْ رَبِّ أَعْفِرْ وَارْحَمْ وَأَنْتَ خَيْرُ الرَّاحِمِينَ

(و به آنها خطاب شود) آیا آیات من برای شما تلاوت نمی‌شد؟  
و شما تکذیب آیات من می‌کردید؟

گویند: بارالها (رحم کن که) شقاوت بر ما غلبه کرد و کار ما  
به گمراهی کشید.

پروردگارا، ما را از جهنم بیرون آر، که اگر دیگر بار عصیان  
تو کردیم همانا بسیار ستمکار (و محکوم به هر گونه کیفر و  
عذاب سخت) خواهیم بود.

باز به آنان خطاب سخت شود: (ای سگان) دور شوید و به  
دوزخ درآیید و با من لب از سخن فروبندید.

زیرا شما باید که چون طایفه‌ای از بندگان (صالح) من عرض  
می‌کردند: بارالها، ما به تو ایمان آوردیم، تو از گناهان ما  
درگذر و در حق ما لطف و مهربانی فرما، که تو بهترین  
مهربانان هستی.

در آن وقت (شما کافران) آن بندگان خاص مرا تمسخر  
می‌کردید تا آنجا که این سبب شد که مرا به کلی فراموش  
کردید و بر آن خداپرستان خنده و استهزاء می‌نمودید.

من هم امروز جزای صبر (بر آزار و سخریه شما) را به آن  
بندگان پاک خود خواهم داد که آنها امروز سعادتمند و  
رستگاران عالمند.

(آن‌گاه خدا به کافران) گوید که می‌دانید شما چند سال در  
زمین درنگ کردید؟

آنها پاسخ دهند که یک روز بود یا یک جزء از روز؛ (اگر ما  
خطا می‌گوییم) از شمارندگان (یعنی فرشتگانی که حساب  
عمر خلق دانند) باز پرس.

خدا فرماید: شما اگر (از حال زندگانی خود) آگاه بودید  
می‌دانستید که مدت درنگتان در دنیا بسیار اندک بوده  
است.

آیا چنین پنداشتید که ما شما را به عبث و بازیچه  
آفریده‌ایم و هرگز به سوی ما بازگردانده نمی‌شوید؟!

پس (بدانید که) خدای پادشاه به حق، برتر است (از آنکه از  
او فعل عبث و بیهوده صادر شود) که هیچ خدایی به جز  
همان پروردگار عرش مبارک نیست.

و هر کس غیر خدا کسی دیگر را به الهیت خواند که هیچ  
دلیلی بر آن ندارد حساب کار او نزد خدای اوست و البته  
کافران را (در روز کیفر) فلاح و رستگاری نیست.

و بگو: بارالها، بیامرز و ببخشای و تو بهترین بخشندگان عالم  
وجودی.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سُورَةٌ أَنْزَلْنَاهَا وَفَرَضْنَاهَا وَأَنْزَلْنَا فِيهَا آيَاتٍ بَيِّنَاتٍ لَّعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

این سوره را فرستادیم و (احکامش را) فریضه (بندگان) کردیم و در آن آیات روشن (توحید و معارف و احکام الهی) نازل ساختیم، باشد که شما متذکر (آن حقایق) شوید.

باید هر یک از زنان و مردان زنا کار را به صد تازیانه مجازات و تنبیه کنید و هرگز درباره آنان در دین خدا رأفت و ترحم روا مدارید اگر به خدا و روز قیامت ایمان دارید، و باید عذاب آن بدکاران را جمعی از مؤمنان مشاهده کنند.

مرد زناکار جز با زن زناکار و مشرک نکاح نمی‌کند و زن زانیه را هم جز مرد زانی و مشرک به نکاح نخواهد گرفت و این کار بر مردان مؤمن حرام است.

و آنان که به زنان با عفت مؤمنه نسبت زنا دهند آن‌گاه چهار شاهد (عادل) بر دعوی خود نیاورند آنان را به هشتاد تازیانه کیفر دهید، و دیگر هرگز شهادت آنها را نپذیرید، و آنان مردمی فاسق و نادرستند.

مگر آنهایی که بعد از آن فسق و بهتان به درگاه خدا توبه کنند و در مقام اصلاح عمل خود برآیند، در این صورت خدا البته بسیار آمرزنده و مهربان است.

و آنان که به زنان خود نسبت زنا دهند و جز خود بر آن شاهد و گواهی ندارند (چون حد لازم آید، برای رفع حد) باید از آن زن و مرد نخست مرد چهار مرتبه شهادت و قسم به نام خدا یاد کند که البته او (در این دعوی زنا) از راستگویان است.

و بار پنجم قسم یاد کند که لعن خدا بر او باد اگر از دروغگویان باشد.

و (چون بعد از این پنج قسم شوهر، بر زن حد لازم آید) برای رفع عذاب حد، آن زن نیز نخست چهار مرتبه شهادت و قسم به نام خدا یاد کند که البته شوهرش دروغ می‌گوید.

و بار پنجم قسم یاد کند که غضب خدا بر او اگر این مرد (در این دعوی) از راستگویان باشد.

و اگر فضل و رحمت خدا شامل حال شما مؤمنان نبود و اگر نه این بود که خدای مهربان البته توبه‌پذیر است و کار به حکمت کند (حدود و تکلیف را چنین آسان نمی‌گرفت و به توبه رفع عذاب از شما نمی‌کرد).

الزَّانِيَةُ وَالزَّانِي فَاجْلِدُوا كُلَّ وَاحِدٍ مِّنْهُمَا مِائَةً جَلْدَةً وَلَا تَأْخُذْكُمْ بِهِمَا رَأْفَةٌ فِي دِينِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَلَيْشَهِدَ عَذَابُهُمَا طَآئِفَةٌ مِّنَ الْمُؤْمِنِينَ

الزَّانِي لَا يَنْكِحُ إِلَّا زَانِيَةً أَوْ مُشْرِكَةً وَالزَّانِيَةُ لَا يَنْكِحُهَا إِلَّا زَانٍ أَوْ مُشْرِكٌ وَحَرَّمَ ذَٰلِكَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَأْتُوا بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَاجْلِدُوهُمْ ثَمَانِينَ جَلْدَةً وَلَا تَقْبَلُوا لَهُمْ شَهَادَةً أَبَدًا وَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

إِلَّا الَّذِينَ تَابُوا مِن بَعْدِ ذَٰلِكَ وَأَصْلَحُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَالَّذِينَ يَرْمُونَ أَزْوَاجَهُمْ وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ شُهَدَاءُ إِلَّا أَنفُسُهُمْ فَشَهَدَةُ أَحَدِهِمْ أَرْبَعُ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الصَّادِقِينَ

وَالْخَمِيسَةُ أَنْ لَعَنَتَ اللَّهُ عَلَيْهِ إِنْ كَانَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

وَيَدْرُؤُا عَنْهَا الْعَذَابَ أَنْ تَشْهَدَ أَرْبَعَ شَهَدَاتٍ بِاللَّهِ إِنَّهُ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

وَالْخَمِيسَةُ أَنْ غَضَبَ اللَّهُ عَلَيْهَا إِنْ كَانَ مِنَ الصَّادِقِينَ

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ حَكِيمٌ

إِنَّ الَّذِينَ جَاءُوا بِالْإِفْكِ عُصْبَةٌ مِّنْكُمْ لَا تَحْسَبُوهُ شَرًّا لَّكُم بَلْ هُوَ خَيْرٌ لَّكُمْ لِكُلِّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ مَا أَكْتَسَبَ مِنَ الْإِثْمِ وَالَّذِي تَوَلَّى كِبْرَهُ مِنْهُمْ لَهُ عَذَابٌ عَظِيمٌ

همانا کسانی که آن بهتان را بستند (و به عایشه تهمت کار ناشایست زدند که رسول و مؤمنان را بیازارند) گروهی همدست از (منافقان) شما هستند؛ شما باید نپندارید ضرری از آن به آبروی شما می‌رسد بلکه خیر و ثواب نیز (چون بر تهمت صبر کنید از خدا) خواهید یافت؛ هر یک از آنها به عقاب گناه خود خواهند رسید؛ و آن کس از منافقان که رأس و منشأ این بهتان بزرگ گشت هم او به عذابی بزرگ معذب خواهد شد.

لَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ ظَنَّ الْمُؤْمِنُونَ وَالْمُؤْمِنَاتُ بَأَنْفُسِهِمْ خَيْرًا وَقَالُوا هَذَا إِفْكٌ مُّبِينٌ

آیا سزاوار این نبود که چون (از منافقان) چنین بهتان و دروغها شنیدید مردان و زنان مؤمن حسن ظنشان درباره یکدیگر بیشتر شده و گویند: این دروغی است آشکار؟

لَوْلَا جَاءُوا عَلَيْهِ بِأَرْبَعَةِ شُهَدَاءَ فَإِذْ لَمْ يَأْتُوا بِالشُّهَدَاءِ فَأُولَئِكَ عِنْدَ اللَّهِ هُمُ الْكَاذِبُونَ

چرا (منافقان) بر دعوی خود چهار شاهد (عادل) اقامه نکردند؟ پس حالی که شاهد نیاوردند البته نزد خدا مردمی دروغزنند.

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ لَمَسَّكُمْ فِي مَا أَفَضْتُمْ فِيهِ عَذَابٌ عَظِيمٌ

و اگر فضل و رحمت خدا در دنیا و عقبی شامل حال شما (مؤمنان) نبود به مجرد خوض در این‌گونه سخنان (نفاق انگیز) به شما عذابی بزرگ می‌رسید.

إِذْ تَلَقَّوْنَهُ بِالسِّنْتِكُمْ وَتَقُولُونَ بِأَفْوَاهِكُمْ مَا لَيْسَ لَكُمْ بِهِ عِلْمٌ وَتَحْسَبُونَهُ هَيِّنًا وَهُوَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمٌ

زیرا شما آن سخنان را از زبان یکدیگر تلقی کرده و حرفی بر زبان می‌گفتید که علم به آن نداشتید و این کار را سهل و کوچک می‌پنداشتید در صورتی که نزد خدا (گناهی) بسیار بزرگ بود.

وَلَوْلَا إِذْ سَمِعْتُمُوهُ قُلْتُمْ مَا يَكُونُ لَنَا أَنْ نَتَكَلَّمَ بِهَذَا سُبْحَانَكَ هَذَا بُهْتَانٌ عَظِيمٌ

چرا به محض شنیدن این سخن نگفتید که هرگز ما را تکلم به این روا نیست، پاک خدایا، این بهتانی بزرگ است؟

يَعِظُكُمُ اللَّهُ أَنْ تَعُودُوا لِمِثْلِهِ أَبَدًا إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

خدا به شما (مؤمنان) موعظه و اندرز می‌کند که زهار دیگر گرد این چنین سخن نگردید اگر اهل ایمانید.

وَيُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و خدا آیات خود را برای شما بیان می‌کند، و او (به حقایق امور و سرائر خلق) دانا و (به مصالح بندگان و نظام عالم کاملا) آگاه است.

إِنَّ الَّذِينَ يُجِبُونَ أَنْ تَشِيَعَ الْفَحِشَةُ فِي الَّذِينَ ءَامَنُوا لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ وَأَنْتُمْ لَا تَعْلَمُونَ

آنان که (چون عبد الله ابی سلول و منافقان دیگر) دوست می‌دارند که در میان اهل ایمان کار منکری اشاعه و شهرت یابد آنها را در دنیا و آخرت عذابی دردناک خواهد بود و خدا (فتنه‌گری و دروغشان را) می‌داند و شما نمی‌دانید.

وَلَوْلَا فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ وَأَنَّ اللَّهَ رَعُوفٌ رَّحِيمٌ

و اگر فضل و رحمت خدا و رأفت و مهربانی او شامل حال شما (مؤمنان) نبود (در عقاب گناهتان تعجیل کردی و توبه نپذیرفتی).

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّبِعُوا خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ وَمَنْ يَتَّبِعْ  
خُطْوَاتِ الشَّيْطَانِ فَإِنَّهُ يَأْمُرُ بِالْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَلَوْلَا  
فَضْلُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَتُهُ مَا زَكَا مِنْكُمْ مِنْ أَحَدٍ أَبَدًا  
وَلَكِنَّ اللَّهَ يُزَكِّي مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

وَلَا يَأْتِلِ أَوْلُوا الْفَضْلِ مِنْكُمْ وَالسَّعَةِ أَنْ يُؤْتُوا أُولِي  
الْقُرْبَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَالْمُهَاجِرِينَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِيَعْفُوا  
وَلِيَصْفَحُوا ۗ أَلَا تُحِبُّونَ أَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَكُمْ ۗ وَاللَّهُ غَفُورٌ  
رَحِيمٌ

إِنَّ الَّذِينَ يَرْمُونَ الْمُحْصَنَاتِ الْغَافِلَاتِ الْمُؤْمِنَاتِ لَعُنُوا  
فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا  
يَعْمَلُونَ

يَوْمَ يَدْعُ يُوفِّيهِمْ اللَّهُ دِينَهُمُ الْحَقَّ وَيَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ  
الْمُبِينُ

الْحَبِيثَاتُ لِلْحَبِيثِينَ وَالْحَبِيثُونَ لِلْحَبِيثَاتِ وَالطَّيِّبَاتُ  
لِلطَّيِّبِينَ وَالطَّيِّبُونَ لِلطَّيِّبَاتِ ۚ أُولَٰئِكَ مُبَرَّءُونَ مِمَّا  
يَقُولُونَ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ بُيُوتِكُمْ حَتَّىٰ  
تَسْتَأْنِسُوا وَتُسَلِّمُوا عَلَىٰ أَهْلِهَا ۚ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ لَعَلَّكُمْ  
تَذَكَّرُونَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، زنهار پیروی شیطان مکنید،  
که هر کس قدم به قدم از پی شیطان رفت او به کار زشت  
منکر وامی‌دارد، و اگر فضل و رحمت خدا شامل شما نبود  
احدی از شما (از گناه و زشتی) پاک و پاکیزه نشدی، لیکن  
خدا هر کس را می‌خواهد منزّه و پاک می‌گرداند، و خدا  
شنا و داناست.

و نباید صاحبان ثروت و نعمت از شما درباره خویشاوندان  
خود و در حق مسکینان و مهاجران راه خدا از بخشش و  
انفاق کوتاهی کنند، باید مؤمنان عفو و صفح پیشه کنند و از  
بدیها درگذرند، آیا دوست نمی‌دارید که خدا هم در حق شما  
مغفرت (و احسان) فرماید؟ و خدا بسیار آمرزنده و مهربان  
است.

کسانی که به زنان باایمان عفیفه (مبرا و) بی‌خبر از کار بد  
تهمت زنند محققا در دنیا و آخرت ملعون و محروم از رحمت  
حق هستند و هم آنان به عذابی بزرگ معذب خواهند شد.

در روزی که زبان و دست و پای ایشان بر اعمال (ناشایسته)  
آنها گواهی دهد.

در آن روز خدا حساب و کیفر شایسته آنها را تمام و کامل  
خواهد پرداخت و خواهند دانست که خداوند حق آشکار  
است.

زنان بدکار و ناپاک شایسته مردانی بدین وصفند و مردان  
زشتکار و ناپاک نیز شایسته زنانی بدین صفتند و (بالعکس)  
زنان پاکیزه نیکو لا یق مردانی چنین و مردان پاکیزه نیکو  
لایق زنانی همین گونه‌اند، و این پاکیزگان از سخنان بهتانی  
که ناپاکان درباره آنان گویند منزّهند و بر ایشان آمرزش و  
رزق نیکوست.

ای اهل ایمان، هرگز به هیچ خانه مگر خانه‌های خودتان تا با  
صاحبش انس و اجازه ندارید وارد نشوید و (چون رخصت  
یافته و داخل شوید) به اهل آن خانه نخست سلام کنید که  
این (ورود با اجازه و تحیت، برای حسن معاشرت و ادب  
انسانیت) شما را بسی بهتر است، باشد که متذکر (شئون  
یکدیگر و حافظ آداب رفاقت) شوید.



فَإِنْ لَمْ تَجِدُوا فِيهَا أَحَدًا فَلَا تَدْخُلُوهَا حَتَّىٰ يُؤْذَنَ لَكُمْ  
وَإِنْ قِيلَ لَكُمْ ارْجِعُوا فَارْجِعُوا هُوَ أَزْكَىٰ لَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ

لَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَدْخُلُوا بُيُوتًا غَيْرَ مَسْكُونَةٍ  
فِيهَا مَتَعٌ لَّكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا تُبْدُونَ وَمَا تَكْتُمُونَ

قُلْ لِلْمُؤْمِنِينَ يَغُضُّوا مِنْ أَبْصَارِهِمْ وَيَحْفَظُوا فُرُوجَهُمْ  
ذَٰلِكَ أَزْكَىٰ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

وَقُلْ لِلْمُؤْمِنَاتِ يَغْضُضْنَ مِنْ أَبْصَارِهِنَّ وَيَحْفَظْنَ  
فُرُوجَهُنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا مَا ظَهَرَ مِنْهَا وَلْيَضْرِبْنَ  
بِحُمْرِهِنَّ عَلَىٰ جُيُوبِهِنَّ وَلَا يُبْدِينَ زِينَتَهُنَّ إِلَّا لِبُعُولَتِهِنَّ أَوْ  
ءَابَائِهِنَّ أَوْ ءَابَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ أَبْنَائِهِنَّ أَوْ أَبْنَاءِ بُعُولَتِهِنَّ أَوْ  
إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي إِخْوَانِهِنَّ أَوْ بَنِي أَخَوَاتِهِنَّ أَوْ نِسَائِهِنَّ أَوْ مَا  
مَلَكَتْ أَيْمَانُهُنَّ أَوِ التَّابِعِينَ غَيْرِ أُولِي الْإِرْبَةِ مِنَ الرِّجَالِ  
أَوِ الطِّفْلِ الَّذِينَ لَمْ يَظْهَرُوا عَلَىٰ عَوْرَاتِ النِّسَاءِ وَلَا  
يَضْرِبْنَ بَأَرْجُلِهِنَّ لِيُعْلَمَ مَا يُخْفِينَ مِنْ زِينَتِهِنَّ وَتُوبُوا إِلَىٰ  
اللَّهِ جَمِيعًا أَيُّهَ الْمُؤْمِنُونَ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

و اگر کسی را نیافتید باز وارد نشوید تا اجازه یابید، و چون  
(به خانه‌ای درآمدید و) گفتند: برگردید، به زودی بازگردید  
که این برای تنزیه و پاکی شما بهتر است، و خدا به هر چه  
می‌کنید داناست.

باکی بر شما نیست که به خانه غیر مسکونی که در آن متاعی  
دارید (بی‌اجازه) در آید، و (بدانید که) خدا به همه کار  
آشکار و پنهان شما آگاه است.

(ای رسول ما) مردان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا)  
بپوشند و فروج و اندامشان را (از کار زشت با زنان) محفوظ  
دارند که این بر پاکیزگی (جسم و جان) آنان اصلح است، و  
البته خدا به هر چه کنید کاملا آگاه است.

و زنان مؤمن را بگو تا چشمها (از نگاه ناروا) بپوشند و فروج  
و اندامشان را (از عمل زشت) محفوظ دارند و زینت و  
آرایش خود جز آنچه قهرا ظاهر می‌شود (بر بیگانه) آشکار  
نسازند، و باید سینه و بر و دوش خود را به مقنعه بپوشانند  
و زینت و جمال خود را آشکار نسازند جز برای شوهران خود  
یا پدران یا پدران شوهر یا پسران خود یا پسران شوهر یا  
برادران خود یا پسران برادران و پسران خواهران خود یا  
زنان خود (یعنی زنان مسلمه) یا کنیزان ملکی خویش یا  
مردان اتباع خانواده که رغبت به زنان ندارند یا اطفالی که  
هنوز بر عورت و محارم زنان آگاه نیستند (و از غیر این  
اشخاص مذکور احتجاب و احتراز کنند) و آن طور پای به  
زمین نزنند که خلخال و زیور پنهان پاهایشان معلوم شود. و  
ای اهل ایمان، همه به درگاه خدا توبه کنید، باشد که  
رستگار شوید.

وَأَنْكِحُوا الْأَيْمَىٰ مِنْكُمْ وَالصَّالِحِينَ مِنْ عِبَادِكُمْ  
وَأِمَائِكُمْ إِنْ يَكُونُوا فُقَرَاءَ يُغْنِهِمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَاللَّهُ  
وَاسِعٌ عَلِيمٌ

وَلَيْسَتَعْفِيفُ الَّذِينَ لَا يَجِدُونَ نِكَاحًا حَتَّىٰ يُغْنِيَهُمُ اللَّهُ  
مِنْ فَضْلِهِ ۗ وَالَّذِينَ يَبْتِغُونَ الْكِتَابَ مِمَّا مَلَكَتْ  
أَيْمَانُكُمْ فَكَاتِبُوهُمْ إِنْ عَلِمْتُمْ فِيهِمْ خَيْرًا ۗ وَعَأْتُوهُمْ مِّنْ  
مَّالِ اللَّهِ الَّذِي ءَاتَاكُمْ ۗ وَلَا تُكْرِهُوا فَتِيَّتَكُمْ عَلَى  
الْبِغَاءِ إِنْ أَرَدْنَ تَحَصُّنًا لِّتَبْتُغُوا عَرَضَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ۗ وَمَنْ  
يُكْرِهِنَّ فَإِنَّ اللَّهَ مِنْ بَعْدِ إِكْرِهِنَّ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ ءَايَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا  
مِنْ قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ

اللَّهُ نُورُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ مَثَلُ نُورِهِ كَمِشْكَاةٍ فِيهَا  
مِصْبَاحٌ ۗ الْمِصْبَاحُ فِي زُجَاجَةٍ ۗ الزُّجَاجَةُ كَأَنَّهَا كَوْكَبٌ  
دُرِّيٌّ يُوقَدُ مِن شَجَرَةٍ مُّبْرَكَةٍ زَيْتُونَةٍ لَّا شَرْقِيَّةٍ وَلَا  
غَرْبِيَّةٍ يَكَادُ زَيْتُهَا يُضِيءُ وَلَوْ لَمْ تَمْسَسْهُ نَارٌ نُّورٌ عَلَىٰ  
نُورٍ ۗ يَهْدِي اللَّهُ لِنُورِهِ مَن يَشَاءُ ۗ وَيَضْرِبُ اللَّهُ الْأَمْثَلَ  
لِلنَّاسِ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

فِي بُيُوتٍ أُذِنَ لِلَّهِ أَنْ تَرْفَعَ وَيُذْكَرَ فِيهَا أَسْمُهُ ۗ يُسَبِّحُ لَهُ  
فِيهَا بِالْغُدُوِّ وَالْآصَالِ

و البته باید مردان بی‌زن و زنان بی‌شوهر و کنیزان و  
بندگان شایسته خود را به نکاح یکدیگر درآورید، اگر آن  
مردان و زنان فقیرند خدا به لطف و فضل خود آنان را  
بی‌نیاز و مستغنی خواهد فرمود و خدا رحمتش وسیع و  
نامتناهی و (به احوال بندگان) آگاه است.

و آنان که وسیله نکاح نیابند باید عفت نفس پیشه کنند تا  
خدا آنها را به لطف و فضل خود بی‌نیاز گرداند. و از  
بردگانتان آنان که تقاضای مکاتبه کنند (یعنی خواهند که  
خود را از مولا به مبلغی مشروط یا مطلق خریداری کنند)  
تقاضای آنها را اگر خیر و صلاحی در ایشان مشاهده کنید  
بپذیرید و (برای کمک به آزاد شدن آنها) از مال خدا که به  
شما اعطا فرموده (به عنوان زکات و صدقات در وجه مال  
المکاتبه) به آنها بدهید، و کنیزکان خود را که مایلند به  
عفت، زنهار برای طمع مال دنیا جبرا به زنا وادار مکنید، که  
هر کس آنها را اکراه به زنا کند خدا در حق آنها که مجبور  
بودند بسیار آمرزنده و مهربان است (لیکن شما را که آنها را  
به زنا مجبور کنید به جای آنان عقاب خواهد کرد).

و همانا ما به سوی شما آیاتی روشن نازل گردانیدیم و  
داستانی از آنان که پیش از شما درگذشتند و موعظه‌ای  
برای اهل تقوا فرستادیم.

خدا نور (وجودبخش) آسمانها و زمین است، داستان نورش  
به مشکاتی ماند که در آن روشن چراغی باشد و آن چراغ در  
میان شیشه‌ای که از تالو آن گویی ستاره‌ای است درخشان،  
و روشن از درخت مبارک زیتون که (با آنکه) شرقی و غربی  
نیست (شرق و غرب جهان بدان فروزان است) و بی‌آنکه  
آتش زیت آن را برافروزد خود به خود (جهانی را) روشنی  
بخشد، پرتو آن نور (حقیقت) بر روی نور (معرفت) قرار  
گرفته است. و خدا هر که را خواهد به نور خود (و اشراقات  
وحی خویش) هدایت کند و (این) مثلها را خدا برای مردم  
(هوشمند) می‌زند (که به راه معرفتش هدایت یابند) و خدا  
به همه امور داناست!

(و آن مشکات) در خانه‌هایی (قرار دارد مانند معابد و  
مساجد و منازل انبیاء و اولیاء) که خدا رخصت داده که آنجا  
رفعت یابد و در آنها ذکر او شود و صبح و شام تسبیح و  
تنزیه ذات پاک او کنند.

رَجَالٌ لَا تُلْهِهِمْ تِجَارَةٌ وَلَا بَيْعٌ عَن ذِكْرِ اللَّهِ وَإِقَامِ  
الصَّلَاةِ وَإِيتَاءِ الزَّكَاةِ يَخَافُونَ يَوْمًا تَتَقَلَّبُ فِيهِ الْقُلُوبُ  
وَالْأَبْصَارُ

لِيَجْزِيَهُمُ اللَّهُ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ  
وَاللَّهُ يَرْزُقُ مَن يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا أَعْمَلُوهُمْ كَسْرَابٍ بِقَيْعَةٍ يَحْسَبُهُ الظَّمْآنُ  
مَاءً حَتَّىٰ إِذَا جَاءَهُ لَمْ يَجِدْهُ شَيْئًا وَوَجَدَ اللَّهَ عِنْدَهُ  
فَوَقَّعَتْهُ حِسَابَهُ ۗ وَاللَّهُ سَرِيعُ الْحِسَابِ

أَوْ كَظُلُمَاتٍ فِي بَحْرٍ لُّجِّيٍّ يَغْشَاهُ مَوْجٌ مِّن فَوْقِهِ مَوْجٌ مِّن  
فَوْقِهِ سَحَابٌ ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ  
لَمْ يَكَدْ يَرَاهَا ۗ وَمَن لَّمْ يَجْعَلِ اللَّهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِن  
نُّورٍ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُسَبِّحُ لَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالصَّيْرُ  
صَفَّتْ كُلُّ قَدِّ عِلْمٍ صَلَاتَهُ وَتَسْبِيحَهُ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِمَا  
يَفْعَلُونَ

وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُزْجِي سَحَابًا ثُمَّ يُؤَلِّفُ بَيْنَهُ ثُمَّ يَجْعَلُهُ  
رُكَّامًا فَتَرَى الْوَدْقَ يَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ ۗ وَيُنزِلُ مِنَ السَّمَاءِ  
مِن جِبَالٍ فِيهَا مِن بَرَدٍ فَيُصِيبُ بِهِ مَن يَشَاءُ وَيَصْرِفُهُ  
عَن مَّن يَشَاءُ ۗ يَكَادُ سَنَا بَرْقِهِ ۗ يَذْهَبُ بِالْأَبْصَارِ

پاکمردانی که هیچ کسب و تجارت آنان را از یاد خدا و به پا داشتن نماز و دادن زکات غافل نگرداند و از روزی که دل و دیده‌ها در آن روز حیران و مضطرب است ترسان و هراسانند.

تا خدا در مقابل بهترین اعمال ایشان جزاء و ثواب کامل عطا فرماید و از فضل و احسان خویش بر آنها بیفزاید، و خدا هر که را خواهد روزی بی‌حد و حساب بخشد.

و آنان که کافرند اعمالشان در مثل به سرابی ماند در بیابان هموار بی‌آب که شخص تشنه آن را آب پندارد (و به جانب آن شتابد) چون بدانجا رسید هیچ آب نیابد، و (آن کافر) خدا را حاضر و ناظر اعمال خویش بیند که به حساب کارش تمام و کامل برسد و خدا به یک لحظه حساب تمام خلایق می‌کند.

یا (مثل اعمال کافران) به ظلمات دریای موج عمیقی ماند که امواج آن (که شک و جهل و اعمال زشت است) بعضی بالای بعضی دیگر دریا را بیوشاند و ابر تیره (کفر) نیز فراز آن برآید تا ظلمت‌ها چنان متراکم فوق یکدیگر قرار گیرد که چون دست بیرون آرد آن را نتواند دید، و هر که را خدا نور (علم و معرفت و ایمان) نبخشید هرگز (جان) روشنی نخواهد یافت.

آیا ندیدی که هر کس در آسمانها و زمین است تا مرغهایی که در هوا پر گشایند همه به تسبیح و ثنای خدا مشغولند؟ و همه آنان صلاه و تسبیح خود بدانند، و خدا به هر چه کنند آگاه است.

و (بدانید که) ملک و پادشاهی آسمانها و زمین خاص خداست و بازگشت (همه خلایق) به سوی خداست.

آیا ندیدی که خدا ابر را (از هر طرف) براند و به هم در پیوندد و باز انبوه و متراکم سازد آن گاه بنگری قطرات باران از میان ابر فرو ریزد؟ و نیز از آسمان، از کوههایی (از ابرهای منجمد شده) که در آن است تگرگ فرو بارد و زیان آن را به هر که خود خواهد برساند (و اشجار و کشتزار او را تباه گرداند) و آن را از هر که خواهد باز دارد (تا تگرگش زیان نرساند) و روشنی برق آن چنان بتابد که خواهد روشنی دیده‌ها را از بین ببرد.

يُقَلِّبُ اللَّهُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَعِبْرَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

وَاللَّهُ خَلَقَ كُلَّ دَابَّةٍ مِّن مَّاءٍ فَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى بَطْنِهِ ۚ  
وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى رِجْلَيْنِ وَمِنْهُمْ مَّن يَمْشِي عَلَى أَرْبَعٍ  
يَخْلُقُ اللَّهُ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

لَقَدْ أَنْزَلْنَا ءَايَاتٍ مُّبَيِّنَاتٍ وَاللَّهُ يَهْدِي مَن يَشَاءُ إِلَىٰ  
صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

وَيَقُولُونَ ءَأَمَّنَّا بِاللَّهِ وَبِالرَّسُولِ وَأَطَعْنَا ثُمَّ يَتَوَلَّىٰ فَرِيقٌ  
مِّنْهُمْ مِّن بَعْدِ ذَلِكَ وَمَا أُولَٰئِكَ بِالْمُؤْمِنِينَ

وَإِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ إِذَا فَرِيقٌ  
مِّنْهُمْ مُّعْرِضُونَ

وَإِن يَكُن لَّهُمُ الْحَقُّ يَأْتُوا إِلَيْهِ مُذْعِنِينَ

أَفِي قُلُوبِهِمْ مَّرَضٌ أَمْ ارْتَابُوا أَمْ يَخَافُونَ أَن يَحِيفَ اللَّهُ  
عَلَيْهِمْ وَرَسُولُهُ ۚ بَلْ أُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

إِنَّمَا كَانَ قَوْلَ الْمُؤْمِنِينَ إِذَا دُعُوا إِلَى اللَّهِ وَرَسُولِهِ  
لِيَحْكُمَ بَيْنَهُمْ أَن يَقُولُوا سَمِعْنَا وَأَطَعْنَا ۚ وَأُولَٰئِكَ هُمُ  
الْمُفْلِحُونَ

وَمَن يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَيَخْشِ اللَّهَ وَيَتَّقِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ  
الْفَائِزُونَ

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن أَمَرْتَهُمْ لَيَخْرُجُنَّ قُل لَّا  
تُقْسِمُوا طَاعَةٌ مَّعْرُوفَةٌ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

خدا شب و روز را (بر یکدیگر) می‌گرداند، همانا صاحبان بصیرت را در این (آیت الهی و حکمت خدا) عبرتی است.

و خدا هر حیوانی را از آب آفرید، که بعضی (مانند مارها) بر شکم روند و برخی (مانند انسان) بر دو پا و برخی (چون اسب و گاو و شتر) بر چهار پا حرکت کنند. و خدا هر چه خواهد بیافریند که خدا بر همه کار تواناست.

همانا ما آیات و ادله بسیار روشن فرستادیم. و خدا هر که را خواهد به راه راست هدایت می‌کند.

و (منافقان هم مانند مؤمنان) می‌گویند که ما به خدا و رسول ایمان آورده و اطاعت می‌کنیم، و لیکن با این همه قول باز گروهی (وقت عمل، از حق) روی می‌گردانند و اصلا آنان ایمان ندارند.

و هر گاه به سوی خدا و رسول خوانده شوند تا (رسول به حکم خدا) میان آنها قضاوت کند گروهی از ایشان (از این دعوت) اعراض می‌کنند.

و اگر دعوی خود را بر حق بدانند البته با کمال انقیاد به سوی رسول می‌آیند.

آیا در دل‌هایشان مرض (جهل و نفاق) است یا شک و ریبی دارند یا می‌ترسند که خدا و رسول (در مقام قضاوت) بر آنها جور و ستمی کنند؟ (خدا ظلم نخواهد کرد) بلکه آنها خود مردمی ظالم و متعدیند.

آن مؤمنانند که چون به سوی حکم خدا و رسولشان بخوانند تا (رسول به حکم خدا) میان آنها حکم کند (از دل و جان) خواهند گفت که شنیده و اطاعت می‌کنیم. و رستگاران عالم به حقیقت اینها هستند.

و هر کس فرمان خدا و رسول را اطاعت کند و خدا ترس و پرهیزگار باشد چنین کسان را فیروزی و سعادت خواهد بود.

و منافقان شدیدترین قسم را به نام خدا یاد کنند که اگر تو آنها را امر کنی البته همه (به جهاد دشمن) بیرون خواهند رفت، بگو: سوگند یاد مکنید، که طاعت پسندیده و مطلوب است (نه سوگند دروغ منافقانه. و بترسید که) خدا به هر چه می‌کنید کاملا آگاه است.

قُلْ أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۖ فَإِن تَوَلَّوْا فَإِنَّمَا عَلَيْهِ مَا حُمِّلَ وَعَلَيْكُمْ مَا حُمِّلْتُمْ ۗ وَإِن تُطِيعُوهُ تَهْتَدُوا ۗ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

بگو که خدا را فرمان برید و رسول را اطاعت کنید. پس اگر اطاعت نکردید بر او بار رسالت اوست و بر شما بار تکلیف خویش است، و اگر او را اطاعت کنید هدایت (و سعادت) خواهید یافت، و بر رسول جز ابلاغ روشن رسالت تکلیفی نیست.

وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا أُسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَىٰ لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُم مِّن بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا ۗ يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا ۗ وَمَن كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ

خدا به کسانی از شما بندگان که (به خدا و حجت عصر علیه السلام) ایمان آرند و نیکوکار گردند وعده فرمود که (در ظهور امام زمان) در زمین خلافتشان دهد چنانکه امام صالح پیمبران سلف را جانشین پیشینیان آنها نمود، و دین پسندیده آنان را (که اسلام واقعی است بر همه ادیان) تمکین و تسلط عطا کند و به همه آنان پس از خوف و اندیشه از دشمنان ایمنی کامل دهد که مرا به یگانگی، بی هیچ شائبه، شرک و ریا پرستش کنند، و بعد از آن هر که کافر شود پس آنان به حقیقت همان فاسقان تبهکارند.

وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

و نماز را به پا دارید و زکات بدهید و رسول ما را اطاعت کنید، باشد که مورد لطف و رحمت شوید.

لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَمَا أُولَٰئِكَ إِلَّا النَّارُ ۖ وَلَٰبِئْسَ الْمَصِيرُ

(ای رسول) هرگز مپندار که کافران در زمین معجز و قدرتی خواهند یافت، و جایگاهشان (نیز در آخرت) دوزخ است که بسیار منزلگاه بدی است.

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَيَسْتَخْلِفَنكُمُ الَّذِينَ مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ وَالَّذِينَ لَمْ يَبْلُغُوا الْحُلُمَ مِنكُم ثَلَاثَ مَرَّاتٍ مِّن قَبْلِ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَحِينَ تَضَعُونَ ثِيَابَكُم مِّنَ الظَّهِيرَةِ وَمِن بَعْدِ صَلَاةِ الْعِشَاءِ ۖ ثَلَاثُ عَوْرَاتٍ لَّكُم لَيْسَ عَلَيْكُمْ وَلَا عَلَيْهِمْ جُنَاحٌ بَعْدُهَا ۚ طَوَّفُونَ عَلَيْكُمْ بَعْضُكُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ كَذَٰلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمُ الْآيَاتِ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید (بدانید که) بندگان ملکی شما و اطفال شما که هنوز به وقت احتلام و زمان بلوغ نرسیده‌اند باید (شبانه روزی) سه مرتبه از شما اجازه ورود بخواهند: یک بار پیش از نماز صبح و دیگر هنگام ظهر که جامه‌ها را از تن برمی‌گیرید و دیگر پس از نماز خفتن، که این سه وقت هنگام عورت و خلوت شماسست (اکثر برهنه یا در لباس کوتاهید) و بعد از این سه بار اجازه، دیگر باکی بر شما و آنها نیست که (بی‌دستور) با بندگان و اطفال خود گرد یکدیگر جمع شوید و هر ساعت در کارها به شما مراجعه کنند. خدا آیات را بر شما چنین روشن بیان می‌کند، و خدا (به کار بندگان) دانا و (به مصالح خلق) آگاه است.

وَإِذَا بَلَغَ الْأَطْفَالُ مِنْكُمْ الْحُلُمَ فَلْيَسْتَعِزُّوْا كَمَا  
 اسْتَعِزَّ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ آيَاتِهِ ۗ  
 وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

وَالْقَوَاعِدُ مِنَ النِّسَاءِ الَّتِي لَا يَرَجُونَ نِكَاحًا فَلَيْسَ  
 عَلَيْهِنَّ جُنَاحٌ أَنْ يَضَعْنَ ثِيَابَهُنَّ غَيْرَ مُتَبَرِّجَاتٍ بِزِينَةٍ ۗ  
 وَأَنْ يَسْتَعْفِفْنَ خَيْرٌ لَهُنَّ ۗ وَاللَّهُ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَى حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى  
 الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى أَنْفُسِكُمْ أَنْ تَأْكُلُوا مِنْ  
 بُيُوتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ آبَائِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أُمَّهَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ  
 إِخْوَانِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخَوَاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَعْمَامِكُمْ أَوْ  
 بُيُوتِ عَمَّاتِكُمْ أَوْ بُيُوتِ أَخْوَالِكُمْ أَوْ بُيُوتِ خَالَاتِكُمْ  
 أَوْ مَا مَلَكَتْهُنَّ مَفَاتِحُهُ أَوْ صَدِيقِكُمْ لَيْسَ عَلَيْكُمْ  
 جُنَاحٌ أَنْ تَأْكُلُوا جَمِيعًا أَوْ أَشْتَاتًا فَإِذَا دَخَلْتُمْ بُيُوتًا  
 فَسَلِّمُوا عَلَى أَنْفُسِكُمْ تَحِيَّةً مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ مُبْرَكَةٌ طَيِّبَةٌ  
 كَذَلِكَ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

و آن گاه که اطفال شما به حد بلوغ و احتلام رسیدند باید مانند سایر بالغان (البته همه وقت) با اجازه وارد شوند. خدا آیات خود را برای شما بدین روشنی بیان می‌کند، و خدا (به صلاح بندگان) دانا و (در وضع تکلیف) محکم کار است.

و زنان سالخورده که (از ولادت و عادت) باز نشسته‌اند و امید ازدواج و نکاح ندارند بر آنان باکی نیست در صورتی که اظهار تجملات و زینت خود نکنند که جامه‌های خود (یعنی لباسهای رو مانند عبا و چادر و روپوش و امثال آن) را نزد نامحرمان برگیرند، و باز هم عفت و تقوا گزینی (و بر نگرفتن جامه) بر آنان (در دین و دنیا) بهتر است، و خدا (به سخنان خلق) شنوا و (به اغراض و نیات آنها) آگاه است.

بر نابینایان و لنگان و بیماران باکی نیست (که به جهاد نروند یا تندرستان با آنها معاشر و همسفره شوند) و نیز باکی بر شما نیست که از خانه‌های خود و پدران خود و مادرانتان و برادران و خواهران و عمو و عمه و خالو و خاله خویش غذا تناول کنید یا آنکه از هر جا که کلید آن در دست شماست یا خانه رفیق خود باکی نیست که از مجموع یا هر یک از این خانه‌ها طعامی خورید. و (با وجود این دستور باز) هرگاه بخواهید به خانه‌ای (از اینها) داخل شوید نخست بر خویش سلام کنید (یعنی چون به خانه یا مسجدی درآیید بر مسلمانان و همدینان خودتان یا اگر کسی نباشد بر نفس خود باز سلام کنید و خلاصه باخبر وارد شوید) که سلام تحیتی با برکت و نیکو از جانب خداست. خدا آیات خود را این گونه برای شما روشن بیان می‌کند باشد که (در آنها) تعقل کنید (و طریق سعادت و هدایت بازجویید).

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ؕ وَإِذَا كَانُوا  
مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَّمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ ۚ إِنَّ الَّذِينَ  
يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۚ فَإِذَا  
أَسْتَأْذَنُوكَ لِبَعْضِ شَأْنِهِمْ فَأَذَن لِّمَن شِئْتَ مِنْهُمْ وَاسْتَغْفِرْ  
لَهُمُ اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

لَا تَجْعَلُوا دُعَاءَ الرَّسُولِ بَيْنَكُمْ كَدُعَاءِ بَعْضِكُمْ بَعْضًا ۚ  
قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَسَلَّلُونَ مِنْكُمْ لِوَاذًا ۚ فَلْيَحْذَرِ الَّذِينَ  
يُخَالِفُونَ عَنْ أَمْرِهِ ۗ أَنْ تُصِيبَهُمْ فِتْنَةٌ أَوْ يُصِيبَهُمْ عَذَابٌ  
أَلِيمٌ

أَلَا إِنَّ لِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ ۗ قَدْ يَعْلَمُ مَا أَنْتُمْ  
عَلَيْهِ وَيَوْمَ يُرْجَعُونَ إِلَيْهِ فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ  
شَيْءٍ عَلِيمٌ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
تَبَارَكَ الَّذِي نَزَّلَ الْفُرْقَانَ عَلَىٰ عَبْدِهِ ۗ لِيَكُونَ لِلْعٰلَمِیْنَ  
نَذِيرًا

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَتَّخِذْ وَلَدًا وَلَمْ  
يَكُنْ لَهُ شَرِيكٌ فِي الْمُلْكِ وَخَلَقَ كُلَّ شَيْءٍ فَقَدَرَهُ وَ  
تَقْدِيرًا

مؤمنان حقیقی آنهایی هستند که به خدا و رسولش ایمان (و انقیاد کامل) دارند و هرگاه در کاری اجتماعشان به حضور رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) لازم باشد حاضر آیند و تا اجازه نخواهند هرگز از محضر او بیرون نمیروند. و (ای رسول ما) آنان که از تو اجازه می‌خواهند اینان به حقیقت اهل ایمان به خدا و رسولند، پس چون از تو اجازت طلبند که بعضی مشاغل و امور خود را انجام دهند از آنان هر که را خواهی اجازه ده و بر آنها از خدا طلب مغفرت و آمرزش کن، که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

(ای مؤمنان) شما دعای رسول (صلی الله علیه و آله و سلم) را ندا کردن او را مانند ندای بین یکدیگر (بدون حفظ ادب مقام رسالت) قرار مدهید (یا دعای او را مانند دعای خود نامستجاب مپندارید)، خدا به حال آنان که (برای سرپیچی از حکمش) به یکدیگر پناه برده و از میان شما رخ پنهان می‌دارند آگاه است. پس باید کسانی که امر خدا را مخالفت می‌کنند و از آن روی می‌گردانند بترسند که مبادا به فتنه‌ای بزرگ (تسلط سلطان جور) یا عذاب دردناک دیگر (مانند قتل و اسارت) گرفتار شوند.

آگاه باشید که آنچه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست، شما به هر حالی باشید البته خدا از آن آگاه است. و روزی که بندگان را به سوی او بازگردانند (یعنی هنگام مرگ یا قیامت) آن روز به (جزای) هر نیک و بدی که کرده‌اند آگاهشان می‌گرداند، و خدا به هر چیزی کاملا داناست.

بزرگوار است پاک خداوندی که فرقان را بر بنده خاص خود نازل فرمود تا (به اندرزهای وی) اهل عالم را متذکر و خدا ترس گرداند.

آن خدایی که پادشاهی آسمانها و زمین از آن اوست و هرگز فرزندی نگرفته و شریکی در ملک هستی نداشته و همه موجودات را او خلق کرده و حد و قدر هر چیز را معین فرموده است.

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ ءَالِهَةً لَا يَخْلُقُونَ شَيْئًا وَهُمْ يُخْلَقُونَ  
وَلَا يَمْلِكُونَ لِأَنْفُسِهِمْ ضَرًّا وَلَا نَفْعًا وَلَا يَمْلِكُونَ مَوْتًا  
وَلَا حَيَوةً وَلَا نُشُورًا

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنَّ هَذَا إِلَّا إِفْكُ إِفْكٍ أَفْتَرْتَهُ وَآعَانَهُ  
عَلَيْهِ قَوْمٌ ءَاخِرُونَ ۖ فَقَدْ جَاءُوا ظُلْمًا وَزُورًا

وَقَالُوا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ أَكْتَتَبَهَا فَهِيَ تُمَلَّى عَلَيْهِ بُكْرَةً  
وَأَصِيلًا

قُلْ أَنْزَلَهُ الَّذِي يَعْلَمُ السِّرَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ  
غَفُورًا رَحِيمًا

وَقَالُوا مَالِ هَذَا الرَّسُولِ يَأْكُلُ الطَّعَامَ وَيَمْشِي فِي  
الْأَسْوَاقِ لَوْلَا أَنْزَلَ إِلَيْهِ مَلَكٌ فَيَكُونُ مَعَهُ وَنَذِيرًا

أَوْ يُلْقَى إِلَيْهِ كَنْزٌ أَوْ تَكُونُ لَهُ جَنَّةٌ يَأْكُلُ مِنْهَا وَقَالَ  
الظَّالِمُونَ إِن تَتَّبِعُونَ إِلَّا رَجُلًا مَسْحُورًا

أَنْظِرْ كَيْفَ ضَرَبُوا لَكَ الْأَمْثَلَ فَضَلُّوا فَلَا يَسْتَطِيعُونَ  
سَبِيلًا

تَبَارَكَ الَّذِي إِنْ شَاءَ جَعَلَ لَكَ خَيْرًا مِّنْ ذَلِكَ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَيَجْعَلُ لَكَ قُصُورًا

بَلْ كَذَّبُوا بِالسَّاعَةِ ۖ وَأَعْتَدْنَا لِمَنْ كَذَّبَ بِالسَّاعَةِ سَعِيرًا

و (مشركان نادان) خدا را كه مبدأ كل و مرجع همه امور  
عالم است فراموش کرده و غير او (يعنى بتهای بی اثر) را به  
خدایی برگرفتند و حال آنکه آن بتان هیچ چیزی نتوانند  
آفرید و خودشان هم مخلوقند و نه هیچ بر نفع و ضرر خود  
قادرند و نه امر موت و حیات و بعث به دست آنهاست.

و کافران گفتند این کتاب (که محمد و حیش می‌شمرد) جز  
آنکه به دروغ از خود فرابافته و دیگران (از اهل کتاب) نیز  
(در قصص و احکام) به او کمک کرده‌اند بچیز دیگری  
نیست. و البته این سخن کافران ظلمی بزرگ (در باره قرآن  
الهی) و نسبتی نا حق (در حق پیغمبر خدا) است.

و باز گفتند که این کتاب افسانه‌های پیشینیان و حکایات  
سابقین است که خود از آنها نسخه برداشته و (اصحابش)  
صبح و شام بر او املا و قرائت می‌کنند (تا کامل و آراسته  
گردانند).

بگو: این کتاب را آن خدایی فرستاده که از اسرار آسمانها و  
زمین آگاه است (و شما از این انکار و کفر و گناه باز گردید  
که) هم او البته بسیار آمرزنده و مهربان است.

و باز کافران گفتند: چرا این رسول (اگر به راستی پیغمبر  
خداست) غذا تناول می‌کند و در (کوچه و) بازارها راه  
می‌رود؟ چرا فرشته محسوس و ظاهری بر او نازل نشده تا  
به همراه او بیم دهد (و گواه صدق او باشد).

یا چرا بر این رسول گنجی فرو نیفتد یا چرا باغی ندارد که  
از میوه‌هایش تناول کند؟ و ستمکاران (پس از این همه  
چون و چراها به مردم) گفتند که شما پیروی نمی‌کنید مگر  
مردی را که سحر و شعبده از راهش برده است.

بنگر تا چه داستان و مثلها برای تو زدند؟ پس چنان گمراه  
شدند که دیگر هیچ راه رشد و هدایتی نتوانند یافت.

بزرگوار است پاک خدایی که اگر خواستی برای تو بهتر از  
آنچه این کافران گفتند قرار دادی و آن بهشتیایی است که  
زیر درختانش نهرها جاری است و (در آن بهشت) قصرهای  
بسیار عالی خاص تو قرار می‌داد.

بلکه این کافران ساعت قیامت را تکذیب کردند و ما آتش  
سوزان دوزخ را بر آن که قیامت را تکذیب کرد مهیا  
داشته‌ایم.



إِذَا رَأَتْهُمْ مِّن مَّكَانٍ بَعِيدٍ سَمِعُوا لَهَا تَغِيْظًا وَرَفِيْرًا

چون آتش دوزخ آنان را از مکانی دور ببیند خروش و فریاد وحشتناک دوزخ را از دور به گوش خود می‌شنوند.

وَإِذَا أَلْقُوا مِنْهَا مَكَانًا ضَيِّقًا مُّقْرِنِينَ دَعَوْا هُنَالِكَ ثُبُورًا

و چون آن کافران را در زنجیر بسته به مکان تنگی از جهنم در افکنند در آن حال همه فریاد و اوپلا از دل برکشند.

لَا تَدْعُوا الْيَوْمَ ثُبُورًا وَاحِدًا وَادْعُوا ثُبُورًا كَثِيْرًا

(و به آنها عتاب شود که) امروز فریاد حسرت و ندامت شما یکی دو تا نیست بلکه بسیار از این آه و واویلاها از دل برکشید.

قُلْ أَذَلِكْ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وُعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَمَصِيْرًا

بگو: آیا این بهتر است یا بهشت ابدی که به متقیان وعده دادند که آن بهشت پاداش و منزل ایشان است.

لَهُمْ فِيْهَا مَا يَشَاءُونَ خَالِدِينَ كَانَ عَلَى رَبِّكَ وَعْدًا مَّسْئُولًا

که در آن بهشت هر چه خواهند و آرزو کنند بر آنها حاضر است و آن مقام همیشگی آنهاست، وعده‌ای است بر خدا که مؤمنان از او درخواست کرده‌اند و او اجابت فرموده است.

وَيَوْمَ يُحْشِرُهُمْ وَمَا يَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ فَيَقُولُ ءَأَنْتُمْ أَضَلَلْتُمْ عِبَادِي هَؤُلَاءِ أَمْ هُمْ ضَلُّوا السَّبِيْلَ

و روزی که این مشرکان را با معبودانی که به جای خدا می‌پرستیدند به عرصه قیامت محشور گرداند، آن گاه بدان معبودان گوید: آیا شما بندگان مرا از راه بردید یا خود به راه ضلالت شتافتند؟

قَالُوا سُبْحٰنَكَ مَا كَانَ يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَتَّخِذَ مِنْ دُونِكَ مِنْ أَوْلِيَاءَ وَلٰكِنْ مَتَّعْتَهُمْ وَعَابَاءَهُمْ حَتَّىٰ نَسُوا الذِّكْرَ وَكَانُوا قَوْمًا بُورًا

آنها گویند: پاک و منزّه پروردگارا، ما خود را هرگز سزاوار آن نمی‌دانستیم که جز تو کسی را دوست خود اختیار کنیم، و لیکن تو این کافران و پدرانشان را متمتع (به دنیا و نعمتهای آن) گردانیدی تا آنکه ذکر تو (و قرآن عظیم تو که سرمایه سعادت بود) را فراموش کردند و مردمی شقی و تبه روزگار بودند.

فَقَدْ كَذَّبْتُمْ بِمَا تَقُولُونَ فَمَا تَسْتَطِيعُونَ صَرْفًا وَلَا نَصْرًا وَمَنْ يَظْلِم مِّنكُمْ نَذِقْهُ عَذَابًا كَثِيْرًا

پس آن معبودان، شما مشرکان را در آنچه گویند تکذیب کردند (و در اثر آن به عذاب ما گرفتار شدید) پس نه شما توانید آن عذاب را برطرف گردانید و نه یاری خود توانید کرد، و هر کسی از شما بندگان (با شرک آوردن) ظلم و ستم نماید ما او را به عذابی بزرگ گرفتار می‌گردانیم.

وَمَا أَرْسَلْنَا قَبْلَكَ مِنَ الْمُرْسَلِينَ إِلَّا إِنَّهُمْ لَيَأْكُلُونَ الطَّعَامَ وَيَمْشُونَ فِي الْأَسْوَاقِ ۗ وَجَعَلْنَا بَعْضَكُمْ لِبَعْضٍ فِتْنَةً أَتَصْبِرُونَ ۗ وَكَانَ رَبُّكَ بَصِيْرًا

و ما هیچ رسولی پیش از تو به خلق نفرستادیم مگر آنکه آنها هم (مانند تو) غذا می‌خوردند و در میان بازارها راه می‌رفتند (پس امت به این عذر تکذیب رسالت تو نتوانند کرد)، و ما بعضی از شما بندگان را سبب آزمایش بعضی دیگر می‌گردانیم تا آیا صبر (در طاعت خدا) خواهید کرد؟ و پروردگار تو (به احوال و اعمال همه خلق) بیناست.

وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْنَا الْمَلَكُوتُ  
أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَعَتَوْا عُتُوًا كَبِيرًا

يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَىٰ يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَيَقُولُونَ  
حِجْرًا مَّحْجُورًا

وَقَدِمْنَا إِلَىٰ مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَّنْثُورًا

أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُّسْتَقَرًّا وَأَحْسَنُ مَقِيلًا

وَيَوْمَ تَشْقُقُ السَّمَاءُ بِالْغَمِّمِ وَنُزِلَ الْمَلَائِكَةُ تَنْزِيلًا

الْمَلِكُ يَوْمَئِذٍ الْحَقُّ لِلرَّحْمَنِ وَكَانَ يَوْمًا عَلَى الْكَافِرِينَ  
عَسِيرًا

وَيَوْمَ يَعِضُ الظَّالِمُ عَلَى يَدَيْهِ يَقُولُ يَلَيْتَنِي أُتَّخَذْتُ مَعَ  
الرَّسُولِ سَبِيلًا

يَوَيْلَئِي لَيْتَنِي لَمْ أَتَّخِذْ فُلَانًا خَلِيلًا

لَقَدْ أَضَلَّنِي عَنِ الذِّكْرِ بَعْدَ إِذْ جَاءَنِي ۗ وَكَانَ الشَّيْطَانُ  
لِلْإِنْسَانِ خَدُولًا

وَقَالَ الرَّسُولُ يَرَبِّ إِنَّ قَوْمِي اتَّخَذُوا هَذَا الْقُرْآنَ  
مَهْجُورًا

وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا مِّنَ الْمُجْرِمِينَ ۗ وَكَفَىٰ بِرَبِّكَ  
هَادِيًا وَنَصِيرًا

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوْلَا نُزِّلَ عَلَيْهِ الْقُرْآنُ جُمْلَةً وَاحِدَةً ۚ  
كَذَلِكَ لِنُثَبِّتَ بِهِ ۖ فُؤَادَكَ ۗ وَرَتَّلْنَاهُ تَرْتِيلًا

و آنان که امید لقای ما را ندارند (و به قیامت معتقد  
نیستند) گویند: چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند؟ یا چرا ما  
خدا را به چشم نمی‌بینیم (تا در ایمان، به رسول محتاج  
نباشیم)؟ همانا آنان در حق خویش راه تکبر و نخوت پیش  
گرفتند و به سرکشی و طغیانی شدید شتافتند.

روزی که فرشتگان را ببینند مجرمان در آن روز بشارتی (از  
فرشته) نیابند و به آنها گویند: محروم و ممنوع (از لقاء  
رحمت و جنت خدا) باشید.

و ما توجه به اعمال (فاسد بی‌خلوص و حقیقت) آنها کرده و  
همه را (باطل و نابود چون) غباری پراکنده می‌گردانیم.

اهل بهشت در آن روز مسکن و مقری بهتر و آرامش و  
خوابگاهی نیکوتر خواهند داشت.

و (بیاد کن) روزی که آسمان با ابر از هم شکافته و فرشتگان  
با سرعت تمام (به امر حق) فرود آیند.

پادشاهی به حق در آن روز خاص خدای رحمان است، و بر  
کافران روز بسیار سختی خواهد بود.

و روزی که شخص ظالم پشت دست حسرت به دندان گرفته  
و گوید: ای کاش من (در دنیا) با رسول حق راهی (برای  
دوستی و طاعت) پیش می‌گرفتم.

وای بر من، ای کاش که فلان (مرد کافر و رفیق فاسق) را  
دوست نمی‌گرفتم.

رفاقت او مرا از پیروی قرآن پس از آنکه به من رسید  
محروم ساخت و گمراه گردانید، آری شیطان برای انسان  
مایه خذلان (و گمراهی) است.

در آن روز رسول (به شکوه از امت در پیشگاه رب العزه) عرض  
کند: بارالها (تو آگاهی که) امت من این قرآن را به  
کلی متروک و رها کردند.

و همچنین ما برای هر پیغمبری دشمنی از جنس بدکاران  
(امتش) قرار دادیم، و تنها خدای تو برای هدایت و نصرت  
و یاری تو کفایت است.

و باز (کافران جاهل) به اعتراض گفتند که چرا این قرآن  
(اگر از جانب خداست) یکجا برای رسول نازل نشد؟ ما آن را  
این چنین فرستادیم تا (تدریجا) تو را به آیات آن دل آرام  
کنیم و اطمینان قلب دهیم و (بدین سبب) آیات آن را بر تو  
مرتب به ترتیبی روشن و به آهستگی برخواندیم.

وَلَا يَأْتُونَكَ بِمَثَلٍ إِلَّا جِئْنَاكَ بِالْحَقِّ وَأَحْسَنَ تَفْسِيرًا

۳۴

الَّذِينَ يُحْشِرُونَ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ إِلَىٰ جَهَنَّمَ أُولَٰئِكَ شَرٌّ مَّكَانًا  
وَأَضَلُّ سَبِيلًا

۳۵

۳۱۳

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ وَجَعَلْنَا مَعَهُ وَآخَاهُ هَارُونَ  
وَزِيرًا

۳۶

فَقُلْنَا أَذْهَبَا إِلَىٰ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا فَدَمَّرْنَاهُمْ  
تَدْمِيرًا

۳۷

وَقَوْمَ نُوحٍ لَّمَّا كَذَّبُوا الرَّسُلَ أَغْرَقْنَاهُمْ وَجَعَلْنَاهُمْ لِلنَّاسِ  
ءَايَةً ۗ وَأَعْتَدْنَا لِلظَّالِمِينَ عَذَابًا أَلِيمًا

۳۸

وَعَادًا وَثَمُودًا وَأَصْحَابَ الرَّسِّ وَقُرُونًا بَيْنَ ذَلِكَ كَثِيرًا

۳۹

وَكُلًّا ضَرَبْنَا لَهُ الْأَمْثَالَ ۗ وَكُلًّا تَبَّرْنَا تَتْبِيرًا

۴۰

وَلَقَدْ أَتَوْا عَلَىٰ الْقَرْيَةِ الَّتِي أَمْطَرْنَا مَطَرًا سَوِيًّا ۗ أَفَلَمْ  
يَكُونُوا يَرَوْنَهَا بَلْ كَانُوا لَا يَرَءُونَ نُشُورًا

۴۱

وَإِذَا رَأَوْكَ إِن يَتَّخِذُونَكَ إِلَّا هُزُوعًا أَهْدَا الَّذِي بَعَثَ اللَّهُ  
رَسُولًا

۴۲

إِن كَادَ لَيُضِلَّنَا عَنْ ءَالِهَتِنَا لَوْلَا أَن صَبَرْنَا عَلَيْهَا وَسَوْفَ  
يَعْلَمُونَ حِينَ يَرَوْنَ الْعَذَابَ مَنْ أَضَلُّ سَبِيلًا

۴۳

أَرَعَيْتَ مَنِ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوَاهُ ۗ هُوَ أَفْأَن تَكُونُ عَلَيْهِ وَكِيلًا

و کافران بر تو هیچ مثل (باطل و اعتراض ناحق) نیاورند مگر آنکه ما در مقابل برای تو سخن حق را با بهترین بیان پاسخ آنها آریم.

آنان که به رو به سوی آتش دوزخ برندشان به بدترین مکان شتافته و سخت‌ترین راه ضلالت یافته‌اند.

و همانا ما به موسی کتاب (تورات) را عطا کردیم و برادرش هارون را وزیر او قرار دادیم.

آن گاه گفتیم که رو به جانب آن قوم که آیات ما را تکذیب کردند روید. پس آنها را (پس از تکذیب آن دو) سخت هلاک گردانیدیم.

و نیز قوم نوح چون رسولان حق را تکذیب کردند ما آنها را به طوفان هلاک سپردیم و آیت عبرت مردم ساختیم، و برای ستمکاران عذاب دردناک مهیا گردانیده‌ایم.

و نیز قوم عاد و ثمود و اصحاب رسّ (شاید قوم شعیب‌اند که نزد چشمه یا چاه آبی که رسّ نامند منزل داشتند) و طوایف دیگر بسیاری بین اینها همه را به کیفر کردارشان هلاک کردیم.

و ما برای هر یک از این طوایف مثلها (و پندها برای هدایت و اتمام حجت) زدیم و همه را به کلی هلاک ساختیم.

و همانا این کافران آمدند و دیدند آن دیار (قوم لوط) را که بر آن باران عذاب و هلاکت بارانیدیم، آیا اینان به چشم خود دیار خراب آنها را ندیده‌اند؟ (آری دیدند) و لیکن امید و بیمی از قیامت و کیفر ندارند.

این کافران هرگاه تو را ببینند (از حسد) کاری ندارند جز آنکه تو را تمسخر کرده (و گویند) آیا این مرد همان است که خدا به رسالت بر خلق فرستاده؟

نزدیک بود که او ما را اگر بر بت‌پرستی خود پایدار نبودیم به کلی گمراه کند و از پرستش خدایانمان باز دارد. و (این مشرکان که از جهل، توحید را گمراهی خواندند) چون عذاب حق را مشاهده کنند خواهند دانست که گمراه‌تر از آنها در عالم نیست.

آیا دیدی حال آن کس را که (از غرور) هوای نفسش را خدای خود ساخته؟ آیا تو حافظ و نگهبان او (از هلاکت) توانی شد؟

أَمْ تَحْسَبُ أَنَّ أَكْثَرَهُمْ يَسْمَعُونَ أَوْ يَعْقِلُونَ إِنْ هُمْ إِلَّا كَالْأَنْعَامِ بَلْ هُمْ أَضَلُّ سَبِيلًا

أَلَمْ تَرَ إِلَى رَبِّكَ كَيْفَ مَدَّ الظِّلَّ وَلَوْ شَاءَ لَجَعَلَهُ سَاكِنًا ثُمَّ جَعَلْنَا الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلًا

ثُمَّ قَبَضْنَاهُ إِلَيْنَا قَبْضًا يَسِيرًا

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِبَاسًا وَالنَّوْمَ سُبَاتًا وَجَعَلَ النَّهَارَ نُشُورًا

وَهُوَ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ وَأَنْزَلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً طَهُورًا

لِنُحْيِيَ بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا وَنُسْقِيَهُ مِمَّا خَلَقْنَا أَنْعَامًا وَأَنَاسِيَّ كَثِيرًا

وَلَقَدْ صَرَّفْنَاهُ بَيْنَهُمْ لِيَذَّكَّرُوا فَأَبَى أَكْثَرُ النَّاسِ إِلَّا كُفُورًا

وَلَوْ شِئْنَا لَبَعَثْنَا فِي كُلِّ قَرْيَةٍ نَذِيرًا

فَلَا تُطِيعُ الْكَافِرِينَ وَجَاهِدْهُمْ بِهِ جِهَادًا كَبِيرًا

وَهُوَ الَّذِي مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَجَعَلَ بَيْنَهُمَا بَرْزَخًا وَحِجْرًا مَحْجُورًا

وَهُوَ الَّذِي خَلَقَ مِنَ الْمَاءِ بَشَرًا فَجَعَلَهُ نَسَبًا وَصِهْرًا<sup>ق</sup> وَكَانَ رَبُّكَ قَدِيرًا

وَيَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ مَا لَا يَنْفَعُهُمْ وَلَا يَضُرُّهُمْ<sup>ق</sup> وَكَانَ الْكَافِرُ عَلَى رَبِّهِ ظَهِيرًا

یا پنداری که اکثر این کافران حرفی می‌شنوند یا فکر و تعقلی دارند؟ اینان (در بی‌عقلی) بس مانند چهار پایاند بلکه (نادان‌تر و) گمراه‌ترند.

آیا ندیدی که خدای تو چگونه سایه را با آنکه اگر خواستی ساکن کردی (بر سر عالمیان) بگسترانیدی؟ آن گاه آفتاب را بر آن دلیل قرار دادیم.

سپس ظلّ آن آفتاب (منبسط) را به سوی خود تدریجاً قبض می‌کنیم.

و او خدایی است که شب را برای شما لباس گردانید (تا همه در سیاه جامه شب مستور شوید) و خواب را مایه سکون و آرامش شما قرار داد و روز روشن را برای جنبش و کار مقرر داشت.

و او خدایی است که بادها را برای بشارت پیشاپیش باران رحمت خود فرستاد، و از آسمان آبی طاهر و مطهر نازل کردیم.

تا به آن باران زمین خشک و مرده را زنده سازیم و آنچه آفریدیم از چهارپایان و آدمیان بسیار همه را از آن سیراب گردانیم.

و ما تغییرات و گردش باد و باران (و سایر انقلابات عالم) را بین مردم آوردیم تا پند گرفته و متذکر حق شوند، لیکن اکثر مردم جز راه کفران و وجود پیش نگرفتند.

و اگر ما می‌خواستیم در بین مردم هر قریه پیغمبری که (خلق را از عذاب خدا) بترساند می‌فرستادیم.

پس تو هرگز تابع کافران مباش و با آنها چنان که مخالفت قرآن و دین حق کنند سخت جهاد و کارزار کن.

و او خدایی است که دو دریا را به هم درآمیخت که این آب گوارا و شیرین و آن دیگر شور و تلخ است، و بین این دو آب (در عین به هم آمیختن) واسطه و حایلی قرار داد که همیشه از هم منفصل و جدا باشند.

و او خدایی است که از آب (نطفه) بشر را آفرید و بین آنها خویشی نسب و بستگی ازدواج قرار داد، و خدای تو (بر هر چیز) قادر است.

و (این مشرکان نادان) به جای خدا بتهایی که هیچ سود و زیانی به حال آنان ندارد می‌پرستند، و کافر پشت به امر پروردگار خود می‌کند.

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا مُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

۵۷

قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِلَّا مَنْ شَاءَ أَنْ يَتَّخِذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

۵۸

وَتَوَكَّلْ عَلَىٰ الْحَيِّ الَّذِي لَا يَمُوتُ وَسَبِّحْ بِحَمْدِهِ ۚ وَكَفَىٰ بِهِ ۚ  
بِذُنُوبِ عِبَادِهِ خَبِيرًا

۵۹

الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ  
ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ الرَّحْمَنُ فَسَّأَلْ بِهِ خَبِيرًا

۶۰  
سجده  
مستحب

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ اسْجُدُوا لِلرَّحْمَنِ قَالُوا وَمَا الرَّحْمَنُ أَنَسْجُدُ  
لِمَا تَأْمُرُنَا وَزَادَهُمْ نُفُورًا ۗ

۶۱  
۳۱۵ر

تَبَارَكَ الَّذِي جَعَلَ فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَجَعَلَ فِيهَا سِرَاجًا  
وَقَمَرًا مُنِيرًا

۶۲

وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذَّكَّرَ  
أَوْ أَرَادَ شُكُورًا

۶۳

وَعِبَادُ الرَّحْمَنِ الَّذِينَ يَمْشُونَ عَلَى الْأَرْضِ هَوْنًا وَإِذَا  
خَاطَبَهُمُ الْجَاهِلُونَ قَالُوا سَلَامًا

۶۴

وَالَّذِينَ يَبِيتُونَ لِرَبِّهِمْ سُجَّدًا وَقِيَامًا

۶۵

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا اصْرِفْ عَنَّا عَذَابَ جَهَنَّمَ ۗ إِنَّ  
عَذَابَهَا كَانَ غَرَامًا

۶۶

إِنَّهَا سَاءَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

۶۷

وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ  
قَوَامًا

و ما تو را نفرستادیم مگر برای آنکه (خلق را به رحمت ما) بشارت دهی و (از عذاب ما) بترسانی.

بگو: من از شما امت مزد رسالت نمی‌خواهم، اجر من همین بس که هر که بخواهد (از پی من) راهی به سوی خدای خود پیش گیرد.

و تو بر خدای زنده ابدی که هرگز نمیرد توکل کن و به ستایش ذات او وی را تسبیح و تنزیه گو، و هم او که به گناه بندگانش کاملا آگاه است کفایت است (هر که را بخواهد می‌بخشد و هر که را بخواهد مواخذه می‌کند).

آن خدایی که آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست همه را در شش روز بیافرید آن گاه همین خدای رحمان بر عرش (قدرت و فرمانروایی) قرار گرفت، پس از خداشناسی آگاه، حقیقت را بازجو.

و چون به این مردم کافر گفته شود بیایید خدای رحمان را سجده کنید، در جواب گویند: خدای رحمان چیست؟ آیا ما به آنچه تو امر می‌کنی سجده کنیم؟ و دعوت به خدای یکتا (به جای اطاعت) بر نفریشان بیفزاید.

بزرگوار آن خدایی که در آسمان برجهها مقرر داشت و در آن چراغ روشن خورشید و ماه تابان را روشن ساخت.

و او خدایی است که شب و روز را جانشین یکدیگر قرار داد برای آن کس که خواهد به شب یا روز متذکر (خدا) شود یا شکر او به جای آرد.

و بندگان خاص خدای رحمان آنان هستند که بر روی زمین به تواضع و فروتنی راه روند و هرگاه مردم جاهل به آنها خطاب (و عتابی) کنند با سلامت نفس (و زبان خوش) جواب دهند.

و آنان هستند که شب را به سجده و قیام نماز در برابر خدایشان روز کنند.

و آنان هستند که دایم (به دعا و تضرع) گویند: پروردگارا عذاب جهنم را از ما بگردان، که سخت عذاب مهلک و دایمی است.

که آنجا بسیار بد قرارگاه و بد منزلگاهی است.

و آنان هستند که هنگام انفاق (به مسکینان) اسراف نکرده و بخل هم نورزند، بلکه احسان آنها در حد میانه و اعتدال باشد.

وَالَّذِينَ لَا يَدْعُونَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ وَلَا يَقْتُلُونَ النَّفْسَ  
الَّتِي حَرَّمَ اللَّهُ إِلَّا بِالْحَقِّ وَلَا يَزْنُونَ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ يَلْقَ  
أَثَامًا

۶۹

يُضَعَفُ لَهُ الْعَذَابُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَخْلُدُ فِيهِ مُهَانًا

۷۰

إِلَّا مَنْ تَابَ وَآمَنَ وَعَمِلَ عَمَلًا صَالِحًا فَأُولَئِكَ يُبَدِّلُ  
اللَّهُ سَيِّئَاتِهِمْ حَسَنَاتٍ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

۷۱

وَمَنْ تَابَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَإِنَّهُ يَتُوبُ إِلَى اللَّهِ مَتَابًا

۷۲

وَالَّذِينَ لَا يَشْهَدُونَ الزُّورَ وَإِذَا مَرُّوا بِاللَّغْوِ مَرُّوا كِرَامًا

۷۳

وَالَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَمْ يَخِرُّوا عَلَيْهَا صُمًّا  
وَعُمِّيَانًا

۷۴

وَالَّذِينَ يَقُولُونَ رَبَّنَا هَبْ لَنَا مِنْ أَزْوَاجِنَا وَذُرِّيَّاتِنَا قُرَّةَ  
أَعْيُنٍ وَأَجْعَلْنَا لِلْمُتَّقِينَ إِمَامًا

۷۵

أُولَئِكَ يُجْزَوْنَ الْغُرْفَةَ بِمَا صَبَرُوا وَيُلَقَّوْنَ فِيهَا حَمِيمًا  
وَسَلَامًا

۷۶

خَالِدِينَ فِيهَا حَسَنَتْ مُسْتَقَرًّا وَمُقَامًا

۷۷

قُلْ مَا يَعْبُؤُا بِكُمْ رَبِّي لَوْلَا دُعَاؤُكُمْ لَفَقَدُ كَذَّبْتُمْ  
فَسَوْفَ يَكُونُ لِرَأْمَا

و آنان هستند که با خدای یکتا کسی را شریک نمی‌خوانند و  
نفس محترمی را که خدا حرام کرده جز به حق به قتل  
نمی‌رسانند، و هرگز گرد عمل زنا نمی‌گردند، که هر که این  
عمل کند کیفر گناهش را خواهد دید.

عذابش در قیامت مضاعف شود و با ذلت و خواری به دوزخ  
مخلد گردد.

مگر آن کسانی که از گناه توبه کنند و عمل صالح به جای  
آرند، پس خدا گناهان آنها را بدل به حسنات گرداند، و  
خداوند بسیار آمرزنده و مهربان است.

و هر کس توبه کند و نیکوکار شود البته توبه‌اش به درگاه  
(قبول) خدا خواهد رسید.

و آنان هستند که به ناحق شهادت ندهند و هرگاه به عمل  
لغوی (از مردم غافل) بگذرند بزرگوارانه از آن درگذرند.

و آنان هستند که هرگاه به آیات خدای خود متذکرشان  
سازند کر و کورانه در آن آیات ننگرند (بلکه با دل آگاه و  
چشم بینا مشاهده آن کنند تا بر مقام معرفت و ایمانشان  
بیفزاید).

و آنان هستند که گویند: پروردگارا، ما را زنان و فرزندانی  
مرحمت فرما که مایه چشم روشنی ما باشند، و ما را (سر  
خیل پاکان و) پیشوای اهل تقوا قرار ده.

چنین بندگان را به پاداش صبرشان (در راه عبادت)، عالی  
غرفه‌های جنت و قصرهای بهشتی دهند و در آنجا با تحیت و  
سلام روبرو شوند.

در حالی که در آن بهشت که بسیار نیکو منزل و مقامی است  
تا ابد مخلد و متنعم خواهند بود.

بگو که اگر دعای شما (و ناله و زاری و توبه شما) نبود خدا  
به شما چه توجه و اعتنایی داشت؟ که شما کافران (آیات حق  
را) تکذیب کردید و به کیفر همیشگی آن گرفتار خواهید  
شد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طسّم

طسم (اسراری است بین خدا و رسول)

تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

این قرآن آیات کتاب روشن خداست.

لَعَلَّكَ بَخِيعٌ نَفْسِكَ إِلَّا يَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

(ای رسول ما) تو چنان در اندیشه هدایت خلقی که خواهی جان عزیزت را از غم اینکه ایمان نمی‌آورند هلاک سازی!

إِنْ نَشَأْ نُزِّلْ عَلَيْهِمْ مِنَ السَّمَاءِ ءَايَةٌ فَظَلَّتْ أَعْنَاقُهُمْ لَهَا خَاضِعِينَ

ما اگر بخواهیم از آسمان آیت قهری نازل گردانیم که همه به جبر گردن زیر بار (ایمان به) آن فرود آرند.

وَمَا يَأْتِيهِمْ مِّنْ ذِكْرٍ مِّنَ الرَّحْمَنِ مُحَدِّثٍ إِلَّا كَانُوا عَنْهُ مُعْرِضِينَ

و (وای بر اینان که) هیچ آیت و ذکر تازه‌ای از خدای رحمان بر آنها نیاید جز آنکه از آن اعراض می‌کنند.

فَقَدْ كَذَّبُوا فَسَيَأْتِيهِمْ أَنْبَاءُ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

همانا این کافران آیات خدا را تکذیب کردند و به زودی خبر آنچه بدان استهزاء می‌کنند به آنان خواهد رسید.

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الْأَرْضِ كَمَا أَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

آیا در زمین به دیده عبرت نظر نکردند که ما چه انواع گوناگون از نباتات پر سود از آن برویانیدیم؟

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

همانا در این کار آیتی (از لطف و رحمت و علم و قدرت خدا بر هوشمندان) آشکار است و باز اکثر اینان ایمان نمی‌آورند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و همانا پروردگار تو بسیار مقتدر و مهربان است.

وَإِذْ نَادَى رَبُّكَ مُوسَىٰ أَنِ اتَّبِعْ الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

و (یاد آر) هنگامی که خدایت به موسی ندا کرد که اینک به سوی قوم ستمکار روی آور.

قَوْمَ فِرْعَوْنَ ۗ أَلَا يَتَّقُونَ

به سوی قوم ستمکار فرعون که آیا باز هم نمی‌خواهند خدا ترس و پرهیزگار شوند؟

قَالَ رَبِّ إِنِّي أَخَافُ أَنْ يُكَذِّبُونِ

موسی عرض کرد: ای پروردگار، از آن می‌ترسم که فرعونیان سخت مرا تکذیب کنند.

وَيَضِيقُ صَدْرِي وَلَا يَنْظِلُ لِسَانِي فَأرْسِلْ إِلَىٰ هَارُونَ

و (از کفر آنها) دلتنگ شوم و عقده زبانه (به هدایت آنان) باز نگردد، پس به سوی هارون (برادرم) فرست (تا با من به رسالت روانه شود).

وَلَهُمْ عَلَىٰ ذَنْبٍ فَأَخَافُ أَنْ يَقْتُلُونِ

و بر من از این قوم (قبطی) گناهی است که می‌ترسم به قتل رسانند.

قَالَ كَلَّا ۖ فَاذْهَبَا بِآيَاتِنَا ۖ إِنَّا مَعَكُمْ مُّسْتَمِعُونَ

خدا به موسی فرمود: هرگز (مترس که شما را نمی‌کشند)، پس با برادرت هارون بدین معجزات و آیات ما به سوی آنان بروید که ما همه جا با شما هستیم و گفتار شما را می‌شنویم.

فَأْتِيَا فِرْعَوْنَ فَقُولَا إِنَّا رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

هر دو به اتفاق به جانب فرعون روید و بگویید که ما رسول پروردگار جهانییم.

أَنْ أَرْسِلَ مَعَنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ

با این پیام که طایفه بنی اسرائیل را با ما (از مصر به فلسطین) بفرست.

قَالَ أَلَمْ نُرَبِّكَ فِينَا وَلِيدًا وَلَبِثْتَ فِينَا مِنْ عُمُرِكَ سِنِينَ

فرعون گفت: تو نه آن کودکی که ما پروردیم و سالها عمرت در نزد ما گذشت؟

وَفَعَلْتَ فَعَلْتِكَ الَّتِي فَعَلْتَ وَأَنْتَ مِنَ الْكَافِرِينَ

و آن فعل زشت (قتل نفس) از تو سر زد و (به خدایی ما) کافر بودی؟

قَالَ فَعَلْتُهَا إِذَا وَأَنَا مِنَ الضَّالِّينَ

فَفَرَرْتُ مِنْكُمْ لَمَّا خِفْتُكُمْ فَوَهَبَ لِي رَبِّي حُكْمًا  
وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُرْسَلِينَ

وَتِلْكَ نِعْمَةٌ تَمُّهَا عَلَىٰ أَنْ عَبَّدتَّ بَنِي إِسْرَائِيلَ

قَالَ فِرْعَوْنُ وَمَا رَبُّ الْعَالَمِينَ

قَالَ رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

قَالَ لِمَنْ حَوْلَهُ ۗ أَلَا تَسْتَمِعُونَ

قَالَ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأَوَّلِينَ

قَالَ إِنَّ رَسُولَكُمْ الَّذِي أُرْسِلَ إِلَيْكُمْ لَمَجْنُونٌ

قَالَ رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ إِن كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ

قَالَ لَئِن آتَّخَذتَ إِلَهًا غَيْرِي لَأَجْعَلَنَّكَ مِنَ الْمَسْجُونِينَ

قَالَ أَوْلَوْ جِئْتِكَ بِشَيْءٍ مُّبِينٍ

قَالَ فَاتِّبِعْهُ ۗ إِن كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

فَأَلْقَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ ثُعْبَانٌ مُّبِينٌ

وَنَزَعَ يَدَهُ ۗ فَإِذَا هِيَ بَيْضَاءُ لِلنَّظِيرِينَ

قَالَ لِلْمَلَإِ حَوْلَهُ ۗ إِنَّ هَذَا لَسِحْرٌ عَلِيمٌ

يُرِيدُ أَنْ يُخْرِجَكُمْ مِّنْ أَرْضِكُمْ بِسِحْرِهِ ۗ فَمَاذَا تَأْمُرُونَ

قَالُوا أَرْجِهْ وَأَخَاهُ وَأُبْعَثْ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

يَأْتُوكَ بِكُلِّ سَحَابٍ عَلِيمٍ

فَجُمِعَ السَّحَرَةُ لِمِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

وَقِيلَ لِلنَّاسِ هَلْ أَنْتُمْ مُّجْتَمِعُونَ

موسی گفت: آری من چنین فعلی را مرتکب شدم (ولی نه بر عمد بلکه) در آن هنگام من (برای نجات سبطیان از ظلم قبطیان) به وادی حیرت سرگردان و از گمشدگان (دیوار شما) بودم (و کاری به قصد نجات مظلومی کردم به قتل خطایی منتهی شد).

و آن گاه از ترس شما گریختم تا آنکه خدای من مرا علم و حکمت عطا فرمود و از پیغمبران خود قرار داد.

و (بازگو) این که طایفه بنی اسرائیل را بنده خود کرده‌ای این هم نعمتی است که منت آن بر من می‌نهی؟

باز فرعون به موسی گفت: ربّ العالمین چیست؟

موسی جواب داد: خدای آسمانها و زمین است و آنچه ما بین آنهاست، اگر به یقین باور دارید.

فرعون روی به درباریانش کرد و گفت: آیا نمی‌شنوید (که این مرد چه دعوی بی‌دلیل می‌کند).

موسی گفت: همان خدایی است که شما و پدران پیشین شما را بیافرید.

باز فرعون گفت: این رسولی که به سوی شما به رسالت فرستاده شده سخت دیوانه است.

باز موسی گفت: همان آفریننده مشرق و مغرب (و روز و شب) است و هر چه بین اینها موجود است، اگر شما (در قدرت حق) تعقل کنید.

باز فرعون گفت: اگر غیر من خدایی را بپرستی البته تو را به زندان خواهیم کشید.

موسی باز پاسخ داد: اگر هم حجت و معجزی (بر صدق دعوی خود) بر تو آورده باشم (بازم به زندان کشی).

فرعون گفت: آن معجزه را بیار اگر راست می‌گویی؟

در آن موقع موسی عصای خود بیفکند که ناگاه اژدهایی عظیم پدیدار گشت.

و نیز دست خود (از گریبان) بیرون آورد که ناگاه سپید و رخشان به چشم بینندگان آشکار گردید.

فرعون رو به درباریانش کرد و گفت: این مرد ساحری بسیار ماهر و داناست.

که می‌خواهد بدین سحر و شعبده‌ها شما (مردم مصر) را از کشور خود آواره کند، حال شما چه می‌فرمایید؟

آنها به فرعون گفتند: او و برادرش را زمانی باز دار و افرادی را برای جمع کردن مردم در شهرها بفرست.

تا ساحران ماهر زبر دست را (برای دفاع او) نزدت حاضر آورند.

آن گاه ساحران را بر حسب وعده به روز معین حاضر ساختند.

و مردم شهر را گفتند: چه بهتر که همه در آن روز جمع باشید (تا واقعه را مشاهده کنید).



لَعَلْنَا نَتَّبِعُ السَّحَرَةَ إِنْ كَانُوا هُمُ الْغَلْبِينَ

۴۰

فَلَمَّا جَاءَ السَّحَرَةُ قَالُوا لِفِرْعَوْنَ أَئِنَّا لَمَّا لَأَجْرًا إِنْ كُنَّا نَحْنُ الْغَلْبِينَ

۴۱

قَالَ نَعَمْ وَإِنَّكُمْ إِذَا لَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ

۴۲

قَالَ لَهُم مُوسَى الْقُوا مَا أَنْتُمْ مُلْقُونَ

۴۳

فَالْقُوا حِبَالَهُمْ وَعَصِيَّهُمْ وَقَالُوا بِعِزَّةِ فِرْعَوْنَ إِنَّا لَنَحْنُ الْغَلْبُونَ

۴۴

فَالْقَىٰ مُوسَىٰ عَصَاهُ فَإِذَا هِيَ تَلْقَفُ مَا يَأْفِكُونَ

۴۵

فَالْقَىٰ السَّحَرَةُ سَاجِدِينَ

۴۶

قَالُوا ءَأَمَنَا رَبِّ الْعَلَمِينَ

۴۷

رَبِّ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

۴۸

قَالَ ءَأَمَنْتُمْ لَهُ قَبْلَ أَنْ ءَاذَنَ لَكُمْ إِنَّهُ لَكَبِيرِكُمْ الَّذِي عَلَّمَكُمُ السِّحْرَ فَلَسَوْفَ تَعْلَمُونَ لَأَقْطَعَنَّ أَيْدِيَكُمْ وَأَرْجُلَكُمْ مِّنْ خِلَافٍ وَلَا أَصْلَبَتْكُمْ أَجْمَعِينَ

۴۹

قَالُوا لَا ضَيْرٌ إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا مُنْقَلِبُونَ

۵۰

إِنَّا نَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لَنَا رَبُّنَا خَطِيئَاتِنَا إِنَّ كُنَّا أَوَّلَ الْمُؤْمِنِينَ

۵۱

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَسْرِ بِعِبَادِي إِنَّكُمْ مُّتَّبِعُونَ

۵۲

حزب  
۱۴۸

فَأَرْسَلَ فِرْعَوْنُ فِي الْمَدَائِنِ حَاشِرِينَ

۵۳

ر  
۳۱۹

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَشِرْذِمَةٌ قَلِيلُونَ

۵۴

وَإِنَّهُمْ لَنَا لَغَائِظُونَ

۵۵

وَإِنَّا لَجَمِيعٌ حَادِرُونَ

۵۶

فَأَخْرَجْنَاهُمْ مِّنْ جَنَّتٍ وَعُيُونٍ

۵۷

وَكُنُوزٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ

۵۸

كَذَٰلِكَ ۖ وَأَوْرَثْنَاهَا بِنِي إِسْرَائِيلَ

۵۹

فَاتَّبَعُوهُمْ مُّشْرِقِينَ

۶۰

باشد که ما هم اگر ساحران غالب شدند از آنان پیروی کنیم.

۴۰

۴۱

و چون ساحران حضور فرعون آمدند با وی گفتند: آیا اگر (بر موسی) غالب آییم اجری خواهیم داشت؟

۴۲

فرعون گفت: آری البته علاوه بر اجر خدمت از مقربان (درگاهم) نیز خواهید شد.

۴۳

(چون ساحران به معارضه حاضر شدند) موسی به آنها گفت: اینک شما بساط سحر خود هر چه می‌خواهید به کار اندازید.

۴۴

ساحران هم رسن و طنابها و چوبهای سحر خود را بیفکندند و به عزت فرعون قسم یاد کردند که (بر موسی) البته غالب خواهیم شد.

۴۵

۴۶

در آن حال موسی عصای خود را بیفکند که ناگاه (اژدهایی عظیم شد و) همه وسایل سحر انگیزی ساحران را به کام فرو می‌برد.

۴۷

ساحران که این معجزه بدیدند (و قطعا دانستند سحر نیست، پیش موسی) به سجده افتادند.

۴۸

۴۹

گفتند: ما به خدای عالمیان ایمان آوردیم.

۵۰

۵۱

پروردگار موسی و هارون.

۵۲

۵۳

فرعون به ساحران گفت: چرا بی‌اجازه من ایمان به موسی آوردید؟ همانا معلوم است که این استاد بزرگ شماس‌ت که شما را ساحری آموخته! پس به زودی کیفر خود را خواهید دید، دست و پای شما را به اختلاف (دو طرف چپ و راست) قطع می‌کنم آن گاه همه را به دار می‌کشم.

۵۴

۵۵

ساحران گفتند: (از این دار و قتل به ما) هیچ زینانی نخواهد رسید چون (بعد از مرگ) به سوی خدای خود باز می‌گردیم.

۵۶

ما از خدا امید آن داریم که به لطف خویش از گناهان ما درگذرد چون اول ما به او ایمان آوردیم.

۵۷

و ما به موسی وحی کردیم که بندگان مرا شبانه (از شهر مصر) بیرون بر که شما را (فرعونیان) تعقیب خواهند کرد.

۵۸

۵۹

آن گاه فرعون رسول برای جمع آوری لشکر به شهرها فرستاد.

۶۰

(و برای تبلیغات به آنها می‌گفتند که) همانا طایفه بنی اسرائیل عده قلیلی هستند.

۶۱

۶۲

که ما را به خشم آورده‌اند.

۶۳

۶۴

و ما لشکری همه نیرومند و مسلح به اسلحه کاملیم.

۶۵

۶۶

پس (با وجود این همه دعوی‌ها) ما آنها را از باغهای مصفا با نهرهای آب روان بیرون کردیم.

۶۷

۶۸

و نیز از گنج‌ها و ثروتها و مقامات عالیه ریاست بیرون آوردیم (و به دریای هلاک افکندیم).

۶۹

آری این چنین کردیم و (قوم ضعیف) بنی اسرائیل را وارث آن شهر و دیارها و ثروت و مقامها گردانیدیم.

۷۰

۷۱

پس صبحگاه فرعونیان موسی و بنی اسرائیل را تعقیب کردند.

فَلَمَّا تَرَأَى الْجَمْعَانَ قَالَ أَصْحَابُ مُوسَىٰ إِنَّا لَمُدْرِكُونَ

۶۲

قَالَ كَلَّا إِنَّ مَعِيَ رَبِّي سَيَهْدِينِ

۶۳

فَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ أَنْ أَضْرِبْ بِعَصَاكَ الْبَحْرَ ۖ فَانْفَلَقَ  
فَكَانَ كُلُّ فِرْقٍ كَالظَّوْدِ الْعَظِيمِ

۶۴

وَأَرْزَلْنَا ثَمَّ الْأَخْرِينَ

۶۵

وَأَنْجَيْنَا مُوسَىٰ وَمَنْ مَعَهُ ۖ وَأَجْمَعِينَ

۶۶

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْأَخْرِينَ

۶۷

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

۶۸

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

۶۹

وَأْتَلُ عَلَيْهِمْ نَبَأَ إِبْرَاهِيمَ

۷۰  
ره ۳۲

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ ۖ مَا تَعْبُدُونَ

۷۱

قَالُوا نَعْبُدُ أَصْنَامًا فَنَنْظِلُّ لَهَا عَٰكِفِينَ

۷۲

قَالَ هَلْ يَسْمَعُونَكُمُ إِذْ تَدْعُونَ

۷۳

أَوْ يَنْفَعُونَكُمُ أَوْ يَضُرُّونَ

۷۴

قَالُوا بَلْ وَجَدْنَا ءِآبَاءَنَا كَذَٰلِكَ يَفْعَلُونَ

۷۵

قَالَ أَفَرَأَيْتُمْ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

۷۶

أَنْتُمْ وَعَٰبَاؤُكُمْ الْأَقْدَمُونَ

۷۷

فَإِنَّهُمْ عَدُوٌّ لِّي إِلَّا رَبَّ الْعَالَمِينَ

۷۸

الَّذِي خَلَقَنِي فَهُوَ يَهْدِينِ

۷۹

وَالَّذِي هُوَ يُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِ

۸۰

وَإِذَا مَرِضْتُ فَهُوَ يَشْفِينِ

۸۱

وَالَّذِي يُمِيتُنِي ثُمَّ يُحْيِينِ

۸۲

وَالَّذِي أَطْمَعُ أَنْ يَغْفِرَ لِي خَطِيئَتِي يَوْمَ الدِّينِ

۸۳

رَبِّ هَبْ لِي حُكْمًا وَأَلْحِقْنِي بِالصَّٰلِحِينَ

چون دو لشکر روبرو شدند اصحاب موسی گفتند: اینک به دست فرعونیان خواهیم افتاد.

موسی گفت: هرگز چنین نیست، که خدا با من است و مرا به یقین راهنمایی خواهد کرد.

پس ما به موسی وحی کردیم که عصای خود را به دریا (ی نیل) زن، چون زد دریا شکافت و آب هر قطعه دریا مانند کوهی بزرگ بر روی هم قرار گرفت.

و دیگران (یعنی فرعونیان) را (از پی بنی اسرائیل) به نزدیک دریا آوردیم.

و موسی و کلیه همراهانش را به ساحل سلامت رسانیدیم.

آن گاه قوم دیگر همه را به دریا غرق کردیم.

همانا در این هلاک فرعونیان آیت بزرگی (برای عبرت و موعظه مردم) بود لیکن اکثر خلق ایمان نیاوردند.

و همانا خدای تو خدای بسیار مقتدر و مهربان است.

و (ای رسول) حکایت ابراهیم را بر امت بیان کن.

هنگامی که با پدر (یعنی عمو، زیرا پدران پیغمبران همه موحدند) و با قومش گفت: شما چه معبودی را می‌پرستید؟

جواب دادند که ما بتهایی را می‌پرستیم و ثابت بر پرستش آنها بوده و هستیم.

ابراهیم گفت: آیا هر گاه این بتهای جماد را بخوانید سخن شما را می‌شنوند؟

یا به حال شما هیچ سود و زیانی توانند داشت؟

گفتند: (نه) بلکه ما پدران خود را بر پرستش این بتان یافته‌ایم (و هر چند جماد بی‌اثری باشند می‌پرستیم).

ابراهیم باز به آنها گفت: آیا می‌دانید که این بتهایی که شما مردم اینک می‌پرستید،

و پدران شما از قدیم می‌پرستیدند،

آنها مرا دشمن‌اند جز خدای یکتای عالمیان؟

همان خدایی که مرا بیافرید و به راه راستم هدایت می‌فرماید.

و همان خدایی که مرا غذا می‌دهد و سیراب می‌گرداند.

و چون بیمار شوم مرا شفا می‌دهد.

و همان خدایی که مرا (از حیات چند روزه دنیا) می‌میراند و سپس (به حیات ابدی آخرت) زنده می‌گرداند.

و همان خدایی که چشم امید دارم که روز جزا گناهم را بیامرزد.

بارالها، مرا حکمی ببخش (بر این مشرکان فرمانروایی ده) و به (رسل و) بندگان صالح خود ملحق ساز.

وَأَجْعَلِ لِي لِسَانَ صِدْقٍ فِي الْآخِرِينَ

و نامم بر زبان اقوام آتیه نیکو، و سخنم دلپذیر گردان.

۸۵

وَأَجْعَلْنِي مِنْ وَرَثَةِ جَنَّةِ النَّعِيمِ

و مرا از وارثان بهشت پر نعمت قرار ده.

۸۶

وَأَغْفِرْ لِي بِحَبْلِ إِثْمِهِ، كَانَ مِنَ الصَّالِينَ

و از پدرم (یعنی عمویم) درگذر، که وی سخت از گمراهان است.

۸۷

وَلَا تُخْزِنِي يَوْمَ يُبْعَثُونَ

و روزی که خلق را از قبرها برانگیزند در آن روز مرا رسوا (و هلاک) مگردان.

۸۸

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ مَالٌ وَلَا بَنُونَ

آن روزی که مال و فرزندان (هیچ به حال انسان) سود نبخشند.

۸۹

إِلَّا مَنْ أَتَى اللَّهَ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

و تنها آن کس سود برد که با دل با اخلاص پاک (از شرک و ریب و ریا) به درگاه خدا آید.

۹۰

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ

و بهشت را به اهل تقوا نزدیک سازند.

۹۱

وَبُرِّزَتِ الْجَحِيمُ لِلْغَاوِينَ

و دوزخ را بر گمراهان پدیدار گردانند.

۹۲

وَقِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْبُدُونَ

و به کافران گفته شود: بتهایی که پرستش می‌کردید به کجا شدند؟

۹۳

مِنْ دُونِ اللَّهِ هَلْ يَنْصُرُونَكُمُ أَوْ يَنْتَصِرُونَ

آن بتهایی که به جای خدا پرستش می‌کردید آیا می‌توانند به شما اینک یاری کرده یا از جانب خود دفاع کنند؟

۹۴

فَكَذَّبُوا فِيهَا هُمْ وَالْعَاوُنَ

در آن حال کافران و معبودان باطلشان هم به رو در آتش دوزخ افتند.

۹۵

وَجُنُودُ إِبْلِيسَ أَجْمَعُونَ

و نیز تمام سپاه شیطان (به جهنم در آیند).

۹۶

قَالُوا وَهُمْ فِيهَا يَخْتَصِمُونَ

و در دوزخ به مجادله و خصومت با یکدیگر گویند:

۹۷

تَاللَّهِ إِنْ كُنَّا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

به خدا قسم که ما در گمراهی بسیار آشکاری بودیم.

۹۸

إِذْ نُسَوِّيكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

که شما (بتها) را مانند خدای عالمیان پرستش می‌کردیم.

۹۹

وَمَا أَضَلَّنَا إِلَّا الْمُجْرِمُونَ

و ما را گمراه نکردند جز قوم تبهکار.

۱۰۰

فَمَا لَنَا مِنْ شَافِعِينَ

پس (در این روز سخت) نه شفיעی داریم،

۱۰۱

وَلَا صَدِيقٍ حَمِيمٍ

و نه یک دوست صمیمی (که از ما حمایتی کند).

۱۰۲

فَلَوْ أَنَّ لَنَا كَرَّةً فَنَكُونُ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

ای کاش که بار دیگر (به دنیا) باز می‌گشتیم تا (به خدای یگانه) ایمان می‌آوردیم.

۱۰۳

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُؤْمِنِينَ

همانا در این (ندامت گمراهان) آیت عبرتی (برای دیگران) بود و لیک اکثر مردم باز ایمان نیاوردند.

۱۰۴

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و همانا خدای تو خدای بسیار مقتدر و مهربان است.

۱۰۵

كَذَّبَتْ قَوْمُ نُوحٍ الْمُرْسَلِينَ

قوم نوح هم پیغمبران خدا را تکذیب کردند.

۱۰۶

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ نُوحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

هنگامی که مهربان برادرشان نوح آنها را گفت: آیا خدا ترس و متقی نمی‌شوید؟

۱۰۷

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

من برای شما بسیار رسولی امین (و خیر خواهی مشفق) هستم.

۱۰۸

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

پس از خدا بترسید و راه طاعت من پیش گیرید.

۱۰۹

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ

و من اجری از شما برای رسالت نمی‌خواهم و چشم پاداش جز به خدای عالم ندارم.

الْعَالَمِينَ

۱۱۰

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

پس از خدا بترسید و راه طاعت من پیش گیرید.

۱۱۱

قَالُوا أَنْوْمِنُ لَكَ وَاتَّبَعَكَ الْأَرْذَلُونَ

قوم نوح (از کبر و خود پرستی) پاسخ دادند که ما چگونه به تو ایمان آوریم در صورتی که پیروانت معدودی مردم خوار و فرومایه‌اند؟

قَالَ وَمَا عَلِمِي بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۱۱۳

إِنْ حِسَابُهُمْ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّي لَوْ تَشْعُرُونَ

۱۱۴

وَمَا أَنَا بِطَارِدِ الْمُؤْمِنِينَ

۱۱۵

إِنْ أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

۱۱۶

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَه يَنْوُحْ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمَرْجُومِينَ

۱۱۷

قَالَ رَبِّ إِنَّ قَوْمِي كَذَّبُونِ

۱۱۸

فَأَفْتَحْ بَيْنِي وَبَيْنَهُمْ فَتَحًا وَنَجِّنِي وَمَنْ مَعِيَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

۱۱۹

فَأَنْجَيْنَاهُ وَمَنْ مَعَهُ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ

۱۲۰

ثُمَّ أَعْرَفْنَا بَعْدَ الْبَاقِينَ

۱۲۱

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً ۖ وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُّؤْمِنِينَ

۱۲۲

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

۱۲۳

كَذَّبَتْ عَادُ الْمُرْسَلِينَ

۳۲۲

۱۲۴

إِذْ قَالَ لَهُمْ أَخُوهُمْ هُودٌ أَلَا تَتَّقُونَ

۱۲۵

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

۱۲۶

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

۱۲۷

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ ۖ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ رَبِّ

الْعَالَمِينَ

۱۲۸

أَتَّبِعُونَ بِكُلِّ رِيحٍ ءَايَةً تَعْبَثُونَ

۱۲۹

وَتَتَّخِذُونَ مَصَانِعَ لَعَلَّكُمْ تَخْلُدُونَ

۱۳۰

وَإِذَا بَطِشْتُمْ بَطِشْتُمْ جَبَّارِينَ

۱۳۱

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

۱۳۲

وَاتَّقُوا الَّذِي أَمَدَّكُمْ بِمَا تَعْلَمُونَ

۱۳۳

أَمَدَّكُمْ بِأَنْعَامٍ وَبَنِينَ

۱۳۴

وَجَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

۱۳۵

إِنِّي أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

۱۳۶

قَالُوا سَوَاءٌ عَلَيْنَا أَوَعَضْتَ أَمْ لَمْ تَكُنْ مِنَ الْوَاعِظِينَ

نوح گفت: مرا چه کار که افعال و احوال پیروانم را بدانم (که از طبقه عالی یا دانی‌اند)؟

و من هرگز مؤمنان به حق را (هر چند فقیر باشند) از خود نرانم.

اگر شعور و معرفتی دارید بدانید که حساب کار آنها بر کسی جز خدای من نخواهد بود.

و من هرگز مؤمنان به حق را (هر چند فقیر باشند) از خود نرانم.

من جز آنکه مردم را اندرز کنم و از خدا بترسانم وظیفه‌ای ندارم.

باز قوم نوح گفتند: ای نوح، اگر ترک این سخنان نگویی سخت سنگسار می‌شوی.

نوح گفت: پروردگارا، قوم من سخت مرا تکذیب کردند.

پس بین من و آنها حکم فرما و به ما گشایشی عطا کن، و من و مؤمنانی که با من همراهند از شر قوم نجات ده.

ما هم او را با همه آنان که در آن کشتی انبوه در آمدند به ساحل سلامت رساندیم.

آن‌گاه باقی آن قوم سرکش را پس از نجات نوح و مؤمنان به دریا غرق کردیم.

همانا در این (نجات مؤمنان و هلاک کافران قوم نوح) آیت عبرتی است، و اکثرشان ایمان نیاوردند.

و همانا خدای تو خدای بسیار مقتدر و مهربان است.

قوم عاد نیز رسولان خدا را تکذیب کردند.

هنگامی که مهربان برادرشان هود به آنها گفت: آیا متقی و خدا ترس نمی‌شوید؟

من برای شما پیغمبری بسیار (خیر خواه و) امینم.

پس از خدا بترسید و راه اطاعت من پیش گیرید.

و من از شما اجری برای رسالت نمی‌خواهم و چشم پاداش جز به خدای عالم ندارم.

آیا بنا می‌کنید به هر سرزمین مرتفع عمارت و کاخ برای آنکه به بازی عالم سرگرم شوید (و از یاد خدا غافل مانید).

و عمارت‌های محکم بنا می‌کنید به امید آنکه در آن عمارات عمر ابد کنید؟

و چون (به ظلم و بیداد خلق) دست گشایید کمال قساوت و خشم کار بندید؟

پس از خدا بترسید و مرا اطاعت کنید.

و نیز مدد بخشید شما را به ایجاد باغها و چشمه‌های آب.

همانا من از عذاب روز بزرگ قیامت بر شما می‌ترسم.

گفتند: تو این همه وعظ و نصیحت کنی یا هیچ نکنی به حال ما یکسان است.

إِنَّ هَذَا إِلَّا خُلُقُ الْأَوَّلِينَ

۱۳۸

وَمَا نَحْنُ بِمُعَذِّبِينَ

۱۳۹

فَكَذَّبُوهُ فَأَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً<sup>ط</sup> وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ  
مُؤْمِنِينَ

۱۴۰

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

۱۴۱  
۳۳۳ر

كَذَّبَتْ ثَمُودُ الْمُرْسَلِينَ

۱۴۲

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ صَالِحٌ أَلَا تَتَّقُونَ

۱۴۳

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

۱۴۴

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونَ

۱۴۵

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ<sup>ط</sup> إِنْ أَجْرِي إِلَّا عَلَى رَبِّ  
الْعَالَمِينَ

۱۴۶

أَتُتْرَكُونَ فِي مَا هَلَهْنَا ءَامِنِينَ

۱۴۷

فِي جَنَّتٍ وَعُيُونٍ

۱۴۸

وَزُرُوعٍ وَنَخْلٍ طَلَعَهَا هَضِيمٌ

۱۴۹

وَتَنْحِتُونَ مِنَ الْجِبَالِ بُيُوتًا فَرِهِينَ

۱۵۰

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُونَ

۱۵۱

وَلَا تُطِيعُوا أَمْرَ الْمُسْرِفِينَ

۱۵۲

الَّذِينَ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

۱۵۳

قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمَسْحَرِينَ

۱۵۴

مَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِثْلُنَا فَأْتِ بَآيَةَ<sup>ط</sup> إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

۱۵۵

قَالَ هَذِهِ نَاقَةٌ لَهَا شِرْبٌ وَلَكُمْ شِرْبُ يَوْمٍ مَعْلُومٍ

۱۵۶

وَلَا تَمْسُوهَا بِسُوءٍ فَيَأْخُذَكُمْ عَذَابٌ يَوْمٍ عَظِيمٍ

۱۵۷

فَعَقَرُوهَا فَأَصْبَحُوا نَدِيمِينَ

۱۵۸

فَأَخَذَهُمُ الْعَذَابُ<sup>ط</sup> إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً<sup>ط</sup> وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُمْ  
مُؤْمِنِينَ

۱۵۹

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

این (مسأله حیات و موت کار طبیعت و خوی جهان و) سرنوشت همه پیشینیان است.

و ما هرگز (پس از مرگ دیگر زنده نمی‌شویم و هرگز قیامت و ثواب و) عقابی نخواهیم داشت.

الغرض، رسول حق را تکذیب کردند و ما هم آنان را هلاک گردانیدیم، همانا در این (هلاک قوم عاد) آیت عبرتی است، و بیشتر آنها ایمان نیاوردند.

و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربان است.

قوم ثمود نیز رسولان خدا را تکذیب کردند.

هنگامی که مهربان برادرشان صالح به آنها گفت: آیا متقی و خدا ترس نمی‌شوید؟

من برای شما پیغمبری بسیار امین (و خیر خواه) هستم.

پس از خدا بترسید و راه طاعت من پیش گیرید.

و من اجری از شما برای رسالت نمی‌خواهم و چشم پاداش جز به خدای عالم ندارم.

آیا (تصور می‌کنید که تا ابد) ایمن از مرگ در این ناز و نعمت دنیا خواهید ماند؟

(گمان دارید) در این باغهای باصفا و چشمه‌های آب گوارا،

و مزارع و کشتزار و نخل و آن شکوفه‌های لطیف و زیبایش (همیشه زنده‌اید).

و خیال می‌کنید دائم در این عماراتی که در کوهستان (و بیلاقات) با کمال دقت بنا کرده‌اید به آسایش تعیش می‌کنید؟

پس از خدا بترسید و راه اطاعت من پیش گیرید.

و از رفتار رؤسای مسرف و ستمگر پیروی نکنید.

که آن مردم در زمین همه گونه فساد می‌کنند و هیچ گونه به اصلاح (حال خلق) نمی‌پردازند.

قوم صالح گفتند: به یقین تو را سحر کرده‌اند (که دعوی نبوت می‌کنی).

(و گرنه) تو هم مثل ما بشری بیش نیستی، اگر راست می‌گویی معجزی بیاور.

صالح گفت: این ناقه (معجزه من) است، آب نهر را روزی ناقه بنوشد و روزی شما بنوشید.

و هرگز سوء قصدی بر ناقه مکنید که به عذاب روزی بزرگ و سخت گرفتار خواهید شد.

قوم صالح ناقه را پی کردند، سپس از کار خود پشیمان شدند.

آن گاه عذاب موعود آنان را درگرفت (و هلاک گردیدند).

همانا در هلاک این قوم آیت عبرتی (برای دیگران) بود، و اکثر آنها ایمان نیاوردند.

و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربان است.

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ الْمُرْسَلِينَ

قوم لوط نیز پیغمبران خدا را تکذیب کردند.

إِذْ قَالَ لَهُمُ أَخُوهُمْ لُوطُ أَلَا تَتَّقُونَ

هنگامی که مهربان برادر آنها لوط به آنان گفت: آیا خدا ترس و پرهیزکار نمی‌شوید؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

من برای شما پیغمبری بسیار امین (و خیر خواه) هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

از خدا بترسید و راه طاعت من پیش گیرید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

و من از شما اجری برای رسالت خود نمی‌خواهم و چشم پاداش جز به خدای عالم ندارم.

أَتَأْتُونَ الذُّكْرَانَ مِنَ الْعَالَمِينَ

آیا از میان خلیق عمل زشت منکر را با مردان انجام می‌دهید؟

وَتَذَرُونَ مَا خَلَقَ لَكُمْ رَبُّكُمْ مِنْ أَزْوَاجِكُمْ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ عَادُونَ

و زنان را که خدا همسر شما آفریده رها می‌کنید؟ آری شما بسیار مردم متعدی نابکاری هستید.

قَالُوا لَئِن لَّمْ تَنْتَهَ يَلُوطُ لَتَكُونَنَّ مِنَ الْمُخْرَجِينَ

قوم در جواب گفتند: ای لوط، اگر از این پس دست از این نهی و منع برداری از شهر رانده خواهی شد.

قَالَ إِنِّي لِعَمَلِكُمْ مِنَ الْقَالِينَ

لوط باز گفت: من خود دشمن این کار زشت شما هستم.

رَبِّ نَجِّنِي وَأَهْلِي مِمَّا يَعْمَلُونَ

بار الها، من و اهل بیتم را از (عقاب) این عمل زشت قوم نجات بخش.

فَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ وَأَجْمَعِينَ

ما هم او را با همه اهل بیتش نجات دادیم.

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَيْرِينَ

جز پیرزنی که (زن لوط بود) در اهل عذاب باقی ماند.

ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ

آن گاه (جز اهل بیت لوط) دیگران را به خاک هلاک نشانیدیم.

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنْذَرِينَ

و آنها را به سنگباران عذاب که باران بسیار سختی بر سر بیم داده شدگان (بد کار) است هلاک ساختیم.

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّأُولِي الْأَبْصَارِ

همانا در این هلاک قوم لوط نیز آیت عبرتی (برای دیگران) بود، و اکثر آنها ایمان نیاوردند.

وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربان است.

كَذَّبَ أَصْحَابُ الْمِرْيَافَةِ الْمُرْسَلِينَ

اصحاب ایکه (یعنی امت شعیب ع) هم پیغمبران خدا را تکذیب کردند.

إِذْ قَالَ لَهُمُ شُعَيْبٌ أَلَا تَتَّقُونَ

هنگامی که (رسولشان) شعیب به آنها گفت: آیا خداترس و پرهیزکار نمی‌شوید؟

إِنِّي لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

من برای شما رسولی بسیار امین (و خیر خواه) هستم.

فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

از خدا بترسید و راه طاعت من پیش گیرید.

وَمَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَى رَبِّ الْعَالَمِينَ

و من از شما هرگز اجر رسالت نمی‌خواهم و جز به خدای عالم به کسی چشم پاداش ندارم.

أَوْفُوا الْكَيْلَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُخْسِرِينَ

پیمان‌ها را تمام بدهید و از کم فروشان مباشید.

وَزِنُوا بِالْقِسْطِ أَلْسِنَتِكُمْ

و (اجناس را) با ترازوی درست بسنجید.

وَلَا تَبْخَسُوا النَّاسَ أَشْيَاءَهُمْ وَلَا تَعْنُوا فِي الْأَرْضِ مُمْسِكِينَ

و آنچه به مردم می‌فروشید (تمام بدهید) و از وزن و پیمان کم نگذارید، و در زمین به ظلم و فساد کاری برنخیزید.

وَأَتَقُوا الَّذِي خَلَقَكُمْ وَالْحِيلَةَ الْأُولِينَ

۱۸۵ قَالُوا إِنَّمَا أَنْتَ مِنَ الْمُسَحَّرِينَ

۱۸۶ وَمَا أَنْتَ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَإِن نَّظُنُّكَ لَمِنَ الْكَاذِبِينَ

۱۸۷ فَاسْقِطْ عَلَيْنَا كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِن كُنتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

۱۸۸ قَالَ رَبِّي أَعْلَمُ بِمَا تَعْمَلُونَ

۱۸۹ فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَهُم عَذَابُ يَوْمِ الظُّلَّةِ إِنَّهُ كَانَ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

۱۹۰ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً<sup>ط</sup> وَمَا كَانَ أَكْثَرُهُم مُّؤْمِنِينَ

۱۹۱ وَإِنَّ رَبَّكَ لَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

۱۹۲ وَإِنَّهُ لَتَنْزِيلُ رَبِّ الْعَالَمِينَ<sup>ج</sup>  
۳۲۶

۱۹۳ نَزَلَ بِهِ الرُّوحُ الْأَمِينُ

۱۹۴ عَلَى قَلْبِكَ لِتَكُونَ مِنَ الْمُنذِرِينَ

۱۹۵ بِلِسَانٍ عَرَبِيٍّ مُّبِينٍ

۱۹۶ وَإِنَّهُ لَفِي زُبُرِ الْأُولِينَ

۱۹۷ أَوَلَمْ يَكُنْ لَهُمْ آيَةٌ أَن يَعْلَمَهُ<sup>ج</sup> عُلَمَاؤُا بَنِي إِسْرَائِيلَ

۱۹۸ وَلَوْ نَزَّلْنَاهُ عَلَى بَعْضِ الْأَعْجَمِينَ

۱۹۹ فَقرَأَهُ<sup>ج</sup> عَلَيْهِم مَّا كَانُوا بِهِ<sup>ج</sup> مُؤْمِنِينَ

۲۰۰ كَذَلِكَ سَلَكْنَاهُ فِي قُلُوبِ الْمُجْرِمِينَ

۲۰۱ لَا يُؤْمِنُونَ بِهِ<sup>ج</sup> حَتَّى يَرَوْا الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

۲۰۲ فَيَأْتِيهِمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

۲۰۳ فَيَقُولُوا هَلْ نَحْنُ مُنظَرُونَ

۲۰۴ أَفَعَدَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

۲۰۵ أَفَرَعَيْتَ إِن مَّتَّعْنَاهُمْ سِنِينَ

۲۰۶ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَّا كَانُوا يُوعَدُونَ

و از خدایی که شما و کفر پیشگان پیشین را آفریده بترسید (و خلاف امر او مکنید).

و تو جز آنکه بشری هستی مانند ما هیچ گونه مزیتی بر دیگران نداری. و ما تو را (در دعوت نبوت) دروغگو می‌پنداریم.

قوم شعیب در پاسخ او گفتند: تو را بی‌شک به سحر و شعبده مفتون کرده‌اند.

و تو راست می‌گویی (که پیغمبر خدایی) قطعه‌ای از آسمان را بر سر ما فرود آور (تا تصدیق تو کنیم).

شعیب گفت: خدای من بهتر بر (صدق دعوی من و کذب قول و زشتی) افعال شما آگاه است.

باز او را تکذیب کردند و به عذاب سخت روز سایه‌بان (یعنی روزی که مردم از شدت گرما به سایه‌بانی پناه می‌بردند و باز از گرمی هلاک می‌شدند) گرفتار شدند که عذاب آن روز بسیار بزرگ و سخت بود.

همانا در این هلاک قوم شعیب نیز آیت عبرتی (برای دیگران) بود، و اکثر آنها ایمان نیاوردند.

و همانا خدای تو بسیار مقتدر و مهربان است.

و این قرآن به حقیقت از جانب خدای عالمیان نازل شده.

(جبرئیل) روح الامین (فرشته بزرگ خدا) آن را نازل گردانیده.

و آن را بر قلب تو فرود آورده تا از عقاب خدا بترسانی.

به زبان عربی فصیح.

و (ذکر عظمت) این قرآن در کتب انبیاء پیشین مسطور است.

آیا این خود آیت و برهان روشنی (بر کافران) نیست که علماء بنی اسرائیل (از کتب انبیاء سلف) بر این قرآن آگاهند؟

و اگر ما این کتاب (عربی) را بر بعض مردم عجم نازل می‌گردانیدیم.

و آن رسول آن را (به زبان تازی) بر عجم‌ها قرائت می‌کرد آنان ایمان نمی‌آوردند (به این عذر که قرآن چون به زبان ما نیست ما فهم آن نکرده و اعجاز آن را درک نمی‌کنیم، اما شما قوم عرب با چه عذر ایمان نمی‌آورید؟)

ما این قرآن را این چنین در دل تبهکاران گذرانندیم (و بر آنها به این کتاب اتمام حجت کردیم).

اما به این قرآن ایمان نمی‌آورند تا عذاب دردناک را مشاهده کنند.

که به ناگاه آن عذاب که سخت از آن غافلند به آنها فرا رسد.

و آن کافران گویند: آیا بر ما مهلتی منظور می‌شود (تا زمانی از عذاب بیاساییم؟)

آیا (اکنون که هنگام عذابشان نیست از تمسخر) عذاب و انتقام ما را به تعجیل می‌طلبند؟

چه خواهی دید اگر ما چند سالی آنها را در دنیا متنعم سازیم.

سپس به عذابی که بر آنان وعده شده یکسر هلاک شوند.

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَمْتَعُونَ

۲۰۸

وَمَا أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ إِلَّا لَهَا مُنْذِرُونَ

۲۰۹

ذِكْرِي وَمَا كُنَّا ظَالِمِينَ

۲۱۰

وَمَا تَنْزَلَتْ بِهِ الشَّيَاطِينُ

۲۱۱

وَمَا يَنْبَغِي لَهُمْ وَمَا يَسْتَطِيعُونَ

۲۱۲

إِنَّهُمْ عَنِ السَّمْعِ لَمَعزُولُونَ

۲۱۳

فَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءآخَرَ فَتَكُونَ مِنَ الْمُعَذَّبِينَ

۲۱۴

وَأَنْذِرْ عَشِيرَتَكَ الْأَقْرَبِينَ

۲۱۵

وَأَخْفِضْ جَنَاحَكَ لِمَنِ اتَّبَعَكَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

۲۱۶

فَإِنْ عَصَوْكَ فَقُلْ إِنَّي بَرِيءٌ مِمَّا تَعْمَلُونَ

۲۱۷

وَتَوَكَّلْ عَلَى الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

۲۱۸

الَّذِي يَرِنُكَ حِينَ تَقُومُ

۲۱۹

وَتَقَلُّبِكَ فِي السَّجْدِينَ

۲۲۰

إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۲۲۱

هَلْ أَنْبِئُكُمْ عَلَىٰ مَنْ تَنْزَلُ الشَّيَاطِينُ

۲۲۲

تَنْزَلُ عَلَىٰ كُلِّ آفَاكٍ أَثِيمٍ

۲۲۳

يُلْقُونَ السَّمْعَ وَأَكْثُرُهُمْ كَاذِبُونَ

۲۲۴

وَالشُّعْرَاءُ يَتَّبِعُهُمُ الْغَاوُونَ

۲۲۵

أَلَمْ تَرَ أَنَّهُمْ فِي كُلِّ وَادٍ يَهِيمُونَ

۲۲۶

وَأَنَّهُمْ يَقُولُونَ مَا لَا يَفْعَلُونَ

۲۲۷

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَذَكَرُوا اللَّهَ كَثِيرًا

وَأَنْتَصَرُوا مِنْ بَعْدِ مَا ظَلَمُوا ۗ وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَيَّ

مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ

آیا بهره‌ای که از مال دنیا داشتند هیچ آنها را از عذاب خواهد رهایید؟

و ما اهل هیچ دیاری را تا رسولانی به هدایت و اتمام حجت بر آنها نفرستادیم هلاک نکردیم.

این (هلاک بدان) پند و موعظه است (برای خوبان) و ما هرگز به کسی ستم نکردیم.

و این قرآن را شیاطین فرود نیاوردند (بلکه جبرئیل امین، فرشته خدا نازل ساخته).

نه هرگز این گونه سخنان از شیاطین شایسته است و نه قدرت (بر نزول آن) دارند.

که البته آنها از استماع وحی الهی معزولند.

پس با خدای یکتا احدی را معبود مخوان و گرنه از اهل عذاب خواهی شد.

و (نخست) خویشان نزدیکت را (از خدا) بترسان.

و پر و بال مرحمت بر تمام پیروان با ایمانت به تواضع بگستران.

و هرگاه قوم فرمانت را مخالفت کردند به آنها بگو: من خود از کردار (بد) شما بیزارم.

و توکل بر آن خدای مقتدر مهربان کن.

آن خدایی که چون (از شوقش به نماز) برخیزی تو را می‌نگرد.

و به انتقال تو در اهل سجود (و به دوران تحوّل از اصلاّب شامخه به ارحام مطهره) آگاه است.

که او خدای شنوا و دانا (به گفتار و کردار خلق) است.

(بگو به کافران که) آیا می‌خواهید من شما را آگاه سازم که شیاطین بر چه کسان نازل می‌شوند؟

شیاطین بر هر شخص بسیار دروغگوی بدکار نازل می‌شوند.

گوش فرا می‌دهند (تا حرف مؤمنان و قوای قدسی را ربوده و به اتباع خود برسانند) و اکثرشان دروغ می‌گویند (و اندک راست آنها هم برای شبهه کاری و فساد و فتنه انگیزی است).

و شاعران (یاوه سرای کفار مانند عالمان بی‌عمل و مدعیان باطل) را مردم جاهل گمراه پیروی کنند.

آیا ننگری که آنها خود به هر وادی حیرت سرگشته‌اند؟

و آنها بسیار سخنان می‌گویند که یکی را عمل نمی‌کنند.

مگر آن شاعران که اهل ایمان و نیکوکار بوده و یاد خدا بسیار کردند و برای انتقام از (هجو و) ستمی که در حق آنها (و سایر مؤمنان) شده (به نظم سخن و طبع شعر) به انتقام و دفاع برخاستند (و به شمشیر زبان با دشمنان دین جهاد کردند، آنان را مؤمنان پیروی خواهند کرد) و آنان که ظلم و ستم کردند به زودی خواهند دانست که به چه کیفر گاهی و دوزخ انتقامی بازگشت می‌کنند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

طَسَّ تِلْكَ ءَايَاتُ الْقُرْءَانِ وَكِتَابٍ مُّبِينٍ

هُدًى وَبُشْرَى لِلْمُؤْمِنِينَ

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ يُوقِنُونَ

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ زَيْنًا لَّهُمْ أَعْمَلَهُمْ فَهُمْ يَعْمَهُونَ

أُولَئِكَ الَّذِينَ لَهُمْ سُوءُ الْعَذَابِ وَهُمْ فِي الْآخِرَةِ هُمْ الْآخَسِرُونَ

وَإِنَّكَ لَتَلْقَى الْقُرْءَانَ مِنْ لَدُنِّ حَكِيمٍ عَلِيمٍ

إِذْ قَالَ مُوسَى لِأَهْلِيهِ ءِإِنِّي ءَانَسْتُ نَارًا سَاعَتِيكُمْ مِّنْهَا بَخْبَرٍ أَوْ ءَاتِيكُمْ بِشَهَابٍ قَبَسٍ لَّعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

فَلَمَّا جَاءَهَا نُودِيَ أَنْ بُورِكَ مَنْ فِي النَّارِ وَمَنْ حَوْلَهَا وَسُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

يَمُوسَى إِنَّهُ ؕ أَنَا اللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

وَأَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا وَلَمْ يُعَقِّبْ يَمُوسَى لَا تَخَفْ إِنِّي لَا يَخَافُ لَدَى الْمُرْسَلُونَ

إِلَّا مَنْ ظَلَمَ ثُمَّ بَدَّلْ حُسْنًا بَعْدَ سُوءٍ فَإِنِّي غَفُورٌ رَّحِيمٌ

وَأَدْخِلْ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجَ بَيْضَاءَ مِنْ غَيْرِ سُوءٍ ۗ فِي تِسْعِ ءَايَاتٍ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَقَوْمِهِ ؕ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَسِقِينَ

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ ءَايَاتُنَا مُبْصِرَةً قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

طس (شاید اشاره به سوره است یا نام خدا یا رسول است که به آن قسم یاد شده) این آیات قرآن (بزرگ) و کتاب روشن خداست.

که هدایت و بشارت برای اهل ایمان است.

آنان که نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و کاملا به عالم آخرت یقین دارند.

همانا آنان که ایمان به عالم آخرت نمی‌آورند (پس از اتمام حجت) ما اعمالشان را در نظرشان جلوه دهیم و آنها به کلی گمراه و سرگشته شوند.

آنها را هم (در دنیا) سخت‌ترین عذاب است و هم در آخرت زیانکارترین خلقتند.

و تو (ای رسول ما) آیات قرآن (عظیم) از جانب خدایی حکیم و دانا (به وحی) بر تو القا می‌شود.

(به یاد آر) هنگامی که موسی (وقت بیچارگی و درد حمل زن در آن بیابان سرد و ظلمت نوری دید و) به اهل بیتش گفت: مرا آتشی به نظر آمد می‌روم تا از آن به زودی خبری برایتان بیاورم یا شاید برای گرم شدن شما شعله‌ای بگیرم.

چون موسی بدان آتش نزدیک شد او را ندا کردند که آن کس را که در (اشتیاق) این آتش است یا به گردش (در طلب) است (مقدمش به لطف حق) مبارک باد، و منزه است خدا که آفریننده عوالم بی‌حد و نهایت است.

(از آن آتش شجر طور ندا آمد) ای موسی، همانا منم خدای مقتدر دانای درستکار.

و تو عصای خود بیفکن، چون موسی (عصا افکند و ناگاه) بر آن نگریست که به جنبش و هیجان در آمد چنانکه ازدهایی مهیب گردید، رو به فرار نهاد و دیگر واپس نگردید، (در آن حال بدو خطاب شد) ای موسی مترس که پیغمبران در حضور من هرگز نمی‌ترسند.

(ستمکاران عالم باید بترسند) مگر کسی که ستم و کار بد کند آن‌گاه به زودی (توبه کند و) نیکویی را جایگزین بدی کند (تا خدایش ببخشد) که همانا خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

و دست در گریبان خود کن تا چون بیرون آید نه از مرض (برص، بلکه از نظر لطف خدا) سپید و روشن (چون ماه تابان) گردد، آن گاه با نه معجز الهی (یعنی عصا و ید بیضا و ملخ و قمل و ضفدع و خون و شکافتن دریا و کوه و طوفان) به سوی فرعون و قومش که گروهی فاسق و نابکارند به رسالت روانه شو.

اما چون آیات و معجزات ما به طور روشن به آنها ارائه شد گفتند که این سحر بودنش روشن و آشکار است.

وَجَحَدُوا بِهَا وَاسْتَيْقَنَتْهَا أَنفُسُهُمْ ظُلْمًا وَعُلُوًّا فَانظُرْ  
كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُفْسِدِينَ

وَلَقَدْ آتَيْنَا دَاوُودَ وَسُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي  
فَضَّلَنَا عَلَىٰ كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ

وَوَرِثَ سُلَيْمَانُ دَاوُودَ وَقَالَ يَا أَيُّهَا النَّاسُ عُلِّمْنَا مَنْطِقَ  
الطَّيْرِ وَأُوتِينَا مِنْ كُلِّ شَيْءٍ ۗ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَضْلُ الْمُبِينُ

وَحُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنسِ وَالطَّيْرِ فَهُمْ  
يُوزَعُونَ

حَتَّىٰ إِذَا أَتَوْا عَلَىٰ وَادِ التَّمَلِّ قَالَتْ نَمَلَةٌ يَأْتِيهَا التَّمَلُّ  
أَدْخُلُوا مَسَكِنَكُمْ لَا يَحْطِمَنَّكُمْ سُلَيْمَانُ وَجُنُودُهُ وَهُمْ  
لَا يَشْعُرُونَ

فَتَبَسَّمَ ضَاحِكًا مِّنْ قَوْلِهَا وَقَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ  
نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا  
تَرْضَاهُ وَأَدْخِلْنِي بِرَحْمَتِكَ فِي عِبَادِكَ الصَّالِحِينَ

وَتَفَقَّدَ الطَّيْرَ فَقَالَ مَا لِيَ لَا أَرَى الْهُدْهَدَ أَمْ كَانَ مِنَ  
الْغَائِبِينَ

لَأَعَذِّبَنَّهُ عَذَابًا شَدِيدًا أَوْ لَأَأَذِّبَنَّهٗ ۗ أَوْ لِيَأْتِنِي سِلْطَنٍ  
مُّبِينٍ

فَمَكَثَ غَيْرَ بَعِيدٍ فَقَالَ أَحَطْتُ بِمَا لَمْ تُحِطْ بِهِ ۗ وَجِئْتُكَ  
مِن سَبَأٍ بِنَبَأٍ يَقِينٍ

و با آنکه پیش نفس خود به یقین دانستند که آنها معجزه  
خداست باز از کبر و نخوت و ستمگری انکار آن کردند، پس  
بنگر تا عاقبت آن مردم فاسد به کجا انجامید (و چگونه هلاک  
شدند).

و همانا ما به داود و سلیمان مقام دانشی بزرگ عطا کردیم و  
گفتند: ستایش و سپاس خدای را که ما را بر بسیاری از  
بندگان با ایمانش فضیلت و برتری عطا فرمود.

و سلیمان وارث (ملک) داود شد (و مقام سلطنت و خلافت  
یافت) و گفت: ای مردم، ما را زبان مرغان آموختند و از  
هرگونه نعمت عطا کردند، این همان فضل و بخشش آشکار  
است.

و سپاهیان سلیمان از گروه جن و انس و مرغان (هر سپاهی  
تحت فرمان رئیس خود) در رکابش گرد آورده شدند.

تا چون به وادی مورچگان رسید موری (یعنی پیشوای  
موران) گفت: ای موران، همه به خانه‌های خود اندر روید  
مبادا سلیمان و سپاهیان ندانسته شما را پایمال کنند.

سلیمان از گفتار مور بخندید و گفت: پروردگارا، مرا توفیق  
شکر نعمت خود که به من و پدر و مادر من عطا فرمودی  
عنایت فرما و مرا به عمل صالح خالصی که تو بیسندی موفق  
بدار و مرا به لطف و رحمت خود در صف بندگان خاص  
شایسته‌ات داخل گردان.

و سلیمان (از میان سپاه خود) جویای حال مرغان شد (هدهد  
را در مجمع مرغان نیافت، به رئیس مرغان) گفت: هدهد  
کجا شد که به حضور نمی‌بینمش؟ بلکه (بی‌اجازه من) غیبت  
کرده است؟

(چنانچه بدون عذر بی رخصت غایب شده) همانا او را به  
عذابی سخت معذب گردانم یا آنکه سرش از تن جدا کنم یا  
که (برای غیبتش) دلیلی روشن (و عذری صحیح) بیاورد.

پس از اندک مکتی هدهد حاضر شد و گفت: من به چیزی  
که تو از آن (در جهان) آگاه نشده‌ای خبر یافتم و از ملک  
سبأ تو را خبری راست و مهم آوردم.

إِنِّي وَجَدْتُ أَمْرًا تَمَلِكُهُمْ وَأُوتِيَتْ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ وَلَهَا عَرْشٌ عَظِيمٌ

وَجَدْتُهَا وَقَوْمَهَا يَسْجُدُونَ لِلشَّمْسِ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَزَيَّنَ لَهُمُ الشَّيْطَانُ أَعْمَلَهُمْ فَصَدَّهُمْ عَنِ السَّبِيلِ فَهُمْ لَا يَهْتَدُونَ

۲۴

أَلَّا يَسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي يُخْرِجُ الْخَبَاءَ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُخْفُونَ وَمَا تُعْلِنُونَ

۲۶
سجده مستحب

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ رَبُّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ ۞

۲۷
حزب ۱۵۲

قَالَ سَنَنْظُرُ أَصَدَقْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْكَاذِبِينَ

۲۸

أَذْهَبَ بِكِتَابِي هَذَا فَأَلْقَاهُ إِلَيْهِمْ ثُمَّ تَوَلَّى عَنْهُمْ فَانظُرْ مَاذَا يَرْجِعُونَ

۲۹

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا إِنِّي أَتَىٰ إِلَيَّ كِتَابٌ كَرِيمٌ

۳۰

إِنَّهُ مِنْ سُلَيْمَانَ وَإِنَّهُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۳۱

أَلَّا تَعْلَمُوا عَلَيَّ وَأُتُونِي مُسْلِمِينَ

۳۲
۳۲۹

قَالَتْ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُوْا أَفْتُونِي فِي أَمْرِي مَا كُنْتُ قَاطِعَةً أَمْرًا حَتَّىٰ تَشْهَدُونِ

۳۳

قَالُوا نَحْنُ أَوْلُوا قُوَّةٍ وَأَوْلُوا بِأَسِيسٍ شَدِيدِ وَالْأَمْرُ إِلَيْكِ فَانظُرِي مَاذَا تَأْمُرِينَ

۳۴

قَالَتْ إِنَّ الْمُلُوكَ إِذَا دَخَلُوا قَرْيَةً أَفْسَدُوهَا وَجَعَلُوا أَعْرََّةَ أَهْلِهَا أَذِلَّةً وَكَذَلِكَ يَفْعَلُونَ

۳۵

وَإِنِّي مُرْسِلَةٌ إِلَيْهِمْ بِهَدِيَّةٍ فَنَاظِرَةٌ بِمَ يَرْجِعُ الْمُرْسَلُونَ

همانا (در آن ملک) زنی را یافتم که بر مردم آن کشور پادشاهی داشت و به آن زن هر گونه دولت و نعمت (و زینت امور دنیوی) عطا شده بود و (علاوه بر اینها) تخت با عظمتی داشت.

آن زن را با تمام رعیتش یافتم که به جای خدا خورشید را می‌پرستیدند و شیطان اعمال زشت آنان را در نظرشان زیبا جلوه داده و آنها را به کلی از راه خدا باز داشته و آنها هم به حق راه یافته نیستند.

تا خدای را که (نور او) در آسمان و زمین هر پنهان (در ظلمت عدم) را به عرصه ظهور آورد و بر نهان و آشکار شما آگاه است پرستش نکنند.

در صورتی که خدای یکتا که جز او هیچ خدایی نیست پروردگار عرش با عظمت (و ملک بی‌نهایت) است (و تنها سزاوار پرستش اوست).

سلیمان هدهد را گفت: باید تحقیق کنیم تا صدق و کذب سخت را دریابیم.

اینک نامه مرا ببر و به سوی آنان بیفکن و از نزد آنها باز شو آن گاه بنگر تا پاسخ چه می‌دهند.

(بلقیس رو به رجال دربارش کرد و) گفت: ای رجال کشور، نامه بزرگی به من رسیده است.

که آن نامه از جانب سلیمان و عنوانش به نام خدای بخشنده مهربان است.

(و بعد چنین نگاشته) که بر من برتری مجوید و تسلیم امر من شوید.

آن‌گاه گفت: ای رجال کشور، شما به کار من رأی دهید که من تاکنون بی‌حضور شما به هیچ کار تصمیم نگرفته‌ام.

رجال ملک به او اظهار داشتند که ما دارای نیروی کامل و مردان جنگجوی مقتدری هستیم، لیکن اختیار با شما تا به فکر روشن چه دستور فرمایی.

بلقیس گفت: پادشاهان چون به دیاری حمله آرند آن کشور را ویران سازند و عزیزترین اشخاص مملکت را ذلیل‌ترین افراد گیرند و رسم و سیاستشان بر این کار خواهد بود.

و (صلاح این است که) حال من هدیه‌ای بر آنان بفرستم تا ببینم فرستادگانم از جانب سلیمان پاسخ چگونه باز می‌آرند.

فَلَمَّا جَاءَ سُلَيْمَانَ قَالَ أَتُمِدُّونَنِ بِمَالٍ فَمَا آتَانِيَ اللَّهُ خَيْرٌ مِّمَّا آتَاكُمْ بَلْ أَنْتُمْ بِهَدِيَّتِكُمْ تَفْرَحُونَ

أَرْجِعْ إِلَيْهِمْ فَلَنَأْتِيَنَّهُمْ بِجُنُودٍ لَا قِبَلَ لَهُمْ بِهَا وَلَنُخْرِجَنَّهُمْ مِنْهَا أَذِلَّةً وَهُمْ صَاغِرُونَ

قَالَ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ أَيُّكُمْ يَأْتِينِي بِعَرْشِهَا قَبْلَ أَنْ يَأْتُونِي مُسْلِمِينَ

قَالَ عِفْرِيْتُ مِّنَ الْجِنِّ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ تَقُومَ مِن مَّقَامِكَ وَإِنِّي عَلَيْهِ لَقَوِيٌّ أَمِينٌ

قَالَ الَّذِي عِنْدَهُ عِلْمٌ مِّنَ الْكِتَابِ أَنَا آتِيكَ بِهِ قَبْلَ أَنْ يَرْتَدَّ إِلَيْكَ طَرْفُكَ فَلَمَّا رَآهُ مُسْتَقِرًّا عِنْدَهُ قَالَ هَذَا مِن فَضْلِ رَبِّي لِيَبْلُوَنِي أَأَشْكُرُ أَمْ أَكْفُرُ وَمَن شَكَرَ فَإِنَّمَا يَكْفُرُ لِنَفْسِهِ وَمَن كَفَرَ فَإِنَّ رَبِّي غَنِيٌّ كَرِيمٌ

قَالَ نَكِّرُوا لَهَا عَرْشَهَا نَنظُرْ أَتَهْتَدِي أَمْ تَكُونُ مِنَ الَّذِينَ لَا يَهْتَدُونَ

فَلَمَّا جَاءَتْ قِيلَ أَهَكَذَا عَرْشُكِ قَالَتْ كَأَنَّهُ هُوَ وَأُوتِينَا الْعِلْمَ مِن قَبْلِهَا وَكُنَّا مُسْلِمِينَ

وَصَدَّهَا مَا كَانَتْ تَعْبُدُ مِن دُونِ اللَّهِ إِنَّهَا كَانَتْ مِن قَوْمِ كَافِرِينَ

قِيلَ لَهَا ادْخُلِي الصَّرْحَ فَلَمَّا رَأَتْهُ حَسِبَتْهُ لُجَّةً وَكَشَفَتْ عَن سَاقِيهَا قَالِ إِنَّهُ صَرْحٌ مُّمَرَّدٌ مِّن قَوَارِيرَ قَالَتْ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي وَأَسْلَمْتُ مَعَ سُلَيْمَانَ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

چون فرستاده بلقیس حضور سلیمان رسید (به هدیه او اعتنایی نکرد) گفت: شما خواهید که مرا به مال دنیا مدد کنید؟ آنچه خدا به من (از ملک و مال بی‌شمار) عطا فرموده بسیار بهتر از این مختصر هدیه شماس است که به شما داده، بلکه شما مردم دنیا خود بدین هدایا شاد می‌شوید.

ای فرستاده بلقیسیان (با هدایا) به سوی آنان باز شو که ما با لشکری بی‌شمار که هیچ با آن مقاومت نتوانند کرد بر آنها خواهیم آمد و آنها را با ذلت و خواری از آن ملک بیرون می‌کنیم (مگر آنکه به دین توحید و خداپرستی بگروند).

آن گاه سلیمان گفت: ای بزرگان دربار، کدام یک از شما تخت بلقیس را پیش از آنکه تسلیم امر من شوند خواهد آورد؟ (تا چون اعجاز مرا مشاهده کند از روی ایمان تسلیم شود).

(از آن میان) عفریتی از جن گفت: من پیش از آنکه تو از جایگاه (قضاوت) خود برخیزی آن را به حضور آورم و من بر آوردن تخت او قادر و امینم.

آن کس که به علمی از کتاب الهی دانا بود (یعنی آصف بن برخیا یا خضر که دارای اسم اعظم و علم غیب بود) گفت که من پیش از آنکه چشم بر هم زنی تخت را بدین جا آورم (و همان دم حاضر نمود)، چون سلیمان سریر را نزد خود مشاهده کرد گفت: این توانایی از فضل خدای من است تا مرا بیاماید که (نعمتش را) شکر می‌گویم یا کفران می‌کنم، و هر که شکر کند شکر به نفع خویش کرده و هر که کفران کند همانا خدا (از شکر خلق) بی‌نیاز و (بر کافر هم به لطف عمیم) کریم است.

آن گاه سلیمان گفت: تخت او را (به تغییر شکل و هیأت) بر او ناشناس گردانید تا بنگریم که وی سریر خود را خواهد شناخت یا نه.

هنگامی که بلقیس آمد از او پرسیدند که عرش تو چنین است؟ وی گفت: گویا همین است و ما از این پیش بدین امور دانا و تسلیم (امر خدا) بودیم.

و او را پرستش غیر خدا (مانند آفتاب و سایر اجرام علوی، از خدا پرستی) باز داشته و از فرقه کافران مشرک به شمار بود.

آن‌گاه او را گفتند که در ساحت این قصر داخل شو، وی چون کوشک را مشاهده کرد (از فرط صفا و تلالؤ) پنداشت که لجه آبی است و جامه از ساقهای پا برگرفت، سلیمان گفت: این قصری است از آبگینه صاف، بلقیس گفت: بار الها، من سخت بر نفس خویش ستم کردم و اینک با (رسول تو) سلیمان تسلیم فرمان یکتا پروردگار عالمیان گردیدم.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا إِلَىٰ ثَمُودَ أَخَاهُمْ صَالِحًا أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ فَإِذَا هُمْ فَرِيقَانِ يَخْتَصِمُونَ

قَالَ يَاقَوْمِ لِمَ تَسْتَعْجِلُونَ بِالسَّيِّئَةِ قَبْلَ الْحَسَنَةِ لَوْلَا تَسْتَغْفِرُونَ اللَّهَ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

قَالُوا أَظَيَّرْنَا بِكَ وَبِمَن مَّعَكَ قَالَ طَئِرِكُمْ عِنْدَ اللَّهِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تُفْتَنُونَ

وَكَانَ فِي الْمَدِينَةِ تِسْعَةُ رَهْطٍ يُفْسِدُونَ فِي الْأَرْضِ وَلَا يُصْلِحُونَ

قَالُوا تَقَاسَمُوا بِاللَّهِ لَنُبَيِّتَنَّهُ وَأَهْلَهُ ثُمَّ لَنَقُولَنَّ لِوَلِيِّهِ مَا شَهِدْنَا مَهْلِكَ أَهْلِهِ وَإِنَّا لَصَادِقُونَ

وَمَكْرُوا مَكْرًا وَمَكْرَنَا مَكْرًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

فَأَنْظِرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ مَكْرِهِمْ أَنَا دَمَّرْنَاهُمْ وَقَوْمَهُمْ أَجْمَعِينَ

فَتِلْكَ بُيُوتُهُمْ خَاوِيَةٌ بِمَا ظَلَمُوا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

وَأَنْجَيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

وَلَوْطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَتَأْتُونَ الْفَحِشَةَ وَأَنْتُمْ تُبْصِرُونَ

أَيْنَكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ شَهْوَةً مِّنْ دُونِ النِّسَاءِ بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ تَجْهَلُونَ

و همانا ما به قوم ثمود برادرشان صالح را به رسالت فرستادیم که خدای یکتا را پرستید، پس قوم بر دو فرقه شدند (یک فرقه مؤمن و دیگر کافر) و با هم به مخاصمه و جدال می‌پرداختند.

صالح گفت: ای قوم، چرا پیش از نکوکاری به بدکاری می‌شتابید؟ چرا (از کردار زشت) استغفار به درگاه خدا نمی‌کنید تا شاید مورد عفو و رحمت واقع شوید؟

آن کافران گفتند: ما به وجود تو و پیروانت فال بد می‌زنیم (که ظهور تو اسباب رنج و خصومت و عذاب و شومی حال ما شده است). صالح گفت: این فال بد شما نزد خدا (محققا معلوم) است بلکه شما گرفتار امتحان و ابتلا شده‌اید (و خود موجب گرفتارن هستید).

و در شهرستان قوم صالح نه (نفر از رؤسای) قبیله بودند که دائم در زمین به فتنه و فساد می‌پرداختند و هرگز قدمی به صلاح (خلق) بر نمی‌داشتند.

آن رؤسای مفسد (به قوم صالح) گفتند که شما هم قسم شوید که با هم شیخون زنیم و شبانه صالح را به قتل برسانیم، آن گاه به وارث او همه شهادت خواهیم داد که ما در مکان ارتکاب قتل (او و) اهلس حاضر نبودیم و البته ما راستگوییم.

و آن کافران (در قتل صالح) مکر و حيله به کار بردند و ما هم آنها را از جایی که هیچ نمی‌فهمیدند به کیفر مکرشان رسانیدیم.

بنگر که پایان مکرشان چه شد؟ عاقبت ما همه آنان را بستگانشان هلاک کردیم.

این است خانه‌های بی‌صاحب ایشان که چون ظلم کردند همه ویران شد و در این کار برای دانایان آیت عبرت است.

و (از آن قوم) اهل ایمان را که پرهیزکار و خدا ترس بودند همه را (از عذاب) نجات دادیم.

و (پیغمبر خود) لوط را فرستادیم وقتی که به قوم خود گفت: آیا شما با آنکه بصیرت (به زشتی عمل خود) دارید باز مرتکب چنین کار منکری می‌شوید؟

آیا شما با مردان شهوترانی کرده و زنان را ترک می‌گویید؟ بلکه شما بسیار مردم جهالت پیشه و گمراهی هستید.

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا أَخْرِجُوا آلَ لُوطٍ مِّن قَرْيَتِكُمْ إِنَّهُمْ أَنَاسٌ يَّتَطَهَّرُونَ

۵۷

فَأَنْجَيْنَاهُ وَأَهْلَهُ إِلَّا أُمَّرَأَتَهُ قَدَّرْنَا لَهَا مِنَ الْغَابِرِينَ

۵۸

وَأَمْطَرْنَا عَلَيْهِمْ مَطَرًا فَسَاءَ مَطَرُ الْمُنذَرِينَ

۵۹

۳۳ ر

قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ وَسَلَامٌ عَلَىٰ عِبَادِهِ الَّذِينَ اصْطَفَىٰ ۗ ءَآلَهُ خَيْرٌ ۖ  
أَمَّا يُشْرِكُونَ

۶۰

أَمَّنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَأَنْزَلَ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ  
مَاءً فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ مَّا كَانَ لَكُمْ أَنْ  
تُنْبِتُوا شَجَرَهَا ۗ ءَآلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ هُمْ قَوْمٌ يَعْدِلُونَ

۶۱

أَمَّنْ جَعَلَ الْأَرْضَ قَرَارًا وَجَعَلَ خِلَالَهَا أَنْهَارًا وَجَعَلَ لَهَا  
رَوَاسِيَ وَجَعَلَ بَيْنَ الْبَحْرَيْنِ حَاجِزًا ۗ ءَآلَهُ مَعَ اللَّهِ بَلْ  
أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

۶۲

أَمَّنْ يُجِيبُ الْمُضْطَرَّ إِذَا دَعَاهُ وَيَكْشِفُ السُّوءَ  
وَيَجْعَلُكُمْ خُلَفَاءَ الْأَرْضِ ۗ ءَآلَهُ مَعَ اللَّهِ قَلِيلًا مَّا  
تَذَكَّرُونَ

۶۳

أَمَّنْ يَهْدِيكُمْ فِي ظُلُمَاتِ الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَنْ يُرْسِلُ الرِّيْحَ  
بُشْرًا بَيْنَ يَدَيْ رَحْمَتِهِ ۗ ءَآلَهُ مَعَ اللَّهِ تَعَلَّى اللَّهُ عَمَّا  
يُشْرِكُونَ

قوم لوط به او جوابی ندادند جز آنکه (با یکدیگر) گفتند که لوط را با همه اهل بیتش از شهر خود بیرون کنید زیرا که (از این کار) تنزه و دوری می‌جویند.

ما هم لوط را با همه اهل بیتش جز زن (کافر) او که مقدر کردیم که میان اهل عذاب باقی ماند همه را نجات دادیم.

و بر سر آنها سنگ‌های هلاک بارانیدیم و بسیار بد باران هلاکتی است باران آن قوم بدکار.

(ای رسول) بگو: ستایش مخصوص خداست و سلام خاص بر بندگان برگزیده خدا، آیا خدا بهتر است یا آنچه آنان شریک خدا می‌شمارند؟

یا آن خدایی که آسمانها و زمین را خلق کرده و از آسمان برای شما باران فرستاد تا به آن درختان و باغ و بوستانها را در کمال سبزی و خرمی رویانیدیم که هرگز شما (از پیش خود) قادر بر رویانیدن آن درختان نبودید؟ آیا با وجود خدای یکتا خدایی هست؟ (هرگز خدایی نیست) بلکه این مشرکان (از نادانی) روی (از خدا) می‌گردانند.

یا آن کس که زمین را آرامگاه (شما) قرار داد و در آن نهرهای آب جاری کرد و در آن کوهها بر افراشت و میان دو دریا (به قطعه‌ای از زمین) حایل گردانید (یا دو دریای شور و شیرین را بی‌فاصله، منع از اختلاط آب آنها کرد)؟ آیا با وجود خدای یکتا خدایی هست؟ (هرگز نیست) بلکه اکثر مردم (بر این حقیقت) آگاه نیستند.

یا آن کس که دعای بیچاره مضطر را به اجابت می‌رساند و رنج و غم آنان را بر طرف می‌سازد و شما (مسلمین) را جانشینان اهل زمین قرار می‌دهد؟ آیا با وجود خدای یکتا خدایی هست؟ (هرگز نیست لیکن) اندکی متذکر (این حقیقت) هستند.

یا آن کس که در تاریکیهای برّ و بحر عالم شما را هدایت می‌کند و آن کس که بادها را به مژده باران رحمت خود می‌فرستد؟ آیا با وجود خدای یکتا خدایی هست؟ (هرگز نیست)، خداوند بسی برتر و بالاتر است از آنچه (مشرکان جاهل) شریک وی می‌شمرند.

أَمَّنْ يَبْدُوْا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيْدُهُرْ وَمَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَآءِ  
وَالْأَرْضِ ۗ أَعِلَّهُ مَعَ اللَّهِ قُلْ هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ إِن كُنْتُمْ  
صَادِقِينَ

قُلْ لَا يَعْلَمُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ الْغَيْبَ إِلَّا اللَّهُ وَمَا  
يَشْعُرُونَ أَيَّانَ يُبْعَثُونَ

بَلِ أَدْرَاكَ عِلْمُهُمْ فِي الْآخِرَةِ ۗ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّنْهَا ۗ بَلْ هُمْ  
مِنْهَا عَمُونَ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَعِذَا كُنَّا تُرَابًا وَعَابَاؤُنَا أَنِنَا لَمُخْرَجُونَ

لَقَدْ وَعِدْنَا هَذَا نَحْنُ وَعَابَاؤُنَا مِنْ قَبْلُ ۗ إِن هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ  
الْأَوَّلِينَ

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُجْرِمِينَ

وَلَا تَحْزَنْ عَلَيْهِمْ وَلَا تَكُنْ فِي ضَيْقٍ مِّمَّا يَمْكُرُونَ

وَيَقُولُونَ مَتَى هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

قُلْ عَسَىٰ أَنْ يَكُونَ رَدْفٌ لَّكُمْ بَعْضُ الَّذِي  
تَسْتَعْجِلُونَ

وَإِنَّ رَبَّكَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا  
يَشْكُرُونَ

وَإِنَّ رَبَّكَ لَيَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ

وَمَا مِنْ غَائِبَةٍ فِي السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

إِنَّ هَذَا الْقُرْآنَ يَفُصُّ عَلَىٰ بَنِي إِسْرَائِيلَ أَكْثَرَ الَّذِي هُمْ  
فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

یا آن کس که نخست آفرینش را آغاز می‌کند آن‌گاه همه را  
(به سوی خود) باز می‌گرداند، و آن کس که از آسمان و  
زمین به شما روزی می‌دهد؟ آیا با وجود خدای یکتا خدایی  
هست؟ بگو: اگر راست می‌گویید (که غیر خدا هم کسی در  
آفرینش مؤثر است) بر دعوی خود برهانی بیاورید.

بگو که در همه آسمانها و زمین جز خدا کسی از علم غیب  
آگاه نیست و اینان هیچ نمی‌دانند که چه هنگام زنده و  
برانگیخته خواهند شد.

بلکه به روز قیامت دانا شوند و تدارک کار کنند (هیئات)  
بلکه اینان از قیامت هم در شک و ربیند بلکه به کلی از  
عالم آخرت (بی‌خبر و از مشاهده آن جهان) کورند.

و کافران گفتند: آیا ما و پدرانمان چون (مردیم و یکسر)  
خاک شدیم باز از خاک بیرون آورده شویم؟

این خبر به ما و پیش از ما به پدران ما وعده داده شد،  
لیکن این سخنان چیزی جز افسانه‌های پیشینیان نیست.

بگو: در زمین سیر کنید تا بنگرید عاقبت کار بدکاران به کجا  
کشید (و چگونه همه هلاک شدند).

و (ای رسول) تو بر (کفر و بدبختی) این کافران‌اند  
اندوهناک مشو و از مکر آنان نیز دلتنگ مباش.

و کافران می‌گویند: پس این وعده قیامت اگر راست  
می‌گوید کی خواهد بود؟

بگو: بعضی از آن وعده که به وقوعش تعجیل دارید بدین  
زودی شاید در پی شما آید (که به مرگ الهی یا شمشیر  
مسلمین همه هلاک شوید و به دوزخ روید).

و همانا خدای تو درباره خلق دارای فضل و رحمت بسیار  
است و لیکن اکثر مردم شکر نعمتش بجا نیاورند.

و همانا خدای تو بر آنچه (خلق) در دلها پنهان کنند یا آشکار  
سازند به همه آگاه است.

و هیچ امری در آسمان و زمین پنهان نیست جز آنکه در  
کتاب (علم الهی) آشکار است.

همانا این قرآن بر بنی اسرائیل اکثر معارف و احکامی را که  
در آن اختلاف می‌کنند کاملاً بیان می‌کند (و حکم واقعی  
تورات را آشکار می‌سازد).

وَإِنَّهُ لَهْدَىٰ وَرَحْمَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ

۷۸

إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُم بِحُكْمِهِ ۚ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْعَلِيمُ

۷۹

فَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ ۖ إِنَّكَ عَلَى الْحَقِّ الْمُبِينِ

۸۰

إِنَّكَ لَا تَسْمَعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمَعُ الصَّمَّةَ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا  
مُدْبِرِينَ

۸۱

وَمَا أَنْتَ بِهَادِي الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ ۗ إِنَّ تَسْمِعَ إِلَّا مَنْ  
يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ

۸۲  
حزب  
۱۵۴

وَإِذَا وَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ أَخْرَجْنَا لَهُمْ دَابَّةً مِّنَ الْأَرْضِ  
تُكَلِّمُهُمْ أَنَّ النَّاسَ كَانُوا بِآيَاتِنَا لَا يُوقِنُونَ

۸۳  
۳۳۳

وَيَوْمَ نَحْشُرُ مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ فَوْجًا مِّمَّنْ يُكَذِّبُ بِآيَاتِنَا فَهُمْ  
يُوزَعُونَ

۸۴

حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوكَ قَالَ أَلَمْ يَكُذِّبْتُمْ بِآيَاتِي وَلَمْ تُحِيطُوا بِهَا عِلْمًا  
أَمَاذَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۸۵

وَوَقَعَ الْقَوْلُ عَلَيْهِمْ بِمَا ظَلَمُوا فَهُمْ لَا يَنْطِقُونَ

۸۶

أَلَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا اللَّيْلَ لَيْسَكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا ۗ إِنَّ  
فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

۸۷

وَيَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَفَزِعَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي  
الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ۚ وَكُلُّ أَتَوْهُ دَاخِرِينَ

۸۸

وَتَرَى الْجِبَالَ تَحْسَبُهَا جَامِدَةً وَهِيَ تَمُرُّ مَرَّ السَّحَابِ ۗ  
صُنِعَ اللَّهُ لِذِي الْأَقْنَ كُلِّ شَيْءٍ ۗ إِنَّهُ ۖ خَبِيرٌ بِمَا تَفْعَلُونَ

و هم این کتاب خدا برای اهل ایمان هدایت و رحمت کامل است.

(ای رسول ما) خدای تو (در قیامت) میان اختلافات این مردم حکم خواهد کرد که او خدای مقتدر و داناست.

پس تو بر خدا توکل کن که تو البته بر حقّی و حقانیتت بر همه آشکار است.

همانا تو نتوانی که مردگان (و مرده دلان کفر) را سخنی بشنوانی و یا کران (باطن) را که از گفتارت روی می‌گردانند به دعوت (به حقیقت) شنوا کنی.

و تو هرگز نتوانی که (این) کوران (باطن) را از گمراهیشان هدایت کنی، تنها آنان که به آیات ما ایمان می‌آورند و تسلیم امر ما هستند تو آنها را می‌توانی سخن بشنوانی (و به راه حق هدایت کنی).

و هنگامی که وعده عذاب کافران به وقوع پیوندد (و یا زمان انتقام به ظهور قائم فرا رسد) جنبنده‌ای از زمین بیرون آریم که با آنان تکلم کند، که مردم به آیات ما (بعد از این) از روی یقین نمی‌گروند.

(ای رسول، امت را به یاد آر) روزی که (به عرصه قیامت یا رجعت به دنیا در ظهور امام عصر) از هر قومی یک دسته را که تکذیب آیات ما می‌کنند بر می‌انگیزیم و آنها (برای سؤال) باز داشته خواهند شد.

تا آن گاه که همه باز آیند خدا به آنها بفرماید که آیا آیات مرا که به آن احاطه علمی نیافتید تکذیب کردید یا آنکه در مقام عمل (با آن آیات) چه می‌کردید؟

و فرمان عذاب شدید به کیفر (کفر و) ظلم بر آنها برسد و هیچ سخن دیگر نتوانند گفت.

آیا کافران ندیدند که ما (به قدرت کامله خود) شب را (تاریک) برای سکون و آرامش خلق قرار دادیم و روز را روشن (برای کسب و کار)؟ همانا در این وضع شب و روز آیات و نشانه‌هایی (از قدرت الهی) برای اهل ایمان پدیدار است.

(باز به امت یاد آور شو) روزی که در صور (اسرافیل) دمیده شود، آن روز هر که در آسمانها و هر که در زمین است جز آن که خدا خواسته همه ترسان و هراسان باشند و همه متقاد و ذلیل (به محشر) به نزد او آیند.

و در آن هنگام کوهها را بنگری و جامد و ساکن تصور کنی در صورتی که مانند ابر (تند سیر) در حرکتند. صنع خداست که هر چیزی را در کمال اتقان و استحکام ساخته، که علم کامل او به افعال همه شما خلابق محیط است.



مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِّنْهَا وَهُمْ مِّنْ فَزَعٍ يَوْمَئِذٍ  
ءَامِنُونَ

وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَكُبَّتْ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ هَلْ تُجْزَوْنَ  
إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّمَا أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ رَبَّ هَذِهِ الْبَلَدَةِ الَّذِي حَرَّمَهَا وَلَهُ كُلُّ  
شَيْءٍ ۗ وَأُمِرْتُ أَنْ أَكُونَ مِنَ الْمُسْلِمِينَ

وَأَنْ أَتْلُوا الْقُرْآنَ ۗ فَمَنْ أَهْتَدَىٰ فَإِنَّمَا يَهْتَدِي لِنَفْسِهِ ۗ  
وَمَنْ ضَلَّ فَقُلْ إِنَّمَا أَنَا مِنَ الْمُنذِرِينَ

وَقُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ سَيُرِيكُمْ ءَايَاتِهِ ۗ فَتَعْرِفُونَهَا وَمَا رَبُّكَ  
بِغَافِلٍ عَمَّا تَعْمَلُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
طسّم

تِلْكَ ءَايَاتُ الْكِتَابِ الْمُبِينِ

نَتْلُوا عَلَيْكَ مِنْ نَّبَأِ مُوسَىٰ وَفِرْعَوْنَ بِالْحَقِّ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

إِنَّ فِرْعَوْنَ عَلَا فِي الْأَرْضِ وَجَعَلَ أَهْلَهَا شِيَعًا يَسْتَضِعُّ  
طَائِفَةً مِّنْهُمْ يُذَبِّحُ أَبْنَاءَهُمْ وَيَسْتَحْيِي نِسَاءَهُمْ إِنَّهُ كَانَ  
مِنَ الْمُفْسِدِينَ

وَنُرِيدُ أَنْ نَمُنَّ عَلَى الَّذِينَ اسْتُضِعُّوا فِي الْأَرْضِ وَنَجْعَلَهُمْ  
أَئِمَّةً وَنَجْعَلَهُمُ الْوَارِثِينَ

کسانی که (در قیامت) کار نیکو آورند پاداش بهتر از آن  
یابند و در آن روز از هول و هراس ایمن باشند.

و کسانی که بدکار و زشت کردار آیند به رو در آتش جهنم  
افتند. (و به آنها خطاب شود که) آیا (این عذاب آتش دوزخ)  
جز آن است که جزای اعمال شماست؟

(ای رسول بگو) من مأمورم که منحصرأ خدای این بلد (مکه)  
معظمه) را که بیت الحرامش قرار داده و آن خدا مالک هر  
چیز عالم است، پرستش کنم و باز مأمورم که از تسلیم  
شدگان فرمان او باشم.

و نیز مأمورم که قرآن را (به حکم وظیفه رسالت بر امت)  
تلاوت کنم، پس هر کس هدایت یافت به نفع خود هدایت  
یافته و هر کس گمراه شد بگو که من جز آنکه از پیمبرانی  
هستم که برای (ارشاد و هدایت و) ترسانیدن خلق آمده‌ام  
وظیفه دیگر ندارم.

و بگو: ستایش مخصوص خداست، به زودی آیات (قدرت)  
خود را به شما ارائه خواهد داد پس آن را بشناسید، و  
خدای تو هرگز غافل از کردار شما نیست.

طسم (شاید اشاره به اسماء الله باشد یا نام سوره است و  
قسم به آن یاد شده).

این است آیات کتاب خدا که روشن کننده (راه حق از باطل  
و هدایت از گمراهی) است.

ما از حکایت موسی و فرعون به حق بر تو بیان می‌کنیم تا  
اهل ایمان از دانستن آن متفجع شوند.

همانا فرعون در زمین (مصر) تکبر و گردنکشی آغاز کرد و  
میان اهل آن سرزمین تفرقه و اختلاف افکند، طایفه‌ای از  
آنها (بنی اسرائیل) را سخت ضعیف و ذلیل می‌کرد،  
پسرانشان را می‌کشت (که مبادا به ظهور موسی قدرت  
یابند) و زنانشان را زنده می‌گذاشت (که به خدمت  
پردازند). همانا فرعون مردی بسیار مفسد و بد اندیش  
بود.

و ما اراده داشتیم که بر آن طایفه ضعیف و ذلیل کرده شده  
در آن سرزمین متّ گذارده و آنها را پیشوایان (خلق) قرار  
دهیم و وارث (ملک و جاه فرعونیان) گردانیم.

وَنُمَكِّنَ لَهُمْ فِي الْأَرْضِ وَنُرِيَ فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا  
مِنْهُمْ مَا كَانُوا يَحْذَرُونَ

و در زمین به آنها قدرت و تمکین بخشیم و به چشم فرعون و هامان و لشکریانشان آنچه را که از آن اندیشناک و ترسان بودند از سوی آنان بنماییم.

وَأَوْحَيْنَا إِلَىٰ أُمِّ مُوسَىٰ أَنْ أَرْضِعِيهِ ۖ فَإِذَا خِفَتْ عَلَيْهِ  
فَأَلْقِيهِ فِي الْيَمِّ وَلَا تَخَافِي وَلَا تَحْزَنِي ۗ إِنَّا رَادُّوهُ إِلَيْكَ  
وَجَاعِلُوهُ مِنَ الْمُرْسَلِينَ

و به مادر موسی وحی کردیم که طفلک را شیر ده و چون (از آسیب فرعونیان) بر او ترسان شوی به دریایش افکن و دیگر هرگز مترس و محزون مباش که ما او را به تو باز آوریم و هم از پیغمبران مرسلش گردانیم.

فَأَلْتَقِطْهُ ۖ ءَأَل فِرْعَوْنَ لِيَكُونَ لَهُمْ عَدُوًّا وَحَزَنًا ۗ إِنَّ  
فِرْعَوْنَ وَهَامَانَ وَجُنُودَهُمَا كَانُوا خَاطِئِينَ

اهل بیت فرعون (آسیه) موسی را (از دریا) بر گرفت تا در نتیجه دشمن و مایه اندوه آل فرعون شود (و به مشیت خدا فرعون دشمن بزرگ خود موسی را به دامان پیرورد) که همانا فرعون و هامان و لشکریانشان بسیار نادان و خطا کار بودند.

وَقَالَتِ امْرَأَتُ فِرْعَوْنَ قُرَّتْ عَيْنِي لِي وَلَكَ ۖ لَا تَقْتُلُوهُ  
عَسَىٰ أَنْ يَنْفَعَنَا أَوْ نَتَّخِذَهُ وَلَدًا وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

و زن فرعون گفت: این کودک (مایه نشاط دل و) نور دیده من و توست، او را مکشید، باشد که در خدمت ما سودمند افتد و یا او را به فرزندی خود برگیریم، و آنها (از حقیقت حال موسی و تقدیر ازلی حق) بی‌خبر بودند.

وَأَصْبَحَ فُؤَادُ أُمِّ مُوسَىٰ فَارِغًا ۗ إِن كَادَتْ لَتُبْدِي بِهِ ۖ لَوْلَا أَن  
رَبَطْنَا عَلَىٰ قَلْبِهَا لِتَكُونَ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

و مادر موسی دلش (از هر چیز جز یاد طفلش) فارغ شد (و به حدی غم و اندوه قلبش را فرا گرفت که) اگر نه ما دلش را بر جای نگاه داشتیم تا ایمانش بر قرار ماند نزدیک بود راز درونش را آشکار سازد.

وَقَالَتِ لِأُخْتِهِ ۖ قُصِيهٖ ۖ فَبَصَّرَتْ بِهِ ۖ عَنْ جُنُبٍ وَهُمْ لَا  
يَشْعُرُونَ

و (آن گاه مادر موسی) به خواهر او گفت که از پی طفلم رو. خواهر رفت و موسی را از دور دید (و شناخت) ولی آل فرعون بی‌خبر بودند.

وَحَرَّمْنَا عَلَيْهِ الْمَرَاضِعَ مِنْ قَبْلُ فَقَالَتْ هَلْ أَدُلُّكُمْ عَلَىٰ  
أَهْلِ بَيْتٍ يَكْفُلُونَهُ ۗ لَكُمْ وَهُم لَهُ نَاصِحُونَ

و ما پیش از آن، شیر هر دایه‌ای را بر او حرام کردیم، و خواهر موسی گفت: آیا مایلید که من شما را بر خانواده‌ای که دایه و پرستار این طفل شوند و در کمال محبت و مهربانی تربیت کنند رهنمایی کنم؟

فَرَدَدْنَاهُ إِلَىٰ أُمِّهِ ۗ كَيْ تَقَرَّ عَيْنُهَا وَلَا تَحْزَنَ ۗ وَلِتَعْلَمَ أَنَّ وَعْدَ  
اللَّهِ حَقٌّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و بدین وسیله ما موسی را به مادرش برگردانیدیم تا دیده‌اش روشن شود و حزن و اندوهش به کلی برطرف گردد و نیز به طور یقین بداند که وعده خدا حق است، لیکن اکثر آنان از این حقیقت آگاه نیستند.

وَلَمَّا بَلَغَ أَشُدَّهُ وَاسْتَوَىٰ ءَاتَيْنَاهُ حُكْمًا وَعِلْمًا وَكَذَٰلِكَ  
نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

و چون موسی به سن عقل و رشد رسید و حد کمال یافت ما به او حکم نبوت و مقام علم عطا کردیم و چنین پاداش به مردم نیکوکار می‌دهیم.

وَدَخَلَ الْمَدِينَةَ عَلَىٰ حِينٍ غَفْلَةٍ مِّنْ أَهْلِهَا فَوَجَدَ فِيهَا رَجُلَيْنِ يَقْتَتِلَانِ هَٰذَا مِنْ شِيعَتِهِ ۖ وَهَٰذَا مِنْ عَدُوِّهِ ۗ فَاسْتَغَاثَهُ الَّذِي مِنَ شِيعَتِهِ ۖ عَلَى الَّذِي مِنْ عَدُوِّهِ ۖ فَوَكَّرَهُ ۗ وَمُوسَىٰ فَقَضَىٰ عَلَيْهِ ۗ قَالَ هَٰذَا مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ ۗ إِنَّهُ ۖ عَدُوٌّ مُّضِلٌّ مُّبِينٌ

و موسی (روزی) بی‌خبر اهل مصر به شهر در آمد، آنجا دید که دو مرد با هم به قتال مشغولند، این یک از شیعیان وی (یعنی از بنی اسرائیل) بود و آن یک از دشمنان (یعنی از فرعونیان) بود، در آن حال آن شخص شیعه از موسی دادخواهی و یاری بر علیه آن دشمن خواست، موسی مشتکی سخت بر آن دشمن زد، قضا را بدان ضربت او را کشت. موسی گفت: این کار از فریب و وسوسه شیطان بود (تا این کافر ظالم را با مؤمنی به قتال برانگیخت و عاقبت به هلاکت رسید) که دشمنی شدید شیطان و گمراه ساختن آدمیان به سختی آشکار است.

قَالَ رَبِّ إِنِّي ظَلَمْتُ نَفْسِي فَاغْفِرْ لِي فَغَفَرَ لَهُ ۗ إِنَّهُ ۖ هُوَ الْعَفُورُ الرَّحِيمُ

(آن‌گاه موسی) گفت: ای خدا، من بر خویش ستم کردم (که به این عمل خود را به فتنه فرعونیان انداختم) تو از من در گذر، خدا هم از او در گذشت که اوست بسیار آمرزنده و مهربان.

قَالَ رَبِّ بِمَا أَنْعَمْتَ عَلَيَّ فَلَنْ أَكُونَ ظَهِيرًا لِلْمُجْرِمِينَ

موسی باز گفت: ای خدا، به شکرانه این نعمت (نیرو) که مرا عطا کردی من هم بدکاران را هرگز یاری نخواهم کرد.

فَأَصْبَحَ فِي الْمَدِينَةِ خَائِفًا يَتَرَقَّبُ فَإِذَا الَّذِي اُسْتَنْصَرُهُ وَ بِالْأَمْسِ يَسْتَصْرِحُهُ ۗ قَالَ لَهُ ۖ مُوسَىٰ إِنَّكَ لَعَوِيُّ مُّبِينٌ

موسی (پس از کشته شدن قبطی و نجات سبطی) از توقف به شهر مصر بیمناک شد و مراقب دشمن بود، ناگاه همان کس که روز گذشته از او یاری جسته بود باز او را به دادخواهی خواند. موسی به او گفت: پیداست تو سخت گمراهی!

فَلَمَّا أَنْ أَرَادَ أَنْ يَبْطِشَ بِالَّذِي هُوَ عَدُوٌّ لَهُمَا قَالَ يَمُوسَىٰ أَرِيدُ أَنْ تَقْتُلَنِي كَمَا قَتَلْتَ نَفْسًا بِالْأَمْسِ ۗ إِنْ تُرِيدُ إِلَّا أَنْ تَكُونَ جَبَّارًا فِي الْأَرْضِ وَمَا تُرِيدُ أَنْ تَكُونَ مِنَ الْمُصْلِحِينَ

و چون خواست دست به قبطی دشمن دراز کند (قبطی) فریاد کرد: ای موسی مرا هم می‌خواهی مانند شخص دیروز به قتل رسانی؟ معلوم است که تو در این سرزمین قصدی جز گردنکشی و جباری نداری و هیچ نخواهی مشفق و مصلح باشی.

وَجَاءَ رَجُلٌ مِّنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ يَسْعَىٰ قَالَ يَمُوسَىٰ إِنَّ الْمَلَآئِئِمَّةَ يَأْتَمِرُونَ بِكَ لِيَقْتُلُوكَ فَاخْرُجْ إِنِّي لَكَ مِنَ النَّاصِحِينَ

و در این حال مردی (مؤمن) از دورترین نقاط شهر مصر شتابان آمد و گفت: ای موسی رجال دربار فرعون در کار تو شورا می‌کنند که تو را به قتل رسانند، به زودی از شهر بیرون گریز، که من درباره تو بسیار مشفق و مهربانم.

فَخَرَجَ مِنْهَا خَائِفًا يَتَرَقَّبُ ۗ قَالَ رَبِّ نَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

موسی از شهر مصر با حال ترس و نگرانی و مراقبت از دشمن بیرون رفت، گفت: بار اله، مرا از شر (این) قوم ستمکار نجات ده.

وَلَمَّا تَوَجَّهَ تِلْقَاءَ مَدْيَنَ قَالَ عَسَىٰ رَبِّي أَن يَهْدِيَنِي سَوَاءَ  
السَّبِيلِ

۲۳

وَلَمَّا وَرَدَ مَاءَ مَدْيَنَ وَجَدَ عَلَيْهِ أُمَّةً مِّنَ النَّاسِ يَسْقُونَ  
وَوَجَدَ مِنْ دُونِهِمُ امْرَأَتَيْنِ تَذُودَانِ ۗ قَالَ مَا خَطْبُكُمَا قَالَتَا  
لَا نَسْقِي حَتَّىٰ يُصَدِرَ الرِّعَاءُ ۗ وَأَبُونَا شَيْخٌ كَبِيرٌ

۲۴

فَسَقَىٰ لَهُمَا ثُمَّ تَوَلَّىٰ إِلَى الظِّلِّ فَقَالَ رَبِّ إِنِّي لِمَا أَنْزَلْتَ إِلَيَّ  
مِن خَيْرٍ فَقِيرٌ

۲۵

فَجَاءَتْهُ إِحْدَاهُمَا تَمْشِي عَلَى اسْتِحْيَاءٍ قَالَتْ إِنَّ أَبِي  
يَدْعُوكَ لِيَجْزِيَكَ أَجْرَ مَا سَقَيْتَ لَنَا فَلَمَّا جَاءَهُ وَقَصَّ  
عَلَيْهِ الْقِصَصَ قَالَ لَا تَخَفْ نَجَوْتَ مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

۲۶

قَالَتْ إِحْدَاهُمَا يَا أَبَتِ اسْتَجِرْهُ ۗ إِنَّ خَيْرَ مَنِ اسْتَجَرْتَ  
الْقَوِيُّ الْأَمِينُ

۲۷

قَالَ إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أُنكِحَكَ إِحْدَى ابْنَتَيَّ هَاتَيْنِ عَلَىٰ أَنْ  
تَأْجُرَنِي ثَمَنِي حِجَابٍ ۗ فَإِنْ أَتَمَمْتَ عَشْرًا فَمِنْ عِنْدِكَ وَمَا  
أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَكَ عَلَيْكَ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ  
الصَّالِحِينَ

۲۸

قَالَ ذَلِكَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ ۗ أَيَّمَا الْأَجَلَيْنِ قَضَيْتُ فَلَا عُدْوَانَ  
عَلَيَّْ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ مَا نَقُولُ وَكِيلٌ

و چون رو به جانب شهر مدین آورد، با خود گفت: امید است  
که خدا مرا به راه مستقیم هدایت فرماید.

و چون بر سر چاه آبی حوالی شهر مدین رسید آنجا جماعتی  
را دید که (حشم و گوسفندانشان را) سیراب می‌کردند و  
دو زن را یافت که دور از مردان در کناری به جمع آوری و  
منع اختلاط گوسفندانشان مشغول بودند. موسی گفت: شما  
اینجا چه می‌کنید و کار مهمتان چیست؟ آن دو زن پاسخ  
دادند که ما گوسفندان خود را سیراب نمی‌کنیم تا مردان  
گوسفندانشان را سیراب کرده باز گردند و پدر ما شیخی  
سالخورده و فرتوت است (و مرد دیگری نداریم، ناچار ما را  
به شبانی گوسفندان فرستاده است).

موسی گوسفندانشان را سیراب کرد و (با حالی خسته) رو به  
سایه درختی آورد و گفت: بار الها، من به خیری (یعنی  
زندگانی و قوت و غذایی) که تو (از خوان کرمت) نازل  
فرمایی محتاجم.

(موسی هنوز لب از دعا نبسته بود که دید) یکی از آن دو  
دختر که با کمال (و قار و) حیا راه می‌رفت باز آمد و گفت:  
پدرم از تو دعوت می‌کند تا در عوض سقایت و سیراب  
کردن گوسفندان ما به تو پاداشی دهد. چون موسی نزد او  
(یعنی شعیب پدر آن دختر) رسید و سرگذشت خود را بر او  
حکایت کرد (شعیب) گفت: اینک هیچ مترس که از شر قوم  
ستمکار نجات یافتی.

یکی از آن دو دختر (صغورا) گفت: ای پدر این مرد را (که)  
به شجاعت و امانت آراسته است) به خدمت خود اجیر کن  
که بهتر کسی که باید به خدمت برگزینی کسی است که توانا  
و امین باشد.

شعیب (به موسی) گفت: من اراده آن دارم که یکی از این  
دو دخترم را به نکاح تو در آورم بر این مهر که هشت سال  
خدمت من کنی و اگر ده سال تمام کنی (آن دو سال) به میل  
و اختیار تو، و من (در این نکاح) رنج بر تو نمی‌خواهم نهاد،  
ان شاء الله مرا شخص شایسته (این خدمت) خواهی یافت.

موسی گفت: این عهد میان من و توست هر کدام از دو  
مدت را (در خدمت) به انجام رسانم بر من ستمی نباشد (و  
نباید باز خواست شوم) و خدا بر این قول (و عهد) ما وکیل  
است.

فَلَمَّا قَضَىٰ مُوسَى الْأَجَلَ وَسَارَ بِأَهْلِهِ عَانَسٌ مِّن جَانِبِ  
الطُّورِ نَارًا قَالَ لِأَهْلِهِ امْكُثُوا إِنِّي آنَسْتُ نَارًا لَّعَلِّي  
عَاتِيكُمْ مِّنْهَا بِخَبَرٍ أَوْ جَذْوَةٍ مِّنَ النَّارِ لَعَلَّكُمْ تَصْطَلُونَ

فَلَمَّا أَتَتْهَا نُودِيَ مِنَ شَطِئِ الْوَادِ الْأَيْمَنِ فِي الْبُقْعَةِ  
الْمُبْرَكَةِ مِنَ الشَّجَرَةِ أَن يَمُوسَىٰ إِنِّي أَنَا اللَّهُ رَبُّ  
الْعَالَمِينَ

وَأَن أَلْقِ عَصَاكَ فَلَمَّا رَءَاهَا تَهْتَزُّ كَأَنَّهَا جَانٌّ وَلَّى مُدْبِرًا  
وَلَمْ يُعَقِّبْ يَمُوسَىٰ أَقْبِلْ وَلَا تَخَفْ إِنَّكَ مِنَ الْأَمِينِينَ

أَسْأَلُكَ يَدَكَ فِي جَيْبِكَ تَخْرُجُ بَيْضَاءَ مِّنْ غَيْرِ سُوءٍ  
وَأَضْمَمَ إِلَيْكَ جَنَاحَكَ مِنَ الرَّهْبِ فَذَانِكَ بُرْهَنَانِ مِّن  
رَّبِّكَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

قَالَ رَبِّ إِنِّي قَتَلْتُ مِنْهُمْ نَفْسًا فَأَخَافُ أَن يَقْتُلُونِ

وَأَخِي هَارُونُ هُوَ أَفْصَحُ مِنِّي لِسَانًا فَأَرْسَلْهُ مَعِيَ رِدْءًا  
يُصَدِّقُنِي إِنِّي أَخَافُ أَن يُكَذِّبُونِ

قَالَ سَنَشُدُّ عَضُدَكَ بِأَخِيكَ وَنَجْعَلُ لَكُمَا سُلْطٰنًا فَلَا  
يَصِلُونَ إِلَيْكُمَا بِآيَاتِنَا أَنْتُمْ وَمَنِ اتَّبَعَكُمْ الْغٰلِبُونَ

۳۰

۳۱

۳۲

۳۳

۳۴

۳۵

آن‌گاه که موسی عهد خدمت به پایان رسانیده و با اهل بیت خود (از حضور شعیب) رو به دیار خویش کرد (در راه) آتشی از جانب طور دید، به اهل بیت خود گفت: شما در اینجا مکث کنید که از دور آتشی به نظر من رسید (می‌روم تا) شاید از آن خبری بیاورم یا برای گرم شدن شما شعله‌ای بگیرم.

چون موسی به آن آتش نزدیک شد به او از جانب راست آن وادی در آن بارگاه مبارک از آن درخت (مقدس) ندایی رسید که ای موسی منم خدای یکتا پروردگار جهانیان.

و تو (در این مقام) عصای خود بیفکن. چون (عصا افکند و) بر آن نگرست و دید که گویی ازدهایی مهیب و سبک خیز است رو به فرار نهاد و واپس نگریدی. (در آن حال بدو خطاب شد) ای موسی پیش آی و مترس که تو از ایمان هستی.

دست خود را در گریبان بر تا بی هیچ نقص (برص و) مرضی، سفید و روشن (چون ماه تابان) بیرون آید، و تا (به ظهور این معجزه) از وحشت و اضطراب بیاسایی باز دست به گریبان بر (تا به حال اول برگردد). این دو (عصا و ید بیضا) از جانب خدایت دو برهان (کامل و دو معجز بزرگ الهی بر رسالت تو) است (اینک برو به رسالت) به سوی فرعون و فرعونیان که قومی فاسق و نابکارند.

موسی گفت: پروردگارا، من از فرعونیان یک نفر را کشته‌ام و می‌ترسم که مرا به قتل رسانند.

و (با این حال اگر از رسالت ناگزیرم) برادرم هارون را نیز که ناطقه‌اش فصیح‌تر از من است با من یار و شریک درکار رسالت فرما تا مرا تصدیق و ترویج کند که می‌ترسم این فرعونیان سخت تکذیب رسالتم کنند.

خدا به او فرمود که ما به همدستی برادرت (هارون) بسیار بازویت را قوی می‌گردانیم و به شما در عالم، قدرت و حکومتی می‌دهیم که هرگز دشمنان به شما دست نیابند، با این آیات و معجزات (که شما را عطا کردیم) شما و پیروانتان غالب خواهید بود.

فَلَمَّا جَاءَهُمْ مُوسَى بِآيَاتِنَا بَيَّنَّتِ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّفْتَرَى وَمَا سَمِعْنَا بِهَذَا فِي آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ

چون موسی با معجزات و آیات ما که (حقانیتش) بر همه روشن بود به سوی فرعونیان آمد باز (آن قوم خود سر و لجوج نادان) گفتند: این معجزات تو جز سحری که ساختگی توست چیز دیگری نیست و ما این گفتار و دعوی که تو داری هیچ از پدران پیشینمان (امم سابقه) نشنیده‌ایم.

وَقَالَ مُوسَى رَبِّي أَعْلَمُ بِمَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ مِنْ عِنْدِهِ وَمَنْ تَكُونُ لَهُ عَاقِبَةُ الدَّارِ إِنَّهُ لَا يُفْلِحُ الظَّالِمُونَ

و موسی گفت: خدای من به احوال رسولی که از جانب او به هدایت خلق آمده داناتر است و بهتر می‌داند که (از ما مؤمنان و شما کافران) کدام یک عاقبت خوش در دار عقبی خواهیم داشت، محققا ستمکاران عالم هرگز فلاح و رستگاری نخواهند یافت.

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَا أَيُّهَا الْمَلَأُ مَا عَلِمْتُ لَكُمْ مِنْ إِلَهِ غَيْرِي فَأَوْقِدْ لِي يَهْمَنُ عَلَى الطَّيْنِ فَأَجْعَلْ لِي صَرْحًا لَعَلِّي أَطَّلِعُ إِلَى إِلَهِ مُوسَى وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ مِنَ الْكَاذِبِينَ

و فرعون (با بزرگان قوم خود چنین) گفت: ای مهتران، من هیچ کس را غیر خودم خدای شما نمی‌دانم، (و با وزیرش گفت:) ای هامان خشتی در آتش پخته و از آن برای من قصری بلند پایه بنا کن تا من بر خدای موسی مطلع شوم هر چند او را (در دعوی رسالت) از دروغگویان می‌پندارم.

وَأَسْتَكْبِرُ هُوَ وَجُنُودُهُ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَظَنُّوا أَنَّهُمْ إِلَيْنَا لَا يُرْجَعُونَ

و خلاصه فرعون و سپاهیانش به ناحق در زمین سرکشی و تکبر کردند و چنین پنداشتند که به سوی ما بازگردانده نخواهند شد.

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ فَاَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الظَّالِمِينَ

ما هم از آن ظالم و لشکر و اتباعش سخت مؤاخذه کردیم و همه را به دریا افکندیم، پس بنگر تا عاقبت کار ستمکاران به کجا کشید؟!

وَجَعَلْنَاهُمْ أُمَّةً يَدْعُونَ إِلَى التَّارِ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ لَا يُنصَرُونَ

و ما آن قوم (ظالم) را پیشوایان (ضلالت و) دعوت به دوزخ قرار دادیم و روز قیامت یاری نخواهند شد.

وَأَتَّبَعْنَاهُمْ فِي هَذِهِ الدُّنْيَا لَعْنَةً وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ هُمْ مِنَ الْمَقْبُوحِينَ

و آنها را در این دنیا در پی کردارشان لعن ابد فرستادیم و در آخرت هم از زشت‌رویان (و مردودان درگاه ما) خواهند بود.

وَلَقَدْ آتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِ مَا أَهْلَكْنَا الْقُرُونَ الْأُولَىٰ بَصَائِرَ لِلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةً لَّعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

و همانا ما پس از آنکه (طوایفی از) امم گذشته را (به کیفر کفر) هلاک کردیم به موسی برای بصیرت و هدایت و رحمت خلق کتاب (تورات) را عطا کردیم، باشد که مردم متذکر شوند (و راه خدا پرستی پیش گیرند).

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الْغَرْبِيِّ إِذْ قَضَيْنَا إِلَىٰ مُوسَىٰ الْأَمْرَ وَمَا  
كُنْتَ مِنَ الشَّاهِدِينَ

و تو آن هنگام که ما به موسی مقام نبوت و فرمان الهی عطا کردیم در جانب غربی کوه طور اصلاً نبودى و حضور نداشتى (و حکایت او به وحی بر تو روشن گردید).

و لیکن ما امم و قبایلی را بیافریدیم که عمر دراز یافتند (و همه را به غفلت و جهالت به سر بردند و این خبرها کهنه شد و ما مجدداً به تو وحی کردیم) و نیز تو میان اهل مدین نبودى که اینک آیات ما را (درباره آنان) بر اینان (اهل مکه) تلاوت می‌کنی و لیکن ماییم که (تو را لایق پیمبری دانسته) به رسالت فرستادیم (و به وحی خود از هر چیزت آگاه کردیم).

وَلَكِنَّا أَنْشَأْنَا قُرُونًا فَتَطَاوَلَ عَلَيْهِمُ الْعُمُرُ وَمَا كُنْتَ  
ثَاوِيًا فِي أَهْلِ مَدْيَنَ تَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِنَا وَلَكِنَّا كُنَّا  
مُرْسِلِينَ

و تو وقتی که ما (به موسی) ندا کردیم در جانب کوه طور نبودى و لیکن (وحی قصص موسی و سایر رسل به مقتضیات) لطف پروردگار توست (به تو) تا قومى را که بر آنان پیمبر منذرى پیش از تو نیامده (و کتاب آسمانى به دست ندارند از خدا) بترسانى، باشد که متذکر شوند (و راه هدایت پیش گیرند).

وَمَا كُنْتَ بِجَانِبِ الطُّورِ إِذْ نَادَيْنَا وَلَكِنْ رَحْمَةً مِّن رَّبِّكَ  
لِئَنذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِّن نَّذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ  
يَتَذَكَّرُونَ

و تا اگر بلا و عذابى به موجب کردار زشت خودشان به آنها رسید نگویند: پروردگارا، چرا برای ما رسولی نفرستادى تا آیات تو را پیروى کنیم و از اهل ایمان شویم؟

وَلَوْلَا أَن تُصِيبَهُم مُّصِيبَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَيَقُولُوا رَبَّنَا  
لَوْلَا أَرْسَلْتَ إِلَيْنَا رَسُولًا فَنَتَّبِعَ ءَايَاتِكَ وَنَكُونَ مِّنَ  
الْمُؤْمِنِينَ

پس هنگامی که (رسول) حق از جانب ما به آنها آمد گفتند: چرا به این رسول مانند موسی معجزاتی (نظیر عصا و ید بیضا و الواح تورات) داده نشد؟ آیا این مردم از این پیش به موسی هم (با همه این معجزات) کافر نشدند که گفتند: این دو (قرآن و تورات) سحر و جادوگری است که پشتیبان یکدیگرند و گفتند: ما به همه اینها سخت بی‌ایمان و بی‌عقیده‌ایم؟

فَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا لَوْلَا أُوتِيَ مِثْلَ مَا أُوتِيَ  
مُوسَىٰ أَوْ لَمْ يَكْفُرُوا بِمَا أُوتِيَ مُوسَىٰ مِنْ قَبْلُ قَالُوا  
سِحْرَانِ تَظَاهَرَا وَقَالُوا إِنَّا بِكُلِّ كَافِرُونَ

بگو: پس شما اگر راست می‌گویید کتابی که از این دو کتاب آسمانی (تورات و قرآن) خلق را بهتر هدایت کند از جانب خدا بیاورید تا من از آن پیروی کنم.

قُلْ فَأْتُوا بِكِتَابٍ مِّنْ عِنْدِ اللَّهِ هُوَ أَهْدَىٰ مِنْهُمَا أَتَّبِعُهُ  
إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

پس اگر به تقاضای تو جواب نتوانند داد در این صورت بدان که این مردم تنها پیرو هوای نفسند و کیست (ستمگر) و گمراه‌تر از آن کسی که راه هدایت خدا را رها کرده و از هوای نفس خود پیروی کند؟ البته خدا قوم ستمکار را (پس از اتمام حجت) هرگز هدایت نخواهد کرد.

فَإِن لَّمْ يَسْتَجِيبُوا لَكَ فَاعْلَمْ أَنَّمَا يَتَّبِعُونَ أَهْوَاءَهُمْ وَمَنْ  
أَضَلُّ مِمَّنِ اتَّبَعَ هَوَاهُ بغيرِ هُدًى مِّنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا  
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

وَلَقَدْ وَصَّلْنَا لَهُمُ الْقَوْلَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

و همانا ما برای (هدایت) این مردم (آیات قرآن را) سخن پیوسته (یعنی مرتب و مربوط به سعادت دنیا و آخرت خلق) آوردیم تا مگر متذکر (حقایق آن) شوند.

آنان که ما به آنها پیش از این، کتاب (آسمانی تورات و انجیل را) فرستادیم (یعنی موسی و عیسی و پیروان حقیقی آنها) به این (کتاب آسمانی قرآن) البته آنان ایمان می‌آورند.

و چون آیات ما بر آنها تلاوت شود گویند: به آن ایمان آوردیم که این قرآن به حق از جانب پروردگار ما نازل شده، ما پیش از این نیز تسلیم فرمان خدا بودیم.

اینان را دو بار پاداش نیکو دهند، زیرا صبر و ثبات (در دین خود و اسلام هر دو) ورزیدند و بدی را به نیکی دفع می‌کنند و از آنچه روزی آنها کردیم انفاق می‌کنند.

و چون سخن لغوی (از دشمنان دین) بشنوند از آن اعراض کنند و گویند: اعمال ما از ما و اعمال شما از شما، بروید سلامت باشید، که ما هرگز مردم (هرزه گوی) نادان را نمی‌طلبیم.

(ای رسول ما، با آنکه تو هادی خلقی) چنین نیست که هر کس را تو دوست بداری هدایت توانی کرد لیکن خدا هر که را خواهد هدایت می‌کند و او به حال آنان که قابل هدایتند آگاه‌تر است.

و (برخی از اهل مکه) گفتند: اگر ما با تو طریق هدایت را (که اسلام است) پیروی کنیم ما را از سرزمین خود به زودی برابند (و به دست ملت عرب که متفق بر علیه اسلامند از وطن آواره شویم). آیا ما (مکه را) بر ایشان حرمی امن قرار ندادیم که به این مکان (بی‌آب و گیاه) انواع نعمتها و ثمرات که ما روزیشان کردیم از هر طرف بیاورند؟ لیکن حقیقت این است که اکثر آنها نادانند.

و چه بسیار شده که ما اهل دیاری را که به هوسرانی و خوش گذرانی پرداختند هلاک کردیم، و این خانه‌های (ویران) آنهاست که بعد از آنها جز عده قلیلی در آن دیار سکونت نیافت و تنها ما وارث (دیاری آنها) بودیم.

و پروردگار تو بر آن نیست که اهل هیچ شهر و دیاری را تا در مرکز آن رسولی نفرستد که آیات ما را بر آنها تلاوت کند هلاک کند، و ما هیچ دیاری را هلاک نکنیم مگر آنکه اهلش ظالم و بیدادگر باشند.

الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ مِنْ قَبْلِهِ هُمْ بِهِ يُؤْمِنُونَ

۵۲

وَإِذَا يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ قَالُوا ءَامَنَّا بِهِ ءَ إِنَّهُ الْحَقُّ مِنْ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلِهِ مُسْلِمِينَ

۵۳

أُولَٰئِكَ يُؤْتَوْنَ أَجْرَهُمْ مَرَّتَيْنِ بِمَا صَبَرُوا وَيَدْرَءُونَ بِالْحَسَنَةِ السَّيِّئَةَ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

۵۴

وَإِذَا سَمِعُوا اللَّغْوَ أَعْرَضُوا عَنْهُ وَقَالُوا لَنَا أَعْمَلُنَا وَلَكُمْ أَعْمَلُكُمْ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ لَا نَبْتَغِي الْجَاهِلِينَ

۵۵

إِنَّكَ لَا تَهْدِي مَنْ أَحْبَبْتَ وَلَٰكِنَّ اللَّهَ يَهْدِي مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

۵۶

وَقَالُوا إِن تَتَّبِعِ الْهُدَىٰ مَعَكَ نُتَخَطَّفُ مِنْ أَرْضِنَا أَوْ لَمْ نُمَكِّنْ لَهُمْ حَرَمًا ءَامِنًا يُحِبُّ إِلَيْهِ ثَمَرَاتُ كُلِّ شَيْءٍ رِّزْقًا مِّن لَّدُنَّا وَلَٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

۵۷

وَكَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَرْيَةٍ بَطَرَتْ مَعِشَتَهَا فِتْلِكَ مَسَكْنُهُمْ لَمْ تُسْكَنْ مِّن بَعْدِهِمْ إِلَّا قَلِيلًا وَكُنَّا نَحْنُ الْوَارِثِينَ

۵۸

وَمَا كَانَ رَبُّكَ مُهْلِكَ الْقُرَىٰ حَتَّىٰ يَبْعَثَ فِي أُمِّهَا رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْهِمْ ءَايَاتِنَا وَمَا كُنَّا مُهْلِكِي الْقُرَىٰ إِلَّا وَأَهْلُهَا ظَالِمُونَ

۵۹



وَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَزَيَّنَّا لَهَا وَمَا  
عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

أَفَمَن وَعَدْنَاهُ وَعَدَّا حَسَنًا فَهُوَ لَاقِيهِ كَمَن مَّتَّعْنَاهُ مَتَّعَ  
الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ثُمَّ هُوَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

قَالَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ رَبَّنَا هَؤُلَاءِ الَّذِينَ أَغْوَيْنَا  
أَغْوَيْنَاهُمْ كَمَا غَوَيْنَا تَبَرَّأْنَا إِلَيْكَ مَا كَانُوا إِيَّانَا يَعْبُدُونَ

وَقِيلَ ادْعُوا شُرَكَاءَكُمْ فَدَعَوْهُمُ فَلَمْ يَسْتَجِيبُوا لَهُمْ وَرَأَوُا  
الْعَذَابَ لَوْ أَنَّهُمْ كَانُوا يَهْتَدُونَ

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ مَاذَا أَجَبْتُمُ الْمُرْسَلِينَ

فَعَمِيَتْ عَلَيْهِمُ الْأَنْبَاءُ يَوْمَئِذٍ فَهُمْ لَا يَتَسَاءَلُونَ

فَأَمَّا مَنْ تَابَ وَءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَعَسَىٰ أَن يَكُونَ مِنَ  
الْمُفْلِحِينَ

وَرَبُّكَ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ وَيَخْتَارُ مَا كَانَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ سُبْحَانَ  
اللَّهِ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

وَرَبُّكَ يَعْلَمُ مَا تُكِنُّ صُدُورُهُمْ وَمَا يُعْلِنُونَ

وَهُوَ اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَهُ الْحَمْدُ فِي الْأُولَىٰ وَالْآخِرَةِ ۗ وَلَهُ  
الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

و آنچه از نعمتها (ی این عالم) به شما داده شده متاع و زیور  
(بی‌قدر) زندگانی دنیاست و آنچه نزد خداست بسیار بهتر و  
باقی‌تر است، آیا فهم و عقل کار نمی‌بندید؟

آیا آن کس که ما به او وعده نیکو (ی بهشت ابدی) داده‌ایم  
مانند کسی است که او را از متاع دنیا (ی فانی) بهره‌مند  
ساختیم سپس در قیامت او را (برای حساب و مجازات)  
حاضر آرند.

و (یاد آور) روزی که خدا آن مشرکان را ندا کند و گوید که  
کجا شدند آن خدایانی که شریکان من می‌پنداشتید؟

در آن حال آنان که وعده عذابشان محقق و حتمی شده  
(یعنی پیشوایان کفر) گویند: پروردگارا، ما که این مردم را  
گمراه کردیم سببش گمراهی ما بود که خلق را هم مانند  
خود گمراه می‌خواستیم، و امروز (از پیروان خود) به سوی  
تو بیزاری می‌جوئیم که آنها (از روی عقیده) ما را  
نمی‌پرستیدند (بلکه به هوای نفس خود در پی ما آمدند).

و (در آن روز به مردم بت پرست) گویند: اینک آنان را که  
شریک خدا گرفتید بخوانید (تا شما را از عذاب برهانند)،  
آنها را بخوانند ولی جواب به ایشان ندهند و چون عذاب را  
به چشم ببینند آرزو کنند که ای کاش (مانند مؤمنان)  
هدایت یافته بودند.

و روزی که خدا خلق را ندا کند که شما چگونه به رسولان  
(حق) پاسخ دادید؟

پس راه هر گونه عذر و سخن، آن روز بر آنها پوشیده و  
مسدود شده و هیچ (از هول عذاب) سؤال و جواب نکنند.

اما آن کس که توبه کرده و ایمان آورده و عمل صالح به جای  
آورده امید است که از رستگاران باشد.

و خدای تو هر چه خواهد بیافریند و (هر کس را صلاح داند)  
بر گزیند، دیگران را (در نظم عالم) هیچ اختیار و گزینشی  
نیست، ذات پاک الهی منزّه و برتر از آن است که به او  
شرک آورند.

و خدای تو به آنچه خلق در دل پنهان کنند و یا آشکار سازند  
به همه آگاه است.

و اوست خدای یکتا که جز او هیچ خدایی نیست، هم  
ستایش در اول و آخر عالم (در این جهان و آن جهان)  
مخصوص او، هم حکم و سلطنت جهان با او و هم رجوع شما  
به سوی اوست.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ اللَّيْلَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِضِيَاءٍ أَفَلَا تَسْمَعُونَ

(به این مردم مشرک) بگو: چه تصور می‌کنید اگر خدا ظلمت شب را بر شما تا قیامت پاینده و ابدی گرداند جز خدا کیست خدایی که بتواند برای شما روشنی روز پدید آرد؟ آیا سخن نمی‌شنوید؟

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ جَعَلَ اللَّهُ عَلَيْكُمُ النَّهَارَ سَرْمَدًا إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَنْ إِلَهُ غَيْرُ اللَّهِ يَأْتِيكُم بِلَيْلٍ تَسْكُنُونَ فِيهَا أَفَلَا تُبْصِرُونَ

باز بگو: چه تصور می‌کنید اگر خدا برای شما روز را تا قیامت پاینده و ابدی قرار دهد جز خدا کیست خدایی که برای آرامش و استراحت شما شب را پدید گرداند؟ آیا چشم بصیرت (به حکمت گردش روز و شب) نمی‌کشایید؟

وَمِنْ رَحْمَتِهِ جَعَلَ لَكُمُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

یکی از (هزاران لطف و) رحمت‌های خدا آن است که شب و روز را برای شما قرار داده تا در شب آرام بگیرید و در روز از فضل خدا (یعنی روزی) طلب کنید، و باشد که شکرگزار (نعمت‌های خدا) شوید.

وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ فَيَقُولُ أَيْنَ شُرَكَائِيَ الَّذِينَ كُنْتُمْ تَزْعُمُونَ

(یاد آر) روزی که خدا مشرکان را ندا کرده و گوید که آن بتان و معبودان (باطل) که شریک من می‌پنداشتید کجا رفتند؟

وَنَزَعْنَا مِنْ كُلِّ أُمَّةٍ شَهِيدًا فَقُلْنَا هَاتُوا بُرْهَانَكُمْ فَعَلِمُوا أَنَّ الْحَقَّ لِلَّهِ وَضَلَّ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَفْتَرُونَ

(آن روز) ما از هر امتی شاهی بر گرفته و گوییم اینک برهانی (بر آن دعوای باطل که در دنیا داشتید) اقامه کنید. آن‌گاه (آنها رسوا شده و) بدانند که حق و حقیقت با خدا (و رسولان او) است و آنچه به دروغ فرا می‌بافتند همه نابود گردد و از دستشان برود.

إِنَّ قُرُونَ كَانَتْ مِنْ قَوْمِ مُوسَىٰ فَبَعَثْنَا عَلَيْهِمْ<sup>ط</sup> وَعَاتَيْنَاهُ مِنْ آلِ كِنُوزٍ مَا إِنَّ مَفَاتِحَهُ لَتَنُوءُ بِالْعُصْبَةِ أُولِي الْقُوَّةِ إِذْ قَالَ لَهُ قَوْمُهُ لَا تَفْرَحْ<sup>ط</sup> إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْفَرِحِينَ

همانا قارون یکی از (ثروتمندان) قوم موسی بود که بر آنها طریق ظلم و طغیان پیش گرفت و ما آن قدر گنج و مال به او دادیم که بر دوش بردن کلید آن گنجها صاحبان قوت را خسته کردی، هنگامی که قومش به او گفتند: آن قدر مغرور و شادمان (به ثروت خود) مباش که خدا هرگز مردم پر غرور و نشاط را دوست نمی‌دارد.

وَأَتَّبِعْ فِيمَا آتَاكَ اللَّهُ الدَّارَ الْآخِرَةَ وَلَا تَنْسَ نَصِيبَكَ مِنَ الدُّنْيَا وَأَحْسِنْ كَمَا أَحْسَنَ اللَّهُ إِلَيْكَ<sup>ط</sup> وَلَا تَبْغِ الْفُسَادَ فِي الْأَرْضِ<sup>ط</sup> إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ الْمُفْسِدِينَ

و به هر چیزی که خدا به تو عطا کرده بکوش تا (ثواب و سعادت) دار آخرت تحصیل کنی و لیکن بهره‌ات را هم از (لذات و نعم حلال) دنیا فراموش مکن و (تا توانی به خلق) نیکی کن چنانکه خدا به تو نیکویی و احسان کرده و هرگز در روی زمین فتنه و فساد برمی‌نگیز، که خدا مفسدان را ابدًا دوست نمی‌دارد.

قَالَ إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ عَلَىٰ عِلْمٍ عِنْدِي أَوْ لَمْ يَعْلَمْ أَنَّ اللَّهَ قَدْ أَهْلَكَ مِنْ قَبْلِهِ مِنَ الْقُرُونِ مَنْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُ قُوَّةً وَأَكْثَرَ جَمْعًا وَلَا يُسْئَلُ عَنْ ذُنُوبِهِمُ الْمُجْرِمُونَ

فَخَرَجَ عَلَىٰ قَوْمِهِ فِي زِينَتِهِ ۖ قَالَ الَّذِينَ يُرِيدُونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا يَا لَيْتَ لَنَا مِثْلَ مَا أُوتِيَ قُرُونُ إِنَّهُ لَذُو حَظٍّ عَظِيمٍ

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَيَلَكُمْ ثَوَابُ اللَّهِ خَيْرٌ لِّمَنْ ءَامَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا وَلَا يُلْقَاهَا إِلَّا الصَّابِرُونَ

فَخَسَفْنَا بِهِ وَبِدَارِهِ الْأَرْضَ فَمَا كَانَ لَهُ مِنْ فِئَةٍ يَنْصُرُونَهُ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمُنْتَصِرِينَ

وَأَصْبَحَ الَّذِينَ تَمَتَّوْا مَكَانَهُ بِالْأَمْسِ يَقُولُونَ وَيَكَآئِنَ اللَّهُ يُبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَوْ لَا أَنْ مَنَّ اللَّهُ عَلَيْنَا لَخَسَفَ بِنَا وَيَكَآئِنَ لَوْ لَا أَنْ يَفْلِحَ الْكَافِرُونَ

تِلْكَ الدَّارُ الْآخِرَةُ نَجْعَلُهَا لِلَّذِينَ لَا يُرِيدُونَ عُلُوًّا فِي الْأَرْضِ وَلَا فَسَادًا وَالْعَاقِبَةُ لِلْمُتَّقِينَ

مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ خَيْرٌ مِمَّا ۖ وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ فَلَا يُجْزَى الَّذِينَ عَمِلُوا السَّيِّئَاتِ إِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

قارون گفت: این مال و ثروت فراوان به علم و تدبیر خودم به من داده شد! آیا ندانست که خدا پیش از او چه بسیار امم و طوایفی را که از او قوت و ثروت و جمعیتشان بیشتر بود هلاک کرد؟ و هیچ از گناه بدکاران سؤال نخواهد شد (بلکه یکسر به دوزخ روند).

آن‌گاه قارون (روزی) با زیور و تجمل بسیار بر قومش در آمد، مردم دنیا طلب (که او را دیدند) گفتند: ای کاش همان قدر که به قارون از مال دنیا دادند به ما هم عطا می‌شد که او بهره بزرگ و حظّ وافری را داراست.

و اما صاحبان مقام علم و معرفت (به آن دنیا پرستان) گفتند: وای بر شما (و همت پست شما) ثواب خدا برای آن کس که به خدا ایمان آورده و نیکوکار گردیده بسی بهتر (و بالاتر از این دارایی دو روزه قارون) است، ولی هیچ کس جز آنان که صبر پیشه کنند بدان ثواب و مقام نخواهد رسید.

پس (از اندک زمانی) ما هم او را با خانه (و گنج و دارایی) اش به زمین فرو بردیم و هیچ حزب و جمعیتی نداشت که او را در برابر خدا یاری کنند و خود هم نتوانست خویش را یاری دهد.

صبحگاه هم آنان که روز گذشته (ثروت و) مقام او را آرزو می‌کردند با خود می‌گفتند: ای وای (بر ما و آرزوهای ما) گویی خداست که هر که از بندگان خود را خواهد روزی فراوان دهد و (هر که را خواهد) تنگ روزی کند، اگر نه این بود که خدا بر ما منت گذاشت (و غرور و ثروت قارون نداد) ما را هم (مثل او) در زمین فرو بردی! ای وای که گویا کافران را هرگز فلاح و رستگاری نیست!

ما این دار (بهشت ابدی) آخرت را برای آنان که در زمین اراده علو و فساد و سرکشی ندارند مخصوص می‌گردانیم و حسن عاقبت خاص پرهیزکاران است.

هر که عمل نیک آرد پاداش بهتر از آن یابد، و هر کس که عمل بد کند بدکاران جز به همان اعمال بد مجازات نشوند...

إِنَّ الَّذِي فَرَضَ عَلَيْكَ الْقُرْآنَ لَرَادُّكَ إِلَىٰ مَعَادٍ قُل رَّبِّي  
أَعْلَمُ مَنْ جَاءَ بِالْهُدَىٰ وَمَنْ هُوَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

وَمَا كُنْتَ تَرْجُو أَنْ يُلْقَىٰ إِلَيْكَ الْكِتَابُ إِلَّا رَحْمَةً مِّنْ  
رَّبِّكَ ۗ فَلَا تَكُونَنَّ ظَهِيرًا لِّلْكَافِرِينَ

وَلَا يَصُدُّنكَ عَنْ آيَاتِ اللَّهِ بَعْدَ إِذْ أُنزِلَتْ إِلَيْكَ وَادْعُ  
إِلَىٰ رَبِّكَ ۗ وَلَا تَكُونَنَّ مِنَ الْمُشْرِكِينَ

وَلَا تَدْعُ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ ۚ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۚ كُلُّ شَيْءٍ  
هَالِكٌ إِلَّا وَجْهَهُ ۗ لَهُ الْحُكْمُ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۲۹. عنكبوت: عنكبوت مکی ۶۹ آیه ۹ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْم

أَحْسِبَ النَّاسُ أَنْ يُتْرَكُوا أَنْ يَقُولُوا ءَامَنَّا وَهُمْ لَا يُفْتَنُونَ

وَلَقَدْ فَتَنَّا الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ فَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ صَدَقُوا  
وَلَيَعْلَمَنَّ الْكَاذِبِينَ

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ يَعْمَلُونَ السَّيِّئَاتِ أَنْ يَسْبِقُونَا ۚ سَاءَ مَا  
يَحْكُمُونَ

مَنْ كَانَ يَرْجُوا لِقَاءَ اللَّهِ فَإِنَّ أَجَلَ اللَّهِ لَآتٍ وَهُوَ السَّمِيعُ  
الْعَلِيمُ

وَمَنْ جَاهَدَ فَإِنَّمَا يُجَاهِدُ لِنَفْسِهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَغَنِيٌّ عَنِ  
الْعَالَمِينَ

(ای رسول ما، یقین دان که) آن خدایی که (احکام) قرآن را بر تو فرض گردانید (و ابلاغ آن را وظیفه تو قرار داد) البته تو را به جایگاه خود (مکه یا بهشت ابد) باز خواهد گرداند. (تو با مردم) بگو که خدای من به حال آن که محقق در هدایت و آن که در ضلالت آشکار است (از هر کس) داناتر است.

و تو خود امید آنکه این کتاب بزرگ (قرآن) بر تو نازل شود نداشتی جز آنکه لطف و رحمت خدا تو را به رسالت برگزید، پس (به شکرانه این رحمت) هیچ گاه به کافران نصرت و یاری مکن.

و زنها! کافران تو را از (تبلیغ) آیات خدا پس از آنکه بر تو نازل شد منع نکنند، و (همیشه خلق را) به سوی پروردگارت دعوت کن و از مشرکان (و هم عقیدت و خوی آنان) مباش.

و هرگز با خدای یکتا دیگری را به خدایی مخوان، که جز او هیچ خدایی نیست، هر چیزی جز ذات پاک الهی هالک الذات و نابود است، فرمان با او و رجوع شما به سوی اوست.

الم (این حرف اشاره به اسماء الهی یا اسراری بین خدا و رسول اوست).

آیا مردم چنین پنداشتند که به صرف اینکه گفتند ما ایمان (به خدا) آورده ایم رهانشان کنند و هیچ امتحانشان نکنند؟

و محققا ما امی را که پیش از اینان بودند به امتحان و آزمایش آوردیم، و همانا خدا دروغگویان و راستگویان را کاملا می‌شناسد.

آیا آنان که کار زشت و اعمال ناشایسته مرتکب می‌شوند پنداشتند که بر ما سبقت گیرند (و از عقاب ما خلاصی یابند) ؟ بسیار بد حکم می‌کنند.

هر کس که به لقاء خدا (و مشاهده جمال و وصول به رحمت و جنت او) امیدوار و مشتاق است (بداند که) هنگام اجل و وعده معین خدا البته فرا رسد و او (به گفتار و کردار خلق) شنوا و داناست.

و هر که (در راه ایمان) جهد و کوشش کند به سود خود کند که خدا از (طاعت و عبادت) عالمیان البته بی‌نیاز است.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُكَفِّرَنَّ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَحْسَنَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

و آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند البته ما هم گناهانشان را محو و مستور کنیم و بهتر از آن اعمال نیکشان به آنها پاداش دهیم.

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حُسْنًا وَإِنْ جَاهَدَاكَ لِتُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و ما به آدمی سفارش کردیم که در حق پدر و مادر خود نیکی کند، و اگر آنها (خود مشرک باشند و) کوشند تا تو به من (که خدای یگانه‌ام) از روی جهل و نادانی شرک آوری هرگز اطاعت امر آنها مکن، که رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش هر عمل که به جای آورده‌اید آگاه می‌گردانم.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُدْخِلَنَّهُمْ فِي الصَّالِحِينَ

و آنان که ایمان آورده و کار نیکو کردند آنان را البته (به بهشت) در صف صالحان (و رتبه نیکان) آریم.

وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَقُولُ ءَامَنَّا بِاللَّهِ فَإِذَا أُوذِيَ فِي اللَّهِ جَعَلَ فِتْنَةَ النَّاسِ كَعَذَابِ اللَّهِ وَلَئِنْ جَاءَ نَصْرٌ مِّن رَّبِّكَ لَيَقُولَنَّ إِنَّا كُنَّا مَعَكُمْ أَوْ لَيْسَ اللَّهُ بِأَعْلَمَ بِمَا فِي صُدُورِ الْعَالَمِينَ

و بعضی مردم (از راه نفاق) می‌گویند: ما به خدا ایمان آوردیم، و چون رنج و آزاری در راه خدا ببینند فتنه و عذاب خلق را با عذاب خدا برابر شمرند (یعنی همان قدر که ترس عذاب خدا آنها را از کفر به ایمان می‌خواند ترس عذاب مردم هم از ایمان به کفر می‌کشد) و هر گاه ظفر و نصرتی از جانب خدایت (به مؤمنان) رسید (آن منافقان) گویند: ما هم با شما (و هم آیین شما) بودیم. آیا خدا بر آنچه در دلهای خلائق است داناتر نیست؟

وَلَيَعْلَمَنَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيَعْلَمَنَّ الْمُنَافِقِينَ

و البته خدا هم به احوال اهل ایمان داناست و هم از درون منافقان آگاه است.

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّبِعُوا سَبِيلَنَا وَلْنَحْمِلْ خَطَايَكُمْ وَمَا هُمْ بِحَامِلِينَ مِنْ خَطَايَهُمْ مِّن شَيْءٍ إِنَّهُمْ لَكَذِبُونَ

و کافران به اهل ایمان گفتند: شما طریقه ما را پیروی کنید (اگر به خطا رفتید) بار خطاهای شما را ما به دوش می‌گیریم، در صورتی که هیچ از بار گناهشان را به دوش نگیرند، آنها دروغ می‌گویند.

وَلَيَحْمِلُنَّ أَثْقَالَهُمْ وَأَثْقَالًا مَّعَ أَثْقَالِهِمْ وَلَيَسْئَلُنَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ عَمَّا كَانُوا يَفْتَرُونَ

و آنها علاوه بر بار سنگین گناهان خود بار گناهان هر که را گمراه کرده‌اند نیز به دوش می‌گیرند و روز قیامت از آنچه دروغ می‌بستند سخت مؤاخذه می‌شوند.

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَى قَوْمِهِ فَلَبِثَ فِيهِمْ أَلْفَ سَنَةٍ إِلَّا خَمْسِينَ عَامًا فَأَخَذَهُمُ الطُّوفَانُ وَهُمْ ظَالِمُونَ

و همانا نوح را (به رسالت) به سوی قومش فرستادیم و او هزار سال پنجاه سال کم میان قوم درنگ کرد، و چون همه ستمگر و ظالم بودند همه را طوفان هلاک فرا گرفت.

فَأَنجَيْنَاهُ وَأَصْحَابَ السَّفِينَةِ وَجَعَلْنَاهَا آيَةً لِلْعَالَمِينَ

و تنها خود نوح را با اصحاب کشتی او (از غرق) نجات دادیم و آن کشتی را برای خلق عالم آیتی (از قدرت و رحمت خویش) قرار دادیم.

وَإِبْرَاهِيمَ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

و ابراهیم را (نیز فرستادیم) که به قوم خود گفت: خدا را بپرستید و از او بترسید که پرستش و ترس خدا اگر بدانید (از هر چیز) برای شما بهتر است.

إِنَّمَا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا وَتَخْلُقُونَ إِفْكًا إِنَّ الَّذِينَ تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ لَكُمْ رِزْقًا فَابْتَغُوا عِنْدَ اللَّهِ الرِّزْقَ وَاعْبُدُوهُ وَاشْكُرُوا لَهُ ۗ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

و بدانید که شما به جای خدا بتهایی (جماد و بی‌اثر) را می‌پرستید و دروغی می‌سازید (که نام خدا بر آنها می‌نهد، اینک بدانید که) آنچه را جز خدا می‌پرستید قادر بر رزق شما نیستند، پس روزی را از نزد خدا طلبید و او را پرستید و شکر (نعمت) وی به جای آرید (و بدانید که باز) رجوع شما به سوی اوست.

وَإِنْ تُكَذِّبُوا فَقَدْ كَذَّبَ أُمَمٌ مِّنْ قَبْلِكُمْ وَمَا عَلَى الرَّسُولِ إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

و اگر شما (مردم مکه، رسالت این پیامبر را) تکذیب می‌کنید (عجبی نیست زیرا) پیش از شما هم بسیاری از امم (پیامبران خود را) تکذیب کردند، و بر رسول جز آنکه به آشکار تبلیغ رسالت کند تکلیفی نیست.

أَوَلَمْ يَرَوْا كَيْفَ يُبْدِئُ اللَّهُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ۗ إِنَّ ذَلِكِ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

آیا (مردم بارها به چشم خود) ندیدند که خدا چگونه ابتدا خلق را ایجاد می‌کند و باز به اصل خود برمی‌گرداند؟ این کار بر خدا بسیار آسان است.

قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ بَدَأَ الْخَلْقَ ۗ ثُمَّ اللَّهُ يُنشِئُ النَّشْأَةَ الْآخِرَةَ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

بگو که در زمین سیر کنید و ببینید که خدا چگونه خلق را ایجاد کرده (تا از مشاهده اسرار خلقت نخست بر شما به خوبی روشن شود که) سپس خدا نشأه آخرت را ایجاد خواهد کرد، همانا خدا بر هر چیز تواناست.

يُعَذِّبُ مَنْ يَشَاءُ وَيَرْحَمُ مَنْ يَشَاءُ وَإِلَيْهِ تُقْلَبُونَ

هر که را (از اهل گناه) بخواهد (به عدل) عذاب می‌کند و هر که را بخواهد (به لطف و رحمت) می‌بخشد و شما را به سوی او باز می‌گردانند.

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي السَّمَاءِ وَمَا لَكُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

و شما (مخلوق عاجز) نه هرگز (خدای قادر مطلق را) در زمین و آسمان عاجز توانید کرد و نه جز خدا نگهبان و یاور دارید.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَلِقَائِهِ ۗ أُولَٰئِكَ يَسُوءُ مِنْ رَّحْمَتِي وَأُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

و آنان که به آیات خدا و شهود لقای او کافر شدند آنها از رحمت (و نعمت بهشت) من ناامیدند و سخت به عذاب دردناک گرفتار خواهند شد.

فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا اقْتُلُوهُ أَوْ حَرِّقُوهُ  
فَأَنْجَاهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

(بعد از این همه نصایح و اندرز ابراهیم) باز قوم جز آنکه گفتند: او را بکشید و در آتش بسوزانید پاسخ ندادند، و خدا او را از آتش (نمرودیان) نجات داد. در این حکایت برای قومی که به خدا ایمان آرند آیهایی (از قدرت الهی) پدیدار است.

باز ابراهیم گفت: (ای مردم شما خود می‌دانید که) بتهایی را که به جای خدای یکتا به خدایی بر گرفته‌اید تنها برای حفظ دوستی (و استفاده مادی دو روزه) دنیای خود اتخاذ کرده‌اید و چون روز قیامت شود در آن روز شما از یکدیگر بیزار می‌شوید و به یکدیگر لعن و نفرین کنید، و جایگاه ابدی تمام شما آتش دوزخ است و هیچ یآوری ابدی ندارید.

پس (خواهر زاده‌اش) لوط به او ایمان آورد، و (ابراهیم به او) گفت که من (از این دیار شرک) هجرت به سوی خدای خود خواهم کرد که او (بر حفظ من از دشمن) مقتدر و (به صلاح امورم) داناست.

و ما اسحاق و (فرزند زاده‌اش) یعقوب را به او عطا کردیم و در خاندانش مقام نبوت و کتاب آسمانی برقرار نمودیم و در دنیا هم (به نعمت فرزندان صالح و نام نیکو و سایر نعم الهی) اجر او را دادیم و در آخرت نیز وی در صف صالحان (و هم رتبه مقربان) خواهد بود.

و لوط (به رسالت فرستادیم) که به قوم خود گفت: شما به عمل زشتی اقدام می‌کنید که هیچ کس در عالم پیش از شما مرتکب نشده است!

آیا شما به شهوترانی با مردان خلوت کرده و راه (فطرت زناشویی) را قطع می‌کنید و در مجامع خود (بی هیچ خجالت) به کار قبیح می‌پردازید؟! قوم لوط جز آنکه (به طعنه) گفتند: اگر راست می‌گویی عذاب خدا را بر ما نازل کن به او ابدی جوابی ندادند.

لوط گفت: پروردگارا، مرا بر (محو) این قوم فاسد یاری کن.

وَقَالَ إِنَّمَا اتَّخَذْتُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَوْثَانًا مَّوَدَّةَ بَيْنِكُمْ فِي  
الْحَيَاةِ الدُّنْيَا ثُمَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُ بَعْضُكُم بِبَعْضٍ  
وَيَلْعَنُ بَعْضُكُم بَعْضًا وَمَأْوَأَتُكُمُ النَّارُ وَمَا لَكُم مِّنْ  
نَّاصِرِينَ

فَقَامَنَّ لَهُ لُوطٌ وَقَالَ إِنِّي مُهَاجِرٌ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ

وَوَهَبْنَا لَهُ إِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِ النُّبُوَّةَ  
وَالْكِتَابَ وَعَاطَيْنَاهُ أَجْرَهُ فِي الدُّنْيَا وَإِنَّهُ فِي الْآخِرَةِ لَمِنَ  
الصَّالِحِينَ

وَلُوطًا إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ إِنَّكُمْ لَتَأْتُونَ الْفَاحِشَةَ مَا  
سَبَقَكُمْ بِهَا مِنْ أَحَدٍ مِّنَ الْعَالَمِينَ

أَيُّكُمْ لَتَأْتُونَ الرِّجَالَ وَتَقَاطِعُونَ السَّبِيلَ وَتَأْتُونَ فِي  
نَادِيكُمُ الْمُنْكَرَ فَمَا كَانَ جَوَابَ قَوْمِهِ إِلَّا أَنْ قَالُوا  
أَعْتَبْنَا بِعَذَابِ اللَّهِ إِنْ كُنْتَ مِنَ الصَّادِقِينَ

قَالَ رَبِّ أَنْصُرْنِي عَلَى الْقَوْمِ الْمُفْسِدِينَ

وَلَمَّا جَاءَتْ رُسُلَنَا إِبْرَاهِيمَ بِالْبُشْرَى قَالُوا إِنَّا مُهْلِكُوا  
أَهْلَ هَذِهِ الْقَرْيَةِ ۖ إِنَّ أَهْلَهَا كَانُوا ظَالِمِينَ

و چون رسولان ما (فرشتگان عالم قدس) به ابراهیم بشارت (فرزند) آوردند گفتند: ما (به امر خدا) اهل این دیار را که قومی سخت ظالم و بدکارند هلاک می‌کنیم.

ابراهیم به فرشتگان گفت: لوط هم (که بنده صالح موحد پاکی است) در این دیار است! پاسخ دادند که ما به احوال آن که در این دیار است بهتر آگاهییم، ما او را با همه اهل بیتش غیر زن وی که در میان اهل هلاکت باقی ماند البته نجات خواهیم داد.

قَالَ إِنَّ فِيهَا لُوطًا قَالُوا نَحْنُ أَعْلَمُ بِمَنْ فِيهَا لَنَنْجِيَنَّاهُ  
وَأَهْلَهُ ۖ إِلَّا أُمَّرَاتَهُ ۚ كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

و چون رسولان ما نزد لوط آمدند، لوط از آمدن آنها (که ناشناس و با صورت زیبا بودند) اندوهگین و دلتنگ گردید، و فرشتگان گفتند: هیچ بیمناک و غمگین مباش که ما تو را با همه اهل بیبت غیر آن زن کافرت که در میان اهل هلاک واماند نجات می‌دهیم.

وَلَمَّا أَنْ جَاءَتْ رُسُلَنَا لُوطًا سِئَاءَ بِهِمْ ۖ وَضَاقَ بِهِمْ ذَرْعًا  
وَقَالُوا لَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ ۖ إِنَّا مُنْجُوكَ وَأَهْلَكَ إِلَّا أُمَّرَاتَكَ  
كَانَتْ مِنَ الْغَابِرِينَ

ما بر اهل این دیار که فاسق و بدکارند از آسمان عذابی سخت نازل کنیم.

إِنَّا مُنْزِلُونَ عَلَىٰ أَهْلِ هَذِهِ الْقَرْيَةِ رِجْزًا مِّنَ السَّمَاءِ بِمَا  
كَانُوا يَفْسُقُونَ

و همانا از آن دیار لوط آثار خرابی را وا گذاشتیم تا آیتی روشن برای (عبرت) عاقلان باشد.

وَلَقَدْ تَرَكْنَا مِنْهَا آيَةً بَيِّنَةً لِّقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و شعیب را که برادر مهربانی برای قومش بود (به رسالت) به سوی اهل مدین (فرستادیم)، او با قوم گفت که ای قوم، همیشه خدا را پرستید و به روز قیامت (و سعادت آخرت) امیدوار باشید و هرگز در روی زمین فساد و تبهکاری نکنید (که آسایش دو گیتی در این نصایح است).

وَإِلَىٰ مَدْيَنَ أَخَاهُمْ شُعَيْبًا فَقَالَ يٰقَوْمِ اعْبُدُوا اللَّهَ ۖ وَارْجُوا  
الْيَوْمَ الْآخِرَ وَلَا تَعْتُوا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ

قوم شعیب او را تکذیب کردند و (به کیفر آن، شبی) زلزله‌ای سخت آنان را در گرفت و صبحگاه همه را در خانه‌هاشان مرگ به زانو در آورد.

فَكَذَّبُوهُ فَأَخَذَتْهُمُ الرَّجْفَةُ فَأَصْبَحُوا فِي دَارِهِمْ جِثْمِينَ

و قوم عاد و ثمود را که منازل (خراب و ویران) شان را به چشم می‌بینید آنها نیز با آنکه بینا و هوشیار بودند چون شیطان اعمال زشتشان را در نظرشان نیکو جلوه داد و از راه (حق) آنها را باز داشت همه را هلاک و نابود گردانیدیم.

وَعَادًا وَثَمُودًا ۖ وَقَدْ تَبَيَّنَ لَكُمْ مِّنْ مَّسْكِنِهِمْ ۖ وَزَيْنَ لَهُمْ  
الشَّيْطَانُ ۖ أَعْمَلَهُمْ فِصْدَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ ۖ وَكَانُوا  
مُسْتَبْصِرِينَ



وَقَرُونِ وَفِرْعَوْنَ وَهَلْمَنْ<sup>ط</sup> وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مُوسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ  
فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَا كَانُوا سَابِقِينَ

و قارون و فرعون و هامان را هم که موسی (علیه السلام) با معجزات روشن به هدایت آنها آمد (و به او نگریدند و) باز در زمین تکبر و ظلم و طغیان کردند (همه را هلاک کردیم) و (بر قهر حق) سبقت نگرفتند (و راه نجاتی نیافتند).

فَكُلًّا أَخَذْنَا بِذَنبِهِ<sup>ط</sup> فَمِنْهُمْ مَّنْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِ حَاصِبًا  
وَمِنْهُمْ مَّنْ أَخَذَتْهُ الصَّيْحَةُ وَمِنْهُمْ مَّنْ خَسَفْنَا بِهِ الْأَرْضَ  
وَمِنْهُمْ مَّنْ أَغْرَقْنَا وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا  
أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

ما هر طایفه‌ای را به کیفر گناهش مؤاخذه کردیم، بعضی را بر سرشان سنگ بلا فرو باریدیم و برخی را صیحه عذاب آسمانی در گرفت و برخی را به زلزله زمین و گروهی دیگر را به غرق دریا به هلاکت رسانیدیم، و خدا به آنان هیچ ستم نکرد لیکن آنها خود در حق خویش ستم می‌کردند.

مَثَلُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ كَمَثَلِ الْعَنْكَبُوتِ  
أَتَّخَذَتْ بَيْتًا<sup>ط</sup> وَإِنَّ أَوْهَنَ الْبُيُوتِ لَبَيْتُ الْعَنْكَبُوتِ لَوْ كَانُوا  
يَعْلَمُونَ

مثل حال آنان که خدا را فراموش کرده و غیر خدا را به دوستی و سرپرستی برگرفتند (در سستی و بی‌بنیادی) حکایت خانه‌ای است که عنکبوت بنیاد کند و اگر بدانند سست‌ترین بنا خانه عنکبوت است.

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ مِنْ شَيْءٍ<sup>ج</sup> وَهُوَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ

خدا بر آنچه که به غیر او بخوانند (و پرستش کنند) آگاه است و او (بر انتقام اهل شرک و ریا) مقتدر و (به دقایق امور عالم) داناست.

وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ<sup>ط</sup> وَمَا يَعْقِلُهَا إِلَّا الْعَالِمُونَ

و ما این همه مثلها را برای مردم می‌زنیم (تا حقایق برای آنها روشن شود) و لیکن به جز مردم دانشمند کسی تعقل در آنها نخواهد کرد.

خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً  
لِّلْمُؤْمِنِينَ

خدا آسمانها و زمین را به حق (و در کمال حکمت) آفریده (نه بر باطل و لغو و عبث) و در این خلقت آسمان و زمین آیت و نشانه‌ای (از ربوبیت) برای اهل ایمان کاملا پدیدار است.

أَتْلُ مَا أُوْحِيَ إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ وَأَقِمِ الصَّلَاةَ<sup>ط</sup> إِنَّ الصَّلَاةَ  
تَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ<sup>ط</sup> وَلَذِكْرُ اللَّهِ أَكْبَرُ<sup>ط</sup> وَاللَّهُ  
يَعْلَمُ مَا تَصْنَعُونَ

(ای رسول ما) آنچه را که از کتاب (آسمانی قرآن) بر تو وحی شد (بر خلق) تلاوت کن و نماز را (که بزرگ عبادت خداست) به جای آر، که همانا نماز است که (اهل نماز را) از هر کار زشت و منکر باز می‌دارد و همانا ذکر خدا بزرگتر (و برتر از حد اندیشه خلق) است، و خدا به هر چه (برای خشنودی او) و به یاد او) کنید آگاه است.

وَلَا تُجَادِلُوا أَهْلَ الْكِتَابِ إِلَّا بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ إِلَّا الَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْهُمْ وَقُولُوا ءَامَنَّا بِالَّذِي أُنزِلَ إِلَيْنَا وَأُنزِلَ إِلَيْكُمْ وَإِلَهُنَا وَإِلَهُكُمْ وَاحِدٌ وَنَحْنُ لَهُ مُسْلِمُونَ

و شما مسلمانان با اهل کتاب (یهود و نصاری و مجوس) جز به نیکوترین طریق بحث و مجادله مکنید مگر با ستمکاران از آنها، و (با اهل کتاب) بگویید که ما به کتاب آسمانی قرآن که بر ما نازل شده و به کتب آسمانی شما به همه ایمان آورده‌ایم و خدای ما و شما یکی است و ما تسلیم و مطیع فرمان اویم.

وَكَذَلِكَ أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ فَالَّذِينَ ءَاتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمِنْ هَؤُلَاءِ مَنْ يُؤْمِنُ بِهِ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الْكَافِرُونَ

و ما همچنان (که بر رسولان پیشین کتاب آسمانی تورات و انجیل و زبور فرستادیم) بر تو هم (ای رسول) کتاب (آسمانی قرآن) را نازل کردیم، پس آنان که به آن کتب که بر ایشان فرستادیم ایمان آوردند به این کتاب نیز ایمان آرند و از این گروه (اهل مکه) هم بعضی به آنان ایمان آوردند و به جز کافران هیچ کس آیات ما را انکار نخواهد کرد.

وَمَا كُنْتَ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُ وَبِیْمِينِكَ إِذَا لَا رَتَابَ الْمُبْطِلُونَ

و تو از این پیش نه توانستی کتابی خواند و نه خطی نگاشت که در آن صورت مبطلان (منکر قرآن) در نبوتت شک و ریبی می‌کردند (و می‌گفتند این کتاب به وحی خدا نیست و خود از روی کتب سابقین جمع و تألیف کرده است).

بَلْ هُوَ ءَايَاتٌ بَيِّنَاتٌ فِي صُدُورِ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا الظَّالِمُونَ

بلکه این قرآن آیات روشن الهی است در لوح سینه آنان که (از خدا نور) علم و دانش یافتند، و آیات ما را جز مردم ستمکار انکار نکنند.

وَقَالُوا لَوْلَا أُنزِلَ عَلَيْهِ ءَايَاتٌ مِّن رَّبِّهِ قُلْ إِنَّمَا الْآيَاتُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

و کافران گفتند: (این مرد اگر رسول خداست) چرا بر او آیات و معجزاتی از جانب خدایش نازل نشد؟ بگو: آیات نزد خدا (و به امر خدا) است، من (که رسولم) جز آنکه (خلق را از انتقام خدا) بترسانم وظیفه ندارم.

أَوْ لَمْ يَكْفِهِمْ أَنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ يُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَرَحْمَةً وَذِكْرَىٰ لِقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

آیا اینان را (که تقاضای معجزه می‌کنند) این معجزه کفایت نکرد که چنین کتاب بزرگ را که بر آنان تلاوت می‌شود ما بر تو فرستادیم؟ و همانا در آن برای اهل ایمان البته رحمت و یاد آوری و پندی خواهد بود.

قُلْ كَفَىٰ بِاللَّهِ بَيِّنًا وَبَيِّنَاتٍ شَهِيدًا يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِالْبَاطِلِ وَكَفَرُوا بِاللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

بگو: میان من و شما خدا گواهی کافی است، که او به هر چه در آسمانها و زمین است آگاه است. و آنان که به باطل گرویدند و به خدا کافر شدند هم آنان به حقیقت زیانکاران عالمند.

وَيَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَلَوْلَا أَجَلٌ مُّسَمًّى لَّجَاءَهُمُ  
الْعَذَابُ وَلَيَأْتِيَنَّهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

۵۴

يَسْتَعْجِلُونَكَ بِالْعَذَابِ وَإِنَّ جَهَنَّمَ لَمُحِيطَةٌ بِالْكَافِرِينَ

۵۵

يَوْمَ يَغْشَاهُمْ الْعَذَابُ مِنْ فَوْقِهِمْ وَمِنْ تَحْتِ أَرْجُلِهِمْ  
وَيَقُولُ ذُقُوا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۵۶

يَعْبَادِي الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ أَرْضِي وَاسِعَةٌ فَإِنِّي فَاعْبُدُونِ

۵۷

كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ ثُمَّ إِلَيْنَا تُرْجَعُونَ

۵۸

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَنُبَوِّئَنَّهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ  
غُرَفًا تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا نِعَمَ أَجْرٍ  
الْعَمَلِينَ

۵۹

الَّذِينَ صَبَرُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

۶۰

وَكَأَيِّنْ مِنْ دَابَّةٍ لَّا تَحْمِلُ رِزْقَهَا اللَّهُ يَرْزُقُهَا وَإِيَّاكُمْ وَهُوَ  
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

۶۱

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَسَخَّرَ  
السَّمْسَ وَالْقَمَرَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فَأَنَّى يُؤْفَكُونَ

۶۲

اللَّهُ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ وَإِنَّ  
اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

۶۳

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ  
مِنَ بَعْدِ مَوْتِهَا لَيَقُولُنَّ اللَّهُ فُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ بَلْ أَكْثَرُهُمْ  
لَا يَعْقِلُونَ

منکران (به تمسخر) از تو تقاضای تعجیل در نزول عذاب  
میکنند، و اگر وقت معین آن (در علم ازلی، قیامت) نبود  
عذاب حق بر آنها می‌رسید، و البته ناگهانی در حالی که غافل  
و بی‌خبر باشند بر آنان خواهد آمد.

(و این کافران) از تو به تعجیل عذاب می‌طلبند در صورتی  
که شراره عذاب جهنم به کافران احاطه نموده است.

(اینان را متذکر ساز به آن) روزی که عذاب خدا از بالا و زیر  
پا آنها را فرو گیرد، و (خدا یا منادی حق) گوید: (امروز)  
بچشید کیفر آنچه (در دنیا) عمل می‌کردید.

این بندگان با ایمان من، زمین من بسیار وسیع است در این  
صورت (اگر از جور کفار در سرزمینی به تنگ آمده و به کفر  
مجبور شوید از آنجا به دیار دیگر هجرت کنید و هر کجا  
باشید) مرا منحصر ا به اخلاص پرستش کنید.

هر نفسی (طعم ناگوار) مرگ را خواهد چشید، و پس از  
مرگ شما را به سوی ما باز گردانند.

و آنان که ایمان آوردند و به اعمال نیکو پرداختند البته آنها  
را به عمارات عالی بهشتی که زیر درختانش نهرها جاری  
است منزل دهیم که در آن زندگانی ابدی کنند، آنجا پاداش  
نیکویی برای نیکوکاران عالم است.

آنان که (در راه دین خدا) صبر و شکیبایی پیشه کردند و بر  
پروردگار خود توکل می‌نمودند.

و (در کار رزق به خدا توکل کنید نه بر سعی خود که) چه  
بسیار حیوانات که خود بار روزی خود نکشند، خدا (بدون  
هیچ کوشش) به آنها و هم به شما روزی می‌رساند، و او  
شنوا (ی دعای محتاجان) و دانا (به احوال بندگان) است.

و اگر از این کافران مشرک سؤال کنی که آسمانها و زمین را  
که آفریده و خورشید و ماه مسخر فرمان کیست؟ به یقین  
جواب دهند که خدا (آفریده)، پس چگونه (با این اقرار، از  
توحید و معرفت خدا) رویگردان می‌شوند؟

خداست که هر کس از بندگان را خواهد وسیع روزی و یا  
تنگ روزی می‌گرداند، که همانا او به هر چیزی (از مصالح  
خلیق) داناست.

و اگر از این کافران مشرک سؤال کنی که آن کیست که از  
آسمان باران نازل سازد تا زمین را به آن پس از (فصل  
خزان و) مرگ (گیاهان، باز به نسیم جانبخش بهار) زنده  
گرداند؟ به یقین جواب دهند که آن خداست. بگو: ستایش  
مخصوص خدای یکتاست. آری و لیک اکثر این مردم عقل  
خود را به کار نگیرند (تا این حقیقت را دریابند).

وَمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا لَهُوٌّ وَلَعِبٌ وَإِنَّ الدَّارَ الْآخِرَةَ  
لَهِيَ الْحَيَوَانُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

فَإِذَا رَكبُوا فِي الْفُلِكِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ فَلَمَّا  
نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ إِذَا هُمْ يُشْرِكُونَ

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ وَلِيَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا جَعَلْنَا حَرَمًا ءَامِنًا وَيَتَخَطَّفُ النَّاسُ مِنْ  
حَوْلِهِمْ أَفَبِالْبَاطِلِ يُؤْمِنُونَ وَبِنِعْمَةِ اللَّهِ يَكْفُرُونَ

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَوْ كَذَّبَ بِالْحَقِّ  
لَمَّا جَاءَهُ ءَأَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ

وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ  
الْمُحْسِنِينَ

۳۰. روم: روم: ۴۴ مکی ۶۰ آیه ۷ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْم

الم (اشاره به اسماء یا اسرار کتاب الهی است).

غُلِبَتِ الرُّومُ

رومیان، مغلوب (فارسیان) شدند.

فِي أَدْنَى الْأَرْضِ وَهُمْ مِّنْ بَعْدِ غَلِبِهِمْ سَيَغْلِبُونَ

در (جنگی که به) نزدیکترین زمین (به دیار عرب واقع شد  
که حوالی شام یا اطراف جزیره باشد) و آنها پس از مغلوب  
شدن فعلی به زودی (بر فارسیان) غلبه خواهند کرد.

فِي بَضْعِ سِنِينَ ۗ لِلَّهِ الْأَمْرُ مِنْ قَبْلُ وَمِنْ بَعْدِ وَيَوْمَئِذٍ  
يَفْرَحُ الْمُؤْمِنُونَ

(این غلبه رومیان) در اند سالی خواهد شد (و بدانید که  
این حادثه و) کلیه امور عالم از قبل از این و بعد از این  
همه به دست خداست، و آن روز (که رومیان فاتح شوند  
چون بعد از آن خدا وعده یاری به اهل اسلام داده) مؤمنان  
شاد می‌شوند.

بِنَصْرِ اللَّهِ يَنْصُرُ مَنْ يَشَاءُ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

به یاری خدا، که خدا هر که را بخواهد نصرت و فیروزی  
می‌بخشد و اوست که مقتدر و مهربان است.

این زندگانی چند روزه دنیا (اگر نه در پرستش حق و  
سعادت آخرت صرف شود) افسوس و بازیچه‌ای بیش  
نیست، و زندگانی اگر مردم بدانند به حقیقت‌دار آخرت  
است (که حیاتش جاوید و نعمتش بی‌رنج و زوال است).

این مردم مشرک چون به کشتی نشینند (و به دست امواج  
خطر افتند در آن حال) تنها خدا را به اخلاص کامل در دین  
می‌خوانند، و چون از خطر دریا به ساحل نجاتشان رساند (باز  
به خدای یکتا) مشرک می‌شوند.

تا هر نعمتی را که ما به آنها عطا کرده‌ایم کفران کنند و (تا  
مدتی) بهره‌مند باشند، اما به زودی خواهند دانست.

آیا (کافران اهل مکه) ندیدند که آن شهر را حرم امن و  
امان قرار دادیم در صورتی که از اطرافشان مردم (ضعیف)  
را به قتل و غارت می‌ربایند؟ آیا باز به باطل می‌گروند و به  
نعمت خدا کافر می‌شوند؟

آیا هیچ کس از آن که بر خدا دروغ بست و (رسول) حق را  
که برای (هدایت) او آمد تکذیب کرد (در عالم) ستمکارتر  
هست؟ آیا جایگاه کافران (ستمکار) در آتش دوزخ نیست؟

و آنان که در (راه) ما (به جان و مال) جهد و کوشش کردند  
محققا آنها را به راه‌های (معرفت و لطف) خویش هدایت  
می‌کنیم، و همیشه خدا یار نکوکاران است.

وَعَدَ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ وَعْدَهُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

این وعده خداست که خدا هرگز خلاف وعده نکند، و لیکن اکثر مردم (از این حقیقت) آگاه نیستند.

يَعْلَمُونَ ظَهْرًا مِّنَ الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَهُمْ عَنِ الْآخِرَةِ هُمْ غَافِلُونَ

(اکثر) آنان به امور ظاهری از زندگی دنیا آگاهند و از عالم آخرت (و وعده ثواب و عقاب حق) به کلی بی‌خبرند.

أَوْ لَمْ يَتَفَكَّرُوا فِي أَنفُسِهِمْ مَّا خَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ مُّسَمًّى وَإِنَّ كَثِيرًا مِّنَ النَّاسِ بِلِقَائِ رَبِّهِمْ لَكَافِرُونَ

آیا در پیش نفوس خود تفکر نکردند (تا بدین حکمت پی‌برند) که خدا آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست همه را جز به حق (و برای حکمت و مصلحت) و به وقت (و حد) معین نیافریده است؟ و بسیاری از مردم به شهود و لقای خدا (در عالم غیب و وعده ثواب و عقاب بهشت و دوزخ و قیامت) به کلی کافر و بی‌عقیده‌اند.

أَوْ لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَأَثَارُوا الْأَرْضَ وَعَمَرُوهَا أَكْثَرَ مِمَّا عَمَرُوهَا وَجَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا كَانَ اللَّهُ لِيَظْلِمَهُمْ وَلَكِن كَانُوا أَنفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ

آیا در زمین سیر نکردند تا ببینند که عاقبت کار پیشینیانشان (چون قوم عاد و ثمود) چه شد؟ در صورتی که از اینها بسیار تواناتر بودند و بیش از اینها در زمین کشتزار ساختند و کاخ و عمارت برافراشتند و پیامبرانشان با آیات و معجزات برای (هدایت) آنان آمدند (لیکن چون نپذیرفتند همه به کیفر کفر هلاک شدند). و خدا درباره آنها هیچ ستم نکرد بلکه آنها خود در حق خویش ستم می‌کردند.

ثُمَّ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ اسْتَوُوا السُّوْءَىٰ أَن كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ وَكَانُوا بِهَا يَسْتَهْزِءُونَ

آخر سرانجام کار آنان که بسیار به اعمال زشت و کردار بد پرداختند این شد که آیات خدا را تکذیب و تمسخر کردند (زیرا معصیت، دل را تاریک کند و چون بسیار شود به ظلمت کفر انجامد).

اللَّهُ يَبَدُّوا الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

خداست که خلق را نخست (از عدم) پدید آرد و باز (پس از مرگ و فنا) باز گرداند و همه به حضرت او بازگردانیده می‌شوند.

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُبْلِسُ الْمُجْرِمُونَ

و روزی که ساعت قیامت بر پا شود بدکاران نومید و اندوهگین شوند.

وَلَمْ يَكُن لَّهُمْ مِّنْ شُرَكَائِهِمْ شُفَعَاؤُاْ وَكَانُوا بِشُرَكَائِهِمْ كَافِرِينَ

و هیچ شفیع و مددکاری بر خود از آنان که شریک حق گرفتند نمی‌یابند بلکه به آن شریکان و خدایان باطل کافر می‌شوند.

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُؤْمِنُونَ بِمَا كَانُوا يَكْفُرُونَ

و روزی که ساعت قیامت بر پا شود در آن روز خلیق (بر حسب مراتب طاعت و معرفت و کفر و عصیان) فرقه فرقه شوند.

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَهُمْ فِي رَوْضَةٍ يُحْبَرُونَ

اما آن فرقه که ایمان آوردند و به نیکوکاری پرداختند مسرور (و محترم) به باغ بهشت منزل گیرند.

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا وَلِقَاءِ الْآخِرَةِ  
فَأُولَٰئِكَ فِي الْعَذَابِ مُحْضَرُونَ

فَسُبْحَانَ اللَّهِ حِينَ تُمْسُونَ وَحِينَ تُصْبِحُونَ

وَلَهُ الْحَمْدُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَعَشِيًّا وَحِينَ تُظْهِرُونَ

يُخْرِجُ الْحَيَّ مِنَ الْمَيِّتِ وَيُخْرِجُ الْمَيِّتَ مِنَ الْحَيِّ وَيُحْيِي  
الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَكَذَٰلِكَ نُخْرِجُونَ

وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَكُمْ مِنْ تُرَابٍ ثُمَّ إِذَا أَنْتُمْ بَشَرٌ  
تَنْتَشِرُونَ

وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا  
لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً إِنَّ فِي ذَٰلِكَ  
لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

وَمِنْ ءَايَاتِهِ خَلْقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَأَخْتِلَافِ  
الْأَسْمَاءِ وَالْوَالِدَاتِ إِذَا عَلَّمْنَ فِي ذَٰلِكَ لِقَوْمٍ لِّلْعَالَمِينَ

وَمِنْ ءَايَاتِهِ مَنَامُكُمْ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَابْتِغَاؤُكُمْ مِنْ  
فَضْلِهِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَسْمَعُونَ

وَمِنْ ءَايَاتِهِ يُرِيكُمُ الْبَرْقَ خَوْفًا وَطَمَعًا وَيُنزِلُ مِنْ  
السَّمَاءِ مَاءً فَيُحْيِي بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ فِي ذَٰلِكَ  
لَآيَاتٍ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

و اما آن فرقه که کافر شدند و آیات ما و دیدار آخرت را تکذیب کردند آنان را (برای کیفر) در عذاب دوزخ حاضر کنند.

پس خدا را هنگام شام و صبحگاه (در نماز مغرب و صبح) تسبیح و ستایش گویند.

و سپاس (اهل عالم) در آسمانها و زمین مخصوص اوست و شما نیز در تاریکی شب و نیمه روز (در نماز عشاء و ظهر و عصر) به ستایش او مشغول شوید.

(آن خدایی را تسبیح و ستایش گویند که) زنده را از مرده و مرده را از زنده بیرون آورد (یعنی آدمی را از نطفه و نطفه را از آدمی برانگیزد) و زمین را پس از (فصل خزان و) مرگ (گیاهان باز به نسیم جانبخش بهارش) زنده گرداند، و همین گونه شما را هم (پس از مرگ زنده کنند و از خاک بیرون آرند).

و یکی از نشانه‌های (قدرت) او این است که (پدر) شما آدمیان را از خاک خلق کرد سپس (به توالد) بشری (منشعب و تزاذهایی مختلف) شدید که (در همه روی زمین) منتشر گشتید.

و باز یکی از آیات (لطف) او آن است که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس گیرید و میان شما رأفت و مهربانی برقرار فرمود. در این امر نیز برای مردم بافکرت ادله‌ای (از علم و حکمت حق) آشکار است.

و یکی از آیات (قدرت) او خلقت آسمانها و زمین است و یکی دیگر اختلاف زبانها و رنگهای شما آدمیان، که در این امور نیز ادله‌ای (از صنع و حکمت حق) برای دانشمندان عالم آشکار است.

و یکی از آیات او همین است که شما در شب و روز به خواب رفته (و بیدار می‌شوید) و از فضل خدا (یعنی روزی) طلب می‌کنید. در این امر هم ادله‌ای (از قدرت‌ش) برای قومی که (سخن حق) بشنوند پدیدار است.

و یکی از آیات او آن است که (رعد و) برق را به شما می‌نماید که هم شما را (از صاعقه عذاب) می‌ترساند و هم (به باران رحمت خود) امیدوار می‌گرداند، و نیز از آسمان باران می‌فرستد تا زمین را پس از مرگش باز زنده گرداند. در این امر نیز ادله‌ای (از قدرت ایزد) برای اهل خرد آشکار است.

وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ تَقُومَ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ بِأَمْرِهِ ثُمَّ إِذَا دَعَاكُمْ دَعْوَةً مِّنَ الْأَرْضِ إِذَا أَنْتُمْ تَخْرُجُونَ

وَلَهُ مَن فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلُّ لَهٍ قَلْبَتُونَ

وَهُوَ الَّذِي يَبْدَأُ الْخَلْقَ ثُمَّ يُعِيدُهُ وَهُوَ أَهْوَنُ عَلَيْهِ وَلَهُ الْمَثَلُ الْأَعْلَىٰ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ضَرَبَ لَكُمْ مَثَلًا مِّنْ أَنفُسِكُمْ هَلْ لَّكُمْ مِّنْ مَّا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ مِّنْ شُرَكَاءَ فِي مَا رَزَقْنَاكُمْ فَأَنْتُمْ فِيهِ سَوَاءٌ تَخَافُونَهُمْ كَخِيفَتِكُمْ أَنفُسَكُمْ كَذَلِكَ نُفَصِّلُ الْآيَاتِ لِقَوْمٍ يَعْقِلُونَ

بَلِ اتَّبَعَ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَهْوَاءَهُمْ بِغَيْرِ عِلْمٍ فَمَنْ يَهْدِي مَنْ أَضَلَّ اللَّهُ وَمَا لَهُمْ مِّنْ نَّاصِرِينَ

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ حَنِيفًا فِطْرَتَ اللَّهِ الَّتِي فَطَرَ النَّاسَ عَلَيْهَا لَا تَبْدِيلَ لِخَلْقِ اللَّهِ ذَلِكَ الدِّينُ الْقَيِّمُ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

مُنِيبِينَ إِلَيْهِ وَاتَّقُوهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَلَا تَكُونُوا مِنَ الْمُشْرِكِينَ

مِنَ الَّذِينَ فَرَّقُوا دِينَهُمْ وَكَانُوا شِيعًا كُلُّ حِزْبٍ بِمَا لَدَيْهِمْ فَرِحُونَ

و یکی از آیات (قدرت) او آنکه آسمان و زمین به فرمان او برپاست، سپس که شما را از خاک برخواند (و زنده گرداند) همگی سر از قبرها بیرون می‌آورید.

و هر کس در آسمانها و زمین است همه بنده و مملوک او و باکمال خضوع و خشوع مطیع فرمان اوست.

و او خدایی است که نخست خلائق را بیافریند و آن‌گاه (به عالم معاد) باز گرداند و این اعاده (مثل ایجاد) بر او بسیار سهل و آسان است و آن ذات یکتا را در آسمانها و زمین مظهر و مثالی عالی‌تر (از حد وصف و تعقل) است و مقتدر کامل و دانا (به حقایق امور) تنها اوست.

خدا برای (هدایت) شما هم از عالم خود شما مثالی زد: آیا هیچ یک از غلام و کنیزان ملکی شما در آنچه (از مال و حقوق و مقام) که ما روزی شما گردانیدیم با شما شریک هستند تا شما و آنها در آن چیز بی‌هیچ مزیت مساوی باشید و همانقدر بیمی که شما از یکدیگر دارید هم از آنان دارید؟ (هرگز ندارید و هیچ آنها را شریک و مساوی با خود نمی‌دانید پس چگونه مخلوقات مملوک خدا را شریک خدا گرفته و معبود خود می‌گردانید؟) ما چنین مفصل و روشن آیات خود را برای مردم با عقل و هوش بیان می‌کنیم.

بلکه مردم ستمکار (مشرک) هوای نفس خود را از جهل و نادانی پیروی کردند، پس آن را که خدا (پس از اتمام حجت) به گمراهی واگذارد که می‌تواند هدایت کند؟ و آن گمراهان ستمکار را (در قیامت) هیچ یار و یآوری نخواهد بود.

پس تو مستقیم روی به جانب آیین پاک اسلام آور در حالی که از همه کیشها روی به خدا آری، و پیوسته از طریقه دین خدا که فطرت خلق را بر آن آفریده است پیروی کن که هیچ تغییری در خلقت خدا نباید داد، این است آیین استوار حق، و لیکن اکثر مردم (از حقیقت آن) آگاه نیستند.

(شما اهل ایمان با پیروی همین دین فطرت) به درگاه خدا باز آیید و خدا ترس باشید و نماز به پا دارید و هرگز از فرقه مشرکان نباشید.

از آنان که دین (فطرت) خود را متفرق و پراکنده ساختند و فرقه فرقه شدند و هر گروهی به آنچه دارند (از اوهام باطل و عقیده و خیالات فاسد خود) دلشادند.

وَإِذَا مَسَّ النَّاسَ ضُرٌّ دَعَوْا رَبَّهُمْ مُنِيبِينَ إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا  
أَذَاقَهُمْ مِنْهُ رَحْمَةً إِذَا فَرِيقٌ مِنْهُمْ بِرَبِّهِمْ يُشْرِكُونَ

لِيَكْفُرُوا بِمَا آتَيْنَاهُمْ فَتَمَتَّعُوا فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

أَمْ أَنْزَلْنَا عَلَيْهِمْ سُلْطَانًا فَهُوَ يَتَكَلَّمُ بِمَا كَانُوا بِهِ يُشْرِكُونَ

وَإِذَا أَذَقْنَا النَّاسَ رَحْمَةً فَرِحُوا بِهَا وَإِن تُصِيبُهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا  
قَدَّمْت أَيْدِيهِمْ إِذَا هُمْ يَقْنَطُونَ

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَن يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ فِي  
ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

فَآتِ ذَا الْقُرْبَى حَقَّهُ وَالْمِسْكِينَ وَابْنَ السَّبِيلِ ذَلِكَ  
خَيْرٌ لِّلَّذِينَ يُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

وَمَا آتَيْتُم مِّن رَّبًّا لَّيْرُبُوا فِي أَمْوَالِ النَّاسِ فَلَا يَرْبُوا عِنْدَ  
اللَّهِ وَمَا آتَيْتُم مِّن زَكَاةٍ تُرِيدُونَ وَجْهَ اللَّهِ فَأُولَئِكَ هُمُ  
الْمُضْعِفُونَ

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ ثُمَّ رَزَقَكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ  
يُحْيِيكُمْ هَلْ مِن شُرَكَائِكُم مَّن يَفْعَلُ مِن ذَٰلِكُم مِّن  
شَيْءٍ سُبْحٰنَهُ وَتَعَالَىٰ عَمَّا يُشْرِكُونَ

ظَهَرَ الْفَسَادُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ بِمَا كَسَبَتْ أَيْدِي النَّاسِ  
لِيُذِيقَهُمْ بَعْضَ الَّذِي عَمِلُوا لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

و مردم (عادتشان این است که) هر گاه رنج و المی سخت به آنها رسد در آن حال خدای خود را به دعا می‌خوانند و به درگاه او با تضرع و اخلاص روی می‌کنند و پس از آنکه خدا به آنها رحمت خود را چشایند (و از آن سختی نجاتشان داد) آن‌گاه باز گروهی از آنها به خدای خود مشرک می‌شوند.

تا نعمتی را که به آنها عطا کردیم کفران کنند. (باری، ای کافران ناسپاس) اینک (به هوا و هوس) تمتع برید که به زودی به (کیفر اعمال خود) آگاه می‌شوید.

مگر ما دلیل و حجتی فرستادیم که درباره شرک و دعوت به بت پرستی ایشان سخن گوید (و برهان بر صحت شرک آورد).

و مردم (بر این عادتند که) هرگاه ما رحمتی به آنها چشاییم شاد شده و اگر رنج و بلایی از کرده خودشان ببینند در آن حال (به جای توبه به درگاه خدا، از رحمتش به کلی) نومید می‌شوند.

آیا ندیدند که همانا خدا هر که را خواهد وسیع روزی کند و هر که را خواهد تنگ روزی گرداند؟ همانا در این امر ادله روشنی (از حکمت الهی) برای اهل ایمان پدیدار است.

پس حقوق ارحام و خویشان و مسکینان و در راه ماندگان را ادا کن که این برای آنان که مشتاق لقای خدا هستند بهترین کار است و هم اینان (که نیکی کنند) رستگاران عالمند.

و آن سودی که شما به رسم ربا دادید که بر اموال مردم (ربا خوار) بیفزاید (و یا هدیه به اغنیاء دهید تا خود نفع زیاد دنیوی برید) نزد خدا هرگز نیفزاید (بلکه محو و نابود شود) و آن زکاتی که از روی شوق و اخلاص به خدا (به فقیران) دادید (ثوابش چندین برابر شود و) همین زکات دهندگان هستند که (نزد حق ثواب و برکات و دارایی) چند برابر دارند.

خداست آن کسی که شما را خلق کرده و روزی بخشیده سپس بمیراند و باز (در قیامت) زنده گرداند، آیا آنان را که شریک خدا دانید هیچ از این کارها توانند کرد؟ خدا از آنچه به او شریک گیرند پاک و منزهرتر و بالاتر است.

فساد و پریشانی به کرده بد خود مردم در همه بر و بحر زمین پدید آمد تا خدا هم کیفر بعضی اعمالشان را به آنها بچشاند، باشد که (از گنه پشیمان شده و به درگاه خدا) باز گردند.



قُلْ سِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَانظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ قَبْلُ كَانَ أَكْثَرُهُمْ مُشْرِكِينَ

بگو که در زمین سیر کنید پس بنگرید تا عاقبت طوایف پیش از خود که اکثرشان (کافر و) مشرک بودند چه شد؟

پس تو روی به دین استوار (اسلام و خدا پرستی) آور پیش از آنکه روزی بیاید که هیچ کس نتواند از امر خدا آن را برگرداند (و) در آن روز (بزرگ قیامت) خلائق فرقه فرقه شوند (گروهی دوزخی و گروهی بهشتی گردند).

هر که به راه کفر (و عصیان) رود زیان کفرش بر خود اوست و هر که صالح و نیکوکار شود چنین کسانی برای شخص خود (در بهشت) آسایشگاهی خوش فراهم می‌سازند.

تا خدا از فضل و کرم به آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند پاداش دهد، که او کافران را دوست ندارد.

و از جمله آیات (قدرت) او آن است که بادهای بشارت آور می‌فرستد (تا شما را مژده آرد) و تا شما را به چیزی از رحمت (بی‌انتهای) خود بهره‌مند گرداند و تا کشتی به فرمان او روان گردد و تا از فضل و کرمش (انواع نعمتها) تحصیل کنید، و باشد که شکر (نعمتش) به جای آرید.

و ما پیش از تو پیمبرانی به سوی قومشان فرستادیم و آنها معجزات و ادله روشن بر آنان آوردند، پس از کافران بدکار انتقام کشیدیم، و بر ما نصرت و یاری اهل ایمان حتم است.

خدا آن کسی است که بادهای را می‌فرستد که ابر را در فضا برانگیزد پس به هر گونه که مشیتش تعلق گیرد در اطراف آسمان متصل و منبسط کند و باز متفرق گرداند، آن گاه باران را بنگری که قطره قطره از درونش بیرون ریزد، و چون آن را به (کشتزار و صحرای) هر قومی از بندگانش که بخواهد فرو بارد به یک لحظه آن قوم مسرور و شادمان گردند.

و همانا پیش از آنکه باران (رحمت حق) بر آنان بیارد به حال یأس و نومیدی می‌زیستند.

پس (ای بشر دیده باز کن و) آثار رحمت (نامتھای) الهی را مشاهده کن که چگونه زمین را پس از مرگ (و دستبرد خزان باز به نفس باد بهار) زنده می‌گرداند! محققا همان خداست که مردگان را هم (پس از مرگ) باز زنده می‌کند و او بر همه امور عالم تواناست.

فَأَقِمْ وَجْهَكَ لِلدِّينِ الْقَیِّمِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنْ اللَّهِ يَوْمَئِذٍ یَصَّدَّعُونَ

مَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ كُفْرُهُ وَ مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِأَنْفُسِهِمْ يَمْهَدُونَ

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْ فَضْلِهِ ؕ إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْكٰفِرِينَ

وَمِنْ ءَايَاتِهِ ؕ أَنْ يُرْسِلَ الرِّیَاحَ مُبَشِّرَاتٍ وَلِيذِيقَكُمْ مِنْ رَحْمَتِهِ ؕ وَلِتَجْرِيَ الْفُلُكُ بِأَمْرِهِ ؕ وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِ ؕ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ رُسُلًا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ فَجَاءَهُمْ بِالبَيِّنَاتِ فَأَنْتَقَمْنَا مِنَ الَّذِينَ أَجْرُمُوْا وَكَانَ حَقًّا عَلَيْنَا نَصْرُ الْمُؤْمِنِينَ

اللَّهُ الَّذِي يُرْسِلُ الرِّیْحَ فَتُنْفِثُ سَحَابًا فَيَبْسُطُهُ فِي السَّمَاءِ كَيْفَ يَشَاءُ وَيَجْعَلُهُ كِسْفًا فَتَرَى الْوَدْقَ یَخْرُجُ مِنْ خِلَالِهِ ؕ فَإِذَا أَصَابَ بِهِ مَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ إِذَا هُمْ یَسْتَبْشِرُونَ

وَإِنْ كَانُوا مِنْ قَبْلِ أَنْ يُنَزَّلَ عَلَيْهِمْ مِّن قَبْلِهِ لَمُبْلِسِينَ

فَإَنْظُرْ إِلَىٰ ءَأَثَرِ رَحْمَتِ اللَّهِ كَيْفَ يُحْيِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا إِنَّ ذٰلِكَ لَمُحْيِ الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

وَلَيْنِ أَرْسَلْنَا رِيحًا فَرَأَوْهُ مُصْفَرًّا لَّظَلُّوا مِنْ بَعْدِهِ  
يَكْفُرُونَ

فَإِنَّكَ لَا تَسْمِعُ الْمَوْتَىٰ وَلَا تَسْمِعُ الْأُصْمَ الدُّعَاءَ إِذَا وَلَّوْا  
مُدْبِرِينَ

وَمَا أَنْتَ بِهَادٍ الْعُمَىٰ عَنِ ضَلَالَتِهِمْ إِنْ تَسْمِعُ إِلَّا مَنْ يُؤْمِنُ  
بِآيَاتِنَا فَهُمْ مُسْلِمُونَ

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ ضَعْفٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ ضَعْفٍ  
قُوَّةً ثُمَّ جَعَلَ مِنْ بَعْدِ قُوَّةٍ ضَعْفًا وَشَيْبَةً يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ  
وَهُوَ الْعَلِيمُ الْقَدِيرُ

وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُقْسِمُ الْمُجْرِمُونَ مَا لَبِثُوا غَيْرَ سَاعَةٍ  
كَذَلِكَ كَانُوا يُؤْفَكُونَ

وَقَالَ الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ وَالْإِيمَانَ لَقَدْ لَبِثْتُمْ فِي كِتَابِ اللَّهِ  
إِلَىٰ يَوْمِ الْبَعْثِ فَهَذَا يَوْمُ الْبَعْثِ وَلَكِنَّكُمْ كُنْتُمْ لَا  
تَعْلَمُونَ

فَيَوْمَئِذٍ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ ظَلَمُوا مَعَدْرَتُهُمْ وَلَا هُمْ  
يُسْتَعْتَبُونَ

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَذَا الْقُرْآنِ مِنْ كُلِّ مَثَلٍ وَلَيْنَ  
جِبَّتُهُمْ بَيَّاتَةٌ لَيَقُولَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا مُبْطِلُونَ

كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَىٰ قُلُوبِ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَلَا يَسْتَخِفُّكَ الَّذِينَ لَا يُوقِنُونَ

و اگر باز بادی فرستیم که آن کشت سبز را زرد و پژمرده  
بنگردند (همه آن نعمتهای گذشته را فراموش کنند و) به کفر  
(و کفران نعمت حق) بر می‌گردند.

پس تو (این مردم) مرده (دل بی‌ایمان) را نتوانی (سخن  
حق) بشنوانی و دعوت خود را به گوش (این) کران که  
(مخصوصا از تو به کبر و نخوت) رو می‌گردانند برسانی.

و تو مردمی را که کور (دل و کافر) هستند نتوانی از  
ضلالتشان به راه هدایت آری، تنها تو آنان را که به آیات ما  
ایمان می‌آورند و در پی آن ایمان تسلیم امر ما شوند توانی  
(هدایت کنی و سخن خدا را) به گوش هوششان برسانی.

خدا آن کسی است که شما را در ابتدا از جسم ضعیف  
(نطفه) بیافرید آن گاه پس از ضعف و ناتوانی (کودکی) توانا  
کرد و باز از توانایی (و قوای جوانی) به ضعف و سستی و  
پیری بر گردانید، که او هر چه بخواهد و مشیتش تعلق  
گیرد می‌آفریند، و او دانا و تواناست.

و روزی که ساعت قیامت بر پا شود بدکاران قسم یاد کنند  
که (در دنیا و قبر و برزخ) ساعتی بیش درنگ نکردند.  
همین گونه (عادتشان از دیرین بود که) از راستی و حقیقت  
به ناراستی و دروغ می‌پرداختند.

و آنان که مقام علم و ایمان داده شده‌اند (به آن فرقه  
بدکار) گویند: شما تا روز قیامت که هم امروز است در  
کتاب خدا (یعنی عالم علم خدا) مهلت یافتید و لکن بر آن  
آگاه نبودید.

پس در آن روز آنان که (در دنیا به خود و به خلق خدا) ستم  
کردند عذرشان مفید نیفتد و از آنان نخواهند که توبه و  
عذرخواهی کنند.

البته ما در این قرآن (عظیم) برای (هدایت) مردم هر گونه  
مثل زدیم و اگر تو بر این مردم هر گونه معجز و آیتی  
بیاوری باز کافران محققا (از روی عناد) خواهند گفت: شما  
(مسلمین و رسولتان خلق را) به باطل و اوهام می‌خوانید.

این چنین خدا بر دل‌های اهل جهل (پس از اتمام حجت) مهر  
(شقاوت) نهد (که هیچ سخن حق را نپذیرند).

پس تو صبر پیشه کن، که وعده خدا البته حق و حتمی است  
و مراقب باش که مردم بی‌علم و یقین و ایمان (مقام حلم و  
وقار) تو را به خفت و سبکی نکشاند..

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْم

۱  
۳۵۵

الم (این حروف گفته شد که اسرار الهی است).

تِلْكَ آيَاتُ الْكِتَابِ الْحَكِيمِ

۲

این (قرآن عظیم و) آیات کتاب حکیم است.

هُدًى وَرَحْمَةً لِّلْمُحْسِنِينَ

۳

که هدایت و رحمت است برای نیکوکاران عالم.

الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ  
يُوقِنُونَ

۴

آنان که نماز به پا می‌دارند و زکات می‌دهند و به عالم آخرت  
کاملاً یقین دارند.

أُولَئِكَ عَلَىٰ هُدًى مِّن رَّبِّهِمْ وَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

۵

هم آنان از (لطف) پروردگار خویش به راه راستند و هم  
آنان رستگاران عالمنند.

وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ  
اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ

۶

و برخی از مردمان (فاسد فتنه انگیز مانند نضر حارث) کسی  
است که گفتار و سخنان لغو و باطل را (مانند قصه‌های دروغ  
و افسانه‌های شهوت‌انگیز مفسد اخلاق و سرود مطرب) به  
هر وسیله تهیه می‌کند تا (خلق را) به جهالت از راه خدا (و  
آموختن علوم و معارف قرآن) گمراه سازد و آیات قرآن را به  
تمسخر و استهزا گیرد، این مردمان (فاسد کافر) به عذاب،  
با خواری و ذلت گرفتار شوند.

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِ آيَاتُنَا وَآلَىٰ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ يَسْمَعْهَا  
كَأَنَّ فِي أُذُنَيْهِ وَقْرًا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

۷

و هر گاه بر او تلاوت آیات ما شود چنان با غرور و تکبر پشت  
گرداند که گویی هیچ آن آیات الهی را نشنید، پنداری از هر  
دو گوش کر است، این کس را به عذاب دردناک بشارت ده.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتُ النَّعِيمِ

۸

آنان که به خدا ایمان آوردند و به اعمال نیکو پرداختند  
باغهای پر نعمت (بهشت جاودانی) مخصوص آنهاست.

خَالِدِينَ فِيهَا وَعَدَّ اللَّهُ حَقًّا وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۹

که در آن بهشت ابد همیشگی خواهند بود، این وعده خدا  
محقق و حتمی است، و او مقتدر و آگاه است.

خَلَقَ السَّمَوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا وَأَلْقَىٰ فِي الْأَرْضِ  
رَوْسِيًّا أَن تَمِيدَ بِكُمْ وَبَثَّ فِيهَا مِن كُلِّ دَابَّةٍ وَأَنْزَلْنَا مِن  
السَّمَاءِ مَاءً فَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِن كُلِّ زَوْجٍ كَرِيمٍ

۱۰

(سقف رفیع) آسمانها را بی‌ستونی که به حس مشاهده کنید  
خلق کرده و کوههای بزرگ را در زمین بنهاد تا شما را  
نجنباند و در روی زمین انواع مختلف حیوانات را منتشر و  
پراکنده ساخت، و هم از آسمان آب باران فرود آوردیم و به  
آن آب در روی زمین نباتات پرفایده برویانیدیم.

هَذَا خَلْقُ اللَّهِ فَأَرُونِي مَاذَا خَلَقَ الَّذِينَ مِن دُونِهِ ۗ بَلِ  
الظَّالِمُونَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۱۱

این همه آفریده خداست، حال شما (مشرکان) بگویید آنان  
که به جز خدا (معبود شما) هستند در جهان چه آفریده‌اند؟  
(هیچ نیافریده‌اند) بلکه ستمکاران (مشرک که آنها را  
شریک خدا گرفتند) دانسته در گمراهی آشکار هستند.

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا لُقْمَانَ الْحِكْمَةَ أَنِ اشْكُرْ لِلَّهِ وَمَنْ يَشْكُرْ  
فَإِنَّمَا يَشْكُرُ لِنَفْسِهِ ۗ وَمَنْ كَفَرَ فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

و ما به لقمان مقام (علم و) حکمت عطا کردیم (و فرمودیم) که (بر این نعمت بزرگ) خدا را شکر کن، و هر کس شکر حق گوید به نفع خود اوست و هر که ناسپاسی و کفران کند خدا (از شکر و سپاس خلق) بی‌نیاز و (به ذات خود) ستوده صفات است.

وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ ۖ وَهُوَ يَعِظُهُ وَيُبْنِي لَا تَشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ

و (یاد کن) وقتی که لقمان در مقام پند و موعظه به فرزندش گفت: ای پسر عزیزم، هرگز شرک به خدا نیاور که شرک بسیار ظلم بزرگی است.

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ  
وَفِصْلُهُ فِي عَامَيْنِ أَنِ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَى الْمَصِيرِ

و ما به هر انسانی سفارش کردیم که در حق پدر و ما در خود نیکی کن خصوص مادر که چون بار حمل فرزند برداشته و تا مدت دو سال که طفل را از شیر باز گرفته (هر روز) بر رنج و ناتوانیش افزوده است، (و فرمودیم که) شکر من و شکر پدر و مادرت بجای آور، که بازگشت (خلق) به سوی من خواهد بود.

وَإِنْ جَاهَدَاكَ عَلَىٰ أَنْ تُشْرِكَ بِي مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ فَلَا تُطِعْهُمَا ۗ وَصَاحِبُهُمَا فِي الدُّنْيَا مَعْرُوفًا ۗ وَاتَّبِعْ سَبِيلَ مَنْ أَنَابَ إِلَيَّ ۚ ثُمَّ إِلَيَّ مَرْجِعُكُمْ فَأُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و اگر پدر و مادر تو را بر شرک به خدا که آن را به حق نمی‌دانی وادار کنند در این صورت دیگر آنها را اطاعت مکن و لیک در دنیا با آنها به حسن خلق مصاحبت کن و از راه آن کس که به درگاه من رجوع و انابه‌اش بسیار است پیروی کن، که (پس از مرگ) رجوع شما به سوی من است و من شما را به پاداش اعمالتان آگاه خواهم ساخت.

يُبْنِي ۖ إِنَّهَا إِن تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِّنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي  
صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ ۚ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ

ای فرزندم، خدا اعمال بد و خوب خلق را گر چه به مقدار خردلی در میان سنگی یا در (طبقات) آسمان‌ها یا زمین پنهان باشد همه را (در محاسبه) می‌آورد، که خدا توانا و آگاه است.

يُبْنِي ۖ أَقِمِ الصَّلَاةَ وَآمُرْ بِالْمَعْرُوفِ وَانْهَ عَنِ الْمُنْكَرِ  
وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا أَصَابَكَ ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ مِنْ عَزْمِ الْأُمُورِ

ای فرزند عزیزم، نماز را به پا دار و امر به معروف و نهی از منکر کن و (بر این کار از مردم نادان) هر آزار بینی صبر پیش گیر، که این نشانه‌ای از عزم ثابت (مردم بلند همت) در امور عالم است.

وَلَا تُصَعِّرْ خَدَّكَ لِلنَّاسِ وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا ۚ إِنَّ اللَّهَ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

و هرگز به تکبر و ناز از مردم (اهل نیاز) رخ متاب و در زمین با غرور و تیختر قدم بر مدار، که خدا هرگز مردم متکبر خودستا را دوست نمی‌دارد.

وَأَقْصِدْ فِي مَشْيِكَ ۖ وَأَغْضُضْ مِنْ صَوْتِكَ ۚ إِنَّ أَنْكَرَ الْأَصْوَاتِ لَصَوْتُ الْحَمِيرِ

و در رفتارت میانه روی اختیار کن و سخن آرام گو (نه با فریاد بلند) که زشت‌ترین صداها صوت الاغ است.

أَلَمْ تَرَوْا أَنَّ اللَّهَ سَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَأَسْبَغَ عَلَيْكُمْ نِعْمَهُ ظَهْرَةً وَبَاطِنَةً وَمِنَ النَّاسِ مَن يُجَادِلُ فِي اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَلَا هُدًى وَلَا كِتَابٍ مُّنِيرٍ

آیا شما مردم به حسن مشاهده نمیکنید که خدا انواع موجوداتی که در آسمانها و زمین است برای شما مسخر کرده و نعمت‌های ظاهر و باطن خود را برای شما فراوان فرموده؟ و (با وجود این) برخی از مردم از روی جهل و گمراهی و بی‌خبری از کتاب روشن (حق) در (دین) خدای متعال مجادله می‌کنند.

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّبِعُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ قَالُوا بَلْ نَتَّبِعُ مَا وَجَدْنَا عَلَيْهِ آبَاءَنَا أُولَئِكَ كَانَ الشَّيْطَانُ يَدْعُوهُمْ إِلَىٰ عَذَابِ السَّعِيرِ

و چون به این مردم (اهل جدل و عناد) گویند که بیایید از کتابی که خدا فرستاده پیروی کنید، جواب دهند ما تنها از طریقی که پدران خود را بر آن یافته‌ایم پیروی می‌کنیم. آیا هر چند آنان را شیطان به آتش دوزخ بخواند (باز پیرو آنها می‌شوند).

وَمَن يُسَلِّمْ وَجْهَهُ إِلَى اللَّهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ فَقَدِ اسْتَمْسَكَ بِالْعُرْوَةِ الْوُثْقَىٰ وَإِلَى اللَّهِ عَاقِبَةُ الْأُمُورِ

و هر کس روی تسلیم و رضا به سوی خدا آرد و نکوکار باشد چنین کس به محکم‌ترین رشته الهی چنگ زده است، و (بدانید که) پایان کارها به سوی خداست.

وَمَن كَفَرَ فَلَا يَحْزُنكَ كُفْرُهُ ۚ إِلَيْنَا مَرْجِعُهُمْ فَنُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۗ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

(ای رسول ما) تو از کفر هر که کافر شود محزون مباش، که رجوعشان به سوی ماست و ما آنان را سخت از (کیفر) کردارشان آگاه می‌سازیم، که همانا خدا از اسرار دلهای خلق هم آگاه است.

نُمَتِّعُهُمْ قَلِيلًا ثُمَّ نَضْطَرُّهُمْ إِلَىٰ عَذَابٍ غَلِيظٍ

اندک زمانی آن کافران را (به لذات فانی دنیا) برخوردار می‌سازیم آن گاه (بعد از مرگ) به عذاب سختشان به ناچار گرفتار خواهیم کرد.

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُم مِّنْ خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ قُلِ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۚ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و اگر از این کافران سؤال کنی آن کیست که آسمانها و زمین را آفریده؟ البته جواب دهند خداست. باز گو: ستایش خدای را (که کافران نیز معترفند) بلکه اکثر آنها (بر این حقیقت که آفریننده جهان خداست اگر به زبان گویند به دل) آگاه نیستند.

لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

هر چه در آسمان و زمین است همه ملک خداست، که خدا ذاتش بی‌نیاز و اوصافش همه پسندیده است.

وَلَوْ أَنَّمَا فِي الْأَرْضِ مِن شَجَرَةٍ أَقْلَمٌ وَالْبَحْرُ يَمُدُّهُ مِنْ بَعْدِهِ سَبْعَةُ أَبْحُرٍ مَّا نَفِدَتْ كَلِمَاتُ اللَّهِ ۗ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ حَكِيمٌ

و اگر هر درخت روی زمین (در کف نویسنندگان عالم) قلم شود و آب دریا به اضافه هفت دریای دیگر مرکب گردد باز نگارش کلمات خدا (که موجودات بی‌نهایت کتاب آفرینش است) ناتمام بماند، که همانا خدا را اقتدار بی‌نهایت و حکمت بی‌پایان است.

مَّا خَلَقَكُمْ وَلَا بَعَثَكُمْ إِلَّا كُنْفُسًا وَّاحِدَةً ۗ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

خلقت و بعثت همه شما (خلایق بی‌شمار در آسانی بر خدا) جز مثل یک تن واحد نیست، که همانا خدا شنوا و بیناست.

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يُوَلِّجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُوَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ  
وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلُّ يَجْرِي إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى وَأَنَّ  
اللَّهَ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

ذَٰلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْحَقُّ وَأَنَّ مَا يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الْبَطْلُ  
وَأَنَّ اللَّهَ هُوَ الْعَلِيُّ الْكَبِيرُ

أَلَمْ تَرَ أَنَّ الْفُلْكَ تَجْرِي فِي الْبَحْرِ بِنِعْمَتِ اللَّهِ لِيُرِيَكُمْ  
مِّنْ آيَاتِهِ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

وَإِذَا غَشِيَهُمْ مَّوْجٌ كَالظُّلَلِ دَعَوْا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ  
فَلَمَّا نَجَّاهُمْ إِلَى الْبَرِّ فَمِنْهُمْ مُّقْتَصِدٌ وَمَا يَجْحَدُ بِآيَاتِنَا إِلَّا  
كُلُّ خَتَّارٍ كَفُورٍ

يَأْتِيهَا النَّاسُ اتَّقُوا رَبَّكُمُ وَأَخْشَوْا يَوْمًا لَا يَجْزِي وَالِدٌ  
عَنْ وَلَدِهِ وَلَا مَوْلُودٌ هُوَ جَازٍ عَنِ وَالِدِهِ ۚ شَيْئًا إِنَّ وَعْدَ  
اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ  
الْغُرُورُ

إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَيُنزِلُ الْغَيْثَ وَيَعْلَمُ مَا فِي  
الْأَرْحَامِ ۗ وَمَا تَدْرِي نَفْسٌ مَّاذَا تَكْسِبُ غَدًا وَمَا تَدْرِي  
نَفْسٌ بِأَيِّ أَرْضٍ تَمُوتُ ۚ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

آیا (ای رسول) ندیدی (و ای مردم به حسّ مشاهده نمیکنید) که خدا شب را در روز و روز را در شب داخل کند و خورشید و ماه را مسخّر ساخته که هر یک تا وقت معینی (و به نظم ثابت مخصوصی) گردش کنند؟ و (نمی‌دانید که) خدا به هر چه می‌کنید آگاه است؟

این قدرت کامل بدین سبب است که خدای یکتا حقّ مطلق و آنچه به جز او به خدایی می‌خوانند همه باطل محض است و تنها خدا (که حقّ و وجود حقیقی است) بلند مرتبه و بزرگوار است.

آیا نمی‌بینی که چگونه کشتی به دریا به لطف و احسان خدا اسیر می‌کند تا به شما بعضی از آیات قدرتش را بنمایاند؟ همانا در این کار آیاتی (از عجایب حکمتهای خدا) البته بر هر شخص صبور (در بلا) و شکر گزار (در نعمت) پدیدار است.

و هرگاه که (دریا طوفانی شود و) موجی مانند کوهها آنها را فرو گیرد در آن حال خدا را با عقیده پاک و اخلاص کامل در دین می‌خوانند و چون باز به ساحل نجاتشان رساند بعضی بر سبیل قصد (طاعت و شکر خدا) باقی مانند (و بعضی به کفر شتابند) و آیات ما را انکار نمی‌کند جز آن کس که غدار و عهد شکن و کافر و ناسپاس است.

ای مردم، از خدا بترسید و ببینیدشید از آن روزی که نه هیچ پدری ذره‌ای به کار فرزند آید و نه هیچ فرزندی ذره‌ای به کار پدر آید، البته وعده خدا حق و حتمی است، پس زنهار شما را زندگانی دنیا فریب ندهد و شیطان فریبنده شما را از (عقاب) خدا (به عفو و کرمش) سخت مغرور نگرداند.

همانا علم ساعت (قیامت) نزد خداست و او باران را فرو بارد و او آنچه (از نر و ماده و زشت و زیبا) که در رحمهای آبستن است می‌داند و هیچ کس نمی‌داند که فردا (از سود و زیان) چه خواهد کرد و هیچ کس نمی‌داند که به کدام سرزمین مرگش فرا می‌رسد (و به خاک می‌رود)، که تنها خدا دانا و آگاه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْم

۱  
۳۵۸

الم (از اسرار یا متشابهات یا اشاره به اسماء الهی یا نام این سوره قرآن است).

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ لَا رَيْبَ فِيهِ مِنْ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۲

تنزیل این کتاب بزرگ (قرآن) بی هیچ شک از جانب پروردگار عالمیان است.

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ بَلْ هُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّكَ لِشُنُذِرَ قَوْمًا مَّا أَتَاهُمْ مِنْ نَذِيرٍ مِّن قَبْلِكَ لَعَلَّهُمْ يَهْتَدُونَ

۳

بلکه کافران می‌گویند قرآن را او از پیش خود (بی‌مدد وحی خدا) فرابافته. (چنین نیست) بلکه آن به حق و راستی از جانب خدا فرستاده شده تا تو قومی را که رسولی پیش از تو به سوی آنان نیامده (از معصیت خدا) بترسانی، باشد که راه هدایت پیش گیرند.

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ عَلَى الْعَرْشِ ۗ مَا لَكُمْ مِّن دُونِهِ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا شَفِيعٍ ۗ أَفَلَا تَتَذَكَّرُونَ

۴

خدا آن کسی است که آسمانها و زمین و هر چه در بین آنهاست همه را در مقدار شش روز بیافرید، آن گاه بر عرش (فرمانروایی) قرار گرفت، شما را غیر او هیچ (در عالم) یار و یاور و شفیع و مددکاری نیست، آیا تذکر نمی‌یابید؟

يُدَبِّرُ الْأَمْرَ مِنَ السَّمَاءِ إِلَى الْأَرْضِ ثُمَّ يَعْرُجُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ أَلْفَ سَنَةٍ مِّمَّا تَعُدُّونَ

۵

اوست که امر عالم را (به نظام احسن و اکمل) از آسمان تا زمین تدبیر می‌کند سپس در روزی که مقدارش به حساب شما بندگان هزار سال است باز (حقایق و ارواح) به سوی او بالا می‌رود.

ذَٰلِكَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

۶

این است همان خدایی که بر غیب و شهود عالم دانا و (بر جهانیان) مقتدر و مهربان است.

الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ ۗ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِينٍ

۷

آن خدایی که هر چیز را به نیکوترین وجه خلقت کرد و آدمی را نخست از خاک (پست بدین حسن و کمال) بیافرید.

ثُمَّ جَعَلَ نَسْلَهُ مِنْ سُلَالَةٍ مِّن مَّاءٍ مَّهِينٍ

۸

آن‌گاه خلقت نژاد نوع او را از چکیده‌ای از آب بی‌قدر (و نطفه بی‌حس) مقرر گردانید.

ثُمَّ سَوَّاهُ وَنَفَخَ فِيهِ مِن رُّوحِهِ ۗ وَجَعَلَ لَكُمُ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

۹

سپس آن (نطفه بی‌جان) را نیکو بیاراست و از روح (قدسی الهی) خود در آن بدمید، و شما را دارای گوش و چشمها و قلبها (با حس و هوش) گردانید، باز بسیار اندک شکر و سپاسگزاری نعمتهای حق می‌کنید.

وَقَالُوا أَءِذَا ضَلَلْنَا فِي الْأَرْضِ أَءِنَّا لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ ۗ بَلْ هُمْ بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ

۱۰

کافران (از روی تعجب و انکار) گویند که آیا پس از آنکه ما در زمین (خاک و در خاک) نابود و گم شدیم باز از نو زنده خواهیم شد؟! (بلی البته زنده خواهید شد) بلکه آنها به شهود و لقاء خدایشان کافرند.

قُلْ يَتَوَفَّكُم مَّلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

۱۱

بگو: فرشته مرگ که مأمور قبض روح شماست جان شما را خواهد گرفت و پس از مرگ به سوی خدای خود بازگردانیده می‌شوید.

حزب

۱۶۶

وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الْمُجْرِمُونَ نَاكِسُوا رُءُوسِهِمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ رَبَّنَا  
أَبْصَرْنَا وَسَمِعْنَا فَارْجِعْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا إِنَّا مُوقِنُونَ

وَلَوْ شِئْنَا لَآتَيْنَا كُلَّ نَفْسٍ هُدًىٰ وَلَكِنْ حَقَّ الْقَوْلُ مِنِّي  
لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ أَجْمَعِينَ

فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَٰذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ  
وَذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّمَا يُؤْمِنُ بِآيَاتِنَا الَّذِينَ إِذَا ذُكِّرُوا بِهَا خَرُّوا سُجَّدًا  
وَسَبَّحُوا بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَهُمْ لَا يَسْتَكْبِرُونَ ۝

تَتَجَافَىٰ جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا  
وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

فَلَا تَعْلَمُ نَفْسٌ مَّا أُخْفِيَ لَهُم مِّن قُرَّةِ أَعْيُنٍ جَزَاءً بِمَا  
كَانُوا يَعْمَلُونَ

أَفَمَن كَانَ مُؤْمِنًا كَمَن كَانَ فَاسِقًا لَّا يَسْتَوُونَ

أَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَىٰ  
نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

وَأَمَّا الَّذِينَ فَسَقُوا فَمَأْوَاهُمُ النَّارُ كُلَّمَا أَرَادُوا أَن يَخْرُجُوا  
مِنْهَا أُعِيدُوا فِيهَا وَقِيلَ لَهُمْ ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي  
كُنْتُمْ بِهِ تَكذِّبُونَ

و اگر تو حال بدکاران را (در قیامت) ببینی که چگونه در حضور خدای خود سر به زیر و ذلیلند (و با آه و ناله حسرت) گویند: پروردگارا، اینک (عذاب تو را) به چشم دیدیم و (سخن رسولانت را) به گوش گرفتیم، پس ما را (به دنیا) باز گردان تا صالح و نیکوکار شویم که اکنون (وعده تو را) به چشم یقین مشاهده کردیم!

و اگر ما (به مشیت ازلی) می‌خواستیم، هر نفسی را به کمال هدایتش (به جبر و الزام) می‌رسانیدیم و لیکن وعده حق و حتمی من است که دوزخ را البته از همه (کافران) جن و انس پر سازم.

پس (خطاب رسد: امروز) شما ای کافران (عذاب را) به کیفر غفلت از ملاقات این روزتان بچشید که ما هم شما را فراموش کردیم (یعنی از نظر لطف انداختیم) و اینک عذاب ابدی را به پاداش اعمال زشتی که می‌کردید بچشید.

تنها کسانی به آیات ما ایمان می‌آورند که چون متذکر آیات ما شوند به سجده رخ بر خاک نهند و تسبیح و تنزیه و ستایش پروردگار کنند و ابدًا به کبر و نخوت سر از فرمان حق نکشند.

(شبهها) پهلو از بستر خواب تهی کنند و با بیم و امید (و ناله اشتیاق در نماز شب) خدای خود را بخوانند و آنچه روزی آنها کرده‌ایم (به مسکینان) انفاق کنند.

پس هیچ کس نمی‌داند که به پاداش نیکوکاریشان چه نعمت و لذت‌های بی‌نهایت که روشنی‌بخش (دل و) دیده است در عالم غیب برایشان ذخیره شده است.

آیا آن کس که ایمان آورده (حالش در قیامت) مانند کسی است که کافر بوده؟ هرگز یکسان نخواهند بود.

اما آنان که (در دنیا) با ایمان و نیکو کار بودند به پاداش اعمال صالح منزلگاه پر نعمت در بهشت ابد یابند.

و اما آنان که سر از طاعت حق کشیده و فاسق شدند منزلگاهشان در آتش دوزخ است و هر چه کوشند و خواهند که از آن آتش بیرون آیند باز (فرشتگان عذاب) بدان دوزخ برگردانندشان و گویند: عذاب آتشی را که (در دنیا) تکذیب می‌کردید اینک بچشید.



وَلَنذِيقَنَّهُمْ مِنَ الْعَذَابِ الْأَدْنَىٰ دُونَ الْعَذَابِ الْأَكْبَرِ  
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ ذُكِّرَ بِآيَاتِ رَبِّهِ ثُمَّ أَعْرَضَ عَنْهَا إِنَّا مِنَ  
الْمُجْرِمِينَ مُنتَقِمُونَ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَىٰ الْكِتَابَ فَلَا تَكُن فِي مِرْيَةٍ مِّنْ  
لِّقَائِهِ ۗ وَجَعَلْنَاهُ هُدًى لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ

وَجَعَلْنَا مِنْهُمْ أُمَّةً يَهْتَدُونَ بِأَمْرِنَا لَمَّا صَبَرُوا وَكَانُوا بِآيَاتِنَا  
يُوقِنُونَ

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ يَفْصِلُ بَيْنَهُم يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ  
يَخْتَلِفُونَ

أَوْ لَمْ يَهْدِ لَهُمْ كَمْ أَهْلَكْنَا مِن قَبْلِهِم مِّنَ الْقُرُونِ  
يَمْشُونَ فِي مَسْكِنِهِمْ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَةً أَفَلَا يَسْمَعُونَ

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا نَسُوقُ الْمَاءَ إِلَى الْأَرْضِ الْجُرُزِ فَنُخْرِجُ بِهِ  
زَرْعًا تَأْكُلُ مِنْهُ أَنْعَامُهُمْ وَأَنْفُسُهُمْ أَفَلَا يُبْصِرُونَ

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْفَتْحِ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

قُلْ يَوْمَ الْفَتْحِ لَا يَنْفَعُ الَّذِينَ كَفَرُوا إِيمَانُهُمْ وَلَا هُمْ  
يُنظَرُونَ

فَأَعْرَضَ عَنْهُمْ وَأَنْتَظِرُ إِنَّهُمْ مُنْتَظِرُونَ

و البته ما کافران را عذاب نزدیکتر (و کمتر به بلاهای دنیا  
یا در برزخ) بچشاییم غیر آن عذاب بزرگتر و شدیدتر  
(قیامت یا قیام حجت عصر علیه السلام) تا مگر (متنبه و  
پشیمان از کفر و عصیان شوند و به سوی خدا) باز گردند.

و کدامین کس در عالم از آن کس که به آیات خدا پند و  
تذکرش دادند و باز اعراض کرد ستمکارتر است؟ البته ما  
از بدکاران انتقام خواهیم کشید.

و همانا ما به موسی کتاب (تورات) را عطا کردیم پس تو در  
ملاقات او (یعنی ملاقات موسی با خدا در قیامت یا شب  
معراج با تو) هیچ شک مدار، و ما او را سبب هدایت بنی  
اسرائیل قرار دادیم.

و برخی از آن بنی اسرائیل را امام و پیشوایانی که خلق را  
به امر ما (نه به امر خلق) هدایت کنند قرار دادیم برای  
آنکه (در راه حق) صبر کردند و در آیات ما مقام یقین  
یافتند.

البته خدای تو به روز قیامت در آنچه این مردم (از آیات و  
احکام الهی) اختلاف کلمه می‌انگیختند حکم خواهد کرد.

آیا آن طوایف و قبایلی را که ما پیش از این مردم کنونی  
هلاک کردیم و اینان اینک در دیارشان به جای آنها رفت و  
آمد می‌کنند هلاک آنها موجب هدایت و عبرت اینان  
نگردید؟ البته در این هلاک پیشینیان آیاتی (از پند و عبرت  
خلق) است، آیا باز هم سخن نمی‌شنوند؟

آیا ندیدند که ما آب باران را به سوی زمین خشک بی‌آب و  
گیاه می‌بریم آن گاه حاصلی که خود و چهارپایانشان از آن  
بخورند می‌رویانیم؟ آیا باز هم چشم بصیرت نمی‌کشایند (تا  
لطف رحمت واسع خدا را به خلق بنگرند).

و کافران می‌گویند: این فتح و گشایش (یعنی روز قیامت یا  
فتح مکه به دست مسلمین که وعد و وعید می‌دهید) کی  
خواهد بود اگر راست می‌گویید؟

بگو که (امروز باید ایمان آرید که) روز فتح، ایمان آنان که  
کافر بودند سود نبخشد و آنها را مهلت ندهند.

پس از آن کافران اعراض و دوری کن و منتظر (فتح و  
فیروزی خدا) باش، که آنها هم منتظر (قوت خویش و ضعف  
و شکست تو) هستند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يَأْتِيهَا النَّبِيُّ اتَّقِ اللَّهَ وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ إِنَّ  
اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

وَاتَّبِعْ مَا يُوحَىٰ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ إِنَّ اللَّهَ كَانَ بِمَا تَعْمَلُونَ  
خَبِيرًا

وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَىٰ بِاللَّهِ وَكِيلًا

مَا جَعَلَ اللَّهُ لِرَجُلٍ مِّنْ قَلْبَيْنِ فِيْ جَوْفِهِ ۚ وَمَا جَعَلَ  
أَزْوَاجَكُمْ أَلْتَىٰ تُظَاهِرُونَ مِنْهُنَّ أُمَّهَاتِكُمْ وَمَا جَعَلَ  
أَدْعِيَاءَكُمْ أَبْنَاءَكُمْ ۚ ذَٰلِكُمْ قَوْلُكُمْ بِأَفْوَاهِكُمْ ۗ وَاللَّهُ  
يَقُولُ الْحَقَّ وَهُوَ يَهْدِي السَّبِيلَ

أَدْعُوهُمْ لِأَبَائِهِمْ هُوَ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ ۚ فَإِن لَّمْ تَعْلَمُوا  
ءَابَاءَهُمْ فَاِخْوَانُكُمْ فِي الدِّينِ وَمَوَالِيكُمْ وَلَيْسَ عَلَيْكُمْ  
جُنَاحٌ فِيمَا أَخْطَأْتُمْ بِهِ ۚ وَلَٰكِن مَّا تَعَمَّدَتْ قُلُوبُكُمْ  
وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

النَّبِيُّ أَوْلَىٰ بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ ۗ وَأَزْوَاجُهُ أُمَّهَاتُهُمْ  
ۗ وَأُولُو الْأَرْحَامِ بَعْضُهُمْ أَوْلَىٰ بِبَعْضٍ فِي كِتَابِ اللَّهِ مِنَ  
الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُهَاجِرِينَ إِلَّا أَن تَفْعَلُوا إِلَىٰ أَوْلِيَائِكُم  
مَّعْرُوفًا كَانَ ذَٰلِكَ فِي الْكِتَابِ مَسْطُورًا

ای پیغمبر (گرامی) همیشه خدا ترس و پرهیزکار باش و هرگز تابع رأی کافران و منافقان مباش که همانا خدا دانا و حکیم است.

و تنها از آنچه به تو از جانب خدایت وحی می‌شود پیروی کن (و بدان و به امت بگو) که خدا به هر چه می‌کنید کاملا آگاه است.

و در کارها بر خدا توکل کن، و تنها خدا برای مدد و نگرهبانی کفایت است.

خدا در درون یک مرد دو قلب (و دو مبدأ ادراک و اراده) قرار نداده و نیز زانتان را که مادر بخوانید مادر شما و پسر دیگری را که فرزند بخوانید پسر شما قرار نداده، این گفتار شما زبانی و غیر واقع است، و خدا سخن به حق می‌گوید و اوست که (شما را) به راه حقیقت راهنمایی می‌کند.

شما پسر خوانده‌ها را به پدرانشان نسبت دهید که این نزد خدا به عدل و راستی نزدیکتر است و اگر پدرانشان را نشناسید (باز فرزند و ارشبر شما نیستند بلکه) در دین برادران و یاران شما هستند، و در کار ناشایسته‌ای که به خطا کنید بر شما گناهی نیست لیکن آن کار زشتی که به عمد و با اراده قلبی می‌کنید بر آن گناه مؤاخذه می‌شوید، و (اگر از این هم پشیمان شوید و توبه کنید باز) خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

پیغمبر اولی و سزاوارتر به مؤمنان است از خود آنها (یعنی مؤمنان باید حکم و اراده او را مقدم بر اراده خود بدانند و از جان و مال در اطاعتش مضایقه نکنند) و زنان او (در اطاعت و عطوفت و حرمت نکاح، به حکم) مادران مؤمنان هستند و خویشاوندان نسبی شخص (در حکم ارث) بعضی بر بعضی دیگر در کتاب خدا مقدمند از انصار و مهاجرین (که با هم عهد برادری بسته‌اند) مگر آنکه به نیکی و احسان بر دوستان خود (از مهاجر و انصار) وصیتی کنید که این (تقدم وصیت بر ارث خویشان) هم در کتاب حق مسطور گردیده است.

وَإِذْ أَخَذْنَا مِنَ النَّبِيِّينَ مِيثَاقَهُمْ وَمِنْكَ وَمِنْ نُوحٍ  
وَإِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ وَأَخَذْنَا مِنْهُمْ مِيثَاقًا  
غَلِيظًا

و (یادآر) آن گاه که ما از پیغمبران عهد و میثاق گرفتیم و هم از تو و از نوح و ابراهیم و موسی و عیسی بن مریم از همه پیمان محکم گرفتیم (که با هر مشقت و زحمتی است رسالت خدا را به خلق ابلاغ کنند).

تا راستگویان عالم (یعنی انبیاء و مؤمنان امت) را از حقیقت و صدق ایمانشان باز پرسد (و آنها را پاداش کامل تبلیغ رسالت و عمل صالح دهد) و اهل کفر را (به کیفر تکذیب رسل) عذابی سخت دردناک مهیا کرده است.

ای اهل ایمان، به یاد آرید نعمتی را که خدا به شما عطا کرد وقتی که لشکر بسیاری (از کافران) بر شما حمله‌ور شدند، پس ما بادی تند و سپاهی بسیار (از فرشتگان) که به چشم نمی‌دیدید فرستادیم، و خدا خود به اعمال شما بینا بود.

(یاد آرید) وقتی که (در جنگ احزاب) لشکر کفار از بالا و زیر بر شما حمله‌ور شدند و آن‌گاه که چشمها حیران شد و جانها به گلو رسید و به وعده خدا گمانهای مختلف بردید (مؤمنان حقیقی به وعده حق و فتح اسلام خوش گمان و دیگران بدگمان و ترسان بودند).

در آنجا مؤمنان امتحان شدند و (ضعیفان در ایمان) سخت متزلزل گردیدند.

و نیز در آن هنگام منافقان و آنان که در دلهایشان مرض (شک و ریب) بود (با یکدیگر) می‌گفتند: آن وعده (فتح و نصرتی) که خدا و رسول به ما دادند غرور و فریبی بیش نبود.

و در آن وقت طایفه‌ای از آن کفار و منافقان دین گفتند: ای یثربیان، دیگر شما را (در اردوگاه) جای ماندن نیست (که همه کشته خواهید شد، از گرد پیغمبر متفرق شوید و به مدینه) باز گردید. و در آن حال گروهی از آنها (برای رفتن) از پیغمبر اجازه خواسته و می‌گفتند: خانه‌های ما دیوار و حفاظی ندارد، در صورتی که (دروغ می‌گفتند و) خانه‌هایشان بی‌حفاظ نبود، و مقصودشان جز فرار (از جبهه جنگ) نبود.

و اگر دشمنان دین از اطراف به شهر و خانه‌شان (از پی غارت) هجوم آرند سپس از آنها تقاضای بازگشت به کفر و شرک کنند آنان اجابت خواهند کرد در صورتی که اندک زمانی بیش در مدینه (با آن شرک) زیست نخواهند کرد (و سپس همه هلاک می‌شوند).

و آن منافقان از این پیش (در جنگ احد که اکثر فرار کردند) با خدا عهد محکم بسته بودند که به جنگ پشت نکنند، و از عهد خدا پرسش خواهد شد.

لَيْسَ لَ الصَّادِقِينَ عَنْ صِدْقِهِمْ وَأَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا  
أَلِيمًا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَذْكُرُوا نِعْمَةَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ إِذْ  
جَاءَتْكُمْ جُنُودٌ فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا وَجُنُودًا لَّمْ تَرَوْهَا  
وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

إِذْ جَاءُوكُم مِّن فَوْقِكُمْ وَمِنْ أَسْفَلَ مِنكُمْ وَإِذْ زَاغَتِ  
الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَتَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا

هُنَالِكَ أُبْتَلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَزُلْزِلُوا زِلْزَالًا شَدِيدًا

وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ مَّا وَعَدَنَا  
اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا

وَإِذْ قَالَتْ طَآئِفَةٌ مِّنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ  
فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِّنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا  
عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِن يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا

وَلَوْ دُخِلَتْ عَلَيْهِم مِّنْ أَقْطَارِهَا ثُمَّ سُلِوا الْفِتْنَةَ لَآتَوْهَا  
وَمَا تَلَبَّثُوا بِهَا إِلَّا يَسِيرًا

وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلِ لَا يُؤْلُونَ إِلَّا دَبْرًا وَكَانَ  
عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا

قُلْ لَنْ يَنْفَعَكُمْ الْفِرَارُ إِنْ فَرَرْتُمْ مِّنَ الْمَوْتِ أَوْ الْقَتْلِ  
وَإِذَا لَا تُمْتَعُونَ إِلَّا قَلِيلًا

(ای رسول ما، منافقان را) بگو: اگر از مرگ یا قتل فرار می‌کنید آن فرار هرگز به نفع شما نیست چه آنکه اندک زمانی بیش (از زندگی) کامیاب نخواهید شد.

بگو: اگر خدا به شما اراده بلا و شری کند یا اراده لطف و مرحمتی فرماید آن کیست که شما را از اراده خدا منع تواند کرد؟ و هرگز خلق جز خدا هیچ یار و یآوری نخواهند یافت.

محققا خدا از حال آن مردم (منافق) که مسلمین را از جنگ می‌ترسانند و باز می‌دارند و به برادران (و طایفه) خود می‌گویند: با ما متفق باشید (نه با مؤمنان) به خوبی آگاه است، و آنها جز اندک زمانی (آن هم برای نفاق و ریا کاری) به جنگ حاضر نمی‌شوند.

آنها (به هر نوع کمک مالی و غیره) بر شما مؤمنان بخل می‌ورزند و هر گاه جنگ و خطری پیش آید آنها را چنان بینی که از شدت ترس با چشمی که از بیم دوران می‌زند به تو نگاه می‌کنند مانند کسی که از سختی مرگ حال بیهوشی به او دست دهد، و باز وقتی که جنگ و خطر بر طرف شد (و فتح و غنیمتی به دست آمد) سخت با زبان تند و گفتار خشن با کمال حرص و بخل شما را بیازارند (و مطالبه غنیمت کنند) اینان هیچ ایمان نیاورده‌اند، خدا هم اعمالشان را (چون همه ریاست) محو و نابود می‌گرداند و این بر خدا آسان است.

و آن منافقان گمان کنند که لشکرهای کافران هنوز از دور مدینه نرفته و شکست نخورده‌اند و اگر آن دشمنان بار دیگر بر علیه السلام لشکر کشند باز منافقان آرزوشان این است که در میان اعراب بادیه (از جنگ آسوده و برکنار) باشند و از اخبار جنگی شما جویا شوند، و اگر هم در میان (سپاه) شما در آیند جز اندکی (آن هم به ریا و نفاق) به جنگ نپردازند.

البته شما را به رسول خدا (چه در صبر و مقاومت با دشمن و چه دیگر اوصاف و افعال نیکو) اقتدایی نیکوست، برای آن کس که به (ثواب) خدا و روز قیامت امیدوار باشد و یاد خدا بسیار کند.

و مؤمنان چون لشکر و نیروهای کفار را به چشم دیدند گفتند: این همان (جنگی) است که خدا و رسول (از پیش) ما را وعده دادند و خدا و رسول راست گفتند، و این دیدار دشمن جز بر ایمان و تسلیمشان نیفزود.

قُلْ مَنْ ذَا الَّذِي يَعْصِمُكُم مِّنَ اللَّهِ إِنْ أَرَادَ بِكُمْ سُوءًا  
أَوْ أَرَادَ بِكُمْ رَحْمَةً وَلَا يَجِدُونَ لَهُم مِّن دُونِ اللَّهِ وَلِيًّا وَلَا  
نَصِيرًا

قَدْ يَعْلَمُ اللَّهُ الْمُعَوِّقِينَ مِنْكُمْ وَالْقَائِلِينَ لِإِخْوَانِهِمْ هَلُمَّ  
إِلَيْنَا وَلَا يَأْتُونَ الْبَاسَ إِلَّا قَلِيلًا

أَشِحَّةً عَلَيْكُمْ فَإِذَا جَاءَ الْخَوْفُ رَأَيْتَهُمْ يَنْظُرُونَ إِلَيْكَ  
تَدَوُّرًا أَعْيُنُهُمْ كَالَّذِي يُغْشَىٰ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَإِذَا ذَهَبَ  
الْخَوْفُ سَلَقُوكُمْ بِالسِّنَةِ حِدَادٍ أَشِحَّةً عَلَى الْخَيْرِ أُولَٰئِكَ  
لَمْ يُؤْمِنُوا فَأَحْبَطَ اللَّهُ أَعْمَلَهُمْ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

يَحْسَبُونَ الْأَحْزَابَ لَمْ يَذْهَبُوا وَإِنْ يَأْتِ الْأَحْزَابُ يَوَدُّوْا لَوْ  
أَنَّهُمْ بَادُونَ فِي الْأَعْرَابِ يَسْأَلُونَ عَنْ أَنْبَائِكُمْ وَلَوْ كَانُوا  
فِيكُمْ مَا قَتَلُوا إِلَّا قَلِيلًا

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا  
اللَّهَ وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَذَكَرَ اللَّهَ كَثِيرًا

وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَحْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ  
وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا  
وَتَسْلِيمًا

مِنَ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ  
مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَمِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَمَا بَدَلُوا تَبْدِيلًا

لِيَجْزِيَ اللَّهُ الصَّادِقِينَ بِصِدْقِهِمْ وَيُعَذِّبَ الْمُنَافِقِينَ إِنْ  
شَاءَ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ كَانَ غَفُورًا رَحِيمًا

وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَىٰ اللَّهُ  
الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيمًا

وَأَنْزَلَ الَّذِينَ ظَاهَرُوهُمْ مِّنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ صَيَاصِيهِمْ  
وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ فَرِيقًا تَقْتُلُونَ وَتَأْسِرُونَ فَرِيقًا

وَأُورِثَكُمُ أَرْضَهُمْ وَدِيَارَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ وَأَرْضًا لَّمْ تَطَّوُّهَا  
وَكَانَ اللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرًا

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ قُلٌّ لِأَزْوَاجِكَ إِنْ كُنْتِ تَرْضَيْنَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا  
وَزِينَتَهَا فَتَعَالَيْنَ أُمَتِّعْكُنَّ وَأُسَرِّحْكُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

وَإِنْ كُنْتِ تَرْضَيْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالْآخِرَةَ فَإِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ  
لِلْمُحْسِنَاتِ مِنكُنَّ أَجْرًا عَظِيمًا

يَنْسَاءَ النَّبِيِّ مَن يَأْتِ مِنكُنَّ بِفَاحِشَةٍ مُّبِينَةٍ يُضَعَّفُ  
لَهَا الْعَذَابُ ضِعْفَيْنِ وَكَانَ ذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرًا

برخی از آن مؤمنان، بزرگ مردانی هستند که به عهد و پیمانی که با خدا بستند کاملاً وفا کردند، پس برخی پیمان خویش گزاردند (و بر آن عهد ایستادگی کردند تا به راه خدا شهید شدند مانند عبیده و حمزه و جعفر) و برخی به انتظار (فیض شهادت) مقاومت کرده و هیچ عهد خود را تغییر ندادند (مانند علی علیه السلام که در کوفه به محراب عبادت شهید گشت).

تا آنکه خدا آن مردان راستگوی (با وفا) را از صدق ایمانشان پاداش نیکو بخشد و منافقان را (به عدل) عذاب کند اگر بخواهد یا (به لطف) توبه‌شان بپذیرد که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

و خدا کافران را (در جنگ احزاب) با همان خشم و غضبی که (به مؤمنان) داشتند بی‌آنکه هیچ خیر و غنیمی به دست آورند ناامید برگردانید و خدا امر جنگ را (به فرستادن باد صرصر و سپاه فرشتگان غیبی) از مؤمنان کفایت فرمود، و خدا بسیار توانا و مقتدر است.

و آن گروه اهل کتاب (از یهودان) را که پشتیبان و کمک مشرکان بودند خدا از حصار و سنگرهاشان فرود آورد و در دلشان (از شما مسلمین) ترس افکند تا آنکه گروهی از آنها را به قتل رسانیده و گروهی را اسیر می‌کردید.

و شما را وارث سرزمین و دیار و اموال آنها کرد و نیز سرزمینی را که هیچ بر آن قدم (به جنگ) ننهاید نصیب شما گردانید، و خدا بر هر چیز تواناست.

ای پیغمبر (گرامی) با زنان خود بگو که اگر شما زندگانی با زیب و زیور دنیا را طالبید بیابید تا من مهر شما را پرداخته و همه را به خوبی و خرسندی طلاق دهم.

و اگر طالب خدا و رسول و مشتاق دار آخرت هستید همانا خدا برای نیکوکاران از شما زنان (در قیامت) اجر عظیم آماده کرده است.

ای زنان پیغمبر، از شما هر که به کار ناروای آشکاری دانسته اقدام کند او را دو برابر دیگران عذاب کنند و این بر خدا سهل و آسان است.

وَمَنْ يَقْنُتْ مِنْكُنَّ لِلَّهِ وَرَسُولِهِ وَتَعْمَلْ صَالِحًا نُؤْتِهَا أَجْرَهَا مَرَّتَيْنِ وَأَعْتَدْنَا لَهَا رِزْقًا كَرِيمًا

و هر که از شما مطیع فرمان خدا و رسول باشد و نیکوکار شود پاداشش را دو بار عطا کنیم و برای او روزی بسیار نیکو (در بهشت ابد) مهیا سازیم.

ای زنان پیغمبر، شما مانند دیگر زنان نیستید (بلکه مقامتان رفیع‌تر است) اگر خدا ترس و پرهیزکار باشید، پس زناهار نازک و نرم (با مردان) سخن مگویید مبدا آن که دلش بیمار (هوا و هوس) است به طمع افتد (بلکه متین) و درست و نیکو سخن گوید.

و در خانه‌هایتان بنشینید و آرام گیرید (و بی‌حاجت و ضرورت از منزل بیرون نروید) و مانند دوره جاهلیت پیشین با آرایش و خود آرایبی بیرون نیابید، و نماز به پا دارید و زکات (مال به فقیران) بدهید و از امر خدا و رسول اطاعت کنید. خدا چنین می‌خواهد که هر رجس و آلیشی را از شما خانواده (نبوت) ببرد و شما را از هر عیب پاک و منزه گرداند (ذیل آیه موافق اخبار شیعه و اهل سنت راجع به شخص پیغمبر و علی و فاطمه و حسنین علیهم السلام است و اگر راجع به زنان پیغمبر بود بایستی ضمیر مؤنث-عنکن- ذکر شود و به سیاق جمل صدر آیه باشد).

و از آن همه آیات الهی و حکمتی که در خانه‌های شما تلاوت می‌شود متذکر شوید (و پند گیرید، و بدانید) که همانا خدا را (به خلق) لطف و مهربانی است و (به حال همه) آگاه است.

همانا کلیه مردان و زنان مسلمان و مردان و زنان با ایمان و مردان و زنان اهل طاعت و عبادت و مردان و زنان راستگوی و مردان و زنان صابر و مردان و زنان خدا ترس خاشع و مردان و زنان خیر خواه مسکین نواز و مردان و زنان روزه‌دار و مردان و زنان با حفاظ خوددار از تمایلات حرام و مردان و زنانی که یاد خدا بسیار کنند، بر همه آنها خدا مغفرت و پاداشی بزرگ مهیا ساخته است..

يٰۤاَيُّهَا النِّسَاءُ لَسْتُنَّ كَأَحَدٍ مِّنَ النِّسَاءِ إِنِ اتَّقَيْتُنَّ فَلَا تَخْضَعْنَ بِالْقَوْلِ فَيَطْمَعَ الَّذِي فِي قَلْبِهِ مَرَضٌ وَقُلْنَ قَوْلًا مَّعْرُوفًا

۳۲

وَقَرْنَ فِي بُيُوتِكُنَّ وَلَا تَبَرَّجْنَ تَبَرُّجَ الْجَاهِلِيَّةِ الْأُولَىٰ وَأَقِمْنَ الصَّلَاةَ وَآتِينَ الزَّكَاةَ وَأَطِعْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا

۳۳

وَأذْكُرَنَّ مَا يُتْلَىٰ فِي بُيُوتِكُنَّ مِنْ آيَاتِ اللَّهِ وَالْحِكْمَةِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ لَطِيفًا خَبِيرًا

۳۴

إِنَّ الْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَالْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْقَنَاتِينَ وَالْقَنَاتَاتِ وَالصَّادِقِينَ وَالصَّادِقَاتِ وَالصَّابِرِينَ وَالصَّابِرَاتِ وَالْخَاشِعِينَ وَالْخَاشِعَاتِ وَالْمُتَصَدِّقِينَ وَالْمُتَصَدِّقَاتِ وَالصَّامِتِينَ وَالصَّامِتَاتِ وَالْحَافِظِينَ فُرُوجَهُمْ وَالْحَافِظَاتِ وَالذَّاكِرِينَ اللَّهَ كَثِيرًا وَالذَّاكِرَاتِ أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

۳۵  
۳۶۵

وَمَا كَانَ لِمُؤْمِنٍ وَلَا مُؤْمِنَةٍ إِذَا قَضَى اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَمْرًا أَنْ يَكُونَ لَهُمُ الْخِيَرَةُ مِنْ أَمْرِهِمْ ۗ وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا مُّبِينًا

وَإِذْ تَقُولُ لِلَّذِي أَنْعَمَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَأَنْعَمْتَ عَلَيْهِ أَمْسِكْ عَلَيْكَ زَوْجَكَ وَاتَّقِ اللَّهَ وَتُخْفِي فِي نَفْسِكَ مَا اللَّهُ مُبْدِيهِ وَتَخْشَى النَّاسَ وَاللَّهُ أَحَقُّ أَنْ تَخْشَاهُ ۗ فَلَمَّا قَضَى زَيْدٌ مِنْهَا وَطَرًا زَوَّجْنَاكَهَا لِكَيْ لَا يَكُونَ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ حَرَجٌ فِي أَزْوَاجِ أَدْعِيَائِهِمْ إِذَا قَضَوْا مِنْهُنَّ وَطَرًا ۚ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ مَفْعُولًا

مَا كَانَ عَلَى النَّبِيِّ مِنْ حَرَجٍ فِيمَا فَرَضَ اللَّهُ لَهُ ۗ سُنَّةَ اللَّهِ فِي الَّذِينَ خَلَوْا مِنْ قَبْلُ ۚ وَكَانَ أَمْرُ اللَّهِ قَدَرًا مَقْدُورًا

الَّذِينَ يُبَلِّغُونَ رِسَالَاتِ اللَّهِ وَيَخْشَوْنَهُ ۚ وَلَا يَخْشَوْنَ أَحَدًا إِلَّا اللَّهَ ۗ وَكَفَى بِاللَّهِ حَسِيبًا

مَا كَانَ مُحَمَّدٌ أَبَا أَحَدٍ مِّن رِّجَالِكُمْ وَلَكِن رَّسُولَ اللَّهِ ۗ وَخَاتَمَ النَّبِيِّينَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اذْكُرُوا اللَّهَ ذِكْرًا كَثِيرًا

وَسَبِّحْهُ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

هُوَ الَّذِي يُصَلِّي عَلَيْكُمْ وَمَلَائِكَتُهُ لِيُخْرِجَكُم مِّنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۚ وَكَانَ بِالْمُؤْمِنِينَ رَحِيمًا

و هیچ مرد و زن مؤمنی را در کاری که خدا و رسول حکم کنند اراده و اختیاری نیست (که رأی خلافی اظهار نمایند) و هر کس نافرمانی خدا و رسول او کند دانسته به گمراهی سختی افتاده است (پیغمبر زینب دختر عمه‌اش را به زید، غلام آزاد کرده خود تزویج کرد و زینب گفت: من از اشراف قریشم غلامی را به شوهری نپذیرم. این آیه نازل شد و پذیرفت).

و (یاد کن) وقتی که با آن کس که خدایش نعمت اسلام بخشید و تواش نعمت آزادی (یعنی زید بن حارثه، به نصیحت) می‌گفتی برو زن خود را نگه دار و از خدا بترس (و طلاقش مده)، و آنچه در دل پنهان می‌داشتی (که زینب را بگیری و حرمت ازدواج با زن پسر خوانده را که در جاهلیت بود منسوخ کنی) خدا می‌خواست آشکار سازد و تو از (مخالفت و سرزنش) خلق می‌ترسیدی و از خدا سزاوارتر بود بترسی. پس (بدین غرض) چون زید از آن زن کام دل گرفت (و طلاقش داد) او را ما به نکاح تو در آوردیم تا مؤمنان در نکاح زنان پسرخوانده خود که از آنها کامیاب شدند (و طلاق دادند) بر خویش حرج و گناهی نپندارند، و فرمان خدا انجام شدنی است.

پیغمبر را در حکمی که خدا (در نکاح زنان پسر خوانده) برای او مقرر فرموده گناهی نیست، سنت الهی در میان آنان که در گذشتند هم این است (که انبیاء را توسعه در امر نکاح و تحلیل برخی محرمات است) و فرمان خدا حکمی نافذ و حتمی و به اندازه و حساب شده است.

(این سنت خداست در حق) آنان که تبلیغ رسالت خدا کنند و از خدا می‌ترسند و از هیچ کس جز خدا نمی‌ترسند و خدا برای حساب به تنهایی کفایت می‌کند.

محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) پدر هیچ یک از مردان شما (زید یا عمرو) نیست (پس زینب زن فرزند پیغمبر نبود و پس از طلاق او را تواند گرفت) لیکن او رسول خدا و خاتم انبیاست، و خدا همیشه (حکمش وفق حکمت و مصلحت است، زیرا او) بر همه امور عالم آگاه است.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید ذکر حق و یاد خدا (به دل و زبان) بسیار کنید.

و دایم صبح و شام به تسبیح و تنزیه ذات پاکش بپردازید.

اوست خدایی که هم او و هم فرشتگانش بر شما بندگان رحمت می‌فرستند تا شما را از ظلمت‌ها (ی جهل و نقص و گمراهی) بیرون آرد و به عالم نور (علم و ایمان) رساند، و او بر اهل ایمان بسیار مهربان است.

تَحِيَّتُهُمْ يَوْمَ يَلْقَوْنَهُ وَسَلَّمَ وَأَعَدَّ لَهُمْ أَجْرًا كَرِيمًا

تحيّت مؤمنان (و پذیرایی ایشان) روزی که به لقاء رحمت حق نائل شوند سلام (خدا و بشارت لطف الهی) خواهد بود، و بر آنان پاداش با کرامت و شرافت مهیا فرموده است.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَاهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

ای پیامبر (گرامی) ما تو را به رسالت فرستادیم تا (بر نیک و بد خلق) گواه باشی و (خوبان را به رحمت الهی) مژده دهی و (بدان را از عذاب خدا) بترسانی.

وَدَاعِيًا إِلَى اللَّهِ بِإِذْنِهِ وَسِرَاجًا مُنِيرًا

و به اذن حق (خلق را) به سوی خدا دعوت کنی و (در این شب ظلمانی جهان) چراغ فروزان عالم باشی.

وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ بِأَنَّ لَهُم مِّنَ اللَّهِ فَضْلًا كَبِيرًا

و مؤمنان را بشارت ده که خدا را بر آنان فضل (و رحمت عظیم و ثواب) بزرگ خواهد بود (که از حد تصور آنها بیرون است).

وَلَا تُطِعِ الْكَافِرِينَ وَالْمُنَافِقِينَ وَدَعْ أَذُنَهُمْ وَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ وَكِيلًا

ای رسول، هرگز به فرمان کافران و منافقان مباش و از جور و آزارشان درگذر و کار خود به خدا واگذار، که خدا بر کفالت و کارسازی (امور خلق) کفایت است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَكَحْتُمُ الْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ طَلَقْتُمُوهُنَّ مِنْ قَبْلِ أَنْ تَمْسُوهُنَّ فَمَا لَكُمْ عَلَيْهِنَّ مِنْ عِدَّةٍ تَعْتَدُونَهَا فَمَتَّعُوهُنَّ وَسَرَحوهُنَّ سَرَاحًا جَمِيلًا

ای مردان با ایمان، هر گاه زنان مؤمنه را به عقد خود در آورده و پیش از آنکه با آنها نزدیکی کنید طلاقشان دادید در این صورت از شما نگه داشتن عده بر آنها نیست، پس آنها را به چیزی بهره‌مند و به نیکی رها سازید.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِنَّا أَحْلَلْنَا لَكَ أَزْوَاجَكَ الَّتِي ءَاتَيْتَ أَجُورَهُنَّ وَمَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ مِمَّا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَيْكَ وَبَنَاتِ عَمِّكَ وَبَنَاتِ عَمَّتِكَ وَبَنَاتِ خَالِكَ وَبَنَاتِ خَالَتِكَ الَّتِي هَاجَرْنَ مَعَكَ وَامْرَأَةً مُّؤْمِنَةً إِنْ وَهَبَتْ نَفْسَهَا لِلنَّبِيِّ إِنْ أَرَادَ النَّبِيُّ أَنْ يَسْتَنْكِحَهَا خَالِصَةً لَّكَ مِنْ دُونِ الْمُؤْمِنِينَ قَدْ عَلِمْنَا مَا فَرَضْنَا عَلَيْهِمْ فِي أَزْوَاجِهِمْ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ لِكَيْلَا يَكُونَ عَلَيْكَ حَرَجٌ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

ای پیغمبر (گرامی) ما زنانی را که مهرشان ادا کردی بر تو حلال کردیم و نیز کنیزانی را که به غنیمت خدا تو را نصیب کرد و ملک تو شد و نیز دختران عمو و دختران عمه‌ها و دختران خالو و دختران خاله‌هایت را آنها که با تو از وطن خود هجرت کردند و نیز زن مؤمنه‌ای را که خود را به رسول (بی‌شرط و مهر) ببخشد و رسول هم به نکاحش مایل باشد، که این حکم (هبه و بخشیدن زن و حلال شدن او) مخصوص توست دون مؤمنان، که ما حکم زنان عقدی و کنیزان ملکی مؤمنان را (که پیشتر با شرایط و عدد و حقوق آنها بر شوهر همه را بیان کردیم) می‌دانیم که چه مقرر کرده‌ایم. (این زنان همه را که بر تو حلال کردیم و تو را مانند مؤمنان امتت به احکام نکاح مقید نکردیم) بدین سبب است که بر وجود (عزیز) تو در امر نکاح هیچ حرج و زحمتی نباشد. و خدا را (بر بندگان، خصوص بر تو) مغفرت و رحمت بسیار است.



تُرْجَىٰ مَنْ تَشَاءُ مِنْهُمْ وَتُصَوِّىَ إِلَيْكَ مَنْ تَشَاءُ ۗ وَمَنْ  
أَبْتَغَيْتَ مِمَّنْ عَزَلْتَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْكَ ذَلِكَ أَدْنَىٰ أَنْ تَقَرَّ  
أَعْيُنُهُنَّ وَلَا يَحْزَنَ وَيَرْضَيْنَ بِمَا آتَيْتَهُنَّ كُلُّهُنَّ ۗ وَاللَّهُ يَعْلَمُ  
مَا فِي قُلُوبِكُمْ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا حَلِيمًا

لَا يَحِلُّ لَكَ النِّسَاءُ مِنْ بَعْدُ وَلَا أَنْ تَبَدَّلَ بِهِنَّ مِنْ أَزْوَاجٍ  
وَلَوْ أَعْجَبَكَ حُسْنُهُنَّ إِلَّا مَا مَلَكَتْ يَمِينُكَ ۗ وَكَانَ اللَّهُ  
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ رَقِيبًا

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَدْخُلُوا بُيُوتَ النَّبِيِّ إِلَّا أَنْ يُؤْذَنَ  
لَكُمْ إِلَىٰ طَعَامٍ غَيْرَ نَظْرٍ إِنَّهُ وَلَكِنْ إِذَا دُعِيتُمْ  
فَادْخُلُوا فَإِذَا طَعِمْتُمْ فَانْتَشِرُوا وَلَا مُسْتَعْسِبِينَ لِحَدِيثٍ  
إِنَّ ذَلِكَ كَانَ يُؤْذَىٰ النَّبِيَّ فَيَسْتَحْيِيهِ مِنْكُمْ ۗ وَاللَّهُ لَا  
يَسْتَحْيِيهِ مِنَ الْحَقِّ ۗ وَإِذَا سَأَلْتُمُوهُنَّ مَتَاعًا فَسْأَلُوهُنَّ مِنْ  
وَرَاءِ حِجَابٍ ذَلِكُمْ أَطْهَرُ لِقُلُوبِكُمْ وَقُلُوبِهِنَّ ۗ وَمَا كَانَ  
لَكُمْ أَنْ تُؤْذُوا رَسُولَ اللَّهِ ۗ وَلَا أَنْ تَنْكِحُوا أَزْوَاجَهُ مِنْ  
بَعْدِهِ أَبَدًا ۗ إِنَّ ذَلِكَ كَانَ عِنْدَ اللَّهِ عَظِيمًا

إِنْ تُبْدُوا شَيْئًا أَوْ تُخْفُوهُ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

تو (ای رسول) هر یک از زنان را خواهی نوبتش مؤخر دار  
و هر که را خواهی به خود ببذیر و هم آن را که (به قهر) از  
خود راندی اگرش (به مهر) خواندی باز بر تو باکی نیست،  
این (آزادی و مختار مطلق بودن) بر زنان بهتر و شادمانی  
دل و روشنی دیده آنهاست و سبب آنکه محزون نباشند و  
به آنچه ایشان را عطا کردی همه خشنود باشند. و خدا به  
هر چه در دل شما مردم است آگاه است و خدا (بر نیک و بد  
خلق) دانا و (بر عفوشان کریم و بر انتقامشان) بردبار است.

(ای رسول) بعد از این (زنان) دیگر نه عقد هیچ زن بر تو  
حلال است و نه میدل کردن این زنان به دیگر زن هر چند  
از حسنشان به شگفت آبی و بسیار در نظرت زیبا آیند مگر  
که کنیزی مالک شوی. و خدا بر هر چیز (و بر حدودش)  
مراقب و نگهبان است.

ای کسانی که ایمان آوردید به خانه‌های پیغمبر داخل مشوید  
مگر آنکه اذنتان دهند و بر سفره طعام دعوت کنند در آن  
حال هم نباید زودتر از وقت آمده و به پختن و آماده شدن  
آن چشم انتظار گشایید بلکه موقعی که دعوت شده‌اید  
بیایید و چون غذا تناول کردید زود (از پی کار خود) متفرق  
شوید نه آنجا برای سرگرمی و انس به گفتگو پردازید، که  
این کار پیغمبر را آزار می‌دهد و او به شما از شرم اظهار  
نمی‌دارد ولی خدا را بر اظهار حق خجالتی نیست و هر گاه از  
زنان رسول متاعی می‌طلبید از پس پرده طلبید، که حجاب  
برای آنکه دلهای شما و آنها پاک و پاکیزه بماند بهتر است و  
نباید هرگز رسول خدا را (در حیات) بیازارید و نه پس از  
وفات هیچ گاه زنانش را به نکاح خود در آورید، که این کار  
نزد خدا (گناهی) بسیار بزرگ است.

و (از خدا بترسید که) هر چیزی را اگر آشکار یا پنهان کنید  
خدا (بر آن و) بر همه امور جهان کاملا آگاه است.

لَا جُنَاحَ عَلَيْهِنَّ فِيءِ اَبَائِهِنَّ وَلَا اَبْنَائِهِنَّ وَلَا اِخْوَانِهِنَّ  
وَلَا اَبْنَاءِ اِخْوَانِهِنَّ وَلَا اَبْنَاءِ اَخَوَاتِهِنَّ وَلَا نِسَائِهِنَّ وَلَا مَا  
مَلَكَتْ اَيْمَانُهُنَّ وَاتَّقِيْنَ اللّٰهَ اِنَّ اللّٰهَ كَانَ عَلٰى كُلِّ شَيْءٍ  
شَهِيدًا

اِنَّ اللّٰهَ وَمَلَائِكَتُهٗ يُصَلُّوْنَ عَلٰى النَّبِيِّ يٰۤاَيُّهَا الَّذِيْنَ ءَامَنُوْا  
صَلُّوْا عَلَيْهِ وَسَلِّمُوْا تَسْلِيْمًا

اِنَّ الَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ اللّٰهَ وَرَسُوْلَهٗ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فِي الدُّنْيَا  
وَالْآخِرَةِ وَاَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا مُّهِينًا

وَالَّذِيْنَ يُؤْذُوْنَ الْمُؤْمِنِيْنَ وَالْمُؤْمِنَاتِ بِغَيْرِ مَا اُكْتَسَبُوْا  
فَقَدْ اُحْتَمَلُوْا بُهْتَانًا وَاِثْمًا مُّبِيْنًا

يٰۤاَيُّهَا النَّبِيُّ قُلْ لِاَزْوَاجِكَ وَبَنَاتِكَ وَنِسَاءِ الْمُؤْمِنِيْنَ  
يُذْنِبْنَ عَلَيْهِنَّ مِنْ جَلَبِيْبِهِنَّ ذٰلِكَ اَدْنٰى اَنْ يُعْرَفْنَ فَلَا  
يُؤْذِيْنَ ۗ وَكَانَ اللّٰهُ غَفُوْرًا رَّحِيْمًا

لَئِنْ لَّمْ يَنْتَهِ الْمُنٰفِقُوْنَ وَالَّذِيْنَ فِي قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ  
وَالْمُرْجِفُوْنَ فِي الْمَدِيْنَةِ لَنُغْرِيَنَّكَ بِهِمْ ثُمَّ لَا يُجَاوِرُوْنَكَ  
فِيْهَا اِلَّا قَلِيْلًا

مَلْعُوْنِيْنَ اَيْنَمَا تُقِفُوْا اٰخِذُوْا وَقْتِلُوْا تَقْتِيْلًا

سُنَّةَ اللّٰهِ فِي الدِّیْنِ خَلَوْا مِنْ قَبْلِ ۗ وَلَنْ تُجَدَّ لِسُنَّةِ اللّٰهِ  
تَبْدِيْلًا

و زنان را باکی نیست که بر پدران و فرزندان و برادران و  
برادرزادگان و خواهر زادگان و زنان مسلمان و کنیزان ملکی  
(و نابالغ غلامان ببریبه) بی‌حجاب در آیند (و از غیر اینها  
باید احتجاب کنند) و (ای بانوان) از خدا (در خیانت و زشتی  
پنهان) بترسید، که خدا بر همه چیز کاملاً گواه و آگاه است.

خدا و فرشتگانش بر (روان پاک) این پیغمبر صلوات و درود  
می‌فرستند شما هم ای اهل ایمان، بر او صلوات و درود  
بفرستید و با تعظیم و اجلال بر او سلام گویند و تسلیم  
فرمان او شوید.

آنان که خدا و رسول را (به عصیان و مخالفت) آزار و اذیت  
می‌کنند خدا آنها را در دنیا و آخرت لعن کرده (و از رحمت  
خود دور گرداند) و بر آنان عذابی با ذلت و خواری مهیا  
ساخته است.

و آنان که مردان و زنان با ایمان بی‌تقصیر و گناه را بیازارند  
(بترسند که) دانسته بار تهمت و گناه آشکار بزرگی را  
برداشته‌اند.

ای پیغمبر (گرامی) با زنان و دختران خود و زنان مؤمنان بگو  
که خویشتن را به چادر فرو پوشند، که این کار برای اینکه  
آنها (به عفت و حریت) شناخته شوند تا از تعرض و جسارت  
(هوس رانان) آزار نکشد بسیار نزدیکتر است و خدا (در  
حق خلق) بسیار آمرزنده و مهربان است.

البته (بعد از این) اگر منافقان و آنان که در دلهایشان مرض  
(و ناپاکی) است و هم آنها که در مدینه (بر ضد اسلام)  
تبلیغات سوء می‌کنند (و دل اهل ایمان را مضطرب و  
هراسان می‌سازند) دست (از این زشتی و بدکاری) نکشند  
ما هم تو را بر (قتال) آنها بر انگیزیم (و بر جان و مال آنها  
مسلط گردانیم) که از آن پس جز اندک زمانی در مدینه در  
جوار تو زیست نتوانند کرد.

این مردم (پلید بدکار) رانده درگاه حقتند، باید هر جا یافت  
شوند آنان را گرفته و جدّاً به قتل رسانند.

این سنت خدا (و طریقه حق) است که در همه ادوار امم  
گذشته برقرار بوده (که منافقان و فتنه انگیزان را رسولان  
حق به قتل رسانند) و بدان که سنت خدا هرگز مبدل  
نخواهد گشت.

يَسْأَلُكَ النَّاسُ عَنِ السَّاعَةِ ۗ قُلْ إِنَّمَا عِلْمُهَا عِنْدَ اللَّهِ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ السَّاعَةَ تَكُونُ قَرِيبًا

إِنَّ اللَّهَ لَعَنَ الْكٰفِرِينَ وَأَعَدَّ لَهُمْ سَعِيرًا

خٰلِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

يَوْمَ تُقَلَّبُ وُجُوهُهُمْ فِي النَّارِ يَقُولُونَ يٰلَيْتَنَّا أَطَعْنَا اللَّهَ وَأَطَعْنَا الرَّسُولَ

وَقَالُوا رَبَّنَا إِنَّا أَطَعْنَا سَادَتَنَا وَكُبَرَاءَنَا فَأَضَلُّونَا السَّبِيلًا

رَبَّنَا ءَاتِهِمْ ضِعْفَيْنِ مِنَ الْعَذَابِ وَالْعَنَهُمْ لَعْنًا كَبِيرًا

يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ ءَادَوْا مُوسَىٰ فَبَرَأَهُ اللَّهُ مِمَّا قَالُوا وَكَانَ عِنْدَ اللَّهِ وَجِيهًا

يٰٓأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَقُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا

يُصْلِحْ لَكُمْ ءَعْمَالَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ ۗ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا

إِنَّا عَرَضْنَا الْأَمَانَةَ عَلَى السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَالْجِبَالِ فَأَبَيْنَ أَنْ يَحْمِلْنَهَا وَأَشْفَقْنَ مِنْهَا وَحَمَلَهَا الْإِنْسَانُ ۗ إِنَّهُ كَانَ ظَلُومًا جَهُولًا

لِيُعَذِّبَ اللَّهُ الْمُنٰفِقِينَ وَالْمُنٰفِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ وَيَتُوبَ اللَّهُ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَّحِيمًا

مردم از تو می‌پرسند که ساعت قیامت کی خواهد بود؟ جواب ده که آن را خدا می‌داند و بس. و تو چه می‌دانی (بگو به این مردم غافل) شاید آن ساعت بسیار موقعتش نزدیک باشد.

خدا کافران را لعن کرده و بر آنان آتش افروخته دوزخ مهیّا گردانیده است.

که در آن دوزخ همیشه معذبند و (بر نجات خود) هیچ یار و یابوری نخواهند یافت.

در آن روز صورتهایشان در آتش همی بگردد و (فریاد پشیمانی از دل برکشند و) گویند: ای کاش که ما (در دنیا) خدا و رسول را اطاعت می‌کردیم.

و گویند: ای خدا، ما اطاعت امر بزرگان و پیشوایان (فاسد) خود را کردیم که ما را به راه ضلالت کشیدند.

و تو ای خدا عذاب آنان را (سخت و) مضاعف ساز و به لعن و غضب بزرگ و شدید گرفتارشان گردان.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما مانند آن مردمی نباشید که پیغمبرشان موسی را (به تهمت زنا و قتل هارون و دیگر عیب‌جویی‌ها) بیازردند تا آنکه خدا او را از آنچه گفتند منزّه ساخت (و پاکدامنیش بر همه روشن گردانید) و او نزد خدا (پیغمبری) آبرومند و محترم بود.

ای اهل ایمان، متقی و خدا ترس باشید و همیشه به حق و صواب سخن گویند.

تا خدا اعمال شما را (به لطف خود) اصلاح فرماید و از گناهان شما در گذرد. و هر که خدا و رسول را اطاعت کند البته به سعادت و فیروزی بزرگ نائل گردیده است.

ما بر آسمانها و زمین و کوههای عالم (و قوای عالی و دانی ممکنات) عرض امانت کردیم (و به آنها نور معرفت و طاعت و عشق و محبت کامل حق یا بار تکلیف یا نماز و طهارت یا مقام خلافت و ولایت و امامت را ارائه دادیم) همه از تحمل آن امتناع ورزیده و اندیشه کردند و انسان (ناتوان) آن را بپذیرفت، انسان هم (در مقام آزمایش و اداء امانت) بسیار ستمکار و نادان بود (که اکثر به راه جهل و عصیان شتافت).

(این عرض امانت) برای این بود که خدا مرد و زن منافق و مرد و زن مشرک همه را به قهر و عذاب گرفتار کند و از مرد و زن مؤمن (به رحمت) در گذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است..

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَلَهُ  
الْحَمْدُ فِي الْآخِرَةِ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْخَبِيرُ

۱  
ره ۳۷

ستایش و سپاس مخصوص خداست که هر آنچه در آسمانها و زمین است همه ملک اوست و در عالم آخرت نیز شکر و سپاس مخصوص خداست (زیرا نعمتهای دنیا و آخرت همه عطای اوست) و او حکیم و آگاه است.

او هر چه درون زمین رود (از اموات و بذرها و هستهها و قطرات) و هر چه از زمین به درآید (از درختان و حبوبات و چشمهها و معادن) و هر چه از آسمان فرود آید (از فرشتگان و ارواح و ارزاق) و هر چه در آسمان بالا رود (از اعمال صالح و ارواح پاک) همه را میداند و اوست که بسی مهربان و بخشاینده است.

و کافران (منکر قیامت) گفتند که هرگز ساعت قیامتی بر ما نمی‌آید، بگو: چرا، به خدای من قسم که البته (ساعت قیامت) شما را خواهد آمد، خدایی که بر غیب جهان آگاه است و مقدار ذره‌ای (از موجودات عالم) در آسمانها و زمین از او پوشیده نیست و نه کمتر و نه بیشتر از ذره‌ای جز آنکه در کتاب روشن (علم ازلی حق) ثبت است.

تا (مطابق آن علم) آنان را که ایمان آورده و به اعمال صالح پرداختند (در قیامت) پاداش نیکو دهد، که آموزش حق و رزق نیکوی بهشتی مخصوص آنهاست.

و آنان که (از کفر و عناد) در (محو و نابود ساختن) آیات ما سعی و کوشش کردند تا مگر (رسول ما را) ناتوان کنند (و از قهر و قدرت ما بیاسایند) بر آنها عذاب سخت دردناک خواهد بود.

و آنان که اهل دانش و معرفت گردیدند (یعنی مؤمنان و نیکان اهل کتاب) یقین دارند که قرآنی که بر تو نازل شده است از جانب پروردگار تو به حق نازل گردیده است و رهنمای خلق به راه خدای بی‌همتای ستوده صفات است.

و کافران (به تمسخر و استهزاء مؤمنان، با مردم) گفتند که آیا می‌خواهید شما را به مردی رهبری کنیم که شما را خبر می‌دهد که پس از آنکه مریدید و ذرات جسمتان متفرق و پراکنده گردید از نو باز زنده خواهید شد.

يَعْلَمُ مَا يَلِجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا يَنْزِلُ مِنَ  
السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا وَهُوَ الرَّحِيمُ الْغَفُورُ

۲

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَأْتِينَا السَّاعَةُ قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي  
لَتَأْتِيَنَّكُمْ عِلْمُ الْغَيْبِ لَا يَعْزُبُ عَنْهُ مِثْقَالُ ذَرَّةٍ فِي  
السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَلَا أَصْغَرَ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْبَرَ  
إِلَّا فِي كِتَابٍ مُّبِينٍ

۳

لِيَجْزِيَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَٰئِكَ لَهُمْ  
مَغْفِرَةٌ وَرِزْقٌ كَرِيمٌ

۴

وَالَّذِينَ سَعَوْا فِي ءَايَاتِنَا مُعْجِزِينَ أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن  
رَّجْزِ أَلِيمٍ

۵

وَيَرَى الَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ الَّذِي أُنزِلَ إِلَيْكَ مِن رَّبِّكَ هُوَ  
الْحَقُّ وَيَهْدِي إِلَى صِرَاطٍ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

۶

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ نَدُلُّكُمْ عَلَىٰ رَجُلٍ يُنْبِئُكُمْ إِذَا  
مُرِّقْتُمْ كُلَّ مُمْرَقٍ إِنَّكُمْ لَفِي خَلْقٍ جَدِيدٍ

۷

أَفْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا أَمْ بِهِ جِنَّةٌ بَلِ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ  
بِالْآخِرَةِ فِي الْعَذَابِ وَالضَّلَالِ الْبَعِيدِ

آیا این مرد دانسته به خدا دروغ می‌بندد یا جنون بر این گفتارش وا می‌دارد؟ (اینها که می‌پندارید هیچ نیست) بلکه (قیامت به زودی بیاید و) آنان که به عالم آخرت ایمان نمی‌آورند (آن جا) در عذاب و (این جا) در گمراهی دور (از نجات) گرفتارند.

أَفَلَمْ يَرَوْا إِلَىٰ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ مِّنَ السَّمَاءِ  
وَالْأَرْضِ إِن نَّشَأُ نَحْصِفُ بِهِمُ الْأَرْضَ أَوْ نُسْقِطُ عَلَيْهِمْ  
كِسْفًا مِّنَ السَّمَاءِ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَةً لِّكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ

آیا (کافران منکر قیامت) به آسمان و زمین که بر آنها از پیش و پس احاطه کرده ننگریستند (تا از حکمت خلقت پی به زندگانی ابدی قیامت برند) که اگر ما بخواهیم آنها را به زمین فرو می‌بریم یا یک قطعه از آسمان را بر سرشان فرود آوریم؟ همانا در آن آیتی (از حکمت و قدرت ما) بر هر بنده خدا شناس با اخلاص به خوبی پدیدار است.

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ مِنَّا فَضْلًا يٰجِبَالُ اَوْبِي مَعَهُ وَالطَّيْرُ  
وَأَلْنَا لَهُ الْحَدِيدَ

و ما حظ و بهره داود را به فضل و کرم خود کاملا افزودیم (و امر کردیم که) ای کوهها و ای مرغها شما نیز با (تسبیح و نغمه الهی) داود هم آهنگ شوید، و آهن سخت را (چون موم) بر دست او نرم گردانیدیم.

إِنِ اعْمَلُ سَلْبَعًا وَقَدِّرْ فِي السَّرْدِ وَاَعْمَلُوا صَالِحًا إِنِّي  
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

(و به او دستور دادیم) که از آهن زره فراخ و گشاد بساز و حلقه زره به اندازه و یک شکل گردان و خود با قومت همه نیکوکار باشید که من کاملا به هر چه کنید بینايم.

وَلِسُلَيْمَانَ الرِّيحَ غُدُوها شَهْرٌ وَرَوَاحُها شَهْرٌ وَأَسَلْنَا لَهُ  
عَيْنَ الْقَظْرِ وَمِنَ الْجِنِّ مَن يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهٖ  
وَمَن يَزِغْ مِنْهُمْ عَن أَمْرِنَا نَذِقْهُ مِنْ عَذَابِ السَّعِيرِ

و باد را مسخر سلیمان ساختیم که (بساطش را) صبحگاه یک ماه راه می‌برد و عصر یک ماه، و معدن مس گداخته (یا نفت یا معادن دیگر) را برای او جاری گردانیدیم، و برخی از دیوان به اذن پروردگار در حضورش به خدمت می‌پرداختند و از آنها هر که سر از فرمان ما بپیچد عذاب آتش سوزانش می‌چشانیم.

يَعْمَلُونَ لَهُ مَا يَشَاءُ مِنْ مَّحْرِبٍ وَتَمَثِيلٍ وَجَفَانٍ  
كَالْجَوَابِ وَقُدُورٍ رَّاسِيَتٍ اَعْمَلُوا ءَالَ دَاوُودَ شُكْرًا وَقَلِيلٌ  
مِّنْ عِبَادِيَ الشَّاكِرِ

آن دیوان بر او هر چه می‌خواست از (کاخ و عمارات و) معابد عالی و نقوش و تمثالها و ظروف بزرگ مانند حوضها و دیگهای عظیم که بر زمین کار گذاشته بودی همه را می‌ساختند. (و گفتیم که) ای آل داود شما شکر و ستایش خدا به جای آرید (و هر چند) از بندگان من عدهٔ خیلی شکر گزارند.

فَلَمَّا قَضَيْنَا عَلَيْهِ الْمَوْتَ مَا دَلَّهُمْ عَلَىٰ مَوْتِهٖٓ إِلَّا دَابَّةُ  
الْأَرْضِ تَأْكُلُ مِنسَاتَهُ فَلَمَّا خَرَّ تَبَيَّنَتِ الْجِنُّ أَن لَّو  
كَانُوا يَعْلَمُونَ الْغَيْبَ مَا لَبِثُوا فِي الْعَذَابِ الْمُهِينِ

و چون ما بر سلیمان مرگ را مأمور ساختیم (دیوان را) بر مرگ او به جز حیوان زمین (موریانه) که عصای او را می‌خورد (و جسد سلیمان که تا یک سال بر آن عصا تکیه داشت بر روی زمین افتاد) کسی دیگر به مرگ او رهبر نگشت. پس چون جسد سلیمان به زمین افتاد دیوان که از مرگ سلیمان آگاه شدند اگر از اسرار غیب آگاه بودند تا دیر زمانی در عذاب و ذلت و خواری باقی نمی‌ماندند (و از اعمال شاقه‌ای که به اجبار انجام می‌دادند همان دم که سلیمان مرد دست می‌کشیدند).

لَقَدْ كَانَ لِسَبَإٍ فِي مَسْكَنِهِمْ آيَةٌ ۖ جَنَّتَانِ عَن يَمِينٍ وَشِمَالٍ ۚ  
كُلُوا مِن رِّزْقِ رَبِّكُمْ وَأَشْكُرُوا لَهُ ۗ بَلَدَةٌ طَيِّبَةٌ ۚ وَرَبُّ غَفُورٌ

فَأَعْرَضُوا فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ سَيْلَ الْعَرِمِ وَبَدَلْنَاهُم بِجَنَّتَيْهِمْ  
جَنَّتَيْنِ ذَوَاتِي أُكُلٍ خَمْطٍ وَأَثَلٍ وَشَيْءٍ مِّن سِدْرٍ قَلِيلٍ

ذَٰلِكَ جَزَيْنَاهُم بِمَا كَفَرُوا ۚ وَهَلْ نُجَازِي إِلَّا الْكَفُورَ

وَجَعَلْنَا بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْقُرَىٰ الَّتِي بَرَكْنَا فِيهَا قُرَىٰ ظَهْرَةً  
وَقَدَّرْنَا فِيهَا السَّيْرَ ۚ سِيرُوا فِيهَا لِيَالِي وَأَيَّامًا ءَامِنِينَ

فَقَالُوا رَبَّنَا بَعِدَ بَيْنَ أَسْفَارِنَا وَظَلَمُوا أَنفُسَهُمْ فَجَعَلْنَاهُمْ  
أَحَادِيثَ وَمَزَّقْنَاهُمْ كُلَّ مُمَزَّقٍ ۚ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ  
صَبَّارٍ شَكُورٍ

وَلَقَدْ صَدَّقَ عَلَيْهِمْ إِبْلِيسُ ظَنَّهُ ۚ فَاتَّبَعُوهُ إِلَّا فَرِيقًا مِّنَ  
الْمُؤْمِنِينَ

وَمَا كَانَ لَهُ عَلَيْهِم مِّن سُلْطٰنٍ إِلَّا لِنَعْلَمَ مَن يُّؤْمِنُ  
بِالْآخِرَةِ ۚ مِمَّنْ هُوَ مِنْهَا فِي شَكٍّ ۚ وَرَبُّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
حَفِيظٌ

قُلِ ادْعُوا الَّذِينَ زَعَمْتُمْ مِّن دُونِ اللَّهِ لَا يَمْلِكُونَ مِثْقَالَ  
ذَرَّةٍ فِي السَّمٰوٰتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ وَمَا لَهُمْ فِيهَا مِن شِرْكٍ  
وَمَا لَهُمْ مِنْهُمْ مِّن ظَهِيرٍ

و برای (اولاد و قوم) سبا در وطنشان (سرزمین یمن و شام) از راست و چپ (جنوب و شمال) دو سلسله باغ و بوستان آیتی (از لطف و رحمت حق) بود (همه پر نعمت، و به آنها گفتیم که) بخورید از رزق خدای خود و شکر وی به جای آرید، که مسکنتان شهری نیکو و پر نعمت است و خدای شما غفور (و مهربان) است.

با وجود این باز (از شکر خدا و طاعت حق) اعراض کردند، ما هم سیلی سخت بر هلاک ایشان فرستادیم و به جای آن دو نوع باغ پر نعمت دو باغ دیگرشان دادیم که بار درختانش تلخ و ترش و بد طعم و شوره گز و اندکی درخت سدر بود.

این کیفر کفران آنها بود، و آیا ما تا کسی کفران نکند مجازاتش خواهیم کرد؟

و ما به میان آنها و شهرهایی که پر نعمت و برکت گردانیدیم باز قریه‌هایی نزدیک به هم قرار دادیم با فاصله کوتاه و سیر سفری معین (و آنها را گفتیم که) در این ده و شهرهای نزدیک به هم شبان و روزان با ایمنی کامل مسافرت کنید.

باز آنها گفتند: بار الها، سفرهای ما را دور و دراز گردان، و (به این تقاضای بیجا) بر خویش ستم کردند، ما هم آنها را داستانها و مثلهای عبرت آموز کردیم و به کلی متفرق و پراکنده ساختیم. در این عقوبت برای مردمان پر صبر و شکر آیاتی (از عبرت و حکمت) آشکار است.

و شیطان گمان باطل خود را درباره مردم، سخت به صدق و حقیقت رساند، پس جز فرقه کمی از اهل ایمان همه پیرو او شدند.

در صورتی که شیطان بر مردمان تسلطی نداشت (بلکه از حرص دنیا پیرو او شدند. و شیطان را بر این نداشتیم) مگر برای آنکه (به امتحان) آن کس را که به عالم قیامت ایمان آورد از آن کس که شک دارد معلوم گردانیم. و خدای تو بر هر چیز نگهبان و آگاه است.

(ای رسول ما، مشرکان را) بگو: آنهایی را که به جز خدا شما مؤثر پنداشتید بخوانید (خواهید دانست که) هیچ یک مقدار ذره‌ای در آسمانها و زمین مالک نیستند و با خدا شرکتی در خلقت آسمان و زمین نداشته و به او در آفرینش یاری و کمکی نکرده‌اند.

وَلَا تَنْفَعُ الشَّفَعَةُ عِنْدَهُ إِلَّا لِمَنْ أَدْنَىٰ لَهُ حَتَّىٰ إِذَا فُزِعَ  
عَنْ قُلُوبِهِمْ قَالُوا مَاذَا قَالَ رَبُّكُمْ قَالُوا الْحَقُّ وَهُوَ الْعَلِيُّ  
الْكَبِيرُ

قُلْ مَنْ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ قُلِ اللَّهُ وَإِنَّا أَوْ  
إِيَّاكُمْ لَعَلَىٰ هُدًىٰ أَوْ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

قُلْ لَا تُسْأَلُونَ عَمَّا أَجْرَمْنَا وَلَا نُسْأَلُ عَمَّا تَعْمَلُونَ

قُلْ يَجْمَعُ بَيْنَنَا رَبُّنَا ثُمَّ يَفْتَحُ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَهُوَ الْفَتَّاحُ  
الْعَلِيمُ

قُلْ أَرُونِي الَّذِينَ أَلْحَقْتُمْ بِهِ شُرَكَاءَ كَلَّا بَلْ هُوَ اللَّهُ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ

وَمَا أَرْسَلْنَاكَ إِلَّا كَافَّةً لِّلنَّاسِ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَلَكِنَّ  
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

قُلْ لَكُمْ مِيعَادُ يَوْمٍ لَا تَسْتَعْرِفُونَ عَنْهُ سَاعَةً وَلَا  
تَسْتَقْدِمُونَ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَن نُّؤْمِنَ بِهَذَا الْقُرْآنِ وَلَا بِالَّذِي  
بَيْنَ يَدَيْهِ وَلَوْ تَرَىٰ إِذِ الظَّالِمُونَ مَوْقُوفُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ  
يَرْجِعُ بَعْضُهُمْ إِلَىٰ بَعْضٍ الْقَوْلَ يَقُولُ الَّذِينَ اسْتُضِعِفُوا  
لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لَوْلَا أَنْتُمْ لَكُنَّا مُؤْمِنِينَ

و شفاعت کسی نزد خدا هم جز آن که خدا به او اذن شفاعت داده سودمند نیست (پس از اینان چشم شفاعت مدارید و خاصان و انبیاء را در دنیا و آخرت شفیع خود قرار دهید) تا چون (آن خاصان) از دلهایشان اضطراب (جلال و سطوت الهی) بر طرف شود پرسند: خدای شما (در باب شفاعت) چه فرمود؟ پاسخ دهند که حق (و درستکاری و شفاعت مؤمنان نه مشرکان و منافقان) فرمود، و اوست خدای بلند مرتبه بزرگوار (و هیچ کس را جرأت مخالفت امرش نیست).

بگو: آن که از (نعم) آسمانها و زمین به شما روزی می‌دهد کیست؟ بگو: آن خداست، و ما (که موحدیم) یا شما (که مشرکید) کدام در هدایت یا ضلالتیم (به زودی معلوم شما خواهد شد).

باز بگو: (خدا داور عدل است، پس) شما مسئول جرم ما نبوده و ما هم مسئول کردار زشت شما هرگز نخواهیم بود.

باز بگو که خدا بین همه ما جمع کند آن گاه میان ما به حق، فتح و داوری خواهد فرمود و اوست که عقده گشا (ی مشکلات) و دانا (ی اسرار عالم) است.

باز بگو: شما به من آنان را که به عنوان شریک به خدا بستید نشان دهید (چه قدرت و اثری در عالم دارند؟) هیچ و هرگز، بلکه خداست آن که مقتدر (بر جهان) و با علم و حکمت (در ایجاد) است.

و ما تو را جز برای اینکه عموم بشر را (به رحمت خدا) بشارت دهی و (از عذابش) بترسانی نفرستادیم، و لیکن اکثر مردم (از این حقیقت) آگاه نیستند.

و (کافران) می‌گویند: پس این وعده قیامتی که شما پیغمبران می‌دهید اگر راست می‌گویید که خواهد بود؟

بگو: وعده گاه شما روزی است که ساعتی از آن تقدیم و تأخیر نخواهید داشت.

و کافران مشرک گفتند: ما هرگز به این قرآن و به کتابهایی که پیش از این فرستاده‌اند (از تورات و انجیل و زبور و غیره) ایمان نخواهیم آورد. (وای بر آنها) و اگر روزی که آن ستمکاران را در پیشگاه خدا باز داشته‌اند مشاهده کنی در حالی که با یکدیگر به خصومت و گفتگو برخاسته و ضعیفان تابع به رؤسای گردنکش خطاب کنند که اگر اغوای شما نبود ما البته ایمان می‌آوردیم!

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا لِلَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا اَنْحُنْ صَدَدْنَاكُمْ  
عَنِ الْهُدَىٰ بَعْدَ اِذْ جَاءَكُمْ بَلْ كُنْتُمْ مُجْرِمِينَ

باز رؤسای متکبر با پیروان ضعیف خویش گویند: آیا با آنکه (از جانب خدا) راه هدایت را به شما نمودند باز ما (به اجبار) شما را از هدایت منع کردیم؟ (هرگز چنین نیست) بلکه شما خود مردم بدکاری بودید.

باز آنان که ضعیف و تابع بودند به رؤسای متکبر جواب دهند: بلکه مکر و فریب شب و روز شما بود که پیوسته ما را وا می‌داشتید که به خدای یکتا کافر شویم و بر او شریکانی قرار دهیم. و چون عذاب قیامت را به چشم مشاهده کنند سخت اظهار پشیمانی کنند، و ما زنجیرهای عقاب به گردن (همه فرماندهان و فرمانبران) اهل کفر نهیم، آیا این رنج و شکنجه جز کیفر کردار زشت آنهاست؟

و ما هیچ رسول بیم دهنده‌ای در دیاری نفرستادیم جز آنکه ثروتمندان عیاش آن دیار (به رسولان) گفتند: ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

و باز گفتند که ما بیش از شما مال و فرزند داریم و (چون نعمت دنیای ما افزون‌تر است در آخرت هم) هرگز رنج و عذابی نخواهیم داشت.

بگو: خدای من هر که را بخواهد روزی وسیع دهد و (هر که را بخواهد) تنگ روزی گرداند و لیکن اکثر مردم (از این حقیقت) آگاه نیستند.

و هرگز اموال و اولاد شما چیزی که شما را به درگاه ما مقرب گرداند نیست مگر آنکه با ایمان و عمل صالح کسی مقرب شود که آنان پاداش اعمال صالحشان مضاعف و افزون است و در غرفه‌های بهشت ابدی (از هر غم و رنج) ایمن و آسوده خاطرند.

و آنان که در (محو و نابودی) آیات (و رسل) ما می‌کوشند تا (رسولان) ما را زبون و مغلوب خود کنند آنها را البته برای عذاب و انتقام حاضر خواهند کرد و به کیفر سخت می‌رسانند.

بگو: خدای من هر که از بندگان خود را خواهد وسیع روزی یا تنگ روزی می‌گرداند، و شما هر چه (در راه رضای حق) انفاق کنید به شما عوض می‌بخشد و او بهترین روزی دهنندگان است.

۳۳

وَقَالَ الَّذِينَ اسْتَضَعِفُوا لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا بَلْ مَكْرُ الْاَلِيلِ  
وَالنَّهَارِ اِذْ تَأْمُرُونَنَا اَنْ نَّكْفُرَ بِاللّٰهِ وَنَجْعَلَ لَهُ وَاَنْدَادًا  
وَأَسْرُوا التَّدَامَةَ لَمَّا رَأُوا الْعَذَابَ وَجَعَلْنَا الْاَغْلَالَ فِي  
اَعْنَاقِ الَّذِينَ كَفَرُوا هَلْ يُجْزَوْنَ اِلَّا مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۳۴

وَمَا اَرْسَلْنَا فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ اِلَّا قَالَ مُتْرَفُوها اِنَّا بِمَا  
اُرْسِلْتُمْ بِهِءِ كَافِرُونَ

۳۵

وَقَالُوا نَحْنُ اَكْثَرُ اَمْوَالًا وَاَوْلَادًا وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

۳۶

قُلْ اِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ وَلَكِنَّ اَكْثَرَ  
النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

۳۷  
۳۷۴

وَمَا اَمْوَالُكُمْ وَلَا اَوْلَادُكُمْ بِالَّتِي تُقَرَّبُكُمْ عِنْدَنَا زُلْفَىٰ  
اِلَّا مَنْ اٰمَنَ وَعَمِلَ صَالِحًا فَاُولٰٓئِكَ لَهُمْ جَزَاءُ الصِّعْفِ  
بِمَا عَمِلُوا وَهُمْ فِي الْغُرَفَاتِ اٰمِنُونَ

۳۸

وَالَّذِينَ يَسْعَوْنَ فِيْ اٰيَاتِنَا مُعْجِزِينَ اُولٰٓئِكَ فِي الْعَذَابِ  
مُحْضَرُونَ

۳۹

قُلْ اِنَّ رَبِّي يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ وَيَقْدِرُ لَهُ  
وَمَا اَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ



وَيَوْمَ يَحْشُرُهُمْ جَمِيعًا ثُمَّ يَقُولُ لِلْمَلَائِكَةِ أَهَؤُلَاءِ إِيَّاكُمْ  
كَانُوا يَعْبُدُونَ

قَالُوا سُبْحَانَكَ أَنْتَ وَلِيِّنَا مِنْ دُونِهِمْ بَلْ كَانُوا يَعْبُدُونَ  
الْجِنَّ أَكْثَرُهُمْ بِهِمْ مُؤْمِنُونَ

فَالْيَوْمَ لَا يَمْلِكُ بَعْضُكُمْ لِبَعْضٍ نَفْعًا وَلَا ضَرًّا وَنَقُولُ  
لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُوقُوا عَذَابَ النَّارِ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

وَإِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالُوا مَا هَذَا إِلَّا رَجُلٌ  
يُرِيدُ أَنْ يَصُدَّكُمْ عَمَّا كَانَ يَعْبُدُ آبَاءَكُمْ وَقَالُوا مَا  
هَذَا إِلَّا إِفْكٌ مُّفْتَرَىٰ وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ لَمَّا  
جَاءَهُمْ إِنَّ هَذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِينٌ

وَمَا آتَيْنَاهُمْ مِنْ كُتُبٍ يَدْرُسُونَهَا وَمَا أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمْ قَبْلَكَ  
مِنْ نَذِيرٍ

وَكَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَمَا بَلَغُوا مِعْشَارَ مَا آتَيْنَاهُمْ  
فَكَذَّبُوا رَسُولِي فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَحْدَةٍ أَنْ تَقُومُوا لِلَّهِ مَشْنَىٰ وَفُرَادَىٰ ثُمَّ  
تَتَفَكَّرُونَ مَا بِصَاحِبِكُمْ مِنْ جِنَّةٍ إِنْ هُوَ إِلَّا نَذِيرٌ لَكُمْ  
بَيْنَ يَدَيْ عَذَابٍ شَدِيدٍ

قُلْ مَا سَأَلْتُكُمْ مِنْ أَجْرٍ فَهُوَ لَكُمْ إِنْ أَجْرِيَ إِلَّا عَلَىٰ  
اللَّهِ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

قُلْ إِنَّ رَبِّي يَقْذِفُ بِالْحَقِّ عَلَمَ الْعُيُوبِ

(و یاد آر از آن) روزی که خدا همه مردم را به عرصه محشر  
جمع آورد آن گاه به فرشتگان گوید: آیا این گروه شما را  
معبود خود می‌گرفتند؟

فرشتگان گویند: بار الها، تو از هر شرک و نقصی پاک و  
منزهی، تو خدا و یاور مایی نه ایشان، بلکه اینان جنّ و  
شیاطین را می‌پرستیدند و به طوری که اکثرشان گرویده به  
آنها بودند.

(و به مشرکان خطاب شود) پس امروز شما هیچ مالک نفع و  
ضرر یکدیگر نیستند. و ما آنان را که ظلم و ستم کردند  
گوییم: اینک بچشید عذاب آتشی را که تکذیب آن  
می‌کردید.

و چون (توسط رسول) بر کافران آیات روشن ما تلاوت شود  
گویند: این شخص جز آنکه مردی است که می‌خواهد شما را  
از آنچه پدراتان می‌پرستیدند برگرداند هیچ مزیت دیگری  
ندارد. و نیز گفتند: این قرآنش هم جز آنکه خود فرابافته  
(و به دروغ به خدا نسبت می‌دهد) چیز دیگری نباشد. و  
کافران چون آیات حقّ بر (هدایت) آنها آمد گفتند که این  
کتاب جز آنکه سحری آشکار است چیز دیگری نیست.

در صورتی که ما هیچ کتاب و سندی که آن را بخوانند (و به  
آن سند تکذیب تو کنند) و یا رسولی پیش از تو (که به  
قول او بر ردّ تو دلیل آرند) بر این مشرکان نفرستادیم.

و کفار پیش از اینان هم پیغمبرانشان را تکذیب کردند و  
این کافران امت تو به عشر آنچه به آن گذشتگان دادیم (از  
ثروت و جاه) نرسیدند، پس آنها که رسولان مرا تکذیب  
کردند چگونه به عذاب من گرفتار شدند (اینان هم مانند  
آنان به کیفر می‌رسند).

بگو که من به یک سخن شما را پند می‌دهم و آن سخن این  
است که شما خالص برای خدا دو نفر دو نفر با هم یا هر یک  
تنها قیام کنید و (درباره من) عقل و فکرت کار بندید تا به  
خوبی دریابید که صاحب شما امت را جنون نیست، او جز  
این نیست که رسول خداست و از عذاب سخت روز قیامت  
که شما را در پیش است می‌ترسند.

باز بگو: آنچه من از شما مزد رسالت خواستم آن هم برای  
شما باشد (یعنی هرگز مزدی از شما نخواستہ و نمی‌خواهم.  
و شاید معنی این باشد که مودّت و حبّ ذوی القربی که از  
شما مزد رسالت خواستم آن هم برای ثواب و سعادت خود  
شماست) تنها پاداش (رسالت) من بر خداست و بس، و او  
بر هر چیز دانا و گواه است.

باز بگو: خدای من حق را (به وحی بر من) القا می‌فرماید و او  
به اسرار عوالم غیب آگاه است.

قُلْ جَاءَ الْحَقُّ وَمَا يُبَدِيهِ الْبَطِلُ وَمَا يُعِيدُ

باز بگو: (کتاب و رسول و یا شمشیر) حق آمد و دیگر باطل در اول و آخر (در دنیا و آخرت) محو و نابود است.

باز بگو: اگر من (به عقیده شما) گمراه شده‌ام زیانش بر من است (نه بر شما)، و اگر هدایت یافته‌ام آن به وحی خدای من به من است (نه به هوش و تدبیر من) که خدا البته (دعای بندگان را) شنوا و (به قلوب خلق) نزدیک است.

و اگر تو سختی حال مجرمان را مشاهده کنی هنگامی که ترسان و هراسانند، در آن حال هیچ (از عذاب و قهر الهی) فوت نشوند و از مکان نزدیکی دستگیر شوند.

و کافران (در آن حال که عذاب دوزخ را به چشم ببینند و پشیمان شده و) گویند: ما به حق ایمان آوردیم. و با این همه دوری (از مقام ایمان) کجا بدان مقام در قیامت نائل شوند؟

در صورتی که آنها پیش از این به حق کافر بودند و از جایی دور (از مقام علم و یقین) نسبت ناروا (ی جنون و سحر و کذب به رسول حق) می‌دادند.

و (امروز) میان آنها و آرزوهایشان (که به دنیا بر گردند یا توبه و ایمانشان را بپذیرند تا از عذاب رهایی یابند) به کلی دوری و مباحثت افکندند چنان که به امثال آنها از امام گذشته که آنها هم در شک و ریب بودند نیز چنین کردند.

قُلْ إِنْ صَلَلْتُ فَإِنَّمَا أَضِلُّ عَلَىٰ نَفْسِي ۖ وَإِنِ اهْتَدَيْتُ فَبِمَا يُوحَىٰ إِلَيَّ رَبِّي إِنَّهُ سَمِيعٌ قَرِيبٌ

۵۰

وَلَوْ تَرَىٰ إِذْ فَزِعُوا فَلَا فَوْتَ وَأُخِذُوا مِنْ مَّكَانٍ قَرِيبٍ

۵۱

وَقَالُوا ءَأَمْنَا بِهِ ۗ وَأَنَّىٰ لَهُمُ التَّنَاطُشُ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ

۵۲

وَقَدْ كَفَرُوا بِهِ ۗ مِنْ قَبْلُ وَيَقْدِفُونَ بِالْغَيْبِ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ

۵۳

وَحِيلَ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ مَا يَشْتَهُونَ كَمَا فُعِلَ بِأَشْيَاعِهِمْ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا فِي شَكٍّ مُّرِيبٍ

۵۴

سپاس خدای راست که آفریننده آسمانها و زمین است و فرشتگان را رسولان (پیامبران خود) گردانید و دارای دو و سه و چهار بال و پر (قدرت) قرار داد، هر چه بخواهد در آفرینش می‌افزاید که خدا بر (بعث و ایجاد) هر چیز قادر است.

دری که خدا از رحمت به روی مردم بگشاید هیچ کس نتواند بست و آن در که او ببندد هیچ کس جز او نتواند گشود، و اوست خدای بی‌همتای با حکمت و اقتدار.

ای مردم، متذکر شوید که چه نعمتها خدا به شما عطا فرمود، آیا جز خدا آفریننده‌ای هست که از آسمان و زمین به شما روزی دهد؟ هرگز جز آن خدای یکتا خدایی نیست، پس این مشرکان چگونه شما را (از درگاه حق رو به بتان باطل) می‌گردانند؟

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الْحَمْدُ لِلَّهِ فَاطِرِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَاعِلِ الْمَلَكِةِ رُسُلًا أُولِي أَجْنِحَةٍ مَّثْنَىٰ وَثُلَاثَ وَرُبَعًا يَزِيدُ فِي الْخَلْقِ مَا يَشَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۱  
۳۷۶

مَا يَفْتَحُ اللَّهُ لِلنَّاسِ مِنْ رَحْمَةٍ فَلَا مُمْسِكَ لَهَا وَمَا يُمْسِكُ فَلَا مُرْسِلَ لَهُ مِنْ بَعْدِهِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۲

يَأْتِيهَا النَّاسُ أَدْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ هَلْ مِنْ خَلْقٍ غَيْرِ اللَّهِ يَرْزُقُكُمْ مِّنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ ۗ فَآلِي تُوَفَّكُونَ

۳

وَإِنْ يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَتْ رُسُلٌ مِّن قَبْلِكَ وَإِلَى اللَّهِ تُرْجَعُ الْأُمُورُ

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَلَا تَغُرَّنَّكُمُ الْحَيَاةُ  
الدُّنْيَا وَلَا يَغُرَّنَّكُم بِاللَّهِ الْغُرُورُ

إِنَّ الشَّيْطَانَ لَكُمْ عَدُوٌّ فَاتَّخِذُوهُ عَدُوًّا إِنَّمَا يَدْعُوا  
حِزْبَهُ لِيَكُونُوا مِنْ أَصْحَابِ السَّعِيرِ

الَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا  
الصَّالِحَاتِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

أَفَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ فَرَآهُ حَسَنًا فَإِنَّ اللَّهَ يُضِلُّ  
مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ فَلَا تَذْهَبُ نَفْسُكَ عَلَيْهِمْ  
حَسْرَاتٍ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ بِمَا يَصْنَعُونَ

وَاللَّهُ الَّذِي أَرْسَلَ الرِّيحَ فَتُثِيرُ سَحَابًا فَسُقْنَاهُ إِلَى بَلَدٍ  
مَّيِّتٍ فَأَحْيَيْنَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا كَذَلِكَ النُّشُورُ

مَنْ كَانَ يُرِيدُ الْعِزَّةَ فَلِلَّهِ الْعِزَّةُ جَمِيعًا إِلَيْهِ يَصْعَدُ الْكَلِمُ  
الطَّيِّبُ وَالْعَمَلُ الصَّالِحُ يَرْفَعُهُ وَالَّذِينَ يَمْكُرُونَ  
السَّيِّئَاتِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَكْرُ أُولَئِكَ هُوَ يَبُورُ

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ جَعَلَكُمْ  
أَرْوَاجًا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَى وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَمَا يُعَمَّرُ  
مِن مُّعَمَّرٍ وَلَا يُنْقِصُ مِنْ عُمُرِهِ إِلَّا فِي كِتَابٍ إِنَّ ذَلِكَ  
عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

(ای رسول ما غمین مباش) اگر تو را این امت (نادان) تکذیب کنند پیمبران پیش از تو را نیز (امتهاشان) تکذیب کردند و بازگشت امور خلق به سوی خداست.

ای مردم، البته وعده (قیامت در کتاب) خدا حق است پس مبادا که زندگانی دنیا (ی فانی) شما را مغرور سازد و مبادا شیطان فریبنده (از قهر و انتقام حق) به (عفو) خدا مغرورتان گرداند.

شیطان سخت شما را دشمن است شما هم او را دشمن دارید، او حزب و سپاهش را فرا می‌خواند تا همه (مانند او) اهل دوزخ باشند.

آنان که به خدا کافر شدند کیفر آنها عذاب سخت دوزخ است و آنان که ایمان آوردند و نیکوکار گردیدند پاداش آنها مغفرت (خدا) و اجر بزرگ (بهشت ابد) خواهد بود.

آیا آن کس که کردار زشتش به چشم زیبا جلوه داده شده و (از خود پسندی) آن را نیکو بیند (مانند مرد حقیقت بین و نیکو کردار است)؟ پس خدا هر که را خواهد به گمراهی واگذارد و هر که را خواهد هدایت فرماید. پس مباد نفس شریفیت بر این مردم به غم و حسرت افتد، که خدا به هر چه اینان کنند کاملا آگاه است.

و خداست آن که بادها را بفرستد که ابرها را بر می‌انگیزد و آن ابر را ما به شهر و دیار مرده برانیم و به بارانش زمین را پس از مرگ (خزان) زنده گردانیم. حشر و نشر مردگان هم (به قیامت) همین گونه است.

هر که طالب عزت است (بداند که همانا در ملک وجود) تمام عزت خاص خدا (و خداپرستان) است. کلمه نیکو (ی توحید و روح پاک آسمانی) به سوی خدا بالا رود و عمل نیک خالص آن را بالا برد. و بر آنان که به مکر و تزویر اعمال بد کنند عذاب سخت خواهد بود و فکر و مکرشان به کلی نابود خواهد شد.

و خدا شما (نوع بشر) را (نخست مردی) از خاک بیافرید و سپس از نطفه (آن مرد دیگری را) خلق کرد و بعد از آن شما را جفت (مرد و زن) قرار داد، و هیچ زنی بار نگیرد و نزايد جز به علم و اراده او، و کسی عمر طولانی نکند یا از عمرش کاسته نشود جز آنکه همه در کتاب (علم ازلی حق) ثبت است و این (ضبط اعمار و آجال خلق) بر خدا بسیار آسان است.

وَمَا يَسْتَوِي الْبَحْرَانِ هَذَا عَذْبٌ فُرَاتٌ سَائِغٌ شْرَابُهُ وَهَذَا مِلْحٌ أُجَاجٌ وَمِن كُلِّ تَاكُلُونَ لَحْمًا طَرِيًّا وَتَسْتَخْرِجُونَ حَلِيَّةً تَلْبَسُونَهَا وَتَرَى الْفُلْكَ فِيهِ مَوَاحِرَ لِيَتَّبِعُوا مِن فَضْلِهِ ۗ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ذَٰلِكُمُ اللَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ ۗ وَالَّذِينَ تَدْعُونَ مِن دُونِهِ ۗ مَا يَمْلِكُونَ مِن قِطْمِيرٍ

إِن تَدْعُوهُمْ لَا يَسْمَعُوا دُعَاءَكُمْ وَلَوْ سَمِعُوا مَا اسْتَجَابُوا لَكُمْ ۗ وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ يَكْفُرُونَ بَشْرِكِكُمْ ۗ وَلَا يُنَبِّئُكَ مِثْلُ خَبِيرٍ

يَأْتِيهَا النَّاسُ أَنْتُمُ الْفُقَرَاءُ إِلَى اللَّهِ ۗ وَاللَّهُ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

إِن يَشَأْ يُذْهِبْكُمْ وَيَأْتِ بِخَلْقٍ جَدِيدٍ

وَمَا ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ بِعَزِيزٍ

وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ ۗ وَإِن تَدْعُ مُثْقَلَةٌ إِلَىٰ جَمِيلِهَا لَا يُحْمَلْ مِنْهُ شَيْءٌ وَلَوْ كَانَ ذَا قُرْبَىٰ ۗ إِنَّمَا تُنذِرُ الَّذِينَ يُخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ ۗ وَمَن تَزَكَّىٰ فَإِنَّمَا يَتَزَكَّىٰ لِنَفْسِهِ ۗ وَإِلَى اللَّهِ الْمَصِيرُ

و هرگز آن دو دریا که آب این یک شیرین و گوارا و آن دگر شور و تلخ است یکسان نیستند، با وجود این شما از هر دو، گوشت تازه تناول می‌کنید و زیورها (چون لؤلؤ و مرجان) از آن استخراج کرده که در پوشیده و زیب و زیور تن می‌سازید، و در آن کشتیها روان بینی تا از فضل خدا (کسب و تجارت کرده و روزی) طلبد و باشد که شکر گزار (نعمتش) گردید.

خداست که شب را درون پرده روز پنهان سازد و روز را درون پرده شب، و خورشید و ماه را مسخّر کرده که هر یک به مقدار معین و مدار خاصی می‌گردند، اوست خدای آفریننده و پروردگار شما، که همه ملک هستی از اوست، و به غیر او معبودانی که به خدایی می‌خوانید در جهان دارای پوست هسته خرمایی نیستند.

اگر آنها را بخوانید (چون جمادند) نشنوند و اگر بشنوند (مانند عیسی و عزیر و فرشتگان و فراعنه چون بنده‌اند بی‌اذن خدا) به شما جواب ندهند و روز قیامت از این که آنان را شریک خدا دانستید (و به پرستش آنها پرداختید) بی‌بازاری جویند. و (ای رسول و ای امت) هیچ کس مانند (خدای) دانا تو را (به حقیقت) آگاه نگرداند.

ای مردم، شما همه به خدا فقیر و محتاجید و تنها خداست که بی‌نیاز و غنی بالذات و ستوده صفات است.

اگر بخواهد همه شما را به دیار عدم فرستد و خلقی از نو به عرصه وجود آرد.

و هیچ این کار بر خدا دشوار نیست.

و هیچ کس بار گناه دیگری را به دوش نگیرد و آن که بارش سنگین است اگر دیگری را هر چند خویش (و پدر و فرزند هم) باشد کمک بر سبکباری خود طلبد ابدای باری از دوشش برداشته نشود. و تو تنها آنان را که در خلوت و پنهانی از خدای خود می‌ترسند و نماز به پا می‌دارند توانی خدا ترس و پرهیزگار گردانی. و هر کس خود را (از کفر و گناه و اخلاق زشت) پاک و منزّه ساخت سود و سعادتش بر خود اوست و بازگشت همه به سوی خداست.

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ

۲۵

وَلَا الظُّلُمَاتُ وَلَا النُّورُ

۲۱

وَلَا الظُّلُّ وَلَا الْحُرُورُ

۲۲

وَمَا يَسْتَوِي الْأَحْيَاءُ وَلَا الْأَمْوَاتُ إِنَّ اللَّهَ يُسْمِعُ مَن يَشَاءُ<sup>ص</sup>  
وَمَا أَنْتَ بِمُسْمِعٍ مَّن فِي الْقُبُورِ

۲۳

إِنَّ أَنْتَ إِلَّا نَذِيرٌ

۲۴

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ بِالْحَقِّ بَشِيرًا وَنَذِيرًا وَإِن مِّنْ أُمَّةٍ إِلَّا خَلَا<sup>ص</sup>  
فِيهَا نَذِيرٌ

۲۵

وَإِن يُكَذِّبُوكَ فَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ جَاءَتْهُمْ<sup>ص</sup>  
رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَالْكِتَابِ الْمُنِيرِ

۲۶

ثُمَّ أَخَذْتُ الَّذِينَ كَفَرُوا فَكَيْفَ كَانَ نَكِيرِ

۲۷

۳۷۹

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَأَخْرَجْنَا بِهِ<sup>ص</sup> ثَمَرَاتٍ  
مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهَا وَمِنَ الْجِبَالِ جُدَدٌ بِيضٌ وَحُمْرٌ مُّخْتَلِفٌ  
أَلْوَانُهَا وَغَرَابِيبُ سُودٌ

۲۸

وَمِنَ النَّاسِ وَالْدَّوَابِّ وَالْأَنْعَامِ مُخْتَلِفٌ أَلْوَانُهُ وَكَذَلِكَ<sup>ظ</sup> إِنَّمَا  
يَخْشَى اللَّهَ مِنْ عِبَادِهِ الْعُلَمَاءُ إِنَّ اللَّهَ عَزِيزٌ غَفُورٌ

۲۹

إِنَّ الَّذِينَ يَتْلُونَ كِتَابَ اللَّهِ وَأَقَامُوا الصَّلَاةَ وَأَنْفَقُوا مِمَّا  
رَزَقْنَاهُمْ سِرًّا وَعَلَانِيَةً يَرْتَجُونَ تِجْرَةً لَّن تَبُورَ

۳۵

لِيُوقِيَهُمْ أَجُورَهُمْ وَيَزِيدَهُم مِّن فَضْلِهِ<sup>ج</sup> إِنَّهُ غَفُورٌ شَكُورٌ

و هرگز (کافر تاریک جان) کور و (مؤمن روشن روان) بینا  
یکسان نیستند.

و هیچ ظلمت با نور مساوی نخواهد بود.

و هرگز آفتاب و سایه هم رتبه نباشند.

و ابداء زندگان (علم و ایمان) با مردگان (جهل و عصیان)  
برابر نیستند. (ای رسول بدان که) خدا هر که را بخواهد  
شنوا (ی کلام حق) سازد و اما تو آن کس را که در گورستان  
(کفر و جهالت و شهوت پرستی) فرو رفته هرگز شنوا نتوانی  
کرد.

تو جز آنکه (خلق را از کیفر اعمال بد) بترسانی به کاری  
مأمور نیستی.

ما تو را به حق و راستی به سوی خلق فرستادیم تا (خوبان را  
به بهشت باد) بشارت دهی و (بدان را از قهر حق) بترسانی،  
و هیچ امتی نبوده جز آنکه در میانشان ترساننده‌ای (و  
رهنمایی) بوده است.

و اگر امت تو را تکذیب کردند پیشینیان هم پیغمبران خود  
را که با آیات و معجزات و کتب و حجت‌های روشن برای  
هدایتشان آمدند همه را تکذیب کردند.

من هم از آن کافران مؤاخذه شدید کردم پس (بنگر که)  
قهر و عذاب من چگونه (و چه سخت) بود.

آیا ندیدی که خدا باران را از آسمان فرود آورد، و به آن  
انواع میوه‌های گوناگون و رنگارنگ پدید آوردیم؟ و (در  
زمین) از کوهها طرق زیاد و اصناف و رنگهای مختلف سفید و  
سرخ و سیاه هست (که خدا خلقت فرمود).

و از اصناف مردم و اجناس جنبنندگان و حیوانات نیز رنگهای  
مختلف هست (که خدا آفرید) و از میان اصناف بندگان تنها  
مردمان عالم و دانا مطیع و خدا ترسند. البته خدا عزیز و  
توانا و بسیار بخشنده گناهان است.

آنها که کتاب خدا را تلاوت کرده و نماز به پا می‌دارند و از  
آنچه ما روزیشان کرده‌ایم پنهان و آشکار (به فقیران) انفاق  
می‌کنند (از لطف خدا) امید تجارتی دارند که هرگز زیان و  
زوال نخواهد یافت.

تا خدا به آنها پاداش کامل عطا کند و از فضل و کرم باز بر  
ثوابشان بیفزاید که او (خطای مؤمنان را) بسیار ببامزد و به  
شکر گزاران احسان فراوان کند.

وَالَّذِي أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ مِنَ الْكِتَابِ هُوَ الْحَقُّ مُصَدِّقًا لِمَا  
بَيْنَ يَدَيْهِ إِنَّ اللَّهَ بِعِبَادِهِ لَخَبِيرٌ بَصِيرٌ

و آنچه از کتاب (آسمانی قرآن) بر تو وحی فرستادیم آن حق است که کتب آسمانی (تورات و انجیل) را که پیش از اوست تصدیق می‌کند (و آنها حقانیت آن را تصدیق می‌کنند. تو از تکذیب کافران میندیش که) همانا خدا به اعمال بندگان خود کاملا بصیر و آگاه است.

ثُمَّ أَوْرَثْنَا الْكِتَابَ الَّذِينَ أَصْطَفَيْنَا مِنْ عِبَادِنَا فَمِنْهُمْ ظَالِمٌ لِنَفْسِهِ وَمِنْهُمْ مُقْتَصِدٌ وَمِنْهُمْ سَابِقٌ بِالْخَيْرَاتِ بإِذْنِ اللَّهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

آن گاه (پس از آن پیمبران سلف) ما آن خاندان را که از بندگان خود برگزیدیم (یعنی رسول خاتم و آتش صلی الله علیه و آله را) وارث علم قرآن گردانیدیم. باز هم بعضی از آنها (یعنی فرزندان او) به نفس خود ظلم کردند و بعضی راه عدل پیمودند و برخی به هر عمل خیر (با جان و دل) به دستور حق سبقت گیرند. این رتبه در حقیقت همان فضل بزرگ (و عطای بی‌منتهای الهی) است.

جَنَّتْ عَدْنٍ يَدْخُلُونَهَا يُجَلَّوْنَ فِيهَا مِنْ أَسَاوِرَ مِنْ ذَهَبٍ  
وَلُؤْلُؤًا وَلِبَاسُهُمْ فِيهَا حَرِيرٌ

همان بهشت ابدی که در آن داخل شوند و با زر و گوهرهای آن (به دست و بدن) زیور گردند و جامه حریر و پرنده در بر کنند.

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَذْهَبَ عَنَّا الْحَزْنَ إِنَّ رَبَّنَا لَغَفُورٌ  
شَكُورٌ

و گویند: حمد خدا را که حزن و اندوه ما ببرد، همانا خدای ما بسیار بخشنده جرم گناهکاران و پاداش دهنده سپاس شکر گزاران است.

الَّذِي أَحَلَّنَا دَارَ الْمُقَامَةِ مِنْ فَضْلِهِ لَا يَمَسُّنَا فِيهَا نَصَبٌ  
وَلَا يَمَسُّنَا فِيهَا لُغُوبٌ

شکر آن خدای را که از لطف و کرم، ما را به منزل دائمی (بهشت) وارد کرد، که در اینجا هیچ رنج و المی به ما نرسد و ابدا ضعف و خستگی نخواهیم یافت.

وَالَّذِينَ كَفَرُوا لَهُمْ نَارُ جَهَنَّمَ لَا يُقْضَىٰ عَلَيْهِمْ فَيَمُوتُوا  
وَلَا يُخَفَّفُ عَنْهُمْ مِنْ عَذَابِهَا كَذَلِكَ نَجْزِي كُلَّ كَافِرٍ

و آنان که کافر شدند عذاب ایشان آتش دوزخ است که نه حکم مرگ بر آنان رود تا بمیرند و نه از عذابش کاسته شود (تا آسوده شوند). این گونه هر کافر لجوجی را کیفر می‌کنیم.

وَهُمْ يَصْطَرِحُونَ فِيهَا رَبَّنَا أَخْرِجْنَا نَعْمَلْ صَالِحًا غَيْرَ  
الَّذِي كُنَّا نَعْمَلُ ۚ أَوْ لَمْ نُعَمِّرْكُم مَّا يَتَذَكَّرُ فِيهِ مَنْ تَذَكَّرَ  
وَجَاءَكُمْ النَّذِيرُ فَذُوقُوا فَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ نَصِيرٍ

و آن کفار در آتش دوزخ فریاد و ناله کنند که ای پروردگار، ما را (از این عذاب) بیرون آور تا بر خلاف گذشته به اعمال نیک بپردازیم. (خطاب شود) آیا شما را به اندازه‌ای عمر ندادیم که هر که اهل تذکر و پند شنیدن است در این مدت متذکر شود (و به توبه پردازد)؟ و آیا بیم دهندگان بر شما نیامدند؟ پس (امروز) عذاب دوزخ را بچشید که ستمکاران را هیچ یار و نجات دهنده‌ای نخواهد بود.

إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ غَيْبِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ  
الصُّدُورِ

خدا به اسرار غیب آسمانها و زمین داناست و به افکار و اندیشه دلها هم کاملا آگاه است.

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ خَلْقَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ كَفَرَ فَعَلَيْهِ  
كُفْرُهُ وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ إِلَّا مَقْتًا  
وَلَا يَزِيدُ الْكَافِرِينَ كُفْرُهُمْ إِلَّا خَسَارًا

قُلْ أَرَأَيْتُمْ شُرَكَاءَكُمُ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ أُرُونِي  
مَاذَا خَلَقُوا مِنَ الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أَمْ  
ءَاتَيْنَهُمْ كِتَابًا فَهُمْ عَلَىٰ بَيِّنَةٍ مِنْهُ بَلْ إِنَّ يَعِدُ الظَّالِمُونَ  
بَعْضُهُمْ بَعْضًا إِلَّا غُرُورًا

إِنَّ اللَّهَ يُمَسِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ  
أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِّنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا

وَأَقْسَمُوا بِاللَّهِ جَهْدَ أَيْمَانِهِمْ لَئِن جَاءَهُمْ نَذِيرٌ لَّيَكُونُنَّ  
أَهْدَىٰ مِنْ إِحْدَى الْأُمَمِ فَلَمَّا جَاءَهُمْ نَذِيرٌ مَّا زَادَهُمْ إِلَّا  
نُفُورًا

أَسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ وَمَكْرَ السَّيِّئِ وَلَا يَحِيقُ الْمَكْرُ السَّيِّئِ  
إِلَّا بِأَهْلِهِ فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا سُنَّتَ الْأَوَّلِينَ فَلَن تَجِدَ  
لِسُنَّتِ اللَّهِ تَبْدِيلًا وَلَن تَجِدَ لِسُنَّتِ اللَّهِ تَحْوِيلًا

أَو لَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ  
مِنْ قَبْلِهِمْ وَكَانُوا أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَمَا كَانَ اللَّهُ لِيُعْجِزَهُ مِنْ  
شَيْءٍ فِي السَّمَوَاتِ وَلَا فِي الْأَرْضِ إِنَّهُ كَانَ عَلِيمًا قَدِيرًا

اوست خدایی که شما را در زمین جانشین (امم گذشته) قرار داد، اینک هر کس کافر شود زیان کفر بر خود اوست و کفر کافران نزد خدایشان چیزی جز خشم و غضب حق بر آنان نیفزاید و کفر کافران چیزی جز خسارت و زیان بر آنها نخواهد افزود.

(ای رسول ما، مشرکان را) بگو: شما که خدای یگانه را رها کرده و بتان را شریک خدا می‌خوانید با من بگویید و نشان دهید که این بتان چه چیزی از زمین آفریده‌اند؟ یا آیا شرکتی در خلقت آسمانها (با خدا) داشته‌اند؟ یا کتابی به آنها داده‌ایم که (بر عقیده شرک خود) از آن برهانی آرند؟ (هیچ یک از اینها نیست) بلکه ستمکاران مشرک را حجتی جز وعده دروغی که به آن یکدیگر را می‌فریبند چیزی در دست نیست.

محققا خدا آسمانها و زمین را از اینکه از جای خود بلغزند نگاه می‌دارد، و اگر رو به لغزش و انحراف از مسیر خود نهند گذشته از او هیچ کس آنها را محفوظ نتواند داشت، (و بدانید) که خدا (بر کفر و گناه خلق) بسیار بردبار و آمرزنده است.

(مشرکان عرب) محکم‌ترین قسم به نام خدا یاد می‌کردند که اگر بیم کننده‌ای از جانب خدا برای (هدایت) آنها بیاید از هر یک از امم (یهود و نصاری زودتر و) بهتر هدایت یابند. و آن گاه که بیم کننده‌ای آمد بر آنها چیزی جز مخالفت و نفرت نیفزود.

بدین جهت که می‌خواستند در زمین تکبر و گردنکشی کنند و مکر در اعمال بد اندیشند، و مکر زشت و فکر بدکاری جز بر صاحبش احاطه نکند، پس آیا اینان جز آنکه به طریقه امم گذشته هلاک شوند انتظاری دارند؟ و طریقه خدا (در هلاک بداندیشان) را هرگز مبدل نخواهی یافت و طریقه حق (و سنت الهی) را هرگز تغییر پذیر نخواهی یافت.

آیا این مردم در روی زمین سیر نکردند تا عاقبت کار ستمکاران پیش از خود را که نیرو و اقتدارشان هم بسیار بیش از اینان بود (به دیده عبرت) بنگرند که چگونه شد؟ و هیچ موجودی در آسمانها و زمین از قدرت خدا نتواند کاست، که همانا خدا در ازل و ابد عالم قادر مطلق است..

وَلَوْ يُؤَاخِذُ اللَّهُ النَّاسَ بِمَا كَسَبُوا مَا تَرَكَ عَلَى ظَهْرِهَا مِنْ دَابَّةٍ وَلَكِنْ يُؤَخِّرُهُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى ۖ فَإِذَا جَاءَ أَجْلُهُمْ فَإِنَّ اللَّهَ كَانَ بِعِبَادِهِ بَصِيرًا

یس .۳۶

یس: یس

مکی

۸۳ آیه

۶ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

یس

یس (ای سید رسولان و ای کاملترین انسان)

قسم به قرآن حکمت بیان.

وَالْقُرْآنِ الْحَكِيمِ

که تو البته از پیمبران خدایی.

إِنَّكَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

که به راهی راست فرستاده شدی.

عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

(این قرآن تو کتابی است که) از جانب خدای مقتدر مهربان نازل شده است.

تَنْزِيلَ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ

تا قومی که پدرانشان به کتب آسمانی پیشین بیم داده (و وعظ و اندرز) شدند تو هم خود آنها را (به این قرآن) بیم دهی (و از قهر حق بترسانی) که ایشان سخت غافلند.

لُنذِرَ قَوْمًا مَّا أُنذِرَ ءَابَاؤُهُمْ فَهُمْ غَافِلُونَ

البته وعده عذاب ما بر اکثر آنان حتمی و لازم گردید از این رو ایمان نمی‌آورند.

لَقَدْ حَقَّ الْقَوْلُ عَلَىٰ أَكْثَرِهِمْ فَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

ما هم بر گردن آنها تا زنج زنجیرهای عذاب نهادیم در حالی که (از جهل و عناد مانند شتر) سر بلند کرده و چشم بر بسته‌اند.

إِنَّا جَعَلْنَا فِيْٓ أَعْنَاقِهِمْ أَغْلَالًا فَهِيَ إِلَى الْأَذْقَانِ فَهُمْ مُّقْمَحُونَ

و (راه خیر را) از پیش و پس بر آنها سد کردیم و بر چشم (هوش) شان هم پرده افکندیم پس هیچ (راه حق) نمی‌بینند.

وَجَعَلْنَا مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ سَدًّا وَمِنْ خَلْفِهِمْ سَدًّا فَأَغْشَيْنَاهُمْ فَهُمْ لَا يُبْصِرُونَ

و تو آنها را بترسانی یا تترسانی یکسان است (چون دانسته با حق عناد می‌ورزند) هرگز ایمان نمی‌آورند.

وَسَوَاءٌ عَلَيْهِمْ ءَأَنْذَرْتَهُمْ أَمْ لَمْ تُنذِرْهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

تو تنها کسی را بترسانی و اندرز کنی (و سودمند افتد) که پیرو آیات قرآن شده و از (قهر) خدای مهربان به خلوت و در پنهان می‌ترسد، ایشان را به مغفرت خدا و پاداش با لطف و کرم او بشارت ده.

إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْعَلِيمَ ۖ فَبَشِّرْهُ بِمَغْفِرَةٍ وَأَجْرٍ كَرِيمٍ

ما مردگان را باز زنده می‌گردانیم و کردار گذشته و آثار وجودی آینده‌شان همه را ثبت خواهیم کرد، و در لوح محفوظ و روشن خدا (یا قلب امام خلیفه الله) همه چیز را به شماره آورده‌ایم.

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِي الْمَوْتَىٰ وَنَكْتُبُ مَا قَدَّمُوا وَعَانَاهُمْ ۚ وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ فِي إِمَامٍ مُّبِينٍ



وَأَصْرِبُ لَهُمْ مَثَلًا أَصْحَبَ الْقَرْيَةِ إِذْ جَاءَهَا الْمُرْسَلُونَ

۱۴

إِذْ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ اتْنَيْنِ فَكَذَّبُوهُمَا فَعَزَّزْنَا بِثَالِثٍ فَقَالُوا إِنَّا إِلَيْكُمْ مُّرْسَلُونَ

۱۵

قَالُوا مَا أَنْتُمْ إِلَّا بَشَرٌ مِّثْلُنَا وَمَا أَنْزَلَ الرَّحْمَنُ مِن شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا تَكْذِبُونَ

۱۶

قَالُوا رَبُّنَا يَعْلَمُ إِنَّا إِلَيْكُمْ لَمُرْسَلُونَ

۱۷

وَمَا عَلَيْنَا إِلَّا الْبَلَاغُ الْمُبِينُ

۱۸

قَالُوا إِنَّا تَطَيَّرْنَا بِكُمْ لَئِن لَّمْ تَنْتَهُوا لَنَرْجِمَنَّكُمْ وَلَيَمَسَّنَّكُم مِّنَّا عَذَابٌ أَلِيمٌ

۱۹

قَالُوا طَيَّرْنَاكُمْ مَّعَكُمْ أَئِن ذُكِّرْتُم بَلْ أَنْتُمْ قَوْمٌ مُّسْرِفُونَ

۲۰

وَجَاءَ مِنْ أَقْصَا الْمَدِينَةِ رَجُلٌ يَسْعَى قَالَ يَا قَوْمِ اتَّبِعُوا الْمُرْسَلِينَ

۲۱

اتَّبِعُوا مَن لَّا يَسْأَلْكُمْ أَجْرًا وَهُمْ مُّهْتَدُونَ

۲۲

وَمَا لِي لَّا أَعْبُدُ الَّذِي فَطَرَنِي وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۲۳

عَأْتِخِذْ مِنْ دُونِهِ ۚ ءَالِهَةٌ إِنْ يُرَدِّنِ الرَّحْمَنُ بِضُرٍّ لَّا تُغْنِي عَنِّي شَفَعَتُهُمْ شَيْئًا وَلَا يُنْقِدُونِ

۲۴

إِنِّي إِذَا لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۲۵

إِنِّي ءَامَنْتُ بِرَبِّكُمْ فَاسْمِعُونِ

۲۶

قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ ۗ قَالَ يَلِيَّتْ قَوْمِي يَعْلمُونَ

۲۷

بِمَا عَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ

برای این مردم حال آن قریه (انطاکیه) را مثل زن که رسولان حق برای هدایت آنها آمدند.

که نخست دو تن از رسولان را فرستادیم و چون تکذیب کردند باز رسول سومی برای مدد و نصرت مأمور کردیم، و همه گفتند: ما (از جانب خدا) به رسالت برای هدایت شما آمده‌ایم.

گفتند: شما جز اینکه مانند ما مردم بشری هستید مقام دیگری ندارید و هرگز خدای رحمان چیزی را فرو نفرستاده است و جز اینکه شما مردم دروغگویی هستید هیچ در کار نیست.

رسولان باز گفتند: خدای ما می‌داند که محققا ما فرستاده او به سوی شما هستیم.

و بر ما جز آنکه واضح ابلاغ رسالت کنیم هیچ تکلیفی نیست.

باز منکران گفتند که ما وجود شما را به فال بد گرفتیم، اگر (از این دعوی) دست بر ندارید البته سنگسارتان خواهیم کرد و از ما به شما رنج و شکنجه سخت خواهد رسید.

رسولان گفتند: آن فال بد که می‌گویید اگر بفهمید و متذکر شوید (آن جهلی است که) با خود شماست، بلکه شما مردم مسرف (و پر هوا و هوس) هستید.

و مردی شتابان از دورترین نقاط شهر (انطاکیه، حبیب نام) فرا رسید گفت: ای قوم من، این رسولان خدا را پیروی کنید.

از آنان که هیچ اجر و مزد رسالتی از شما نمی‌خواهند و خود (به راه حق) هدایت یافته‌اند پیروی کنید.

و چرا باید من خدای آفریننده خود را نپرستم در صورتی که بازگشت شما (و همه خلائق) به سوی اوست.

آیا من به جای آن خدای آفریننده یکتا خدایانی را معبود خود گیرم که اگر آن خدای رحمن بخواهد به من رنج و زبانی رسد هیچ شفاعت آن خدایان از من دفع زیان نکرده و نجاتم نتوانند داد؟

در این صورت پیداست که من بسیار زیانکار خواهم بود.

پس، از من (ای رسولان) بشنوید (و گواه باشید) که به خدای (فرستنده) شما ایمان آوردم.

(و به این مرد با ایمان پس از کشته شدن، در عالم برزخ) گفته شد: بیان داخل بهشت شو، گفت: ای کاش ملت من هم (از این نعمت بزرگ) آگاه بودند.

که خدا چگونه در حق من مغفرت و رحمت فرمود و مرا مورد لطف و کرم قرار داد.

وَمَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ مِنْ جُنْدٍ مِّنَ السَّمَاءِ وَمَا كُنَّا مُنْزِلِينَ

۲۹

إِن كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ خَمِدُونَ

۳۰

يَحْسِرَةَ عَلَى الْعِبَادِ مَا يَأْتِيهِمْ مِّن رَّسُولٍ إِلَّا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

۳۱

أَلَمْ يَرَوْا كَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُمْ مِّنَ الْقُرُونِ أَنَّهُمْ إِلَيْهِمْ لَا يَرْجِعُونَ

۳۲

وَإِن كُلُّ لَمَّا جَمِيعٌ لَّدَيْنَا مُحْضَرُونَ

۳۳

۳۸۳

وَعَايَةٌ لَهُمُ الْأَرْضُ الْمَيِّتَةُ أَحْيَيْنَاهَا وَأَخْرَجْنَا مِنْهَا حَبًّا فَمِنْهُ يَأْكُلُونَ

۳۴

وَجَعَلْنَا فِيهَا جَنَّاتٍ مِّن نَّخِيلٍ وَأَعْنَابٍ وَفَجَّرْنَا فِيهَا مِنَ الْعُيُونِ

۳۵

لِيَأْكُلُوا مِن ثَمَرِهِ وَمَا عَمِلَتْهُ أَيْدِيهِمْ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

۳۶

سُبْحَانَ الَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا مِمَّا تُثْبِتُ الْأَرْضُ وَمِنَ أَنْفُسِهِمْ وَمِمَّا لَا يَعْلَمُونَ

۳۷

وَعَايَةٌ لَهُمُ اللَّيْلُ نَسَلَخُ مِنْهُ النَّهَارَ فَإِذَا هُمْ مُظْلِمُونَ

۳۸

وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَّهَا ذَلِكَ تَقْدِيرُ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

۳۹

وَالْقَمَرَ قَدَرْنَاهُ مَنَازِلَ حَتَّىٰ عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ

۴۰

لَا الشَّمْسُ يَنْبَغِي لَهَا أَنْ تُدْرِكَ الْقَمَرَ وَلَا اللَّيْلُ سَابِقُ النَّهَارِ وَكُلٌّ فِي فَلَكٍ يَسْبَحُونَ

و ما پس از او (یعنی حبیب) بر قومش هیچ لشکری از آسمان نفرستادیم (تا بر ایمان مجبورشان کنند) و هیچ این کار (با ملتی) نکرده‌ایم (و نخواهیم کرد).

و هیچ کس (از گذشته و آینده در عالم) نیست جز آنکه همه نزد ما حاضر آورده می‌شوند.

و یک برهان برای آنان (بر این که ما مردگان را زنده می‌کنیم) آن است که زمین مرده را (به باران رحمت) زنده کرده و از آن دانه‌ای که قوت و روزی خلق شود می‌رویانیم.

و در زمین باغها از نخل خرما و انگور قرار دادیم و در آن چشمه‌های آب جاری کردیم.

و برهان دیگر برای خلق (در اثبات قدرت حق) وجود شب است که ما چون پرده روز را از آن بگیریم ناگهان همه آنان (و همه چیز) در تاریکی فرو می‌روند.

و نیز خورشید تابان بر مدار معین خود دایم بی‌هیچ اختلاف به گردش است. این طرح و تدبیر خدای دانای مقتدر است (و برهان دیگر بر قدرت اوست).

و نیز (گردش) ماه را (در) منازل معین مقدر کردیم تا مانند شاخه خشکیده خرما (زرد و لاغر به منزل اول) باز گردد (و این بر قدرت حق برهان دیگری است).

نه (در گردش منظم عالم) خورشید را شاید که به ماه فرا رسد و نه شب بر روز سبقت گیرد و هر یک بر مدار معینی (در این دریای بی‌پایان) شناورند.

وَعَايَةٌ لَهُمْ أَنَّا حَمَلْنَا ذُرِّيَّتَهُمْ فِي الْفُلِّ الْمَشْحُونِ

وَخَلَقْنَا لَهُمْ مِنْ مِثْلِهِ مَا يَرْكَبُونَ

وَإِنْ نَشَأْ نُغْرِقْهُمْ فَلَا صَرِيخَ لَهُمْ وَلَا هُمْ يُنقَذُونَ

إِلَّا رَحْمَةً مِنَّا وَمَتَاعًا إِلَىٰ حِينٍ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ اتَّقُوا مَا بَيْنَ أَيْدِيكُمْ وَمَا خَلْفَكُمْ لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

وَمَا تَأْتِيهِمْ مِنْ آيَةٍ مِنْ آيَاتِ رَبِّهِمْ إِلَّا كَانُوا عَنْهَا مُعْرِضِينَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ أَنْفِقُوا مِمَّا رَزَقَكُمُ اللَّهُ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْطَعِمُ مَنْ لَوْ يَشَاءُ اللَّهُ أَطَعَمَهُوْا إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

مَا يَنْظُرُونَ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً تَأْخُذُهُمْ وَهُمْ يَخِصِّمُونَ

فَلَا يَسْتَطِيعُونَ تَوْصِيَةً وَلَا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ يَرْجِعُونَ

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَإِذَا هُمْ مِنَ الْأَجْدَاثِ إِلَىٰ رَبِّهِمْ يَنْسِلُونَ

قَالُوا يَا وَيْلَنَا مَنْ بَعَثَنَا مِنْ مَرْقَدِنَا ۗ هَذَا مَا وَعَدَ الرَّحْمَنُ وَصَدَقَ الْمُرْسَلُونَ

إِنْ كَانَتْ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً فَإِذَا هُمْ جَمِيعٌ لَدَيْنَا مُحْضَرُونَ

فَالْيَوْمَ لَا تُظَلَمُ نَفْسٌ شَيْئًا وَلَا تُجْزَوْنَ إِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

و برهان دیگر برای آنان آن که ما فرزندان آنان (یعنی بشر) را در کشتی پربار سوار گردانیدیم.

و نیز برای آنها به مانند کشتی چیزی که بر آن سوار شوند خلق کردیم (شاید اتومبیل و ترن و طیاره مقصود باشد).

و اگر بخواهیم همه را به دریا غرق کنیم که ابداً نه فریاد رسی و نه راه نجاتی یابند.

مگر باز لطف و رحمت ما آنها را نجات دهد و تا وقت معین بهره زندگی بخشد.

و چون مردم را گویند که در امر گذشته و آینده (دنیا و آخرت) خویش (اندیشه کنید و) تقوا پیشه کنید شاید مورد لطف و رحمت خدا گردید (روی بگردانند).

و بر این مردم (غافل) هیچ از آیات الهی نیاید جز آنکه از آن اعراض کنند.

و چون به آنها گویند که از آنچه خدا روزی شما قرار داده (چیزی برای خدا به فقیران) انفاق کنید، کافران به اهل ایمان جواب دهند آیا ما به کسی که اگر خدا می‌خواست به او هم روزی می‌داد اطعام و دستگیری کنیم؟ شما پیداست که سخت در غلط و گمراهی هستید (و راه راست آن است که چنان که خدا به فقیران احسان نکرده ما هم نکنیم).

و کافران (از روی تمسخر به رسول و مؤمنان) گویند: پس این وعده (قیامت و بهشت و دوزخ) اگر راست می‌گویید کی خواهد بود؟

این منکران قیامت انتظار نکشند جز یک صیحه (اسرافیل حق) را که (به مرگ) همه را فرا گیرد در حالی که (در کارهای دنیا یا در صیحه دوم قیامت) با هم به بحث و جدل مشغول‌اند.

پس (در آن لحظه مرگ) نه توانایی سفارشی دارند و نه به اهل بیت خود رجوع توانند کرد.

و (چون بار دوم) در صور دمیده شود به ناگاه همه از قبرها به سوی خدای خود به سرعت می‌شتابند.

و گویند: ای وای بر ما، که ما را از خوابگاهمان برانگیخت؟ این همان وعده خدای مهربان است و رسولان همه راست گفتند.

و آن جز یک صیحه (و یک لحظه بیش) نباشد که ناگاه تمام خلایق محشر به پیشگاه ما حاضر آورده خواهند شد.

پس در آن روز کمترین ظلمی به هیچ کس نشود و جز آنچه عمل کرده‌اید ابداً جزایی نخواهید یافت.

إِنَّ أَصْحَابَ الْجَنَّةِ الْيَوْمِ فِي شُغْلٍ فَكِهِونَ

هُم وَأَزْوَاجُهُمْ فِي ظِلِّ عَلَى الْأَرَائِكِ مُتَّكُونَ

لَهُمْ فِيهَا فَكِهَةٌ وَلَهُمْ مَا يَدَّعُونَ

سَلَّمَ قَوْلًا مِّن رَّبِّ رَحِيمٍ

وَأَمْتَرُوا الْيَوْمَ أَيُّهَا الْمُجْرِمُونَ

أَلَمْ أَعْهَدْ إِلَيْكُمْ يَبْنَىٰءَ آدَمَ أَن لَا تَعْبُدُوا الشَّيْطَانَ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

وَأَنِ اعْبُدُونِي هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

وَلَقَدْ أَضَلَّ مِنْكُمْ جِبَلًا كَثِيرًا أَفَلَمْ تَكُونُوا تَعْقِلُونَ

هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي كُنْتُمْ تُوعَدُونَ

أَصْلَوْهَا الْيَوْمَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

الْيَوْمَ نَخْتِمُ عَلَىٰ أَفْوَاهِهِمْ وَتُكَلِّمُنَا أَيْدِيهِمْ وَتَشْهَدُ أَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

وَلَوْ نَشَاءُ لَطَمَسْنَا عَلَىٰ أَعْيُنِهِمْ فَاسْتَبَقُوا الصِّرَاطَ فَأَنَّىٰ يُبْصِرُونَ

وَلَوْ نَشَاءُ لَمَسَخْنَاهُمْ عَلَىٰ مَكَانَتِهِمْ فَمَا اسْتَطَعُوا مُضِيًّا وَلَا يَرْجِعُونَ

وَمَنْ نُعَمِّرْهُ نُنَكِّسْهُ فِي الْخَلْقِ أَفَلَا يَعْقِلُونَ

وَمَا عَلَّمْنَاهُ الشِّعْرَ وَمَا يَنْبَغِي لَهُ وَإِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ وَقُرْآنٌ مُّبِينٌ

لِيُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقَّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ

اهل بهشت آن روز خوش به وجد و نشاط مشغولند.

آنان با زنان و اقرانشان در سایه‌ها (ی درختان بهشت) بر تختها (ی عزّت) تکیه کرده‌اند.

برای آنها در آنجا میوه‌های گوناگون و هر چه بخواهند آماده است.

(فرشتگان رحمت) بر آنان از خدای مهربان سلام و تحیت رسانند.

و (به فاسقان خطاب شود) ای بد کاران، امروز شما (از صف نیکوان) جدا شوید.

(خطاب آید) ای آدم زادگان، آیا به شما سفارش ننمودم که شیطان را نپرستید، زیرا روشن است که او دشمن بزرگ شماست؟!

و مرا پرستش کنید، که این راه مستقیم (سعادت ابدی) است؟!

و همانا خلق بسیاری از شما نوع بشر را (این دیو) به گمراهی کشید، آیا عقل و فکرت کار نمی‌بستید (تا از مکر و فریبش بپرهیزید).

این همان دوزخی است که به شما (پیروان شیطان) وعده می‌دادند.

امروز در آتش آن به کیفر کفرتان داخل شوید.

امروز بر دهان آن کافران مهر خموشی نهیم و دستهایشان با ما سخن گوید و پاهایشان به آنچه می‌کردند گواهی دهد.

و اگر ما بخواهیم، دیده‌هایشان را (به گمراهی) محو و نابینا کنیم تا چون به راه سبقت گیرند کجا (با کوری و گمراهی) بصیرت یابند؟

و اگر بخواهیم همان جا صورت آنها را مسخ کنیم (تا به شکل سگان و بوزینگان شوند) که نه (از آن صورت یا از آن جا) بتوانند گذشت و نه (به صورت اول) بازگشت.

و ما هر کس را عمر دراز دهیم (به پیری) در خلقتش تغییر دهیم. آیا (در این کار) تعقل نمی‌کنند (که اگر عمر به دست طبیعت بود پس از کمال به نقصان باز نمی‌گشت).

و نه ما او را (یعنی محمد صلی الله علیه و آله و سلم را) شعر آموختیم و نه شاعری شایسته مقام اوست، بلکه این کتاب چیزی جز ذکر الهی و قرآن روشن بیان خدا نیست.

تا هر که را زنده‌دل است (به آیاتش پند دهد و از خدا و قیامت) بترساند و بر کافران (نیز به اتمام حجت) وعده عذاب حتم و لازم گردد.

أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّا خَلَقْنَا لَهُمْ مِمَّا عَمِلَتْ أَيْدِينَا أَنْعَمًا فَهُمْ لَهَا  
مَلَائِكُونَ

۷۲

وَذَلَّلْنَاهَا لَهُمْ فَمِنْهَا رَكُوبُهُمْ وَمِنْهَا يَأْكُلُونَ

۷۳

وَالَهُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَمَشَارِبٌ أَفَلَا يَشْكُرُونَ

۷۴

وَاتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ ءَالِهَةً لَّعَلَّهُمْ يُنصَرُونَ

۷۵

لَا يَسْتَطِيعُونَ نَصْرَهُمْ وَهُمْ لَهُمْ جُنْدٌ مُّحْضَرُونَ

۷۶

فَلَا يَحْزِنُكَ قَوْلُهُمْ إِنَّا نَعْلَمُ مَا يُسِرُّونَ وَمَا يُعْلِنُونَ

۷۷

أَوْ لَمْ يَرَ الْإِنْسَانُ أَنَّا خَلَقْنَاهُ مِنْ نُطْفَةٍ فَإِذَا هُوَ خَصِيمٌ  
مُّبِينٌ

۷۸

وَضَرَبَ لَنَا مَثَلًا وَنَسِيَ خَلْقَهُ قَالَ مَنْ يُحْيِ الْعِظْمَ وَهِيَ  
رَمِيمٌ

۷۹

قُلْ يُحْيِيهَا الَّذِي أَنْشَأَهَا أَوَّلَ مَرَّةٍ وَهُوَ بِكُلِّ خَلْقٍ عَلِيمٌ

۸۰

الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ  
تُوقِدُونَ

۸۱

أَوْ لَيْسَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ  
يَخْلُقَ مِثْلَهُمْ بَلَىٰ وَهُوَ الْخَلَّاقُ الْعَلِيمُ

۸۲

إِنَّمَا أَمْرُهُ إِذَا أَرَادَ شَيْئًا أَنْ يَقُولَ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ

۸۳

فَسُبْحَانَ الَّذِي بِيَدِهِ مَلَكُوتُ كُلِّ شَيْءٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

آیا کافران ندیدند که بر آنها به دست (قدرت) خود از جمله  
آفریدگان چهارپایانی خلقت کردیم تا مالک آنها شوند؟

و آن حیوانات (با عظمت و قوت) را مطیع و رام آنها ساختیم  
که هم بر آنها سوار شوند و هم از آنها غذا تناول کنند.

و برای آنها در آن حیوانات منافع (بسیاری از پوست و پشم  
و کرک و غیره) و آشامیدنی‌های فراوان (از شیر و ماست و  
روغن و غیره) هست، آیا شکر (این نعمتها را) نباید به جای  
آرند؟

و (مشرکان از جهل) به جای خدا خدایانی دیگر اتخاذ کردند  
تا مگر (از جانب آنها) یاری شوند.

هرگز آن خدایان کمترین نصرتی به آنها نتوانند کرد و خود  
این مشرکان معبودانشان را سپاهی حاضر خدمت هستند  
که همگی را (در قیامت در آتش دوزخ) حاضر آرند.

پس سخن این مشرکان تو را محزون نکند. ما هر آنچه پنهان  
و آشکار گویند همه را می‌دانیم (و به کیفر کفرشان  
می‌رسانیم).

آیا انسان ندید که ما او را از نطفه ناقابل (چنین آراسته)  
خلقت کردیم؟ آن گاه (به جای آنکه شکر گزار باشد) دشمن  
آشکار ما گردید.

و برای ما مثلی (جاهلانه) زد و آفرینش خود را فراموش  
کرد، گفت: این استخوانهای پوسیده را باز که زنده می‌کند؟

بگو: آن خدایی زنده می‌کند که اول بار آنها را ایجاد کرد و  
او به هر آفریده‌ای داناست.

آن خدایی که از درخت سبز و تر برای انتفاع شما آتش قرار  
داده که (برای حاجتی که خواهید) بر می‌افروزید.

آیا آن خدایی که (خلقت با عظمت) آسمانها و زمین را آفریده  
بر آفرینش (موجود ضعیفی) مانند این کافران قادر نیست  
(که چون مردند باز آنها را زنده گرداند)؟ چرا (البته قادر  
است) و او آفریننده و داناست.

فرمان نافذ او چون اراده خلقت چیزی کند به محض اینکه  
گوید: «موجود باش» بلا فاصله موجود خواهد شد.

پس منزّه و پاک است خدایی که (ملک و) ملکوت هر موجود  
به دست (قدرت) او و بازگشت شما همه خلائق به سوی  
اوست.

۱  
۳۸۶  
منزل  
۶

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالصّٰفّٰتِ صَفًّا

۲

فَالزّٰجِرٰتِ زَجْرًا

۳

فَالتّٰلِیٰتِ ذِکْرًا

۴

إِنَّ إِلَهَكُمْ لَوَاحِدٌ

۵

رَبُّ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَیْنَهُمَا رَبُّ الْمَشْرِقِ

۶

إِنَّا زَیِّنَا السَّمَاءَ الدُّنْیَا بَیِّنَاتٍ الْكَوٰكِبِ

۷

وَحِفظًا مِّنْ كُلِّ شَیْطٰنٍ مَّارِدٍ

۸

لَّا یَسْمَعُونَ إِلَى الْمَلِئِ الْأَعْلٰی وَیُقَدِّفُونَ مِّنْ كُلِّ جَانِبٍ

۹

دُحُوْرًا وَلَهُمْ عَذَابٌ وَاصِبٌ

۱۰

إِلَّا مَنْ خَطَفَ الْخَطْفَةَ فَاتَّبَعَهُ وَشِهَابٌ ثَاقِبٌ

۱۱

فَاسْتَفْتِهِمْ أَهْمُ أَشَدُّ خَلْقًا أَمْ مَن خَلَقْنَا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّن

طِیْنٍ لَّا زِبٍ

۱۲

بَلْ عَجِبْتَ وَیَسْخَرُونَ

۱۳

وَإِذَا ذُكِّرُوا لَا یَذْکُرُونَ

۱۴

وَإِذَا رَأَوْاٰ آیَةً یَسْتَسْخِرُونَ

۱۵

وَقَالُوا إِن هٰذَا إِلَّا سِحْرٌ مُّبِیْنٌ

۱۶

أَعِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أءِنَّا لَمَبْعُوْثُونَ

۱۷

أَوْ ءَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ

۱۸

قُلْ نَعَمْ وَأَنْتُمْ دَاخِرُونَ

۱۹

فَإِنَّمَا هِیَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ فَإِذَا هُمْ یَنْظُرُونَ

۲۰

وَقَالُوا یٰوَیْلَنَا هٰذَا یَوْمَ الدِّیْنِ

۲۱

هٰذَا یَوْمُ الْفَصْلِ الَّذِی كُنْتُمْ بِهِء تُكَدِّبُونَ

۲۲

أَحْشَرُوا الَّذِیْنَ ظَلَمُوا وَأَزْوَاجَهُمْ وَمَا كَانُوا یَعْبُدُونَ

۱۷۹

۳۸۷

۲۳

مِن دُونِ اللَّهِ فَاهْدُوهُمْ إِلَى صِرَاطِ الْجَحِیْمِ

۲۴

وَقَفُوْهُمْ إِنَّهُمْ مَّسْئُولُونَ

قسم به صف زدگان (چون فوج فرشتگان یا نماز گزاران یا سپاه اهل ایمان) که صف آراییی کرده‌اند.

قسم به منع و زجر کنندگان (از عمل معصیت کاران، یا رانندگان ابر و باران).

قسم به تلاوت کنندگان ذکر (همه کتب آسمانی یا آیات قرآن).

که محققا خدای شما یکی است.

همان خدای یکتا که آفریننده آسمانها و زمین است و هر چه بین آنهاست و آفریننده مشرق‌ها (و مغرب‌ها) است.

ما نزدیکترین آسمان را به زیور انجم بیاراستیم.

و (به شهاب آن انجم) از تسلط هر شیطان سرکش گمراه محفوظ داشتیم.

تا شیاطین هیچ از وحی و سخنان فرشتگان عالم بالا نشنوند و از هر طرف به قهر رانده شوند.

هم به قهر برانندشان و هم به عذاب دائم (قیامت) گرفتار شوند.

جز آنکه کسی (از شیاطین چون خواهد از عالم بالا) خبری برباید هم او را تیر شهاب فروزان تعقیب کند.

از این منکران قیامت بپرس که آیا خلقت آنها سخت‌تر است یا موجودات (با عظمت) دیگر که ما خلق کرده‌ایم؟ و ما اینان را در اول از گل چسبنده بیافریدیم.

بلکه تو (از انکار منکران) تعجب کردی و آنها هم به تمسخر پرداختند.

و هر گاه به آنها پند و اندرز دهند هیچ متذکر نمی‌شوند.

و چون آیت و معجزی مشاهده کنند باز هم به فسوس و مسخره پردازند.

و گویند: این خود پیداست که سحری بیش نیست.

(و با تعجب و انکار گویند) آیا چون ما مردیم و خاک و استخوان پوسیده شدیم باز زنده و برانگیخته می‌شویم؟

یا پدران گذشته ما زنده می‌شوند؟!

بگو: آری شما (و هم پدرانتان) خوار و ذلیل به محشر مبعوث خواهید شد.

تنها به یک صیحه (اسرافیل) است که ناگاه همه (زنده شده و از قبرها بر خیزند و عرصه قیامت را) بنگرند.

و گویند: ای وای بر ما، این است روز جزای اعمال.

این است روز حکم (بر نیک و بد) که شما تکذیب آن می‌کردید.

(و خطاب شود که) اینک ستمکاران را حاضر کنید با همسران (یا پیروان) و آنچه معبود ایشان بود،

که به جز خدا می‌پرستیدند، و همه را به راه دوزخ راه نمایید.

(در موقف حساب) نگاهشان دارید که در کارشان سخت مسئولند.

مَا لَكُمْ لَا تَنَاصِرُونَ

بلکه در این روز آنها همه سخت تسلیم و ذلیلند.

بَلْ هُمْ الْيَوْمَ مُسْتَسْلِمُونَ

و در آن هنگامه برخی از آنان به بعضی دیگر رو نموده (یعنی مرنوسین با رؤسا) سؤال و جواب کنند.

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

گویند: شما بودید که از سمت راست (و چپ برای فریب) ما می‌آمدید.

قَالُوا إِنَّكُمْ كُنْتُمْ تَأْتُونَنَا عَنِ الْيَمِينِ

آنها جواب دهند (که به ما مربوط نیست) بلکه شما خود ایمان نیاوردید.

قَالُوا بَلْ لَمْ تَكُونُوا مُؤْمِنِينَ

و ما بر شما تسلط و حجتی نداشتیم بلکه شما خودتان طاغی و سرکش مردمی بودید.

وَمَا كَانَ لَنَا عَلَيْكُم مِّن سُلْطٰنٍۭ بَلْ كُنْتُمْ قَوْمًا طٰغِيْنَ

پس امروز بر همه ما وعده (انتقام) خدایمان حتمی است، و البته عذاب را خواهیم چشید.

فَحَقَّ عَلَيْنَا قَوْلُ رَبِّنَاۤ اِذَا لَدَايِقُونَ

و ما شما را بدین سبب گمراه کردیم که خود گمراه بودیم.

فَأَعْوَيْنٰكُمْ اِنَّا كُنَّا غٰوِيْنَ

و در آن روز آنها همه در عذاب مشترکند.

فَاِنَّهُمْ يَوْمَئِذٍۭ فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ

ما چنین از بد کاران انتقام می‌کشیم.

اِنَّا كَذٰلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِيْنَ

آنها بودند که چون لا اله الا الله (کلمه توحید) به ایشان گفته می‌شد (از قبول آن) سرکشی می‌کردند.

اِنَّهُمْ كَانُوْۤا اِذَا قِيْلَ لَهُمْ لَا اِلٰهَ اِلَّا اللّٰهُ يَسْتَكْبِرُوْنَ

و می‌گفتند: آیا ما به خاطر شاعر دیوانه‌ای دست از خدایان خود برداریم؟!

وَيَقُولُوْنَ اٰيِنَّا لَتٰرِكُوْۤا ءَاثٰرِنَا لَشٰعِرٍۭ مَّجْنُوْنٍ

(چنین نیست که آنها پنداشتند) بلکه (محمد صلی الله علیه و آله پیغمبر بزرگی است که برای تعلیم و هدایت خلق عالم) با برهان روشن حق آمد و (حجت و معجزاتش) صدق پیغمبران پیشین را نیز اثبات کرد.

بَلْ جَاءَ بِالْحَقِّ وَصَدَقَ الْمُرْسَلِينَ

شما (که او را تکذیب کردید امروز) عذاب سخت و دردناک خواهید چشید.

اِنَّكُمْ لَدَايِقُوْۤا الْعَذَابِ الْاَلِيْمِ

و جز به کردارتان مجازات نمی‌شوید.

وَمَا تُجَزَوْنَ اِلَّا مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

(امروز همه مسئولند) جز بندگان پاک برگزیده خدا.

اِلَّا عِبَادَ اللّٰهِ الْمُخْلِصِيْنَ

آنان را (در بهشت ابد) روزی جسمانی و روحانی (بی حساب) معین است.

اُوْلٰئِكَ لَهُمْ رِزْقٌ مَّعْلُوْمٌ

میوه‌های گوناگون بهشتی، و هم آنها (در آن عالم جاودانی) بزرگوar و محترمند.

فَوٰكِهٌ وَهُم مُّكْرَمُوْنَ

در آن بهشت پر نعمت متنعمند.

فِي جَنّٰتٍۭ التَّعِيْمِ

بر تختهای عالی رو به روی یکدیگر نشسته‌اند.

عَلٰى سُرُرٍۭ مُّتَّقَبِلِيْنَ

(حور و غلمان) با جام شراب طهور بر آنان دور می‌زنند.

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِكَاۤسٍۭ مِّن مَّعِيْنٍ

شرابی سپید و روشن که آشامندگان لذت کامل برند.

بِيۡضَآءٍ لَّدَۃٍۭ لِّلشَّرِيۡبِیۡنِ

نه در آن می‌خمار و دردسری و نه مستی و مدهوشی است.

لَا فِیْهَا غَوۜلٌ وَلَا هُمْ عَنْهَا يُنۜزَفُونَ

و در بزم حضورشان حوران زیبا چشمی است که (جز به شوهر خود) به هیچ کس ننگرد.

وَعِنۜدَهُمۡ قَصِرٰتُ الطَّرَفِ عِیۜنٌ

گویی آن حوران (در سفیدی و لطافت) بیضه مکنونند [یعنی تخم شتر مرغ که بسیار خوشرنگ است و شتر مرغ آن را با پر خویش می‌پوشاند تا غبار بر آن ننشیند. (م)].

كَأَنَّهُنَّ بِيۡضٌ مَّكۜنُوۜنٌ

در آنجا مؤمنان بعضی با بعضی به صحبت روی کنند.

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

یکی از آنها گوید: (ای رفیقان بهشتی) مرا (در دنیا) همنشینی (کافر) بود.

قَالَ قَابِلٌۭ مِّنۡهُمۡ اِنِّیۡ كَانَ لِیۡ قَرِيۡنٌ

يَقُولُ أَعِنَّكَ لَمِنَ الْمُصَدِّقِينَ

۵۳

أَعِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعِنَّا لَمَدِينُونَ

۵۴

قَالَ هَلْ أُنْتُمْ مُّطَّلِعُونَ

۵۵

فَاطَّلَعَ فَرَءَاهُ فِي سَوَاءِ الْجَحِيمِ

۵۶

قَالَ تَأَلَّوْا إِنَّ كِدَّتْ لَتُرْدِينَ

۵۷

وَلَوْلَا نِعْمَةُ رَبِّي لَكُنْتُ مِنَ الْمُحْضَرِينَ

۵۸

أَفَمَا نَحْنُ بِمَيِّتِينَ

۵۹

إِلَّا مَوْتَتَنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُعَذَّبِينَ

۶۰

إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۶۱

لِمِثْلِ هَذَا فَلْيَعْمَلِ الْعَمِلُونَ

۶۲

أَذَلِكَ خَيْرٌ نُزُلًا أَمْ شَجَرَةُ الزَّقْوَمِ

۶۳

إِنَّا جَعَلْنَاهَا فِتْنَةً لِلظَّالِمِينَ

۶۴

إِنَّهَا شَجَرَةٌ تَخْرُجُ فِي أَصْلِ الْجَحِيمِ

۶۵

طَلَعَهَا كَأَنَّهٗ رُءُوسُ الشَّيَاطِينِ

۶۶

فَإِنَّهُمْ لَا يَكْلُونُ مِنْهَا فَمَا لِيُونِ مِنْهَا الْبُطُونَ

۶۷

ثُمَّ إِنَّ لَهُمْ عَلَيْهَا لَشَوْبًا مِّنْ حَمِيمٍ

۶۸

ثُمَّ إِنَّ مَرَجِعَهُمْ لِإِلَى الْجَحِيمِ

۶۹

إِنَّهُمْ أَلْفَاؤُا عَابَاءَهُمْ ضَالِّينَ

۷۰

فَهُمْ عَلَىٰ عَآثِرِهِمْ يُهْرَعُونَ

۷۱

وَلَقَدْ ضَلَّ قَبْلَهُمْ أَكْثَرُ الْأُولِينَ

۷۲

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا فِيهِمْ مُّنذِرِينَ

۷۳

فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُنذَرِينَ

۷۴

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

۷۵

وَلَقَدْ نَادَيْنَا نُوحًا فَلَنِعْمَ الْمُجِيبُونَ

۳۸۸

۷۶

وَنَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

که با من می‌گفت: آیا تو (وعده‌های بهشت و قیامت را) باور می‌کنی؟

آیا چون مردیم و استخوان ما خاک راه شد باز (زنده شویم و) پاداش و کیفری یابیم؟

باز (این گوینده بهشتی به رفیقان) گوید: آیا می‌خواهید نظر کنید (و آن رفیق کافر را اینک در دوزخ بنگرید).

آن گاه خود بنگرد و او را در میان دوزخ (معذب) بیند.

به او گوید: قسم به خدا که نزدیک بود مرا (همچون خود) هلاک گردانی.

و اگر نعمت و لطف خدای من (نگهدار) نبود من هم به دوزخ (نزد تو) از حاضر شدگان بودم.

(و از خوشحالی گوید) آیا دیگر ما را مرگی نخواهد بود؟

جز همان مرگ اول (که در دنیا مردیم) و دیگر هیچ رنج و عذابی بر ما نخواهد بود؟

این است همان سعادت و رستگاری بزرگ.

آنان که سعی و عملی می‌کنند باید بر مثل این (بهشت جاودانی) کنند (نه بر دنیای دو روزه فانی).

آیا این پذیرایی (و مقام عالی) بهتر است یا درخت زقوم جهنم؟

که آن درخت را ما بلای جان ستمکاران عالم گردانیدیم.

آن زقوم به حقیقت درختی است که از بن دوزخ برآید.

میوه‌اش (در خیانت) گویی سرهای شیاطین است.

اهل دوزخ از آن درخت (خیانت) آن طور می‌خورند که شکمها پر می‌سازند.

پس از خوردن زقوم دوزخ بر آنها آمیزه‌ای از شراب سوزان خواهد بود.

و باز هم رجوعشان به سوی (عذاب دایم) جهنم است.

چرا که آنها پدرانشان را در ضلالت و گمراهی یافتند.

و باز از پی آنها شتابان می‌رفتند.

و قبل از اینان بیشتر پیشینیان هم سخت گمراه بودند.

و ما رسولانی برای بیم و پند بر آنها فرستادیم.

(همه را تکذیب کردند) پس بنگر تا عاقبت کار آن امتهای بیم داده شده (گمراه) به چه (سختی و هلاکت) انجامید.

جز بندگان پاک برگزیده خدا (همه هلاک شدند).

و همانا نوح ما را (بر یاری خود) ندا کرد و ما او را چه نیکو اجابت کردیم.

و او را با اهل بیتش (و پیروانش) همه را از اندوه و بلای بزرگ (هلاکت غرق) نجات دادیم.



وَجَعَلْنَا ذُرِّيَّتَهُ هُمُ الْبَاقِينَ

و نژاد و اولاد او را روی زمین باقی داشتیم.

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

و در میان آیندگان نام نیکویش بگذاشتیم.

سَلَّمَ عَلَى نُوحٍ فِي الْعَالَمِينَ

سلام و تحیت بر نوح (خدا پرست) در میان عالمیان باد.

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

ما نیکوکاران را چنین پاداش می‌دهیم.

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

که او به حقیقت از بندگان با ایمان ما بود.

ثُمَّ أَغْرَقْنَا الْآخِرِينَ

آن گاه دیگران را همه غرق دریای هلاک گردانیدیم.

وَأَنَّ مِنْ شِيعَتِهِ لِإِبْرَاهِيمَ

و از پیروان نوح (در دعوت به توحید و خدا پرستی) به حقیقت ابراهیم (خلیل) بود.

إِذْ جَاءَ رَبَّهُ بِقَلْبٍ سَلِيمٍ

که با قلبی پاک و سالم (از شرک) به سوی پروردگار خویش آمد.

إِذْ قَالَ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ مَاذَا تَعْبُدُونَ

هنگامی که با پدر (یعنی عموی) خود و قومش گفت: شما به پرستش چه مشغولید؟

أَيْفَاكَ ءَالِهَةٌ دُونَ اللَّهِ تُرِيدُونَ

آیا رواست که به دروغ خدایانی به جای خدای یکتا بر می‌گزینید؟

فَمَا ظَنُّكُمْ بِرَبِّ الْعَالَمِينَ

پس در این صورت به خدای جهانیان چه گمان می‌برید (و از قهر و انتقام خدا چگونه نمی‌ترسید).

فَنظَرَ نَظْرَةً فِي النُّجُومِ

آن گاه (ابراهیم تدبیری اندیشید و) به ستارگان آسمان نگاهی کرد.

فَقَالَ إِنِّي سَقِيمٌ

و با قومش گفت که من بیمارم (و نتوانم به جشن عید بتان آیم).

فَتَوَلَّوْا عَنْهُ مُدْبِرِينَ

قوم از او دست کشیده برگشتند (و از بتخانه در پی نشاط عید به باغ و صحرا شتافتند).

فَرَاغَ إِلَى ءَالِهِتِهِمْ فَقَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

ابراهیم (که بتخانه را خلوت یافت) قصد بتهای آنان کرد و گفت: آیا شما غذا نمی‌خورید؟

مَا لَكُمْ لَا تَنْطِقُونَ

چرا سخن نمی‌گویید؟ (شما چه خدایان بی‌اثر باطلی هستید!)

فَرَاغَ عَلَيْهِمْ ضَرْبًا بِالْيَمِينِ

و محکم (با تبر) بر بتان زد (و جز بت بزرگ همه را درهم شکست).

فَأَقْبَلُوا إِلَيْهِ يَزِفُونَ

قوم (آگه شدند و) با شتاب (از پی انتقام) به سوی او آمدند.

قَالَ أَتَعْبُدُونَ مَا تَنْجِتُونَ

ابراهیم گفت: آیا رواست که شما چیزی به دست خود بتراشید و آن را پرستش کنید؟

وَاللَّهُ خَلَقَكُمْ وَمَا تَعْمَلُونَ

در صورتی که شما و آنچه (از بتان) می‌سازید همه را خدا آفریده.

قَالُوا أَبْنَاؤُا لَهُو بُنَيْنَا فَاقْفُوهُ فِي الْجَحِيمِ

(قوم حجت و برهانش نشنیدند و) گفتند: باید بر او آتشخانه‌ای بسازید و او را در آتش افکنید.

فَأَرَادُوا بِهِ كَيْدًا فَجَعَلْنَاهُمُ الْأَسْفَلِينَ

نمرودیان قصد مکر و ستمش کردند ما هم آنان را خوار و نابود ساختیم (و آتش را بر او گلستان کردیم).

وَقَالَ إِنِّي ذَاهِبٌ إِلَىٰ رَبِّي سَيَهْدِينِ

و ابراهیم (پس از نجات از بیداد نمرودیان به قومش) گفت: من (با کمال اخلاص) به سوی خدای خود می‌روم که البته هدایت‌م خواهد فرمود.

رَبِّ هَبْ لِي مِنَ الصَّالِحِينَ

بار الها، مرا فرزند صالحی که از بندگان شایسته تو باشد عطا فرما.

فَبَشَّرْنَاهُ بِغُلَامٍ حَلِيمٍ

پس مژده پسر بردباری به او دادیم.

فَلَمَّا بَلَغَ مَعَهُ السَّعَىٰ قَالَ يَبْنَئِي إِنِّي أَرَىٰ فِي الْمَنَامِ أَنِّي

أَذْبُجُكَ فَاَنْظُرْ مَاذَا تَرَىٰ قَالَ يَتَأَبَّتْ أَفْعَلُ مَا تُؤْمَرُ<sup>ط</sup>

سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ

آن گاه که (آن پسر رشد یافت و) با او به سعی و عمل شتافت (یا در جهد و عبادت یا در سعی صفا و مروه با پدر همراه شد) ابراهیم گفت: ای فرزند عزیزم، من در عالم خواب چنین می‌بینم که تو را قربانی (راه خدا) می‌کنم، در این واقعه تو را چه نظری است؟ جواب داد: ای پدر، هر چه مأموری انجام ده که ان شاء الله مرا از بندگان با صبر و شکیبا خواهی یافت.

فَلَمَّا أَسْلَمَا وَتَلَّهِ لِلْجَبِينِ

۱۰۴ وَنَدَيْتَهُ أَنْ يَا أَبْرَاهِيمَ

۱۰۵ قَدْ صَدَّقْتَ الرُّعْيَا إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

۱۰۶ إِنَّ هَذَا لَهُوَ الْجَبْتُ الْمُبِينُ

۱۰۷ وَفَدَيْنَهُ بِذَبْحٍ عَظِيمٍ

۱۰۸ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

۱۰۹ سَلَّمَ عَلَىٰ إِبْرَاهِيمَ

۱۱۰ كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

۱۱۱ إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

۱۱۲ وَبَشَّرْنَاهُ بِإِسْحَاقَ نَبِيًّا مِّنَ الصَّالِحِينَ

۱۱۳ وَبَرَكْنَا عَلَيْهِ وَعَلَىٰ إِسْحَاقَ وَمِن ذُرِّيَّتِهِمَا مُحْسِنٌ وَظَالِمٌ لِّنَفْسِهِ مُبِينٌ

۱۱۴ وَلَقَدْ مَنَّا عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ ۚ

۱۱۵ وَجَعَلْنَاهُمَا قَوْمَهُمَا مِّنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ

۱۱۶ وَنَصَرْنَاهُمْ فَاكُونُوا هُمُ الْغَالِبِينَ

۱۱۷ وَعَاتَيْنَاهُمَا الْكِتَابَ الْمُسْتَبِينَ

۱۱۸ وَهَدَيْنَاهُمَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

۱۱۹ وَتَرَكْنَا عَلَيْهِمَا فِي الْآخِرِينَ

۱۲۰ سَلَّمَ عَلَىٰ مُوسَىٰ وَهَارُونَ

۱۲۱ إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

۱۲۲ إِنَّهُمَا مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

۱۲۳ وَإِنَّ إِلْيَاسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

۱۲۴ إِذْ قَالَ لِقَوْمِهِ أَلَا تَتَّقُونَ

۱۲۵ أَتَدْعُونَ بَعْلًا وَتَذَرُونَ أَحْسَنَ الْخَلْقِينَ

۱۲۶ اللَّهُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ الْأُولِينَ

پس چون هر دو تسلیم امر حق گشتند و او را (برای کشتن) به روی در افکند.

و ما در آن حال (که کارد به گلویش کشید) خطاب کردیم که ای ابراهیم،

تو مأموریت عالم رؤیا را انجام دادی (کارد را از گلویش بردار). ما نیکو کاران را چنین نیکو پاداش می‌دهیم.

این ابتلا همان امتحانی است که (حقیقت حال اهل ایمان را) روشن می‌کند (که در راه خدا از هر چیز می‌گذرند).

و بر او (گوسفندی فرستاده و) ذبح بزرگی فدا ساختیم.

و ثنای او را در میان آیندگان وا گذاردیم.

سلام و تحیت خدا بر ابراهیم باد.

ما نیکوان را این چنین پاداش نیکو می‌دهیم.

زیرا او از بندگان با ایمان ما بود.

و باز مزده فرزندش اسحاق را که پیغمبری از شایستگان است به او دادیم.

و بر ابراهیم و اسحاق برکت و خیر بسیار عطا کردیم، و از فرزندانشان برخی صالح و نیکوکار و برخی دانسته و آشکار به نفس خود ستمکار شدند.

و همانا ما بر موسی و هارون منت گذاردیم.

و هر دو را با قومشان از بلای بزرگ (فرعونیان) نجات دادیم.

و آنها را یاری دادیم تا (بر فوعونیان) به حقیقت غالب شدند.

و به آن دو (پیغمبر) کتاب (تورات) روشن بیان را عطا کردیم.

و هر دو را به راه راست (خداپرستی) هدایت کردیم.

و برایشان نام نیک در میان آیندگان باقی گذاردیم.

سلام و تحیت بر موسی و هارون باد.

ما چنین نیکوان را پاداش نیکو می‌دهیم.

زیرا هر دو از بندگان خاص با ایمان ما بودند.

و همانا الیاس یکی از رسولان بزرگ خدا بود.

وقتی که قومش را گفت: آیا خداترس و پرهیزکار نمی‌شوید (که ترک بت و خود پرستی کنید).

آیا بت بعل نام را (خدا) می‌خوانید و خدای بهترین آفریننده عالم را ترک می‌گویید؟

همان خدایی که آفریننده شما و پدران گذشته شماست (نه بتان جماد).

فَكَذَّبُوهُ فَإِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلِصِينَ

وَتَرَكْنَا عَلَيْهِ فِي الْآخِرِينَ

سَلَّمَ عَلَىٰ آلِ يَاسِينَ

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

إِنَّهُ مِنْ عِبَادِنَا الْمُؤْمِنِينَ

وَإِنَّ لُوطًا لَّمِنَ الْمُرْسَلِينَ

إِذْ نَجَّيْنَاهُ وَأَهْلَهُ وَأَجْمَعِينَ

إِلَّا عَجُوزًا فِي الْغَابِرِينَ

ثُمَّ دَمَرْنَا الْأَخْرِينَ

وَأَنَّا لَمَبْرُورُونَ عَلَيْهِمْ مُصْبِحِينَ

وَبِاللَّيْلِ أَفَلَا تَعْقِلُونَ

وَإِنَّ يُونُسَ لَمِنَ الْمُرْسَلِينَ

إِذْ أَبَقَ إِلَى الْفُلْكِ الْمَشْحُونِ

فَسَاهَمَ فَكَانَ مِنَ الْمُدْحَضِينَ

فَالْتَقَمَهُ الْحُوتُ وَهُوَ مُلِيمٌ

فَلَوْلَا أَنَّهُ كَانَ مِنَ الْمُسَبِّحِينَ

لَلَبِثَ فِي بَطْنِهِ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

فَنَبَذْنَاهُ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ سَقِيمٌ

وَأَنبَتْنَا عَلَيْهِ شَجَرَةً مِّنْ يَّفَاطِينٍ

وَأَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ مِائَةِ أَلْفٍ أَوْ يَزِيدُونَ

فَعَامُوا فَمَتَّعْنَاهُمْ إِلَىٰ حِينٍ

فَأَسْتَفْتِيهِمَ رَبِّكَ الْبَنَاتِ وَلَهُمُ الْبَنُونَ

أَمْ خَلَقْنَا الْمَلَائِكَةَ إِنثًا وَهُمْ شَاهِدُونَ

أَلَا إِنَّهُمْ مِّنْ إِفْكِهِمْ لَيَقُولُونَ

وَلَدَ اللَّهُ وَإِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

أَصْطَفَى الْبَنَاتِ عَلَى الْبَنِينَ

قوم الیاس (رسالت) او را تکذیب کردند، بدین سبب (برای انتقام و عذاب به محشر) احضار می‌شوند.

(و همه هلاک شوند) جز بندگان پاک و برگزیده خدا.

و از او در میان آیندگان نام نیکو باقی گذاردیم.

سلام بر الیاس (و آل یاسین) باد.

ما نیکوان را چنین پاداش نیکو می‌دهیم.

زیرا او از بندگان خاص با ایمان ما بود.

و لوط هم یکی از رسولان خدا بود.

وقتی که ما (خواستیم قوم او را کیفر کنیم) او و اهل بیتش همه را نجات دادیم.

به جز پیر زالی (همسر او) که در میان قومی که هلاک شدند باقی ماند.

پس (از نجات لوط و اهلش) دیگران که بدکار بودند همه را هلاک ساختیم.

و شما مردم اینک بر دیار ویران قوم لوط می‌گذرید (و خرابه‌های آن را به چشم می‌نگرید) در صبح،

و شام، آیا (چشم عبرت نمی‌کشاید و) عقل را کار نمی‌بندید؟

و یونس نیز یکی از رسولان بزرگ خدا بود.

آن گاه که به کشتی پر جمعیتی گریخت (زیرا به قومش وعده عذاب داد و آنها از دل توبه و انابه کردند و خدا رفع عذاب کرد. او به دریای روم گریخت تا نزد قوم خجل و شرمنده نرود).

(کشتی به خطر افتاد و اهل کشتی معتقد شدند که خطا کاری در میان آنهاست، خواستند قرعه زنند تا خطا کار را به قرعه تعیین کرده و غرق کنند) یونس قرعه زد و به نام خودش افتاد و از مغلوب شدگان (و غرق شوندگان) گردید.

و ماهی دریا او را به کام فرو برد و او در خور ملامت بود.

و اگر او به ستایش و تسبیح خدا نپرداختی،

تا قیامت در شکم ماهی زیست کردی.

باز او را (پس از چندین روز) از بطن ماهی به صحرای خشکی افکندیم در حالی که بیمار و ناتوان بود.

و (در آن صحرا) بر او درختی از کدو رویانیدیم (تا به برگش سایه‌بان و پوشش کند).

و او را بر قومی بالغ بر صد هزار یا افزون (به رسالت) فرستادیم.

و آن قوم چون ایمان آوردند ما هم تا هنگامی معین (مدت عمر آن قوم، از نعمت خود) بهره‌مندشان گردانیدیم.

پس تو از این مشرکان (که فرشتگان را دختران خدا می‌خوانند) بپرس که آیا خدا را فرزندان دختر است و آنان را پسر؟

یا آنکه چون ما فرشتگان را خلق می‌کردیم آنجا حاضر بودند و دیدند که آنها را زن آفریدیم؟

بدان که اینان (از جهل خود) بر خدا دروغی بسته و می‌گویند.

خدا را فرزند می‌باشد. البته دروغ می‌گویند.

آیا خدا دختران را بر پسران برگزید؟

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

چرا چنین جاهلانه حکم می‌کنید؟

۱۵۵ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

آیا (با این ادلّه روشن) باز متذکر نمی‌شوید؟

۱۵۶ أَمْ لَكُمْ سُلْطَنٌ مُّبِينٌ

آیا (برای عقیده باطل خود) دلیل روشنی دارید؟

۱۵۷ فَأَتُوا بِكِتَابِكُمْ إِن كُنتُمْ صَادِقِينَ

کتاب و برهان‌تان را بیاورید اگر راست می‌گویید.

۱۵۸ وَجَعَلُوا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ نَسَبًا وَلَقَدْ عَلِمَتِ الْجِنَّةُ إِنَّهُمْ لَمُحْضَرُونَ

و (فاسدتر از این عقیده آنکه) بین خدا و جنّ نسبت و خویشی برقرار کردند در صورتی که جنّیان می‌دانند که (این عقاید وهم و خرافات است و به محشر برای کیفر) احضار خواهند شد.

۱۵۹ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُصِفُونَ

خدا ذات پاکش از این اوصاف که (از جهل) به او نسبت می‌دهند منزّه است (و همه شما مسئولید).

۱۶۰ إِلَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

جز بندگان پاک برگزیده خدا.

۱۶۱ فَإِنَّكُمْ وَمَا تَعْبُدُونَ

که شما و معبودانتان،

۱۶۲ مَا أَنْتُمْ عَلَيْهِ بِفِتْنِينَ

توانستید آنها را مفتون و گمراه کنید.

۱۶۳ إِلَّا مَنْ هُوَ صَالٍ الْجَحِيمِ

جز آن کس را که اهل دوزخ است.

۱۶۴ وَمَا مِنَّا إِلَّا لَهُ مَقَامٌ مَّعْلُومٌ

(ای رسول ما، مشرکان را بگو که فرشتگان می‌گویند) هیچ کس از ما فرشتگان نیست جز آنکه او را (در بندگی حق) مقامی معین است.

۱۶۵ وَإِنَّا لَنَحْنُ الصَّافُونَ

و همه (به فرمان خدا) نیکو صف آراسته‌ایم.

۱۶۶ وَإِنَّا لَنَحْنُ الْمُسَبِّحُونَ

و دایم به تسبیح و ستایش او مشغولیم.

۱۶۷ وَإِن كَانُوا لَيَقُولُونَ

و همانا کافران می‌گفتند.

۱۶۸ لَوْ أَنَّ عِنْدَنَا ذِكْرًا مِّنَ الْأَوَّلِينَ

که اگر نزد ما کتابی از رسولان پیشین بود.

۱۶۹ لَكُنَّا عِبَادَ اللَّهِ الْمُخْلَصِينَ

ما هم البته از بندگان برگزیده خدا می‌بودیم.

۱۷۰ فَكَفَرُوا بِهِ ۖ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

و (دروغ می‌گفتند، زیرا آن قرآن بزرگ خدا آمد و) به آن کافر شدند و به زودی (کیفر خود را) خواهند دانست.

۱۷۱ وَلَقَدْ سَبَقَتْ كَلِمَتُنَا لِعِبَادِنَا الْمُرْسَلِينَ

و همانا عهد ما در باره بندگان که به رسالت فرستادیم (چنین در علم ازلی) سبقت گرفته است.

۱۷۲ إِنَّهُمْ لَهُمُ الْمَنْصُورُونَ

که البته آنها (بر کافران) فتح و فیروزی یابند.

۱۷۳ وَإِنَّ جُنَدَنَا لَهُمُ الْغَالِبُونَ

و همیشه سپاه ما (بر دشمن) غالبند.

۱۷۴ فَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

پس اینک روی از آنها بگردان تا به وقتی معین.

۱۷۵ وَأَبْصِرْهُمْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ

و (عذاب دنیا و آخرت) آنها را به چشم ببین که آنها هم به زودی (فتح و فیروزی تو را) خواهند دید.

۱۷۶ أَفَبِعَذَابِنَا يَسْتَعْجِلُونَ

آیا کافران (به تمسخر، از تو) عذاب ما را با تعجیل می‌طلبند؟

۱۷۷ فَإِذَا نَزَلَ بِسَاحَتِهِمْ فَسَاءَ صَبَاحُ الْمُنذَرِينَ

(بدانند که) چون عذاب قهر الهی پیرامون دیارشان فرود آید (بر آن کافران شبی بگذرد که) صبح بسیار بدی خواهند داشت.

۱۷۸ وَتَوَلَّ عَنْهُمْ حَتَّىٰ حِينٍ

اینک روی از آنها بگردان تا به وقتی معین.

۱۷۹ وَأَبْصِرْ فَسَوْفَ يُبْصِرُونَ

و (عذاب و ذلت آنها را) به چشم ببین که آنها هم به زودی (فتح و فیروزی تو را) خواهند دید.

۱۸۰ سُبْحَانَ رَبِّكَ رَبِّ الْعِزَّةِ عَمَّا يَصِفُونَ

پاک و منزّه است پروردگار تو که خدایی مقتدر و بی‌همتاست و از توصیف (جاهلانه) خلق میراست.

۱۸۱ وَسَلَامٌ عَلَى الْمُرْسَلِينَ

و سلام و تحیت الهی بر رسولان گرامی او باد.

۱۸۲ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

و ستایش مخصوص خداست که آفریننده جهان‌ها و جهانیان است.

ص (رمز خدا و رسول است یا اشاره است به صمد و صانع و صادق از اسماء الهی یا به صفی و مصطفی که القاب پیغمبر است) قسم به قرآن صاحب مقام ذکر (و عزّت و شرافت و پند آموز عالمیان).

(که محمّد صلی الله علیه و آله و سلّم رسول حق و قرآن بزرگ معجز اوست) بلکه کافران (که منکر اویند) در مقام غرور و سرکشی و عداوت حق هستند.

ما پیش از اینها طوایف بسیاری را به هلاکت رسانیدیم و آن هنگام فریادها کردند و هیچ راه نجاتی بر آنها نبود.

و (مشرکان مکه) تعجب کردند که رسولی از همان نژاد عرب برای تذکر و پند آنان آمد، و آن کافران گفتند: او ساحری دروغگوست.

آیا او چندین خدای ما را منحصر به یک خدا کرده (و به معبود یگانه دعوت می‌کند)؟ این بسیار تعجب آور و حیرت انگیز است.

و گروهی از سران قوم به راه افتاده (و چنین رأی دادند) که باید طریقه خود را ادامه دهید و در پرستش خدایان خود ثابت قدم باشید، این کاری است که مراد همه است (یا این قیام پیغمبر بر محو و نابود ساختن بتان از پیشامدهای بد روزگار است که باید با آن مقاومت کنیم).

این را (که دعوی محمّد است در توحید و یگانگی خدا) در آخرین ملت (هم که ملت و آیین مسیح است) نشنیده‌ایم (زیرا ملت عیسی نیز به سه خدا و اقانیم سه گانه معتقد است)، این جز بافندگی و دروغ چیز دیگری نیست.

آیا میان همه ما (بزرگان عرب) قرآن (مخصوصاً) بر او فرود آمد؟ (در صورتی که او هیچ امتیازی بر ما نداشت!) بلکه این کافران از (وحی) قرآن من در شک و ریبند، بلکه هنوز عذاب (قهر) مرا نچشیده‌اند (که دست از کفر بر نمی‌دارند).

آیا گنجهای رحمت خدای تو که در کمال اقتدار و بخشندگی است نزد این مردم است (تا مقام رسالت را به هر که خواهند بخشند).

یا مگر سلطنت آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست با این کافران است؟ پس (اگر چنین است) به هر سبب (که می‌توانند بر آسمانها) بالا روند (تا وحی را بر هر که خواهند فرود آرند).

این نالایق سپاه کفر (بدخواه اسلام) از احزاب مغلوب و نابود شدنی در آنجاست. [یعنی در بدر. و این از اخبار غیبی قرآن کریم است. (م)].

پیش از این مشرکان هم قوم نوح و طایفه عاد (قوم هود) و فرعون (و فرعونیان) صاحب قدرت نیز تکذیب (پیغمبران خدا) کردند.

و طایفه ثمود (امت صالح) و قوم لوط و اصحاب ایکه (امت شعیب) این اقوام هم احزاب و لشکرهای بسیار (بر علیه انبیاء) بودند (و همه هلاک شدند).

و آنان به جز تکذیب انبیا فکری و عملی نداشتند، بدین جهت عقاب من بر آنها حتم و واجب گردید.

و این مردم جز یک صیحه (آسمانی که بر هلاکشان ندا کند) انتظاری ندارند و دیگر آن را باز گشتی نیست (دیگر ابداً به دنیا باز نمی‌گردند).

و کافران (به تمسخر) گفتند: ای خدا، حساب نامه اعمال ما را تعجیل کن و پیش از روز حساب انداز.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

صَّ وَالْقُرْءَانَ ذِي الذِّكْرِ

۱  
۳۹۱

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي عِزَّةٍ وَشِقَاقِ

۲

كَمْ أَهْلَكْنَا مِنْ قَبْلِهِمْ مِّن قَرْنٍ فَنَادَوا وَعَلَىٰ حِينٍ

مَنَاصِ

۳

وَعَجِبُوا أَن جَاءَهُم مُّنذِرٌ مِّنْهُمْ ۗ وَقَالَ الْكٰفِرُونَ هٰذَا

سَجْرٌ كَذٰبٌ

۴

أَجَعَلَ الْآلِهَةَ إِلٰهًا وَّاحِدًا إِنَّ هٰذَا لَشَيْءٌ عَجَابٌ

۵

وَأَنطَلَقُ الْمَلَأُ مِنْهُمْ أَنِ امْشُوا وَاصْبِرُوا عَلَىٰ ءَالِهَتِكُمْ ۗ إِنَّ

هٰذَا لَشَيْءٌ يُرَادُ

۶

مَا سَمِعْنَا بِهٰذَا فِي الْمِلَّةِ الْآخِرَةِ ۗ إِن هٰذَا إِلَّا خَتِلَقٌ

۷

أُنزِلَ عَلَيْهِ الذِّكْرُ مِن بَيْنِنَا ۗ بَلْ هُمْ فِي شَكٍّ مِّن ذِكْرِيَّ

بَل لَّمَّا يَدُوقُوا عَذَابِ

۸

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَآئِنُ رَحْمَةِ رَبِّكَ الْعَزِيزِ الْوَهَّابِ

۹

أَمْ لَهُمْ مُلْكُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا ۗ فَلْيَرْتَقُوا فِي

الْأَسْبَابِ

۱۰

جُنْدٌ مَّا هُنَالِكَ مَهْزُومٌ مِّنَ الْأَحْزَابِ

۱۱

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَعَادٌ وَفِرْعٰوْنُ ذُو الْأَوْتَادِ

۱۲

وَتَمُودُ وَقَوْمُ لُوطٍ وَأَصْحَابُ لَيْكَةِ ۗ أُولَٰئِكَ الْأَحْزَابُ

۱۳

إِن كُُلٌّ إِلَّا كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ عِقَابِ

۱۴

وَمَا يَنْظُرُ هَؤُلَاءِ إِلَّا صَيْحَةً وَاحِدَةً مَّا لَهَا مِن فَوَاقِ

۱۵

وَقَالُوا رَبَّنَا عَجِّلْ لَنَا قِطْنَآ قَبْلَ يَوْمِ الْحِسَابِ

۱۶

أَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَاذْكُرْ عَبْدَنَا دَاوُودَ ذَا الْأَيْدِ ۗ إِنَّهُ  
أَوَّابٌ

إِنَّا سَخَّرْنَا الْجِبَالَ مَعَهُ يُسَبِّحْنَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِشْرَاقِ

وَالطَّيْرَ مَحْشُورَةً كُلٌّ لَّهُ أَوَّابٌ

وَشَدَدْنَا مُلْكَهُ وَاَعْتَيْنَهُ الْحِكْمَةَ وَفَصَّلَ الْخِطَابِ

وَهَلْ أَتَاكَ نَبُؤُا الْخَصْمِ إِذْ تَسَوَّرُوا الْمِحْرَابَ

إِذْ دَخَلُوا عَلَىٰ دَاوُودَ فَفَزِعَ مِنْهُمْ ۗ قَالُوا لَا تَخَفْ خَصْمَانِ  
بَغَىٰ بَعْضُنَا عَلَىٰ بَعْضٍ فَأَحَكُمَ بَيْنَنَا بِالْحَقِّ وَلَا تُشْطِطْ  
وَاهْدِنَا إِلَىٰ سَوَاءِ الصِّرَاطِ

إِنَّ هَذَا أَخِي لَهُ تِسْعٌ وَتِسْعُونَ نَعْجَةً وَلِيَ نَعْجَةً وَاحِدَةً  
فَقَالَ أَكْفَلْنِيهَا وَعَزَّنِي فِي الْخِطَابِ

قَالَ لَقَدْ ظَلَمَكَ بِسُؤَالِ نَعَجَتِكَ إِلَىٰ نِعَاجِهِ ۗ وَإِنَّ كَثِيرًا  
مِّنَ الْخُلَطَاءِ لَيَبْغِي بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا  
وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَقَلِيلٌ مَّا هُمْ ۗ وَظَنَّ دَاوُودُ أَنَّمَا فَتَنَّهٗ  
فَاسْتَغْفَرَ رَبَّهُ وَخَرَّ رَاكِعًا وَأَنَابَ ۗ

فَعَفَرْنَا لَهُ ذَٰلِكَ ۗ وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّعَآبِ

يَدَاوُدُ إِنَّا جَعَلْنَاكَ خَلِيفَةً فِي الْأَرْضِ فَاحْكُم بَيْنَ  
النَّاسِ بِالْحَقِّ وَلَا تَتَّبِعِ الْهَوَىٰ فَيُضِلَّكَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ ۗ  
إِنَّ الَّذِينَ يَضِلُّونَ عَن سَبِيلِ اللَّهِ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ بِمَا  
نَسُوا يَوْمَ الْحِسَابِ

تو بر سخنان (طعن و سخریه) آنها صبر کن و از بنده ما داود یاد کن که (در اجرای امر ما) بسیار نیرومند بود (از احدی اندیشه نداشت) و دایم توبه و انابه می‌کرد.

ما کوهها را با او مسخر کردیم که شب و روز خدا را تسبیح و ستایش می‌کردند.

و مرغان را مسخر (نغمه خوش او) کردیم که نزد او مجتمع گردند و همه به دربارش از هر جانب باز آیند (و در ستایش خدا با او هم آهنگ شوند).

و ملک و شاهی او را نیرومند ساختیم و به او قوه درک حقایق و سخن قطعی در داوری (یا تمیز حق از باطل) عطا کردیم.

و آیا حکایت آن (دو فرشته به صورت) خصم به تو رسیده است که از بالای غرفه عبادتگاه (داود بی‌اجازه) بر او وارد شدند؟

هنگامی که (در محراب) بر داود داخل شدند و او از آنان سخت هراسان شد (که مبادا دشمن باشند) آنان بدو گفتند: مترس، ما دو تن (یا دو گروه) خصم یکدیگریم که برخی بر دیگری ستم کرده (و به حکومت پیش تو آمده‌ایم)، میان ما به حق حکم کن و با هیچ یک جور و طرفداری مکن و ما را به راه راست دلالت فرما.

این برادر من نود و نه رأس میش دارد است و من یک میش، این یک را هم گفته به من واگذار، و با من به قهر و غلبه و تهدید آمیز خطاب کرده است.

داود گفت: البته بر تو ظلم کرده که خواسته است یک میش تو را به میش‌های (نود و نه گانه) خود اضافه کند، و بسیار معاشران و شریکان در حق یکدیگر ظلم و تعدی می‌کنند مگر آنان که اهل ایمان و عمل صالح هستند که آنها هم بسیار کم‌اند. و (پس از این قضاوت بی‌تأمل و سریع) داود دانست که ما او را سخت امتحان کرده‌ایم، در آن حال از خدا عفو و آمرزش طلبید و به سجده افتاد و با تواضع و فروتنی (به درگاه خدا) بازگشت.

ما هم از آن کرده عفو کردیم و از او درگذشتیم و او نزد ما بسیار مقرب و نیکو منزلت است.

(و او را گفتیم که) ای داود، ما تو را در روی زمین مقام خلافت دادیم، پس میان خلق خدا به حق حکم کن و هرگز هوای نفس را پیروی نکن که تو را از راه خدا گمراه سازد و آنان که از راه خدا گمراه شوند چون روز حساب و قیامت را فراموش کرده‌اند به عذاب سخت معذب خواهند شد.

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَاءَ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا بَطْلًا ذَٰلِكَ ظَنُّ  
الَّذِينَ كَفَرُوا فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنَ النَّارِ

أَمْ نَجْعَلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ كَالْمُفْسِدِينَ فِي  
الْأَرْضِ أَمْ نَجْعَلُ الْمُتَّقِينَ كَالْفُجَّارِ

كِتَابٌ أَنْزَلْنَاهُ إِلَيْكَ مُبَارَكٌ لِيَدَّبَّرُوا ءَايَاتِهِ وَلِيَتَذَكَّرَ أُولُو  
الْأَلْبَابِ

وَوَهَبْنَا لِدَاوُدَ سُلَيْمَانَ نِعَمَ الْعَبْدِ إِنَّهُ أَوَّابٌ

إِذْ عُرِضَ عَلَيْهِ بِالْعَشِيِّ الصَّفِينَتِ الْأَجْيَادُ

فَقَالَ إِنِّي أَحْبَبْتُ حُبَّ الْخَيْرِ عَن ذِكْرِ رَبِّي حَتَّى تَوَارَتْ  
بِالْحِجَابِ

رُدُّوهَا عَلَيَّ فَطَفِقَ مَسْحًا بِالسُّوقِ وَالْأَعْنَاقِ

وَلَقَدْ فَتَنَّا سُلَيْمَانَ وَأَلْقَيْنَا عَلَى كُرْسِيِّهِ جَسَدًا ثُمَّ أَنَابَ

قَالَ رَبِّ اغْفِرْ لِي وَهَبْ لِي مُلْكًا لَا يَنْبَغِي لِأَحَدٍ مِّنْ  
بَعْدِي إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ

فَسَخَّرْنَا لَهُ الرِّيحَ تَجْرِي بِأَمْرِهِ رُخَاءً حَيْثُ أَصَابَ

وَالشَّيَاطِينَ كُلَّ بَنَّاءٍ وَعَوَّاصٍ

وَعَاخِرِينَ مَّقَرَّنِينَ فِي الْأَصْفَادِ

هَذَا عَطَاؤُنَا فَامْنُنْ أَوْ أَمْسِكْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

وَإِنَّ لَهُ عِنْدَنَا لَزُلْفَىٰ وَحُسْنَ مَّعَابٍ

وَأذْكَرُ عَبْدَنَا أَيُّوبَ إِذْ نَادَى رَبَّهُ أُنِّي مَسَّنِيَ الشَّيْطَانُ  
بِنُصْبٍ وَعَذَابٍ

أَرْكُضْ بِرِجْلِكَ هَذَا مُغْتَسَلٌ بَارِدٌ وَشَرَابٌ

و ما آسمان و زمین و هر چه را بین آنهاست بازیچه و باطل  
خلق نکرده‌ایم، این گمان کافران است، و وای بر کافران از  
آتش دوزخ.

آیه ۲۷ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

آیا ما آنان را که ایمان آورده و به اعمال نیکو پرداختند  
مانند مردم (بی ایمان) مفسد در زمین قرار می‌دهیم؟ یا  
مردمان با تقوا و خداترس را مانند فاسقان بدکار قرار  
می‌دهیم (و مانند آنان جزا خواهیم داد).

آیه ۲۸ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

(این قرآن بزرگ) کتابی مبارک و عظیم الشان است که به تو  
نازل کردیم تا امت در آیاتش تفکر کنند و صاحبان مقام  
عقل متذکر (حقایق آن) شوند.

آیه ۳۰ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

و به داود (فرزندش) سلیمان را عطا کردیم، او بسیار نیکو  
بنده‌ای بود، زیرا بسیار به درگاه خدا با تضرع و زاری رجوع  
می‌کرد.

آیه ۳۱ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

(یاد کن) وقتی که بر او اسبهای بسیار تندرو و نیکو را  
(هنگام عصر) ارائه دادند (و او به باز دید اسبان پرداخت  
برای جهاد در راه خدا و از نماز عصر غافل ماند).

آیه ۳۲ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

در آن حال گفـت: (افسوس) که من از علاقه و حبّ اسبهای  
نیکو از ذکر و نماز خدا غافل شدم تا آنکه آفتاب در حجاب  
شب رخ بنهفت.

آیه ۳۳ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

آن گاه (با فرشتگان موکل آفتاب) خطاب کرد که (به امر  
خدا) آفتاب را بر من بازگردانید (چون برگشت اداء نماز  
کرد) و شروع به دست کشیدن بر ساق و یال و گردن اسبان  
کرد (و همه را برای جهاد در راه خدا وقف کرد).

آیه ۳۴ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

و همانا ما سلیمان را در مقام امتحان آوردیم و کالبدی بر  
تخت وی افکندیم (برخی مفسران گفتند: یعنی دیوی را به  
جای او بر تخت بنشانیدیم. و برخی گفتند: چون گفت که من  
بر بستر صد زن خویش وارد شوم تا صد فرزند یابم و  
نگفت ان شا؛ الله و به خواست خدا و ذکر مشیت الهی  
استثنا نکرد خدا از همه زنانش یک جسد بی‌جانی بر او به  
وجود آورد) آن گاه متذکر شد و باز به درگاه خدا توبه و  
انابه کرد.

آیه ۳۵ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

عرض کرد: بار الها، به لطف و کرمـت از خطای من در گذر و  
مرا ملک و سلطنتی عطا فرما که پس از من احدی را نسزد،  
که تو تنها بخشنده بی عوضی.

آیه ۳۶ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

ما هم باد را مسخر فرمان او کردیم که به امرش هر جا  
می‌خواست به آرامی روان می‌شد.

آیه ۳۷ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

و دیو و شیاطین را هم که بناهای عالی می‌ساختند و از دریا  
جواهرات گرانبها می‌آوردند نیز مسخر امر او کردیم.

آیه ۳۸ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

و دیگران از شیاطین را (که در پی اضلال خلق بودند، به  
دست او) در غل و زنجیر کشیدیم.

آیه ۳۹ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

این (نعمت سلطنت و قدرت) عطای ماست، اینک بی‌حساب  
به هر که خواهی عطا کن و از هر که خواهی منع.

آیه ۴۰ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

و همانا او نزد ما بسیار مقرب و نیکو منزلت است.

آیه ۴۱ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

و یاد کن از بنده ما ایوب هنگامی که به درگاه خدای خود  
عرض کرد: (پروردگارا) شیطان مرا سخت رنج و عذاب  
رسانیده (تو از کرم نجاتم بخش).

آیه ۴۲ از سورهٔ زمر، در نسخهٔ خطی قرآنی، که در کتابخانهٔ سلیمانیه در دمشق نگهداری می‌شود.

(خطاب کردیم که) پای به زمین زن (زد و چشمه آبی پدید  
آمد، گفتیم) این آبی است سرد برای شستشو و نوشیدن  
(در آن شستشو کن و از آن بیاشام تا از هر درد و الم  
بیاسایی).

وَوَهَبْنَا لَهُمْ أَهْلَهُمْ وَمِثْلَهُمْ مَعَهُمْ رَحْمَةً مِنَّا وَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ

۴۴

وَخُذْ بِيَدِكَ ضِغْثًا فَاضْرِبْ بِهِ ۖ وَلَا تَحْنُثْ ۗ إِنَّا وَجَدْنَاهُ صَابِرًا نِعْمَ الْعَبْدُ إِنَّهُ أَوَّابٌ

۴۵

وَأذْكُرْ عَبْدَنَا إِبْرَاهِيمَ ۖ وَإِسْحَاقَ وَيَعْقُوبَ ۗ أُولَى الْأَيْدِي وَالْأَبْصَارِ

۴۶

إِنَّا أَخْلَصْنَاهُمْ بِخَالِصَةٍ ذِكْرَى الدَّارِ

۴۷

وَأَنَّهُمْ عِنْدَنَا لَمِنَ الْمُصْطَفَيْنَ الْأَخْيَارِ

۴۸

وَأذْكُرْ إِسْمَاعِيلَ وَالْيَسَعَ وَذَا الْكِفْلِ ۗ وَكُلٌّ مِنَ الْأَخْيَارِ

۴۹

هَذَا ذِكْرٌ وَإِنَّ لِلْمُتَّقِينَ لِحُسْنَ مَآبٍ

۵۰

جَنَّتْ عَدْنٍ مُمْتَحَةً لَهُمُ الْأَبْوَابُ

۵۱

مُتَكَبِّرِينَ فِيهَا يَدْعُونَ فِيهَا بِفَكَهَةٍ كَثِيرَةٍ وَشَرَابٍ

۵۲

حزب  
۱۸۳

وَعِنْدَهُمْ قَصِيرَاتُ الْظَّرْفِ أَثْرَابٌ

۵۳

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِيَوْمِ الْحِسَابِ

۵۴

إِنَّ هَذَا لَرِزْقُنَا مَا لَهُ ۖ مِنْ نَفَادٍ

۵۵

هَذَا وَإِنَّ لِلظَّالِمِينَ لَشَرَّ مَآبٍ

۵۶

جَهَنَّمَ يَصْلَوْنَهَا فَيَبْسُؤُا الْمَهَادُ

۵۷

هَذَا فَلْيَذُوقُوهُ حَمِيمٌ وَغَسَّاقٌ

۵۸

وَعَاخِرُ مِنْ شَكْلِهِۦٓ أَزْوَاجٌ

۵۹

هَذَا فَوْجٌ مُّقْتَحِمٌ مَّعَكُمْ لَا مَرْحَبًا بِهِمْ ۗ إِنَّهُمْ صَالُوا النَّارِ

۶۰

قَالُوا بَلْ أَنْتُمْ لَا مَرْحَبًا بِكُمْ ۗ أَنْتُمْ قَدَّمْتُمُوهُ لَنَا فَيَبْسُؤُا الْقَرَارُ

۶۱

قَالُوا رَبَّنَا مَنْ قَدَّمَ لَنَا هَذَا فَزِدْهُ عَذَابًا ضِعْفًا فِي النَّارِ

و ما اهل و فرزندانى كه از او مردند و به قدر آنها هم علاوه به او عطا كرديم تا در حق او لطف و رحمتى كنيم و تا صاحبان عقل (نتيجه صبر در بلا را) متذكر شوند.

و (ايوب را گفتيم) دسته‌اى از چوبهاى باريك (خرما) به دست گير و (بر تن زن خود كه بر زدنش قسم ياد كردى) بزن و عهد و قسمت را نشكن (و زن را هم بى گناه نيازار) ما ايوب را بنده صابرى يافتيم، نيكو بنده‌اى بود كه دايم رجوع و توجهش به درگاه ما بود.

و باز ياد كن از بندگان خاص ما ابراهيم و اسحاق و يعقوب كه همه (در انجام رسالت) صاحب اقتدار و بصيرت بودند.

ما آنان را خالص و پاكدل براى تذكر سراى آخرت گردانيديم.

و آنها نزد ما از برگزيدهگان و خوبان عالم بودند.

و باز ياد كن از اسماعيل و يسع و ذو الكفل كه همه از نيكوان جهان بودند.

اين آيات پند و ياد آورى (نيكان) است، و البته در جهان جاودانى براى اهل تقوا بسيار نيكو منزلگاهى است.

باغهاى بهشت ابد كه درهايش به روى آنان باز است.

در آنجا بر تختها تكيه زنند و ميوه‌هاى بسيار خوش و شراب مى‌طلبند.

و در خدمت آنها حوران جوان شوهر دوست با عفتند.

اين (نعمت ابد) همان است كه در روز حساب به آنها وعده‌تان مى‌دادند.

اين است همان رزق بى انتهاي ابدى ما.

حقيقت حال خوبان اين است، و اهل كفر و طغيان را بدترين منزلگاه است.

آنان به دوزخ در آيند كه بسيار بد آرامگاهى است.

اين است (از قهر حق عذابشان) و آنجا آب گرم عفن حميم و غَسَّاق [حميم: آب جوشان. غَسَّاق: زرداب چركين گند آلود. (۴)] را هم بايد بچشند و بنوشند.

و از اين عذابهاى گوناگون ديگر.

اين گروهى هستند كه با شما (رؤساى كفر و ضلالت) به دوزخ در آمدند (در اين حال رؤسا گويند) بدا بر حال اينان كه در عذاب آتش فروزان شدند.

اهل دوزخ در جواب (رؤسايشان) گويند: بلكه بدا بر احوال خود شما، زيرا شما آن را براى ما پيش فرستاديد (و سبب شديد)، كه بسيار آرامگاه بدى است.

باز تابعان به درگاه خدا عرض كنند: پروردگارا، آن كس كه براى ما اين عذاب را پيش فرستاد تو در آتش، عذابش را چندين برابر بيفزا.



وَقَالُوا مَا لَنَا لَا نَرَى رِجَالًا كُنَّا نَعُدُّهُمْ مِّنَ الْأَشْرَارِ

۶۳

أَتَّخَذْنَاهُمْ سِخْرِيًّا أَمْ زَاغَتْ عَنْهُمْ الْأَبْصَارُ

۶۴

إِنَّ ذَلِكَ لَحَقٌّ تَخَاصُمُ أَهْلِ النَّارِ

۶۵

قُلْ إِنَّمَا أَنَا مُنذِرٌ وَمَا مِنِّي إِلَّا اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

۳۹۵

۶۶

رَبُّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الْعَزِيزُ الْغَفَّارُ

۶۷

قُلْ هُوَ نَبَأٌ عَظِيمٌ

۶۸

أَنْتُمْ عَنْهُ مُعْرِضُونَ

۶۹

مَا كَانَ لِي مِنْ عِلْمٍ بِالْمَلَأِ الْأَعْلَىٰ إِذْ يَخْتَصِمُونَ

۷۰

إِن يُوحَىٰ إِلَيَّ إِلَّا أَنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

۷۱

إِذْ قَالَ رَبُّكَ لِلْمَلَائِكَةِ إِنِّي خَلِيقٌ بَشَرًا مِّن طِينٍ

۷۲

فَإِذَا سَوَّيْتُهُ وَنَفَخْتُ فِيهِ مِنْ رُّوحِي فَقَعُوا لَهُ سَاجِدِينَ

۷۳

فَسَجَدَ الْمَلَائِكَةُ كُلُّهُمْ أَجْمَعُونَ

۷۴

إِلَّا إِبْلِيسَ اسْتَكْبَرَ وَكَانَ مِنَ الْكَافِرِينَ

۷۵

قَالَ يٰٓإِبْلِيسُ مَا مَنَعَكَ أَنْ تَسْجُدَ لِمَا خَلَقْتُ بِإِيْدِي  
أَسْتَكْبَرْتَ أَمْ كُنْتَ مِنَ الْعَالِينَ

۷۶

قَالَ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَخَلَقْتَهُ مِن طِينٍ

۷۷

قَالَ فَأَخْرِجْ مِنْهَا فَإِنَّكَ رَجِيمٌ

۷۸

وَإِنَّ عَلَيْكَ لَعْنَتِي إِلَى يَوْمِ الدِّينِ

۷۹

قَالَ رَبِّ فَأَنْظِرْنِي إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ

۸۰

قَالَ فَإِنَّكَ مِنَ الْمُنْظَرِينَ

۸۱

إِلَى يَوْمِ الْوَقْتِ الْمَعْلُومِ

۸۲

قَالَ فَبِعِزَّتِكَ لَأُغْوِيَنَّهُمْ أَجْمَعِينَ

۸۳

إِلَّا عِبَادَكَ مِنْهُمُ الْمُخْلَصِينَ

و (اهل دوزخ با یکدیگر) گویند: چه شده که ما مردانی (مؤمن) را که از سفله و اشرار می‌شمردیم نمی‌بینیم؟

آیا (چون) ما آنها را (در دنیا) مسخره و استهزاء می‌کردیم (اینک به دوزخ در نیامده‌اند)؟ یا (آنها اهل دوزخ هستند و) چشمان ما بر آنها نمی‌افتد؟

این منازعه اهل آتش دوزخ محقق و حتمی است.

بگو که من رسولی منذر (و ناصح) بیش نیستم و جز خدای فرد قهار (که بر همه عالم غالب و قاهر است) خدایی نیست.

آفریننده آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست، همان خدای مقتدر و بسیار آمرزنده.

بگو آن (حکایت که از قیامت و اهل بهشت و دوزخ برای شما آوردم) خبر بزرگ عالم است.

(و دریغا که) شما از شنیدن آن خبر بزرگ اعراض می‌کنید.

مرا بر فرشتگان عالم بالا که (در قضیه خلق آدم یا غیر آن) خصومت و گفتگو داشتند علمی (بیش از وحی خدا) نبود.

و به من وحی نمی‌رسد جز اینکه من با بیان روشن و آشکار (خلق را از عذاب خدا) بترسانم.

(یاد کن) هنگامی که خدایت به فرشتگان گفت که من بشری از گل خواهم آفرید.

پس آن گاه که او را به خلقت کامل بیاراستم و از روح خود در او بدمیدم بر او به سجده در افتید.

پس تمام فرشتگان بدون استثنا سجده کردند.

مگر شیطان که غرور و تکبر ورزید و از زمره کافران گردید.

خدا به شیطان فرمود: ای ابلیس، تو را چه مانع شد که به موجودی (با قدر و شرافت) که من به دو دست (علم و قدرت) خود آفریدم سجده کنی؟ آیا تکبر و نخوت کردی یا از فرشتگان بلند رتبه عالم قدس اعلا بودی (که نمی‌بایست سجده کنند).

شیطان گفت: من از او بهترم، که مرا از آتش (نورانی سرکش) و او را از گل (تیره پست) خلقت کرده‌ای.

خدا فرمود (ای شیطان جاهل خودبین) اینک از این جایگاه بیرون رو که تو (غرور و تکبر کردی و) سخت رانده درگاه ما شدی.

و بر تو لعنت (و غضب) من تا روز جزا حتمی و محقق است.

شیطان عرض کرد: پروردگارا، پس مهلتم ده که تا روز قیامت زنده مانم.

خدا فرمود: از مهلت یافتگانت قرار دادیم.

تا روز معین و وقت معلوم (که صلاح نظام عالم می‌دانیم).

شیطان گفت: به عزت و جلال تو قسم که خلق را تمام گمراه خواهم کرد.

مگر خاصان از بندگانت را که دل از غیر بریدند و برای تو خالص شدند.

قَالَ فَالْحَقُّ وَالْحَقُّ أَقُولُ

خدا فرمود: به حق سوگند و کلام من حق و حقیقت است.

۸۵ لَأَمْلَأَنَّ جَهَنَّمَ مِنْكَ وَمِمَّن تَبِعَكَ مِنْهُمْ أَجْمَعِينَ

که جهنم را از (جنس) تو و پیروانت از آنان تمام پر خواهم کرد.

۸۶ قُلْ مَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ وَمَا أَنَا مِنَ الْمُتَكَلِّفِينَ

(ای رسول، به امت) بگو: من مزد رسالت از شما نمی‌خواهم و من (بی حجت و برهان الهی مقام وحی و رسالت را) بر خود نمی‌بندم.

۸۷ إِنَّ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

این قرآن نیست جز اندرز و پند برای اهل عالم.

۸۸ وَلَتَعْلَمَنَّ نَبَأَهُ بَعْدَ حِينٍ

و شما منکران بر صدق و حقیقت این مقال پس از چندی (هنگام مرگ و انتقال به آخرت) به خوبی آگاه می‌شوید.

۳۹. زمر الزمر: گروهها مکی ۷۵ آیه ۱۰ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

این کتاب (عظیم الشان قرآن) از جانب خدای مقتدر حکیم نازل گردیده است.

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۲ إِنَّا أَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ فَاعْبُدِ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

ما این کتاب را بر تو به حق فرستادیم پس (به شکرانه این نعمت بزرگ) خدای را پرستش کن در حالی که دین را برای او خالص گردانیده باشی (و دل از غیر حق بگردانی).

۳ أَلَا لِلَّهِ الدِّينُ الْخَالِصُ وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ مَا نَعْبُدُهُمْ إِلَّا لِيُقَرِّبُونَا إِلَى اللَّهِ زُلْفَىٰ إِنَّ اللَّهَ يَحْكُمُ بَيْنَهُمْ فِي مَا هُمْ فِيهِ يَخْتَلِفُونَ ۗ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ كَاذِبٌ كَفَّارٌ

آگاه باشید که دین خالص (بی هیچ شرک و ریا) برای خداست، و آنان که غیر خدا را (چون بتان و فرعونان) به دوستی و پرستش برگرفتند (گفتند) ما آن بتان را نمی‌پرستیم مگر برای اینکه ما را به درگاه خدا نیک مقرب گردانند. خدا البته (این عذر نپذیرد و) میان آنها در آنچه اختلاف می‌کنند حکم خواهد کرد، که خدا هرگز آن کس را که بسیار دروغگو و کافر نعمت است هدایت نخواهد کرد.

۴ لَوْ أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يَتَّخِذَ وَلَدًا لَأَصْطَفَىٰ مِمَّا يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ سُبْحَانَهُ ۗ هُوَ اللَّهُ الْوَاحِدُ الْقَهَّارُ

اگر خدا می‌خواست فرزندی اختیار کند همانا هر که را از مخلوقاتش خواستی بر می‌گزید (و لیکن این نقص است و) او (از هر گونه نقص و آلابش) پاک و منزّه است، او خدای فرد قهار بی‌مانند است.

۵ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ يُكَوِّرُ اللَّيْلَ عَلَى النَّهَارِ وَيُكَوِّرُ النَّهَارَ عَلَى اللَّيْلِ ۗ وَسَخَّرَ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ ۗ كُلٌّ يَجْرِي لِأَجَلٍ مُّسَمًّى ۗ أَلَا هُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ

آسمانها و زمین را به حق و راستی (و برای حکمت و غرض ثابتی) ایجاد کرد، شب را بر روز و روز را بر شب بیپوشاند و خورشید و ماه را مسخر کرده، هر یک (بر مدار خود) به وقت معین گردش می‌کنند. آگه باشید که او خدای مقتدر مطلق و بسیار آمرزنده است.

خَلَقَكُمْ مِّن نَّفْسٍ وَاحِدَةٍ ثُمَّ جَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا وَأَنْزَلَ  
لَكُمْ مِّنَ الْأَنْعَامِ ثَمَنِيَّةً أَزْوَاجًا يَخْلُقْكُمْ فِي بُطُونِ  
أُمَّهَاتِكُمْ خَلْقًا مِّن بَعْدِ خَلْقٍ فِي ظُلْمَتٍ ثَلَاثٍ ذَٰلِكُمْ  
أَلَلَّهُ رَبُّكُمْ لَهُ الْمُلْكُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَأَنَّى تُصْرَفُونَ

إِن تَكْفُرُوا فَإِنَّ اللَّهَ غَنِيٌّ عَنكُمْ وَلَا يَرْضَىٰ لِعِبَادِهِ  
الْكُفْرَ وَإِن تَشْكُرُوا يَرْضَهُ لَكُمْ وَلَا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ  
أُخْرَىٰ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ مَرْجِعُكُمْ فَيُنَبِّئُكُم بِمَا كُنتُمْ  
تَعْمَلُونَ إِنَّهُ وَعَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

وَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَا رَبَّهُ مُنِيبًا إِلَيْهِ ثُمَّ إِذَا خَوَّلَهُ  
نِعْمَةً مِّنْهُ نَسِيَ مَا كَانَ يَدْعُو إِلَيْهِ مِن قَبْلٍ وَجَعَلَ لِلَّهِ  
أَنْدَادًا لِّيُضِلَّ عَن سَبِيلِهِ قُلْ تَمَتَّعْ بِكُفْرِكَ قَلِيلًا إِنَّكَ  
مِنْ أَصْحَابِ النَّارِ

أَمَّنْ هُوَ قَنِيتُ عِآنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِدًا وَقَائِمًا يَحْذَرُ الْآخِرَةَ  
وَيَرْجُوا رَحْمَةَ رَبِّهِ قُلْ هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ  
لَا يَعْلَمُونَ إِنَّمَا يَتَذَكَّرُ أُولُو الْأَلْبَابِ

قُلْ يَٰعِبَادِ الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا رَبَّكُمْ لِلَّذِينَ أَحْسَنُوا فِي  
هَذِهِ الدُّنْيَا حَسَنَةٌ وَأَرْضُ اللَّهِ وَاسِعَةٌ إِنَّمَا يُوَفَّى الصَّابِرُونَ  
أَجْرَهُمْ بِغَيْرِ حِسَابٍ

او شما را از یک تن (آدم) آفرید پس، از آن جفت او (حوّا) را قرار داد و برای استفاده شما هشت قسم از چهارپایان ایجاد کرد، و شما را در بطن رحم مادران در سه تاریکی (مشیمه و رحم و بطن) با تحولات گوناگون (بدین خلقت زیبا) می‌آفریند، این خداست پروردگار شما که سلطان ملک وجود اوست، هیچ خدایی جز او نیست، پس ای مشرکان (نادان) از درگاه او به کجا می‌برندتان؟

اگر همه کافر شوید خدا از (طاعت) همه شما البته بی‌نیاز است و کفر (و شرک) را بر بندگانش نمی‌پسندد و اگر (طاعت و) شکرش به جای آرید از شما آن پسند اوست و (بدانید که در قیامت) هرگز بار گناه کسی را دیگری به دوش نخواهد گرفت و پس از این (زندگانی دنیای فانی) باز گشت همه شما به سوی خداست و او شما را به هر چه می‌کرده‌اید آگاه می‌سازد، که او از اسرار دلهای خلق به خوبی آگاه است.

و (بی چاره) انسان را هر گاه فقر و مصیبت و رنجی پیش آید در آن حال به دعا و توبه و انابه به درگاه خدای خود رود و چون نعمت و ثروتی از سوی خود به او عطا کند خدایی را که از این پیش می‌خواند به کلی فراموش سازد و برای خدای یکتا شریک و همتهایی قرار دهد تا (خلق را) از راه خدا گمراه سازد. بگو: (ای نگون بخت) اندکی به کفر (و عصیان) لذت و آسایش جو، که عاقبت از اهل آتش دوزخ خواهی بود.

(آیا آن کس که شب و روز به کفر و عصیان مشغول است بهتر است) یا آن کس که ساعات شب را به طاعت خدا به سجود و قیام پردازد و از عذاب آخرت ترسان و به رحمت الهی امیدوار است؟ بگو: آیا آنان که اهل علم و دانشند با مردم جاهل نادان یکسانند؟ منحصرًا خردمندان متذکر این مطلبند.

(ای رسول ما، از قول من به امت) بگو: ای بندگان من که ایمان آورده‌اید، خدا ترس و پرهیزکار باشید، که آنان که متقی و نیکوکارند (علاوه بر آخرت) در دنیا (هم) نصیبشان نیکویی و خوشی است، و زمین خدا بسیار پهناور است (اگر در مکانی ایمان و حفظ تقوا مشکل شد به شهر و دیاری دیگر روید و به راه دین صبر پیشه کنید که) البته صابران به حد کامل و بدون حساب پاداش داده خواهند شد.

قُلْ إِنِّي أُمِرْتُ أَنْ أَعْبُدَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ

۱۲

وَأُمِرْتُ لِأَنْ أَكُونَ أَوَّلَ الْمُسْلِمِينَ

۱۳

قُلْ إِنِّي أَخَافُ إِنْ عَصَيْتُ رَبِّي عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

۱۴

قُلِ اللَّهُ أَعْبُدْ مُخْلِصًا لَهُ دِينِي

۱۵

فَاعْبُدُوا مَا شِئْتُمْ مِّنْ دُونِهِ ۗ قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۗ أَلَا ذَلِكَ هُوَ الْخُسْرَانُ الْمُبِينُ

۱۶

لَهُمْ مِّنْ فَوْقِهِمْ ظُلَلٌ مِّنَ النَّارِ وَمِن تَحْتِهِمْ ظُلَلٌ ۗ ذَلِكَ يُخَوِّفُ اللَّهَ بِهِ عِبَادَهُ وَيَعْبَادِ فَاتَّقُونَ

۱۷

وَالَّذِينَ أَجْتَنَبُوا الظُّلُمَاتِ أَن يَعْبُدُوهَا وَأَنَابُوا إِلَى اللَّهِ لَهُمُ الْبُشْرَىٰ فَبَشِّرْ عِبَادِ

۱۸

الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ ۗ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ ۗ وَأُولَٰئِكَ هُمُ أُولُو الْأَلْبَابِ

۱۹

أَفَمَنْ حَقَّ عَلَيْهِ كَلِمَةُ الْعَذَابِ أَفَأَنْتَ تُنقِذُ مَنْ فِي النَّارِ

۲۰

لَٰكِنِ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ لَهُمْ غُرْفٌ مِّنْ فَوْقِهَا غُرْفٌ مَّبْنِيَّةٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ۗ وَعَدَّ اللَّهُ لَا يُخْلِفُ اللَّهُ الْمِيعَادَ

۲۱

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ وَيَنْبِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زَرْعًا مُّخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيَجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا ۗ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ

بگو که من خود مأمورم که تنها خدا را پرستش کنم و دین را برای او خالص گردانم (و هرگز شرک نیاورم).

و باز مأمورم که در اسلام و در تسلیم امر خدا مقام اولیّت را دارا باشم.

باز بگو که من اگر خدای خود را نافرمانی کنم البته از عذاب روز بزرگ قیامت می‌ترسم.

باز بگو: من خدای یکتا را می‌پرستم و دینم را خاص و خالص برای او می‌گردانم (و غیر او را باطل محض می‌دانم).

شما هم هر که را می‌خواهید جز خدا پرستید (که از غیر خدا جز زیان نمی‌بینید). بگو که زیانکاران آنان هستند که خود و اهل بیت خود را (از کفر و عصیان) در قیامت به خسران جاودان در افکنند، آگاه باشید که این همان زیان است که (در قیامت) بر همه آشکار است.

بر آنها از بالا و زیر، سایبان آتش دوزخ است. آن آتشی است که خدا از آن بندگان خود را می‌ترساند، که ای بندگان من از (آتش قهر) من بترسید.

و آنان که از پرستش طاغوت دوری جستند و به درگاه خدا با توبه و انابه باز گشتند آنها را بشارت و مزده رحمت است، (ای رسول) تو هم بندگان مرا (به لطف و رحمت من) بشارت آر.

آن بندگان که سخن بشنوند و به نیکوتر آن عمل کنند، آنان هستند که خدا آنها را (به لطف خاص خود) هدایت فرموده و هم آنان به حقیقت خردمندان عالمند.

آیا کسی که وعده عذاب خدا بر او محقق و حتمی (و به دوزخ قهر و شقاوت معدّب) است تو (به پند و نصیحت) می‌توانی از آن آتش قهرش برهانی؟!

لیکن آنان که متقی و خدا ترس شدند برای آنها (در بهشت رضوان و باغ فردوس جاویدان) کاخ و عمارتها بالای یکدیگر بنا شده است که در جلو آن عمارات نهرهای آب جاری است. (این بهشت ابد) وعده خداست که خدا هرگز وعده خود را خلاف نخواهد کرد.

آیا (نشانه لطف‌های خدا را در دنیا) نمی‌بینی که خدا از آسمان آب باران نازل گردانید و آن را در روی زمین در نهرها و جویها روان ساخت آن گاه انواع نباتات گوناگون بدان برویند باز (از سبزی و خرّمی) رو به خزان آرد و نخست بنگری که زرد شود و آن گاه خدا (چوب و علف) خشکش گرداند؟ همانا در آن صاحبان عقل را تذکر (قدرت و رحمت الهی) است.

أَفَمَنْ شَرَحَ اللَّهُ صَدْرَهُ لِلْإِسْلَامِ فَهُوَ عَلَىٰ نُورٍ مِّن رَّبِّهِ ۗ  
فَوَيْلٌ لِّلْقَاسِيَةِ قُلُوبُهُم مِّن ذِكْرِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ  
مُّبِينٍ

اللَّهُ نَزَّلَ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ كِتَابًا مُّتَشَبِهًا مَّثَانِيَ تَقْشَعِرُّ  
مِنْهُ جُلُودُ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُمْ ثُمَّ تَلِينُ جُلُودُهُمْ وَقُلُوبُهُمْ  
إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ ذَٰلِكَ هُدَىٰ اللَّهِ يَهْدِي بِهِ ۗ مَن يَشَاءُ ۗ وَمَن  
يُضِلِّ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِن هَادٍ

أَفَمَنْ يَتَّبِعِ بَوَاجِهِ ۗ سُوٓءَ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ وَقِيلَ  
لِلظَّالِمِينَ ذُوقُوا مَا كُنْتُمْ تَكْسِبُونَ

كَذَّبَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ فَاَتَتْهُمْ الْعَذَابُ مِن حَيْثُ لَا  
يَشْعُرُونَ

فَأَذَاتَهُمُ اللَّهُ الْحِزْيَ فِي الْحَيَوةِ الدُّنْيَا ۗ وَالْعَذَابُ الْآخِرَةَ  
أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

وَلَقَدْ ضَرَبْنَا لِلنَّاسِ فِي هَٰذَا الْقُرْءَانِ مِن كُلِّ مَثَلٍ لَّعَلَّهُمْ  
يَتَذَكَّرُونَ

قُرْءَانًا عَرَبِيًّا غَيْرَ ذِي عِوَجٍ لَّعَلَّهُمْ يَتَّقُونَ

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا رَّجُلًا فِيهِ شُرَكَاءُ مُتَشَكِّسُونَ وَرَجُلًا  
سَلَمًا لِّرَجُلٍ هَلْ يَسْتَوِيَانِ مَثَلًا ۗ الْحَمْدُ لِلَّهِ ۗ بَلْ أَكْثَرُهُمْ لَا  
يَعْلَمُونَ

إِنَّكَ مَيِّتٌ وَإِنَّهُمْ مَّيِّتُونَ

ثُمَّ إِنَّكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ عِندَ رَبِّكُمْ تَخْتَصِمُونَ

۲۳

۲۴

۲۵

۲۶

۲۷

۲۸

۲۹

۳۰

۳۱

آیا آن کس را که خدا برای اسلام شرح صدر (و فکر روشن) عطا فرمود که وی به نور الهی روشن است (چنین کس با مردم کافر بی نور تاریک دل یکسان است)؟ پس وای بر آنان که از قساوت (و شقاوت) دلهاشان از یاد خدا فارغ است! اینان هستند که دانسته به ضلالت و گمراهیند.

خدا قرآن را فرستاد که بهترین حدیث (و نیکوترین سخن آسمانی خدا) است، کتابی که آیاتش همه (در کمال فصاحت و اعجاز) با هم مشابه است و در آن ثنای خدا (و خاصان خدا) مکرر می‌شود، که از تلاوت (آیات قهر) آن خدا ترسان را لرزه بر اندام افتد و (با آیات رحمت) باز آرام و سکونت یابند و دلهایشان به ذکر خدا مشغول گردد. این (کتاب) همان (رحمت و) هدایت خداست که هر که را خواهد به آن رهبری فرماید، و هر کس را خدا به گمراهیش واگذارد دیگر هیچ هدایت کننده‌ای نخواهد داشت.

آیا آن کس که روز قیامت برای پرهیز از سختی عذاب دوزخ ناچار است که رخسارش را مقابل آتش سپر گرداند (مانند کسی است که از آن عذاب ایمن و آسوده است)؟ و (آن روز) به ظالمان خطاب شود که اینک کیفر ستمهایی که می‌کردید بچشید.

آنان که پیش از این امت بودند نیز (پیغمبران خود را) تکذیب کردند پس، از جایی که پی نمی‌بردند عذاب (قهر حق) بر آنها فرود آمد.

پس خدا عذاب ذلت و خواری را در زندگانی دنیا به آنها چشاندید در صورتی که عذاب آخرت آنها اگر بدانند بسیار سخت‌تر است.

و ما در این قرآن برای (هدایت) مردم هر گونه مثلهای روشن آوردیم، باشد که خلق متذکر (حقایق آن) شوند.

همان قرآن عربی فصیح که در آن هیچ ناراستی و حکم ناصواب نیست، باشد که مردم (از آن پند گرفته و) پرهیزگار شوند.

خدا (برای کفر و ایمان) مثلی زده (بیاموزید) آیا شخصی که اربابانی متعدد دارد همه مخالف یکدیگر (و هر کدام او را به کاری پر رنج و زحمت می‌گمارند) با آن شخصی که تسلیم امر یک نفر است (که به او مهربان است و هیچ تکلیف سختی نمی‌کند) حال این دو شخص یکسان است؟ خدا را سپاس (که حالشان هرگز یکسان نیست) لیکن اکثر این مردم درک (این حقیقت) نمی‌کنند.

(ای رسول عزیز ما) شخص تو و این خلق البته به مرگ از دار دنیا خواهید رفت.

آن گاه روز قیامت همه در پیشگاه عدل پروردگار خویش با یکدیگر ستیزه (و دادخواهی) می‌کنید.

فَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنْ كَذَبَ عَلَى اللَّهِ وَكَذَّبَ بِالصِّدْقِ إِذْ جَاءَهُ ۗ أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْكَافِرِينَ

۳۳

وَالَّذِي جَاءَ بِالصِّدْقِ وَصَدَّقَ بِهِ ۗ أُولَٰئِكَ هُمُ الْمُتَّقُونَ

۳۴

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ۗ ذَٰلِكَ جَزَاءُ الْمُحْسِنِينَ

۳۵

لِيُكَفِّرَ اللَّهُ عَنْهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي عَمِلُوا وَيَجْزِيَهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

۳۶

أَلَيْسَ اللَّهُ بِكَافٍ عَبْدَهُ ۗ وَيُخَوِّفُونَكَ بِالَّذِينَ مِنْ دُونِهِ ۗ وَمَنْ يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

۳۷

وَمَنْ يَهْدِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُضِلٍّ ۗ أَلَيْسَ اللَّهُ بِعَزِيزٍ ذِي انْتِقَامٍ

۳۸

وَلَيْنَ سَأَلْتَهُمْ مَنْ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ لَيَقُولُنَّ اللَّهُ ۗ قُلْ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ إِنْ أَرَادَنِيَ اللَّهُ بِضُرٍّ هَلْ هُنَّ كَاشِفَاتُ ضُرِّيهِ ۚ أَوْ أَرَادَنِيَ بِرَحْمَةٍ هَلْ هُنَّ مُمْسِكَتُ رَحْمَتِي ۗ قُلْ حَسْبِيَ اللَّهُ عَلَيْهِ يَتَوَكَّلُ الْمُتَوَكِّلُونَ

۳۹

قُلْ يَاقَوْمِ أَعْمَلُوا عَلَىٰ مَكَانَتِكُمْ إِنِّي عَمِلٌ فَسَوْفَ تَعْلَمُونَ

۴۰

مَنْ يَأْتِيهِ عَذَابٌ يُخْزِيهِ وَيَحِلُّ عَلَيْهِ عَذَابٌ مُّقِيمٌ

پس (در آن روز) از آن کسی که بر خدا دروغ بسته و وعده صدق رسولان خدا را که به او رسیده تکذیب کرده هیچ کس ستمکارتر هست؟ آیا منزلگاه کافران در آتش دوزخ نیست؟

و آن کس که (وعده) صدق را آورد و (آن کس که) آن را تصدیق کرد (و به خدا و قیامت ایمان آورد) هم آنها به حقیقت اهل تقوا هستند.

برای آن بندگان نزد خدایشان از هر نعمتی که بخواهند مهیاست، که این پاداش نیکو کاران عالم است.

تا خدا زشت‌ترین گناهانشان را مستور و محو گرداند و بسی بهتر از این اعمال نیکشان به آنها پاداش عطا کند.

آیا خدای (مهربان) برای بنده‌اش کافی نیست؟ و مردم (مشرک) تو را از قدرت غیر خدا می‌ترسانند! و هر که را خدا به گمراهی خود واگذارد دیگر او را هیچ راهنمایی نخواهد بود.

و هر کس را خدا هدایت کند دیگر احدی او را گمراه نتواند کرد. آیا خدا مقتدر و غالب (بر تمام قوای عالم) و منتقم (از همه ستمکاران جهان) نیست؟

و اگر از این مشرکان بپرسی که زمین و آسمانها را که آفریده است؟ البته جواب دهند: خدا آفریده. پس به آنها بگو: چه تصور می‌کنید، آیا همه بتهایی که جز خدا می‌خوانید اگر خدا بخواهد مرا رنجی رسد آن بتان می‌توانند آن را رفع کنند؟ یا اگر خدا بخواهد مرا به رحمتی رساند بتان می‌توانند آن رحمت را از من باز دارند؟ بگو: خدا مرا کافی است، که متوکلان عالم بر او توکل می‌کنند.

باز بگو: ای قوم، شما را آنچه میسر است (و در خور جهل و گمراهی شماست) عمل کنید، من هم (آنچه روا دانم) عمل می‌کنم و به زودی معلوم شما گردد.

که عذاب با ذلت و خواری که را فرا رسد و آلام همیشگی (دوزخ) بر که فرود آید؟

إِنَّا أَنْزَلْنَا عَلَيْكَ الْكِتَابَ لِلنَّاسِ بِالْحَقِّ فَمَنِ اهْتَدَىٰ فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ ضَلَّ فَإِنَّمَا يَضِلُّ عَلَيْهَا وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

اللَّهُ يَتَوَفَّى الْأَنْفُسَ حِينَ مَوْتِهَا وَالَّتِي لَمْ تَمُتْ فِي مَنَامِهَا فِيمِمْسِكَ الَّتِي قَضَىٰ عَلَيْهَا الْمَوْتَ وَيُرْسِلُ الْأَخْرَىٰ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

أَمْ أُتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ شُفَعَاءَ قُلْ أَوْلَوْ كَانُوا لَا يَمْلِكُونَ شَيْئًا وَلَا يَعْقِلُونَ

قُلْ لِلَّهِ الشَّفَعَةُ جَمِيعًا لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ثُمَّ إِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

وَإِذَا ذُكِرَ اللَّهُ وَحْدَهُ اشْمَأَزَّتْ قُلُوبُ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ ۖ وَإِذَا ذُكِرَ الَّذِينَ مِنْ دُونِهِ إِذَا هُمْ يَسْتَبْشِرُونَ

قُلِ اللَّهُمَّ فَاطِرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ عَلِمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ أَنْتَ تَحْكُمُ بَيْنَ عِبَادِكَ فِي مَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

وَلَوْ أَنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا وَمِثْلَهُ مَعَهُ لَا فُتِنُوا بِهِ مِنْ سُوءِ الْعَذَابِ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۖ وَبَدَا لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مَا لَمْ يَكُونُوا يَحْتَسِبُونَ

ای رسول! این کتاب الهی را ما به حقّ برای (هدایت) خلق بر تو فرستادیم، اینک هر که هدایت یافت نفع آن و هر که به گمراهی شتافت زیان آن بر شخص اوست و تو (پس از تبلیغ رسالت و اتمام حجّت) دیگر وکیل خلق و نگهبان امت (از قهر حق) نخواهی بود.

خداست آن که وقت مرگ ارواح خلق را می‌گیرد و آن کس را که هنوز مرگش فرا نرسیده نیز در حال خواب روحش را قبض می‌کند، سپس آن را که حکم به مرگش کرده جانش را نگاه می‌دارد و آن را که نکرده (به بدنش) می‌فرستد تا وقت معین (مرگ). در این کار نیز ادله‌ای (از قدرت الهی) برای متفکران پدیدار است.

بلکه این مردم کافر مشرک خدا را وا گذارده و بتهایی (بی اثر) را شفیعان خود بر گرفتند. بگو: اگر چه این بتان کمتر چیزی در جهان مالک نباشند و عقل و ادراکی هیچ نداشته باشند (باز شفیع شما توانند شد).

بگو: شفاعت همه خلقتان با خداست، که سلطان ملک آسمانها و زمین و است و پس از مرگ و فنا بازگشت همه شما به سوی اوست.

و چون نزد مردم بی‌ایمان به آخرت، خدا را به یکتایی یاد کنند (آنها از ذکر حق) سخت ملول و دل‌تنگ می‌شوند و هرگاه ذکر غیر خدا (از بتها و امور مادی) کنند خرم و دلشاد می‌گردند.

بگو: پروردگارا، ای خالق آسمانها و زمین، ای دانای عالم پیدای و پنهان، تو خود میان بندگان در آنچه خلاف و نزاع برانگیزند حکم خواهی کرد.

و اگر مردم ستمکار و ظالم هر آنچه در زمین است دو برابر دارا باشند البته خواهند که برای نجات خود از سختی عذاب قیامت همه را فدا کنند، و البته (آن روز) از (قهر) خدا عذابی که گمان نمی‌بردند بر آنان پدید آید.

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ  
يَسْتَهْزِءُونَ

فَإِذَا مَسَّ الْإِنْسَانَ ضُرٌّ دَعَانَا ثُمَّ إِذَا خَوَّلْنَاهُ نِعْمَةً مِنَّا قَالَ  
إِنَّمَا أُوتِيْتُهُ وَعَلَىٰ عِلْمٍ بَلْ هِيَ فِتْنَةٌ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا  
يَعْلَمُونَ

قَدْ قَالَهَا الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا  
يَكْسِبُونَ

فَأَصَابَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَالَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ هَؤُلَاءِ  
سَيُصِيبُهُمْ سَيِّئَاتُ مَا كَسَبُوا وَمَا هُمْ بِمُعْجِزِينَ

أَوْ لَمْ يَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَقْدِرُ إِنَّ  
فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ

قُلْ يَاعِبَادِيَ الَّذِينَ أَسْرَفُوا عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ لَا تَقْنَطُوا مِنْ  
رَحْمَةِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ يَغْفِرُ الذُّنُوبَ جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْغَفُورُ  
الرَّحِيمُ

وَأَنِيبُوا إِلَىٰ رَبِّكُمْ وَأَسْلِمُوا لَهُ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَكُمُ  
الْعَذَابُ ثُمَّ لَا تُنصَرُونَ

وَاتَّبِعُوا أَحْسَنَ مَا أُنزِلَ إِلَيْكُمْ مِنْ رَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ  
يَأْتِيَكُمُ الْعَذَابُ بَغْتَةً وَأَنْتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

أَنْ تَقُولَ نَفْسٌ يَا حَسْرَتِي عَلَىٰ مَا فَرَّطْتُ فِي جَنْبِ اللَّهِ  
وَإِنْ كُنْتُ لَمِنَ السَّخِرِينَ

و (آن در) نتیجه زشتی و بدکاریهایشان ظاهر شود و عذاب  
قیامت که با انکار و استهزاء تلقی می‌کردند بر آنان احاطه  
کند.

آری آدمی (ناسپاس) چون رنج و دردی به او رسد ما را به  
دعا می‌خواند و باز چون (آن رنج و عذاب را برداشتیم و)  
نعمت و دولت به او دادیم گوید: این نعمت دانسته (و به  
استحقاق) نصیب من گردید. (چنین نیست) بلکه آن امتحان  
وی است و لیکن اکثر مردم آگاه نیستند.

پیشینیان هم چنین می‌گفتند (که ما مال و دولت را به  
تدبیر و لیاقت خود یافتیم) اما (خطا گفتند که وقت مرگ و  
هلاک) مال و دولتی که اندوختند هیچ به فریادشان نرسید.

و کیفر زشتی و بدکاریها که (برای کسب مال) انجام دادند  
به آنها رسید. و ستمکاران از این مردم نیز به زودی کیفر  
کردار بدشان را خواهند یافت و هرگز از قهر و قدرت خدا  
رهایی نمی‌یابند.

آیا مردم ندانستند که خدا البته هر که را خواهد روزی  
وسیع دهد و هر که را خواهد تنگ روزی سازد؟ در این  
(اختلاف روزی خلق) هم ادله‌ای (از قدرت الهی) برای اهل  
ایمان پدیدار است.

(ای رسول رحمت) بدان بندگانم که (به عصیان) اسراف بر  
نفس خود کردند بگو: هرگز از رحمت (نامتهای) خدا نا امید  
مباشید، البته خدا همه گناهان را (چون توبه کنید) خواهد  
بخشید، که او خدایی بسیار آمرزنده و مهربان است.

و به درگاه خدای خود به توبه و انابه باز گردید و تسلیم امر  
او شوید پیش از آنکه عذاب به شما فرا رسد و هیچ نصرت  
و نجاتی نیابید.

و بهترین دستور کتابی را که بر شما از جانب خدایتان نازل  
شده است پیروی کنید پیش از آنکه عذاب (قهر خدا به  
کیفر گناهان) بر شما ناگهان فرود آید و شما آگاه نباشید.

تا مبادا کسی فریاد واحسرتا بر آرد و گوید: ای وای بر من  
که جانب امر خدا را فرو گذاشتم و وعده‌های خدا را مسخره  
و استهزا نمودم.



أَوْ تَقُولَ لَوْ أَنَّ اللَّهَ هَدَانِي لَكُنْتُ مِنَ الْمُتَّقِينَ

أَوْ تَقُولَ حِينَ تَرَى الْعَذَابَ لَوْ أَنَّ لِي كَرَّةً فَأَكُونَ مِنَ  
الْمُحْسِنِينَ

بَلَىٰ قَدْ جَاءَتْكَ آيَاتِي فَكَذَّبْتَ بِهَا وَاسْتَكْبَرْتَ وَكُنْتَ مِنَ  
الْكَافِرِينَ

وَيَوْمَ الْقِيَامَةِ تَرَى الَّذِينَ كَذَبُوا عَلَى اللَّهِ وُجُوهُهُم مُّسْوَدَّةٌ  
أَلَيْسَ فِي جَهَنَّمَ مَثْوًى لِّلْمُتَكَبِّرِينَ

وَيُنَجِّي اللَّهُ الَّذِينَ اتَّقَوْا بِمَفَازَتِهِمْ لَا يَمَسُّهُمُ السُّوءُ وَلَا  
هُم يَحْزَنُونَ

اللَّهُ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ ۖ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ وَكِيلٌ

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ اللَّهِ  
أُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

قُلْ أَغْيَرَ اللَّهُ تَأْمُرُوتِي ۖ أَعْبُدُ أَيُّهَا الْجَاهِلُونَ

وَلَقَدْ أُوحِيَ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِن قَبْلِكَ لَئِن أَشْرَكْتَ  
لَيَحْبَطَنَّ عَمَلُكَ وَلَتَكُونَنَّ مِنَ الْخَاسِرِينَ

بَلِ اللَّهِ فَاعْبُدْ وَكُن مِّنَ الشَّاكِرِينَ

وَمَا قَدَرُوا اللَّهَ حَقَّ قَدْرِهِ ۗ وَالْأَرْضُ جَمِيعًا قَبْضَتُهُ يَوْمَ  
الْقِيَامَةِ ۗ وَالسَّمَوَاتُ مَطْوِيَّاتٌ بِّيَمِينِهِ ۗ سُبْحٰنَهُ وَتَعٰلٰى  
عَمَّا يُشْرِكُونَ

یا آنکه (از فرط پشیمانی در پی آرزوی محال آید و) گوید:  
(افسوس) اگر خدا مرا (به لطف خاص) هدایت فرمودی من  
نیز از اهل تقوا بودم.

یا آنکه چون عذاب (خدا) را به چشم مشاهده کند گوید:  
(ای فریاد) کاش بار دیگر (به دنیا) باز می‌گشتم تا از  
نیکوکاران می‌شدم.

آری (ای بدبخت) آیات کتاب من که محققا برای (هدایت) تو  
آمد تو آن را تکذیب کردی و راه تکبر و سرکشی پیش  
گرفتی و از زمره کافران بد کیش گردیدی.

و روز قیامت کسانی را که بر خدا دروغ بستند بنگری که  
همه رویشان سیاه شده است (رسوای خدا و خلق گردیدند)  
آیا متکبران را نه منزل در دوزخ است؟

و خدا اهل تقوا را به موجبات رستگاری (و اعمال صالح) از  
عذاب نجات خواهد داد که هیچ رنج و المی به آنها نرسد و  
هرگز غم و اندوهی بر دلشان راه نیابد.

خدا آفریننده هر چیز است و بر هر چیز هم او نگهبان  
است.

کلیدهای خزائن آسمانها و زمین او راست و آنان که به آیات  
خدا کافر شدند هم آنان زیانکاران عالمند.

(ای رسول به مشرکان) بگو: ای مردم نادان مرا امر می‌کنید  
که غیر خدا را پرستش کنم؟

(هنوز مشرکان جاهل از تو موحد کامل طمع شرک دارند؟) و  
حال آنکه به تو و به رسولان پیش از تو چنین وحی شده که  
اگر به خدا شرک آوری عملت محو و نابود می‌گردد و سخت  
از زیانکاران خواهی گردید.

بلکه تنها خدا را پرستش کن و از شکر گزاران (نعمت الهی)  
باش.

و (آنان که غیر خدا را طلبیدند) خدا را چنان که شاید به  
عظمت نشناختند، و اوست که روز قیامت زمین در قبضه  
قدرت او و آسمانها در پیچیده به دست سلطنت اوست. آن  
ذات پاک یکتا منزّه و متعالی از شرک مشرکان (بلکه از فکر  
موحدان) است.

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ فَصَعِقَ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ إِلَّا مَنْ شَاءَ اللَّهُ ثُمَّ نُفِخَ فِيهِ أُخْرَىٰ فَإِذَا هُمْ قِيَامٌ يَنْظُرُونَ

وَأَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِ رَبِّهَا وَوُضِعَ الْكِتَابُ وَجِئَتْ بِالتَّيْبِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

وَوُفِّيَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَّا عَمِلَتْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَا يَفْعَلُونَ

وَسِيقَ الَّذِينَ كَفَرُوا إِلَىٰ جَهَنَّمَ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا فَتَحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِّنكُمْ يَتْلُونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِ رَبِّكُمْ وَيُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا بَلَىٰ وَلَٰكِنْ حَقَّتْ كَلِمَةُ الْعَذَابِ عَلَى الْكَافِرِينَ

قِيلَ ادْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَلِدِينَ فِيهَا فَبِئْسَ مَثْوَى الْمُتَكَبِّرِينَ

وَسِيقَ الَّذِينَ اتَّقَوْا رَبَّهُمْ إِلَىٰ الْجَنَّةِ زُمَرًا حَتَّىٰ إِذَا جَاءُوهَا وَفُتِحَتْ أَبْوَابُهَا وَقَالَ لَهُمْ خَزَنَتُهَا سَلِّمٌ عَلَيْكُمْ طِبْتُمْ فَادْخُلُوهَا خَالِدِينَ

وَقَالُوا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي صَدَقَنَا وَعْدَهُ وَأَوْرَثَنَا الْأَرْضَ نَتَّبِعُ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ نَشَاءُ فَنِعْمَ أَجْرُ الْعَامِلِينَ

و صیحه‌ای در صور (اسرافیل) بدمند تا جز آن که خدا (بقای او) خواسته دیگر هر که در آسمانها و زمین است همه یکسر مدهوش مرگ شوند، آن گاه صیحه دیگری در آن دمیده شود که ناگاه خلائق همه (از خواب مرگ) بر خیزند و نظاره (واقعه محشر) کنند.

و زمین (محشر) به نور پروردگار خود روشن گردد و نامه (اعمال خلق در پیشگاه عدل حق) نهاده شود و انبیاء و شهداء (بر گواهی) احضار شوند و میان خلق به حق حکم شود و به هیچ کس ادا ظلمی نخواهد شد.

و هر کس به پاداش عملش تمام برسد و خدا از هر کس به افعال خلق آگاه‌تر است.

و آنان را که کافر شدند فوج فوج به جانب دوزخ رانند تا چون آنجا رسند درهای جهنم (به رویشان) بگشایند و خازنان دوزخ به آنها گویند: مگر پیغمبرانی از خودتان برای (هدایت) شما نیامدند و آیات الهی را برایتان تلاوت نکردند و شما را از ملاقات این روز سخت تترسانیدند؟ جواب دهند: بلی و لیکن (افسوس که ما پند نگرفتیم و به کفر و عصیان خود را مستحق عذاب حرمان کردیم و) وعده عذاب بر کافران محقق و حتمی گردید.

آن گاه به آن کافران خطاب شود: اینک از هر در به دوزخ داخل شوید و در آن عذاب جاودان بمانید که متکبران را (دوزخ) بسیار بد منزلگاهی است.

و متقیان خدا ترس را فوج فوج به سوی بهشت برند تا چون بدانجا رسند و همه درهای بهشت (به رویشان به احترام) بگشایند و خازنان بهشتی (به تهنیت) گویند: سلام بر شما باد (خوشا به حال شما) که چه خوش عیش ابدی نصیب شما گردید حالی در این بهشت ابد در آید و جاودان متنعم باشید.

(مؤمنان به بهشت در آیند) و گویند: ستایش خدای را که وعده لطف و رحمتش را بر ما محقق فرمود و ما را وارث همه سرزمین بهشت گردانید که هر جای آن بخواهیم منزل گزینیم. (بلی آن روز) پاداش نیکوکاران بسیار نیکو خواهد بود.

وَتَرَى الْمَلَائِكَةَ حَافِينَ مِنْ حَوْلِ الْعَرْشِ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَقُضِيَ بَيْنَهُم بِالْحَقِّ وَقِيلَ الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۴۰. غافر: غَافِر: آمرزنده مکی ۸۵ آیه ۱۰ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
حم

حم (از اسرار خدا و رسول است).

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

نزول این کتاب آسمانی (قرآن) از جانب خدای مقتدر داناست.

غَافِرِ الذَّنْبِ وَقَابِلِ التَّوْبِ شَدِيدِ الْعِقَابِ ذِي الطَّوْلِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ إِلَيْهِ الْمَصِيرُ

خدایی که بخشنده گناه و پذیرنده توبه (بندگان با ایمان) و متقمم سخت (از مردم ظالم بی‌ایمان) و صاحب رحمت و نعمت است، جز او هیچ خدایی نیست، بازگشت همه به سوی اوست.

مَا يُجَادِلُ فِي آيَاتِ اللَّهِ إِلَّا الَّذِينَ كَفَرُوا فَلَا يَغْرُرَكَ تَقَلُّبُهُمْ فِي الْبَلَدِ

و (بدان ای رسول که) در آیات خدا کسی به (انکار و) جدل جز مردم کافر برنخیزد پس تو از اینکه کافران بر شهر و دیارها مسلط و متصرفند دل نبازی (که اگر به آنها مهلتی دادیم موقع انتقام خواهد رسید).

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَالْأَحْزَابُ مِنْ بَعْدِهِمْ وَهَمَّتْ كُلُّ أُمَّةٍ بِرَسُولِهِمْ لِيَأْخُذُوهُ وَجَدَلُوا بِالْبَاطِلِ لِيُدْحِضُوا بِهِ الْحَقَّ فَأَخَذْتَهُمْ فَكَيْفَ كَانَ عِقَابِ

(اگر امت تو را تکذیب کردند غم مدار که) پیش از اینان هم قوم نوح و طوایف بعد از نوح نیز (پیغمبران را) تکذیب کردند و هر امتی همت گماشت که پیغمبر خود را دستگیر (و هلاک) گرداند و جدل و گفتار باطل به کار گرفت تا برهان حق را پایمال سازد، من هم آنها را (به کیفر کفر) گرفتم و چگونه عقوبت سخت کرده!

وَكَذَلِكَ حَقَّتْ كَلِمَتُ رَبِّكَ عَلَى الَّذِينَ كَفَرُوا أَنَّهُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

و همین گونه وعده خدای تو بر (عقاب و کیفر) کافران (امتت) محقق و حتم است که آنها همه اهل دوزخ هستند.

الَّذِينَ يَحْمِلُونَ الْعَرْشَ وَمَنْ حَوْلَهُ يُسَبِّحُونَ بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيُؤْمِنُونَ بِهِ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا وَسِعْتَ كُلَّ شَيْءٍ رَحْمَةً وَعِلْمًا فَاغْفِرْ لِلَّذِينَ تَابُوا وَاتَّبَعُوا سَبِيلَكَ وَقِهِمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

فرشتگانی که عرش (با عظمت الهی) را بر دوش گرفته و آنان که پیرامون عرشند به تسبیح و ستایش حق مشغولند، هم خود به خدا ایمان دارند و هم برای اهل ایمان از خدا آمرزش و مغفرت می‌طلبند که ای پروردگاری که علم و رحمت بی‌منتهایت همه اهل عالم را فرا گرفته است، گناه آنان که توبه کردند و راه (رضای) تو را پیمودند ببخش و آنان را از عذاب دوزخ محفوظ دار.

رَبَّنَا وَأَدْخِلْهُمْ جَنَّاتٍ عَدْنٍ الَّتِي وَعَدْتَهُمْ وَمَنْ صَلَحَ مِنْ  
عَابَائِهِمْ وَأَزْوَاجِهِمْ وَذُرِّيَّاتِهِمْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پروردگارا، تو آنها را به بهشت عدنی که وعده‌شان فرمودی با پدران (و مادران) صالح و هم جفت و فرزندان‌شان و اصل گردان، که همانا تویی خدای با حکمت و اقتدار.

وَقِهِمُ السَّيِّئَاتِ وَمَنْ تَقِ السَّيِّئَاتِ يَوْمَئِذٍ فَقَدْ رَحِمْتَهُ وَ  
وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

و هم آن مؤمنان را از ارتکاب اعمال زشت نگاه دار، که هر که را تو از زشتکاری امروز محفوظ داری در حق او رحمت و عنایت بسیار فرموده‌ای و آن به حقیقت رستگاری بزرگ (از بلاها و فیروزی عظیم در آخرت) خواهد بود.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقْتُ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ  
أَنْفُسَكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ

آنان که کافر شدند (چون به دوزخ در افتند و از فرط خشم دشمن جان خود شوند) به آنها خطاب شود که خشم و قهر خدا بسیار از خشم شما بر خود سخت‌تر است چرا که شما را به ایمان دعوت می‌کردند و شما کافر می‌شدید.

قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَأَحْيَيْتَنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا  
فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ

در آن حال کافران گویند: پروردگارا، تو ما را دو بار بمیراندی و باز زنده کردی (یک بار در دنیا میراندی و در قبور و عالم برزخ زنده کردی، دوم بار در قبور میراندی و به قیامت زنده کردی) تا ما به گناهان خود اعتراف کردیم، آیا اینک ما را راهی هست که از این عذاب دوزخ بیرون آییم؟

ذَلِكَ بِأَنَّهُ إِذَا دُعِيَ اللَّهُ وَحْدَهُ كَفَرْتُمْ وَإِنْ يُشْرَكَ  
بِهِ تُوْمِنُوا فَاَلْحُكْمُ لِلَّهِ الْعَلِيِّ الْكَبِيرِ

(به آنها گویند) این عذاب برای آن است که شما چون خدا به یکتایی یاد می‌شد به او کافر می‌شدید و اگر بر او شریک می‌گرفتند ایمان می‌آوردید، پس اینک حکم (عفو و عقوبت شما) با خدای متعال بزرگوار است.

هُوَ الَّذِي يُرِيكُمْ آيَاتِهِ وَيُنَزِّلُ لَكُمْ مِنَ السَّمَاءِ رِزْقًا  
وَمَا يَتَذَكَّرُ إِلَّا مَنْ يُنِيبُ

اوست خدایی که به شما آیات (قدرت) خود را (در عالم آفاق و انفس) پدیدار می‌سازد و از آسمان (به وسیله برف و باران) بر شما روزی می‌فرستد، و متذکر این معنی نشوند مگر کسانی که دایم رو به درگاه خدا آرند.

فَادْعُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

پس خدا را بخوانید در حالی که دین را برای او خالص کرده باشید هر چند کافران نخواهند.

رَفِيعَ الدَّرَجَاتِ ذُو الْعَرْشِ يُلْقِي الرُّوحَ مِنْ أَمْرِهِ عَلَى مَنْ  
يَشَاءُ مِنْ عِبَادِهِ لِيُنذِرَ يَوْمَ التَّلَاقِ

که او دارای شئون و مراتب رفیع و صاحب عرش (عظیم) است، روح (همان فرشته جان بخش) را از امر خود بر هر که از بندگانش بخواهد می‌فرستد تا خلق را از روز ملاقات (ثواب و عقاب) بترساند.

يَوْمَ هُمْ بَارِزُونَ لَا يَخْفَى عَلَى اللَّهِ مِنْهُمْ شَيْءٌ لِمَنِ الْمُلْكُ  
الْيَوْمَ لِلَّهِ الْوَاحِدِ الْقَهَّارِ

آن روزی که همه خلق پدیدار شوند (و نیک و بدشان آشکار گردد) که هیچ کرده آنها بر خدا پنهان نباشد. در آن روز سلطنت عالم با کیست؟ با خدای یکتای بس قاهر منتقم است.

الْيَوْمَ تُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ لَا ظُلْمَ الْيَوْمَ إِنَّ اللَّهَ سَرِيعُ الْحِسَابِ

وَأَنْذِرْهُمْ يَوْمَ الْأَزْفَةِ إِذِ الْقُلُوبُ لَدَى الْحَنَاجِرِ كَظْمِينٍ  
مَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ حَمِيمٍ وَلَا شَفِيعٍ يُطَاعُ

يَعْلَمُ خَائِنَةَ الْأَعْيُنِ وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ

وَاللَّهُ يَقْضِي بِالْحَقِّ وَالَّذِينَ يَدْعُونَ مِنْ دُونِهِ لَا يَقْضُونَ  
بِشَيْءٍ إِنَّ اللَّهَ هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

أَوَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ  
كَانُوا مِنْ قَبْلِهِمْ كَانُوا هُمْ أَشَدَّ مِنْهُمْ قُوَّةً وَءَاثَارًا فِي الْأَرْضِ  
فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ بِذُنُوبِهِمْ وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ وَاقٍ

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ فَكَفَرُوا  
فَأَخَذَهُمُ اللَّهُ إِنَّهُ قَوِيٌّ شَدِيدُ الْعِقَابِ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا وَسُلْطَانٍ مُبِينٍ

إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَهَمَانَ وَفِرْعَوْنَ فَقَالُوا سَحَرٌ كَذَّابٌ

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْحَقِّ مِنْ عِنْدِنَا قَالُوا اقْتُلُوا أَبْنَاءَ الَّذِينَ  
ءَامَنُوا مَعَهُ وَاسْتَحْيُوا نِسَاءَهُمْ وَمَا كَيْدُ الْكٰفِرِينَ إِلَّا فِي  
ضَلَالٍ

آن روز هر نفسی به آنچه کرده جزا خواهد یافت، آن روز بر هیچ کس ستم نخواهد شد که خدا (ی عادل) حساب خلق به یک لحظه می‌کند.

و (ای رسول) امت را از روز نزدیک (قیامت) بترسان که (از هول و ترس) آن روز جانها به گلو می‌رسد و از بیم آن حزن و خشم خود فرو می‌برند و ستمکاران را هیچ یار گرم و دلسوز و یآوری که شفاعتش پذیرفته شود نخواهد بود.

و خدا بر نگاه خیانت چشم خلق و اندیشه‌های نهانی دلها (ی مردم) آگاه است.

و خدا به حق حکم می‌کند و غیر او آنچه را به خدایی می‌خوانند هیچ حکم (و اثری) در جهان نتوانند داشت، خداست که (دعای خلق را) شنوا و (به احوال بندگان) بیناست.

آیا (مردم) در روی زمین سیر و سفر نکردند تا عاقبت کار پیشینیانشان را ببینند که آنها با آنکه بسیار از اینان قوی‌تر و آثار وجودیشان در روی زمین بیشتر بود سرانجام خدا به کیفر گناهانشان بگرفت (و همه را هلاک ساخت) و از (قهر و انتقام) خدا هیچ کس نگهدارشان نبود.

این هلاکت پیشینیان بدین سبب بود که پیمبرانشان با آیات و ادله روشن به سوی آنها می‌آمدند و آنان (از جهل و عناد) کافر شدند، خدا هم آنان را (به عقوبت) گرفت، که خدا بسیار مقتدر و سخت کیفر است.

و همانا موسی را با آیات و معجزات و حجت آشکار فرستادیم.

به سوی فرعون و هامان و قارون، آنها گفتند: او ساحر بسیار دروغگویی است.

و آن گاه که او از جانب ما به صدق و حقیقت به سوی آنان آمد (فرعون و قومش به مردم) گفتند: بروید پسران آنان که به موسی ایمان آوردند بکشید و زنانشان را زنده گذارید (تا ضعیف و نابود شوند. و ما بالعکس آنها را قوی کردیم) آری مکر و تدبیر کافران جز در ضلالت (و خسراشان) به کار نیاید.

وَقَالَ فِرْعَوْنُ ذَرُونِي أَقْتُلْ مُوسَى وَلْيَدْعُ رَبَّهُ وَإِنِّي أَخَافُ  
أَنْ يُبَدِّلَ دِينَكُمْ أَوْ أَنْ يُظْهِرَ فِي الْأَرْضِ الْفَسَادَ

و فرعون (به درباریانش) گفت: بگذارید تا من موسی را به قتل رسانم و او خدای خود را به یاری طلبد، می‌ترسم که آیین شما را تغییر دهد و در زمین فتنه و فساد برانگیزد.

وَقَالَ مُوسَى إِنِّي عُذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ مِنْ كُلِّ مُتَكَبِّرٍ لَا يُؤْمِنُ بِيَوْمِ الْحِسَابِ

و موسی گفت: من به خدای آفریننده من و شما (و همه عالم) از شرّ هر (کافر) متکبری که به روز حساب ایمان نمی‌آورد پناه می‌برم.

وَقَالَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ مِنْ آلِ فِرْعَوْنَ يَكْتُمُ إِيمَانَهُ أَتَقْتُلُونَ رَجُلًا أَنْ يَقُولَ رَبِّيَ اللَّهُ وَقَدْ جَاءَكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ مِنْ رَبِّكُمْ وَإِنْ يَكُ كَاذِبًا فَعَلَيْهِ كَذِبُهُ وَإِنْ يَكُ صَادِقًا يُصِيبْكُمْ بَعْضُ الَّذِي يَعِدُكُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ كَذَابٌ

و مرد با ایمانی از آل فرعون که ایمانش را پنهان می‌داشت (با فرعونیان) گفت: آیا مردی را به جرم اینکه می‌گوید: پروردگار من خداست می‌کشید، در صورتی که با معجزه و ادله روشن از جانب خدایتان برای (هدایت) شما آمده است؟! اگر او دروغگوست گناه دروغش بر خود اوست و لیکن اگر راستگو باشد از وعده‌های او بعضی به شما برسد (و همه هلاک خواهید شد) که خدا البته مردم مسرف (ستمکار) و دروغگو را هرگز هدایت نخواهد کرد.

يَقَوْمِ لَكُمْ الْمُلْكُ الْيَوْمَ ظَاهِرِينَ فِي الْأَرْضِ فَمَنْ يَنْصُرُنَا مِنْ بَأْسِ اللَّهِ إِنْ جَاءَنَا قَالَ فِرْعَوْنُ مَا أُرِيكُمْ إِلَّا مَا أَرَى وَمَا أَهْدِيكُمْ إِلَّا سَبِيلَ الرَّشَادِ

ای قوم، امروز ملک و سلطنت و چیرگی بر زمین (مصر) با شماست، لیکن اگر قهر و انتقام خدا بر ما برسد کیست که ما را از آن نجات تواند داد؟ فرعون باز گفت: جز آن که رأی (به قتل موسی) دادم رأی دیگر نمی‌دهم (و جز این صلاح نمی‌دانم) و شما را جز به راه صواب دلالت نمی‌کنم.

وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنَ يَتَقَوَّمُ إِلَيَّ أَخَافُ عَلَيْكُمْ مِثْلَ يَوْمِ الْأَحْزَابِ

باز همان شخص با ایمان (به فرعونیان) گفت: ای قوم، من بر شما می‌ترسم از روزی مانند روز سخت احزاب (و امم پیشین).

مِثْلَ دَابِ قَوْمِ نُوحٍ وَعَادٍ وَثَمُودَ وَالَّذِينَ مِنْ بَعْدِهِمْ وَمَا اللَّهُ يُرِيدُ ظُلْمًا لِلْعِبَادِ

مثل روزگار ناگوار قوم نوح و عاد و ثمود و امم بعد از اینان (که همه به کیفر کفر و عصیان هلاک شدند) و خدا هیچ اراده ظلم در حق بندگان نکند (و هلاک آنها به سوء اختیار خود است).

وَيَقَوْمِ إِلَيَّ أَخَافُ عَلَيْكُمْ يَوْمَ التَّنَادِ

و ای قوم، من بر شما از (عذاب) روز قیامت که خلق (از سختی آن به فریاد آیند و) یکدیگر را بخوانند سخت می‌ترسم.

يَوْمَ تُولُونَ مُدْبِرِينَ مَا لَكُمْ مِنَ اللَّهِ مِنْ عَاصِمٍ وَمَنْ يُضْلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ هَادٍ

روزی که (از عذاب آن) به پشت بگریزید و هیچ از (قهر) خدا پناهی نیابید. و هر که را خدا در گمراهی واگذارد دیگر برای او راهنمایی نیست.

وَلَقَدْ جَاءَكُمْ يُوسُفُ مِنْ قَبْلِ بِالْبَيِّنَاتِ فَمَا زِلْتُمْ فِي  
شَكِّ مِمَّا جَاءَكُمْ بِهِ<sup>ط</sup> حَتَّىٰ إِذَا هَلَكَ قُلْتُمْ لَن يَبْعَثَ  
اللَّهُ مِنْ بَعْدِهِ رَسُولًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَنْ هُوَ مُسْرِفٌ  
مُرْتَابٌ

و از این پیش یوسف (کنعان) به سوی شما (مصریان) با معجزات و ادله روشن (به رسالت) آمد و دایم از آیاتی که برای شما آورد در شک و ریب بماندید تا آنکه یوسف از دنیا برفت، گفتید که دیگر خدا پس از یوسف هرگز رسولی نمی‌فرستد. بلی این چنین خدا مردم مسرف (ستمگری) را که (در آیات خدا و معجزات رسل) در شک و ریبند به گمراهی و خذلان خود وا می‌گذارد.

الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطَانٍ أَتَتْهُمْ كَبْرٌ  
مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ وَعِنْدَ الَّذِينَ ءَامَنُوا كَذَلِكَ يَطْبَعُ اللَّهُ عَلَى  
كُلِّ قَلْبٍ مُتَكَبِّرٍ جَبَّارٍ

آنان که در آیات خدا بی‌هیچ حجت و برهان به جدال و انکار برمی‌خیزند این کار، سخت خدا (و رسول) و اهل ایمان را به خشم و غضب آورد. بلی این گونه خدا بر دل هر متکبر خود کامه‌ای مهر (شقاوت) می‌زند (که با سعادت خود دشمن می‌شود).

وَقَالَ فِرْعَوْنُ يَهْمَنُ ابْنُ لِي صِرَاحًا لَعَلِّي أَبْلُغُ الْأَسْبَابَ

و فرعون (به وزیرش) گفت: ای هامان، برای من کاخی بلند پایه (آسمان خراش) بنیاد کن تا شاید به درها راه یابم.

أَسْبَبَ السَّمَوَاتِ فَأَطَّلَعَ إِلَىٰ إِلَهِ مُوسَىٰ وَإِنِّي لَأَظُنُّهُ  
كَذِبًا وَكَذَلِكَ زَيْنَ لِفِرْعَوْنَ سُوءَ عَمَلِهِ وَصَدَّ عَنِ  
السَّبِيلِ وَمَا كَيْدُ فِرْعَوْنَ إِلَّا فِي تَبَابٍ

به درهای آسمانها و بر خدای موسی آگاه شوم (و از صدق و کذب موسی تحقیق کنم) و من هنوز موسی را دروغگوی می‌پندارم. و این چنین در نظر جاهلانه فرعون عمل زشتش زیبا نمود و راه حق (و خدا پرستی) بر او مسدود شد، و مکر و تدبیر فرعون جز بر زیان و هلاکش به کار نیامد.

وَقَالَ الَّذِي ءَامَنَ يَقَوْمِ اتَّبِعُونِ أَهْدِكُمْ سَبِيلَ الرَّشَادِ

و باز همان شخص مؤمن گفت: ای قوم، مرا پیروی کنید تا شما را به راه حق و صواب دلالت کنم.

يَقَوْمِ إِنَّمَا هَذِهِ الْحَيَاةُ الدُّنْيَا مَتَعٌ وَإِنَّ الْأَخْرَةَ هِيَ دَارُ  
الْقَرَارِ

ای قوم، این زندگانی (فانی) دنیا متاع ناچیزی بیش نیست و سرای آخرت منزلگاه ابدی (و حیات جاودانی) است.

مَنْ عَمِلَ سَيِّئَةً فَلَا يُجْزَىٰ إِلَّا مِثْلَهَا وَمَنْ عَمِلَ صَالِحًا  
مِّنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنَّىٰ وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَأُولَٰئِكَ يَدْخُلُونَ الْجَنَّةَ  
يُرْزَقُونَ فِيهَا بِغَيْرِ حِسَابٍ

(و بدانید که) هر کس کار بدی (در دنیا) کرده (آنجا) الا به مثل آن مجازات نشود، و هر که از مرد و زن عمل صالح به جا آورده در صورتی که با ایمان باشند آنان در بهشت جاودان داخل شوند و آنجا از رزق بی‌حساب (و نعمت بی‌شمار) برخوردار گردند.

وَيَقَوْمٌ مَا لِي أَدْعُوكُمْ إِلَى التَّجْوَةِ وَتَدْعُونَنِي إِلَى النَّارِ

و ای قوم، چرا من شما را به راه نجات (و طریق بهشت) دعوت می‌کنم و شما مرا به سوی آتش دوزخ می‌خوانید؟

شما مرا دعوت می‌کنید که به خدا کافر شوم و از بی‌دانشی بتی را که در جهان هیچ مؤثر نمی‌دانم شریک خدا قرار دهم، و من شما را به سوی خدای مقتدر بسیار با بخشش و آمرزش می‌خوانم.

تَدْعُونَنِي لِأَكْفُرَ بِاللَّهِ وَأُشْرِكَ بِهِ مَا لَيْسَ لِي بِهِ عِلْمٌ وَأَنَا أَدْعُوكُمْ إِلَى الْعَزِيزِ الْغَفَّارِ

بی‌شک آنچه شما مرا به سوی او می‌خوانید (از بتها و فراعنه و معبودان باطل) آن هیچ دعوتی (و اثر سودمندی) در دنیا و آخرت ندارد و محققا (بدانید که در قیامت) بازگشت ما به سوی خداست و البته مسرفان (ستمکاران فاسق در آنجا) همه اهل آتش دوزخند.

لَا جَرَمَ أَنَّمَا تَدْعُونَنِي إِلَيْهِ لَيْسَ لَهُ دَعْوَةٌ فِي الدُّنْيَا وَلَا فِي الْآخِرَةِ وَأَنْ مَرَدَّنَا إِلَى اللَّهِ وَأَنَّ الْمُسْرِفِينَ هُمْ أَصْحَابُ النَّارِ

پس به زودی گفتارم را (هنگام پاداش عمل) متذکر می‌شوید و من کار خود به خدا وامی‌گذارم، که او کاملا بر احوال بندگان بیناست.

فَسَتَذْكُرُونَ مَا أَقُولَ لَكُمْ وَأَفَؤُصُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ بَصِيرٌ بِالْعِبَادِ

(قوم به جای آنکه پند مؤمن آل فرعون را بشنوند قصد آزارش کردند) پس خدا از شر و مکر فرعونیان او را محفوظ داشت و عذاب سخت آل فرعون را فرا گرفت (و همه به دریای هلاک غرق شدند).

فَوَقَّهٗ اللَّهُ سَيِّئَاتٍ مَا مَكَرُوا وَحَاقَ بِآلِ فِرْعَوْنَ سُوءُ الْعَذَابِ

(اینک که در عالم برزخند) آنها صبح و شام بر آتش دوزخ عرضه می‌شوند، و چون روز قیامت بر پا شود (خطاب آید که) فرعونیان را به سخت‌ترین عذاب (جهنم) وارد کنید.

النَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ

و (یاد آر) وقتی که در آتش دوزخ با هم به احتجاج و مجادله برآیند، ضعیفان ملت به پیشوایان گردنکش خود می‌گویند: ما (در دنیا) پیروی شما کردیم (که گمراه شدید) آیا می‌توانید امروز شما هم به عوض آن از آتش عذاب ما بکاهید؟

وَإِذْ يَتَحَاجُّونَ فِي النَّارِ فَيَقُولُ الضُّعَفَاءُ لِلَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُنَّا لَكُمْ تَبَعًا فَهَلْ أَنْتُمْ مُغْنُونَ عَنَّا نَصِيبًا مِنَ النَّارِ

پیشوایان متکبر پاسخ دهند که ما و شما همه باید در آتش دوزخ (یکسان معذب) باشیم، که خدا میان بندگان البته (به عدل) حکم فرموده است.

قَالَ الَّذِينَ اسْتَكْبَرُوا إِنَّا كُلٌّ فِيهَا إِنَّ اللَّهَ قَدِ حَكَمَ بَيْنَ الْعِبَادِ

و اهل دوزخ به خازنان جهنم گویند: از خدای خود بخواهید که روزی عذاب ما را تخفیف دهد.

وَقَالَ الَّذِينَ فِي النَّارِ لِخِزْنَةِ جَهَنَّمَ أَدْعُوا رَبَّكُمْ يُخَفِّفْ عَنَّا يَوْمًا مِنَ الْعَذَابِ



قَالُوا أَوْ لَمْ تَكُ تَأْتِيكُمُ رُسُلُكُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا بَلَىٰ قَالُوا  
فَادْعُوا وَمَا دَعَوْا الْكٰفِرِينَ إِلَّا فِي ضَلٰلٍ

آنها پاسخ دهند که آیا پیغمبران شما با معجزات و ادله روشن برای (هدایت) شما نیامدند؟ دوزخیان گویند: آری آمدند (ما پیروی آنان نکردیم و بدین روز سیاه افتادیم). پس خازنان جهنم گویند: اینک هر چه می‌خواهید دعا (و ناله) کنید، که دعای کافران جز در ضلالت (و زیان) نخواهد بود.

ما (که خدای تواناییم) البته رسولان خود و اهل ایمان را هم در دنیا ظفر و نصرت می‌دهیم و هم روز قیامت که گواهان (اعمال نیک و بد) به شهادت برخیزند (مؤمنان را به مقامات بهشتی پاداش می‌دهیم).

در آن روز ستمکاران را (پشیمانی و) عذرخواهی سود ندهد و بر آنها خشم و لعن و منزلگاه بد (جهنم) مهیاست.

و همانا ما به موسی مقام هدایت عطا کردیم و بنی اسرائیل (قوم او) را وارث کتاب (بزرگ تورات) گردانیدیم.

تا آن قوم هدایت یابند و خردمندان پند گیرند.

پس (ای رسول ما، بر آزار امت) صبر کن که البته وعده (ثواب و عقاب) خدا حق است و بر گناه خود از خدا آمرزش طلب کن (یعنی بر گناه امت نادان از درگاه خدا آمرزش خواه) و صبح و شام به تسبیح و ذکر و ستایش پروردگار خود پرداز.

آنان که در آیات خدا بی‌هیچ حجت و برهان که آنان را آمده باشد راه انکار و جدل پیمایند جز تکبر و نخوت (و قصد ریاست) چیزی در دل ندارند که به آرزوی دل هم آخر نخواهند رسید، پس تو (از شر و فتنه آنها) پناه به درگاه خدا بر، که خدا شنوا و بیناست.

البته خلقت آسمانها و زمین بسیار بزرگتر و مهمتر از خلقت بشر است و لیکن اکثر مردم این معنا را درک نمی‌کنند.

و هرگز (جاهل) نابینا و شخص (عالم) بینا یکسان نیستند و هم آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند (نزد خدا) با (کافران) بدکردار مساوی (در درجات آخرت) نیستند، لیکن بسیار کم این حقیقت را متذکر می‌شوید.

إِنَّا لَنَنْصُرُ رُسُلَنَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا فِي الْحَيٰوةِ الدُّنْيَا وَيَوْمَ يَقُومُ  
الْأَشْهَادُ

يَوْمَ لَا يَنْفَعُ الظَّالِمِينَ مَعذِرَتُهُمْ وَلَهُمُ اللّٰعْنَةُ وَلَهُمْ سُوءُ  
الدَّارِ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْهُدَىٰ وَأَوْرَثْنَا بَنِي إِسْرٰءِیْلَ الْكِتٰبَ

هُدًى وَذِكْرَىٰ لِأُولِي الْأَلْبَابِ

فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَأَسْتَغْفِرْ لِذَنْبِكَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ  
رَبِّكَ بِالْعَشِيِّ وَالْإِبْكَرِ

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي ءَايَاتِ اللَّهِ بِغَيْرِ سُلْطٰنٍ أَتٰهُمْ إِنْ  
فِي صُدُورِهِمْ إِلَّا كِبْرٌ مَّا هُمْ بِبٰلِغِيهِ فَاَسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ  
هُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

لَخَلْقُ السَّمٰوٰتِ وَالْأَرْضِ أَكْبَرُ مِنْ خَلْقِ النَّاسِ وَلَكِنَّ  
أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وَمَا يَسْتَوِي الْأَعْمَىٰ وَالْبَصِيرُ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا  
الصَّٰلِحٰتِ وَلَا الْمُسِيءُ قَلِيلًا مَّا تَتَذَكَّرُونَ

إِنَّ السَّاعَةَ لَأْتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا  
يُؤْمِنُونَ

وَقَالَ رَبُّكُمْ ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ  
يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ اللَّيْلَ لِتَسْكُنُوا فِيهِ وَالنَّهَارَ مُبْصِرًا  
إِنَّ اللَّهَ لَذُو فَضْلٍ عَلَى النَّاسِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا  
يَشْكُرُونَ

ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ خَلِقُ كُلِّ شَيْءٍ لَّا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَآئِنِّي  
تُؤَفَّكُونَ

كَذَلِكَ يُؤَفِّكُ الَّذِينَ كَانُوا بِآيَاتِ اللَّهِ يَجْحَدُونَ

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ قَرَارًا وَالسَّمَاءَ بِنَاءً  
وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُورَكُمْ وَرَزَقَكُمْ مِنَ الطَّيِّبَاتِ  
ذَلِكُمْ اللَّهُ رَبُّكُمْ فَتَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

هُوَ الْحَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَادْعُوهُ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ الْحَمْدُ  
لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

قُلْ إِنِّي نُهَيْتُ أَنْ أَعْبُدَ الَّذِينَ تَدْعُونَ مِنْ دُونِ اللَّهِ لَمَّا  
جَاءَنِي الْبَيِّنَاتُ مِنْ رَبِّي وَأُمِرْتُ أَنْ أُسَلِّمَ لِربِّ الْعَالَمِينَ

البتة ساعت قیامت بی‌هیچ شک می‌آید و لیکن بیشتر مردم  
(تا ساعت مرگ به آن) ایمان نمی‌آورند.

و خدای شما فرمود که مرا با (خلوص دل) بخوانید تا دعای  
شما مستجاب کنم. آنان که از (دعا و) عبادت من اعراض و  
سرکشی کنند زود با ذلت و خواری در دوزخ شوند.

خداست آن که شب‌تار را برای آسایش و استراحت شما  
قرار داده و روز را (برای کسب و کار شما به چراغ خورشید)  
روشن گردانید، که خدا را در حق مردمان فضل و احسان  
است و لیکن اکثر مردم شکر (نعمتش) به جا نمی‌آرند.

همان خدا پروردگار شما آفریننده همه موجودات عالم  
است، جز او هیچ خدایی نیست، پس (ای بندگان) از درگاه  
یگانه معبود حق به کجا بازگردانیده (و فریفته معبودان  
باطل) می‌شوید؟

آنان که آیات (و رسل) الهی را انکار کردند هم این گونه (از  
بندگی حق) باز گردانیده (و مغرور معبودان باطل) می‌شوند.

خداست آن که زمین را آرامگاه شما قرار داد و آسمان را  
(کاخی رفیع) برافراشت و شما را به نیکوترین صورتها  
بیافرید و از غذاهای لذیذ خوش به شما روزی داد، این خدا  
پروردگار شماست، زهی برتر و بزرگوار است خدای یکتا  
پروردگار عالمیان.

او خدای زنده ابد است، جز او هیچ خدایی نیست، پس تنها  
او را بخوانید و به اخلاص در دین بنده او باشید، که  
ستایش و سپاس مخصوص خدای یکتا آفریدگار عالمیان  
است.

(ای رسول ما، بت پرستان را) بگو که مرا از پرستش  
معبودان باطلی که شما به جای خدا می‌پرستید البتة منع  
کرده‌اند چرا که بر من از خدای خود (به وحی) آیات و ادله  
روشنی آمده است و من مأمورم که تنها تسلیم امر خدای  
عالمیان باشم.

هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِّن تُرَابٍ ثُمَّ مِّن نُّطْفَةٍ ثُمَّ مِّن عَلَقَةٍ  
ثُمَّ يُخْرِجُكُمْ طِفْلًا ثُمَّ لِيَبْلُغُوا أَشُدَّكُمْ ثُمَّ لِيَتَّكُونُوا  
شُيُوخًا وَمِنْكُمْ مَّن يُتَوَفَّىٰ مِن قَبْلٍ وَلِيَبْلُغُوا أَجَلَ مُّسَمًّى  
وَلَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

هُوَ الَّذِي يُحْيِي وَيُمِيتُ ۗ فَإِذَا قُضِيَ أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ  
كُن فَيَكُونُ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِ اللَّهِ أَنَّىٰ يُصْرَفُونَ

الَّذِينَ كَذَّبُوا بِالْكِتَابِ وَبِمَا أَرْسَلْنَا بِهِ رُسُلَنَا فَسَوْفَ  
يَعْلَمُونَ

إِذِ الْأَغْلُلُ فِي أَعْنَاقِهِمْ وَالسَّلْسِلُ يُسْحَبُونَ

فِي الْحَمِيمِ ثُمَّ فِي النَّارِ يُسْجَرُونَ

ثُمَّ قِيلَ لَهُمْ أَيْنَ مَا كُنْتُمْ تُشْرِكُونَ

مِن دُونِ اللَّهِ ۗ قَالُوا ضَلُّوا عَنَّا بَل لَّمْ نَكُن نَدْعُوا مِن  
قَبْلُ شَيْئًا كَذَلِكَ يَضِلُّ اللَّهُ الْكَافِرِينَ

ذَٰلِكُمْ بِمَا كُنْتُمْ تَفْرَحُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا  
كُنْتُمْ تَمْرَحُونَ

أَدْخُلُوا أَبْوَابَ جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا ۗ فَبئْسَ مَثْوَى  
الْمُتَكَبِّرِينَ

فَأَصْبِرْ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ ۖ فَإِمَّا نُرِيَنَّكَ بَعْضَ الَّذِي نَعِدُهُمْ  
أَوْ نَتَوَفَّيَنَّكَ فَإِلَيْنَا يُرْجَعُونَ

اوست خدایی که شما را از خاک (ناجیز) بیافرید و سپس از  
قطره آب نطفه و آن گاه از خون بسته علقه، پس شما را (از  
رحم مادر) طفلی بیرون آورد تا آنکه به سنّ رشد و کمال  
برسید و باز پیری سالخورده شوید و برخی از شما پیش از  
سنّ پیری وفات کنند و تا همه به اجلی معین برسید و (این  
چنین کردیم تا) مگر (قدرت خدا را) تعقل کنید.

اوست خدایی که (خلائق را) زنده می‌کند و می‌میراند و چون  
به خلقت چیزی حکم نافذ و مشیت کاملش تعلق گیرد به  
محض اینکه گوید: موجود باش، بی‌درنگ موجود می‌شود.

آیا کسانی را که در آیات ما راه جدال و انکار پیمودند  
ندیدی که چگونه (از حق) بازگردانیده شوند؟

آنان که کتاب ما را و احکامی که رسولان خود را بر ابلاغ آن  
فرستادیم تکذیب کردند به زودی (کیفر کردارشان را)  
خواهند دانست.

آن گاه که گردنهایشان با غل و زنجیرها (ی آتشین) بسته  
شود و کشیده شوند.

در حمیم دوزخ (و آب گرم و عفن جهنم)، سپس در آتش  
سوخته و افروخته شوند.

آن گاه به آنها گویند: کجا رفتند معبودان باطلی که شریک  
خدا می‌شمردید،

و از خدا روی می‌گردانیدید؟ آن مشرکان جواب گویند: آن  
بتها همه از نظر ما معو و نابود شدند، بلکه ما از این پیش  
چیزی را به خدایی نمی‌خواندیم. خدا این گونه مردم کافر  
(مشرک) را گمراه می‌گرداند (یعنی از رحمت خود محروم  
می‌کند).

این قهر و عذاب شما کافران بدین سبب است که در دنیا از  
پی تفریح و هوسرانی باطل بودید و دایم به نشاط و شهوت  
پرستی سرگرم شدید.

اینک (به کیفر کفرتان) به درهای دوزخ درآید که آنجا  
جاودان معدّب خواهید بود، که متکبران را (که سر از فرمان  
حق کشیدند در آخرت) بسیار منزلگاه بدی است.

پس (ای رسول، چند روزی بر آزار کافران امت) صبر کن که  
البته وعده (ثواب و عقاب) خدا حق است، که اگر آنها را در  
حیات تو و مقابل چشم تو به بعضی از وعده‌های خود که به  
آنها می‌دادیم (به شمشیر تو) عقوبت کنیم یا چنانچه تو را  
قبض روح کنیم باز رجوع آنها به سوی ماست (و در قیامت  
به کیفر اعمالشان می‌رسانیم).

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلًا مِّن قَبْلِكَ مِنْهُمْ مَّن قَصَصْنَا عَلَيْكَ  
 وَمِنْهُمْ مَّن لَّمْ نَقْصُصْ عَلَيْكَ وَمَا كَانَ لِرَسُولٍ أَنْ يَأْتِيَ  
 بَيَّاتَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ فَإِذَا جَاءَ أَمْرُ اللَّهِ قُضِيَ بِالْحَقِّ وَخَسِرَ  
 هُنَالِكَ الْمُبْطِلُونَ

۴۰:  
غافر  
۷۸  
/۸۵

اللَّهُ الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَنْعَامَ لِتَرْكَبُوا مِنْهَا وَمِنْهَا  
 تَأْكُلُونَ

۷۹  
۴۱۲

وَلَكُمْ فِيهَا مَنَافِعُ وَلِتَبَلَّغُوا عَلَيْهَا حَاجَةً فِي صُدُورِكُمْ  
 وَعَلَيْهَا وَعَلَى الْفُلْكِ تُحْمَلُونَ

۸۰

وَيُرِيكُمُ آيَاتِهِ فَأَيَّ آيَاتِ اللَّهِ تُنْكِرُونَ

۸۱

أَفَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ  
 مِن قَبْلِهِمْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْهُمْ وَأَشَدَّ قُوَّةً وَعَآثِرًا فِي الْأَرْضِ  
 فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ مَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

۸۲

فَلَمَّا جَاءَتْهُمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَرِحُوا بِمَا عِنْدَهُمْ مِّنَ  
 الْعِلْمِ وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

۸۳

فَلَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا قَالُوا ءَامَنَّا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ وَكَفَرْنَا بِمَا كُنَّا  
 بِهِ مُشْرِكِينَ

۸۴

فَلَمْ يَكُ يَنْفَعُهُمْ إِيمَانُهُمْ لَمَّا رَأَوْا بَأْسَنَا سُنَّتَ اللَّهُ الَّتِي قَدْ  
 خَلَتْ فِي عِبَادِهِ وَخَسِرَ هُنَالِكَ الْكَافِرُونَ

۸۵

و همانا ما رسولان بسیاری پیش از تو فرستادیم که احوال  
 بعضی را بر تو حکایت کردیم و برخی را نکردیم و هیچ  
 رسولی جز به امر خدا نشاید معجز و آیتی (برای امت)  
 بیاورد، و چون فرمان خدا (بر غلبه حق و محو باطل) فرا  
 رسد آن روز (بر همه) به حق حکم کنند و آنجا کافران مبطل  
 زیانکار شوند.

خداست آن که برای شما آدمیان چهار پایان را آفرید تا بر  
 بعضی سوار شوید و از برخی تغذیه کنید.

و نیز نفع بسیار دیگر از آنها ببرید و (از سواری و باربری و  
 شیار زمین) حوائج و اغراضی که در دل دارید با آنها (در  
 سفر و حضر) انجام دهید و بر آنها (در خاک) و بر کشتی‌ها  
 (در آب) سوار می‌شوید.

و خدا آیات (قدرت و رحمت) خود را به شما ارائه دهد، پس  
 کدام یک از آیات الهی را انکار توانید کرد؟

آیا این مردم در زمین به سیر و سفر نرفتند تا عاقبت حال  
 پیشینیانشان را که از اینها بسیار بیشتر و قوی‌تر و مؤثرتر  
 در زمین بودند مشاهده کنند؟ (که چگونه همه هلاک  
 شدند) و آنچه اندوختند آنها را (از مرگ و هلاکت) حفظ و  
 حمایت نکرد.

پس آن گاه که رسولانشان با معجزات و ادله روشن به سوی  
 آنها آمدند آن مردم (نادان) به دانش و عقاید باطل خود  
 شاد و مغرور شدند و وعده عذابی که مسخره می‌کردند همه  
 را فرا گرفت.

و چون شدت قهر و عذاب ما را به چشم دیدند در آن حال  
 (از کفر و شرک پشیمان شده و) گفتند: ما به خدای یکتا  
 ایمان آوردیم و به همه بت‌هایی که شریک خدا می‌گرفتیم  
 کافر شدیم.

اما ایمانشان پس از دیدن مرگ و مشاهده عذاب ما بر آنها  
 هیچ سودی نبخشید. سنت خدا (و حکمت الهی از ازل)  
 چنین در میان بندگان حکمفرما بوده (که رسول و کتاب به  
 امر و نهی و وعده ثواب و عقاب و نجات مؤمنان و هلاک  
 کافران بفرستد تا خلق به اطاعت و عصیان امتحان شوند) و  
 آنجا کافران زیانکار شدند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
حَم

حم (رمز رسالت است یا قسم به خدای حمید حمید)

۱  
۴۱۳

تَنْزِيلٌ مِّنَ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۲

(که این قرآن) تنزیلی از جانب خدای بخشنده مهربان است.

كِتَابٌ فُصِّلَتْ آيَاتُهُ وَ قُرْءَانًا عَرَبِيًّا لِّقَوْمٍ يَعْلَمُونَ

۳

کتابی است که آیات جامعش به صورت قرآنی به زبان فصیح عربی برای دانشمندان روشن گردیده است.

بَشِيرًا وَنَذِيرًا فَأَعْرَضَ أَكْثَرُهُمْ فَهُمْ لَا يَسْمَعُونَ

۴

قرآنی است که (نیکان را به وعده رحمت حق) بشارت می‌دهد و (بدان را از عذاب قهر) می‌ترساند اما اکثر مردم اعراض کرده و (اندرز و نصایحش) نمی‌شنوند.

وَقَالُوا قُلُوبُنَا فِي أَكِنَّةٍ مِّمَّا تَدْعُونَا إِلَيْهِ وَفِي آذَانِنَا وَقْرٌ  
وَمِنْ بَيْنِنَا وَبَيْنِكَ حِجَابٌ فَأَعْمَلْ إِنَّا عَمِلُونَ

۵

و مشرکان گفتند: دل‌های ما از قبول دعوتت سخت محجوب و گوش ما از شنیدن سخت سنگین و میان ما و تو حجاب (ضخیم و فاصله بسیار) است، تو به کار (دین) خود پرداز ما هم البته (به کیش خویش) عمل می‌کنیم.

قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِّثْلُكُمْ يُوحَىٰ إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهٌُ  
وَاحِدٌ فَاسْتَقِيمُوا إِلَيْهِ وَاسْتَغْفِرُوهُ ۗ وَوَيْلٌ لِّلْمُشْرِكِينَ

۶

بگو که من هم مانند شما بشری هستم جز آنکه مرا وحی می‌رسد که پروردگار شما خدای یکتای بی‌همتاست، پس همه مستقیم به راه دین او شتابید و از او آمرزش طلبید. و وای به حال مشرکان.

الَّذِينَ لَا يُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ بِالْآخِرَةِ هُمْ كَافِرُونَ

۷

آنان که زکات (به فقیران بینوا) هرگز نمی‌دهند و به عالم آخرت به کلی کافرند.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

۸

آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند البته پاداش بی‌پایان خواهند یافت.

قُلْ أَيْنَكُمْ لَتَكْفُرُونَ بِالَّذِي خَلَقَ الْأَرْضَ فِي يَوْمَيْنِ  
وَ تَجْعَلُونَ لَهُ وَاٰنَادًا ذٰلِكَ رَبُّ الْعٰلَمِيْنَ

۹  
حزب  
۱۹۱  
۴۱۴

بگو که آیا شما به خدا که زمین (جهان) را در دو روز بیافرید کافر می‌شوید و بر او مثل و مانند قرار می‌دهید؟! او خدای جهانیان است (نه بتها و معبودان شما. در این آیه شریفه شاید یک معنا عالم اجسام باشد و دو روز، دو نوع بسیط و مرکب یا جواهر و اعراض اجسام مقصود باشد).

وَجَعَلَ فِيهَا رَوَاسِيَ مِّنْ فَوْقِهَا وَبَرَكَ فِيهَا وَقَدَّرَ فِيهَا  
أَقْوَاتَهَا فِي أَرْبَعَةِ أَيَّامٍ سَوَاءً لِّلسَّالِبِينَ

۱۰

و او روی زمین کوهها برافراشت و انواع برکات (و منابع از معادن و چشمه‌ها و درختان) بسیار در آن قرار داد و قوت و ارزاق اهل زمین را در چهار روز (برای هر شهر و دیاری) مقدر و معین فرمود و روزی طلبان را یکسان در کسب روزی خود گردانید (تا همه روزی خورند).

ثُمَّ اسْتَوَىٰ إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ دُخَانٌ فَقَالَ لَهَا وَلِلْأَرْضِ  
أَتِيَا طَوْعًا أَوْ كَرْهًا قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ

۱۱

و آن گاه به خلقت آسمانها توجه کامل فرمود که آسمانها دودی بود، پس (به امر نافذ تکوینی) به آسمان و زمین فرمود که همه (به سوی خدا و اطاعت فرمان حق) به شوق و رغبت یا به جبر و کراهت بشتابید. آنها عرضه داشتند: ما با کمال شوق و میل می‌شتابیم.

فَقَضَلَهُنَّ سَبْعَ سَمَوَاتٍ فِي يَوْمَيْنِ وَأَوْحَىٰ فِي كُلِّ سَمَاءٍ  
أَمْرَهَا وَزَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ وَحِفْظًا ذَلِكَ تَقْدِيرُ  
الْعَزِيزِ الْعَلِيمِ

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَقُلْ أَنْذَرْتُكُمْ صَاعِقَةً مِثْلَ صَاعِقَةِ عَادٍ  
وَتَمُودَ

إِذْ جَاءَتْهُمْ الرُّسُلُ مِنْ بَيْنِ أَيْدِيهِمْ وَمِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا  
تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ قَالُوا لَوْ شَاءَ رَبُّنَا لَأَنْزَلَ مَلَائِكَةً فَإِنَّا بِمَا  
أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ

فَأَمَّا عَادُ فَاسْتَكْبَرُوا فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَقَالُوا مَنْ أَشَدُّ  
مِنَّا قُوَّةً أَوْ لَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَهُمْ هُوَ أَشَدُّ مِنْهُمْ  
قُوَّةً وَكَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي أَيَّامٍ نَحْسَاتٍ لِنُذِيقَهُمْ  
عَذَابَ الْخِزْيِ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَخْزَىٰ  
وَهُمْ لَا يُنصَرُونَ

وَأَمَّا ثَمُودُ فَهَدَيْنَاهُمْ فَاسْتَحَبُّوا الْعَمَىٰ عَلَى الْهُدَىٰ  
فَأَخَذَتْهُمُ صَاعِقَةُ الْعَذَابِ الْهُونِ بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

وَنَجَّيْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَكَانُوا يَتَّقُونَ

وَيَوْمَ يُحْشَرُ أَعْدَاءُ اللَّهِ إِلَى النَّارِ فَهُمْ يُوزَعُونَ

حَتَّىٰ إِذَا مَا جَاءُوهَا شَهِدَ عَلَيْهِمْ سَمْعُهُمْ وَأَبْصَرُهُمْ  
وَجُلُودُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

آن گاه نظم هفت آسمان را در دو روز استوار فرمود و در هر آسمانی (نظم) امرش را وحی فرمود، و آسمان (محسوس) دنیا را به چراغهای رخشنده (مهر و ماه و انجم) زیب و زیور دادیم و آن را (از ورود شیاطین) حفظ کردیم. این (نظام آسمان و زمین) تقدیر خدای مقتدر داناست.

پس اگر کافران (پس از این ادله و آیات الهی از خدا) اعراض کردند به آنها بگو: من شما را از صاعقه‌ای مانند صاعقه هلاک عاد و ثمود ترسانیدم.

که بر آنها از هر جانب رسولان حق آمدند (و گفتند) که جز خدای یکتا را نپرستید. کافران باز گفتند: اگر خدا می‌خواست (که ما ایمان آوریم) فرشتگان را به رسالت می‌فرستاد، پس ما به کتب و احکام شما (رسولان بشری) کافریم.

اما قوم عاد در زمین به ناحق تکبر و سرکشی کردند و گفتند که از ما نیرومندتر (در جهان) کیست؟ آیا آنها ندیده و ندانستند که خدایی که آنها را خلق فرموده بسیار از آنان توانتر است؟ و آنها آیات (قدرت) ما را (با وجود این برهان) انکار می‌کردند.

ما هم بر هلاک آن قوم عاد باد تندی در ایام نحس شوم فرستادیم تا به آنها عذاب ذلت و خذلان را در دنیا بچشانیم در صورتی که خواری عذاب آخرت بیش از دنیاست و آنجا هیچ کس یاری آنها نخواهد کرد.

اما قوم ثمود را نیز (رسول فرستادیم و) هدایت کردیم لیکن آنها خود کوری (جهل و ضلالت) را بر هدایت بگزیدند، پس آنها را هم صاعقه عذاب خواری و هلاکت به کیفر کردارشان فرا گرفت.

و آنان که ایمان آوردند و خدا ترس و پرهیزکار بودند همه را نجات دادیم.

و روزی که همه دشمنان خدا را گرد آورده و به سوی آتش دوزخ کشانند و آنجا برای جمع آوری بازیشان دارند.

تا چون همه بر در دوزخ رسند آن هنگام گوش و چشمها و پوست بدنهایشان بر جرم و گناه آنها گواهی دهند.

وَقَالُوا لَجُلُودِهِمْ لِمَ شَهِدْتُمْ عَلَيْنَا قَالُوا أَنْطَقَنَا اللَّهُ الَّذِي أَنْطَقَ كُلَّ شَيْءٍ وَهُوَ خَلَقَكُمْ أَوَّلَ مَرَّةٍ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

وَمَا كُنْتُمْ تَسْتَتِرُونَ أَنْ يَشْهَدَ عَلَيْكُمْ سَمْعُكُمْ وَلَا أَبْصَرُكُمْ وَلَا جُلُودُكُمْ وَلَكِنْ ظَنَنْتُمْ أَنَّ اللَّهَ لَا يَعْلَمُ كَثِيرًا مِمَّا تَعْمَلُونَ

وَذَلِكُمْ ظَنُّكُمُ الَّذِي ظَنَنْتُمْ بِرَبِّكُمْ أَرْدَبَكُمْ فَأَصْبَحْتُمْ مِنَ الْخَاسِرِينَ

فَإِنْ يَصْبِرُوا فَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ وَإِنْ يَسْتَعْتِبُوا فَمَا هُمْ مِنَ الْمُعْتَبِينَ

وَقَيَّضْنَا لَهُمْ قُرَنَاءَ فَزَيَّنُوا لَهُمْ مَا بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَمَا خَلْفَهُمْ وَحَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أُمِّرٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَغْلِبُونَ

فَلَنذِيقَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا عَذَابًا شَدِيدًا وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَسْوَأَ الَّذِي كَانُوا يَعْمَلُونَ

ذَلِكَ جَزَاءُ أَعْدَاءِ اللَّهِ النَّارُ لَهُمْ فِيهَا دَارُ الْخُلْدِ جَزَاءً بِمَا كَانُوا بِآيَاتِنَا يَجْحَدُونَ

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا رَبَّنَا أَرِنَا الَّذِينَ أَضَلَّانَا مِنَ الْجِنَّ وَالْإِنْسِ نَجْعَلُهُمَا تَحْتَ أَقْدَامِنَا لِيَكُونَا مِنَ الْأَسْفَلِينَ

و آنها به اعضاء بدن گویند: چرا بر اعمال ما شهادت دادید؟ آن اعضاء جواب گویند: خدایی که همه موجودات را به نطق آورد ما را نیز گویا گردانید و او شما را نخستین بار بیافرید و باز به سوی او بازگردانیده می‌شوید.

و شما که (اعمال زشت خود را) پنهان می‌داشتید برای این نبود که گوش و چشمهای شما و پوست بدنهایتان امروز شهادت ندهند (زیرا تصور نمی‌کردید که اعضای شما هم شاهد اعمال شما هستند) و لیکن (گناه را پنهان می‌کردید) به گماتنان که اکثر اعمال زشتی که (از خلق) پنهان می‌کنید از خدا هم پنهان است و بر آن آگاه نیست.

و همین گمان باطل شما در باره خدا بود که موجب (معصیت و) هلاکت شما گردید و امروز همه از زینکاران شدید.

اینک اگر صبر و تحمل کنند (چگونه بتوانند که) جای در آتش دارند و اگر فریاد و بیتابی کنند فریادرس و دادخواهی ندارند.

و ما رفیقان و یارانی (از شیاطین) بر آنها گماشتیم تا آنچه پیش روی آنهاست (از نعمت و لذتهای فانی دنیا) در نظرشان جلوه دادند و آنچه از عقب دارند (از نعمت و لذات ابدی آخرت فراموش کردند) و وعده عذاب الهی بر آنها حتم و لازم گردید و چون امتانی از جن و انس که پیش از آنها (غرق دنیا بودند و با کفر و عصیان) درگذشتند، سخت زبون و زینکار شدند.

و کافران (به مردم) گفتند: به این قرآن گوش فرا ندهید و سخنان لغو و باطل در آن القاء کنید تا مگر بر او غالب شوید.

ما هم کافران را البته عذابی سخت بچشانیم و بدتر از آنچه می‌کردند کیفر کنیم.

این است جزای دشمنان خدا که همان آتش دوزخ است که منزل ابدی آنهاست به کیفر آنکه آیات (و رسل) ما را انکار می‌کردند.

و کافران (چون مشاهده عذاب کنند با حسرت و ندامت) گویند: پروردگارا، آن دو گروه از جن و انس را که ما را گمراه کردند به ما نشان ده تا آنها را زیر پا بیفکنیم تا پست و ذلیل‌ترین مردم شوند.

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا تَتَنَزَّلُ عَلَيْهِمُ  
الْمَلَائِكَةُ أَلَّا تَخَافُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَبْشِرُوا بِالْجَنَّةِ الَّتِي كُنْتُمْ  
تُوعَدُونَ

نَحْنُ أَوْلِيَاؤُكُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَفِي الْآخِرَةِ وَلَكُمْ فِيهَا  
مَا تَشْتَهَى أَنْفُسُكُمْ وَلَكُمْ فِيهَا مَا تَدَّعُونَ

نُزُلًا مِّنْ غَفُورٍ رَّحِيمٍ

وَمَنْ أَحْسَنُ قَوْلًا مِّمَّنْ دَعَا إِلَى اللَّهِ وَعَمِلَ صَالِحًا وَقَالَ  
إِنِّي مِنَ الْمُسْلِمِينَ

وَلَا تَسْتَوِي الْحَسَنَةُ وَلَا السَّيِّئَةُ ادْفَعْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ  
فَإِذَا الَّذِي بَيْنَكَ وَبَيْنَهُ عَدَاوَةٌ كَأَنَّهُ وَلِيٌّ حَمِيمٌ

وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا الَّذِينَ صَبَرُوا وَمَا يُلْقَاهَا إِلَّا ذُو حَظٍّ  
عَظِيمٍ

وَأَمَّا يَنْزَغَنَّكَ مِنَ الشَّيْطَانِ نَزْعٌ فَاسْتَعِذْ بِاللَّهِ إِنَّهُ هُوَ  
السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

وَمِنْ آيَاتِهِ اللَّيْلُ وَالنَّهَارُ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ لَا تَسْجُدُوا  
لِلشَّمْسِ وَلَا لِلْقَمَرِ وَاسْجُدُوا لِلَّهِ الَّذِي خَلَقَهُنَّ إِن كُنْتُمْ  
إِيَّاهُ تَعْبُدُونَ

فَإِنْ اسْتَكْبَرُوا فَالَّذِينَ عِنْدَ رَبِّكَ يُسَبِّحُونَ لَهُ بِاللَّيْلِ  
وَالنَّهَارِ وَهُمْ لَا يَسْأَمُونَ ۝

آنان که گفتند: محققا پروردگار ما خدای یکتاست و بر این  
ایمان پایدار ماندند فرشتگان رحمت بر آنها نازل شوند (و  
مژده دهند) که دیگر هیچ ترسی (از وقایع آینده) و حزن و  
اندوهی (از گذشته خود) نداشته باشید و شما را به همان  
بهشتی که (انبیا) وعده دادند بشارت باد.

ما در دنیا و آخرت یاران و دوستداران شماییم و برای شما  
در بهشت ابد هر چه مایل باشید یا آرزو و تقاضا کنید همه  
مهیاست.

این سفره احسان را خدای غفور مهربان (به پاداش ثبات  
ایمان) برای شما گسترده است.

در جهان از آن کس که (چون پیغمبران) خلق را به سوی خدا  
خواند و نیکوکار گردید و گفت که من از تسلیم شوندگان  
خدایم کدام کس بهتر و نیکو گفتارتر است؟

و هرگز نیکی و بدی در جهان یکسان نیست، همیشه بدی  
(خلق) را به بهترین شیوه (که خیر و نیکی است پاداش ده  
و) دور کن تا همان کس که گویی با تو بر سر دشمنی است  
دوست و خویش تو گردد.

و لیکن به این مقام بلند (یعنی در پاداش بدی نیکی کردن)  
کسی نرسد جز آنان که (در راه دینداری) دارای مقام  
صبر و ثبات و (در معرفت الهی) صاحب حظ بزرگند.

و هر گاه از شیطان تو را وسوسه و تحریکی رسد به خدا پناه  
بر که او شنوا و داناست.

و از جمله آیات قدرت الهی خلقت شب و روز و خورشید و  
ماه است، نباید هرگز پیش خورشید و ماه سجده برید، بلکه  
اگر به حقیقت خدا پرستید خدایی را که خورشید و ماه را  
آفریده است سجده و پرستش کنید.

پس اگر کافران (از پرستش خدا) تکبر و بزرگ منشی  
ورزند فرشتگان (و قوای بی‌نهایت عالم بالا) که نزد خدایند  
شب و روز بی‌هیچ خستگی و ملال به تسبیح و طاعت حضرت  
حق مشغولند.



وَمِنْ ءَايَاتِهِ أَنْ تَرَى الْأَرْضَ خَاشِعَةً فَإِذَا أَنْزَلْنَا عَلَيْهَا  
الْمَاءَ أَهْتَزَّتْ وَرَبَّتْ ۚ إِنَّ الَّذِي أَحْيَاهَا لَمُحِي الْمَوْتِ ۚ إِنَّهُ  
عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

إِنَّ الَّذِينَ يُلْحِدُونَ فِي ءَايَاتِنَا لَا يَخْفُونَ عَلَيْنَا أَفَمَنْ يُلْقَىٰ  
فِي النَّارِ خَيْرٌ أَمْ مَن يَأْتِي ءَامِنًا يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۚ أَعْمَلُوا مَا  
شِئْتُمْ إِنَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِالذِّكْرِ لَمَّا جَاءَهُمْ وَإِنَّهُ لَكِتَابٌ عَزِيزٌ

لَا يَأْتِيهِ الْبَطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ ۚ تَنْزِيلٌ مِّنْ  
حَكِيمٍ حَمِيدٍ

مَا يُقَالُ لَكَ إِلَّا مَا قَدَّ قِيلَ لِّلرُّسُلِ مِن قَبْلِكَ ۚ إِنَّ رَبَّكَ  
لَذُو مَغْفِرَةٍ وَذُو عِقَابٍ أَلِيمٍ

وَلَوْ جَعَلْنَاهُ قُرْءَانًا أَعْجَمِيًّا لَقَالُوا لَوْلَا فُصِّلَتْ ءَايَاتُهُ  
وَءَعْجَمِيٌّ وَعَرَبِيٌّ ۗ قُلْ هُوَ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا هُدًى وَشَفَاءٌ ۚ وَالَّذِينَ  
لَا يُؤْمِنُونَ فِي ءَاذَانِهِمْ وَقُرْهُ وَهُوَ عَلَيْهِمْ عَمًى ۚ أُولَٰئِكَ  
يُنَادُونَ مِنْ مَّكَانٍ بَعِيدٍ

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا مُوسَى الْكِتَابَ فَآخْتَلَفَ فِيهِ ۚ وَلَوْلَا كَلِمَةٌ  
سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ لَقَضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَفِي شَكٍّ مِّنْهُ مُرِيبٍ

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۚ وَمَا رَبُّكَ  
بِظَلَمٍ لِّلْعَبِيدِ

و از جمله آیات قدرت الهی آنکه زمین را بنگری خشک و  
پژمرده که چون ما بر آن آب باران فرود آریم بردمد و گیاه  
برآورد و اهتزاز و نشاط و خرمی یابد. باری، آن کس که  
زمین را زنده کند مردگان را هم زنده گرداند که او بر هر  
چیز قادر است.

آنان که در آیات ما سخت راه کفر و عناد پیمایند هرگز از  
نظر ما پنهان نیستند. آیا کسی که روز قیامت به آتش دوزخ  
درافتد بهتر است یا آن کس که ایمن (از عذاب) به محشر  
وارد شود؟ باری، امروز به اختیار خود هر چه می‌خواهید  
بکنید که خدا به تمام اعمال شما بیناست.

همانا آنان که به این قرآن که برای هدایت و یادآوری آنها  
آمد کافر شدند (چقدر نادانند) در صورتی که این کتاب به  
حقیقت صاحب عزت (و معجز بزرگ) است.

که هرگز از پیش و پس (گذشته و آینده حوادث عالم) باطل  
بدان راه نیابد (و تا قیامت حکومت و حکمتش باقی است)  
زیرا آن فرستاده خدای (مقتدر) حکیم ستوده صفات است.

(ای رسول ما) بر تو وحی نمی‌شود جز آنچه به رسولان  
پیشین گفته شد، که خدایت بسیار دارای آمرزش و بخشش  
و هم صاحب قهر و عقاب دردناک است.

و اگر ما این قرآن را به زبان عجم می‌فرستادیم کافران  
می‌گفتند: چرا آیات این کتاب مفصل و روشن (به زبان  
عرب) نیامد (تا ما قوم عرب ایمان آوریم)؟ ای عجب آیا کتاب  
عجمی بر رسول و امت عربی نازل می‌شود؟! (اکنون که  
بدون عذر ایمان نمی‌آرند) به آنها بگو: این قرآن برای اهل  
ایمان هدایت و شفاست و اما آنان که ایمان نمی‌آرند  
گوشه‌هایشان (از شنیدن کلام حق) گران است و این قرآن بر  
آنها موجب کوری (جهل و ضلالت) است، آن مردم (نادان به  
این کتاب حق گوش فرا نمی‌دارند، گویی که) از مکانی بسیار  
دور (از سعادت و ایمان) به این کتاب حق دعوت می‌شوند.

و ما به موسی کتاب (تورات) را دادیم پس در آن راه  
مخالفت و اختلاف پیش گرفتند و اگر آن کلمه (رحمت) از  
(لطف) خدا سبقت نیافته بود (که تعجیل در عذاب نکند)  
همانا میان آن امت حکم عذاب می‌رسید، و هر چند که آنها  
سخت در نزول آن (عذاب) در شک و ریبند (که تو را در  
وعده عذاب قیامت هم تکذیب می‌کنند).

هر کس کار نیکی کند به نفع خود و هر که بد کند بر ضرر  
خویش کرده است و خدا هیچ بر بندگان ستم نخواهد کرد.

إِلَيْهِ يُرَدُّ عِلْمُ السَّاعَةِ وَمَا تَخْرُجُ مِنْ ثَمَرَاتٍ مِّنْ أَكْمَامِهَا وَمَا تَحْمِلُ مِنْ أُنْثَىٰ وَلَا تَضَعُ إِلَّا بِعِلْمِهِ وَيَوْمَ يُنَادِيهِمْ أَيْنَ شُرَكَائِيَ قَالُوا ءَاذَنُكَ مَا مِنَّا مِنْ شَهِيدٍ

وَضَلَّ عَنْهُمْ مَّا كَانُوا يَدْعُونَ مِن قَبْلُ وَظَنُّوا مَا لَهُم مِّن مَّحِصٍ

لَا يَسْمَعُ الْإِنْسَانُ مِن دُعَاءِ الْخَيْرِ وَإِن مَّسَّهُ الشَّرُّ فَيَئُوسٌ قَنُوطٌ

وَلَئِن أَدْقَنَهُ رَحْمَةً مِّنَّا مِن بَعْدِ ضَرَاءٍ مَّسَّهُ لَيَقُولَنَّ هَذَا لِي وَمَا أَظُنُّ السَّاعَةَ قَائِمَةً وَلَئِن رُّجِعْتُ إِلَىٰ رَبِّي إِنَّ لِي عِنْدَهُو لِلْحُسْنَىٰ فَلَنُنَبِّئَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِمَا عَمِلُوا وَلَنُذِيقَنَّهُم مِّنْ عَذَابٍ غَلِيظٍ

وَإِذَا أَنْعَمْنَا عَلَى الْإِنْسَانِ أَعْرَضَ وَنَجَّاجَانِيهِ ۖ وَإِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ فَذُو دُعَاءٍ عَرِيضٍ

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ ثُمَّ كَفَرْتُمْ بِهِ ۖ مَنْ أَضَلُّ مِمَّنْ هُوَ فِي شِقَاقٍ بَعِيدٍ

سَنُرِيهِمْ ءَايَاتِنَا فِي الْأَفَاقِ وَفِي أَنْفُسِهِمْ حَتَّىٰ يَتَبَيَّنَ لَهُمْ أَنَّهُ الْحَقُّ ۗ أَوَلَمْ يَكْفِ بِرَبِّكَ أَنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

أَلَا إِنَّهُمْ فِي مِرْيَةٍ مِّن لِّقَاءِ رَبِّهِمْ ۗ أَلَا إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ مُّحِيطٌ

از ساعت قیامت تنها خدا آگاه است، و هیچ میوه‌ای از غنچه خود بیرون نیاید و هیچ آبستنی بار بر ندارد و نژاید مگر به علم ازلی او. و (یاد آر) روزی که خدا به مشرکان خطاب کند: آن معبودان باطلی که شریک من پنداشتید کجا رفتند؟ مشرکان گویند: بار الها، ما حضور تو عرضه داشتیم که از ما هیچ کس گواه نیست (که تو شریک داشته‌ای. یعنی از شرک بیزاری می‌جویند).

و معبودان باطلی که در دنیا عبادت می‌کردند همه از نظرشان محو و نابود شود و آن زمان بدانند که (از آتش قهر خدا) هیچ مفرّ و نجاتی بر آنها نیست.

آدمی (حریص، از خدا) به دعا دایم تمنای خیر می‌کند و هرگز خستگی و سیری ندارد و لیکن اگر به وی شرّ و آسیبی رسد (از رحمت الهی) زود مأیوس و ناامید می‌گردد.

و اگر ما به انسان (مغرور کم ظرف) پس از رنج و ضرری که به او رسیده نعمت و رحمتی نصیب کنیم البته خواهد گفت که این نعمت برای من (از لیاقت من) است، و گمان نمی‌کنم که قیامتی بر پا شود و به فرض اینکه به سوی خدایم برگردم باز هم برای من نزد خدا بهترین نعمت خواهد بود. ما البته کافران را به (کیفر) اعمالشان آگاه می‌سازیم و عذابی بسیار سخت می‌چشانیم.

و ما هر گاه به انسان (بی‌حوصله کم ظرف) نعمتی عطا کنیم رو بگرداند و (از شکر خدا) دوری جوید، و هر گاه شرّ و بلایی به او روی آورد آن گاه دایم زبان به دعا گشاید (و اظهار عجز نماید).

(کافران را) بگو: چه می‌پندارید اگر (قرآن) از جانب خدا باشد و شما به آن کافر شده باشید آیا گمراه‌تر از آن کس که (مانند شما) به کفر و شقاق دور (از راه سعادت) است در جهان کسی تواند بود؟

ما آیات (قدرت و حکمت) خود را در آفاق جهان و نفوس بندگان کاملا هویدا و روشن می‌گردانیم تا ظاهر و آشکار شود که خدا (و آیات حکمت و قیامت و رسالتش همه) بر حق است. آیا همین حقیقت که خدا بر همه موجودات عالم پیدا و گواه است کفایت (از برهان) نمی‌کند؟

الا (ای اهل ایمان) بدانید که کافران از لقای خدای خود در شک و انکارند و باز بدانید که خدا را بر همه موجودات عالم احاطه کامل است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

حَم

حم

عَسَق

عسق (اسرار کتاب خداست)

كَذَلِكَ يُوحَىٰ إِلَيْكَ وَإِلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكَ اللَّهُ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ

این گونه به سوی تو و رسولان پیش از تو خدای مقتدر دانا وحی می‌کند.

لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ

آنچه در آسمانها و آنچه در زمین است همه ملک اوست و او خدای بلند مرتبه بزرگ است.

تَكَادُ السَّمَوَاتُ يَتَفَطَّرْنَ مِنْ فَوْقِهِنَّ وَالْمَلَائِكَةُ يُسَبِّحُونَ  
بِحَمْدِ رَبِّهِمْ وَيَسْتَغْفِرُونَ لِمَنْ فِي الْأَرْضِ أَلَا إِنَّ اللَّهَ هُوَ  
الْعَفُورُ الرَّحِيمُ

نزدیک است که آسمانها از فراز هم یکی پس از دیگری شکافته (و درهای آن به وحی رسولان باز) شود، و فرشتگان (رحمت) به ستایش خدای خود تسبیح گویند و برای اهل زمین از خدا مغفرت و آمرزش طلبند (و ندا کنند که) لا اله الا الله، بدانید که خداست آن ذاتی که بسیار آمرزنده و مهربان است.

وَالَّذِينَ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ اللَّهُ حَفِيظٌ عَلَيْهِمْ وَمَا  
أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِوَكِيلٍ

و آنان که غیر خدا را معبود و محبوب خویش برگرفتند خدا رقیب و نگهبان بر (اعمال) آنهاست و تو وکیل (کار و مسئول کردار) آنان نخواهی بود.

وَكَذَلِكَ أَوْحَيْنَا إِلَيْكَ قُرْآنًا عَرَبِيًّا لِتُنذِرَ أُمَّ الْقُرَىٰ وَمَنْ  
حَوْلَهَا وَتُنذِرَ يَوْمَ الْجُمُعِ لَا رَيْبَ فِيهِ فَرِيقٌ فِي الْجَنَّةِ  
وَفَرِيقٌ فِي السَّعِيرِ

و این چنین قرآن فصیح عربی را ما به تو وحی کردیم تا مردم امّ القری (شهر مکه) و هر که را که در اطراف آن است (از خدا) بترسانی و هم از (سختی) روز بزرگ قیامت که همه جمع آیند و هیچ شک در آن نیست و گروهی در بهشت جاودان و فرقه‌ای در آتش سوزان روند بیم دهی.

وَلَوْ شَاءَ اللَّهُ لَجَعَلَهُمْ أُمَّةً وَاحِدَةً وَلَٰكِنْ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ  
فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمُونَ مَا لَهُمْ مِنْ وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

و اگر خدا می‌خواست (و در ازل صلاح نظام عالم می‌دانست) تمام خلائق را (به قهر) یک فرقه (مؤمن) قرار می‌داد و لیکن (برای امتحان چنین نخواسته تا) هر که را بخواهد به رحمت خود داخل کند و ستمکاران را هیچ یار و ناصری نباشد.

أَمْ اتَّخَذُوا مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءَ فَاللَّهُ هُوَ الْوَلِيُّ وَهُوَ يُحْيِي  
الْمَوْتَىٰ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

آری، مشرکان غیر خدا را یار و دوستدار خود برگرفتند و حال آنکه خدا منحصرًا دوست و یاور بندگان است و اوست که مردگان را زنده می‌کند و اوست که بر هر چیز تواناست.

وَمَا اخْتَلَفْتُمْ فِيهِ مِنْ شَيْءٍ فَحُكْمُهُ إِلَى اللَّهِ ذَلِكُمُ اللَّهُ  
رَبِّي عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ

و آنچه در آن اختلاف و نزاع کردید حکم آن به خدا (و احکام خدا) راجع است، همان خدا (ی آفریننده عالم و آدم) پروردگار من است که بر او توکل کرده و به درگاه او به تضرع باز می‌گردم.

فَاطِرُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ جَعَلَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ  
أَزْوَاجًا وَمِنَ الْأَنْعَامِ أَزْوَاجًا يَذُرُّكُمْ فِيهِ لَيْسَ كَمِثْلِهِ  
شَيْءٌ وَهُوَ السَّمِيعُ الْبَصِيرُ

لَهُ مَقَالِيدُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ يَبْسُطُ الرِّزْقَ لِمَنْ يَشَاءُ  
وَيَقْدِرُ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

شَرَعَ لَكُمْ مِنَ الدِّينِ مَا وَصَّى بِهِ نُوحًا وَالَّذِي أَوْحَيْنَا  
إِلَيْكَ وَمَا وَصَّيْنَا بِهِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَى وَعِيسَى أَنْ أَقِيمُوا  
الدِّينَ وَلَا تَتَفَرَّقُوا فِيهِ كَبُرَ عَلَى الْمُشْرِكِينَ مَا تَدْعُوهُمْ  
إِلَيْهِ اللَّهُ يَجْتَبِي إِلَيْهِ مَنْ يَشَاءُ وَيَهْدِي إِلَيْهِ مَنْ يُنِيبُ

وَمَا تَفَرَّقُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَعِيًا بَيْنَهُمْ وَلَوْلَا  
كَلِمَةٌ سَبَقَتْ مِنْ رَبِّكَ إِلَى أَجَلٍ مُسَمًّى لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ  
الَّذِينَ أُورِثُوا الْكِتَابَ مِنْ بَعْدِهِمْ لَفِي شَكٍّ مِنْهُ مُرِيبٍ

فَلِذَلِكَ فَادَعُ أَصَاتِقِمْ كَمَا أَمَرْتُ وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَهُمْ وَقُلْ  
ءَامَنْتُ بِمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنْ كِتَابٍ وَأَمَرْتُ لِأَعْدِلَ بَيْنَكُمْ  
اللَّهُ رَبُّنَا وَرَبُّكُمْ لَنَا أَعْمَلْنَا وَلَكُمْ أَعْمَلَكُمْ لَا حُجَّةَ  
بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ اللَّهُ يَجْمَعُ بَيْنَنَا وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

خدا آفریننده آسمانها و زمین است، برای شما آدمیان از جنس خودتان زنان را هم جفت شما قرار داد و نیز چهار پایان را جفت (نر و ماده) آفرید، و به این تدبیر (ازدواج) شما را خلق بی‌شمار کند. آن خدای یکتا را هیچ مثل و مانندی نیست و او شنوا و بیناست.

کلید (گنج نعمتهای) آسمانها و زمین او راست، هر که را خواهد رزق وسیع دهد و هر که را خواهد تنگ روزی کند، که او به هر چیز آگاه است.

خدا شرع و آیینی که برای شما مسلمین قرار داد حقایق و احکامی است که نوح را هم به آن سفارش کرد و بر تو نیز همان را وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی هم آن را سفارش نمودیم که دین خدا را بر پا دارید و هرگز تفرقه و اختلاف در دین نکنید. مشرکان را که به خدای یگانه و ترک بتان دعوت می‌کنی (قبولش) بسیار در نظرشان بزرگ می‌آید. (باری از انکار آنها میندیش که) خدا هر که را بخواهد به سوی خود (و مقام رسالت خویش) برمی‌گزیند و هر که را به درگاه خدا به تضرع و دعا باز آید هدایت می‌فرماید.

و مردم (در دین) راه تفرقه و اختلاف نپیمودند مگر پس از آنکه علم و برهان (از جانب حق) بر آنها آمد و لیکن دانسته برای تعدی و ظلم به یکدیگر اختلاف کردند، و اگر آن کلمه (رحمت) از (لطف) خدا سبقت نگرفته بود (که) تا وقتی معین (تعجیل در عذاب نکند) البته میان مردم (ستمکار) حکم (به هلاک) می‌شد. و آنان که پس از گذشتگان وارث کتاب آسمانی شدند (مانند یهود و نصارا) در آن کتاب آسمانی سخت در شک و ریب بماندند.

بدین سبب تو همه را (به دین اسلام و کلمه توحید) دعوت کن و چنانکه مأموری پایداری کن و پیرو هوای نفس مردم مباش و بگو که من به کتابی که خدا فرستاد (قرآن) ایمان آورده‌ام و مأمورم که میان شما به عدالت حکم کنم، خدای یگانه پروردگار همه ما و شماست، (پاداش) عمل ما بر ما و عمل شما بر شماست (و پس از تبلیغ رسالت) دیگر هیچ حجت و گفت و گویی بین ما و شما باقی نیست. خدا (روز جزا برای حکم حق) میان ما جمع می‌کند و بازگشت همه به سوی اوست.

وَالَّذِينَ يُحَاجُّونَ فِي اللَّهِ مِنْ بَعْدِ مَا أَسْتَجِيبَ لَهُمْ حُجَّتَهُمْ  
دَاحِضَةً عِنْدَ رَبِّهِمْ وَعَلَيْهِمْ غَضَبٌ وَلَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

اللَّهُ الَّذِي أَنْزَلَ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ وَالْمِيزَانَ وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّ  
السَّاعَةَ قَرِيبٌ

يَسْتَعْجِلُ بِهَا الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِهَا وَالَّذِينَ ءَامَنُوا  
مُشْفِقُونَ مِنْهَا وَيَعْلَمُونَ أَنَّهَا الْحَقُّ أَلا إِنَّ الَّذِينَ يُمَارُونَ  
فِي السَّاعَةِ لَفِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

اللَّهُ لَطِيفٌ بِعِبَادِهِ يَرْزُقُ مَنْ يَشَاءُ وَهُوَ الْقَوِيُّ الْعَزِيزُ

مَنْ كَانَ يُرِيدُ حَرْثَ الْآخِرَةِ نَزِدْ لَهُ فِي حَرْثِهِ وَمَنْ كَانَ  
يُرِيدُ حَرْثَ الدُّنْيَا نُؤْتِهِ مِنْهَا وَمَا لَهُ فِي الْآخِرَةِ مِنْ  
نَصِيبٍ

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ شَرَعُوا لَهُمْ مِنَ الدِّينِ مَا لَمْ يَأْذَنْ بِهِ اللَّهُ  
وَلَوْلا كَلِمَةُ الْفَصْلِ لَفُضِيَ بَيْنَهُمْ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ لَهُمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ

تَرَى الظَّالِمِينَ مُشْفِقِينَ مِمَّا كَسَبُوا وَهُوَ وَاقِعٌ بِهِمْ وَالَّذِينَ  
ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فِي رَوْضَاتِ الْجَنَّاتِ لَهُمْ مَا  
يَشَاءُونَ عِنْدَ رَبِّهِمْ ذَلِكَ هُوَ الْفَضْلُ الْكَبِيرُ

و آنان که در دین خدا (از حسد و عناد با رسولش) جدل و  
احتجاج برانگیزند پس از آنکه خلق دعوت او را پذیرفتند  
حجت آنها نزد خدا لغو و باطل است و بر آنها قهر و غضب و  
عذاب سخت خواهد بود.

خداست آن که کتاب (آسمانی) را به حق و نیز ترازوی  
عدالت را فرستاد، و تو چه دانی؟ ممکن است ساعت قیامت  
بسیار نزدیک باشد.

آنان که به ساعت قیامت ایمان نمی‌آورند (به تمسخر)  
تقاضای تعجیل در ظهور قیامت می‌کنند، اما اهل ایمان از آن  
روز سخت ترسانند و می‌دانند که آن روز (و همه وعده‌های  
آخرت) بر حق است. ایا (ای مردم) بدانید آنان که در قیامت  
جدل و انکار می‌کنند سخت در گمراهی دور (از سعادت)  
اند.

خدا را به بندگان لطف و محبت بسیار است، هر که را  
بخواهد روزی می‌دهد و او توانای مطلق و مقتدر و غالب  
است.

هر کس حاصل کشت آخرت را بخواهد ما بر تخمی که کاشته  
می‌افزاییم و هر که تنها حاصل کشت دنیا را بخواهد او را  
هم از آن نصیب می‌کنیم ولی در آخرت (از نعمت ابدی آن  
چون نخواستند) نصیبی نخواهد یافت.

آیا خدایان باطل مشرکان بر آنها شرع و احکامی که خدا  
اجازه نفرموده جعل کرده‌اند؟ و اگر کلمه فصل (یعنی حکم  
تأخیر عذاب) نبود میان آنها (به هلاکت) حکم می‌شد، و  
ستمکاران را البته (روزی) عذاب دردناک خواهد بود.

(در آن روز) ظالمان را بینی که از (کیفر) کردار خود سخت  
ترسان و هراسانند و البته به کیفر خواهند رسید، و آنان که  
به خدا ایمان آوردند و نیکوکار شدند در باغهای بهشت  
منزل یافته و نزد خدای خود هر چه خواهند بر آنان  
مهیاست. این همان فضل و رحمت نامتناهی خداست (که  
نصیب اهل ایمان است).

ذَلِكَ الَّذِي يُبَشِّرُ اللَّهَ عِبَادَهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ قُلْ لَا أَسْأَلُكُمْ عَلَيْهِ أَجْرًا إِلَّا الْمَوَدَّةَ فِي الْقُرْبَىٰ وَمَن يَقْتَرِفْ حَسَنَةً نَّزِدْ لَهُ فِيهَا حُسْنًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ شَكُورٌ

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَىٰ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا فَإِن يَشِئِ اللَّهُ يَخْتِمْ عَلَى قَلْبِكَ وَيَمْحُ اللَّهُ الْبَاطِلَ وَيُحِقُّ الْحَقَّ بِكَلِمَاتِهِ إِنَّهُ وَعَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

وَهُوَ الَّذِي يَقْبَلُ التَّوْبَةَ عَن عِبَادِهِ وَيَعْفُو عَنِ السَّيِّئَاتِ وَيَعْلَمُ مَا تَفْعَلُونَ

وَيَسْتَجِيبُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَيَزِيدُهُم مِّن فَضْلِهِ ۗ وَالْكَافِرُونَ لَهُمْ عَذَابٌ شَدِيدٌ

وَلَوْ بَسَطَ اللَّهُ الرِّزْقَ لِعِبَادِهِ لَبَغَوْا فِي الْأَرْضِ وَلَٰكِن يُنَزِّل بِقَدَرٍ مَّا يَشَاءُ إِنَّهُ بِعِبَادِهِ خَبِيرٌ بَصِيرٌ

وَهُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ الْغَيْثَ مِن بَعْدِ مَا قَنَطُوا وَيَنشُرُ رَحْمَتَهُ ۗ وَهُوَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ

وَمِنَ ءَايَاتِهِ خَلْقُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَثَّ فِيهِمَا مِن دَابَّةٍ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ جَمْعِهِمْ إِذَا يَشَاءُ قَدِيرٌ

وَمَا أَصَابَكُمْ مِّن مُّصِيبَةٍ فِيمَا كَسَبَتْ أَيْدِيكُمْ وَيَعْفُوا عَن كَثِيرٍ

وَمَا أَنْتُمْ بِمُعْجِزِينَ فِي الْأَرْضِ ۗ وَمَا لَكُم مِّن دُونِ اللَّهِ مِن وَلِيٍّ وَلَا نَصِيرٍ

این (بهشت ابد) همان است که خدا به بندگانی که ایمان آورده و نیکوکار شدند بشارت آن را داده است. بگو: من از شما اجر رسالت جز این نخواهم که مودت و محبت مرا در حق خویشاوندان منظور دارید (و دوستدار آل محمد باشید، که این اجر هم به نفع امت و برای هدایت یافتن آنهاست)، و هر که کاری نیکو انجام دهد ما نیز در آن مورد بر نیکویی‌ش بیفزاییم که خدا بسیار آمرزنده گناهان و پذیرنده شکر بندگان است.

بلکه (مردم نادان) خواهند گفت: او (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) بر خدا دروغ بسته (که محبت اهل بیت را بر امت واجب کرده. چنین نیست و هرگز رسولی بر خدا دروغ نتواند بست که) اگر خدا بخواهد بر قلب تو مهر می‌نهد و به کلمات (وحی) خود سخن باطل را محو و نابود و حق را ثابت و برقرار می‌گرداند، که خدا به اسرار دلهای خلق کاملا آگاه است.

و اوست خدایی که توبه بندگانش را می‌پذیرد و گناهان را می‌بخشد و هر چه کنید می‌داند.

و دعای آنان را که ایمان آورده و نیکوکار شوند مستجاب می‌گرداند و از فضل و کرم خود بر ثواب آنها می‌افزاید، و برای کافران عذابی سخت خواهد بود.

و اگر خدا روزی بندگان را وسیع و فراوان کند در روی زمین ظلم و طغیان بسیار کنند لیکن به اندازه‌ای که بخواهد (و صلاح داند) نازل می‌گرداند، که خدا به احوال بندگانش آگاه و بیناست.

و اوست خدایی که باران را پس از نومیدی خلق می‌فرستد و رحمت (و نعمت) خود را فراوان می‌گرداند و اوست خداوندگار محبوب ذات ستوده صفات.

و از جمله آیات (قدرت) او خلقت آسمانها و زمین است و هم آنچه در آنها از انواع جنبنندگان پراکنده است، و او بر جمع آوری موجوداتی که (در آسمانها و کرات بی‌شمار عالم) پراکنده است هر وقت بخواهد قادر است.

و آنچه از رنج و مصائب به شما می‌رسد همه از دست (اعمال زشت) خود شماست در صورتی که خدا بسیاری از اعمال بد را عفو می‌کند.

و شما در زمین هیچ قدرتی ندارید و از کوچکترین قوای جهان زبون و عاجزید و غیر خدا در عالم هیچ یار و یاورى ندارید.

وَمِنْ آيَاتِهِ الْجَوَارِ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَامِ

إِنْ يَشَأْ يُسْكِنِ الرِّيحَ فَيَظْلَلْنَ رَوَاكِدَ عَلَى ظَهْرِهِۦ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّكُلِّ صَبَّارٍ شَكُورٍ

أَوْ يُوقَهُنَّ بِمَا كَسَبُوا وَيَعْفُ عَنْ كَثِيرٍ

وَيَعْلَمَ الَّذِينَ يُجَادِلُونَ فِي آيَاتِنَا مَا لَهُمْ مِّنْ حَٰصِرٍ

فَمَا أُوتِيتُمْ مِّنْ شَيْءٍ فَمَتَّعُ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا وَمَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَلَىٰ رَبِّهِمْ يَتَوَكَّلُونَ

وَالَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ ٱلْإِثْمِ وَٱلْفَوَاحِشَ وَإِذَا مَا غَضِبُوا هُمْ يَغْفِرُونَ

وَالَّذِينَ اسْتَجَابُوا لِرَبِّهِمْ وَأَقَامُوا الصَّلٰوةَ وَأَمْرُهُمْ شُورَىٰ بَيْنَهُمْ وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنفِقُونَ

وَالَّذِينَ إِذَا أَصَابَهُمُ ٱلْبَغْيُ هُمْ يَنْتَصِرُونَ

وَجَزَآءُ سَيِّئَةٍ سَيِّئَةٌ مِّثْلُهَا فَمَنْ عَفَا وَأَصْلَحَ فَأَجْرُهُ عَلَى اللَّهِ إِنَّهُۥ لَا يُحِبُّ ٱلظَّٰلِمِينَ

وَلَمَنِ ٱنتَصَرَ بَعْدَ ظُلْمِهِۦ فَأُو۟لَٰئِكَ مَا عَلَيْهِم مِّنْ سَبِيلٍ

إِنَّمَا السَّبِيلُ عَلَى الَّذِينَ يَظْلِمُونَ ٱلنَّاسَ وَيَبْغُونَ فِي ٱلْأَرْضِ بِغَيْرِ ٱلْحَقِّ أُو۟لَٰئِكَ لَهُم عَذَابٌ أَلِيمٌ

وَلَمَنِ صَبَرَ وَغَفَرَ إِنَّ ذَٰلِكَ لَمِنْ عَزْمِ ٱلْأُمُورِ

وَمَنْ يُضْلِلِ ٱللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ وَّٰلِيٍّ مِّنْ بَعْدِهِۦٓ وَتَرَى ٱلظَّٰلِمِينَ لَمَّا رَأَوْا ٱلعَذَابَ يَقُولُونَ هَلْ إِلَىٰ مَرَدٍّ مِّنْ سَبِيلِ

و یکی از آیات (قدرت) الهی سیر و گردش کشتیهاست که در آب دریا مانند کوههای بلند در حرکت است.

اگر خدا بخواهد باد را سکون و آرامش دهد تا کشتیها بر پشت آب از جنبش بایستد. در این کار برای مردم با صبر شکر گزار ادله‌ای (از قدرت خدا) نمودار است.

یا اگر بخواهد خدا کشتیهایشان را به جرم بدکاری به دریا غرق می‌کند و (اگر بخواهد) بسیاری از جرم شما را می‌بخشد.

و تا آنان که در آیات ما راه جدال و انکار می‌پیمایند بدانند که بر آنها (از قهر و عذاب ما) هیچ مفرّ و نجاتی نیست.

پس چیزی که نصیب شما گردیده متاع (فانی) زندگی دنیاست و آنچه نزد خداست بسیار بهتر و باقی‌تر است اما آن مخصوص است به آنان که به خدا ایمان آورده‌اند و بر پروردگار خود توکل می‌کنند.

و آنان که از گناهان بزرگ و زشتکاری می‌پرهیزند و چون (بر کسی) خشم و غضب کنند (بر او) می‌بخشند.

و آنان که امر خدایشان را اجابت کردند و نماز به پا داشتند و کارشان را به مشورت یکدیگر انجام می‌دهند و از آنچه روزی آنها کردیم (به فقیران) انفاق می‌کنند.

و آنان که چون ظلمی بر آنها هجوم کند (از مؤمنان یاری طلبیده) انتقام می‌جویند.

و انتقام بدی (مردم) به مانند آن بد رواست (نه بیشتر) و باز اگر کسی عفو کرده و (بین خود و خصم خود را به عفو) اصلاح نمود اجر او بر خداست، که خدا ستمکاران را هیچ دوست نمی‌دارد.

و هر کس پس از ظلمی که بر او رفته انتقام طلبد، بر اینان هیچ گناه و مؤاخذه نیست.

تنها راه مؤاخذه بر آنهاپی است که به مردم ظلم کنند و در زمین به ناحق شرارت انگیزند، بر آنها (در دنیا انتقام و در آخرت) عذاب دردناک است.

و هر که (بر ظلم کسی) صبر کند (و با قدرت انتقام ببخشد) این مقام (حلم و بردباری است که) از عزم در امور (الهی و تسلط بر نفس و قوت عقل و اراده) است.

و هر که را خدا به گمراهی خود واگذارد دیگر هیچ کس پس از خدا یار و یاور او نیست. و ستمکاران را بنگری که چون عذاب (قیامت) را به چشم ببینند در آن حال گویند: آیا راهی به بازگشت (به دنیا) برای ما هست؟

وَتَرَاهُمْ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا خَشِيعِينَ مِنَ الدَّلِّ يَنْظُرُونَ مِنْ  
طَرْفٍ خَفِيٍّ وَقَالَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنَّ الْخَسِرِينَ الَّذِينَ  
خَسِرُوا أَنفُسَهُمْ وَأَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ ۗ أَلَا إِنَّ الظَّالِمِينَ فِي  
عَذَابٍ مُّقِيمٍ

وَمَا كَانَ لَهُمْ مِنْ أَوْلِيَاءَ يَنْصُرُونَهُمْ مِنْ دُونِ اللَّهِ وَمَنْ  
يُضِلِلِ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ سَبِيلٍ

أَسْتَجِيبُوا لِرَبِّكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ يَوْمٌ لَا مَرَدَّ لَهُ مِنْ  
اللَّهِ مَا لَكُمْ مِنْ مَلْجَأٍ يَوْمَئِذٍ وَمَا لَكُمْ مِنْ نَكِيرٍ

فَإِنْ أَعْرَضُوا فَمَا أَرْسَلْنَاكَ عَلَيْهِمْ حَفِيظًا ۗ إِنْ عَلَيْكَ إِلَّا  
الْبَلْغُ وَإِنَّا إِذَا أَذَقْنَا الْإِنْسَانَ مِنَّا رَحْمَةً فَرَحَّ بِهَا وَإِنْ  
تُصِبَّهُمْ سَيِّئَةٌ بِمَا قَدَّمَتْ أَيْدِيهِمْ فَإِنَّ الْإِنْسَانَ كَفُورٌ

لِلَّهِ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يَخْلُقُ مَا يَشَاءُ ۗ يَهَبُ لِمَنْ  
يَشَاءُ إِنثًا وَيَهَبُ لِمَنْ يَشَاءُ الذُّكُورَ

أَوْ يُزَوِّجُهُمْ ذُكْرَانًا وَإِنثًا ۗ وَيَجْعَلُ مَنْ يَشَاءُ عَقِيمًا ۗ إِنَّهُ  
عَلِيمٌ قَدِيرٌ

وَمَا كَانَ لِبَشَرٍ أَنْ يُكَلِّمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحِيًّا أَوْ مِنْ وَرَائِ  
حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُوحِيَ بآدَانِهِ ۗ مَا يَشَاءُ ۗ إِنَّهُ وَعَلَى  
حَكِيمٌ

و آن ظالمان را بنگری که به دوزخشان متوجه گردانند و آنها  
با ترس و ذلت از گوشه چشم (بر آتش دوزخ) می‌نگرند و  
در آن حال مؤمنان (ایمن و شادان) گویند: آری، زیانکاران  
آنان هستند که نفوس خود و اهل بیت خود را در امروز  
قیامت به زیان عذاب انداخته‌اند. اا (ای مردم) بدانید که  
ستمکاران عالم به عذاب ابدی گرفتارند.

و آنها را غیر خدا هیچ یار و یآوری نباشد که یاریشان دهند.  
و هر که را خدا به گمراهی واگذارد دیگر هیچ راه نجاتی بر  
او نخواهد بود.

(بندگان غافل) دعوت خدای خود را اجابت کنید پیش از  
آنکه بیاید روزی که نه از (قهر) خدا راه نجاتی یابید و نه  
ملجأ و پناهی دارید و نه کسی از شما دفاع و انکاری تواند  
کرد.

(ای رسول، تو این آیات قیامت را بر خلق برسان) پس اگر  
باز اعراض کردند دیگر تو را نگهبان آنها نفرستادیم، بر تو  
جز ابلاغ رسالت تکلیفی نیست، و ما چون به انسان (بی‌صبر  
کم ظرف) از لطف و رحمت خود بهره‌ای بخشیم بدان شاد  
شود و اگر به کیفر کردار خود رنج و عذابی به آنان رسد  
آدمی سخت راه کفران پوید.

تنها خدا راست ملک آسمانها و زمین، هر چه بخواهد  
می‌آفریند، به هر که خواهد فرزندان اناث (دختر) و به هر  
که خواهد فرزندان ذکور (پسر) عطا می‌کند.

یا در یک رحم فرزندان پسر و دختر قرار می‌دهد، و هر که  
را خواهد عقیم (نازا) می‌گرداند، که او (به صلاح خلق) دانا و  
(به هر چه خواهد) تواناست.

و هیچ بشری را یارای آن نباشد که خدا با او سخن گوید مگر  
به وحی (و الهام خدا) یا از پس پرده غیب عالم (و حجاب  
ملکوت جهان) یا رسولی (از فرشتگان عالم بالا) فرستد تا به  
امر خدا هر چه او خواهد وحی کند، که او خدای بلند مرتبه  
حکیم است.





وَالَّذِي نَزَّلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً بِقَدَرٍ فَأَدَشَرْنَا بِهٖ بَلَدَةً مَّيِّتًا  
كَذَلِكَ نُخْرِجُونَ

وَالَّذِي خَلَقَ الْأَزْوَاجَ كُلَّهَا وَجَعَلَ لَكُم مِّنَ الْفُلْكِ  
وَالْأَنْعَامِ مَا تَرَكَبُونَ

لِتَسْتَوُوا عَلَى ظُهُورِهِ ثُمَّ تَذْكُرُوا نِعْمَةَ رَبِّكُمْ إِذَا اسْتَوَيْتُمْ  
عَلَيْهِ وَتَقُولُوا سُبْحَانَ الَّذِي سَخَّرَ لَنَا هَذَا وَمَا كُنَّا لَهُ  
مُقْرِنِينَ

وَإِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا لَمُنْقَلِبُونَ

وَجَعَلُوا لَهُ مِنْ عِبَادِهِ جُزْءًا إِنَّ الْإِنسَانَ لَكَفُورٌ مُّبِينٌ

أَمْ أُتَّخَذَ مِمَّا يَخْلُقُ بَنَاتٍ وَأَصْفَاكُمْ بِالْبَنِينَ

وَإِذَا بُشِّرَ أَحَدُهُمْ بِمَا ضَرَبَ لِلرَّحْمَنِ مَثَلًا ظَلَّ وَجْهُهُ  
مُسْوَدًّا وَهُوَ كَظِيمٌ

أَوْ مَنْ يُنشَأُ فِي الْحِلْيَةِ وَهُوَ فِي الْخِصَامِ غَيْرُ مُبِينٍ

وَجَعَلُوا الْمَلَائِكَةَ الَّذِينَ هُمْ عِبْدُ الرَّحْمَنِ إِنثًا أَشْهَدُوا  
حَلْقَهُمْ سَتُكْتَبُ شَهَادَتُهُمْ وَيُسْأَلُونَ

وَقَالُوا لَوْ شَاءَ الرَّحْمَنُ مَا عَبَدْنَاهُمْ مَّا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ  
عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَخْرُصُونَ

أَمْ آتَيْنَاهُمْ كِتَابًا مِّن قَبْلِهِ فَهُمْ بِهِ مُسْتَمْسِكُونَ

بَلْ قَالُوا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ  
مُّهْتَدُونَ

و آن خدایی که از (باران) آسمان آبی به قدر و اندازه نازل  
کرد و به آن صحرا و دیار مرده خشک را زنده گردانیدیم.  
همین گونه شما هم (از قبرها) بیرون آورده می‌شوید.

و آن خدایی که همه موجودات عالم را جفت آفرید و برای  
سواری شما بندگان کشتیها و چهار پایان را (در آب و خاک)  
مقرر فرمود.

تا چون با کمال تسلط بر پشت آنها نشستید متذکر نعمت  
خدایتان شوید و گوید: پاک و منزّه خدایی که این (انواع  
کشتی و چهار پایان قوی) را مسخر ما گردانید و گرنه ما  
هرگز قادر بر آن نبودیم.

و بازگشت ما البته به سوی خدای ما خواهد بود.

و مشرکان برای خدا چیزی را (مانند فرشته) که بنده و  
مخلوق اوست جزء (وجود و فرزند واقعی او) قرار دادند  
(زهی جهل و کفر و سفاهت) که انسان بسیار ناسپاس و  
کفرش آشکار است.

(ای مشرکان) آیا خدا از مخلوقات خود بر خویش دختران را  
برگزید و شما را به پسران امتیاز داد؟

و حال آنکه هر کدام از مشرکان را به دختری که به خدا  
نسبت دادند مژده دهند (ننگ دارد و) رویش (از غم) سیاه  
می‌شود در حالی که پر از خشم و اندوه است.

آیا کسی که به زیب و زیور پرورده می‌شود (یعنی دختران)  
و در خصومت (از حفظ حقوق خود) عاجز است (چنین کس  
لایق فرزندی خداست).

و فرشتگان را که مخلوق و بندگان خدا هستند دختر  
می‌خوانند. آیا در وقت خلقت آنها حاضر بودند؟ (و دیدند که  
آنها دخترند؟ اگر آنها بر این گواهی دهند) البته شهادت  
(کذب) شان (در نامه عملشان) نوشته شده و بر آن سخت  
مؤاخذه می‌شوند.

و مشرکان گویند: اگر خدا می‌خواست ما آنها (فرشتگان و  
بنان) را نمی‌پرستیدیم. گفتار آنها نه از روی علم و دانش  
است بلکه به وهم و پندار باطل خویش می‌گویند.

یا مگر بر آنها از این پیش کتابی فرستادیم که (در این  
سخن جبر و عقیده باطل) به آن کتاب استدلال می‌کنند؟

بلکه گفتند: ما پدران خود را به عقاید و آیینی یافتیم و  
البته ما هم که در پی آنها روییم بر هدایت هستیم.

وَكَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِّنْ نَّذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَرِهِمْ مُّقْتَدُونَ

قَالَ أَوْلَوْ جِئْتُمْ بِأَهْدَىٰ مِمَّا وَجَدْتُمْ عَلَيْهِ آبَاءَكُمْ قَالُوا إِنَّا بِمَا أُرْسِلْتُمْ بِهِ كَافِرُونَ

فَأَنْتَقَمْنَا مِنْهُمْ فَأَنْظُرْ كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الْمُكْذِبِينَ

وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ وَقَوْمِهِ إِنَّنِي بَرَاءٌ مِّمَّا تَعْبُدُونَ

إِلَّا الَّذِي فَطَرَنِي فَإِنَّهُ سَيَهْدِينِ

وَجَعَلَهَا كَلِمَةً بَاقِيَةً فِي عَقِبِهِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

بَلْ مَتَّعْتُ هَؤُلَاءِ وَآبَاءَهُمْ حَتَّىٰ جَاءَهُمُ الْحَقُّ وَرَسُولٌ مُّبِينٌ

وَلَمَّا جَاءَهُمُ الْحَقُّ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ وَإِنَّا بِهِ كَافِرُونَ

وَقَالُوا لَوْلَا نُزِّلَ هَذَا الْقُرْآنُ عَلَىٰ رَجُلٍ مِّنَ الْقَرْيَتَيْنِ عَظِيمٍ

أَهُمْ يَقْسِمُونَ رَحْمَتَ رَبِّكَ نَحْنُ قَسَمْنَا بَيْنَهُمْ مَّعِيشَتَهُمْ فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَرَفَعْنَا بَعْضَهُمْ فَوْقَ بَعْضٍ دَرَجَاتٍ لِّيَتَّخِذَ بَعْضُهُمْ بَعْضًا سُخْرِيًّا وَرَحْمَتُ رَبِّكَ خَيْرٌ مِّمَّا يَجْمَعُونَ

وَلَوْلَا أَنْ يَكُونَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً لَّجَعَلْنَا لِمَنْ يَكْفُرُ بِالرَّحْمَنِ لِبُيُوتِهِمْ سُفًّا مِّنْ فِضَّةٍ وَمَعَارِجَ عَلَيْهَا يَظْهَرُونَ

و همچنین ما هیچ رسولی پیش از تو در هیچ شهر و دیاری نفرستادیم جز آنکه اهل ثروت و مال آن دیار به رسولان گفتند که ما پدران خود را بر آیین و عقایدی یافتیم و از آنها البته پیروی خواهیم کرد.

آن رسول ما به آنان گفت: اگر چه من به آیینی بهتر از دین (باطل) پدرانتان شما را هدایت کنم (باز هم پدران را تقلید می‌کنید)؟ آنها پاسخ دادند (به هر تقدیر) ما به آنچه شما را به رسالت آن فرستاده‌اند کافریم.

ما هم از آن مردم (پر غرور و عناد) انتقام کشیدیم، بنگر تا عاقبت حال کافران مکذب به کجا کشید؟

(یاد آر) وقتی که ابراهیم با پدر (یعنی عموی خود) و قومش گفت: من از معبودان شما سخت بیزارم.

و جز آن خدایی که مرا آفریده و البته مرا هدایت خواهد کرد نمی‌پرستم.

و خدا این خدا پرستی را در همه ذرّیت او تا قیامت کلمه باقی گردانید، باشد که (همه فرزندانش به خدای یکتا) رجوع کنند.

(و من تعجیل در عقوبت کافران نکردم) بلکه آنان و پدرانشان را (مهلت داده و از عمر) بهره‌مند کردم تا آنکه دین حق و رسول مبین بر آنها آمد.

و چون حق به سوی آنها آمد گفتند: این (قرآن) سحر است و ما به (وحی بودن) آن ایمان نداریم.

و باز گفتند: چرا این قرآن بر آن مرد بزرگ قریه مکه و طایف (ولید و حبیب یا عروه بن مسعود) نازل نشد؟

آیا آنها باید فضل و رحمت خدای تو را تقسیم (و مقام نبوت را تعیین) کنند؟ در صورتی که ما خود معاش و روزی آنها را در حیات دنیا تقسیم کرده‌ایم و بعضی را بر بعضی به درجاتی (از مال و جاه دنیوی) برتری داده‌ایم تا بعضی از مردم (به ثروت) بعضی دیگر را مسخر خدمت کنند، و (بهشت، دار) رحمت خدا از آنچه (از مال دنیا) جمع می‌کنند بسی بهتر است.

و اگر نه این بود که مردم همه یک نوع و یک امتند ما (از پستی و بی‌قدری دنیا) برای آنان که کافر به خدا می‌شوند سقف خانه‌هاشان را از نقره خام قرار می‌دادیم و (چندین طبقه که) نردبامهایی (نصب کرده) که بر سقف بالا روند.

وَلِبُيُوتِهِمْ أَبْوَابًا وَسُرُرًا عَلَيْهَا يَتَكَبَّرُونَ

۳۵

وَزُخْرَفًا وَإِنْ كُلُّ ذَلِكَ لَمَّا مَتَعَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةَ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُتَّقِينَ

۳۶

۴۲۷ر

وَمَنْ يَعِشْ عَنِ ذِكْرِ الرَّحْمَنِ نَقِيضٌ لَهُ شَيْطَانًا فَهُوَ لَهُ قَرِينٌ

۳۷

وَأَنَّهُمْ لَيَصُدُّونَهُمْ عَنِ السَّبِيلِ وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ مُّهْتَدُونَ

۳۸

حَتَّىٰ إِذَا جَاءَنَا قَالَ يَلَيْتَ بَيْنِي وَبَيْنَكَ بُعْدَ الْمَشْرِقَيْنِ فَبِئْسَ الْقَرِينُ

۳۹

وَلَنْ يَنفَعَكُمُ الْيَوْمَ إِذ ظَلَمْتُمْ أَنكُم فِي الْعَذَابِ مُشْتَرِكُونَ

۴۰

أَفَأَنْتَ تُسْمِعُ الصُّمَّ أَوْ تَهْدِي الْعُمْى وَمَنْ كَانَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

۴۱

فَأِمَّا نَذْهَبَنَّ بِكَ فَإِنَّا مِنْهُمْ مُنْتَقِمُونَ

۴۲

أَوْ نُرِيَنَّكَ الَّذِينَ وَعَدْنَاهُمْ فَإِنَّا عَلَيْهِم مُّقْتَدِرُونَ

۴۳

فَأَسْتَمْسِكْ بِالَّذِي أُوحِيَ إِلَيْكَ ۖ إِنَّكَ عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

۴۴

وَإِنَّهُ لَذِكْرٌ لَّكَ وَلِقَوْمِكَ ۖ وَسَوْفَ تُسْأَلُونَ

۴۵

وَسَأَلَ مَنْ أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ مِنْ رُسُلِنَا أَجَعَلْنَا مِنْ دُونِ الرَّحْمَنِ ءَالِهَةً يُعْبَدُونَ

۴۶

۴۲۸ر

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا مُوسَىٰ بِآيَاتِنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ وَمَلَئِهِۦ فَقَالَ إِنِّي رَسُولُ رَبِّ الْعَالَمِينَ

۴۷

فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِآيَاتِنَا إِذَا هُمْ مِنْهَا يَضْحَكُونَ

و نیز بر منزلهاشان (از بزرگی و وسعت) درهای بسیار و تختهای زرنگار که بر آن تکیه زند قرار می‌دادیم.

و عماراتشان به زر و زیور می‌آراستیم، و اینها همه متاع (پست فانی مردم) دنیاست و (نعمتهای ابدی) آخرت نزد خدای تو مخصوص اهل تقواست.

و هر که از یاد خدا (و حکم قرآن) رخ بتابد شیطانی را بر او برانگیزیم تا یار و همنشین دایم وی باشد.

و آن شیاطین همیشه آن مردم از خدا غافل را از راه خدا باز دارند (و به ضلالت در افکنند) و پندارند که هدایت یافته‌اند.

(و چنین کس سرگرم دنیا شود) تا وقتی که به سوی ما باز آید آن گاه با نهایت حسرت گوید: ای کاش میان من و تو (ای شیطان) فاصله‌ای به دوری مشرق و مغرب بود که تو بسیار همنشین و یار بد اندیشی بر من بودی.

و (ای ستمکاران، پشیمانی) هرگز در آن روز به حال شما سودی ندارد، زیرا در دنیا ظلم کردید، که امروز با شیاطین البته در عذاب دوزخ شریک هستید.

آیا تو این کران را سخنی توانی آموخت یا این کوران (باطن) و آن را که دانسته به گمراهی می‌رود هدایت توانی کرد؟

پس اگر ما تو را به جوار خود بریم بعد از تو سخت از آنها انتقام می‌کشیم.

یا عذابی را که به آنها وعده دادیم به تو می‌نمایانیم (و به شمشیر تو از آنها انتقام می‌کشیم) که ما همه گونه بر (هلاک) آنها قادریم.

پس به قرآنی که تو را وحی می‌شود تمسک کن که البته تو به راه راست (و طریق حق) هستی.

و قرآن برای تو و (مؤمنان) قومت شرف و نام بلندی است، و البته شما امت را باز می‌پرسند (که با قرآن چه کردید؟).

و از رسولانی که پیش از تو فرستادیم باز پرس (یعنی از سیرت آنها باز جو) که آیا ما جز خدای یکتای مهربان خدایان دیگری را معبود مردم قرار دادیم؟

و ما موسی را با آیات و معجزاتی که به او دادیم به سوی فرعون و اشراف قومش (به رسالت) فرستادیم، او به آنها گفت: من رسول ربّ العالمینم.

چون آیات ما را بر آنها آورد آن را مسخره کرده و بر او خندیدند.

وَمَا نُرِيهِمْ مِّنْ آيَةٍ إِلَّا هِيَ أَكْبَرُ مِنْ أُخْتِهَا وَأَخَذْنَاهُمْ بِالْعَذَابِ لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

وَقَالُوا يَا أَيُّهُ السَّاحِرُ أَدْعُ لَنَا رَبَّكَ بِمَا عَهِدَ عِنْدَكَ إِنَّنَا لَمُهْتَدُونَ

فَلَمَّا كَشَفْنَا عَنْهُمْ الْعَذَابَ إِذَا هُمْ يَنْكُثُونَ

وَنَادَى فِرْعَوْنُ فِي قَوْمِهِ قَالَ يَا قَوْمِ أَلَيْسَ لِي مُلْكُ مِصْرَ وَهَذِهِ الْأَنْهَارُ تَجْرِي مِن تَحْتِي أَفَلَا تُبْصِرُونَ

أَمْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْ هَذَا الَّذِي هُوَ مَهِينٌ وَلَا يَكَادُ يُبِينُ

فَلَوْلَا أَلْقَى عَلَيْهِ أَسُورَةٌ مِّنْ ذَهَبٍ أَوْ جَاءَ مَعَهُ الْمَلَأِكَةُ مُقْتَرِنِينَ

فَأَسْتَحَفَّ قَوْمَهُ، فَأَطَاعُوهُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَاسِقِينَ

فَلَمَّا آسَفُونَا أُنْتَقِمْنَا مِنْهُمْ فَأَغْرَقْنَاهُمْ أَجْمَعِينَ

فَجَعَلْنَاهُمْ سَلَفًا وَمَثَلًا لِّلْآخِرِينَ

وَلَمَّا ضُرِبَ ابْنُ مَرْيَمَ مَثَلًا إِذَا قَوْمُكَ مِنْهُ يَصِدُّونَ

وَقَالُوا ءَأَلْهَتُنَا خَيْرٌ أَمْ هُوَ مَا ضَرَبُوهُ لَكَ إِلَّا جَدَلًا بَلْ هُمْ قَوْمٌ خَصِمُونَ

إِنْ هُوَ إِلَّا عَبْدٌ أَنْعَمْنَا عَلَيْهِ وَجَعَلْنَاهُ مَثَلًا لِّبَنِي إِسْرَائِيلَ

وَلَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَا مِنْكُمْ مَلَائِكَةً فِي الْأَرْضِ يَخْلُقُونَ

و ما هیچ معجز و آیتی به آنان نمی‌نمودیم جز آنکه از آیت دیگر بزرگتر (و در دلالت بر نبوت موسی روشن‌تر) بود (اما همه را تکذیب کردند) و ما هم آنها را به عذاب و بلایا گرفتار کردیم تا مگر (به سوی خدا) باز آیند.

و گفتند: ای ساحر بزرگ، تو از خدای خود چون تعهدی با تو دارد (که دعایت مستجاب کند) بخواه (تا عذاب از ما بردارد) و ما بدین شرط البته هدایت می‌شویم.

پس آن گاه که (به دعای موسی) ما عذاب را از آنها برداشتیم باز آنها نقض عهد کردند.

و فرعون در میان قومش آوازه بلند کرد که ای مردم، آیا کشور با عظمت مصر از من نیست؟ و چنین نهرها از زیر قصر من جاری نیست؟ آیا (عزت و جلال مرا در عالم به چشم) مشاهده نمی‌کنید؟

بلکه من (به ریاست و سلطنت) بهترم تا چنین مرد فقیر خواری که هیچ منطق و بیان روشنی ندارد؟

(و اگر موسی رسول خداست) چرا (او را دستگاهی نیست (و طوق زرین بر دست ندارد یا چرا فرشتگان آسمان همراه او نیامده‌اند.

و (به این تبلیغات دروغ و باطل) قومش را ذلیل و زبون داشت تا همه مطیع فرمان وی شدند که آنها مردمی فاسق و نابکار بودند.

پس آن گاه که فرعون و فرعونیان ما را به خشم آوردند ما هم از آنان انتقام کشیدیم و همه را غرق (دریای هلاک) نمودیم.

و هلاک آن قوم را مایه عبرت آیندگان قرار دادیم.

و چون به عیسی فرزند مریم مثلی زده شد (او را به آدم در نداشتن پدر مثل زد) قوم تو از آن به فریاد آمدند (و سخت بر آنان گران بود).

و مشرکان به اعتراض گفتند: آیا خدایان ما بهترند یا او (عیسی بن مریم؟ اگر به قول محمد، غیر خدا همه معبودان در آتش بسوزند لازم آید عیسی هم بسوزد) و این سخن را با تو جز به جدل و انکار نگفتند، که آنها قومی حریف جدل و خصومتند.

عیسی نبود جز بنده خاصی که ما او را به نعمت (رسالت) برگزیدیم و بر بنی اسرائیل مثل (و حجت) قرار دادیم.

و اگر ما بخواهیم، به جای شما آدمیان فرشتگان را در زمین جانشین می‌گردانیم.

وَإِنَّهُ لَعِلْمٌ لِّلسَّاعَةِ فَلَا تَمْتَرُنَّ بِهَا وَاتَّبِعُونِ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

وَلَا يَصُدَّنَّكُمُ الشَّيْطَانُ إِنَّهُ لَكُمْ عَدُوٌّ مُّبِينٌ

وَلَمَّا جَاءَ عِيسَىٰ بِالْبَيِّنَاتِ قَالَ قَدْ جِئْتُكُمْ بِالْحِكْمَةِ وَلِأُبَيِّنَ لَكُمْ بَعْضَ الَّذِي تَخْتَلِفُونَ فِيهِ فَاتَّقُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا

إِنَّ اللَّهَ هُوَ رَبِّي وَرَبُّكُمْ فَاعْبُدُوهُ هَذَا صِرَاطٌ مُّسْتَقِيمٌ

فَاخْتَلَفَ الْأَحْزَابُ مِنْ بَيْنِهِمْ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا مِنْ عَذَابٍ يَوْمَ أَلِيمٍ

هَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَنْ تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً وَهُمْ لَا يَشْعُرُونَ

الْأَخِلَاءُ يَوْمَئِذٍ بَعْضُهُمْ لِبَعْضٍ عَدُوٌّ إِلَّا الْمُتَّقِينَ

يَعْبَادِ لَا خَوْفَ عَلَيْكُمُ الْيَوْمَ وَلَا أَنْتُمْ تَحْزَنُونَ

الَّذِينَ ءَامَنُوا بِآيَاتِنَا وَكَانُوا مُسْلِمِينَ

ادْخُلُوا الْجَنَّةَ أَنْتُمْ وَأَزْوَاجُكُمْ تُحْبَرُونَ

يُطَافُ عَلَيْهِمْ بِصِحَافٍ مِّنْ ذَهَبٍ وَأَكْوَابٍ وَفِيهَا مَا تَشْتَهِيهِ الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ وَأَنْتُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

وَتِلْكَ الْجَنَّةُ الَّتِي أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

لَكُمْ فِيهَا فَاكِهَةٌ كَثِيرَةٌ مِّنْهَا تَأْكُلُونَ

و (نزول) عیسی علم و نشانه ساعت قیامت است (و مبشر حضرت محمد صلی الله علیه و آله و سلم خواهد بود). زنهار در آن ساعت شک و ریب روا مدارید و (امر) مرا پیروی کنید که راه راست همین است.

و مبادا شیطان شما را (از راه حق) بازگرداند، که دشمنی او شما را آشکار است.

و چون عیسی با ادله و معجزات (برای هدایت خلق) آمد گفت: من آمده‌ام با حکمت و برهان (و کتاب انجیل آسمانی تا شما را هدایت کنم) و تا بعض احکامی که در آن اختلاف می‌کنید (از تورات) بیان سازم، پس خدا ترس و پرهیزکار شوید و مرا اطاعت کنید.

همانا خدای یکتا پروردگار من و شماست، تنها پرستش او کنید که این راه راست است.

باز فرق یهود و نصارا بین خود اختلاف انداختند، پس وای بر ستمکاران عالم از عذاب دردناک روز قیامت.

آیا به جز ساعت قیامت را انتظار می‌کشند که ناگاه بر آنها فرا می‌رسد و آنها غافل (از خدا) و بی‌خبر (از روز قیامت) اند؟

در آن روز دوستان همه با یکدیگر دشمنند به جز متقیان.

(آن روز خطاب شود) ایا ای بندگان (صالح) من، امروز شما را هیچ ترس و حزنی نخواهد بود.

آنان که به آیات ما ایمان آوردند و تسلیم امر ما شدند.

(به همه خطاب رسد که) شما با همسرانتان مسرور و شادمان در بهشت جاوید وارد شوید.

و بر آن مؤمنان کاسه‌های زرین و کوزه‌های بلورین (مملو از انواع طعام لذیذ و شراب طهور) دور زنند و در آنجا هر چه نفوس را بر آن میل و اشتهاست و چشمها را شوق و لذت، مهیا باشد و شما مؤمنان در آن بهشت جاویدان متنعم خواهید بود.

این همان بهشتی است که از اعمال (صالح) خود به ارث یافتید.

برای شما در آنجا انواع میوه فراوان است که از آن (هر چه خواهید) تناول کنید.

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي عَذَابٍ جَهَنَّمَ خَالِدُونَ

۷۵

لَا يُفْتَرُ عَنْهُمْ وَهُمْ فِيهِ مُبْلِسُونَ

۷۶

وَمَا ظَلَمْنَاهُمْ وَلَكِنْ كَانُوا هُمُ الظَّالِمِينَ

۷۷

وَنَادَوْا يَمْلِكُ لِيَقْضِ عَلَيْنَا رَبُّكَ ۗ قَالَ إِنَّكُمْ مَكِثُونَ

۷۸

لَقَدْ جِئْنَاكُمْ بِالْحَقِّ وَلَكِنَّ أَكْثَرَكُمْ لِلْحَقِّ كَرِهُونَ

۷۹

أَمْ أَبْرَمُوا ۖ أَمْ رَأَى فَإِنَّا مُبْرَمُونَ

۸۰

أَمْ يَحْسَبُونَ أَنَّا لَا نَسْمَعُ سِرَّهُمْ وَنَجْوَاهُمْ ۗ بَلَىٰ ۖ وَرُسُلْنَا لَدَيْهِمْ

يَكْتُبُونَ

۸۱

قُلْ إِنْ كَانَ لِلرَّحْمَنِ وَلَدٌ فَأَنَا أَوَّلُ الْعَبِيدِينَ

۸۲

سُبْحَانَ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ رَبِّ الْعَرْشِ عَمَّا يَصِفُونَ

۸۳

فَذَرَهُمْ يُخْضَعُونَ وَيَلْعَبُونَ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

۸۴

وَهُوَ الَّذِي فِي السَّمَاءِ إِلَهٌُ وَفِي الْأَرْضِ إِلَهٌُ ۗ وَهُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ

۸۵

وَتَبَارَكَ الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا

وَعِنْدَهُ عِلْمُ السَّاعَةِ وَإِلَيْهِ تُرْجَعُونَ

۸۶

وَلَا يَمْلِكُ الَّذِينَ يَدْعُونَ مِن دُونِهِ الشَّفَعَةَ إِلَّا مَن شَهِدَ

بِالْحَقِّ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

۸۷

وَلَئِن سَأَلْتَهُم مَّنْ خَلَقَهُمْ لَيَقُولَنَّ اللَّهُ ۗ فَأَنَّىٰ يُؤْفَكُونَ

۸۸

وَقِيلِهِ ۗ يَرْبِّ إِنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ لَا يُؤْمِنُونَ

۸۹

فَأَصْفَحْ عَنْهُمْ وَقُلْ سَلِّمْ فَسَوْفَ يَعْلَمُونَ

بد کاران عالم هم آنجا سخت در عذاب آتش جهنم مَخْدَنَد.

و هیچ از عذابشان کاسته نشود و امید نجات و خلاصی ندارند.

و ما به آنها ظلم و ستمی نکردیم لیکن آنان خود مردمی ستمکار و ظالم بودند.

و (آن دوزخیان، مالک دوزخ را) ندا کنند که ای مالک، از خدای خود بخواه که ما را بمیراند (تا از عذاب برهیم). جواب دهد: شما (در این عذاب) همیشه خواهید بود.

ما راه خدا و آیین حق را برای شما مردم آوردیم و لیکن اکثرتان از قبول حق کراهت (و اعراض) داشتید.

بلی کافران بر کار (کفر و عصیان) تصمیم گرفتند ما هم (بر کیفر و انتقام ایشان) تصمیم گرفتیم.

آیا گمان می‌کنند که سخنان سرّی و پنهان که به گوش هم می‌گویند نمی‌شنویم؟ بلی می‌شنویم و رسولان ما (فرشتگان) همان دم آن را می‌نویسند.

بگو: اگر خدا را فرزندی بود اول من او را می‌پرستیدم.

خدای آسمانها و زمین و پروردگار عرش (عظیم) از آنچه کافران توصیف او کنند پاک و منزّه است.

ای رسول، کافران را بگذار تا (به عالم حیوانیت) فرو روند و (به بازیچه دنیا) سرگرم باشند تا روزی را که به آنها وعده شده ببینند.

و آن ذات یگانه است که در آسمان و زمین (و در همه عوالم نامتناهی) او خداست و هم او (به نظام کامل آفرینش) به حقیقت با حکمت و داناست.

و بزرگوار خدایی که آسمانها و زمین و هر چه بین آنهاست همه ملک اوست و علم ساعت قیامت نزد اوست و شما همه به سوی او بازگردانیده می‌شوید.

و غیر خدای یکتا آنان را که به خدایی می‌خوانند قادر بر شفاعت کسی نیستند مگر (عزیر و عیسی و فرشتگان) کسانی که با علم الیقین بر توحید حق گواهی دهند (و شفاعت اهل حق کنند).

و اگر از مشرکان باز پرسى که آنها را که آفریده است؟ به یقین جواب دهند: خدا آفریده. پس به کجایشان می‌گردانند؟

(خدا هم از ساعت قیامت آگاه است) و هم از گفتار و دادخواهی رسولش که گوید: خدایا اینها قومی هستند که هیچ ایمان نمی‌آورند.

(پاسخ دهیم: رسولا، اکنون که از ایمان قوم مایوسی) پس روی از آنها بگردان و بگو به سلامت (تا بروند در ضلالت) که به زودی (بر کیفر کفر و عصیانشان) آگاه می‌شوند.

۱  
۴۳۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
حَم

حم (قسم به حمید و مجید دو نام مقدس الهی)

۲

وَالْكِتَابِ الْمُبِينِ

قسم به این کتاب روشن بیان.

۳

إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةٍ مُبَارَكَةٍ إِنَّا كُنَّا مُنذِرِينَ

که ما آن را در شبی مبارک (شب قدر) فرستادیم، که ما بیم کننده‌ایم (و خلق را از عذاب قیامت آگاه کنیم و بترسانیم).

۴

فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ

در آن شب هر امر استواری (با حکمت و تدبیر نظام احسن) معین و ممتاز می‌گردد.

۵

أَمْرًا مِّنْ عِنْدِنَا إِنَّا كُنَّا مُرْسِلِينَ

تعیین آن امر البته از جانب ما که فرستنده پیغمبرانیم خواهد بود.

۶

رَحْمَةً مِّنْ رَبِّكَ إِنَّهُ هُوَ السَّمِيعُ الْعَلِيمُ

(این ارسال رسول از) لطف و رحمت پروردگار توست که شنوا و داناست.

۷

رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا إِن كُنْتُمْ مُوقِنِينَ

همان پروردگاری که خالق آسمانها و زمین و هر آنچه میان آنهاست اوست اگر یقین دارید.

۸

لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ يُحْيِي وَيُمِيتُ رَبُّكُمْ وَرَبُّ آبَائِكُمُ  
الْأَوَّلِينَ

هیچ خدایی غیر او نیست، او زنده می‌گرداند و باز می‌براند، او خدای آفریننده شما و پدران پیشین شماست.

۹

بَلْ هُمْ فِي شَكِّ يَلْعَبُونَ

(کافران را به خدا و قیامت ایمان نیست) بلکه با شک و ریب (و استهزاء) به بازیچه (دنیا) مشغولند.

۱۰

فَأَرْتَقِبْ يَوْمَ تَأْتِي السَّمَاءُ بِدُخَانٍ مُّبِينٍ

(ای رسول) منتظر باش روزی را که (بر عذاب کافران) آسمان دودی پدید آرد پیدا و آشکار.

۱۱

يَغْشى النَّاسَ هَذَا عَذَابٌ أَلِيمٌ

آن دود آسمانی که عذابی دردناک است مردم را احاطه کند.

۱۲

رَبَّنَا اكْشِفْ عَنَّا الْعَذَابَ إِنَّا مُؤْمِنُونَ

(و کافران فریاد برآرند که) پروردگارا، این عذاب از ما بر طرف ساز که ما البته ایمان می‌آوریم.

۱۳

أَنَّى لَهُمُ الذِّكْرَى وَقَدْ جَاءَهُمْ رَسُولٌ مُّبِينٌ

کجا متذکر شده و ایمان می‌آورند در صورتی که رسول ما با آیات روشن بیان آمد (و ایمان نیاوردند).

۱۴

ثُمَّ تَوَلَّوْا عَنْهُ وَقَالُوا مُعَلَّمٌ مَّجْنُونٌ

پس (از مشاهده آیات) باز از او اعراض کردند و گفتند: او شخص دیوانه‌ای است که (مردم قرآن را) به او آموخته‌اند.

۱۵

إِنَّا كَاشِفُو الْعَذَابِ قَلِيلًا إِنَّكُمْ عَائِدُونَ

ما تا زمانی اندک (که برای امتحان) عذاب را (از شما) برمی‌داریم باز (به کفر خود) بر می‌گردید.

۱۶

يَوْمَ نَبْطِشُ الْبَطْشَةَ الْكُبْرَى إِنَّا مُنتَقِمُونَ

(ای رسول منتظر باش) آن روز بزرگ که ما (آنها را) به عذاب سخت بگیریم که البته ما (از آنها) انتقام خواهیم کشید.

۱۷  
حزب  
۱۹۹

وَلَقَدْ فَتَنَّا قَبْلَهُمْ قَوْمَ فِرْعَوْنَ وَجَاءَهُمْ رَسُولٌ كَرِيمٌ

و ما پیش از این امت قوم فرعون را آزمودیم و رسولی بزرگواری (مانند موسی) به سوی آنها فرستادیم.

۱۸

أَنْ أَدُّوا إِلَيَّ عِبَادَ اللَّهِ إِلَيَّ لَكُمْ رَسُولٌ أَمِينٌ

(او گفت) که (ای فرعونیان) امر بندگان خدا را به من واگذارید، که من بر شما به یقین رسول امین پروردگارم.



وَأَنْ لَا تَعْلُوا عَلَى اللَّهِ إِنِّي آتِيكُمْ بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ

۲۵

وَإِنِّي عٰذْتُ بِرَبِّي وَرَبِّكُمْ أَنْ تَرْجُمُونِ

۲۱

وَإِنْ لَّمْ تُؤْمِنُوا لِي فَاَعْتٰزِلُونِ

۲۲

فَدَعَا رَبَّهُ أَنَّ هَؤُلَاءِ قَوْمٌ مُّجْرِمُونَ

۲۳

فَأَسْرِ بِعِبَادِي لَيْلًا إِنْكُمْ مُّتَّبِعُونَ

۲۴

وَأَتْرِكُ الْبَحْرَ رَهْوًا إِنَّهُمْ جُنْدٌ مُّغْرَقُونَ

۲۵

كَمْ تَرَكُوا مِنْ جَنّٰتٍ وَعُيُونِ

۲۶

وَزُرُوعٍ وَمَقَامٍ كَرِيمٍ

۲۷

وَنَعْمَةً كَانُوا فِيهَا فَكٰهِنِينَ

۲۸

كَذٰلِكَ وَأَوْرَثْنٰهَا قَوْمًا ءَاخِرِينَ

۲۹

فَمَا بَكَتْ عَلَيْهِمُ السَّمَاءُ وَالْأَرْضُ وَمَا كَانُوا مُنظَرِينَ

۳۵  
۴۳۲ر

وَلَقَدْ نَجَّيْنَا بَنِي إِسْرٰءِيلَ مِنَ الْعَذَابِ الْمُهِينِ

۳۱

مِنْ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ كَانَ عَالِيًا مِّنَ الْمُسْرِفِينَ

۳۲

وَلَقَدْ أَخْتَرْنَاهُمْ عَلَىٰ عِلْمٍ عَلَى الْعٰلَمِينَ

۳۳

وَعَاتَيْنَاهُمْ مِّنَ الْآيٰتِ مَا فِيهِ بَلٰتٌ مُّبِينٌ

۳۴

إِنَّ هَؤُلَاءِ لَيَقُولُونَ

۳۵

إِنْ هِيَ إِلَّا مَوْتَتُنَا الْأُولَىٰ وَمَا نَحْنُ بِمُنشَرِينَ

۳۶

فَأْتُوا بِآبَائِنَا إِنْ كُنْتُمْ صٰدِقِينَ

۳۷

أَهُمْ خَيْرٌ أَمْ قَوْمُ تُبَعِّ وَالدِّينَ مِنْ قَبْلِهِمْ أَهْلَكْنَاهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا مُّجْرِمِينَ

۳۸

وَمَا خَلَقْنَا السَّمَوٰتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا لِعِبِينِ

۳۹

مَا خَلَقْنَاهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَلٰكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا يَعْلَمُونَ

و زهار بر خدا تکبر و طغیان مجویدد که من بر شما حجت آشکار آوردم.

و من به خدای خود و خدای شما پناه می‌برم از اینکه عزم آزار و سنگسار من کنید.

و اگر به (رسالت) من ایمان نمی‌آورید پس مرا به حال خود واگذارید (و در پی قتل و آزارم بر نیابید).

(فرعونیان دست از ستمش برداشتند) پس دعا کرد که ای خدا، اینان مردمی سخت مجرم و بدکارند.

(خدا فرمود) پس تو بندگان (با ایمان) مرا شبانه از شهر بیرون بر، چرا که فرعونیان شما را تعقیب کنند.

آن گاه دریا را (همان گونه که بر تو بشکافتیم) آرام و خشک بگذار و بگذر که فرعون و لشکریانش تمام به دریا غرق شوند.

چه بسیار باغ و بستانها و چشمه‌های آب،

و کشت و زرها و مقام و منزلهای عالی رها کردند و رفتند.

و ناز و نعمت وافری که در آن غرق بودند و از همه چشم پوشیدند.

این چنین بود و ما آن ناز و نعمتها را از قوم گذشته ارث به قوم دیگر دادیم.

و بر مرگ گذشتگان هیچ چشم آسمان و زمین نگریست و بر هلاکشان مهلت ندادند.

و البته ما بنی اسرائیل را از عذاب ذلت و خواری نجات دادیم.

از شر فرعون که سخت متکبر و ستمکار بود آسوده ساختیم.

و آنها را در آن دور بر عالمیان به علم و دانش (کتاب آسمانی تورات) برگزیدیم.

و آیات و معجزاتی (از رحمت و غضب) بر آنها به دست موسی آوردیم که در آن کاملا و آشکارا آزمایش شوند.

همانا اینان (یعنی مشرکان مانند دهریان) البته خواهند گفت،

که ما جز این مرگ اول (دیگر هیچ مرگ و زندگی) نداریم و هیچ (در قیامت) زنده نخواهیم شد.

پس پدران ما را اگر راست می‌گویید بیاورید.

آیا اینان بهترند (و نیرومندتر) یا قوم تبع و اقوام پیش از آنان که چون بسیار مردم بدکار مجرمی بودند ما همه را هلاک کردیم.

و ما آسمانها و زمین و آنچه را بین آنهاست به بازیچه خلق نکردیم.

آنها را جز به حق (و از روی حکمت و مصلحت) نیافریدیم و لیکن اکثر مردم از آن آگاه نیستند.

إِنَّ يَوْمَ الْفَصْلِ مِيقَتُهُمْ أَجْمَعِينَ

۴۱ يَوْمَ لَا يُغْنِي مَوْلَىٰ عَن مَّوْلَىٰ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

۴۲ إِلَّا مَن رَّحِمَ اللَّهُ إِنَّهُ هُوَ الْعَزِيزُ الرَّحِيمُ

۴۳ إِنَّ شَجَرَتَ الرَّقُّومِ

۴۳۳

۴۴ طَعَامُ الْأَثِيمِ

۴۵ كَالْمُهْلِ يَغْلِي فِي الْبُطُونِ

۴۶ كَغَلِي الْحَمِيمِ

۴۷ خُذُوهُ فَاعْتِلُوهُ إِلَىٰ سَوَاءِ الْجَحِيمِ

۴۸ ثُمَّ صُبُّوا فَوْقَ رَأْسِهِ مِّنْ عَذَابِ الْحَمِيمِ

۴۹ ذُوقْ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْكَرِيمُ

۵۰ إِنَّ هَذَا مَا كُنْتُمْ بِهِ تَمْتَرُونَ

۵۱ إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي مَقَامٍ أَمِينٍ

۵۲ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

۵۳ يَلْبَسُونَ مِنْ سُندُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ مُّتَقَابِلِينَ

۵۴ كَذَلِكَ وَزَوَّجْنَاهُمْ بِحُورٍ عِينٍ

۵۵ يَدْعُونَ فِيهَا بِكُلِّ فَاكِهَةٍ ءَامِنِينَ

۵۶ لَا يَذُوقُونَ فِيهَا الْمَوْتَ إِلَّا الْمَوْتَةَ الْأُولَىٰ ۖ وَوَقَّاهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

۵۷ فَضَلًّا مِّن رَّبِّكَ ذَٰلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

۵۸ فَإِنَّمَا يَسَّرْنَاهُ بِلِسَانِكَ لَعَلَّهُمْ يَتَذَكَّرُونَ

۵۹ فَأَرْتَقِبْ إِنَّهُمْ مُّرْتَقِبُونَ

همانا روز قیامت که روز فصل و جدایی (مؤمن و کافر) است وعده‌گاه جمیع خلایق است.

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

روزی که هیچ حمایت خویش و بار و یآوری کسی را از عذاب نرهند و احدی را نصرت نکنند.

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

مگر آن که خدا به او رحم کند، که او تنها بر خلق مقتدر و مهربان است.

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

همانا درخت زقوم جهنم،

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱  
۴۳۴

حَم

حم (قسم به نام خدای حمید و مجید که).

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

۲

تنزیل این کتاب عظیم از جانب خدای مقتدر حکیم است.

إِنَّ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ لَآيَاتٍ لِلْمُؤْمِنِينَ

۳

همانا در خلقت آسمانها و زمین برای اهل ایمان آیات و ادله‌ای (از قدرت الهی) پدیدار است.

وَفِي خَلْقِكُمْ وَمَا يَبُتُّ مِنْ دَابَّةٍ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

۴

و در خلقت خود شما آدمیان و انواع بی‌شمار حیوان که در روی زمین پراکنده است هم آیات و براهینی (از قدرت حق) برای اهل یقین آشکار است.

وَأَخْتَلَفُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ وَمَا أَنْزَلَ اللَّهُ مِنَ السَّمَاءِ مِنْ رِزْقٍ

۵

و نیز در رفت و آمد شب و روز و آنچه خدا از آسمان روزی (برای خلق از برف و باران) می‌فرستد و زمین را پس از خزان مرگ دیگر بار بدانها زنده می‌سازد و در وزش بادهای عالم، در همه این موجودات برای خردمندان جهان آیاتی (از قدرت صانع) پیداست.

فَأَحْيَا بِهِ الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا وَتَصْرِيفِ الرِّيْحِ آيَاتٌ لِّقَوْمٍ

يَعْقِلُونَ

تِلْكَ آيَاتُ اللَّهِ نَتْلُوهَا عَلَيْكَ بِالْحَقِّ فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعْدَ

۶

اینها آیات خداست که ما بر تو به حق تلاوت می‌کنیم، پس بعد از خدا و آیات روشن او دیگر به چه برهان ایمان می‌آورند؟

اللَّهِ وَعَآيَاتِهِۦ يُؤْمِنُونَ

وَيَلُّ لِكُلِّ أَقَاكٍ أَثِيمٍ

۷

وای بر هر دروغگوی بسیار زشتکار.

يَسْمَعُ آيَاتِ اللَّهِ تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ثُمَّ يُصِرُّ مُسْتَكْبِرًا كَأَن لَّمْ

۸

آن که آیات خدا را که بر او تلاوت می‌شود شنیده و بر تکبر و طغیان اصرار می‌کند چنانکه گویی هیچ آیات را نشنیده است، چنین کسانی را به عذاب دردناک بشارت ده.

يَسْمَعَهَا فَبَشِّرْهُ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

وَإِذَا عَلِمَ مِنْ آيَاتِنَا شَيْئًا اتَّخَذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ

۹

و چون از آیات ما چیزی بداند آن را به مسخره می‌گیرد، چنین مردم کافر را (در دنیا و آخرت) عذاب ذلت و خواری مهیاست.

عَذَابٌ مُّهِينٌ

مِّنْ وَرَائِهِمْ جَهَنَّمُ وَلَا يُغْنِي عَنْهُمْ مَا كَسَبُوا شَيْئًا وَلَا مَا

۱۰

آنها را آتش دوزخ در پیش است و آنچه اندوختند هیچ آنان را نجات و رهایی ندهد و آنچه غیر خدا دوست گرفتند به کارشان نیاید و کیفر آنها بزرگ عذاب قهر خداست.

اتَّخَذُوا مِنْ دُونِ اللَّهِ أَوْلِيَاءَ وَلَهُمْ عَذَابٌ عَظِيمٌ

هَٰذَا هُدًىٰ وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِ رَبِّهِمْ لَهُمْ عَذَابٌ مِّن

۱۱

این قرآن هدایت خلق است و آنان که به آیات خدای خود کافر شدند جزای آنها عذاب دردناک دوزخ است.

رَجْزٍ أَلِيمٍ

اللَّهُ الَّذِي سَخَّرَ لَكُمْ الْبَحْرَ لِتَجْرِيَ الْفُلُكُ فِيهِ بِأَمْرِهِۦ

۱۲

حزب

۲۰۰

۴۳۵

وَلِتَبْتَغُوا مِنْ فَضْلِهِۦ وَلِعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ

وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِّنْهُ

۱۳

و آنچه در آسمانها و زمین است تمام را مسخر شما گردانید و اینها همه از سوی اوست. در این کار نیز برای مردم با فکرت آیاتی (از قدرت الهی) کاملا پدیدار است.

إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ

قُلْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا يَغْفِرُوا لِلَّذِينَ لَا يَرْجُونَ أَيَّامَ اللَّهِ لِيَجْزِيَ قَوْمًا بِمَا كَانُوا يَكْسِبُونَ

به آنان که ایمان آورده‌اند بگو که از (جور جهالت‌های) مردمی که به ایام الهی (و روز وعده‌های خدا) امیدوار نیستند درگذرند تا خدا عاقبت هر قومی را به پاداش اعمال خود برساند.

مَنْ عَمِلَ صَالِحًا فَلِنَفْسِهِ ۖ وَمَنْ أَسَاءَ فَعَلَيْهَا ۖ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ

هر کس کار نیک کند به نفع خود و هر که بد کند به زیان خویش کرده است، آن گاه (برای پاداش نیک و بد) به سوی خدای خود بازگردانیده می‌شود.

وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا بَنِي إِسْرَائِيلَ الْكِتَابَ وَالْحُكْمَ وَالنُّبُوَّةَ وَرَزَقْنَاهُمْ مِّنَ الظَّيْبَتِ وَفَضَّلْنَاهُمْ عَلَىٰ الْعَالَمِينَ

و ما بنی اسرائیل را کتاب (آسمانی تورات) و حکم و نبوت عطا کردیم و از هر روزی لذیذ و حلال نصیب آنها گردانیدیم و آنان را بر اهل دوران خود فضیلت دادیم.

وَأَتَيْنَاهُم بَيِّنَاتٍ مِّنَ الْأُمْرِ ۖ فَمَا اخْتَلَفُوا إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَهُمُ الْعِلْمُ بَغْيًا بَيْنَهُمْ ۚ إِنَّ رَبَّكَ يَقْضِي بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِيمَا كَانُوا فِيهِ يَخْتَلِفُونَ

و نیز به آن قوم آیات و معجزات روشن در امر (دین و نظم دنیا) عطا نمودیم و آنها خلاف و نزاع بر نینگیختند مگر دانسته، برای ظلم و تعدی به حقوق یکدیگر. البته خدا بین نزاع و اختلافات آنها روز قیامت داوری خواهد کرد.

ثُمَّ جَعَلْنَاكَ عَلَىٰ شَرِيعَةٍ مِّنَ الْأُمْرِ ۖ فَاتَّبِعْهَا وَلَا تَتَّبِعْ أَهْوَاءَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

سپس ما تو را بر شریعت کامل در امر دین مقرر فرمودیم. تو آن را کاملاً پیروی کن و هیچ پیروی هوای نفس مردم (مشرک) نادان مباش.

إِنَّهُمْ لَن يَغْنُؤُوا عَنْكَ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا ۚ وَإِنَّ الظَّالِمِينَ بَعْضُهُمْ أَوْلِيَاءُ بَعْضٍ ۖ وَاللَّهُ وَلِيُّ الْمُتَّقِينَ

آن مردم هیچ تو را در برابر (عذاب) خدا به کار نیابند، و ستمکاران عالم به نفع خود در ظلم و ستم دوستدار و مددکار یکدیگرند و خدا دوستدار و مددکار متقیان است.

هَذَا بَصِيرَةٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَرَحْمَةٌ لِّقَوْمٍ يُوقِنُونَ

این قرآن برای عموم مردم مایه بصیرت بسیار و برای اهل یقین موجب هدایت و رحمت پروردگار است.

أَمْ حَسِبَ الَّذِينَ اجْتَرَحُوا السَّيِّئَاتِ أَن نَّجْعَلَهُم كَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ سَوَاءً مِّمَّاهُمْ وَمَمَاتُهُمْ ۚ سَاءَ مَا يَحْكُمُونَ

آیا آنان که مرتکب اعمال زشت و تبهکاری شدند گمان کردند رتبه آنها را مانند کسانی که ایمان آورده و نیکوکار شدند قرار می‌دهیم تا در مرگ و زندگانی هم با مؤمنان یکسان باشند؟ حکم آنها اندیشه بسیار باطل و جاهلان‌های است.

وَخَلَقَ اللَّهُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بِالْحَقِّ ۚ وَلِتُجْزَىٰ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ وَهُمْ لَا يُظْلَمُونَ

و خدا آسمانها و زمین را به حق آفریده است (و در هر چه خلق کرده مصلحت و مقصودی داشته) و عاقبت هر نفسی بی هیچ ستمی پاداش هر عملی که کرده است خواهد یافت.

أَفْرَأَيْتَ مَنْ اتَّخَذَ إِلَهَهُ هَوْنَهُ وَأَضَلَّهُ اللَّهُ عَلَىٰ عِلْمٍ وَخَتَمَ  
عَلَىٰ سَمْعِهِ وَقَلْبِهِ وَجَعَلَ عَلَىٰ بَصَرِهِ غِشَاوَةً فَمَنْ يَهْدِيهِ  
مِنْ بَعْدِ اللَّهِ أَفَلَا تَذَكَّرُونَ

وَقَالُوا مَا هِيَ إِلَّا حَيَاتُنَا الدُّنْيَا نَمُوتُ وَنَحْيَا وَمَا يُهْلِكُنَا  
إِلَّا الدَّهْرُ وَمَا لَهُم بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ

وَإِذَا تُلِيَتْ عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ مَّا كَانَ حُجَّتَهُمْ إِلَّا أَنْ  
قَالُوا أَتُتُوا بِنَبَأَيْنَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

قُلِ اللَّهُ يُحْيِيكُمْ ثُمَّ يُمِيتُكُمْ ثُمَّ يَجْمَعُكُمْ إِلَىٰ يَوْمِ  
الْقِيَامَةِ لَا رَيْبَ فِيهِ وَلَكِنَّ أَكْثَرَ النَّاسِ لَا يَعْلَمُونَ

وَلِلَّهِ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ يُومِدِ  
يَخْسَرُ الْمُبْطِلُونَ

وَتَرَىٰ كُلَّ أُمَّةٍ جَائِيَةً كُلُّ أُمَّةٍ تُدْعَىٰ إِلَىٰ كِتَابِهَا الْيَوْمِ  
نُجْزُونَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

هَذَا كِتَابُنَا يَنْطِقُ عَلَيْكُمْ بِالْحَقِّ إِنَّا كُنَّا نَسْتَنسِخُ مَا  
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

فَأَمَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَيُدْخِلُهُمْ رَبُّهُمْ فِي  
رَحْمَتِهِ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْمُبِينُ

وَأَمَّا الَّذِينَ كَفَرُوا أَفَلَمْ تَكُنْ ءَايَتِي تُلَىٰ عَلَيْكُمْ  
فَأَسْتَكْبَرْتُمْ وَكُنْتُمْ قَوْمًا مُّجْرِمِينَ

وَإِذَا قِيلَ إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ وَالسَّاعَةُ لَا رَيْبَ فِيهَا قُلْتُمْ مَا  
نَدْرِي مَا السَّاعَةُ إِنْ نَظُنُّ إِلَّا ظَنًّا وَمَا نَحْنُ بِمُسْتَيْقِنِينَ

(ای رسول ما) آیا می‌نگری آن را که هوای نفسش را خدای  
خود قرار داده و خدا او را دانسته (و پس از اتمام حجت)  
گمراه ساخته و مهر (قهر) بر گوش و دل او نهاده و بر چشم  
وی پرده ظلمت کشیده؟ پس او را بعد از خدا دیگر که  
هدایت خواهد کرد؟ آیا متذکر این معنی نمی‌شوید؟

و کافران گفتند که زندگی ما جز همین نشأه دنیا و مرگ و  
حیات طبیعت نیست و جز دهر و طبیعت کسی ما را  
نمی‌میراند. و این سخن نه از روی علم و دلیل بلکه از روی  
جهل و وهم و خیال می‌گویند.

و چون آیات و ادله روشن ما بر آن کافران تلاوت شود دیگر  
حجت و عذری نداشته جز اینکه گویند: اگر راست می‌گویید  
پدران ما را (زنده کنید و) بیاورید.

بگو: خدا شما را زنده کند سپس بمیراند و باز تمام شما را  
جمع گرداند به روز قیامت که آن روز بی شک و ریب بیاید و  
لیکن اکثر مردم نمی‌دانند.

آسمانها و زمین همه ملک خداست و روزی که ساعت قیامت  
بر پا شود آن روز اهل باطل (و منکران معاد) زینکار  
خواهند بود.

و در آن روز هر گروهی را بنگری که به زانو در آمده و هر  
فرقه به سوی کتاب و نامه عمل خود خوانده شود (و ندا  
شود که) امروز همه به پاداش اعمال خود می‌رسید.

این کتاب ضبط ما به حق بر شما سخن می‌گوید، که ما هر چه  
می‌کرده‌اید همه را درست می‌نگاشتیم.

اما آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند آنها را خدا در  
رحمت خود داخل سازد که آن سعادت و فیروزی معین و  
معلومی است.

و اما آنان که کافر شدند (چون از شدت عذاب بنالند به آنها  
گوییم) آیا بر شما آیات مرا تلاوت نمی‌کردند و شما تکبر و  
عصیان کرده و مردمی بدکار و مجرم بودید؟

و چون به شما گفته شد که وعده خدا حق است و در قیامت  
هیچ شک و ریب نیست شما گفتید: قیامت چیست؟  
نمی‌فهمیم، بس خیالی پیش خود می‌کنیم و به آن هیچ یقین  
نداریم.

وَبَدَا لَهُمْ سَيِّئَاتُ مَا عَمِلُوا وَحَاقَ بِهِم مَّا كَانُوا بِهِ  
يَسْتَهْزِءُونَ

وَقِيلَ الْيَوْمَ نَنْسَلِكُم مَّا كَانَتْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا  
وَمَا أَوْلَاكُمْ أَلْتَارُ وَمَا لَكُمْ مِّن تَلْصِرِينَ

ذَلِكُمْ بِأَنَّكُمْ أَتَّخَذْتُمْ آيَاتِ اللَّهِ هُزُوعًا وَغَرَّتْكُمُ  
الْحَيَاةُ الدُّنْيَا فَالْيَوْمَ لَا يُخْرَجُونَ مِنْهَا وَلَا هُمْ يُسْتَعْتَبُونَ

فَلِلَّهِ الْحَمْدُ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَرَبِّ الْأَرْضِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

وَلَهُ الْكِبْرِيَاءُ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
حَم

حم (قسم به خدای حمید و مجید که)

تَنْزِيلُ الْكِتَابِ مِنَ اللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

تنزیل این قرآن عظیم از جانب خدای مقتدر حکیم است.

مَا خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا إِلَّا بِالْحَقِّ وَأَجَلٍ  
مُّسَمًّى وَالَّذِينَ كَفَرُوا عَمَّا أُنذِرُوا مُعْرِضُونَ

ما آسمانها و زمین و آنچه را بین آنهاست جز به حق (و برای حکمت و مصلحت خلق) و جز در وقت معین نیافریده‌ایم و آنان که کافرند از هر چه پند و اندرزشان کنند و بیمشان دهند روی می‌گردانند.

قُلْ أَرَأَيْتُمْ مَّا تَدْعُونَ مِن دُونِ اللَّهِ أُرُونِي مَاذَا خَلَقُوا مِنَ  
الْأَرْضِ أَمْ لَهُمْ شِرْكٌ فِي السَّمَوَاتِ أُتُونِي بِكِتَابٍ مِّن  
قَبْلِ هَذَا أَوْ أَثَرَةٍ مِّن عِلْمٍ إِن كُنْتُمْ صَادِقِينَ

بگو: جز خدا همه آن بتهایی که به خدایی می‌خوانید به من نشان دهید که آیا در زمین چیزی آفریده‌اند؟ یا شرکتی با خدا در خلقت آسمانها دارند؟ اگر از کتب آسمانی پیشین دلیلی بر خدایی بتان دارید یا کمتر اثر و نشان بر درستی عقیده شرک یافته‌اید اگر راست می‌گویید بر من بیاورید.

وَمَنْ أَضَلُّ مِمَّن يَدْعُوا مِن دُونِ اللَّهِ مَن لَّا يَسْتَجِيبُ لَهُ  
إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَهُمْ عَن دُعَائِهِمْ غَفِلُونَ

و کیست گمراه‌تر از آن که جز خدا کسی را بپرستد که هیچ در حوائج تا قیامت او را اجابت نکند و از هر چه بخوانندشان خود بی‌خبر باشند؟

وَإِذَا حُشِرَ النَّاسُ كَانُوا لَهُمْ أَعْدَاءً وَكَانُوا بِعِبَادَتِهِمْ  
كَفَرِينَ

۷

وَإِذَا تَتَلَّى عَلَيْهِمْ آيَاتُنَا بَيِّنَاتٍ قَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلْحَقِّ  
لَمَّا جَاءَهُمْ هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

۸

أَمْ يَقُولُونَ افْتَرَاهُ قُلْ إِنْ افْتَرَيْتُهُ فَلَا تَمْلِكُونَ لِي مِنْ  
أَلَلِهِ شَيْئًا هُوَ أَعْلَمُ بِمَا تُفِيضُونَ فِيهِ كَفَىٰ بِهِ شَهِيدًا  
بَيْنِي وَبَيْنَكُمْ هُوَ الْغَفُورُ الرَّحِيمُ

۹

قُلْ مَا كُنْتُ بِدَعَا مِنَ الرُّسُلِ وَمَا أَدْرِي مَا يُفْعَلُ بِي وَلَا  
بِكُمْ إِنْ أَتَّبِعُ إِلَّا مَا يُوحَىٰ إِلَيَّ وَمَا أَنَا إِلَّا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

۱۰

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ كَانَ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ وَكَفَرْتُمْ بِهِ وَشَهِدَ شَاهِدٌ  
مِّنْ بَنِي إِسْرَائِيلَ عَلَىٰ مِثْلِهِ فَعَامَنَ وَأَسْتَكْبَرْتُمْ إِنْ أَلَّ اللَّهُ لَا  
يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

۱۱

۴۳۹

وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْ كَانَ خَيْرًا مَا سَبَقُونَا  
إِلَيْهِ وَإِذْ لَمْ يَهْتَدُوا بِهِ فَسَيَقُولُونَ هَذَا إِنْكُ قَدِيمٌ

۱۲

وَمِنْ قَبْلِهِ كِتَابُ مُوسَىٰ إِمَامًا وَرَحْمَةً وَهَذَا كِتَابٌ  
مُّصَدِّقٌ لِّسَانًا عَرَبِيًّا لِّيُنذِرَ الَّذِينَ ظَلَمُوا وَبُشْرَىٰ  
لِلْمُحْسِنِينَ

۱۳

إِنَّ الَّذِينَ قَالُوا رَبُّنَا اللَّهُ ثُمَّ اسْتَقَمُوا فَلَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ  
وَلَا هُمْ يَحْزَنُونَ

۱۴

أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ خَالِدِينَ فِيهَا جَزَاءً بِمَا كَانُوا  
يَعْمَلُونَ

و چون در قیامت خلق محشور شوند آنجا معبودان باطل با  
مشرکان دشمن و از پرستش آنها بیزارند.

و هر گاه آیات روشن ما را بر مردم تلاوت کنند آنان که کافر  
شدند چون آیات الهی آمد گویند که این کتاب سحر  
آشکارایی است.

بلکه کافران می‌گویند که (محمد) خود این آیات قرآن را فرا  
بافته است. بگو: اگر این قرآن را من از خود بافته باشم  
شما از قهر خدا هیچ قدرت بر نجات من ندارید، او به  
افکاری که در آن فرو می‌روید داناتر است، گواه میان من و  
شما هم او کافی است و اوست خدای بسیار آمرزنده و  
مهربان.

بگو: من از بین رسولان، اولین پیغمبر نیستم (که تازه در  
جهان آوازه رسالت بلند کرده باشم تا تعجب و انکار کنید) و  
نمی‌دانم که با من و شما عاقبت چه می‌کنند؟ من جز آنچه بر  
من وحی می‌شود پیروی نمی‌کنم و جز آنکه با بیان روشن  
(خلق را آگاه کنم و از خدا) بترسانم وظیفه‌ای ندارم.

بگو: چه تصور می‌کنید، اگر از جانب خدا باشد و شما به آن  
کافر شوید در صورتی که از بنی اسرائیل شاهدهی (چون  
عبد الله سلام عالمی) بر حق بودن قرآن گواهی دهد و  
ایمان آرد و شما تکبر ورزید (جز آن است که به عذاب خدا  
گرفتار می‌شوید)؟ آری البته خدا مردم ستمکار را هدایت  
نخواهد کرد.

و کافران گفتند: اگر دین اسلام بهتر (از بت‌پرستی) بود  
مردم (فقیر زبونی) از ما در ایمان به آن سبقت نمی‌گرفتند.  
و آنها چون به قرآن هدایت نمی‌شوند خواهند گفت که این  
کتاب دروغی از گفتار پیشینیان است.

و پیش از قرآن کتاب تورات بر موسی که امام و پیشوای  
مهربان خلق بود نازل گردید و این کتاب قرآن مصدق کتب  
آسمانی پیشین به زبان فصیح عربی نازل شده تا ستمکاران  
عالم را (از عذاب خدا) بترساند و نیکوکاران را بشارت (به  
رحمت ایزد) دهد.

آنان که گفتند: آفریننده ما خداست و بر این سخن پایدار و  
ثابت ماندند بر آنها هیچ ترس و بیمی و حزن و اندوهی (در  
دنیا و عقبی) نخواهد بود.

آنان اهل بهشتند و به پاداش اعمال نیک همیشه در بهشت  
ابد مغلد خواهند بود.

وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ إِحْسَانًا حَمَلَتْهُ أُمُّهُ كُرْهًا  
وَوَضَعَتْهُ كُرْهًا وَحَمَلُهُ وَفِصْلُهُ ثَلَاثُونَ شَهْرًا حَتَّىٰ إِذَا  
بَلَغَ أَشُدَّهُ وَبَلَغَ أَرْبَعِينَ سَنَةً قَالَ رَبِّ أَوْزِعْنِي أَنْ أَشْكُرَ  
نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيَّ وَعَلَىٰ وَالِدَيَّ وَأَنْ أَعْمَلَ صَالِحًا  
تَرْضَاهُ وَأَصْلِحْ لِي فِي ذُرِّيَّتِي ۗ إِنِّي تُبْتُ إِلَيْكَ وَإِنِّي مِنَ  
الْمُسْلِمِينَ

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ نَتَقَبَّلُ عَنْهُمْ أَحْسَنَ مَا عَمِلُوا وَنَتَجَاوَزُ  
عَنْ سَيِّئَاتِهِمْ فِي أَصْحَابِ الْجَنَّةِ وَعَدَّ الصَّدَقِ الَّذِي كَانُوا  
يُوعَدُونَ

وَالَّذِي قَالَ لِيَوْلَادِهِ أَفِ لَكُمْ مَا أَتَعِدَانِي أَنْ أُخْرَجَ وَقَدْ  
خَلَتِ الْقُرُونُ مِنْ قَبْلِي وَهُمَا يَسْتَعْجِلَانِ اللَّهَ وَيَلِكُ ءَامِنُ  
إِنَّ وَعْدَ اللَّهِ حَقٌّ فَيَقُولُ مَا هَذَا إِلَّا أَسْطِيرُ الْأَوَّلِينَ

أُولَٰئِكَ الَّذِينَ حَقَّ عَلَيْهِمُ الْقَوْلُ فِي أَمْرٍ قَدْ خَلَتْ مِنْ  
قَبْلِهِمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ ۗ إِنَّهُمْ كَانُوا خَاسِرِينَ

وَلِكُلِّ دَرَجَاتٍ مِمَّا عَمِلُوا وَلِيُؤْفِقَهُمْ ۗ أَعْمَلَهُمْ وَهُمْ لَا  
يُظْلَمُونَ

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلْهَبْتُمْ طَيْبَتِكُمْ  
فِي حَيَاتِكُمْ الدُّنْيَا وَأَسْتَمْتَعْتُمْ بِهَا فَالْيَوْمَ تُجْزَوْنَ عَذَابَ  
الْهُونِ بِمَا كُنْتُمْ تَسْتَكْبِرُونَ فِي الْأَرْضِ بِغَيْرِ الْحَقِّ وَبِمَا  
كُنْتُمْ تَفْسُقُونَ

و ما انسان را به احسان در حق پدر و مادر خود سفارش کردیم، که مادر با رنج و زحمت بار حمل او کشید و باز با درد و مشقت وضع حمل نمود و سی ماه تمام مدت حمل و شیرخواری او بود تا وقتی که طفل به حد رشد رسید و آدمی چهل ساله گشت (و عقل و کمال یافت آن گاه سزد که) عرض کند: بار خدایا، مرا بر نعمتی که به من و پدر و مادر من عطا فرمودی شکر بیاموز و به کار شایسته‌ای که رضا و خشنودی تو در آن است موفق دار و فرزندان مرا صالح گردان، من به درگاه تو باز آمدم و از تسلیمان فرمان تو شدم.

این بندگانند که به نیکوترین اعمال خود مقبول درگاه ما شده و در زمره اهل بهشت از گناهانشان می‌گذریم. این وعده صدقی است که به آنها بشارت می‌داده‌اند.

و (چقدر ناخلف است) فرزندی که پدر و مادر را گفت: افا بر شما باد، آیا به من وعده می‌دهید که پس از مرگ مرا زنده کرده و از قبر بیرون می‌آرند در صورتی که پیش از من گروه و طوایف بسیاری رفتند (و یکی باز نیامد)؟ آن گاه پدر و مادر به خداست غاثه کنند (که پروردگارا، تو فرزند ما را هدایت کن و به او گویند) که وای بر تو، ایمان بیار، البته وعده خدا بر حق و حقیقت است، باز (آن نا اهل فرزند) گوید: این سخنان جز افسانه و اوهام پیشینیان نیست.

اینان در میان طوایف بسیاری از جن و انس که از این پیش (به کفر) مردند کسانی هستند که وعده عذاب خدا بر آنها حتم است و اینها به حقیقت زینکاران عالمند.

و برای تمام (مردم مؤمن و کافر) به مقتضای اعمالشان درجاتی معین است (در عالم قیامت تا عدل خدا درباره آنها آشکار شود) و تا همه را به پاداش و مزد اعمال خود کاملاً برساند و هیچ ستمی به آنها نخواهد شد.

و روزی که کافران را بر آتش دوزخ عرضه کنند (فرشتگان قهر و عذاب به آنها گویند) شما (لذات بهشتی و) خوشبختان را در زندگانی دنیا (به شهوت رانی و ظلم و عصیان) از بین بردید و بدان لذات دنیوی بر خوردار و دلباخته بودید، پس امروز به عذاب ذلت و خواری مجازات می‌شوید چون در زمین به ناحق تکبر می‌کردید و راه فسق و تبهکاری پیش می‌گرفتید.



وَأَذْكُرُ أَخَا عَادٍ إِذْ أَنْذَرَ قَوْمَهُ بِالْأَحْقَافِ وَقَدْ خَلَتْ  
الْتُّدُرُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا اللَّهَ إِنِّي  
أَخَافُ عَلَيْكُمْ عَذَابَ يَوْمٍ عَظِيمٍ

قَالُوا أَجِئْتَنَا لِنَأْفِكَنَا عَنِ ءَالِهَتِنَا فَأْتِنَا بِمَا تَعِدُنَا إِنْ كُنْتَ  
مِنَ الصَّادِقِينَ

قَالَ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَأُبَلِّغُكُمْ مَا أُرْسِلْتُ بِهِ  
وَلَكِنِّي أَرِيتُكُمْ قَوْمًا تَجْهَلُونَ

فَلَمَّا رَأَوْهُ عَارِضًا مُسْتَقْبِلَ أُوْدِيِّتِهِمْ قَالُوا هَذَا عَارِضٌ  
مُّمَطَّرْنَا بَلْ هُوَ مَا أَسْتَعْجَلْتُمْ بِهِ رِيحٌ فِيهَا عَذَابٌ أَلِيمٌ

تُدَمِّرُ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِ رَبِّهَا فَأَصْبَحُوا لَا يُرَىٰ إِلَّا مَسَكِنُهُمْ  
كَذَلِكَ نَجْزِي الْقَوْمَ الْمُجْرِمِينَ

وَلَقَدْ مَكَنَّا لَهُمْ فِيمَا إِنْ مَكَنَّاكُمْ فِيهِ وَجَعَلْنَا لَهُمْ سَمْعًا  
وَأَبْصَارًا وَأَفْعِدَّةً فَمَا أَغْنَىٰ عَنْهُمْ سَمْعُهُمْ وَلَا أَبْصَرُهُمْ  
وَلَا أَفْعِدَّتُهُمْ مِّنْ شَيْءٍ إِذْ كَانُوا يُجْحَدُونَ بِآيَاتِ اللَّهِ  
وَحَاقَ بِهِمْ مَا كَانُوا بِهِ يَسْتَهْزِءُونَ

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا مَا حَوْلَكُمْ مِّنَ الْقُرَىٰ وَصَرَّفْنَا الْآيَاتِ  
لَعَلَّهُمْ يَرْجِعُونَ

فَلَوْلَا نَصْرُهُمُ الَّذِينَ اتَّخَذُوا مِن دُونِ اللَّهِ قُرْبَانًا ءَالِهَةً بَلْ  
ضَلُّوا عَنْهُمْ وَذَلِكِ إِفْكُهُمْ وَمَا كَانُوا يَفْقَرُونَ

و یاد آر حال هود پیغمبر قوم عاد را که چون در سرزمین  
احقاف امتش را وعظ و اندرز کرد و (از قهر خدا) بترسانید و  
پیش از هود و بعد از او هم بسیار پیامبر بر انذار خلق آمد.  
باری هود قومش را گفت: هرگز جز خدای عالم کسی را  
نپرستید که من بر شما از عذاب روز بزرگ قیامت می‌ترسم.

قوم هود در پاسخ گفتند: آیا تو آمده‌ای ما را از پرستش  
بتان که خدایان ما هستند منع کنی؟! پس تو (زود) وعده  
عذابی را که به ما می‌دهی بیار اگر راست می‌گویی.

هود در جواب گفت: علمش نزد خداست و من آنچه را که بر  
آن رسالت داشتم به شما ابلاغ کردم و لیکن شما را بسیار  
مردم نادانی می‌بینم.

پس چون آن عذاب را به شکل ابری دیدند که بر  
رودخانه‌هاشان روی آورد گفتند: این ابری است که بر ما  
باران می‌بارد. (هود به آنها گفت: چنین نیست) بلکه اثر  
عذابی است که به تعجیل درخواستید، این باد سختی است  
که در آن عذابی دردناک است.

این بادی است که هر چیزی را به امر خدای خود نابود و  
هلاک می‌سازد. پس شبی صبح کردند که جز خانه‌های ویران  
آنها دیده نمی‌شد (و اثری از آنان نماند). بلی ما بدین گونه  
قوم بدکار را کیفر می‌دهیم.

و به آن قوم عاد تمکین و قوتی دادیم که شما امت را چنان  
نیروی بدنی ندادیم و با آنکه بر آنها گوش و چشم و قلب  
مدرک قرار دادیم (تا با قوای ادراکی خداشناس شوند)  
هیچ این قوای مدرکه آنها را از عذاب نرهانید بدین جهت  
که آیات خدا را انکار می‌کردند، و آن عذابی که بدان استهزا  
می‌کردند به آنها فرا رسید.

و ما چه بسیار اهل شهر و دیار را که در اطراف شما بودند  
(به کیفر کفر) همه را هلاک کردیم و آیات (عبرت برای  
مردم) را به گونه‌های مختلف بیان داشتیم تا مگر (از کفر و  
گناه به درگاه خدا) باز گردند.

پس چرا جز خدا معبودانی که به آنها تقرب می‌جستند هیچ  
آنها را یاری نکردند؟ بلکه از نظرشان محو و نابود شدند؟ و  
این خدایی آن بتها سخنان بی حقیقت و دروغی بود که خود  
می‌باقتند.

وَإِذْ صَرَفْنَا إِلَيْكَ نَفَرًا مِّنَ الْجِنِّ يَسْتَمِعُونَ الْقُرْآنَ فَلَمَّا حَضَرُوهُ قَالُوا أَنصِتُوا فَلَمَّا قُضِيَ وَلَّوْا إِلَىٰ قَوْمِهِمْ مُنْذِرِينَ

و (یاد آر) وقتی که ما تنی چند از جنیان را متوجه تو گردانیدیم که استماع آیات قرآن کنند، چون نزد رسول رسیدند با هم گفتند: گوش فرا دهید. چون قرائت تمام شد به سوی قومشان برای هشدار (و تبلیغ و هدایت) باز گردیدند.

گفتند: ای طایفه ما، ما (آیات) کتابی را شنیدیم که پس از موسی نازل شده در حالی که کتب آسمانی تورات و انجیل را که در مقابل او بود به راستی تصدیق می‌کرد و (خلق را) به سوی حق و طریق راست هدایت می‌فرمود.

قَالُوا يَقَوْمَنَا إِنَّا سَمِعْنَا كِتَابًا أُنزِلَ مِنْ بَعْدِ مُوسَىٰ مُصَدِّقًا لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ يَهْدِي إِلَىٰ الْحَقِّ وَإِلَىٰ طَرِيقٍ مُّسْتَقِيمٍ

ای طایفه ما، شما هم داعی حق (محمد مصطفی ص) را اجابت کنید و به او ایمان آرید تا خدا از گناهاتتان در گذرد و شما را از عذاب دردناک قیامت نگاه دارد.

يَقَوْمَنَا أَجِيبُوا دَاعِيَ اللَّهِ وَآمِنُوا بِهِ ۚ يَعْفِرْ لَكُمْ مِّنْ ذُنُوبِكُمْ وَيُجِرْكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

و هر که داعی حق را اجابت نکند در زمین مفر و پناهی از قهر خدا نتواند یافت و جز او هیچ یار و یابری نخواهد داشت و چنین کسان در ضلالت و گمراهی آشکار هستند.

وَمَنْ لَا يُجِبْ دَاعِيَ اللَّهِ فَلَيْسَ بِمُعْجِزٍ فِي الْأَرْضِ وَلَيْسَ لَهُ مِنْ دُونِهِ أَوْلِيَاءُ أُولَٰئِكَ فِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

آیا کافران ندیدند خدایی که آسمانها و زمین را آفرید و هیچ از آفرینش آنها فرو نماند البته هم او قادر بر آن است که مردگان را باز زنده کند؟ آری البته او بر هر چیز قادر است.

أَوَلَمْ يَرَوْا أَنَّ اللَّهَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَمْ يَعْجِبْ بِخَلْقِهِنَّ بِقَدِيرٍ عَلَىٰ أَنْ يُحْيِيَ الْمَوْتَىٰ بَلَىٰ إِنَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و روزی که کافران را بر آتش دوزخ عرضه کنند (به آنها گویند) آیا این وعده دوزخ حقیقت نبود؟ گویند: بلی به پروردگاران سوگند که حق بود. خدا گوید: پس امروز به کیفر کفرتان سختی عذاب دوزخ را بچشید.

وَيَوْمَ يُعْرَضُ الَّذِينَ كَفَرُوا عَلَى النَّارِ أَلَيْسَ هَذَا بِالْحَقِّ قَالُوا بَلَىٰ وَرَبِّنَا قَالَ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ

(ای رسول ما) تو هم مانند پیغمبران اولوا العزم (در تبلیغ دین خدا و تحمل اذیت امت) صبور باش و بر امت به عذاب تعجیل مکن تا روزی که آنچه وعده داده شده به چشم ببینند آن روز پندارند که (در دنیا) به جز ساعتی از روز درنگ نداشتند. (این قرآن و آیات وعده و وعیدش) تبلیغ رسالت و اتمام حجتی است، پس آیا (به قیامت) جز مردم (شهوت پرست) فاسق هیچ کس هلاک خواهد شد؟

فَأَصْبِرْ كَمَا صَبَرَ أُولُو الْعَزْمِ مِنَ الرُّسُلِ وَلَا تَسْتَعْجِلْ لَهُمْ ۚ كَأَنَّهُمْ يَوْمَ يَرُونَ مَا يُوعَدُونَ لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا سَاعَةً مِّن نَّهَارٍ بَلِغْ فَهَلْ يُهْلَكُ إِلَّا الْقَوْمُ الْفَاسِقُونَ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ أَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَعَامَنُوا بِمَا نُزِّلَ عَلَيَّ  
مُحَمَّدٍ وَهُوَ الْحَقُّ مِنْ رَبِّهِمْ كَفَرَ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ وَأَصْلَحَ  
بَالَهُمْ

ذَلِكَ بِأَنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا اتَّبَعُوا الْبَاطِلَ وَأَنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا  
اتَّبَعُوا الْحَقَّ مِنْ رَبِّهِمْ كَذَلِكَ يَضْرِبُ اللَّهُ لِلنَّاسِ أَمْثَلَهُمْ

فَإِذَا لَقِيتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا فَضَرْبَ الرِّقَابِ حَتَّى إِذَا  
أَخْتَنِمُوهُمْ فَشُدُّوا الْوَتَاقَ فِيمَا مَنَّا بَعْدُ وَإِمَّا فِدَاءً حَتَّى  
تَضَعَ الْحَرْبُ أَوْزَارَهَا ذَلِكَ وَلَوْ يَشَاءُ اللَّهُ لَانتَصَرَ مِنْهُمْ  
وَلَكِن لِّيَبْلُوَ بَعْضَكُمْ بِبَعْضٍ وَالَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ  
اللَّهِ فَلَنْ يُضِلَّ أَعْمَلَهُمْ

سَيَهْدِيهِمْ وَيُصْلِحُ بَالَهُمْ

وَيُدْخِلُهُمُ الْجَنَّةَ عَرَّفَهَا لَهُمْ

يَأَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن تَنصُرُوا اللَّهَ يَنصُرْكُمْ وَيُثَبِّتْ  
أَقْدَامَكُمْ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا فَتَعَسَا لَهُمْ وَأَضَلَّ أَعْمَلَهُمْ

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ كَرِهُوا مَا أَنْزَلَ اللَّهُ فَأَحْبَطَ أَعْمَلَهُمْ

أَقَلَّمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ  
مِن قَبْلِهِمْ دَمَّرَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلِلْكَافِرِينَ أَمْثَلُهَا

ذَلِكَ بِأَنَّ اللَّهَ مَوْلَى الَّذِينَ ءَامَنُوا وَأَنَّ الْكَافِرِينَ لَا مَوْلَى  
لَهُمْ

آنان که کافر شدند و راه دین خدا را (بر خلق) بستند  
خداوند اعمال آنها را تباه و باطل ساخت.

و آنان که گرویدند و نیکوکار شدند و به قرآنی که بر محمد  
(صلی الله علیه و آله و سلم) نازل شد که البته بر حق و از  
جانب خدایشان بود ایمان آوردند خدا از گناهانشان  
درگذشت و امر (دنیا و دین) آنها را اصلاح فرمود.

این (تباهی حال کافران و اصلاح مؤمنان) بدان سبب است  
که کافران پیرو (آراء و عقاید اهل) باطل گردیدند و اهل  
ایمان پیرو (قرآن) حق که از جانب خدایشان نازل گردید  
شدند. این گونه صریح خدا مثال حال مردم را بیان می‌کند.

شما مؤمنان چون (در میدان جنگ) با کافران رو به رو شوید  
باید (شجاعانه) آنها را گردن زنید تا آن گاه که از خونریزی  
بسیار دشمن را از پا در آوردید پس از آن، اسیران جنگ را  
محکم به بند کشید که بعدا یا بر آنها منت نهید (و آنها را  
آزاد گردانید) یا فدا گیرید تا در نتیجه جنگ سختیهای خود  
را فروگذارد. این حکم فعلی است، و اگر خدا بخواهد خود  
از کافران انتقام می‌کشد (و همه را بی زحمت جنگ شما  
هلاک می‌کند) و لیکن (با این جنگ کفر و ایمان) می‌خواهد  
شما را به یکدیگر امتحان کند، و آنان که در راه خدا کشته  
شدند خدا هرگز اعمالشان را ضایع نگرداند.

آنها را البته به راه سعادت هدایت کند و امورشان را اصلاح  
فرماید.

و در بهشتی که قبلا به منزل و مقاماتشان همه را شناسا  
کرده وارد کند.

ای اهل ایمان، شما اگر خدا را یاری کنید (یعنی دین و  
پیغمبر خدا را) خدا هم شما را یاری کند و ثابت قدم  
گرداند.

و آنان که کافر شدند نابود و هلاک شوند و خدا اعمالشان را  
ضایع و باطل سازد.

این (هلاک کفار) بدان سبب است که آنها از قرآنی که خدا  
نازل فرمود کراهت و اعراض داشتند پس خدا اعمالشان را  
محو و نابود فرمود.

آیا در زمین به سیر و سفر نمی‌روند تا به چشم خود عاقبت  
حال پیشینیان را مشاهده کنند که چگونه آنها را خدا هلاک  
کرد؟ و این کافران هم مانند آنها به کیفر کفر خود البته  
میرسند.

این (معامله خدا با کافران و مؤمنان) بدان سبب است که  
البته خدا یار و مولای مؤمنان است و کافران هیچ مولا و یاور  
و یاری ندارند.

إِنَّ اللَّهَ يُدْخِلُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ جَنَّاتٍ  
تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَالَّذِينَ كَفَرُوا يَتَمَتَّعُونَ  
وَيَأْكُلُونَ كَمَا تَأْكُلُ الْأَنْعَامُ وَالنَّارُ مَثْوًى لَهُمْ

وَكَايِنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ هِيَ أَشَدُّ قُوَّةً مِّنْ قَرْيَتِكَ الَّتِي أَخْرَجْتِكَ  
أَهْلَكْنَاهُمْ فَلَا نَاصِرَ لَهُمْ

أَفَمَن كَانَ عَلَىٰ بَيْنَةٍ مِّن رَّبِّهِ كَمَن زُيِّنَ لَهُ سُوءُ عَمَلِهِ  
وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

مَثَلُ الْجَنَّةِ الَّتِي وُعدَ الْمُتَّقُونَ فِيهَا أَنْهَارٌ مِّن مَّاءٍ غَيْرِ  
ءَاسِنٍ وَأَنْهَارٌ مِّن لَّبَنٍ لَّمْ يَتَغَيَّرْ طَعْمُهُ وَأَنْهَارٌ مِّنْ خَمْرٍ لَّذَّةٍ  
لِّلشَّرِبِينَ وَأَنْهَارٌ مِّنْ عَسَلٍ مُّصَفًّى وَلَهُمْ فِيهَا مِن كُلِّ  
الشَّمْرَاتِ وَمَغْفِرَةٌ مِّن رَّبِّهِمْ كَمَنْ هُوَ خَالِدٌ فِي النَّارِ وَسُقُوا  
مَاءً حَمِيمًا فَقَطَّعَ أَمْعَاءَهُمْ

وَمِنْهُمْ مَّن يَسْتَمِعُ إِلَيْكَ حَتَّىٰ إِذَا خَرَجُوا مِنْ عِنْدِكَ قَالُوا  
لِلَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ مَاذَا قَالَ ءَانِفًا أُولَٰئِكَ الَّذِينَ طَبَعَ اللَّهُ  
عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ

وَالَّذِينَ أَهْتَدُوا زَادَهُمْ هُدًى وَءَاتَاهُمْ تَقْوَاهُمْ

فَهَلْ يَنْظُرُونَ إِلَّا السَّاعَةَ أَن تَأْتِيَهُمْ بَغْتَةً فَقَدْ جَاءَ  
أَشْرَاطُهَا فَأَنَّىٰ لَهُمْ إِذَا جَاءَتْهُمْ ذِكْرُهُمْ

فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاسْتَغْفِرْ لِذَنبِكَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ  
وَالْمُؤْمِنَاتِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مُتَقَلَّبَكُمْ وَمَثْوَاكُمْ

البته خدا آنان را که ایمان آورده و نیکوکار شوند در بهشتی  
که زیر درختانش نهرها جاری است داخل گرداند و آنان که  
به راه کفر شتافتند به تمتع و شهوت‌رانی و شکم‌پرستی  
مانند حیوانات پردازند و عاقبت منزل آنها آتش دوزخ  
خواهد بود.

چه شهرهای بسیار که از (شهر مکه) وطن تو که کفار از آن  
خارج کردند محکم بنیان‌تر بود ما اهلش را هلاک کردیم و  
بر نجات خود هیچ یآوری نداشتند.

آیا آن کس که از خدای خود حجت علمی و برهانی (مانند  
قرآن) در دست دارد مانند کسانی است که عمل زشتشان  
در نظر زیبا جلوه کرده و پیرو هوای نفسانی خود شدند؟

داستان بهشتی که به متقیان وعده دادند این است که در  
آن باغ بهشت نهرهایی از آب زلال دگرگون ناشدنی است و  
نهرها از شیر بی آنکه هرگز طعمش تغییر کند و نهرها از  
شراب ناب که نوشندگان را به حد کمال لذت بخشد و نهرها  
از عسل مصفی و تمام انواع میوه‌ها بر آنان مهیاست و (فوق  
همه لذات) مغفرت و لطف پروردگارشان، (آیا حال آن که در  
این بهشت ابد است) مانند کسی است که در آتش مخلد  
است و آب جوشنده حمیم به خوردشان دهند تا اندرونشان  
را پاره پاره گردانند؟

و بعضی از مردم منافق به گفتارت کاملا گوش می‌دهند تا  
وقتی که از حضور خارج شوند با اهل علم (اصحابت به  
تمسخر و اهانت) می‌گویند: رسول باز از سر نو چه گفت؟  
اینان هستند که خدا بر دلهاشان مهر (قهر) نهاد و پیرو  
هوای نفس خود گردیدند.

و آنان که هدایت یافتند خدا بر هدایت و ایمانشان بیفزود  
و (پاداش) تقوای آنها را به آنان عطا فرمود.

(کافران که ایمان نمی‌آرند) باز انتظاری دارند جز آنکه  
ساعت قیامت ناگاه فرا رسد؟ که شروط و علائم قیامت  
بسیاری پدید آمد، و پس از آنکه قیامت بیاید در آن حال  
تذکر و یادآوری آنان چه فایده بخشد؟

باز هم بدان که هیچ خدایی جز خدای یکتا نیست و تو بر  
گناه خود [منظور از گناه آن حضرت نافرمانی خدا نیست،  
زیرا پیامبر (ص) معصوم است. به تفاسیر مراجعه شود.  
(۳)] و برای مردان و زنان با ایمان آموزش طلب، و خدا  
منازل انتقال شما به عالم آخرت و مسکن همیشگی شما  
همه را می‌داند.

وَيَقُولُ الَّذِينَ ءَامَنُوا لَوْلَا نُزِّلَتْ سُورَةٌ فَاِذَا اُنزِلَتْ سُورَةٌ مُحْكَمَةٌ وَذُكِرَ فِيهَا الْقِتَالُ رَأَيْتَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ يَنْظُرُونَ اِلَيْكَ نَظَرَ الْمَغْشِيِّ عَلَيْهِ مِنَ الْمَوْتِ فَاَوْلىٰ لَهُمْ

طَاعَةٌ وَقَوْلٌ مَّعْرُوفٌ فَاِذَا عَزَمَ الْاَمْرُ فَلَوْ صَدَقُوا اللّٰهَ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ

فَهَلْ عَسَيْتُمْ اِنْ تَوَلَّيْتُمْ اَنْ تُفْسِدُوا فِي الْاَرْضِ وَتُقَطِّعُوْا اَرْحَامَكُمْ

اُولٰٓئِكَ الَّذِيْنَ لَعَنَهُمُ اللّٰهُ فَاَصَمَّهُمْ وَاَعَمَّىٰ اَبْصَرَهُمْ

اَفَلَا يَتَدَبَّرُوْنَ الْقُرْءَانَ اَمْ عَلٰى قُلُوْبٍ اَقْفَالٌهَا

اِنَّ الَّذِيْنَ اُرْتَدُّوْا عَلٰى اَدْبَرِهِمْ مِّنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدٰى الشَّيْطٰنُ سَوَّلَ لَهُمْ وَاَمَلٰى لَهُمْ

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ قَالُوْا لِلَّذِيْنَ كَرِهُوْا مَا نَزَّلَ اللّٰهُ سَنُطِيعُكُمْ فِي بَعْضِ الْاَمْرِ وَاللّٰهُ يَعْلَمُ اِسْرَارَهُمْ

فَكَيْفَ اِذَا تَوَفَّتْهُمُ الْمَلٰٓئِكَةُ يَضْرِبُوْنَ وُجُوْهَهُمْ وَاَدْبَرَهُمْ

ذٰلِكَ بِاَنَّهُمْ اتَّبَعُوْا مَا اَسْخَطَ اللّٰهَ وَكَرِهُوْا رِضْوَانَهُ وَاَحْبَطَ اَعْمَالَهُمْ

اَمْ حَسِبَ الَّذِيْنَ فِي قُلُوْبِهِمْ مَّرَضٌ اَنْ لَّنْ يُخْرِجَ اللّٰهُ اَضْغٰنَهُمْ

و مؤمنان می‌گویند: چه شده که سوره‌ای (در حکم جهاد کفار) نازل نشد؟ در صورتی که چون سوره‌ای محکم و صریح آید و در آن ذکر جنگ شود آنان را که دلهاشان مریض (نفاق) است بنگری که مانند کسی که از ترس، حال بی هوشی بر او دست می‌دهد در تو نگاه می‌کنند، آری مرگ و هلاک بر آنها سزاوارتر است.

(راه سعادت) طاعت خدا و گفتار نیکو است و پس از آنکه امر (دین یا کار جنگ) به عزم و لزوم پیوست اگر (منافقین) با خدا به راستی رفتار کنند بر آنها بهتر خواهد بود.

شما منافقان اگر (از فرمان خدا و اطاعت قرآن) روی بگردانید آیا جز این امید می‌برید که در زمین فساد و قطع رحم کنید؟

همین منافقانند که خدا آنها را لعن کرده و گوش و چشمشان را کر و کور گردانید (تا به جهل و شقاوت بمیرند).

آیا منافقان در آیات قرآن تفکر نمی‌کنند یا بر دلهاشان خود قفل‌ها (ی جهل و نفاق) زده‌اند.

آنان که پس از بیان شدن راه هدایت بر آنها باز به دین پشت کرده و مرتد شدند شیطان کفر را در نظرشان جلوه‌گر ساخت و به آمال و آرزوهای دراز فریبشان داد.

این (برگشتن از دین) برای آن بود که آن منافقان به دشمنان قرآن (پنهانی) گفتند: ما البته با شما (بر مخالفت محمد) تا بتوانیم موافقت می‌کنیم. و خدا از این سخن پنهانی آنها آگاه است.

پس با چه حال سختی اینان رو به رو شوند هنگامی که فرشتگان (عذاب) جانشان بگیرند و بر روی و پشت آنها (نازیانه قهر) زنند؟!

این عذاب بدین سبب است که از پی راهی که موجب خشم خداست رفتند و راه رضا و خشنودی او را خوش نداشتند خدا هم اعمالشان را محو و باطل گردانید.

آیا آنان که در دل مرض (نفاق پنهان) دارند پندارند که خدا کینه درونی آنها را آشکار نمی‌سازد؟

وَلَوْ نَشَاءُ لَأَرَيْنَاكُمْ فَلَعَرَفْتَهُمْ بِسِيمَاهُمْ وَلَتَعْرِفَنَّهُمْ فِي  
لَحْنِ الْقَوْلِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ أَعْمَالَكُمْ

وَلَتَبْلُوَنَّكُمْ حَتَّىٰ نَعْلَمَ الْمُجَاهِدِينَ مِنْكُمْ وَالصَّابِرِينَ  
وَنَبْلُوَنَّكُمْ أَخْبَارَكُمْ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ وَشَاقُّوا الرَّسُولَ  
مِنْ بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُمُ الْهُدَىٰ لَن يَضُرُّوا اللَّهَ شَيْئًا  
وَسَيَحِيطُ أَعْمَالُهُمْ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ وَلَا  
تُبْطِلُوا أَعْمَالَكُمْ

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ ثُمَّ مَاتُوا وَهُمْ  
كُفَّارٌ فَلَن يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ

فَلَا تَهِنُوا وَتَدْعُوا إِلَى السَّلَامِ وَأَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ وَاللَّهُ مَعَكُمْ  
وَلَن يَتْرُكَنَّكُمْ أَعْمَالَكُمْ

إِنَّمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا لَعِبٌّ وَلَهُمْ وَإِن تُوْمِنُوا وَتَتَّقُوا يُؤْتِكُمْ  
أُجُورَكُمْ وَلَا يَسْأَلَكُمْ أَمْوَالَكُمْ

إِن يَسْأَلْكُمُوهَا فَيُحْفِكُمْ تَبَخَّلُوا وَيُخْرِجَ أَضْعَانَكُمْ

هَآأَنْتُمْ هَآؤُلَآءِ تَدْعُونَ لِشِفَاقِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَمِنْكُمْ مَّن  
يَبْخُلُ وَمَن يَبْخُلْ فَإِنَّمَا يَبْخُلُ عَن نَّفْسِهِ ۗ وَاللَّهُ الْعَنِيُّ  
وَأَنْتُمْ الْفُقَرَاءُ ۗ وَإِن تَتَوَلَّوْا يَسْتَبَدِلْ قَوْمًا غَيْرَكُمْ ثُمَّ لَا  
يَكُونُوا أَمْثَلَكُمْ

اگر ما می‌خواستیم حقیقت آنها را (به وحی) بر تو آشکار  
می‌ساختیم تا به باطن آنها از سیمای ظاهرشان پی برده و در  
طنی سخن کاملا آنها را بشناسی. و (ای منافقان و ای مؤمنان)  
خدا به همه کارهای شما آگاه است.

و البته ما (به حکم جهاد) شما را در مقام امتحان می‌آوریم تا  
(مقام) آن را که در راه خدا جهاد و مجاهده و کوشش دارد و  
(بر رنج آن) صبر می‌کند معلوم سازیم و اخبار و اظهارات  
شما (منافقان) را نیز (به مقام عمل) بیازماییم.

آنان که کافر شدند و راه خدا را (به روی خلق) بستند و با  
رسول او پس از آنکه راه هدایت بر آنها روشن شد باز  
مخالفت کردند به خدا ضرری نمی‌رسانند (و زیان مخالفت بر  
خود آنهاست) و اعمال آنها را خدا البته بی اثر و محو و نابود  
می‌گرداند.

ای اهل ایمان، خدا را اطاعت کنید و رسول او را اطاعت  
کنید و اعمال خود را ضایع و باطل نگردانید.

آنان که کافر شدند و راه خدا را (به روی خلق) بستند و به  
حال کفر مردند دیگر ابد خدا آنها را نخواهد بخشید.

پس (شما ای اهل ایمان در کار دین) سستی روا مدارید و  
(از ترس جنگ، کافران را) دعوت به صلح نکنید، که شما  
غالب و بلند مقام‌تر خواهید بود و خدا با شماست و از  
(ثواب) اعمال شما هیچ نمی‌کاهد.

البته زندگانی دنیا به جز بازیچه و هوسرانی نیست و اگر  
ایمان آرید و پرهیزکار شوید پاداش اعمال شما را خواهد  
داد و از اموال شما چیزی (مزد هدایت) نمی‌خواهد.

اگر از مال شما خدا چیزی به اصرار هم بخواهد باز بخل  
می‌ورزید و کینه و خبث درونی شما را آشکار می‌سازد.

آری شما همان مردمید که برای انفاق در راه (تبلیغ دین)  
خدا دعوت می‌شوید باز بعضی از شما بخل می‌ورزند، و هر  
که بخل کند بر ضرر خود اوست و گرنه خدا (از خلق) بی  
نیاز است و شما فقیر و نیازمندید. و اگر شما روی بگردانید  
خدا قومی غیر شما که مانند شما (بخیل) نیستند (بلکه بسی  
از شما بهتر و فداکارترند) به جای شما پدید آرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِنَّا فَتَحْنَا لَكَ فَتْحًا مُّبِينًا

لِيَعْرِفَ لَكَ اللَّهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِكَ وَمَا تَأَخَّرَ وَيُتِمَّ نِعْمَتَهُ وَ  
عَلَيْكَ وَيَهْدِيكَ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

وَيَنْصُرَكَ اللَّهُ نَصْرًا عَزِيمًا

هُوَ الَّذِي أَنْزَلَ السَّكِينَةَ فِي قُلُوبِ الْمُؤْمِنِينَ لِيَزْدَادُوا إِيمَانًا  
مَعَ إِيمَانِهِمْ ۗ وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ  
عَلِيمًا حَكِيمًا

لِيُدْخِلَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا  
الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا وَيُكَفِّرُ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ ۗ وَكَانَ ذَلِكَ  
عِنْدَ اللَّهِ فَوْزًا عَظِيمًا

وَيُعَذِّبُ الْمُنَافِقِينَ وَالْمُنَافِقَاتِ وَالْمُشْرِكِينَ وَالْمُشْرِكَاتِ  
الظَّالِمِينَ ۗ بِاللَّهِ ظَنُّ السَّوْءِ عَلَيْهِمْ دَائِرَةُ السَّوْءِ ۗ وَغَضِبَ  
اللَّهُ عَلَيْهِمْ وَلَعَنَهُمْ وَأَعَدَّ لَهُمْ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا

وَلِلَّهِ جُنُودُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَكَانَ اللَّهُ عَزِيمًا حَكِيمًا

إِنَّا أَرْسَلْنَاكَ شَهِدًا وَمُبَشِّرًا وَنَذِيرًا

لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَتُعَزِّرُوهُ وَتُوَقِّرُوهُ ۗ وَتُسَبِّحُوهُ بُكْرَةً  
وَأَصِيلًا

(ای رسول ما غم مدارکه) البته ما تو را به فتح آشکاری  
فیروز می‌گردانیم (که نه بس شهر مکه بلکه شهر دلهای  
اهل عالم را فتح کنی).

تا خدا از گناه گذشته و آینده تو در گذرد (مفسرین در این  
آیه گویند: مراد از گناه پیغمبر گناه او بود به عقیده  
مشرکان که دعوت او را به توحید خدا بزرگترین گناه او  
می‌شمردند و مقصود از گناه گذشته و آینده دعوت قبل از  
هجرت و بعد از هجرت بود) و نعمت خود را بر تو به حد  
کمال رساند و تو را به راه مستقیم (شرع اسلام به وحی  
خود) هدایت کند.

و خدا تو را به نصرتی با عزت و کرامت یاری کند.

اوست خدایی که سکینت و وقار بر دلهای مؤمنان آورد تا بر  
یقین و ایمانشان بیفزاید، و سپاه قوای آسمانها و زمین همه  
لشکر خداست و خدا دانا و به حکمت نظام آفرینش آگاه  
است.

این (فتح یا فزودن ایمان) برای آن است که خدا می‌خواهد  
مردان و زنان مؤمن را تا ابد در بهشت‌هایی که زیر  
درختانش نهرها جاری است داخل گرداند و گناهانشان را  
تمام ببخشد و این به حقیقت نزد خدا فیروزی بزرگ است.

و نیز خدا خواهد تا همه منافقان و مشرکان را از مرد و زن  
عذاب کند که آنها به خدا بد گمان بودند (و وعده فتح خدا  
را دروغ پنداشتند) در صورتی که (وعده خدا صدق است  
(و روزگار بد و هلاکت ابد بر خود آنهاست و خدا بر آنان  
خشم و لعن کرد و جهنم را که بسیار بد منزلگاهی است بر  
ایشان مهیا ساخت).

و سپاه قوای آسمانها و زمین لشکر خداست و خدا بسیار  
مقتدر و به تدبیر نظام عالم داناست.

ما شخص تو را به عالم فرستادیم که شاهد (نیک و بد امت)  
باشی و (خلق را به لطف و رحمت حق) بشارت دهی و (از قهر  
و عذاب او) بترسانی.

تا شما (صالحان امت) به خدا و رسول او ایمان آورده و  
(دین) او را یاری کنید و به تعظیم جلالش صبح و شام  
تسبیح او گوئید.

إِنَّ الَّذِينَ يُبَايِعُونَكَ إِنَّمَا يُبَايِعُونَ اللَّهَ يَدُ اللَّهِ فَوْقَ  
أَيْدِيهِمْ فَمَنْ نَكَثَ فَإِنَّمَا يَنْكُثُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۗ وَمَنْ أَوْفَىٰ  
بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا

سَيَقُولُ لَكَ الْمُخَلَّفُونَ مِنَ الْأَعْرَابِ شَغَلَتْنَا أَمْوَالُنَا  
وَأَهْلُونَا فَاسْتَغْفِرْ لَنَا يَقُولُونَ بِالسِّنْتِهِمْ مَا لَيْسَ فِي  
قُلُوبِهِمْ قُلْ فَمَنْ يَمْلِكُ لَكُمْ مِنَ اللَّهِ شَيْئًا إِنْ أَرَادَ  
بِكُمْ ضَرًّا أَوْ أَرَادَ بِكُمْ نَفْعًا بَلْ كَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ  
خَبِيرًا

بَلْ ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَنْقَلِبَ الرَّسُولُ وَالْمُؤْمِنُونَ إِلَىٰ أَهْلِيهِمْ  
أَبَدًا وَزَيَّنَ ذَلِكَ فِي قُلُوبِكُمْ وَظَنَّتُمْ ظَنًّا سَوْءًا وَكُنْتُمْ  
قَوْمًا بُورًا

وَمَنْ لَمْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ فَإِنَّا أَعْتَدْنَا لِلْكَافِرِينَ  
سَعِيرًا

وَاللَّهُ مُلْكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ ۖ يَعْفِرُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيُعَذِّبُ مَنْ  
يَشَاءُ ۗ وَكَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا

سَيَقُولُ الْمُخَلَّفُونَ إِذَا انْطَلَقْتُمْ إِلَىٰ مَعَانِمِ لَتَأْخُذُوهَا ذَرُونَا  
نَتَّبِعْكُمْ يُرِيدُونَ أَنْ يُبَدِّلُوا كَلِمَ اللَّهِ قُلْ لَنْ تَتَّبِعُونَا  
كَذَلِكَ قَالَ اللَّهُ مِنْ قَبْلُ فَسَيَقُولُونَ بَلْ تَحْسُدُونَنَا بَلْ  
كَاثِرُونَ لَا يَفْقَهُونَ إِلَّا قَلِيلًا

همانا مؤمنانی که (در حدیبیه) با تو بیعت می‌کنند به حقیقت با خدا بیعت می‌کنند (چون تو خلیفه خدایی و همانا دست تو) دست خداست بالای دست آنها، پس از آن هر که نقض بیعت کند بر زیان و هلاک خویش به حقیقت اقدام کرده و هر که به عهده‌ی که با خدا بسته است وفا کند به زودی خدا به او پاداش بزرگ عطا خواهد کرد.

اعراب بادیه که (از حضور در جنگها و در سفر فتح مکه تخلف می‌ورزند و) باز نهاده می‌شوند خواهند گفت که ما را (محافظت) اهل بیت و اموالمان (از آمدن در رکابت) بازداشت، اینک از خدا بر گناه ما آمرزش طلب. (این مردم منافق) چیزی که هیچ به دل عقیده ندارند به زبان می‌آورند، به آنها بگو: اگر خدا اراده کند که ضرر یا نفعی به شما رساند آن کیست که خلاف آن کاری تواند کرد؟ بلکه خدا به هر چه می‌کنید آگاه است.

بلکه شما پنداشتید که رسول و مؤمنان به او (همه کشته می‌شوند و) به سوی (وطن و) اهل بیت خود دیگر بر نخواهند گشت و این خیال در دل شما به خطا جلوه کرد و بسیار گمان بد و اندیشه باطلی کردید و مردمی در خور قهر و هلاکت بودید.

و هر که به خدا و رسول او ایمان نیاورد ما هم بر آن کافران عذاب آتش دوزخ را مهیا ساخته‌ایم.

و ملک آسمانها و زمین همه خاص خداست، او هر که را بخواهد می‌بخشد و هر که را بخواهد عذاب می‌کند و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

کسانی که (در حدیبیه تخلف کردند و) باز نهاده شدند و همراهی با شما نمودند باز چون برای (فتح خیبر و) گرفتن غنایم حرکت کنید خواهند گفت: بگذارید تا ما هم از شما تبعیت کنیم (و همراه شما بیاییم). غرضشان این است که سخن خدا را (که فرمود غنایم خیبر را تنها حاضران حدیبیه خواهند گرفت) تغییر دهند. بگو: شما به حقیقت هرگز ما را پیروی نمی‌کنید، خدا از این پیش درباره شما چنین خبر داده. باز (آن مردم بی وفای بد عهد) خواهند گفت: (چنین نیست) بلکه شما با ما حسد می‌ورزید. بلکه ایشان جز عده قلیلی همه جاهل و نادانند.



قُلْ لِلْمُخَلَّفِينَ مِنَ الْأَعْرَابِ سُدْعُونَ إِلَىٰ قَوْمِ آبَائِهِمْ لِيَقْتُلُوهُمْ أَوْ يَقْتُلُوكُمْ أَوْ يُخَلِّفُوا فِيكُمْ وَبِمَا كَفَرْتُمْ كُفِّرُوا بَعْدَ ذَلِكَ مِنْكُمْ وَاللَّهُ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

لَيْسَ عَلَى الْأَعْمَىٰ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْأَعْرَجِ حَرْجٌ وَلَا عَلَى الْمَرِيضِ حَرْجٌ وَمَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَنْ يَتَوَلَّ يُعَذِّبْهُ عَذَابًا أَلِيمًا

لَقَدْ رَضِيَ اللَّهُ عَنِ الْمُؤْمِنِينَ إِذْ يُبَايِعُونَكَ تَحْتَ الشَّجَرَةِ فَعَلِمَ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَنْزَلَ السَّكِينَةَ عَلَيْهِمْ وَأَثَبَهُمْ فَتْحًا قَرِيبًا

وَمَغَانِمَ كَثِيرَةً يَأْخُذُونَهَا وَكَانَ اللَّهُ عَزِيزًا حَكِيمًا

وَعَدَكُمْ اللَّهُ مَغَانِمَ كَثِيرَةً تَأْخُذُونَهَا فَعَجَّلَ لَكُمْ هَذِهِ وَكَفَّ أَيْدِيَ النَّاسِ عَنْكُمْ وَلِتَكُونَ ءَايَةً لِّلْمُؤْمِنِينَ وَيَهْدِيَكُمْ صِرَاطًا مُسْتَقِيمًا

وَأُخْرَىٰ لَمْ تَقْدِرُوا عَلَيْهَا قَدْ أَحَاطَ اللَّهُ بِهَا وَكَانَ اللَّهُ عَلِيمًا

وَلَوْ قَتَلْتُمْ الَّذِينَ كَفَرُوا لَوَلَّوْا الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يَجِدُونَ وِلِيًّا وَلَا نَصِيرًا

سُنَّةَ اللَّهِ الَّتِي قَدْ خَلَتْ مِنْ قَبْلُ وَلَنْ تَجِدَ لِسُنَّةِ اللَّهِ تَبْدِيلًا

با اعرابی که (از جنگ) باز نهاده شدند بگو: (اگر به حقیقت قصد متابعت دارید) به زودی برای جنگ با قومی شجاع و نیرومند (فارس و روم) دعوت می‌شوید که با آنها یا جنگ و مبارزه کنید یا آنکه مسلمان شوند. اگر اطاعت کردید خدا به شما اجر نیکو خواهد داد و اگر نافرمانی کنید چنانکه از این پیش (در حدیبیه) مخالفت کردید خدا شما را به عذابی دردناک معذب خواهد کرد.

برای شخص نابینا و لنگ و مریض (در تخلف از جنگ) حرج و گناهی نیست، و هر که خدا و رسول او را فرمان برد او را به باغهای بهشتی داخل کند که زیر درختانش نهرها جاری است و هر که مخالفت کند او را به عذابی دردناک معذب نماید.

خدا از مؤمنانی که زیر درخت (معهود حدیبیه) با تو بیعت کردند به حقیقت خشنود گشت و از وفا و خلوص قلبی آنها آگاه بود که وفار و اطمینان کامل بر ایشان نازل فرمود و به فتوحی نزدیک (که فتح خیبر بود) پاداش داد.

و به غنیمتهای فراوان که (از خیبریان) خواهند گرفت موفق داشت، و خدا مقتدر و داناست.

خدا به شما (لشکر اسلام) وعده گرفتن غنیمتهای بسیار داده که این (یک غنیمت خیبر) را برای شما تعجیل در انجام آن فرمود و دست مردم (کافر) را از سر شما کوتاه کرد (تا همپیمانان یهود عبرت گیرند) و تا (این فتح و غنیمت) آیت و دلیل اهل ایمان (بر صدق وعده خدا) باشد و خدا شما را به راه راست هدایت فرماید.

و خدا به شما باز وعده غنیمتهای دیگری فرموده که هنوز بر آن قادر نیستید و علم خدا محیط بر آن است و خدا بر هر چیز تواناست.

و اگر کافران با شما مسلمین به جنگ برخیزند از قتال شما پشت گردانیده و فرار کنند و دیگر هیچ ناصر و یآوری برای خود نیابند.

سنت الهی (و قانون نظام ربّانی) بر این بوده (که حق بر باطل غالب شود) و ابدًا در سنت خدا تغییری نخواهی یافت.

وَهُوَ الَّذِي كَفَّ أَيْدِيَهُمْ عَنْكُمْ وَأَيْدِيَكُمْ عَنْهُمْ بِبَطْنِ مَكَّةَ مِنْ بَعْدِ أَنْ أَظْفَرَكُمْ عَلَيْهِمْ وَكَانَ اللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرًا

هُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَصَدُّوكُمْ عَنِ الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ وَالْهَدْيِ مَعْكُوفًا أَنْ يَبْلُغَ حِمْلَهُ وَلَوْلَا رِجَالُ مُؤْمِنُونَ وَنِسَاءُ مُؤْمِنَاتٌ لَمْ تَعْلَمُوهُمْ أَنْ تَطَّوَّهُمْ فِتْصِيبَكُمْ مِنْهُمْ مَعْرَةٌ بَغَيْرِ عِلْمٍ لِيَدْخُلَ اللَّهُ فِي رَحْمَتِهِ مَنْ يَشَاءُ لَوْ تَزَيَّلُوا لَعَذَّبْنَا الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

إِذْ جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا

لَقَدْ صَدَقَ اللَّهُ رَسُولَهُ الرُّعْيَا بِالْحَقِّ لَتَدْخُلَنَّ الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ ءَامِنِينَ مُحَلِّقِينَ رُءُوسَكُمْ وَمُقَصِّرِينَ لَا تَخَافُونَ فَعَلِمَ مَا لَمْ تَعْلَمُوا فَجَعَلَ مِنْ دُونِ ذَلِكَ فَتْحًا قَرِيبًا

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَكَفَى بِاللَّهِ شَهِيدًا

و او خدایی است که دست کفار را از سر شما و دست شما را هم به زمین مکه پس از فیروزیتان از سر آنها کوتاه کرد (که به امر خدا پیغمبر روز فتح مکه برای حفظ جان دشمنان خانه‌هایی را پناه قرار داد) و خدا به هر چه می‌کنید بیناست.

هم آنان بودند که کافر شدند و راه مسجد الحرام را بر شما بستند و قربانی شما را از رسیدن به محل خود (مکه) منع کردند. و اگر مردان مؤمن و زنان مؤمنه‌ای که شما اکنون نمی‌شناسید (در مکه) وجود نداشتند که اگر حمله کنید آنها را ندانسته پامال هلاک می‌سازید پس دیه و غرامت خون آن مؤمنان به گردن شما می‌ماند (اگر این قضیه نبود به شما اجازه حمله به مکه داده می‌شد و لیکن این اجازه به تأخیر افتاد) تا خدا هر که را بخواهد در رحمت خود داخل گرداند (و به نور اسلام هدایت کند). اگر (عناصر کفر و ایمان) از یکدیگر جدا بودند همانا کسانی از آنان را که کافرند به عذابی دردناک معذب می‌ساختیم.

آن گاه که کافران در دلها ناموس و حمیت، آن هم حمیت جاهلیت پروردند (که نگذاشتند در عهدنامه صلح حدیبیه کلمه بسم الله و رسول الله بنویسند و مؤمنان را بر سر حمیت و غیرت ایمانی آوردند) پس خدا وقار و اطمینان خاطر بر رسول خود و بر مؤمنان نازل کرد و آنان را با کلمه (اخلاص و مقام) تقوا ملازم کرد که آنها سزاوارتر بر این مقام بودند و اهلیت آن داشتند و خدا به همه امور عالم داناست.

البته خدا صدق و حقیقت خواب رسولش را آشکار و محقق ساخت که در عالم رؤیا دید شما مؤمنان به خواست خدا البته به مسجد الحرام با دل ایمن وارد شوید و سرها بتراشید و اعمال تقصیر بی ترس و هراس به جای آرید، و خدا آنچه را (از مصالح صلح حدیبیه) شما نمی‌دانستید می‌دانست و قبل از آن (که فتح مکه کنید) فتح نزدیک (حدیبیه و خیبر) را مقرر داشت.

او خدایی است که رسول خود را با هدایت (قرآن) و دین حق فرستاد تا آن را بر همه ادیان دنیا غالب گرداند و (بر حقیقت این سخن) گواهی خدا کافی است.

مُحَمَّدٌ رَسُولُ اللَّهِ وَالَّذِينَ مَعَهُ أَشِدَّاءُ عَلَى الْكُفَّارِ رُحَمَاءُ  
بَيْنَهُمْ تَرَاهُمْ رُكَّعًا سُجَّدًا يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا  
سِيمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ ذَلِكَ مَثَلُهُمْ فِي  
التَّوْرَةِ وَمَثَلُهُمْ فِي الْإِنْجِيلِ كَزَرْعٍ أَخْرَجَ شَطْئَهُ فَكَازَرَهُ  
فَاسْتَغْلَظَ فَاسْتَوَىٰ عَلَىٰ سَوْبِهِ ۚ يُعْجِبُ الزُّرَّاعَ لِيَغِيظَ بِهِمُ  
الْكُفَّارَ وَعَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنْهُمْ  
مَغْفِرَةً وَأَجْرًا عَظِيمًا

محمد (صلی الله علیه و آله و سلم) فرستاده خداست و  
یاران و همراهانش بر کافران بسیار قویدل و سخت و با  
یکدیگر بسیار مشفق و مهربانند، آنان را در حال رکوع و  
سجود نماز بسیار بنگری که فضل و رحمت خدا و خشنودی  
او را می‌طلبند، بر رخسارشان از اثر سجده نشانه‌های  
نورانیت پدیدار است. این وصف حال آنها در کتاب تورات و  
انجیل مکتوب است که (مثل حال آن رسول) به دانه‌ای ماند  
که چون نخست سر از خاک برآورد جوانه و شاخه‌ای نازک و  
ضعیف باشد بعد از آن قوت یابد تا آنکه ستبر و قوی گردد  
و بر ساق خود راست و محکم بایستد که دهقانان را (در  
تماشای خود) حیران کند (همچنین محمد صلی الله علیه و  
آله و سلم و اصحابش از ضعف به قوت رسید) تا کافران  
عالم را (از قدرت و قوت خود) به خشم آرند. خدا وعده  
فرموده که هر کس از آنها ثابت ایمان و نیکوکار شود  
گناهانش ببخشد و اجر عظیم عطا کند.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید (در هیچ کار) بر خدا و رسول  
تقدم مجویید و از خدا پروا کنید، که خدا شنوا و داناست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ اللَّهِ وَرَسُولِهِ  
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ عَلِيمٌ

ای اهل ایمان، فوق صوت پیغمبر صدا بلند مکنید و بر او  
فریاد بر مکشید چنانکه با یکدیگر بلند سخن می‌گویید، که  
اعمال نیکنان (در اثر بی ادبی) محو و باطل شود و شما فهم  
نکنید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَرْفَعُوا أَصْوَاتَكُمْ فَوْقَ صَوْتِ  
النَّبِيِّ وَلَا تَجْهَرُوا لَهُ ۗ بِالْقَوْلِ كَجَهْرِ بَعْضِكُمْ لِبَعْضٍ أَن  
تَحْبِطَ أَعْمَالُكُمْ وَأَنتُمْ لَا تَشْعُرُونَ

آنان که نزد رسول خدا به صدای آرام و آهسته سخن  
گویند آنها هستند که در حقیقت خدا دل‌هایشان را برای تقوا  
آزموده. آنها بندگان که آموزش و اجر عظیم دارند.

إِنَّ الَّذِينَ يَغُضُّونَ أَصْوَاتَهُمْ عِنْدَ رَسُولِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ  
أَمْتَحَنَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ لِلتَّقْوَىٰ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ عَظِيمٌ

به حقیقت مردمی که تو را از پشت حجره‌هایت به صدای  
بلند می‌خوانند اکثر مردم بی عقل و شعوری هستند.

إِنَّ الَّذِينَ يُنَادُونَكَ مِنَ وَرَاءِ الْحُجُرَاتِ أَكْثَرُهُمْ لَا  
يَعْقِلُونَ

وَلَوْ أَنَّهُمْ صَبَرُوا حَتَّى تَخْرُجَ إِلَيْهِمْ لَكَانَ خَيْرًا لَهُمْ وَاللَّهُ  
عَفُورٌ رَّحِيمٌ

و اگر آنها صبر می‌کردند تا وقتی که تو بر ایشان خارج شوی بسیار بر آنها بهتر بود و (باز هم اگر توبه کنند) خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

ای مؤمنان، هر گاه فاسقی خبری برای شما آورد تحقیق کنید، مبدا از روی نادانی به قومی رنجی رسانید و سخت از کار خود پشیمان گردید.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِن جَاءَكُمْ فَاسِقٌ بِنَبَأٍ فَتَبَيَّنُوا أَن  
تُصِيبُوا قَوْمًا بِجَهْلَةٍ فَتُصْبِحُوا عَلَىٰ مَا فَعَلْتُمْ نَادِمِينَ

و بدانید رسول خدا در میان شماست، که اگر در بسیاری از امور رأی شما را پیروی کند خود به رنج و زحمت می‌افتد و لیکن خدا مقام ایمان را محبوب شما گردانید و در دلهاتان نیکو بیاراست و کفر و فسق و معصیت را زشت و منفور در نظرتان ساخت. اینان به حقیقت اهل صواب و هدایتند.

وَأَعْلَمُوا أَن فِيكُمْ رَسُولَ اللَّهِ لَوْ يُطِيعُكُمْ فِي كَثِيرٍ مِّنَ  
الْأَمْرِ لَعَنِتُّمْ وَلَكِنَّ اللَّهَ حَبَّبَ إِلَيْكُمُ الْإِيمَانَ وَزَيَّنَهُ  
فِي قُلُوبِكُمْ وَكَرَّهَ إِلَيْكُمُ الْكُفْرَ وَالْفُسُوقَ وَالْعِصْيَانَ  
أُولَٰئِكَ هُمُ الرَّشِدُونَ

این مقام بر آنان به فضل خدا و نعمت الهی حاصل گردید و خدا (به احوال بندگان) دانا و (به صلاح نظام عالم) آگاه است.

فَضَلًا مِّنَ اللَّهِ وَنِعْمَةً ۚ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

و اگر دو طایفه از اهل ایمان با هم به قتال و دشمنی برخیزند البته شما مؤمنان بین آنها صلح برقرار دارید و اگر یک قوم بر دیگری ظلم کرد با آن طایفه ظالم قتال کنید تا به فرمان خدا باز آید، پس هر گاه به حکم حق برگشت با حفظ عدالت میان آنها را صلح دهید و همیشه (با هر دوست و دشمنی) عدالت کنید که خدا بسیار اهل عدل و داد را دوست می‌دارد.

وَإِن طَافَيْتَانِ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أُقْتِلُوا فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا ۖ إِن  
بَغْتِ إِحْدَهُمَا عَلَى الْأُخْرَى فَقَاتِلُوا الَّتِي تَبَغَىٰ حَتَّى تَفِئَءَ  
إِلَىٰ أَمْرِ اللَّهِ ۚ فَإِن فَاءَتْ فَاصْلِحُوا بَيْنَهُمَا بِالْعَدْلِ  
وَأَقْسِطُوا ۚ إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

به حقیقت مؤمنان همه برادر یکدیگرند پس همیشه بین برادران ایمانی خود صلح دهید و خداترس و پرهیزکار باشید، باشد که مورد لطف و رحمت الهی گردید.

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ إِخْوَةٌ فَاصْلِحُوا بَيْنَ أَخْوَيْكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ  
لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ

ای اهل ایمان، مؤمنان هرگز نباید قومی قوم دیگر را مسخره و استهزا کنند، شاید آن قوم که مسخره می‌کنند از خود آنان بهتر باشند. و نیز بین زنان با ایمان قومی دیگری را سخریه نکنند که بسا آن قوم از خود آن زنان بهتر باشند، و هرگز عیبجویی (از همدینان) خود مکنید و به نام و لقب‌های زشت یکدیگر را مخوانید که پس از ایمان به خدا نام فسق (بر مؤمن نهادن) بسیار زشت است و هر که توبه نکند چنین کسان بسیار ظالم و ستمکارند.

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا يَسْخَرُ قَوْمٌ مِّن قَوْمٍ عَسَىٰ أَن  
يَكُونُوا خَيْرًا مِّنْهُمْ وَلَا نِسَاءٌ مِّن نِّسَاءٍ عَسَىٰ أَن يَكُنَّ  
خَيْرًا مِّنْهُنَّ ۗ وَلَا تَلْمِزُوا أَنفُسَكُمْ وَلَا تَنَابَزُوا بِاللُّقَبِ  
بِئْسَ الْأَسْمُ الْفُسُوقُ بَعْدَ الْإِيمَانِ وَمَن لَّمْ يَتُبْ فَأُولَٰئِكَ  
هُمُ الظَّالِمُونَ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا أَجْتَنِبُوا كَثِيرًا مِّنَ الظَّنِّ إِنَّ بَعْضَ  
الظَّنِّ إِثْمٌ وَ لَا تَجَسَّسُوا وَلَا يَغْتَب بَّعْضُكُم بَعْضًا  
أُحِبُّ أَحَدُكُمْ أَن يَأْكُلَ لَحْمَ أَخِيهِ مَيْتًا فَكَرِهْتُمُوهُ  
وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ تَوَّابٌ رَّحِيمٌ

يَأْتِيهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِّن ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ  
شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ  
أَتْقَىٰكُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ

قَالَتِ الْأَعْرَابُ ءَامَنَّا قُل لَّمْ تُؤْمِنُوا وَلَكِن قُولُوا أَسْلَمْنَا  
وَلَمَّا يَدْخُلِ الْإِيمَانُ فِي قُلُوبِكُمْ وَإِن تُطِيعُوا اللَّهَ  
وَرَسُولَهُ لَا يَلِتْكُمْ مِّنْ أَعْمَالِكُمْ شَيْئًا إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ  
رَّحِيمٌ

إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ثُمَّ لَمْ يَرْتَابُوا  
وَجَاهَدُوا بِأَمْوَالِهِمْ وَأَنْفُسِهِمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أُولَٰئِكَ هُمُ  
الصَّادِقُونَ

قُلْ أَتَعْلَمُونَ أَنَّ اللَّهَ بِدِينِكُمْ وَاللَّهُ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ  
وَمَا فِي الْأَرْضِ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

يَمُنُّونَ عَلَيْكَ أَنْ أَسْلَمُوا قُل لَّا تَمُنُّوا عَلَيَّ إِسْلَامَكُم بَلِ  
اللَّهُ يَمُنُّ عَلَيْكُمْ أَنْ هَدَاكُمْ لِلْإِيمَانِ إِن كُنْتُمْ  
صَادِقِينَ

إِنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ غَيْبَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ بَصِيرٌ بِمَا  
تَعْمَلُونَ

ای اهل ایمان، از بسیار پندارها در حق یکدیگر اجتناب کنید که برخی ظن و پندارها معصیت است و نیز هرگز (از حال درونی هم) تجسس نکنید و غیبت یکدیگر روا مدارید، هیچ یک از شما آیا دوست می‌دارد که گوشت برادر مرده خود را خورد؟ البته کراهت و نفرت از آن دارید (پس بدانید که مثل غیبت مؤمن به حقیقت همین است) و از خدا پروا کنید، که خدا بسیار توبه پذیر و مهربان است.

ای مردم، ما همه شما را نخست از مرد و زنی آفریدیم و آن گاه شعبه‌های بسیار و فرق مختلف گردانیدیم تا یکدیگر را بشناسید، همانا بزرگوار و با افتخارترین شما نزد خدا با تقواترین شمایند، همانا خدا کاملا دانا و آگاه است.

اعراب (بر تو منت گذارده و) گفتند: ما (بی جنگ و نزاع) ایمان آوردیم، بگو: شما که ایمانتان (از زبان) به قلب وارد نشده به حقیقت هنوز ایمان نیاورده‌اید لیکن بگویید ما اسلام آوردیم (و از خوف جان به ناچار تسلیم شدیم)، و اگر خدا و رسول وی را اطاعت کنید او از (اجر) اعمال شما هیچ نخواهد کاست (و از گناه گذشته می‌گذرد) که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

منحصرا مؤمنان واقعی آن کسانی که به خدا و رسول او ایمان آوردند و بعدا هیچ گاه شک و ریبی به دل راه ندادند و در راه خدا به مال و جانشان جهاد کردند. اینان به حقیقت راستگو هستند.

بگو: آیا شما می‌خواهید خدا را به دین خود آگاه سازید (که اظهار دیانت می‌کنید)؟ و حال آنکه خدا آنچه در آسمانها و زمین است همه را می‌داند و به کلیه امور عالم داناست.

آنها بر تو به مسلمان شدن منت می‌گذارند، بگو: شما به اسلام خود بر من منت منهد بلکه اگر راست می‌گویید (و ایمان حقیقی دارید) خدا بر شما منت دارد که شما را به سوی ایمان هدایت فرموده است.

خدا اسرار غیب آسمانها و زمین را می‌داند و به آنچه شما بندگان می‌کنید بیناست.

۱  
۴۵۲  
منزل  
۷

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

ق وَالْقُرْآنِ الْمَجِيدِ

بَلْ عَجِبُوا أَنْ جَاءَهُمْ مُنْذِرٌ مِنْهُمْ فَقَالَ الْكٰفِرُونَ هٰذَا

شَيْءٌ عَجِيبٌ

أَإِذَا مِتْنَا وَكُنَّا تُرَابًا ذٰلِكَ رَجْعٌ بَعِيدٌ

قَدْ عَلِمْنَا مَا تَنْقُصُ الْأَرْضُ مِنْهُمْ وَعِندَنَا كِتَابٌ حَفِيظٌ

بَلْ كَذَّبُوا بِالْحَقِّ لَمَّا جَاءَهُمْ فَهُمْ فِي أَمْرٍ مَّرِيجٍ

أَفَلَمْ يَنْظُرُوا إِلَى السَّمَاءِ فَوْقَهُمْ كَيْفَ بَنَيْنَاهَا وَزَيَّنَّاهَا وَمَا

لَهَا مِنْ فُرُوجٍ

وَالْأَرْضِ مَدَدْنَاهَا وَأَلْقَيْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ وَأَنْبَتْنَا فِيهَا مِنْ كُلِّ

زَوْجٍ بِهَيْجٍ

تَبَصَّرَةٌ وَذِكْرَىٰ لِكُلِّ عَبْدٍ مُّنِيبٍ

وَنَزَّلْنَا مِنَ السَّمَاءِ مَاءً مُّبْرَكًا فَأَنْبَتْنَا بِهِ جَنَّاتٍ وَحَبَّ

الْحَصِيدِ

وَالنَّخْلِ بَاسِقَاتٍ لَّهَا طَلْعٌ نَّضِيدٌ

رِزْقًا لِلْعِبَادِ وَأَحْيَيْنَا بِهِ بَلْدَةً مَّيْتًا كَذٰلِكَ الْخُرُوجُ

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ وَأَصْحَابُ الرَّسِّ وَثَمُودُ

وَعَادُ وَفِرْعَوْنُ وَإِخْوَانُ لُوطٍ

وَأَصْحَابُ الْأَيْكَةِ وَقَوْمِ تُبَّعٍ كُلٌّ كَذَّبَ الرُّسُلَ فَحَقَّ

وَعِيدِ

أَفَعَيِينَا بِالْخَلْقِ الْأَوَّلِ بَلْ هُمْ فِي لَبْسٍ مِّنْ خَلْقٍ جَدِيدِ

ق (قسم به قدس و قدرت و) قسم به قرآن با مجد و عظمت.

(که منکران ایمان نیاوردند) بلکه از آمدن رسولی از خودشان که آنها را هشدار و اندرز دهد به شگفت آمده و کفار (نادان) گفتند: این (دعوی رسالت و خبر از قیامت) بسیار چیز عجیبی است.

آیا ما پس از آنکه مردیم و یکسره خاک شدیم (باز زنده می‌شویم)؟ این بازگشت بسیار بعید است.

(تعجب نکنند که) ما به آنچه زمین از آنها بکاهد کاملا آگاهییم و کتابی نگاهدارنده (لوح محفوظ که مشتمل بر همه حقایق عالم است) نزد ماست.

بلکه کافران چون (رسول) حق آمد او را تکذیب کردند و (در کار بزرگ رسالت و قرآن با عظمت) در حالی مضطرب و سرگردان ماندند (گاهی از جهل، افسانه پیشینیان شمردند و گاهی سحر و شعر پنداشتند).

پس مگر (منکران حق) آسمان را فراز خود نمی‌نگرند که ما چگونه بنای محکم اساس نهاده‌ایم و آن را به زیور (ستارگان رخشان) آراسته‌ایم و هیچ شکاف و خللی در آن راه ندارد؟

و زمین را نمی‌نگرند که آن را بگسترديم و در آن کوههای استوار بیفکنديم و هر نوع گیاه با حسن و طراوت از آن برویانيديم؟

تا موجب بصیرتی باشد (در برهان الهیت) و تذکری برای هر بنده‌ای که رو به درگاه خدا آرد.

و ما از آسمان رحمت آب باران با برکت را نازل کردیم و باغهای میوه و دانه‌های درو شدنی برویانيديم.

و نیز نخلهای بلند خرما که میوه آن منظم روی هم چیده شده است برانگيختيم.

اینها را رزق بندگان قرار دادیم و به باران زمین مرده را زنده ساختیم (تا خلق بدانند که) همچنين پس از مرگ سر از خاک بیرون می‌کنند.

پیش از اینان هم قوم نوح و اصحاب رسّ (که پیغمبر خود را به چاه افکندند) و قوم ثمود هم تکذیب رسولان کردند.

و قوم عاد و فرعون و قوم لوط.

و اصحاب ایکه (امت شعیب) و قوم تبع (پادشاه یمن) همه رسولان حق را تکذیب کردند تا وعده عذاب من بر آنان حتم و واجب گردید.

آیا در اول بار که آفرینش را آوردیم هیچ درماندیم؟ (پس در خلقت معاد دیگر بار هم عاجز نیستیم) بلکه این منکران در شک و ریب از خلقت نو (و نشاه معاد) اند.

وَلَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ وَنَعْلَمُ مَا تُوَسْوِسُ بِهِ نَفْسُهُ وَنَحْنُ  
أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ

۱۷

إِذْ يَتَلَقَى الْمُتَلَقِيَانِ عَنِ الْيَمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ قَعِيدٌ

۱۸

مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ

۱۹

وَجَاءَتْ سَكْرَةُ الْمَوْتِ بِالْحَقِّ ذَلِكَ مَا كُنْتَ مِنْهُ تَحِيدٌ

۲۰

وَنُفِخَ فِي الصُّورِ ذَلِكِ يَوْمِ الْوَعِيدِ

۲۱

وَجَاءَتْ كُلُّ نَفْسٍ مَعَهَا سَائِقٌ وَشَهِيدٌ

۲۲

لَقَدْ كُنْتَ فِي غَفْلَةٍ مِّنْ هَذَا فَكَشَفْنَا عَنْكَ غِطَاءَكَ  
فَبَصَرُكَ الْيَوْمَ حَدِيدٌ

۲۳

وَقَالَ قَرِينُهُ هَذَا مَا لَدَيَّ عَتِيدٌ

۲۴

أَلْقِيَا فِي جَهَنَّمَ كُلَّ كَفَّارٍ عَنِيدٍ

۲۵

مَتَّاعٍ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ مُّرِيبٍ

۲۶

الَّذِي جَعَلَ مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ فَأَلْقِيَاهُ فِي الْعَذَابِ  
الشَّدِيدِ

۲۷  
حزب  
۲۰۸

قَالَ قَرِينُهُ رَبَّنَا مَا أَطْعَيْتُهُ وَلَا لَكِنِ كَانَ فِي ضَلَالٍ بَعِيدٍ

۲۸

قَالَ لَا تَخْتَصِمُوا لَدَيَّ وَقَدْ قَدَّمْتُ إِلَيْكُمْ بِالْوَعِيدِ

۲۹

مَا يُبَدَّلُ الْقَوْلُ لَدَيَّ وَمَا أَنَا بِظَلَمٍ لِلْعَبِيدِ

۳۰  
۴۵۴ر

يَوْمَ نَقُولُ لِجَهَنَّمَ هَلِ امْتَلَأَتْ وَتَقُولُ هَلْ مِنْ مَّزِيدٍ

۳۱

وَأُزْلِفَتِ الْجَنَّةُ لِلْمُتَّقِينَ غَيْرَ بَعِيدٍ

۳۲

هَذَا مَا تُوْعَدُونَ لِكُلِّ أَوَّابٍ حَفِيظٍ

۳۳

مَنْ خَشِيَ الرَّحْمَنَ بِالْغَيْبِ وَجَاءَ بِقَلْبٍ مُّنِيبٍ

۳۴

أَدْخُلُوهَا بِسَلَامٍ ذَلِكِ يَوْمِ الْخُلُودِ

۳۵

لَهُمْ مَا يَشَاءُونَ فِيهَا وَلَدَيْنَا مَزِيدٌ

و ما انسان را خلق کرده‌ایم و از وساوس و اندیشه‌های  
نفس او کاملا آگاهیم که ما از رگ گردن او به او نزدیک‌تریم.

آن گاه که دو ملک دریافت دارنده (یعنی فرشتگان مراقب و  
حاضر مأمور نگارش اعمال خیر و شر او) از طرف راست و  
چپ (به مراقبت او) بنشسته و (اعمال آدمی را) دریافت  
می‌دارند.

سخنی بر زبان نیاورد جز آنکه همان دم فرشته‌ای مراقب و  
آماده است.

و (به هوش آبیید که) هنگام بیهوشی و سختی مرگ به حق و  
حقیقت فرا رسید، آری همان مرگی که از آن دوری  
می‌جستی.

و آن گاه در صور بدمند (و ملایک ندا کنند که) این است  
روز تهدید (های الهی به خلق).

و هر نفسی را فرشته‌ای (برای حساب به محشر) کشاند و  
فرشته‌ای (بر نیک و بدش) گواهی دهد.

و تو (ای آدمی نادان) از این (روز سخت مرگ) در غفلت  
بودی تا آنکه ما پرده از کار تو برانداختیم و امروز چشم  
بصیرتت بیناتر گردید.

و قرین وی (یعنی فرشته موکل و شاهد او بدو) گوید: این  
همان اعمالی است که نزد من (برای امروز تو) محفوظ و  
مهیاست.

(و خطاب آید که) امروز هر کافر معاند را به دوزخ  
درافکنید.

همان کافری که از هر کار خیر مانع می‌گشت و (به حق خدا و  
خلق) ستم می‌کرد و (در کار خدا و قیامت) به شک و ریب  
بود.

همان کافر مشرک که با خدای یکتا خدای دیگری جعل کرد،  
پس او را در عذاب سخت جهنم درافکنید.

آن گاه قرین او (شیطان) گوید: بار الها، من او را به طغیان و  
عصیان نکشیدم بلکه او خود در ضلالت دور (از اطاعت و  
سعادت) افتاد.

(آن گاه خدا به عتاب) گوید: در حضور من خصومت مکنید  
که من قبلا وعده عذاب را به شما گوشزد کردم.

دیگر وعده عذاب من مبدل نخواهد شد و هیچ (در کیفر)  
ستمی به بندگان نخواهم کرد.

روزی که جهنم را گوییم: آیا مملو (از وجود کافران) شدی؟ و  
او گوید: آیا (دوزخیان) بیش از این هم هستند؟

و بهشت را برای اهل تقوا نزدیک آرند تا هیچ دور از آن  
نباشند (و رنج حرکت نکشند).

این بهشت همان است که وعده داده شدید، برای هر  
بنده‌ای که به درگاه خدا بازگشته و نفس را (از حرام) نگه  
داشت.

آن کس که از خدای مهربان در باطن ترسید و با قلب خاشع  
و نالان به درگاه او باز آمد.

در آن بهشت با تحیت و سلام حق در آبیید که این روز دخول  
ابدی در بهشت جاودانی است.

بر آن بندگان در آنجا هر چه بخواهند مهیاست و باز  
افزون‌تر از آن نزد ما خواهد بود.

وَكَمْ أَهْلَكْنَا قَبْلَهُم مِّن قَرْنٍ هُمْ أَشَدُّ مِنْهُمْ بَطْشًا فَنَقَّبُوا فِي الْبِلَادِ هَلْ مِن مَّحِيصٍ

إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرَى لِمَن كَانَ لَهُ قَلْبٌ أَوْ أَلْقَى السَّمْعَ وَهُوَ شَهِيدٌ

وَلَقَدْ خَلَقْنَا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَمَا بَيْنَهُمَا فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ وَمَا مَسَّنَا مِن لُّغُوبٍ

فَاصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ قَبْلَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَقَبْلَ الْغُرُوبِ

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَأَدْبَرَ السُّجُودِ

وَأَسْتَمِعِ يَوْمَ يُنَادِ الْمُنَادِ مِن مَّكَانٍ قَرِيبٍ

يَوْمَ يَسْمَعُونَ الصَّيْحَةَ بِالْحَقِّ ذَٰلِكَ يَوْمُ الْخُرُوجِ

إِنَّا نَحْنُ نُحْيِيهِ وَنُمِيتُهُ وَإِلَيْنَا الْمَصِيرُ

يَوْمَ تَشَقَّقُ الْأَرْضُ عَنْهُمْ سِرَاعًا ذَٰلِكَ حَشْرٌ عَلَيْنَا يَسِيرٌ

تَحْنُ أَعْلَمُ بِمَا يَقُولُونَ وَمَا أَنْتَ عَلَيْهِمْ بِجَبَّارٍ فَذَكَرْ بِالْقُرْآنِ مَن يَخَافُ وَعِيدِ

## ۵۱. ذاریات

الدَّارِيَّاتِ: بادهای ذره افشان

مکی

۶۰ آیه

۴ صفحه

۱

۴۵۵ر

وَالذَّرِيَّتِ ذُرَّوَا

۲

فَالْحَمِيْلَتِ وَقْرَا

۳

فَالْجَرِيَّتِ يُسْرَا

۴

فَالْمُقْسِمَتِ أَمْرَا

۵

إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ

۶

وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ

و چقدر طوایفی را پیش از اینان ما هلاک کردیم که با قهر و قوت‌تر از اینان بودند و در هر دیار راه جستند. آیا هیچ راه نجاتی یافتند؟

در این هلاک پیشینیان پند و تذکر است آن را که قلب هوشیاری داشته باشد یا گوش فرا دهد و توجه کامل کند و گواهی دهد.

و همانا ما آسمانها و زمین و آنچه بین آنهاست همه را در شش روز آفریدیم و هیچ رنج و خستگی به ما نرسید.

پس تو (ای رسول) بر آنچه می‌گویید (و می‌کنند از آزار و تکذیب) صبر کن (تا ما آنها را کیفر دهیم) و به حمد و ستایش خدایت تسبیح‌گو پیش از طلوع خورشید (به نماز صبح) و پیش از غروب آن (به نماز ظهر و عصر).

و باز برخی از شب را (به نماز مغرب و عشاء) و هم در عقب سجده‌ها به تسبیح خدا پرداز.

و آنچه می‌گویند (و می‌کنند از آزار و تکذیب) صبر کن (تا ما آنها را کیفر دهیم) و به حمد و ستایش خدایت تسبیح‌گو پیش از طلوع خورشید (به نماز صبح) و پیش از غروب آن (به نماز ظهر و عصر).

و به ندای منادی حق (اسرافیل) روزی که از مکان نزدیک (مردگان را برای زنده شدن) ندا کند گوش فرا دار (که هم اکنون به گوش دلت ندای او را بشنوی).

و آنچه می‌گویند (و می‌کنند از آزار و تکذیب) صبر کن (تا ما آنها را کیفر دهیم) و به حمد و ستایش خدایت تسبیح‌گو پیش از طلوع خورشید (به نماز صبح) و پیش از غروب آن (به نماز ظهر و عصر).

روزی که خلق آن صیحه به حق را بشنوند آن روز هنگام خروج (از قبرها) است.

و آنچه می‌گویند (و می‌کنند از آزار و تکذیب) صبر کن (تا ما آنها را کیفر دهیم) و به حمد و ستایش خدایت تسبیح‌گو پیش از طلوع خورشید (به نماز صبح) و پیش از غروب آن (به نماز ظهر و عصر).

البتّه ما خلق را زنده ساخته و می‌میرانیم و بازگشت همه به سوی ماست.

و آنچه می‌گویند (و می‌کنند از آزار و تکذیب) صبر کن (تا ما آنها را کیفر دهیم) و به حمد و ستایش خدایت تسبیح‌گو پیش از طلوع خورشید (به نماز صبح) و پیش از غروب آن (به نماز ظهر و عصر).

روزی که زمین از (احاطه بر) آنها بشکافد و همه (به عرصه قیامت) بشتابند و این جمع‌آوری خلق بر ما سهل و آسان باشد.

و آنچه می‌گویند (و می‌کنند از آزار و تکذیب) صبر کن (تا ما آنها را کیفر دهیم) و به حمد و ستایش خدایت تسبیح‌گو پیش از طلوع خورشید (به نماز صبح) و پیش از غروب آن (به نماز ظهر و عصر).

ما به گفتار مردم (مغرض نادان) داناتریم و تو بر آن مردم، جبّار و مسلّط نیستی (تو رسول حقّی) پس آن کس را که از وعده عذاب قیامت من ترسان است به آیات قرآن متذکر ساز.



وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْحُبُكِ

إِنَّكُمْ لَفِي قَوْلٍ مُّخْتَلِفٍ

يُؤْفَكُ عَنْهُ مَنْ أُفِكَ

قُتِلَ الْخَرَّصُونَ

الَّذِينَ هُمْ فِي عَمْرَةٍ سَاهُونَ

يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ

يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ

ذُوقُوا فِتْنَتَكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ

عَاخِذِينَ مِمَّا آتَاهُمُ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ

كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ

وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَغْفِرُونَ

وَفِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

وَفِي الْأَرْضِ آيَاتٌ لِّلْمُوقِنِينَ

وَفِي أَنْفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ

وَفِي السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوَعَّدُونَ

فَوَرَبِّ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلَ مَا أَنْكُمْ تَنْطِقُونَ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ ضَيْفِ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ

۴۵۶ر

إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُّنْكَرُونَ

فَرَاغَ إِلَىٰ أَهْلِهِ فَجَاءَ بِعِجَلٍ سَمِينٍ

فَقَرَّبَهُوَ إِلَيْهِمْ قَالَ أَلَا تَأْكُلُونَ

فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَحْضُ وَبَشِّرُوهُ بِعُلْمِ عَلِيمٍ

فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَوةٍ فَصَكَتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ

قَالُوا كَذَلِكَ قَالَ رَبُّكَ إِنَّهُ هُوَ الْحَكِيمُ الْعَلِيمُ

قسم به آسمان که در آن راههای بسیار است.

که شما (مردم نادان) در اختلاف سخن باز مانندید (و حقیقت قرآن و رسول حق را نیافته شعر و سحر و ساحرش خواندید).

از این قرآن هر که را شایسته فهم آن نبود هم آخر روگردان کنند.

کشته باد و نابود آنان که دروغ بندند (و قرآن را سحر و فسانه برخوانند).

آنان که در ضلالت و غفلت زیستند.

باز می‌پرسند که پس این روز جزاکی خواهد بود؟

آن روز خواهد بود که آنها را به آتش بسوزانند و معذب کنند.

(و خطاب قهر کنند که) اینک بچشید کیفر خود را، این همان عذابی است که خود به تعجیل می‌خواستید.

(آن روز) متقیان همه در بهشت و بر لب چشمه‌های آب غنوده‌اند.

همان نعمتها که خدایشان به آنها عطا کند فراگیرند چرا که پیش از آن مردمی نیکوکار بودند.

از شب اندکی را خواب می‌کردند.

و سحرگاهان از درگاه خدا طلب آمرزش و مغفرت می‌کردند.

و در اموالشان بر فقیر سائل و محروم حقی منظور می‌داشتند.

و (بدانید که) در روی زمین برای اهل یقین ادله‌ای (از قدرت الهی) پدیدار است.

و هم در نفوس خود شما مردم، آیا نمی‌نگرید؟

و روزی شما با همه وعده‌ها که به شما می‌دهند در آسمان است.

پس به خدای آسمان و زمین قسم که این (وعده و رزق مقدر) به مانند تکلمی که با یکدیگر می‌کنید حقّ و حقیقت است.

آیا حکایت مهمانان گرامی ابراهیم (فرشتگان) به تو رسیده است؟

هنگامی که بر او وارد شدند و سلام گفتند و او جواب سلام گفت و فرمود که شما مردمی ناشناس می‌باشید.

آن‌گاه پنهانی نزد اهل بیت خود رفت و کباب گوساله فریهی نزد مهمانان باز آورد.

غذا را نزد آنها گذارد (آنها توجهی به غذا نکردند) ابراهیم گفت: شما غذا تناول نمی‌کنید؟

آن گاه (از اینکه بی‌اجازه بر او وارد شده و غذا هم نخوردند) سخت از آنها بیم و اندیشه کرد، آن فرشتگان گفتند: هیچ مترس، و او را به پسری دانا (یعنی اسحاق) بشارت دادند.

در آن حال زن ابراهیم (ساره) با فریاد شادمانی روی به آنها آورد (از شوق) سیلی به صورت زد و گفت: (ای عجب) من زنی پیر و نازا هستم (چگونه پسری توانم زایید).

فرشتگان گفتند: خدای تو چنین فرموده که او به مصالح خلق آگاه و (به حال بندگان) داناست.

قَالَ فَمَا حَطْبُكُمْ أَيُّهَا الْمُرْسَلُونَ

۳۲

قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَىٰ قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ

۳۳

لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَارَةً مِّن طِينٍ

۳۴

مُسَوَّمَةً عِندَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ

۳۵

فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ

۳۶

فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ

۳۷

وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ

۳۸

وَفِي مُوسَىٰ إِذْ أَرْسَلْنَاهُ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ بِسُلْطٰنٍ مُّبِينٍ

۳۹

فَتَوَلَّىٰ بُرْكُنَيْهٖ وَقَالَ سَٰحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ

۴۰

فَأَخَذْنَاهُ وَجُنُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ

۴۱

وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ

۴۲

مَا تَذَرُ مِن شَيْءٍ أَتَتْ عَلَيْهِ إِلَّا جَعَلْتُهُ كَالرِّمِيمِ

۴۳

وَفِي ثَمُودَ إِذْ قِيلَ لَهُم تَمَتَّعُوا حَتَّىٰ حِينٍ

۴۴

فَعَتَوْا عَن أَمْرِ رَبِّهِمْ فَأَخَذَتْهُمُ الصَّٰلِقَةُ وَهُمْ يَنْظُرُونَ

۴۵

فَمَا اسْتَطَعُوا مِن قِيَامٍ وَمَا كَانُوا مُتَّصِرِينَ

۴۶

وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا قَوْمًا فَٰسِقِينَ

۴۷

۴۵۷ر

وَالسَّمَآءَ بَنَيْنَاهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ

۴۸

وَالْأَرْضَ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ

۴۹

وَمِن كُلِّ شَيْءٍ خَلَقْنَا زَوْجَيْنِ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ

۵۰

فَفِرُّوْا إِلَى اللَّهِ ۖ إِنَّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

۵۱

وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا ءَاخَرَ ۖ إِنَّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

ابراهيم گفت: ای رسولان حق، باز گویند که شما برای چه کار مأمورید؟

گفتند: ما بر قوم بدکاری فرستاده شده‌ایم (یعنی قوم لوط).

تا بر سر آنها از گل سنگباران کنیم.

که آن سنگها نزد پروردگار تو معین و نشاندار برای ستمکاران است.

پس، از اهل ایمان هر که بود از آن دیار خارج کردیم.

و در همه آن دیار جز یک خانه (لوط) دیگر مسلم خداپرست نیافتیم.

و در آن دیار (که ویران کردیم) برای آنان که از عذاب دردناک (قهر خدا) می‌ترسند آیت عبرتی واگذارديم.

و نیز در (رسالت) موسی (آیت عبرت است) که با معجزه روشن به سوی فرعونیناش فرستادیم.

و فرعون به غرور ملک و قدرت (از طاعت حق) سرکشید و گفت که موسی ساحر یا دیوانه است.

ما هم او را با همه سپاهش (به قهر) گرفتیم و به دریا انداختیم که در خور هر نکوهش و ملامت بود.

و نیز در قوم عاد که بر هلاکشان تندباد خزان فرستادیم (عبرت خلق است).

که آن باد هلاک به چیزی نمی‌گذشت جز آنکه آن را مانند استخوان پوسیده می‌گردانید.

و هم در قوم ثمود (بر خلق عبرتی است) که به آنان گفته شد: اینک گرم تعیش و تمتع (حیوانی) باشید تا هنگام معین (که وعده انتقام حق فرا می‌رسد).

آنها هم از فرمان خدای خود سرکشیدند پس آنها را صاعقه آتش درگرفت در حالی که (هلاک خویش را) به چشم مشاهده می‌کردند.

در حالی که نه هیچ توانایی برخاستن (و گریختن) داشتند و نه هیچ یار و مددکاری یافتند.

و پیش از این اقوام هم قوم نوح را هلاک کردیم که مردمی فاسق و نابکار بودند.

و کاخ رفیع آسمان را ما به قدرت خود برافراشتیم و ماییم که مقتدریم.

و زمین را بگسترديم و چه نیکو مهدی بگسترديم.

و از هر چیزی دو نوع (نر و ماده) بیافریدیم تا مگر متذکر (حکمت خدا) شوید.

باری، به درگاه خدا گریزید، که من از جانب او با بیانی روشن شما را می‌ترسانم.

و هرگز با خدای یکتا خدایی دیگر نپرستید که من از جانب او با بیانی روشن شما را می‌ترسانم.

كَذَٰلِكَ مَا آتَىٰ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مُجُنُّونٌ

۵۳ أَتَوَاصَوْا بِهِ ۗ بَلْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ

۵۴ فَقَوْلَ عَنَّهُمْ فَمَا آنتِ بِمَلُومٍ

۵۵ وَذَكَرَ فَإِنَّ الدَّكْرَىٰ تَنفَعُ الْمُؤْمِنِينَ

۵۶ وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ

۵۷ مَا أُرِيدُ مِنْهُمْ مِنْ رِزْقٍ وَمَا أُرِيدُ أَنْ يُطْعِمُونِ

۵۸ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ

۵۹ فَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا ذُنُوبًا مِثْلَ ذُنُوبِ أَصْحَابِهِمْ فَلَا يَسْتَعْجِلُونَ

۶۰ فَوَيْلٌ لِلَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ يَوْمِهِمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

<b>۵۲. طور</b> <p><b>الطُّور</b>: کوه طور</p> <p>مکی</p> <p>۴۹ آیه</p> <p>۳ صفحه</p>	
--	--

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالطُّورِ

۴۵۸

۲ وَكِتَابٍ مَسْطُورٍ

۳ فِي رَقٍ مَنشُورٍ

۴ وَالْبَيْتِ الْمَعْمُورِ

۵ وَالسَّقْفِ الْمَرْفُوعِ

۶ وَالْبَحْرِ الْمَسْجُورِ

۷ إِنَّ عَذَابَ رَبِّكَ لَوَاقِعٌ

۸ مَا لَهُ مِنْ دَافِعٍ

۹ يَوْمَ تَمُورُ السَّمَاءُ مَوْرًا

۱۰ وَتَسِيرُ الْجِبَالُ سَيْرًا

۱۱ فَوَيْلٌ يَوْمَئِذٍ لِلْمُكَذِّبِينَ

۱۲ الَّذِينَ هُمْ فِي حَوْضٍ يَلْعَبُونَ

۱۳ يَوْمَ يُدْعَوْنَ إِلَىٰ نَارِ جَهَنَّمَ دَعَاً

۱۴ هَذِهِ النَّارُ الَّتِي كُنْتُمْ بِهَا تُكَذِّبُونَ

همچنان (که تو را ای رسول تکذیب کردند) هیچ رسولی بر امم پیشین نیامد جز آنکه (او را تکذیب کرده و) گفتند: او ساحر یا دیوانه است.

آیا بر این تکذیب، مردم اعصار به یکدیگر سفارش کرده‌اند؟ (یا نه؟) بلکه این مردم (همه بالذات) گروهی سرکش و نافرمانند.

پس (تو هم ای رسول ما) از این مردم کافر روی بگردان که (اتمام حجت کردی و) دیگر هیچ در خور نکوهش و ملامت نیستی.

و (امت را) تذکر و پند می‌ده که پند و تذکر (اگر کافران را نفع ندهد) مؤمنان را سودمند افتد.

و من جنّ و انس را نیافریدم مگر برای اینکه مرا (به یکتایی) پرستش کنند.

من از (خلق) آنها رزق و طعام (و هیچ گونه سودی) بر خود نخواستم.

همانا روزی بخشنده خلق تنها خداست که صاحب قوت و قدرت ابدی است.

پس این ستمکاران را هم گناهی و کیفری مانند اصحاب و امثالشان (از امم پیشین) خواهد بود، باری آن را به عجله از من نخواهند (و به مهلتی که دادیم مغرور نشوند البته روز انتقامشان می‌رسد).

پس (آن گاه که زمان کیفر فرا رسید) وای بر آنان که کافر شدند از آن روز سختی که (رسولان) به آنها وعده می‌دهند (که در دنیا به قتل و اسارت و در عقبی به قهر و عقوبت محکومند).

قسم به طور سینا.

قسم به کتاب مسطور (قرآن).

که در صحیفه‌ای گشوده فرستاد.

قسم به بیت المعمور (کعبه اهل زمین یا مسجد ملایک آسمان).

قسم به طاق بلند آسمان.

قسم به دریای آتش فروزان (که خدا روز قیامت دریا را آتش سازد و بر دوزخیان فرو ریزد).

قسم به این امور که البته عذاب خدای تو واقع خواهد شد.

هیچ کس دافع آن نخواهد بود.

روزی که آسمان سخت جنبش کند.

و کوهها تند به گردش آید.

در آن روز سخت وای بر آنان که (وعده حق و کتاب و رسول او را) تکذیب کردند.

آنان که به بازیچه دنیا فرو شدند.

آن روز آنها را سخت به آتش دوزخ برانند.

این همان آتشی است که تکذیب آن می‌کردید.

أَفْسِحْرٌ هَذَا أَمْ أَنْتُمْ لَا تُبْصِرُونَ

۱۶

أَصَلَوْهَا فَأَصْبِرُوا أَوْ لَا تَصْبِرُوا سَوَاءٌ عَلَيْكُمْ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۱۷

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَعِيمٍ

۱۸

فَكَهِينٍ بِمَا آتَاهُمُ رَبُّهُمْ وَوَقَاهُمْ رَبُّهُمْ عَذَابَ الْجَحِيمِ

۱۹

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

۲۰

مُتَّكِعِينَ عَلَى سُرُرٍ مَّصْفُوفَةٍ وَزَوَّجْنَاهُم بِحُورٍ عِينٍ

۲۱

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا وَاتَّبَعَتْهُمْ ذُرِّيَّتُهُم بِإِيمَانٍ أَلْحَقْنَا بِهِمْ ذُرِّيَّتَهُمْ وَمَا أَلَتْنَاهُمْ مِّنْ عَمَلِهِمْ مِّنْ شَيْءٍ كُلُّ امْرِئٍ بِمَا كَسَبَ رَهِينٌ

۲۲

وَأَمَدَدْنَاهُمْ بِفِكَهَةٍ وَلَحْمٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

۲۳

يَتَنَزَّعُونَ فِيهَا كَأَسَا لَا لَعْوُ فِيهَا وَلَا تَأْتِيمٌ

۲۴

حزب  
۲۱۰

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ غِلْمَانٌ لَهُمْ كَأَنَّهُمْ لُؤْلُؤٌ مَّكْنُونٌ

۲۵

وَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ

۲۶

قَالُوا إِنَّا كُنَّا قَبْلُ فِي أَهْلِنَا مُشْفِقِينَ

۲۷

فَمَنْ أَلَّهِ عَلَيْنَا وَوَقَلْنَا عَذَابَ السَّمُومِ

۲۸

إِنَّا كُنَّا مِنْ قَبْلُ نَدْعُوهُ <sup>ط</sup> إِنَّهُ هُوَ الْبَرُّ الرَّحِيمُ

۲۹

۴۵۹ر

فَذَكِّرْ فَمَا أَنْتَ بِنِعْمَتِ رَبِّكَ بِكَاهِنٍ وَلَا مَجْنُونٍ

۳۰

أَمْ يَقُولُونَ شَاعِرٌ نَّتَرَبَّصُ بِهِءَ رِيَبَ الْمَنُونِ

۳۱

قُلْ تَرَبَّصُوا فَإِنِّي مَعَكُمْ مِنَ الْمُتَرَبِّصِينَ

آیا این (آتش دوزخ) هم به نظرتان سحر است یا آنکه هنوز چشم بصیرت باز نمی‌کنید؟

باری، به دوزخ در شوید که صبر و بی‌صبری به حالتان یکسان است، و بس آنچه کردید امروز همان را جزا یابید.

متقیان هم در باغهای بهشت پر نعمتند.

آنان به نعمتی که خدایشان نصیبشان فرموده دلشادند و خدایشان از عذاب دوزخ محفوظشان داشته است.

بخورید و بیاشامید شما را گوارا باد به پاداش اعمال نیکی که انجام می‌دادید.

در حالی که نزدیک هم بر تختها (ی عزّت) تکیه زده‌اند و ما حور العین را همجفت آنان گردانیده‌ایم.

و آنان که ایمان آوردند و فرزندانشان هم در ایمان پیرو ایشان شدند ما آن فرزندان را به آنها برسانیم و از پاداش عمل آنان هیچ نگاهیم. هر نفسی در گرو عملی است که اندوخته است.

و بر آن بهشتیان از هر نوع میوه و گوشت‌های لذیذ که مایل باشند فراوان بیفزاییم.

آنها در بهشت جام شراب گوارا را چنان سریع از دست هم بگیرند که گویی منازعه می‌کنند در صورتی که آنجا کار لغو و باطل و نزاع و خلاف و بزهکاری هیچ نیست.

و پسرانی مانند لؤلؤ مکنون گردشان (بر انجام خدمت) می‌گردند.

و آنها با هم به صحبت رو کرده و از سرگذشت یکدیگر پرسش کنند.

و با هم گویند: ما از پیش میان اهل و قبیله خود خداترس بودیم.

خدا هم بر ما منت نهاد و ما را از عذاب سموم دوزخ محفوظ داشت.

زیرا ما از این پیش خدا را به حقیقت پرستش می‌کردیم که او خود (بر بندگانش) بسیار نیکخواه و مهربان است.

پس (ای رسول ما، خلق را) متذکر ساز که به نعمت پروردگارت از جنون و کهانت هیچ در تو نیست.

بلکه (کافران نادان) گویند: (محمد) شاعری است ماهر و ما حادثه مرگ او را انتظار داریم.

بگو: شما به انتظار (مرگ من) باشید که من هم از منتظران (مرگ و هلاک شما) هستم.

أَمْ تَأْمُرُهُمْ أَحْلَمُهُمْ بِهَذَا أَمْ هُمْ قَوْمٌ طَاغُونَ

۳۳

أَمْ يَقُولُونَ تَقَوَّلَهُو بَلْ لَا يُؤْمِنُونَ

۳۴

فَلْيَأْتُوا بِحَدِيثٍ مِّثْلِهِ إِنْ كَانُوا صَادِقِينَ

۳۵

أَمْ خُلِقُوا مِنْ غَيْرِ شَيْءٍ أَمْ هُمْ الْخَالِقُونَ

۳۶

أَمْ خَلَقُوا السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ بَلْ لَا يُوقِنُونَ

۳۷

أَمْ عِنْدَهُمْ خَزَائِنُ رَبِّكَ أَمْ هُمْ الْمُضَيِّطُونَ

۳۸

أَمْ لَهُمْ سُلَّمٌ يَسْتَمِعُونَ فِيهِ فَلْيَأْتِ مُسْتَمِعُهُمْ بِسُلْطَنِ  
مُبِينٍ

۳۹

أَمْ لَهُ الْبَنَاتُ وَلَكُمْ الْبَنُونَ

۴۰

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِنْ مَّعْرَمٍ مُثْقَلُونَ

۴۱

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ

۴۲

أَمْ يُرِيدُونَ كَيْدًا فَالَّذِينَ كَفَرُوا هُمْ الْمَكِيدُونَ

۴۳

أَمْ لَهُمْ إِلَهٌ غَيْرُ اللَّهِ سُبْحَانَ اللَّهِ عَمَّا يُشْرِكُونَ

۴۴

وَإِنْ يَرَوْا كِسْفًا مِنَ السَّمَاءِ سَاقِطًا يَقُولُوا سَحَابٌ مَّرْكُومٌ

۴۵

فَذَرَهُمْ حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي فِيهِ يُصْعَقُونَ

۴۶

يَوْمَ لَا يُغْنِي عَنْهُمْ كَيْدُهُمْ شَيْئًا وَلَا هُمْ يُنصَرُونَ

۴۷

وَإِنَّ لِلَّذِينَ ظَلَمُوا عَذَابًا دُونَ ذَلِكَ وَلَكِنَّ أَكْثَرَهُمْ لَا  
يَعْلَمُونَ

۴۸

وَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ فَإِنَّكَ بِأَعْيُنِنَا وَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ  
حِينَ تَقُومُ

۴۹

وَمِنَ اللَّيْلِ فَسَبِّحْهُ وَإِدْبَرَ الْجُومِ

آیا زیرکی و خیالات باطلشان بر این وا می‌دارد (که تکذیب  
تو کنند) یا (از جهل و کبر و نخوت) خود قومی سرکش و  
نافرمانند؟

بلکه می‌گویند: او قرآن را از پیش خود فرابافته است  
(چنین نیست) بلکه آنها ایمان نمی‌آورند.

پس اگر راست می‌گویند آنها هم کلامی مانند قرآن بیاورند.

آیا این خلق (بدون خالق) از نیستی صرف به وجود آمدند؟  
یا (خویشتن را) خود خلق کردند؟

یا آنکه آسمانها و زمین را این مردم آفریدند؟ نه، بلکه به  
یقین (خدا را) شناختند.

آیا گنجهای رحمت پروردگارت نزد آنهاست یا هیچ قدرت و  
سلطنتی دارند؟

یا نردبامی دارند که به آسمان بر شوند و (سخن وحی  
فرشتگان) بشنوند؟ اگر چنین است شنونده‌شان حجت  
روشن بیاورد.

آیا خدا را دختران و شما را پسران خواهد بود (که ملایک را  
دختران خدا دانید).

آیا تو (ای رسول) از آنها اجر رسالت خواهی که زیر بار  
سنگین غرامت بمانند؟

آیا علم غیب با آنهاست که از آن عالم خبری نگارند؟

یا که می‌خواهند با تو مکر و تزویری اندیشند؟ کافران خود  
به مکر (و انتقام حق) گرفتارند.

آیا بر آنها خدایی جز خدای یکتا هست؟ که خدا از هر چه  
شرک و شریک او گیرند پاک و منزّه است.

این کافران اگر هم سقوط قطعه‌ای از آسمان را به چشم  
ببینند باز خواهند گفت: این پاره ابری متراکم است.

اینان را به (جهل) خود رها کن تا به روز سختشان که آن  
روز یکسر بیهوش و هلاک می‌شوند عاقبت برسند.

آن روزی که مکر و تدبیرشان هیچ به کارشان نیاید و هیچ  
کس یاریشان نکند.

و برای ستمکاران عالم (در دنیا) عذابی پیش از آن (جهنم  
قیامت) خواهد بود ولیکن اکثرشان نمی‌دانند.

باری بر حکم خدا صبر کن که تو منظور نظر مایی. و چون  
برخیزی (به نماز یا هر کاری) به ستایش خدای خود تسبیح  
گوی.

و از شبانگاه هم پاره‌ای به تسبیح خدا پرداز و هنگام فرو  
رفتن ستارگان هم (به نماز صبح) تسبیح خدا گوی.

۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۴۶۰ر

وَالنَّجْمِ إِذَا هَوَىٰ

۲

مَا ضَلَّ صَاحِبُكُمْ وَمَا غَوَىٰ

۳

وَمَا يَنْطِقُ عَنِ الْهَوَىٰ

۴

إِنْ هُوَ إِلَّا وَحْيٌ يُوحَىٰ

۵

عَلَّمَهُ شَدِيدُ الْقُوَىٰ

۶

ذُو مِرَّةٍ فَاسْتَوَىٰ

۷

وَهُوَ بِالْأُفُقِ الْأَعْلَىٰ

۸

ثُمَّ دَنَا فَتَدَلَّىٰ

۹

فَكَانَ قَابَ قَوْسَيْنِ أَوْ أَدْنَىٰ

۱۰

فَأَوْحَىٰ إِلَىٰ عَبْدِهِ مَا أَوْحَىٰ

۱۱

مَا كَذَبَ الْفُؤَادُ مَا رَأَىٰ

۱۲

أَفْتَمَرُونَهُ عَلَىٰ مَا يَرَىٰ

۱۳

وَلَقَدْ رَءَاهُ نَزْلَةً أُخْرَىٰ

۱۴

عِنْدَ سِدْرَةِ الْمُنْتَهَىٰ

۱۵

عِنْدَهَا جَنَّةُ الْمَأْوَىٰ

۱۶

إِذْ يَغْشَى السِّدْرَةَ مَا يَغْشَىٰ

۱۷

مَا زَاغَ الْبَصَرُ وَمَا طَغَىٰ

۱۸

لَقَدْ رَأَىٰ مِنْ ءَايَاتِ رَبِّهِ الْكُبْرَىٰ

۱۹

أَفْرَعَيْتُمْ اللَّتَّ وَالْعُرَىٰ

۲۰

وَمَنَوَةَ الثَّالِثَةَ الْأُخْرَىٰ

۲۱

أَلَكُمُ الدَّكْرُ وَلَهُ الْأُنثَىٰ

۲۲

تِلْكَ إِذَا قِسْمَةٌ ضِيزَىٰ

۲۳

إِنْ هِيَ إِلَّا أَسْمَاءٌ سَمِيئُومَهَا أَنْتُمْ وَعَابَاؤُكُمْ مَا أَنْزَلَ اللَّهُ

بِهَا مِنْ سُلْطَنٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَمَا تَهْوَى الْأَنْفُسُ

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنْ رَبِّهِمُ الْهُدَىٰ

۲۴

أَمْ لِلْإِنْسَانِ مَا تَمَنَّىٰ

۲۵

فَلِلَّهِ الْآخِرَةُ وَالْأُولَىٰ

۲۶

وَكَمْ مِّن مَّلَكٍ فِي السَّمَوَاتِ لَا تُغْنِي شَفَاعَتُهُمْ شَيْئًا إِلَّا

حزب

۲۱۱

۴۶۱ر

مِنْ بَعْدِ أَنْ يَأْذَنَ اللَّهُ لِمَنْ يَشَاءُ وَيَرْضَىٰ

قسم به ستاره چون فرود آید.

که صاحب شما (محمّد مصطفی ص) هیچ گاه در ضلالت و گمراهی نبوده است.

و هرگز به هوای نفس سخن نمی‌گوید.

سخن او هیچ غیر وحی خدا نیست.

او را (جبرئیل) همان (فرشته) بسیار توانا (به وحی خدا) علم آموخته است.

همان ملک مقتدری که به خلقت کامل (و صورت ملکوتی بر رسول) جلوه کرد.

و آن رسول در افق اعلا (ی کمال و مشرق انسانیت) بود.

آن گاه نزدیک آمد و بر او (به وحی حق) نازل گردید.

(بدان نزدیکی که) با او به قدر دو کمان یا نزدیکتر از آن شد.

پس (خدا) به بنده خود وحی فرمود آنچه که هیچ کس درک آن نتواند کرد.

آنچه (در غیب عالم) دید دلش هم به حقیقت یافت و کذب و خیال نپنداشت.

آیا (شما کافران) با رسول بر آنچه (در شب معراج) به چشم مشاهده کرد ستیزه می‌کنید؟

و یکبار دیگر هم او را (یعنی جبرئیل را) رسول مشاهده کرد.

در نزد (مقام) سدرهٔ المنتهی (که آن درختی است در سمت راست عرش که منتهای سیر عقلی فرشتگان و ارواح مؤمنان تا آنجاست و بر مقام بالاتر آگاه نیستند).

بهشتی که مسکن متقیان است در همان جایگاه سدره است.

چون سدره را می‌پوشاند (از نور عظمت حق) آنچه که احدی از آن آگه نیست.

چشم (محمّد ص از حقایق آن عالم) آنچه را باید بنگرد بی هیچ کم و بیش مشاهده کرد.

آنجا از بزرگتر آیات حیرت‌انگیز پروردگارش را به حقیقت دید.

آیا دو بت بزرگ لات و عزّای خود را دیدید (که بی اثر است).

و منات سومین بت دیگرتان را دانستید (که جمادی بی‌نفع و ضرر است).

آیا شما را فرزند پسر و خدا را دختر است؟

اگر چنین بودی باز هم تقسیمی ناروا و نادرست بودی.

این بتها جز نامهایی که شما و پدرانتان بر آنها نهاده‌اید چیز دیگری نیست و خدا هیچ دلیلی بر (معبودیت) آنها نازل نفرموده؛ مشرکان چیزی غیر گمان باطل و هوای نفس فاسد خود را پیروی نمی‌کنند با آنکه از جانب خدایشان هدایت بر آنها آمد.

آیا برای آدمی هر چه آرزو کند حاصل می‌شود؟

در صورتی که (انسان مالک هیچ نیست و) دنیا و آخرت همه ملک خداست.

و بسیار ملک در آسمانها هست که شفاعتشان سودمند نیست جز به امر خدا و بر آن کس که خدا بخواهد و از او خشنود باشد.

إِنَّ الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ بِالْآخِرَةِ لَيُسَمُّونَ الْمَلَائِكَةَ تَسْمِيَةً  
الْأُنثَىٰ

وَمَا لَهُمْ بِهِ مِنْ عِلْمٍ إِنْ يَتَّبِعُونَ إِلَّا الظَّنَّ وَإِنَّ الظَّنَّ لَا  
يُغْنِي مِنَ الْحَقِّ شَيْئًا

فَاعْرِضْ عَنْ مَنْ تَوَلَّىٰ عَن ذِكْرِنَا وَلَمْ يُرِدْ إِلَّا الْحَيَاةَ  
الدُّنْيَا

ذَٰلِكَ مَبْلَغُهُمْ مِنَ الْعِلْمِ إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَن  
سَبِيلِهِ ۗ وَهُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اهْتَدَىٰ

وَلِلَّهِ مَا فِي السَّمٰوٰتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لِيَجْزِيَ الَّذِينَ اسْتَوُوا  
بِمَا عَمِلُوا وَيَجْزِيَ الَّذِينَ أَحْسَنُوا بِالْحُسْنَىٰ

الَّذِينَ يَجْتَنِبُونَ كَبِيرَ الْإِثْمِ وَالْفَوَاحِشَ إِلَّا اللَّمَمَ ۗ إِنَّ  
رَبَّكَ وَاسِعٌ الْمَغْفِرَةَ هُوَ أَعْلَمُ بِكُمْ إِذْ أَنْشَأَكُمْ مِنَ  
الْأَرْضِ وَإِذْ أَنْتُمْ أَجِنَّةٌ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ ۗ فَلَا تُرْكُوا  
أَنْفُسَكُمْ ۗ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنِ اتَّقَىٰ

أَفَرَأَيْتَ الَّذِي تَوَلَّىٰ

وَأَعْطَىٰ قَلِيلًا وَأَكْدَىٰ

أَعِنْدَهُ عِلْمُ الْغَيْبِ فَهَوْ يَرَىٰ

أَمْ لَمْ يُنَبَّأْ بِمَا فِي صُحُفِ مُوسَىٰ

وَأِبْرَاهِيمَ الَّذِي وَفَّىٰ

أَلَّا تَزِرُ وَازِرَةٌ وِزْرَ أُخْرَىٰ

وَأَنْ لَّيْسَ لِلْإِنْسَانِ إِلَّا مَا سَعَىٰ

وَأَنَّ سَعْيَهُ سَوْفَ يُرَىٰ

ثُمَّ يُجْزَاهُ الْجَزَاءَ الْأَوْفَىٰ

وَأَنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الْمُنْتَهَىٰ

وَأَنَّهُ هُوَ أَضْحَكَ وَأَبْكَىٰ

وَأَنَّهُ هُوَ أَمَاتَ وَأَحْيَا

آنان که به آخرت ایمان ندارند فرشتگان را نام دختران خدا  
نهادند.

و حال آنکه هیچ علم به آن ندارند و جز در پی گمان و پندار

نمی‌روند و ظنّ و گمان هم در فهم حق و حقیقت هیچ سودی  
ندارد.

و آنچه در آسمانها و زمین است همه ملک خداست (و حکم

اعمال خلق با اوست) تا بدکاران را به کیفر رساند و

نیکوکاران را پاداش نیکوتر عطا کند.

آنان که از گناهان بزرگ و اعمال زشت دوری کنند مگر آنکه

کمی (یعنی گناه صغیره‌ای یا تخیلّ و وسوسه‌ای به غلبه

طبیعت و عادت) از آنها سر زند، که مغفرت پروردگارت

بسیار وسیع است، او به حال شما آگاه‌تر است آن گاه که

شما را از خاک زمین آفرید و هنگامی که در رحم مادرها

جنین بودید، پس خودستایی مکنید، او به حال هر که متقی

(و در خور ستایش) است از شما دانانتر است.

ای رسول) دیدی آن کس را که روی (از جنگ احد)

بگردانید؟

و اندک صدقه‌ای داد سپس به کلی قطع احسان کرد؟

(مفسرین گفتند: آیات مربوط به عثمان است که شتری با بار

به عبد الله سعد داد که در محشر بار گناه عثمان را به

دوش گیرد).

آیا علم غیب نزد اوست و او (به احوال آن جهان) بیناست

(که می‌داند رقیفش می‌تواند بار گناه او را به دوش گیرد).

یا که آگه نشد به آنچه (راجع به مجازات) در تورات موسی

عمران است؟

و هم در صحف ابراهیم خلیل وفادار؟

که هیچ کس بار گناه دیگری را (در قیامت) به دوش نخواهد

گرفت.

و (نمی‌داند) اینکه برای آدمی جز آنچه به سعی و عمل خود

انجام داده (ثواب و جزایی) نخواهد بود؟

و اینکه البته پاداش سعی و عمل او را (در دنیا و برزخ) به

وی بنمایند.

سپس (در آخرت) پاداش کامل آن را به او بدهند.

و اینکه کار خلق عالم به سوی خدا منتهی می‌شود.

و هم اوست که (بندگان را) شاد و خندان سازد و غمین و

گریان گرداند.

و هم اوست که بمیراند و باز زنده فرماید.

وَأَنَّهُ حَلَقَ الزَّوْجَيْنِ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ

۴۶ مِّن نُّطْفَةٍ إِذَا تُمْنَىٰ

۴۷ وَإِنَّ عَلَيْهِ النَّشْأَةَ الْأُخْرَىٰ

۴۸ وَأَنَّهُ هُوَ أَغْنَىٰ وَأَقْنَىٰ

۴۹ وَأَنَّهُ هُوَ رَبُّ الشَّعْرَىٰ

۵۰ وَأَنَّهُ وَهَلَكَ عَادًا الْأُولَىٰ

۵۱ وَثَمُودًا فَمَا أَبْقَىٰ

۵۲ وَقَوْمَ نُوحٍ مِّن قَبْلُ إِنَّهُمْ كَانُوا هُمْ أَظْلَمَ وَأَطْعَىٰ

۵۳ وَالْمُؤْتَفِكَةَ أَهْوَىٰ

۵۴ فَغَشَّاهَا مَا غَشَّىٰ

۵۵ فَبِأَيِّ آءِالَاءِ رَبِّكَ تَتَمَارَىٰ

۵۶ هَذَا نَذِيرٌ مِّنَ النَّذِرِ الْأُولَىٰ

۵۷ أَزِفَتِ الْأَرْفَةُ

۵۸ لَيْسَ لَهَا مِنْ دُونِ اللَّهِ كَاشِفَةٌ

۵۹ أَفَمِنَ هَذَا الْحَدِيثِ تَعَجَّبُونَ

۶۰ وَتَضْحَكُونَ وَلَا تَتَّبِعُونَ

۶۱ وَأَنْتُمْ سَلِيمُونَ

۶۲ فَاسْجُدُوا لِلَّهِ وَاعْبُدُواﷻ

سجده واجب

## ۵۴. قمر

الْقَمَرُ: ماه

مکی

۵۵ آیه

۴ صفحه

۱  
۴۶۳

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
أَقْرَبَتِ السَّاعَةُ وَأَنْشَقَّ الْقَمَرُ

۲

وَإِنْ يَرَوْا آيَةً يُعْرِضُوا وَيَقُولُوا سِحْرٌ مُّسْتَمِرٌّ

۳

وَكَذَّبُوا وَاتَّبَعُوا أَهْوَاءَهُمْ وَكُلُّ أَمْرٍ مُّسْتَقَرٌّ

۴

وَلَقَدْ جَاءَهُمْ مِنَ الْأَنْبَاءِ مَا فِيهِ مُزْدَجَرٌ

۵

حِكْمَةٌ بَلِغَةٌ فَمَا تُغْنِ النَّذِرُ

۶

فَتَوَلَّ عَنْهُمْ يَوْمَ يَدْعُ الدَّاعِ إِلَىٰ شَيْءٍ نُكْرٍ

و اوست که خلق را (برای انس با هم) جفت نر و ماده آفریده است.

از نطفه‌ای آفریده که (از مردان به رحم زنان) می‌ریزد.

و هم بر اوست که ایجاد نشأه آخرت کند.

و هم اوست که (بندگان را) بی‌نیاز کند و سرمایه (هر سعادت) بخشد.

و هم اوست آفریننده ستاره شعری (پس آفریننده را پرستید نه ستاره را).

و هم اوست که نخستین قوم عاد را هلاک ساخت.

و قوم ثمود را، و هیچ باقی نگذاشت.

و پیش از اینان قوم نوح را که ظالم و سرکش‌تر بودند هلاک گردانید.

و شهرهای قوم لوط را واژگون ساخت.

تا آنکه بر آنها عذابی بسیار سخت احاطه کرد.

پس (ای بشر) به کدام یک از نعمتهای پروردگارت جدل و انکار می‌کنی؟

این رسول هم مانند رسولان پیشین ترساننده خلق (از قهر خدا) است.

روز قیامت بسیار نزدیک شده است.

هیچ کس غیر خدا آن روز را آشکار نتواند ساخت.

آیا از این سخن تعجب می‌کنید،

و (به فسوس و مسخره بر آن) می‌خندید و (به روزگار سخت خود) نمی‌گیرید،

و شما سخت غافلید (از این خواب غفلت برخیزید و).

بعد از این به سجده و عبادت خدا پردازید.



خُشَعًا أَبْصَرُهُمْ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ كَأَنَّهُمْ جَرَادٌ مُنْتَشِرٌ

۸

مُهْطِعِينَ إِلَى الدَّاعِ يَقُولُ الْكٰفِرُونَ هَذَا يَوْمٌ عَسِرٌ

۹  
 حزب  
 ۲۱۲

كَذَّبَتْ قَبْلَهُمْ قَوْمُ نُوحٍ فَكَذَّبُوا عَبْدَنَا وَقَالُوا مَجْنُونٌ وَازْدُجِرَ

۱۰

فَدَعَا رَبَّهُ أَنِّي مَغْلُوبٌ فَأَنْتَصِرْ

۱۱

فَفَتَحْنَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ بِمَاءٍ مُنْهَمِرٍ

۱۲

وَفَجَّرْنَا الْأَرْضَ عُيُونًا فَالْتَقَى الْمَاءُ عَلَى أَمْرٍ قَدْ قُدِرَ

۱۳

وَحَمَلْنَاهُ عَلَى ذَاتِ الْوٰجِحِ وَدُسِرَ

۱۴

تَجْرِي بِأَعْيُنِنَا جَزَاءَ لِمَنْ كَانَ كُفِرَ

۱۵

وَلَقَدْ تَرَكْنَاهَا آيَةً فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

۱۶

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ

۱۷

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

۱۸

كَذَّبَتْ عَادٌ فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ

۱۹

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ

۲۰

تَنْزِعُ النَّاسَ كَأَنَّهُمْ أَعْجَازُ نَخْلٍ مُنْقَعِرٍ

۲۱

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذْرٍ

۲۲

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

۲۳  
 ۴۶۴ر

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِالنُّذْرِ

۲۴

فَقَالُوا أَبَشْرًا مِمَّنَّا وَاحِدًا نَتَّبِعُهُوَ إِنَّا إِذَا لَفِيَ ضَلَالٍ وَسُعُرٍ

۲۵

أَأُلْقِيَ الذِّكْرُ عَلَيْهِ مِنْ بَيْنِنَا بَلْ هُوَ كَذَّابٌ أَشِرٌّ

۲۶

سَيَعْلَمُونَ غَدًا مَنِ الْكَذَّابُ الْأَشِرُّ

۲۷

إِنَّا مُرْسِلُوا النَّاقَةَ فِتْنَةً لَهُمْ فَأَرْتَقِبْهُمْ وَأَصْطَبِرْ

که (از هول آن) کافران به خواری چشم بر هم نهند و سر از قبرها بر آورده مانند ملخ به عرصه محشر منتشر شوند.

در آن حال منادی محشر را ناچار به سرعت اجابت کنند، کافران با هم گویند: این روز همان روز سخت است (که ما انکار می‌کردیم).

پیش از اینان هم قوم نوح بنده ما نوح را تکذیب کردند و گفتند: او مردی دیوانه است، و (با زجر و ستم بسیار که از آنها کشید از دعوت به حق) بازداشته شد.

تا آنکه به درگاه خدایش دعا کرد که من سخت مغلوب قوم شده‌ام تو مرا یاری فرما.

ما هم درهای آسمان گشودیم و سیلابی از آسمان فرو ریختیم.

و در زمین چشمه‌ها جاری ساختیم تا آب آسمان و زمین با هم به طوفانی که مقدر حتمی بود اجتماع یافت.

و نوح را در کشتی محکم اساس برنشانیدیم.

که آن کشتی با نظر و حفظ و عنایت ما روان می‌گشت (و چنین کردیم) تا به نوح که مورد کفر و انکار قوم قرار گرفت پاداش دهیم.

و آن کشتی را محفوظ داشتیم تا آیت عبرت خلق شود، آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

پس (ای بدکاران عالم بنگرید که) سختی عذاب و تنبیه من چگونه بود!

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

قوم عاد نیز (پیغمبرشان هود را) تکذیب کردند، پس باز بنگرید که عذاب و تنبیه من چگونه سخت بود!

ما بر هلاک آنها تند بادی در روز نحسی پایدار فرستادیم.

که آن باد مردم را از جا بر می‌کند چنانکه ساق درخت خرما از ریشه افکنند.

پس باز بنگرید که عذاب و تنبیه من چگونه سخت بود!

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

قوم ثمود هم آیات حق را تکذیب کردند.

و گفتند: آیا سزد که ما یک بشری از جنس خودمان را پیروی کنیم؟ در این صورت به گمراهی و جنون سخت در افتاده‌ایم.

آیا بین ما افراد بشر تنها بر او وحی رسید؟! (چنین نیست) بلکه او مرد دروغگوی بی‌باک و خودپسندی است.

این منکران به زودی فردای قیامت کاملاً معلومشان شود که دروغگوی بی‌باک و خودپسند کیست.

ما (به صالح گفتیم که) برای امتحان آنها ناقه را (به درخواست آنها از سنگ) بیرون می‌فرستیم و تو مراقب حالشان باش و (بر آزارشان) صبر پیشه گیر.

وَنَبِّئُهُمْ أَنَّ الْمَاءَ قِسْمَةٌ بَيْنَهُمْ كُلُّ شِرْبٍ مُحْتَضَرٌّ

۲۹

فَنَادَوْا صَاحِبَهُمْ فَتَعَاطَى فَعَقَرَ

۳۰

فَكَيْفَ كَانَ عَذَابِي وَنُذِرِ

۳۱

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ صَيْحَةً وَاحِدَةً فَكَانُوا كَهَشِيمِ الْمُحْتَظِرِ

۳۲

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

۳۳

كَذَّبَتْ قَوْمُ لُوطٍ بِالنُّذُرِ

۳۴

إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ حَاصِبًا إِلَّا آءَالَ لُوطٍ نَجَّيْنَاهُمْ بِسَحْرِ

۳۵

نِعْمَةٍ مِّنْ عِنْدِنَا كَذَلِكَ نَجْزِي مَنْ شَكَرَ

۳۶

وَلَقَدْ أَنْذَرَهُمْ بَطْشَتَنَا فَتَمَارَوْا بِالنُّذُرِ

۳۷

وَلَقَدْ رَاوَدُوهُ عَن ضَيْفِهِ فَطَمَسْنَا أَعْيُنَهُمْ فَذُوقُوا عَذَابِي

وَنُذِرِ

۳۸

وَلَقَدْ صَبَّحَهُمْ بُكْرَةً عَذَابٌ مُّسْتَقِرٌّ

۳۹

فَذُوقُوا عَذَابِي وَنُذِرِ

۴۰

وَلَقَدْ يَسَّرْنَا الْقُرْءَانَ لِلذِّكْرِ فَهَلْ مِنْ مُدَكِّرٍ

۴۱

وَلَقَدْ جَاءَ آءَالَ فِرْعَوْنَ النُّذُرِ

۴۶۵ر

۴۲

كَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كُلِّهَا فَأَخَذْنَاهُمْ أَخْذَ عَزِيزٍ مُّقْتَدِرٍ

۴۳

أَكْفَارِكُمْ خَيْرٌ مِّنْ أَوْلَادِكُمْ أَمْ لَكُمْ بَرَاءَةٌ فِي الزُّبُرِ

۴۴

أَمْ يَقُولُونَ نَحْنُ جَمِيعٌ مُّنتَصِرُونَ

۴۵

سَيَهْزِمُ الْجَمْعُ وَيُولُونَ الدُّبُرِ

۴۶

بَلِ السَّاعَةُ مَوْعِدُهُمْ وَالسَّاعَةُ أَدْهَىٰ وَأَمَرُّ

۴۷

إِنَّ الْمُجْرِمِينَ فِي ضَلَالٍ وَسُعُرٍ

۴۸

يَوْمَ يُسْحَبُونَ فِي النَّارِ عَلَىٰ وُجُوهِهِمْ ذُوقُوا مَسَّ سَقَرَ

۴۹

إِنَّا كُلَّ شَيْءٍ خَلَقْنَاهُ بِقَدَرٍ

و به آنها خبر ده که نوشیدن آب چشمه بین آنها و ناقه تقسیم شده (که یک روز سهم ناقه و روزی برای آنهاست) و هر یک بر سهم خود حاضر آیند.

آن قوم شقی صاحب و رئیس خود را خواندند تا مجهز شد و ناقه را پی کرد.

پس (باز بنگرید که) عذاب و تنبیه من چگونه سخت بود!

ما بر هلاک آنها یک صیحه (عذاب آسمانی) فرستادیم و همه مانند گیاه خشک و خرد شدند.

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

قوم لوط نیز آیات و رسول حق را تکذیب کردند.

ما هم جز خانواده لوط که به وقت سحر نجاتشان دادیم همه آنان را به سنگباران هلاک نابود کردیم.

نجات اهل بیت لوط هم به نعمت و لطف ما بود، بلی ما چنین شکرگزاران را پاداش می‌دهیم.

لوط آن قوم را از قهر و مواخذه ما ترسانید باز آنها در آیات ما شک و انکار کردند.

و قوم از او مهمانانش را (که فرشتگانی زیبا بودند، بر سوء قصد) طلبیدند، ما هم چشم آنها را بی‌نور و نابینا کردیم (و گفتیم که) اینک عذاب قهر و انتقام مرا بچشید.

و شبی به صبحگاه رسید که (مرگ آمد و) عذاب دایم (دوزخ) گریبانشان گرفت.

(و گفتیم) اینک عذاب قهر و انتقام مرا بچشید.

و ما قرآن را برای وعظ و اندرز بر فهم آسان کردیم آیا کسی هست که از آن پند گیرد؟

و بر ارشاد فرعونیان هم رسول و آیات الهی آمد.

آنها همه آیات ما را تکذیب کردند، ما هم به قهر و اقتدار خود از آنها سخت مواخذه کردیم.

آیا کفار شما (مکّیان) بهتر (و قوی‌تر) از آن امام گذشته‌اند یا شما را برائت و امانی در کتب (آسمانی از عذاب خدا) هست؟

بلکه می‌گویند: ما با هم مجتمع و بسیاریم و پیروزیم.

به زودی آن جماعت (در جنگ بدر) شکست خورده و به جنگ پشت کنند.

بلکه ساعت قیامت وعده‌گاه آنهاست و آن روزی بسیار سخت‌تر و ناگوارتر (از روز بدر) است.

البته بدکاران عالم (در دنیا) به گمراهی و (در آخرت) در آتش سوزان دوزخند.

روزی که آنها را به رو در آتش دوزخ کشند (و گویند) اینک الم جهنم را بچشید!

ما هر چه آفریدیم به اندازه آفریدیم.

وَمَا أَمْرُنَا إِلَّا وَاحِدَةٌ كَلَمْحٍ بِالْبَصَرِ

۵۱

وَلَقَدْ أَهْلَكْنَا أَشْيَاعَكُمْ فَهَلْ مِنْ مُدَّكِرٍ

۵۲

وَكُلُّ شَيْءٍ فَعَلُوهُ فِي الزُّبُرِ

۵۳

وَكُلُّ صَغِيرٍ وَكَبِيرٍ مُسْتَطَرٌّ

۵۴

إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَنَهَرٍ

۵۵

فِي مَقْعَدِ صِدْقٍ عِنْدَ مَلِيكٍ مُّقْتَدِرٍ

۴ صفحه

۷۸ آیه

مدنی

الرَّحْمَنُ: بخشاینده

۵۵. رحمن

خدای بخشنده،

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الرَّحْمَنُ

۱  
حزب  
۲۱۳  
۴۶۶ر

(به رسولش) قرآن آموخت.

عَلَّمَ الْقُرْآنَ

۲

انسان را خلق کرد.

خَلَقَ الْإِنْسَانَ

۳

به او تعلیم نطق و بیان فرمود.

عَلَّمَهُ الْبَيَانَ

۴

خورشید و ماه به حساب معین به گردشند.

الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ بِحُسْبَانٍ

۵

و گیاهان و درختان هم به سجده او سر به خاک اطاعت نهاده‌اند.

وَالنَّجْمُ وَالشَّجَرُ يَسْجُدَانِ

۶

و آسمان را او کاخی رفیع گردانید و میزان (عدل و نظم) را در عالم وضع فرمود.

وَالسَّمَاءَ رَفَعَهَا وَوَضَعَ الْمِيزَانَ

۷

(و حکم کرد) که هرگز در میزان (عدل و احکام شرع من) تعدی و نافرمانی نکنید.

أَلَّا تَطْغَوْا فِي الْمِيزَانِ

۸

و هر چیز را به ترازوی عدل و انصاف بسنجید و هیچ در میزان کم فروشی و نادرستی نکنید.

وَأَقِيمُوا الْوَزْنَ بِالْقِسْطِ وَلَا تُخْسِرُوا الْمِيزَانَ

۹

و زمین را (با هزاران نعمت) برای (زندگانی) خلق مقرر فرمود.

وَالْأَرْضَ وَضَعَهَا لِلْأَنَامِ

۱۰

که در آن میوه‌های گوناگون و نخل خرما با پوشش برگ و شکوفه و غلاف است.

فِيهَا فَاكِهَةٌ وَالنَّخْلُ ذَاتُ الْأَكْمَامِ

۱۱

و هم حبوبات متنوع که دارای برگ و گل است و نیز ریاحین است.

وَالْحَبُّ ذُو الْعَصْفِ وَالرَّيْحَانُ

۱۲

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۱۳

انسان را خدا از خشک گلی مانند گل کوزه گران (بدین حسن و زیبایی) آفرید.

خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ صَلْصَلٍ كَالْفَخَّارِ

۱۴

و جنیان را از رخشنده شعله آتش خلق کرد.

وَخَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِّن نَّارٍ

۱۵

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

فَبِأَيِّ آءَالَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۱۶

رَبُّ الْمَشْرِقَيْنِ وَرَبُّ الْمَغْرِبَيْنِ

۱۸ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

۱۹ مَرَجَ الْبَحْرَيْنِ يَلْتَقِيَانِ

۲۰ بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ

۲۱ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

۲۲ يَخْرُجُ مِنْهُمَا اللَّوْءُ وَالْمَرْجَانُ

۲۳ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

۲۴ وَلَهُ الْجَوَارِ الْمُنشَآتُ فِي الْبَحْرِ كَالْأَعْلَمِ

۲۵ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

۲۶ كُلُّ مَنْ عَلَيْهَا فَانٍ

۴۶۷

۲۷ وَيَبْقَى وَجْهَ رَبِّكَ ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

۲۸ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

۲۹ يَسْأَلُهُ مَنْ فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ كُلَّ يَوْمٍ هُوَ فِي شَأْنٍ

۳۰ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

۳۱ سَنَفَعُ لَكُمْ أَيُّهَ الثَّقَلَانِ

۳۲ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

۳۳ يَمَعَشَرَ الْجَنِّ وَالْإِنْسِ إِنِ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تَنْفُذُوا مِنْ أَقْطَارِ  
السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ فَاَنْفُذُوا لَا تَنْفُذُونَ إِلَّا بِسُلْطَنِ

۳۴ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

۳۵ يُرْسَلُ عَلَيْكُمَا شَوْاظٌ مِّن نَّارٍ وَنُحَاسٌ فَلَا تَنْتَصِرَانِ

۳۶ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

۳۷ فَإِذَا أَذْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ

۳۸ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

۳۹ فَيَوْمَئِذٍ لَا يُسْأَلُ عَنْ ذَنْبِهِ إِنْسٌ وَلَا جَانٌّ

۴۰ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكذِّبَانِ

آن خدایی که آفریننده دو مشرق و دو مغرب است (یکی مشرق و مغرب تابستان مطلع سرطان، و یکی زمستان مطلع جدی).

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

اوست که دو دریا (ی آب شور و گوارا) را به هم در آمیخت تا به هم برخورد کنند.

و میان آن دو دریا برزخ و فاصله‌ای است که تجاوز به حدود یکدیگر نمی‌کنند.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

از آن دو دریا لؤلؤ و مرجان گرانبها بیرون آید.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

و او راست کشتیهای بزرگ بادبان برافراشته مانند کوه که به دریا در گردشند.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

هر که روی زمین است دستخوش مرگ و فناست.

و زنده ابدی ذات خدای با جلال و عظمت توست.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

هر که در آسمانها و زمین است همه از او (حوائج خود را) می‌طلبند و او هر روز به شأن و کاری (در تکمیل و افاضه به خلق) پردازد.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

ای گروه انس و جنّ به زودی به حساب کار شما هم خواهیم پرداخت.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

ای گروه جنّ و انس، اگر می‌توانید از اطراف آسمانها و زمین (و از قبضه قدرت الهی) بیرون شوید، بیرون شوید (ولی این خیال محالی است زیرا) هرگز خارج از ملک و سلطنت خدا نتوانید شد.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

(اگر به کفر و طغیان گرایید) بر شما شراره‌های آتش و مس گداخته فروریخته شود و هیچ نصرت و نجاتی نیابید.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

پس آن‌گاه که آسمان شکافته شود تا چون گل سرخ گون و چون روغن مذاب و روان گردد (آن روز سخت هولناک از گنه پشیمان شوید).

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

پس در آن روز هیچ از گناه انس و جنّ باز نپرسند (چون خدا و فرشتگان از گناهان خلق آگاهند).

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

يُعْرِفُ الْمُجْرِمُونَ بِسِيمَاهُمْ فَيُؤْخَذُ بِالنَّوَصِي وَالْأَقْدَامِ

۴۲ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۴۳ هَذِهِ جَهَنَّمُ الَّتِي يُكَذِّبُ بِهَا الْمُجْرِمُونَ

۴۴ يَطُوفُونَ بَيْنَهَا وَبَيْنَ حَمِيمٍ آانِ

۴۵ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۴۶ وَلَمَنْ خَافَ مَقَامَ رَبِّهِ جَنَّاتٍ

۴۶۸

۴۷ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۴۸ ذَوَاتًا أَفْنَانٍ

۴۹ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۵۰ فِيهِمَا عَيْنَانِ تَجْرِيَانِ

۵۱ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۵۲ فِيهِمَا مِنْ كُلِّ فَاكِهَةٍ زَوْجَانِ

۵۳ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

مُتَّكِيْنَ عَلَى فُرُشٍ بَطَآئِنُهَا مِنْ إِسْتَبْرَقٍ وَجَنَى الْجَنَّتَيْنِ

۵۴

دَانِ

۵۵ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۵۶ فِيهِنَّ قَلْصِرَاتُ الْطَّرْفِ لَمْ يَطْمِئُنَّ نِئْسٌ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانُّ

۵۷ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۵۸ كَأَنَّهُنَّ الْيَاقُوتُ وَالْمَرْجَانُ

۵۹ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۶۰ هَلْ جَزَاءُ الْإِحْسَنِ إِلَّا الْإِحْسَنُ

۶۱ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۶۲ وَمِنْ دُونِهِمَا جَنَّتَانِ

۶۳ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۶۴ مُدَّهَامَّتَانِ

۶۵ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

۶۶ فِيهِمَا عَيْنَانِ نَضَّخَتَانِ

۶۷ فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

(آن روز) بدکاران به سیمایشان شناخته شوند، پس موی پیشانی آنها را با پاهایشان بگیرند (و در آتش دوزخ افکنند).

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

این همان دوزخی است که بدکاران تکذیب می‌کردند.

اینک میان آن جهنّم و در حمیم سوزان آن می‌گردند.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

و هر که از مقام (قهر و کبریایی) خدایش بترسد او را دو باغ بهشت خواهد بود.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

در آن دو بهشت انواع گوناگون میوه‌ها و نعمتهاست.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

در آن دو بهشت دو چشمه آب (تسنیم و سلسبیل) روان است.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

در آن دو بهشت از هر میوه‌ای دو نوع است.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

در حالتی که بهشتیان بر بسترهایی که آستر آنها از حریر و استبرق است (در کمال عزّت) تکیه زده‌اند و میوه درختانش در همان تکیه‌گاه در دسترس آنهاست.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

در آن بهشتها زنان زیبای با حیائی است (که به چشم پر ناز جز به شوهر خود ننگردند) و دست هیچ کس از جن و انس پیش از آنها بدان زنان نرسیده است.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

آن زنان حور العین (در صفا و لطافت) گویی یاقوت و مرجانند.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

آیا پاداش نکویی و احسان جز نکویی و احسان است؟

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

و ورای آن دو بهشت دو بهشت دیگر است.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

که درختان آن دو بهشت در منتهای سبزی و خرّمی است.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

در آن دو بهشت دیگر هم دو چشمه آب گوارا می‌جوشد.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

فِيهِمَا فَكَيْهَةٌ وَنَخْلٌ وَرُمَّانٌ

فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

فِيهِنَّ خَيْرَاتٌ حِسَانٌ

فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

حُورٌ مَّقْصُورَاتٌ فِي الْخِيَامِ

فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

لَمْ يَطْمِئْتُنَّ إِذْ نُسَّ قَبْلَهُمْ وَلَا جَانٌّ

فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

مُتَّكِعِينَ عَلَى رَفْرَفٍ خُضْرٍ وَعَبْقَرِيٍّ حِسَانِ

فَبِأَيِّ آءَاءِ رَبِّكُمَا تُكَذِّبَانِ

تَبَّرَكَ اسْمُ رَبِّكَ ذِي الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

در آن بهشتها نیکو زنان با حسن و جمال بسیارند.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

حورانی در سراپرده‌های خود (مستور از چشم بیگانگان).

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

که پیش از شوهران دست هیچ کس از جن و انس بدان زنان نرسیده است.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

در حالتی که بهشتیان (با حور العین) بر رفر ف سبز (وجد و عزّت) و بساط زیبا (ی فخر و دولت) تکیه زده‌اند.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

بزرگوار و مبارک نام پروردگار توست که خداوند جلال و عزّت و احسان و کرامت است.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

(اا ای جنّ و انس) کدامین نعمتهای خدایتان را انکار می‌کنید؟

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

بزرگوار و مبارک نام پروردگار توست که خداوند جلال و عزّت و احسان و کرامت است.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

بزرگوار و مبارک نام پروردگار توست که خداوند جلال و عزّت و احسان و کرامت است.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

**۵۶. واقعه**
**الْوَاقِعَةُ**: پیشامد
  مکی
   ۹۶ آیه
   ۴ صفحه

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

**۱**
**بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ**
**إِذَا وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ**
**حزب**
**۲۱۴**
**۴۶۹۹**

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

هنگامی که آن واقعه بزرگ (قیامت) واقع می‌گردد.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

**۲**
**لَيْسَ لَوْعَتِهَا كاذِبَةٌ**
**حزب**
**۲۱۴**
**۴۶۹۹**

که در وقوعش هیچ کذب و جای هیچ شک و ریب نیست.

آن روز (قومی را به دوزخ) خوار و ذلیل کند و (طایفه‌ای را به جنت) سربلند و رفیع گرداند.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

آن‌گاه که زمین شدید به حرکت و لرزه در آید.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

و کوههای سخت متلاشی شوند.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

و مانند ذرات گرد در هوا پراکنده گردند.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

و شما خلیق بر سه دسته مختلف شوید.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

گروهی راستان، اصحاب یمین باشند که چقدر حالشان (در بهشت ابد) نیکوست!

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

و گروهی ناراستان، اصحاب شومی و شقاوتند که چقدر روزگارشان (در دوزخ) سخت است.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

و (طایفه سوم) آنان که (مشتاقانه در ایمان) بر همه پیشی گرفتند و (در اطاعت خدا و رسول) مقام تقدم یافتند.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

آنان به حقیقت مقربان درگاهند.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

آنان در بهشت پرنعمت جاودانی متنعمند.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

آنها جمعی بسیار از امم پیشینیان هستند.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

و عدّه قلیلی از متأخران (یا بسیاری از مقدّمان امت محمّد ص و قلیلی از مردم آخر زمان این امت باشند).

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

آنان بر سریرهای زربفت مرصّع به انواع جواهر تکیه زنند.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

همه (شادان) با یاران و دوستان رو به روی یکدیگر بر آن سریرهای عزّت می‌نشینند.

در آن دو بهشت نیز هرگونه میوه خوش و خرما و انار بسیار است.

يَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ

۱۸ بِأَكْوَابٍ وَأَبَارِيقٍ وَكَأْسٍ مِّن مَّعِينٍ

۱۹ لَا يُصَدَّعُونَ عَنْهَا وَلَا يُنْفُونَ

۲۰ وَفَكَهَّةٍ مِّمَّا يَتَخَيَّرونَ

۲۱ وَلَحْمِ طَيْرٍ مِّمَّا يَشْتَهُونَ

۲۲ وَحُورٌ عِينٌ

۲۳ كَأَمْثَلِ اللَّوْلُؤِ الْمَكْنُونِ

۲۴ جَزَاءً بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

۲۵ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا تَأْتِيًا

۲۶ إِلَّا قِيْلًا سَلَامًا سَلَامًا

۲۷ وَأَصْحَابُ الْيَمِينِ مَا أَصْحَابُ الْيَمِينِ

۲۸ فِي سِدْرٍ مَّخْضُودٍ

۲۹ وَطَلْحٍ مَّنضُودٍ

۳۰ وَظِلٍّ مَّمْدُودٍ

۳۱ وَمَاءٍ مَّسْكُوبٍ

۳۲ وَفَكَهَّةٍ كَثِيرَةٍ

۳۳ لَا مَقْطُوعَةٍ وَلَا مَمْنُوعَةٍ

۳۴ وَفُرُشٍ مَّرْفُوعَةٍ

۳۵ إِنَّا أَنْشَأْنَاهُنَّ إِنشَاءً

۳۶ فَجَعَلْنَاهُنَّ أَبْكَارًا

۳۷ عُرْبًا أَتْرَابًا

۳۸ لِأَصْحَابِ الْيَمِينِ

۳۹ ثَلَاثَةٌ مِنَ الْأَوَّلِينَ

۴۷۰

۴۰ وَثَلَاثَةٌ مِنَ الْآخِرِينَ

۴۱ وَأَصْحَابُ الشِّمَالِ مَا أَصْحَابُ الشِّمَالِ

۴۲ فِي سَمُومٍ وَحَمِيمٍ

۴۳ وَظِلٍّ مِّن يَحْمُومٍ

۴۴ لَا بَارِدٍ وَلَا كَرِيمٍ

۴۵ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُتْرَفِينَ

۴۶ وَكَانُوا يُصِرُّونَ عَلَى الْحِنثِ الْعَظِيمِ

۴۷ وَكَانُوا يَقُولُونَ أَيُّدَا مِئْنَا وَكُنَّا تُرَابًا وَعِظْمًا أَعِنَّا لَمَبْعُوثُونَ

۴۸ أَوْ عَابَاؤُنَا الْأَوَّلُونَ

۴۹ قُلْ إِنَّ الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ

۵۰ لَمَجْمُوعُونَ إِلَىٰ مِيقَاتِ يَوْمٍ مَّعْلُومٍ

و پسرانی زیبا که حسن و جوانیشان همیشگی و ابدی است گرد آنها به خدمت می‌گردند.

با کوزه‌ها (ی بلورین) و مشربه‌ها (ی زرّین) و جامهای پر از شراب ناب.

نه هرگز از آنها (هر چه نوشند) دردسری یابند و نه مستی عقل و رنج خمار کشند.

و میوه خوش از هر چه برگزینند،

و گوشت مرغان و هر غذا که مایل باشند،

و زنان سیه چشم زیبا صورت،

که (در بها، و لطافت) چون درّ و لؤلؤ مکتونند (بر آنها مهیاست).

(این نعمتهای الهی) پاداش اعمال نیک آن بهشتیان است.

نه آنجا هیچ حرفی لغو و بیهوده شنوند و نه به یکدیگر گناهی بریندند.

هیچ جز سلام و تحیت و احترام هم نگویند و نشنوند.

و اصحاب یمین هم چه خوش روزگارند!

در سایه درختان سدر پرمیوه بی‌خار.

و درختان پربرگ سایه‌دار.

و در سایه بلند درختان.

و در طرف نهر آبهای روان زلال.

و میوه‌های بسیار.

که هیچ وقت منقطع نشود و هیچ کس بهشتیان را از آن میوه‌ها منع نکند.

و فرشهای پربها (یا فراش و زنان زیبا).

که آنها را ما در کمال حسن و زیبایی بیافریده‌ایم.

و همیشه آن زنان را با کره گردانیده‌ایم.

و شوهر دوست و با غنچ و ناز و جوان و همسالان دلنواز.

این نعمتهای بهشتی مخصوص اصحاب یمین است.

که جمعی از پیشینیان،

و جمعی از امت رسول آخر زمان هستند.

و اما اصحاب شومی و شقاوت (که نامه عملشان به دست چپ است) چقدر روزگارشان سخت است!

آنها در عذاب باد سموم و آب گرم باشند.

و سایه‌ای از دود آتش دوزخ.

که نه هرگز سرد شود و نه خوش نسیم گردد.

این عذاب آنها را بدین سبب است که از این پیش به ناز و نعمت پرداختند.

و بر گناه بزرگ (شرک و عناد) لجابت و اصرار داشتند.

و دایم می‌گفتند: آیا ما چون مردیم و خاک و استخوان پوسیده شدیم باز هم ما زنده می‌شویم؟

و آیا پدران گذشته ما زنده خواهند شد؟

بگو: البته تمام خلق اولین و آخرین،

همه در وعده گاه روز معین محشر گرد آورده می‌شوند.

ثُمَّ إِنَّكُمْ أَيْهَا الضَّالُّونَ الْمُكَذِّبُونَ

آن گاه شما ای گمراهان منکر (قیامت).

۵۲ لَا كَلُونََ مِنْ شَجَرٍ مِّنْ زُقُومٍ

از درخت ز قَوم تلخ دوزخ البته خواهید خورد.

۵۳ فَمَالِئُونَ مِنْهَا الْبُطُونَ

تا آنکه شکم را از آن پر می‌سازید.

۵۴ فَشَرِبُونَ عَلَيْهِ مِنَ الْحَمِيمِ

آن‌گاه همه از آب گرم جهنم بر روی آن می‌آشامند.

۵۵ فَشَرِبُونَ شُرْبَ الْهَيْمِ

بدان‌سان از عطش، آن آب را می‌نوشید که شتران تشنه آب می‌آشامند.

۵۶ هَذَا نُزُلُهُمْ يَوْمَ الدِّينِ

این است طعام و شراب کافران در روز جزا.

۵۷ نَحْنُ خَلَقْنَاكُمْ فَلَوْلَا تُصَدِّقُونَ

ما شما را بیافریدیم پس چرا تصدیق نمی‌کنید؟

۵۸ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تُمْنُونَ

آیا ندیدید (و به حقیقت در نیافتید) که نخست شما نطفه‌ای (بی‌قدر و قابلیت) بودید؟

۵۹ ءَأَنْتُمْ تَخْلُقُونَهُ أَمْ نَحْنُ الْخَالِقُونَ

آیا شما خود آن نطفه را (به صورت فرزند انسان) می‌آفرینید یا ما آفریننده‌ایم؟

۶۰ نَحْنُ قَدَرْنَا بَيْنَكُمْ الْمَوْتَ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

ما مرگ را بر همه شما مقدر ساختیم و هیچ کس بر قدرت ما سبق نتواند برد.

۶۱ عَلَىٰ أَنْ تُبَدِّلَ أَمْثَلَكُمْ وَنُنشِئَكُمْ فِي مَا لَا تَعْلَمُونَ

در اینکه شما را فانی کرده و خلقی دیگر مثل شما بیافرینیم و شما را به صورتی (در جهانی دیگر) که اکنون از آن بی‌خبرید برانگیزیم.

۶۲ وَلَقَدْ عَلِمْتُمُ النَّشْأَةَ الْأُولَىٰ فَلَوْلَا تَذَكَّرُونَ

و بی‌شک شما از نشأه اول خود آگاه شدید (که از عدم به وجودتان آوردیم) پس چرا متذکر (عالم آخرت) نمی‌شوید؟

۶۳ أَفَرَأَيْتُمْ مَا تَحْرُثُونَ

آیا دیدید تخمی را که در زمین می‌کارید؟

۶۴ ءَأَنْتُمْ تَزْرَعُونَهُ أَمْ نَحْنُ الزَّارِعُونَ

آیا شما آن تخم را می‌رویابید یا ما رویابنده‌ایم؟

۶۵ لَوْ نَشَاءُ لَجَعَلْنَاهُ حُطَامًا فَظَلْتُمْ تَفَكَّهُونَ

اگر ما بخواهیم کشت و زرع شما را خشک و تباه می‌سازیم تا با حسرت و ندامت به سخنان بیهوده پردازید.

۶۶ إِنَّا لَمُعْرَمُونَ

(و گوئید) که ما سخت در زیان و غرامت افتادیم.

۶۷ بَلْ نَحْنُ مَحْرُومُونَ

بلکه به کلی محروم گردیدیم.

۶۸ أَفَرَأَيْتُمُ الْمَاءَ الَّذِي تَشْرَبُونَ

آیا آبی را که شما می‌نوشید متوجهید؟

۶۹ ءَأَنْتُمْ أَنْزَلْتُمُوهُ مِنَ الْمُزْنِ أَمْ نَحْنُ الْمُنزِلُونَ

آیا شما آن آب را از ابر فرو ریختید یا ما نازل ساختیم؟

۷۰ لَوْ نَشَاءُ جَعَلْنَاهُ أُجَاجًا فَلَوْلَا تَشْكُرُونَ

اگر می‌خواستیم آن آب را شور و تلخ می‌گردانیدیم، پس چرا شکرگزاری نمی‌کنید؟!

۷۱ أَفَرَأَيْتُمُ النَّارَ الَّتِي تُورُونَ

آیا آتشی که روشن می‌کنید می‌نگرید؟

۷۲ ءَأَنْتُمْ أَنْشَأْتُمْ شَجَرَتَهَا أَمْ نَحْنُ الْمُنشِئُونَ

آیا شما درخت آن را آفریدید یا ما آفریدیم؟

۷۳ نَحْنُ جَعَلْنَاهَا تَذَكُّرًا وَمَتَاعًا لِلْمُقْوِينَ

ما آن را مایه پند و عبرت و توشه مسافران (کوه و بیابان عالم) گردانیدیم.

۷۴ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

پس (ای رسول) به نام بزرگ خدای خود تسبیح گو.

۷۵ فَلَا أُقْسِمُ بِمَوَاقِعِ النُّجُومِ

سوگند به مواقع نزول ستارگان (با آیات کریمه قرآن).

۷۶ وَإِنَّهُ لَقَسَمٌ لَّو تَعْلَمُونَ عَظِيمٌ

و این سوگند اگر بدانید بسی سوگند بزرگی است.



إِنَّهُ لَقُرْءَانٌ كَرِيمٌ

که این قرآن کتابی بسیار بزرگوار و سودمند و گرامی است.

۷۸ فِي كِتَابٍ مَّكْنُونٍ

که در لوح محفوظ سرّ حق مقام دارد.

۷۹ لَا يَمَسُّهُ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ

که جز دست پاکان (و فهم خاصان) بدان نرسد.

۸۰ تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

تنزیلی از پروردگار عالم است.

۸۱ أَفَبِهَذَا الْحَدِيثِ أَنْتُمْ مُدْهِنُونَ

آیا با این سخن (آسمانی) باز انکار و نفاق می‌ورزید؟

۸۲ وَتَجْعَلُونَ رِزْقَكُمْ أَنْكُمْ تُكَذِّبُونَ

و بهره خود را تکذیب آن قرار می‌دهید؟

۸۳ فَالْوَالَا إِذَا بَلَغَتِ الْخُلُوفَ

پس چرا هنگامی که جان کسی به گلو رسد.

۸۴ وَأَنْتُمْ حِينِيذٍ تَنْظُرُونَ

و شما وقت مرگ (بر بالین آن مرده حاضرید و او را) می‌نگرید.

۸۵ وَنَحْنُ أَقْرَبُ إِلَيْهِ مِنْكُمْ وَلَكِنْ لَا تُبْصِرُونَ

و ما به او از شما نزدیکتریم لیکن شما بصیرت ندارید.

۸۶ فَالْوَالَا إِنْ كُنْتُمْ غَيْرَ مَدِينِينَ

پس چرا اگر حیات به دست شما و طبیعت است و شما را آفریننده‌ای نیست.

۸۷ تَرْجِعُونَهَا إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

روح را دوباره به بدن مرده باز نمی‌گردانید اگر راست می‌گویید؟

۸۸ فَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُقَرَّبِينَ

پس (بدانید آن که بمیرد) اگر از مقربان درگاه خداست.

۸۹ فَرَوْحٌ وَرَيْحَانٌ وَجَنَّتْ نَعِيمٍ

آنجا در آسایش و نعمت و بهشت ابدی است.

۹۰ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

و اگر از اصحاب یمین است.

۹۱ فَسَلِّمْ لَكَ مِنْ أَصْحَابِ الْيَمِينِ

پس (وی را بشارت دهید که) تو را (از هر رنج و درد و الم) ایمنی و سلامت است.

۹۲ وَأَمَّا إِنْ كَانَ مِنَ الْمُكَذِّبِينَ الضَّالِّينَ

و اما اگر از منکران و گمراهان است.

۹۳ فَنَزَّلُ مِنَ حَمِيمٍ

نصبیبش حمیم جهنم است.

۹۴ وَتَصْلِيَةٌ جَاجِيمٍ

و جایگاهش آتش دوزخ است.

۹۵ إِنَّ هَذَا لَهُوَ حَقُّ الْيَقِينِ

این (وعد و وعید) البته یقین و حق و حقیقت است.

۹۶ فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

پس به نام بزرگ خدای خود تسبیح گوی.

## ۵۷. حدید

الحَدِيد: آهن

مدنی

۲۹ آیه

۵ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبِّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش یکتا خدایی که مقتدر و حکیم است مشغولند.

لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ يُّحْيِي ۖ وَيُمِيتُ ۗ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ

شَيْءٍ قَدِيرٌ

آن خدایی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست، او زنده می‌گرداند و باز می‌میراند و اوست که بر همه چیز تواناست.

هُوَ الْأَوَّلُ وَالْآخِرُ وَالظَّاهِرُ وَالْبَاطِنُ ۗ وَهُوَ بِكُلِّ شَيْءٍ

عَلِيمٌ

اول و آخر هستی و پیدا و پنهان وجود همه اوست و او به همه امور عالم داناست.

هُوَ الَّذِي خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَىٰ  
عَلَى الْعَرْشِ ۗ يَعْلَمُ مَا يَلْجُ فِي الْأَرْضِ وَمَا يَخْرُجُ مِنْهَا وَمَا  
يَنْزِلُ مِنَ السَّمَاءِ وَمَا يَعْرُجُ فِيهَا ۗ وَهُوَ مَعَكُمْ أَيْنَ مَا  
كُنْتُمْ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

لَهُ مَلِكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ ۗ وَاللَّهُ تَرْجَعُ الْأُمُورُ

يُولِجُ اللَّيْلَ فِي النَّهَارِ وَيُؤَلِّجُ النَّهَارَ فِي اللَّيْلِ ۗ وَهُوَ عَلِيمٌ  
بِذَاتِ الصُّدُورِ

ءَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَأَنْفِقُوا مِمَّا جَعَلَكُمْ مُسْتَخْلِفِينَ  
فِيهِ ۗ فَالَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَأَنْفَقُوا لَهُمْ أَجْرٌ كَبِيرٌ

وَمَا لَكُمْ لَا تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالرَّسُولِ يَدْعُوكُمْ لِتُؤْمِنُوا  
بِرَبِّكُمْ وَقَدْ أَخَذَ مِيثَاقَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ

هُوَ الَّذِي يُنَزِّلُ عَلَىٰ عَبْدِهِ ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَكُمْ مِّنَ  
الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَإِنَّ اللَّهَ بِكُمْ لَرَءُوفٌ رَّحِيمٌ

وَمَا لَكُمْ أَلَّا تُنْفِقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلِلَّهِ مِيرَاثُ السَّمَوَاتِ  
وَالْأَرْضِ ۗ لَا يَسْتَوِي مِنْكُمْ مَّنْ أَنْفَقَ مِن قَبْلِ الْفَتْحِ  
وَقَتْلِ أَوْلِيكَ أَعْظَمَ دَرَجَةً مِّنَ الَّذِينَ أَنْفَقُوا مِن بَعْدِ  
وَقَتَلُوا وَكَلَّا وَعَدَّ اللَّهُ الْحُسْنَىٰ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

مَّن ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا فَيُضْعِفُهُ لَهُ ۗ وَلَهُ وَ  
أَجْرٌ كَرِيمٌ

اوست خدایی که آسمانها و زمین را در شش روز (و شش  
مرتبه کلی ظهور وجود) بیافرید آن‌گاه بر عرش (تدبیر عالم)  
قرار گرفت، او هر چه در زمین فرو رود و هر چه از آن  
برآید و آنچه از آسمان نازل شود و آنچه به آن بالا رود همه  
را می‌داند و هر کجا باشید او با شماست و خدا به هر چه  
کنید بیناست.

آسمانها و زمین همه ملک اوست و رجوع تمام امور عالم به  
سوی خداست.

شب را در (پرده زرین) روز نماند و روز را در (خیمه  
سیاه) شب پنهان سازد و به اسرار دل‌های خلق هم آگاه  
است.

(اا ای بندگان) به خدا و رسول او ایمان آرید و از آنچه شما  
را در آن وارث گذشتگان گردانید (به راه خدا) انفاق کنید،  
پس بر آنان که از شما ایمان آوردند و انفاق کردند پاداش  
بزرگ (بهشت ابد) خواهد بود.

و برای چه شما به خدا ایمان نیاورید در صورتی که رسول  
حق شما را (به آیات و معجزات) به راه ایمان به پروردگارتان  
دعوت می‌کند و خدا هم (در فطرت و عقل) از شما پیمان  
ایمان گرفته است اگر (قابلیت) ایمان دارید.

اوست خدایی که بر بنده خود (محمد مصطفی صلی الله علیه  
و آله) آیات قرآن روشن بیان را نازل می‌کند تا شما را از  
ظلمات (جهل و عصیان) بیرون آرد و به نور (علم و ایمان)  
رهبری کند و خدا بسیار در حق شما مشفق و مهربان است.

و برای چه در راه خدا انفاق نکنید در صورتی که (شما با  
ملک و مالتان روز مرگ فانی شوید و) وارث تمام (اهل)  
آسمانها و زمین خداست؟! آن مسلمانانی که پیش از فتح  
(مکه زمان ضعف اسلام) در راه دین انفاق و جهاد کردند با  
دیگران مساوی نیستند، آنها اجر و مقامشان بسیار عظیم‌تر  
از کسانی است که بعد از فتح (و قدرت اسلام) انفاق و جهاد  
کردند و لیکن خدا به همه وعده نیکوترین پاداش را (که  
بهشت ابد است) داده و خدا به هر چه کنید آگاه است.

آن کیست که به خدا قرض نیکو دهد (یعنی قرض الحسنه  
و صدقه دهد و احسان به فقیران کند) تا خدا بر او چندین  
برابر گرداند و او را پاداشی با لطف و کرامت باشد؟

يَوْمَ تَرَى الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ يَسْعَى نُورُهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ  
وَبِأَيْمَانِهِمْ بُشْرَانِكُمْ الْيَوْمَ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
خَالِدِينَ فِيهَا ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

يَوْمَ يَقُولُ الْمُنْفِقُونَ وَالْمُنْفِقَاتُ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا انظُرُونَا  
نَقْتَبِسْ مِنْ نُورِكُمْ قِيلَ ارْجِعُوا وَرَاءَكُمْ فَالْتَمِسُوا نُورًا  
فَضُرِبَ بَيْنَهُمْ بِسُورٍ لَهُؤ بَابٌ بَاطِنُهُ فِيهِ الرَّحْمَةُ وَظَاهِرُهُ  
مِنْ قَبْلِهِ الْعَذَابُ

يُنَادُونَهُمْ أَلَمْ نَكُنْ مَعَكُمْ قَالُوا بَلَىٰ وَلَكِنَّكُمْ فَتَنْتُمْ  
أَنْفُسَكُمْ وَتَرَبَّصْتُمْ وَارْتَبْتُمْ وَغَرَّتْكُمُ الْأَمَانِيُّ حَتَّىٰ جَاءَ  
أَمْرُ اللَّهِ وَغَرَّكُمْ بِاللَّهِ الْعُرُورُ

فَالْيَوْمَ لَا يُؤْخَذُ مِنْكُمْ فِدْيَةٌ وَلَا مِنَ الَّذِينَ كَفَرُوا  
مَا أَوْلَكُمُ النَّارُ هِيَ مَوْلَاكُمْ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ  
مِنَ الْحَقِّ وَلَا يَكُونُوا كَالَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ مِنْ قَبْلُ  
فَطَالَ عَلَيْهِمُ الْأَمَدُ فَقَسَتْ قُلُوبُهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

أَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ يَحِي الْأَرْضَ بَعْدَ مَوْتِهَا قَدْ بَيَّنَّا لَكُمْ  
الْآيَاتِ لَعَلَّكُمْ تَعْقِلُونَ

إِنَّ الْمُصَدِّقِينَ وَالْمُصَدِّقَاتِ وَأَقْرَضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا  
يُضَعْفُ لَهُمْ وَلَهُمْ أَجْرٌ كَرِيمٌ

(ای رسول ما یاد آر) روزی که مردان و زنان مؤمن شمشعه نور ایمانشان پیش رو و سمت راست آنها بشتابد (و آنان را مژده دهند که) امروز شما را به بهشتی که نهرها زیر درختانش جاری است بشارت باد که در آن بهشت جاودان خواهید بود. این همان سعادت و فیروزی بزرگ است.

و باز آن روز مردان و زنان منافق به اهل ایمان گویند: مشتایید و به ما فرصتی دهید تا ما هم از نور شما روشنایی بگیریم. در پاسخ به آنها گویند: واپس گردید (یعنی اگر می‌توانید به دنیا بازگردید) و از آنجا نور طلبید. در این گفتگو باشند که بین آن دوزخیان با اهل بهشت حصاری حایل گردد و بر آن حصار دری باشد که باطن و درون آن در، بهشت رحمت است و از جانب ظاهر آن عذاب جهنم خواهد بود.

باز منافقان (بهشتیان را) ندا کنند که آخر نه ما هم با شما بودیم؟ آنها جواب دهند: بلی راست می‌گویید لیکن شما (به نفاق با خدا) خود را به فتنه افکندید و انتظار (هلاکت مؤمنان) داشتید و (در کار دین) به شک و ریب بودید و آرزوهای دنیا فریبتان داد تا وقتی که امر خدا (یعنی مرگ) فرا رسید و شیطان فریبنده شما را غافل و مغرور گردانید.

پس امروز (بر نجات هیچ یک) از شما منافقان و کافران فدیة و عوض نپذیرند، همه منزلگاهتان آتش دوزخ است و آن آتش شما را سزاوارتر است و بسیار به بد منزلی باز می‌گردید.

آیا نوبت آن نرسید که گرویدگان (ظاهری از باطن به خدا بگردند و) دلهاشان به یاد خدا خاشع گردد و به آنچه از حق نازل شد بذل توجه کنند و مانند کسانی که پیش از این برایشان کتاب آسمانی آمد (یعنی یهود و نصاری) نباشند که دوره طولانی (زمان فترت) بر آنها گذشت و دلهاشان زنگ قساوت گرفت و بسیاری فاسق و نابکار شدند؟

بدانید که خداست که زمین را پس از مرگ (خزان) زنده می‌گرداند. ما آیات و ادله (قدرت خود) را برای شما بیان کردیم تا مگر فکر و عقل به کار بندید.

همانا مردان و زنانی که در راه خدا (به فقیران) صدقه و احسان کنند و به خدا قرض نیکو دهند (یعنی به محتاجان قرض الحسنه دهند) احسان آنها را چندین برابر سازند و پاداش با لطف و کرامت نیز خواهند داشت.

وَالَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِۦٓ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّٰدِقُونَ  
وَالشُّهَدَاءُ عِنْدَ رَبِّهِمْ لَهُمْ أَجْرُهُمْ وَنُورُهُمْ وَالَّذِينَ كَفَرُوا  
وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ الْجَحِيمِ

أَعْلَمُوا أَنَّمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا لَعِبٌ وَلَهُمْ وِزِينَةٌ وَتَفَاخُرٌ  
بَيْنَكُمْ وَتَكَاثُرٌ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ كَمَثَلِ غَيْثٍ  
أَعْجَبَ الْكُفَّارَ نَبَاتُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَكُونُ  
حُطَمًا ۗ فِي الْأٰخِرَةِ عَذَابٌ شَدِيدٌ وَمَغْفِرَةٌ مِّنَ اللَّهِ  
وَرِضْوَانٌ وَمَا الْحَيٰوةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْعُرُورِ

سَابِقُوا إِلَىٰ مَغْفِرَةٍ مِّن رَّبِّكُمْ وَجَنَّةٍ عَرْضُهَا كَعَرْضِ  
السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ أُعِدَّتْ لِلَّذِينَ ءَامَنُوا بِاللَّهِ وَرُسُلِهِۦٓ ذَٰلِكَ  
فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَآءُ ۗ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

مَا أَصَابَ مِّن مُّصِيبَةٍ فِي الْأَرْضِ وَلَا فِي أَنفُسِكُمْ إِلَّا فِي  
كِتَابٍ مِّن قَبْلِ أَنْ نَبْرَأَهَا ۚ إِنَّ ذَٰلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

لِكَيْلَا تَأْسَوْا عَلَىٰ مَا فَاتَكُمْ وَلَا تَفْرَحُوا بِمَا ءَاتَكُمْ ۗ  
وَاللَّهُ لَا يُحِبُّ كُلَّ مُخْتَالٍ فَخُورٍ

الَّذِينَ يَبْخَلُونَ وَيَأْمُرُونَ النَّاسَ بِالْبُخْلِ ۗ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ  
اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

و آنان که به خدا و رسولانش ایمان آوردند به حقیقت راستگویان عالمند و برایشان نزد خدا اجر شهیدان است، پاداش اعمال و نور ایمانشان را (در بهشت) می‌یابند. و آنان که کافر شده و آیات ما را تکذیب کردند آنها اهل آتش دوزخند.

بدانید که زندگانی دنیا به حقیقت بازیچه‌ای است طفلانه و لهو و عیاشی و زیب و آرایش و تفاخر و خودستایی با یکدیگر و حرص افزودن مال و فرزندان. در مثل مانند بارانی است که گیاهی در پی آن از زمین بروید که برزگران (یا کفار دنیاپرست) را به شگفت آورد و سپس بنگری که زرد و خشک شود و بیوسد. و در عالم آخرت (دنیا طلبان را) عذاب سخت جهنم و (مؤمنان را) آمرزش و خشنودی حق نصیب است. و باری، بدانید که زندگانی دنیا جز متاع فریب و غرور چیزی نیست.

به سوی آمرزش پروردگارتان بشتابید و به راه بهشتی که عرضش به قدر پهنای آسمان و زمین است و برای اهل ایمان به خدا و پیمبرانش مهیا گردیده. این فضل خداست که به هر کس خواهد عطا می‌کند و خدا دارای فضل و کرم بسیار عظیم است.

هر رنج و مصیبتی که در زمین (از قحطی و آفت و فقر و ستم) یا در نفس خویش (چون ترس و غم و درد و الم) به شما رسد همه در کتاب (لوح محفوظ ما) پیش از آنکه همه را (در دنیا) ایجاد کنیم ثبت است و البته این کار بر خدا آسان است.

(این تقدیر حق را بدانید) تا هرگز بر آنچه از دست شما رود دل‌تنگ نشوید و به آنچه به شما می‌دهد مغرور و دلشاد نگردید، و خدا دوستدار هیچ متکبر خودستایی نیست.

همان متکبرانی که خودشان (در احسان به فقیران) بخل می‌ورزند و مردم را هم به بخل و منع احسان وا می‌دارند. و هر که روی (از اطاعت حق) بگرداند خدا به کلی بی‌نیاز و ستوده صفات است.

لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ  
وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ وَأَنْزَلْنَا الْحَدِيدَ فِيهِ بَأْسٌ  
شَدِيدٌ وَمَنْفَعٌ لِلنَّاسِ وَلِيَعْلَمَ اللَّهُ مَنْ يَنْصُرُهُ وَرُسُلَهُ  
بِالْغَيْبِ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

وَلَقَدْ أَرْسَلْنَا نُوحًا وَإِبْرَاهِيمَ وَجَعَلْنَا فِي ذُرِّيَّتِهِمَا النَّبُوَّةَ  
وَالْكِتَابَ فَمِنْهُمْ مُهْتَدٍ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

ثُمَّ قَفَّيْنَا عَلَىٰ عَائِثِهِمْ بِرُسُلِنَا وَقَفَّيْنَا بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ  
وَعَاتَيْنَاهُ الْإِنْجِيلَ وَجَعَلْنَا فِي قُلُوبِ الَّذِينَ اتَّبَعُوهُ رَأْفَةً  
وَرَحْمَةً وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ  
رِضْوَانِ اللَّهِ فَمَا رَعَوْهَا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَيْنَا الَّذِينَ آمَنُوا  
مِنْهُمْ أَجْرَهُمْ وَكَثِيرٌ مِنْهُمْ فَاسِقُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَعَامِنُوا بِرَسُولِهِ يُؤْتِكُمْ  
كَفْلَيْنِ مِنْ رَحْمَتِهِ وَيَجْعَلْ لَكُمْ نُورًا تَمْشُونَ بِهِ  
وَيَغْفِرْ لَكُمْ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

لَيْلًا يَعْلَمَ أَهْلُ الْكِتَابِ أَلَّا يَقْدِرُونَ عَلَىٰ شَيْءٍ مِّنْ فَضْلِ  
اللَّهِ وَأَنَّ الْفَضْلَ بِيَدِ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو  
الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

همانا ما پیمبران خود را با ادله و معجزات فرستادیم و با ایشان کتاب و میزان عدل نازل کردیم تا مردم به راستی و عدالت گرایند، و آهن (و دیگر فلزات) را که در آن هم سختی (جنگ و کارزار) و هم منافع بسیار بر مردم است (نیز برای حفظ عدالت) آفریدیم، و تا معلوم شود که خدا و رسلش را با ایمان قلبی که یاری خواهد کرد؟ (هر چند) که خدا بسیار قوی و مقتدر (و از یاری خلق بی‌نیاز) است.

و البته ما نوح و ابراهیم را فرستادیم و در میان فرزندان‌شان نبوت و کتاب آسمانی قرار دادیم، پس آنها برخی به راه حق هدایت یافتند و بسیاری به فسق و بدکاری شتافتند.

و از پی آنان باز رسولان دیگر و سپس عیسی مریم را فرستادیم و به او کتاب آسمانی انجیل را عطا کردیم و در دل پیروان (حقیقی) او رأفت و مهربانی نهادیم و لیکن رهبانیت و ترک دنیا را از پیش خود بدعت انگيختند، ما بر آنها جز آنکه رضا و خشنودی خدا را طلبند (در کتاب انجیل) ننوشتیم و باز آنها چنان که باید و شاید همه مراعات آن را نکردند، ما هم به آنان که ایمان آوردند پاداش و اجرشان را عطا کردیم و لیکن از آنها بسیاری به راه فسق و تبهکاری شتافتند.

ای کسانی که به حق گرویدید، اینک خداترس و متقی شوید و به رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) نیز ایمان آرید تا خدا شما را از رحمتش دو بهره نصیب گرداند (یکی بر ایمان به رسولان پیشین و یکی بر ایمان به دین رسول ختمی مرتبت) و نوری شما را عطا کند که بدان نور راه (بهشت ابد) پیمایید و از گناه شما درگذرد، و خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

تا آنان که اسلام نیاوردند از اهل کتاب بدانند که آنها هیچ به رحمت و فضل الهی دستی ندارند و هر فضلی و رحمتی به دست خداست، که او به هر که خواهد می‌بخشد و خدا دارای فضل و رحمت بزرگ و بی‌انتها است.

(ای رسول ما) خدا سخن آن زن را که درباره شوهرش با تو به مجادله برخاسته و شکوه او به خدا می‌برد محققاً شنید و گفتگوهای شما را نیز خدا می‌شنود که خدا البته شنوا و بیناست. (اوس بن صامت با زن خود خوله بنت ثعلبه ظاهر کرد یعنی گفت: «تو بر من چون مادری». و این کار در حکم طلاق و حرمت آور بود. زن نزد رسول آمد و حکم پرسید. رسول حکم به حرمت فرمود. زن باز مجادله کرد و آخر گفت: من به خدا شکوه می‌کنم از تنهایی و غربت خود. و آیه بعد راجع به حکم ظاهر نازل شد و بر این فعل حرام کفاره معین گردید).

کسانی از شما که با زنان خود ظاهر کنند آنها مادر حقیقی شوهران نخواهند شد بلکه مادر ایشان جز آن که آنها را زاییده نیست و این مردم سخنی ناپسند و باطل می‌گویند، و خدا را عفو و بخشش بسیار است.

و آنان که با زنان خود ظاهر کنند آن‌گاه از گفته خود برگردند، پیش از تماس و مجامعت باید برده‌ای آزاد کنند. به این عمل پند و موعظه می‌شوید (تا دیگر به این کار حرام اقدام نکنید) و خدا به تمام کردار شما آگاه است.

و هر که برده نیابد (یعنی بر آزاد کردن برده توانایی ندارد) باز باید پیش از جماع دو ماه پی در پی روزه بگیرد، و باز اگر نتواند باید شصت مسکین را طعام دهد. این (حکم کفاره) برای آن است که شما به خدا و رسول او ایمان (کامل) آرید. و این احکام حدود الهی است و کافران را عذاب دردناک دوزخ مهیاست.

آنان که با خدا و رسول او سخت مخالفت می‌کنند آنها هم مانند کافران پیش به رو در (آتش عذاب) افتند. و ما آیات روشن بیان نازل کردیم، و کافران را عذاب ذلت و خواری مهیاست.

در روزی که خدا جمیع خلائق را (برای حساب) برانگیزد تا آنها را به (نتیجه) اعمالشان که او تمام را به شماره ضبط فرموده و آنها فراموش کرده‌اند آگاه سازد، و خدا بر همه موجودات عالم گواه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قَدْ سَمِعَ اللَّهُ قَوْلَ الَّتِي تُجَادِلُكَ فِي زَوْجِهَا وَتَشْتَكِي إِلَى اللَّهِ وَاللَّهُ يَسْمَعُ تَحَاوُرَكُمَا إِنَّ اللَّهَ سَمِيعٌ بَصِيرٌ

۱  
جزء: ۲۸  
حزب: ۲۱۷  
ر: ۴۷۶

الَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْكُمْ مِمَّن نَسَأَهُمْ مَا هُنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِنَّ أُمَّهَاتُهُمْ إِلَّا اللَّائِي وَلَدْنَهُمْ وَإِنَّهُمْ لَيَقُولُونَ مُنْكَرًا مِّنَ الْقَوْلِ وَزُورًا وَإِنَّ اللَّهَ لَعَفُوفٌ غَفُورٌ

۲

وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِّن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ذَٰلِكُمْ تُوعَظُونَ بِهِ ۗ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

۳

فَمَنْ لَّمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِن قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَّا ۗ فَمَنْ لَّمْ يَسْتَطِعْ فَاِطْعَامُ سِتِّينَ مِسْكِينًا ذَٰلِكَ لِتُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ۗ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ ۗ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۴

إِنَّ الَّذِينَ يُحَادُّونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ كُبِتُوا كَمَا كُبِتَ الَّذِينَ مِن قَبْلِهِمْ ۗ وَقَدْ أَنْزَلْنَا ءَايَاتٍ بَيِّنَاتٍ وَلِلْكَافِرِينَ عَذَابٌ مُّهِينٌ

۵

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيُنَبِّئُهُم بِمَا عَمِلُوا ۗ أَحْصَاهُ اللَّهُ وَنَسُوهُ ۗ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ

۶

أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ ط مَا  
يَكُونُ مِنْ نَجْوَى ثَلَاثَةٍ إِلَّا هُوَ رَابِعُهُمْ وَلَا خَمْسَةَ إِلَّا هُوَ  
سَادِسُهُمْ وَلَا أَدْنَى مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ إِلَّا هُوَ مَعَهُمْ أَيْنَ  
مَا كَانُوا ثُمَّ يُنَبِّئُهُمْ بِمَا عَمِلُوا يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللَّهَ بِكُلِّ  
شَيْءٍ عَلِيمٌ

۸

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نُهُوا عَنِ النَّجْوَى ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا نُهُوا  
عَنْهُ وَيَتَنَجَّوْنَ بِالْآثِمِ وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ ط وَإِذَا  
جَاءُوكَ حَيَّوْكَ بِمَا لَمْ يُحْيِكَ بِهِ اللَّهُ وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ  
لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ بِمَا نَقُولُ حَسْبُهُمْ جَهَنَّمُ يَصَلَوْنَهَا ط  
فَبئسَ الْمَصِيرُ

۹

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا تَنَجَّيْتُمْ فَلَا تَتَنَجَّوْا بِالْآثِمِ  
وَالْعُدْوَانِ وَمَعْصِيَتِ الرَّسُولِ وَتَنَجَّوْا بِالْبِرِّ وَالتَّقْوَى ط  
وَاتَّقُوا اللَّهَ الَّذِي إِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

۱۰

إِنَّمَا النَّجْوَى مِنَ الشَّيْطَانِ لِيَحْزَنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَلَيْسَ  
بِضَارِهِمْ شَيْءٌ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

۱۱

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا قِيلَ لَكُمْ تَفَسَّحُوا فِي الْمَجَالِسِ  
فَأَفْسَحُوا يَفْسَحِ اللَّهُ لَكُمْ ط وَإِذَا قِيلَ أَنْشُرُوا فَأَنْشُرُوا  
يَرْفَعِ اللَّهُ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ  
دَرَجَاتٍ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

آیا ندیدی که آنچه در آسمانها و زمین است خدا بر آن آگاه  
است؟ هیچ رازی سه کس با هم نگویند جز آنکه خدا چهارم  
آنها و نه پنج کس جز آنکه خدا ششم آنها و نه کمتر از آن و  
نه بیشتر جز آنکه هر کجا باشند او با آنهاست سپس روز  
قیامت همه را به (نتیجه نیک و بد) اعمالشان آگاه خواهد  
ساخت که خدا به کلیه امور عالم داناست.

آیا آنان (یعنی یهود و منافقان) را که از نجوا و راز گفتن با  
هم ممنوع شدند ندیدی که باز هم با یکدیگر بر بزهداری و  
دشمنی و مخالفت رسول راز گفتن از سرگرفتند؟ و هر گاه  
حضور تو آیند (از مکر و خدیعت) تو را سلام و تحیتی گویند  
که خدا نفرموده است و پیش خود می‌گویند: (اگر این  
شخص رسول خداست) چرا خدا بر این سلام (تمسخر  
آمیزی) که به او می‌کنیم ما را عذاب نمی‌کند؟! عذاب دوزخ  
آنها را کفایت است که در آنجا که بسیار بد منزلگاهی است  
پیوسته معذب خواهند شد.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، شما هر گاه با هم، سخنی به  
راز گویند هرگز بر بزهداری و دشمنی و مخالفت رسول  
نگویند بلکه بر نیکویی و تقوا راز به میان آرید و از خدا که  
به سوی او محشور خواهید شد بترسید و پرهیزکار شوید.

همیشه نجوا و راز گفتن از (نفوس شریره) شیطان است که  
می‌خواهد مؤمنان را دلتنگ و پریشان خاطر کند در صورتی  
که هیچ زیان به آنها نمی‌رساند جز آنکه امر خدا باشد، و  
مؤمنان باید همیشه بر خدا توکل کنند.

ای اهل ایمان، هرگاه شما را گفتند که در مجالس خود جای  
را (بر یکدیگر) فراخ دارید، جای باز کنید (و برای نشستن  
مکان بالاتر و نزدیکتر به پیغمبر تنازع و تزاخم نکنید) تا  
خدا بر توسعه (مکان و مقام و منزلت) شما بیفزاید و هرگاه  
گفتند که از جای خود (برای توسعه مجلس یا کار خیر  
دیگری) برخیزید، برخیزید، تا خدا مقام اهل ایمان و  
دانشمندان شما را (در دو جهان) رفیع گرداند، و خدا به هر  
چه کنید به همه آگاه است.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نَجَّيْتُمُ الرَّسُولَ فَقَدِمُوا بَيْنَ يَدَيْ  
نَجْوَانِكُمْ صَدَقَةٌ ذَٰلِكَ خَيْرٌ لَّكُمْ وَأَظْهَرٌ فَإِن لَّمْ تَجِدُوا  
فَإِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

ءَأَشْفَقْتُمْ أَن تُقَدِّمُوا بَيْنَ يَدَيْ نَجْوَانِكُمْ صَدَقْتِ فَإِذْ لَمْ  
تَفْعَلُوا وَتَابَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَءَاتُوا الزَّكَاةَ  
وَاطِيعُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ تَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ مَّا هُمْ  
مِّنْكُمْ وَلَا مِنْهُمْ وَيَحْلِفُونَ عَلَى الْكَذِبِ وَهُمْ يَعْلَمُونَ

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَن سَبِيلِ اللَّهِ فَلَهُمْ عَذَابٌ  
مُّهِينٌ

لَن تُغْنِيَ عَنْهُمْ أَمْوَالُهُمْ وَلَا أَوْلَادُهُمْ مِّنَ اللَّهِ شَيْئًا  
أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ ۖ هُمْ فِيهَا خَالِدُونَ

يَوْمَ يَبْعَثُهُمُ اللَّهُ جَمِيعًا فَيَحْلِفُونَ لَهُ ۗ كَمَا يَحْلِفُونَ لَكُمْ  
وَيَحْسَبُونَ أَنَّهُمْ عَلَىٰ شَيْءٍ ۗ أَلَا إِنَّهُمْ هُمُ الْكَاذِبُونَ

أَسْتَحْوَذَ عَلَيْهِمُ الشَّيْطَانُ فَأَنسَهُمْ ذِكْرَ اللَّهِ ۗ أُولَٰئِكَ  
حِزْبُ الشَّيْطَانِ ۗ أَلَا إِنَّ حِزْبَ الشَّيْطَانِ هُمُ الْخَاسِرُونَ

إِنَّ الَّذِينَ يُجَادُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ۗ أُولَٰئِكَ فِي الْأَذَلِّينَ

كَتَبَ اللَّهُ لَأَغْلِبَنَّ أَنَا وَرُسُلِي ۗ إِنَّ اللَّهَ قَوِيٌّ عَزِيزٌ

ای اهل ایمان، هر گاه بخواهید که با رسول سخن سری  
گویید (یا سؤالی کنید) پیش از این کار باید مبلغی صدقه  
دهید که این صدقه برای شما بهتر و پاکیزه‌تر است (که  
شما را از سؤالات بی‌جا بر کنار و از بخل و لئامت پاک  
می‌گرداند) و اگر (از فقر) چیزی (برای صدقه) نیابید در  
این صورت خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

آیا از اینکه پیش از راز گفتن با رسول صدقه دهید (از  
فقر) ترسیدید؟ پس حال که اداء صدقه نکردید و خدا هم  
شما را بخشید اینک نماز به پا دارید و زکات بدهید و خدا و  
رسول او را اطاعت کنید، و خدا به هر چه کنید آگاه است.

آیا آن (منافق) مردمی را ندیدی که با (یهود) قومی که خدا  
بر آنها غضب کرده است دوستی کردند؟ آنها به حقیقت نه  
از شما مسلمین و نه از فرقه یهودند و به دروغ قسم یاد  
می‌کنند (که ما اهل ایمانیم) در صورتی که خود می‌دانند.

خدا بر آنها عذابی سخت مهیا کرده، زیرا بسیار زشت  
کردارند.

آن مردم منافق سوگند و قسمهای خود را سپر قرار دادند  
پس (خلق را) از راه خدا بازداشتند، پس بر آنها کیفر عذاب  
ذلت و خواری خواهد بود.

و هرگز مال و فرزندان، آنان را از (عذاب قهر) خدا اباد  
نرهند، آنها اهل آتش دوزخند و در آن همیشه معدّبند.

روزی که خدا همه آنها را (برای انتقام) برانگیزد پس چنان  
که برای شما قسم یاد می‌کنند برای خدا هم به دروغ  
سوگند می‌خورند و می‌پندارند که اثری بر آنها خواهد  
داشت. اِا (ای اهل ایمان) بدانید که آنها بسیار مردم  
دروغگویی هستند.

شیطان بر (دل) آنها سخت احاطه کرده که فکر و ذکر خدا را  
به کلی از یادشان برده، آنان حزب شیطانند، اِا (ای اهل  
ایمان) بدانید که حزب شیطان به حقیقت زیانکاران عالمند.

آنان که با خدا و رسول او عناد و مخالفت می‌کنند آنها در  
میان (خلق) خوار و ذلیل‌ترین مردمند.

خدا (در لوح محفوظ) نگاشته و حتم گردانیده که البته من و  
رسولانم (بر دشمنان) غالب شویم، که خدا بسیار قوی و  
مقتدر است.



لَا تَجِدُ قَوْمًا يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ يُوَادُّونَ مَنْ حَادَّ  
اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَلَوْ كَانُوا آبَاءَهُمْ أَوْ أَبْنَاءَهُمْ أَوْ إِخْوَانَهُمْ أَوْ  
عَشِيرَتَهُمْ أُولَئِكَ كَتَبَ فِي قُلُوبِهِمُ الْإِيمَانَ وَأَيَّدَهُمْ  
بِرُوحٍ مِّنْهُ وَيُدْخِلُهُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
خَالِدِينَ فِيهَا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ أُولَئِكَ حِزْبُ  
اللَّهِ أَلَا إِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

رستگاران عالمند.

صفحه ۴

آیه ۲۴

مدنی

الحشر: گردآمدن

۵۹. حشر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ  
الْحَكِيمُ

هُوَ الَّذِي أَخْرَجَ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ مِنْ  
دِيَارِهِمْ لِأَوَّلِ الْحَشْرِ مَا ظَنَنْتُمْ أَنْ يَخْرُجُوا وَظَنُّوا أَنَّهُمْ  
مَانِعَتُهُمْ حُصُونُهُمْ مِنَ اللَّهِ فَأَتَتْهُمْ اللَّهُ مِنْ حَيْثُ لَمْ  
يَحْتَسِبُوا وَقَذَفَ فِي قُلُوبِهِمُ الرُّعْبَ يُخْرِبُونَ بُيُوتَهُمْ  
بِأَيْدِيهِمْ وَأَيْدِي الْمُؤْمِنِينَ فَاعْتَبِرُوا يَا أُولِيَ الْأَبْصَارِ

وَلَوْلَا أَنْ كَتَبَ اللَّهُ عَلَيْهِمُ الْجَلَاءَ لَعَذَّبَهُمْ فِي الدُّنْيَا وَلَهُمْ  
فِي الْآخِرَةِ عَذَابُ النَّارِ

هرگز مردمی را که ایمان به خدا و روز قیامت آورده‌اند چنین نخواستی یافت که دوستی با دشمنان خدا و رسول او کنند هر چند آن دشمنان پدران یا فرزندان یا برادران یا خویشان آنها باشند. این مردم پایدارند که خدا بر دلهاشان (نور) ایمان نگاشته و به روح (قدسی) خود آنها را مؤید و منصور گردانیده و آنها را به بهشتی داخل کند که نهرها زیر درختانش جاری است و جاودان در آنجا متنعمند، خدا از آنها خشنود و آنها هم از خدا خشنودند، اینان به حقیقت حزب خدا هستند، الا (ای اهل ایمان) بدانید که حزب خدا رستگاران عالمند.

هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش یکتا خدای عالم که مقتدر و حکیم است مشغولند.

اوست خدایی که کافران اهل کتاب را (یعنی یهود بنی نضیر را که به مکر، قصد قتل پیغمبر صلی الله علیه و آله کردند) برای اولین بار همگی را از دیارشان بیرون کرد و هرگز شما مسلمین گمان نمی‌کردید که آنها از دیار خود بیرون روند و آنها هم حصارهای محکم خود را نگهبان خود از (قهر و انتقام) خدا می‌پنداشتند تا آنکه (عذاب) خدا از آنجا که گمان نمی‌بردند بدانها فرا رسید و در دلشان (از سپاه اسلام) ترس افکند تا به دست خود و به دست مؤمنان خانه‌هاشان را ویران می‌کردند، پس ای هوشیاران عالم پند و عبرت بگیرید.

و اگر خدا بر آنها حکم جلاء وطن نمی‌کرد (سخت‌تر از آن) در دنیا (به قتل و اسارت مانند کفار بدر) معذبشان می‌کرد و (به هر حال) عذاب آتش در آخرت بر آنها خواهد بود.

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ شَاقُوا اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَمَنْ يُشَاقِ اللَّهَ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

مَا قَطَعْتُمْ مِّن لِّينَةٍ أَوْ تَرَكْتُمُوهَا قَائِمَةً عَلَىٰ أُصُولِهَا فَبِإِذْنِ اللَّهِ وَلِيُخْزِيَ الْفَاسِقِينَ

وَمَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْهُمْ فَمَا أَوْجَفْتُمْ عَلَيْهِ مِنْ خَيْلٍ وَلَا رِكَابٍ وَلَا كِنِّ اللَّهِ يُسَلِّطْ رَسُولَهُ عَلَىٰ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

مَا أَفَاءَ اللَّهُ عَلَىٰ رَسُولِهِ مِنْ أَهْلِ الْقُرَىٰ فَلِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسْكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ كَيْ لَا يَكُونَ دُولَةً بَيْنَ الْأَغْنِيَاءِ مِنْكُمْ وَمَا آتَاكُمُ الرَّسُولُ فَخُذُوهُ وَمَا نَهَاكُمْ عَنْهُ فَانْتَهُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ

لِلْفُقَرَاءِ الْمُهَاجِرِينَ الَّذِينَ أُخْرِجُوا مِنْ دِيَارِهِمْ وَأَمْوَالِهِمْ يَبْتَغُونَ فَضْلًا مِّنَ اللَّهِ وَرِضْوَانًا وَيَنْصُرُونَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ أُولَٰئِكَ هُمُ الصَّادِقُونَ

وَالَّذِينَ تَبَوَّءُوا الدَّارَ وَالْإِيمَانَ مِنْ قَبْلِهِمْ يُحِبُّونَ مَنْ هَاجَرَ إِلَيْهِمْ وَلَا يَجِدُونَ فِي صُدُورِهِمْ حَاجَةً مِّمَّا أُوتُوا وَيُؤْثِرُونَ عَلَىٰ أَنفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ

۵

۶

۷

۸

۹

این (جلاء وطن و آوارگی آنها) برای این بود که آنان با خدا و رسول او سخت دشمنی و مخالفت کردند و هر که با خدا (و رسولش) دشمنی آغازد عقاب خدا بسیار سخت است.

آنچه از درختان خرما را (که در دیار بنی نضیر) بریدید و آنچه را بر پا گذاشتید همه به امر خدا (و صلاح اسلام) و برای خواری و سرکوبی جهودان فاسق نابکار بود.

و آنچه را که خدا از (مال) آنها به رسم غنیمت به رسول خود باز داد (متعلق به رسول است، زیرا) شما سپاهیان اسلام بر آن هیچ اسب و شتری نتاختید و لیکن خدا رسولانش را بر هر که خواهد مسلط می‌گرداند و خدا بر هر چیز تواناست.

آنچه را که خدا از اموال کافران دیار به رسول خود غنیمت داد آن متعلق به خدا و رسول و (ائمه) خویشاوندان رسول و یتیمان و فقیران و در راه ماندگان (ایشان) است. این حکم برای آن است که غنایم، دولت توانگران را نیفزاید (بلکه به مبلغان دین و فقیران اسلام تخصیص یابد) و شما آنچه رسول حق دستور دهد (و منع یا عطا کند) بگیرید و هر چه نهی کند واگذارید و از خدا بترسید که عقاب خدا بسیار سخت است.

مقام بلند (یا غنایم) خاص فقیران مهاجرین است که آنها را از وطن و اموالشان به دیار غربت راندند در صورتی که (چشم از خانه پوشیده و) در طلب فضل و خشنودی خدا می‌کوشند و خدا و رسول او را یاری می‌کنند، اینان به حقیقت راستگویان عالمند.

و هم آن جماعت انصار که پیش از (هجرت) مهاجرین (در مکه به رسول ایمان آوردند و) مدینه را خانه ایمان گردانیدند و مهاجرین را که به سوی آنها آمدند دوست می‌دارند و در دل خود هیچ حاجتی (و حسد و بخلی) نسبت به آنچه (از غنایم بنی نضیر) که به آنها داده شد نمی‌یابند و هر چند به چیزی نیازمند باشند باز مهاجران را بر خویش مقدم می‌دارند (و جانیشان به کلی از بخل و حسد و حرص دنیا پاک است) و هر کس را از خوی بخل و حرص دنیا نگاه دارند آنان به حقیقت رستگاران عالمند.

وَالَّذِينَ جَاءُوا مِنْ بَعْدِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا  
الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًّا لِلَّذِينَ  
ءَامَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَءُوفٌ رَحِيمٌ

أَلَمْ تَرَ إِلَى الَّذِينَ نَافَقُوا يَقُولُونَ لِإِخْوَانِهِمُ الَّذِينَ كَفَرُوا  
مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ لَئِن أُخْرِجْتُمْ لَنَخْرُجَنَّ مَعَكُمْ وَلَا  
نُطِيعُ فِيكُمْ أَحَدًا أَبَدًا وَإِن قُوتِلْتُمْ لَنَنْصُرَنَّكُمْ وَاللَّهُ  
يَشْهَدُ إِنَّهُمْ لَكَاذِبُونَ

لَئِن أُخْرِجُوا لَا يَخْرُجُونَ مَعَهُمْ وَلَئِن قُوتِلُوا لَا يَنْصُرُونَهُمْ  
وَلَئِن نَّصَرُوهُمْ لَيُوَلِّنَنَّ الْأَدْبَرَ ثُمَّ لَا يُصَرُّونَ

لَأَنْتُمْ أَشَدُّ رَهَبَةً فِي صُدُورِهِمْ مِنَ اللَّهِ ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا  
يَفْقَهُونَ

لَا يَقْتُلُونَكُمْ جَمِيعًا إِلَّا فِي قُرَى مُحَصَّنَةٍ أَوْ مِنْ وَرَاءِ  
جُدُرٍ بَأْسُهُمْ بَيْنَهُمْ شَدِيدٌ تَحْسَبُهُمْ جَمِيعًا وَقُلُوبُهُمْ شَتَّى  
ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ قَوْمٌ لَا يَعْقِلُونَ

كَمَثَلِ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ قَرِيبًا ذَاقُوا وَبَالَ أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ  
عَذَابٌ أَلِيمٌ

كَمَثَلِ الشَّيْطَانِ إِذْ قَالَ لِلْإِنْسَانِ اكْفُرْ فَلَمَّا كَفَرَ قَالَ  
إِنِّي بَرِيءٌ مِنْكَ إِنِّي أَخَافُ اللَّهَ رَبَّ الْعَالَمِينَ

و آنان که پس از مهاجرین و انصار آمدند (یعنی تابعین و سایر مؤمنین تا روز قیامت) دایم به درگاه خدا عرض می‌کنند: پروردگارا، بر ما و برادران دینی‌مان که در ایمان پیش از ما شتافتند ببخش و در دل ما هیچ کینه و حسد مؤمنان قرار مده، پروردگارا، تویی که بسیار رؤوف و مهربانی.

(ای رسول) آیا آنان را که نفاق ورزیدند ندیدی؟ که با برادرانشان همان یهود اهل کتاب که کافر شدند (در پیوسته و) گویند: اگر شما از دیارتان اخراج شوید البته ما هم به همراهی شما خارج خواهیم شد و در راه حمایت شما از احدی ابدًا اطاعت نخواهیم کرد و اگر (مسلمانان) با شما جنگ کردند البته شما را مدد می‌کنیم، و خدا گواهی دهد که محققا آنها دروغ می‌گویند.

اگر آنها اخراج شوند هرگز منافقان با آنها خارج نمی‌شوند و اگر (مسلمانان) به جنگشان آیند هرگز یاریشان نمی‌کنند و اگر هم یاریشان کنند البته به جنگ پشت کنند و دیگر نصرت نخواهند یافت.

این مردم منافق در دلشان از شما بیشتر ترس دارند تا از خدا، زیرا آنها مردمی هستند که هیچ فهم و شعوری ندارند.

(یهودان از ترس) بر جنگ با شما جمع نمی‌شوند مگر در قریه‌های محکم حصار یا از پس دیوار (دشمنی مکر و حيله و جاسوسی)، کارزار بین خودشان سخت است، شما آنها را جمع و متفق می‌پندارید در صورتی که دلهاشان سخت متفرق است، زیرا آن قوم دارای فهم و عقل نیستند.

مثل حال اینان هم مانند همان قوم کافر پیشین است (یعنی یهود قینقاع یا کفار بدر) که (در دنیا) بدین زودی کیفر کردارشان را چشیدند و (در قیامت) هم عذاب دردناک بر آنها مهیاست.

(این منافقان) در مثل مانند شیطانند که انسان را گفت: به خدا کافر شو، پس از آنکه آدمی کافر شد بدو گوید: از تو بیزارم، که من از (عقاب) پروردگار عالمیان سخت می‌ترسم.

فَكَانَ عَاقِبَتُهُمَا أَنَّهُمَا فِي النَّارِ خَالِدِينَ فِيهَا وَذَلِكَ جَزَاءُ  
الظَّالِمِينَ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَلْتَنْظُرْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ  
لِعَدِ اللَّهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّ اللَّهَ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

وَلَا تَكُونُوا كَالَّذِينَ نَسُوا اللَّهَ فَأَنسَاهُمْ أَنفُسَهُمْ أُولَٰئِكَ  
هُمُ الْفٰسِقُونَ

لَا يَسْتَوِي أَصْحَابُ النَّارِ وَأَصْحَابُ الْجَنَّةِ أَصْحَابُ الْجَنَّةِ  
هُمُ الْفٰئِزُونَ

لَوْ أَنزَلْنَا هَذَا الْقُرْءَانَ عَلَىٰ جَبَلٍ لَّرَأَيْتَهُ خٰشِعًا مُّتَصَدِّعًا  
مِّنْ خَشْيَةِ اللَّهِ وَتِلْكَ الْأَمْثَلُ نَضْرِبُهَا لِلنَّاسِ لَعَلَّهُمْ  
يَتَفَكَّرُونَ

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ عِلْمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ هُوَ  
الرَّحْمٰنُ الرَّحِيمُ

هُوَ اللَّهُ الَّذِي لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْمَلِكُ الْقُدُّوسُ السَّلَامُ  
الْمُؤْمِنُ الْمُهِمِّنُ الْعَزِيزُ الْجَبَّارُ الْمُتَكَبِّرُ سُبْحٰنَ اللَّهِ عَمَّا  
يُشْرِكُونَ

هُوَ اللَّهُ الْخَلِيقُ الْبَارِئُ الْمُصَوِّرُ لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ  
يُسَبِّحُ لَهُ فِي السَّمَوٰتِ وَالْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

پس عاقبت شیطان و آدمی که به امر او کافر شد این است  
که هر دو در آتش دوزخ مخلدند و آن دوزخ کیفر ستمکاران  
عالم است.

الا ای اهل ایمان، خداترس شوید و هر نفسی نیک بنگرد تا  
چه عملی برای فردای قیامت خود پیش می‌فرستد، و از خدا  
بترسید که او به همه کردارتان به خوبی آگاه است.

و مانند آنان نباشید که به کلی خدا را فراموش کردند، خدا  
هم (حظ روحانی و بهره ابدی) نفوس آنها را از یادشان برد،  
آنان به حقیقت بدکاران عالمند.

هرگز اهل جهنم و اهل بهشت با هم یکسان نیستند، اهل  
بهشت به حقیقت سعادتمندان عالمند.

اگر ما این قرآن (عظیم الشان) را (به جای دلهای خلق) بر  
کوه نازل می‌کردیم مشاهده می‌کردی که کوه از ترس و  
عظمت خدا خاشع و ذلیل و متلاشی می‌گشت. و این امثال را  
برای مردم بیان می‌کنیم باشد که اهل (عقل و) فکرت  
شوند.

اوست خدای یکتایی که غیر او خدایی نیست که دانای نهان  
و آشکار عالم است، اوست بخشنده و مهربان.

اوست خدای یکتایی که غیر او خدایی نیست، سلطان مقتدر  
عالم، پاک از هر نقص و آلایش، منزّه از هر عیب و  
ناشایست، ایمنی بخش دلهای هراسان، نگهبان جهان و  
جهانیان، غالب و قاهر بر همه خلقان، با جبروت و عظمت،  
بزرگوار و برتر (از حد فکرت)، زهی منزّه و پاک خدای یکتا  
که از هر چه بر او شریک پندارند منزّه و (از آنچه در وهم و  
خیال و عقل اندیشند) مبرّ است.

اوست خدای آفریننده عالم امکان و پدید آورنده جهان و  
جهانیان، نگارنده صورت خلقان، او را نامهای نیکو بسیار  
است، آنچه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و  
ستایش او مشغولند و اوست یکتا خدای مقتدر حکیم.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَّخِذُوا عَدُوِّي وَعَدُوَّكُمْ أَوْلِيَاءَ  
تُلْقُونَ إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَقَدْ كَفَرُوا بِمَا جَاءَكُمْ مِنَ الْحَقِّ  
يُخْرِجُونَ الرَّسُولَ وَإِيَّاكُمْ أَنْ تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ رَبِّكُمْ إِنْ  
كُنْتُمْ خَرَجْتُمْ جِهَدًا فِي سَبِيلِي وَابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي تُسِرُّونَ  
إِلَيْهِم بِالْمَوَدَّةِ وَأَنَا أَعْلَمُ بِمَا أَخْفَيْتُمْ وَمَا أَعْلَنْتُمْ وَمَنْ  
يَفْعَلْهُ مِنْكُمْ فَقَدْ ضَلَّ سَوَاءَ السَّبِيلِ

۱  
۴۸۲

إِنْ يَثْقَفُوكُمْ يَكُونُوا لَكُمْ أَعْدَاءً وَيَبْسُطُوا إِلَيْكُمْ  
أَيْدِيَهُمْ وَأَلْسِنَتَهُم بِالسُّوءِ وَوَدُّوا لَوْ تَكْفُرُونَ

۲

لَنْ تَنْفَعَكُمْ أَرْحَامُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ يَوْمَ الْقِيَمَةِ  
يَفْصِلُ بَيْنَكُمْ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۳

قَدْ كَانَتْ لَكُمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ فِي إِبْرَاهِيمَ وَالَّذِينَ مَعَهُ إِذْ  
قَالُوا لِقَوْمِهِمْ إِنَّا بُرَءُؤُا مِنْكُمْ وَمِمَّا تَعْبُدُونَ مِنْ دُونِ  
اللَّهِ كَفَرْنَا بِكُمْ وَبَدَا بَيْنَنَا وَبَيْنَكُمْ الْعَدَاوَةُ وَالْبَغْضَاءُ  
أَبَدًا حَتَّى تُؤْمِنُوا بِاللَّهِ وَحَدُّهُ إِلَّا قَوْلَ إِبْرَاهِيمَ لِأَبِيهِ  
لَأَسْتَغْفِرَنَّ لَكَ وَمَا أَمْلِكُ لَكَ مِنَ اللَّهِ مِنْ شَيْءٍ رَبَّنَا  
عَلَيْكَ تَوَكَّلْنَا وَإِلَيْكَ أَنبْنَا وَإِلَيْكَ الْمَصِيرُ

۴

رَبَّنَا لَا تَجْعَلْنَا فِتْنَةً لِلَّذِينَ كَفَرُوا وَاعْفِرْ لَنَا رَبَّنَا إِنَّكَ  
أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

۵

ای کسانی که به خدا ایمان آورده‌اید، هرگز نباید کافران را که دشمن من و شما هستند یاران خود بر گرفته و طرح دوستی با آنها افکنید در صورتی که آنان به کتابی که بر شما آمد یعنی قرآن حق سخت کافر شدند، رسول خدا و شما مؤمنان را به جرم ایمان به خدا از وطن خود آواره می‌کنند، پس نباید اگر شما برای جهاد در راه من و طلب رضا و خشنودی من بیرون آمده‌اید پنهانی با آنها دوستی کنید، و من به اسرار نهان و اعمال آشکار شما دانانترم، و هر که از شما چنین کند سخت به راه ضلالت شتافته است.

هر گاه آنها بر شما تسلط یابند باز همان دشمن دیرینند و هر چه بتوانند به دست و زبان بر عداوت شما می‌کوشند و چقدر دوست می‌دارند که شما کافر شوید.

هرگز روز قیامت خویشان و فرزندان شما (اگر مؤمن نباشند) هیچ سودی برایتان ندارند که در آن روز خدا میان شما به کلی جدایی می‌افکند و خدا به هر چه کنید بیناست.

برای شما مؤمنان بسیار پسندیده و نیکوست که به ابراهیم و اصحابش اقتدا کنید که آنها به قوم (مشرك) خود گفتند: ما از شما و بت‌های شما که به جای خدا می‌پرستید به کلی بیزاریم، ما مخالف و منکر شما هستیم و همیشه میان ما و شما کینه و دشمنی خواهد بود تا وقتی که تنها به خدای یگانه ایمان آرید، الا آنکه ابراهیم به پدر (یعنی عموی) خود گفت: (اگر ایمان آری) من برای تو از خدا آمرزش می‌طلبم (که از شرک و عصیان گذشته تو درگذرد) و (هر گاه ایمان نیآوری) دیگر من بر نجات تو از (قهر و غضب) خدا هیچ کاری نتوانم کرد، بار الها، ما بر تو توکل کردیم و رو به درگاه تو آوردیم و بازگشت تمام خلق به سوی توست.

پروردگارا، ما را مایه فتنه و امتحان کافران مگردان و پروردگارا، ما را بیامرز که تنها تویی که (بر هر کار) بسیار مقتدری و (به صلاح خلق) کاملا آگاهی.

لَقَدْ كَانَ لَكُمْ فِيهِمْ أُسْوَةٌ حَسَنَةٌ لِّمَن كَانَ يَرْجُوا اللَّهَ  
وَالْيَوْمَ الْآخِرَ وَمَن يَتَوَلَّ فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ الْغَنِيُّ الْحَمِيدُ

عَسَى اللَّهُ أَن يَجْعَلَ بَيْنَكُمْ وَبَيْنَ الَّذِينَ عَادَيْتُم مِّنْهُمْ  
مَّوَدَّةً وَاللَّهُ قَدِيرٌ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

لَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ لَمْ يُقْتِلُوكُمْ فِي الدِّينِ وَلَمْ  
يُخْرِجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ أَن تَبَرُّوهُمْ وَتُقْسِطُوا إِلَيْهِمْ إِنَّ اللَّهَ  
يُحِبُّ الْمُقْسِطِينَ

إِنَّمَا يَنْهَكُمُ اللَّهُ عَنِ الَّذِينَ قَتَلُوكُمْ فِي الدِّينِ  
وَأَخْرَجُوكُم مِّن دِيَارِكُمْ وَظَاهَرُوا عَلَىٰ إِخْرَاجِكُمْ أَن  
تَوَلَّوهُمْ وَمَن يَتَوَلَّهُمْ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الظَّالِمُونَ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا جَاءَكُمُ الْمُؤْمِنَاتُ مُهَاجِرَاتٍ  
فَأَمْتَحِنُوهُنَّ ۗ اللَّهُ أَعْلَمُ بِإِيمَانِهِنَّ ۗ فَإِن عَلِمْتُمُوهُنَّ  
مُؤْمِنَاتٍ فَلَا تَرْجِعُوهُنَّ إِلَى الْكُفَّارِ لَا هُنَّ حِلٌّ لَّهُمْ وَلَا  
هُم يَحِلُّونَ لَهُنَّ وَعَآئُهُنَّ مَآ أَنفَقُوا وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُم أَن  
تَنكِحُوهُنَّ إِذَا ءَاتَيْتُمُوهُنَّ أَجُورَهُنَّ وَلَا تُمْسِكُوا بِعِصَمِ  
الْكُوفِرِ وَسْءَلُوا مَآ أَنفَقْتُمْ وَلَيْسَ لَكُم مَآ أَنفَقُوا ذَلِكُمْ  
حُكْمُ اللَّهِ يَحْكُمُ بَيْنَكُمْ ۗ وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَكِيمٌ

وَإِن فَاتَكُمْ شَيْءٌ مِّنْ أَرْوَاحِكُمْ إِلَى الْكُفَّارِ فَعَاقِبْتُمْ  
فَءَاتُوا الَّذِينَ ذَهَبَتْ أَرْوَاحُهُمْ مِّثْلَ مَآ أَنفَقُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ  
الَّذِي أَنْتُمْ بِهِءِءُ مُؤْمِنُونَ

البته برای شما مؤمنان هر که به خدا و (ثواب) عالم آخرت  
امیدوار است اقتداء به ابراهیم و یارانش نیکوست، و هر  
که روی (از خدا) بگرداند خدا (از طاعت خلق) کاملاً بی‌نیاز و  
به ذات خود ستوده صفات است.

امید است که خدا دوستی میان شما و دشمنانتان (به  
فتوحات اسلام و ایمان کفار) برقرار گرداند و خدا قادر و  
خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

خدا شما را از آنان که با شما در دین قتال و دشمنی نکرده  
و شما را از دیارتان بیرون ننمودند نهی نمی‌کند که با آنان  
نیکی کنید و به عدالت و انصاف رفتار نمایید، که خدا مردم  
با عدل و داد را بسیار دوست می‌دارد.

و تنها شما را از دوستی کسانی نهی می‌کند که در دین با  
شما قتال کرده و از وطنتان بیرون کردند و بر بیرون کردن  
شما همدست شدند، زنهار آنها را دوست نگیرید و کسانی  
که با آنان دوستی و یآوری کنند ایشان به حقیقت ظالم و  
ستمکارند.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، زانی که به عنوان اسلام و  
ایمان (از دیار خود) هجرت کرده و به سوی شما آمدند  
(ممکن است جاسوس باشند) شما از آنها تحقیق کرده و  
امتحانشان کنید و البته خدا به (صدق و کذب) ایمانشان  
دانایتر است، اگر با ایمانشان شناختید آنها را دیگر به  
شوهران کافرشان بر مگردانید که هرگز این زنان مؤمن بر  
آن کفار و آن شوهران کافر بر این زنان حلال نیستند ولی  
مهر و نفقه‌ای که شوهران مخارج آن زنان کرده‌اند به آنها  
بپردازید، و باکی نیست که شما با آنان نکاح کنید در صورتی  
که اجر و مهرشان را بدهید. و هرگز متوسل به حفاظت (و  
عقد و پیمان) زنان کافره نشوید (و اگر زاناتان از اسلام به  
کفر برگشتند و نزد کافران رفتند) از کفار مهر و نفقه  
مطالبه کنید، آنها هم (اگر زانانشان ایمان آوردند و نزد شما  
آمدند) مهر و نفقه طلبند. این حکم خداست که میان شما  
حکم می‌کند و خدا (به حقایق امور) دانا و (به مصالح خلق)  
آگاه است.

و اگر از زنان شما کسانی (مرتد شده) به سوی کافران  
رفتند و شما در مقام انتقام بر آمدید و غنیمت بردید، به  
مردانی که زانانشان رفته‌اند به قدر همان مهر و نفقه‌ای که  
خرج کرده‌اند بدهید، و از خدایی که به او ایمان آورده‌اید  
بترسید و پرهیزکار شوید.

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا جَاءَكَ الْمُؤْمِنَاتُ يُبَايِعَنَّكَ عَلَىٰ أَنْ لَا يُشْرِكَنَّ بِاللَّهِ شَيْئًا وَلَا يَسْرِقَنَّ وَلَا يَزْنِينَ وَلَا يَقْتُلَنَّ أَوْلَادَهُنَّ وَلَا يَأْتِينَ بِبُهْتَانٍ يَفْتَرِينَهُ بَيْنَ أَيْدِيهِنَّ وَأَرْجُلِهِنَّ وَلَا يَعْصِيَنَّكَ فِي مَعْرُوفٍ فَبَايِعَهُنَّ وَأَسْتَغْفِرْ لَهُنَّ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَحِيمٌ

۱۱ ای پیغمبر (گرامی) چون زنان مؤمن آیند که با تو بیعت کنند که دیگر هرگز شرک به خدا نیاورند و سرقت و زنا کاری نکنند و اولاد خود را به قتل نرسانند و بر کسی افترا و بهتان میان دست و پای خود نبندند (یعنی فرزندی را که میان دست و پای خود پرورده و علم به آن از انعقاد نطفه او دارند به دروغ به کسی غیر پدرش نبندند) و با تو در هیچ امر معروفی مخالفت نکنند، بدین شرایط با آنها بیعت کن و بر آنان از خدا آمرزش و غفران طلب، که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

۱۱ ای اهل ایمان، هرگز قومی را که خدا بر آنان غضب کرده (یعنی جهودان را) یار و دوستدار خود مگیرید که آنها از عالم آخرت به کلی مایوسند چنانکه کافران از اهل قبور نومیدند (یعنی فرقی میان جهودان و اهل کتاب که خود را معتقد به خدا و قیامت می‌دانند با کافران بی‌عقیده در مقام عمل هیچ نیست که هیچ کدام طالب آخرت و در فکر قیامت ابادا نیستند).

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تَتَوَلَّوْا قَوْمًا غَضِبَ اللَّهُ عَلَيْهِمْ قَدْ يَئِسُوا مِنَ الْآخِرَةِ كَمَا يَئِسَ الْكُفَّارُ مِنْ أَصْحَابِ الْقُبُورِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَبَّحَ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خدای عالم که مقتدر و حکیم است مشغولند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ

۱۱ ای کسانی که ایمان آورده‌اید، چرا چیزی به زبان می‌گویید که در مقام عمل خلاف آن می‌کنید؟

كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ

این عمل که سخن بگویید و خلاف آن کنید بسیار سخت خدا را به خشم و غضب می‌آورد.

إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الَّذِينَ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِهِ صَفًّا كَانَهُمْ بَنِينَ مَرْصُوصًا

خدا آن مؤمنان را که در راه او در صف جهاد با کافران، مانند بنیان و سدّی آهنین همدست و پایدارند بسیار دوست می‌دارد.

وَإِذْ قَالَ مُوسَىٰ لِقَوْمِهِ يَتَقَوْمٍ لِمَ تُوذُونِي وَقَدْ تَعْلَمُونَ أَنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ فَلَمَّا زَاغُوا أَزَاغَ اللَّهُ قُلُوبَهُمْ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

(یاد آر) وقتی که موسی به قوم خود گفت: ای قوم، برای چه مرا رنج و آزار می‌دهید (و تهمت سحر و کذب و عیبهای دیگر بر من می‌بندید) در صورتی که بر شما معلوم است که من رسول خدا به سوی شما هستم؟ باز چون (از حق) روی گردانیدند خدا هم دل‌های بی‌نورشان را (از سعادت و اقبال به حق) بگردانید و خدا هرگز مردم نابکار فاسق را هدایت نخواهد کرد.

وَإِذْ قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ يَبْنِي إِسْرَائِيلَ إِنِّي رَسُولُ اللَّهِ إِلَيْكُمْ مُصَدِّقًا لِمَا بَيْنَ يَدَيَّ مِنَ التَّوْرَةِ وَمُبَشِّرًا بِرَسُولٍ يَأْتِي مِنْ بَعْدِي اسْمُهُ أَحْمَدٌ فَلَمَّا جَاءَهُمْ بِالْبَيِّنَاتِ قَالُوا هَذَا سِحْرٌ مُّبِينٌ

وَمَنْ أَظْلَمُ مِمَّنِ افْتَرَى عَلَى اللَّهِ الْكَذِبَ وَهُوَ يُدْعَى إِلَى الْإِسْلَامِ وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

يُرِيدُونَ لِيُطْفِئُوا نُورَ اللَّهِ بِأَفْوَاهِهِمْ وَاللَّهُ مُتِمُّ نُورِهِ وَلَوْ كَرِهَ الْكَافِرُونَ

هُوَ الَّذِي أَرْسَلَ رَسُولَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا هَلْ أَذُكُّكُمْ عَلَىٰ تَجْرَةٍ تُنْجِيكُمْ مِّنْ عَذَابِ أَلِيمٍ

تُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَتُجَاهِدُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ ذَٰلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

يَغْفِرَ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَيُدْخِلْكُمْ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ وَمَسَاكِنَ طَيِّبَةً فِي جَنَّاتٍ عَدْنٍ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

وَأُخْرَىٰ مُحِبُّونَهَا نَصْرٌ مِنَ اللَّهِ وَفَتْحٌ قَرِيبٌ وَبَشِيرٌ الْمُؤْمِنِينَ

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا كُونُوا أَنْصَارَ اللَّهِ كَمَا قَالَ عِيسَى ابْنُ مَرْيَمَ لِّلْحَوَارِيِّينَ مَنْ أَنْصَارِي إِلَى اللَّهِ قَالَ الْحَوَارِيُّونَ نَحْنُ أَنْصَارُ اللَّهِ فَأَمَّا تَطَايِفُ الَّذِينَ مِنَ بَنِي إِسْرَائِيلَ وَكَفَرَتِ طَايِفَةٌ فَأَيَّدْنَا الَّذِينَ ءَامَنُوا عَلَىٰ عَدُوِّهِمْ فَأَصْبَحُوا ظَاهِرِينَ

و هنگامی که عیسی مریم به بنی اسرائیل گفت: من همانا رسول خدا به سوی شما هستم و به حقانیت کتاب تورات که مقابل من است تصدیق می‌کنم و نیز (شما را) مژده می‌دهم که بعد از من رسول بزرگواری که نامش (در انجیل من) احمد است بیاید. چون آن رسول ما با آیات و معجزات به سوی خلق آمد گفتند: این سحری آشکار است.

و آیا از آن کس که به راه اسلام و سعادتش می‌خوانند و او همان دم بر خدا افترا و دروغ می‌بندد کسی ستمکارتر هست؟ و خدا هم هیچ قوم ستمکاری را هدایت نخواهد کرد.

کافران می‌خواهند تا نور خدا را به گفتار باطل (و طعن و مسخره) خاموش کنند و البته خدا نور خود را هر چند کافران خوش ندارند کامل و محفوظ خواهد داشت.

اوست خدایی که رسولش (محمد مصطفی صلی الله علیه و آله) را به هدایت خلق و ابلاغ دین حق فرستاد تا آن را هر چند مشرکان خوش ندارند بر همه ادیان عالم غالب گرداند.

ای اهل ایمان، آیا شما را به تجارتی سودمند که شما را از عذاب دردناک (آخرت) نجات بخشد دلالت کنم؟

به خدا و رسول او ایمان آرید و به مال و جان در راه خدا جهاد کنید، که این کار (از هر تجارت) اگر دانا باشید برای شما بهتر است.

تا خدا گناهان شما ببخشد و در بهشتی که در زیر درختانش نهرها جاری است داخل گرداند و در بهشتهای عدن جاودانی منزلهای نیکو عطا فرماید. این همان رستگاری بزرگ است.

و باز تجارتی دیگر که آن را هم دوست دارید نصرت و یاری خدا (در جنگ) و فتح نزدیک (سپاه اسلام) است، و اهل ایمان را (به این دو نعمت) بشارت ده.

ای اهل ایمان، شما هم یاران خدا باشید چنان که عیسی مریم به حواریین گفت: کیست مرا برای خدا یاری کند؟ آنها گفتند: ما یاران خداییم. پس (با آن همه معجزات) طایفه‌ای از بنی اسرائیل به او ایمان آوردند و طایفه‌ای کافر شدند، ما هم آنان را که ایمان آوردند مؤید و منصور گردانیدیم تا بر دشمنشان ظفر یافتند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ  
الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ

هُوَ الَّذِي بَعَثَ فِي الْأُمِّيِّينَ رَسُولًا مِنْهُمْ يَتْلُوا عَلَيْهِمْ  
آيَاتِهِ وَيُزَكِّيهِمْ وَيُعَلِّمُهُمُ الْكِتَابَ وَالْحِكْمَةَ وَإِنْ كَانُوا  
مِنْ قَبْلُ لَفِي ضَلَالٍ مُّبِينٍ

وَعَاخِرِينَ مِنْهُمْ لَمَّا يَلْحَقُوا بِهِمْ وَهُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ

مَثَلُ الَّذِينَ حُمِّلُوا التَّوْرَةَ ثُمَّ لَمْ يَحْمِلُوهَا كَمَثَلِ الْحِمَارِ  
يَحْمِلُ أَسْفَارًا بِئْسَ مَثَلُ الْقَوْمِ الَّذِينَ كَذَّبُوا بِآيَاتِ اللَّهِ  
وَاللَّهُ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الظَّالِمِينَ

قُلْ يَا أَيُّهَا الَّذِينَ هَادُوا إِنْ زَعَمْتُمْ أَنَّكُمْ أَوْلِيَاءُ لِلَّهِ مِنْ  
دُونِ النَّاسِ فَتَمَنَّوْا الْمَوْتَ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

وَلَا يَتَمَنَّوْنَهُ أَبَدًا بِمَا قَدَّمْتُمْ أَيْدِيَهُمْ وَاللَّهُ عَلِيمٌ  
بِالظَّالِمِينَ

قُلْ إِنْ الْمَوْتَ الَّذِي تَفِرُّونَ مِنْهُ فَإِنَّهُ مُلَاقِيكُمْ ثُمَّ  
تُرَدُّونَ إِلَىٰ عَلِيمِ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ فَيُنَبِّئُكُمْ بِمَا كُنْتُمْ  
تَعْمَلُونَ

هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش  
خدا که پادشاهی منزّه و پاک و مقتدر و حکیم است  
مشغولند.

اوست خدایی که میان عرب امّی (یعنی قومی که خواندن و  
نوشتن نمی‌دانستند) پیغمبری بزرگوار از همان مردم  
برانگیخت که بر آنان آیات وحی خدا تلاوت می‌کند و آنها را  
(از لوث جهل و اخلاق زشت) پاک می‌سازد و شریعت و احکام  
کتاب سماوی و حکمت الهی می‌آموزد و همانا پیش از این  
همه در ورطه جهالت و گمراهی آشکار بودند.

و نیز قوم دیگری از آنان را (که به روایت از پیغمبر مراد  
عجمند) که هنوز به عرب (در اسلام) ملحق نشده‌اند هدایت  
فرماید که او خدای مقتدر و همه کارش به حکمت و مصلحت  
است.

این (رسالت و نزول قرآن) فضل و کرامت خداست که به  
هر که بخواهد می‌دهد و خدا را فضل و رحمت نامتنهاست.

وصف حال آنان که علم تورات بر آنان نهاده شد (و بدان  
مکلف شدند) ولی آن را حمل نکردند (و خلاف آن عمل  
نمودند) در مثل به حماری ماند که بار کتابها بر پشت کشد  
(و از آن هیچ نفهمد و بهره نبرد)، آری مثل قومی که حالشان  
این است که آیات خدا را تکذیب کردند بسیار بد است و  
خدا هرگز ستمکاران را (به راه سعادت) رهبری نخواهد  
کرد.

بگو: ای جماعت یهود، اگر پندارید که شما به حقیقت  
دوستداران خدایید نه مردم دیگر، پس تمنای مرگ کنید  
اگر راست می‌گویید.

و حال آنکه در اثر آن کردار بد که به دست خود (برای  
آخرت خویش) پیش فرستاده‌اند ابدآ آرزوی مرگ نخواهند  
کرد (بلکه از مرگ سخت ترسان و هراسانند) و خدا به  
(کردار) ستمکاران داناست.

بگو: عاقبت مرگی که از آن می‌گریزید شما را البته ملاقات  
خواهد کرد و پس از مرگ به سوی خدایی که دانای پیدا و  
پنهان است بازگردانیده می‌شوید و او شما را به آنچه  
می‌کرده‌اید آگاه می‌سازد.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِذَا نُودِيَ لِلصَّلَاةِ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَاسْعَوْا إِلَىٰ ذِكْرِ اللَّهِ وَذَرُوا الْبَيْعَ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ وَاذْكُرُوا اللَّهَ كَثِيرًا لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ

وَإِذَا رَأَوْا تِجْرَةً أَوْ لَهْوًا أَنْفَضُوا إِلَيْهَا وَتَرَكُوكَ قَائِمًا قُلْ مَا عِنْدَ اللَّهِ خَيْرٌ مِنَ اللَّهِوِ وَمِنَ التِّجْرَةِ وَاللَّهُ خَيْرُ الرَّازِقِينَ

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر گاه (شما را) برای نماز روز جمعه بخوانند فی الحال به ذکر خدا بشتابید و کسب و تجارت رها کنید که این اگر بدانید برای شما بهتر خواهد بود.

پس آن‌گاه که نماز پایان یافت (بعد از ظهر جمعه باز در پی کسب و کار خود رفته و) روی زمین منتشر شوید و از فضل و کرم خدا (روزی) طلبید، و یاد خدا بسیار کنید تا مگر رستگار و سعادتمند گردید.

و این مردم (سست ایمان) چون تجارتی یا لهو و بازیچه‌ای ببینند بدان شتابند و تو را در نماز تنها گذارند؛ بگو که آنچه نزد خداست (یعنی ثواب آخرت و بهشت ابد) بسیار برای شما از لهو و لعب و تجارت (های دنیا) بهتر است و خدا بهترین روزی‌دهنده است. (در شأن نزول آیه جابر روایت کرد که قومی با رسول صلی الله علیه و آله و سلم نماز جمعه می‌خواندند، آواز طبل کاروان تجارت شنیدند، همه از پی تجارت و صدای لهو طبل رفتند جز هشت یا دوازده تن. رسول صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: اگر این عده هم می‌رفتند عذاب خدا بر امت نازل می‌شد)

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِذَا جَاءَكَ الْمُنَافِقُونَ قَالُوا نَشْهَدُ إِنَّكَ لَرَسُولُ اللَّهِ وَاللَّهُ يَعْلَمُ إِنَّكَ لَرَسُولُهُ وَاللَّهُ يَشْهَدُ إِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَكَاذِبُونَ

اتَّخَذُوا أَيْمَانَهُمْ جُنَّةً فَصَدُّوا عَنْ سَبِيلِ اللَّهِ إِنَّهُمْ سَاءَ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ

ذَلِكَ بِأَنَّهُمْ ءَامَنُوا ثُمَّ كَفَرُوا فَطُبِعَ عَلَىٰ قُلُوبِهِمْ فَهُمْ لَا يَفْقَهُونَ

وَإِذَا رَأَيْتَهُمْ تُعْجِبُكَ أَجْسَامُهُمْ وَإِنْ يَقُولُوا تَسْمَعُ لِقَوْلِهِمْ كَأَنَّهُمْ خُشْبٌ مُسْنَدَةٌ يَحْسَبُونَ كُلَّ صَيْحَةٍ عَلَيْهِمْ هُمُ الْعَدُوُّ فَاحْذَرهُمْ قَتَلَهُمُ اللَّهُ أَنَّى يُؤْفَكُونَ

(ای رسول ما) چون منافقان ریاکار نزد تو آیند گویند که ما به یقین و حقیقت گواهی می‌دهیم که تو رسول خدایی؛ و خدا می‌داند که تو رسول اوپی و خدا هم گواهی می‌دهد که منافقان سخن دروغ می‌گویند.

قسمهای (دروغ) خود را سپر جان خویش (و مایه فریب خلق) قرار داده‌اند و بدین وسیله راه خدا را (به روی خلق) بسته‌اند، آنان آنچه می‌کنند بسیار بد می‌کنند.

این (نفاق و بدکاریشان) برای آن است که آنها (به زبان) ایمان آوردند و سپس (به دل) کافر شدند، پس مهر (قهر و ظلمت) بر دل‌هایشان نهاده شد تا هیچ (از حقایق ایمان) درک نکنند.

تو چون آن منافقان را مشاهده کنی ظاهر و وجود جسمانی آنها (به آراستگی فریبنده) تو را به شگفت آورد و اگر سخن گویند (بس خوش‌گفتار و چرب‌زبانند) به سخن‌هایشان گوش فرا خواهی داد (ولی از باطن و درون) گویی که چوبی خشک تکیه کرده بر دیوارند (و هیچ عقل و ایمان و معرفت ندارند. و چون در باطن نادرست و بدانندیشند) هر صدایی بشنوند بر زیان خویش پندارند. دشمنان به حقیقت اینان هستند، از ایشان بر حذر باش، خدایشان بکشد، (از حق) به کجا بازگردانیده می‌شوند؟

وَإِذَا قِيلَ لَهُمْ تَعَالَوْا يَسْتَغْفِرْ لَكُمْ رَسُولُ اللَّهِ لَوَّأُ رُءُوسَهُمْ وَرَأَيْتَهُمْ يَصُدُّونَ وَهُمْ مُسْتَكْبِرُونَ

و هر گاه به آنها گویند: بیایید تا رسول خدا برای شما (از حق) آمرزش طلبد سر بیچند و بنگری که با تکبر و نخوت (از حق) روی می‌گردانند.

(ای رسول) تو (از خدا) بر آنان آمرزش بخواهی یا نخواهی به حالشان یکسان است خدا هرگز آنها را نمی‌بخشد که همانا قوم نابکار فاسق را خدا هیچ وقت (به راه سعادت) هدایت نخواهد کرد.

سَوَاءٌ عَلَيْهِمْ أَسْتَغْفَرْتَ لَهُمْ أَمْ لَمْ تَسْتَغْفِرْ لَهُمْ لَنْ يَغْفِرَ اللَّهُ لَهُمْ إِنَّ اللَّهَ لَا يَهْدِي الْقَوْمَ الْفَاسِقِينَ

اینها همان مردم بدخواهند که می‌گویند: بر اصحاب رسول خدا انفاق مال مکنید تا (از گردش) پراکنده شوند در صورتی که خدا را گنجهای آسمانها و زمین است لیکن منافقان درک آن نمی‌کنند.

هُمُ الَّذِينَ يَقُولُونَ لَا تُنْفِقُوا عَلَيَّ مِنْ عِنْدِ رَسُولِ اللَّهِ حَتَّىٰ يَنْفُضُوا<sup>ط</sup> وَلِلَّهِ خَزَائِنُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَفْقَهُونَ

آنها (پنهانی با هم) می‌گویند: اگر به مدینه مراجعت کردیم البته اربابان عزت و ثروت، مسلمانان ذلیل فقیر را از شهر بیرون کنند، و حال آنکه عزت مخصوص خدا و رسول و اهل ایمان است (و ذلت خاص کافران) ولیکن منافقان از این معنی آگه نیستند.

يَقُولُونَ لَئِنْ رَجَعْنَا إِلَى الْمَدِينَةِ لَيُخْرِجَنَّ الْأَعَزُّ مِنْهَا الْأَذَلَّ<sup>ج</sup> وَلِلَّهِ الْعِزَّةُ وَلِرَسُولِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلَكِنَّ الْمُنَافِقِينَ لَا يَعْلَمُونَ

الا ای اهل ایمان، مبدا هرگز مال و فرزندانان شما را از یاد خدا غافل سازند، و البته کسانی که به امور دنیا از یاد خدا غافل شوند آنها به حقیقت زیانکاران عالمند.

يَأْتِيهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا لَا تُلْهِكُمْ أَمْوَالُكُمْ وَلَا أَوْلَادُكُمْ عَنْ ذِكْرِ اللَّهِ وَمَنْ يَفْعَلْ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ

و از آنچه روزی شما کردیم (در راه خدا) انفاق کنید پیش از آنکه مرگ بر یکی از شما فرا رسد و در آن حال (به حسرت) بگوید: پروردگارا، چرا اجل مرا اندکی تأخیر نینداختی تا صدقه و احسان بسیار کنم و از نکوکاران شوم؟!

وَأَنْفِقُوا مِنْ مَّا رَزَقْنَاكُمْ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَ أَحَدَكُمُ الْمَوْتُ فَيَقُولَ رَبِّ لَوْلَا أَخَّرْتَنِي إِلَىٰ أَجَلٍ قَرِيبٍ فَأَصَّدَقَ وَأَكُنْ مِنَ الصَّالِحِينَ

و خدا هرگز اجل هیچ کس را از وقتش که فرا رسد تأخیر نیفکند و خدا به هر چه کنید آگاه است.

وَلَنْ يُؤَخِّرَ اللَّهُ نَفْسًا إِذَا جَاءَ أَجَلُهَا وَاللَّهُ خَبِيرٌ بِمَا تَعْمَلُونَ

هر چه در آسمانها و زمین است همه به تسبیح و ستایش خدا مشغولند که سلطنت ملک هستی و ستایش (اهل عالم) برای اوست و او بر هر چیز تواناست.

اوست خدایی که شما را آفرید، باز شما بندگان فرقه‌ای کافر ناسپاس و بعضی مؤمن خداشناس هستید و خدا به هر چه کنید کاملاً بیناست.

خدا آسمانها و زمین را به حق (و نظم احسن اتقن) آفرید و شما آدمیان را به زیباترین صورت برنگاشت، و بازگشت همه خلایق به سوی اوست.

او آنچه را که در آسمانها و زمین است و آنچه را که شما پنهان و آشکار کنید همه را می‌داند و خدا به اسرار دلها هم داناست.

آیا حکایت حال پیشینیان که کافر شدند به شما نرسید؟ که (هم در دنیا) به کیفر کردارشان رسیدند و (هم در آخرت) عذاب دردناک بر آنان مهیاست.

این (عذاب) برای آن بود که رسولان آنها با ادله و معجزات به سویشان می‌آمدند و آنها (به تکذیب و طعن) می‌گفتند: آیا بشرهایی (مانند ما) رهنمایی ما توانند کرد؟ پس کافر شدند و روی گردانیدند و البته خدا (از کفر و ایمان خلق) بی‌نیاز است که خدا غنی بالذات و ستوده به جمیع صفات است.

کافران گمان کردند که هرگز (پس از مرگ) برانگیخته نمی‌شوند. بگو: چرا، به خدای من سوگند که البته برانگیخته می‌شوید و سپس به (نتیجه) اعمال خود آگاهتان گردانند و این کار بر خدا بسیار آسان است.

پس به خدا ایمان آرید و به رسول او و نور علم و حکمتی که (بندگان را در آیات قرآن) فرستاده‌ایم بگروید، و (بترسید که) خدا به هر چه کنید آگاه است.

(یاد آرید) روزی که خدا همه شما را به عرصه محشر (برای حساب) جمع می‌گرداند و آن روز روز غبن و پشیمانی (بدکاران) است. و هر که به خدا ایمان آورد و نیکوکار شود خدا گناهانش بپوشد و در باغهای بهشتی که زیر درختانش نهرها جاری است داخل گرداند که در آن بهشت ابداً جاودان متنعم باشند و این به حقیقت سعادت و رستگاری بزرگ خواهد بود.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱  
۴۹۰  
يُسَبِّحُ لِلَّهِ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ لَهُ الْمُلْكُ وَلَهُ  
الْحَمْدُ وَهُوَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

۲  
هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْكُمْ كَافِرٌ وَمِنْكُمْ مُؤْمِنٌ وَاللَّهُ  
بِمَا تَعْمَلُونَ بَصِيرٌ

۳  
خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ بِالْحَقِّ وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ  
صُورَكُمْ وَإِلَيْهِ الْمَصِيرُ

۴  
يَعْلَمُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَيَعْلَمُ مَا تُسِرُّونَ وَمَا  
تُعْلِنُونَ وَاللَّهُ عَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

۵  
أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَبَأُ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ قَبْلُ فَذَاقُوا وَبَالَ  
أَمْرِهِمْ وَلَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

۶  
ذَلِكَ بِأَنَّهُ كَانَتْ تَأْتِيهِمْ رُسُلُهُم بِالْبَيِّنَاتِ فَقَالُوا أَبَشَرٌ  
يَهْدُونَنَا فَكَفَرُوا وَتَوَلَّوْا وَاسْتَغْنَى اللَّهُ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَمِيدٌ

۷  
زَعَمَ الَّذِينَ كَفَرُوا أَنْ لَنْ يُبْعَثُوا قُلْ بَلَىٰ وَرَبِّي لَتُبْعَثُنَّ ثُمَّ  
لَتُنَبَّؤُنَّ بِمَا عَمِلْتُمْ وَذَلِكَ عَلَى اللَّهِ يَسِيرٌ

۸  
فَعَامِنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَالنُّورِ الَّذِي أَنْزَلْنَا وَاللَّهُ بِمَا  
تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ

۹  
يَوْمَ يَجْمَعُكُمْ لِيَوْمِ الْجَمْعِ ذَٰلِكَ يَوْمُ التَّغَابُنِ وَمَنْ يُؤْمِنْ  
بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُدْخِلْهُ  
جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ذَٰلِكَ  
الْفَوْزُ الْعَظِيمُ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا أُولَٰئِكَ أَصْحَابُ النَّارِ  
خَالِدِينَ فِيهَا وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

مَا أَصَابَ مِنْ مُصِيبَةٍ إِلَّا بِإِذْنِ اللَّهِ وَمَنْ يُؤْمِنْ بِاللَّهِ يَهْدِ  
قَلْبَهُ ۗ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ

وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ۚ فَإِن تَوَلَّيْتُمْ فَإِنَّمَا عَلَى  
رَسُولِنَا الْمَبْلِغُ الْمُبِينُ

اللَّهُ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَعَلَى اللَّهِ فَلْيَتَوَكَّلِ الْمُؤْمِنُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا إِنِّ مِنْ أَرْوَاحِكُمْ وَأَوْلَادِكُمْ عَدُوًّا  
لَكُمْ فَأَحْذَرُوهُمْ ۚ وَإِن تَعْفُوا وَتَصْفَحُوا وَتَغْفِرُوا فَإِنَّ اللَّهَ  
غَفُورٌ رَّحِيمٌ

إِنَّمَا أَمْوَالُكُمْ وَأَوْلَادُكُمْ فِتْنَةٌ وَاللَّهُ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ

فَاتَّقُوا اللَّهَ مَا اسْتَطَعْتُمْ وَأَسْمَعُوا وَأَطِيعُوا وَأَنْفِقُوا خَيْرًا  
لِّأَنْفُسِكُمْ ۗ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ ۗ فَأُولَٰئِكَ هُمُ  
الْمُقْلِحُونَ

إِن تُقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا يُّضْعِفْهُ لَكُمْ وَيَغْفِرْ لَكُمْ ۚ  
وَاللَّهُ شَكُورٌ حَلِيمٌ

عَلِمُ الْغَيْبِ وَالشَّهَادَةِ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ

و آنان که کافر شدند و آیات ما را تکذیب کردند آنها اهل  
آتش دوزخ و در آن جاودان مخلدند و آنجا بسیار بد  
منزلگاهی است.

هیچ رنج و مصیبتی (به شما) نرسد مگر به فرمان خدا، و هر  
که به خدا ایمان آورد خدا دلش را (به مقام عالی رضا و  
تسلیم) هدایت کند و خدا به همه امور عالم داناست.

و فرمان خدا و هم اوامر رسول حق را اطاعت کنید که اگر  
روی بگردانید بر رسول ما جز تبلیغ رسالت (و اتمام حجت)  
با بیان روشن تکلیفی نخواهد بود.

خدای یکتاست که جز او خدایی نیست و تنها بر خدا اهل  
ایمان توکل باید کنند.

ای اهل ایمان، زنان و فرزندان شما هم برخی (که شما را  
از طاعت و جهاد و هجرت در دین باز دارند) دشمن شما  
هستند، از آنان حذر کنید، و اگر (از عقاب آنها پس از توبه  
آنان) عفو و آمرزش و چشم‌پوشی کنید خدا هم (در حق  
همه شما) بسیار آمرزنده و مهربان است.

به حقیقت، اموال و فرزندان شما اسباب فتنه و امتحان شما  
هستند (چندان به آنها دل نبندید) و (بدانید که) نزد خدا  
اجر عظیم (بهشت ابد) خواهد بود.

پس تا بتوانید خدا ترس و پرهیزکار باشید و (سخن حق)  
بشنوید و اطاعت کنید و از مال خود برای (ذخیره آخرت)  
خویش (به فقیران) انفاق کنید. و کسانی که از خوی لغامت  
و بخل نفس خود محفوظ مانند آنها به حقیقت رستگاران  
عالمند.

اگر به خدا (یعنی بندگان محتاج خدا) قرض نیکو دهید خدا  
برای شما چندین برابر گرداند و هم از گناه شما در گذرد و  
خدا بر شکر و احسان خلق نیکو پاداش دهنده است و (بر  
گناهشان) بسیار بردبار است.

او دانای عوالم غیب و شهود و سلطان مقتدر ملک وجود و  
آگاه از صلاح نظام آفرینش است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

يَأْتِيهَا النَّبِيُّ إِذَا طَلَّقْتُمُ النِّسَاءَ فَطَلِّقُوهُنَّ لِعَدَّتِهِنَّ وَأَحْصُوا الْعِدَّةَ وَاتَّقُوا اللَّهَ رَبَّكُمْ لَا تُخْرِجُوهُنَّ مِنْ بُيُوتِهِنَّ وَلَا يَخْرُجْنَ إِلَّا أَنْ يَأْتِيَنَّ بِفَحِشَةٍ مُبَيِّنَةٍ وَتِلْكَ حُدُودُ اللَّهِ وَمَنْ يَتَعَدَّ حُدُودَ اللَّهِ فَقَدْ ظَلَمَ نَفْسَهُ وَلَا تَدْرِي لَعَلَّ اللَّهَ يُحْدِثُ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرًا

فَإِذَا بَلَغَ أَجَلَهاً فَأَمْسِكُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ أَوْ فَارِقُوهُنَّ بِمَعْرُوفٍ وَأَشْهَدُوا ذَوَى عَدْلٍ مِّنكُمْ وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ لِلَّهِ ذَلِكَ يُوعِظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا

وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ إِنَّ اللَّهَ بَلِغُ أَمْرِهِ قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا

وَأَلَّتِي يَيْسَنَ مِنَ الْمَحِيضِ مِنْ نِسَائِكُمْ إِنْ أَرْتَبْتُمْ فَعِدَّتُهُنَّ ثَلَاثَةُ أَشْهُرٍ وَاللَّتِي لَمْ يَحِضْنَ وَأُولَاتُ الْأَحْمَالِ أَجَلُهُنَّ أَنْ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مِنْ أَمْرِهِ يُسْرًا

ذَلِكَ أَمْرُ اللَّهِ أَنْزَلَهُ إِلَيْكُمْ وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يُكَفِّرْ عَنْهُ سَيِّئَاتِهِ وَيُعْظِمْ لَهُ أَجْرًا

الا ای پیغمبر گرامی (امت را بگو) هر گاه زنان را طلاق دهید به وقت عدّه آنها (یعنی در زمان پاک‌ی از خون حیض که در آن پاک‌ی هم نزدیکی با آنها نکرده‌اید) طلاق دهید و زمان عدّه را (مدت سه پاک‌ی) بشمارید، و از خدا که آفریننده شماسست بترسید. و آن زنان را (تا در عدّه‌اند) از خانه بیرون مکنید و آنان نیز (بدون ضرورت) بیرون نروند مگر آنکه کار زشتی آشکار مرتکب شوند. و این احکام حدود شرع خداست و هر کس از حدود الهی تجاوز کند به خویشتن ستم کرده است. تو ندانی شاید خدا (پس از طلاق) کاری از نو پدید آرد (یعنی میل رجوع در شما حادث گرداند).

آن‌گاه که (نزدیک است) مدت عدّه را به پایان رسانند باز یا به نیکویی نگاهشان دارید یا به خوشرفتاری رهانشان کنید و نیز (بر طلاق آنها) دو مرد مسلمان عادل گواه گیرید، و (شما شاهدان نیز) برای خدا شهادت را برپا کنید. بدین وعظ الهی آن کس که به خدا و روز قیامت ایمان آورد پند داده می‌شود، و هر کس خدا ترس و پرهیزکار شود خدا راه بیرون شدن (از عهده گناهان و بلا و حوادث سخت عالم) را بر او می‌گشاید.

و از جایی که گمان نبرد به او روزی عطا کند، و هر که بر خدا توکل کند خدا او را کفایت خواهد کرد که خدا امرش را نافذ و روان می‌سازد و بر هر چیز قدر و اندازه‌ای مقرر داشته است (و به هیچ تدبیری سر از تقدیرش نتوان پیچید).

و از زنان شما آنان که از حیض (و فرزند، به ظاهر) نومیدند اگر باز شک (در تحقق سن یا سشان) دارید عدّه (طلاق) آنان سه ماه است و نیز زنانی که حیض ندیده (لیکن در سن حیض باشند آنها هم سه ماه عدّه نگه دارند)، و زنان حامله مدت عدّه‌شان تا وقت زاییدن است. و هر که متقی و خداترس باشد خدا (مشکلات) کار او را آسان می‌گرداند.

این احکام فرمان خداست که به شما نازل کرد و هر که از خدا بترسد خدا گناهانش بپوشد و او را پاداش بزرگ (بهشت ابد) عطا کند.

أَسْكِنُوهُنَّ مِنْ حَيْثُ سَكَنْتُمْ مِّنْ وُجْدِكُمْ وَلَا تُضَارُّوهُنَّ لِضَيِّقُوا عَلَيْهِنَّ وَإِنْ كُنَّ أُولَاتٍ حَمْلٍ فَأَنْفِقُوا عَلَيْهِنَّ حَتَّىٰ يَضَعْنَ حَمْلَهُنَّ فَإِنْ أَرْضَعْنَ لَكُمْ فَآتُوهُنَّ أُجُورَهُنَّ وَأَتَمُّوا بَيْنَكُمْ بِمَعْرُوفٍ وَإِنْ تَعَاَسَرْتُم فَسَرِّضُوهُ لَهَا وَآخَرَىٰ

لِيُنْفِقَ ذُو سَعَةٍ مِّنْ سَعَتِهِ ۗ وَمَنْ قُدِرَ عَلَيْهِ رِزْقُهُ فَلْيُنْفِقْ مِمَّا آتَاهُ اللَّهُ لَا يُكَلِّفُ اللَّهُ نَفْسًا إِلَّا مَا آتَاهَا ۗ سَيَجْعَلُ اللَّهُ بَعْدَ عُسْرٍ يُسْرًا

وَكَايِنٍ مِّنْ قَرْيَةٍ عَتَتْ عَنْ أَمْرِ رَبِّهَا وَرُسُلِهِ ۗ فَحَاسَبْنَاهَا حِسَابًا شَدِيدًا وَعَذَّبْنَاهَا عَذَابًا نُّكْرًا

فَذَاقَتْ وَبَالَ أَمْرِهَا وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهَا خُسْرًا

أَعَدَّ اللَّهُ لَهُمْ عَذَابًا شَدِيدًا ۖ فَاتَّقُوا اللَّهَ يَا أُولِيَ الْأَلْبَابِ الَّذِينَ ءَامَنُوا قَدْ أَنْزَلَ اللَّهُ إِلَيْكُمْ ذِكْرًا

رَسُولًا يَتْلُوا عَلَيْكُمْ آيَاتِ اللَّهِ مُبَيِّنَاتٍ لِّيُخْرِجَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ مِنَ الظُّلُمَاتِ إِلَى النُّورِ ۗ وَمَنْ يُؤْمِن بِاللَّهِ وَيَعْمَلْ صَالِحًا يُدْخِلْهُ جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا ۖ قَدْ أَحْسَنَ اللَّهُ لَهُ رِزْقًا

اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ وَمِنَ الْأَرْضِ مِثْلَهُنَّ يَتَنَزَّلُ الْأَمْرُ بَيْنَهُنَّ لِتَعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَأَنَّ اللَّهَ قَدْ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ عِلْمًا

(زنانی که طلاق رجعی دهید تا در عده‌اند) آنها را در همان منزل خویش که میسر شماسست بنشانید و به ایشان (در نفقه و سکنی) آزار و زیان نرسانید تا آنان را در مضیقه و رنج در افکنید (که به ناچار از حق خود بگذرند) و به زنان مطلقه اگر حامله باشند تا وقت وضع حمل نفقه دهید آن‌گاه اگر فرزند شما را شیر دهند اجرتشان را بپردازید و (در کار فرزند) میان خود به نیکی مشورت و سازش کنید. و اگر با هم سختگیری کنید (مادر صرف نظر کند تا) زن دیگری او را شیر دهد.

مرد دارا به وسعت و فراوانی نفقه زن شیرده دهد، و آن که ندارد و تنگ معیشت است از آنچه خدا به او داده انفاق کند. که خدا هیچ کس را جز به مقدار آنچه (توانایی) داده تکلیف نمی‌کند، و خدا به زودی بعد هر سختی آسانی قرار دهد.

و چه بسیار مردم دیاری که از امر خدا و رسولانش سرپیچیدند (و کافر شدند) ما هم آنان را به حساب سخت مؤاخذه کردیم و به عذاب بسیار شدید معذب ساختیم.

تا کیفر کردار خود چشیدند و عاقبت کارشان زیانکاری (و حسرت) گردید.

(و) خدا بر آنان عذاب سخت (جهنم) مهیا ساخت، پس شما ای خردمندانی که ایمان آورده‌اید از خدا بترسید (و راه طاعت پیش بگیرید) که خدا برای (هدایت) شما ذکر (یعنی قرآن) نازل کرد.

(و نیز فرستاد) رسول بزرگواری را که برای شما آیات روشن بیان خدا را تلاوت می‌کند تا آنان را که ایمان آورده و نیکوکار شدند از ظلمات (جهل) به سوی نور (معرفت و ایمان) باز آرد، و هر کس به خدا ایمان آورده و نیکوکار شود خدا او را در باغهای بهشتی در آرد که نهرها زیر درختانش جاری است و همیشه در آن بهشت ابد متنعمند، که خدا (در آنجا) رزق بسیار نیکو بر او مهیا ساخته است.

خدا آن کسی است که هفت آسمان را آفرید و مانند آن آسمان‌ها از (هفت طبقه) زمین خلق فرمود؛ امر نافذ او در بین هفت آسمان و زمین نازل می‌شود تا بدانید که خدا بر هر چیز توانا و به احاطه علمی بر همه امور عالم آگاه است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ لِمَ تُحَرِّمُ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكَ تَبْتَغِي مَرْضَاتَ  
أَزْوَاجِكَ وَاللَّهُ غَفُورٌ رَحِيمٌ

قَدْ فَرَضَ اللَّهُ لَكُمْ تَحِلَّةَ أَيْمَانِكُمْ وَاللَّهُ مَوْلَاكُمْ وَهُوَ  
الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ

وَإِذْ أَسْرَأْتُ إِلَى بَعْضِ أَزْوَاجِهِ حَدِيثًا فَلَمَّا نَبَّأَتْ بِهِ  
وَأَظْهَرَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ عَرَفَ بَعْضَهُ وَأَعْرَضَ عَنْ بَعْضٍ  
فَلَمَّا نَبَّأَهَا بِهِ قَالَتْ مَنْ أَنْبَأَكَ هَذَا قَالَ نَبَّأَنِيَ الْعَلِيمُ  
الْخَبِيرُ

إِنْ تَتُوبَا إِلَى اللَّهِ فَقَدْ صَغَتْ قُلُوبُكُمَا وَإِنْ تَظَاهَرَا عَلَيْهِ  
فَإِنَّ اللَّهَ هُوَ مَوْلَاهُ وَجِبْرِيْلُ وَصَلِحَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمَلَائِكَةَ  
بَعْدَ ذَلِكَ ظَهِيرٌ

عَسَى رَبُّهُوَ إِنْ طَلَّقَكُنَّ أَنْ يُبَدِّلَهُ أَزْوَاجًا خَيْرًا مِمَّنْ كُنَّ  
مُسْلِمَاتٍ مُّؤْمِنَاتٍ قَلْبَتِ تَلْبَتِ عِبْدَاتٍ سَلِيحَاتٍ  
تَلْبَتِ وَأَبْكَارًا

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا قُوا أَنْفُسَكُمْ وَأَهْلِيكُمْ نَارًا وَقُودُهَا  
النَّاسُ وَالْحِجَارَةُ عَلَيْهَا مَلَائِكَةٌ غِلَاظٌ شِدَادٌ لَا يَعْصُونَ  
اللَّهَ مَا أَمَرَهُمْ وَيَفْعَلُونَ مَا يُؤْمَرُونَ

يَا أَيُّهَا الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَعْتَدُوا الْيَوْمَ إِنَّمَا تُجْزَوْنَ مَا  
كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

ای پیغمبر گرامی برای چه آن را که خدا بر تو حلال فرمود تو بر خود حرام می‌کنی تا زنانت را از خود خشنود سازی؟ در صورتی که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است (بر هیچ کس خصوص بر تو رسول گرامیش سخت نخواهد گرفت. در تفسیر وارد است که روزی حفصه با اجازه رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم به خانه پدرش عمر رفت، پیغمبر با ماریه در حجره حفصه خلوت کرد. ناگه او رسید و غوغا انگیخت که تو در حجره من با کنیزی خلوت کردی و آبروی مرا نزد زنانت بردی. حضرت برای خشنودی او فرمود: من ماریه را بر خود حرام کردم ولی این سر نزد تو است با هیچ کس مگوی. او به فور عایشه را هم آگه ساخت، او هم با رسول راجع به ماریه گفتگو کرد. حضرت سوگند خورد که ماریه را ترک گوید. آن دو زن شاد شدند و این آیه نازل گردید).

خدا مقرر کرد برای شما که سوگندهای خود را (به کفاره) بگشایید، و خدا مولای شما بندگان (و حکمش نافذ) است و هم او (به هر چیز عالم) دانا و به حکمت (تمام امور خلق) آگاه است.

وقتی پیغمبر با بعضی زنان خود (یعنی با حفصه راجع به ماریه یا راجع به ریاست ابوبکر و عمر) سخنی به راز گفت و آن زن (چون خیانت کرده و دیگری یعنی عایشه را) بر سر پیغمبر آگه ساخت و خدا به رسولش خبر داد او بر آن زن برخی را اظهار کرد و به رویش آورد و برخی را پرده‌داری نمود و اظهار نکرد؛ چون او را از افشاء آن سر آگه ساخت آن زن گفت: رسولا، تو را که واقف ساخت (که من سر تو بر کسی فاش کرده‌ام)؟ رسول گفت: مرا خدای دانای آگاه خبر داد.

اینک اگر هر دو زن به درگاه خدا توبه کنید (رواست که البته دلهای شما (خلاف رضای پیغمبر) میل کرده است، و اگر با هم بر آزار او اتفاق کنید خدا یار و نگهبان اوست و جبریل امین و مردان صالح با ایمان (یعنی علی علیه السلام به روایت عامه و خاصه) و فرشتگان حق یار و مددکار اویند.

امید است که اگر پیغمبر شما را طلاق داد خدا زنانی بهتر از شما به جایتان با او همسر کند که همه با مقام تسلیم و ایمان و خضوع اطاعت کنند و اهل توبه و عبادت باشند و رهسپار (طریق معرفت)، چه بکر چه غیر بکر.

ای کسانی که ایمان آورده‌اید، خود را با خانواده خویش از آتش دوزخ نگاه دارید چنان آتشی که مردم (دل‌سخت کافر) و سنگ (خارا) آتش‌افروز اوست و بر آن دوزخ فرشتگانی بسیار درشت‌خو و دل‌سخت مأمورند که هرگز نافرمانی خدا را (در اجرای قهر و غضب حق) نخواهند کرد و آنچه به آنها حکم شود انجام دهند.

(به کافران گویند) ای کافران، امروز عذرخواهی مکنید (که پذیرفته نیست) تنها آنچه (در دنیا) می‌کرده‌اید به آن مجازات می‌شوید.



يَا أَيُّهَا الَّذِينَ ءَامَنُوا تُوبُوا إِلَى اللَّهِ تَوْبَةً نَّصُوحًا عَسَىٰ رَبُّكُمْ أَن يُكَفِّرَ عَنْكُمْ سَيِّئَاتِكُمْ وَيُدْخِلَكُم جَنَّاتٍ تَجْرِي مِن تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ يَوْمَ لَا يُخْزِي اللَّهُ النَّبِيَّ وَالَّذِينَ ءَامَنُوا مَعَهُ نُورُهُمْ يَسْعَىٰ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَبِأَيْمَانِهِمْ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَتِمِّمْ لَنَا نُورَنَا وَاعْفِرْ لَنَا إِنَّكَ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

الا ای مؤمنان، به درگاه خدا توبه نصوح (با خلوص و دوام) کنید، باشد که پروردگارتان گناهاتتان را مستور گرداند و شما را در باغهای بهشتی که زیر درختانش نهرها جاری است داخل کند در آن روزی که خدا پیغمبر خود و گرویدگان به او را ذلیل نسازد (بلکه عزیز و سرفراز ابد گرداند، در آن روز) نور (ایمان و عبادت) آنها در پیش رو و سمت راست ایشان می‌رود (و راه بهشتشان می‌نماید) و در آن حال (به شوق و نشاط) گویند: پروردگارا، تو نور ما را به حد کمال رسان و ما را (به لطف و کرم خود) ببخش که البته تو بر هر چیز توانایی.

الا ای رسول گرامی، اینک با کفار و منافقان به جهاد و کارزار پرداز و بر آنها (تا ایمان نیاورده‌اند) سخت گیر و (بدان که) مأوای آنها دوزخ است که بسیار بد منزلگاهی است.

يَا أَيُّهَا النَّبِيُّ جَاهِدِ الْكُفَّارَ وَالْمُنَافِقِينَ وَاغْلُظْ عَلَيْهِمْ وَمَأْوَاهُمُ جَهَنَّمُ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

خدا برای کافران زن نوح و زن لوط را مثال آورد که تحت (فرمان) دو بنده صالح ما بودند و به آنها (نفاق و) خیانت کردند و آن دو شخص (با وجود مقام نبوت) نتوانستند آنها را از (قهر) خدا برهانند و به آنها حکم شد که با دوزخیان در آتش درآیند.

ضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ كَفَرُوا امْرَأَتَ نُوحٍ وَاَمْرَأَتَ لُوطٍ كَانَتَا تَحْتَ عَبْدَيْنِ مِنْ عِبَادِنَا صَالِحَيْنِ فَخَانَتَاهُمَا فَلَمْ يُغْنِيَا عَنْهُمَا مِنَ اللَّهِ شَيْئًا وَقِيلَ ادْخُلَا النَّارَ مَعَ الدَّٰخِلِينَ

و باز خدا برای مؤمنان (آسیه) زن فرعون را مثل آورد هنگامی که (از شوهر کافرش بیزاری جست و) عرض کرد: بار الها (من از قصر فرعون و عزت دنیوی او گذشتم) تو خانه‌ای برای من نزد خود در بهشت بنا کن و مرا از شر فرعون (کافر) و کردارش و از قوم ستمکار نجات بخش.

وَضَرَبَ اللَّهُ مَثَلًا لِلَّذِينَ ءَامَنُوا امْرَأَتَ فِرْعَوْنَ إِذْ قَالَتْ رَبِّ ابْنِ لِي عِنْدَكَ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ وَنَجِّنِي مِنَ فِرْعَوْنَ وَعَمَلِهِ وَنَجِّنِي مِنَ الْقَوْمِ الظَّالِمِينَ

و نیز مریم دخت عمران را (مثل آورد) که رجمش را پاکیزه داشت و ما در آن از روح قدسی خویش بدمیدیم، و او کلمات پروردگار خود و کتب آسمانی او را (با کمال ایمان) تصدیق کرد و از بندگان مطیع خدا به شمار بود.

وَمَرْيَمَ ابْنَتَ عِمْرَانَ الَّتِي أَحْصَنَتْ فَرْجَهَا فَنَفَخْنَا فِيهِ مِن رُّوحِنَا وَصَدَّقَتْ بِكَلِمَاتِ رَبِّهَا وَكُتِبَ عَلَيْهَا مِنَ الْقَنَاتِ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

تَبْرَكَ الَّذِي بِيَدِهِ الْمُلْكُ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

الَّذِي خَلَقَ الْمَوْتَ وَالْحَيَاةَ لِيَبْلُوَكُمْ أَيُّكُمْ أَحْسَنُ عَمَلًا  
وَهُوَ الْعَزِيزُ الْغَفُورُ

الَّذِي خَلَقَ سَبْعَ سَمَاوَاتٍ طِبَاقًا مَّا تَرَى فِي خَلْقِ الرَّحْمَنِ  
مِن تَفْوُوتٍ ط فَأَرْجِعِ الْبَصَرَ هَلْ تَرَى مِنْ فُطُورٍ

ثُمَّ ارْجِعِ الْبَصَرَ كَرَّتَيْنِ يَنْقَلِبْ إِلَيْكَ الْبَصَرُ خَاسِئًا وَهُوَ  
حَسِيرٌ

وَلَقَدْ زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحٍ وَجَعَلْنَاهَا رُجُومًا  
لِلشَّيْطَانِ ط وَأَعْتَدْنَا لَهُمْ عَذَابَ السَّعِيرِ

وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ عَذَابُ جَهَنَّمَ وَبِئْسَ الْمَصِيرُ

إِذَا أُلْقُوا فِيهَا سَمِعُوا لَهَا شَهيقًا وَهِيَ تَفُورُ

تَكَادُ تَمَيِّزُ مِنَ الْغَيْظِ ط كُلَّمَا أُلْقِيَ فِيهَا فَوْجٌ سَأَلَهُمْ  
خَزَنَتُهَا أَلَمْ يَأْتِكُمْ نَذِيرٌ

قَالُوا بَلَى قَدْ جَاءَنَا نَذِيرٌ فَكَذَّبْنَا وَقُلْنَا مَا نَزَّلَ اللَّهُ مِنْ  
شَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ إِلَّا فِي ضَلَالٍ كَبِيرٍ

وَقَالُوا لَوْ كُنَّا نَسْمَعُ أَوْ نَعْقِلُ مَا كُنَّا فِي أَصْحَابِ السَّعِيرِ

فَاعْتَرَفُوا بِذَنبِهِمْ فَسُحِقًا لِأَصْحَابِ السَّعِيرِ

إِنَّ الَّذِينَ يَخْشَوْنَ رَبَّهُم بِالْغَيْبِ لَهُمْ مَغْفِرَةٌ وَأَجْرٌ كَبِيرٌ

بزرگوار خدایی که سلطنت ملک هستی به دست قدرت اوست و بر همه چیز تواناست.

خدایی که مرگ و زندگی را آفرید که شما بندگان را بیازماید تا کدام نیکوکارتر (و خلوص اعمالش بیشتر) است و او مقتدر و بسیار آمرزنده است.

آن خدایی که هفت آسمان بلند را به طبقاتی منظم بیافرید و هیچ در نظم خلقت خدای رحمان بی‌نظمی و نقصان نخواهی یافت، باز بارها به دیده عقل بنگر تا هیچ نقص و خلل هرگز در آن توانی یافت؟

باز دوباره به چشم بصیرت دقت کن تا دیده خرد زبون و خسته (نقصی نیافته) به سوی تو باز گردد.

و ما آسمان دنیا را به چراغهای انجم رخشان زیب و زیور دادیم و به تیر شهاب آن ستارگان شیاطین را راندیم و عذاب آتش فروزان را بر آنها مهیا ساختیم.

و بر آنان که به خدای خود کافر شدند عذاب جهنم که بسیار بد منزلگاهی است مهیاست.

که چون به آن جهنم در افتند فریاد منگری چون شهیق خران از آتش چون دیگ جوشان می‌شنوند.

(دوزخ از خشم کافران) نزدیک است شکافته و قطعه قطعه شود، هر فوجی را که به آتش در افکنند خازنان جهنم از آنها پرسند: آیا پیغمبری برای راهنمایی شما نیامد؟

آنها در جواب گویند: آری، ما را رسول بیم دهنده حق آمد ولی ما تکذیب او کردیم و گفتیم که خدا چیزی (از آسمان) نفرستاده و جز اینکه شما رسولان سخت به گمراهی و ضلالتید هیچ نیست.

و گویند: اگر ما در دنیا (سخن انبیا) می‌شنیدیم یا به دستور عقل رفتار می‌کردیم (امروز) از دوزخیان نبودیم.

آنجا به گناه خود معترف شوند (که سودی ندارد و خطاب قهر فرا رسد) که اهل آتش افروخته (قهر، از رحمت حق) دور باد.

همانا آنان که از خدای خود در پنهان می‌ترسند آنها را آمرزش و پاداش بزرگ (بهشت ابد) خواهد بود.

وَأَسِرُّوا قَوْلَكُمْ أَوِ اجْهَرُوا بِهِ ۗ إِنَّهُ وَعَلِيمٌ بِذَاتِ الصُّدُورِ

أَلَا يَعْلَمُ مَنْ خَلَقَ وَهُوَ اللَّطِيفُ الْخَبِيرُ

هُوَ الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ ذُلُولًا فَأَمْشُوا فِي مَنَاكِبِهَا  
وَكُلُوا مِنْ رِزْقِهِ ۗ وَإِلَيْهِ النُّشُورُ

ءَأَمِنْتُمْ مَّن فِي السَّمَاءِ أَنْ يَخْسِفَ بِكُمْ الْأَرْضَ فَإِذَا هِيَ  
تَمُورُ

أَمْ أَمِنْتُمْ مَّن فِي السَّمَاءِ أَنْ يُرْسِلَ عَلَيْكُمْ حَاصِبًا  
فَسَتَعْلَمُونَ كَيْفَ نَذِيرِ

وَلَقَدْ كَذَّبَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ فَكَيفَ كَانَ نَكِيرِ

أَوْ لَمْ يَرَوْا إِلَى الطَّيْرِ فَوْقَهُمْ صَفَّتٍ وَيَقْبِضَنَّ مَا  
يُمْسِكُهُنَّ إِلَّا الرَّحْمَنُ ۗ إِنَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ بَصِيرٌ

أَمْنَ هَذَا الَّذِي هُوَ جُنْدٌ لَكُمْ يَنْصُرُكُمْ مِّنْ دُونِ  
الرَّحْمَنِ ۗ إِنَّ الْكَافِرِينَ إِلَّا فِي غُرُورٍ

أَمْنَ هَذَا الَّذِي يَرِزُقُكُمْ إِنْ أَمْسَكَ رِزْقَهُ ۗ بَلْ لَجُّوا فِي  
عُتُوٍّ وَنُفُورٍ

أَفَمَنْ يَمِثُّ مِثْبًا عَلَىٰ وَجْهِهِ ۚ أَهْدَىٰ أَمَّنْ يَمِثُّ سَوِيًّا  
عَلَىٰ صِرَاطٍ مُّسْتَقِيمٍ

قُلْ هُوَ الَّذِي أَنْشَأَكُمْ وَجَعَلَ لَكُمْ السَّمْعَ وَالْأَبْصَرَ  
وَالْأَفْئِدَةَ ۗ قَلِيلًا مَّا تَشْكُرُونَ

قُلْ هُوَ الَّذِي ذَرَأَكُمْ فِي الْأَرْضِ وَإِلَيْهِ تُحْشَرُونَ

وَيَقُولُونَ مَتَىٰ هَذَا الْوَعْدُ إِنْ كُنْتُمْ صَادِقِينَ

قُلْ إِنَّمَا الْعِلْمُ عِنْدَ اللَّهِ وَإِنَّمَا أَنَا نَذِيرٌ مُّبِينٌ

و شما سخن پنهان گویند یا آشکار، در علم حق یکسان است،  
که خدا به اسرار دلها هم البته داناست.

آیا آن خدایی که خلق را آفریده عالم به اسرار آنها نیست؟  
و حال آنکه او بر باطن و ظاهر همه امور عالم آگاه است.

او آن خدایی است که زمین را برای شما نرم و هموار  
گردانید پس شما در پست و بلندی‌های آن حرکت کنید و از  
روزی او خورید و (بدانید که) بازگشت همه خلائق به سوی  
اوست.

آیا از (قهر) خدایی که در آسمان مقتدر و حکمفرماست  
ایمنید که شما را به زمین فرو برد در حالی که زمین به موج  
و اضطراب در افتد؟

آیا از قهر خدای مقتدری که در (زمین و) آسمان  
حکمفرماست ایمنید که تندبادی بفرستد و بر سر شما سنگ  
بارد تا بدانید که وعده عذاب من چگونه است؟

و همانا امم پیش از اینها نیز (رسولان ما را) تکذیب کردند  
پس (بنگرید) چگونه سخت آنها را هلاک کردم.

آیا مرغان هوا را نمی‌نگرند که بالای سرشان پر گشوده، گاه  
بی‌حرکت و گاه با حرکت بال پرواز می‌کنند؟ کسی جز خدای  
مهربان آنها را (در فضا) نگاه نمی‌دارد، که او به احوال همه  
موجودات کاملا بیناست.

آیا آن کیست که سپاه و مددکار شما باشد و همه‌گونه شما  
را در برابر خدای مهربان یاری تواند کرد؟ پس کافران جز  
در غرور و فریبی بیش نیستند.

آیا آن کیست که اگر خدا از شما رزق خود باز گیرد او روزی  
به شما تواند داد؟ بلکه کافران دانسته در طغیان و عصیان  
لجاج ورزند و از حق اعراض می‌کنند.

آیا آن کس که (در کفر و جهالت) سرنگون به رو در افتاده یا  
آن که با قامت راست به راه راست (ایمان) است کدام بهتر  
هدایت یافته‌اند؟

بگو: اوست خدایی که شما را از نیستی به هستی آورد و دو  
گوش و چشم (شنا و بینا) و دل (هوشیار) به شما عطا کرد  
(تا شکر نعمتش گویند) حال آنکه بسیار کم از نعم او  
شکرگزاری می‌کنید.

بگو: اوست خدایی که شما را در زمین (از خاک) برانگیخت و  
(پس از مرگ) باز به سوی او محشور می‌شوید.

و کافران (به تمسخر) گویند: این وعده قیامت کی خواهد  
بود اگر شما راست می‌گویید؟

بگو: علم آن تنها نزد خداست و من منحصرًا وظیفه‌ام این  
است که شما را (از عذاب حق) بترسانم.

فَلَمَّا رَأَوْهُ زُلْفَةً سَيِّئَتْ وُجُوهُ الَّذِينَ كَفَرُوا وَقِيلَ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَدْعُونَ

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَهْلَكَنِیَ اللَّهُ وَمَنْ مَعِیَ أَوْ رَحِمَنَا فَمَنْ یُجِیْرُ الْکَافِرِیْنَ مِنْ عَذَابِ أَلِیْمٍ

قُلْ هُوَ الرَّحْمَنُ ءَامَنَّا بِهِۦ وَعَلَيْهِ تَوَكَّلْنَا فَسَتَعْلَمُونَ مَنْ هُوَ فِی ضَلَالٍ مُّبِیْنٍ

قُلْ أَرَأَيْتُمْ إِنْ أَصْبَحَ مَاؤُكُمْ غَوْرًا فَمَنْ یَأْتِیْكُمْ بِمَآءٍ مَّعِیْنٍ

که چون کافران آن عذاب سخت را نزدیک خود به چشم مشاهده کنند رخسار آنها (از خوف) زشت و سیاه شود و به آنها گویند: این همان عذابی است که جدًا درخواست می‌کردید.

بگو: چه تصور می‌کنید؟ اگر خدا من و مؤمنانی که با منند همه را هلاک کند یا لطف و رحمت فرماید آیا آنان که کافرند چه کسی از عذاب دردناک (دوزخ) نجاتشان خواهد داد؟

بگو: (آن که من شما را به سوی او می‌خوانم) او خدای مهربان است که ما به او ایمان آورده و بر او توکل کردیم و به زودی شما را معلوم شود کیست که آشکارا به ضلالت و گمراهی است؟

بگو: چه تصوّر می‌کنید؟ اگر آب (که مایه زندگانی) شما (است) همه به زمین فرو رود (جز خدا) کیست که باز آب روان و گوارا برای شما پدید آرد؟

۶۸ . قلم	القلم: قلم	مکی	۵۲ آیه	۳ صفحه
----------	------------	-----	--------	--------

ن (قسم به نون که شاید نام نور و ناصر حق یا لوح نور خداست) و قسم به قلم (علم فعلی ازلی) و آنچه (تا ابد در لوح محفوظ عالم) خواهند نگاشت.

که تو به لطف و رحمت پروردگارت هرگز دیوانه نیستی.

و البته تو را پاداشی نامحدود است.

و در حقیقت تو به نیکو خلقی عظیم آراسته‌ای.

و به زودی تو و مخالفانت مشاهده می‌کنید.

که از شما کدام یک (به اوهام و خیالات باطل) مفتون و دیوانه‌اند.

البته خدایت داناتر است که از راه خدا گمراه کیست و بهتر می‌داند که هدایت یافتگان عالم کیانند.

پس هرگز از مردم کافری که آیات خدا را تکذیب می‌کنند پیروی مکن.

کافران بسیار مایلند که تو با آنها مدهانه و مداراکنی (و متعرض بتهاشان نشوی) تا آنها هم (به نفاق) با تو مدهانه و مدارا کنند.

و تو هرگز اطاعت مکن احدی از منافقان دون را که دایم (به دروغ) سوگند می‌خورند.

و آن کس که دایم عیبجویی و سخن‌چینی می‌کند.

و خلق را هر چه بتواند از خیر باز می‌دارد و به ظلم و بدکاری می‌کوشد.

با این همه عیب، باز متکبر است و خشن با آنکه حرامزاده و بی‌اصل و نسب است.

(پیرو چنین کسی) برای این که مال و فرزندان بسیار دارد (نباید شد).

در صورتی که چون آیات ما را بر او تلاوت کنند گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
ن وَالْقَلَمِ وَمَا يَسْطُرُونَ

مَا أَنْتَ بِنِعْمَةِ رَبِّكَ بِمَجْنُونٍ

وَإِنَّ لَكَ لَأَجْرًا غَيْرَ مَمْنُونٍ

وَإِنَّكَ لَعَلَىٰ خُلُقٍ عَظِيمٍ

فَسَتُبْصِرُ وَيُبْصِرُونَ

بِأَيِّكُمْ الْمَفْتُونُ

إِنَّ رَبَّكَ هُوَ أَعْلَمُ بِمَنْ ضَلَّ عَنْ سَبِيلِهِ وَهُوَ أَعْلَمُ بِالْمُهْتَدِينَ

فَلَا تُطِعِ الْمُكَذِّبِينَ

وَدُّوا لَوْ تُدْهِنُ فَيُدْهِنُونَ

وَلَا تُطِعِ كُلَّ حَلَّافٍ مَّهِينٍ

هَمَّازٍ مَّشَاءٍ بَنِيمٍ

مِّنَّا عِ لِلْخَيْرِ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ

عُتْلٍ بَعْدَ ذَلِكَ زَنِيمٍ

أَنْ كَانَ ذَا مَالٍ وَبَنِينَ

إِذَا تُلِيٰ عَلَيْهِ ءَايَاتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

سَنَسِمُهُ عَلَى الْخُرطوم

إِنَّا بَلَوْنَهُمْ كَمَا بَلَوْنَا أَصْحَابَ الْجَنَّةِ إِذْ أَقْسَمُوا لَيَصْرِمُنَّهَا مُصْبِحِينَ

وَلَا يَسْتَنْتُونَ

فَطَافَ عَلَيْهَا طَائِفٌ مِّن رَّبِّكَ وَهُمْ نَائِمُونَ

فَأَصْبَحَتْ كَالصَّرِيمِ

فَتَنَادَوُا مُصْبِحِينَ

أَنِ اغْدُوا عَلَىٰ حَرْثِكُمْ إِن كُنْتُمْ صَٰرِمِينَ

فَأَنْطَلَقُوا وَهُمْ يَتَخَفَتُونَ

أَن لَّا يَدْخُلَنَّهَا الْيَوْمَ عَلَيْكُم مَّسْكِينٌ

وَعَدُوا عَلَىٰ حَرْدٍ قَدِيرِينَ

فَلَمَّا رَأَوْهَا قَالُوا إِنَّا لَضَالُّونَ

بَلْ لَحْنٌ مِّمَّنْ مَّحْرُومُونَ

قَالَ أَوْسَطُهُمْ أَلَمْ أَقُلْ لَّكُمْ لَوْلَا تُسَبِّحُونَ

قَالُوا سُبْحٰنَ رَبِّنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِمِينَ

فَأَقْبَلَ بَعْضُهُمْ عَلَىٰ بَعْضٍ يَتَلَوْمُونَ

قَالُوا يَا وَيْلَنَا إِنَّا كُنَّا ظَالِعِينَ

عَسَىٰ رَبَّنَا أَن يُبَدِّلَنَا خَيْرًا مِّنْهَا إِنَّا إِلَىٰ رَبِّنَا رَاغِبُونَ

كَذٰلِكَ الْعَذَابُ ۗ وَلَعَذَابُ الْآخِرَةِ أَكْبَرُ لَوْ كَانُوا يَعْلَمُونَ

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ عِندَ رَبِّهِمْ جَنَّتِ التَّعِيمِ

أَفَنَجْعَلُ الْمُسْلِمِينَ كَالْمُجْرِمِينَ

مَا لَكُمْ كَيْفَ تَحْكُمُونَ

أَمْ لَكُمْ كِتَابٌ فِيهِ تَدْرُسُونَ

إِنَّ لَكُمْ فِيهِ لَمَا تَخَيَّرُونَ

أَمْ لَكُمْ أَيْمٰنٌ عَلَيْنَا بَلِغْتُهُ إِلَىٰ يَوْمِ الْقِيٰمَةِ إِنَّ لَكُمْ لَمَا تَحْكُمُونَ

سَلِّمُوا إِلَيْهِمْ بِذٰلِكَ زَعِيمٌ

أَمْ لَهُمْ شُرَكَاءُ فَلْيَأْتُوا بِشُرَكَائِهِمْ إِن كَانُوا صٰدِقِينَ

يَوْمَ يُكْشَفُ عَن سَاقٍ وَيُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ فَلَا يَسْتَطِيعُونَ

به زودی بر خرطوم و بینی‌اش داغ (شمشیر) نهیم. (این آیات در حق ولید مغیره عم ابو جهل که روز بدر بر حسب وعده حق به شمشیر علی علیه السلام بینی‌اش بشکافت نازل آمد ولی بر هر که مانند اوست تا ابد شامل است).

و هیچ استثنا نکردند (ان شاء الله نگفتند و به خواست خدا معتقد نبودند).

ما کافران را (به قحط و سختی) آزمودیم چنانکه اهل آن بستان را آزمودیم، که قسم خوردند که صبحگاه میوه‌اش را بچینند (تا فقیران آگاه نشوند).

و هیچ سبب همان شب هنوز به خواب بودند که از جانب خدا آتش عذابی نازل شد.

و بامدادان درختهای آن بستان چون خاکستری سیاه گردید.

صبحگاه یکدیگر را صدا کردند.

که برخیزید اگر میوه بستان را خواهید چید به بستانتان روید.

آنها سوی بستان روان شده و آهسته سخن می‌گفتند.

که امروز مواظب باشید فقیری در این باغ بر شما وارد نشود.

و مسجدم با شوق و عزم و توانایی (بر منع فقیران) به باغ رفتند.

چون باغ را به آن حال دیدند با خود گفتند: (باغ ما نه اینست) ما یقین راه را گم کرده‌ایم؟

یا بلکه (باغ همان است و) ما (به قهر خدا از میوه‌اش) محروم شده‌ایم؟

یک نفر بهترین اولاد و عادلترین‌شان به آنها گفت: من به شما نگفتم چرا (شکر نعمت و) تسبیح و ستایش خدا را بجا نیاورید؟

آنان همه گفتند: خدای ما (از ظلم) منزّه است، آری ما خود (در حق خویش) ستم کردیم.

و رو به یکدیگر کرده به ملامت و نکوهش هم پرداختند.

گفتند: ای وای بر ما که سخت سرکش بودیم.

اینک امیدواریم که پروردگار ما به جای آن، بستان بهتری به ما عطا کند، که (از این پس) ما همیشه به خدای خود مشتاقیم.

این گونه است عذاب (دنیا) و البته عذاب آخرت بسیار سخت‌تر است اگر مردم بدانند.

(در آخرت) برای متقیان نزد پروردگارشان باغهای بهشت پرنعمت خواهد بود.

آیا هرگز اهل اسلام را با کافران بدکار یکسان قرار می‌دهیم؟

شما را چیست؟ چگونه شما (این چنین) حکم (ظالمانه) می‌کنید؟

آیا شما را کتابی است (آسمانی) که در آن این حکم می‌خوانید؟

که هر آنچه به هوای نفس بخواهید شما را فراهم است؟

یا شما را بر ما (به عدم عقاب) عهد و سوگند دائمی تا روز قیامت است که هر چه حکم فرمایید به یقین بر شما فراهم است؟

از آنان بپرس تا کدام ضامن این پیمانند؟

یا آنها گواهانی (بر دعوی خود) دارند؟ اگر راست می‌گویند آن گواهان را حاضر کنند.

در آن روز بسیار سخت به سجده خدا خوانده شوند و نتوانند.

خَشِعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهَّقُهُمْ ذَلَّةٌ <sup>ط</sup> وَقَدْ كَانُوا يُدْعَوْنَ إِلَى السُّجُودِ وَهُمْ سَلِيمُونَ

۴۴

فَذَرْنِي وَمَنْ يُكْذِبُ بِهَذَا الْحَدِيثِ <sup>ط</sup> سَنَسْتَدْرِجُهُمْ مِّنْ حَيْثُ لَا يَعْلَمُونَ

۴۵

وَأْمَلِي لَهُمْ إِنَّ كَيْدِي مَتِينٌ

۴۶

أَمْ تَسْأَلُهُمْ أَجْرًا فَهُمْ مِّنْ مَّغْرَمٍ مُّثْقَلُونَ

۴۷

أَمْ عِنْدَهُمُ الْغَيْبُ فَهُمْ يَكْتُمُونَ

۴۸

فَأَصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تَكُنْ كَصَاحِبِ الْحُوتِ إِذْ نَادَىٰ وَهُوَ مَكْظُومٌ

۴۹

لَوْلَا أَن تَدَارَكُهُ نِعْمَةٌ مِّن رَّبِّهِ ۚ لَنُبِذَ بِالْعَرَاءِ وَهُوَ مَذْمُومٌ

۵۰

فَاجْتَبَاهُ رَبُّهُ وَفَجَعَلَهُ مِّنَ الصَّالِحِينَ

۵۱

وَإِن يَكَادُ الَّذِينَ كَفَرُوا لَيُزْلِقُونَكَ بِأَبْصَرِهِمْ لَمَّا سَمِعُوا الذِّكْرَ وَيَقُولُونَ إِنَّهُ لَمَجْنُونٌ

۵۲

وَمَا هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِّلْعَالَمِينَ

چشمانشان ذلیل و ترسان، ذَلَّت و حسرت آنها را فرا گرفته و از این پیش (در دنیا) با تن سالم به سجده خدا آنها را می‌خواندند (ولی اجابت نکردند).

(ای رسول، تو کیفر) مَکذِبَان و منکران قرآن را به من واگذار که ما آنها را از آنجا که نفهمند (و گمان نعمت کنند) به عذاب سخت در افکنیم.

و آنها را مهلت دهم که البته کید من قوی و بسیار سخت است.

آیا تو از کافران امت مزد رسالت خواهی که بار غرامتش بر آنها گران است؟

یا آنکه از عالم غیب آگاهند تا از آنجا چیزی بر نویسند؟

باز تو برای حکم خدای خود صبر کن و مانند صاحب ماهی (یونس که از خشم در عذاب امت تعجیل کرد) مباش که (عاقبت پشیمان شد و در ظلمت زندان شکم ماهی افتاد و) به حال غم و اندوه (خدا را بر نجات خود) خواند.

که اگر لطف و رحمت پروردگارش در نیافتی با نکوهش به صحرای بی‌آب و گیاه در افتادی (و هلاک شدی).

باز (چون به درگاه حق نالید) خدایش برگزید و از صالحانش گردانید.

البته نزدیک است که کافران به چشمان (بد) خود (چشم زخم‌ت زنند و) از پایت در آورند، آن گاه که آیات قرآن بشنوند و (چون در فصاحتش حیرت کنند از شدت حسد) گویند که این شخص عجب دیوانه است.

در حالی که این کتاب الهی جز ذکر و پند و حکمت برای عالمیان هیچ نیست.

<b>۶۹. حاقه</b>	الحَاقَّةُ: حتمی	مکی	۵۲ آیه	۳ صفحه
-----------------	------------------	-----	--------	--------

۱  
 حزب  
 ۲۲۷  
 ۵۰۰ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
 الْحَاقَّةُ

۲

مَا الْحَاقَّةُ

۳

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحَاقَّةُ

۴

كَذَّبَتْ ثَمُودُ وَعَادٌ بِالْقَارِعَةِ

۵

فَأَمَّا ثَمُودُ فَأُهْلِكُوا بِالطَّاغِيَةِ

۶

وَأَمَّا عَادٌ فَأُهْلِكُوا بِرِيحٍ صَرْصَرٍ عَاتِيَةٍ

۷

سَخَّرَهَا عَلَيْهِمْ سَبْعَ لَيَالٍ وَثَمَنِيَةً أَيَّامٍ حُسُومًا <sup>ط</sup> فَتَرَى الْقَوْمَ فِيهَا صَرْعَى كَأَنَّهُمْ أُعْجَازُ نَخْلٍ خَاوِيَةٍ

۸

فَهَلْ تَرَى لَهُم مِّنْ بَاقِيَةٍ

وَجَاءَ فِرْعَوْنُ وَمَنْ قَبْلَهُ وَالْمُؤْتَفِكَتُ بِالْحَاطِئَةِ

فَعَصَوْا رَسُولَ رَبِّهِمْ فَأَخَذَهُمْ أَخْذَةً رَابِيَةً

إِنَّا لَمَّا طَغَا الْمَاءُ حَمَلْنَاكُمْ فِي الْجَارِيَةِ

لِنَجْعَلَهَا لَكُمْ تَذْكِرَةً وَتَعِيهَا أذنٌ وَعِیَّةٌ

فَإِذَا نُفِخَ فِي الصُّورِ نَفْخَةٌ وَاحِدَةٌ

وَحَمَلَتِ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ فَدُكَّتَا دَكَّةً وَاحِدَةً

فَيَوْمَئِذٍ وَقَعَتِ الْوَاقِعَةُ

وَأَنْشَقَّتِ السَّمَاءُ فَهِيَ يَوْمَئِذٍ وَاهِيَةٌ

وَالْمَلَكُ عَلَى أَرْجَائِهَا وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَنِيَّةٌ

يَوْمَئِذٍ تُعْرَضُونَ لَا تَخْفَى مِنْكُمْ خَافِيَةٌ

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِيَمِينِهِ ۖ فَيَقُولُ هَآؤُمْ أَقْرَأُوا كِتَابِيَهٗ

إِنِّي ظَنَنْتُ أَنِّي مُلَاقٍ حِسَابِيَهٗ

فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

فُطُوفُهَا دَانِيَةٌ

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا أَسْلَفْتُمْ فِي الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ بِشِمَالِهِ ۖ فَيَقُولُ يَلَيْتَنِي لَمْ أُوتِ كِتَابِيَهٗ

وَلَمْ أَدرِ مَا حِسَابِيَهٗ

يَلَيْتَهَا كَانَتِ الْقَاضِيَةَ

مَا أَغْنَىٰ عَنِّي مَالِيَهٗ

هَلْكَ عَنِّي سُلْطَانِيَهٗ

خُدُوهُ فَعُلُوهُ

ثُمَّ الْجَحِيمِ صَلْوُهُ

ثُمَّ فِي سِلْسِلَةٍ ذَرْعُهَا سَبْعُونَ ذِرَاعًا فَاسْلُكُوهُ

إِنَّهُ كَانَ لَا يُؤْمِنُ بِاللَّهِ الْعَظِيمِ

وَلَا يَحْضُ عَلَىٰ طَعَامِ الْمُسْكِينِ

و فرعون و اقوام پیش از او و مردم آن آبادیهای زیر و رو شده (یعنی قوم زشتکار لوط) به کفر و خطاکاری برخاستند.

و با رسول پروردگارشان مخالفت کردند، خدا هم آنان را به عذابی سخت گرفتار ساخت.

(شما مردم فرزندان نوحید که) ما چون طوفان دریا طغیان کرد شما را به کشتی نشانددیم (و نجاتتان دادیم).

تا آن (غرق کفار و نجات مؤمنان) را مایه پند و عبرت شما مردم قرار دهیم و لیکن گوش شنوای هوشمندان این پند و تذکر را تواند فرا گرفت.

باز (به یاد آر) چون در صور (اسرافیل) یک بار بدمند.

و زمین و کوهها را بر دارند و یک مرتبه همه را خرد و متلاشی سازند.

آن‌گاه آن واقعه بزرگ قیامت واقع گردد.

و بنای مستحکم آسمان (از دهشت و عظمت) آن روز سست شود و سخت درهم شکافد.

و فرشتگان بر اطراف آسمان (منتظر فرمان حق) باشند و عرش پروردگارت را در آن روز هشت ملک مقرب بر فراز سرشان (یا فراز سر مردم) بردارند.

آن روز که (در پیشگاه حساب) شما را حاضر کنند هیچ کار از اسرار مخفی شما هم پنهان نخواهد ماند.

اما کسی که نامه اعمال او را به دست راستش دهند (با کمال نشاط و شادمانی و سربلندی به اهل محشر) گوید: بیایید نامه مرا بخوانید.

من ملاقات این روز حسابم را اعتقاد داشتم (و در دنیا به گناه نپرداختم).

این چنین کس در عیش و زندگانی خوش خواهد بود.

در بهشت عالی رتبه (ابدی).

که میوه‌های آن همیشه در دسترس (بهشتیان) است.

(و خطاب رسد که) از طعام و شرابیهای لذیذ و گوارای بهشتی هر چه خواهید تناول کنید، شما را گوارا باد، که این پاداش اعمال ایام گذشته دنیاست که (بر امروز خویش) پیش فرستادید.

و اما آن کس که کتاب عملش به دست چپ دهند (با کمال شرمندگی و اندوه) گوید: ای کاش نامه مرا به من نمی‌دادند.

و من هرگز از حساب اعمالم آگاه نمی‌شدم.

ای کاش مرگ مرا از چنگ این غصه و عذاب نجات می‌داد.

(ای داد که) مال و ثروت من امروز به فریاد من نرسید.

همه قدرت و حشمتم نابود گردید.

(و خطاب قهر رسد که) او را بگیرید و در غل و زنجیر کشید.

تا بازش به دوزخ در افکنید.

آن‌گاه به زنجیری که طولش هفتاد ذراع است (به آتش) در کشید.

که او به خدای بزرگ ایمان نیاورده.

و هرگز مسکینی را بر سفره طعام خود به رغبت نخوانده است.

فَلَيْسَ لَهُ الْيَوْمَ هَهُنَا حَمِيمٌ

۳۶

وَلَا طَعَامٌ إِلَّا مِنْ غِسْلِينٍ

۳۷

لَا يَأْكُلُهُوَ إِلَّا الْخَطِطُونَ

۳۸

ر ۵۰۱

فَلَا أُقْسِمُ بِمَا تُبْصِرُونَ

۳۹

وَمَا لَا تُبْصِرُونَ

۴۰

إِنَّهُ لَقَوْلُ رَسُولٍ كَرِيمٍ

۴۱

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَاعِرٍ قَلِيلًا مَّا تُوْمِنُونَ

۴۲

وَلَا يَقُولُ كَاهِنٌ قَلِيلًا مَّا تَذَكَّرُونَ

۴۳

تَنْزِيلٌ مِّن رَّبِّ الْعَالَمِينَ

۴۴

وَلَوْ تَقَوَّلَ عَلَيْنَا بَعْضُ الْأَقَاوِيلِ

۴۵

لَأَخَذْنَا مِنْهُ بِالْيَمِينِ

۴۶

ثُمَّ لَقَطَعْنَا مِنْهُ الْوَتِينَ

۴۷

فَمَا مِنْكُمْ مِّنْ أَحَدٍ عَنْهُ حَلِيزِينَ

۴۸

وَإِنَّهُ لَتَذَكُّرَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ

۴۹

وَإِنَّا لَنَعْلَمُ أَنَّ مِنْكُمْ مُّكَذِّبِينَ

۵۰

وَإِنَّهُ لَحَسْرَةٌ عَلَى الْكَافِرِينَ

۵۱

وَإِنَّهُ لِحَقِّ الْيَقِينِ

۵۲

فَسَبِّحْ بِاسْمِ رَبِّكَ الْعَظِيمِ

۰۷۰ معارج

المَعَارِج: درجات

مکی

۴۴ آیه

۳ صفحه

۱

ر ۵۰۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

سَأَلَ سَائِلٌ بِعَذَابٍ وَاقِعٍ

۲

لِّلْكَافِرِينَ لَيْسَ لَهُ وَدَاعٌ

۳

مِّنَ اللَّهِ ذِي الْمَعَارِجِ

۴

تَعْرُجُ الْمَلَائِكَةُ وَالرُّوحُ إِلَيْهِ فِي يَوْمٍ كَانَ مِقْدَارُهُ خَمْسِينَ

أَلْفَ سَنَةٍ

۵

فَأَصْبِرْ صَبْرًا جَمِيلًا

۶

إِنَّهُمْ يَرَوْنَهُ وَبَعِيدًا

۷

وَنَرَاهُ قَرِيبًا

۸

يَوْمَ تَكُونُ السَّمَاءُ كَالْمُهْلِ

۹

وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ

۱۰

وَلَا يَسْأَلُ حَمِيمٌ حَمِيمًا

بدین سبب امروز هیچ خویش و دوستداری که به فریادش

رسد در اینجا ندارد.

و طعامی غیر از غسلین (چرک و پلیدی دوزخیان) نصیبش

نیست.

و آن طعام را کسی جز اهل دوزخ نمی‌خورد.

قسم به آنچه (از آثار حق) می‌بینید.

و آنچه نمی‌بینید.

که قرآن به حقیقت (وحی خدا و) کلام رسول بزرگواری

است.

و آن نه سخن شاعری (و گفتار خیالی و موهومی) است (گر چه)

چندکی از شما مردم به آن ایمان می‌آورید.

و نه حرف کاهن غیبگوست (گر چه) اندکی از شما مردم

متذکر حقایق آن می‌شوید.

این قرآن تنزیل خدای عالمیان است.

و اگر (محمد صلی الله علیه و آله و سلم) از دروغ به ما

برخی سخنان را می‌بست،

محققا ما او را (به قهر و انتقام) از یمینش می‌گرفتیم.

و رگ و تینش را قطع می‌کردیم.

و شما هیچ یک بر دفاع از او قادر نبودید.

و این قرآن به حقیقت پند و تذکر پرهیزکاران عالم است.

و البته ما می‌دانیم که شما برخی تکذیب آن می‌کنید.

و تکذیبش عاقبت مایه ندامت کافران است.

و این حق و حقیقت محض است.

پس به نام خدای بزرگوار خود تسبیح گوی و آن را به

ستایش یاد کن.



يُبْصِرُونَهُمْ يَوْمَ الْمُجْرِمِ لَوْ يَفْتَدِي مِنْ عَذَابِ يَوْمِئِذٍ  
بَنِيهِ

۱۲ وَصَحْبَتِهِ ۚ وَأَخِيهِ

۱۳ وَفَصِيلَتِهِ الَّتِي تُتَوِيه

۱۴ وَمَنْ فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا ثُمَّ يُنْجِيهِ

۱۵ كَلَّا إِنَّهَا لَأَطَى

۱۶ نَزَاعَةٌ لِلشَّوَى

۱۷ تَدْعُوا مَنْ أَدْبَرَ وَتَوَلَّى

۱۸ وَجَمَعَ فَأَوْعَى

۱۹ إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا

جزب  
۲۲۸

۲۰ إِذَا مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا

۲۱ وَإِذَا مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا

۲۲ إِلَّا الْمُصَلِّينَ

۲۳ الَّذِينَ هُمْ عَلَى صَلَاتِهِمْ دَائِمُونَ

۲۴ وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ

۲۵ لِلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ

۲۶ وَالَّذِينَ يُصَدِّقُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

۲۷ وَالَّذِينَ هُمْ مِنَ عَذَابِ رَبِّهِمْ مُشْفِقُونَ

۲۸ إِنَّ عَذَابَ رَبِّهِمْ غَيْرُ مَا مُنِنَ

۲۹ وَالَّذِينَ هُمْ لِأُزْوَاجِهِمْ حَافِظُونَ

۳۰ إِلَّا عَلَىٰ أَرْوَاجِهِمْ أَوْ مَا مَلَكَتْ أَيْمَانُهُمْ فَإِنَّهُمْ غَيْرُ  
مَلُومِينَ

۳۱ فَمَنْ أَبْغَىٰ وَرَاءَ ذَلِكَ فَأُولَٰئِكَ هُمُ الْعَادُونَ

۳۲ وَالَّذِينَ هُمْ لِأَمْنَتِهِمْ وَعَهْدِهِمْ رَاعُونَ

۳۳ وَالَّذِينَ هُمْ بِشَهَادَتِهِمْ قَائِمُونَ

۳۴ وَالَّذِينَ هُمْ عَلَىٰ صَلَاتِهِمْ يُحَافِظُونَ

۳۵ أُولَٰئِكَ فِي جَنَّتٍ مُّكْرَمُونَ

۳۶ فَمَالِ الَّذِينَ كَفَرُوا قِبَلَكَ مُهْطِعِينَ

۵۰۳

۳۷ عَنِ الِّيمِينِ وَعَنِ الشِّمَالِ عِزِينَ

۳۸ أَيُطْمَعُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُدْخَلَ جَنَّةَ نَعِيمٍ

۳۹ كَلَّا إِنَّا خَلَقْنَاهُمْ مِّمَّا يَعْلَمُونَ

چون حقیقت حالشان به آنها بنماید آن روز کافر بدکار آرزو  
کند که کاش توانستی فرزندانش را فدای خود سازد و از  
عذاب برهد.

و هم زن و برادرش.

و هم خویشان و قبیله‌اش را که همیشه حمایتش می‌کردند.

و هر که را روی زمین است خواهد همه را فدای خویش  
گردند تا مگر او را (از آن عذاب) برهاند.

و هرگز نجات نیابد که آتش دوزخ بر او شعله‌ور است.

تا سر و صورت و اندمش پاک بسوزد.

دوزخ کسی را می‌خواند که از خدا رو گردانیده و با حق  
مخالفت کرده.

و مال دنیا را جمع کرده و همه را ذخیره نموده است.

که انسان مخلوقی طبعاً سخت حریص و بی‌صبر است.

چون شر و زبانی به او رسد سخت جزع و بی‌قراری کند.

و چون مال و دولتی به او رو کند منع (احسان) نماید.

مگر نماز گزاران حقیقی.

آنان که دایم در نماز (و طاعت الهی) عمر گذرانند.

و آنان که در مال و دایی خود حقی معین و معلوم گردانند.

تا به فقیران سائل و فقیران آبرومند محروم رسانند.

و آنان که روز قیامت و جزا را تصدیق کنند.

و آنان که از قهر و عذاب خدای خویش سخت ترسانند.

که از عذاب خدا هیچ کس ایمن نتواند بود.

و آنان که اندام خود را (از شهوت رانی) نگاه می‌دارند.

مگر بر زنان حلال و کنیزان ملکی خویش که (از اعمال  
شهوت با آنها) هیچ ملامت ندارند.

و هر که غیر از این جوید اینان به حقیقت متعدی و  
ستمکارند.

و آنان که امانت و عهد و پیمانشان را رعایت کنند.

و آنان که برای گواهی به حق قیام کنند.

و آنان که نماز خود را (به وقت و شرایط و حضور قلب)  
محافظت کنند.

آنان در باغها (ی بهشت ابد) با عزت و احترام متنعمند.

(ای رسول) چه شده است کافران را که (با تمسخر) به  
جانبیت می‌شتابند؟!

از راست و چپ گروه گروه (باز پراکنده می‌شوند و به دین  
خدا نمی‌گروند).

آیا هر یک طمع دارند که باز آنها را در بهشت با ناز و نعمت  
داخل کنند؟!

هرگز این نشود (چون) آنها خود می‌دانند که ما آنها را از چه  
(نطفه پستی) آفریده‌ایم (باز به آفریننده خود ایمان  
نمی‌آورند و به کفر می‌شتابند و طمع آن دارند که چون  
مؤمنان به بهشت روند).

فَلَا أُقْسِمُ بِرَبِّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ إِنَّا لَقَدِيرُونَ

عَلَىٰ أَنْ تُبَدِّلَ خَيْرًا مِّنْهُمْ وَمَا نَحْنُ بِمَسْبُوقِينَ

فَذَرَهُمْ يُخَوْضُوا وَيَلْعَبُوا حَتَّىٰ يُلَاقُوا يَوْمَهُمُ الَّذِي يُوعَدُونَ

يَوْمَ يَخْرُجُونَ مِنَ الْأَجْدَاثِ سِرَاعًا كَأَنَّهُمْ إِلَىٰ نُصُبٍ يُوفِضُونَ

خَشِيعَةً أَبْصَرُهُمْ تَرَهِفُهُمْ ذِلَّةً ذَلِكَ الْيَوْمِ الَّذِي كَانُوا يُوعَدُونَ

۷۱. نوح	نوح: نوح	مکی	۲۸ آیه	۲ صفحه
---------	----------	-----	--------	--------

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِنَّا أَرْسَلْنَا نُوحًا إِلَىٰ قَوْمِهِۦ أَنْ أَنْذِرْ قَوْمَكَ مِن قَبْلِ أَنْ يَأْتِيَهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ

قَالَ يَقَوْمِ إِنِّي لَكُمْ نَذِيرٌ مُّبِينٌ

أَنِ اعْبُدُوا اللَّهَ وَاتَّقُوهُ وَأَطِيعُوا

يَغْفِرْ لَكُمْ مِّن ذُنُوبِكُمْ وَيُخْرِجْكُمْ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى إِنِّي أَجَلَ اللَّهِ إِذَا جَاءَ لَا يُؤَخَّرُ لَوْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ

قَالَ رَبِّ إِنِّي دَعَوْتُ قَوْمِي لَيْلًا وَنَهَارًا

فَلَمْ يَزِدْهُمْ دُعَائِي إِلَّا فِرَارًا

وَإِنِّي كَلَّمَا دَعَوْتُهُمْ لِيَتَغْفِرَ لَهُمْ جَعَلُوا أَصْبِعَهُمْ فِي آذَانِهِمْ وَأَسْتَعْشَوْا ثِيَابَهُمْ وَأَصْرُوا وَأَسْتَكْبَرُوا أَسْتَكْبَارًا

ثُمَّ إِنِّي دَعَوْتُهُمْ جِهَارًا

ثُمَّ إِنِّي أَعْلَنْتُ لَهُمْ وَأَسْرَرْتُ لَهُمْ إِسْرَارًا

فَقُلْتُ اسْتَغْفِرُوا رَبَّكُمْ إِنَّهُ كَانَ غَفَّارًا

چنین نیست، سوگند به خدای مشرق‌ها و مغرب‌ها که ما قادریم.

که به جای آنها خلقی بهتر از آنها بیافرینیم و هرگز کسی (به قدرت و قوت) بر ما سبقت نخواهد یافت.

پس آنها را به کفر و ضلالت خود بگذار که به بازیچه دنیا دل بزنند تا با روزی که وعده عذاب آنهاست رو به رو شوند.

آن روزی که به سرعت سر از قبرها برآورده، گویی به سوی بتها (و نتیجه پرستش غیر خدا) می‌شتابند.

در حالی که چشمه‌اشان (از هول و وحشت قیامت) به خواری فرو افتاده و ذلت (کفر و عصیان) بر آنها احاطه کرده، این همان روزی است که به آنها وعده می‌دادند.

ما نوح را به سوی قومش (به رسالت) فرستادیم که قوم خود را (از قهر خدا) به اندرز و پند بترسان از آنکه بر آنان عذاب دردناک فرا رسد.

نوح گفت: ای قوم، من برای شما رسولی هستم که شما را با بیانی روشن از عذاب قهر خدا می‌ترسانم.

(و از راه خیر خواهی به شما می‌گویم) که خدای را به یکتایی بپرستید و از او بترسید و پرهیزکار باشید و مرا پیروی کنید.

تا خدا به لطف و کرم از گناهان شما در گذرد و اجلتان را تا وقت (عمر طبیعی) معین به تأخیر افکند، که اجل الهی چون وقتش فرا رسد اگر بدانید دگر هیچ تأخیر نیفتد.

(و او به درگاه خدا نالید و) گفت: بارالها، من قوم خود را شب و روز دعوت کردم.

اما دعوت و نصیحتم جز بر فرار و اعراض آنها نیفزود.

و هر چه آنان را به مغفرت و آمرزش تو خواندم انگشت بر گوش نهادند و جامه به رخسار افکندند (تا مرا نبینند و سخنم را نشنوند) و (بر کفر) اصرار و لجاج ورزیدند و سخت راه تکبر و نخوت پیمودند.

باز هم آنها را به صدای بلند دعوت کردم.

و آن گاه آشکار و علنی خواندم و در خلوت و پنهانی خواندم (به هیچ وجه اثری نکرد).

باز گفتم: به درگاه خدای خود توبه کنید و آمرزش طلبید که او بسیار خدای آمرزنده‌ای است.

يُرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْكُمْ مِدْرَارًا

تا باران آسمان بر شما فراوان نازل کند.

وَيُمِدِّدْكُمْ بِأَمْوَالٍ وَبَيْنَ وَيَجْعَلْ لَكُمْ جَنَّاتٍ وَيَجْعَلْ لَكُمْ أَنْهَرًا

و شما را به مال بسیار و پسران متعدد مدد فرماید و باغهای خرم و نهرهای جاری به شما عطا کند.

مَا لَكُمْ لَا تَرْجُونَ لِلَّهِ وَقَارًا

چرا شما مردم خدای را به عظمت و وقار باور ندارید؟

وَقَدْ خَلَقْنَاكُمْ أَطْوَارًا

و حال آنکه او شما را (از نطفه‌ای) به انواع خلقت و اطوار گوناگون (ارمتب آدمیت) بیافرید.

أَلَمْ تَرَوْا كَيْفَ خَلَقَ اللَّهُ سَبْعَ سَمَوَاتٍ طِبَاقًا

آیا ندیدید که خدا چگونه هفت آسمان را به طبقاتی (بسیار منظم و محکم) خلق کرد،

وَجَعَلَ الْقَمَرَ فِيهِنَّ نُورًا وَجَعَلَ الشَّمْسُ سِرَاجًا

و در آن آسمانها ماه شب را فروغی تابان و خورشید روز را چراغی فروزان ساخت؟

وَاللَّهُ أَنْبَتَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ نَبَاتًا

و خدا شما را مانند نباتات مختلف از زمین برویانید.

ثُمَّ يُعِيدُكُمْ فِيهَا وَيُخْرِجُكُمْ إِخْرَاجًا

آن گاه بار دیگر (پس از مرگ) به زمین باز گرداند و دیگر بار هم شما را (از خاک به روز حساب) برانگیزد.

وَاللَّهُ جَعَلَ لَكُمْ الْأَرْضَ بِسَاطًا

و خدا زمین را برای شما چون بساط (پر نعمت) بگسترانید.

لِتَسْلُكُوا مِنْهَا سُبُلًا فِجَاجًا

تا در زمین راههای مختلف وسیع ببینید.

قَالَ نُوحٌ رَبِّ إِنَّهُمْ عَصَوْنِي وَاتَّبَعُوا مَنْ لَمْ يَزِدْهُ مَالًا وَوَلَدَهُ إِلَّا خَسَارًا

نوح گفت: پروردگارا (با این همه تبلیغ و دعوت و اتمام حجت باز) این قوم مرا مخالفت کردند و پیرو کسی (از ثروتمندان) شدند که او خود مال و فرزندش هم جز بر زیانش نیفزود.

وَمَكْرُوا مَكْرًا كُبَّارًا

و (بر ضد من) بزرگترین مکر و حيله به کار بردند.

وَقَالُوا لَا تَذَرُنَّ آهَاتِكُمْ وَلَا تَذَرُنَّ وُدًّا وَلَا سُوعًا وَلَا يَعُوْثَ وَيَعُوْقَ وَنَسْرًا

و گفتند: هرگز خدایان خود را رها نکنید و به خصوص دست از پرستش (این پنج بت) ودّ و سواع و یعووث و یعووق و نسر هرگز برمدارید.

وَقَدْ أَضَلُّوا كَثِيرًا وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا ضَلَالًا

و آنها بسیاری از خلق را گمراه کردند، و تو ستمکاران را هیچ جز بر ضلالت و عذابشان میفزای.

مِمَّا خَطِيئَتِهِمْ أُغْرِقُوا فَأَدْخَلُوا نَارًا فَلَمْ يَجِدُوا لَهُمْ مِّنْ دُونِ اللَّهِ أَنْصَارًا

آن قوم از کثرت کفر و گناه عاقبت به آب دریا غرق شدند و به آتش دوزخ در افتادند و جز خدا بر خود هیچ یار و یاری نیافتند.

وَقَالَ نُوحٌ رَبِّ لَا تَذَرْ عَلَيَّ الْأَرْضَ مِنَ الْكَافِرِينَ دَيَّارًا

و نوح عرض کرد: پروردگارا از این کافران دیّاری بر روی زمین باقی مگذار.

إِنَّكَ إِنْ تَذَرَهُمْ يُضِلُّوا عِبَادَكَ وَلَا يَلِدُوا إِلَّا فَاجِرًا كَفَّارًا

که اگر از آنها هر که را باقی گذاری بندگان (پاک با ایمان) تو را گمراه می‌کنند و فرزندی هم جز بدکار و کافر از آنان به ظهور نمی‌رسد.

رَبِّ اغْفِرْ لِي وَلِوَالِدَيَّ وَلِمَنْ دَخَلَ بَيْتِي مُؤْمِنًا وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَلَا تَزِدِ الظَّالِمِينَ إِلَّا تَبَارًا

بار الها، مرا و پدر و مادر من و هر که با ایمان به خانه (یا به کشتی) من داخل شود و همه مردان و زنان با ایمان عالم را ببخش و بیامرز و ستمکاران را جز بر هلاک و عذابشان میفزای.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قُلْ أُوحِيَ إِلَيَّ أَنَّهُ اسْتَمَعَ نَفَرٌ مِّنَ الْجِنِّ فَقَالُوا إِنَّا سَمِعْنَا

قُرْءَانًا عَجَبًا

يَهْدِي إِلَى الرُّشْدِ فَآمَنَّا بِهِ ۗ وَلَنْ نُشْرِكَ بِرَبِّنَا أَحَدًا

وَأَنَّهُ تَعَلَّى جَدُّ رَبِّنَا مَا اتَّخَذَ صَاحِبَةً وَلَا وَلَدًا

وَأَنَّهُ كَانَ يَقُولُ سَفِيهَنَا عَلَى اللَّهِ شَطَطًا

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ تَقُولَ الْإِنسُ وَالْجِنُّ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا

وَأَنَّهُ كَانَ رِجَالٌ مِّنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ

فَزَادُوهُمْ رَهَقًا

وَأَنَّهُمْ ظَنُّوا كَمَا ظَنَنْتُمْ أَنْ لَنْ يَبْعَثَ اللَّهُ أَحَدًا

وَأَنَّا لَمَسْنَا السَّمَاءَ فَوَجَدْنَا مُلَيْتًا حَرَسًا شَدِيدًا وَشُهَبًا

وَأَنَّا كُنَّا نَقْعُدُ مِنْهَا مَقْعِدًا لِلسَّمْعِ ۖ فَمَنْ يَسْتَمِعِ الْآنَ يَجِدْ

لَهُ شِهَابًا رَّصَدًا

وَأَنَّا لَا نَدْرِي أَشَرُّ أَرِيدَ بِنَا فِي الْأَرْضِ أَمْ أَرَادَ بِهِمْ رَبُّهُمْ

رَشْدًا

وَأَنَّا مِنَّا الصَّالِحُونَ وَمِنَّا دُونَ ذَلِكَ ۖ كُنَّا طَرَائِقَ قِدَدًا

وَأَنَّا ظَنَنَّا أَنْ لَنْ نُعْجِزَ اللَّهَ فِي الْأَرْضِ وَلَنْ نُعْجِزَهُ ۗ هَرَبًا

وَأَنَّا لَمَّا سَمِعْنَا الْهُدَىٰ ءَامَنَّا بِهِ ۗ فَمَنْ يُؤْمِنُ بِرَبِّهِ ۗ فَلَا

يَخَافُ بَخْسًا وَلَا رَهَقًا

(ای رسول ما) بگو: مرا وحی رسیده که گروهی از جنیان (آیات قرآن را هنگام قرائت من) استماع کرده‌اند و پس از شنیدن گفته‌اند که ما از قرآن آیات عجیبی شنیدیم.

که به راه خیر و صلاح هدایت می‌کند، بدین سبب ما به آن ایمان آورده و دیگر هرگز به خدای خود مشرک نخواهیم شد.

و همانا بسیار بلند مرتبه است شأن و اقتدار پروردگار ما، او همجفت و فرزندی هرگز نگرفته (و از این آرایشهای جسمانی پاک و مبرآ) است.

و البته سفیهان و بی‌خردان ما به خدا دروغ می‌بستند (که به او فرزندی مسیح و عزیر و فرشتگان را نسبت دادند).

و ما چنین می‌پنداشتیم که هرگز هیچ قومی از جن و انس بر خدای متعال دروغ و افترا نخواهد گفت.

و همانا مردانی از نوع بشر به مردانی از گروه جن پناه می‌بردند (و خود را در بیابانها به جنیان می‌سپردند) و جنیان بر غرور و جهل آنها سخت می‌افزودند (آیه چنین تفسیر شده که زمان جاهلیت عرب در بیابان پناه به بزرگ جنیان آنجا می‌برد تا ایمن باشد آن‌گاه آسوده می‌خفت و مال و جانش به خطر می‌افتاد).

و آنها هم مانند شما (آدمیان گروهی کافر شده و) گمان کردند که خدا احدی را (به قیامت) زنده نخواهد کرد.

و جنیان گفتند ما به آسمان بر شدیم (تا اسرار وحی را استراق کنیم) لیکن یافتیم که آنجا فرشته نگهبان با قدرت و تیر شهاب آتشبار فراوان است.

و ما (پیش از نزول قرآن) در کمین شنیدن سخنان آسمانی و اسرار وحی می‌نشستیم اما اینک هر که (از اسرار وحی الهی) سخنی بخواهد شنید تیر شهاب در کمینگاه اوست.

و ما هنوز نمی‌دانیم که آیا عاقبت برای مردم زمین (با این مذاهب و اعمال مختلف که دارند) شرّ و فساد خواسته‌اند یا که خدای آنها بر هدایت آنان رشد و خیر و صلاح آنها را منظور دارد؟

و همانا برخی از ما صالح و نیکوکار هستیم و برخی بر خلاف آن، عقیده و اعمال ما هم بسیار متفرق و مختلف است.

و ما چنین دانسته‌ایم که هرگز در زمین بر قدرت خدا غلبه و از محیط اقتدارش فرار نتوانیم کرد.

و ما چون به سخنان هدایت (یعنی آیات قرآن) گوش فرا دادیم (برخی) ایمان آوردیم و هر که به خدای خود ایمان آورد دیگر از نقصان خیر و ثواب و از احاطه رنج و عذاب بر خود هیچ تترسد.

وَأَنَا مِنَ الْمُسْلِمُونَ وَمِنَّا الْقَاسِطُونَ فَمَنْ أَسْلَمَ فَأُولَئِكَ تَحَرَّوْا رَشَدًا

۱۵ وَأَمَّا الْقَاسِطُونَ فَكَانُوا لِجَهَنَّمَ حَطَبًا

۱۶ وَالْوَالِدُوا اسْتَقَمُوا عَلَى الطَّرِيقَةِ لَأَسْقَيْنَهُمْ مَاءً غَدَقًا

۱۷ لِنَقْتَنَهُمْ فِيهِ وَمَنْ يُعْرِضْ عَنْ ذِكْرِ رَبِّهِ يَسْلُكْهُ عَذَابًا صَعَدًا

۱۸ وَإِنَّ الْمَسْجِدَ لِلَّهِ فَلَا تَدْعُوا مَعَ اللَّهِ أَحَدًا

۱۹ وَأَنَّهُ لَمَّا قَامَ عَبْدُ اللَّهِ يَدْعُوهُ كَادُوا يَكُونُونَ عَلَيْهِ لِبَدًا

۲۰ قُلْ إِنَّمَا أَدْعُوا رَبِّي وَلَا أُشْرِكُ بِهِ أَحَدًا

۵۰۷ر

۲۱ قُلْ إِنِّي لَا أَمْلِكُ لَكُمْ ضَرًّا وَلَا رَشَدًا

۲۲ قُلْ إِنِّي لَنْ يُجِيرَنِي مِنَ اللَّهِ أَحَدٌ وَلَنْ أَجِدَ مِنْ دُونِهِ مُلْتَحَدًا

۲۳ إِلَّا بَلَاغًا مِّنَ اللَّهِ وَرِسَالَاتِهِ وَمَنْ يَعِصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ لَهُ نَارَ جَهَنَّمَ خَالِدًا فِيهَا أَبَدًا

۲۴ حَتَّىٰ إِذَا رَأَوْا مَا يُوعَدُونَ فَيَسْئَلُونَ مَنْ أضعفُ ناصِرًا وَأَقَلُّ عَدَدًا

۲۵ قُلْ إِنْ أَدْرِي أَقْرَبُ مَّا تُوعَدُونَ أَمْ يَجْعَلُ لَهُ رَبِّي أَمَدًا

۲۶ عَلِيمُ الْغَيْبِ فَلَا يُظْهِرُ عَلَىٰ غَيْبِهِ أَحَدًا

۲۷ إِلَّا مَنْ أَرْتَضَىٰ مِنْ رَسُولٍ فَإِنَّهُ يَسْلُكُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ رَصَدًا

۲۸ لِيَعْلَمَ أَنْ قَدْ أَبْلَغُوا رِسَالَاتِ رَبِّهِمْ وَأَحَاطَ بِمَا لَدَيْهِمْ وَأَحْصَىٰ كُلَّ شَيْءٍ عَدَدًا

و از ما جنیان هم بعضی مسلمان و بی‌آزار و برخی کافر و ستمکارند، و آنان که اسلام آوردند راستی به راه رشد و صواب شتافتند.

و اما ستمکاران ما هیزم بر آتش جهنم گردیدند.

و اگر بر طریقه (اسلام و ایمان) پایدار بودند آب (علم و رحمت و رزق) فراوان نصیبشان البته می‌گردانیدیم.

تا به آن نعمت آنها را امتحان و آزمایش کنیم، و هر که از یاد خدای خود اعراض کند خدا او را به عذابی بسیار سخت درآورد.

و مساجد مخصوص (پرستش ذات یکتای) خداست پس نباید با خدا احدی غیر او را پرستش کنید.

و چون بنده خاصّ خدا (محمّد صلی اللّٰه علیه و آله و سلّم) قیام کرد و خدا را می‌خواند طایفه جنیان (برای استماع قرآن) چنان گرد او ازدحام کردند که نزدیک بود بر سر هم فرو ریزند.

بگو: من تنها خدای خود را می‌پرستم و هرگز احدی را با او شریک نمی‌گردانم.

و باز بگو: من مالک و قادر بر خیر و شرّ شما نیستم.

باز بگو که (اگر خدا بر من قهر و غضب کند) ابدًا کسی مرا از (قهر) خدا در پناه نتواند گرفت و به غیر او هیچ گریز گاهی هرگز نخواهم یافت.

تنها مأمن و پناه من ابلاغ احکام خدا و رسانیدن پیغام الهی است، و آنان که نافرمانی خدا و رسول او کنند البته کیفرشان آتش دوزخ است که در آن تا ابد مغلّد باشند.

(ای رسول، کافران را رها کن) تا روزی که عذاب موعود خود را به چشم ببینند، آن زمان خواهند دانست که (تو و آنها) کدامتان یارانش ضعیف و ناتوان‌تر و سپاهش کمتر است؟

بگو: من خود ندانم که عذاب موعود شما وقتش نزدیک است یا خدا تا آن روز مدتی (بسیار) قرار داده است.

او دانای غیب عالم است و هیچ کس را بر غیب خود آگاه نمی‌کند.

مگر آن کس را که به پیامبری برگزیده است که فرشتگان را از پیش رو و پشت سر او می‌فرستد (تا اسرار وحی را شیاطین به سرقت گوش نربایند).

تا بداند (و معلوم سازد) که آن رسولان پیغامهای پروردگار خود را به خلق کاملاً رسانیده‌اند، و البته خدا به آنچه نزد رسولان است احاطه کامل دارد و به شماره هر چیز در عالم به خوبی آگاه است.

۱  
۵۰۸ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يَأْتِيهَا الْمُزَّمِّلُ

الا ای رسولی که در جامه (فکرت و خاموشی) خفته‌ای.

۲

قُمِ اللَّيْلَ إِلَّا قَلِيلًا

(هان) شب را (به نماز و طاعت خدا) برخیز مگر کمی.

۳

تَصَفَّهُـۥٓ أَوْ أَنْقُصْ مِنْهُ قَلِيلًا

که نصف یا چیزی کمتر از نصف باشد (به استراحت پرداز).

۴

أَوْ زِدْ عَلَيْهِ وَرَتِّلِ الْقُرْآنَ تَرْتِيلًا

یا چیزی بر نصف بیفزای و به تلاوت آیات قرآن با توجه کامل مشغول باش.

۵

إِنَّا سَنُلْقِي عَلَيْكَ قَوْلًا ثَقِيلًا

ما کلام بسیار سنگین (و گرانمایه قرآن) را بر تو القا می‌کنیم.

۶

إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأًا وَأَقْوَمُ قِيلًا

البته نماز شب (و دعا و ناله سحر) بهترین شاهد اخلاص و صفای قلب و دعوی صدق ایمان است.

۷

إِنَّ لَكَ فِي النَّهَارِ سَبْحًا طَوِيلًا

تو را روز روشن (در طلب روزی) وقت کافی و فرصت وسیع است.

۸

وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ وَتَبَتَّلْ إِلَيْهِ تَبْتِيلًا

و (دایم در شب و روز) نام خدا را یاد کن و به کلی از غیر او علاقه ببر و به او پرداز.

۹

رَبُّ الْمَشْرِقِ وَالْمَغْرِبِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ فَاتَّخِذْهُ وَكِيلًا

همان خدای مشرق و مغرب عالم که جز او هیچ خدایی نیست او را بر خود وکیل و نگهبان اختیار کن.

۱۰

وَأَصْبِرْ عَلَىٰ مَا يَقُولُونَ وَأَهْجِرْهُمْ هَجْرًا جَمِيلًا

و بر طعن و یاوه‌گویی کافران و مکذبان صبور و شکیبا باش و به طرزی نیکو (که مقتضای مدارا و حلم و بزرگواری است) از آنان دوری گزین.

۱۱

وَذَرْنِي وَالْمُكَذِّبِينَ أُولِيَ النَّعْمَةِ وَمَهِّلْهُمْ قَلِيلًا

و کار آن کافران مغرور نعمت و مال (حرام) را به من واگذار و اندک زمانی به آنها مهلت ده (تا وقت انتقام به زودی فرا رسد).

۱۲

إِنَّ لَدَيْنَا أَنْكَالًا وَجَحِيمًا

که البته نزد ما گل و زنجیر عذاب و آتش دوزخ مهیاست.

۱۳

وَطَعَامًا ذَا غُصَّةٍ وَعَذَابًا أَلِيمًا

و طعامی که (از فرط غصه و اندوه) گلوگیر آنها می‌شود و عذاب دردناک بر آنهاست.

۱۴

يَوْمَ تَرْجُفُ الْأَرْضُ وَالْجِبَالُ وَكَانَتِ الْجِبَالُ كَثِيبًا مَّهِيلًا

آن روزی که زمین و کوهها به لرزه درآید و کوهها تل ریگی شود و چون موج روان گردد.

۱۵

إِنَّا أَرْسَلْنَا إِلَيْكُمْ رَسُولًا شَهِدًا عَلَيْكُمْ كَمَا أَرْسَلْنَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ رَسُولًا

ما به شما (امت آخر زمان) رسولی فرستادیم که شاهد اعمال (و حجت کامل) شماست چنانکه بر فرعون هم رسول فرستادیم.

۱۶

فَعَصَىٰ فِرْعَوْنُ الرَّسُولَ فَأَخَذْنَاهُ أَخْذًا وَبِيلًا

تا فرعون نافرمانی آن رسول کرد ما هم او را به قهر و انتقام سخت بگرفتیم.

۱۷

فَكَيْفَ تَتَّقُونَ إِنْ كَفَرْتُمْ يَوْمًا يَجْعَلُ الْوِلْدَانَ شِيبًا

پس اگر کافر شوید چگونه (از عذاب حق) نجات یابید در روزی که کودک از هول و سختی آن پیر شود؟

۱۸

السَّمَاءُ مُنْفَطِرٌ بِهِۦٓ كَانَ وَعْدُهُ مَفْعُولًا

و آسمان از وحشت آن شکافته شود و وعده الهی به وقوع انجامد.

۱۹

إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اخْتِذْ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

این آیات (قرآن) برای تذکر و یادآوری فرستاده شد تا هر که بخواهد راهی به سوی خدای خود پیش گیرد.

إِنَّ رَبَّكَ يَعْلَمُ أَنَّكَ تَقُومُ أَدْنَىٰ مِنْ ثُلُثِي اللَّيْلِ وَنِصْفَهُ ۚ وَثُلُثَهُ ۚ وَطَائِفَةٌ مِّنَ الَّذِينَ مَعَكَ ۗ وَاللَّهُ يُقَدِّرُ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ ۚ عَلِمَ أَن لَّنْ نُحْصِيَهُ فَتَابَ عَلَيْكُمْ ۖ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنَ الْقُرْآنِ ۚ عَلِمَ أَن سَيَكُونُ مِنكُم مَّرْضَىٰ وَءَاخِرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ ۚ وَءَاخِرُونَ يَقْتَلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ۗ فَاقْرَءُوا مَا تَيَسَّرَ مِنْهُ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَقْرِضُوا اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا ۚ وَمَا تُقَدِّمُوا لِأَنفُسِكُمْ مِّنْ خَيْرٍ تَجِدُوهُ عِنْدَ اللَّهِ هُوَ خَيْرًا وَأَعْظَمَ أَجْرًا ۚ وَاسْتَغْفِرُوا اللَّهَ ۗ إِنَّ اللَّهَ غَفُورٌ رَّحِيمٌ

۷۳:  
مزل  
۲۵  
/۲۵  
حزب  
۲۳۰  
۵۰۹ر

## ۷۴. مدثر

الْمُدَّثِّرُ: جامهٔ خواب به‌خود پیچیده

مکی

۵۶ آیه

۳ صفحه

۱

۵۱۰ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
يَا أَيُّهَا الْمُدَّثِّرُ

۲

قُمْ فَأَنْذِرْ

۳

وَرَبِّكَ فَكَبِّرْ

۴

وَتِيَابِكَ فَطَهِّرْ

۵

وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ

۶

وَلَا تَمَنَّ تَسْتَكْثِرُ

۷

وَلِرَبِّكَ فَاصْبِرْ

۸

فَإِذَا نُقِرَ فِي النَّاقُورِ

۹

فَذَلِكَ يَوْمَئِذٍ يَوْمٌ عَسِيرٌ

۱۰

عَلَى الْكٰفِرِينَ عَيْرٌ يَسِيرٌ

۱۱

ذَرْنِي وَمَنْ خَلَقْتُ وَحِيدًا

۱۲

وَجَعَلْتُ لَهُ مَالًا مَّمْدُودًا

۱۳

وَبَنِينَ شُهَدَا

۱۴

وَمَهَّدْتُ لَهُ تَمْهِيدًا

۱۵

ثُمَّ يَظْمَعُ أَنْ أَزِيدَ

۱۶

كَلَّا إِنَّهُ كَانَ لِآيَاتِنَا عَنِيدًا

۱۷

سَأَرْهُقُهُ صَعُودًا

خدا به حال تو آگاه است که تو و جمعی هم از آنان که با تواند (اغلب) نزدیک دو ثلث یا نصف یا (۱۱ اقل) ثلث شب را همیشه به طاعت و نماز می‌پردازید، و خدا (گردش) شب و روز را مقدر می‌کند، خدا می‌داند که شما هرگز تمام ساعات شب را (به عبادت) ضبط نخواهید کرد لذا از شما (اوقات خواب و کارهای دیگر را) در گذشت تا هر چه (از شب را بی‌مشقت و) آسان است به تلاوت قرآن پردازید. خدا بر احوال شما آگاه است که برخی مریض و ناتوانند و برخی به سفر از کرم خدا روزی می‌طلبند و برخی در راه خدا به جنگ و جهاد مشغولند، پس در هر حال آنچه میسر و آسان باشد به قرائت قرآن پردازید و نماز به پا دارید و زکات مالتان (به فقیران) بدهید و به خدا قرض نیکو دهید (یعنی برای خدا به محتاجان احسان کنید و قرض الحسنه دهید)، و هر عمل نیک برای آخرت خود پیش فرستید (پاداش) آن را البته نزد خدا بیابید و آن اجر و ثواب آخرت (که بهشت ابد است، از متاع دنیا) بسی بهتر و بزرگتر است، و دایم از خدا آمرزش طلبید که خدا بسیار آمرزنده و مهربان است.

۱۱ ای رسولی که خود را به لباس (حیرت و فکرت) در پیچیده‌ای.

برخیز و به اندرز و پند، خلق را خدا ترس گردان.

و خدایت را به بزرگی و کبریایی یاد کن.

و لباس (جان و تن) خود را از هر عیب و آلابش پاک و پاکیزه دار.

و از ناپاکی (بت و بت‌پرستان) به کلی دوری گزین.

و بر هر که احسان کنی ابدًا منت مگذار و عوض افزون خواه.

و برای خدایت صبر و شکیبایی پیش‌گیر.

تا آن‌گاه که (هنگامه قیامت برپا شود و) در صور (اسرافیل) بدمند.

آن روز بسیار روز سختی است.

کافران را هیچ گونه در آن راحتی و آسایش نیست.

به من واگذار کار انتقام آن کس را که من او را تنها آفریدم.

و به او مال و ثروت فراوان بذل کردم.

و پسران بسیار حاضر به خدمت نصیب گردانیدم.

و اقتدار و مکنّت و عزّت دادم.

و (با کفران این نعمتها) باز هم از من طمع افزونی آن دارد.

هرگز (بر نعمتش نیفزاییم) که او با آیات ما دشمنی و عناد ورزید.

به زودی او را به سختی و دشواری (آتش دوزخ) درافکنم.

إِنَّهُ وَفَكَرَّ وَقَدَّرَ

۱۹ فَقُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ

۲۰ ثُمَّ قُتِلَ كَيْفَ قَدَّرَ

۲۱ ثُمَّ نَظَرَ

۲۲ ثُمَّ عَبَسَ وَبَسَرَ

۲۳ ثُمَّ أَدْبَرَ وَاسْتَكْبَرَ

۲۴ فَقَالَ إِنَّ هَذَا إِلا سِحْرٌ يُؤْتَرُ

۲۵ إِنَّ هَذَا إِلا قَوْلُ الْبَشَرِ

۲۶ سَأُصْلِيهِ سَقَرَ

۲۷ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سَقَرُ

۲۸ لَا تُبْقِي وَلَا تَذَرُ

۲۹ لَوَاحَةٌ لِّلْبَشَرِ

۳۰ عَلِيهَا تِسْعَةَ عَشَرَ

وَمَا جَعَلْنَا أَصْحَابَ النَّارِ إِلا مَلَائِكَةً وَمَا جَعَلْنَا عِدَّتَهُمُ إِلا فِتْنَةً لِّلَّذِينَ كَفَرُوا لِيَسْتَيَقِنَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَيَزِدَّادَ الَّذِينَ ءَامَنُوا إِيمَانًا وَلَا يَرْتَابَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ وَالْمُؤْمِنُونَ وَلِيَقُولَ الَّذِينَ فِي قُلُوبِهِم مَّرَضٌ وَالْكَافِرُونَ مَاذآ أَرَادَ اللَّهُ بِهِذَا مَثَلًا كَذَلِكَ يُضِلُّ اللَّهُ مَن يَشَاءُ وَيَهْدِي مَن يَشَاءُ وَمَا يَعْلَمُ جُنُودَ رَبِّكَ إِلا هُوَ وَمَا هِيَ إِلا ذِكْرَى لِّلْبَشَرِ

۳۲ كَلَّا وَالْقَمَرَ

را ۵۱

۳۳ وَاللَّيْلِ إِذَا أَدْبَرَ

۳۴ وَالصُّبْحِ إِذَا أَسْفَرَ

۳۵ إِنَّهَا لِإِحْدَى الْكُتُبِ

۳۶ نَذِيرًا لِّلْبَشَرِ

۳۷ لِمَن شَاءَ مِنْكُمْ أَن يَتَقَدَّمَ أَوْ يَتَأَخَّرَ

۳۸ كُلُّ نَفْسٍ بِمَا كَسَبَتْ رَهينَةٌ

۳۹ إِلا أَصْحَابَ الْيَمِينِ

۴۰ فِي جَنَّتٍ يَتَسَاءَلُونَ

۴۱ عَنِ الْمُجْرِمِينَ

۴۲ مَا سَلَكَكُمْ فِي سَقَرٍ

۴۳ قَالُوا لَمْ نَكُ مِنَ الْمُصَلِّينَ

۴۴ وَلَمْ نَكُ نُطْعِمُ الْمِسْكِينَ

۴۵ وَكُنَّا نَحْوُ مَعَ الْخَاطِئِينَ

۴۶ وَكُنَّا نُكَذِّبُ بِيَوْمِ الدِّينِ

۴۷ حَتَّىٰ آتَيْنَا آلِيَقِينَ

اوست که فکر و اندیشه بدی کرد (که رسول خدا را به سحر و ساحری نسبت داد).

و خدایش بکشد که چقدر اندیشه غلطی کرد.

باز هم خدایش بکشد که چه فکر خطایی نمود.

پس باز اندیشه کرد.

و (به اظهار تنفر از اسلام) رو ترش کرد و چهره در هم کشید.

آن‌گاه روی گردانید و تکبر و نخوت آغاز کرد.

و گفت: این (قرآن) به جز سحر و بیان سحرانگیزی که (از سحران گذشته) نقل می‌شود هیچ نیست.

این آیات گفتار بشری بیش نیست.

من این (منکر و مکذّب قرآن) را به آتش دوزخ درافکنم.

و تو چگونه توانی یافت که سختی عذاب دوزخ تا چه حد است؟

شراره آن دوزخ از دوزخیان هیچ باقی نگذارد و همه را بسوزاند و محو گرداند.

آن آتش بر آدمیان رو نماید (و خرمن گنهکاران را به باد دهد).

بر آن آتش نوزده تن (فرشته عذاب) موکلند.

و ما خازنان دوزخ را غیر فرشتگان (عذاب) قرار ندادیم و عدد آنها را جز برای فتنه و محنت کفار (نوزده) نگردانیدیم تا آنکه اهل کتاب هم یقین کنند (که ذکر این عدد مطابق تورات و انجیل است با آنکه صاحب قرآن به کتب آسمانی عالم نبوده و البته کلامش به وحی خداست و ایمان آرند) و آن بر یقین مؤمنان هم بیفزاید و دیگر در دل اهل کتاب و مؤمنان به اسلام هیچ شک و ریبی نماند و تا آنان که در دلهایشان مرض (شک و جهالت) است و کافران نیز (به طعنه) گویند که خدا از این مثل (که عدد فرشتگان عذاب را نوزده شمرده است نه بیش و کم) چه منظور داشت؟ بلی این چنین (قرار داد تا) هر که را خواهد به ضلالت بگذارد و هر که را خواهد هدایت نماید و هیچ کس از (عده بی‌حد) لشکرهای پروردگارت غیر او آگاه نیست و این (آیات ذکر دوزخ) جز برای پند و موعظه بشر نخواهد بود.

چنین (که کافران گویند) نیست، قسم به ماه تابان.

و قسم به شب تار چون باز گردد.

و قسم به صبح چون جهان را روشن سازد.

که این (آیات قرآن) یکی از بزرگترین آیات خداست.

در آن پند و اندرز آدمیان است.

برای هر یک از شما آدمیان که بخواهد (در مقام ایمان و طاعت و سعادت) پیش افتد یا باز ماند.

هر نفسی در گرو عملی است که انجام داده است.

مگر اهل یمین.

آنان در باغهای بهشت (متنعمند و) سؤال می‌کنند.

از احوال دوزخیان گنهکار.

که شما را چه عمل به عذاب دوزخ در افکند؟

آنان جواب دهند که ما از نمازگزاران نبودیم.

و مسکینی را طعام نمی‌دادیم.

و ما با اهل باطل به بطالت می‌پرداختیم.

و ما روز جزا را تکذیب می‌کردیم.

تا آنکه یقین (که ساعت مرگ است) بر ما فرا رسید.



فَمَا تَنْفَعُهُمْ شَفَعَةُ الشَّلَفِيِّينَ

۴۹ فَمَا لَهُمْ عَنِ التَّذْكَرَةِ مُعْرِضِينَ

۵۰ كَأَنَّهُمْ حُمُرٌ مُّسْتَنْفِرَةٌ

۵۱ فَرَّتْ مِنْ قَسْوَرَةٍ

۵۲ بَلْ يُرِيدُ كُلُّ امْرِئٍ مِّنْهُمْ أَنْ يُؤْتَىٰ صُحُفًا مُّنشَرَةً

۵۳ كَلَّا بَلْ لَا يَخَافُونَ الْآخِرَةَ

۵۴ كَلَّا إِنَّهُ تَذَكِّرَةٌ

۵۵ فَمَنْ شَاءَ ذَكَّرْهُ

۵۶ وَمَا يَذْكُرُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ هُوَ أَهْلُ التَّقْوَىٰ وَأَهْلُ

الْمَغْفِرَةِ

## ۷۵. قیامت

الْقِيَامَةِ: قیامت

مکی

۴۰ آیه

۲ صفحه

### ۱

حزب

۲۳۱

۵۱۲۲

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

لَا أُقْسِمُ بِيَوْمِ الْقِيَامَةِ

### ۲

وَلَا أُقْسِمُ بِالنَّفْسِ اللَّوَّامَةِ

### ۳

أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ

### ۴

بَلَىٰ قَدَرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ

### ۵

بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجَرًا أَمَامَهُ

### ۶

يَسْأَلُ أَيَّانَ يَوْمِ الْقِيَامَةِ

### ۷

فَإِذَا بَرِقَ الْبَصَرُ

### ۸

وَحَسَفَ الْقَمَرُ

### ۹

وَجُمِعَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ

### ۱۰

يَقُولُ الْإِنْسَانُ يَوْمَئِذٍ أَيْنَ الْمَفَرُّ

### ۱۱

كَلَّا لَا وَزَرَ

### ۱۲

إِلَىٰ رَبِّكَ يَوْمَئِذٍ الْمُسْتَقَرُّ

### ۱۳

يُنَبِّئُوا الْإِنْسَانَ يَوْمَئِذٍ بِمَا قَدَّمَ وَأَخَّرَ

### ۱۴

بَلِ الْإِنْسَانُ عَلَىٰ نَفْسِهِ ۖ بَصِيرَةٌ

### ۱۵

وَلَوْ أَلْقَىٰ مَعَاذِيرَهُ

### ۱۶

لَا تُحْرِكُ بِهِ ۖ لِسَانَكَ لِتَعْجَلَ بِهِ ۚ

### ۱۷

إِنَّ عَلَيْنَا جَمْعَهُ وَقُرْآنَهُ ۖ

### ۱۸

فَإِذَا قَرَأْنَهُ فَاتَّبِعْ قُرْآنَهُ ۖ

### ۱۹

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا بَيَانَهُ ۖ

پس شفاعت شیعیان در حق آنان هیچ سودی نبخشد.

اینک چرا از یاد آن روز سخت خود (و از ذکر و اندرز قرآن) اعراض می‌کنند؟

گویی گورخران گریزانی هستند.

که از شیر درنده می‌گریزند.

بلکه هر یک از آنها می‌خواهند که برایشان هم (مانند پیامبران) صحیفه وحی آسمانی باز آید (تا ایمان آرند).

هرگز (چنین نیست که پنداشتند) بلکه از (عذاب) آخرت نمی‌ترسند.

چنین نیست (که آنها پنداشتند) قرآن محققا همه پند و یادآوری است.

تا هر که خواهد متذکر آن شود.

و نخواهند متذکر شوند جز آنکه خدا بخواهد (یعنی بدون مشیّت و لطف الهی کسی بهشتی و سعادتمند نخواهد شد. از او رواست تقوا و ترس و بیم و شوق و امیدواری که) او اهل تقوا و اهل آموزش و مغفرت است.

چنین نیست (که کافران پنداشتند) قسم به روز (بزرگ) قیامت.

و قسم به نفس پر حسرت و ملامت (یعنی نفس انسان که در قیامت خود را بر تقصیر و گناه بسیار ملامت کند و حسرت خورد). [جواب قسم محذوف است، یعنی به اینها سوگند می‌خورم که آدمیان را در روز قیامت برخواهم انگیخت. (۴) ژ]

آیا آدمی پندارد که ما دیگر ابدا استخوانهای (پوسیده) او را باز جمع نمی‌کنیم؟

بلی (استخوانهای او را جمع می‌کنیم) در حالی که ما قادریم که سرانگشتان او را هم منظم درست گردانیم.

بلکه انسان می‌خواهد آنچه (از عمرش) در پیش است همه را به فجور و هوای نفس گذراند.

(که دایم با شک و انکار) می‌پرسد کی روز قیامت (و حساب) خواهد بود؟

(بگو) روزی که چشمهای خلقان (از وحشت و هول) خیره بماند.

و ماه تابان تاریک شود.

و میان خورشید و ماه جمع گردد (و هر دو بی‌نور شوند).

در آن روز انسان گوید: (ای وای از سختی عذاب) کجا مفرّ و پناهی خواهد بود؟

هرگز مفرّ و پناهگاهی نیست.

آن روز جز درگاه خدا آرامگاهی هیچ نیست.

آن روز آدمی به (نتیجه) هر نیک و بدی که در مقدّم و مؤخّر عمر کرده آگاه خواهد شد.

بلکه انسان خود بر (نیک و بد) خویش به خوبی بیناست.

هر چند (برده‌های) عذر (بر چشم بصیرت) خود بیفکند.

(ای رسول در حال وحی) با شتاب و عجله زبان به قرائت قرآن مگشای.

که ما خود قرآن را مجموع و محفوظ داشته و بر تو فرا خوانیم.

و آن‌گاه که بر خواندیم تو پیرو قرآن آن باش.

پس از آن بر ماست که (حقایق) آن را بر تو بیان کنیم.



عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا عِبَادُ اللَّهِ يُفَجِّرُونَهَا تَفْجِيرًا

۷

يُوفُونَ بِالنَّذْرِ وَيَخَافُونَ يَوْمًا كَانَ شَرُّهُ مُسْتَطِيرًا

۸

وَيُطْعَمُونَ الطَّعَامَ عَلَى حُبِّهِ مِسْكِينًا وَيَتِيمًا وَأَسِيرًا

۹

إِنَّمَا نُطْعِمُكُمْ لِوَجْهِ اللَّهِ لَا نُرِيدُ مِنْكُمْ جَزَاءً وَلَا شُكْرًا

۱۰

إِنَّا نَخَافُ مِنْ رَبِّنَا يَوْمًا عَبُوسًا قَمْطَرِيرًا

۱۱

فَوْقَهُمْ اللَّهُ شَرَّ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَقَّهْمُ نَصْرَةَ وَسُرُورًا

۱۲

وَجَزَلَهُمْ بِمَا صَبَرُوا جَنَّةً وَحَرِيرًا

۱۳

مُتَّكِنِينَ فِيهَا عَلَى الْأَرْبَابِ لَا يَرَوْنَ فِيهَا شَمْسًا وَلَا زَمَهْرِيرًا

۱۴

وَدَانِيَةً عَلَيْهِمْ ظِلُّهَا وَذُلِّلَتْ قُطُوفُهَا تَذْلِيلًا

۱۵

وَيُطَافُ عَلَيْهِمْ بِدَانِيَةٍ مِّنْ فِضَّةٍ وَأَكْوَابٍ كَانَتْ قَوَارِيرًا

۱۶

قَوَارِيرًا مِّنْ فِضَّةٍ قَدَّرُوهَا تَقْدِيرًا

۱۷

وَيُسْقَوْنَ فِيهَا كَأْسًا كَانَ مِزَاجُهَا زَنْجَبِيلًا

۱۸

عَيْنًا فِيهَا تُسَمَّى سَلْسَبِيلًا

۱۹

وَيَطُوفُ عَلَيْهِمْ وِلْدَانٌ مُّخَلَّدُونَ إِذَا رَأَيْتَهُمْ حَسِبْتَهُمْ لُؤْلُؤًا مَّنثُورًا

حزب  
۲۳۲

۲۰

وَإِذَا رَأَيْتَ ثَمَّ رَأَيْتَ نَعِيمًا وَمُلَكًا كَبِيرًا

۲۱

عَلَيْهِمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ وَإِسْتَبْرَقٌ وَحُلُّوْاْ أَسَاوِرَ مِّنْ فِضَّةٍ وَسَقَاهُمْ رَبُّهُمْ شَرَابًا طَهُورًا

۲۲

إِنَّ هَذَا كَانَ لَكُمْ جَزَاءً وَكَانَ سَعْيُكُمْ مَّشْكُورًا

۲۳

ره  
۵۱۵

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ تَنْزِيلًا

۲۴

فَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ وَلَا تُطِعْ مِنْهُمْ ءَائِمًا أَوْ كَفُورًا

۲۵

وَأَذْكُرِ اسْمَ رَبِّكَ بُكْرَةً وَأَصِيلًا

از سرچشمه گوارایی آن بندگان خاص خدا می‌نوشند که به اختیارشان هر کجا خواهند جاریش سازند.

به عهد و نذر خود وفا می‌کنند و از روزی که شر و سختیش همه اهل محشر را فراگیرد می‌ترسند.

و هم بر دوستی او (یعنی خدا) به فقیر و طفل یتیم و اسیر طعام می‌دهند.

(و گویند) ما فقط برای رضای خدا به شما طعام می‌دهیم و از شما هیچ پاداش و سپاسی هم نمی‌طلبیم.

ما از (قهر) پروردگار خود به روزی که (از رنج و سختی آن رخسار خلق) در هم و غمگین است می‌ترسیم.

خدا هم از شر و فتنه آن روز آنان را محفوظ داشت و به آنها روی خندان و دل شادمان عطا نمود.

و پاداش آن صبر کامل بر ایثارشان باغ بهشت و لباس حریر بهشتی لطف فرمود.

که در آن بهشت بر تختها (ی عزت) تکیه زنند و آنجا نه آفتابی سوزان بینند و نه سرمای ز مهریر (بلکه در هوایی بسیار خوش و باغی وسیع و دلکش تفرج کنند).

و سایه درختان بهشتی بر سر آنها و میوه‌هایش در دسترس و به اختیار آنهاست.

و (ساقیان زیبای حور و غلمان) با جامهای سیمین و کوزه‌های بلورین بر آنها دور زنند.

که آن بلورین کوزه‌ها به رنگ نقره خام و به اندازه و تناسب (اهلش) مقدر کرده‌اند.

و آنجا شرابی که طبعش چون زنجبیل (گرم و عطرآگین) است به آنها بنوشانند.

در آنجا چشمه‌ای است که سلسبیلش نامند.

و دور آن بهشتیان پسرانی زیبا که تا ابد نوجوانند و خوش سیما به خدمت می‌گردند که در آنها چو بنگری (از فرط صفا) گمان بری که لؤلؤ متثورند.

و چون آن جایگاه نیکو را مشاهده کنی عالمی پر نعمت و کشوری بی نهایت بزرگ خواهی یافت.

بر بالای بهشتیان، لطیف دیبای سبز و حریر ستبر است و بر دستهایشان دستبند نقره خام، و خدایشان شرابی پاک (و گوارا از کوثر عنایت) بنوشاند.

این بهشت به حقیقت پاداش (اعمال) شماسست و سعی و اشتیاقاتان (در راه طاعت حق) مشکور و مقبول است.

محققا ما این قرآن (عظیم الشان) را بر تو فرو فرستادیم.

پس بر اطاعت حکم پروردگارت صبور و شکیبا باش و هیچ از مردم بحدکار کفر کیش اطاعت مکن.

و نام خدایت را صبح و شام (به عظمت) یاد کن.

وَمِنَ اللَّيْلِ فَاسْجُدْ لَهُ وَوَسِّحْهُ لَيْلًا طَوِيلًا

۲۷ إِنَّ هَؤُلَاءِ يُجِبُّونَ الْعَاجِلَةَ وَيَذُرُونَ وَرَاءَهُمْ يَوْمًا ثَقِيلًا

۲۸ نَحْنُ خَلَقْنَاهُمْ وَشَدَدْنَا أَسْرَهُمْ وَإِذَا شِئْنَا بَدَّلْنَا أَمْثَلَهُمْ تَبْدِيلًا

۲۹ إِنَّ هَذِهِ تَذْكِرَةٌ فَمَنْ شَاءَ اتَّخَذَ إِلَىٰ رَبِّهِ سَبِيلًا

۳۰ وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا

۳۱ يُدْخِلُ مَنْ يَشَاءُ فِي رَحْمَتِهِ وَالظَّالِمِينَ أَعَدَّ لَهُمْ عَذَابًا أَلِيمًا

#### ۰۷۷. مرسلات

المُرْسَلَات: فرستادگان

مکی

۵۰ آیه

۲ صفحه

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالْمُرْسَلَاتِ عُرْفًا

۵۱۶ر

۲ فَأَلْعِصْفَتِ عَصْفًا

۳ وَالنَّشِيرَاتِ فَشْرًا

۴ فَأَلْفَرِقَتِ فَرَقًا

۵ فَأَلْمُقِيبَتِ ذِكْرًا

۶ عُدْرًا أَوْ نُذْرًا

۷ إِنَّمَا تُوْعَدُونَ لَوَاقِعُ

۸ فَإِذَا الشُّجُومُ طُمِسَتْ

۹ وَإِذَا السَّمَاءُ فُرِجَتْ

۱۰ وَإِذَا الْجِبَالُ نُسِفَتْ

۱۱ وَإِذَا الرُّسُلُ أُقِتَتْ

۱۲ لِأَيِّ يَوْمٍ أُجِلَّتْ

۱۳ لِيَوْمِ الْفَصْلِ

۱۴ وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الْفَصْلِ

۱۵ وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

۱۶ أَلَمْ نُهَلِكِ الْأَوَّلِينَ

۱۷ ثُمَّ نُنْبِئُهُمُ الْآخِرِينَ

۱۸ كَذَلِكَ نَفْعَلُ بِالْمُجْرِمِينَ

۱۹ وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

و شب را برضی (در نماز) به سجده خدا پرداز و شام دراز به تسبیح و ستایش او صبح گردان.

این مردم کافر غافل همه دنیای نقد عاجل را دوست می‌دارند و آن روز (قیامت) سخت سنگین را به کلی از یاد می‌برند.

ما اینان را آفریدیم و محکم بنیان ساختیم و هرگاه بخواهیم همه را فانی ساخته و مانندشان قوم دیگر خلق می‌کنیم.

این آیات پند و تذکری است، پس هر که (سعادت و حسن عاقبت) بخواهد راهی به سوی خدای خود پیش گیرد.

و شما (کافران، راه حق را) نمی‌خواهید مگر خدای بخواهد (و به قهر شما را به این راه بدارد)، که البته خدا دانا و به صلاح بندگان آگاه است.

هر که را بخواهد در (بهشت) رحمت خود داخل گرداند و برای ستمکاران عالم عذاب دردناک مهیا ساخته است.

تا عذر و حجت (نیکان) و بییم و تهدید (بدان) شود.

(قسم به همه اینان) که آنچه (از ثواب و عقاب آخرت) به شما وعده دهند البته واقع خواهد شد.

وقتی که ستارگان همه بی نور و محو شوند.

و آن گاه که آسمان شکافته شود.

و آن گاه که کوهها (چون خاک بر دم باد) پراکنده شوند.

و آن گاه که به رسولان، وقت (گواهی بر امتان) را اعلام کنند.

برای چه روزی وقت (وعده حق) معین شد؟

برای (روز قیامت) همان روزی که (بین حق و باطل و سعید و شقی) جدایی افتد.

و تو چگونه توانی عظمت و سختی آن روز جدایی را تصور کنی؟

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

آیا ما پیشینیان را (به کیفر کفر) هلاک نکردیم؟

از پی آنان آیندگان را (که منکران قرآن باشند) نیز هلاک می‌کنیم.

ما بدکاران عالم را همین گونه هلاک می‌سازیم.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

أَلَمْ تَخْلُقْهُمْ مِّنْ مَّاءٍ مَّهِينٍ

فَجَعَلْنَاهُ فِي قَرَارٍ مَّكِينٍ

إِلَىٰ قَدَرٍ مَّعْلُومٍ

فَقَدَرْنَا فَنِعْمَ الْقَدِيرُونَ

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ كِفَاتًا

أَحْيَاءَ وَأَمْوَاتًا

وَجَعَلْنَا فِيهَا رَوَاسِيَ شَيْخِلَتٍ وَأَسْقَيْنَاكُم مَّاءً فُرَاتًا

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

أَنْظِلُّوْا إِلَىٰ مَا كُنْتُمْ بِهِء تَكْذِبُونَ

أَنْظِلُّوْا إِلَىٰ ظِلِّ ذِي ثَلَاثِ شُعَبٍ

لَّا ظَلِيلٍ وَلَا يُغْنِي مِنَ اللَّهَبِ

إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرَرٍ كَالْقَصْرِ

كَأَنَّهُ جِمَلَتٌ صُفْرٌ

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

هَذَا يَوْمٌ لَا يَنْطِقُونَ

وَلَا يُؤْذَنُ لَهُمْ فَيَعْتَذِرُونَ

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

هَذَا يَوْمُ الْفَصْلِ ۖ جَمَعْنَاكُمْ وَالْأَوْلِيْنَ

فَإِن كَان لَكُمْ كَيْدٌ فَكِيدُونَ

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

إِنَّ الْمَتَّقِينَ فِي ظِلَالٍ وَعُيُونٍ

وَفَوْكَاهِ مِمَّا يَشْتَهُونَ

كُلُوا وَاشْرَبُوا هَنِيئًا بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ

إِنَّا كَذَلِكَ نَجْزِي الْمُحْسِنِينَ

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

كُلُوا وَتَمَتَّعُوا قَلِيلًا إِنَّكُمْ تُجْرِمُونَ

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

وَإِذَا قِيلَ لَهُمُ ارْكَعُوا لَا يَرْكَعُونَ

وَيَلَّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

فَبِأَيِّ حَدِيثٍ بَعَدَهُ يُؤْمِنُونَ

آیا ما شما آدمیان را از آب نطفه بی قدر (بدین زیبایی) نیافریدیم؟

و آن نطفه را (از صلب پدر) به فرارگاه استوار (رحم) منتقل ساختیم.

تا مدتی معین و معلوم (در رحم بماند).

و ما تقدیر (مدت رحم و تعیین سرنوشت او تا ابد) کردیم که نیکو مقدر (حکیمی) هستیم.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

و در آن کوههای بلند برافراشتیم و (از ابر و باران) به شما آب زلال گوارا نوشانیدیم.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

و در آن کوههای بلند برافراشتیم و (از ابر و باران) به شما آب زلال گوارا نوشانیدیم.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

و در آن کوههای بلند برافراشتیم و (از ابر و باران) به شما آب زلال گوارا نوشانیدیم.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

و در آن کوههای بلند برافراشتیم و (از ابر و باران) به شما آب زلال گوارا نوشانیدیم.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

وای آن روز به حال آنان که (آیات خدا را) تکذیب کردند.

۱  
جزء ۳۰،  
جزء ۲۳۳  
۵۱۸ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَمَّ يَتَسَاءَلُونَ

۲

عَنِ النَّبِيِّ الْعَظِيمِ

۳

الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ

۴

كَلَّا سَيَعْلَمُونَ

۵

ثُمَّ كَلَّا سَيَعْلَمُونَ

۶

أَلَمْ نَجْعَلِ الْأَرْضَ مِهْدًا

۷

وَالْجِبَالَ أَوْتَادًا

۸

وَخَلَقْنَاكُمْ أَزْوَاجًا

۹

وَجَعَلْنَا نَوْمَكُمْ سُبَاتًا

۱۰

وَجَعَلْنَا اللَّيْلَ لِبَاسًا

۱۱

وَجَعَلْنَا النَّهَارَ مَعَاشًا

۱۲

وَبَنَيْنَا فَوْقَكُمْ سَبْعًا شِدَادًا

۱۳

وَجَعَلْنَا سِرَاجًا وَهَّاجًا

۱۴

وَأَنْزَلْنَا مِنَ الْمُعْصِرَاتِ مَاءً ثَجَّاجًا

۱۵

لِنُخْرِجَ بِهِ حَبًّا وَنَبَاتًا

۱۶

وَجَنَّتِ الْفَاقَا

۱۷

إِنَّ يَوْمَ الْفُصْلِ كَانَ مِيقَاتًا

۱۸

يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ فَتَأْتُونَ أَفْوَاجًا

۱۹

وَفُتِحَتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ أَبْوَابًا

۲۰

وَسُيِّرَتِ الْجِبَالُ فَكَانَتْ سَرَابًا

۲۱

إِنَّ جَهَنَّمَ كَانَتْ مِرْصَادًا

۲۲

لِللَّاطِعِينَ مَعَابًا

۲۳

لِّلْبِيثِ فِيهَا أَحْقَابًا

۲۴

لَّا يَذُوقُونَ فِيهَا بَرْدًا وَلَا شَرَابًا

۲۵

إِلَّا حَمِيمًا وَعَسَاقًا

۲۶

جَزَاءً وَفَاقًا

۲۷

إِنَّهُمْ كَانُوا لَا يَرْجُونَ حِسَابًا

۲۸

وَكَذَّبُوا بِآيَاتِنَا كِذَابًا

۲۹

وَكُلَّ شَيْءٍ أَحْصَيْنَاهُ كِتَابًا

۳۰

فَذُوقُوا فَلَنْ نَزِيدَكُمْ إِلَّا عَذَابًا

(مردم) از چه خبر مهمی پرسش و گفتگو می‌کنند؟

از خیر بزرگ (قیامت).

که در آن با هم به جدال و اختلاف کلمه برخاستند.

چنین نیست (که منکران پنداشته‌اند) به زودی (به وقت مرگ) خواهند دانست.

و باز چنین نیست (که منکران پنداشته‌اند) البته به زودی آگاه می‌شوند.

آیا ما زمین را مهد آسایش خلق نگردانیدیم؟

و کوهها را عماد و نگهبان آن نساختمیم؟

و شما را جفت (زن و مرد) آفریدیم.

و خواب را برای شما مایه (قوم حیات و) استراحت قرار دادیم.

و (پرده سیاه) شب را ساتر (احوال خلق) گردانیدیم.

و روز روشن را برای تحمیل معاش آنان مقرر داشتیم.

و بر فراز شما هفت آسمان محکم بنا کردیم.

و چراغی (چون خورشید) رخشان بر افروختیم.

و از فشار و تراکم ابرها آب باران فرو ریختیم.

تا بدان آب، دانه و گیاه رویانیم.

و باغهای پر درخت (و انواع میوه‌ها) پدید آوریم.

همانا روز فصل (یعنی روز قیامت که در آن فصل خصومتها شود) وعده گاه خلق است.

آن روزی که در صور بدمند (تا مردگان زنده شوند) و فوج فوج (به محشر) در آید.

و درهای آسمان به ابواب مختلف گشوده شود (تا هر فوجی از دری شتابند).

و کوهها را به گردش آرند تا به مانند سراب گردد.

همانا دوزخ کمینگاه (کافران و بد کاران) است.

آن دوزخ جایگاه مردم سرکش ستمکار است.

که در آن قرن‌ها بمانند (و عذاب کشند).

هرگز در آنجا هیچ هوی خنک و شراب (طهور) نیاشامند.

مگر آبی پلید و سوزان که حمیم و غَسَاق جهنم است به آنها دهند.

کیفری که با اعمال آنها موافق است.

زیرا آنها به حقیقت امید به روز حساب نداشتند.

و آیات ما را سخت تکذیب کردند.

و حال آنکه حساب هر چیزی را ما در کتابی (به احصاء و شماره) رقم کرده‌ایم.

پس بچشید (کیفر تکذیب و بدکاری را) که هرگز بر شما چیزی جز رنج و عذاب دوزخ نیفرابیم.

إِنَّ لِلْمُتَّقِينَ مَفَازًا

۳۲ حَدَائِقٍ وَأَعْنَابًا

۳۳ وَكَوَاعِبِ أَثْرَابًا

۳۴ وَكَأَسَا دِهَاقًا

۳۵ لَا يَسْمَعُونَ فِيهَا لَغْوًا وَلَا كِذْبًا

۳۶ جَزَاءً مِّن رَّبِّكَ عَطَاءً حِسَابًا

۳۷ رَبِّ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَمَا بَيْنَهُمَا الرَّحْمَنِ لَا يَمْلِكُونَ

مِنْهُ خِطَابًا

۳۸ يَوْمَ يَقُومُ الرُّوحُ وَالْمَلَائِكَةُ صَفًّا لَا يَتَكَلَّمُونَ إِلَّا مَنْ أَذِنَ

لَهُ الرَّحْمَنُ وَقَالَ صَوَابًا

۳۹ ذَلِكَ الْيَوْمُ الْحَقُّ فَمَن شَاءَ اخْتَدِ إِلَىٰ رَبِّهِ مَعَابًا

۴۰ إِنَّا أَنْزَرْنَاكَ عَذَابًا قَرِيبًا يَوْمَ يَنْظُرُ الْمَرْءُ مَا قَدَّمَتْ يَدَاهُ

وَيَقُولُ الْكَافِرُ يَلَيْتَنِي كُنْتُ تُرَابًا

#### ۷۹. نازعات

التَّارِغَاتُ: به قدرت کشندگان

مکی

۴۶ آیه

۲ صفحه

۱

۵۲۰۰

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالنَّازِعَاتِ غَرْقًا

۲

وَالنَّشِيطَاتِ نَشْطًا

۳

وَالسَّيِّحَاتِ سَبْحًا

۴

فَالسَّيِّقَاتِ سَبْقًا

۵

فَالْمُدَبِّرَاتِ أَمْرًا

۶

يَوْمَ تَرْجُفُ الرَّاجِفَةُ

۷

تَتَّبِعُهَا الرَّادِفَةُ

۸

قُلُوبٌ يَوْمَئِذٍ وَاجِفَةٌ

۹

أَبْصَرُهَا خَشِيعَةٌ

۱۰

يَقُولُونَ أَيْنَا لَمَرْدُودُونَ فِي الْحَافِرَةِ

۱۱

أَءِذَا كُنَّا عِظْمًا تَخِرَّةً

۱۲

قَالُوا تِلْكَ إِذًا كَرَّةٌ خَاسِرَةٌ

۱۳

فَإِنَّمَا هِيَ زَجْرَةٌ وَاحِدَةٌ

۱۴

فَإِذَا هُمْ بِالسَّاهِرَةِ

۱۵

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ مُوسَىٰ

متقیان را در آن جهان مقام گشایش و هر گونه آسایش است.

باغها و تاکستانهاست.

و دختران زیبای دلربا که همه در خوبی و جوانی مانند یکدیگرند.

و جامهای پر از شراب (طهور و انواع نوشابه‌های شیرین و خوش).

هرگز در آنجا سخن بیهوده و دروغ نشنوند.

این (نعمتهای ابدی) مزدی به عطا، و حساب پروردگار توست.

خدایی که آسمانها و زمین و همه مخلوقاتی که در بین آسمان و زمین است بیافریده همان خدای مهربان که (در عین مهربانی) کسی (از قهر و سطوتش) با او به گفتگو نتواند لب گشود.

روزی که آن فرشته بزرگ روح القدس با همه فرشتگان صف زده و به نظم برخیزند و هیچ کس سخن نگوید جز آن کسی که خدای مهربانش به سخن اذن دهد و او سخن به صواب گوید (و به اذن خدا شفاعت گنهکاران کند).

چنین روز حتمی و محقق خواهد بود، پس هر که می‌خواهد نزد خدای خود (در آن روز) مقام و منزلتی یابد (امروز در راه ایمان و طاعت بکوشد).

ما شما را از روز عذاب که نزدیک است ترسانیده و آگاه ساختیم، روزی که هر کس هر چه کرده در پیش روی خود حاضر بیند و کافر در آن روز گوید که ای کاش خاک بودم (تا چنین به آتش کفر خود نمی‌سوختیم).

قسم به فرشتگانی که (جان کافران را) به سختی بگیرند.

قسم به فرشتگانی که (جان اهل ایمان را) به آسایش و نشاط ببرند.

و قسم به فرشتگانی که با کمال سرعت (فرمان حق را) انجام دهند.

قسم به فرشتگانی که (درنظم عالم) بر هم سبقت گیرند.

قسم به فرشتگانی که (به فرمان حق) به تدبیر نظام خلق می‌کوشند (که قیامتی و حشری خواهد آمد).

روزی که آن لرزاننده (یعنی نفخه صور الهی، جهان را) بلرزاند.

و لرزاننده دیگر (یعنی نفخه صور دیگر) از پی آن در آید.

در آن روز سخت دلهای برخی مضطرب و هراسان شود.

که (از ترس) چشمها به زیر افکنند.

(مردم غافل دنیا) گویند: آیا ما پس از مرگ باز زندگانی دیگری خواهیم یافت؟

چگونه چون مردیم و استخوان ما پوسید زنده خواهیم شد؟

و گویند: در این صورت که دیگر بار زنده شویم بسی زیانکار خواهیم بود.

جز یک صدای مهیب (که در صور اسرافیل کنند) نشنوند.

و ناگاه همه از خاک بر شوند و به صحرای قیامت رهسپار گردند.

آیا خبر موسی عمران به تو رسیده؟

إِذْ نَادَاهُ رَبُّهُ بِالْوَادِ الْمُقَدَّسِ طُوًى

۱۷ أَذْهَبَ إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ

۱۸ فَقُلْ هَلْ لَكَ إِلَٰهٌ إِلَّا أَن تَزْكَىٰ

۱۹ وَأَهْدِيكَ إِلَىٰ رَبِّكَ فَتَخْشَىٰ

۲۰ فَأَرَاهُ الْآيَةَ الْكُبْرَىٰ

۲۱ فَكَذَّبَ وَعَصَىٰ

۲۲ ثُمَّ أَذْبَرَ يَسْعَىٰ

۲۳ فَحَشَرَ فَنَادَىٰ

۲۴ فَقَالَ أَنَا رَبُّكُمُ الْأَعْلَىٰ

۲۵ فَأَخَذَهُ اللَّهُ نَكَالَ الْأَخْرِةِ وَالْأُولَىٰ

۲۶ إِنَّ فِي ذَٰلِكَ لَعِبْرَةً لِّمَن يَخْشَىٰ

۲۷ ءَأَنْتُمْ أَشَدُّ خَلْقًا أَمَ السَّمَاءَ بَنَاهَا

۵۲۱ ر

۲۸ رَفَعَ سَمَكَهَا فَسَوَّاهَا

۲۹ وَأَعْطَشَ لَيْلَهَا وَأَخْرَجَ ضُحَاهَا

۳۰ وَالْأَرْضَ بَعْدَ ذَٰلِكَ دَحَاهَا

۳۱ أَخْرَجَ مِنْهَا مَاءَهَا وَمَرْعَاهَا

۳۲ وَالْحِبَالَ أَرْسَلَهَا

۳۳ مَتَاعًا لَّكُم وَاِلَّا نَعْمِيكُم

۳۴ فَإِذَا جَاءَتِ الطَّامَةُ الْكُبْرَىٰ

۳۵ يَوْمَ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ مَا سَعَىٰ

۳۶ وَبُرِّرَّتِ الْجَحِيمُ لِمَن يَرَىٰ

۳۷ فَأَمَّا مَن طَغَىٰ

۳۸ وَعَاثَرَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا

۳۹ فَإِنَّ الْجَحِيمَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

۴۰ وَأَمَّا مَن خَافَ مَقَامَ رَبِّهِۦ وَنَهَى النَّفْسَ عَنِ الْهَوَىٰ

۴۱ فَإِنَّ الْجَنَّةَ هِيَ الْمَأْوَىٰ

۴۲ يَسْأَلُونَكَ عَنِ السَّاعَةِ أَيَّانَ مُرْسَلُهَا

۴۳ فِيمَ أَنْتَ مِن ذِكْرِنَهَا

۴۴ إِلَىٰ رَبِّكَ مُنْتَهَاهَا

۴۵ إِنَّمَا أَنْتَ مُنذِرٌ مَّن يَخْشَاهَا

۴۶ كَانَتْهُمْ يَوْمَ يَرَوْنَهَا لَمْ يَلْبَثُوا إِلَّا عَشِيَّةً أَوْ ضُحَاهَا

آن گاه که خدایش او را در وادی مقدس طوی (قرب طور) ندا کرد.

که به سوی فرعون برو که او سخت به راه طغیان رفته است.

پس بگو: میل داری که (از پلیدی خود پرستی و شرک) پاک و پاکیزه شوی؟

و تو را به راه خدا هدایت کنم تا بترسی (و به درگاه عظمت و قدرت او خاشع و فروتن شوی).

پس آن آیت و معجزه بزرگتر را به او نمود.

فرعون تکذیب و نافرمانی کرد.

از آن پس (که معجزه موسی دید) باز روی از حق بگردانید و (برای دفع موسی) به جهد و کوشش برخاست.

پس (با رجال بزرگ دربار خود) انجمن کرد و ندا داد.

و گفت: منم خدای بزرگ شما.

خدا هم او را به عقاب دنیا و آخرت گرفتار کرد.

تا به هلاکت او اهل ترس از خدا عبرت گیرند.

آیا بنای شما آدمیان استوارتر است یا بنای آسمان بلند که خدا آفرید؟

که سقفی بس بلند و محکم بنیان در کمال زیبایی استوار ساخت.

و شامش را تیره و روزش را روشن گردانید.

و زمین را پس از آن بگسترانید.

و از آن آب و گیاه پدید آورد.

و کوهها را بر روی آن استوار ساخت.

تا (از آن آب و گیاه که از بیابان و کوه بر انگیزد) قوت شما و چهارپایاتان بر آید.

پس چون آن واقعه بزرگ (و حادثه عظیم قیامت) پدید آید.

در آن روز آدمی هر چه کرده به یاد آرد.

و دوزخ برای بینندگان آشکار شود.

پس هر کس (از حکم شرع خدا) سرکش و طاعی شد.

و زندگی دنیا را برگزید.

دوزخ جایگاه اوست.

و هر کس از حضور در پیشگاه عزّ ربوبیت بترسید و از هوای نفس دوری جست.

همانا بهشت منزلگاه اوست.

از تو سؤال کنند که قیامت کی بر پا شود؟

تو را چه کار است دیگر که از آن به یاد آری؟ (بسیار یاد آور شدی و منکران از تو نپذیرفتند).

کار آن ساعت به خدای تو منتهی شود.

تو را جز این نباشد که اهل ایمان را هر کس از یاد آن روز هراسان می‌شود به احوال آن روز آگاه سازی.

چون آن روز را مردم ببینند گویی همه عمر دنیا شامگاهی یا چاشتگاهی بیش نبوده است.



۱

جزب ۲۳۴

۵۲۲ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

عَبَسَ وَتَوَلَّىٰ

۲

أَن جَاءَهُ الْأَعْمَىٰ

۳

وَمَا يُدْرِيكَ لَعَلَّهُ يَزَّكَّىٰ

۴

أَوْ يَذَّكَّرُ فَتَنْفَعَهُ الذِّكْرَىٰ

۵

أَمَّا مَنِ اسْتَغْنَىٰ

۶

فَأَنتَ لَهُ وَتَصَدَّىٰ

۷

وَمَا عَلَيْكَ أَلَّا يَزَّكَّىٰ

۸

وَأَمَّا مَن جَاءَكَ يَسْعَىٰ

۹

وَهُوَ يَخْتَعَىٰ

۱۰

فَأَنتَ عَنْهُ تَلَهَّىٰ

۱۱

كَلَّا إِنَّهَا تَذْكِرَةٌ

۱۲

فَمَن شَاءَ ذَكُرْهُ

۱۳

فِي صُحُفٍ مُّكْرَمَةٍ

۱۴

مَرْفُوعَةٍ مُّطَهَّرَةٍ

۱۵

بِأَيْدِي سَفَرَةٍ

۱۶

كِرَامٍ بَرَرَةٍ

۱۷

فَتِلَ الْإِنسَنُ مَا أَكْفَرُهُ

۱۸

مِنَ أَيِّ شَيْءٍ خَلَقَهُ

۱۹

مِن نُّطْفَةٍ خَلَقَهُ فَقَدَرَهُ

۲۰

ثُمَّ السَّبِيلَ يَسْرَهُ

۲۱

ثُمَّ أَمَاتَهُ فَأَقْبَرَهُ

۲۲

ثُمَّ إِذَا شَاءَ أَنشَرَهُ

۲۳

كَلَّا لَمَّا يَقْضِ مَا أَمَرَهُ

۲۴

فَلْيَنْظُرِ الْإِنسَنُ إِلَىٰ طَعَامِهِ

۲۵

أَنَا صَبَبْنَا الْمَاءَ صَبًّا

۲۶

ثُمَّ شَفَقْنَا الْأَرْضَ شَفًّا

۲۷

فَأَنْبَتْنَا فِيهَا حَبًّا

۲۸

وَعِنَبًا وَقَضْبًا

۲۹

وَزَيْتُونًا وَنَخْلًا

۳۰

وَحَدَائِقَ غُلْبًا

۳۱

وَفَلَكَهٗٓ وَآبًا

۳۲

مَتَنَعَا لَكُمُ وَلَا نَعْمِيكُمُ

۳۳

فَإِذَا جَاءَتِ الصَّاحَةُ

۳۴

يَوْمَ يَفِرُّ الْمَرْءُ مِنْ أَخِيهِ

۳۵

وَأُمِّهِ وَأَبِيهِ

۳۶

وَصَحْبَتَيْهِ وَبَنِيهِ

۳۷

لِكُلِّ أَمْرٍ مِّنْهُم يَوْمَئِذٍ شَأْنٌ يُّغْنِيهِ

۳۸

وُجُوهٌ يُّومِئِذٍ مُّسْفِرَةٌ

۳۹

صَّاحِكَةٌ مُّسْتَبْشِرَةٌ

۴۰

وَوُجُوهٌ يُّومِئِذٍ عَلَيْهَا غَبَرَةٌ

۴۱

تَرَهُّفًا قَتَرَةٌ

۴۲

أُولَٰئِكَ هُمُ الْكَافِرَةُ الْفَجِرَةُ

عبوس و ترشرو گشت.

چون آن مرد نابینا حضورش آمد.

و تو چه میدانی ممکن است او مردی پارسا و پاکیزه صفات باشد.

یا (به تعلیم رسول) به یاد خدا آید و ذکر حق او را سودمند افتد. (مراد عبد الله مکتوم است که چون حضور رسول برای تعلیم قرآن آمد جمعی از اکابر کفار قریش نزد حضرت بودند، حضرت از حرم بر ایمان و هدایت آنها به او توجه کامل نکرد و به صحبت مشغول بود و مرد متشخصی از امویان بر آن نابینا ترشرویوی و اظهار انزجار نمود. بر نکوهش او و حرمت عید الله این آیات نازل شد).

اما آن که دارا (و مغرور دنیا) است.

تو به او توجه کنی (و حریص بر ایمان او باشی).

در صورتی که اگر او به پارسایی نپردازد بر تو تکلیفی نیست.

اما آن کس که (چون عبد الله مکتوم به شوق دل برای ذکر خدا) به سوی تو می‌شتابد.

و او مرد خدا ترس و با تقوایی است.

تو از توجه به او خود داری می‌کنی!

این روا نیست، که آیات حق برای پند و تذکر (همه خلق) است.

تا هر که بخواهد پند گیرد.

آیات الهی در صحیفه‌هایی مکرم (یعنی لوح محفوظ یا کتب آسمانی یا قلوب پاکان) نگاشته است.

که آن صحیفه‌ها بسی بلند مرتبه و پاک و منزّه (از خطا) است.

(سپرده) به دست سفیران حق (و فرشتگان وحی) است.

که ملانکه مقرب عالی رتبه با حسن و کرامتند.

ای کشته باد انسان (بی ایمان) که تا این حد کفر و عناد می‌ورزد!

(نمی‌نگرد که) خدا و را از چه چیز خلق کرده است؟

از آب نطفه (بی قدری بدین صورت زیبا) خلقتش فرمود

سپس راه (خروج از نقص به کمال) را بر او سهل و آسان گردانید.

آن گاه (به وقت معین) او را بمیراند و به خاک قبر سپرد.

و سپس هر وقت خواهد باز او را از قبر بر انگیزد.

چنین نیست (که منکران معاد می‌پندارند) بشر کافر هنوز آنچه خدا امر کرده به جا نیاورده (تا سعادت ابد یابد).

آدمی باید به قوت و غذای خود به چشم خود بنگرد.

که ما آب باران فرو ریختیم.

آن گاه خاک زمین بشکافتیم.

و حیوبات برویانیدیم.

و باغ انگور و نباتاتی که هر چه بدروند باز بروید.

و درخت زیتون و نخل خرما.

و باغهای پر از درختان کهن.

و انواع میوه‌ها و علفها و مرتعها.

تا شما آدمیان و حیوانات شما هم از آن بهره‌مند شوید.

(به یاد آرید) آن گاه که ندای مهیب قیامت (به گوش همه خلق) برسد.

آن روز که (از وحشت و هولناکی) هر کس از برادرش می‌گریزد.

و بلکه از مادر و پدرش.

و از زن و فرزندانش هم می‌گریزد.

در آن روز هر کس چنان گرفتار شأن و کار خود است که به هیچ کس نتواند پرداخت.

آن روز طایفه‌ای (که اهل ایمانند) رخسارشان فروزان است.

خندان و شادمانند.

و رخسار گروهی گرد آلود غم و اندوه است.

و به رویشان خاک سیاه دلت و خجالت نشسته.

آنها همان کافران و بدکاران عالمند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا الشَّمْسُ كُوِّرَتْ

۱  
۵۳۳

هنگامی که آفتاب تابان تاریک شود.

وَإِذَا النُّجُومُ انْكَدَرَتْ

۲

و هنگامی که ستارگان آسمان تیره شوند (و فرو ریزند).

وَإِذَا الْجِبَالُ سُيِّرَتْ

۳

و آن گاه که گوهها به رفتار آیند.

وَإِذَا الْعِشَارُ عُطِّلَتْ

۴

و آن گاه که شتران ده ماهه آبستن را (که نزد عرب بسیار عزیز است) به کلی رها کنند.

وَإِذَا الْوُحُوشُ حُشِرَتْ

۵

و هنگامی که وحوش (و طیور نیز به عرصه قیامت) محشور شوند.

وَإِذَا الْبِحَارُ سُجِّرَتْ

۶

و هنگامی که دریاهاى آب (چون آتش سوزان) شعله‌ور گردد.

وَإِذَا النُّفُوسُ زُوِّجَتْ

۷

و هنگامی که نفوس خلق همه با همجنس خود در پیوندند.

وَإِذَا الْمَوْءُودَةُ سُيِلَتْ

۸

و هنگامی که از دختران زنده به گور شده باز پرسند.

بِأَيِّ ذَنْبٍ قُتِلَتْ

۹

که (آن بی گناهان) به چه جرم و گناه کشته شدند!؟

وَإِذَا الصُّحُفُ نُشِرَتْ

۱۰

و هنگامی که نامه اعمال خلق گشوده شود.

وَإِذَا السَّمَاءُ كُشِطَتْ

۱۱

و هنگامی که آسمان را از جای بر کنند.

وَإِذَا الْجَحِيمُ سُعِرَتْ

۱۲

و هنگامی که آتش دوزخ را سخت بیفروزند.

وَإِذَا الْجَنَّةُ أُزْلِفَتْ

۱۳

و هنگامی که بهشت را (به اهلش) نزدیک سازند.

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا أَحْضَرَتْ

۱۴

در آن هنگام (که روز قیامت است) هر نفسی هر آنچه بر خود حاضر کرده همه را بداند.

فَلَا أَقْسِمُ بِالْخُنُوسِ

۱۵

چنین نیست (که منکران قرآن پندارند) قسم یاد می‌کنم به ستارگان باز گردنده.

الْجَوَارِ الْكُنُوسِ

۱۶

که به گردش آیند و در مکان خود رخ پنهان کنند.

وَاللَّيْلِ إِذَا عَسْعَسَ

۱۷

قسم به شب تار هنگامی که روی جهان را تاریک گرداند.

وَالصُّبْحِ إِذَا تَنَفَّسَ

۱۸

و قسم به صبح روشن وقتی که دم زند (و عالم را به روی خود بیفروزد).

إِنَّهُ لَقَوْلِ رَسُولٍ كَرِيمٍ

۱۹

(قسم به این آیات) که همانا قرآن کلام رسول بزرگوار حق (جبرئیل) است.

ذِي قُوَّةٍ عِنْدَ ذِي الْعَرْشِ مَكِينٍ

۲۰

که فرشته با قوت و قدرت است و نزد خدای مقتدر عرش با جاه و منزلت است.

مُطَاعٍ ثَمَّ أَمِينٍ

۲۱

و در آنجا فرمانده فرشتگان و امین وحی خداست.

وَمَا صَاحِبُكُمْ بِمَجْنُونٍ

۲۲

و رسول عصر شما هرگز دیوانه نیست.

وَلَقَدْ رَءَاهُ بِالْأَفُقِ الْمُبِينِ

۲۳

و او امین وحی را در افق اعلای مشرق درست مشاهده کرد.

وَمَا هُوَ عَلَى الْغَيْبِ بِضَنِينٍ

۲۴

و این رسول شما بر وحی از عالم غیب بخل نمی‌ورزد (و شما را از علم وحی خود آگاه می‌سازد).

وَمَا هُوَ بِقَوْلِ شَيْطَانٍ رَجِيمٍ

۲۵

و قرآن او هرگز کلام شیطانی مردود نیست.

فَأَيْنَ تَذْهَبُونَ

۲۶

پس شما به کجا می‌روید؟

إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ

۲۷

این (قرآن عظیم) جز پند و نصیحت اهل عالم هیچ نیست.

لِمَنْ شَاءَ مِنْكُمْ أَنْ يَسْتَقِيمَ

۲۸

تا هر که از شما بندگان بخواهد راه راست (حق پرستی و سعادت ابد) پیش گیرد.

وَمَا تَشَاءُونَ إِلَّا أَنْ يَشَاءَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ

۲۹

و شما (کافران، راه حق را) نمی‌خواهید مگر خدای آفریننده عالم بخواهد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِذَا السَّمَاءُ أَنْفَطَرَتْ

هنگامی که آسمان شکافته شود.

وَإِذَا الْكُوَاكِبُ انْتَثَرَتْ

و هنگامی که ستارگان آسمان فرو ریزند.

وَإِذَا الْبِحَارُ فُجِرَتْ

و هنگامی که آب دریاها روان گردد (تا به هم پیوسته همه یک دریا شود).

وَإِذَا الْقُبُورُ بُعْثِرَتْ

و هنگامی که قبرها زیر و رو شود (و خلائق از آنها برانگیخته شوند).

عَلِمَتْ نَفْسٌ مَّا قَدَّمَتْ وَأَخَّرَتْ

آن هنگام است که هر شخصی به هر چه مقدم و مؤخر انجام داده همه را بداند (شاید مراد از مقدم عملی است که پیش از رفتن از دنیا برای آخرت به جای آورده، و مؤخر آن اعمالی که پس از مرگ به او می‌رسد مانند باقیات صالحات و اعمال خیری که وصیت کرده و وقف و صدقات جاری و فرزند صالح یا کتاب علمی و سنت حسنه).

يَتَأْتِيهَا الْإِنْسَانُ مَا غَرَّكَ بِرَبِّكَ الْكَرِيمِ

ای انسان، چه باعث شد که به خدای کریم بزرگووار خود مغرور گشتی (و نافرمانی او کردی).

الَّذِي خَلَقَكَ فَسَوَّلَكَ فَعَدَلَكَ

آن خدایی که تو را به وجود آورد و به صورتی تمام و کامل بیاراست و به اعتدال (اندام و تناسب قوا) برگزید.

فِي أَيِّ صُورَةٍ مَّا شَاءَ رَكَّبَكَ

و حال آنکه به هر صورتی که خواستی (جز این صورت زیبا هم) خلق توانستی کرد.

كَلَّا بَلْ تُكْذِبُونَ بِالَّذِينَ

چنین نیست (که شما کافران پنداشتید که معاد و قیامتی نیست) بلکه شما (از جهل) روز جزا را تکذیب می‌کنید.

وَإِنَّ عَلَيْكُمْ لَحَافِظِينَ

البته نگهبانها بر (مراقبت احوال) شما مأمورند.

كِرَامًا كَتِيبِينَ

که آنها نویسندگان (اعمال شما و فرشته) مقرب خدایند.

يَعْلَمُونَ مَا تَفْعَلُونَ

شما هر چه کنید همه را می‌دانند.

إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

همانا نیکو کاران عالم در بهشت پر نعمت متنعمند.

وَإِنَّ الْفُجَّارَ لَفِي جَحِيمٍ

و بدکاران در آتش دوزخ معذبند.

يَصَلُّونَهَا يَوْمَ الدِّينِ

روز جزا به آن دوزخ در افتند.

وَمَا هُمْ عَنْهَا بِغَائِبِينَ

و هیچ از آن آتش دور نتوانند بود.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ

و تو چگونه به روز با عظمت جزا (ای بشر امروز کاملا) آگاه توانی شد؟

ثُمَّ مَا أَدْرَاكَ مَا يَوْمَ الدِّينِ

باز هم عظمت آن روز جزا را چگونه توانی دانست؟

يَوْمَ لَا تَمْلِكُ نَفْسٌ لِنَفْسٍ شَيْئًا وَالْأَمْرُ يَوْمَئِذٍ لِلَّهِ

آن روز هیچ کس برای کسی قادر بر هیچ کار نیست و تنها حکم و فرمان در آن روز با خدای یکتاست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ

وای به حال کم‌فروشان.

الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ

آنان که چون به کیل (یا وزن) چیزی از مردم بستانند تمام بستانند.

وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ

و چون چیزی بدهند در کیل و وزن به مردم کم دهند.

أَلَا يَظُنُّ أُولَئِكَ أَنَّهُمْ مَبْعُوثُونَ

آیا آنها نمی‌دانند که (پس از مرگ برای مجازات) برانگیخته می‌شوند،

لِيَوْمٍ عَظِيمٍ

در روزی که آن بسیار روز بزرگی است؟

يَوْمَ يَقُومُ النَّاسُ لِرَبِّ الْعَالَمِينَ

روزی که مردم تمام در حضور پروردگار عالم (برای حساب) می‌ایستند.

كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْفُجَارِ لَفِي سِجِّينٍ

۸ وَمَا أَدْرَاكَ مَا سِجِّينٌ

۹ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ

۱۰ وَيَلُّ يَوْمَئِذٍ لِّلْمُكَذِّبِينَ

۱۱ الَّذِينَ يُكْذِبُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ

۱۲ وَمَا يُكَذِّبُ بِهَِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ

۱۳ إِذَا تُتْلَىٰ عَلَيْهِ ءَأَيُّتُنَا قَالَ أَسَاطِيرُ الْأَوَّلِينَ

۱۴ كَلَّا بَلْ رَانَ عَلَىٰ قُلُوبِهِم مَّا كَانُوا يَكْسِبُونَ

۱۵ كَلَّا إِنَّهُمْ عَنْ رَبِّهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّمَحْجُوبُونَ

۱۶ ثُمَّ إِنَّهُمْ لَصَالُوا الْجَحِيمِ

۱۷ ثُمَّ يُقَالُ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِء تَكْذِبُونَ

۱۸ كَلَّا إِنَّ كِتَابَ الْأَبْرَارِ لَفِي عِلِّيِّينَ

۱۹ وَمَا أَدْرَاكَ مَا عِلِّيُّونَ

۲۰ كِتَابٌ مَّرْقُومٌ

۲۱ يَشْهَدُهُ الْمُقَرَّبُونَ

۲۲ إِنَّ الْأَبْرَارَ لَفِي نَعِيمٍ

۲۳ عَلَى الْأَرْيَافِ يَنْظُرُونَ

۲۴ تَعْرِفُ فِي وُجُوهِهِمْ نَضْرَةَ النَّعِيمِ

۲۵ يُسْقَوْنَ مِنْ رَحِيقٍ مَّخْتُومٍ

۲۶ خِتْلَمُهُمْ وَسِكَتٌ فِي ذَٰلِكَ فَلْيَتَنَافَسِ الْمُتَنَافِسُونَ

۲۷ وَمِرَاجُهُمْ مِنْ تَسْنِيمٍ

۲۸ عَيْنًا يَشْرَبُ بِهَا الْمُقَرَّبُونَ

۲۹ إِنَّ الَّذِينَ أَجْرَمُوا كَانُوا مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا يَضْحَكُونَ

۳۰ وَإِذَا مَرُّوا بِهِمْ يَتَغَامَزُونَ

۳۱ وَإِذَا انْقَلَبُوا إِلَىٰ أَهْلِهِمْ انْقَلَبُوا فَكِهِينَ

۳۲ وَإِذَا رَأَوْهُمْ قَالُوا إِنَّ هَٰؤُلَاءِ لَضَالُّونَ

۳۳ وَمَا أُرْسِلُوا عَلَيْهِمْ حَافِظِينَ

۳۴ فَالْيَوْمَ الَّذِينَ ءَامَنُوا مِنَ الْكُفَّارِ يَضْحَكُونَ

چنین نیست (که منکران پندارند) البته (روز قیامت) بد کاران با نامه عمل سیاهشان در عذاب سجّینند.

و چگونه به حقیقت سجّین آگاه توانی شد؟

کتابی است (که به قلم حق) نوشته شده.

وای آن روز به حال منکران و تکذیب کنندگان.

آنان که روز جزا را تکذیب می‌کنند.

در صورتی که آن روز را کسی تکذیب نمی‌کند مگر هر ظالم و بد کاری در عالم.

که بر او چون آیات ما تلاوت شود گوید: این سخنان افسانه پیشینیان است.

چنین نیست، بلکه ظلمت ظلم و بد کاریهایشان بر دل‌های تیره آنها غلبه کرده است (که قرآن را انکار می‌کنند).

چنین نیست (که می‌پندارند)، آنها در آن روز از (رحمت و کره) پروردگارشان محبوب و محرومند.

سپس آنها را به آتش دوزخ در افکنند.

و به آنان گویند: این همان دوزخی است که تکذیب آن می‌کردید.

چنین نیست (که شما کافران پنداشتید، امروز) نکو کاران عالم با نامه اعمالشان در بهشت علیین روند.

و چگونه به حقیقت علیین آگاه توانی شد؟

کتابی است (که به قلم حق) نوشته شده.

که مقربان درگاه حق به مشاهده آن مقام نائل شوند.

محققا نیکوکاران در بهشت ابد متنعمند.

آنجا بر تختها (ی عزت تکیه زنند و رحمت و نعمتهای خدا را) بنگرند.

در رخسارشان نشاط و شادمانی نعیم بهشتی خواهی دید.

(ساقیان حور و غلمان) به آنها شراب ناب سر به مهر بنوشانند.

که به مشک مهر کرده‌اند و راغبان (عاقل) بر این نعمت و شادمانی ابدی باید به شوق و رغبت بکوشند.

و ترکیب طبع آن شراب ناب از (جشمه‌ای از) عالم بالاست.

سر چشمه‌ای که مقربان خدا از آن می‌نوشند.

همانا (در دنیا) بد کاران بر اهل ایمان می‌خندیدند.

و چون به آنها می‌گذشتند به چشم طعن و استهزا می‌نگریستند.

و چون به سوی کسان خود باز می‌گشتند به سخن مزاح و فکاهی (به نکوهش نماز و طاعت مؤمنان) با هم تفریح می‌کردند.

و چون مؤمنان را می‌دیدند می‌گفتند که اینان به حقیقت مردم گمراهی هستند.

در صورتی که آن بدن را موکل کار و نگهبان اعمال مؤمنان نفرستاده بودند (تا بدین سخنان پردازند).

پس امروز هم اهل ایمان به کفار می‌خندند.

عَلَىٰ الْأَرَائِكِ يَنْظُرُونَ

هَلْ تُؤِيبُ الْكُفَّارَ مَا كَانُوا يَفْعَلُونَ

۳۶

۸۴. انشقاق

الْإِنشِقَاقُ: شکافتن

مکی

۲۵ آیه

۱

حزب

۲۳۶

۵۲۶ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

إِذَا السَّمَاءُ أَنْشَقَّتْ

هنگامی که آسمان شکافته شود.

۲

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

و به فرمان حق گوش فرا دارد و البته سزد که فرمان او پذیرد.

۳

وَإِذَا الْأَرْضُ مُدَّتْ

و هنگامی که زمین وسیع و منبسط شود.

۴

وَأَلْقَتْ مَا فِيهَا وَتَخَلَّتْ

و هر چه در درون دل پنهان داشته (از مردگان و گنجها و معادن) همه را به کلی بیرون افکند و تهی گردد.

۵

وَأَذِنَتْ لِرَبِّهَا وَحُقَّتْ

و به فرمان خدا گوش فرا دهد د البته سزد که فرمان او پذیرد (در آن هنگام قیامت بر پا شود).

۶

يَتَأْتِيهَا الْإِنْسَنُ إِنَّكَ كَادِحٌ إِلَىٰ رَبِّكَ كَدْحًا فَمُلَاقِيهِ

ای انسان البته با هر رنج و مشقت (در راه طاعت و عبادت حق بکوش که) عاقبت حضور پروردگار خود می‌روی.

۷

فَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَبِئْمِينِهِۦ

اما آن کس که (در آن روز) نامه اعمالش به دست راست دهند.

۸

فَسَوْفَ يُحَاسَبُ حِسَابًا يَسِيرًا

آن کس بسیار حسابش آسان کنند.

۹

وَيُنْقَلِبُ إِلَىٰ أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا

و او به سوی کسان و خویشانش (در بهشت) مسرور و شادمان خواهد رفت.

۱۰

وَأَمَّا مَنْ أُوْتِيَ كِتَابَهُ وَرَاءَ ظَهْرِهِۦ

و اما آن کس که نامه اعمالش را از پشت سر (به دست چپ) دهند.

۱۱

فَسَوْفَ يَدْعُوا ثُبُورًا

او بر هلاک خود آه و فریاد حسرت بسیار کند.

۱۲

وَيَصَلَّىٰ سَعِيرًا

و به آتش سوزان دوزخ در افتد.

۱۳

إِنَّهُ كَانَ فِي أَهْلِهِۦ مَسْرُورًا

که او میان کسانش بسیار مغرور و مسرور بود.

۱۴

إِنَّهُ ظَنَّ أَن لَّن يَحُورَ

و گمان کرد که ابدًا (به سوی خدا) باز نخواهد گشت.

۱۵

بَلَىٰ إِنَّ رَبَّهُ كَانَ بِهِۦ بَصِيرًا

بلی خدا به احوال و اعمال او کاملا آگاه است.

۱۶

فَلَا أُقْسِمُ بِالشَّفَقِ

چنین نیست (که خدا از فعل مخلوقش آگه نباشد) قسم به شفق (و روشنی او وقت غروب، هنگام نماز مغرب).

۱۷

وَاللَّيْلِ وَمَا وَسَقَ

و قسم به شب تار و آنچه در خود گرد آورده (و در دل شب خزیده و آرام گرفته).

۱۸

وَالْقَمَرِ إِذَا اتَّسَقَ

و قسم به ماه تابان هنگام بدر که تمام فروزان شود.

۱۹

لَتَرْكَبُنَّ طَبَقًا عَن طَبَقٍ

(قسم به این امور) که شما حوال گوناگون و حوادث رنگارنگ (از نخستین خلقت تا مرگ و برزخ و ورود به بهشت و دوزخ) خواهید یافت.

۲۰

فَمَا لَهُمْ لَا يُؤْمِنُونَ

پس کافران از چه رو ایمان نمی‌آورند؟

۲۱

سجده

مستحب

وَإِذَا قُرِئَ عَلَيْهِمُ الْقُرْءَانُ لَا يَسْجُدُونَ ۝

۲۲

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا يُكْذِبُونَ

بلکه آن مردم کافر (قرآن خدا را) تکذیب می‌کنند.

۲۳

وَاللَّهُ أَعْلَمُ بِمَا يُوعُونَ

و خدا به آنچه در دل پنهان می‌دارند (از خود آنها) داناتر است.

۲۴

فَبَشِّرْهُم بِعَذَابٍ أَلِيمٍ

پس آنها را به عذاب دردناک (دوزخ) بشارت ده.

۲۵

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ

مَمْنُونٍ

مگر آنان که ایمان آرند و نیکوکار شوند که آنها را اجری بی منت و ثوابی بی نهایت (در بهشت جاودانی) خواهد بود.

در حالی که بر تختها (ی عزت تکیه زده و دوزخیان را) مشاهده می‌کنند.

۱  
۵۲۷ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الْبُرُوجِ

قسم به آسمان بلند که دارای کاخهای با عظمت است.

۲

وَالْيَوْمِ الْمَوْعُودِ

و قسم به روز موعود (قیامت که وعده گاه خلائق است).

۳

وَشَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ

و قسم به شاهد (عالم، پیغمبر خاتم منلی الله علیه و آله و سلم) و به مشهود (او قیامت و امت).

۴

قُتِلَ أَصْحَابُ الْأُحْدُودِ

قسم به اینان که اصحاب اخدود (یعنی آن قوم کافری که بر مؤمنان به مکر مسلط شدند و آنها را به خندقهای آتش در افکندند) همه کشته (یعنی ملعون و مطرود) شدند.

۵

النَّارِ ذَاتِ الْوُقُودِ

همان آتش سختی که (آن مردم ظالم به جان خلق) بر افروختند.

۶

إِذْ هُمْ عَلَيْهَا قُعُودٌ

که بر کنار آن خندقهای آتش بنشستند.

۷

وَهُمْ عَلَىٰ مَا يَفْعَلُونَ بِالْمُؤْمِنِينَ شُهُودٌ

و سوختن مؤمنانی که به آتش افکندند مشاهده می‌کردند.

۸

وَمَا نَقَمُوا مِنْهُمْ إِلَّا أَن يُؤْمِنُوا بِاللَّهِ الْعَزِيزِ الْحَمِيدِ

و با آن مؤمنان که بسوختند هیچ عداوتی نداشتند جز آنکه آنان به خدای مقتدر ستوده صفات ایمان آورده بودند.

۹

الَّذِي لَهُ مُلْكُ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ وَاللَّهُ عَلَىٰ كُلِّ شَيْءٍ  
شَهِيدٌ

آن خدایی که فرمانروایی آسمانها و زمین از آن اوست، و خدا بر هر چه در عالم است گواه است.

۱۰

إِنَّ الَّذِينَ فَتَنُوا الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ ثُمَّ لَمْ يَتُوبُوا فَلَهُمْ  
عَذَابُ جَهَنَّمَ وَلَهُمْ عَذَابُ الْحَرِيقِ

آنان که مردان و زنان با ایمان را به آتش فتنه سوختند و توبه نکردند، بر آنها عذاب جهنم و آتش سوزان دوزخ مهیاست.

۱۱

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَهُمْ جَنَّاتٌ تَجْرِي مِنْ  
تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ ذَٰلِكَ الْفَوْزُ الْكَبِيرُ

آنان که به خدا ایمان آورده و نیکوکار شدند بر آنها البته (در بهشت) باغهایی است که زیر درختانش نهرها جاری است. این بهشت ابد به حقیقت سعادت و فیروزی بزرگ است.

۱۲

إِنَّ بَطْشَ رَبِّكَ لَشَدِيدٌ

همانا مواخذه و انتقام خدا بسیار سخت است.

۱۳

إِنَّهُ هُوَ يُبَدِّئُ وَيُعِيدُ

اوست که به حقیقت نخست خلق را بیافریند و باز (پس از مرگ به عرصه قیامت) برگرداند.

۱۴

وَهُوَ الْعَفُورُ الْوَدُودُ

و هم او بسیار آمرزنده و دوستدار مؤمنان است.

۱۵

ذُو الْعَرْشِ الْمَجِيدُ

و خداوند عرش (عظیم) و هم با اقتدار و عزت است.

۱۶

فَعَالٌ لِّمَا يُرِيدُ

هر چه بخواهد آن را در کمال قدرت و اختیار انجام دهد.

۱۷

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْجُنُودِ

آیا احوال جنود (شاهان گذشته) بر تو حکایت شده است؟

۱۸

فِرْعَوْنَ وَثَمُودَ

داستان فرعون و قوم ثمود (که به کیفر کفر و دشمنی با رسل هلاک شدند).

۱۹

بَلِ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي تَكْذِيبٍ

بلی آنان که کافرنده به تکذیب می‌پردازند.

۲۰

وَاللَّهُ مِنْ وَرَائِهِمْ مُحِيطٌ

و خدا بر همه آنها محیط است.

۲۱

بَلْ هُوَ قُرْءَانٌ مَّجِيدٌ

بلکه این کتاب قرآن بزرگوار و ارجمند الهی است.

۲۲

فِي لَوْحٍ مَّحْفُوظٍ

که در لوح محفوظ حق (و صفحه عالم ازلی) نگاشته است.

۱  
۵۲۸ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالسَّمَاءِ وَالطَّارِقِ

قسم به آسمان و طارق آن.

۲

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الطَّارِقُ

و چگونه توانی طارق آسمان را بدانی؟

۳

النَّجْمِ الثَّاقِبِ

طارق همان کوکب درخشان است که نورش نفوذ کند.

۴

إِنْ كُلُّ نَفْسٍ لَّمَّا عَلَيْهَا حَافِظٌ

(قسم به اینان) که هیچ شخصی نیست جز آنکه او را البته (از طرف خدا) مراقب و نگهبانی هست.

۵

فَلْيَنْظُرِ الْإِنْسَانُ مِمَّ خُلِقَ

پس انسان مغرور باید بنگرد که از چه آفریده شده است؟

۶

خُلِقَ مِنْ مَّاءٍ دَافِقٍ

از آب نطفه جهنده‌ای خلقت گردیده.

۷

يَخْرُجُ مِنْ بَيْنِ الصُّلْبِ وَالتَّرَائِبِ

که از میان مصلب (پدر) و سینه (مادر) بیرون آید.

۸

إِنَّهُ وَعَلَى رَجْعِهِ لَقَادِرٌ

(خدایی که او را از این نا چیز بی جان آفرید و جان بخشید) او البته بر زنده کردنش دوباره (پس از مرگ) قادر است.

۹

يَوْمَ تُبْلَى السَّرَائِرُ

روزی که اسرار باطن شخص آشکار شود.

۱۰

فَمَا لَهُ مِنْ قُوَّةٍ وَلَا نَاصِرٍ

و آن روز قوتی در خویش و یآوری بر نجات خود نیابد.

۱۱

وَالسَّمَاءِ ذَاتِ الرَّجْعِ

قسم به آسمان فرو ریزنده باران.

۱۲

وَالْأَرْضِ ذَاتِ الصَّدْعِ

و قسم به زمین گیاه روینده (برای خلقان).

۱۳

إِنَّهُ وَلَقَوْلُ فَصْلٌ

که قرآن به حقیقت کلام جدا کننده (حق از باطل) است.

۱۴

وَمَا هُوَ بِالْهَزْلِ

و هرگز سخن هزل بیهوده نیست.

۱۵

إِنَّهُمْ يَكِيدُونَ كَيْدًا

دشمنان اسلام هر چه بتوانند کید و مکر (بر محو اسلام) می‌کنند.

۱۶

وَأَكِيدُ كَيْدًا

و من هم در مقابل مکرشان مکر خواهم کرد.

۱۷

فَمَهْلِ الْكَافِرِينَ أَمْهَلُهُمْ رُوَيْدًا

پس اندکی کافران را مهلت ده و آنها را فرو گذار (تا وقت کیفرشان فرا رسد).

۱  
حزب  
۲۳۷  
۵۲۹ر

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى

(ای رسول ما) نام خدای خود را که برتر و بالاتر (از همه موجودات) است به پاکی یاد کن.

۲

الَّذِي خَلَقَ فَسَوَّى

آن خدایی که (عالم را) خلق کرد و (همه را) به حد کمال خود رسانید.

۳

وَالَّذِي قَدَّرَ فَهَدَىٰ

آن خدایی که (هر چیز را) قدر و اندازه‌ای داد و (به راه کمالش) هدایت نمود.

۴

وَالَّذِي أَخْرَجَ الْمَرْعَىٰ

آن خدایی که گیاه را سبز و خرم از زمین برویانید.

۵

فَجَعَلَهُ غُثَاءً أَحْوَىٰ

و آن گاه خشک و سیاهش گردانید.

۶

سَنُقَرِّبُكَ فَلَا تَنْسَىٰ

ما تو را قرائت آیات قرآن چندان آموزیم که هیچ فراموش نکنی.

۷

إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّهُ يَعْلَمُ الْجَهْرَ وَمَا يَخْفَىٰ

مگر آنچه خدا خواهد (که از یادت برد) که او به امور آشکار و پنهان عالم آگاه است.

۸

وَنُيَسِّرُكَ لِلْيُسْرَىٰ

و ما تو را بر طریقه (شریعت سهل و) آسان موفق می‌داریم.

۹

فَذَكِّرْ إِنْ نَفَعَتِ الذِّكْرَىٰ

پس (به آیات الهی خلق را) متذکر ساز اگر سودمند افتد.

۱۰

سَيَذَكَّرُكَ مَنْ يَخْشَىٰ

البته هر که خدا ترس باشد (به این تذکر) پند می‌گیرد.

۱۱

وَيَتَجَنَّبُهَا الْأَشْقَىٰ

و آن که شقی‌ترین مردم است از آن دوری گزیند.

۱۲

الَّذِي يَصِلَى النَّارَ الْكُبْرَىٰ

همان کس که عاقبت به آتش بسیار سخت دوزخ در افتد.

۱۳

ثُمَّ لَا يَمُوتُ فِيهَا وَلَا يَحْيَىٰ

و در آن دوزخ نه بمیرد (تا راحت شود) و نه زنده ماند (و) برخوردار از زندگانی باشد).

۱۴

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّىٰ

حقا فلاح و رستگاری یافت آن کسی که تزکیه نفس کرد.

۱۵

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّىٰ

و به ذکر نام خدا به نماز و طاعت پرداخت.

بَلْ تُؤْثِرُونَ الْحَيٰوةَ الدُّنْيَا

وَالْآخِرَةُ خَيْرٌ وَأَبْقَىٰ

إِنَّ هَذَا لَفِي الصُّحُفِ الْأُولَىٰ

صُحُفِ إِبْرَاهِيمَ وَمُوسَىٰ

## ۸۸. غاشیہ

الْغَاشِيَّةُ: غاشیہ

مکی

۲۶ آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

هَلْ أَتَاكَ حَدِيثُ الْعَشِيَّةِ

۱ ر۵۳

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ خَاشِعَةٌ

۲

عَامِلَةٌ نَّاصِبَةٌ

۳

تَصَلَّىٰ نَارًا حَامِيَةً

۴

تُسْقَىٰ مِنْ عَيْنٍ عَآئِيَةٍ

۵

لَيْسَ لَهُمْ طَعَامٌ إِلَّا مِنْ ضَرِيحٍ

۶

لَا يُسْمِنُ وَلَا يُغْنِي مِنْ جُوعٍ

۷

وَجُوهٌ يَوْمَئِذٍ نَّاعِمَةٌ

۸

لِسَعْيِهَا رَاضِيَةٌ

۹

فِي جَنَّةٍ عَالِيَةٍ

۱۰

لَا تَسْمَعُ فِيهَا لَغِيَّةَ

۱۱

فِيهَا عَيْنٌ جَارِيَةٌ

۱۲

فِيهَا سُرُرٌ مَّرْفُوعَةٌ

۱۳

وَأَكْوَابٌ مَّوْضُوعَةٌ

۱۴

وَنَمَارِقُ مَصْفُوفَةٌ

۱۵

وَزَرَاجِبٌ مَّبْثُوثَةٌ

۱۶

أَفَلَا يَنْظُرُونَ إِلَى الْإِلٰهِ كَيْفَ خُلِقَتْ

۱۷

وَالِى السَّمَآءِ كَيْفَ رُفِعَتْ

۱۸

وَالِى الْجِبَالِ كَيْفَ نُصِبَتْ

۱۹

وَالِى الْأَرْضِ كَيْفَ سُطِحَتْ

۲۰

فَذَكِّرْ إِنَّمَا أَنْتَ مُذَكِّرٌ

۲۱

لَسْتَ عَلَيْهِمْ بِمُصَيِّرٍ

۲۲

إِلَّا مَنْ تَوَلَّىٰ وَكَفَرَ

۲۳

فَيُعَذِّبُهُ اللَّهُ الْعَذَابَ الْأَكْبَرَ

۲۴

إِنَّ إِلَيْنَا إِيَابَهُمْ

۲۵

ثُمَّ إِنَّ عَلَيْنَا حِسَابَهُمْ

۲۶

(اما شما مردم از جهل و غفلت از پی این سعادت نروید) بلکه زندگانی دنیا را بگزینید و عزیز دارید.

در صورتی که منزل آخرت بسی بهتر و پاینده‌تر (از دنیای چند روزه) است.

این گفتار به حقیقت در کتب پیشین ذکر شده.

بخصوص در صحف ابراهیم و تورات موسی (مفصل بیان گردیده است).

(ای رسول ما) آیا خبر هولناک قیامت و بلیّه عالم گیر محشر بر تو حکایت شده است؟

که آن روز رخسار گروهی (کافر و متکبر) ترسناک و ذلیل باشد.

و همه کارشان رنج و مشقت است.

به آتش فروزان دوزخ در آیند.

از چشمه آب گرم جهنم آبشان نوشانند.

طعامی غیر ضریع دوزخ (که علفی بد طعم و بوست) غذای آنها نیست.

که آن طعام (هر چه خوردند) نه فربه‌شان کند و نه سیرشان گرداند.

جمعی دیگر رخسارشان شادمان و خندان است.

از سعی و کوشش خود (در طاعت خدا) خشنودند.

در بهشت بلند مرتبت مقام عالی یافته‌اند.

و در آنجا هیچ سخن زشت و بیهوده نشنوند.

در آن بهشت چشمه‌ها (ی آب زلال و گوارا) جاری است.

و هم آنجا تختهای عالی و کرسیهای بلند پایه نهاده‌اند.

و قدحهای بزرگ (بهترین شراب) گذاشته‌اند.

و مسند و بالشهای لطیف مرتب داشته‌اند.

و فرشهای عالی گرانبها گسترده‌اند.

آیا مردم در خلقت شتر نمی‌نگرند که چگونه (به انواع حکمت و منفعت برای بشر) خلق شده است؟

و در خلقت کاخ بلند آسمان فکر نمی‌کنند که چگونه آن را بر افراشته‌اند؟

و کوهها را نمی‌بینند که چگونه بر زمین کوبیده‌اند؟

و به زمین نظر نمی‌کنند که چگونه گسترده‌اند؟

پس خلق را (به حکمتهای الهی) متذکر ساز که وظیفه پیغمبری تو غیر از این نیست.

تو مسلط و توانا بر (تبدیل کفر و ایمان) آنها نیستی.

جز آنکه هر کس (پس از تذکر) روی از حق بگرداند و کافر شود.

او را خدا به عذابی بزرگ (در دوزخ) معذب کند.

البته باز گشت آنها به سوی ماست.

آن گاه حسابشان بر ما خواهد بود.



۱  
۵۳۱

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالْفَجْرِ

۲

وَلَيَالٍ عَشْرٍ

۳

وَالشَّفْعِ وَالْوَتْرِ

۴

وَاللَّيْلِ إِذَا يَسِرٍ

۵

هَلْ فِي ذَلِكَ قَسَمٌ لِّذِي حِجْرِ

۶

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِعَادٍ

۷

إِرمَ ذَاتِ الْعِمَادِ

۸

الَّتِي لَمْ يُخْلَقْ مِثْلُهَا فِي الْبِلَادِ

۹

وَتَمُودَ الَّذِينَ جَابُوا الصَّخْرَ بِالْوَادِ

۱۰

وَفِرْعَوْنَ ذِي الْأَوْتَادِ

۱۱

الَّذِينَ طَعَوْا فِي الْبِلَادِ

۱۲

فَأَكْثَرُوا فِيهَا الْفَسَادَ

۱۳

فَصَبَّ عَلَيْهِمُ رَبُّكَ سَوْطَ عَذَابٍ

۱۴

إِنَّ رَبَّكَ لَبِالْمِرْصَادِ

۱۵

فَأَمَّا الْإِنْسَانُ إِذَا مَا ابْتَدَأَهُ رَبُّهُ فَأَكْرَمَهُ وَنَعَّمَهُ

فَيَقُولُ رَبِّي أَكْرَمَنِ

۱۶

وَأَمَّا إِذَا مَا ابْتَدَأَهُ فَقَدَرَ عَلَيْهِ رِزْقَهُ فَيَقُولُ رَبِّي أَهْنَنِ

۱۷

كَلَّا بَلْ لَا تُكْرِمُونَ الْيَتِيمَ

۱۸

وَلَا تَحَاضُّونَ عَلَى طَعَامِ الْمِسْكِينِ

۱۹

وَتَأْكُلُونَ التَّرَاثَ أَكْلًا لَمًّا

۲۰

وَتُحِبُّونَ الْمَالَ حُبًّا جَمًّا

۲۱

كَلَّا إِذَا دُكَّتِ الْأَرْضُ دَكًّا دَكًّا

۲۲

وَجَاءَ رَبُّكَ وَالْمَلَكُ صَفًّا صَفًّا

۲۳

وَجِئَاءَ يَوْمَيْدٍ بِجَهَنَّمَ يَوْمَيْدٍ يَتَذَكَّرُ الْإِنْسَانُ وَأَنَّى لَهُ

الذِّكْرَى

قسم به صبحگاه (هنگامی که خدا جهان را به نور خورشید تابان روشن می‌سازد).

و قسم به ده شب (اول ذیحجه که بندگان خدا به دعا و ذکر مشغولند).

قسم به حق جفت (که کلیه موجودات عالم است) و به حق فرد (که ذات یکتای خداست).

و قسم به شب تار هنگامی که برود.

آیا در این امور که (قسم به آنها یاد شد) نزد اهل خرد لیاقت سوگند نیست؟

آیا ندیدی که خدای تو با عاد (قوم هود) چه کرد؟

و نیز به اهل شهر ارم (یا قوم ارم) که صاحب قدرت و عظمت بودند چگونه کیفر داد؟

در صورتی که مانند آن شهری (در استحکام و بزرگی و تنعم) در بلاد عالم ساخته نشده بود.

و نیز به قوم ثمود که در دل آن وادی سنگ را شکافته و کاخها بر خود از سنگ می‌ساختند چه کیفر سخت داد؟

و نیز فرعون (و فرعونیان) را که صاحب قدرت و سپاه بسیار بود (چگونه به دریای هلاک غرق نمود).

آنان که در روی زمین ظلم و طغیان کردند.

و بسیار فساد و فتنه انگیختند.

تا آنکه خدای تو بر آنها تازیانه عذاب پی در پی فرستاد.

خدای تو البته در کمینگاه (ستمکاران) است.

اما انسان (کم ظرف ضعیف بی صبر) چون خدا او را برای آزمایش و امتحان کرامت و نعمتی بخشد در آن حال (مغرور ناز و نعمت شود و) گوید: خدا مرا عزیز و گرامی داشت.

و چون او را باز برای آزمودن تنگ روزی کند (دلنگ و غمین شود و) گوید: خدا مرا خوار گردانید.

چنین نیست بلکه (به گناه بخل و طمع خوار شوید چون) هرگز یتیم نوازی نکنید.

و فقیر را بر سفره طعام خود به میل و رغبت ننشانید.

و مال ارث را به تمامی می‌خورید (و مراعات حق وارثان ضعیف مانند زنان و دختران و صغیران را نمی‌کنید).

و سخت فریفته و مایل به مال دنیا می‌باشید (و به ثواب آخرت هیچ نمی‌پردازید).

چنین نیستت (که دنیا طلبان پندارند روز قیامتی نیست) روزی کهه (از زلزله پی در پی) زمین به کلی خرد و متلاشی شود.

و (آن هنگام امر) خدا و فرشتگان صف در صف به عرصه محشر آیند.

و آن روز جهنم را (پدید) بیاورند، همان روز آدمی متذکر کار خود گردد، و آن تذکر چه سود به حال او بخشد؟

يَقُولُ يَلَيْتَنِي قَدَّمْتُ لِحَيَاتِي

فَيَوْمِذٍ لَا يُعَذِّبُ عَذَابَهُ أَحَدٌ

وَلَا يُوثِقُ وَثَاقَهُ أَحَدٌ

يَأْتِيهَا النَّفْسُ الْمُطْمَئِنَّةُ

أَرْجِعِي إِلَىٰ رَبِّكِ رَاضِيَةً مَّرْضِيَّةً

فَادْخُلِي فِي عِبَادِي

وَادْخُلِي جَنَّتِي

(با حسرت و ندامت) گوید: ای کاش برای زندگانی ابدی امروزم کار خیری انجام می‌دادم.

و آن روز به مانند عذاب خدا هیچ کس عذاب نکند.

و به مانند به بند هلاک کشیدن او هیچ کس به بند نکشد.

(آن هنگام به اهل ایمان خطاب لطف رسد که) ای نفس (قدسی) مطمئن و دل آرام.

به حضور پروردگارت باز آی که تو خشنود به (نعمتهای ابدی) او و او راضی از توست.

باز آی و در صف بندگان خاص من در آی.

و در بهشت من داخل شو.

<b>۹۰. بلد</b>	<b>الْبَلَدُ:</b> شهر	مکی	۲۰ آیه
----------------	-----------------------	-----	--------

**۱**
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
**حزب**
**۲۳۸**
**۵۳۲ر**
لَا أُقْسِمُ بِهَذَا الْبَلَدِ

نه، سوگند به این بلد (مکه معظم و مسجد کعبه محترم).

**۲**
وَأَنْتَ حِلٌّ بِهَذَا الْبَلَدِ

و حال آنکه تو (ای رسول گرامی) در این بلد منزل داری.

**۳**
وَوَالِدٍ وَمَا وَلَدٌ

و قسم به پدر (بزرگوار انسان، آدم صفی) و فرزندان (خدا پرست) او.

**۴**
لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي كَبَدٍ

که ما انسان را به حقیقت در رنج و مشقت آفریدیم (و به بلا و محتش آرمودیم).

**۵**
أَيَحْسَبُ أَنْ لَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ أَحَدٌ

آیا انسان پندارد که هیچ کس بر او توانایی ندارد؟

**۶**
يَقُولُ أَهْلَكْتُ مَالًا لُبَدًا

می‌گوید: من مال بسیاری تلف کردم.

**۷**
أَيَحْسَبُ أَنْ لَمْ يَرَهُ أَحَدٌ

آیا پندارد احدی او را ندیده (و افکار و اعمال بدش را ندانسته و ریا و نفاقش را نمی‌داند).

**۸**
أَلَمْ نَجْعَلْ لَهُ عَيْنَيْنِ

آیا ما به او دو چشم عطا نکردیم؟

**۹**
وَلِسَانًا وَشَفَتَيْنِ

و زبان و دو لب به او ندادیم؟

**۱۰**
وَهَدَيْنَاهُ النَّجْدَيْنِ

و راه خیر و شر را به او نمودیم؟

**۱۱**
فَلَا اقْتَحَمَ الْعَقَبَةَ

باز هم به عقبه (تکلیف) تن در نداد.

**۱۲**
وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْعَقَبَةُ

و چگونه توان دانست که آن عقبه (تکلیف و ایمان) چیست؟

**۱۳**
فَكَرَّ رَاقِبَةً

آن بنده (در راه خدا) آزاد کردن است.

**۱۴**
أَوْ إِطْعَمٌ فِي يَوْمٍ ذِي مَسْغَبَةٍ

و طعام دادن در روز قحطی و گرسنگی است.

**۱۵**
يَتِيمًا ذَا مَقْرَبَةٍ

به یتیم خویشاوندان خود.

**۱۶**
أَوْ مِسْكِينًا ذَا مَتْرَبَةٍ

یا به فقیر مضطرّ خاک نشین.

**۱۷**
ثُمَّ كَانَ مِنَ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَتَوَاصَوْا بِالصَّبْرِ وَتَوَاصَوْا بِالْمَرْحَمَةِ

و آن گاه هم از آنان باشد که ایمان آورده و یکدیگر را به اهمیتت صبر و مهربانی با خلق سفارش می‌کنند.

**۱۸**
أُولَئِكَ أَصْحَابُ الْمَيْمَنَةِ

که آنها اهل یمین و سعادتند (و نامه عمل به دست راست گیرند).

و آنان که به آیات ما (قرآن و دیگر کتب آسمانی) کافر شدند آنها اهل شومی و شقاوتند (نامه عمل به دست چپ دارند).

**۱۹**
وَالَّذِينَ كَفَرُوا بِآيَاتِنَا هُمْ أَصْحَابُ الْمَشْأَمَةِ

**۲۰**
عَلَيْهِمْ نَارٌ مُّؤَصَّدَةٌ

بر آن کافران آتشی سر پوشیده (که از آن راه گریزی نیست) احاطه خواهد کرد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا

۱  
۵۳۳ر

وَالْقَمَرِ إِذَا تَلَّهَا

۲

وَالنَّهَارِ إِذَا جَلَّهَا

۳

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَاهَا

۴

وَالسَّمَاءِ وَمَا بَنَاهَا

۵

وَالْأَرْضِ وَمَا طَحَاهَا

۶

وَنَفْسٍ وَمَا سَوَّاهَا

۷

فَالْهَمَهَا فُجُورَهَا وَتَقْوَاهَا

۸

قَدْ أَفْلَحَ مَنْ زَكَّاهَا

۹

وَقَدْ خَابَ مَنْ دَسَّاهَا

۱۰

كَذَّبَتْ ثَمُودُ بِطَغْوَاهَا

۱۱

إِذِ انبَعَثَ أَشْقَاهَا

۱۲

فَقَالَ لَهُمْ رَسُولُ اللَّهِ نَاقَةَ اللَّهِ وَسُقْيَاهَا

۱۳

فَكَذَّبُوهُ فَعَقَرُوهَا فَدَمْدَمَ عَلَيْهِمْ رَبُّهُم بِذَنبِهِمْ فَسَوَّاهَا

۱۴

وَلَا يَخَافُ عُقْبَاهَا

۱۵

## ۹۲ . لیل

اللَّيْلُ: شب

مکی

۲۱ آیه

۲ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

وَاللَّيْلِ إِذَا يَغْشَىٰ

۱  
۵۳۴ر

وَالنَّهَارِ إِذَا تَجَلَّىٰ

۲

وَمَا خَلَقَ الذَّكَرَ وَالْأُنثَىٰ

۳

إِنَّ سَعْيَكُمْ لَشَتَّىٰ

۴

فَأَمَّا مَنْ أَعْطَىٰ وَاتَّقَىٰ

۵

وَصَدَّقَ بِالْحُسْنَىٰ

۶

فَسَنِّيئِرُهُۥُ لِلْإِسْرَىٰ

۷

وَأَمَّا مَنْ بَخِلَ وَاسْتَغْنَىٰ

۸

وَكَذَّبَ بِالْحُسْنَىٰ

۹

فَسَنِّيئِرُهُۥُ لِلْعُسْرَىٰ

۱۰

وَمَا يُغْنِي عَنْهُ مَالُهُ إِذَا تَرَدَّىٰ

۱۱

إِنَّ عَلَيْنَا لَلْهُدَىٰ

۱۲

وَإِنَّ لَنَا لَلْآخِرَةَ وَالْأُولَىٰ

۱۳

فَأَنْذَرْتُكُمْ نَارًا تَلَظَّىٰ

۱۴

قسم به آفتاب و تابش آن (هنگام رفعتش).

و قسم به ماه آن گاه که در پی آفتاب تابان در آید.

و قسم به روز هنگامی که جهان را روشن سازد.

و به شب وقتی که عالم را در پرده سیاهی کشد.

و قسم به آسمان بلند و آن که این کاخ رفیع را بنا کرد.

و به زمین و آن که آن را بگسترده.

و قسم به نفس ناطقه انسان و آن که او را نیکو به حد کمال بیافرید.

و به او شر و خیر او را الهام کرد.

(قسم به این آیات الهی) که هر کس نفس ناطقه خود را از گناه و بدکاری پاک و منزّه سازد به یقین (در دو عالم) رستگار خواهد بود.

و هر که او را (به کفر و گناه) پلید گرداند البته (در دو جهان) زیانکار خواهد گشت.

طایفه ثمود از غرور و سرکشی (پیغمبر خود صالح را) تکذیب کردند.

هنگامی که شقی‌ترینشان (قدار بن سالف) بر انگیخته شد (تا ناقه صالح را پی کند).

و رسول خدا (صالح) به آنها گفت: این ناقه آیت خداست، از خدا بترسید و آن را سیراب گردانید.

آن قوم رسول را تکذیب و ناقه او را پی کردند، خدا هم آنان را به کیفر (ظلم و) گناهشان هلاک ساخت و شهرشان را با خاک یکسان نمود.

و هیچ باک از هلاک آنها نمی‌داشت (با آنها هیچ از عاقبت بدگناه خود نمی‌ترسیدند).

قسم به شب تار هنگامی که (جهان را در پرده سیاه) بپوشاند.

و قسم به روز هنگامی که روشن و فروزان گردد.

و قسم به مخلوقات عالم که خدا همه را جفت نر و ماده بیافرید.

(قسم به این آیات الهی) که سعی و کوشش شما مردم بسیار مختلف است (برخی بر صلاح و برخی بر فساد می‌کوشید).

اما هر کس عطا و احسان کرد و خدا ترس و پرهیزکار شد.

و به نیکویی (یعنی به نعیم آخرت با هر خیر و سعادت که در قرآن بیان شده) تصدیق کرد.

ما هم البته کار او را (در دو عالم) سهل و آسان می‌گردانیم.

اما هر کس بخل ورزید و خود را (از لطف خدا) بی نیاز دانست.

و نیکویی را تکذیب کرد.

پس به زودی کار او را (در دو عالم) دشوار می‌کنیم.

و گاه عذاب و هلاکت دارا بپیش وی را هیچ نجات نتواند داد.

و البته بر ماست که (خلق را) هدایت کنیم.

و ملک دنیا و آخرت از ماست (به هر که بخواهیم و صلاح دانیم می‌بخشیم).

من شما را از آتش شعله‌ور دوزخ ترسانیدم و آگاه ساختم.

لَا يَصْلِيهَا إِلَّا الْأَشْقَى

که هیچ کس در آن آتش در نیفتد مگر شقی‌ترین خلق.

الَّذِي كَذَّبَ وَتَوَلَّى

همان کس که (آیات و رسل حق را) تکذیب کرد و روی از آن بگردانید.

وَسَيَجْزِيهَا الْأَتَقَى

و اهل تقوا را از آن آتش دور سازند.

الَّذِي يُؤْتِي مَالَهُ يَتَزَكَّى

آن کس که مال خود را (به فقیران اسلام) به وجه زکات بدهد.

وَمَا لِأَحَدٍ عِنْدَهُ مِنْ نِعْمَةٍ تُجْزَى

و حال آنکه هیچ کس بر وی حق نعمت ندارد تا به پاداش آن بدهد.

إِلَّا أبتِغَاءَ وَجْهِ رَبِّهِ الْأَعْلَى

(او احسان نکند) جز در طلب رضای خدای خود که برتر و بالاترین موجودات است.

وَلَسَوْفَ يَرْضَى

و البته (در بهشت آخرت به آن نعمتهای ابدی) خشنود خواهد گردید.

### ۹۳. ضحی

الضُّحَى: روشنائی روز

مکی

۱۱ آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

قسم به روز روشن (یا هنگام ظهر آن).

وَالضُّحَى

و قسم به شب به هنگام آرامش آن.

وَاللَّيْلِ إِذَا سَجَى

که خدای تو هیچ گاه تو را ترک نگفته و بر تو خشم ننموده است (چهل روز بر رسول وحی نیامد، دشمنان به طعنه گفتند: خدا از محمد قهر کرده. این آیه رد بر آنهاست).

مَا وَدَّعَكَ رَبُّكَ وَمَا قَلَى

و البته عالم آخرت برای تو بسی بهتر از نشأه دنیاست.

وَلَلْآخِرَةُ خَيْرٌ لَّكَ مِنَ الْأُولَى

و پروردگار تو به زودی به تو چندان عطا کند که تو راضی شوی (در دنیا نصرت و در آخرت مقام شفاعت به تو بخشد).

وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى

آیا خدا تو را یتیمی نیافت که در پناه خود جای داد؟

أَلَمْ يَجِدْكَ يَتِيمًا فَكَوَى

و تو را (در بیابان مکه) ره گم کرده و حیران یافت (در طفولیت که حلیمه دایه‌ات آورد تا به جدت عبد المطلب سپارد در راه مکه گم شدی، حلیمه و عبد المطلب سخت پریشان شدند و خدا زود آنها را به تو) ره نمایی کرد.

وَوَجَدَكَ ضَالًّا فَهَدَى

و باز تو را فقیر (الی الله) یافت (به دولت نبوت) توانگر کرد (و نعمت رسالت عطا نمود).

وَوَجَدَكَ عَائِلًا فَأَغْنَى

پس تو هم یتیم را هرگز میازار.

فَأَمَّا الْيَتِيمَ فَلَا تَقْهَرْ

و فقیر و گدای سائل را به زجر مران.

وَأَمَّا السَّائِلَ فَلَا تَنْهَرْ

و اما نعمت پروردگارت را (که مقام نبوت و تقرب کامل به خدا یافتی، بر امت) باز گو.

وَأَمَّا بِنِعْمَةِ رَبِّكَ فَحَدِّثْ

### ۹۴. انشراح

الشَّرْح: گشایش

مکی

۸ آیه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(ای رسول گرامی) آیا ما تو را (به نعمت حکمت و رسالت) شرح صدر (و بلندی همت) عطا نکردیم؟

أَلَمْ نَشْرَحْ لَكَ صَدْرَكَ

و بار سنگین (گناه) را (به اعطای مقام عصمت) از تو برداشتیم.

وَوَضَعْنَا عَنْكَ وِزْرَكَ

در صورتی که آن بار سنگین ممکن بود پشت تو را گران دارد.

الَّذِي أَنْقَضَ ظَهْرَكَ

و نام نکوی تو را (به رغم دشمنان، در عالم) بلند کردیم.

وَرَفَعْنَا لَكَ ذِكْرَكَ

پس (بدان که به لطف خدا) با هر سختی البته آسانی هست.

فَإِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

و با هر سختی البته آسانی هست.

إِنَّ مَعَ الْعُسْرِ يُسْرًا

پس چون از نماز و طاعت پرداختی برای دعا همت مصروف دار.

فَإِذَا فَرَغْتَ فَانصَبْ

و به سوی خدای خود همیشه متوجه و مشتاق باش.

وَإِلَىٰ رَبِّكَ فَأَرْعَبْ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ وَالَّتَيْنِ وَالزَّيْتُونِ

۱  
۵۳۷ر

۲ وَطُورِ سِينِينَ

۳ وَهَذَا الْبَلَدِ الْأَمِينِ

۴ لَقَدْ خَلَقْنَا الْإِنْسَانَ فِي أَحْسَنِ تَقْوِيمٍ

۵ ثُمَّ رَدَدْنَاهُ أَسْفَلَ سَافِلِينَ

۶ إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ أَجْرٌ غَيْرُ مَمْنُونٍ

۷ فَمَا يُكَذِّبُكَ بَعْدُ بِالذِّينِ

۸ أَلَيْسَ اللَّهُ بِأَحْكَمِ الْحَاكِمِينَ

## ۰۹۶. علق

الْعَلَقُ: خون بسته

مکی

۱۹ آیه

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

أَقْرَأُ بِاسْمِ رَبِّكَ الَّذِي خَلَقَ

۱  
۵۳۸ر

۲ خَلَقَ الْإِنْسَانَ مِنْ عَلَقٍ

۳ أَقْرَأُ وَرَبُّكَ الْأَكْرَمُ

۴ الَّذِي عَلَّمَ بِالْقَلَمِ

۵ عَلَّمَ الْإِنْسَانَ مَا لَمْ يَعْلَمْ

۶ كَلَّا إِنَّ الْإِنْسَانَ لَيْطَغَى

۷ أَنْ رَعَاهُ اسْتَعْنَى

۸ إِنَّ إِلَىٰ رَبِّكَ الرُّجْعَى

۹ أَرَأَيْتَ الَّذِي يَنْهَى

۱۰ عَبْدًا إِذَا صَلَّى

۱۱ أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ عَلَى الْهُدَىٰ

۱۲ أَوْ أَمَرَ بِالتَّقْوَىٰ

۱۳ أَرَأَيْتَ إِنْ كَذَّبَ وَتَوَلَّىٰ

۱۴ أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَىٰ

۱۵ كَلَّا لَئِنْ لَمْ يَنْتَهِ لَنَسْفَعًا بِالنَّاصِيَةِ

۱۶ نَاصِيَةِ كَازِبَةٍ خَاطِئَةٍ

۱۷ فَلْيَدْعُ نَادِيَهُ

۱۸ سَدِّعُ الزَّبَانِيَةَ

۱۹ كَلَّا لَا تَطِئُهَا وَأَسْجُدْ وَأَقْتَرِبْ ۝

سجده

واجب

قسم به تین و زیتون (دو میوه معروف انجیر و زیت یا دو معبد بزرگ کعبه و بیت المقدس).

و قسم به طور سینا.

و قسم به این شهر امن و امان (مکه معظم).

که ما انسان را در نیکوترین صورت (در مراتب وجود) بیافریدیم.

سپس (به کیفر کفر و گناهش) به اسفل سافلین (جهنم و پست‌ترین رتبه امکان) برگردانیدیم.

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند که به آنها پاداش دائمی (بهشت ابد) عطا کنیم.

پس (ای انسان مشرک ناسپاس) چه تو را بر آن داشت که دین حق و روز جزا را تکذیب کنی؟

آیا خدا مقتدرترین و عادل‌ترین حکمفرمایان عالم نیست؟

(ای رسول گرامی برخیز و قرآن را) به نام پروردگارت که خدای آفریننده عالم است (بر خلق) قرانت کن.

آن خدایی که آدمی را از خون بسته (که تحول نطفه است) بیافرید.

بخوان و (بدان که) پروردگار تو کریم‌ترین کریمان عالم است.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

آن خدایی که بشر را علم نوشتن به قلم آموخت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ

۱  
۵۳۹ر

ما این قرآن عظیم الشان را در شب قدر نازل کردیم.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ

۲

و چه تو را به عظمت این شب قدر آگاه تواند کرد؟

لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِّنْ أَلْفِ شَهْرٍ

۳

شب قدر از هزار ماه بهتر و بالاتر است.

تَنْزِيلُ الْمَلَكِ وَالرُّوحُ فِيهَا بِإِذْنِ رَبِّهِمْ مِّنْ كُلِّ أَمْرٍ

۴

در این شب فرشتگان و روح (یعنی جبرئیل) به اذن خدا (بر مقام ولایت نبی و امام عصر علیه السلام) از هر فرمان و دستور الهی نازل می‌شوند (و سرنوشت و مقدرات خلق را نازل می‌گردانند).

سَلَّمَ هِيَ حَتَّىٰ مَطْلَعِ الْفَجْرِ

۵

این شب (رحمت و) سلامت و تهنیت است تا صبحگاه.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
لَمْ يَكُنِ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ  
مُنْفَكِينَ حَتَّىٰ تَأْتِيَهُمُ الْبَيِّنَةُ

۱  
۵۴۰ر

کافران اهل کتاب و مشرکان (از کفر و عصیان) منفک نبودند (و به راه صواب هدایت نمی‌یافتند) تا آنکه برهان و حجت حق بر آنها بیاید.

رَسُولٍ مِّنَ اللَّهِ يَتْلُوا صُحُفًا مُّطَهَّرَةً

۲

رسولی از جانب خدا (چون محمد صلی الله علیه و آله و سلم) که کتب آسمانی پاک و منزّه (از خطا و تحریف) را بر آنها تلاوت کند.

فِيهَا كُتُبٌ قَيِّمَةٌ

۳

که در آن کتب نامه‌های حقیقت و راستی (و نگهبان سنت عدل الهی) مسطور است.

وَمَا تَفَرَّقَ الَّذِينَ أُوتُوا الْكِتَابَ إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَا جَاءَتْهُمْ  
الْبَيِّنَةُ

۴

و اهل کتاب (در حق این رسول گرامی) راه تفرقه و خلاف نپیمودند مگر پس از آنکه آنها را حجت کامل (در کتب آسمانی بر حقانیت رسول) آمد (و دانسته بر انکار او لجاج و عناد ورزیدند).

وَمَا أُمِرُوا إِلَّا لِيَعْبُدُوا اللَّهَ مُخْلِصِينَ لَهُ الدِّينَ حُنَفَاءَ  
وَيُقِيمُوا الصَّلَاةَ وَيُؤْتُوا الزَّكَاةَ وَذَلِكَ دِينُ الْقَيِّمَةِ

۵

در صورتی که (در کتب آسمانی) امر نشده بودند مگر بر اینکه خدا را به اخلاص کامل در دین (اسلام) پرستش کنند و از غیر دین حق روی بگردانند و نماز به پا دارند و زکات (به فقیران) بدهند. این است دین درست.

إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْ أَهْلِ الْكِتَابِ وَالْمُشْرِكِينَ فِي نَارِ  
جَهَنَّمَ خَالِدِينَ فِيهَا أُولَئِكَ هُمْ شَرُّ الْبَرِيَّةِ

۶

محققا آنان که از اهل کتاب کافر شدند (و عیسی و عزیر و رهبانان و احبار را به مقام ربوبیت خواندند) آنها با مشرکان همه در آتش دوزخند و در آن همیشه معذبند، آنها به حقیقت بدترین خلقند.

إِنَّ الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أُولَئِكَ هُمْ خَيْرُ  
الْبَرِيَّةِ

۷

آنان که ایمان آوردند و نیکوکار شدند آنها به حقیقت بهترین اهل عالمند.

جَزَاؤُهُمْ عِنْدَ رَبِّهِمْ جَنَّتٌ عَدْنٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ  
خَالِدِينَ فِيهَا أَبَدًا رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمْ وَرَضُوا عَنْهُ ذَلِكَ لِمَنْ  
حَسِبَى رَبَّهُ و

۹۹. زلزال الزَّلْزَلَةُ: زلزله مدنی ۸ آیه

هنگامی که زمین به سخت‌ترین زلزله خود به لرزه در آید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِذَا زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا

۱  
ر ۵۴۱

وَأَخْرَجَتِ الْأَرْضُ أَثْقَالَهَا

۲

وَقَالَ الْإِنْسَانُ مَا لَهَا

۳

يَوْمَئِذٍ تُحَدِّثُ أَخْبَارَهَا

۴

بِأَنَّ رَبَّكَ أَوْحَى لَهَا

۵

يَوْمَئِذٍ يَصْدُرُ النَّاسُ أَشْتَاتًا لِيُرَوْا أَعْمَلَهُمْ

۶

فَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ

۷

وَمَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ

۸

۱۰۰. عادیات العَادِيَات: دوندگان مکی ۱۱ آیه ۲ صفحه

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
وَالْعَدِيَّتِ صُبْحًا

۱  
ر ۵۴۲

فَالْمُورِيَّتِ قَدْحًا

۲

فَالْمُعِيرَاتِ صُبْحًا

۳

فَأَثَرْنَ بِهِ نَقْعًا

۴

فَوَسَطْنَ بِهِ جَمْعًا

۵

إِنَّ الْإِنْسَانَ لِرَبِّهِ لَكَنُودٌ

۶

وَإِنَّهُ عَلَىٰ ذَلِكِ لَشَهِيدٌ

۷

وَإِنَّهُ لِحُبِّ الْخَيْرِ لَشَدِيدٌ

۸

أَفَلَا يَعْلَمُ إِذَا بُعْثِرَ مَا فِي الْقُبُورِ

۹  
حزب ۲۴۰

پاداش آنها نزد خدایشان باغهای بهشت عدن است که نهرها زیر درختانش جاری است و در آن بهشت ابد جاودان متنعمند، خدا از آنها خشنود و آنها هم از خدا خشنودند. این بهشت مخصوص کسی است که از خدا ترسد (و به طاعت او پردازد).

و بارهای سنگین اسرار درون خویش (که گنجها و معادن و اموات و غیره است) همه را از دل خاک بیرون افکند.

و (آن روز) آدمی (از فرط حیرت و اضطراب) گوید: زمین را چه پیش آمده؟

آن هنگام زمین مردم را به حوادث خویش آگاه می‌سازد.

که خدا به او چنین الهام کند (تا به سخن آید و خلق را به اخبارش آگه نماید).

در آن روز قیامت مردم از قبرها پراکنده بیرون آیند تا (پاداش نیک و بد) اعمال آنها را (در حساب و میزان حق) به آنان بنمایند.

پس هر کس به قدر ذره‌ای کار نیک کرده باشد (پاداش) آن را خواهد دید.

و هر کس به قدر ذره‌ای کار زشتی مرتکب شده آن هم به کیفرش خواهد رسید.

قسم به اسبانی که (سواران اسلام در جهاد با کفار تاختند تا جایی که) نفسشان به شماره افتاد.

و در تاختن از سم خود بر سنگ آتش افروختند.

و (بر دشمن شبیخون زدند تا) صبحگاه (آنها را) به غارت گرفتند.

و گرد و غبار از دیار کفار بر انگیختند.

و سپاه دشمن را همه در میان گرفتند.

(قسم به اسبان این مجاهدان دین خدا) که انسان نسبت به پروردگارش کافر نعمت و ناسپاس است.

و (خدا و یا) خود او بر این ناسپاسی محققا گواه است.

و هم او بر حب مال دنیا سخت فریفته و بخیل است.

آیا آدمی نمی‌داند که روزی آنچه (از مردگان) در دل قبرهاست همه بیرون ریخته می‌شود؟

## وَحُصِّلَ مَا فِي الصُّدُورِ

و آنچه در دلها پنهان است همه را پدیدار سازند؟

۱۱ إِنَّ رَبَّهُمْ بِهِمْ يَوْمَئِذٍ لَّخَبِيرٌ

محققا آن روز پروردگارشان (نیک و بد کردار) آنها کاملا آگاه است.

### ۱۰۱ . قارعه

القَارِعَةُ: کوبنده

مکی

۱۱ آیه

قارعه.

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

القَارِعَةُ

۱  
۵۴۳

۲ مَا الْقَارِعَةُ

قارعه چیست؟ (همان روز وحشت و اضطراب مرگ و قیامت است که دلهای خلابق را از ترس در هم کوبد).

۳ وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْقَارِعَةُ

و چگونه حالت آن روز هولناک را تصور توانی کرد؟

۴ يَوْمَ يَكُونُ النَّاسُ كَالْفَرَاشِ الْمَبْثُوثِ

در آن روز سخت، مردم مانند ملخ هر سو پراکنده شوند.

۵ وَتَكُونُ الْجِبَالُ كَالْعِهْنِ الْمَنْفُوشِ

و کوهها همچون پشم زده شده متلاشی گردد.

۶ فَأَمَّا مَنْ ثَقُلَتْ مَوَازِينُهُ

پس عمل هر کس را در میزان حق وزنی باشد،

۷ فَهُوَ فِي عِيشَةٍ رَاضِيَةٍ

او در بهشت به آسایش و زندگانی خوش خواهد بود.

۸ وَأَمَّا مَنْ خَفَّتْ مَوَازِينُهُ

و عمل هر کس بی قدر و سبک وزن باشد،

۹ فَأُمُّهُ هَاوِيَةٌ

جایگاهش در قعر هاویه (جهنم) است.

۱۰ وَمَا أَدْرَاكَ مَا هِيَتْ

و چگونه سختی هاویه را تصور توانی کرد؟

۱۱ نَارٌ حَامِيَةٌ

هاویه همان آتش سخت سوزنده و گدازننده است.

### ۱۰۲ . تکاثر

التَّكَاثُرُ: افتخار به زیادی ثروت

مکی

۸ آیه

۱ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

الْهَيْكُمُ التَّكَاثُرُ

۱  
۵۴۴

شما مردم را افتخار به بسیاری اموال و فرزند و عشیره سخت (از یاد خدا و مرگ) غافل داشته است.

۲ حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ

تا آنجا که به ملاقات (اهل) قبور رفتید (و به جای آنکه عبرت بگیرید آنجا هم به قبرهای مردگان خود بر هم مفاخرت کردید).

۳ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

نه چنین است، به زودی خواهید دانست (که پس از مرگ به برزخ چه سختیها در پیش دارید).

۴ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ

باز هم چنین نیست، حقا خواهید دانست (که به قیامت با چه عذابیها مواجهید).

۵ كَلَّا لَوْ تَعْلَمُونَ عِلْمَ الْيَقِينِ

نه چنین است، حقا اگر به طور یقین می‌دانستید (چه حادثه بزرگی در پیش دارید هرگز به بازی دنیا از عالم آخرت غافل نمی‌شدید).

۶ لَتَرَوُنَّ الْجَحِيمَ

البته (پس از مرگ) دوزخ را مشاهده خواهید کرد.

۷ ثُمَّ لَتَرَوُنَّهَا عَيْنَ الْيَقِينِ

و سپس به چشم یقین آن دوزخ را می‌بینید.

۸ ثُمَّ لَتَسْأَلَنَّ يَوْمَئِذٍ عَنِ النَّعِيمِ

آن گاه در آن روز از نعمتها شما را باز می‌پرسند.



بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱  
۵۴۵ر

وَالْعَصْرِ

قسم به عصر (نورانی رسول صلی الله علیه و آله و سلم یا دوران ظهور ولی عصر علیه السلام).

که انسان هم در خسارت و زیان است.

إِنَّ الْإِنْسَانَ لَفِي خُسْرٍ

۲

إِلَّا الَّذِينَ ءَامَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ وَتَوَّصُوا بِالحَقِّ

۳

وَتَوَّصُوا بِالصَّبْرِ

مگر آنان که ایمان آورده و نیکوکار شدند و به درستی و راستی و پایداری (در دین) یکدیگر را سفارش کردند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱  
۵۴۶ر

وَيُلِّ لِكُلِّ هُمَزَةٍ لُّمَزَةٌ

وای بر هر عیبجوی هرزه زبان.

الَّذِي جَمَعَ مَالًا وَعَدَّدَهُ

۲

همان کسی که مالی جمع کرده و دایم به حساب و شماره‌اش سر گرم است.

يَحْسَبُ أَنَّ مَالَهُوَ أَخْلَدُهُ

۳

پندارد که مال و دارایی دنیایش عمر ابدش خواهد بخشید.

كَلَّا لَيُنْبَذَنَّ فِي الْحُطَمَةِ

۴

چنین نیست، بلکه محققا به آتش در هم شکننده دوزخ در افتد.

وَمَا أَدْرَاكَ مَا الْحُطَمَةُ

۵

آتشی که چگونه تصور سختی آن توانی کرد؟

نَارُ اللَّهِ الْمَوْقَدَةُ

۶

آن آتش را (خشم) خدا افروخته.

الَّتِي تَطَّلِعُ عَلَى الْأَفْئِدَةِ

۷

شراره آن بر دلها (ی نا پاک پر از حرص دنیای کافران) شعله‌ور است.

إِنَّهَا عَلَيْهِمْ مُّوَصَدَةٌ

۸

آتشی که بر آنها از هر سو سخت احاطه کرده و راه گریزی ندارند.

فِي عَمَدٍ مُمَدَّدَةٍ

۹

و مانند ستونهای بلند زبانه کشیده است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

۱  
۵۴۷ر

أَلَمْ تَرَ كَيْفَ فَعَلَ رَبُّكَ بِأَصْحَابِ الْفِيلِ

آیا ندیدی که خدای تو با اصحاب فیل (سپاه فیل سوار ابرهه) چه کرد؟

أَلَمْ يَجْعَلْ كَيْدَهُمْ فِي تَضْلِيلٍ

۲

آیا کید و تدبیر آنها را (که برای خرابی کعبه اندیشیدند) تباه نکرد؟

وَأَرْسَلَ عَلَيْهِمْ طَيْرًا أَبَابِيلَ

۳

و بر هلاک آنها مرغانی گروه گروه فرستاد.

تَرْمِيهِمْ بِحِجَارَةٍ مِّن سِجِّيلٍ

۴

تا آن سپاه را به سنگهای سجّیل (دوزخی) سنگباران کردند.

فَجَعَلَهُمْ كَعَصْفٍ مَّأْكُولٍ

۵

و تنشان را چون علفی زیر دندان حیوان خرد گردانید.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
لَا يَلْفِ قُرَيْشٍ

۱  
۵۴۸ر

(خدا با اصحاب فیل چنین کرد) برای آنکه قریش (خداشناس شوند و) با هم انس و الفت گیرند.

إِلَيْهِمْ رِحْلَةَ الْشِّتَاءِ وَالصَّيْفِ

۲

الفتی که در سفرهای زمستان و تابستان آنان ثابت و بر قرار بماند.

فَلْيَعْبُدُوا رَبَّ هَذَا الْبَيْتِ

۳

پس (به شکرانه این دوستی) باید یگانه خدای این خانه (کعبه) را پرستند.

الَّذِي أَطْعَمَهُمْ مِنْ جُوعٍ وَعَامَنَهُمْ مِنْ خَوْفٍ

۴

همان خدایی که به آنها هنگام گرسنگی طعام داد و از ترس و خطرانشان ایمن ساخت.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
أَرَعَيْتَ الَّذِي يُكَذِّبُ بِالَّذِينَ

۱  
۵۴۹ر

آیا دیدی آن کس را که روز جزا را انکار می‌کرد؟

فَذَلِكَ الَّذِي يَدْعُ الْيَتِيمَ

۲

این همان شخص (بی رحم) است که یتیم را (از در خود) به قهر می‌راند.

وَلَا يَحْضُ عَلَى طَعَامِ الْمَسْكِينِ

۳

و (کسی را) بر اطعام فقیر ترغیب نمی‌کند.

فَوَيْلٌ لِلْمُصَلِّينَ

۴

پس وای بر آن نماز گزاران.

الَّذِينَ هُمْ عَنْ صَلَاتِهِمْ سَاهُونَ

۵

که دل از یاد خدا غافل دارند.

الَّذِينَ هُمْ يُرَاءُونَ

۶

همانان که (اگر طاعتی کنند به) ریا و خود نمایی کنند.

وَيَمْنَعُونَ الْمَاعُونَ

۷

و زکات و احسان را (از فقیران و هر خیر کوچک را حتی قرض را هم از محتاجان) منع کنند.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِنَّا أَعْطَيْنَكَ الْكَوْثَرَ

۱  
۵۵۰ر

ما تو را کوثر (یعنی عطای بسیار چون کثرت فرزندان) بخشیدیم.

فَصَلِّ لِرَبِّكَ وَأَحْزَرَ

۲

پس تو هم برای خدایت به نماز (و طاعت) و قربانی (و مناسک حج) بپرداز.

إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَبْتَرُ

۳

که محققا دشمن بدگوی تو (عاص بن وائل) مقطوع النسل است (و نسل تو تا قیامت به کثرت و برکت و عزت باقی است).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قُلْ يَتَّيَبُهَا الْكَافِرُونَ

۱  
۵۵۱ر

بگو که ای کافران (مشرك).

لَا أَعْبُدُ مَا تَعْبُدُونَ

۲

من آن بتان را که شما به خدایی می‌پرستید هرگز نمی‌پرستم.

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ

۳

و شما هم آن خدای یکتایی را که من پرستش می‌کنم پرستش نمی‌کنید.

وَلَا أَنَا عَابِدٌ مَّا عَبَدْتُمْ

۴

نه من هرگز خدایان باطل شما را عبادت می‌کنم.

وَلَا أَنْتُمْ عَابِدُونَ مَا أَعْبُدُ

۵

و نه شما یکتا خدای معبود مرا عبادت خواهید کرد.

لَكُمْ دِينُكُمْ وَلِيَ دِينِ

۶

پس اینک دین (شرك و جهل) شما برای شما باشد و دین (توحید و خدا پرستی) من هم برای من (تا روزی که به امر حق شما را از شرك برگردانم و به راه توحید خدا و خدا پرستی هدایت کنم).

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
إِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ وَالْفَتْحُ

۱  
۵۵۲ر

چون هنگام فتح و فیروزی با یاری خدا فرا رسد (مراد فتح مکه است).

وَرَأَيْتِ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا

۲

و مردم را بنگری که فوج فوج به دین خدا داخل می‌شوند (و تو را به رسالت تصدیق می‌کنند).

فَسَبِّحْ بِحَمْدِ رَبِّكَ وَأَسْتَغْفِرْهُ إِنَّهُ كَانَ تَوَّابًا

۳

در آن وقت خدای خود را حمد و ستایش کن و (از لوث شرك) پاک و منزّه‌دان و از او مغفرت و آمرزش طلب که او خدای بسیار توبه پذیر است.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
تَبَّتْ يَدَا أَبِي لَهَبٍ وَتَبَّ

۱  
۵۵۳ر

ابو لهب (که دایم در پی آزار و دشمنی پیغمبر بود با تمام اقتدار و دارایی) نابود شد و دو دستش (که سنگ به رسول می‌افکند) قطع گردید.

مَا أَغْنَىٰ عَنْهُ مَالُهُ وَمَا كَسَبَ

۲

مال و ثروتی که اندوخت هیچ به کارش نیامد و از هلاکش نرهایید.

سَيَصِلَىٰ نَارًا ذَاتَ لَهَبٍ

۳

زود باشد که به دوزخ در آتشی شعله‌ور در افتد.

وَأَمْرَأَتُهُ حَمَّالَةَ الْحَطَبِ

۴

و نیز همسرش (امّ جمیل خواهر ابو سفیان) که هیزم آتش افروز دوزخ باشد.

فِي جِيدِهَا حَبْلٌ مِّن مَّسَدٍ

۵

در حالی که (با ذلت و خواری) طنابی از لیف خرما به گردن دارد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

۱  
۵۵۴ر

بگو: حقیقت این است که خدا یکتاست.

اللَّهُ الصَّمَدُ

۲

آن خدایی که (از همه عالم) بی نیاز (و همه عالم به او نیازمند) است.

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

۳

نه کسی فرزند اوست و نه او فرزند کسی است.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

۴

و نه هیچ کس مثل و مانند و همتای اوست.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ الْفَلَقِ

۱  
۵۵۵ر

بگو: من پناه می‌جویم به خدای فروزنده صبح روشن.

مِن شَرِّ مَا خَلَقَ

۲

از شرّ مخلوقات (شریر و مردم بد اندیش).

وَمِن شَرِّ غَاسِقٍ إِذَا وَقَبَ

۳

و از شرّ شب تار هنگامی که (از پی آزار) در آید (و حشرات موذی و جنایتکاران و فتنه انگیران را به کمک ظلمتش به ظلم و جور و ستم بر انگیزد).

وَمِن شَرِّ النَّفَّاثَاتِ فِي الْعُقَدِ

۴

و از شرّ زنان افسونگر که (به جادو) در گره‌ها بدمند.

وَمِن شَرِّ حَاسِدٍ إِذَا حَسَدَ

۵

و از شرّ حسود بد خواه چون شراره آتش رشک و حسد بر افروزد.

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ  
قُلْ أَعُوذُ بِرَبِّ النَّاسِ

۱  
۵۵۶ر

بگو: من پناه می‌جویم به پروردگار آدمیان.

مَلِكِ النَّاسِ

۲

پادشاه آدمیان.

إِلَهِ النَّاسِ

۳

یکتا معبود آدمیان.

مِن شَرِّ الْوَسْوَاسِ الْخَنَّاسِ

۴

از شرّ آن وسوسه‌گر نهانی.

الَّذِي يُوسْوِسُ فِي صُدُورِ النَّاسِ

۵

آن شیطان که وسوسه و اندیشه بد افکند در دل مردمان.

مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ

۶

چه آن شیطان از جنس جن باشد و یا از نوع انسان.